UNIVERSAL
LIBRARY

OU_190208

UNIVERSAL
LIBRARY

OSMANIA UNIVERSITY LIBRARY

Call No. ف - د /۰۱۶۵۰۹۱ Accession No. ۳۷۵۴۳

Author دانشگاه تهران - کتابخانه مرکزی

Title فهرست کتابخانه مرکزی - دانشگاه تهران - جلد سوم

This book should be returned on or before the date last marked below.

فهرست گفتارهای این دفتر

سرآغاز

وانزل الله علیك الكتاب والحكمة وعلمك
مالم تكن تعلم
(قرآن — سورهٔ نساء - آیهٔ ۱۱۳)

این دفتر بخشی است از فهرست کتابهای کتابخانه‌ایکه فرزانه ارجمند واستاد دانشمند دانشگاه تهران جناب آقای سیدمحمد مشکوة بیرجندی بدانشگاه تهران اهدا کردند و ازاینراه کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران‌را بنیادگذاردند. بیگمان ازاین کار پسندیده و بسیار نیکوی ایشان همهٔ ایرانیان وهرکس که جویای دانش‌وهنراست خرسند وسپاسگزار میباشد. این کتابخانه‌درسالیان درازگردآوری شده‌است وهمهٔ کتابهای آن دارای برتری ومزیتی است که گواه بردانـائی وآگاهی گرد آورندهٔ دانشمندآن تواند بود ومیتوان مزایای کتابها را چنین شمرد :

۱- نسخه‌های شاهانه باآرایشهای دلپسند ۲- متنهای نادر فلسفی و کلامی ۳- متن‌هائی که در روزگار مؤلف نوشته شده‌است ٤- نسخه هائیکه دارای خط دانشمندان یا بلاغ واجازهٔ آنهاست ٥ - متنهای اخبار کـه دانشمندان تصحیح نمودند ٦- متنهای چاپ نشده ۷ - متنهای فقهی بخط مؤلفان ۸- ترجمهٔ پارسی متنهای فلسفی وادبی وفقهی و اخبار .

این بخش ازفهرست مربوط بکتابهای فلسفی وعرفانی‌واخلاقی و کلامی است و از چگونگی ۷٦٥ کتاب در ۹۲۰ نسخه در آن سخن رفته است .

بر کتیبهٔ یکی از کاخهای اوزیمندیاس، فرعون خاندان شانزدهم نزدیك بدو هزار پیش از مسیح، که گنجینهٔ کتابهای مقدس بوده نوشته بودند:

«داروی جانها»

(ترجمهٔ دیباچهٔ کون و فساد ارسطو از لطفی سید ص ۶۷)

دیباچه

یادآوری

شماره‌ایکه در آغاز سطر و برابر نام کتاب میان دو کمانه دیده میشود شماره کتابی است که در این فهرست آمده و پس از شناساندن کتاب شماره نسخه‌ها میآید که درمیان سطر نوشته‌شده و نسخه ها پس از آن شناسانده میشود درهمین‌جا در گوشه‌راست شماره‌ای درشت تر وسیاه تر هست که نمایندهٔ شمارهٔ ثبت نسخه دراین کتابخانه میباشد و بااین شماره باید کتاب خواسته شود. این شماره دفتری‌را میرساند که کتاب و نسخه مورد بحث شاید همه آنرا گرفته باشد یااینکه یکی ازرساله‌های مندرج در آنْ دفتر و جنگ ومجموعه بشمار آید که درهنگام شناساندن نسخه شمارهٔ رساله وشماره برگ آن در همین دفتر نیز گفته شد.

پیش‌از اینکه بفهرست کتابها بپردازم ناگزیرم سخنانی چنددرباره فهرست‌نگاری بیاورم :

درباره فهرست چنین گفته‌اند : «تفصیلی باشد در ابتدای کتاب کـه در آن اظهار آنچه از باب وفصل در آن کتاب‌شده بیان کنند» و «نوشتهٔ را گویند که‌در آن‌اسامی کتابها باشد» (برهان قاطع) نیز «الفهرست‌الکتاب‌الذی تجمع فیه‌الکتب» ابن‌منظورافریقی درلسان‌العرب وفیروزآبادی درقاموس هردو این تعریف‌را از «لیث» آورده و گفته‌اند که این واژه از «فهرست» فارسی گرفته شده است .

واژهٔ «فهرست» برابراست با «پیناکس = Pinax» یونانی که از آن لوح‌نوشتنی وسیاهه وفهرست خواسته‌میشود. ابن‌ندیم (س۲۳چاپ۱۳٤۸) گوید: «وقدذکره‌جالینوس فی (فینکس) کتبه ومعنی هذه‌اللفظة ثبت‌الکتب» خزرجی درعیون‌الانباء (ج۱ص۸٤-۸٥ و ۹۰و۱۰۳) درسرگذشت جالینوس از «فینکس کتبه» و «کتاب بینکس وهوالفهرست» و «فهرست کتبه‌المسمی بینکس» یادمیکند(۱) واز آن، دوفهرستی‌رامیخواهد که این‌پزشك درباره نگارشهای خویش نوشت .

فهرست دوگونه است یکی کتاب شناسی‌یا «ببیلیوگرافیا» که درزبانهای اروپائی آنرا Bibliographie یا Bucherverzeichnis یا Bibliography یا Book Writingمیخوانند .

آنراچنین‌شناسانده‌اند: «The systematic description and history of books ‹ their authorship printing ’ publication ’ edition etc» شناساندن‌بقاعده وسرگذشت کتابها وصحت استنادآن بنگارنده‌وچاپ ونشرآن وجز اینها .

این فهرست یا(Bibliographie) هم دوگونه‌است : یکی شمارش ورده‌بندی دفترها (Bib.Méthodique = فهرست روشی)دیگری سنجیدن و یافتن سرگذشت آنها (Bib Crittque = فهرست سنجشی)

فهرست سنجشی‌را چنین‌شناسانده‌اند : رده‌بندی‌نوشته‌ها هرگونه که باشد روی‌یك پایه‌وبنیادراهنما (Cbassifieation des livres de toute espèce selon

---

۱ ــ درفرهنگ دوزی ومحیط‌المحیط دارد : «فنکش‌الامتعة» (درکالاها جستجو کرد تاچیزیرا بیابد) .

.(un principe directeur

و نیز چنین : سیاهه نگارشهای یك نگارنده یایك چاپ کننده و نشر دهندهٔ آن یا یك کشور یا سیاهه نوشته‌ها و نگارشهائیکه از یك چیز باز شناخته‌ای در آن گفتگو میشود

La liste des livres d'un auteur ،d' un éditeur ou d'un) pays donnés ، ou celle des ouvrages traitant d'un sujet .(Particulier

با گردآمدن ایندو تعریف چنین میشود گفت: سیاهه دفترها (هرگونه نوشته خطی وچاپی و کنده کاری وجز آن)روی یك پایه‌و بنیادراهنمای همیشگی (Liste de livres .(établie suivant un prinipe directeur constaut

پس آنچه برای کتابخانه‌ها نوشته شده سیاهه Catalogue است نه فهرست اگر چه آنهم یك فهرست کوچکی خواهد بود .

(بنگرید بآغاز Les débuts de la bibliographie méthodique از Th.Besterman چاپ ۱۹۵۰ پاریس) .

دوم نسخه‌شناسی خواه خطی یا چاپی که آنرا Catalogue (گرفتهٔ از Kata سراسر و Lego سیاهه کردن در یونانی)میخوانند ودرآن نوشته‌های یك کتابخانه شمرده وشناسانده میشود وگاهی آنرا Hand list یا liste میخوانند .

اینگونه فهرست یا سیاهه شایسته است که برروی یك پایهٔ عملی و قاعدهٔ یکنواخت منطقی بوده وهرچه شماره کتابها بیشتراست گسترده‌تر وروشن‌تر باشد .

این گونه سیاهه‌را دربرگه‌ها یافیش ازروی نام‌نگارنده کتاب وهمکاراو ونویسنده نسخه وحاشیه نگار و ترجمان‌ودیباچه نویس ومطلبهای کتاب(تحلیلی) وشماره‌ثبت کتابخانه ورديف درجایگاه کتابهامینویسند ودر کتاب بیشتر ازروی‌نام کتابها مینگارند وبافهرست نامهای کسان وجایها که درپایان هرفهرست بایدباشد آنچه را که میباید نشان میدهند .

درنگارش فهرست دفترها ونسخه‌های خطی که گاهی بی‌آغار وانجام و نابسامان و بی‌نام و ازگمنام میباشد و بساخت گوناگونی هم در میآید و نویسندگان نیز درآن دست می‌برند باید آنها را دید وبچندین نسخه نگریست و بموضوع کتاب آشنا بود از اینروی در بارهٔ نام‌کتاب بـاید همهٔ آنرا خواند و دید که شاید در دیباچه یا میانه یاپایان‌آن نام‌کتاب‌آمده باشد وگرنه‌باید بسرگذشت نگارنده وفهرستها نگریست وصفحه عنوان‌خود نسخه‌را هم دید و بنام‌کتاب برخورد اگر این جستجوها بجائی نرسید بهتر است با خواندن‌کتاب نامی بزبان فهرست نگار تا بدانند از اوست بدان داد یا بزبان خود کتاب . در بارهٔ نام نگارنده بهترین راهنما خود کتاب است و اگر نشانی از او در نسخه ها نباشد باید بسرگذشت ها و فهرستها نگریست و با سنجیدن

آغاز وانجام یافصلها یا موضوع کتاب باآنچه دراینها آمده بجائی راه برد. آغازوانجام کتاب و نسخهٔ خطی ناگزیر است که درفهرست بیاید مگر در کتابهای چاپ شده که دسترس همه است و باید نشان داد که آغاز وانجام نسخه باچاپ شده چه‌جدائی دارد .

باید نوشت که در کتاب سر آغاز ودیباچه وجدولی هست و بخشهای آن چگونه‌است و کی ودر کجا و برای که و برای چه نگاشته شده وچند گزارش دارد و گزینی از آن شده وخرده گیری از آن کردند و ترجمه نمودندیا نه تا تاریخ کتاب بدست آید ودر شناساندن نسخه باید شهروتاریخ‌و نویسنده واملا کننده ومقابله کننده وخواننده وشنونده ازمؤلف یا استاد وبلاغی که هست ودارنده ونگرنده و کسی که برای او نوشته شده وسجلها ونشانه هـا و مهرها (Ex libris) که در آن هست‌وچاپی که ازروی آن شده بابدیاد گردد اگر نشانه های تاریخی وعلمی و نام‌دانشمندانیکه در کتاب و نسخه آمده درفهرست بیاید هم برای تاریخ کتاب وسر گذشت علمی نگارندهٔ آن وهم برای‌شناساندن آن گاهیکه بی نام و گمنام و ناقص باشد بسیارسودمند است و کتابخانه‌های دیگر با خواندن‌چنین فهرست میتوانند نسخه کامل یا ناقص خودرا با نسخه ناقص یا کامل این کتابخانه سنجیده بشناسند درهمه اینها ناگزیر بایستی در کتاب و نسخه درست نگریست و نسخه‌ها رابا هم سنجید وچاپهای گوناگون را دیدوفهرستهای کتابخانه‌ها راخواند تا بجائی‌راه برد. گذشته ازاینها نوع‌خط وحاشیه‌وجای آن‌راوکاغذ وشمارهٔ برگها وستونها ونگارو رنك آمیزی وجدول وسرلوح ونشانه های نسخه وجلد ونشانه وآرایش آن واندازه وسطر نیز باید یاد گردد .

چنانکه گفته شد درشناساندن نسخه خطی بابدکاغذ وخط و آرایش وجلد واندازه آن‌را شناساند. اینك اندکی درباره تاریخ کاغذ وانواع آن گفتگو میشود :

سر گذشت کاغذ

پیشینیان دربرگ خرما وپوست‌درخت ولوحهای آغشته بموم وانگم ورروی‌وسرب وپارچه وکاغذ ساختهٔ ازپوست نی کرانه‌های نیل بنام پاپیروس (بردی = دوخ) که واژه Papier و Papar از آن گرفته شده مینوشتند . نوشته‌هـای بابلیان روی‌آجر بوده و چینیان روی‌کاغذ ساخته ازگیاه (حشیش‌وکلا) می‌نوشتند وکاغذ سازی نخستین از آنها است. بگفتهٔ سالشماران چینی پیش ازدوهزار سال‌آنها ازتوت ونـارون وپنبه وبیشتر از بامبو یاخیزران کاغذ میساختند وکاغذ چینی برای گراور بهتراز کاغذ های دیگر است . گویند که در۱۲۳م تسائی‌لون Tsaï-Lun وزیر کشاورزی دستور ساختن‌کاغذراداد.

دیری بود که درتبت از پوست درختی که اندرونش مانند کتان و کنف Etoupe میبود کاغذ میساختند. ژاپونیها ازخیلی‌پیش بساختن کاغذ ازپوست درخت توت‌آشنا بودند.

مکزیکیان باستان ازبرگ صبرزرد یاعود (aloès) وپوست درخت خرما که از پیش‌آماده‌اش میکردند در کاغذسازی بکارمیبردند .

هندیها روی مس‌وسنك و پرنیان سفید وطومار مصری مینوشتند . اینگونه پرنیان

که مردم دیگر نیز بکار میبردند گاهی باانگم آلوده شده وپس اززدودن وروشن ساختن آن برای نوشتن بکارمیرفت(۱) .

هندیها درگذشته برای نوشتن برگه های نازك وسفید پوست درخت سندر (غان) بنام«bhoy-patr»که بفراوانی درکوهستان پربرف هیمالیامیروئیده نیز بکارمیبردند چنانکه بومیان امریکا نیزروی چنین پوستی نگارمیکردند. نویسندگان هندپیش ازسده چهارم پیش ازمسیح روی پارچه پنبه‌ای نیزمینوشتند وگویا روی آنرا ازخمیری ساختهٔ از تخم تمرهندی (Imli) پوشانده وبا ذغال چوپ سیاه کرده وبارنك سفیدی مینگاشتند. تاریخ نگار رومی کوئینتوس کورتیوس Quintus Curtius ازپوست درخت نوشتنی درروزگار یورش اسکندر بهند یاد میکند که درهند بکار میرفت . اکنون هم آن پوست برای طلسم وپیپ تنباکو بکارمیرود. هندوها وبودائیان شمال بدان نام«لخان» که نوشته را میرساند وبنویسنده ودفتردار «لخاك» وبخامه«لخانی» میداده‌اند. آنهاروی آن پوست را روغن مالیده وروشن میساختند مگراینکه این پوست درگرما خشك میشد ومیشکافت و رویش کنده میشد وبانم کشیدن هم‌دانه‌ها و قارچهائی روی آن میروئید که پاك نمیگشت این بود که دانشمندان وبازرگانان کشمیر بزودی کاغذ رابکار بردند .

در هند وبرمه وسرندیب روی برگ درختان نیزمینوشتند چنانکه درمدرس و جنوب هند امروزه نیز برای کتابهای خطی همان برگ بکارمیرود .

درآسام برگ‌داربو(agar) ودرسرندیب روی برگ خرمای هندی(bal-tar) و سرندیبی (tali) نیزمینوشتند بدینگونه که باخامهٔفلزی روی برگها خراشیده‌وشکافته وبا انباشتن شکافها بایك رنك سیاه روغنی نوشته رامی نمودندآنگاه برگها را دوسوراخ کرده ونخ میکشیدند وبساخت کتابی درمیآمد . همینکه مرزهای کشمیر بروی بیگانگان بازشده وایرانیان بدانجاراه یافتند ساختن کاغذ راکه ازچینیان فراگرفته بودندنخستین باربدانجا برده وزین‌العابدین فرمانروای کشمیر نزدیك ۸۵٤ (۱٤۵۰) در بـاغ شاهانه نوشر Nowsher کارخانه‌ای بنیاد نهاد(۲) .

مصریها پاپیروس یابردی بکارمیبردند وهمین نوع کاغذ بود که بیونان‌رفت. درسده ۷پیش از مسیح بگـواهی هرودتس وتوکودیدس وکسینوفانس و افلاطون وارسطو در

---

۱ ــ بنگرید : فهرست ابن ندیم ــ خطط‌الشام کرد علی ج ٦ص ۱۸۵ ــ فرهنگ تاریخ Dictionnairdes dates از M.A.-L.D'Harwonville چاپ پاریس در دوجلد بسال۱۸٤۵ دروازه «Papier» .

۲ــ بنگرید بەدیباچهٔ: Papermaking by hand in India.by Dard Hunter چاپ نیویورك بسال۱۹۳۹ .

یونان وایران بآسانی روی آن می نوشتند ویونانیان پوست بز و گوسفند نیز بکار میبردند وازدیرباز آنها بکتاب «دفتر» و «پوست» میگفتند و نام «بیلبیا» هم که بکتاب داده‌اند گرفته از نام «بردی» مصر است که از آن بادبان و بوریا وپارچهٔ پوشیدنی و پرده وموزه و ریسمان و کاغذ میساختند. کتاب در آنروزگار باندازه ای فراوان بود که پیزیستراتس فرمانروای آتن درسده ٦ و پلیکراتس فرمانروای ساموس کتابخانه‌ای بنیاد کردند.

درروزگار سقراط هم کتاب فراوان بوده وارسطو ازاندازه‌های گوناگون کتابها واینکه چرا خواندن برخی‌را بخواب میبرد ودسته‌ای اگر بخواهند بیدار بمانند بکتاب‌می نگرند یاد میکند.

کاغذهای یونان هم از بردی بوده و آن در آبگیرها ودررودخانهٔ نیل آنجاهائیکه آب میایستاد میروئید وگودی آن ازدو ارش بیشتر نبود وکلفتی ریشهٔ خمیدهٔ آن نزدیك بیك ارش میرسید وتنهٔ آن سه پهلو وازپائین ببالا نازك‌تر وگاهی آنهم خیلی کم، ازده ارش بیشتر میگردید. ریشه آنراهیزم میکردندو گاهی هم آوند از آن میساختند. ازتنه چوبین آن کشتی کوچك واز پوست آن بادبان وبوریـا وپوشاك وپرده وریسمان میساختند. بردی مصر ازبردی سوریا وکنار فرات نزدیك بابل درساخت کاغذ بهتر بود. بردی را بچندین نوار بسیارنازك وپهن بخش میکردند وبهترین نوارها ازمیانهٔ آن بود وبهمینگونه تابرسد بکنار آن. نوارهای درونی برای کاغذ کتابهای دینی بکار میرفت که پهنایش بیش از ۱۱ انگشت نبوده است پس از آن نوارهای دیگر که کاغذهای پست‌تری درست میشدتامیرسید بنوارهائیکه برای کاغذ بازرگانی برای آوند وپیچیدن کالا بکار میرفت سرانجام میرسید بپوست بردی که‌مانندخیزران برای ریسمان بکارمیرفت ودرآب فرسوده نمیشد.

ازهمه این نوارها بدینگونه کاغذ میساختند که آنهارا روی خوانی خیس شده باآب نیل دارای لای(طمی) میگستردند تابهم بچسبد ودنباله‌های آنهارا می بریدند که دردرازا یکسان شوند سپس نوارهای دیگری بپهناروی آنها میگذاردند تـا بمانند داربست شود آنگاه آنها رازیر منگنه میگذاشتند کاغذیکه بدست میآمد درآفتاب گذارده خشك میشد سپس رویهم میگذاشتند تابندهای آن که هریك بیست برگ بیشتر نبود بدست آید بهترین کاغذها آن بود که بپهنای ۱۳ انگشت باشد کاغذ بنازکی وسختی وسفیدی وروشنی‌وزدودگی آن سنجیده میشد. امپراتور کلودیوس درنیکو ساختن کاغذ اوگوستوس کـه نازکترین و روشنترین پاپیروس بوده‌است، کوشید بدینگونه که تار آن‌را ازدرجـه دوم وپودش را از درجه یکم کرد وبدینروش پهنای آن در«فرخ» بزرك تك ارش‌میرسید. کاغذ کلودیوس را درکتاب واوگوستوس‌را درنامه بهترمی پسندیدند.

کاغذرا باپاره عاج یاگوش ماهی نرمی مهره کشیده روشن میساختند آنهم‌تااندازه

ایکه حبر یا مرکب روی آن نلغزد و نوشته شود وحرفها زود پاك نشوند. آب نیل گلناک (حمئی) اگر درریختن آن روی کاغذ در آغاز کاردقت نمیشد بوئی در آن میگذارد که شناخته میگردید و پیسه ولك در آن میماند که ناگزیر بایستی جای آنرا شکافت تا لك برود وطوری دوخت که خریدار درنیابد مگر پس از بکار بردن که مرکب درجاهای دوخته خورد شده و نوشته درست خوانده نمیشد . اینگونه کاغذ اگر خوب درست میشد دیری میماند چنانکه درتابوت نوماپومپلیوس نوشته‌ای ازهمین کاغذ پس از ۵۳۵ سال یافته‌اند وپیداستکه در آن روزگار رومیها آنرا بکار میبردند(۱)

رومیها ازپیش روی پوست درخت می نوشتند و مردم پرگامس نخستین بار رق یا پوست جانوران رابکار بردند وتا پیدائی کاغذ دادستند آن رایج بوده است .

ایرانیها روی پوست برآمده گاومیش و گوسفند وجانوران بیابانی وسنگهای سفید نازك (لخاف) وشاخ خرما (عسیب) وشانه شترو گوسفند مینوشتند .

از ۶۵۲ م کاغذ ابریشمی نیز بکار میبردند. اسکندر گاهیکه پارس را بگشود نوشته هائی روی سنك وچوب یافت و آنچه را میخواست بگرفت وبازمانده را سوزاند .

تازیان که نزدیك بآنان بودند نیزازآنها پیروی نموده روی اینها می نوشتند چنانکه پیامبر نامه‌های خویش را روی پوست وچرم (ادم) می نوشت ویاران اوقرآنرا روی پوست نازك شده (رق) وعسیب ولخاف می نوشتند تااینکه معاویه پسرابی سفیان در دیوان انشاء کاغذ (ورق) بکار بردتا دیوان خلافت ازدیگر دیوانها جدا باشد. هارون رشید چون دید که کاغذ (ورق) فراوان شده و کارخانه‌های آن بسیار گشت دستور داد جزدرکاغذ ننویسندچه پوست سائیده میشود و میتوان درش دوباره نوشت ونیرنك بکار برد وکاغذ باسائیدن و پاك کردن نوشته آن رخنه میپذیرد واگر کنده (کشط) شود آشکار خواهد بود و نوشته بجاهای دیگر پراکنده میگردد .

میگویند که تازیان همینکه در ۷۰۴ (۸۵) بخارا راگرفتند ساختن کاغذ پنبه‌ای را ازمردم آنجا آموختند. درهمین زمان کارخانه کاغذسازی بزرگی درسمرقند بود. در ۷۰۶ (۸۸) یوسف عمرو درمکه کارخانه‌ای برای کاغذ پنبه‌ای بنیاد گذارد ودر ۷۹۴ (۱۷۸) کارخانه کاغذسازی در بغداد سپس دردمشق براه افتاد. تازیان درسده ۱۱ مسیحی کارخانه‌هائی درسبته (Cevta،Septa امروزی) افریقا وسپس دربلنسیه (Valence) و طلیطله (Tolede) براه انداختند در Jativa بسال ۱۱۵۴ (۵۴۹) کارخانه‌ای بود. کاغذ تازیان

۱ــ تاریخ طبیعی پلینوس ك ۱۳ ب ۲۱ چنانکه در دیباچه کون وفساد ترجمه لطفی سید ص ۵۳ــ۷۷ آمده است .

بیشتر از کتان بوده‌است اینگونه کاغذ ازافریقا واسپانیا بایتالیا وفرانسه رفته وماشین آنرا در ۱۷۹۲ ساختند .

اروپائیان بگفتهٔ بلینیوس کاغذ پاپیروس رادرزمان همیروس میشناختندوهمینکه اسکندر بزرگ در۳۳۳ پیش ازمسیح اسکندریه‌را ساخت بکار بردن آن روائی یافت. فرانسویها وآلمانیها پیش ازسده ۵ آنرا میشناختند ودرسده ۵و۶ تنها همان‌را بکار میبردند و پس ازیورش تازیان تاسده۷و۸ ناگزیر شدندکه روی پارشمن بنویسند تااینکه درسده۱۱و ۱۲ بپاپیروس بازگشتند ودرسده ۱۲توانستند ازشیفن (پارچه و کهنه)کاغذ بسازند . این کاغذ در نیمهٔ سدهٔ۱۳ دردسترس همه بود و کارخانهٔ آن درفرانسه در ۱۳۵۰م کار میکرد . سازندگان نخستین اینگونه کاغذرا آلمانیها یا ایتالیائیها یا یونانیان پناهندهٔ بیال میدانند.

اروپائیان ازسده نهم روی کاغذ پنبه‌ای هم‌می نوشتند و بکاغذ کتانی نیـزدر ۱۴۱۵ آشنا بودند نخستین کارخانهٔ ساخت کاغذ ازشیفن در آلمان در۱۳۱۲ ودرسوئد در ۱۳۲۳ ودر پادو در ۱۳۶۰ ودرانگلستان در۱۳۸۸ ودربال در۱۴۷۰ بنیادگرفت . کاغذ پوست گوساله Vélin راشاهان پرگامس ساختند وانگلیسها هم آنـرا میساخته ودر ۱۷۵۷ Virgile راروی‌آن چاپ کردند .(بنگرید بهمان فرهنگ تاریخ)

ابن‌ندیم از نوشتنی‌ها گل وچوب وسنك ومس و برك وتوز (درختی‌است) و پوست پیراسته و پرنیان (حریر) سفیدوقرطاس مصری که‌از نی بردی یادوخ‌ساخته میشده وطومارمصری وفلجان(پوست گوره‌خر) یادمیکند ومیگوید که‌ایرانیها در پوست گاومیش و گاوو گوسفند وتازیان درشانه شتر وسنك سفید نازك(لخاف) وشاخه خرما (عسیب) مینوشتند و چینیان روی کاغذ چینی ساخته ازگیاه خشك(حشیش) وهندوان روی‌سنك ومس و پرنیان‌سفید.باز می گوید که ورق‌خراسانی ازکتان است که چینیان بمانند ورق چینی درخـراسان ساختند (چنانکه گفته‌اند زندانیان چینی در۷۵۱م که بسمرقندآمدند این‌هنررا درآنجا آوردند)و دیری دربغداد روی‌طرس می نوشتند ودرآنجا دیوانهارا روی‌پوست نوشته‌آنگاه پاکش کرده دوباره بکارمیبردند (طرس درفرهنگها همین بازنوشته‌ها است) کتابها در پوست پیراسته بانوره نوشته میشد وآن سخت بودتا اینکه درکوفه بپیراستن‌آن با خرما (تمر) بپرداختند (ص۳۱) .

ابن خلدون در فصل ۳۱ باب۵ کتاب۱ص۳-۴۲۱ ازصناعت وراقت گفتگو نموده و میگوید که درروزگار پیشین بنسخ وتجلید وتصحیح (ازروایت وضبط) دیوانهای علمی و سجلها می‌پرداختند ووری گسترش تمدن درعراق واندلس هنروراقت (انتساخ وتصحیح‌و تجلید) روائی یافت نخست روی رق(پوست)مینوشتند سپس بدستورفضل پسریحیی کارخانه کاغذسازی بنیاد یافت ودانشمندان هم کتابهارا ازروی روایت بنگارندگان نسبت‌میدادند

تا اینکه هنر خط درمغرب ومصر کاهش گرفت وهنر روایت درمشرق بجامانده و ایرانیانند که بخوشنویسی آشنا میباشند .

نام کاغذ بتازی چنین است : قرطاس، لوح، رق (پوست نازك شده) ، صحیفه، کاغذ (ازبردی مصر) ، ورق، طرس، مهرق (مهر کرد) که پارچه‌هائی بود که بامهره (خزر) روی آن سائیده وهموار وروشنش میساختند (جمهره ابن‌درید چاپ دکن ج۳ص ۴۹۹) بگفتهٔ قلقشندی بهترین کاغذ آنستکه سخت‌سفید وپیراسته وزدوده وروشن وازهمه سوی هموارو ویکنواخت ونفرسودنی باشد وبهتر آن بغدادی است که نرم وکلفت وکناره‌های آن نازك بوده ویکنواخت میباشد وبیشتر درآن قرآن می‌نویسند وگاهی هم نامه‌های خانها (قانات) سپس شامی آنگاه حموی درقطع شامی پس‌ازاینها ورق مصری درقطع منصوری که بزرك‌تر وگاهی درهردوروی زدوده وروشن میباشدو درقطع عادی که آنهم گاهی درهردوروی زدوده ومهر کرده‌میباشدووراقان آنرا «مصلوح» میگویند وجز مصلوح آنهم دوگونه‌است :عالی ووسط. قطع کوچك مصری کلفت‌و درشت‌و کم‌پیراسته‌است که برای شیرینیها و بوهای‌خوش بکارمیرود. ازهمه پست‌تر کاغذ باختریان وفرنگیها است که‌زودفرسوده‌می‌شود. (قلقشندی)

اندازهٔ کاغذ بنوشتهٔ قلقشندی

الف ــ اندازهٔ برگهای کاغذ دردیوانخانه های مصر:

۱ ــ قطع بغدادی کامل (عرض درج یك ذراع قماش مصری وطول وصل هر درج یك ونیم همان ذراع) برای پیمانها وبیعت‌نامه‌های خلفا و نامه‌های شاهان . در روزگار ملك مؤیدورق مصری بپهنای یك ونیم‌ذراع ساخته‌اند. دربغدادی کامل بقلم مختصرطومار می‌نویسند .

۲ ــ قطع بغدادی ناقص (باندازهٔ چهارانگشت پیوسته درپهنای‌درج کم دارد) برای نامه‌های پادشاهان دستهٔ دوم .

۳ ــ دوثلث ورق مصری‌یا دوثلث طومـارکامل منصوری (دوسوم ذراع در پهنای درج) برای فرمانروایان ووزیران وداوران بقلم ثلث ثقیل .

۴ــ نیمهٔ طومارمنصوری (نیم‌ذراع درپهنای درج) برای دیوانیان پائین‌تر بقلم‌خفیف

۵ــ یك‌سوم قطع منصوری (یك‌سوم ذراع درپهنای درج) برای‌دستهٔ چهارم‌شاهان وفرمانروایان بقلم‌توقیعات.

۶ــ قطع‌منصوری (یک‌چهارم ذراع درپهنا) برای‌فرمانهای دیوانی .

۷ــ قطع کوچک وعادی (یك‌ششم‌ذراع) برای‌کارهای کوچک دیوانی ونامه‌های مردم بقلم رقاع .

۸ـ قطع شامی کامل (بدرازا وپهنای طومارشامی) کـه دردیوان کم بکار میرفت و نزدیك بثلث بلدی بودو بقلم توقیع در آن می نوشتند .

۹ـ قطع کوچك (بپهنای سه انگشت پیوسته) از «ورق طیر» واین یك گونه از کاغذ شامی بوده و بسیار نازك که نامه‌های ریز ولطیف و «بطائق حمام» یا «نوشتهٔ خرد که بکبوتر می بستند» در آن نوشته میشد .

ب ـ ورق شامی:

۱ـ قطع شامی کامل (بپهناودرازای طومار شامی کامل) برای گرانمایگان .

۲ـ قطع نصف حموی (بپهنای نیم طومـار حموی ودرازای خود آن) برای دسته دوم و بقلم رقاع .

۳ـ قطع عادی شامی (بدرازای یك طومار یا کمتر و بپهنای یك ششم ذراع قماش مصری) برای دسته سوم نیز بقلم رقاع و گاهی هم سرخ رنك آن بکار میرفت .

٤ـ «ورق طیر» برای «ملطفات و بطائق» بقلم جناح وغبار.

(درخاور نیزهمین گونه بود. در باختر وسودان وفرنگستان در طوماری مینوشتند که درازای آن اندکی از پهنای آن بیشتر بود کوچك یا بزرك) .

ج ـ کاغذهای قطع عادی و بلدی در مصروشام .

اندازه ایکه در بالای کاغذ سفید میگذاردند چنین بود: درقطع بغدادی ٦ وصل ودردو سوم ٥ ودر نیم ٤ ودر یك سوم و نیز درشامی کامل ۳ ودرمنصوری وعـادی و نیم حموی وشامی عادی ۳ یا ۲ وصل ـ در کنار کاغذ بدلخواه نویسنده بوده و گاهی دو یا سه یا چهار انگشت وجز آن. درروزگار قلقشندی در هروصل قطع عـادی ومنصوری سه سطر ودرجز آن دوسطر می نوشتند .

طومار یك ورق کامل را گویند و آنرا درروزگار قلقشندی «فرخه» میگفته‌اند و گویا از آن طومار بغداد خواسته میشد که تختگاه بودنه شامی آن · خلفا پس از معـاویه همیشه قرطاس بکارمیبردند واندازهٔ آن برای خود آنها دوسوم طومار و برای امیران نیمهٔ طومار و برای کارکنان و نویسندگان یك سوم و برای بازرگانان ومانند آنهـا یکچهارم و برای حسابداران ومهندسان یك ششم طومار بوده است(۱) .

در «سرگذشت» ابن‌سینا بگفتهٔ خود اووجوزجانی از «جزءأمقدار الثمن» و «الربع الفرعونی» ودرقابوسنامه نوشتهٔ سال ٤٧٥ درفصل دبیری از «قطع منصوری» و درعیون الانباء (ج۱ ص۱۹۷) از «تقطیع مثل ثلث البغدادی» ودرسعدالسعود از «قالب نصف الورقه

۱ـ بنگرید به : صبح الاعشی ج۲ ص۷-٤۷۲ وج۳ ص۵۳-۱۳۲ و۱۵ - ۱۸ وج٦ ص ۹٦-۱۸۹ وضوءالصبح المسفر ص٤-۱۸۳ و۷-٤۱۲ هردو ازقلقشندی .

وثلث وربع وثمن» و«قالب‌الطالبی» (ص٥-٦٤-١٢١-٢٣١-٢٤٧-٢٥٣) یادشده‌است.

این بود اندازه کاغذ درخاور که کتابها هم درهمانها نوشته میشد . کتاب درآغاز بساخت‌طومار بوده که آنرا میپیچیدند و گاهی هم میله‌ای میان آن بود. رومیان که دریگرویه پارشمن(پوستهای پیراسته و نازك و سفیدشده شهر پرکامس)مینوشتند هر بندانرا بساخت‌طومار ای پیچیده درصندوقچه یا لوله‌ای(Scrinium)میگذاشتند از اینجا واژهٔ طومار یا Volumen (Volume) پیداشد که پس‌ازاین «جلد» از آن‌خواسته‌شد. سپس بندهای یك اندازهٔ پارشمن رادورو نوشته وازچندتای آن‌دفتری میساختند ودو سوی آنرا چوبی میگذاردند. پس‌ازاین که چندی گذشت ته‌دفترها را میدوختند ازاین‌جا تاریخ جلدسازی آغازمیگردد .

تا نیمهٔ سده١٥ اندازهٔ کتابها یکنواخت نبود و پس از پیداشدن چاپ اندازه‌ها یکسان گردید. گرچه دراروپا هم اندازه کاغذ گوناگون میباشد مگراینکه درتاه کردن وچاپ روی آن قاعده‌ای درکاراست و بر روی آن قاعده اندازهٔ کتاب بدست میآید(١)

کاغذ قطع بزرك اروپا Colombier نام دارد و اندازهٔ معمولی آن ٦٣ × ٩٠ میباشد . پائین‌تر از آن Jesus است که‌در کنار آن نشان J.H.S دارد واختصار نام‌عیسای پیامبرمیباشدو اندازه٥٦ × ٧٢ آن‌در پاریس بوده‌و اندازهٔ DoubleJesus ١١٢ × ٧٦ می باشد. پائین‌تر از آن Raisin میباشد که نشانه خوشه‌دارد و با اندازهٔ ٥٠ × ٦٥ میباشد. پائین‌تر Carré میباشد با اندازهٔ ٤٥ × ٥٦

اندازه کتاب – Format

اندازه کتابها بیشتر ازاندازه چهار نوع کاغذ یادشده بدست میآمد. کاغذیکه زیرچاپ میرفت وبساخت یك برگ درمیآمد آنرا in — plano مینامیدند ازهر کدام کاغذچهارگانه که‌بود. اگر آن‌را تاه میکردند ودارای٤صفحه میشد in – folio اگر هشت‌صفحه میداشت in — quarto و١٦ صفحه‌ای‌را in – octavo و٣٢صفحه‌را in-16 میگفتند اندازهٔ همه‌اینها درچهارگونه کاغذ یکنواخت نبود درجدول آینده اندازهٔ کتاب جلدشده‌در هریک ازاین‌کاغذها بدست میآید .

---

١ – بنگرید بـه : Manuel pratique de l'ouvrier relieur از Ch.Chanat چاپ گارنیه درپاریس ص١٩ .

	In—plano		ni—folio		in—4		in—8		in—16		in—18		in—32	
Colombier	84	6I	6I	42	42	30½	30½	2I	«	»	»	»	»	»
Jésus	70	54	54	35	35	27	27	I7½	17½	I3½	I8½	I1½	I3½	8½
Raisin	64	49	49	32	32	24½	24½	I6	I6	I2½	I6½	I0½	12½	8
Carré	56	44	44	28	28	22	22	I4	14	11	I4½	9	II	7

اینست نام قطع کتاب درفارسی ولاتین ونشانهٔ آن

شماره عددی یاحرفی فرم درص			
۳	الف - دو برگی	رحلی بزرگ	A = in—plano
= ۵	الف - یک برگی	رحلی بزرگ	A = in-folio
= ۹	ب - رحلی		B = in—4∘
= ۱۷	ج- وزیری		C = in—8∘
= ۱۷	د - خشتی		D = in—8∘
= ۳۳	هـ - ربعی یارقعی		E = in—16
= ۳۳	و - بغلی		F = in—16

قطع(بیاضی Format oblong ou à l' italienne) نیز در کتابها هست که ازعرض نوشته‌شده وازعرض هم‌صحافی میشود .

در کتابها اندازهٔ in-12 و in-18 و in—24 هم هست که شمارهٔ فرم درص ۲۵ و ۳۷ و ٤۹ نوشته میشود . دراندازه in—18 گاهی یک برگ‌را به ۲٤ وبرگ دیگررا بـ۱۲ بخش میکنند ولی نشانهٔ سوم روی ص۳۷ میافتد. درکتابخانه‌ها برای آسانی کار اندازه ها را بدینگونه نشان میدهند: A = in—folio و B = in-4∘ و C، D = in-8∘ و E، F = in-16∘ (۱) .

این هم گفته شود که دراروپا کاغذی بود بنام Tellier باندازهٔ ٤٤ × ۳٤ میلیمتر که Le Tellier (۱٦۰۳—۱٦۸۵) مهردار ووزیر دربار هانری ٤ دستورداده بودآن را بسازند وبرای‌کارهای رسمی بکاربرند آنرا papier ministre میخواندند گویا قطع وزیری ایران هم‌ازاینجا باشد (بنگرید به: لاروس سده ۲۰ درهمین واژه) .

اندازهٔ کتاب برحسب اصول صحافی که اکنون روی‌آن‌کار میکنند چنین‌است :

قطع	اندازه
یک برگی =	۳۵ × ٤۵ سانت
نیم برگی =	۲۲/۵ × ۳۵ =
ربعی =	۱۸/۵ × ۲۲/۵ =
یک هشتم =	۱۱/۲۵ × ۱۷/۵ =
یک‌شانزدهم =	۸/۷۵ × ۱۱/۲۵ =

۱ ـ بنگریدبه : کتاب‌یادشده شانا وکتاب کرزه‌ص۱۱۷ واصول فن کتابداری‌استاد محترم‌آقای‌دکترصبا ـ درلاروس‌سده ۲۰ درکلمه Papier اندازه‌کاغذهای‌گوناگون اروپا دیده میشود .

قطع کتاب و اندازهٔ تقریبی آن

بازوبندی .	نزدیک ۳۰ × ۲۰ میلیمتر
بغلی .	« ٤۰ × ٦۰ »
جانمازی	« ۸۰ × ۱۲۰ »
حمایلی دارای قطر بیشتر ازجانمازی و باندازهٔ همان	
نیم ربعی :	« ۱۰۰ × ۱۸۰ »
ربعی	« ۱۲۰ × ۱۹۰ »
وزیری کوچک	« ۱۳۰ × ۲۰۰ »
وزیری	« ۱٤۰ × ۲۲۰ »
وزیری بزرگ	« ۲۰۰ × ۲٦۰ »
خشتی	« ۱۷۰ × ۲۱۰ »
خشتی باریک	« ۱٤۰ × ۲۱۰ »
سلطانی یاشاهانه روزگار مغول و تیموری	« ۳۰۰ × ٤۰۰ »
رحلی کوچک	« ۱٦۰ × ۲۷۰ »
رحلی	« ۲۲۰ × ۳۷۰ »
رحلی بزرگ	« ۳٤۰ × ۵۸۰ »

نام کاغذ در ایران : خانبالغ ـ سمرقندی ـ خطائی ـ بخارائی ـ سپاهانی ـ دولت آبادی ـ بغدادی ـ ترکی ـ مصری ـ کشمیری ـ ترمه ـ فستقی ـ فرنگی قدیم و جدید. شناختن اینگونه کاغذها درفهرست نسخه‌ها بسیار سودمند میباشد .

پس از یاد کردن کاغذهای گوناگون اندکی از خط چنانکه در کتابها دیده شده سخن بمیان میآید. قلمهای گوناگون چنین است : قلم طومار یا فرخه که درزمان عمر عبدالعزیز یا معاویه بوده و باندازه ۲٤ موی ستور (برذون) میباشد. قلم مختصر طومار میان ۱٦ و ۲٤ موی. ثلث ثقیل باندازهٔ ۸ موی . ثلث خفیف کمی نازکتر. توقیع یاقلم ریاسی ساختهٔ یوسف برادر ابراهیم شجری و نازکتر از «جلیل» که ذوالریاستین ازآن خوشش میآمد و مانند ثلث است وگرد مانند . رقاع که دررقعه‌ها و برگهای کوچک نوشته میشد وگردتر و نازکتر است. غبار که ازرقاع و نسخ آمده و نازك است. اصول این قلمها ثلث ورقاع و توقیع و نسخ و

---

۱ ـ بنگرید بسخنرانیهای آقای دکتر مهدی بیانی درباره فهرست کتابهای خطی در کلاس کتابداری و همچنین بفهرست مجلس و مدرسه سپهسالار و کتابخانه معارف که در اینها درباره نسخه‌ها هم نام قطع و هم اندازه آنها دیده میشود .

مخفف میباشدوفروع آنها غباراست ومشعر ومنثور وحواشی وجزآن . این‌قلمها درآغاز روزگار عباسیان وپایان‌کار امویان ازقلم کوفی درآمده وآنهم بچند قلم‌است وهمه آنها برمیگردد بدوریشه «مقوروليّن» یا نرم و(مبسوط ویابس) یا خشک (قلقشندی) .

نام خطوطرا بدینگونه نیز یاد کرده‌اند کوفی : نسخ ـ ثلث ـ محقق ـ ریحانی ـ تعلیق ـ رفاع ـ توقیع ـ نسخ جدید ـ نستعلیق .

درخط نیزچند قلم یاد کرده‌اند : قلم شش، چهار، سه، دو، نیم‌دانگ ـ قلم کتابت، عالی،جلی، ممتاز، خفی، خفی‌عالی، خفی ممتاز، خوش‌ـ قلم‌زر، لاجورد، شنگرف(۱).

رنگهاو آرایش در کاغذ

کاغذ : متن وحاشیه(که‌میانه آن نوشته میشده و کناره آن جداگانه وبدان می ـ چسبانده‌اند)ورنگارنگ وزراندود وزرافشان ودارای جدول یا کمندزرین‌باحاشیهٔ‌زرافشان یاابری‌وتشعیرسازی‌شده ومعرق‌ومرصع ومذهب‌ومنقش باجدول، سرلوح، ترنج‌وطلاکاری شده در میان سطر ها

رنگهای آن : مشکی، آبی، سبز، نگارشده باسفیدآب، کبود، سرخ .

جلدها بدینگونه است : ساغری (کیمخت) که از پوست اسب یاخر میساختند و دانه دانه است ـ تیماج که از پوست گوسفند است و درشت وگاهی نازك میباشد ـ چرمی که‌گاهی کلفت میباشد ـ میشن که پوستی است نرم ـ سختیان یا پوست بز ـ مقوائی از کاغذ ـ پارچه‌ای. جلدآراسته‌روغنی‌ـضربی ـ سوخت میباشد و همچنین ممتاز و عالی و مرغشی وزرین ، منقش، معرق، مشکی ،سرخ، زراندود ، منگنهٔ منقش یا مذهب ، باترنج ونیم ترنج، ولچکی ، حاشیه‌بند رومی و اندرون سوخت وقابسازی شده(۲) .

---

۱ ـ درباره خط طاشکبری زاده ۹۶۲م درمفتاح‌السعاده ومصباح‌السیاده‌چاپ‌دکن در۳جلد بسال۵٦ ـ ۱۳۲۸ گفتگو نمود ادوات خط ـ تحسین حروف ـ تولد خطوط از اصول‌وترتیب‌حروف‌تهجی‌ـ املاءخط عربی‌ـ خط عروض ومصحف ـ تصحیف‌ـرسم کتابت قرآن‌درمصاحف ـ آداب کتابت مصحف‌ص۷٦و۷۹و۸۰و۸٤ ازج۱ وص۲۲۷ و۲۲۹و٤ـ ۳۲۱ج۲ همچنین کرد علی درخطط‌الشام جلدج٦ص٦ ـ ۱۹۵ نیز آملی درنفائس‌الفنون.

۲ ـ مقدسی دراحسن التقاسیم میگوید که مراوراق و مجلد میخوانده‌اند و صحافی میکرده‌ام ومزد میگرفتم (ص٤ـ٤۳ چاپ‌دوم) امیرعدن مصحفی برایم فرستاد تاجلدبرای آن سازم ومن‌سریش (اشراس) خواسته‌ام و پیدا نشد. عدنیهارا ازتجلید زیباخوش‌میآمدو مزد فراوان میدادند ومن گاهی‌برای مصحف دودینارمیگرفتم. دریمن‌کاغذها (دروج) را با نشاسته میچسبانند و باهمان برای دفترها (دفاتر) آستر میسازند (بطانه) (ص۱۰۰) .

مرکب

قلقشندی دربار مرکب چنین میگوید که دوده را از مواد چرب میگیرفتند مانند تخم ترب و کتان بدینگونه که روغن اینهارا درچراغهائی میسوزاندند ودوده آن را که در طاس روی چراغ گرد میآمد میگرفتند و با آب موردمیآمیختند تا کمی سبزرنك هم باشد و صمغ عربی در آن میریختندتا پراکنده نشود. گاهی دوده دیگهائیکه در آن نخود ومانند آن بومیدادند باریختن آب در آن می گرفتند و باب مورد و انگبین و کافور وصمغ عربی و نمك میآمیختند.

اودربارهٔ ساختن «مداد» که خوشنویسان پیشین با آن می نوشتند میگوید:

سه رطل ازدوده (سخام) نفترا بیختهوپاکیزه ساختهدرپاتیلی (طنجیر) میگذارند وسه برابرآب ویك رطل انگبین و۱۵درهم نمك و۲۵ درهم صمغ کوبیده وده درهم مازو درآن میریزند وروی آتش کمی گذارده با کوبه آن اندازه میزنندتا مانند گل سخت گردد سپس درجائی نهاده بکارمیبرند. کافورهم درآن میریزندتا خوشبوشود وصبرهم تامگس روی آن ننشیند.

سپس میگوید که «حبر» دوگونه است:

۱ـ حبر برای کاغذ که از دوده میسازند بدینگونه که یك رطل مازوی شامی را نیم کوب میکنند وبا کمی مورد (آس) درشش رطل آب میخیسانند تایکهفته آنگاه آنراروی آتش میجوشانند تانیمه یاسه یك رسد سپس درلنگی شیره آنرا میکشند وسه روزش می گذارند ودوباره شیره میکشند آنگاه درهررطلی ازچنین آب مازوچند اوقیه (۷مثقال یا ۴۰درهم) ازانگم تازی وزاج قبرسی باندازهٔ آن میریزند سپس آن اندازه ازدوده بر آن میافزایند که سیاه کننده شود. صبرهم باید درآن ریخت که مگس از آن بگریزد وانگبین نیزتا دیری بپاید. درهریك رطل ازحبر سه اوقیه دوده بایدریخت آنهم پس ازاینکه دوده را باکف دست باشکر نبات وزعفران شعر وزنگار بسایند نهاینکه درهاون ریخته با دستهٔ آن بکوبند که تباه میگردد.

۲ـ حبر برای رق یا پوست نازك که آنرا «حبر الراس» گویند ودوده در آن نمیریزند ازاینرو استکه درخشندگی دارد وخیره کننده است وچشم را زیان میرسانند.

(صبح الاعشی ج۲ ص۶ـ۴۶۴)

این بود نمونهای ازآنچه کهدربارهٔ نسخهشناسی ازهنرووراقت وصحافت بایددانست ودانشمندان جسته گریخته ازاین دوهنر گفتگو کردنداز آنهاست ابن الحاج ابوعبدالله محمد بن محمدبن محمدعبدری فاسی عارف مالکی (م درقاهره بسال۷۳۷درهشتاد واندسالگی) در «مدخل الشرع الشریف علی المذاهب» که در۷۳۲ بپایان رساند. او ازبسیاری ازهنرها

وپیشه‌ها ازرهگذر فقه واخلاق گفتگو نمود ازآنها است وراقت وصحافت (ص۱۲۶-۱۳۷ ج۳چاپ دوم چاپخانه وطنیه اسکندریه در۳ جلد بسال۱۲۹۳) .

شماره گذاری کتابها

ملویل‌دیوئی Melvil Dewey امریکائی (۱۸۵۱- ۱۹۳۱)بنیاد گذارد ودبیر انجمن کتابداران در ۹۰-۱۸۷۶ وکتابدار کالج کلمبیا ومدیر کتابخانه‌دولتی نیویورک در ۱۸۷۴-٦ روش دهدهی راآورد ودر کتاب کلان خویش :-Decimal classifica tion and relative index (چاپ۱ در ۱۸۷٦ و ۱٤ در دو جلد بسال۱۹٤۲) دانشها وهنرهارا بده ده‌بخش کرد از ۰تا۹ وشماره اصلی آنهارا به۱۰۰۰رساند و شماره هر کتابی‌را ازروی موضوع آن نوشت وکتابدار میتواندبا خواندن آن شماره هر کتاب‌را بیابدودر آن‌بگذارد. این‌روش گرچه ازیك‌سوی دشواراست ولی ازرهگذر برگه نویسی که فروشندگان وناشران کتابها ومجله‌ها وکتابخانه‌ها برگه‌های فهرستی دهدهی با شماره بچاپ‌میرسانند بسیار آسان‌است وکتابخانه‌ها دیگر نیازی بنوشتن برگه‌های‌تازه ندارند.مگراینکه‌شماره کتاب گاهی رقم‌بسیاری‌دارامیشود. این‌بود که بسیاری‌از کتابخانه ها آنرا پذیرفتند وهمینکه نهادن کتاب روی‌اندازه Format درکتابخانه گسترش‌یافت ازآن برگشتند مانند کنگرس امریکا وبنگاه جهانی کشاورزی رم. دربرخی جاهـا آنرا کوتـاه ساختند وعلمها را بهمان ۱۰۰۰ بخش کردند وکاررقم شماره راآسان ساختند و نمونهٔ آن‌درص۱٦وپایان کتابpetit guide du biliothécaire از Y.Oddon چاپ پاریس ۱۹٤۸ دیده میشود .

ل. کرزهL.Crozetدرص۷۹و۱٤۹و۷۸و۸۱ Mnuel du Bibliothécaire چاپ پاریس بسال۱۹۳۷ میگوید که این روش دهدهی نادرست است چه

۱-دانشهاوهنرهاده‌ده بخش نمیشودومانند کم‌منفصل‌جداازهم نبودوپیوستگی‌دارند.

۲ - اینگونه بخشبندی باگسترش دانشها نمیسازد .

۳ - گاهی‌هم موضوع کتاب‌آمیختگی دارد وبسادگی نتوان آنرا ازیکی ازآن بخشها دانست .

٤ - پیدا کردن‌شماره کتاب برای کتابدار وخواننده‌فرهنگی که دیوئی برای‌شماره ها نوشت دشوار ودیری باید درپی‌آن بیهوده گشت .

٥ - شماره کتاب هم‌گاهی باندازه‌ای دراز میشودکه نمیتوان بیاد سپرد وبآسانی نوشت .

٦ - اگرهم بخواهند این روش‌را درهمه‌جاروا بدارند ناگزیر بایستی دستورآنرا

دیگرگون ساخت. پس شایسته است کتابها راروی اندازه درجایشان گذارد تاهمجائی در گنجینه تهی نماند وهم چشم‌انداز زیبائی داشته باشد. پس از گرد کردن کتابهای یك اندازه شایسته است کتابهای یك موضوع ومانند همرا پهلوی هم گذاشت آنگاه شماره گذارد تا اگر کتابی سرجایش نباشد بدانند.

در کتابخانه علمی میتوان کتابها را به نه بخش نمود: A تا I بترتیب کمتر از ۱۶و۱۴و ۱۹ و۲۳ و۲۹ و۴۰ و۵٦ و۸۰ وبیشتر از ۸۰سانتی‌متر دردرازا ودر کتابخانه خواندنی و همگانی به‌شش بخش از A تا F (کمتر از ۲۰و۲۵و۳۰و۴۰و٦۰ وبیشتر از ٦۰ س‌م) در کتابهای خطی چنین است اندازه درازا برای چیدن در گنجینه: از A تا D (کمتر از ۱۵ و۳۰ و۵۰ وبالاتر از ۵۰).

چیدن کتابها در روزگار پیش

از «سرگذشت» شیخ رئیس پیداستکه کتابخانۀ نوح‌منصور سامانی (۳٦٦-۳۸۷) در بخارا درخانه‌ای بودداراى اطاقها ودرهریك صندوقهائی رویهم گذارده دریک اطاق نگارشهای ادبی دردیگری فقه وهمچنین دراطاقهای دیگر ازعلمهای دیگر وفهرستی داشت که شیخ بدان نگریست و کتابهائیرا که نیازداشت خواست.

بنوشته مقریزی (۷٦٤-۸٤۵) درخطط (چاپ ۱۲۷۰ مصرج۱ص۴۰۹ و٤۵۸) از روزگارعزیز (۳٤۱-۳٦۵) تا ٤٦۱ دانشگاه‌فاطمیان‌درقاهره بنام(دارالعلم - دارالحکمه) درکاخ شاهی بوده ودارای چهل گنجینه که‌یکی از آنهادارای‌هیژده‌هزار جلد کتاب‌ازعلوم قدیم‌داشت. گنجینه جندین رف داشت ودریک تالاربزرك وهررفی دری‌داشت که بسته‌می شد وبرهردری برگی میچسباندند و روی آن نوشته میشدکه چه کتابهائی درآنجاهست شماره کتابهای ادبی ودینی وفلسفی آنجا باجلد وبی‌جلد (مجرد) به‌پیش از دویست هزار رسیده‌بود وگاهیکه صلاح‌الدین کرد آنجارا گرفت به ۱٦۰۰۰ هزارمیرسید که بفروش‌رفت. حاکم خود درروزشنبه ۱۰ج۲سال۳۹۵ دانشگاه‌را بگشود ودستورداد که کتابهای کاخ را بدانجا برند.

ابن‌جماعه بدرالدین محمد کنانی حموی شافعی (٦۳۹ - ۷۳۳) در تذکرة‌السامع والمتکلم فی‌ادب‌السامع والمتعلم (چاپ ۱۳۵۳ دکن ص۵-۱۷۰) بسال ٦۷۲ وشهیدثانی زین‌الدین شامی‌عاملی‌شیعی (۹۱۱-۹٦٦) درمنیة‌المرید فی‌ادب‌المفیدوالمستفید (چاپ‌ایران ۱۳۰۷ص۷۰) بسال ۹۵٤ مینویسند که کتابها را رویهم که میگذارنددرروی تختی بچینند یازیرآن جوبی باشد یادررفی بنهند نه‌اینکه روی‌زمین باشد ونم‌بکشد وفرسوده گردد. میان کتابها وچوپ یاتخت ودیوارهم باید چیزدیگری باشد وهمچنین‌روی‌آنها تاجلدآنها خورد نشود و کتابهارا به‌ینگونه: نخست قران که بهتراست بدیوار بیاویزند سپس‌حدیث

وتفسیر وشرح حدیث واصول‌دین واصول فقه‌وفقه وادب رویهم بچینند واندازهٔ کوچك باید درروی‌باشد. تاکتابها نریزند ونام کتاب‌را باید زیرهرصفحه نوشت وآغاز کتاب باید در روی باشد اگر کتاب چندجلد است باید درپایان هریك نوشت که این‌جلد انجام گرفت و پس ازآن‌جلد دیگری هست (چنانکه دربسیاری از کتابها دیده میشود ودرپایان‌جلدآخر مینویسند که بااین جلد کتاب بپایان رسید) .

کتابهای گنجینه‌ای

کرزه (ص۸۵) کتابهای گنجینه‌ای راچنین میشمارد :

۱ - دارای جلد maroqiun armorié یاپوست بز پیراسته ودارای نشانه که همان سختیان باشد وگوزگانی هم گویند چون ازاین شهر بدست میآمد (ترجمه قاموس وبرهان قاطع) .

۲ - کتابهای دارای پیکره وتصویر پیش از ۱۸۰۰م .

۳ - مصور بسیارزیبای پس‌ازاین تاریخ .

٤ - چاپهای نخستینéditions princeps .

٥ - دارای حاشیه‌های سودمند خطی .

٦ - چاپهائی که کمتر ازدویست نسخه بچاپ‌رسیده باشد .

۷ - چاپهای شهرستانها پیش از ۱۸۰۰ (بجزپاریس) .

۸ - کتابهای‌دارای Ex-libris یامهر ونشانه- درکتابهای خطی‌خاوری‌نسخه های اصل‌یا دارای خط‌نگارنده یااجازهٔ اویابلاغ بخط اویاشاگردش‌یادارای خط‌واجاره وبلاغ وحاشیه ازیك دانشمند وهمچنین نسخه‌های یگانه یابسیار کهن یادارای خط‌خوش‌و آرایش وجلدزیبارا باید درگنجینه گذارد. نیز کرزه میگوید که کتاب نادروبیمانندیا زیبا ودارای‌آرایش خواه درخط یادرجلدرا برای اینکه گم نشود ونذزدند وفرسوده نگرددو آسیبی بدان نرسد درگنجینه میگذارند وآن بایدصندوق‌یا اشکافی باشد شبکه‌دار که با کلید بسته شود ونباید اینگونه کتابهارا درکشوی بسته وبی‌سوراخ گذاشت که اگرهوای آن تازه نشود خواهدگندید.کلید بایدهمیشه نزدیکی چنین‌گنجه باشد تـا درآتش‌سوزی بتوانند زود بازش کنند . کتابها راروی کهنگی وزیبائی درقفسه‌های گنجینه بایدچید .

اندکی از تاریخ فهرست نگاری

ازفهرست های کهن یکی فهرست نگارشهای افلاطون است که دانشمندان بـدان می پرداختند . خود او گویا میخواست نوشته‌های خودرا بچهارتائی بخش کند وازآنها تئایتتوس وسوفسطائی وسیاسی وفیلسوف‌را یادمیکند بـا اینکه «فیلسوف»را ننوشت و همچنین میخواست برجمهوری وتیمائوس وکریتیاس گفتگوی دیگری بیافزاید که اینرا هم

نوشته بود این بود که اریستوفانس بوزنتیائی ادیب اسکندریه (سده۲ پیش ازم) پاره‌ای‌از آنهارا پنج بخش سه تائی کرده و بازمانده رایك یك برشمرد. درکولیداس Derkylidas (Dercylidès) فیلسوف یونانی سده۱ ونگارندهٔ دفترهائی دربارهٔ فلسفهٔ افلاطون که پاره‌هائی ازآنها برجای ماندد در روزگار قیصرروم(۱۰۱-٤٤ پیش‌ازم) وهمچنین ثراسولس Thrasylle رودسی ستاره‌شناس نامور یونانی (م۳٦۰) که تیبریوس(۱٤-۳۷)اورا برم آورده بودآنهارا بچهارتائی (رابوع) بخش کردند.

ثراسولس آنهارا به نه چهارتائی بخش نمود که ۳۵ گفتگو و نامه‌ها باشد. دیوگنوس لاء سیوس آنها را ازروی روش‌وسبك رده‌بندی کرد. نسخه‌های سده‌های میانین ازروی رده‌بندی ثراسولس ودیوگنوس میباشد و بهمین روش هم آنها رابچاپ رساندند. ابن‌ندیم وقفطی ازگفته ثاون (ازمیری ریاضی‌دان یونانی سده ۲ گزارنده نگارشهای افلاطون که آنهارا باندیشه نوپوتاگورسی بیامیخت و نویسندهٔ کتابی درستاره‌شناسی) مینویسندکه افلاطون نگارشهای‌خودرا چهاربچهار (رابوع) بخش‌میکرد تا بهمان روش بخوانند. ایندو آنهارا بروش همان ثاون فهرست‌داده‌اند. خزرجی میگوید که نگارشهای فیلسوف ٥٦ دفتراست وهرچهارچهارآنها بنام «رابوع» دارای یك غرض میباشند. او ٤٥ نگارش‌ازاو میشمارد ونزدیك است بفهرست ثراسولس.

دررده‌بندی سه‌یاچهارتائی گفتارهائی که‌مانندهم نیستند پهلوی‌هم گذارده‌میشودونمی رساند که‌فیلسوف‌درزندگی‌خویش چگونه میاندیشید و کدام‌دفتر رادر چه‌هنگامی نوشت این بود که پلاتونیان باستانی میکوشیدند که در خواندن آنها ترتیبی گذارند مگر اینکه آنها روی‌سلیقه وغرضی که‌داشتندکار کردند ومیخواستند آنهارا گذشته ازترتیب رسمی نسخه‌هادرجه‌بندی کنند. این‌هم تحول واقعی‌اندیشهٔ فیلسوف‌را نمی‌رساندوآنهاکاری‌بتاریخ فکر اونداشتندگواهیهائی‌هم که گذشتگان‌درباره ایندفتر ها داده‌اند پنداری وبی ارزش است. ازاینروی‌هوشمندان اروپا درباره آنها بچنددسته‌شده برخی ازروی پیوستگی آنها با یکدیگرونشانه‌های‌ساخت وسبك عبارتهاوتطور اندیشه فیلسوف واشاره‌هائیکه‌بحادثه های تاریخی درآنها شده است آنها را از روی یقین یـا حدس بچند دسته وگروه بخش کردند (۱).

۱- بجز ۳۵ گفتگوو۱۳ نامه که برخی مشکوك‌است شش گفتگوی کوچك (دادگری برتری- دمودکوس Demodcos. - سیسوفس Sisuphos واریکسیاس Erixias وآکسیوخوس Axiochos)وتعریفهائی‌هم ازفیلسوف دانستند که‌نگارش او نیست گذشته ازهمهٔ اینها شش گفتگوی مرتبی هم‌هست: (الکیبیادس دوم - هیپارخوس - همچشمان -

بقیه حاشیه در صفحه بعد

برای نگارشهای ارسطوهم سه فهرست هست : ازدیو گنوس لائرسیوس وهسوخیوس ملیتوسی وبطلیموس رومی کـه قفطی وخزرجی ازاو گرفته‌اند چنانکه درص ٦٤١ همین فهرست یاد گردید .

این هم گفته شود که سرگذشت نویسان یونانی مانند همان دیوگنوس وفرفوریوس ودیگران نگارشهای فیلسوفان ودانشمندان باختری را فهرست داده‌اند. حنین اسحاق وابو سلیمان سگزی وابن ندیم وبیهقی وقفطی وخزرجی از آنها پیروی نمودند . بجز دفترهائی که گاهی برای شمارش کتابهای يك فیلسوف یا برای چگونگی آموختن يك اندیشهٔ فلسفی مینوشتند چنانکه همان حنین دفتری دارد بنام « کتاب فیما یقرء قبل کتب افلاطون» ودفتری دربارهٔ نگارشهای ترجمه شده ونشدهٔ جالینوس و نیز دربارهٔ نگارشهای همین جالینوس که درفهرست خود یاد ننمود . (خزرجی ج١ص ٢٠٠و١٩٨)

جالینوس نیز برای نگارشهای خویش دوفهرست نوشت یکی دردو گفتار و در ٢٧ فصل(یکی کتابهای پزشکی دزمی کتابهای فلسفی وادبی) بنام « پری تن ایدیون بیبلیون = De libris propriis» یا « نگارشهای خوداو» که ابن ندیم وخزرجی انرافینکس و بینکس خوانده‌اند. اودرآن روشن کرد که این کتابهارا چگونه وچرا وبرای چه نوشته است ودردیباچه آن کتابهائیکه باو بسته‌اند برشمرد. دیگری دريك گفتار بنام « پری تس تا کسئوس تن ایدیون بیبلیون= De ordine librorum suorum» یا« رده بندی نگارشهای خود او» که آنـرا خزرجی ج١ص ٧١و٩٠ « کتاب فی مراتب قراءة كتب جالینوس » خوانده است ودرآن روشن گردید که کتابهای اورا چگونه باید بخوانند. جالینوس برای نگارشها ابقراط نیزفهرست نوشت وروشن کرد که کدام ازخوداواست وکدام را باو بستند بنام « کتاب فی کتب ابقراط الصحیحه وغیرالصحیحه» دريك گفتار (خزرجی ج١ص٩٩) و همین راحنین اسحاق (١٩٤-٢٦٤) بنام «جوامع کتاب جالینوس فی کتب ابقراط الصحیحه وغیرالصحیحه» درآورد (خزرجی ج١ص٩٩ و١٩٩وابن ندیم ص٤٠٥) .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

ئآگس ـ کلیتوفون ـ مینوس) که مشکوك میباشد. اپی نمیس که دنبالهٔ نوامیس بایـد باشد گویا نگارش Philippe d'Opunt دوست ورازدار افلاطون باشد. درنامه‌هـا هم بندهائی بی‌ارزش با بندهای دیگر آمیخته شده ازاین روی درآنها هم شك کرده‌اند .

بنگرید به: لاروس سده٢٠ ـ ابن ندیم ص٣٤٣ ـ قفطی ص١٤ـ خزرجی ج١ص٥٠و ٥٣ـ دیباچه‌های E.Chambry(چاپ گارینه) و M.Croïset (چاپ بوده) برج١دوره نگارشهای افلاطون .

همین حنین میگوید که نویسندگان گاهی از روی نادانی یا برای اینکه بگویند ما بسیاری از نگارشهای جالینوس را داریم دفترهائی از آن او نشان میدهند که دیگران پیش از او بپرداختند یا کسی از نوشته‌های او گزین نمود یا درجنگی دارای چندین گفتار که نخستین آنها از او بوده‌است دیده‌شده و آنان نتوانستند آنها را ازهم بازشناشند. هموکتابهائی را که بسبك وشیوائی جالینوس نیست فهرست کرد و نیز آنچه را که ترجمه شده وپاره‌ای که نشده برای علی بن یحیی ستاره شناس سیاهه‌داد و گفتاری دارد که در آن کتابهائیکه در « فهرست نگارشهای » جالینوس نیامده نشان داده است و خزرجی از روی همهٔ اینها فهرست کتابهای جالینوس را نوشت (ج۱ص۱۰۱و۱۰۲و۱۹۸)،

متن فهرست نخستین جالینوس وپـارهٔ باز ماندهٔ از دومین فهرست نخستین‌بار در ونتکیا بسال۱۵۲۵ جزء دورهٔ نگارشهای او بچاپ رسید .

فهرستی که حنین اسحاق (Johaunitius ۸۰۹-۸۷۳) نوشته بنام«ترجمه‌های سریانی‌وتازی‌نگارشهای‌جالینوس» ازروی‌دو نسخه‌استانبول باترجمهٔG.Bergstrasser در Abhanlungen für die Kunde de Morgenlandes ج ۱۷ و ۱۹ بسال‌های ۳۲-۱۹۲۵ چاپ‌شد . درآن‌آگاهیهائی ازنگارشهای ابقراط هم‌هست .

فهرست دیگری ازنگارشهای جالینوس در ۱٤۸۳ بنـام بخش ورده‌بندی وشماره نگارشهای جالینوس بچاپ رسید که ازکهن‌ترین فهرستهای چاپ‌شده میباشد .

(بنگرید به Les débuts de la bibliographie méthodique ترجمه Th.Besterman ازانگلیسی چاپ پاریس بسال ۱۹۵۰ ص ١٤) .

پیش ازپیدا شدن چاپ دراروپا درسده۹ فهرست یا سیاهه‌ای از سرگذشت نامـهٔ قدیسان وپاکان نوشته ودردیرSaint Gall گذاردند . کهن‌ترین فهرست چاپ شده دو فهرستی است از Saint Jerom و de Gennad که در ١٤٦٧ بچاپ رسید (همـان کتاب Besterman ص١٦) .

کهن‌ترین فهرستی که دراسلام یادشده همان فهرست کتابخانهٔ مأمون عباسی است که مشکویهٔ رازی درداستان«جاویدان خرد» نامبرده است(ص۲۱) ابن‌ندیم ازدفتر کهنی یاد میکندکه مانا ازگنجینهٔ مأمون بوده ودرآن کتابهای آسمانی راشمرده‌اند(ص۳۲).

یکی‌هم‌فهرست کتابخانه (بیت‌الکتب)صاحب اسماعیل‌بن عبادطالقانی(۳۲٦-۳۸۵) است درری که کتابهای آن باندازهٔ چهارصدیاهفتصد بارشترمیشده است و۱۱۷هزار نسخهٔ گرانبها درآنجا بود. محمودسبکتکین ترك(۳۸۸-٤۲۱) هنگامی که بری رسید بدوگفته اندکه درآنجا نگارشهای رافضیان وبدعت‌گذاران هست اوهم هرچه دفترهای کلامی‌در آنجا بود بیرون‌آورد ودستور دادبسوزانند (نزدیك ٤۲۰) .

ابوالحسن علی بن زید بیهقی (م٥٦٥) میگوید که من آنجارا پس از سوزاندن محمود دیدم فهرست آن بده جلد میرسید. (معجم الادباء چاپ اروپا ج٢ص٣١٥) .

دیگر فهرست کتابخانهٔ فناخسرو بویه‌ای (٣٣٨ـ٣٧٢) درشیراز که مقدسی(زنده در٣٧٥) دراحسن‌التقاسیم (ص٤٤٩)میگوید: این کتابخانه حجرهٔ جداگانه‌ایست وگماشته وگنجور وبازرس از نکوکاران شهر درآنجایند وکتابی نوشته‌نشده تااین هنگام که در آن نباشد . این‌حجره دالان درازی است دریك صفهٔ بزرگ . درآن ازهرسوی گنجینه هائی (خزائن) است وبهمهٔ دیوار های دالان وگنجینه‌ها خانه‌ها یا اشکافهائی از چوب آراسته ونگارین بدرازای یك‌قامت وبپهنای سه ارش چسبانده‌اند که هریك‌را دری‌است که ازبالا بپائین میآید ودفترها(دفاتر) روی‌رفها چیده وگذارده‌شده‌است وبرای‌هرگونه از آن دفترها خانه‌هائی است وفهرست‌هائی که نام کتابها درآن‌آمده . (نیز : خزائن ـ الکتب‌القدیمه ص١٢٦) .

دقت دانشمند دربارهٔ استناد کتابها

دانشمندان‌اسلامی در درستی‌استناد کتاب بنگارندهٔ آن‌بسیارموشکاف بوده‌اند کتاب‌را مانندحدیث نمیپذیرفتند مگراینکه‌ازآورنده وراوی‌آن بشنوندیا ازگفتهٔ‌اوبنویسند(سماع واملاء)یااینکه‌شیخ وپیرآنرانوشته بدست خویش‌بآ نهادهد(مناوله)یادرکتاب واصل‌خوداو یادفتریکه براو خوانده شده واودرستی آنرا برروی‌آن نوشته‌باشدیا شاگردانش آن‌را درست بدانند بیابند اینگونه شروط را در دفترهـای درایةالحدیث می‌بینیم و همچنین در کتابهائیکه دربارهٔ سرگذشت بزرگان ورهبران مانـنـد شافعی واحمد حنبل واشعری و دیگران نوشته‌اند رشتهٔ روایت وسماع درباره کتابها دیده میشود ودرنسخه های کهن هم مانند «الرساله» شافعی‌نام‌کسانیکه آنرا ازاستاد شنیده‌اند نوشته شده است .

همچنین درسرگذشتها وطبقات کـه برای دانشمندان نوشته‌اند فهرست نگارشهای آنها هست وبرخی مانند سبکی ازکتابها عبارتی‌آورده‌اند .

برخی ازدانشمندان مانـنـد اشعری در«العمدفی‌الرؤیة» (ص٥٤٨ همین‌فهرست) و ابوالحسن محمدبن‌یوسف عامری نیشابوری م٣٨١در«الامدعلی‌الابد» (ص٣٤٧جاویدان خرد) نگارشهای‌خود رافهرست میدادند. یااینکه شاگرد نوشته‌های استاد را برمیشمرد مانند جوزجانی در«سرگذشت» شیخ رئیس .

اینك نمونه‌ای ازفهرستها که نوشته‌اند :

١ـ الفهرست ازابوالفرج محمدبن إسحاق وراق بغدادی ابن‌ابی یعقوب‌ندیم (م٢٠ شعبان ٣٨٥) نزدیك بشعبان سال ٣٧٧ که در آن بجز تاریخ علم، فهرست نگارشهای دانشمندان یونانی وایرانی واسلامی نیزهست فلوگل‌آنرا درلیدن بسال٢ ـ١٨٧١ دردو

جلد بزرگ بابررسیهائی بآلمانی بچاپ‌رساند ودرمصر نیز چاپ شد .

بارون روزن‌خاورشناس روسی سرگذشت ابن‌ندیم‌را نوشت (گاهنامه سید جلال تهرانی سال ۱۳۱۰ ص۹۹) درمجلهٔ Die Kundes Morgenlandes بسال ۱۸۸۹ نیز پاره‌هائی ازهمان فهرست بچاپ رسید که آن درپایان چاپ ۱۳۴۸ مصرهم‌دیده‌میشود .

۲ـ الفهرست شیخ‌طوسی (۳۸۵ـ۴۶۰) که در دیباچهٔ آن میگوید : «پیش ازمن فهرست‌نگارشهای‌یاران‌مارا نوشته‌اند مگراینکه‌همهٔ کم‌وکاستی‌داشت مگرنوشتهٔ ابوالحسن احمدبن الحسین غضائری که دوفهرست نگاشت یکی دربارهٔ مصنفات دیگری دراصول و کسی‌آنهارا رونویس‌نکرد واوبمرد وآن‌نوشته‌ها ازمیان برفت» چاپ نجف‌بسال ۱۳۵۶

۳ ـ رجال ابوالعباس، احمد بن عباس نجاشی (۳۷۲ ـ مطیرآباد ۴۵۰) که در سرگذشت دانشمندان شیعی نگارش های آنان را یاد نمود و آن در بمبئی بسال ۱۳۱۷ بچاپ رسید .

۴ـ سعدالسعود ازعلی‌بن طاوس حلی(۵۸۹ـ۶۶۴) نگارش یکشنبه ذی‌قعدهٔ ۶۵۱ که کتابهائی راکه خریده وبرفرزندانش وقف کرده بود برشمرد وعبارتهائی ازآن‌ها با نشاندادن شماره برگ وکراسه وجزء درآن‌آورد تااگر ازمیان برود نشانی از آن‌ها بماند واگر دستبردی شده ونشانهٔ وقف‌آنها بریده شده بتوانندآنها را بشناسند واگر کسی هم‌نخواند یانتواند آنهازا ببیند همین‌گلچینی هاکه او کرده است برایش سودمند خواهد بود. اواین‌کتاب‌را دردنبال «الابانة فی‌اسماء کتب‌الخزانة» خودکه رازکتابهارا درآن شناسانده بود وبمانندآن نگاشته‌است. اواین کتابها رادرآن شناساند «قران ـــ تورات ـ انجیل ـ تفسیرهای تبیان وجوامع‌الجامع وتفسیرهای علی‌بن ابراهیم وحجام‌وابن عقده و امام محمد باقر ع ـ قصص‌الانبیاء راوندی وفقه او ـ کشاف ـ تفسیرهای جبائی و عبدالجبارهمدانی وابوالقاسم‌بلخی وکلبی‌وسلمی (حقائق‌التفسیر) وابن‌جریح وابن بحر سپاهانی واخفش وفراء وازهری ورمانی وجراح» چاپ نجف ۱۳۶۹/۱۹۵۰ ـ اونگارش‌دیگردارد بنام فرج‌المهموم فی‌تاریخ علماءالنجوم بسال ۶۵۰ که نگارش‌های ستاره‌شناسان رادرآن برشمرد وآن درص۵۹۸ همین‌فهرست شناسانده شده است .

۵ـ معالم‌العلماء ازابن شهرآشوب ساروی (۴۸۹ـ۵۸۸) نوشتهٔ پیش از ۵۸۱ که سرگذشت وفهرست هردواست . چاپ‌تهران در۱۳۳۵خ .

۶ـ فهرست شیخ منتجب‌الدین ابی‌الحسن علی‌بن ... بابویه قمی(۵۰۴ ـ ۵۸۵) که دنبالهٔ فهرست طوسی است ودرجلد ۲۵(اجازات) بحارمجلسی‌آمده است .

۷ـ خلاصة‌الاقوال فی‌معرفة‌الرجال ازعلامه حلی(۶۴۸ـ۷۲۶) که گذشته ازفهرست

نگارش‌های دیگران آنچه خودهم تاتاریخ ع۲سال ۶۹۳ نوشته بود برشمرد (ص۴-۴۳) چاپ تهران در ۱۳۱۰- اودر اجازه‌خود بمهنابن سنان‌در بارهٔ روایت نگارش‌های‌خویش‌در محرم(۷۲۰) ۵۴ کتاب‌ازخودروی‌بخشهای علمها یادنمود واین اجازه دردفترشماره۱۰۲۲ گ۶۸الف۷۰ب بخط سیدحیدرآملی بسال۷۶۲ دیده میشود ودرص۲ج۲۵ بحارهم‌بچاپ رسید .

۸- امل‌الامل ازشیخ حرعاملی م۱۱۰۴ که در۱ج ۲سال ۱۰۹۷ بپایانش رساند و سرگذشت نامه وفهرست‌هردو است ودردنبال منهج‌المقال‌میرزا محمد درچاپخانه کربلائی محمد حسین تهرانی بسال۱۳۰۷ بچاپ سنگی رسید .

عاملی درآغاز «تفصیل وسائل‌الشیعة الی‌تحصیل مسائل‌الشریعة» که درپایان‌جمادی دوم سال۱۰۸۲ بانجامش رساند هم کتابهائی راکه ازآنها بهره برد برشمرد ودر پایان جلدسوم آن از بسیاری از کتاب‌های دانشمندان شیعی بررسی نمود (چاپ امیربهادر در تهران درسه جلد بسال۴-۱۳۲۳) .

۹-لؤلؤتی‌البحرین ازشیخ‌یوسف‌بحرانی م۱۱۸۶ که‌رشتهٔ سندروایت‌واجازه‌خویش راآورده وسرگذشت دانشمندان ونگارش‌های‌آنهارا یادنمود(۱۱ع۱سال۱۱۸۲). چاپ سنگی ابوالقاسم خوانساری در۱۲۶۹ .

۱۰ ــ بحارالانوار مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) که در آغاز آن ازکتابهائی که بهره برداد نمود ودرآن ازبرخی بررسی نمودودرجلد۲۵ اجازه‌های دانشمندان شیعی‌راآورد که بهترین سنداست برای فهرست کتاب‌ها .

۱۱ـ مستدرك‌الوسائل ازحاج میرزا حسین‌بن محمد تقی‌نوری (یالو۱۲۵۴ ـ نجف ۱۳۲۰) که در۹-۱۳۱۸ آنرا بپایان رساند ودرجلد سوم‌آن درباره بسیاری ازکتاب‌ها کاوش وگفتگو نمود. چاپ تهران۲۱-۱۳۱۸ درسه جلدرحلی .

ناگفته نماندکه درکتاب‌های رجال هم‌فهرست کتاب‌ها آمده و بهترین وگسترده ترین آن‌ها تنقیح‌المقال فی‌احوال‌الرجال شیخ‌عبدالله مامقانی است که دربارهٔ صحت‌استناد کتاب‌ها هم کاوش کرده است (چاپ نجف درسه جلدسال۵۲-۱۳۴۹) .

او درمقیاس‌الهدایه فی‌علم‌الدرایة پیوست جلدسوم همین‌تنقیح ص۱۱۶-۱۲۳. رجال شناسان شیعی را برشمرد و کتابهای رجال را فهرست داد .

این هم گفته شودکه دربرخی ازکتابهای اصول فقه نیزدرباره صحت استناد برخی ازکتاب‌ها گفتگو شده از آنها است فصول شیخ‌محمد حسن سپاهانی (م نزدیك۱۲۵۴ یا ۱۲۶۱) چاپ سنگی ایران ازخوانساری که‌درپایان مبحث‌خبردرمقاله دوم از«فقه‌الرضا» گفتگو نمود وازرهگذر تاریخ نشروسبك‌ومندرجات آن‌کاوش کرد وروشن‌ساخت که‌آن ازامام نباید باشد .

درچاپخانهٔ دائرةالمعارف دکن بسال ۱۳۲۸ جنگی چاپ شده دارای اینها :

۱ــ الامم لایقاظ الهمم از برهان‌الدین ابراهیم بن‌حسن بن‌شهاب کردی کورانی شهرزوری مدنی شافعی صوفی (۱۰۲۵ــ۱۱۰۲) درباره اسناد دوصحیح وچهارسنن وچند کتاب حدیث وکلام وتصوف وتفسیر بسال ۱۰۸٦ .

۲ــ بغیةالطالبین شیخ احمد بن‌محمد نخلی مکی دربارهٔ مشایخ اجازه درحدیث وعلم بسال ۱۱۱٤ .

۳ــ الامداد بمعرفة علوالاسناد ازشیخ جمال‌الدین عبدالله بن‌سالم بصری مکی عارف شیعی (۱۰٤۹ــ۱۱٤۳) که پسرش شیخ سالم گردآورده دراجازه‌های اودرباره کتاب‌های حدیث وکلام وتفسیر وتصوف ونحو بسال ۱۱۲۲ .

٤ــ قطف‌الثمر فی رفع اسانیدالمصنفات فی‌الفنون والاثر از شیخ صالح بن محمد بن نوح عمری فلاتی مسوفی مغربی م ۱۲۱۸ .

٥ــ اتحاف‌الاکابر باسنادالدفاتر ازقاضی ابی‌علی محمد بن علی شوکانی زنده در ۱۱۷۲ و م ۱۲٥٥ نگارندهٔ نیل‌الاوطار روی حروف تهجی نام کتاب بسال ۱۲۱٤ .

نکته‌هائی ازابن‌طاوس

درسعدالسعود بنام‌هائی برخورد میشودکه درکتابشناسی سودمنداست. کتاب‌های کتابخانهٔ اوبرخی چند «مجلد» هریك چند «جزء» هریك چند «کراس» بوده و مجلد او برابراست با Volume وجزء همان Tome میباشد وکراس نزدیك است به Forme یا Fascicule یا Brochure که گویا نزد او بیش ازده برگ نبوده‌است چنانکه زمخشری دراساس‌البلاغه میگوید: فی‌هذه‌الکراسة عشرورقات. عدة کراریس. قرأ کراسة من کتاب سیبویه (ص۱۷۱ج۲چاپ۱۳۲۷مصر) ونسخه کهنه ش ۳٥۰ اینکتابخانه (تحریر شرح لمع) هم‌دررویهٔ برگ‌های یازدهم‌شماره دارد(ص۵۵۹اینفهرست). درسرگذشت‌شیخ رئیس‌دارد: «خمسة اجزاء کل واحد عشرة اوراق» واین«جزء» بایدهمان باشدکه کراس می‌خواندند. گرچه‌درمحیط‌المحیط وفرهنگ‌دوزی آمده که کراس جزئی است از کتاب و بیشتر هشت برگ‌است.این واژه‌درشعر کمیت‌هم آمده : «حتی کان عراص‌الدار اردیة — من‌التجاویز او کراس اسفار» کردعلی‌درخطط‌الشام (ج٦ص۱۹۷)میگوید: «آنچه پیشینیان‌جزء ومجلد ومجلده میگفتند پیش ازچندکراسهٔ مانبود وکراسه هم‌گاهی بیشتر ازهشت‌صفحه نمی‌شد پس هزارمجلد روزگار پیش بیشترازپنجاه یاهفتاد جلد کنونی نمیشده وبرگ‌های یک مجلدآنها کم بودچه ورق‌یا رق‌آنهاکلفت بوده واگربرگ‌های یکجلد بدویست تاپانصد میرسید سنگین میشد وبرداشتن وباخود داشتن‌آن دشوارمیگشت» .

ابن‌طاوس بازدرنشان دادن‌جائیکه مطلبی ازآنجا میآورد واژه‌های قائمه (برگ

یاFolio) ووجهه اوله (رویه‌یا Recto) ووجهه ثانیه (پشت‌یاVerso) وصفحه‌وسطر بکارمیبرد. پیداست که صفحه‌ها و برگ‌ها درآن هنگام شماره نداشت وبا شمردن‌قائمه‌ها وسطرها وشماره دادن کراسهای‌ده‌برگی وجزء ومجلدپیدا کردن هرجائی از کتاب‌آسان بوده است. اوگاهی نیزاز «ورقة کبیرة - ربع‌الورقه- نصف‌الورقه- قالب‌ثمن» و«معظم ـلطیف‌صالح‌للتقلید» یادمیکند ومیرساند که گاهی نصف‌الورقه وربع‌الورقه را یکجاجلد میکردند (ص٦٤) .

فهرست عمومی یا Catalogue Collectif

١ - کشف‌الظنون عن‌اسامی‌الکتب والفنون ازحاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطینی (١٠٠٤ذی‌حجهٔ ١٠٦٧) که ازکتابها آنچه خودگرد آورده و آنچه‌در کتابفروشی‌های حلب ودر کتابخانه‌های عمومی استانبول دیده و یا در کتابهای طبقات و تراجم خوانده بودیاد نمود.

فلوگل‌آنرا باترجمه لاتینی در ٧ جزء بزرگ درلایپتسیك ولیدن در٥٨ - ١٨٣٥ چاپ کرد .

چلبی کشف‌الظنون‌را تاکلمه«دروس» پاکنویس نمود وخود درگذشت وبازمانده درمسوده‌ماند وشش تن‌آنرا پاکنویس کردند. سپس سیدحسین‌عباسی نبهانی حلبی(م پس از١٠٩٥ درحلب)آنرا گزین وکوتاه نمود ونامهای بسیاری هم برآن افزود ونسخهٔ آن بنام «التذکارالجامع‌للاثار»هست. محمدعزتی افندی عریف‌وشنه زاده م١٠٩٢ ذیلی برای کشف‌الظنون‌نوشت که درمسوده‌ماند. احمدطاهر افندی حنیفزاده م١٢١٧هم ذیلی برآن افزود که بیش از پنجهزارکتاب درآن یادشد و بنـام آثارنومیباشد. شیخ‌الاسلام عارف حکمت بك م١٢٧٥ تاحرف«ج» نیزذیلی نوشت وبهترین ذیل‌آن «ایضاح المکنون» اسمعیل پاشای بغدادی م١٣٣٩ است که نزدیك بسی سال درش کارکرد و نـام ١٩٠٠٠ کتاب برش‌افزود.او«هدیة‌العارفین فی‌اسماء المؤلفین وآثارالمصنفین»هم‌دارد دردوجلد که میخواهد درآن نگارندگان ونگارشهای آغاز اسلام تاروزگار خویش رادرش نام برد. اسماعیل صائب سنجر مدیر کتابخانه عمومی استانه ومدرس جامع بایزید دوم نیزذیلی بر کشف‌الظنون داد . ذیل‌اسماعیل پاشا باخود کتاب در٤جلد بزرك دراسلامبول بسال٦ - ١٣٦٠(٧-١٩٤١) بچاپ‌رسید- Petisdfla Croix معلم عربی مدرسه پاریس کشف الظنون‌را بفرانسه‌ترجمه کرد .

ترجمه فارسی کشف‌الظنون‌دربنگال هست (فهرست‌فارسیهای انجمن آسیائی بنگال ازایوانف بانگلیسی ج٢ص٤٤٦ش٦٦٣) وترجمان‌آن دیباچه‌ای ازخود در آن نگذارده واز ترجمهٔ خطبه : « بهترین نطق که ظاهر میشود انوارالطاف ... » آغاز نمود وپایان

آن برابراست باص۵۱۰ج۶چاپ فلوگل وخاتمه‌ای Colophon هم برای آن نوشت و
شناخته نشد که کیست . در پایان نسخه بنگال مهری‌هست بتاریخ۱۲۵۳ـ شیخی ابراهیم
افندی‌بن علی‌عربه‌چی باشایا (عربه‌جیلر شیخی) م۱۱۸۹این کتابرا تصحیح وپاکیزه نمود
وپاره‌ای ازتاریخ‌درگذشتهای دانشمندان که‌چلبی نیاورده بودروشن نمودوافزوده‌های‌عربه
چی، درچاپ فلوگل‌میان دوکمانه گذارده شده‌ولی دردوچاپ بولاق‌دردوجزء بسال۱۲۷۴
وآستانه آنهم دوجزء بسال۱۱-۱۳۱۰ درجزء متن آمده استدرپایان‌چاپ فلوگل‌فهرست
های کتابخانه‌های ازهر قاهره ومدرسه ابی‌الذهب محمدبك مصرومکتبه ردوس وسلطان
سلیم درآستانه وقلیج باشادرتوپخانه قسطنطنیه وتصحیح وشرح‌شش‌جزء پیشین وفهرست
افزوده عربه‌چی باشی وحنیف‌زاده وفهرست لاتینی نویسندگان آمده ودر پایان‌جزء ششم
آن‌چاپ «آثـارنو = Nova Opera » احمد طاهرحنیف‌زاده درفهرست نگارش‌های
تازی وپارسی وترکی که در کشف‌الظنون نیامده است ونیز برنامه کتاب‌های متداول در
مغرب وفهرست نگارش‌های جلال‌الدین سیوطی‌دیده میشود .

۲ـ کشف‌الحجب والاستار عن‌اسماءالکتب والاسفار از اعجـاز حسین نیشابوری
کنتوری‌برای کتاب‌های شیعی‌چاپ Baptist Mission Press بسال۱۳۳۰(1935)
در۵+۶۰۷+۱۱۸ص

۳ـ الذریعه الی تصانیف‌الشیعه ازدانشمند حاج شیخ‌آقا بزرگ محمدمحسن تهرانی
برای کتابهای‌شیعی وایرانی که‌ازسال $\frac{۱۳۵۵}{۱۹۳۶}$ تاکنون هشت جلـد در نجف وتهران بچاپ
رسیده، دراین کتاب اجازه‌های دانشمندان ودفترهائیکه درآنهـا اجازه ها راگرد آوردند
فهرست‌شده ودربیشتر این‌اجازه‌ها نام‌کتاب‌ها هم‌هست .

۴ـتذکرةالنوادر من‌المخطوطات‌العربیه ازسید هاشم‌ندوی (رفیق دائرةالمعارف)
چاپ دکن در۲۲۴ بسال۱۳۵۰ .

۵ ـ مؤلفات ابن‌سینا ازاب‌جورج شحاته قنواتی چاپ دارالمعارف قاهره در۱۹۵۰
در۳۱+۴۳۵+۲۰ص

فهرست کتابخانه‌های ایران

۱ـ فهرست کتاب‌های کتابخانه آستانه‌طوس (قدس‌رضوی) درپایان جلددوم‌مطلع
الشمس ازمحمد حسنخان صنیع‌الدوله چاپ۱۳۰۲ص ۴۶۹-۵۰۰ که سیاههٔ کتاب‌ها است و
روی علمها بخش‌شده وفرمانها واسناد وتصویرها هم‌درآن یادگردید .

۲ـفهرست همانجادرپایان‌فردوس‌التواریخ نوروزعلی‌پسرحاجی محمدباقر بسطامی
چاپ‌کارخانهٔ آقا اسدالله درتبریز ذی‌قعده ۱۳۱۵ که کتاب‌های موجود درآنجا درتـاریخ

۱۲۹۷ نامبرده شده .

۳- فهرست چاپی و خطی همانجا بنام «فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی» که پنج جلد آن تاکنون بچاپ رسیده وچهارم و پنجم آن بهتر کتابها رامیشناساند جلد یکم آن دارای ٤ فصل است (فلسفه و کلام در ۹۵ + ۲۳ ص- منطق ٤٦ ص- تفسیر ۷٤ + ۱۲ ص- اخبار ۱۰۸ + ۳۲ ص)

دوم آن ازفصل ٥ تا ۱۱ است (فقه - اصول- تجوید - ادعیه اخلاق ومواعظ - رجال وانساب - لغت) در ۳۹۲ ص

سوم آن ازفصل ۱۲ است تا ۱۷ (صرف و نحو- معانی و بیان - تاریخ وافسانه-ادبیات طب - ریاضی) در ۳۷۰ ص هرسه جلد چاپ دارالطباعه طوس ازمیرمرتضی الموسوی مشهد مقدس در $\frac{\text{تیر ۱۳۰٥}}{\text{محرم ۱٤٤٥}}$

چهارم در حکمت و کلام و فلسفه - منطق - تفسیر و ٥٤٤ ص چاپ مشهد چاپخانه طوس (روئین تن) $\frac{۱۳۲٥}{۱۳٦٦}$

پنجم دراخبار وفقه و ٦٨٤ ص چاپ همانجا بسال ۱۳۲۹ خ وهمهٔ ٥ جلد باندازهٔ رحلی .

٤- فهرست کتب کتابخانهٔ مدرسهٔ فاضلیه در ۱٤ فصل ازآقای او کتائی چاپ شهریور ۱۳۰۹ در مطبعهٔ خراسان .

٥- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی از یوسف اعتصام الملك در دو جلد. نخستین سیاههٔ کتابهای خطی وچاپی آنجا است و بسال $\frac{۱۳٤٤}{۱۳۰٥}$ در ۳٦٤ ص و دومی فهرست کتابهای خطی آنجا در ۲٦ بخش و ٥۳۹ ص بسال ۱۳۱۱ خ. جلدسوم فهرست آنجا از آقای ابن یوسف شیرازی است درباره کتاب‌های خطی ادبی بسال ۲۱- ۱۳۱۸ و ۸۱٤ ص هرسه جلد چاپ مجلس میباشد

٦- فهرست کتب خطی کتابخانه عمومی معارف ازآقای عبدالعزیز جواهر کلام در دو جلد وزیری چاپخانه مهر تهران (۲٤۱ ص بسال ۱۳۱۳ و ۲٤۸ ص بسال ۱۳۱٤ خ)

۷ - فهرست کتابخانه مدرسه عـالی سپهسالار ازآقای ابن یوسف شیرازی دوجلد نخستین درقرآن و دعا وتفسیر وتجوید وحدیث وفقه و ۷۰۰ ص بسال ٥ - ۱۳۱۳ خ دوم در ادب پارسی وتازی وترکی و ۷۹۱ ص بسال ۸-۱۳۱٦ هردو درچاپخانه مجلس بچاپ رسید وباندازهٔ وزیری بزرگ .

۸ - فهرست کتاب‌های فارسی وتازی واروپائی چاپی کتابخانه ملی ایران که روی بخشهای نوین علمها نگاشته شده .

۹- فهرست نمایشگاه خطوط نستعلیق کتابخانه ملی ازآقای دکتر بیانی چاپ تابان تهران نوروز ۱۳۲۸ خ وزیری ۷۸ ص کتابهائیکه درباره خط وخوشنویسان نگاشته شده دردیباچه آن یادگردید .

۱۰ـ راهنمای گنجینهٔ قرآن درموزه ایران باستان درباره گردآمدن قرآن و نوشتن آن وفهرست قرآنها از دکترمهدی بهرامی ودکتر بیانی تهران فروردین ۱۳۲۸خ .

۱۱ ـ فهرست نمونه خطوط خوش کتابخانه شاهنشاهی ایران از آقای دکترمهدی بیانی چاپ تابان تهران ۱۳۲۹خ که کتابهای راجع بخط وخوشنویسان در پایان نامبرده شده (وزیری ۳۵۹ص) .

این بود فهرستهائیکه از پارهٔ از آنها دراینـدفتر بهره برده‌شد ونام آنها در آن دیده میشود .

نگارنده و گردآورنده فهرست: محمدتقی دانش‌پژوه
تهران ـ اردیبهشت ۱۳۳۲

خواهشمنداست پیش ازخواندن این فهرست غلطهای زیررا درست نمائید
که شمارهٔ نسخه در کتابخانه ودرفهرست است .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٤	٢٩	١٠٥٣	١٠٣٥
١١٢	شمارهٔ[٥٨] بایدمیان دوسطر ١٨و١٩ گذارده شود		
١٦٧	١٦	١٠٣٨	١٠٣٧
٢٠٧	شمارهٔ[١٧٠]سطر٦میان دوسطر٣و٤ گذارده‌شود		
٢٢٣	٢٦	٧٨٠	٨٧٠
٢٤٧	١٣	٩٢٩	٩٢٦
٢٦٥	٢	٣٧٣	٣٧٤
٤٨٨	١٦و٢٠	٧٦٧	٨٦٧
٦٦١	٢٠	٨٦٢	٨٦٣
»	٢٦	١٣٠٨	١٠٣٨
٦٧٢	٢٤	١٣٠٨	١٠٣٨

گفتار نخستین

منطق

[عربی] 	# آداب البحث 	[۱]

یکی از فروع علم منطق آداب مناظره و بحث است واین فن پس ازرواج منطق و گسترش علم کلام وفقه میان دانشمندان خاوری آشکار گردید، چه‌متکلمان وفقیهان ناگزیر بودند هنگام اثبات آراء خود استدلال کنند و در اینجا از منطق ارسطو بهره برده از رموز فنی این علم آداب بحث و مناظره را استخراج کردند ۵ ومرحلهٔ عملی آنرا علم خلاف نام نهادند.

در فن بحث ومناظره یا جدل کتابهای بسیاری نوشته شده و از آنها است همین‌رساله که قاضی‌عضدالدین عبدالرحمن‌ایجی(م۷۵۶) متکلم‌نامور ایرانی نگاشته است. این رساله بسیار کوتاه ولی جامع است ودانشمندانی چندمانند میرسیدشریف گرگانی (م۸۱۶) و محمد حنفی تبریزی (م ۹۰۰) ومحیی الدین محمدبن‌محمد ۱۰ بردعی (م۹۲۷) وعصام الدین محمد بن ابراهیم اسفرائینی (م۹۴۳) و مولانا احمد جندی ومولانا عبدالعلی بیرجندی بر آن شرح نوشتند.

آغاز: بسمه لك‌الحمد والمنة ... اذاقلت بکلام ان کنت‌ناقلا فیطلب الصحة،

انجام: وانما جعل‌الکلام علی‌الفؤاد دلیلا، تمت‌الرسالة‌العضدیه.

۱۵ 	[۱]

۸۸۳ 	این نسخه بخط نسخ وشماره دوم این دفتراست وازبرك ۹ (الف) تا برك ۱۰ (الف) ونویسندهٔ آن محمدعلی است که درمدرسهٔ سپهسالار محمد خان میزیسته است وهمهٔ این دفتر که دارای شش رساله میباشد نوشته او است وبسال ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ آنرا نوشه است. در این نسخه حواشی هست بخط نستعلیق که برمز(س سره) پایان میبابد. ۲۰

(همه این دفتر ۸۴ برك) — کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه: ۸/۵×۲۲ و ۴×۱۶ س ۱۷

[٢] آداب بحث و مناظره [فارسی]

این رساله بفارسی است و نگارنده آن چنانکه در دیباچه میگوید بدرخواست یکی ازدوستان بارتجال نوشته است .

آغاز : بسمله الحمد لمن لامانع لحکمه ولاناقض لقضائه . . ، بدان. ..که بحث از روی لغت تفتیش وجستجو کردن است ودراصطلاح علما آنستکه اثبات حکم ثبوتی یاسلبی کند بدلیل .

انجام : اولی مقترن نیست بلکه بوضع ثانی مقترن است، تمت الرسالة.

نسخه‌ای ازاین درکتابخانه آستانه طوس (شماره ٨ صفحه ٣ بخش منطق جلد١ فهرست) هست ونوشته استکه شاید ازابن کمال پاشا شمس الدین احمد بن سلیمان (م٩٤٠) باشد این رساله در سالنامهٔ پارس سال ١٣٢٣ از ص ٢٧ ـ ٣١ بچاپ رسید .

[٢]

٣٣٩ این نسخه شمارهٔ سوم این دفتر است که دارای ٣١رساله میباشد وبخط شکسته و نستعلیق ودرتاریخ ١٠٧٦ نوسته شده‌است واین تاریخ درپایان شماره ٢و٢٩ و ٣٠ دیده میشود ونویسنده‌آن نصیرالدین‌حسین‌الحرالحسینی میباشد واین‌رساله ازبرك ٥٧ (الف) است تابرك ٥٨ (الف) .

(همهٔدفتر ١٣٦ برك) - کاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج ساده مقوالی

اندازه : ١٣×٣٠ و ١٠×١٨ س ٢١ تا ٢٨

[٣] آداب مناظره [عربی]

درجلد١ ذریعه ص ١٣ از آداب البحث علامهٔ حلی یاد میکند وگوید که‌نسخه‌ای از آن‌در کتابخانهٔمولی‌محمدعلی‌خوانساری نجفی‌هست ولی درفهرست

کتابهای علامه دیده نشده است.[۱] و این رساله چون در نسخهٔ این کتابخانه دنبال شرح حکمة‌العین علامه و هردو بیك خط هستند شاید ازعلامهٔحلی باشد. افسوس که این نسخه پایان ندارد تاشك ازمیان برود.

آغاز: بسمله الحمدلله الذی انقذنا من الحیرة والضلال و هدانا الی مناهج النظر والاستدلال . . . وبعد فهذه مقدمة فی‌معرفةالجدال مجموعة لتشحیذالاذهان وتوجیه‌المقال مرتبة علی فصول مختتمة بخاتمة .

[۳]

۴۲۳ این نسخه شماره‌دوم دفتری اسکه نخستین آن شرح حکمة‌العین علامهٔحلی میباشد و بخط نسخ و بهمان خطی است که شرح حلی با آن نوشته شده واین رساله دربرگ ۱۳۷(ب) این دفتر است وبپایان نمیرسد واز انجام آنچه هست اینست : « والسئوال کلام یستدعی الجواب عن الغیر والجواب کلام » و چنانکه ازدیباچهٔ رساله پیداست باید چندین فصل و یك خاتمه دراین رساله باشد واین عبارت ازبحث یکم فصل یکم است، پس بحثها وفصلهائی را ندارد .

نشانه های نسخه دردنبال « شرح حکمة‌العین » بنام «ایضاح‌المقاصد فی‌شرح حکمة عین‌القواعد» خواهد آمد .

[٤] آداب مناظره [عربی]

این رساله از میرزا فخرالدین محمد بن حسین حسینی استرابادی زنده در ۹٤۱ و ۹٦٥ و شاگرد غیاث الدین منصور دشتکی (م۹٤۷) میباشد ودرذریعه ج۱

---

۱ دیده شود : فهرست کتب علامه حلی در خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال همو چاپ تهران بسال۱۳۱۰ ص۲۳-۲٥ که ازنگارشهای خود آنچه‌را که تاتاریخ ع۲ سال۶۹۳ نگاشته است در آن آورد واجازه او بفخر الدین مهنا بن سنان بتاریخ محرم ۷۲۰ که نگارشهای‌خودرا روی موضوع بخش نموده فهرست‌داد ونسخه ای ازآن‌بخط سیدحیدرآملی بتاریخ ۷٦۲ در دفتر شماره ۱۰۲۲ برگ ٦۸-۷۰ همین‌کتابخانه هست و این اجازه در جلد ۲٥ «اجازات» بحار مجلسی ص ٥۲ نیز آمده است . نیز لؤلوتی‌البحرین شیخ یوسف بحرانی (چاپ سنگی) و روضات الجنات ص ۱۷۲-۱۷٥ و ریحانة الادب ج۳ ش ۱۹۰ ص ۱۰٦-۱۱٤

ص ۳۱ ش ۱۵۵ از آن یادگردید .

آغاز. بسمله و به نستعین الحمد لله الحکیم الوهاب . . . . فهذه خلاصة مالابد منه فی مسائل المناظرة لمن خاض فی شئی من العلوم .

انجـام . اعرضت عن التمثیل المفضی الی التطویل والله الهادی الی سواء السبیل وهو حسبی و نعم الوکیل .

[٤]

این نسخه شماره یکم این دفتر است که دارای شش رساله میباشد ودر برگهای ۳(الف) تا ۸(ب) آن نوشته شده است و نویسنده همهٔ دفتر که محمدعلی نام دارد درپایان این رساله مینویسد که آنرا درماه رمضان سال ۱۳۰۰ بپایان رساندم و این نسخه بخط نسخ است وحاشیه هائی بخط شکسته نستعلیق دارد که درپایان آنها عبارت «منه مد ظله العالی» دیده میشود وپیداستکه حواشی نگارنده خود رساله دراینجا آورده شده و بی واسطه یا باواسطه ازروی نسخهٔ زمان نگارنده رساله نوشته شده است.

۸۸۳

۱

(همه دفتر ۸۴ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۸/۵×۲۲ و ۴×۱٦ س ۱۷

[٥] اصطلاحات جدل وخلاف [عربی]

چنانکه در آغاز «آداب البحث» گفته شد هنر جدل وخلاف ازشاخه های منطق وعلمی استکه فقیهان ازمنطق ارسطو بر گرفته‌اند و در آن روشی را که در بحث و گفتگوی فقهی باید بکار برد آشکار ساختند و این هنر همان جدل ارغنون ارسطو است که تنها مثال وشاهد آن ازفقه میباشد ودراین باره فارابی ومحمدزکریای رازی را باید از پیشروان این هنر دانست که برهـان و استدلال منطقی را ریخت علم کلام دادند و بجای مثالهای یونانی ارسطو امثلهٔ فقهی و کلامی بکار بردند و گویند نخستین کسی که در هنر جدل و خلاف نگارشی دارد ابوبکر محمد قفال چاچی شافعی(م٣٦٥)است.سپس ابی جعفر محمد نخشبی حنفی(م٤١٤) وابوزیدعبدالله دبوسی سمرقندی حنفی (م٤٣٠) و ابی بکر احمد بیهقی (م٤٥٨) که در این هنر

۲

کتاب نگاشتند .

فقیهان درجدل دوگروه شدند: یکی تنها دلیل شرعی را میپذیرند و رهبر آنها ابوالحسن علی بزدوی (م۴۸۲) میباشد. دستهٔ دیگر که پیرو ابی حامد محمد عمیدی سمرقندی (م۵۱۵) هستند هرگونه دلیلی را میپسندند . ازاین پس تاسده هشتم دانشمندان خاوری کتاب ها در این هنر ساختندکه در فهرست ها نام برده شده است . ۵

این رساله در بیان اصطلاحاتی است که در جدل واستدلال فقیهان‌را بکار میرود وتعریف‌هریك‌را میآورد ونگارنده‌آن شیخ تقی‌الدین ابوالعزمقترح‌میباشد.

آغاز: بسمله...قال‌الفقیه‌الامام‌الشیخ‌تقی‌الدین‌ابوالعزالمقترح ..الحمدلله‌الکریم الوهاب هادی ذوی‌الالباب الی سبیل‌الصواب . . . فقد سالنی بعض الطلبة ان اوجز لهم‌کلمات یستعین بها علی مصطلحات فهم‌الفقها . ۱۰

انجــام : فهو من قبیل المؤاخذات فلیستدل بهذه النبذة علی امثالها والله الموفق للصواب .

[۵]

۹۰۲ این نسخه شماره ٤ دفتری است که دارای شش رساله میباشد : ۱۵

۱ــ ازهارالریاض (جلد٤) که کشکول مانند است (۱ ب ــ ٤۲الف) بخط نسخ وازهارالریاض از شیخ سلیمان ماحوزی (۱۰۷۵-۱۱۲۱) میباشد.

۲ـ النفایه درموضوعهای ادب واصول وفقه (٤۲ب ـ ٦۵ الف) بخط نسخ

۳ـ درةالبحرین فی مرثیةالحسین (٦۵ب ـ ۲۷۳الف) بخط نسخ

٤ـ همین رساله ازبرگ۱۵۲ (الف) تابرگ۱۵۵(ب) ۲۰

۵ـ رسالهٔ حدود (خواهد آمد)

٦ـ رسالهٔاسطرلاب (خواهد آمد)

بجزاین شش‌رساله دراین دفتردربرگهای ۷۲ (الف) تا۱۵۲ (ب) موضوعهای گوناگون ادبی وفلسفی وتاریخی وخبر دیده میشود که فراهم‌آورنده دفتر نوشته‌است ودرچندجا ازخود بنام «جامع کتاب» یاد میکند . ۱۵

نیز دربرگهای (۱۵۷ الف تا۲۱۷ الف) باز موضوعات گوناگون است . نویسندهٔ دفتر در برگ ۱۲۸ (الف) از سال ۱۱۱۷ یاد میکند و در برگ۱۴۸(ب) ازشیخ سلیمان علامه بمانند زنده یاد میکند و دربرگ ۱۴۷ (الف) از او بمانند مرده نام میبرد ومینویسد: «وله‌قدس‌الله‌نفسه ورمسه» . سپس اشعاری بعربی از او میآورد و در ۱۴۸ الف اجازه ای را میآورد که شیخ بهائی بسید عبدالمختار حسینی موسوی در میانهٔ شوال سال ۱۰۱۱ داده باینکه میتواند کتاب الحبل المتین و دیگر مرویات اورا روایت کند واین اجازه را نوح بن هابیل بن احمد بحرانی نویسنده نسخه از روی خط شیخ بهائی نوشته است .

دربرگ ۱۴۶ از سخنان شیخ سلیمان بن عبدالله ماحوزی آورده و در باره او میگوید «قدس‌الله سره» ودر برگ ۱۶۵ الف بازازاو بمانند زنده نام‌میبرد ومانا نویسنده نسخه شاگرداو بوده وقصیده‌ای ازوی میآورد ودربرگ ۱۶۵ب مینویسد که شیخ‌ابوالحسن سلیمان بن عبدالله بن علی بن احمد بن یوسف بن عماز بحرانی ماحوزی نگارشهای بسیاری دارد ودر۱۱۰۱در گذشت ودرهمین‌جا از«معراج‌الکمال الی معرفة الرجال» او عبارتی میآورد که در آن از اخوان صفا نکوهش کرده و آنانرا اسمعیلی ملحد باطنی دانست . باز می نویسد : شیخ سلیمان بن صالح بن عصفور بحرانی درازی در ۱۱۸۵ بمرد وشیخ‌سلیمان‌بن علی بن سلیمان‌بحرانی ماحوزی شیخ شیخنا السلیمان ابوعبداله‌ماحوزی‌در۱۱۰۱ بمرد وشیخ‌علی بن‌سلیمان‌بن‌حسن بن‌سلیمان بن‌درویش بن‌حاتم بحرانی‌در۱۱۶۴ بمرد ومینویسد که‌عم‌من‌شیخ‌ابراهیم‌بن‌احمد بن‌صالح‌در۱۱۲۵ در گذشت.

دربرگ ۲۲۶ الف باز از همان شیخ سلیمان ماحوزی شعر هائی میآورد و تا برگ ۲۲۶ ب ازتفسیر سید هاشم بن سید اسمعیل توابلی بحرانی نقل میکند و این سیدهاشم نگارنده تفسیر برهان است ودر۱۱۰۷ در گذشت. ۱

این‌رساله بخط نستعلیق‌ریزاز نوح‌بن‌هابیل‌بن احمد‌بن‌صالح بن‌عصفور بحرانی‌درازی است که‌همه این‌دفتر بخط اوست‌وبرخی رابه‌نسخ وبرخی‌را به‌نستعلیق نوشته‌است.

(همه دفتر ۲۲۹ برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی حاشیه‌دار مقوائی اندازه . ۱۴×۲۱ و ۸×۱۰ س۲۵

---

۱ ـ برای‌شرح‌حال این دانشمندان دیده شود: لؤلؤتی‌البحرین نگارش شیخ‌یوسف بحرانی و امل الامل شیخ حر عاملی‌وپیداستکه‌تاریخ زادومرگ‌شیخ‌سلیمان بحرانی‌ماحوزی چنانکه در این نسخه آمده درست نیست و درست آن همان است که در لؤلؤتی البحرین آمده و در بالا یاد شده است .

[٦] امتناع الحکم علی المعنی الحرفی (رسالة فی ...) [فارسی]

در دستور زبان تازی یا نحو وصرف، کلمه را بسه گونه بخش میکنند: اسم وفعل وحرف. این سه بخش نخستین بار در ارغنون ارسطو آشکارا دیده میشود وپیداستکه دستور نویسان زبان تازی پایه و بنیاد این علم را ازمنطق گرفته‌اند.

۵ ارسطو درفصل ۱ مقولات وفصلهای ۲و۳ عبارات وفصل ۲۰ شعر ازاسم و کلمه (فعل) و ادات (حرف) گفتگو نموده‌است[۱]. ازدانشمندان خاوری فارابی دراوسط ودیگر کتب منطقی خود وهمچنین ابوعلی بن زرعه در آغاز (باری‌ارمنیاس) وشیخ رئیس درفصلهای ۲و۳و٤ مقاله ۱ فن‌عبارت وفصل ۷ فن‌شعر شفاازاینها کاوش نمودند.

مسئله جدائی این سه بخش از یکدیگر و ابراز فرقهای آنها نزد ادیبان و ۱۰ اصولیان‌نیز دشوار آمده‌و آنهاهرچه میتوانستنددر آن‌دقت کردندتا بجائی که‌هنوزدر کتابهای اصول کنونی مسئله‌وضع حروف‌وچگونگی مفهوم آنهاموزد گفتگومی باشد.

این مسئله که آیا حرف استقلال مفهومی دارد یاندارد وبر آن حکم میشود کرد یانه گرچه در نگارشهای پیشینیان روشن است ولی مایه‌گیر و دار ابواسحق شبانکارهٔ و محقق دوانی‌شده است، قاضی ابواسحق بن‌عبدالله نیریزی شبانکاره‌ای رسالهٔ دراین باره نگاشته وثابت نمودکه معنای حرف محکوم علیه میشود.

۱۵ وی در آن ازرساله حرفیه افضل‌المتأخرین نام میبرد و گویا از آن رساله حروف پورسینا را میخواهد و باز از شریف گرگانی یاد میکند.

نیز مینویسد: ارسطو در تعلیم اول نامی ازحروف نبرد و ادات را از اسم دانست ولی شارحان که پور سینا برتر ازهمه آنها است حرف‌را بجز اسم‌دانستند پیداست که شبانکارهٔ ازارغنون چندان آگاه نبوده است.

۲۰ **آغاز**: بسمله تیمنا بذکره بمقتضی فرمان واجب‌الاذعان صاحب‌کمال.... چند حرفی در تحقیق محکوم علیه بودن حرف مرقوم میگردد.

۱ــ دیده‌شود: ترجمهٔ فرانسوی ارغنون از Tricot ص۲و۷۹ تا۸۲|ج۱| و جلد منطق ارسطوچاپ بدوی ص۳ و ص ٦۰ تا٦۲ وترجمهٔ فرانسوی شعر از Hardy ص٦۰ و ترجمه فارسی آن ازسهیل افنان ص ۱۳۰-۱۳۱

انجام: وحرف کافی باشد والله اعلم قال ذلك وكتبه. . . ابواسحق بن عبدالله النیریزی شبانکاره بالتفویض السلطانی بالخلق السبحانی .

[٦]

این نسخه رساله ۱۵ دفتری استکه ۱٦ رساله ازمحقق دوانی وجز او در آن است وعلی بن مسافر قاضی بخط نستعلیق آنهارا نوشته و رساله ۳ از آنها ۱۰۲۱ در تبریز در ۱٤ جمادی ۲ سال ۹۳۹ (نزدیك بسی سال پس ازمرك دوانی) نوشته شده استاین رساله دربرگ ۱۱۷ الف تابرگ ۱۲۰ب این دفتر نوشنه شده است .

نشانه نسخه در ص ٤۲ و ٤۵ و ۵۲ و ۵۷ و ۷۵ بخش نخستین این فهرست آمده است ،

[۷] امکان الحکم علی المعنی الحرفی (رسالة فی ...) [فارسی]

این رساله ازمحقق جلال الدین محمد دوانی (مرده نزدیك ۹۰۷) میباشد که در آن شبانکاره‌ای را رد نمود و ثابت کرد که حرف نمیتواند محکوم علیه گردد. دوانی این رساله را بفرمان سلطان ابوالفتح سلطان خلیل بهادرخان پسر امیرحسن بیك از پادشاهان خاندان آق قوینلو که ششماه بسال ۸۸۲ و ۸۸۳ شاهی نموده است
۱۵ نگاشت . دوانی دراین رساله ازفارابی یاد میکند و عبارتی ازاو میآورد و نیز از شیخ رئیس وشارح مفتاح نام میبرد .

آغاز: بسمله اللهم ارنا الحق و ارزقنا اتباعه و ارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه . الهی غشاوت غفلت وعلی ابصارهم غشاوة ازبصر بصیرت ما بگشا ... نموده میشود که چون جمعی ازافاضل درمحکوم علیه بودن حرف برحرف بودند وکلماتی
۲۰ چند پریشان چون زلف دلبران جمع نموده .... از صوب صواب ... منحرف گشته ... بخاطر رسید که .. . دفع این یاوه فاسد نموده

انجام: زیراکه ازاجل جلیاتست انکه هیچ حرف در هیچ سئوال کافی نیست والله اعلم تمت وآلاء ربنا عمت . محرره علی بن مسافرالقاضی م

[۷]

این نسخه رساله ۱٦ دفتری است که ۱٦ رساله درتفسیر وفلسفه ازدوانی وسمرقندی و شبانکاره‌ای در آن آمده است و این رساله در برك ۱۲۰ ب تا برك ۱۲۷ ب این دفتر بخط تعلیق علی‌بن‌مسافرقاضی نوشته شده‌وی همه‌این‌۱٦ رساله رانوشت وتاریخ آن‌۹۳۹ میباشد ونشانه نسخه دربخش‌۱ این‌فهرست یادگردید . ۵

١٠٢١

[۸] **الاوسط** [عربی]

این کتاب یکی‌ازنگارشهای منطقی فیلسوف بزرگوارایرانی ابونصرمحمدبن محمدبن‌اوزلغ‌بن‌طرخان فارابی میباشد وی ازمردم فاراب خراسان است که اترار میناميدند وشهری‌بود بالای رود چاچ نزديك بلاساغون. فارابی در۲۵۹ در وسیج که دژی‌است‌درشهرستان‌فاراب‌زاده‌شد و در۳۳۹دردمشق ازاینجهان‌رخت بربست. این دانشمند نحو را از ابی‌بکربن‌السراج فراگرفت و دربرابر باومنطق آموخت. فارابی از یوحنابن حیلان بخش خواندنی منطق راکه تا پایان اشکال وجودی میباشد فراگرفته و بخش دیگر آنراکه‌کلیسانا‌روا میدانست تا پایان برهان پس از این خوانده است. وی دربغداد ازشاگردان متی‌بن‌یونس قنائی‌نیز بوده وبانجمن او میرفته است وسپس بحران رفته از یوحنابن حیلان نصرانی منطق آموخت.فارابی بجز ترکی که زبان مادریش بود وعربی که بدان نگارشها دارد، چنانکه از (کتاب الحروف) او برمیاید بیونانی و سغدی نیز آشنا بوده است ویونانی دانستن او از دیباچهٔ (الاوسط) هم برمیآید. این دانشمند ایرانی که در زیرکی و هوشمندی و روان وشیوانویسی یگانه روزگارخود بود، گذشته‌ازبخشهای طبیعی و ریاضی‌والهی فلسفه،درمنطق سرآمد بوده تا بجائی که آنچه راکندی بغدادی و دیگران ازهنر تحلیل و روشهای تعلیم فراموش کرده بودند آورده و پنج ماده منطق و سودهای آنهارا آشکار نموده و راه بکار بردن آنها را شناساند و در احصاءالعلوم بخشهای منطق وغرض‌آنها را بخوبی روشن ساخت و در (ماینبغی ان‌یقدم قبل‌تعلم‌الفلسفه) آنچه‌راکه درآموختن فلسفه میبایست آشکارا آورد .

(line numbers in margin: ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵)

از نگارشهای منطقی او پیداست که‌وی در ایندانش بسیار آگاه‌بود و تاریخ پیدایش آراء منطقی را بخوبی میدانست و در اینکه منطق را که آورد، و کتابهای ارغنون کدامیك ازارسطوهست ، و دراینکه آرائی که وی دارد و کاوشهائی که کرده‌است، دربرابر کدامیك از آراء فیلسوفان پیشین‌است، در(الاوسط) ونیز در (شرح عبارت‌و قیاس ارغنون) او بنکاتی برمیخوریم که هوشمندان اروپائی مانند Hamelin و W.D.Ross و دیگران ازنگارشهای‌یونانی‌و لاتینی گرفته ونوشتند. مانافارابی از ترجمه‌های نخستین و کتابهای پیشینیان نسخه‌هائی را داشته بود که‌اکنون‌بجانمانده است. تنهاکتابی که‌دردست است منطق‌ابن زرعه‌است که ازاین نکته‌هااندکی‌دارد. آنهم دو نسخه‌از آن سراغ‌داده‌اند که‌یکی در آستانه طوس ویکی دیگردرهنداست

۱۰ باری فارابی درهمه بخشهای منطق نگارش دارد و بسیاری از بخشهای ارغنون را شرح‌نمود که‌درفهرستهایاد گردید . اینك ازنگارشهای، منطقی‌او آنچه‌در کتابخانه‌ها هست در اینجا یاد میشود :

۱ شرح ایساغوجی‌فرفوریوس: نسخه‌از آن‌دراسکوریال بشماره۶۱۲ هست‌وابن باجه (محمدبن‌الصائغ م ۵۳۳) تعلیقی بر آن نوشت که ترجمهٔ عبری آن هست‌واز

۱۵ روی آن بلاتینی‌ترجمه شده و نسخه لاتینی درمونیخ بشماره36bi–21oa هست

۲ شرح‌المقولات لارسطو علی جهة التعلیق : نسخه شماره ۶۱۲ اسکوریال ـ ترجمه عبری آن درمونیخ بشماره ۳۰۷ هست .

۳ شرح‌المواضع‌المستغلقة من کتاب قاطیغوریاس لارسطالیس که ابن ابی‌اصیعه گوید این‌شرح‌معروف به (تعلیقات‌الحواشی)بوده است : ترجمه عبری شماره ۳۰۷

۲۰ مونیخ که مقاله ٤ (این) را ندارد ـ نیز نسخه پاریس

٤ شرح باری ارمنیاس علی جهةالتعلیق : نسخه شماره ۶۱۲ اسکوریال

ابراهیم‌بن ابجدوریهودی میگوید که فارابی برخی از آراء ارسطو راکه درکتاب قیاس‌دیده میشوددراین شرح‌آورده است وابن‌میمون فیلسوف‌یهودی(۵۲۹ـ۶۰۱) از آراء فارابی که در این بخش آمده است گـرفته و درفصل ۱۳ کتاب « المجوع

۲۵ فی‌المنطق» یاد نمود . ابن رشد فیلسوف اندلسی (۵۲۰ ـ ۵۹٤) سخن فارابی‌راکه

در کتاب عبارت او آمده در تعلیق خود که در مجموعه عبری کتابخانه مونیخ شماره ٤٦ هست آورد .

٥ کتاب المقائیس : ترجمه عبری آن در مونیخ بشماره ٦٣٠ و بودلیان اکسفورد بشماره ٤٠٢ و وین بشماره ۱۳۰ و پاریس بشماره ۳۳۳ هست.

٦ تعلیق علی کتاب القیاس یا تعلیقات انالوطیقا الاولی لارسطو : نسخه شماره ٥
٦١٢ اسکوریال — ابن باجه شرحی بنام «ارتیاض فی التحلیل» بر آن نوشته است .

٧ شرائط القیاس: متن عربی بخط عبری نسخه شماره ۷۰۳ پاریس و ترجمه عبری نسخه شماره ٦٢٥ اسکوریال

٨ القول فی شرائط الیقین : متن عربی بخط عبری و با ترجمه عبری نسخه شماره ۳۰۳ پاریس ۱۰

٩ کتاب الجدل : ترجمه عبری نسخه شماره ۳ وین

۱۰ کتاب المغالطین : ترجمه عبری نسخه شماره ۱۱۰ مونیخ

۱۱ کتاب مختصر فی السفسطه: عمادالدین مراکشی آنرا شرح کرد و ترجمه عبری آن در اسکوریال بشماره (S36, 56) و در کتابخانه Parma·De Rossi بشماره (90²:S.56) و در وین بشماره (CXD S.30,50) و در مونیخ بشماره ۱٥
(S.94,56) هست .

۱۲ صدر الکتاب الخطابه :ترجمه لاتینی در بودلیان بشماره ٥١ هست ـ ابن رشد از این کتاب مانند دیگر نوشته‌های فارابی بسیار بهره برد

۱۳ التوطئه فی المنطق: دو ترجمه عبری دارد یکی در Cod Bislechis No 77 بنام (رساله ابونصر فارابی در دیباچه نوشته‌های منطقی) دیگری در مونیخ بشماره ۳۰۷ ۲۰
بنام رسالهٔ فارابی از توطئه در علم منطق

١٤ فصول یحتاج الیها فی صناعة المنطق: متن عربی بخط عبری در پاریس بشماره ۳۰۳ هست (نسخه شماره ۲٤۰ دانشگاه تهران) این کتاب سه ترجمه عبری دارد ۱ — از موسی بن لادخیس یهودی ۲ ـ از صموئیل بن طبون ۳ — از شالوم بن ایوب

۱٥ المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقه المتکلمین : نسخه شماره (۲٤۰) ۲٥

دانشگاه ابن ابی‌اصیبعه درعیون‌الانباء (ج ۲ ص ١٣٤ س ١٩) از این کتاب یاد نموده است

١٦ کتاب فی‌الاشیاء التی‌یحتاج ان‌تعلم قبل‌الفلسفه یامایَنبغی ان‌یقدم قبل تعلم الفلسفه: دتیریسی در (الثمرة) در لیدن بسال ١٨٩٥ بنام (کتاب ماینبغی ان یقدم قبل تعلم‌الفلسفه) چاپ کرد و چاپخانه سلفیه مصر آنرا بسال $\frac{١٩١٠}{١٣٢٨}$ چاپ نمود .

١٧ کلام فی‌معنی اسم‌الفلسفه و سبب ظهورها و اسماء المبرزین فیها وعلی من‌قرء منهم: ابن‌ابی‌اصیبعه آنرا درعیون‌الانباءجلد ۲ص ١٣٤ - ١٣٥ آورده و باز در همین جلد دردوجا (ص ١٣٩ س ٩ و ص١٣٩ س ١٢ -١٣) از آن یاد کرد .

١٨ الاوسط‌الکبیرفی‌المنطق: نسخه شماره ٥٩٥ کتابخانه مجلس شورای‌ملی‌در تهران‌و نسخه ٢٤٠ دانشگاه‌ـ درفهرستها ازاین کتاب بدین‌نام یاد نشده جز اینکه‌در عیون‌الانباء (ج۲ ص١٣٨ س١٩ - ٢٠) بنام «المختصرالکبیرفی‌المنطق»و «المختصر الاوسط فی‌القیاس» و در قفطی (ص ١٨٣) بنام «الکتاب‌الاوسط» و «کتاب‌المختصر الکبیر» و دربیهقی (ص١٧) بنام «المختصرالاوسط فی‌المنطق » برمیخوریم ولی از خودکتاب‌دردو نسخه که‌درتهران دیده‌شد پیداستکه ازفارابی است وریخت‌نگارش فارابی رادرروانی وشیوائی دارد این‌کتاب چنانکه ازآغازدیباچه نسخه‌ها برمیآید باید نه بخش منطق را دارا باشد .

١٩ مقالةفی‌قوانین‌صناعةالشعراء: نسخه‌ازاین‌درمجموعه تاریخ٦٧٧ کتابخانه‌استاد دانشمند آقای‌شیخ‌الاسلام‌زنجانی‌هست‌ودرمجله Rivista d. studi orientali جلد ١٧ ص ٢٦٦ بچاپ‌رسید .

٢٠ درایران‌نسخه ازشرح‌کتاب عبارت ارغنون ارسطو در کتابخانه مجلس شورای ملی هست که متن ارسطو نیزدر آن‌آمده وهمان متنی است که درمصر درجزء ۱ منطق ارسطوبسال١٩٤٨ بچاپ رسید دیگر بخشی از شرح قیاس ارغنون‌که تنها دارای مبحث خلف و تقابل ومصادره میباشد و متنی‌که درآن آمده برابراست با آنچه که در جزء ۱ منطق ارسطو در همان چاپ از ص ٢٦٤ س ٢ تا ص ٢٨٤ س ١١ (فصل ١١ تا ١٨ مقاله ۲) آمده است و هردو در دفتری‌است بشماره ٩٤٩ از

کتابهائی که آقای طباطبائی بخشیده است و عبارت از برگ اب تا برك ۱۷۲ و قیاس ازبرگ ۱۷۳ تابرگ ۳۲۲ میباشد چنانکه گفته شد یك نسخه از (الاوسط) نیز درهمان کتابخانه بشماره ۵۹۵/۲۱ هست که دارای یك دیباچه در مبحث الفاظ و کلیات وانحاء تعالیم میباشد ودر آنجا بکتاب دیگری که پیش از آن است اشاره میشود ودر پایان آن از تاریخ پیدایش منطق گفتگو میکند ومیگوید گرچه همیروس در شعر وپروتاگوراس در مغالطه و ثراسوماخوس درخطابه اثری گذاشتند ولی قانون این هنرها تنها از ارسطو بیادگارماند وارخوطس فیثاغورسی که درمقولات کتاب نوشت پس ازارسطو بوده است واین دیباچه درنسخه این کتابخانه نیست سپس ایساغوجی و قاطیغوریاس و باریرمینیاس و آنالوطیقای یکم و دوم و همه اینها درنسخه ماهست هنرمغالطه نیز دراین نسخه میان قیاس وبرهان هست که درنسخه مانیست وفارابی درچهارجای برهان بدان بازگشت میدهد. پس این بخش هم از (الاوسط) میباشد. درنسخه این کتابخانه که دارای (فصول یضطر الیها عندالشروع فی المنطق) و(المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقه المتکلمین) نیزمیباشد پس ازاین دو دیباچه‌ای دارد در تعریف و تقسیم منطق و اندکی از ایساغوجی ومبحث تعریف که در نسخه مجلس نیست و پس ازبرهان هنرجدل درنسخه ما هست ودر آنجا نیست و این بخش تحقیق کلی است که فارابی میکند و بمبحث مواضع نمی‌پردازد. درنسخهٔ ماهنرجدل نیمه کاره گذارده شده ، و نویسنده نسخه همه را ننوشت یا اینکه فارابی آنرا بپایان نرساند.(۱)

بخشهای الاوسط

الف ـ دیباچه نسخه ماو نسخه مجلس که بخش بندی نشده مگر اینکه دیباچه نسخه مجلس چهارمطلب دارد :

۱ مبحث الفاظ و معانی حروف که میرساند فارابی به نحو یونانی و تازی بخوبی

---

۲ ـ دیده شود (الفارابی) عباس محمود چاپ مصر که فهرستی از کتابهای موجود فارابی در اروپارا آورد.

آگاه بود .

۲ـ مبحث کلیات ۳ ـ انحاء تعالیم ورؤس ثمانیه ٤ ـ تاریخ منطق . و دیباچه نسخه‌ما دومطلب دارد یکی تعریف و تقسیم منطق دیگری کلیات وتعریف باجمال

ب ـ ایساغوجی دارای : (کلی وجزئی ـ جنس و نوع ـ فصل ـ خاصه ـ عرض کلیات‌مرکب یا حد و رسم) ٥

ج ـ مقولات: تعریف‌جوهر وعرض ـ ده مقوله ـ حمل‌طبیعی و جز آن . ذاتی وعرضی ـ تقابل ـ تلازم . تقدم و تأخر ـ معیت

د ـ عبارت که بخشهای جدائی ندارد ولی همه مباحث ارسطو را داراست

ه ـ قیاس دارا ۱۸ فصل‌است

۱۰ و ـ مغالطه که مغالطات معنوی ولفظی را دارد ومثالهای بسیاری ازفیلسوفان پیشین‌میآورد و از آنها نام میبرد

ز ـ برهان پنج بخش است : (۱ دیباچه ـ اقسام‌برهان ـ اقسام حدود ـ برهان و حد درصناعات نظری ـ اصناف مخاطبات برهانی

ح ـ جدل که تعریف جدل و فوائد واقسام آنرا دارد و چند بار بفلسفه‌رواقی

۱٥ اشاره میکند .

از دیباچه این کتابخانه که بنام (مقاله صدربها الفارابی کتابه فی‌المنطق) است پیدا است که (الاوسط) باید دارای نه‌بخش منطق‌باشد .

اینك آغاز و انجام بخشهای (الاوسط) دراینجا آورده میشود .

۱ـ دیباچه نسخه‌مجلس‌شورای‌ملی ـ **آغاز** : قال ابو نصر الفارابی ان الالفاظ الدال

۲۰ منها ماهو اسم، منه ماهو کلم .

انجام: ویبتدی بالنظر فی‌الکتاب‌الذی یشتمل علی اول اجزاء هذه‌الصناء وهو کتاب‌المقولات

۲ ـ دیباچه نسخه اینکتابخانه ـ **آغاز** : مقاله صدرالفارابی بها کتاب فی‌المنطق .. . وهو کتاب‌الاوسط‌الکبیر .... قال ابو نصرقصد ناالنظر فی‌صناعة المنط

۲٥ **انجام** : وکذلك قدیکون له‌خواص کثیره تمت‌المقدمة التی قبل‌الفصو

۳ — ایساغوجی یا مدخل ـ **آغاز** : قال ابونصر ان قصدنا فی هذا الکتاب هو احصاء الاشیاء التی عنها یأتلف القضایاء

انجام : ومالم یوجدله اسم استعمل حده اورسمه مکان اسمه. آخر الکتاب... ویتلوهذا الکتاب کتاب قاطیغوریاس من الاوسط الکبیر.

۵ ۴ — قاطیغوریاس یا مقولات ـ **آغاز** : کتاب قاطیغوریاس لابی نصر الفارابی وهو کتاب المقولات ـ الکلیات ضربان .

انجام : الجنس الذی عنه انقسمت رتبة واحدة بعینها. تم کتاب قاطیغوریاس وهو المقولات.

۵ — باریرمینیاس یا عبارت — **آغاز** : کتاب بادیرمینیاس ومعناه العبارة الالفاظ الدالة منها مفردة یدل علی معانی مفردة . ۱۰

انجام : غیران الممکن الحقیقی هو المعنی الرابع من معانیه ... تم کتاب باری ارمینیاس .

۶ — آنو لوطیقای یکم یاقیاس — **آغاز** : کتاب انولوطیقا الاول و هو القیاس قال ابونصر قصدنا ان نحصی الاقاویل

۱۵ **انجام** : والاستقراء ابلغ منه. تم کتاب انولوطیقا.

۷ — مغالطه (نسخه مجلس) — **آغاز** : الامکنة التی فیها یغلط الناظر فی کل مسئلة و اذقلنا فی القیاس ماهو

انجام : لم یقع علینا غلط اذاتاملنا ولامغالطة اذا خوطبنا. تم الکتاب

۸ — کتاب برهان — **آغاز** : کتاب البرهان خمسة فصول .... فی صدر الکتاب واذقلنا فی الاشیاء التی ۲۰

انجام : فالزمان اذن هو کرة العالم و اشباه هذه الاقاویل. تم کتاب البرهان تألیف .... الفارابی

۹ — جدل (آنچه که در نسخه ماهست) — **آغاز** : قال ابونصر . . . الفارابی صناعة الجدل هی الصناعة التی

۲۵ **انجام** : ویبطل الاراء التی تصادقتها الفلاسفة فیها بینهم اوصار الجمهور فیها

[۸]

۲٤٥ این نسخه در دفتری استکه دارای چندین نگارش فلسفی و منطقی‌فارابی
است و بخشهای (الاوسط) بدینگونه در آن آمده است
۱ ـ دیباچه از برگ ۱۲۳ ب تا برگ ۱۲٥ الف
۵ ۲ ـ مدخل از برگ ۱۲٥ ب تا برگ ۱۲۹ الف
۳ ـ مقولات از برگ ۱۲۹ ب تا برگ ۱٤۱ ب
٤ ـ عبارت از برگ ۱٤۱ ب تا برگ ۱٤۹ ب
٥ ـ قیاس از برگ ۱٥۰ ب تا برگ ۱٥۹ ب
٦ ـ برهان از برگ ۱٦۰ ب تا برگ ۱۸٤ الف
۱۰ ۷ ـ جدل از برگ ۱۸٥ ب تا ۲۰۱ ب

نسخه بخط نسخ خوش‌وروشن و گاهی‌مغلوط که از نادانی نویسنده‌آنست.در برخی‌جاها حواشی دارد بخط تعلیق وعنوانهای مطالب و نسخه بدلها گاهی درهامش دیده‌میشود
(همه‌دفتر۲۰۱ برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج زرد حاشیه‌دار مقوائی
اندازه : ۱۳٫٥×۲۲٫٥ و ۸×۱٥ س ۲۱

[۹] البضاعة المزجیة فی اثبات وجود الکلی الطبیعی (عربی)

افلاطون فیلسوف یونانی فلسفه خویش را برپایه کلی طبیعی موجودکه آنرا مثال نامیده است نهاده و شاگرد وی ارسطاطالیس وجودکلی را انکار نموده افراد جزئی را موجود دانست و مسئله وجود کلی و مثال افلاطونی میان پیروان ایندو فرزانه هماره مورد بحث و گفتگو بوده است. یکی ازدانشمندان باختری بنام
۲۰ فرفوریوس (۲۳۲ یا ۲۳۰ ـ ۳۰٤ م) در دیباچه‌ای که برای منطق ارسطو بنام ایساغوجی (ایساگوگه) یا مدخل نگاشته است درآغاز آن چنین‌گفت : «درباره اینکه جنس و نوع موجود واقعی مادی محسوس یا مجرد هستند یا جز مفهومی ذهنی بیش نیستند گفتگو نخواهیم‌کرد زیرا این مسئله‌ای است بسیار ژرف که بررسی دیگر وکاوش دامنه‌داری میخواهد [۱] » همین‌گفته فرفوریوس مایه این شد
۲٥ که از روزگار بوئسیوس فیلسوف و سیاسی روم و شارح کتابهای منطقی ارسطو (٤۸۰ ـ ٥۲٤) تا زمان تجدد (Renaissance) مسئله وجودکلی مورد اختلاف گردد و دانشمندان باختری بسه دسته بخش شوند :

---

۱ ـ دیده‌شود ترجمه فرانسوی ایساغوجی از تریکو J. Tricot چاپ پاریس سال ۱۹٤۷ ص ۱۱ ـ ۱۲

۱ ـ واقعیان پیرو افلاطون ۲ـ اسمی‌های پیرو آنتیستنس ۳ تصوری‌های پیرو ارسطو.
این عبارت فرفوریوس بدانشمندان خاوری نیز رسیده و آنها نیز بچنین بحثی پرداختند
چنانکه ابوعلی بن زرعهٔ نصرانی (۳۳۱ ـ ۳۹۸) در کتاب «اغراض ارسطو طالیس
المنطقیه» در آغاز «معانی ایساغوجی» میگوید: «والمطالب الصنعیة فی هذه الخمسة بان
ینظر فیها اهل هی موجودة ام لیست بموجودة. فان قوما قالوا الوجود فی الامور الکلیة. فان
کانت موجودة فاما ان یکون اجساماً او غیر اجسام، و ان کانت غیر اجسام فهل هی
مفارقة اصلا للمادة فی الوجود والوهم کالباری تبارك وتعالی، او لها تعلق بالمادة ضرباً
من التعلق. وفرفوریوس یتجنب هذه باسرها، و یتسلم تسلیما ان الصور فی النفس موجودة...
وذلك انه لیس لصانع من الصناع ان یتکلم فی موضوع صناعته. یتسلمها تسلیما من غیر
ان یبحث عنه.» پیداستکه ابوعلی دراینجا بگفتار فدفرریوس مینگرد وازاختلافی که ۱۰
در این مسئله میان دانشمندان هست بیگانه نیست.

خواجه ابوعلی سینای بلخی بخاری ایرانی درفصل ۱۲ مقاله ۱ـ فن ۱ـ منطق
شفا ودیگر نگارشهای خویش ازاین مطلب سخن راند ودر کتب حکما ومتکلمان نیز
درباره وجود کلی بحث شده و اشراقیان و صوفیان هم در برابر مشائیان باعیان ثابت
و ارباب انواع ومثل معلق قائل شدند. ۱۵

صدرالدین محمد شیرازی فیلسوف بزرگ در کتابهای خود بویژه در اسفار
(جلد۱ آغاز مرحله ٤) از وجود کلی ومثل گفتگو نمود. چنانکه امام رازی درمباحث
مشرقی در فصل ۲ باب سوم کتاب ۱ در این باره سخن راند. درست میتوان گفت
بهترین کتابیکه در این زمینه نوشته شده همین البضاعة المزجیة است که دانشمند
ابوالحسن بن محمدهادی حسینی تنکابنی درشب ۱۵ ماه ربیع دوم سال ۱۲۵۵ آنرا ۲۰
پرداخته و در روزچهارشنبه ۵ ماه جمادی یکم سال ۱۲۵۵ بخط خود نوشته است
این کتاب دارای یك مقدمه در ۵ کلمه و دو باب است:

۱ ـ ابطال سخن مانعان در ۲۰ دلیل ودردلیل یکم گوید که «کلی موجود،
فرد خارجی نیست، تا ناگزیر شود که درچندجاباشد وصفتهای گوناگون و ناسازگار
پذیرد و درواحد نوعی هم چنین چیزی محال نیست» ودراین جا باعتراضی می نگرد ۲۵

که شیخ درفصل ۱ مقاله ۵ الهی شفا (ص ٤٨٦-٤٨٧ چاپی) و دررسالهٔ که درباره گفتار دانشمند همدانی نوشته است آورده و آنرا رد میکند.

باب ۲ اثبات وجود کلی طبیعی در ٤٠ قاعده که دراین چهل قاعده بسیاری ازمطالب مهم منطق و فلسفه را میآورد و آنها را دلیل وجود کلی میگیرد مانند: بداهت، ایجاب وسلب، تضایف، سبر بر و تقسیم، وجود، معرفت، صدق، انتاج، تکرراوسط، ترکیب ماهیت، غیر معلل بودن ذاتی وجزاینها و در پایان این باب بدلایلی که دانشمندان آوردهاند اشاره میکند.

بیهیچ گفتگو این نگارش را میتوان ازشاهکارهای دانشمندان ایران بشمار آورد

آغاز - بسمله لك الحمد یاذاالمن والجود والعلا... فیقول.. ابن محمد هادی الحسینی ابوالحسن التنکابنی انه لما اشتهر فیالالسن ان الحق عندالمحققین هووجود الکلیالطبیعی

انجام: فتدبرحتی تعلم ان ذاتالجزء قدیتقدم. هذا آخرما اردنا ایراده مع قلةالبضاعة. وکان اکثره مماتفردت به. وعلیك النظر بعینالانصاف. لابعینالاعتساف وقد وقع الفراغ منالتألیف فی لیلةالخمیس والخامس عشر من شهر ربیع الثانی فی سنة خمس وخمسین بعدالمأتین والالف فیالعتبات العالیات. ووقع الفراغ من الاستنساخ فی یومالاربعا فیخامسة شهر جمادیالاولی بید مؤلفه ابیالحسن بن هادیالحسینی فی ۱۲۵۵.

ازگفته تنکابنی پیداستکه وی این کتاب را درنزدیك به بیست روز پاکنویس نموده و بیشتر آن اندیشه خود او است

[۹]

۸۹۲ این نسخه بخط نگارنده کتاب و بنسخ و خط خوردگیها دارد و نسخه اصل است و شماره ۱ دفتری است که دوم آن معیارالعقول درجرثقیل است و از برگ ۱ الف تا برك ۲۹ ب میباشد برك ۱ وصالی شده واندکی از عبارات رفته است عنوانها شنگرف وشماره مطالب درهامش نوشته شده

(برگهای همهدفتر ۷۰)- کاغذ فرنگی- جلد مقوای پارچهای وگوشهها و ته آن تیماج اندازه ١٤×۲۱ و ۵ر۹×۵ر۱۵ س ۲۲

[۱۰] پاسخ پور سینا بپرسش میهنه‌ای (عربی)

ارسطو در فصل ۳ و ۵ عبارت ارغنون گفته که هرچه برمحمول روا باشد
برموضوع هم روا خواهد بود و درفصل ۲۱ کتاب ۲ قیاس وفصل ۱ کتاب، ۱ برهان
بازگفته استکه شایسته است وصفی برکلی حمل شود اگرچه ندانیم که برجزئی آن
حمل میشود یانه ودراینجا اختلاف باجمال و تفصیل یاتغایر وصفی را بسنده دانست ۵
و سخن این فیلسوف بشکی می‌نگرد که منن کرده و افلاطون آنرا در رساله منن
(بند ۸۱) آورده است ولی در اینجا ازپیش شکی راکه سکستوس امپریکـوس
(Sextus Empiricus) فیلسوف پزشك ستاره شناس یونانی سده دوم و سوم
کرده است پاسخ داد . سکستوس میگوید کبری جز باستقراء افراد اوسط ثابت
نمیشود زیرا شاید یك فرد محکوم بحکم کلی نباشد پس قضیه کلیه کبری دروغ ۱۰
خواهدبود پس شکل نخستین نتیجه نخواهد داد مگراینکه مصادره برمطلوب ودور
معیب لازم آید این شك را ستوارت میل انگلیسی(۱۸۰۶ ـ ۱۸۷۳) دوبارهازسر
گرفت و پنداشت که با آن بنیاد منطق ارسطو را ویران میسازد .

اصلی که ارسطو شکل نخستین را بر روی آن نهاده است قاعدهٔ اندراج یا
انسحاب نامیده میشودو بلاتینی چنین درمیاید:(Dictum de omni et nullo) ۱۵
که هرچه برکلی رواست یا ازآن برداشته میشود برجزئی نیز روا میباشد یاازآن
برداشته است دانشمندان خاوری نیز درنگارشهای خود باین قاعده وپاسخ این شك
اشاره میکردند چنانکه در اوسط فارابی و منطق ابن زرعه و منطق شفا (قیاس
مقاله ۹ فصل ۱۹ و برهان مقاله ۱ فصل ۳ و ۶) والمعتبر ابی البرکات بغدادی(فصل
۱۷ مقاله ۳ قیاس، ج ۱ ص ۸ـ۱۹۷) واساس الاقتباس خواجه طوسی (فصل ۱۰ فن ۲۰
۲ مقاله ٤ درقیاس و فصل ۱ فن ۲ مقاله ۵ دربرهان) این قاعده و این شك وپاسخ
آنراباجمال می‌بینیم ابن تیمیه حرانی در(الردعلی المنطقیین) درمقام ٤ و۵و۶ (ص
۳ـ۳۶۲ چاپ بمبئی) سخنی میاورد که مانند گفتار میل است و سیوطی در اختصار
خودبراین کتاب نیز گفته ابن تیمیه راآورده است (چاپ مصر بسال۱۹٤۷ ص ۲۹۱و۲۲۲)

پیش از ابن تیمیه که دشمن منطق و عقل است ابوسعیدبن ابی الخیر میهنه‌ای (م ٤٤٠) عارف بزرگوار برشکل نخستین همان شك سکستوس را وارد کرده است مگر این که نمیدانیم آیا این عارف که خود را آسمان بین مینامید و چیزها را بگمان خویش میدید نه اینکه میدانست این شك را از کتابهای فیلسوفان بدست آورد یا اینکه خود بدان آگاه شده و به‌شیخ‌رئیس بنمود و پاسخ خواست؟

باری میهنه‌ای میگوید : شکل ۱ پایه دوشکل دیگراست و کبرای آن تا نتیجه را ندانیم کلی نخواهد بود و این خود محال است و نارواچه نتیجه باید پیرو کبری باشد نه پایه آن

شیخ‌رئیس در پاسخ‌دو راه حل باو مینماید یکی اینکه حکم کلی نیازی‌ندارد که ازجزئی گرفته شود دیگراینکه تنها دراستقراء است که چنین است و در قیاس حکم کلی پیش از جزئی دانسته میشود .

این شك را شارح مطالع درمبحث شکل ۱ بعنوان لزوم دور فاسد طرح کرده و باختلاف اوصاف پاسخ داده است و فرزانه سبزواری در منظومه منطق (ص ۷۸ چاپ ناصری) باز همان گفتار رازی را آورد . در نسخه شماره ۱۰۳۵ همین کتابخانه در ص ۱۰۷ و ٤۱۷ دوبار این عبارت راکه گزیده‌ای است از پاسخ و پرسش میهنه‌ای و بوعلی می‌بینیم : «کتب الشیخ ابوسعید ابی‌الخیر الی الشیخ‌ابی علی‌بن سینا : ایاك ان‌تعتمد علی‌العقل (العلوم‌الرسمیه) فان اول (اجلی) البدیهیات الشکل الاول وفیه دورلان ثبوت النتیجة یتوقف علی کلیة کبراه (الکبری) و لایصیر کبراه کلیة حتی‌یکون‌الاکبر صادقا علی‌الاصغر لان‌الاصغرمن‌جملة افراده. واجاب الشیخ ابوعلی: بان‌کلیة کبراه (الکبری) موقوفة علی‌اندراج الاصغراجمالافی‌الاکبر والمقصود من‌النتیجه ثبوته تفصیلا فلادور»[1]

باز ازکسانیکه ازاین پرسش و پاسخ یادکرده‌اند شیخ عبدالرحیم ومیرزا محمدعلی فرزند احمد قراچه‌داغی تبریزی (م ۱۳۱۰) میباشند که هر دو درحاشیه

---

۱ ــ آنچه میان دو کمانه گذارده شده نسخه بدل است ودرهر دوجا غلط نحوی نیزهست که بقیاس درست شد

خود برحاشیه ملاعبدالله یزدی شهابادی (م ۹۸۱) بر تهذیب‌المنطق تفتازانی این
شك را آوردند و عبدالرحیم آنرا از برخی صوفیان دانسته و گفت که شیخ رئیس
بعام اجمالی و حدسی کبری و علم تفصیلی نتیجه این شك را حل نمود و محمدعلی
از میهنه‌ای و شیخ‌رئیس نام برده و گفت که شیخ‌باجمال و تفصیل پاسخ داد و باتغایر
وصفی هم دوری نخواهد بود . ۵

گفتار اینند و درهامش حاشیه یزدی چاپ عبدالرحیم بسال ۱۳۰٦ در
ص ۱۲۵ بچاپ رسید

دیگر فرزانه دانشمند میرزامحمد طاهر تنکابنی است که در حاشیه خود بر
الجوهر النضید فی‌شرح منطق‌التجرید از علامه حلی (چاپ تهران ۱۱ - ۱۳۱۰)
همین اشکال دور را آورده و بتغایر اجمال و تفصیل پاسخ داد ۱۰

قنواتی در فهرست خود ازاین پاسخ و پرسش بنام قیاس (سؤال ابی‌سعید
ابی‌الخیر وجواب الشیخ الیه) بشماره ۳۵ درص ۱۰۷ یادکرده و سه نسخه از آن
نشان داد که در آستانه هست [۱]

آغاز : کتب‌الشیخ سلطان‌العارفین خاتم المشایخ ابوسعیدبن ابی‌الخیر الی
الشیخ‌الرئیس ... اتوقع‌الجواب من حضرةالشیخ‌الرئیس ... اذاکان‌الغرض من‌القیاس ۲۵
الوصول الی‌العلم ... فاجاب‌الشیخ الرئیس عن‌هذابجوابین وقال قدفهمت الرقعه‌اطال بقاه

انجام : وکك فی‌المثال‌الثالث ولعل هذاالبیان یکفی فی‌هذه‌الشبهة هواعام

[۱۰]

این نسخه‌شماره چهارم دفتری است که دارای ۲۸رساله و گفتار وده‌پاسخ
۳۳۹ وپرسش از ایندو دانشمند است و بشکسته وتعلیق در تاریخهای ۱۰۷٦ ۲۰
و ۱۰۸٦ نوشتهٔ شده و این نسخه ازبرك ۵۸ ب تا برك ۵۹ ب میباشد
(همه دفتر۱۳٦ برك) ـ کاغذ ترمهٔ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه ۱۳×۲۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

[۱۱] پاسخ بدبیران قزوینی (عربی)

نجم‌الدین عمرکاتبی دبیران قزوینی دراینکه نقیض عام باید اخص از نقیض ۲۵

---

۱ - برای شك سکستوس و شبهه میل دیده شود : تاریخ مسائل و نحل فلسفی
Paul Janet ص ٦ - ٦٤٥ و تاریخ فلسفه Albert Rivaut ج ۱ ص ۲۵۱

خاص باشد شکی کرده وخواجه طوسی از آن پاسخ گفته است. شارح مطالع در
مبحث چهار نسبت همین شك دبیران را آورده و رد نمود.

آغاز. هذا شك اورده الحكيم الامام نجم الدين المعروف بدبيران على قولهم
ان نقيض العام مطلقا ...... فان نقيض العام لايجب ان يكون اخص من نقيض الخاص
٥ مطلقاً . . . اجاب عنه نصير الملة والدين محمد بن محمد الطوسى . . . الممكن العام
ينقسم الى قسمين هما مانعة الخلو دون الجمع

انجام: ومع الداخل فى طرفى النقبض اى الواجب ذاته والممتنع لذاته ولا يراد بكونه
اعم الاهو والله اعلم وحكم

[۱۱]

۱۰۳۵ این نسخه شماره بیستم دفتری استکه دارای ٥۱ رساله است و بخط تعلیق
شکسته مورب و در ص ۱۸٦ نوشنه شده است ـ نشانه نسخه در بخش ۱
این فهرست یاد گردید

[۱۲] تحرير القواعد المنطقية (عربی)

نجم الدین عمر کاتبی دبیران قزوینی (م ٦٧٥) شمسیه خود را که متنی
۱۵ است کوتاه و گزیده‌ای از منطق بروش متاخران برای خواجه شمس الدین محمد
جوینی (کشته در ٦۸۳) نگاشته است و چندشرح بر آن نوشتند یکی از آنها شرح
علامه حلی (٦٤۸ ـ ۷۲٦) است بنام (القواعد الجليه) که برای شاگردان خود
نوشت و درفهرست نگارشهای خود که درخلاصه (تاریخ ع ۲ سال ٦۹۳) ودراجازه
بمهنا بن سنان (تاریخ محرم ۷۲۰) آورده است از آن یاد نمود ونسخه‌ای از آن که
۲۰ در روزگار علامه در ع ۲سال ٦۷۹ نوشته شده در کتابخانهٔ آستانهٔ طوس هست
(دیده شود فهرست آنجا ج ۱ بخش منطق ص ٤۳ شماره ۱٥۱) وپیداستکه حلی
این شرح را نزدیك بسی سالگی خود نگاشته است.

دیگرشرحی است از فرزانه فیلسوف ایرانی قطب الدین محمد بن محمد
ورامینی رازی بویه‌ای (م۷۷٦) شاگرد قاضی عضد ایجی (م ۷٥٦) وعلامه حلی که
۲٥ در۷۱۳ ازاو اجازه گرفت.

قطب رازی این شرح راکه (تحریرالقواعدالمنطقیه) نام دارد برای صاحب غیاث‌الدین محمد در آغاز ج ۲ سال ۷۲۹ نگاشته است[1]

این غیاث‌الدین فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله است که وزیر خدابنده بوده و در ٦٤٥ زاده و در ۱۷ ج۱سال۷۱۸ویرا بکشتند و خود غیاث‌الدین در ۷۲۸وزیر ابوسعید بهادر خان (۷۱٦ــ ۱۳ع۲ سال ۷۳٦) شده و در ۲۱ رمضان ۷۳٦ کشته گردید. ۵

قطب رازی چندین رساله و کتاب درمنطق دارد:

۱ــ رساله تحقیق دلالت

۲ــ رساله تحقیق تصور وتصدیق

۳ــ رساله تحقیق کلیات که بچاپ رسیده و نسخه‌ای از آن بشماره ۲۷۷ دراین کتابخانهٔ هست که درتاریخ پایان ع ۲ سال ۷٦٤ مقابله گردید. ۱۰

٤ــ رساله تحقیق محصورات و نسخه از این چهار رسالهٔ در آستانه طوس بشماره‌های ۹۷ـ۹٦ـ۹۵ـ۹٤ هست (ج ۱ فهرست آنجا، بخش‌منطق،ص۲۸ـ۲۹)

قطب رازی برمنطق (مطالع‌الانوار) ابوالثنا یا محمودبن ابی‌بکر ارموی آذربایگانی (۵۹٤ــ ٦۸۲) هم شرحی بنام (لوامع‌الاسرار) برای همین وزیر در تاریخ سه‌شنبه ۱۰ ج ۱ سال ۷۲۸ در مدرسه غازانیه شنب تبریز نگاشته است[2]. ۱۵

شرح مطالع رازی دوبار درایران بچاپ رسید یکی چاپ عبدالرحیم بسال ۱۲۹٤، دیگری چاپ تهران درکارخانه آقاسید اسدالله بسال ۱۳۱۵ و یکبار در آستانه در دوجزء بسال ۱۳۰۳چاپ گردید.

رازی درمبحث محصورات شرح مطالعه برساله (تحقیق محصورات) خود بازگشت میدهد و در آغاز آن‌ازرساله (تصوروتصدیق) یاد میکند و میرسیدشریف ۲۰

---

۱ ــ درپایان نسخه شماره ۱۱۹ کتابخانه طوس (ج۱ فهرست، بخش‌منطق، ص ۳٤) دارد: (وقد فرغ من تحریره العبد الراجی‌الی رحمة ربه‌الهادی قطب‌الرازی فی‌اوائل‌جمادی الاخرة سنة تسع وعشرین وسبعمائة

۲ ــ دیده شود، پایان شرح مطالع نسخه چاپ تهران بسال ۱۳۱۵ وفهرست‌طوس ج ۱ ص ۳۷ شماره ۱۲۸

گویا آنرا ندیده ودرحاشیه میگوید که این رساله در دست کسی بوده واو بجائی میرفته و این رساله را با خود میبرد و آن ازمیان رفته است .

ولی چنانکه گفته شد نسخهٔ از آن در آستانه طوس هست و نسخه دیگر هم در مدرسه سپهسالارتهران بشماره ٣٨٧٨ هست و دوبار نیزبچاپ رسیدیکی درتونس

٥ بسال ١٢٨١ دیگری درکانپورهند بسال ١٢١٧

رازی درمبحث وجودکلی طبیعی و درمبحث فصل از (تحقیق کلیات) یاد میکند .

پس دانسته شدکه رازی این سه رساله را پیش‌ازشرح مطالع نگاشته و شرح شمسیه را نزدیك بیك‌سال‌ونیم پس‌ازآن بپایان رساند .

شرح شمسیه رازی دوبار درایران (یکی بسال ١٢٨٢ دیگردرتهران‌بسال

١٠ ١٣١٤) و چهار بار درهند و دوبار در مصر و سه بار در آستانه بچاپ رسید

پس‌ازرازی سعدتفتازانی (م٧٩٢) شمسیه را شرح کرد وازرازی خرده گیری هانمود و این شرح چندی میان‌دانشجویان‌رواج‌بودتااینکه‌میرسیدشریف گرگانی‌حاشیه‌ای برشرح رازی نوشت و ازآنها پاسخ گفت و بشرح تفتازانی دیگر نمی‌پرداختند

١٥ [١٢]

٣٣٠ این نسخه بخط تعلیق مجدول بطلا و لاژورد با عنوانهای شنگرف است و جدولهای منطقی آن نیزشنگرف ولی چیزی نوشته نیست و محمدشریف‌بن عبدالحق سبزواری درتاریخ ١٠٠٨ آنرا نوشته است

(١٥٦ برك) - کاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج ساده مشکی

٢٥ **اندازه : ٨×١٩ و ٤×١٣ س ١٦**

[١٣]

٤٠٨ این نسخه اندکی ازآغازکتاب را ندارد و آغازآنچه هست اینست « سبب ایراد رسم‌العلم فی‌مفتح‌الکلام» و علی‌نقی اردکانی در ١٩٣ (؟!)آنرابخط تعلیق نوشت

(٨٨ برك) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج زرد

اندازه : ٥/١٢×٢٠ و ٧×١٤ س ١٦

[۱۳] تعلیق درمبادی قیاسات [فارسی]

منطقیان درمبحث موادقیاس، مبادی آنرا برحسب هنرهای پنجگانهٔ منطق (برهان ـ جدل ـ مغالطه ـ خطابه وشعر) بچندگونه بخش نمودند، و شماره آنها درکتابها باختلاف دیده شده و این اختلاف ازاینروستکه درارغنون ارسطو مبادی قیاس جسته گریخته و پراکنده دیده میشود و دانشمندان هم هریك برأیخود آنها ۵
را بخش نمودند. دراین رساله مبادی را پانزده‌گونه دانست و نگارنده این تعلیق گویا قوام‌الدین رازی شاگرد مولی رجبعلی تبریزی سپاهانی میباشدکه در سال ۱۰۸۵زنده بود.

آغاز: تعلیق مبادی قیاسات پانزده صنف است

انجـام : و مشهورات مطلق و محدود ومسلمات مبادی قیاس جدلی‌بود ۱۰

[۱٤]

۳۷٤ این نسخه شماره پنجم دفتری‌استکه دارای ۷ رساله از خواجه طوسی و قاضی‌محمد سعید قمی ومولی رجبعلی تبریزی و قوام‌الدین رازی میباشد نویسنده آن ازشاگردان قوام‌الدین رازی است و دردنبال رساله ششم
این دفترمی‌نویسد: «هذه تعلیقات لاستادنا ... قوام‌الملة والدین طاب‌ثراه ... » ۱۵
و در دنبال این رساله مینویسد : «من‌استادنا ادام‌ظله واله اعلم» وچنانکه در پایان رساله شماره یکم این دفترنوشته شده‌در ذی‌حجه سال ۱۰۸۵ هنگامی که‌قاضی سعید قمی میزیسته استآنرا نویسنده‌آن نوشت ولی این رساله در روزگارقوام‌الدین رازی و رساله ششم که بازتعلیق‌فلسفی است ازهمان رازی پس ازمرگ او نوشته‌شده
است پس میتوان گفت که رازی نزدیك بسال ۱۰۸۵ درگذشت مگراینکه نویسنده این ۲۰
رساله‌ها یکی نباشد این رساله‌دربرگ٦۲ب‌تا برگ٦۳ب این دفتراست و بخط تعلیق شکسته میباشد :

(همه دفتر ۹۴ برك) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده
اندازه : ۱۱×۱۹ و ۱۹×۱۴ س ۱٦

[۱٤] تلخیص [عربی]

قاضی‌ابوالولیدمحمدبن احمدبن محمدبن‌احمدبن احمدبن رشد درقرطبه‌از

خاندانی که بکارداوری میپرداختندو بسیارمشهور بودند، بسال ۵۲۰ زاده و درمراکش درماه ربیع یکم بسال ۵۹۵ درگذشت. این دانشمند از فیلسوفان و پزشکان اندلس است و کتابها در فلسفه وپزشکی ازخود بیادگارگذارد و شرحها برکتب ارسطو نوشته و درآنها ازفارابی و پورسینا و متکلمان خرده گیری نمود و درتهافت‌التهافت ازاعتراضهای غزالی پاسخ‌داد. شرحهای این فیلسوف، درسده‌های میانین فرزانگان اروپا را تنها منبعی بود که با آنها بآراء ارسطو آشنا میشدند. تا اندازه‌ای که میگفتند: «جهان را ارسطو شناسانده و نگارشهای ارسطو را ابن رشد روشن ساخته است»

این فیلسوف شیفته نگارشهای ارسطو بوده است و با اینکه یونانی نمیدانست و ترجمه عربی نادرستی از آنها دردست داشت، روی‌هوش و زیرکی خویش و با کمك ترجمه شروح مشائیان همه کتب ارسطو را شرح کرده است. ویرا پادشاه روزگارش امیریعقوب منصورموحدی (۵۸۰ ـ ۵۹۵) و فقها تکفیرنمودند وناگزیر شد که درسال ۵۹۱ بشهر الیسانه (Lucena) که یهودیان می‌نشستند گوشه گزیند و شاه فرمودند که کتابهای این دانشمند را آنچه فلسفی است بسوزانند. فرمان تحریم فلسفه نیز ازهمین شاه درهمین هنگام صادر شده است.

دانشمندان ترسای اروپا نیز پس از این، شرحهای فلسفی او را بسال ۱۲۰۹ م تحریم کردند و درسال ۱۲۶۹ م در انجمن پاریس روی همان آرائی که دانشمندان اسلام کفر میپنداشتند ابن‌رشد را تکفیرنمودند.

نسخی از کتابهای ابن‌رشد راکه نزدیك به ۸۰۰۰۰ هزار میرسد، کزیمنز (Ximenez) دستور دادکه در میدان غرناطه بسوزانند. این بودکه نسخه آنها بسیارکم شد و بیشتر ترجمه لاتینی و عبری، آنهم فراوان، بجا مانده است

ابن‌رشد کتابهای ارسطو را سه‌گونه شرح کرد

۱ — شرح کوچك یا جوامع که درآن گزیده‌ای ازمباحث ارسطورامیآورد بی‌آنکه ازآراء پیشینیان یادکند و بجای آنها عقاید خویش و فیلسوفان خاوری‌را آورده وگویا میخواهد روش مشائیان راباجمال بگذراند و این گونه‌شرح‌نگارش

خوداوست و بترتیبی که خودمی‌پسندد، نه بترتیب‌متن کتاب. بااینکه آراء مندرج‌در کتب ارسطو را تحلیل و گزین میکند باز از آن میکاهد و بر آن میافزاید و از کتابهای دیگرارسطو آورده آنرا کامل‌میسازد. این شرحها همان‌نام کتابهای ارسطو را دارند.

۲ ـ شرح میانین یا تلخیص که هربندی بکلمه (قال) آغاز میشود ولی‌شرح و متن با هم آمیخته است وازهم نتوان جدا نمود. مگر اینکه پیش چشم باشد. آنگاه دیده میشود که ابن رشد مانند ابن‌سینا درشفا، گاهی‌متن رابا عبارت دیگر که‌خود می‌پسندد میآورد. دراین شرح‌بندبه‌بندمطالب ارسطودر آغازهربنداندکی ازسخن ارسطو با عبارت دیگری دیده میشود و ابن‌رشد از ترتیب ارسطو در این شرح بیرون نمیرود و دراین شرح بیشترمطلب را روشن میسازد. نشر دهندگان ترجمه لاتینی این‌شرحها، چون ترجمه لاتینی ترجمه عربی متن یونانی ارسطو را دردست‌داشتند، درهربندی‌متن‌کامل‌را میآوردند. دراین ترجمه‌های‌لاتینی دوشرح میانین و بزرگ را بدشواری میتوان ازهم جدا نمود.

۳ ـ شرح بزرگ یا تفسیرکه نخست متن آغاز وسپس شرح میآید و پس ازهربندی ازمتن باز پاره‌های آنرا آورده تفسیرمیکند و آراء دیگران را نیز یاد کرده گاهی ازآنها انتقاد می‌نماید و گاهی نیز ازتفسیر مشائیان یونانی‌که دردست داشت‌میآورد. دراین شرح متن کامل ارسطو دیده میشود و هرکتابی بچند بخش وفصل و بند تقسیم میگردد و این بخش‌بندی را در مدارس مشائی ایتالیا پذیرفته بودند.

ارنست رنان میگوید‌که جوامع ابن رشد روی هم یکجلد و باندازه ۱۵۰ صفحه ولی تفسیرها باندازه چهارجلد میگردد و این را ازعبدالواحد مراکشی‌نقل میکند (ص۶۳ حاشیه۲) بازمیگویدکه پیش از ابن‌رشد دانشمندان،مانند فارابی وپورسینا،همان جوامع‌مینوشتند. چنانکه‌آلبرتوس‌ماگنوس (۱۱۹۳ـ۱۲۸۰) همین کار راکرد وآنها متن و شرح را ازهم جدا نمیساختند. در باره شفای ابن سینا بخصوص درمنطق اواین را شاید بتوان پذیرفت وآنرا جوامع بلکه تلخیص نام‌داد

ولی دربارهٔ همهٔ نگارشهای فارابی این سخن درست نیست زیرا الاوسط او خود
کتاب جداگانه‌ایست و نمیتوان آنرا ازجوامع یا تلخیص بشمار آورد وشرح‌عبارت
و قیاس او که در کتابخانه مجلس هست درست شرح بزرگ یا تفسیراست ومیتوان
گفت که ابن‌رشد اینگونه شرح را ازفارابی آموخته ومانند اوهمه متن رامیآورد
و سپس شرح میدهد و اینگونه شرح‌میان دانشمندان خاوری متداول‌بوده وقرآن ۵
را بهمین روش تفسیرمیکردند و سخن خدا را با سخن خویش نمی‌آمیختند.

این سه گونه شرح درمدارس اسلامی متداول بوده کوچکرا نخستین بار،
سپس‌میانین، آنگاه شرح بزرگ را فرامیگرفتند.

شرحهای بزرگرا ابن‌رشد درپایان زندگی خود نوشته و درشرح‌بزرگ
طبیعی گوید که درجوانی شرحی کوتاه نگاشته‌ام ودرشرحهای میانین نوید میدهد ۱۰
که شرح بزرگتری‌خواهد نوشت. این بود که درسده‌های میانین تا روزگار تجدد
میگفته‌اند که ابن‌رشد در جوانی جوامع نوشته و درسن کمال تلخیص کرده و در
پیری شرح بزرگ نگاشته است

چنانکه گفته شد البرتوس ماگنوس بشرح بزرگ نپرداخته است ولی
شاگردش تماس آکوئینی از ابن‌رشد پیروی نموده‌شرح و نفسیر کرد. ۱۵

ابن‌رشد را درسده‌های میانین و روزگارتجدد تا آغازسده ۲۰ بنام‌شارح
می‌شناختند و از این کلمه هورا میخواستند و دانتی درکمدی خدائی (سرود ٤
بیت ۱٤۲ Inferno) از وی بنام شارح‌نام میبرد. وی درمیان دانشمندان بزرگ
باو پایگاهی بلند داده و از اوبنام ابن‌رشد شارح یادکرده‌است. ابن‌رشد در منطق
بجزشروح، کتابهای‌دیگری هم دارد که درفهرست مندرج در عیون‌الابناء (ج ۲ ص ۲۰
۷۵ـ۷۸) و متنهای عربی که ارنست‌رنان در پایان کتاب خویش آورده است آمده
وبرخی ازآنهـا که هست اینها است :

۱ ـ مختصرالمنطق بزبان عربی وخط عبری

۲ ـ رساله درمنطق پیوست بدوشرح خطابه وشعربزبان وخط عربی

۳ ـ مقدمات فلسفه که بعربی و در اسکوریال بشماره ٦۲۹ هست و ۱۲ ۲۵

رساله میباشد (۱—موضوع ومحمول ۲—تعریفات ۳—قیاس و برهان ٤ ـقضایا
٥—قضیه صادق و کاذب ٦—قضیه ممکن و ضروری ۷—استدلال ۸— نتیجه
صحیح ۹ ـ رای فارابی درباره قیاس ۱۰—صفات ذهن ۱۱—حس واستماع
۱۲—چهارصفت

٤—مسائلی درباره بخشهای گوناگون ارغنون کـه پس از شروح آنها را میآورند و دونسخهٔ عبری آن‌هست. ابن‌رشد مسائل منطقی را هنگامی‌که مطرود شده بود (۱۱۵۹ م) نگاشته است ۵

٥—موجزمنطق‌که بعبری در Riva di trento بسال ۱۵٦۰ بچاپ‌رسید و نسخهٔ ازآن بعربی وخط عبری درپاریس هست

چنانکه گفته شد ابن رشد همه بخشهای ارغنون ارسطو را سه‌گونه شرح کرد و متن عربی وترجمه عبری یالاتینی‌برخی‌ازآنها در کتابخانه‌های خاورو باختر هست بدینگونه : ۱۰

۱—ایساغوجی فرفوریوس دوشرح‌کوچك و میانین آن هست

۲—مقولات ، شرح‌کوچك و میانین آن هست

۳—عبارت ، دوشرح‌کوچك و میانین آن هست ۱۵

٤—قیاس ، دوشرح‌کوچك و میانین آن هست

٥— برهان ، هرسه شرح‌آن هست. وی شرح میانین برهان را در اشبیلیه بسال ۱۱۷۱ م نگاشته است

٦ ـ جدل. دوشرح‌کوچك و میانین‌آن هست وشرح میانین را در۱۹رجب ٥٦۳ نگاشته است . ۲۰

۷ ـ مغالطه ، دوشرح‌کوچك و میانین آن هست

۸—خطابه ، دو شرح‌کوچك و میانین آن هست و در پایان شرح میانین مینویسد که آنرا در ٥ محرم سال ٥۷۰ با اینکه درمانده و بیمار بودم بپایان رساندم

۹—شعر ، دوشرح‌کوچك و میانین آن هست ۲۵

نسخه‌ای از تلخیص درفلورانس ودانشگاه لید هست که همه بخشهای ارغنون
را دارد و نسخهٔ هم درقاهره هست که مانند نسخه این کتابخانه میباشد

ترجمه عبری نگارشهای منطقی ابن رشد

۱ — ربی شمشون آنتولی درناپل بسال ۱۲۳۲ م برای فریدریك دوم شرح
ارغنون ابن رشد را بعبری ترجمه نمود و نیزهمو موجز منطق اورا بعبری کرد ۵
۲ـ کالونیموس فرزند کالونیموس فرزند مایر Maestro Calo (۱۲۸۰ـ
۱۳۲۸) که در آرلس زاده‌شده، در ۱۳۱٤ م شرح جدل ومغالطه وبرهان را بعبری
ترجمه کرد

۳ — تدرس تدرسی (تئودوروس فرزند تئودوروس) آرلسی در ۱۳۳۷ م
درشهرك ترینکتای شرح جدل ومغالطه وخطابه وشعر را بعبری در آورد و همین ۱۰
شرح است که گلدنتهال آنرا نشر نمود

٤ — یعقوب بن شمتوب قیاس را ترجمه بعبری نمود

٥ — یعقوب فرزند ابااماری آناتولی نابلسی زنده در ۱۲٦٥ و ۱۱۹٤ م
پنج کتاب نخستین ارغنون را ترجمه بعبری نمود و درکتابخانه ملی پاریس و
فلورانس نسخه آن هست ۱٥

٦ — لاوی بن جرسن (۱۳٤٤ — ۱۲۸۸) همین متن عبری را شرح نمود
که نسخهٔ از آن درپاریس هست و ترجمه لاتینی این شرح در سده ۱٦ بچاپ رسید

ترجمهٔ لاتینی نگارشهای منطقی ابن رشد

۱ — هرمانوس المانوس تعلیقات فارابی برخطابه و موجز ابن رشد را در
طلیطله در ۷ مارس ۱۲٥٦ بلاتینی ترجمه نمود وی میگوید : ۲۰

درترجمه شعر برای اختلافی که در وزن شعر یونانی وعربی هست دچار
اشکال شدم و نزدیك بود نومید شوم. ناگزیر ازاین شعر آنچه دریافتم ترجمه کردم
و آنچه رامیتوانستم بلاتینی درآوردم . ترجمه هرمانوس از تلخیص ابن رشد دشوار

نیست و میتوان آنرا دریافت .

۲ ـ ابراهام بالمس که تلخیص را از عبری بلاتینی کرد و ترجمه او با متن مخالف است و در ترجمه عبری هم مثلهای تازی بمثالهای عبری تبدیل شده‌است

از نگارشهای منطقی ابن رشد آنچه بچاپ رسید

۱ ــ متن تلخیص قاطیغوریاس که در بیروت بسال ۱۹۳۲ موریس بوئیژ آنرا چاپ نمود ۵

۲ ــ متن تلخیص خطابه و شعر که فاوستولاسی‌نیو (Fausto lasinio) آندو را از ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۵ در فیرنتس (Firenze) با ترجمه‌عبری و ایتالیائی شعربچاپ رسانده ولی خطابه آن ناتمام ماند

۳ ــ همین دو تلخیص را لویس شیخویسوعی در (کتاب علم‌الادب مقالات لمشاهیرالعرب) درجلد دوم در بیروت بسال ۱۹۲٤ چاپ نمود . ۱۰

٤ ــ ترجمه عبری موجزمنطق ابن‌رشد در (Riva di Trento) بسال ۱۵٦۰ بچاپ رسید

۵ ــ ترجمه عبری شرح خطابه درلایبتسیك در ۱۹٤۲ چاپ شده است

٦ ــ ملخص شعر با تعالیق فارابی برخطابه بلاتینی در ونتسیا بسال ۱٤۸۱ بچاپ رسید ۱۵

دوره کتب ابن‌رشد بلاتینی در لیون بسال ۱۵٤۲ بچاپ رسیده و ترجمه لاتینی ارغنون بوئسیوس نیزبا آن هست و تلخیص ابن‌رشد هم‌جزء آن میباشد

آثار ابن‌رشد بلاتینی در ونتسیا و پادو و دیگرشهرها از۱٤۷۲ تا ۱۸٤۲ چندین بارچاپ شده است و ترجمه‌ای که یعقوب مانتینوطرطوسی (م ۱۵٤۹) از ترجمه عبری تلخیص بلاتینی کرده است بسال ۲ـ۱۵۵۰ و سال ۱۵٦۲ و سال ۱۵۷۳ بچاپ رسید و در چاپ ۲ ــ ۱۵۵۰ ترجمه لاتینی شرح لاوی بن جرسن نیز با آن هست[۱] ۲۰

---

۱ ـ برای نگارشهای منطقی ابن‌رشد دیده شود : عیون‌الانباء ابن ابی‌اصیبعه ج ۲
بقیه پاورقی درحاشیه صفحه بعد

آغاز و انجام بخشهای تلخیص

مقولات ـ آغاز : الغرض فی هذا القول تلخیص المعانی التی تضمنها کتب ارسطو فی صناعة المنطق

انجام : وهی بحسب هذه الجهة مستوفاة انقضی تلخیص کتاب المقولات والحمد لوهب العقل یتلوه... تلخیص کتاب بار ارمنیاس ای العباره ۵

عبارات ـ آغاز : الفصل الاول قال وینبغی ان نقول ماهو الاسم وماهی الکلمه

انجام : اذا کان لایتعری الموضوع منها وهنا انقضی تلخیص المعانی التی تضمنها هذا الکتاب بانقضاء المعانی التی تضمنها هذا الکتاب تیلوه کتاب انالوطیقی وهو کتاب القیاس

۱۰ قیاس ـ آغاز : المقاله الاولی ینبغی ان نبتدی اولا فنخبر ماهو الشئ الذی عنه الفحص فی هذا الکتاب

انجام : لم یکن عظیم الاطراف علامة خاصة بالشجاعة وهنا انقضی تلخیص معانی هذا الکتاب وهو القیاس

برهان آغاز : المقالة الاولی من البرهان قال کل تعلیم و کل تعلم فکری فانما یکون بمعرفة متقدمه للمتعلم ۱۵

انجام : اعنی قوة العلم للمعلوم و قوة العقل للمبادی تم تلخیص المقالة الثانیة من معانی کتـاب البرهان لارسطوطالیس

[۱۵]

۳۷۵ این نسخه بخط نسخ بسیار پاکیزه . عنوانها و نشانه‌ها و رقمها بشنگرف میباشد مقولات ازبرگ ۱ تا برگ ۱۷ وعبارات از برگ ۱۸ تا برگ ۳۶ وقیاس ازبرگ ۳۷ تا برگ ۱۲٤ وبرهان ازبرگ ۱۲۵ تا برگ ۱٦۷

(برگهای همه دفتر ۷۰)ـ کاغذ ترمه سپاهانی جلد تیماج متوالی تازه اندازه ۱۵×۲۲٫۵ و ۱۲×۱۸٫۵ س ۲۱

ص ۸۵ــ۷۸، پیوست تاریخ ادبیات بروکلمن ج ۱ ص ۳۷۱ وابن رشد ارنست رنان چاپ پاریس بسال ۱۹٤۹ (جلد ۳ از نگارشهای رنان) وابن رشد لئون گوتیه Leon Gauthier چاپ پاریس بسال ۱۹٤۸ و اندیشندگان اسلام کارادوو (B.Carra de vaux) جلد ٤ ص ۷ ـ ٦٦ چاپ ۱۹۲۳ پاریس وفهرست کتابهای چاپی کتابخانه ملی پاریس ج ۵ ص ۷۸۱ شماره‌های ۱۱ و ۲۳ تا ۲۸ و دیباچه موریس بوئیژ بر تلخیص مقولات ابن رشد چاپ بیروت ۱۹۳۲

[۱۵] حاشیه بیتکاری (عربی)

شمس‌الدین محمدبن حمزه فناری (م ۷۳٤) بر ایساغوجی ابهری شرحی نوشت‌واحمدبر آن حاشیه کرد و بیتکاری بر این حاشیه ، حاشیه نگاشت که همین رساله باشد

آغاز : الحمدلله‌العلی‌الکریم . . . فلمانظرت وتاملت فی حاشیه‌الفناریة ۵

انجام : هذا لیکن‌هذا آخر ماکنافیه

[۱٦]

۹٤۳ این نسخه‌شماره چهارم‌دفتری‌استکه دارای‌شش‌رساله میباشد ودردنبال‌حاشیه عبدالرحیم‌بر شرح فناری نشانه‌های‌آن یاد میگرددا‌ین‌رساله از برك ۲۵ب‌تا ۳۹ الف است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و حاشیه (منه) دارد و ۱۰ اسماعیل‌بن‌علی بن عثمان‌درمدرسه فیضیه ارز روم بسال ۱۱۲۲ آنرانوشت .

[۱٦] حاشیه بر تهذیب‌المنطق [عربی]

سعدالدین مسعودبن عمر بن عبدالله تفتازانی ادیب متکلم ایرانی (م ۷۹۲) شاگرد قطب رازی و قاضی عضدایجی کتابی درمنطق بنام تهذیب‌المنطق‌بسال ۷۸۹ نوشته که میان دانشجویان آن روزگار تاکنون متداول گشت . ۱۵

دانشمندان بر آن حاشیه‌ها نوشتند از آنها است محقق دوانی وحاشیه او تا مبحث جهات (مطلقه عامه) میباشد و در لکناهور بسال ۱۲۹۳ و درتهران درکنار حاشیه ملاعبدالله بسال ۱۲۸۰ بچاپ رسید .

آغاز : تهذیب‌المنطق والکلام‌توشیحه‌بذکر المفضل والمنعام‌فهذه‌عجالة‌وغلالة رایعة تروی غلیل‌طالبی صناعة‌المیزان ۲۰

انجام : فی‌ملتقی‌الخطین‌الخارجین بین‌کلیها تسهیلا المضبط علی‌المبتدی

[۱۷]

۲٦۷ این نسخه شماره یکم این دفتر است و دوم آن حاشیه‌ای است برهمین دوانی و بخط نستعلیق ومجدول بطلا وشنگرف ولاجورد وعنوانها وبرخی حواشی شنگرف است وازبرگ ۱ ب تابرگ ٤۰ ب تاریخ نوشتن ۱۰۵۷ ۲۵

(همه دفتر ٨٦ برگ) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج ضربی زرکوب
اندازه : ١٥×٢٤ و ٧×١٤ س ١٧

[١٨]

٨٨٣ این نسخه شماره ششم دفتری است که دارای شش رساله میباشد ونشانه‌های آن دردنبال (آداب مناظره) استرابادی و (آداب‌البحث) ایجی یادگردید وبخط نسخ محمدعلی وبتاریخ ١٣٠١ که درمدسه سپهسالارمحمدخان آنرا نوشت وازبرگ ٣٨ الف است تا برگ ٨٣ الف

[١٧] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق [عربی]

این حاشیه ازمولانا سید آقاحسین حسینی خلخالی سنی اشعری شاگرد
١٠ میرزاجان حبیب‌الله باغنوی شیرازی‌میباشد که برحاشیه دوانی نوشته‌است‌وچنانکه در ذریعه (ج ٦ ص ٤١) آمده خلخالی این حاشیه را در ١٠٢٤ برای پسر خود نگاشته است . ازکتابهای وی پیداستکه او سنی‌اشعری میباشد درآغاز این حاشیه پس ازیادکردن نام دوانی ونام خود میگوید : این حاشیه را برای‌تأییدگفتاردوانی وبرای‌پسرم برهان‌الدین نگاشته‌ام . این‌حاشیه‌تا بمبحث دائم ومشروط میرسد .
١٥ **آغاز** : بسمله نحمدك یامن نورقلوب‌العارفین‌بانوارالمعارف‌الالهیه ... فهذه تنبیهات علی‌التحقیقات‌المختفیة فی‌صفحات حاشیة التهذیب

انجام : سائرالجداول الطولیه والعرضیه علی هذه‌الهیئة . در نسخه این کتابخانه درپایان این حاشیه نوشته شده (تمت‌الرساله فی‌تاریخ‌سنةثلث عشروالف) پس‌گفتار نگارنده دریعه‌خواه این تاریخ ١٠١٣ تاریخ‌نگارش‌خلخالی باشد یاتاریخ
٢٠ نوشتن نسخه درست درنمی‌آید نسخهٔ‌ازاین حاشیه درکتابخانه استانه‌طوس هست که درهامش حاشیه دوانی بسال ١٠٧٧ نوشته شده است .

[١٩]

٣١٢ این نسخه شماره یکم دفتری است که بجزاین‌رساله‌دورساله‌دیگر نیزداردیکی حاشیه‌برشرح دوانی برعقایدایجی‌ودیگری‌اثبات‌واجب وهردوازهمین‌خلخالی میباشد وهمه‌بخط تعلیق‌شکسته با عنوانهای‌شنگرف است و درتاریخ١٠١٣ در روزگار خلخالی نوشته شده است این رساله از برگ ١ ب تا برگ ٧٨ الف میباشد .

(همه دفتر ۱۷۹ برك) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده
اندازه . ۵ر۱۱×۱۹ و ۶×۱۴ س۱۳

[۱۸] حاشیه بر حاشیه تهذیب المنطق (عربی)

حاشیه‌ای است برحاشیه دوانی بر تهذیب المنطق تفتازانی و نگارنده آن پیدا
نیست که کیست ۵

آغاز : قال و حیدزمانه تغمده‌الله بغفرانه (یقال مدحت اللؤلؤ علی صفائها)

انجام . واما الی امکان الحمل دون الفعل . تم الکتاب بعون‌الله سبحانه القوی
فی تاریخ سنة ۱۰۵۷

[۲۰]

این نسخه شماره دوم دفتری که نخستین آن حاشیه دوانی است و بهمان خط ۱۰
۲۶۷ وحواشی نیز دارد واز برگ ٤١ ب تا برگ ٨٦ ب میباشد .
نشانه نسخه دردنبال (حاشیه دوانی) یادگردید

[۱۹] حاشیه بر حاشیه تحذیب المنطق (عربی)

این حاشیه‌ای است که سیدمیرزا ابوالفتح بن محمدعلی مشهور بمیرمخدوم بن سید
شمس الدین محمد بن سیدشریف گرگانی بر حاشیه دوانی نگاشته است وی باب حادیعشر ۱۵
علامه حلی را یکبار بتازی بنام مفتاح اللباب یا مفتاح الباب و باره دیگر بپارسی و پس از آن و
درمراغه درلشگرگاه شاه بسال ۹۵۷ شرح کرد و در ۹۷۶ یا ۹۷۷ درگذشت . این
حاشیه را برای سلطان ابی الغازی احمد بهادرحسینی نگاشته است و نسخهٔ ازاین در
آستانه طوس هست که درع ۱ سال ۹۷۲ پاکنویس گردید

ازنشانه‌هائی که در ذریعه (ج ٦ ص ٥٩) و درفهرست آستانه طوس (ج ۱ ۲۰
بخش منطق ص ۱۲) یادگردید پیداستکه نسخه این کتابخانه اندکی از خطبه را
ندارد . ابوالفتح درمیانه این رساله میگوید پس ازپایان یافتن حاشیهٔ دوانی جاهائی
که ازمتن تهذیب دشواراست شرح میدهیم وهمین نشانه درفهرست آستانه هم یاد
شد و ازتطبیق با حاشیه دوانی پیداستکه این رساله حاشیه‌ای است برآن .

نام محشی درفهرست آستانه میرابوالفتح سیدمحمدبن ابی‌سعید حسینی معروف بتاج سعیدی (م ۹۵۰) شاگرد موسی‌بن محمدقاضی‌زاد رومی یادشده‌است و درست نیست

آغاز : الحمدلله علی تهذیب المنطق والکلام عن غیاهب الشکوک

۵ والاوهام ... هذه‌تعلیقات بل‌تحقیقات‌علی‌قسم‌المنطق من‌التهذیب‌وحاشیته‌المشهورین عندکل لبیب (ذریعه وفهرست آستانه)

آغاز در نسخه این کتابخانه : الحمدلله‌علی‌تهذیب‌المنطق‌والکلام والصلوة والسلام علی اعرف المعرفین بطریق الاسلام واله الحجج الموصلین الی‌کل مرام قوله هوالوصف بالجمیل آه الباء اماصلة‌للوصف (مانا نویسنده اندکی‌ازخطبه

۱۰ راکاست)

انجام : والیه‌الرجعی و حسن مآب (در نسخه آستانه این عبارات را میافزاید) انتقل من‌السواد الی‌البیاض‌فی‌شهر ربیع‌الاول سنة‌اثنتین‌وسبعین‌وتسعمأته. پس تاریخ نگارش میرابوالفتح سال ۹۷۲ میباشد .

[۲۱]

۳۰۶ این نسخه بخط‌نستعلیق با عنوانهای شنگرف است و روی بسیاری‌ازسطور خط‌کشیده شده وگاهی هم بی‌نقطه است

(۱۲۳ برگ) ــ کاغذفرنگی ــ جلد مقوا

اندازه ۱۲۰×۲۰۵ و ۷×۱۲٫۵ س ۱۹

[۲۰] حاشیه برحاشیه برشرح مطالع‌الانوار [عربی]

۲۰ حاشیه‌ایست ازقاضی‌زاده رومی موسی پسرقاضی ملامحمود دانشمندسده نهم برحاشیه میرسید شریف گرگانی (م ۸۱۶) بر دیباچه شرح قطب‌الدین رازی (م ۷۷۶) برمطالع‌الانوار سراج‌الدین محمود ارموی (م ۶۸۹)

آغاز : قوله‌الفیاض‌الوهاب مشیر الی انه شبه اولا موهبته

انجام : عماهوصا درعنه والفرق بین . هذا غایة‌التحقیق فی‌هذا المقام

۲۵ ونهایة‌التدقیق فی‌حل‌المرام‌والله الهادی‌الی‌سبیل‌الرشاد وملهم‌الصواب

[٢٢]

١٠٣٣ این نسخه شماره نهم دفتری‌استکه چهارده رساله ازطوسی و حکیم محمد باقر و رازی پزشك و سلمی و کاشی ودیگران درآن‌آمده واین‌رساله بخط شکسته ریزدربرگهای٢٦ الف تا ٢٧ الف این دفترنوشته شده است درپایان این رساله نوشته است : لقاضی‌زاده رومی حشره‌الله مع‌من‌تیولاه ٥

(همه‌دفتر۹۹برگ) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلدتیماج حنائی ضربی یاءلا
اندازه۵ر۱۰×۱۹ و ۷×۵ر۱۴ س۱۵

[٢١] حاشیه برشرح شمسیه [عربی]

این حاشیه‌تنها مربوط بآغازشرح قطب‌رازی برشمسیه دبیران قزوینی است و خرده گیریهاکه برآن شده و پاسخهاکه داده‌اند فراهم آورده است تا بآسانی ١٠ دریابند ونگارنده آن پیدا نشدکه‌کیست

آغاز : الحمدلله الملهم بالتحقیق والمعلم‌بالصدق ... فانی اردت اجمع ما ... علی شرح الشمسیه‌المنسوب الی‌القطبیة من‌الایرادات والاجوبة حتی یکون تسهیلا للاستحضار

انجام : فلایردشئی من‌الاشکالات ١٥

[٢٣]

٨٨٣ این نسخه شماره پنجم و دربرگهای ٢٧ الف تا ٣٥ دفتری است‌که دارای شش رساله میباشد و نشانه‌های در دنبال (آداب مناظره) استرابادی یاد گردید این رساله بخط نسخ است از محمدعلی که روز سه‌شنبه ١٠ج ٢سال ١٣٠١ آنرا نوشت

[٢٢] حاشیه برشرح فناری (عربی)

این حاشیه ازعبدالرحیم است‌که برشرح فناری (محمدبن حمزه م ٨٣٤) نگاشته است،برمبحث جهت‌وحدت نه‌برهمه آن.

آغاز : بسمله . حمدلمنه . هوواجب الوجود و مفیض الخیروالجود

انجام : فی‌کل من‌التصوروالتصدیق فتأمل والله اعلم بالصواب ٢٥

[٢٤]

٩٤٣ این نسخه دردفتری نوشته شده که دارای شش رساله است و نخستین علم قوافی است از ابن جنی و دوم شرح ابیات الضوء وسوم این رساله وچهارم حاشیه بیتکاری و پنجم شرح ربع المجیب وششم شرح اشکال التاسیس . این رساله

٥ در برگهای ١٥ ب تا ٢٣ ب نوشته شده است خط دورساله نخستین تعلیق و نسخ است که در ١١٢٠ اسمعیل بن علی بن عثمان در ارز روم آنها را نوشت و این رساله بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و چهارمی را همین نویسنده در مدرسه فیضیه ارزروم درتاریخ ١١٢٢ نوشت و پنجمی را در رمضان ١١١٧ باز درهمانجا وششمی را نیز درهمانجا بسال ١١٢٢ نوشته است و این رسالههم باید درهمین تاریخها نوشته

١٠ شده باشد

(همه دفتر ٨٩ برگ) -کاغذفرنگی - جلد مقواکناره آن تیماج

اندازه . ١٦ × ٢١ و ٦ × ٥ر١٦ س ٢٥

[٢٣] حاشیه شرح مطالع (عربی)

این حاشیه ازمیرسیدشریف گرگانی (م ٨١٦) متکلم و ادیب و فیلسوف

١٥ و عارف ایرانی است برشرح قطب رازی برمطالع الانوارقاضی سراج الدین محمود ارموی (م٦٨٩) و از آغاز کتاب است تا پایان فصل ششم در تعریف از باب دوم در کلی وجزئی ازبخش نخستین درمنطق ومیر آنرا هنگامیکه نزد مبارکشاه منطقی درس میخواند نوشته است این حاشیه درکنارشرح مطالع از ص١تا ص ٧١ در تهران چاپخانه آقاسیداسدالله بسال ١٣١٥ بچاپ رسید

٢٠ **آغاز** : قال وحیدزمانه تغمده الله بغفرانه: الحمدلله الفیاض ذوارف المعارف، الفیاض الوهاب من فاض الماء فیضا و فیضوضة اذاکثرحتی سال عن جانب الوادی

انجام : وهذا جار فی الذاتیات والعرضیات اذا کان افرادها محسوسة لامعقولة

[٢٥]

٨٥٨ این نسخه بخط تعلیق بی نقطه است وبنابرعبارتی که درپایان نسخه دارد : (وقدتم الکتاب فی ثانی عشر شهر رمضان سنة ٩٨٧ سبع وثمانین وتسعمائه) بسال ٩٨٧ نوشته شده است .

(همه دفتر ۱۰۵ برگ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ‌ضربی مقوائی فرسوده
اندازه : ۱۲×۵ر۲۰ و ۵ر۸×۱۴ س ۱۷

[٢٤] الحدود (رسالة فی...) (فارسی)

ارسطو دردفتر پنجم تامتافوسیکا یا ماوراءالطبیعه که‌بنام دلتا یا دال میباشد ٤١ مفهوم منطقی وفلسفی را تعریف کرد و آنها عبارت میباشند. از: «مبدء - علت عنصر - طبیعت - ضرورت - واحد - وجود - گوهر - عین‌وغیر ومخالف‌ومشابه- مناقض و مضادومخالف‌درنوع-مقدم ومؤخر - قوه و سزاوار وعدم‌قوه و ناسزاوار- کمیت - کیفیت - مضاف - کامل - حد - ازچه‌و برای چه وچرا - وضع - حالت انفعال - فقدان - داشتن - پیدایش - جزء - کل- ناقص - جنس- خطا - عرض)[1]
وی دراین دفترشالوده علم الهی را ریخته است و آن بمانند دیباچه‌ای است برای این‌علم و درنگارشهای دیگرخود مانند دفترهای‌ششم وهفتم ونهم و دهم الهی‌ونیز کتاب طبیعی و کون و فساد بدان بازگشت داده است و دیوگنوس‌لائرسیوس از این دفتریاد نمود بنام «معینهای گوناگون» و قفطی درتاریخ حکما شش کتاب درتحدید و حدود از ارسطو نام میبرد

این رساله بپارسی است که بارسطو نسبت داده شد و در آن ۱۱۵ پرسش اسکندر ازاوکرده و پاسخ گرفت . ماانا این پرسش وپاسخها را ازکتابهای ارسطو گرفته ویکجا گرد آورده از آندوتن استاد وشاگرد دانستند . این پرشها از علم طبیعی والهی است

آغاز: بدانکه این چند فصل است اندر صد و پانزده مسئله که اسکندر از استاد خویش پرسیده . . . میگوید که پرسیدم از استاد خود که جوهرچیست گفت آنچه بذات خود قائم است

انجام : گفتم : یکی را اندرعیان نشانی هست ؟گفت ؛ دائره . گفتم : در اونشان هست ؟گفت : نقطه و پرگار از دائره .

---

۱ - دیده شود الهی ارسطو ترجمه فرانسوی Tricot .کتاب دلتا و نیز تفسیر مابعدالطبیعه ابن‌رشد چاپ بیروت سال ۱۹٤۲ کتاب دال

[٢٦]

۴۲۲ این نسخه شماره سوم دفتری‌استکه دارای رساله (اضحویه) نیز هست و بخط
تعلیق و بسال ۱۳۱۵ نوشته شده است و ۱۲ صفحه میباشد — این مجموعه
با شماره ٤٣٤ یکجا تجلید گردید
(همه دفتر۴۶+۳۸ برگ) — کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ساده تازه
اندازه : ۱۶×۲۱٫۵ و ۱۲×۱۶ س ۹

[۲۵] الحدود (رسالة فی...) [عربی]

شیخ‌رئیس پورسینا دانشمند بزرگوار ایرانی در مقاله چهارم فن برهان و
مقاله پنجم فن جدل‌منطق و فصل ۷تا۹ مقاله پنجم الهی شفا از حد و تعریف گفتگو
نمود و در کتاب نجات و ارجوزه منطق و اشارات ومنطق‌مشرقی نیز ازآن کاوش
۱۰ کرد مگر اینکه درشفا ازارسطو پیروی نموده گفته‌ها و پژوهیده‌های او را آورد
ولی درنگارشهای دیگر شالوده‌ای ریخت که متاخران مبحث قول شارح را روی
آن نهاده‌اند دراین کتاب (حدود) ازدشواری تعریف یادکرد وعلل آنرا بطوبیقا
بازگشت داد و یکباردیگر نیز درتعریف (حد) ازطوبیقای ارسطو نام برده است و
در دیباچه میگوید که یاران از من درخواستند که چیزهائی راکه میخواهند بآنان
۱۵ بشناسانم وبرای آنها تعریف کنم چون میدانستم که این کاردشواراست ولغزش‌پذیر
سرباز زدم آنها نپذیرفتند و این کمك را از من خواستند که من لغزشگاه تحدید
را برای آنان آشکاربدارم . شیخ پس ازدیباچه که درباره دشواری ولغزش‌تعریف
آورد ۷۲ اصطلاح فلسفی ومنطقی را آورده وتعریف کرد[۱]

این رساله در(تسع رسائل)درمصر بسال ۱۹۰۸(۱۳۲۶) بچاپ رسید و آ.م. گواشن
۲۰ A.M. Goichon خاورشناس‌فرانسوی آنرا بفرانسه ترجمه کرده ودرپاریس‌بسال
۱۹۳۳ بچاپ رسید

---

۱ – درباره تعریف نزد پورسینا گواشن گفتاری دارد که در مجله قاهره
La Revue du Caire شماره۱٤۱ جلد۲۷ سال ۱۹۵۱ ص۹٤–۱۰٦ بچاپ‌رسیده‌است

[۲۷]

۳۹۸ این نسخه شماره۱دفتری است که شرح خبر (العلم نقطه کثرها الجاهلون) از خواجه طوسی نیز در آن هست و در برك ۱ب تا برك ۱۲ الف نوشته شده و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد و تاریخ آن ۲۵ ج ۱ سال ۱۰۰٦ میباشد ٥

(۲۸ برك) - کاغذ ترمهٔ سمرقندی — جلد تیماج مشکی

اندازه : ۱۲×۱۷٫٥ و ۷×۱۲ س ۱۸

[۲۸]

۱۰۲۲ این نسخه در دفتری‌استکه دارای ۱٤ رساله و گفتارمیباشد یکی مسائل مدنیات که مهنا بن‌سنان بن‌عبدالوهاب حسینی ازعلامه حلی پرسیده‌وپاسخ ۱۰ گرفته است و بخط سیدحیدر عارف آملی مورخ ۱۰ ع ۲ سال ۷٦۱ میباشد وفخرالمحققین پسرعلامه چندجا بخط خودتصدیق کرده است واجازه‌ای که علامه حلی بمهنا داده درباره روایت کتابهای خود و ٥٤ کتاب خود را درآن برحسب تقسیم موضوعی آورده است بخط سید حیدرآملی مورخ ۱ ذی‌قعده ۷٦۲ درآن دیده میشود وآملی خودرا چنین نام‌میبرد: حیدر بن علی بن حیدرعلوی حسینی آملی . این‌اجازه درجلد ۱٥ ۲٥ بحارمجلسی ص٥۲ بچاپ رسید

۲ ــ پرسش سید حیدرآملی ازفخرالمحققین درحله سیفیه بتاریخ پایان رجب ۷٥۹ درمسائل کلامی‌وفقهی. پرسش بخط آملی وپاسخها بخط فخرالمحققین است

۳ـ رساله‌حج‌متمتع فخرالمحققین بخط سیدحیدر که درحله‌درمدرسه صاحب‌الزمان نوشت ۲۰

٤ - اجازه فخرالمحققین بآملی درپایان ربیع۱ سال۷٦۱ که بخط فخرالمحققین است و صحت انتساب (مسائل مدنیات) را درآن تصدیق نموده است (برگ ٦ الف)

٥ ــ معراج‌السلامه و منهاج الکرامه جمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی که در فلسفه خواهد آمد

٦ ـ التنبیه علی بعض‌الاسرارالمودعة فی‌بعض سورالقرآن ازفخر رازی (٥٥٤ ـ ۲٥ ٦۰٦) که درص ٦۷ـ۷۰ بخش ۱ این فهرست یادگردید

رازی در فصل ۳ (معاد) این رباعی را از خیام میآورد : (دارنده چوترکیب چنین خوب آراست ـ باز ازچه‌سبب فکندش اندرکم‌وکاست ـ گرخوب نیامد این‌بنا عیب کراست ـ و رخوب آمد خرابی از بهر چراست) و میگوید بیشتر خردمندان چنین خرده گیریرا میکنند وجزدینداران نتوانندآنرا پاسخ گویند . درهمین‌جا (برگ۱۰۱) ۳۰

درهامش این رباعی خیام دیده میشود : «ترکیب پیاله کی درمی‌پیوست - بشکستن این روا نمیدارد مست - چندین سروپای‌نازنین و برو دست - ازبهر کی پیوست و زبهر کی شکست »

این یادآوری که یك متکلم ومفسر از یك فرزانه روشن‌اندیش آزاد میکند
٥ بسیار گرانبهاست و پس از کتابهای الزاجر للصغار عن معارضة‌الکبار دانشمند خوارزم زمخشری (٤٦٥-٥٣٨) وتتمه صوان‌الحکمه بیهقی (م٥٦٥) که پس‌از٥٤٨ نگاشته‌شده و چهارمقاله نظامی عروضی که میان ٥٥٠و٥٥١ نوشته شده باید آنرایکی‌ازسندهای سرگذشت خیام شمرد و پس ازهمه این‌ها استکه نجم‌الدین دایه رازی (م ٦٤٥) در مرصادالعباد (نوشته ٦٢٠) همان رباعی که امام فخرالدین رازی آورده است نقل نمود
١٠ و پیداستکه این رباعی بسیارمشهورشده و اثرانتقادی آن شدید بوده است

٧ - عیون‌الحکمه فخررازی که خواهد آمد

٨ - پرسش وپاسخ گیلی وطوسی

٩ - رساله عقیده طوسی

١٠ - پرسش وپاسخ بحرانی وطوسی

١٥ ١١ - پرسش وپاسخ قونوی وطوسی

١٢ - قضاء وقدرحسن بصری

١٣ - الرحمة فی‌اختلاف‌الامه گرگانی

همه این رساله‌ها بخط آملی است وبنسخ ریزبا عنوانهای شنگرف‌جزرساله حدود پورسینا که مانا بخط دیگری است و بنسخ درشت‌تر و روشن‌تر مگر اینکه در
٢٠ فهرست آغازمجموعه بخط همین آملی نام(اصطلاحات‌الحکماء) ابوعلی برده شده‌است. درچندجا نوشته شده که آملی مقابله نموده است این مجموعه در ١٢٩٤ از آن کاظم حسینی عاملی بوده است و در ١٣٦٦ واقف محترم کتابخانه آنرا که از کتابهای آقا ضیاءالدین نوری بوده است خرید

رساله حدود دربرگ ١٨٨ الف تابرك ١٩٥ ب این دفتراست وآغازوانجام
٢٥ را ندارد وآنچه هست برابر است با س ٧ ص ٧٥ تا س ٥ ص ص ١٠٨ نسخه‌چاپ‌مصر نشانه نسخه دربخش ١ این فهرست یادگردید

[٢٩]

١٠٥٣ این نسخه شماره ٤٣ دفتری‌است که دارای ٥١رساله است وازص ٣٨٦ تا ص ٣٨٦ تا ص ٣٩٣ میباشد وبخط تعلیق درشت وگویا همان شهاب‌الدین‌حسینی که در دیه فیض آباد خبیص در پنجشنبه ١٧ شعبان ١١٠٤ رساله شماره ٤١

(رساله عرفانی جامی) را نوشته همین را نوشته باشد وخط ایندویکی استواین مجموعه بخط او ومحمد ناصرالدین میباشد و از ۱۰۹۷ تا ۱۱۰۹ گرد آورده شده است در بخش ۱ این فهرست نشانه های آن یادگردید

[۳۰]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۵ دفتریست که دارای ۳۵ رساله میباشد و رساله ۳٤ (اثبات واجب) بخط تعلیق استازمرادتفرشی که در ۱۰٤۷ برای مولی محمد صالح کرامی نوشته است واین نسخه نیز بخط تعلیق و از ص ۱٤۵ تا ص ۱٦۰ میباشد ۵

(همه دفتر ۲۸۲) ـ کاغذ سپاهانی زرد — جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۵×۳٦ و ۹×۱٦ س ۲۳

[۲٦] الحدود (رسالة فی...) (عربی)

نگارنده این رساله پنج کلی و ده مقوله را تعریف میکند و شاید این رساله از همان کسی باشد که رساله (اصطلاحات جدل و خلاف) را نگاشته است و پیش از این یادگردید

آغاز: فائدة : العلم حصول صورةالشئی فیالذهن ۱۵

انجام : انینفعل هوکونالشئی متاثراعن غیره . . . فهذه المقولات شاملة لجمیع الموجودات الخمسة

[۳۱]

۹۰۲ این نسخه رسالهٔ ۵ دفتری استکه دارای شش رساله میباشد و در دنبال رساله (اصطلاحات جدل وخلاف) نشانههای آن گفته شده استاین نسخه ازبرك ۱۵۵ ب تا ۱۵٦ ب میباشد وبخط تعلیق ریزاست .

[۲۷] حیرة الفضلاء فی حل شبهة جذر الاصم (عربی)

ارسطو درفصل ۹ کتاب عبارت ارغنون در مبحث تناقض قضایـاء ممکن استقبالی و درفصل ۳ دفتر ۱۱ الهی درمبحث امکان و استعداد باگروه مگارا مانند ۲۵

اوبولیدس و دیودروس کـرونوس و فیلون مخالفت نموده است و این اوبولیدس
در زمان افلاطون و ارسطومیزیسته ومیان آنها پیوسته جنگ وستیز بوده وگاهی
کاربدشنام‌میکشیدوفیلون‌دیالکتیکی‌شاگرداوبوده‌است‌وفیلون‌هم‌ازبزرگان‌جدلیان
گروه مگارا بشمار میآید وچند مغالطه ازاینها بیادگارمانده است مانند : (پوشیده
۵ شاخدار — نهفته — کچل — ارزن — پیدایش — دروغگو) مغالطه اخیرچنین است :
کسی دروغ میگوید وسپس میگوید دروغ میگویم آیا راست گفته است یا دروغ
چنانکه اپیمنیدس کریتسی گفته است : همه مردم کریتس‌دروغگویند آیاخودراست
گفته یا دروغ ؟

این مغالطه بدانشمندان خاوری رسید و بدان شبهه جذراصم نام دادند
۱۰ وکتابها درحل آن نوشتند چنانکه‌افضل‌الدین محمدترکه درطوس برای‌شاگردان
خود رسالهٔ بنام انموذج‌العلوم درحل مسائل دشوار نوشته و در آن از این شبهه که
بشکل (کل کلامی کاذب) درآمده پاسخ گفته و فهرست نگار آنرا دیده است و
صدرالدین دشتکی و دوانی هردورساله در رد یکدیگر درباره گشودن‌این مشکل
نوشته‌اند و در آستانه طوس بشماره ۲۱۸ و ۷۱۹ (ج ٤ ص ۳۷۹ وص ۳۸۰فهرست
۱۵ آنجا)هست وسیدداماد در الافق‌المبین نیز بحل آن‌پرداخت و درالذریعه‌بنام‌بسیاری
از رساله‌هاکه دراین باره نوشته شده برمیخوریم

محقق خفری شمس‌الدین‌محمدبن‌احمد شاگرد صدرالدین‌محمددشتکی
شیرازی و زنده در۹۳۲که ازفیلسوفان ومتکلمان بوده است دورساله در این باره
دارد یکی عبرة الفضلا که خواهدآمد و دیگری حیرةالفضلاء یا حل مالاینحل که
۲۰ در دومقصد است دریکی راه حلهائی که آورده‌اند یادکرده و از آنها خرده گیری
نمود و در دومی که نیم‌این رساله است حلی کـه خود کرده است آورده وی از
تفتازانی‌وسیدالمدققین‌وصاحب قسطاس وکاتبی‌یاد میکند وتاریخچه حل‌این مسئله
ازاین رساله بخوبی‌بدست میآید

آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین . . فیقول‌الفقیر . . . محمدالخفری هذه
۲۵ رسالة فی‌بیان حل‌المغلطه المشهورة التی اعیت علماء الامصار

انجام: ولایخفی علیك الاجراء فی باقی التقریرات فلنختم الرسالة المسماة بحیرة الفضلاء بالحمد والصلوة فالحمدلله علی افضاله والصلوة علی محمدواله

[۳۲]

۸٦۸ این نسخه دردفتری است که دارای ۳ رساله است: انموذج العلوم دوانی دوم همین رساله که از ص ۸٦ است تا ص ۱۱۳ وبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف وسومی تلخیص المفتاح جمشید کاشی است همه این رساله‌ها بیك خط و نخستین درتاریخ ۱۰۲۱ درسپاهان نوشته شده وسومی در روز سه‌شنبه ۲۸ ج ۱ سال ۱۰۲۱ نوشته شده است ۵

(همه دفتر ۱٦۸ ص) کاغذ ترمه سمرقندی — جلد مقوا

اندازه : ۹×۵ر۱٦ و ۵ر۴×۱۲ س ۱٦ ۱۰

[۲۸] رسالة بعض الافاضل الی علماء مدینة السلام (عربی)

درفهرست نگارشهای شیخ رئیس که ابن ابی اصیبعه در عیون الابناء فی طبقات الاطباء آورده است در ج ۲ ص ۲۰ س ٤—٦ دو رساله از شیخ بدین دو نام : « رسالة الی علماء بغداد یسألهم الانصاف بینه وبین رجل همدانی یدعی الحکمة » و «رسالة الی صدیق یسأله الانصاف بینه و بین الهمدانی الذی یدی یدعی الحکمة» آمده است و در نامه دانشوران ج ۱ ص ۸—۸۲ درسر گذشت شیخ الرئیس این رساله یاد گردید: « جواب مسائل علماء بغداد که سؤال کرده بودند از کسی که در همدان مدعی حکمت بود» پس پیدا شد که پورسینا چنین نگارشی دارد گرچه در نسخه این کتابخانه این رساله چنین نامیده شده : « رسالة بعض الافاضل الی علماء مدینة السلام فی مقولات الشیخ» و گویا شیخ نخواسته است نشان دهد که این نگارش از اوست و ازخود بنام (مردی ازبخارا) دردیباچه یاد کرده است ودرنامه دانشوران مینویسد که این رساله را شیخ درسپاهان نوشت . رساله دیگری هم درتاریخ حکماء قفطی (ص ۲۷۲) و بیهقی (ص ۱۸۸) و ابن ابی اصیبعه (ج ۲ ص ۱۹ س ۳۰) ازشیخ دانسته شده بدین نام : «رسالة فی ان علم زید غیر علم عمر» و دراین نسخه‌ها هم این عبارت آمده است : «انسانیة کانت فی خیال زید واخری کانت فی خیال عمر» ولی بسیار دور است ۱۵ ۲۰ ۲۵

که ایندو رساله یکی باشند زیرا مسئله علم‌خود درفلسفه و کلام طرح میشده‌و برسر آن گفتگوها بوده‌است گرچه دومبحث‌وجود وعلم درمورد کلی طبیعی بایکدیگر بستگی دارند

باری در دیباچه این‌رساله میگوید : « درود برخواجگان دانشمند بغداد
٥ بدانید که مردی بخاری دانش را دوست داشته و آنچه میتوانست در اندوختن آن کوشید تااینکه گذارش باین شهرها افتاد وبه پیروان شما برخورد و آنان وبرا از دانشمندان بشمار آوردند واواز آنهاچیزهائی می‌شنید که بگفته‌های استادانش مانند بود تا اینکه بشهرهمدان رسید خواجه‌ای بزرگوار و نیکمرد و فرزانه ودانای همه دانشهای فلسفی و دینی در آنجا بدید که دانسته‌های وی با دانش پیشینان همانند
١٠ نبود و میگفت که آنرا ازشما فراگرفته است ومن گفتار او وسخن خودم را در خرده گیریها که از او کرده‌ام برای شما فرستادم وی میگوید که در جهان هستی یك (مردمی) جداگانه‌ای هست که گاهی به یخت این و گاهی بساخت آن درمیآید وخودبخود پایداراست وتنها ریختها و ساختهای آن دیگر گون میگردد ».

میدانیم که دراین دفترسخن از وجود کلی طبیعی‌میرود و خواجه‌همدانی
١٥ مانابرأی افلاطون رفته‌است وشیخ که مشائی پیروارسطواست میخواهدآنرانپذیرد وهمدانی رانزد بغدادیان شرمنده سازد . اکنون ببینیم که خواجه همدانی کیست؟ میدانیم که شیخ درفصل ١٢ مقاله ١ فن ١ منطق‌وفصل ١ مقاله ٥ الهی‌شفا ازبودکلی گفتگو کرده‌ودرالهی‌شفااین‌شبهه‌وشك‌رابدستهٔ ازفیلسوف‌منشان‌بسته‌است واز آنها
٢٠ چنین‌تعبیرنمود:«طائفةممن‌یتشحطفی‌التفلسف»ولی کسی‌رانام‌نبردمگراینکه‌دانشمند احمدبن زین‌العابدین عاملی شاگرد و داماد میرداماد (م میان ١٠٥٤ و١٠٦٠) در حاشیه خود برشفا درهمین‌جا میگوید . « وفیه کنایة الی ابی‌القاسم‌الکرمانی » . از سرگذشت کرمانی جزآنچه که درقفطی و ابن ابی‌اصیبعه آمده است این راهم در بیهقی ص٣٢ مینگریم که‌مردی دانشمند بوده ومیان او وشیخ‌رئیس گفتگوئی‌شده
٢٥ وکاربستیزه و دشنام‌کشید وشیخ اورا گفت که بمنطق کم می‌پردازی واو بشیخ گفت

توهم فریب میخوری وهم فریب میدهی، و این گفتگو را شیخ بوزیر امین ابی‌سعد همدانی نوشته است و روزی کرمانی بشیخ گفته استکه حق روشن است و انصاف از میان نرفت چرا سخنان دیگران را خوار میداری تا گفته‌های خود را ثابت سازی .

باز درمباحثات شیخ می بینیم که یکی از پرسندگان همین کرمانی است و باز می‌بینیم ده پرسش است که همین کرمانی از شیخ کرده و پاسخ گرفت و در مجموعهٔ آثار کیوان قزوینی در تهران بسال ۱۳۰۸ خورشیدی ص۱۶۲ — ۱۷۱ بچاپ رسید. نیز میدانیم که خرده گیریها که دانشمندان شیراز از « المختصر الاصغر فی المنطق » یا منطق نجات کرده‌اند نزد کرمانی فرستاده‌اند تا بشیخ برساند و پاسخ گیرد و دراینجا ابن ابی‌اصیبعه از گفته ابوعبید می نویسد که وی یار ابراهیم بن بابای دیلمی بوده و بعلم تناظر (یا بگفته قفطی. علم باطن) می‌پرداخت پس چنین بدست آمد که کرمانی با شیخ گفتگوها داشت وخرده گیریها از وی میکرد و اگر سخن عاملی درست باشد همو است که این رای را داشته و سخنان او در نزد شیخ شگفت انگیز میآمد و شیخ دانشمندان بغداد را از گفته‌های وی که با آراء دانشمندان ناسازگار بوده است آگاه ساخت

آیا میشود که این مرد شیخ ابوالفرج باشد ؟ فهرست نگاران و سرگذشت نویسان از دودانشمند یادمیکنند که درروزگار شیخ رئیس میزیستند و بنام ابوالفرج بوده اند یکی ابوالفرج بن ابی‌سعید یمامی که نزد شیخ میآمد و از گفته‌های وی بهره‌مند میشد وشیخ بپرسشهای وی پاسخ میگفت و از پرسشها و پاسخهای ایندو بنام (تعلیقات) یاد کرده‌اند و این ابوالفرج فرزند ابی‌سعید فضل پسر عیسی یمامی پزشکی دانشمند وفیلسوف بوده ومیان اووشیخ رئیس در پزشکی وجز آن گفتگوها شده است . درباره او کسی نگفت که چنین رای را داشت . دیگر ابوالفرج عبدالله بن الطیب ترسای بغدادی (م۴۳۵) که باشیخ گفتگوها داشت واورا آزارها کرد. وی در ۴۰۶ پزشك بیمارستان عضدی بوده و ازوی پزشکی میآموختند و بر کتب ارسطو شرحها نوشت

ابوالفرج گفتاری درباره نیروهای طبیعی دارد که شیخ‌رئیس در برابر آن رسالهٔ بنام (ابطال حجج رسالة ابی‌الفرج‌بن‌الطیب) نوشته و درباره او گفته است، «انه قدکان‌یقع علیناکتب یعملها ابوالفرج‌بن الطیب ادام الله عزه فی‌الطب و نجدها صحیحة مرضیة خلاف تصانیفه التی فی‌المنطق والطبیعیات ومایجری‌معها». شیخ پزشکی اورا می‌پسندد ولی از نگارشهای منطقی و طبیعی او نکوهش میکند. باز شیخ درباره نگارشهای او در (مباحث) میگوید که سزاواراست آنها‌را بفروشنده آنها برگرداند.[۱] رساله‌اقوای‌طبیعی ابوالفرج و رد شیخ هردو در همین کتابخانه دردفترشماره ۱۰۷۴ هست. ابوالفرج رسالهٔ درعقل دارد که در دفتر شماره ۲۵۳ این کتابخانه هست واین عبارت در آن دیده میشود: «فاذا وصلت‌الیه (العقل) الحواس صورالاشخاص من‌خارج بتوسط القوة المتخیلة یسمی عقلا بالفعل منطبع باالاشخاص فاذا فصل‌العقل تلك‌الصور و استخرج الکلی‌فیها تسمی قوة ممیزة» و پیداستکه وی درست رای مشائیان دارد وکلی‌را گرفته ازصورتهای‌محسوس‌میداند نه موجود جداگانه درخارج، پس نمیتوان گفت کـه شیخ دراین نامه ابوالفرج‌بن الطیب را میخواهد رد کند

این نکته را نیز باید گفت که شیخ دراین نامه که بدانشمندان‌بغداد نوشت نمیگوید که آن دانشمند همدانی بوده وهمین اندازه میگوید که او را در همدان دیده است پس از این رهگذر اشکالی نیست که آن دانشمند کرمانی یا بغدادی باشد ولی باید جستجوی بیشتری کرد دید کـه چه کسی در آن روزگار چنین رای شگفت‌انگیز را داشته بود. گرچه عاملی دراینکه او را ابوالقاسم‌کرمانی دانست سندی نشان نداد ولی تا مدرك دیگری بدست نیاید سخن اوارزشی خواهدداشت

اکنون باید دید که‌جنگ وستیز ایندو برسر چیست؟ ازاین‌رساله پیداستکه همه گفتگوهای شیخ ومرد همدانی دربارهٔ بودکلی طبیعی برروی این نکته‌استکه

۱– دیده‌شود بیهقی ص۲۷–۲۸–۱۸۹ وابن ابی‌اصیبعه‌ج۱ ص ۲۳۹-۲۴۰ وج۲ ص۲۰ و شهر زوری درتاریخ حکما نسخه شماره ۸۵۶ این کتابخانه برك ۱۲۵ الف وترجمه آن بشماره ۴۲۷ برك ۱۷۲ الف و قنواتی شماره ۱۴۵ و طریحی ص ۱۰۷ و ۱۱۶ و غنی ص ۸۳

آیا میشود یك چیز درچندجا باشد و بچندگونه درآید شیخ میگوید چنین چیزی نمیشود و پس‌ازشیخ هم‌حاشیه‌نگاران و شارحان و دانشمندان دودسته‌شدند برخی مانند محقق خوانساری درحاشیه الهی شفا درهمین مسئله میگوید: «آنچه راکه بتوان شمرد ویکی دانست درچندجانخواهد بود و بچندگونه درنخواهدآمد ولی چیزی‌که مانند (مردمی) شمردنی نباشد و درمعنی یکی‌باشد میتواند در چند فرد پیدا شود» بازمیگوید: «شیخ نتوانست اشکال را پاسخ‌گوید وگره مطلب را بگشاید وی نتوانست درباره‌کلی طبیعی بررسی‌کند وسخنانش پیوستگی ندارد وخود درشك است» و پیرزاده محمدرفیع شاگرد مولانا رجبعلی در (المعارف ـ الالهیه) میگوید: «کلی درجزئیات هست وطبیعت متکثر میتواند درچندجای‌باشد و چندین صفت ناسازگارپذیرد»

دانشمند ابوالحسن تنکابنی در(البضاعةالمزجیة)گوید: «کلی‌موجود واحد نوعی است ومیتواند درچندجا باشد وچندصفت پذیرد».

دسته دوم‌کسانی هستندکه‌کلی را موجود خارجی نمیدانند و روا نمیدارند که یکچیز دردوجا باشد یا دوصفت‌ناسازگارپذیرد وازآنها است ابن‌رشد اندلسی که درکتاب (مابعدالطبیعه) چاپ دکن بسال ۱۳۶۵ ص ۵۵—۶۰ و در (تفسیر مابعدالطبیعه) چاپ بیروت بسال ۱۹۴۲ جلد۲ ص ۹۷۶—۹۸۲ دراین‌باره گفتگو نمود.

بازمحقق سبزواری و دیگرانندکه بود یك‌چیز را درچندجا ودرآمدن آن بچند صفت را محال میدانند. خود شیخ در دانشنامه چنین میگوید. «تا قومی پنداشته‌اندکه یکی نفس است، که وی بعینه اندر زید واندرعمرو است... و اما نشایدکه بیرون‌نفس ووهم‌واندیشه یکی‌مردمی بعینه بود یایکی سیاهی بعینه،وو‌ی اندرهرچیزی ازمردمان و ازسیاهان موجود بود».

باز درنجات این عبارت دیده میشود: «انسانیه‌فی‌الوجود وهی‌بعینهامحمولة علی‌کل واحد .... فهذا غیرموجود ....»

بهمنیار آذربایگانی درتحصیل میگوید: «کلی در ذهن است و بس وگرنه

می‌باید یك فرد هم دانا وهم نادان باشد».

سبزواری درحاشیه‌الهی‌شفا به‌پیروی ازشیخ‌این‌امررا محال میداندوسخنان
خوانساری را رد میکند و درچندجـا باین نامه شیخ و مخالف او اشاره میکند و
میگوید «ومذهب‌الشیخ انه لیست انسانیة واحدة موجودة یعرض له خصوصیات ـ
۵ الاشخاص ویزول مع بقائها بحالها کماهورای بعض معاصریه وقد ذکرذلك‌فی‌مواضع
وفصله فی‌رسالة انفدها الی دارالسلام» ـ «هذا رد علی من‌زعم‌ان‌انسانیة‌زیدوانسانیة
عمرومعنی واحد . ... کماهورای جماعة کبعض معاصریه وغیرهم» ـ « و نقل‌الشیخ
عن بعض معاصریه ان فی‌الوجود انسانیة واحدة ...» دراین‌جا اندکی‌ازعبارت‌همین
نامه را میآورد وپیداستکه سبزواری نامه‌شیخ‌را دردست داشت ولی‌هیچ‌نمیگوید
۱۰ که آن مرد کیست

در رساله (وجود واجب) شماره ۸٤۹ همین کتابخانه (برگ ٦ــ۷)
عبارتی ازخواجه‌طوسی دیده میشود که‌درپاسخ قونوی گفته است ودرپرسش‌وپاسخ
آندو که درهمین‌کتابخانه هست (شماره ۱۰۲۲برگ ۱٦٦ الف، پاسخ‌وپرسش ۳)
آنرا می‌بینیم وخلاصه آن اینست : « معین برچندتاگفته نمیشود زیرا اگر درهمه
۱۵ باشد پس یکی‌نیست بلکه چند تا است ... بلکه اشتراك کلی بحمل است و آنهم
عقلی‌است» باز درهمانجا ازشرح مفتاح‌الغیب شمس‌الدین فناری سخنی میآورد که
خواجه رارد میکند ومیگوید : «یك چیزمیتواند چندصفت‌پذیرد. کلی رابا جزئی
و دیده را با نادیده نباید سنجید و حقیقتهای همانند می‌توانند یك هستی داشته
باشند» مانند این عبارت درشرح مفتاح‌الغیب چاپ تهران بسال ۱۳۲۳ ص ۱۸٤
۲۰ دیده میشود

فیلسوف شیرازی درحاشیه شفا چنین می‌نگارد ؛ «کمازعمه بعض‌معاصریه
ان‌المهیة من‌حیث هی‌واحدة فی‌الخارج قدعرض لها جمیع‌التشخصات الخارجیة ...
حتی‌انسانیة زیدبعینها انسانیة عمرو» باز از پیشینیان ابوالعباس لوکـری فیلسوف
خراسان‌دربیان‌الحق‌بضمان‌الصدق همان‌گفته‌های شیخ وبهمنیار رامیآوردوپذیرفتن
۲۵ یك‌چیزچندین عرض را محال میداند از دانشمندان اخیرفرزانه سبزواری است که

که درمنطق شرح منظومه چنین می‌نویسد :

« وقدصادف الشیخ فی مدینة همدان رجلا من العلما کبیرالسن غریزالمحاسن یقول ان الطبیعی موجودبوجود واحدعددی فی ضمن افراده »[۱]

نگارنده (المثل العقلیة الافلاطونیة) که پس ازمرگ عبدالرزاق کاشی م ۷۳۶ وگویا پیش از ۷۴۰ نگارش یافته باشد در راه سوم برای اثبات مثل گفتار ابن‌سینارا ۵
درمقاله ۵ فصل الهی شفا (ص۷ — ٤۸٦) میآورد و در برابر گفتهٔ او، « قدوقع منه الشبهة فی زماننا هذاالطائفة ممن یتشحط فی التفلسف »چنین میگوید: «وهذاالوجه لبعض معاصری الشیخ اورد علی سبیل القدح فی الحکمة لاعلی انه مثبت لوجود المثل وهودال علی وجودها» میگوید که این مرداز طرفداران مثل افلاطونی نیست ولی سخن
او آنرا اثابت میکند. گویا نگارنده این کتاب نامه شیخ را ندیده‌وهمین اندازه‌استکه ۱۰
وی دردلیل دوم برای نبودن مثل بمبنای سخنان شیخ و مرد همدانی اشاره میکند ومیگوید : «ان الشئی الواحد وحدة عقلیه یجوزان یکون موصوفا بالصفات المتقابله معا »[۲]

از آنچه تاکنون گفته شد آشکار میگردد که این نامه‌چنانکه‌محقق سبزواری
وحکیم سبزواری نشان‌داده‌اند از پورسیناست واوهم بسیار بدین‌مطلب ارج می‌نهاد ۱۵
چنانکه درفصل ۱ مقاله ۵ و فصل ۲ مقاله ۷ الهی شفا بدان پرداخته‌است‌ومیرساند که‌سخن مردهمدانی در گروهی اثر کرده بودو شیخ‌میخواسته بطلان آنراهویداسازد

---

۱ — دیده شود الهی‌شفا چاپ تهران مقاله ۵ فصل ۱ ص ۷—٤۸٦ ونجات الهی‌مقاله ۱ فصل تحقیق کلی و تحصیل بهمنیار کتاب ۲ مقاله ۳ فصل کلی وجزئی و بیان‌الحق لوکری
شماره ۲۵۰ این کتابخانه برگ ۱۸٦تا۱۸۸ (فصل ۲۵ مابعدالطبیعه) و دانشنامهٔ علائی آغاز ۲۰
علم برین دانستن کلی وجزئی و حاشیه شیرازی چاپ‌تهران ض ۱۸۸ حاشیه خوانساری‌شماره ۲٦٤ برگ ۱۲٤ ب و۱۱۸ و۱۱۹ وحاشیه سبزواری شماره ۲٤۳ برگهای ۱۱۳ تا ۱۲٤ و شرح منظومه چاپ تهران ۱۲۹۸ ص ۲۲ والمعارف‌الالهیه شماره ۲۹۰ برگ۹٦ — ۱۰۲ و شرح وترجمه فارسی سپاهانی برشفا مقاله ۵ فصل ۱ شماره ۲۵۱ برگ ۱۸۲ ب از این
کتابخانه ۲۵

1 — دیده شود : المثل العقلیه الافلاطونیة چاپ بدوی در مصر بسال ۱۹٤۷؛ ص ٤۳ دیباچه وص۲۹و۵۰

و بدانشمندان بغداد می‌نویسد . که این مرد این رای شگفت انگیز را از شما میداند و دراین نامه وهمچنین درشفا و در دیگر کتابها دلائل او را میآورد و رد میکند

این هم گفته شود که پایه سخنان شیخ و ابن رشد دراین زمینه ازخود ارسطو است و این فیلسوف دردفتر ۷ (Z) الهی فصل ۱۳ و ۱٤ از کلی و مثال گفتگو نمود و دربند ۱۰۳۹ ب فصل ۱٤ گفته است :   ٥

«اگر ذات حیوان در دوپا وچند پا باشد محال خواهد بود زیرا که صفتهای متضاد دریك زمان و دریك جوهر و دریك شخص فراهم خواهند آمد[۱]

اینك آغاز و انجام رساله را میآوریم

آغاز: سلام‌الله علی مشائخ‌العلم والحکمة بمدینةالسلام مدالله فی اعمارکم و زاد فی‌الخیرات لدیکم... ان‌رجلا من‌اهل‌بخارا احب‌الفلسفة ... حتی بلغ مدینة همدان فصادف بها شیخاً کبیرا غریزا بمحاسن وافرالعلوم   ١٠

انجام : فهذه صورة المسئلة التی جرت (بینی) وبین هذاالشیخ فی مذهب نفسه . مقالة انفذت الی مدینةالسلام فی‌یوم‌الجمعه . والحمد لواهب‌العقل‌والحیوة

[۳۳]

۳٦٧

این نسخه شماره سومی دفتری‌استکه دارای ٤رساله میباشد و ازروی دو نسخه‌ای که دردومجموعه‌شماره۱۲۱٦(برگ۱۱۲الف تابرگ۱۱٤ب) وشماره ۲۹۱۲(برگ ۲٦۸ تا برگ ۲٦۹) مدرسه عالی‌سپهسالار تهران هست رونویس شده وباهر دوبرابر گردید وبجزاین دونسخه درتهران کسی‌نسخه دیگر نشان نداده وقنواتی درفهرست خود هم نامی ازاین نبرد   ١٥

این نسخه بخط نسخ تازه و ۲٦صفحه میباشد   ۲۰

(همه‌دفتر۱۱۷ ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه ۵ر۱۰ × ۱۷ و ۹×۱۲ س ۷

[۲۹] رساله فی تحقیق الکلیات (عربی)

ازقطب رازی فیلسوف ومنطقی نامورایرانی که دراین دفتر ازقواعد مربوط بکلیات پنجگانه منطق گفتگومیکند و درپنج فصل است و درهرفصلی یك قاعده   ۲٥

۱ـ دیده‌شودترجمه فرانسوی الهی‌ارسطواز تریکو ج۱ص۲۹٦وتفسیرمابعد الطبعه ابن‌رشد ج۲ص۹۸۸ترجمه عربی‌در اینجا مانندیگرجاها بسیار نارسا میباشد وآمیختگی‌دارد

میباشد و پس از این فصلها یك‌خاتمه دارد در رد سه شبهه آنگاه یك‌وصیت است‌و رساله بپایان میرسد و این رساله درهامش شرح مطالع رازی درایران درچاپخانه سیداسدالله بوسیله محمدرحیم‌بن حاج محمدباقرخوانساری در ۱۳۱۵ بچاپ رسید و آغاز وانجام چاپی و نسخه خطی ما نزدیك بهم است و درنسخه ما عنوان فصل ندارد و تنها همان (القاعده‌الاولی ... والثانیه ...) آورده شده است ۵

[۳٤]

۲۷۷ این نسخه بخط نسخ‌ازهمان عبدالواحد سیواسی نویسنده نسخه محاکمات قطب رازی است ومحاکمات شماره یکم واین رساله شماره دوم این مجموعه میباشد و ازبرك ۲۲٦ الف‌تا برك ۲۲۸ ب است وبرك‌آخرین آن‌ازبالاوصالی شده وچندسطری خوانده نمیشود ومحمدبن سدیدالدین‌اسنوی‌دمشقی ۱۰ درپایان مینویسد که این رساله استاد (ادام‌الله ایامه) را هم درپایان ع۲سال۷٦٤ مقابله نمودم

نشانه‌های نسخه درزیرعنوان محاکمات خواهدآمد

[۳۵]

۸۵٤ این نسخه شماره دوم دفتری است که شرح منازل‌السائرین نیز درآن ۱۵ هست وازبرك ٤۲ تا برك ٤٦ ب این دفتر که بخط تعلیق ریزدرمدرسه سلطانیه سمرقند درپنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ نوشته شده است

(۲۰۳ برك) ــ کاغذ ترمهٔ سمرقندی جلد تیماج‌زرد مقوائی

اندازه ۱۳×۱۷ و ۱۰×۱۳ س ۲۱

[۳۰] رسالة فی حل شبهة جذرالاصم (عربی)

پیش از این درشرح (حیرةالفضلاء) خفری گفته‌ایم که شبهه‌هائی درمیان دانشمندان مگارا رواج داشته و ارسطوبگشودن برخی از آنها پرداخته‌است. در کتاب مغالطه ارغنون و درفن مغالطه شفاکه گزیده از آن است پاسخ برخی‌از آنها و نیزشبهه‌های پارمنیدس و زنون و پروتاگوراس را می‌نگریم‌فارابی در (اوسط) بویژه در(مغالطه) بسیاری‌ازاینهارا آورده و گره گشائی کرد. درباره‌شبهه(دروغگو) ۲۵ که ازمگارا آمده است فارابی درشرح فن قیاس ارغنون ارسطو از این شبهه یاد

۹۳٦۵۳

میکند و بدین‌عبارت آنرا میآورد : (کل ماتکلم به فهو باطل) [1]

این رساله نیز در گشودن این شبهه است و ازمحمدسراب پسرعبدالفتاح تنکابنی است . وی ازفیلسوفان بوده و درسالهای ۱۰۸۸ و ۱۱۰۶ میزیسته و این رساله را در میانه ماه جمادی یکم سال ۱۰۹۷ نوشته است . وی دراین رساله از نقدالتنزیل خواجه‌طوسی میآورد که در آنجا گفته :

دراین قضیه (کل کلامی کاذب . هرچه میگویم دروغ است) خبر با مخبر عنه دوتا نیستند تا احتمال راست ودروغ در آن برود . باز مینویسد که ابن کمونه دراینجا گفته است که : احتمال حکم براست یا دروغ بودن با این ناسازگار نیست که قضیه خودبخود نه راست باشد نه دروغ و خود تنکابنی درگشودن این شبهه چنین میگوید که خبرهای متداول یا راست است یا دروغ و این قضیه و خبر استثنائی است

آغاز: الحمدلله رب‌العالمین . . . شبهة مشهودة بشبهة جذرالاصم تقریرها ان‌یقال اجتماع‌النقیصین واقع

انجام . قد عرفت ماقیه من ان‌مانع الاتصاف مانع الامکان ایضا هذاماتیسر للعبد ... محمدبن‌عبدالفتاح‌التنکابنی فی‌حل هذه‌الشبهه حرره فی‌اواسط‌شهرجمادی الاولی من شهورسنة۱۰۹۷سبع وتسعین بعدالالف من حجرة خیرالبریةعلی‌هاجرها الف الف‌السلام‌والتحیه

[۳۶]

۸۸۸

این نسخه شماره ششم دفتری‌استکه دارای ۹ رساله است : اسطرلاب طوسی و آملی وهفت رساله ازهمین تنکابنی درفقه واصول وطبیعی والهی‌ومنطق . این رساله از برك ۹۶ ب تا ۹۹ الف میباشد و محمدبن حبیب گیلانی در ۱ ذی‌حجه ۱۱۰۵ درروزگار تنکابنی بخط‌نعلیق نوشته‌است وحاشیه (منه‌مدظله العالی)دارد.

(همه دفتر ۱۸۷ برك) کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۴×۲۲ و ۹٫۵×۱۴٫۵ . س ۱۸

۱ـ دیده‌شود: نسخه شمارهٔ ۹۴۹ کتابخانه مجلس‌شورای‌ملی‌در تهران(بخشیده آقای طباطبائی) که‌شرح‌فن‌عبارت(برگ‌۱تا برگ۱۷۲)وشرح‌قیاس(برگ۱۷۳ تا برگ۳۲۲)در آن هستو این شبهه در برگ ۲٤٦ آن آمده است

[۳۱] رساله وضعیه (عربی)

مسئله وضع الفاظ از روزگار باستان تاکنون مایه گفتگو و گیرودار فیلسوفان
و ادیبان میباشد. نخستین بار دمکریتس یونانی گفته که لفظهارا مردم وضع میکنند
وشاگردش هرموگنس وضع الفاظ را اختیاری دانست ولی کراتولس وضع آنها
را ذاتی و توقیفی پنداشت. افلاطون کتابی درمسئله الفاظ بنام کراتولس نوشته ودر ۵
آن رأی آندو را نپذیرفت و ارسطوهم بوضع بشری قائل شده و در آغاز عبارت
ازآن یادنمود و پیروان او نیز بدین رای بوده‌اند. این مسئله میان همه دانشمندان
یونانی و اروپائی گفتگومیشده تااینکه امروزه در روانشناسی جائی برای خود باز
نمود و کتابها در آن نوشته‌شد. دانشمندان خاوری ازفیلسوفان و ادیبان و اصولیان
این بحث را ازکتابهای افلاطون و ارسطو گرفته‌اند و برخی بپیروی از شاگردان ۱۰
هراکلیتوس که میگفته‌اند خدایان لفظها را بمردم داده اند وضع الفاظ را خدائی
دانستند و دستهٔ وضع را ذاتی پنداشته‌اند و بیشتر آنها وضع تخصیصی یا تخصصی
گفته‌اند وسیوطی در(المزهر) از وضع حکائی Onomatapé نیزیاد نمود که
امروزه زبانشناسان اروپامیگویند و بنابرآن الفاظ مردم درآغاز گرفته‌ازآوازهای
طبیعی! و نمایش آنهاست. مسئله وضع درکتب اصولی امروز نیز دیده میشود و ۱۵
بهترین رسالهٔ که درباره وضع اسم وحرف و تقسیم الفاظ موضوع نوشته شده رساله
ایست کوتاه ازقاضی عضدالدین ایجی که بسیارمعروف میباشد.

آغاز: هذه رسالة افادتهاالمولی الاعظم عضدالمله والدین ... حیث قال هذه
فائدة مشتملة علی مقدمة و تنبیه وتقسیم. المقدمه: اللفظ قدیوضع لشخص بعینه

انجام. بعضهامکان بعض اذاالمعتبر الوضع ۲۰

[۳۷]

۸۸۳ این نسخه رساله چهارم دفتری است که دارای شش رساله میباشد وبخط
نسخ محمدعلی است که در ۱۳۰۰ این رساله را نوشت و ازبرك ۲۰ ب
است تا برك ۲۶ ب وحواشی دارد بتعلیق شکسته و درپایان آنها رمز
(س سره) نوشته شده وگویا از میرسید شریف باشد که حاشیه براین رساله نگاشت ۲۵
نشانه نسخه دنبال (آداب‌البحث) ایجی یادگردید

[۳۲] شرح آداب‌البحث (عربی)

این شرح ازقاضی میرحسین‌بن‌معین‌الدین میبدی یزدی (م ۹۱۰) است که بر (آداب‌البحث) سمرقندی نگاشته است و دراین شرح ازبهشتی یاد میکند(برك ٤ الف) سمرقندی رساله خود را برای نجم‌الدین عبدالرحمن سمرقندی ساخت و چندتن برآن شرح نوشتند.

۱ — قطب‌الدین گیلانی زنده در ۸۳۰ که‌شرح آمیخته‌وی در تاشکند بسال ۱۸۹٤ بچاپ رسید

۲ — کمال‌الدین مسعود شیروانی رومی‌شاگرد شاه فتح‌الله زنده در سده نهم که آنهم شرحی آمیخته نوشته است

۳ ـ فاضل علاءالدین ابی‌العلا محمدبن احمد بهشتی فخرخراسان‌شرحی به (قال واقول) بنام (مآرب) نوشته است

٤ ـ ابی‌حامد که شرح مبسوطی دارد

۵ ـ علامه شاسی که شرح آمیخته‌ای دارد

٦ ـ عبداللطیف‌بن‌المومن‌بن اسحاق‌بنام (کشف‌الابکار)

۷ ـ برهان‌الدین ابراهیم‌بن یوسف بلناری که شرحی به (قال و اقول) دارد [۱]

آغاز متن : المنة‌لواهب‌العقل

آغاز شرح : الحمدلله‌الذی جعلنا باحثین عن ذاته ناظرین فی‌صفاته.... یقول... حسین‌بن‌معین‌المیبدی ...ان‌اشرح‌الرسالة‌المشهوره فی آداب‌البحث‌للمولی... شمس‌الدین‌السمرقندی

انجام متن : وان‌یکن‌یلزم‌العلیة‌وبهایحصل‌المقصودکمامر

انجام‌شرح : فی‌الشق‌الاول‌من‌الترديد و هذامثال ثالث لماذکرنافی‌التنبیه الاول‌ولله‌الحمداولا و آخرا وباطنا وظاهرا

---

۱ ـ دیده شود کشف الظنون ــ معجم‌المطبوعات

[٣٨] ١

٤٢٩ این نسخه بخط تعلیق و متن بشنگرف است و عبداله بن شمس الدین بن نجم الدین درمحرم ٩٤٦ آنرا نوشته و درپایان چنین مینویسد : (منع عن نقلها سائلامعلل نقضه ملازمه سندا للازمه الیقین و معارضه مناقض الدین عبداله بن شمس الدین بن نجم الدین اواسط محرم ٩٤٦) وزیرمهریکه زده شده عبارتی از نویسنده هست که میرساندوی شیعی است و درست خوانده نمیشود ٥

(٣٠ برك) کاغذ ترمه سمرقندی -- جلد تیماج مشکی ساده
اندازه ١٣×١٩ و٥ر٧×١١ س ١٧

[٣٣] شرح آداب البحث (عربی)

یکی ازنگارشهای معروف در (آداب بحث) رساله‌ای است از شمس الدین محمدبن اشرف سمرقندی (م نزدیك ٦٠٠) نگارنده (قسطاس المیزان) و(صحائف) که درسه فصل است ١٠

١ ـ تعریفات ٢ ـ ترتیب بحث ٣ ـ مسائلی که خود در آن آورده است . این رساله را شرحها است یکی همین است که گویا ازکمال الدین مسعود شیروانی رومی (سده ٩) باشد و شرحی‌است آمیخته با متن . ١٥

آغاز: الحمدللهرب العالمین ... قال ... شمس الملةوالدین محمدالسمرقندی المنة علینا من عدلواهب افضل النعم

انجام . کمافی الشق الاول من الترديدالمذکور والله اعلم بالصواب

[٣٩]

٨٨٥ این نسخه شمارهٔ سوم دفتری استکه دارای هفت رساله است و از برك ١٦ب است تا برك ٣٦ ب و بخط نسخ و درشهر امامیه درمدرسه‌چله‌خانه در ١٠٩١ نوشته شده و روی متن خط کشیده است وحواشی دارد ٢٠

(همه دفتر١١٣ برك) -- کاغذ فرنگی -- جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه ٥ر١٥×٥ر٢١ و ٥ر٥×١٤ س ١٥

[٣٤] شرح آداب البحث (عربی)

قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی (م ٧٥٦) متکلم نامور ایرانی در آداب

بحث رسالهٔ نگاشته که در شماره ۸۸۳ (۲) یاد گردید و مولانا محمد حنفی
تبریزی مرده در بخارا نزدیك ۹۰۰ آنرا شرح نموده و در آن بحواشی میرسید
شریف نگریسته است واین شرح آمیخته بامتن میباشد

آغاز: الحمدلله العظیم حمدا یلیق بذاته . الحمدلك جعل الله مخاطبا تنبیها
۵ علی القرب

انجام: و بالجمله الفرق لیس علی ماینبغی ولنختم الکلام علی هذا القدر لئلا
ینجر الی الملال اعلم ان الحواشی المنسوبة الی المحقق الشریف... لهذه الرسالة لما لاحظتها
فی نسخ متعددة وجدت بعضها سقیما ولم یبق اعتماد علیها لم التزم نقلها بل قررت الکلام
علی وجه لاحظته ووقع تقریر اتها موافقا التقریره... و بعضها غیر موافق له، .... فان وجدته
۱۰ حقا فاتبعه والا فاصلحه فان الله لا یضیع اجر المحسنین

[٤٠]

۸۸۳ این نسخه شماره سوم دفتریست که دارای ٦ رساله میباشد و در برگهای ۱۰
الف تا ۲۰ ب و بخط نسخ محمدعلی است که در رمضان ۱۳۰۰ آنرا نوشت
و حواشی دارد بخط تعلیق شکسته
نشانه نسخه دردنبال (آداب البحث) استرابادی و ایجی یادگردید

[۳٥] شرح آداب البحث (عربی)

این کتاب شرحی است بررساله (آداب البحث) و (حسینیه) نام دارد و
نگارنده شرح و متن دانسته نشد . این شرح بامتن آمیخته است

آغاز: یامن وفقنا لوظائف البحث و کلمه یامشترکة بین الاحوال الثلث

۲۰ **انجام** : مع ان هذا اشنع وجوه الالزام وعلی الله التوکل والاعتصام

[٤١]

۸۸۵ این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای هفت رساله و از برك ۳۹ب تا برك
۵۸ ب میباشد و بنسخ نوشته شده و مجدول بشنگرف است و روی متن خط
سرخ کشیده وحواشی دارد . در پایان این نسخه نوشته شده : (تمت الحسینیه

فی‌سنهٔ احدی وستین و مأته والف فی‌رجب ۲۰) پس این نسخه در ۲۰ رجب ۱۱۶۱ نوشته شد

نشانه همه دفتر در دنبال شرح (آداب‌البحث) سمرقندی نوشته شد

[۳۶] شرح تهذیب‌المنطق (فارسی)

این شرحی است بر تهذیب المنطق تفازانی (م ۷۹۲) که ملا عبدالرزاق‌بن علی‌بن حسین گیلانی لاهیجی (م۱۰۷۲) متکلم فیلسوف شیعی بفارسی نوشته است ۵

آغاز: الحمدلله الملهم‌الصواب..فیقول ... عبدالرزاق‌بن علی‌بن‌الحسین اللاهیجی .. . که این کلمه چنداست در شرح تهذیب‌المنطق

انجام. یعنی ذکرش مقاصد مناسبتی است از ذکرش درمقدمه . هذا آخر ما اردناایراده فی‌شرح هذاالمختصر والحمدلله الذی و فقنا للا تمام ... . برحمتک یا ارحم‌الراحمین ۱۰

[٤۲]

۳۶۹ این نسخه بخط نسخ و روی متن خط سرخ کشیده شده و در ۱۰۹۹ عبدالواحدبن حاجی محمدامین شیرازی آنرا نوشت

(۸۷برك)- کاغذ ترمه سمرقندی — جلدتیماچ سرخ ساده ۱۵

اندازه ۹×۱۹ و ٦×۱۲ س ۱۷

[۳۷] شرح تهذیب‌المنطق (فارسی)

شرحی است که مولوی عنایت‌الله هندی بر تهذیب‌المنطق سعدالدین مسعود هروی‌تفتازانی خراسانی (م ۷۹۲) نوشته است

آغاز: بك ثقتی...الحمد، حمد درلغت وصفی است‌بجمیل اختیاری برجهت تعظیم و تبجیل نه بطرین سخریه و استهزاء ۲۰

انجام. وهذا بالمقاصد اشبه یعنی آنچه مذکورشد درثامن از رؤس ثمانیه بمقاصد اشبه است واین ظاهرشد ازبیان مذکوره

[٤٣]

٣٦٥ این نسخه بخط تعلیق ومتن بشنگرف ودر نیمه روزیکشنبه بسال ١٢٠٨ نوشته شده است وشرح از برك ١ ب است تا برك ٧٧ ب و در برك ١ الف چنین نوشته شده ، «شرح تهذیب المنطق مولوی میا عنایت اله هندی من متملکاتی
٥ وانا العبد الاقل بن مرحوم مبرور نجم المة والدین القندرهای عبداله الشهیر بحاجی آخند» در برك ٧٧ ب دارد : «مالکه هبة الدین محمد اسمعیل ابن محمد عابد» در برك ٨٠ الف عبارتی بی نقطه دارد که درست خوانده نشده و برخی از آن چنین است : «شرح تهذیب میا عنایت اله ازیاران ... محمدشفیع مدرس که در مسجد محموری درس ... حواشی ملا عبدالغفور...»
١٠ در برك ٧٩ ب از (مختصر کتاب النفس) منسوب بارسطو چندسطری نوشته شده و دراین کتابخانه چندین نسخه کامل از آن هست

(٨٠ برك) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد مقوا
اندازه ١٢×١٩،٥ و ٧،٥×١٢،٥ س١٨

[٣٨] شرح شمسیه (عربی)

١٥ سعدالدین تفتازانی (م ٧٩٢) بدرخواست دوستان شمسیه دبیران قزوینی را شرح نمود و درآن بشرح قطب رازی نگریسته آنچه را که میپنداشت رازی نگفته است آورد وی این شرح را در روزگار رازی نگاشته است
شرح تفتازانی درآستانه بسال ١٣١٢ چاپ سنگی شده (معجم المطبوعات ص ٦٣٧)

٢٠ [٤٤]

٢٦١ مقاله ١ این نسخه بنسخ وبا عنوانهای شنگرف است و عبداللطیف بن ابی عبداله محمد القاضی آنرا نوشت ومقاله ٢ آن بخط تعلیق وحیدر بن اسمعیل بن احمد المختار الحسینی الحوروقی در روز چهارشنبه ششم رمضان سال ٩٢٧ آنرا نوشته است

٢٥ (١٢٠ برك) —کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سبز ساده
اندازه ١٣×١٨ و مقاله ١ (٧،٥×١٢،٥ س١٩) ومقاله ٢ (٨×١٢ س١٧)

[٣٩] شرح کبری (فارسی)

میرسید شریف علی بن محمد گرگانی حنفی متکلم و فیلسوف عارف ادیب

ایرانی (م۸۱٦)که شاگرد قطب رازی و استاد دوانی بوده است کتابی بفارسی بنام کبری در منطق دارد که بارها درایران بچاپ رسید وطلاب مدارس قدیم در آغاز کار آنرا میخوانده ومیخوانند

عصام الدین[1] ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفرائینی م ۹۴۳ دانشمند ادیب منطقی اشعری حنفی و شاگرد جامی شرحی بر کبرای گرگانی نوشته است ۵

آغاز: . . . شریعت او متحیرند و به متابعت او مستظهرند چنین گوید خادم کمین اهل دانش و یقین ابراهیم بن محمد بن عربشاه الاسفرائینی معروف بعصام الدین که این فوائدی است ... برفارسی منطق ... سید شریف

انجام : و گفته‌اند که این قسم مجرد احتمال عقلی است ومعلوم نیست که در اقیسه یافت شود والله تعالی اعلم والحمدلله رب العالمین علی الاتمام والوصول الی المرام ۱۰

[٤٥]

٤١٤ این نسخه بخط تعلیق شکسته و اندکی از آغاز را ندارد وشرحی است آمیخته با متن که روی آن خط سرخ کشیده شده

(۹۸ برگ) ـ کاغذ فرنگی — جلد تیماج سبز سادهٔ مقوالی ۵

اندازه ۱۰×۵ر۱۵ و ۵×۵ر۱۱ س۱۴

[٤٠] عبرة الفضلا فی حل شبهة جذر الاصم (عربی)

محقق خفری این رساله را در حل شبهه (دروغگو) که از نحله مگارا بدانشمندان خاوری رسید و بشبهه جذر اصم مشهور گردید نوشت و بدان نام عبرة الفضلا داده است و دراین رساله بحل دوانی اشاره میکند ۲۰

آغاز : قداجاب الحضرة الجلالية المحمدية حلت افادته عن هذه الشبهة بان قول القائل كل كلامی فی هذا الساعة كاذب

انجام : فان صار هذا الجواب مقبولا عند العلماء صار حقيقا بان يسمى عبرة الفضلاء

[٤٦]

این رساله شماره ۱۱ دفتری استکه دارای ۵۱ رساله است و بخط شکسته تعلیق ریز میباشد و با عنوانهای شنکرف و ازص ۱۱۰ تا ص۱۱۱ نشانه‌های نسخه در (بخش ۱ این فهرست) یاد گردید

۱۰۳۵

[٤١] **فصول يضطر اليها عند الشروع في المنطق** (عربی)

این رساله را فارابی در ٥ فصل نگاشته و اندکی ازمطالب منطقی که پیش ازپرداختن بآن هنرشایسته است بدانند در آن آورد درفصل۱ میگویددرهرهنری باید بزبان همان هنر گفتگو نمود و در۲ مبادی قیاس را برشمرد و در ۳ آشکـار ساخت که دوچیز بچندگونه میشود با هم بپیوندند و در ٤ اقسام تقدم را آورد و

۱۰ در ٥ که از همه فصلها درازتر است لفظ مفرد و مرکب و اسم و کلمه وادات را شناساند

متن عربی این رساله بخط عبری در پاریس بشماره ۳۰۳ هست و سه ترجمه عبری دارد ۱ـ ازموسی بن لادخیس یهودی ۲ـ ازصموئیل بن طبون ۳ـاز شالوم بن ایوب

آغاز. فصول یشتمل علی جمیع مایضطر الی معرفته من اراد الشروع فی صناعة

۱۵ المنطق من کلام المعلم الثانی ... الفارابی . قال هذه المقالة یشتمل علی خمسة فصول

انجام . فالقول الاول هو حد الحائط والثانی رسمه وکذلك الامر فی سائر الاشیاء

[٤٧]

این نسخه دردفتری است که چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی در آن نوشته شده واز برك ۱۰۷ ب تا برك ۱۱۰ الف و بخط نسخ خوش میباشد . نشانه‌های نسخه دردنبال (الاوسط) یادگردید

۲٤٠

[٤٢] **الفوائد الفنارية (شرح ایساغوجی)** (عربی)

فرفوریوس صوری (۲۳۲ یا ۲۳۳ـ۳۰٤ م) رساله‌ای بنام ایساغوجی کـه

که دیباچه‌ای است بر ارغنون أرسطو نوشته ودر آن از پنج کلی گفتگو نمود دانشمندان
خاوری آنرا یکی از دفتر های ارغنون بشمار آورده و در آغاز کتابهای منطقی
آنها مباحث فرفوریوس دیده میشود و ابی العباس احمدبن محمدبن مروان سرخسی
کشته در ۲۸٦ و موفق الدین عبداللطیف بن یوسف بغدادی کتاب ایساغوجی نوشتند
اثیرالدین ابهری رومی (م ٦٦٠) شاگرد فخر رازی که در روزگار زین الدین کشی ٥
وقطب الدین مصری خراسانی وافضل الدین خونجی مصری وشمس الدین خسروشاهی
دمشقی میزیسته است و ازفیلسوفان ایران بشمار است رساله دارد درمنطق بروش
متاخران که همهٔ بابهای این علم را در آن آورد وبدان نام (ایساغوجی) داده است
و این رساله را دانشمندانی چندشرح کردند :

۱ — حسام الدین حسن کاتی (م٧٦٠) به (قال و اقول) که نسخهٔ از آن در ۱۰
کتابخانه مجلس بشماره ۱۲۷ (ج۲ فهرست ص ٦٦) و در کتابخانه آستانه طوس
بشماره ۱۳۳ (ج۱فهرست فصل ۲ درمنطق ص۳۸) هست

۲ — شریف نورالدین علی بن ابراهیم شیرازی شاگرد میرسید شریف
گرگانی (م ٨٦٢)

۳ — شیخ زکریابن محمدانصاری قاهری م ۹۱۰ ۱٥

٤ — حکیم شاه محمدبن مبارك قزوینی م ۹٦٦

٥ — مصلح الدین مصطفی بن شعبان سروری م ۹٦۹

٦ — فاضل عبداللطیف عجمی که برای علاءالدین کیقباد نوشته است

۷ — شیخ شهاب الدین ابی العباس احمدبن محمد آمدی (شرحی است آمیخته
ومبسوط) ۲۰

٨ — خیرالدین تبلیسی به (قال و اقول)

۹ — عمادالدین یحیی بن علی فارسی که نسخهٔ ازشرح وی بشماره ۱۳٨ در
کتابخانه آستانه طوس (ج۱ فهرست فصل منطق ص ۳۹) هست

۱۰ — خیرالدین خضر بن عمرعطوفی

۱۱ — محمدبن ابراهیم حنبلی حلبی ۲٥

نورالدین علی بن محمد اشمونی م ۹۰۰ ایساغوجی ابهری را بنظم در آورد و عبدالرحمن بن سیدی محمد و شیخ ابراهیم شبستری م ۹۲۰ نیز آنرا بنظم در آورده، سپس آنرا شرح کردند[1]

شمس الدین محمدبن حمزه فناری (۷۵۱ ـ ۸۳۴) حکیم عارف و دانای علوم نقلی و از نزدیکان و شناختگان سلطان بایزید و نویسنده مصباح القدس درشرح مفتاح الانس قونوی نیزشرحی برایساغوجی ابهری نوشت و آن شرحی است دقیق که دریکروز آنرا بپایان رساند. نسخهٔ ازاین شرح درآستانه طوس بشماره ۱۳۷ ج ۱ فهرست فصل منطق ص ۳۹) هست این شرح را در کشورعثمانی میخواندند و حاشیه‌ها وشرحها بر آن نوشتند و درآستانه بسال ۱۲٦۸ و ۱۳۰۹ بچاپ رسیدومتن ابهری در رم با ترجمه لاتینی بسال ۱٦۲۵ م ودرهند بسال ۱۲٦۸ و درمصرهفت بار از ۱۲۷۳ تا ۱۳۲۳ بچاپ رسید وخود ابهری هم براین کتاب شرحی نوشته به(قال و اقول) که درکانپور بسال ۱۲۹۳ و درلکناو بسال ۱۸٤۰ م و چندبار دیگر در هند چاپ شده است

[٤٨]

۳۰۳ این نسخه از شرح فناری شماره ۱ دفتری استکه دارای ٤ رساله است و از برگ ۱ ب تا برگ ۲۱ الف و بخط تعلیق ودر ۱۰۲۵ ادهم بن قاضی بیك هرآبادی خلخالی آنرا نوشت

(همه دفتر ۹۱ برك) ـ كاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج ضربی در یكسوی

اندازه : ۱۱×۵ر۱۹ و ۵×۵ر۱۳ س ۱۹

[٤۳] المختصر الصغیر فی المنطق علی طریقة المتکلمین (عربی)

ابن ابی اصیبعه درعیون الانباء (ج ص ۱۳٤ س۱۹) درفهرست نگارشهای فارابی ازاین (مختصر) یاد میکند. فارابی این رساله را برای اینکه برساند منطق با دین سازگاراست نوشت و دردیباچه میگوید: ناگزیر نیستیم برای دریافتن سخنان ارسطو بمثالهای یونانی که او درنگارشهای خود آورد بنگریم بلکه قواعدی را که او آورده است با مثالهای فقیهان ومتکلمان میتوان فراگرفت. پیش از فارابی محمد

[1] ـ دیده شود: کشف الظنون

زکریای رازی فیلسوف پزشك ایرانی (۲۵۱-۳۱۳) همین کار را کرده و رسالهای بنام (فی المنطق بالفاظ المتکلمین) نوشته است واین کار را فلاسفه از ترس دشمنان فلسفه میکردهاند . چنانکه فارابی رساله دیگری بنام (کلام جمعه من اقاویل النبی یشیر الی صناعة المنطق) نوشته است این رساله فارابی در ده گفتار است : ۱ — قضایا ۲ — تقابل قضایا ۳ — مبادی ٤ — قیاس جزمی ٥ - قیاس شرطی ٦ — خلف ٥
۷- قیاس مرکب ۸ - استقراء ۹ - تمثیل ۱۰- قیاس فقهی - فارابی در پایان گفتار ٥ از (الاوسط) خود یاد میکند و در آغاز گفتار ۱۰ ازفصل ۲۳ کتاب ۲ قیاس ارغنون ارسطو عبارتی میآورد

آغاز ؛ الف - القول الاول فی القضایا علی الاطلاق ... کتاب ... الفارابی الذی خرج فیه ادلة المتکلمین و عبارات الفقهاء الی القیاسات المنطقیه علی مذاهب القدماء قال ١٠ ابو نصر نبین اولا کیف القیاس

انجام : فقد ظهر کیف یرجع ... المقائیس الفقهیة الی مقائیس الاشکال الجزمیه فهذا منتهی غرضنا ... ولیکن هذا الموضع آخر کتابنا

[٤٩]

٥ ٧٤٢ این نسخه در دفتری استکه چندین نگارش فلسفی و منطقی فارابی در آن هست و بخط نسخ وار برگ ۱۱۰ ب تا برگ ۱۲۲ الف میباشد . نشانه آن دردنبال (الاوسط) یاد گردید

(٤٤) مقولات عشر (فارسی)

ازخواجه طوسی است و همان نه فصل مقاله دوم اساس الاقتباس میباشد که ٢٠ درتهران بسال ١٣٢٦ خورشیدی بچاپ رسید (ص ٤٢ — ٥٩)

[٥٠]

١٠٨٨ این نسخه شماره ۱۱ دفتری استکه دارای ١٥ رساله و چندین گفتار میباشد و ازبرك ٦٣ب تا برك ٧٥ الف و بخط تعلیق وعنوانها نسخ است ومحمدعلی بن محمدیوسف آنرا نوشت و نام وی در پایان رساله شماره ٢٥ ۳ یاد گردید

(همه دفتر ٩٥ برك) -کاغذ فرنگی - جلد تیماج سبز يك لا
اندازه . ٥ر١١ ٥ر١٦ و ٨ . ٥ر١٣ س١٥

گفتار دوم

فلسفهٔ الهی و طبیعی

[٤٥] **الابانة من وحدانية الله** (عربی)

این رساله ازابویوسف یعقوب بن اسحق کندی بغدادی (۱۸۸ـ۲۵۸ه = ۸۳۷م)[۱] است این فیلسوف خاوری را تازی پنداشتند و فیلسوف عرب نامیدند ولی باینگونه نسب‌ها درسده‌های نخستین اسلام چندان وثوقی نیست زیرا خوی برخی از
۵ فرمانروایان تازی این بود که مردم را برده میگرفتند و نام خاندان خود را بنام نسب و لائی به بردگان خویش میدادند و در کتب رجال شیعی و سنی اینگونه نسب ولائی بسیار دیده میشود بویژه آنکه برخی کندی را یهودی و برخی نصرانی نومسلمان خواندند[۱] . آنچه درست میدانیم اینستکه وی دربصره بزرگ گشته و در بغداد پرورده شد وازفرهنگ ایران ویونانی آن دوشهر برگرفت وی با دربارمأمون (۱۹۸ـ۲۱۸)ومعتصم (۲۱۸ـ۲۲۷) واحمدبن معتصم ومتوکل (۲۳۲ـ۲۴۷)شد آمد
۱۰ داشت ومیان او و ابی‌معشر بلخی (م۲۷۲) دشمنی بود و محمدبن موسی بن شاکر خوارزمی ستاره‌شناسی نیز باوی دشمنی داشت. این فیلسوف خاوری نگـارشهای بسیاری دارد که برخی از آنها یافت میشود و چندتائی بچاپ رسید از آنها است همین رساله که محمد هادی ابوریده با سیزده رساله دیگر او درمصر بسال ۱۹۵۰ بچاپ رساند و سرگذشت اورا هم در دیباچه آورد واین رساله درص۲۰۱ تاص
۱۵ ۲۰۷ این چاپ دیده میشود . درآغاز این رساله درنسخه چاپی ازعلی بن جهم یاد شده است وی همان علی بن جهم بن بدربن جهم خراسانی شاعر دربارمتوکل (۲۳۲ـ ۲۴۷) است که در۲۴۹ بمرد و دوست ابوتمام بوده است ولی درنسخه مامحمدبن جهم یاد شد .کندی در این رساله بدلیل تطبیق تناهی جسم را ثابت میکند، سپس

۱ــ چنانکه جاحظ را نیز تازی پنداشتند ولی سید مرتضی علم‌الهدی (۳۵۵ـ
۲۰ ٤۳٦) در امالی (ج۱ ص ۱۳۸ چاپ $\frac{۱۹۰۷}{۱۳۲۵}$ مصر) از وی چنین نام میبرد :
«جاحظ ابوعثمان عمرو بن بحربن محبوب مولی لابی‌القلمس عمرو بن قلع الکنانی ثم‌الفقیمی» واز گفته اسفرائینی(م٤۷۱) درالتبصیر فی‌الدین (ص ۵۰ چاپ مصر $\frac{۱۹٤۰}{۱۳۵۹}$
پیداست که کعبی معتزلی بلخی (م ۳۱۷) او را ازنژاد تازی پنداشت و از دودمان کنانه ولی خود اسفرائینی این رانمی‌پذیرد . نام نیای وی «محبوب» هم مانند کلمات «سهل» و«سعید»
۲۵ وجزانیها از نامهائی است که ببردگان میسازد

زمان را متناهی نشان میدهد و ازحدوث جهانی پی بآفریننده میبرد وی این رساله را برای پسر جهم نوشت. نسخه ما با نسخه چاپ شده اندکی فرق دارد. اینک آغاز وانجام رساله چنانکه درنسخه ما هست :

آغاز: رساله یعقوب بن اسحق الکندی الی محمدبن الجهم فی الابانة عن وحدانیة الله جل ثناؤه و عن تناهی جرم الکل وانه لایمکن ان یکون شئی بالفعل لانهایةله... ۵
فهمت ماسئلت من وضع ماکنت سمعتنی اوضحه بالقول من وحدانیة الله

انجام: واقتنها لحیوة نفسك الزکیة واصبر نفسك علی اقتفاء آثارها الخفیة تقض بك الی سعة اقطار المعرفة والله اعلم

[۵۱] ۱۰

۴۲۲ این نسخه رساله دوم دفتری استکه دارای چهار رساله میباشد و بخط تعلیق و نونویس است واین رساله ۸ صفحه میباشد

(همه دفتر۹۲ برك) وبا شماره ۴۳۴ یکجا تازه جلد شده —کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج زرد ساده متوالی

اندازه : ۱۷×۲۱٫۵ و ۱۲×۱٦ س ۹ ۱۵

[٤٦] **ابطال تسلسل** (عربی)

این رساله ازنگارنده «قصص العلما» ملامحمد تنکابنی (م۱۳۰۲) است و در آن ازشبهه «دروغگو» که بنام جذراصم» مشهورشده است پاسخ میگوید و ازروی تعریف خبرباحتمال صدق و کذب تسلسل عالم و قدم آنرا باطل میسازد و حدوث آنرا ثابت میکند ۲۰

آغاز: الحمدلله ... قال بعض الفضلا اعلم ان امتیاز الخبر عن نظائره من الکلام انما هوباحتمال الصدق والکذب

درهامش دارد که این فاضل اقارضی قزوینی است

انجام: وقد عرفت مافیه وظهر بماذکرته مافی قوله فظهر بما قررنا الخ

[۵۲] ۲۵

۱۳٦ این نسخه شماره سوم دفتری استکه دارای سه رساله میباشد :
۱ ـ معارج دراصول فقه ازمحقق حلی (۱ ب ـ۵۲ الف)
۲ ـ تخلف ازسپاهیان اسامه (۵۳ـ۱۰۱ ب)

۳ ـ این رساله که از برگ ۱۰۲ الف تا برگ ۱۰۵ الف میباشد و بخط تعلیق است وهمه رساله‌ها بیك خط میباشند و در برك ۱ الف نوشته شده که این دفتر را محمدابراهیم بن محمدمعصوم حسینی برای خود نویساند وبسفارش سید مهدبن سیدابراهیم حسینی قزوینی بردانشجویان دینی در ج ۲ سال ۱۱۶۳ وقف گردید باین شرط که ازآن شهر بیرون نبرند

(همه‌دفتر۱۰۸برگ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده یك لا
اندازه : ۱۲٫۵×۱۹ و ۷٫۵×۱۴ س ۱۷

[٤۷] ابطال حجج ابن الطیب (رساله...) (عربی)

ابی الفرج عبدالله بن الطیب الجاثلیق پزشك فرزانه ترسای بغداد گفتاری درباره
۱۰ نیروهای طبیعی دارد دربرابر شیخ رئیس ابوعلی سینا، این گفتار رادرخرده گیری ازسخنان او نگاشته و در آغاز میگوید: «ازنگارشهای ابوالفرج بن الطیب که خدای شکوهش را پاینده دارد آنچه که درپزشکی پرداخته است درست واستوارو بدلخواه ماااست مگراینکه نگارشهای منطقی و طبیعی وی ومانند آن چنین نیست[1] سخنانی از وی
۱۵ درباره نیروهای طبیعی بما رسیده کـه نه آنچه خواست در آن ثابت کند درخور پزشکان است و نه دلیلهائی که بر آن آورد درست میباشد مانا این سخنان را پیش ازاینکه پزشکی فرابگیرد فراهم آورده است» آنگاه شیخ رئیس برد گفته‌های ابوالفرج می‌پردازد و دراین گفتار ازشفای خود یادمیکند» . ابوالفرج گفتارخویش را برای شیخ نگاشته و اوهم این رد را درپاسخ وی نگاشته است شیخ میگوید:
۲۰ « ما دلیلهای اورا سست نشان داده‌ایم گویا وی پزشکی نخوانده و اینها راگفت یا اینکه اینهاازسخنان زشت پزشکی اواست وهیچ کاوش و بررسی درآنها نکرد وی دراین گفتار با اصول علمی ناسازگاری نمود .

---

۱ ـ ابن ابی‌اصیبعه درج۱ ص ۲۳۹ عیون الانباء تا اینجا را آورد و بیهقی درتتمه ص ۷۷ مینویسد : ابوعلی وی را بدمیگفت و نگارشهایش را نکوهش می نمود ودر«مباحث»
۲۵ میگوید که نگارشهایش را شایسته است بهمانکه فروخته است بر گرداند . نیز دیده شود تاریخ حکماء شهر زوری نسخه شماره ۸۵ برك ۱۲۵ الف و ترجمه آن بشماره ٤۲۷ برك ۱۲۷ الف ازهمین کتابخانه

آغاز: ابطال حجج رسالة ابن الطيب ابی الفرج، المقدمة للشيخ الرئيس. انه كان قديقع الينا كتب يعملها ابو الفرج بن الطيب، ادام الله عزه، فی الطب، و نجدها صحيحة مرضية، خلاف تصانيفه التی فی المنطق والطبيعيات ومايجری معها ثم قدوقع الينا كلام له فی القوی الطبيعيه، مشتملة علی دعوی وعلی حجج

انجام: كانه لايعرف ان الحار بسوء مزاج خارة... فلنذكر هذا القدر هذا يسترح (؟!) والحمدلله رب العالمين و صلی الله علی سيدنا محمد و آله الطاهرين ۵

[۵۳]

۱۰۷۴ این نسخه رساله نهم این دفتر و پس از رساله ابو الفرح در قوای طبیعی و در برك ۱۳٤ الف تا ۱۳۸ الف نوشته شده و بخط نستعلیق ریز میباشد. در این دفتر رویهم ۱۸ رساله فلسفی و پزشکی است ۱۰

(همه دفتر ۲۳۲ برك) – كاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه . ۵ر۱۰×۲۰ و ۵ر۵×۱۴ س ۱۸

[٤۸] ابطال الزمان الموهوم (عربی)

افلاطون در کتاب تیمائوس بند ۳۸ میگوید: «زمان با آسمان هردو با هم آفریده شدند تا اینکه باهم از میان بروند، اگر نابود شدن آندو ناگزیر باشد. وزمان از روی نمونه طبیعت پایدار ساخته شده تا هر اندازه‌ای که میتواند مانند آن باشد، زیرا آن نمونه (خدا یا هستی زنده) همیشه پایدار هست ولی آسمان بوده است و تا زمان هست خواهد بود»[1] ۵

۱ – دیده شود ترجمه فرانسوی از Emile chambry ص ٤٦۹ ج ۵ از دوره کتب افلاطون چاپ پاریس بسال ۱۹۳۹ – درباره زمان نگاه کنید به ترجمه سماع طبیعی ارسطو بفرانسه از Henri Cateron ج ۲ ص ٤-۱۰۳ چاپ پاریس ۱۹۳۱ و ترجمه انگلیسی آن از Hardie و Gaye جلد دوم دوره کتب ارسطو چاپ اکسفورد بسال ۱۹۳۰ ص ۲۵۱: درباره زمان همه کس بجز یکی، گویا میگویند که نیافریدنی است و دمکریتس گوید نارواست همه آفریدنی باشند مگر اینکه زمان نیافریدنی است تنها پلاتون است که زمان را آفریده پنداشت وی زمان را با آسمان آفریده پنداشت و آسمان نزد او آفریده شده میباشد. و نیز شفای شیخ رئیس فصل ۱۰ تا ۱۳ مقاله ۲ فن ۱ طبیعی ص ٦۸ تا ۸۱ چاپ تهران والزمان الوجودی از عبدالرحمن بدوی چاپ مصر ۱۹٤۸ ص ٤۸ و پس از آن و دو کتاب افلاطون (ص ۲-۱۹۱ چاپ مصر ۱۹٤٤) و ارسطو (ص ۲۱۷ – ۲۲۱ چاپ مصر ۱۹٤٤) از هو و معتبر بغدادی چاپ دکن ج ۲ (طبیعی) بسال ۱۳۵۷ ص ٦۹–۹۰ ۲۰ ۲۵ ۳۰

ارسطو در کتاب سماع طبیعی (مقاله ۸ بند ب ص ۲۵۱ س ۱۷ــ۲۰) ازاین گفتار چنین دریافت که زمان نزد افلاطون آفریده است ولی خود او در بند ۳۷ تیمائوس بازمیگوید که: «آفریننده، جهان جنبنده زنده را مانند خود کرده و کوشید که آنرا تا اندازه‌ای که میشاید همیشگی و پایدار سازد ... وی اندیشید که پیکر جنبنده‌ای ازابدیت بیافریند وهمینکه آسمان را سامانی داد ازابدیت پایدار در وحدت این پیکر همیشگی را که از روی شمار پیش میرود ، بیافرید وهمین است که ما آن را زمان می‌نامیم»[1]

از این سخنان افلاطون پیداستکه وی زمان را نمونه‌ای از همیشگی و پایندگی آفریننده می‌پندارد شاید ازاینجا باشد که متکلمان معتزلی و اشعری زمان موهومی پنداشتند و ابی‌البرکات زمان را اندازه هستی دانست[2]

سید داماد استرابادی سپاهانی فیلسوف روزگار صفویان درمسئله حدوث جهان رای تازه‌ای آورد و گفت که میان گیتی و آفریننده او نیستی بود که‌ازهر گونه کشش بیگانگی داشت نه‌اینکه کشش و امتداد موهومی پیش‌از پیدایش گیتی بوده است چنانکه متکلمان پابند سنت پنداشته‌اند . داماد در صراط مستقیم و افق مبین وقبسات ازهمین مسئله گفتگو نموده و بدان عنوان حدوث دهری داده است . وی در رساله «مذهب ارسطاطالیس» برخلاف فارابی در رساله جمع بین رایین میگوید سخنان ارسطو دراین باره با هم‌سازگار نیست و گشودن رازاین مطلب را از آن خود میداند . مانادامادِ فلسفه خود را روی همین حدوث دهری که بسیار بجستن آن مینازد نهاده وباید هم گفت که وی داد سخن را در این زمینه داده است .

پس از وی شاگردش فیلسوف شیرازی صدرالدین محمد چندان بحدوث دهری ارجی ننهاد وخودهمه هستیهای مادی را جنبنده دانست و گفت که چون گوهر همه چیزها در جنبش بوده و زمانی میباشد پس سراسرجهان حادث زمانی خواهد

۱ ــ دیده شود ص ٤٦۸ همان ترجمه

۲ ــ دیده شود قبسات سیدداماد ص ۸ و ۲۲ــ۲۳ چاپ تهران ۱۳۱۵ و داماد این سخن بغدادی را ازمطارحات سهروردی میآورد

بود بجز جهان عقل مجرد که پرتوی است ازخدای وچندان جدائی ازجهان خدائی ندارد و نتوان گفت که حادث میباشد . این هم ناگفته نماند که بیشتر فلاسفه پیروی از ارسطو نموده برای زمان آغازی نپنداشتند وشیخ رئیس درشفا ودررساله «الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدأً زمانیا» ازاین مطلب کاوش نموده و دراین رساله دلائل فیلسوفان مشائی رابساخت قیاسهای منطقی در آورد . شیخ رئیس دلیلهای متکلمان را نمی پذیرد. واز آنها خرده میگیرد بازشیخ در « المبدء والمعاد» هم بگشودن این مشکل میپردازد. از متاخران شیخ حسین بن ابراهیم تنکابنی بسال ۱۲۱۹ رساله کوتاهی در اثبات حدوث واقعی جهان نگاشته و در آن گفته که نارواست زمان موهومی ازهمیشگی و پایداری خداوند انتزاع نمود و جهان را برپایه آن حادث زمانی دانست . این رساله درهامش مشاعر رعرشیه ملاصدرا درتهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید .

دانشمند جمال الدین خوانساری (م۱۱۲۵) درحاشیه‌ای که برحاشیه خفری برالهیات تجرید نگاشته (نسخه شماره ۱ر۳۰۸ همین کتابخانه) عبارتی از قبسات سیدداماد که درص ۳ — ۲۲ چاپ تهران دیده میشود آورد . واز آن خرده گرفت و درپایان گفته است که حدوث جهان باین چیزها درست نمیشود وباید دید که شرع دراین باره چه میگوید ؟ اگر با آنچه ازبرخی اخبار برمیآید پابند باشیم باید چیزی دراین باره نگفت تا خدای گشایشی دهد.[1] خوانسای در این رساله تنها میخواهد دلائل داماد را بی پایه نشان دهد .

مولی محمد اسمعیل بن محمد حسین بن محمد رضابن علاءالدین محمد مازندرانی سپاهانی خواجوئی که در کوی خواجوی سپاهان می نشست و در ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ از اینجهان درگذشت . بسخنان خوانساری برخورد و خواست از خرده گیریها که وی ازداماد کرده است پاسخ گوید واین رساله «ابطال الزمان الموهوم» را نوشت وی در آغاز ازخود بنام «محمداسمعیل بن حسین مازندرانی» یاد میکند ومیگوید : چون دیدم دلیلی که دامادبرای ابطال زمان موهوم آورد درست میباشد،

۱ـ دیده شود برگهای ۲۵ الف تا ۲۹ الف رساله یکم شماره ۳۰۸ این کتابخانه

مگر اینکه برخی از آن خرده گیریها کرده اند، خواستم راه درست و استوار را بنمایانم و در آشکارساختن آن خود راه بیداد نپویم آنگاه سخنان‌دامادوخوانساری را بندبیند میآورد سپس خود بررسی و کاوش میکند و تا پایان بهمین روش پیش میرود . وی میگوید که آقا حسین خوانساری پدرجمال الدین خوانساری گفت :

٥ اشعریان پنداشتند که پیش ازپیدایش جهان زمان موهومی بوده‌است ولی متکلمان دانشمند واز میان آنها خواجه طوسی چنین زمان موهوم را نپسندیدند . (برگ ١١٥ ب این نسخه)

درباره یکی از خرده گیریهای جمال‌الدین مینگارد که وی این را از «بهجةالدارین» نگارش «مولی محمدطاهر بن محمد حسین قمی» گرفته است و او

١٠ میگفت که پیش ازجهان امتدادی بود نامتناهی (برگ ١٢٠ الف) . این دانشمند شیرازی وشیخ‌الاسلام قم بود و در١٠٩٨ بمرد . دانشمند مازندرانی این رساله را پس‌ازمرگ جمال‌الدین نگاشته است

این‌راهم‌باید گفت که یکی ازشاگردان آقاحسین خوانساری بنام شیخ‌علی فراهانی کمره‌ای که به «آقاشیخ» نامبردار بوده و درکاشان میزیسته و در همانجا

١٥ در هزار وصد واندی‌در گذشت رساله در حدوث زمانی جهان نگاشته و هشتصد حدیث در آن گـواه آورد [١] .

آغاز : بعد حمدالله‌المتفرد بالقدم والازلیة ... یقول . . . محمدبن‌الحسین‌المدعو باسماعیل‌المازندرانی

انجام : وارشدنا الی مافیه صلاحنا فی‌البدایة والنهایة ... والحمدلله اولا

٢٠ و آخرا

[٥٤]

٣٠٨ این نسخه شماره دوم دفتری‌استکه شماره یکم‌آن حاشیه نامبرده جمال‌الدین خوانساری است وازبرك ١٠١ (ب) تا برك ١٢٧ (الف) میباشد وبخط نسخ روشن‌نوشته شده ودرپایان‌آن‌دارد ·(قدتمت هذه‌الرسالةالجلیلةمن‌تصنیفات...

١ ـ دیده شود ذریعه ج ٣ ص ١٦٢ و ج ١ ص ٦٨ـ٦٩ و٨٨ـ٨٩ . این رساله ما رد برمیرداماد نیست چنانکه در ذریعه آمده بلکه تایید اواست و رد برجمال‌الدین

مولانا محمد اسمعیل المازندرانی بعون اله تعالی سنة ۱۱۹۷) پس این نسخه در سال ۱۱۹۷
۲٤ سال پس از مرك نگارنده نوشته شده

(همه دفتر ۱۲۷ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه: ۱۴×۲۱ و ۷×۱۴٫۵ س ۱۷

[٤۹] اتصاف الماهیة بالوجود (رسالة فی...) (عربی)

یکی از مباحث مهم فلسفی مبحث هستی است و ریشه آنرا در سخنان
فرزانگان باستانی مانند میلیسوس وافلاطون وارسطاطالیس ومانند آنها باید جست
فارابی در «رسالة الحروف» و شیخ رئیس در شفا و تعلیقات از هستی و وجود گفتگو
کردند پس از ایندو ابی البرکات بغدادی در «المعتبر» و شیخ اشراقی سهروردی در
نگارشهای خود از بود و نبود هستی سخن راندند . سهروردی ماهیت را اصیل ۱۰
پنداشته هستی را اعتباری دانست . سیدداماد به پیروی ازاودر «افق مبین» و «قبسات»
هستی را موجود ندانست پس ازوی شاگردش صدرالدین محمدبن ابراهیم بن یحیی
شیرازی قوامی م ۱۰۵۰ بپیروی ازمشائیان وعارفان مانند قونوی و دیگران هستی
را اصیل دانست وی چنانکه در آغاز «مشاعر» مینگارد گشایش بسیاری ازمسئله های
دشوارفلسفی را برپایه اصالت وجود میگذارد . فرزانه شیرازی چنانکه درمشعر ٦ ۱۵
فاتحه کتاب «مشاعر» مینویسددر آغاز کارماهیت رااصیل میدانست سپس از آن برگشت
وهستی رااصیل پنداشت (ص٤٥ چاپ تهران بسال ۱۳۱٥) وی درهمین «مشاعر» و «شواهد
ربوبی» و «اسفار» دراین زمینه دادسخن داده وهرچه میبایست گفت تابجائیکه فیلسوفان
پس ازاوهمه دراین مسئله ازوی پیروی کردند. فرزانه شیرازی این رساله «اتصاف المهیته
بالوجود» رادر باره پیوستگی هستی وچیستی یاوجودوماهیت نگاشته است ومیخواهد ۲۲۰
بمشکلی که درباره حمل هستی برچیستی پیش میآید پاسخ گویدو آن اینست که میگوئیم:
(سنك هست) وثبوت چیزی برای جیزدیگر آنگاه رواست که خود آن چیز باشد
وماهیت هستی دیگری ندارد بجزهمین هستی که بر آن حمل میگردد پس بایدیا
این قاعده روشن عقلی رانپذیریم ویااینکه نگوئیم چیزی هست. دراینجا دانشمندان
مانند دوانی و دیگران راههائی برای گشایش این دشواری پیشنهاد کرده اند . ۲۵
شیرازی همه را یاد میکند ونمی پسندد وخود از سه راهی که نشان میدهد سومین

را بهتر ازهمه می‌پندارد که اگر درست بنگریم چیستی برهستی، و ماهیت بروجود حمل میشود نه اینکه وجود برماهیت بار گردد واین راه برپایه اصیل بودن‌هستی میباشدشیرازی دراین رساله از «اسفار» خود یاد میکند وبدان بازگشت میدهد

این رساله نخستین بار درایران درکارخانه آقامیرزا عباس، بسال ۱۳۰۲ باهشت‌رساله‌دیگر شیرازی(ازص۱۱۰تا ۱۱۹) بچاپ‌رسید وباردیگردر کناررساله «تصور وتصدیق» همودنبال «الجوهرالنضید» علامه حلی در تهران بسال ۱۳۱۱ چاپ شد ۵

[۵۵]

این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای پنج‌رساله درتفسیروعرفان وفلسفه میباشد وچهارم‌آن «رسالةفی‌فهم‌متشابهات‌القرآن» فیلسوف شیرازی است ۸۷۰ که در ص ۱۹٤ بخش ۱ این فهرست شناسانده شد . این رساله بخط تعلیق و ازبرگ ٤۳ (الف) تا برگ ۵۰ (ب) این دفتر میباشد نشانه دفتر در بخش ۱ ص ۱۹٤ این فهرست یادگردید و این رساله بخط همان محمد علی کرمانشاهی است که رساله یکم این دفتر را نوشت

[۵۰] اثبات‌العقول (عربی)

این رساله‌ازشیخ‌رئیس‌است که‌در آن‌نخست‌خدارا‌اثبات‌میکندوسپس‌برای گشایش مسئله دشوارپیدایش چندین آفریده ازخدای یگانه خردها و عقول را میانجی میسازد تا اینکه بعقل فعال میرسد و رشته آفرینش را بمردمی میرساند آنگاه از روی نیازمردم‌بآئین و دادگستری بودپیامبردارای اعجازرا ناگزیرمیداند و ستایش ونیایش خدا و پرده‌پوشی زنان را ازکارهائی بشمار میآورد که پیامبران دستورمیدهند . بازمیگوید که پیامبران قانونهای کلی میآورند وامورجزئی‌باندیشه و دانش مجتهدان برگذار شده است و پاداش و کیفرتن از روی تخیل و پیوستن بجرمهای آسمانی نیست بلکه جان‌های نیکوکاران همین که بآن جرمها بپیوندند روی تخیل وپندار مستقلی که دارند چیزهائی را درمی‌یابند که هیچ چشمی ندیده وهیچ گوشی نشنیده است . این سخنان را شیخ درپایان الهی شفا نیز آورد ودلیلی ۲۰ ۲۵

که برای ناگزیر بودن از پیامبران یاد کرده همان است که پس از شیخ فرزانگان خاوری یاد نموده‌اند و پایه و ریشهٔ آن سخن ارسطو است که گفته است مردمان بطبع اجتماعی و شهرنشین میباشند وهمین دلیل را ابن‌خلدون درمقدمه خویش در کتاب ۱ باب ۱ مقدمه۱ (ص ۴۳ـ۴۴ چاپ معرب مصر) ناتمام دانست و گفت که اجتماع بشری بابودپیامبر بستگی نداشته و ندارد و ناگزیر بودن از پیروی آنها سمعی است نه عقلی چنانکه پیشینیان گفته‌اند . درباره خردها وعقول که شیخ آنهارامیان آفریننده و آفریدگان میانجی میسازد باید گفت که ازنگارشهای ارسطو بویژه فصل هشتم دفتر لاندا (لام) از الهی گرفته است و ارسطو دراین فصل که ثامسطیوس و شیخ‌رئیس و ابن‌رشد آنراشرح کردند[1] ازعقول آسمانها گفتگو کرده و آنهارامیان نخستین‌جنباننده وجنبندگان نهاده‌است .

درباره اثبات نبوت از روی مدنیت طبیعی انسان چنانکه گفته شد شیخ در پایان الهی‌شفا (فصل ۲ مقاله ۱۱) باین گونه استدلال پرداخت و گفت که مردم ناگزیرند گرد هم آیند و شهر بنشینند و یکدیگر رایار باشند واین همکاری وپیوستگی خواهان آئین وداد است و آئین گذارهم ازسوی خدای باید باشد که همان پیامبر خواهد بود پیداست که‌شیخ‌دراینجا از(آراء مدینه‌فاضله) و(سیاست) و(شرح‌رساله زنیون) فارابی گرفته است و ریشه سخنان اوهم گفتارافلاطون و ارسطومیباشد چه افلاطون درجمهوری آئین گذار را چنان‌نشان‌میدهد که درست با پیامبر و پیشوای دینی یکی میگردد و ارسطو در اخلاق نیقوماخوس و سیاست و جدل و ارغنون روشن میسازد که مردمی ناگزیر است که باهمکاری و شهرنشینی زیست کند این سخن را ارسطوسه بار در اخلاق (ك۱ف ۷ بند ۶، 11، 1097 b ـ ك۸ ف ۱۲ بند ۷ ، 1162 a 17 ـ ك ۹ ف ۹ بند ۳ ، 18 1169 b) و دو بار در سیاست

---

۱ ـ دیده شود : تفسیرما بعدالطبیعه ابن‌رشد (مقاله لام) و ارسطوعندالعرب‌عبدالرحمن بدوی که ترجمه تازی بخشهائی ازدفترلاندا وشرح ثامسطیوس برآن و نیز شرح شیخ رئیس برمقاله لام که پاره‌ای از کتاب انصاف او است درآن آمده است نیز ترجمه الهی ارسطواز تریکو بفرانسه

(ك ۱ف۲، 30 — 1253 a 2 — ك۳ف٦ ، 20 1278 b) و دوبار درجدل (ك ٥ ف۱ ، 17 128 b -ك٥ف٣ — 8 132 a)[۱] گفته است

این استدلال شیخ رئیس را غزالی در پایان بخش طبیعی (مقاصدالفلاسفه) باختصار آورد و ابن خلدون چنانکـه یاد شد از آن انتقاد نمود با اینکه وی در ٥ مقدمه ششم باب نخستین کتاب نخستین مقدمه خویش وحی و نبوت را روی مبانی فلسفی تفسیر نموده است

آغاز : الحمد لواهب العقل بلانهاية . كل شئى فى عالم الكون والفساد ممالم يكن فكان كان قبل الوجود ممكن الوجود لذاته

انجام : جل جناب الحق عن ان يكون شريعة لكل وارد او يطلع عليه الاواحد ۱۰ بعد واحد ـ فمن سمع واشمأز فليتهم نفسه فلعها لايناسبه . وكل ميسر لماخلق له . والحمدلله رب العالمين والصلوة على محمد واله اجمعين . للشيخ الرئيس قدس سره

[٥٦]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۹ دفتری است که دارای ۳۱ رساله میباشد و بخط شکسته نستعلیق از برك ۸۳ الف تا برك ۸٤ الف نوشته شده است . در این دفتر تاریخهای ۱۰۷٦ و ۱۰۸٦ دیده میشود و نام نویسنده رساله ۲۹ این دفتر «نصیرالدین حسین الحر الحسینی» میباشد

(همه دفتر ۱۳٦ برك) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج سرخ مقوائی ساده

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۱۰×۱۸ س ۲۱ تا ۲۸

دیده شود : اخلاق نیقوماخوس ترجمهٔ فرانسوی J. Volquin چاپ پاریس بسال ۱۹٤۰ و ترجمهٔ تازی آن از لطفی سید (ك ۱ ب ٤ ف ٦ — ك ۸ ب ۱۲ ف ۷ — ك ۹ ب ۹ ف ۲) — سیاست ترجمه انگلیسی E-Barker چاپ آکسفرد بسال ۱۹٤۸ و ترجمهٔ فرانسوی Thurot چاپ گارنیهٔ فرر در پاریس و نیز ترجمهٔ تازی لطفی سید (ك ۱ ب ۱ ف ۹ تا ۱۳ — ك ۳ ب ٤ ف ۲) — ترجمه تازی جدل در جلد دوم منطق ارسطو چاپ عبدالرحمن بدوی و ترجمه فرانسوی تریکو چاپ پاریس جلد ۲ بسال ۱۹۳۹ . در ترجمه عربی جدل (حیوان آنس بالطبع) آمدهٔ و تریکو آنرا به (Animal naturellment doux) ترجمه کرد

[۵۱] اثبات المفارقات (عربی)

دکتر عثمان امین در تعلیق خود بر احصاء العلوم فارابی ص ۱۱۹ مینویسد که از این فیلسوف چهل رساله بجای مانده سی و یکی از آن بتازی و شش رساله بترجمه عبری و دو رساله بترجمه لاتینی میباشد و این را بفهرست بروکلمن (ج ۱ ص ۱۳ — ۲۱۰) باز گشت میدهد ولی در این فهرست (ج ۱ همانجا و ج ۱ پیوست ص ۷ـ ۳۷۵) ۶۵ نگارش ازفارابی یاد می‌شود که ۱۱ کتاب درمنطق و ۸ کتاب در اخلاق وسیاست و ۱۷ کتاب درستاره شناسی وستاره شماری و کیمیا وموسیقی و ۲۳ کتاب درمسائل فلسفی و چهار کتاب در باره فلسفه مشائی ارسطو و ۲ کتاب در فلسفه افلاطون میباشد.

لطفی جمعه در تاریخ فلاسفة الاسلام در سر گذشت فارابی میگوید که از فارابی نه کتاب در ریاضی و کیمیا و موسیقی در کتابخانه های اروپا و آستانه درمتن عربی یا ترجمه عبری و لاتینی هست و ۱۴ کتاب درمنطق دراروپا بویژه دراسکوریال بعربی یاعبری ولاتینی هست و برخی از ترجمه های لاتینی در بند قیه (ونتسیا) و دیگر جاها بچاپ رسید و ۳۱ کتاب دیگر درفلسفه وسیاست وادب است که از آنها هم برخی بچاپ رسیده و از برخی نسخه خطی در کتابخانه ها هست باز وی نگارش های فارابی را می‌شمارد و میگوید که از آنها ۱۷ شرح و ۶۰ کتاب و ۲۵ رساله میباشد که رویهم ۱۰۲ کتاب میشود ولی درفهرست نگارش های فارابی که درعیون الانباء و تاریخ الحکماء قفطی دیده میشود نزدیك به ۱۲۴ کتاب یاد گردید.

خاور شناس آلمانی شتینشنیدر Steinschneider کتابی کلان در باره نگارشهای فارابی نوشته و در یادگـار های فرهنگستـان امپراتوری علوم سنت پترسبورك (VIIe s, t. XIII, No. 4) بسال ۱۸۶۹ بچاپ رسید. اکنون از کتابهای فلسفی فارابی یاد کرده نخست از چاپهائیکه چندین نگارش را دربردارد گفتگومیکنیم.

۱ـ دیتریسی استاد دانشگاه برلین (۱۸۲۱ـ۱۸۸۸) رساله هائی از فارابی را ازروی نسخه های لیدن ولندن وبرلین بسال ۱۸۶۰ درلیدن بچاپ رساند.

۲ ـ ا. شمولدرس Schmoelders دو رسـاله (ماینبغی ان یقدم قبل

تعلم‌الفلسفه) و(عیون المسائل) را باترجمه لاتینی در بن (Bonnae) بسال ۱۸۳۶ چاپ نمود .

۳ ـ همان دیتریسی بازایندو رساله‌را بار ساله‌های دیگرفراهم آورده و بسال ۱۸۹۵ و ۱۹۲۵ بچاپ رسیده است .

۵ ٤ ـ نیز دتیریسی رساله های (جمع بین رایین ـ فی اغـراض الحکیم فی کل مقالة من الکتاب الموسوم بالحروف ـ مقالة فی معانی العقل ـ فیما ینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفة ـ عیون المسائل در ۲۲ بند — فصوص الحکم — جواب مسائل سئل عنها — فیما یصح و مالایصح من احکام النجوم) را از روی نسخه‌ای که از سپاهان بدست آمد بنام « الثمرة المرضیة فی بعض الرسالات ۱۰ الفارابیه » فراهم آورده و در لیدن بسال ۱۸۸۹ — ۱۸۹۰ با دیباچه‌ای بآلمانی بچاپ رسیده‌است .

۵ ـ همین‌رساله‌های « الثمره » درمصر بسال ۱۳۲۵/۱۹۰۷ بانصوص الکلم علی فصوص الحکم‌و نیز دو بار دیگردر همین‌تاریخ و درهمان‌شهر و باز یکبار دیگر بسال ۱۳۲۷/۱۹۰۹ بچاپ رسید .

۱۵ ٦ ـ دورساله از فارابی (ما ینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفة — عیون‌المسائل در ۲۲ بند) در چاپخانه سلفیه مصر بسال ۱۳۲۸/۱۹۱۰ بچاپ رسید و چاپخانه مؤید در مصر نیز این دورا بنام « مبادی الفلسفة القدیمه » درهمین سال چاپ کرد .

۷ ـ سه رساله فارابی (نکت فیمـا یصح من احکام النجوم در ۳۰ بند و بنام مختصر الفصول الفلسفیة — عیون المسائل در ۲٤ بند — فصوص الحکم در ٦۱ ۲۰ بند) نیز بچاپ رسید و ناشر ندانسته ۱۲ بند از (نکت) را دوبار درآن آورد اکنون ازیکایك کتابهای فلسفی فارابی گفتگو کنیم :

۱ ـ اراء المدینة‌الفاضله :

این کتاب را دتیریسی فراهم آورده و در لیدن بسال ۱۸۹۵ چاپ گردید و در چاپخانه نیل بسالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۵ و در چاپخانه سعادت بسال ۱۳۲٤ در مصر

بچاپ رسید .

۲ ـ ابطال احکام النجوم :

نسخه از این در دفتری نوشتهٔ محمود تبریزی شاگرد صدرالدین دشتکی میان سالهای ۹۰۳ و ۹۱۹ در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی در تهران هست (ذریعه ج ۱ ص ٦٦ ش٣٢٦) ٥

۳ ـ اثبات‌المفارقات که دردکن بسال ١٣٤٥ در۸ صفحه بچاپ رسیدو بحث درآن خواهدآمد .

٤ ـ احصاء العلوم : این کتاب را نخستین بار عارف‌الزین از روی نسخه‌ای که محمدرضا شبیبی درنجف جسته استدرمجله‌العرفان درجلدچهارم بسال۱۹۳۱ بچاپ رساند سپس دکترعثمان امین‌آنرا با دیباچه وتعلیقات درقاهره بسال ۱۹۳۱ ۱۰ چاپکرد آنگاه آنگل گونسالس پالنسیا Angel Gonzalez Palencia درجزء انتشارات دانشکدهٔ فلسفه و ادبیات دانشکده مادرید درجلد یازدهمٔ بسال ۱۹۳۲ بادوترجمه‌لاتینی‌ژراردکر مونا Gerard de Cromona و دمینیکوس گوندیسالینوس Domnicus Gundissalinus وبانرجمه اسپانیائی خوددر مادرید بچـاپ رساند . ۱٥

سرانجام بازدکترعثمان امین از روی نسخه‌های چاپ شده وخطی وترجمه لاتینی آنرا بسال ۹ـ۱۹٤۸ در قاهره چاپکرد .

احصاءالعلوم سه ترجمه لاتینی دارد :

۱ـ ازدمینیکوس گندیسالینوس که در نیمه نخستین سده ۱۲ مسیحی زنده بود و از مترجمـان بزرك تازی بلاتینی است وی در کتـاب خویش کـه بنـام ۲۰ De Division Philosophiae میباشد نزدیك بدو سوم از بخشهای احصاء العلوم را آورد و پاره‌ای‌مانند (فصل‌مربوط بعلم کلام) راانداخت ودرجاهائی‌هم بکوتاهی پرداخت .

این‌ترجمه را گیلیموس کامراریوس Guiliemus Camerariusاستاد

الهی دانشگاه پاریس درآنجا بسال ۱۸۳۸ بچاپ رساند .

۲ ـ از ژرارد کرمونا که در کرمونا از استان لمبارد یا نزدیك ۱۱۱٤ زاده و در طلیطله بسال ۱۱۸۷ درگذشت و ازمترجمان بزرك تازی بلاتینی بشمار میآمد و ۷۱ کتاب عربی دردانشهای گوناگون را بلاتینی ترجمه کرد وی احصاء العلوم را نیز بلاتینی درآورد ونسخهٔ ازآن بنام De Scientiis بشماره ۹۳۳۵ در کتابخانه ملی پاریس هست وپالنسیا آنرا درمادرید بامتن تازی چاپ کرد .

۳ ـ از یحیی بن داود اشبیلی طلیطلی مرده نزدیـك ۱۱۵۷ که آنرا بلاتینی کرده و نسخه‌ای از آن در موزه بریتانیا هست و کامراریوس آنرا در ۱۸۳۸ بچاپ رساند .

احصاءالعلوم فارابی را دوبار بعبری ترجمه کردند :

۱ ـ ازکالونیموس پسر کالونیموس (م ۱۳۲۸) که گـزیده از آنـرا بعبری ترجمه کرد ونسخهٔ ازآن درکتابخانه De Rossi دربارما بشماره ٤۵۸ و ۷۷٦ هست وموسی بن عزرا (م ۱۱٤۰) ازاین کتاب بهره برده است .

۲ ـ ترجمه عبری دیگری از احصاء العلوم که آنرا میش روزنشتاین Mich Rosonstein در بروسلاو بسال ۱۸۵۸ بچاپ رساند .

احصاء العلوم چنانکه از نام آن برمیآید بخش بندی و شمارش دانشها است و دانشمندانی چند در این زمینه کار کردند خواه تنها بشناساندن دانشهـا پرداخته باشند یا دریك دفتر چندین دانش راآورده باشند . مانند :

۱ ـ فیلسوف کندی بغدادی کتابی بنام (کمیة کتب ارسطو و مایحتاج الیه فی تعلیم الفلسفه) دارد که در مصر در رسائل فلسفی او بسال ۱۹۵۰ بچاپ رسید ودرآن علوم مشائی وغرض آنها راروشن ساخت .

۲ ـ اخوان صفا وخلان وفا با اینکه دررسائل و رساله جامعه ازبیشتر دانشهای روزکار خویش سخن راندنددر رساله هفتم بخش ریاضی ازدانشهای گوناگون گفتگو نموده هر یك را شناساندند .

٣ ـ خوارزمی (م ٣٨٧) در مفاتیح العلوم گزیده ای از بسیاری از دانشهای روزگار خویش را باندازه که یك نویسنده را می باید آورد .

٤ ـ ابن حزم اندلسی (م ٤٥٦) در (مراتب العلوم و کیفیة طلبها) از بخشهای دانشها سخن راند .

٥ ـ ابوعلی مشکویه رازی (م ٤٢١) در (ترتیب السعادات) که در کنار (تهذیب الاخلاق او در تهران بسال ١٣١٤ بچاپ رسید از نگارشهای علمی ارسطو ودانشهای مشائی گفتگو نمود .   ٥

٦ ـ ابوعلی محمد بن هیثم بصری مصری (م نزدیك ٤٣٠) در (مقالة فیما صنع و صنف من علوم الاوائل) که ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء (ج ٢ ص ٦ ــ ٩١) آنرا آورده است ازغرض کتابهای ارسطو یاد کرده ونوشته‌های خود راکه تا پایان سال ٤١٧ بپایان رسانده بود نشان داد .   ١٠

٧ ـ خواجه رئیس ابوعلی سینا گذشته ازاینکه در شفا و دانشنامه علائی و نجات چندین دانش راآورده دررساله (اقسام العلوم العقلیه) که در تسع رسائل درمصر بسال ١٩٠٨ بچاپ رسید بمانند کارفارابی پرداخت وی درآغاز حکمت مشرقی نیز ازاینگونه سخنان دارد .   ١٥

٨ ـ شمس الدین محمد سنجاری (م ٧٤٧) نیز (ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد) نگاشته ودرآن ازبخشهای دانشها یاد نمود واین کتاب دربیروت ١٣٢٢ چاپ شد .

٩ ـ خواجه طوسی رساله کوتاهی بنام (اقسام الحکمه) دارد که نسخهٔ ازآن بشماره ١ر١٠٣٣ دراینکتابخانه هست .   ٢٠

١٠ ـ قطب شیرازی (٦٤٤ ـ ٧١٠) در (درة التاج لغرة الدباج) ازچندین دانش فلسفی وعرفانی سخن راند و دو بخش آن در تهران بسالهای ١٧ ــ ١٣٢٠ و ١٣٢٤ بچاپ رسید وی در دیباچه آن دانشها را بخش نموده و در خود کتاب منطق و طبیعی و الهی و ریاضی و کلام و فقه و اخلاق و سیاست و تدبیر منزل و عرفان

وتصوف آورده است

۱۱ـ شهاب‌الدین احمدمصری قلقشندی در (صبح‌الاعشی فی صناعة‌الانشاء) بسیاری ازدانشهائی راکه نویسنده را بکار میرود آورده است واین کتاب در مصر بسال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ در ۱۴ جلد بچاپ رسید و خود او آنرا بنام ضوءالصبح المسفروجنی‌الدوح المثمر گزین وجلد ۱ آن درمصر بسال ۱۳۲۴ بچاپ رسید .

۱۲ ـ ابن خلدون اندلسی (م ۷۸۴) در مقدمه خویش بسیاری از دانشهای ادبی و فلسفی وعرفانی را شناسانده وسرگذشت کوتاهی ازآنها راآورد .

۱۳ ـ مولی محمد آملی در نفائس الفنون از ۱۶۰ علم ۸۵ از علوم اواخر و ۷۵ ازعلوم اوائل سخن راند .

۱۴ ـ طاشکبری زاده (م ۹۶۸) در (مفتاح‌السعاده) خود در باره دانشهای گوناگون وشناساندن آنها دادسخن‌داده است واینکتاب دردکن بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .

۱۵ ـ میرفندرسکی‌استرابادی (۱۰۵۰) دررساله صناعیه ازبخشهای گوناگون دانشها یاد نمود واینکتاب دربمبئی با اخلاق ناصری بسال ۱۲۶۷ ودرتهران بسال ۱۳۱۷ خورشیدی بچاپ رسید

۱۶ ـ حاجی خلیفه (م ۱۰۶۸) درکشف الظنون‌که بارها بچاپ رسیدگذشته ازیادکردن نام‌کتابها ازبخشهای دانش نیزسخن راند .

۱۷ ـ صدیق حسن خان فرما نروای بهوپال هند (م ۱۳۰۷) در (ابجدالعلوم) که در چاپخانه صدیقیه در بهوپال هند بسال ۱۸۹۶ بچاپ‌رسیدنیز بچنین کاری پرداخت .

۱۸ ـ مولوی تهانوی هندی کشاف اصطلاحات الفنون نوشته و در آن دانش های را بخش نموده وهریك را شناسند و این‌کتاب درکلکته بسال ۱۸۶۲ در دو جلد بچاپ رسید .

۱۹ـدانشمند شیخ آقابزرك تهرانی درالذریعه الی‌تصانیف‌الشیعه که نگارش‌های

دانشمندان شیعی وایرانی را در آن فهرست میکنند نیز بچنین کاری پرداختند.

۲۰ ـ شهاب الدین احمد نویری (م نزدیك ۷۳۳) نهایة الارب فی فنون الادب خویش را در ۵ فن در علوم طبیعی (آثـار علوی و آسمان و جهـان و جغرافیـای ریاضی و طبیعی) و انسانی (ادب و اخلاق و سیاست) و حیوانی و ونباتی وتاریخی در ۳۰ جلد نوشت و ۱۴ جلد آن تا باب ۲ قسم ٤ فن ۵ در مصر از ۱۳٤۲ تا ۱۳٦۲ بچاپ رسید و بـاب ۳ تا ۵ قسم ٤ و ۱۲ باب قسم ۵ فن ۵ مانده است .

در باره بخش بندی دانشها در اروپـا فرنسیس بیکون فیلسوف انگلیسی (۱٦۲٦ — ۱۵٦۱) رای تازه‌ای آورده و علوم راازروی نیروها حفظ وتخیل وتعقل بتاریخ مدنی و طبیعی ، شعر منظوم و منثور ، فلسفه الهی و طبیعی و انسانی و اجتماعی بخش نموده است وی در کتاب ارجمندی و فزونی دانش در این زمینه سخن راند .

سپس اگوست کنت فیلسوف‌ریاضی فرانسوی‌آورنده فلسفه تحققی (۱۸۵۷ ۱۷۹۸) دراین باره رای دیگری آورده و در کتاب Cours de philosophie positive که از شاهکارهای سده ۱۹ میباشد دانشها را از روی کلیت و سادگی یا پیچیدگی آنها بخش نمود آنگاه هربرت سپنسر H. Spencer (۱۹۰۳ — ۱۸۲۰) فیلسوف انگلیسی بنیادگذار فلسفه تطور دراین زمینه کتابی نگاشته که ترجمه فرانسوی، آن بنام Classification des sciences در پاریس بسال ۱۹۳۰ بچاپ رسید وی دانشهارا روی تجرد و عینیت‌رده بندی‌نموده است

امروزه در روش شناسی نوین از بخشهای دانشهای بشری کاوش میگردد چنانکه درمنطق‌صوری ارسطو نیزدرفن برهان دراین زمینه گفتگو میشده است ودرهمه‌کتابهای منطقی‌که بروش پیشینیان نوشته شده این سخن رامیبینیم .

ابن ندیم درفهرست (ص ۳٦۸) از این‌کتاب فارابی بنام (مراتب العلوم)

یاد نمود .

قاضی صاعد اندلسی در طبقات الامم (ص ٨٤ چاپ مصر) از احصاء العلوم بسیار ستایش نموده و گفت هیچ دانشجوئی از آن بی‌نیاز نخواهد بود .

قفطی (ص ١٨٢) از آن بنام احصاء العلوم یاد کرده و عبارت صاعد را آورده است و باز در (ص١٨٣) در فهرست نگارشهای او از (احصاء العلوم) یاد کرد . ٥

ابن ابی‌اصیبعه (ج٢ص١٣٦) نیز همان عبارت صاعد را آورد . باز در(ص١٣٨) از آن بنام (احصاء العلوم و ترتیبها) یاد نمود .

٥ - اغراض مابعدالطبیعه :

١٠ این کتاب را دیتریسی در الثمره بچاپ رساند و در المجموع للمعلم الثانی بسال ١٣٢٥ و درهند بسال ١٣٤٣ نیز بچاپ رسید و ابن ابی‌اصیبعه در فهرست نگارش‌های فارابی از آن یاد نموده است .

فارابی در این دفتر مانند کندی و دیگران بدانشهای گوناگون روزگار خود اشارتی نموده غرض ارسطو را در دوازده مقاله کتاب الهی نشان داده است .

١٥ این کتاب بعبری ترجمه شده و نسخه آن در اکسفورد و لایبتسیك و لیدن هست .

٦ - الالفاظ الافلاطونیه و تکوین السیاسة الملوکیة و الاخلاق :

این کتاب در کتابخانه ایاصوفیا بشماره ٢٨٢٠ هست .

٧ - بغیة الامال فی صناعة الرمل و تقویم الاشکال یا الحیل الروحانیه و الاطیار ٢٠ الطبیعیه فی دقائق الاشکال الهندسیه : ازاین کتاب نسخه‌ای در اوپسالا بشماره ٣١٧ و در بادلیان(I،956) هست و از فارابی دانسته شد ولی در صحت انتساب آن شك کردند زیرا فارابی در «نکت» ستاره شماری واحکام نجوم را نکوهش نموده و بی پایه‌اش دانست وی میگوید :

« میتوانیم در برابر حوادث جهان و سرگذشتهای مردم که بد و نیك و زشت و زیبا و ستوده و نکوهیده و سودمند و زیانبخش در آنها هست بچیزهائی مانند جنبشها ورفتارهای جانوران و آوازهای پرندگان یاسخنانی که بنگارش درآید یاتیرهائیکه پراکنند یا نامهائی که یادکنند یا جنبش و گردش ستارگان و مانند اینها بنگریم آنگاه می‌بینیم که اینها با آنهاگاهی یکنواخت وسازگاردرمیآیند وگاهی دراینها بنامهائی برمیخوریم که مایه شگفتی است مگر اینکه اینگونه هماهنگی همیشگی نیست وخردمند نبایدبدان بنگرد ودرستش بداند وکودکان وفرومایگان وآنانکه روی برخی از رنجها و بیماریهای روانی مانند کامپرستی و خشم و اندوه و ترس وسرخوشی ومانند اینها ازخرد وهوش آنهاکاسته شد بدینها میگرایند » پس بسیار دور است که کتاب یادشده از آن فارابی باشد

۸ـ پیدایش دانش (de ortu scientiarum) : بروکلمن میگوید که بلاتینی است ونسخه آن درپاریس بشماره ۶۲۹۸ و بادلیان بشماره ۲۹ر۵۶۲۳ هست . وی باز رساله دیگری درفهرست خویش (ج ۱ ص ۲۳۵ شماره D ۹) از فارابی بنام Alfarabi de tempore نشان میدهد .

۹ـ تحصیل‌السعاده :

این کتاب دردکن بسال ۱۳۴۵بچاپ رسید ودرکتابخانه مصر بشماره ۱۲۰ (حکمت) بنام (رسالة فی‌السعادهالموجودة) هست وبعبری نیز درآمده است .

۱۰ـ التعلیقات :

این رساله در دکن بسال ۱۹۴۶ بچاپ رسید و با تعلیقات خواجه رئیس ابوعلی سینا بی‌رابطه نیست و گویند که شاید آنرا از کتابهای گوناگون فارابی فراهم آورده باشند .

۱۱ـ تفسیراسماءالحکماء : بروکلمن (ج ۱ پیوست ص۳۷۷شماره D ۱۶) از آن یاد میکند .

۱۲ـ تلخیص نوامیس افلاطون :

این کتاب درلیدن بشماره ۱۴۲۹ هست .

۱۳ ـ التنبیه علی اسباب‌السعاده : این رساله بعبری ترجمه شده و نسخه از آن بشماره ۷۷ درموزه بریتانیا هست .

۱٤ـ التنبیه علی سبیل‌السعاده یا رساله‌السعاده :

این کتاب دردکن بسال۱۳٤٦چاپ شده وترجمه عبری داردکه درموزه بریتانیا بشماره ٤۲۵ هست . ۵

۱۵ـ الجمع بین‌الرایین :

این کتاب چندین بار بچاپ رسیده است :۱ـ درالثمره دیتریسی بسال ۱۸۹۰ .

۲ـ درالمجموع للمعلم‌الثانی بسال ۱۹۰۷ درمصر ونیز چندبار دیگردرهمانجا

۳ـ درهاش شرح حکمت‌الاشراق‌چاپ تهران‌بسال ۱۳۱۵ص۵۳۷ تاپایان کتاب .

۱۰ فارابی درین کتاب کوشیدکه میان رایهای افلاطون وارسطو سازش دهد . آنرا بنام (کتاب فی اتفاق آراء ارسطوطالیس وافلاطون) نیزخوانده‌اند و از نگارشهای فارابی (کتاب الفلسفتین) نیز نام برده‌اندکه شاید همین کتاب باشد. فارابی‌دوست نداشت که میان دانشمندان ناسازگاری باشد چنانکه دو کتـاب دیگر مانند اینها درفهرست نگارشهای او یاد کرده‌اند : (کتاب فی اتفاق آراء بقراط وافلاطون)

۱۵ و (کتاب‌التوسط بین ارسطو وجالینوس) ـ فارابی ارسطورا بسیار بزرك میداشت این بود که از جالینوس ویحی نجوی خرده‌گرفته ودو کتاب (الردعلی جالینوس فیما تاوله من کلام ارسطوعلی غیرمعناه) و (الرد علی یحیی‌النحوی فیما رد به علی ارسطوطالیس) نوشته است .

فیلسوف سید داماد استرابادی نیز از فارابی پیروی کرده (رسالة فی مذهب

۲۰ ارسطاطالیس) را نگاشته و درآن گفته که افلاطون جهان را حادث دانسته ولی سخن ارسطو روشن نیست ولی فارابی دراین رساله هردورا همرای پنداشت .

۱٦ـ جوامع السیرالمرضیه فی اقتفاء الفضائل الانسانیة :

ازاین کتاب یك نسخه درلیدن بشماره۱۹۳۲هست وشاید همان (السیرةالفاضلة) باشدکه درفهرستها یادکردند زیرا مورخان نامی ازاین کتاب نبرده‌اند .

۱۷ـ جوامع کتب النوامیس لافلاطون :

نوامیس افلاطون را حنین و یحیی بن عدی ترجمه کردند و فارابی مانند جالینوس که بر برخی از نگارشهای افلاطون جوامع نوشته و تنها ترجمه تازی آنها درجهان هست ، ازاین کتاب گزین کرده است و نسخه آن درلیدن بشماره ۱۴۲۹ هست . ۵

۱۸ـ الحیل الروحانیه والاسرار الطبیعیة فی دقائق الاشکال الهندسیة :

نسخه آن در اوپسالا بشماره ۳۲۴ هست :

۱۹ـ الدعاوی القلبیه المنسوبة الی ارسطو مجردة عن الحجج :

این رساله دردکن بسال ۱۳۴۵ بچاپ رسید فارابی دراین کتاب بیشتر مسائل الهی و طبیعی نحله مشائی و نوپلاتونی را فهرست وار یاد میکند و دلائل آنها را نمیآوردو بخوبی میرساند که مسائل فلسفی که بدانشمندان خاوری رسیده کدامند . ۱۰

۲۰ـ رساله فی الاخلاق .

۲۱ـ رسالة افلاطون فی ردمن قال بتلاشی الانسان .

۲۲ـ رسالة فی التصوف .

۲۳ـ رسالة فی تعریف الفلسفه : بروکلمن (ج ۱ ص ۲۳۲ شمارههای ۱۸و ۱۹و۲۰ D وص ۲۳۶ شماره ۲ F) نسخههائی ازاین چهار رساله را نشان میدهد که هست . ۱۵

۲۴ـ رسالة فی تفسیر کتاب المدخل فی صناعة المنطق : بروکلمن دو نسخه با نشانه (As ۴۸۵۴/۵ و As ۴۸۳۹) نشان میدهد .

۲۵ـ رسالة فی تقسیم الواحد . ۲۰

۲۶ـ رسالة فی حدوث العالم : نیز وی ازاین دو رساله یاد نموده و گفته که دومی دررامپور بنشانه (I,303،1575) هست .

۲۷ ـ رسالة الحروف .

ابن ندیم درفهرست درسر گذشت فارابی ص ۳۶۸ نامی ازاین کتاب نبرد ولی قفطی درتاریخ الحکماء ص ۱۸۴ نام (تعلیق کتاب الحروف) را برده است . ابن ابی ۲۵

اصیبعه (ج۲ص۱۳۹س۲و۲۶و۳۰) ازسه کتاب فارابی یاد میکند : ۱ـ (الالفاظ والحروف) ۲ـ (کتاب فی اغراض ارسطوطالیس فی کل واحد من کتبه) ۳ـ (مقالة فی اغراض ارسطوطالیس فی کل مقالة من کتابه الموسوم بالحروف وهو تحقیق غرضه فی کتاب مابعدالطبیعه) . دوم وسوم این کتابها همان است که در لیدن ومصر و هند
۵ بچاپ رسیده است و نخستین آن همان است که بروکلمن (پیوست ج۱ص۷ — ۳۷۶) درباره آن بکتاب المزهر سیوطی[1] بازگشت داد وگویا نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌ها نباشد بجز همین (رسالة الحروف) این کتابخانه واز آنچه که سیوطی در المزهر (چاپ عیسی البابی الحلبی درمصر جزء ۱ ص ۲ — ۲۱۱) از این کتاب میاورد پیدا است که نسخه (رسالة الحروف) ما همان (الالفاظ والحروف) فارابی میباشد .

۱۰ سیوطی مینویسد که ابونصر فارابی در (الالفاظ والحروف) میگوید : قریش شیواترین مردم عربستان هستند وزبان تازی تنها ازدودمانهای قریش وقیس وتمیم واسدوهذیل و کنـانه و طی گرفته شده نه از شهرنشینان و بیابان گردانی مانند خاندانهای لخم وجذام همسایه مصریان و قبطیان واز قضاعه وغسان و ایاد همسایه شامیان که بیشتر ترساوعبری خوانند و نه ازتغلب ویمن که درجزیره زیست میکنند
۱۵ وهمسایه یونان هستند و نه از بکر همسایه قبطیان و پارسیان و نه ازعبدالقیس وازد عمان که دربحرین بوده وبا هندیها و پارسیان آمیزش دارند و نه از یمنیان آمیخته با هندیان وحبشیان و نه از بنی حنیفه و یمامیان و ثقیف و طایفیان که با بازرگانان یمن آمیزش میکنند و نه از شهرنشینان حجاز زیرا زبان اینها را آورندگان زبان تازی آمیخته بازبانهای بیگانگان وتباه شده یافتند . آنانکه زبان تازی را آوردند
۲۰ و نگارشها در آن دارند و آنرا هنر و دانشی ساختند تنها همان بصریان وکوفیان میباشند .

این سخن را دراین رسالة الحروف فارابی (نسخه اینکتابخانه برك ۲۴) می‌بینیم این فیلسوف نخست قاعده کلی بدست میدهد ومیگوید : زبان پاك وسره را بایداز بیابان گردان وخانه بدوشان که با بیگانگان نمیامیزند گرفت نه ازدهگانان

۲۵ (۱) بروکلمن بدین نشانه (728 و2I) بآنکتاب بازگشت داده است

و شهرنشینان چنانکه درباره زبان تازی همین کار راکردند و بصریان و کوفیان از
سال ۹۰ تاسال ۲۰۰ زبان تازی شیوا و رسا را از بیابان گردان میان خاك عربستان
که بیشتر مردم گریز ودرشتخوی بودند وکمترفرمان می بردند واز دیگران پیروی
نمیکردند گرفتند واینها دودمانهای قیس وتمیم واسدوطی وهذیل هستند ودیگران
که با بیگانگان ازحبش وهندی وپارسی و سریانی و شامی و مصری رفت و آمد ۵
داشتند زبان آنها آمیخته است وسره نیست .

از برابر کردن سخن فارابی وگفتار سیوطی پیداست که وی گفته فارابی را
گسترده ومشروح آورده است نه اینکه همان گفته اورا درالمزهر گنجانده باشد.
فهرست نگار گفتاری بنام (متافیزیك ارسطوورسالة‌الحروف فارابی) درمجله جلوه
سال۱شماره۲ تاریخ مرداد ماه سال۱۳۲٤خورشیدی ص ۷٦ـ۸۲ نگاشته واندکی ۱۰
آنرا شناساند این کتاب گرانبها گذشته ازمطلبهای دقیق فلسفی وتاریخی که دارد
ازچندین اصطلاح فلسفی گفتگومیکند و با شرح آنها دشواریهای الهی ارسطو را
برمیدارد وگویاهمین کتاب باشد که خواجه ابوعلی‌سینا درسر گذشت خویش ازآن
نام برده وگفته که آنرا خریده وخوانده و دریافت سخنان ارسطو برای او آسان
گردید اگرچه درسرگذشت شیخ که خود برای جوزجانی املا نموده است چنین ۱۵
آمده است :(کتاب‌ابی‌نصرالفارابی‌فی‌اغراض‌مابعدالطبیعه) ونامی ازرسالة‌الحروف
برده نشد .

شاید چون بکتاب الهی ارسطو (کتاب‌الحروف) میگفته‌اند این رساله هم
که تعلیقی است برآن چنین نامیده شده باشد .

چنانکه یادشد این کتاب شامل تعریف وبررسی پاره‌ای‌ازاصطلاحات فلسفی ۲۰
است وگفتگو درباره‌اصطلاحات فلسفی وشناساندن‌آنها را نخستین‌باردر(تعاریفی)
می‌بینیم که بافلاطون نسبت داده‌اندگرچه بسیاری‌از آنهاازنحله‌های مشائی ورواقی
والثائی‌میباشد ولی‌چندین تعریف را از کتابهای افلاطون گرفته وباسخنان دیگران
یکجافراهم آورده‌اند وبسیاری از آنهارادیوگنوس لائرسیوس بافلاطون نسبت داده

است . ترجمه فرانسوی این (تعریفات) درجلد ۸ دوره کتابهای افلاطون درمجموعه Budé بسال ۱۹۳۰ با متن یونانی بچاپ رسید و مترجم آن J. Souilhé میباشد وبازهم E.Chambry آنرا ترجمه کرده درجلد۸دوره کتب او بسال ۱۹۳۹ چاپ شد این دومترجم دردیباچه و حاشیه تعریفات تاریخ و منشأ آنرا نشان داده‌اند پس از
٥ افلاطون چنانکه پیش گفته‌ایم ارسطو دردفتر دلتا (دال) ازالهی از الفاظ فلسفی کاوش نموده است ومانا پایه کارفارابی همین کتاب باشد .

درمیانه دانشمندان خاوری کندی بغدادی کتابی درحدودنوشته که درجزء۱ رسائل او بسال ۱۹۵۰ چاپ شد باز اخوان صفا در رساله دهم قسم ۳ (نفسانیات عقلیات) اصطلاحاتی را تعریف کردند پس‌ازاینهاشیخ رئیس‌دررساله حدود الفاظی راتعریف
١٠ نمود که پیش یاد گردید .

میر سید شریف گرگانی نیز کتابی بنـام تعریفات دارد که درقاهره بسال ۱۲۸۳ بچاپ رسید .

مندرجات رساله حروف فارابی بجای خود گـزارش داده خواهد شد .

اکنون ببینیم دانشمندان پیشین چه آگاهی ازاین کتاب داشته‌اند : ابن‌رشداندلسی
١٥ گویا همین رساله را دردست داشته که درتهافت‌التهافت درمسئله هفتم (چاپ بوئیژ در بیروت بسال ۱۹۳۰ ص ۳۷۱) میگوید : فارابی در کتاب‌الحروف روشن نمود که مراد از « موجود » معنی اشتقاقی آن نیست بلکه مترجمان ازآن معنی « ذات » و« شیء » میخواهند نه معنی عرضی وچون درزبان تازی لفظ دیگری نیافتند کلمه « موجود » مشتق را دراین معنی بکار بردند . برخی برای رساندن این معنی کلمه
٢٠ « هویت » را از « هو » ساختند ولی این تکلفی بیش نیست .

این مطلب دربحث از وجود و موجود برگ ۱۵و۱٦ کتاب‌الحروف نسخه این کتابخانه یافت میشود و فارابی دراینجا میگوید در زبان تازی لفظی نیست که بجای « هست » فارسی و « استین » یونانی و « استی » سغدی آورده شود ناگزیر برخی بجای آن «هو» را بکاربرده و ازآن « هویت » درست کردند وبرخی دیگر
٢٥ بجای آن « موجود » مشتق را بکار بردند ازاینجا است که می‌پندارند « موجود »

فلسفی مشتق وعرضی است . بازمیگوید من روامیدارم هم « هو » وهم « موجود »
بکار برند ولی باید « هو » را ادات دانست نه اسم . فارابی در اینجا داد سخن را
میدهد و آنچه بایست میگوید و پیداست که ابن رشد آنچه گفته است از وی گرفت
بازابن رشد در تفسیرمابعدالطبیعه دفتر دال (ج ۲ص ۸ـ۵۵۷ چاپ بوئیژ) ودرجامع
مابعدالطبیعه مبحث موجود و هویت (چاپ دکن ۱۳۶۵ ص ۱۰ — ۲۱) همین   ۵
سخنان را آورد .

فارابی در (فصول یشتمل علی جمیع مایضطر الی معرفته من اراد الشروع
فی صناعة المنطق) بازبهمین آوردن « هو » بجای « است » اشاره‌ای نمود و گفت :
« یقوم مقام الکلمة الوجودیة فی الحاضر هذه اللفظة » .

پس ازابن رشد سعد تفتازانی درشرح شمسیه خود سخن فارابی را دررابطه   ۱۰
بودن « هو » درقضیه حملیه عربی آورد[۱] وی درتهذیب المنطق خویش در آغاز
مقصددوم هم میگوید : «قداستعیر لهاهو» وشهابادی درحاشیه خود براین کتاب آشکارا
این مطلب را بفارابی نسبت میدهد مانا همین کتاب حروف را دردست داشته بود .
قطب رازی درشرح مطالع سخن رئیس (درشفا فصل ۶ مقاله یك فن عبارت منطق) را
دراینکه «هو» رابطه قضیه حملیه درزبان تازی است میآورد ومیگوید که این لفظ   ۱۵
ضمیراست وربطی رانمی رساندورابطه درزبان تازی همان اعراب میباشدواگر قضیه‌ای
ازدولفظ مبنی ساخته شود ثنائی وگرنه ثلاثی خواهد بود . رازی دراینجا اشاره‌ای
بگفتار فارابی ندارد[۲] . سخن رازی درست نیست زیرا همین اعراب در زبانهای
دیگرمانند یونانی وجز آن هست ورابطه غیرزمانی درقضیه حملیه هم دارند .

۲۸ـ رسالة فی الحکمة : بروکلمن ازاین رساله یادنمود .   ۲۰

۲۹ـ رسالة فی السیاسه :

---

۱ - بنقل عبدالرحیم در حاشیه برحاشیه شهابادی چاپ تهران سال ۱۲۸۰ در هامش
همین حاشیه .ـ نیزدیده شود شرح شمسیه تفتازانی برك ۴۶ نسخه شماره ۲۹۱ دانشگاه تهران
ولی نامی ازفارابی نمیبرد. تفتازانی پس ازآوردن این سخن از آن خرده گیری کردواعراب را
رابطه دانست و از قطب رازی که درشرح شمسیه گفته که درزبان پارسی رابطه همیشه هست   ۲۵
نیزخرده گرفت و گفت رابطه درقضیه‌ای که محمول آن فعل باشد لازم نیست
۲. دیده شود . شرح مطالع فصل۲ باب۱ قسم۲ (اکتساب تصدیقات)

ازاین رساله نسخه‌ای درواتیکان رم هست که ا ب شیخو ازروی آن بچاپ رسانده‌است ودر کتابخانه‌دانشگاه مصر نیز نسخه‌از آن‌هست.[1] ازاین (رسالة‌السیاسة) پاره در سال ۱۲ مجله (الطبیب) و همه آن در مجله (المشرق) بسال ۱۹۰۱ چاپ شد.

۵ ۳۰ـ رسالة فی‌العقل :

ابن‌ابی‌اصیبعه(۶۰۰=۱۲۰۳م — ۶۶۸=۱۲۷۰م)(ج۲ص۱۳۹س۹) ازدو کتاب یاد میکند (کتاب فی‌العقل کبیرو کتاب فی‌العقل صغیر) ولی دردیگرفهرستها یکی یاد گردید ودر نسخه های چاپی وخطی بجز نسخه فاتح که بوئیژ بچاپ رساند درپایان، مبحث‌بود عقل فعال وعقول فلکی را ندارد و گویا چون باعقیده متکلمان

۱۰ نمیساخت ازنسخه‌ها برداشتند ولی بایستی جزء نسخه باشد و اگرنه مطلب ناقص میماند این افزوده تنها در ترجمه های لاتینی وعبری سده‌های‌میانین دیده میشود این رساله را یك ترجمه لاتینی است کامل که مترجم آن شناخته‌نشد و گویا ازسده ۱۳و۱۴ باشد و نسخه‌ای از آن در برسلو هست و دو ترجمه عبری یکی تلخیص یداعیاپنینی Jedaja Pennini فیلسوف یهودی (۱۲۷۰ ـ ۱۳۴۰) نسخه پاریس

۱۵ ۹۸٤ عبری . دومی ترجمه کالونیموس بن‌کالونیموس در۲۷ آوریل سال ۱۳۱٤م که نسخه از آن درلایبتسیاك بشماره ۳۹ هست ونیز درمونیخ بشماره ۱۲۵ عبری. ترجمه لاتینی که درسده ۱۳و۱٤ شده در۱٤۹۵ودر۱۵۰۰ویکباردیگردرمجموعه ازفلسفه ابن‌سینا ونیز در۱۶۳۸ بچاپ رسید.

از فلاسفه یهودی هلال بن صموئیل واسحق لطیف‌درسده ۱۳ و لاوی بن

۲۰ جرشون در سده ۱٤ و ابراهام بیاجو و یوسف بن سنتوب درپایان سده ۱۵ براین رساله تعلیق نوشتند.

چنانکه گفته‌شداین رساله بلاتینی ترجمه شده‌استوماسینیون آنرابامتن تازی برابرساخته سپس بفرانسه ترجمه کرده و در جلد ٤ Archive d'histoire doctrinal et litteraraire du Moyen Ageبا تعلیق ژیلسون بچاپ رسید.

۲۵ ربانی جوان میکائیل روشن شتاین Mich Rosostein ترجمه عبری و لاتینی

این رساله را در برسلاو بسال ۱۸۵۸ بچاپ رساند و ترجمه عبری دیگری از آن که شاید از سموئیل بن تیبون (۱۲۳۰ ـ ۱۱۵۰) باشد در پاریس هست (بشماره ۱۸۵ عبری) این رساله در (الثمره) دیتریسی و درمصر بسال ۱۹۰۷ سه بار و نیز یکبار در۱۳۲۷ چاپ شد و نسخه کامل آنرا موریس بوئیژ از روی نسخه کتابخانه فاتح دراسلامبول مورخ ۵۹۰ درچاپخانه کاتولیکی بیروت بسال ۱۹۳۸ بچاپ رساند وازاین بخش که برپایان رساله افزوده است و باندازه شش صفحه میباشد دردلالة الحائرین موسی بن میمون فیلسوف یهودی (۵۲۹=۱۱۳۵-۶۰۱=۱۲۰۴) آمده است (بخش ۲ فصل ۱۸ چاپ مونك درپاریس ۱۸۶۱ ج ۲ برگ ۳۷ ب س ۱۰ـ۱۳ متن وص ۱۳۹ ترجمه).

۳۱ـ رسالة فی العلم الالهی در کتابخانه تیمور (۱۷حکمت) هست

۳۲ـ رسالة فی علم الفلسفه: بروکلمن ازاین رساله یاد میکند.

۳۳ـ رسالة فی علم الفراسة:

نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس بشماره ۶۳۴/۶ (ج۲ فهرست ص ۳۹۶ هست.

۳۴ـ رسالة فی ماهیة الروح: لطفی مینویسد (ص۱۸) که نسخه از آن هست.

۳۵ـ۳۶ـ رساله فی ماهیة النفس: ازاین رساله نسخه‌ای دربودلیان بشماره (1,980) هست و بعبری نیز ترجمه شده است و نیز رساله‌ای بنام (شرح رسالة النفس لارسطوطالیس) دررامپورهست.

۳۷ ـ رسالة الماهیة والهویة: نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس بشماره ۶۳۴/۴ (ج ۲ فهرست ص ۳۹۵) هست که همان فصوص الحکم میباشد.

۳۸ـ السیاسات المدنیة یا مبادیء الاجسام یا مبادیء الموجودات.

این کتاب دربیروت بسال ۱۹۰۲ ودردکن بسال ۱۳۴۶ بچاپ رسید و بعبری نیز ترجمه شده وگویا موسی بن طبون آنرا ترجمه کرده و نزدیك بسال ۱۲۴۸ م بپایان رسانده باشد. موسی بن میمون فیلسوف بزرك یهود (۵۲۹ ـ ۶۰۱) در «دلالة الحائرین» از آن یاد کرد و بشاگردخود ابن طبون سپرد که درفلسفه جز آنرا

نخواند و ترجمه عبری آن در کتابخانه پادشاهی در سه نسخه گوناگون هست و
M. PHilippowski آنرا درمجموعه‌ای که بدان Sepher ha AsiPh نام داده بسال
۱۸٤۹ در لایپتسیك بچاپ رساند (دائرةالمعارف اسلامی) ومتن عبری با آنچه را
که قاضی صاعد اندلسی (۴۲۰ ـ ٤٦۲) در طبقات الامم (چاپ مطبعه سعادت مصر
۵ بی‌تاریخ ص ۸۵) درباره السیاسة المدنیه گفته است سازکار میباشد .

فارابی دراین کتاب نخست از شش مبدء (سبب نخستین ـ سببهای دوم ـ
عقل فعال ـ نفس ـ صورت ـ ماده) یـاد میکند و رشته سخن را از جهانشناسی
بشناخت مردمی میکشاند تا اینکه باخلاق و سیاست میرسد و مانند (اراءالمدینة
الفاضله) ازمدینه فاضله واضداد آن گفتگو میکند و پیداست که ازجمهوری افلاطون
۱۰ بسیارمتأثراست .

۳۹ـ شرح رسالةالملاالاعلی لزینون یا شرح رسالة فی‌العلم‌الاعلی لزینون
الکبیرالیونانی :

این کتاب دردکن بسال ۱۳٤۹ بچاپ رسیده ودرآغاز آن فارابی میگوید
از زینون بزرگ‌شاگرد ارسطو واز شیخ یونانی (پلوتینوس) نگارشهائی دیدم که
۱۵ ترسایان شرحهابرآن نوشتند مگراینکه چیزهائی ازآنهاکاستند وچیزهائی برآنها
افزودند و من چنانکه بر یك شارحی می باید برآنها شرح نوشتم و نخستین آنها
رساله زینون‌بزرك یونانی‌است آنگاه سخنان زینون راکه‌ازشش‌چیز کاوش میکند :
(خداشناسی ـ شناخت صفات او ـ بستگی آفریدگان باو ـ درباره پیامبری ـ
درباره دین و آئین ـ درباره روز رستاخیز) کزین کرده گزارش میدهد این کتاب
۲۰ بروش مشائیان اسکندرانی نوشته شده است .

درتاریخ الحکماء شهرزوری (برك ۹۳ـ۹۵ شماره ۸۵٦ و ترجمه پارسی
آن بشماره ٤۲۷ برك ۱۱٦ ب تا برك ۱۱۹ ب وترجمه آن ازدری بخش۱ص ٤ـ
۱۸۰ و ترجمه گزیده آن بشماره ۲۸۳ برك ۳۳ ب ۳٤ ب) و در محبوب‌القلوب
قطب‌الدین محمدبن شیخعلی شریف دیلمی لاهیجی (چاپ ایران بسال ۱۳۱۷ ص
۲۵ ۸ ـ ۱۳٤) سرگذشت زینون آمده و پیداست که ازآن زنون‌الثانی را میخواهند

زیرا در تاریخ فلسفه از سه تن فیلسوف بنام زنون یاد کرده‌اند :

۱ـ زنون Zenon الئائی که در الئامیان ۴۸۵ و ۴۹۰ پیش از مسیح زاده و از آزاریکه جبار شهروی درباره او رواداشت در گذشت وی شبهاتی دارد که فارابی در کتاب مغالطه «الاوسط» برخی از آنها را آورده است .

۲ـ زنون رواقی که در سیتیوم Citium قبرس نزدیك بسال ۳۶۲ پیش از مسیح زاده و در آتن نزدیك بسال ۲۶۰ در گذشت . وی یکی از فلاسفه رواقی میباشد . ۵

۳ ـ زنون سیدونی کـه در نزدیك بسال ۱۰۰ پیش از مسیح رهبری دسته اپیکوریان را داشته واستاد سیسرون وفیلودمس بوده است .

فارابی در اینکتاب که درست از فلسفه نوپلاتونی که رنك اسلام گرفته است گفتگومیکند گویا اززنون همان دانشمند رواقی را میخواهد مگر اینکه برخی از مسائل مانند نبوت از کلام یهودی ومسیحی واسلامی بر آن افزوده شده است . ۱۰

لاهیجی دو فصل اخیر این شرح فارابی را در محبوب القلوب آورده و از سخنانیکه شهرزوری ازوی دانسته بر آن افزود .

۴۰ـ شرح المجسطی .

درموزه بریتانیا بشماره (۷۳۶۸ خاوری) هست . ۱۵

۴۱ـ شرح المستغلق من مصادرة المقالة الاولی والخامسة من اوقلیدس :

این کتاب را موسی بن طبون نزدیك بسال ۱۲۷۰م بعبری در آورد و نسخه‌ای از آن در کتابخانه مونیخ بشماره ۲۹۰و۳۶ هست .

۴۲ـ شرح مقالة الاسکندر الافرودیسی فی النفس علی جهة التعلیق :

نسخه‌ای ازاین در کتابخانه بادلیان اکسفورد بشماره ۸۹۰ ودر برلین بشماره ۴۱۷۸ هست . ۲۰

۴۳ـ عیون المسائل علی رای ارسطوطالیس .

ابن ابی اصیبعه (ج ۲ ص ۱۴۰) میگوید که این کتاب دارای ۱۶۰ مسئله ارسطاطالیسی است این کتاب در لیدن در الثمره دیتریسی بسال ۱۸۹۰م ودر مطبعه السعاده مصر بسال ۱۳۲۵ ودر المجموع ودر مکتبه سلفیه مصر بسال ۱۳۲۸ چاپ شد و نسخه ۲۵

چاپی مصر دارای ۲۲ مسئله میباشد و دیتریسی و المجموع نیز آنرا در ۲۲ بند گذارده اند و یك بار دیگر نیز درمصر با دو رساله‌دیگر بچاپ رسید و در۲٤ بند گذارده شده است و از چاپهای دیگر درجدا کردن‌مسائل بهتراست .

٤٤ـ الفصوص .

۵ ابن‌ندیم (۲۹۷ ـ ۳۸۵) درفهرست و قاضی صاعد اندلسی (م ٤٦۲) در طبقات‌الامم و بیهقی (م ۵٦۵) درتتمه صوان‌الحکمه وقفطی (۵٦۸ـ٦٤٦) درتاریخ الحکماء (وترجمه آن‌بشماره٤۲٤ برگهای۱۲۲و۱۲۳) وشهرزوری درنزهه‌الارواح و روضة‌الافراح (نسخه شماره ۸۵٦ برك ۱۳۱ـ۱۳۲ و ترجمه پارسی آن بشماره ٤۲۷ برك ۱٦۹ تا برك ۱۷۱ دراین‌کتابخانه وهمچنین ترجمه دری از آن ص۳٦ـ
۱۰ ٤۰ بخش۲) وابن‌ابی‌اصیبعه (٦۰۰ـ٦٦۸) درعیون‌الابناءوابن‌خلکان (٦۰۸ـ٦۸۱) در وفیات الاعیان ازکتاب فصوص‌الحکمه یاد نکرده‌اند و خوانساری (م ۱۳۱۳) درروضات‌الجنات نیزاز آن یادننمود تنهاحاجی خلیفه‌کاتب چلبی (۱۰۱۰ـ۱۰٦۸) در کشف‌الظنون ازفصوص فارابی وشرح آن یادکرده است .

شهاب‌الدین یحیی‌بن حبش سهروردی تعلیقی برفصوص دارد بنام عجائب
۱۵ النصوص فی‌تهذیب‌الفصوص. فصوص‌الحکم‌را امیر سید اسمعیل حسینی شام غازانی تبریزی (م ۱۸ محرم ۹۱۹ در ٦۹ سالگی) شاگرد دوانی بنـام سلطان یعقوب بهادرخان بایندری آق قوینلو (۸۸۳ـ ۱۱صفر ۸۹٦) شرح کرده ودر نیمه روز آدینه ۲۵ ربیع دوم سال ۸۹٦ آنرا بپایان رساند . این شرح درتهران بسال ۱۳۱۸ بچاپ رسید و نیزدرچاپخانه العامره‌در ۱۲۹۱ بچاپ رسیده است وهمان است که هورتن
۲۰ Horten بر آن تعلیقی‌نوشته وبسال ۱۹۰٦چاپ نمود .

ابوجعفرمحمدتقی‌استرابادی (م۱۰۵۸) نیزفصوص‌الحکمه را شرح نموده ودر۱۰۵٦ آغازکرده ولی آنرابپایان نرساندو نسخه‌از آن بشماره ۸۳۵ در کتابخانه آستانه طوس‌هست وشرح دیگری هم‌بشماره ۸۳٦در آن کتابخانه هست‌که آغاز وانجام ندارد‌و گمنام است (فهرست طوس ج ٤ ص۱۸۷ـ۱۸۹) درالمجموع للمعلم
۲۵ الثانی . . . الفارابی چاپ چاپخانه سعادت درمصر بسال ۱۳۲۵/۱۹۰۷ در ص ۱۱۵ ـ ۱۷٦

گزیده‌ای ازشرح تبریزی بچاپ رسیده‌است که سید محمد بدرالدین حلبی عبارات تبریزی را جسته جسته گرفته و گرد هم آورده بدان نام (نصوص الکلم علی کتاب فصوص‌الحکم) داده است وی از شرح تبریزی بسیاریرا انداخت و در آغاز و انجام گزیده خود میرساند که این شرح از وی نیست و او تنها گزین نموده است وازبرابر کردن دو نسخه چاپ ایران ومصراین امر آشکارخواهد بود ـ شرحی قطب شیرازی برفصوص نوشته که دررامپورهست (بروکلمن ج ۱ص ۲۳۵ شماره D۷) شگفت این است که بند ۳۰ تا بند ۵۰ فصوص (درشماره گذاری دیتریسی) درست همان رساله (القوی‌النفسانیة وادراکاتها) است که بخواجه‌ابوعلی‌سینانسبت داده‌اند و در تسع رسائل در مصر بسال ۱۰۹۸ و در مجموع رسائل در مصر بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .

ازدانشمندان سید داماد (م ۱۰٤۱) است که درقبسات (قبس ۱۰) صفحه ۲۹۹ چاپ ۱۳۱۵ ایران بند ۱۱ از فصوص فارابی (فص‌انفذالی الاحدیة تدهش الی‌الابدیة . . . . جری‌القلم علی‌اللوح بالخالق) را میاورد و نیز در قبس یکم (ص ۱٤) بند ۳ آنرا آورده است : «المهیةالمعلولة لها عن ذاتها ان لیست ولها عن غیر ان توجد . . . . فهی‌محدثة لابزمان تقدم» .(۱)

پس‌ازوی صدرالدین شیرازی درمبدء ومعاد درمقاله ۱ فن ۱ (ص ۲۹ چاپ تهران بسال ۱۳۱٤) پاره‌ای از بند ۲۲ فصوص فارابی : (ان لك منك غطاء افضلا عن لباسك من بدنك) را آورد ولی درمقاله ۲ آن (ص ۵۳) عبارت (وجود کله وجوب کله علم کله قدرة کله حیوة کله . . . را میآوردو بفارابی‌نسبت میدهد ونامی ازفصوص‌نمیبرد مگراینکه این عبارت درنسخه‌های چاپی‌فصوص دیده‌نشده اگرچه بسیارشبیه بسبك فصوص میباشد .(۲)

٤۵ـعلوم‌المسائل ونتایج‌العلوم:

بروکلمن (ج ۱ ص ۲۳۵ شماره D ۲۳) از آن یادکرد .

۱ـ دیده شود ، فصوص چاپ دیتریسی ص ٦۷ـ٦۹ و درالمجموع ص۱۲۸-۱۳۵

۲ـ دیده شود فصوص چاپ مصر ص۱٤۳ وچاپ برلین ص۷۱

۴۶ـ الفصول : در بودلیان (I،102) نسخه‌ای از آن هست و بعبری نیز ترجمه گردید.

۴۷ـ فی مسائل متفرقه :

ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱۴۰) از آن بنام (جوابات لمسائل سئل عنها) یاد میکند و میگوید که دارای ۲۳ مسئله میباشد و دیتریسی آنرا در الثمره بسال ۱۸۹۰ در ۴۰ بند بچاپ رساند و در دکن بسال ۱۳۴۴ در ۳۱ پرسش وپاسخ و ۵ فصل وچندین بند دیگر که درست جدا نشده است چاپ گردید و نیز درمصر بسال ۱۹۱۷ بچاپ رسید.

۴۸ ـ کتاب فی علم المزاج :

بروکلمن از آن با نشانه (Landberg Brill 1484) یادمیکند.

۴۹ـ کتاب الملة الفاضله : نسخه ازاین در کتابخانه تیمورپاشابشماره ۲۹۰ اخلاق هست.

۵۰ـ کلام فی العلم الالهی : نسخه خطی آن در کتابخانه تیمورپاشا بشماره ۱۱۷ حکمت هست.

۵۱ـ ماینبغی ان یقدم قبل تعلم الفلسفه : این کتاب بارها بچاپ رسیده و ترجمه عبری نیزدارد.

۵۲ـ المقالات الرفیعه فی اصول علم الطبیعه : بروکلمن (ج ۱ص۲۳۴ شماره ۵ C) نسخه‌ای ازاین رساله را نشان میدهد که هست.

۵۳ـ مقالة الاسکندر الافرودیسی : بروکلمن (ج ۱ ص۲۳۵شماره۲۲ D) مینویسد که در پاتنا هست ودرشمار نگارشهای فارابی میاورد.

۵۴ـ مقالة فی وجوب صناعة الکیمیاو الردعلی مبطلیها: نسخه ازاین در لیدن بشماره ۱۲۷۰ ودر برلین بشماره ۴۱۷۸ هست.

۵۵ـ الملتقطات لافلاطون : نسخه ازاین دررامپور II، 841 هست.

۵۶ـ منتخبات من المدخل فی الحساب : در رامپور بشماره 68 ،418 ،1 نسخه ازاین هست.

۵۷ـ الموسیقی :

ابن‌ابی‌اصیبعه (ج ۲ ص ۱۳۹) گوید که فارابی (الموسیقی‌الکبیر) را برای وزیر ابی جعفر محمد بن القاسم الکرخی نگاشته است .

این کتاب در لیدن بشماره ۱۴۲۳ هست و بارون رداف در لانژه Baron Rodelphe d'Erlanger موسیقی بزرگ فارابی و موسیقی شفای خواجه رئیس و موسیقی ارموی را بفرانسه ترجمه کرده و درسه جلد بنام La Musique Arbe بسالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۵ و ۱۹۳۸ در پاریس بچاپ رساند[۱] .

از کتاب موسیقی کبیر فارابی پیداست که وی از بزرگترین موسیقی‌دانهای سده‌های میانین‌است . باز ابن ابی اصیبعه از کتاب دیگر فارابی بنام (کلام فی‌الموسیقی) یاد میکند .

پنج کتاب موسیقی درفهرستها نشان داده وازفارابی دانستند :

۱ـ (کتاب علم‌الموسیقی) که دراسکوریال بشماره S40 هست .

۲ـ (کتاب‌المدخل فی تعلیم الموسیقی) که در کتابخانه رامپور (366 ،1) و کتابخانه راغب پاشا در استانبول بشماره ۸۷۶ و کتابخانه کوپرولی بشماره ۹۵۳ هست و این کتاب را درزبان عبری می‌شناختند .

۳ـ (صناعة علم‌الموسیقی) که نسخه‌ای از آن در کتابخانه کوپرولی بشماره ۹۵۳ و در کتابخانه مصر نسخه عکسی از آن بشماره ۵۱۲ (هنرهای زیبا) هست .

٤ـ (کتاب فی‌الموسیقی) که در کتابخانه تیمور نسخه‌ای از آن هست ولی درص ۲۰۹ آن از ابن سینا یاد میشود پس‌ازفارابی نخواهد بود .

۵ـ (اسطقسات علم‌الموسیقی) که بگفته بروکلمن ازفارابی‌است ونسخه‌ای

1— La Musique Arabe, traduction par . . . .

T. I Alfarabi, Grand traité de la musique paris 1930.

T. II Kitab al-Shifá, Mathematique ch. XII Paris 1935.

T. III, Safiyu-D.Diu Al-Urmawi Paris 1928.

(دراین جلد شرفیه وادوار ارموی هردوترجمه شد)

از آن درمادرید بشماره ۶۰۲ هست .

لاند Lande خاورشناس هلندی پاره‌ای ازرساله موسیقی فارابی را درنامه ششمین انجمن خاوری درلیدن بسال ۱۹۰۳ بچاپ رساند .

دانش وهنرموسیقی را دانشمندان خاوری ازایران ویونان گرفته‌اند واز آغاز موسیقی دانهـای ایرانی بدربارهای فرمانروایان تازی راه یافته در این هنر سرامد بوده‌اند . نگارشهای موسیقی یونانی بزبان تازی درآمده بود . ساختمان‌و روش این‌فن ازریاضی یونان واصطلاحات این هنر بیشتر بپارسی میباشد و نشانه‌های ایرانی دراین هنر آشکاراست .

نخستین بار نگارشهای اقلیدس (کتاب‌النغم‌معروف بموسیقی) و نیقوماخوس (الموسیقی‌الکبیر) بزبان تازی درآمده آنگاه دانشمندانی چند دراین دانش‌کار کرده‌اندکه بیشتر آنها ایرانی هستند :

۱ـ اسحق ارجانی موصلی (۱۵۰ـ۲۳۵)که مادرش شاهك رازی و پدر وی ابراهیم پسر ماهان پسربهمن پسر نساك بوده‌است . این‌هنرمند چندین‌نگارش در موسیقی و سرود دارد و از آنها است : اغانی کبیر ـ مجموعه اغانی ـ اغانی معبد ـ الاختیارمن‌الاغانی للواثق. یحیی‌بن علی درنگارشی‌که بنام موصلی ساخته از (کتاب‌النغم) اوگرفته است .

۲ـ فیلسوف کندی بغدادی (۱۸۸ـ۲۵۸)که ابن‌ندیم (ص ۳۵۹) هفت نگارش موسیقی از وی یاد میکند یکی از نگارشهای موسیقی اورالاخمان وحفنی بچاپ رساندند .

۳ـ ثابت بن قره حرانی (۲۲۱ـ ۲۸۸)که قفطی (۸۲) دو کتاب موسیقی از او یاد میکند .

٤ـ قسطابن لوقا ترسای بعلبکی شامی رومی (مرده درارمنستان نزدیك ۳۱۰)که ابن‌ندیم میگوید وی درموسیقی آگاه بوده است .

۵ـ ابی‌طالب مفضل‌بن سلمه نحوی لغوی (م ۱۹۰ = ۹۰۱)که (الملاهی نوشته است .

۶ـ پسرخردادبه (م نزدیك ۳۰۰) نویسنده (اللهو والملاهی) .

۷ـ فارابی (۲۵۹ـ۳۳۹) که چند کتاب موسیقی دارد .

۸ـ خوارزمی (م ۳۸۷) که در مفاتیح العلوم (باب ۷ مقاله ۲ ص ۱۲۶ـ۱۴۱ چاپ منیریه مصر) ازموسیقی سخن راند .

۹ـ اخوان صفا (سده ٤) که در رساله ۵ بخش ریاضی رسائل و رساله ٤ بخش ریاضی الرساله الجامعه این هنررا آورده‌اند . ۵

۱۰ـ خواجه رئیس ابوعلی سینا (۳۷۰ـ٤۲۸) که درفن چهارم ریاضی شفا و رساله موسیقی این هنررا آورد . این دومی را استاد محمود حفنی ازروی نسخه اکسفورد در برلین بسال ۱۹۳۱ چاپ کرد ودرمجموعه هفت رساله دردکن بسال ۱۹۳۴/۱۳۵۳ نیز بچاپ رسید . ۱۰

۱۱ـ ابوعبید جوزجانی شاگرد شیخ رئیس که برنجات ودانشنامه اورساله موسیقی افزود .

۱۲ـ ابی منصورحسین بن محمدبن عمربن زیله (م ٤٤۰) که الکافی فی الموسیقی را درسه فصل (نغم ـ ایقاع ـ تألیف اللحون) نوشته و نسخه از آن درموزه بریتانیا و رامپورهست . ۱۵

۱۳ـ ابی الصلت امیه اندلسی (م۵۲۹) پزشك شاعرموسیقی دان که عودخوب میزد و (رسالة فی الموسیقی) دارد .

۱٤ـ ابن باجه ابوبکرمحمدبن الصائغ اندلسی (م۵۳۳) پزشك موسیقی دان که عود خوب میزده است .

۱۵ـ امام فخرالدین تبرستانی رازی (م ۶۰۶) که درجامع العلوم یاستینی پارسی درشماره ٤۷ ازموسیقی سخن راند . ۲۰

۱۶ـ ابوالمعالی بدرالدین محمدعلی خطیب شافعی فرزند احمد اربلی موصلی (زاده ۶۸۶) سراینده (ارجوزةالانغام) بسال ۷۲۹ که عزاوی دربغداد بسال ۱۳۷۰/۱۹۵۱ چاپ کرد ونیز درمجله مشرق (ج ۱۶ ص ۸۹۵) بنام جواهرالنظام فی معرفةالانغام ازروی نسخه ۸۷۷ چاپ شد وشرح آن بنام برءالاسقام فی شرح قصیدةالانغام دربرلین ۲۵

بشماره ۵۵۱۵۰ هست.

۱۷ ـ صفی الدین ابوالمفاخر عبدالمؤمن بن یوسف بن فاخر ارموی آذربایگانی که قطب شیرازی درموسیقی درةالتاج (چاپ تهران ص۵) درباره آن (افضل ایران) گفته است وی نزدیك بسال ۶۱۳ زاده و در ۸یا۲۰ صفر سال ۶۹۳ درزندان بگناه تهی دستی و بدهکاری درگذشت. این دانشمند ازمردم بلخ بوده و باادب وتاریخ وخلاف آشنائی داشت وشعر میسرود وخوش می‌نوشت ودرموسیقی سرآمد بوده است. وی درتبریز و بغداد میزیست وکار کتابداری نیز کرده است، این موسیقی دان ایرانی با آمیختن قانون و رباب و نزهه ساز مغنی را ساخت و چندین نگارش درشعر وموسیقی دارد:

الف ـ العروض والقوافی والبدیع که نسخه‌ای از آن در (بودلی) هست.

ب ـ الکافی من‌الشافی که در (کتابخانه عمومی دمشق) هست

ج ـ ایقاع در موسیقی بپارسی که شکرالله احمد اوغلو آنرا بترکی در آورده بخشی ازکتاب بزرك خویش ساخت ودرمجله ترکی (شهبال) در استانبول چاپ شد واحمد بن‌عبدالرحمن موصلی آنر بعربی درآورد.

د ـ الرسالة الشرفیه فی‌النسب التألیفیه یاکتاب الموسیقی که برای شرف الدین هارون پسر شمس‌الدین محمد جوینی نوشت ونسخه‌هائی از آن درآستانه ومصر و برلین (مورخ ۶۷۶) و مجلس شورای ملی وکتابخانه ملی ملك در تهران هست وترجمه فارسی آن درکتابخانه حاجی محتشم السلطنه بوده است وکارادوو خاور شناس فرانسوی گزیده آنرا بفرانسه درآورده ودرمجله آسیائی بچاپ‌رسید

هـ ـ الادوار که ارموی آنرا پیش ازگشودن بغداد نگاشته ودر۱۵ فصل میباشد و نسخه مورخ ۶۳۳ آن در نور عثمانیه بشماره ۳۶۵۳ و نسخه نوشته عبدالکریم بن‌السهروردی درتاریخ۷۲۷ درمصر بشماره ۳۴۹ (هنر های زیبا)هست این کتاب راچندین باربپارسی ترجمه وشرح کردند:

I ـ ترجمه پارسی نسخه ملی ملك که گویا ازخود صفی الدین است

II ـ شرح شهاب الدین صیرفی.

III شرح یحیی بن احمد کاشی موسیقی دان که بدستور شاه شیخ ابواسحق اینجو (۷۲۱-۷۵۸) نگاشته و نسخه‌ای از آن درمجلس تهران هست و در آن گاهی ترجمه و گاهی تفسیر نمود.

IV شرح نصرالله قاینی.

V شرح خواجه عبدالقادر غیبی مراغی آذربایگانی (۷۵٤ - ۸۳۸) بنام زبدةالادوار. وی رساله‌زوایدالفواید خویش‌را پس‌از آن‌نوشته و بر آن افزود و ایندو با رساله موسیقی بترکی در سپهسالار تهران هست. مراغی دیباچه‌ای بر این شرح نوشته و بنام شاهرخ ساخته است وعزاوی نسخه آنرا دید. ۵

VI شرح لطف‌الله سمرقندی.

VII ترجمه محمداسماعیل سپاهانی که برای میرزا آقاخان نوری صدراعظم ناصرالدین شاه نگاشت و نسخه آن درمجلس ومسجدسپهسالار هست. ۱۰

الادوار چندین شرح وترجمه بعربی وترکی دارد:

I شرح عربی مولانا مبارکشاه که برای جلال‌الدین ابوالفوارس شاه شجاع مظفری (۷٦۰-۷۸٦) نگاشته و نسخه آن درموزه بریتانیا هست.

II شرح عربی فخرالدین‌محمدبن محمدبن‌ابی‌نصرخجندی (موزه بریتانیا) ۱۵

III شرح عربی گمنام (موزه بریتانیا).

VI ترجمه ترکی‌شکرالله احمداوغلواماسیه‌ای در آغازسده نهم که ۲۱فصل بر آن افزود. این ترجمه درجلد آخر مجله ترکی شهبال بچاپ رسید و دوره‌ای از آن را مخبرالسلطنه بکتابخانه آموزشگاه عالی موسیقی بخشیده است.

۱۸- قطب شیرازی (٦۳٤ - ۷۱۰) که در درة‌التاج (بخش ۲ چاپ تهران بسال ۱۳۲٤ در ۱٤۹ صفحه) درفن ٤ جمله ٤ (علم اوسط) ازموسیقی سخن راند وی در آغاز ازخرده گیریهای ارموی برفارابی و ابن سینا پاسخ گفته و باز درجاهای دیگر ازفارابی وارموی یاد نموده است. ۲۰

۱۹- شهاب‌الدین‌عبدالله صیرفی‌خنیاگرخوشنویس (م۷٤۲) که خلاصةالافکار فی معرفة‌الادواررا برای سلطان اویس (۷۵۷ - ۷۷٦) نوشت (نسخه آقای همائی ۲۵

که درتاریخ ادبیات ایران خود ج ۱ ص ٢١٤ و ج ۲ ص ۸۸ از آن یاد کرد) .

۲۰ـ شمس‌الدین محمد آملی (م ٧٥٠) که درمدرسه غازانیه تبریز درس میگفت وسپس درروزگارشیخ ابی‌اسحق بشیرازرفت شیرازی درشدالازار (چاپ تهران بسال ۱۳۲۸ ص ۱ـ ٤٥٠) مینویسد که او را دیدم و بـا او آمیزش داشتم واو دوستدارخاندان پیامبربوده است ودرشیرازدرگذشت . آملی درنفایس‌الفنون (چاپ تهران بسال ۱۳۰۹ وسال ۷ ـ ١٣١٦) درفن ٤ مقاله ۳ قسم ۲ از موسیقی سخن راند و درآغاز این فن در دو جا از فارابی و ابن سینا یاد کرد وی درآنجا بخرده گیریهای صفی‌الدین ارموی درشرفیه ازفارابی‌همان پاسخهائیکه قطب شیرازی دردرةالتاج داده است میدهد .

۲۱ـ صفدی نگارنده الوافی بالوفیات (م ٧٦٤) کـه « الکتاب الجامع فی‌الموسیقی » نگاشته و نسخه‌ای از آن دربرلین بشماره ٥٥٢٥ (ج ٥) هست .

۲۲ ـ خواجه کمال‌الدین ابوالفضائل عبدالقادر بن غیبی حـافظ مراغی آذربایگانی (٧٥٤ـ۸۳۸) که این نگارشها ازاواست :

الف ـ جامع‌الالحان بفارسی که کتابی است بزرك و در یك مقدمه و ۱۲ باب ویك خاتمه وهمه مسائل را دارد وبرای شاهرخ نگاشته‌است نسخه‌هائی‌از آن درنورعثمانیه هست دردانشمندان آذربایجان ص ٢٦٢ گوید وی این کتاب را برای پسرخود نورالدین عبدالرحمن بسال ٨١٦ نگاشته است .

ب ـ کتاب‌الموسیقی که نسخه‌ای از آن درنورعثمانیه هست .

ج ـ مقاصدالالحان که برای‌سلطان‌محمدبن‌سلطان مرادنگاشته و نسخه‌ای مورخ ٤ ج ۲ سـال ۸۳۸ در طوپقپو بشماره ١٧٢٦ هست نگارنده دانشمندان آذربایجان (ص ٢٦١) از نسخه‌ای بخط خود او و مورخ ۸۸۱ که برای شاهرخ میرزا نوشته بود یاد میکند .

د ـ زبدةالادوار که نسخه‌ای از آن را منیف بیك مستشار پیشین سفارت عثمانی درتهران درآنجا جسته و باستاد رؤف بیك موسیقی‌دان ترك ارمغان داد .

هـ ـشرح ادوارارموی که‌عزاوی‌نسخهٔ‌ازآن رادیده و آنراجزءزبدةالادوارمیداند .

و ـ کنز الالحان فی علم الادوار .

۲۳ـ محمدبن عبدالحمید لاذقی (م نزدیك ۹۰۰) که زین الالحان فی علمی التألیف والاوزان را در ۸۸۸ نگاشته ونسخه‌ای از آن بشماره ۳۶۵۵ در نورعثمانیه هست . وی الفتحیه فی الموسیقی را برای سلطان بایزید پسر سلطان محمد نگاشته ونسخه‌ای از آن در کتابخانه عمومی اوقاف بغداد در گنجینه خالدیه بشماره ۲۱۲۹ هست و در آستانه طوس هم نسخه‌ای بتاریخ ۹۵۷ (فهرست انجاج ۳ ص ۳٤٤) بشمارهٔ ۱٤۲ هست [۱] .

۱ـ دیده شود: مجله موسیقی سال۱ شماره ٤ و ٥ تاریخ ۱۳۱۸ ص۱۱ـ۱۸ و سال۳ تاریخ ۱۳۲۰ شماره ۸و۹ ص۳۱ وشماره ۱۰و۱۱ همین سال ص۱۲ ـ ۲۳ که در اینجا ازرساله‌موسیقی گمنامی یاد میکند که‌در نزدیك بسال ۹۱۰ نوشته‌شده‌است وص۲٦-۲۷ همین شماره .

نیز مجلة المجمع العلمی العراقی جزء ۱ سال ۱ چاپ بغداد بسال ۱۹۵۰-۱۳٦۹ که کتاب النغم ابواحمد یحی بن علی بن یحیی بن (ابی منصور مجوسی ستاره شناس پارسی) درص ۱۱٤ـ ۱۲٤ این مجله چاپ شده است. ابـواحمد (۲٤۱ـ ۳۰۰) ادیب شاعر متکلم معتزلی بوده است . جواد علی در دیباچه‌ای که براین کتاب النغم نوشته است ص ۱۰٤ ـ ۱۱۲ ازمجموعه‌ای درموسیقی یادمیکند که در موزه بریتانیا بشماره ۸۲۳ هست ومینویسد که درآن چندین رساله است :

۱رساله‌ای بفارسی ازمحمد بن خلال رضوی مورخ ۱۰۲۸ درباره اراء فقیهان و صوفیان درباره موسیقی ۲ـ رساله جواز سماع از عبدالجلیل بن عبدالرحمن که برای نواب مسیح الزمان نگاشته‌است ۳ـ الادوار ارموی ٤ـ شرح ادوار ٥ـ شرح ادوارمبارکشاه ٦ـ شرح ادوار خجندی ۷ـ موسیقی دانشنامه یاحکمت علائی ۸ـ رسالة فی خبر تالیف الالحان ازکندی که گویا همان باشد که لاخمان (Lachman) ومحمود حفنی بهمین نام در لایبتسیك بسال ۱۹۳۱ شرح وچاپ کردند و از آن رساله نسخه عکسی درقاهره هست ۹ـ رساله گمنام درموسیقی که ازشفا وادوار وشرفیه ارموی ومقاصد الالحان مراغی یادمیکند وبرای سلطان محمود بن سلطان مراد عثمانی (۸٤۷ـ۸٤۹) نگاشته شد ۱۰ ـ الکافی فی الموسیقی ابن‌زیله ۱۱ـ رساله یحی ندیم که ازخاندان دانش بوده وازاسحق بن ابراهیم موصلی پیروی میکرده است این‌رساله بچاپ رسید. ندیم چند رساله دیگر درتاریخ شعرا وخنیاگران دارد ۱۲ بخشی از (المدخل فی‌الموسیقی) فارابی ۱۳ـ کشف الاوتار ازقاسم فرزند دوستعلی بخاری که بپارسی است و برای امپراتور جلال الدین اکبر نگاشته است ۱٤ کنزالتحف درموسیقی که بپارسی است ودریك مقدمه و ٤ مقاله است و بیت هائی در

بقیه حاشیه درصفحه بعد

۵۸ـ نکت فیمایصح ومالایصح من احکام‌النجوم .

این رساله درالثمره دیتریسی و درالمجموع بنام (نکت ابی‌نصر فیمایصح و مالایصح من احکام‌النجوم) بچاپ رسید و در ۳۰ بند شماره گذاری شده است . درچاپ دیگرمصر که سه رساله فارابی با دعوةالاطباء ابن بطلان در آن است بدان (مختصرالفصول‌الفلسفیه) نام داده شده و عنوانهای فصل دارد و در ۳۰ فصل است این رساله دردکن بنام (رسالة فی‌فضیلة العلوم والصناعات) بسال۱۳٤۰ بچاپ رسید آنهم عنوانهای فصل دارد .

در مدرسه سپهسالار تهران دو نسخه بشماره های ۱۲۱٦ و ۲۹۱۲ هست و دومی رسالة الفصوص‌الصغیر نامیده وسر هربندی (فص) دارد ودردیگری رسالة (النکت لابی نصرالفارابی) نامیده شده و بیك واسطه از خط فارابی نقل گردید ودیباچه ازابواسحق ابراهیم‌بن عبدالله بغدادی داردکه درچاپ دیتریسی‌والمجموع دیده میشود ولی درچاپ دیگرمصر ودرچاپ هند نیست .

درنسخه این کتابخانه (شماره ۳۳۹)که بدوواسطه از روی خط فارابی نوشته‌شده عنوان فصل دارد و ۳۰فصل میباشد واین‌دیباچه را هم دارد ودرپایان‌هم

مانده حاشیه صفحه پیش

آن هست که برای سید غیاث الدوله والدین حسینی سروده شد شد این کتاب در۷٤٦ بنگارش درآمد .

نیز: الموسیقی العراقی فی‌عهد المغول والترکمان ازمحامی عباس عزاوی که‌پس ازدیباچه‌ای درتاریخ موسیقی عراق(که‌درآن همه موسیقی دانهای‌ایرانی‌را ازعراق‌دانست!!) سه‌رساله ملاهی‌ابن‌سلمه ولهووملاهی پسرخرداذ به‌ازروی مروج الذهب مسعودی وارجوزة الانغام اربلی رادربغداد بسال ۱۳۷۰--۱۹۵۱ بچاپ رساند .

ملاهی ابن‌سلمه راجیمس روبس بانگلیسی ترجمه کرده و در مجله انجمن همایونی آسیائی باعکس نسخه خط یاقوت مستعصمی بسال ۱۹۳۸ چاپ نمود وچاپ عزاوی ازروی آن‌است و نسخه‌اصل درسرای طوپقپودراستانبول‌میباشد. عزاوی دردیباچه ازالعودوالملاهی یحی‌بن‌ابی منصورموصلی، وقصیدة‌فی آلات‌الطرب ازنویسنده گمنام (فهرست مصرج۳ص۲۸۷) یاد میکند وی‌باز میگوید که عبدالعزیزنوادهٔ خواجه عبدالقادر مراغی برای سلطان‌سلیمان نقاوة الادوار نگاشته ونسخی ازآن درآستانه هست .

با دو نسخه سپهسالار و چاپ مصر و هند نزدیك است دردو نسخه چاپی دیتریسی والمجموع نکته‌ای که بایستی ازهمان دیباچه نگار باشد نیست [۱] .

اکنون از اثبات المفارقات گفتگو کنیم : فارابی دراین کتاب میگوید که مفارقات چهارند (خدا ـ عقلهای فعال ـ نیروهای آسمانی ـ روان مردمان) آنگاه خدا را با برهان نیازمندی رشته ممکنات بهستی بی سبب از روی دلیل « وسط وطرف » که متأخران آنرا یکی ازدلایل امتناع تسلسل دانستند اثبات میکند و برای اثبات عقلها شش دلیل میاورد که یکی از آنها برهان (آفریننده یگانه و یکتا را آفریده‌ای یگانه و یکتا خواهد بود) میباشد و درهمین دلایل نیروهای آسمانی و روان را مجرد نشان میدهد و در پایان دلیلهای دیگری برای تجرد روان میاورد که یکی از آنهاهمان دلیل حضور ذاتی‌است که شیخ رئیس درمباحثات با بهمنیا را آورده است . امام رازی در مباحث مشرقی و صدرالدین شیرازی در مبدء و معاد واسفاراین گفتگوی استاد وشاگرد آورده ترتیبی بدانها دادند ودانشمند سبزواری درمنظومه بدان‌اشاره‌نمود . فارابی‌درانجام این کتاب بعقل هیولائی‌و بفعل ومستفاد اشاره میکند .

[۵۷]

۲٤۵ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای چندین رساله ازفارابی میباشد و از برك ۸ ب تا ۱۰ ب بخط نسخ نوشته شده است . نشانه نسخه دردنبال «الاوسط» یادگردید .

---

۱ ـ دیده شود :

۱ ـ متن فرانسوی دائرةالمعارف اسلامی درکلمه فارابی .

۲ ـ دیباچه وخاتمه احصاءالعلوم چاپ مصر بسال ۱۹٤۹ ازدکتر عثمان امین .

۳ ـ الفارابی عباس محمود چاپ مصر بی‌تاریخ

٤ ـ تاریخ فلاسفه الاسلام لطفی جمعه چاپ مصر بسال ۱۳٤۵/۱۹۲۷ درشرح حال فارابی .

۵ ـ دیباچه موریس بوئیژ بررساله فی‌العقل فارابی چاپ بیروت بسال ۱۹۳۸ بفرانسه .

٦ ـ شرح حال فارابی در دنباله نکت فارابی که با دو رساله دیگر اویکجا چاپ گردید ص ٦٤ .

۷ ـ معجم‌المطبوعات

[٥٢] **اثبات النبوة** (عربی)

خواجه رئیس ابوعلی سینا در این رساله که در (تسع رسائل) چاپ قاهره
بسال ۱۹۰۸ ص ۱۲۰-۱۳۲ آمده است پیامبری را ثابت میکند و پرده از روی راز
ورمز پیامبران برمیدارد وفرشته آسمانی را نیروی عقلی می‌پندارد و مسئله دشوار
٥ وحی را با روش فلسفی میگشاید آنگاه پیامبری پیامبر اسلام را روی سنجش با
پیامبران دیگر اثبات میکند وی در اینجا میگوید که پلاتون در نوامیس می‌نویسد:
«هر که راز پیامبران را در نیابد بجهان خدائی نخواهد رسید» بازمیگوید که پیامبران
یونانی همه رمز بکار می‌برده‌اند ازاین روی بود که پیامبر توانست تازیان نادان را
دانا سازد. شیخ در اینجا آیه نور را تفسیر فلسفی میکند چنانکه در بند ۱۱ نمط ۳
۱۰ اشارات همین کار را کرده و آیه را بچهار عقل تأویل نمود آنگاه میگوید که اسکندر
افرودیسی در اینکه عقل کلی را همان خدای ارسطو پنداشت نادرست گفته است.
سپس برعرش بودن خدا وفرشته بودن آسمانها و پاداش و کیفر وصراط وهفت در
دوزخ و هشت در بهشت را تأویل فلسفی میکند روش شیخ در اینجا مانند باطنیان
اسمعیلی میباشد و تأویلهای ناصرخسرو را بیاد میآورد. شیخ میگوید که فیلسوفان
۱٥ بزرگ یونان همه برمز می‌نوشتند جز ارسطو که افلاطون اورا در این باره نکوهش
کرده و او گفت اگرچه من دانش را دردسترس همه گذارده‌ام ولی درنگارشهایم
شکافهائی است که همه بدان راه نمی‌یابند قنواتی (ش ٢٤٥) مینویسد که ترجمه
پارسی این رساله در نورعثمانیه بشماره ٤٨٩٤ هست.

١٠٧٩ این نسخه شماره بیست ششم دفتری است که دارای ۳٥ رساله میباشد و بخط
تعلیق از ص ١٦٠ تا ص ١٦٧ است ودرپایان نسخه نام (عبدالرحمن بن محمود بن
عبدالکریم الحساری الطبیب) نوشته شده که گویا دارنده نسخه بوده‌است. نشانه
نسخه دردنبال رساله (حدود) شیخ یاد گردید.

[٥٣] **اثبات واجب** (عربی)

این رساله همان رساله اثبات العقول شیخ رئیس (شماره ۳۳۹/۱۹) است که
۲٥ درآن بروش مشائیان رفته خدا راثابت میکند ورشتهٔ آفریدگان را چنانکه آنان

گفته‌اندگزارش میدهد و از پیامبری وروز رستاخیز نیز یاد میکند.

آغاز : «بسمله الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمدواله اجمعین کل شیء فی عالم الکون والفساد مما لم یکن فکان قبل الکون ممکن الوجود».

انجام : جل جناب الحق عن یکون شریعة لکل وارد اویطلع علیه الاواحدا بعد واحد فمن سمع و اشمأز فلیتهم نفسه فلعلها لا یناسبه و کل میسر لما خلق له ۵
عبارتی که درپایان رساله دیده میشود همانست که شیخ رئیس دراشاره ۲۸ نمط ۹ اشارات آورد.

[۵۹]

این نسخه شماره چهل و ششم دفتری است که دارای ۵۱ رساله میباشد ودرص ۲-۱-۴۰۱ این دفتر که بخط نسخ وتعلیق شکسته باجدول بزرولاژورد میباشد و ۱۰ ۱۰۳۵
صفحه شماری دارد وسه تن آنرا فراهم آوردند یکی ناصرالدین حسین بن نورالدین محمد کرمانی بسال ۱۰۹۷ (ص۷۷-۱۵۲-۱۶۷-۱۷۲) وسال ۱۰۹۹ (ص ۴۵-۷۲) وسال ۱۱۰۱ (ص ۴۶) وسال ۱۱۰۲ (ص ۴۰۲). دیگر سالك الدین یزدی (۲۹۹).

دیگر شهاب الدین علی حسنی حسینی دیباجی درشعبان ۱۰۹۸ (ص ۶ - ۲۸۵) ودررباط کرمان بسال ۱۰۹۹ (ص۲۱۹و۳۰۰) ودرشعبان سال ۱۱۰۰ (ص۴۵۰و۴۵۵) ۱۵
و شب ۱۸ ج ۱ سال ۱۱۰۴ (ص۴۵۰) ودردیه فیض آباد خبیص درپنجشنبه ۱۷ شعبان همین سال (ص۳۵۱) و بسال ۱۱۰۹ (ص ۴۲۵). بازنام همین شهاب الدین درص۴۱۳ دیده میشود درص ۲۹۹ نوشته است که سالك الدین یزدی اصل نسخه را نوشت.

درص۴۵ دارد: «کتبه ابن نورالدین محمد ناصرالدین شنبه ۲۴ رجب ۱۰۹۹» ودرص ۴۶: «حرره الاخ الاعز ناصرالدین محمد فی شهرشوال ۱۱۰۱» ودرص۷۲: ۲۰
«ابن نورالدین محمد ناصرالدین حسین کرمانی درفیضابادخبیص کرمان بفرموده مخدوم شها با علیا سه شنبه ۲۵ ج ۲-۱۰۹۹» ودرص ۷۷و۱۵۲و۱۷۲ سال ۱۰۹۷و درص ۱۶۷ نیزشعبان همین سال خوانده میشود و درص ۴۰۰ دارد: «ابن نورالدین محمد ناصرالدین» باز درص ۴۰۲ همین نام یاد شده ودارد: «بدستور سیادت شها با علیا درسه شنبه ۲۴ رجب ۱۱۰۲» - بازتاریخ ۱۱۰۱ درص ۴۱۴ دیده میشود. ۲۵

درص ۴۱۶ دارد: «نقلتها من مجموعة ... مولانا عبدالحسین البافقی سلمه فی قصبه بافق ۱۱۴۲ پس این دفتر را این سه تن از سال ۱۰۹۷ تا ۱۱۴۲ بنگارش درآوردند و درکرمان نوشته شده و پیداست که ناصرالدین آنچه را نوشت بدستور همان شهاب الدین بوده است.

درص ١٨٥ این دفتر پاره‌ای ازسخنان ابن‌الطیب درباره عشق دیده میشود که از رهگذر روانشناسی و پزشکی از آن گفتگومیکنند وچنین آغاز میشود : «فصل من کلام ابی‌العباس احمدبن‌الطیب فی‌العشق ذکرفی کتابه فی‌تثبیت امرالنجوم واجزاء الحکمه و اسرارالنفس » باز در همین جا سخنی آورده شده از دیگری در همین ٥ مسئله عشق .

درص ٢١٩ محمد قاسم حسینی دوبخش ازسخنان شرف‌الدین علی یزدی را میآوردبدینگونه : «من حلل مطرزفی‌تعریف کمال‌اسمی کل عدد ، من مصنفات مولانا شرف‌الدین علی یزدی . . . » آنگاه خود ازاین مسئله ریاضی کاوش میکند .

درص ٢٢٠ نیزگفتارهائی است درریاضی ودرص ٢٢٤سخنانی است ازشیخ ١٠ اقرائی ودیگران درباره نشانه‌های آبستنی وسترونی . ودرص ٢٣٢ چند بیتی بتازی از ابن‌سینا . درص ٢٤٦ خرده‌گیری که دبیران قزوینی از سخن خواجه رئیس درشفا درباره شناساندن فصل «الذی یمیزالماهیة عما یشارکها فی‌الجنس» کرده است آمده ونیزتعریف امکان خاص وواجب است وممتنع .

درص ٢٦٣ : سخن حلاج دردم مرگ وگفتگوی او با شبلی و نمازخواندن ١٥ وخندیدن اوهنگام دیدن چوبه دار ومیخهای آن چنانکه ابراهیم فرزند فاتك میآورد.

درص ٢٦٧ : بیتهائی از و طواط و شیخ رئیس و مغاربه و ابوسعید رستمی وخبزرزی .

درص ٢٦٨ :گفتگوی اوحدالدین ابی‌حامدکرمانی با مستنصر بالله دررباط مرزبانیه .

٢٠ در ص ٢٧١ : راز و نیـاز شیخ رئیس با ستاره عطـارد هنگامیکه میخواست مسئله دشواری برای وی‌آسان گردد درسه بیت .

در ص ٣١٤ : سه نامه پارسی که کلمات همانند و بی‌نقطه (جناس خطی) درآنها بسیار آمده نخستین از قاسم نوربخش است بپادشاه غیاثاشاه عبدالعلیا دومی پرسشی است که از امیرعلی شیرکرده‌اند وپاسخ او سومی نامهٔ دیگری است .

٢٥ ص ٣١٦ : از باب دوم «مفیدالمستفید» درشناختن تن و جان بپارسی که از محمد غزالی دانسته شد ولی از باباافضل کاشی است .

ص ٣٣٦ : ازنگارشهای میرزا سعید وزیرملك حمزه خان .

ص ٣٧٧ــ٣٨٥ :گفتار یزدی درعرفان و علم حروف بفارسی شیوا و چنین آغازمیشود : « من حلل مطرز من مصنفات مولانا شرف‌الدین علی یزدی » .

٣٠ ص ٤١٣ : سخنی از پلاتون . ص ٤١٤ : سخنی از خواجه طوسی درآغاز

وانجام جهان بروش عرفانی وباطنی وبفارسی‌از برخی رساله‌های اووآغازوانجام آن چنین‌است : «درصفت راه‌آخرت وذکرسالکانش واسباب اعراض مردم‌ازآن ـ وتمسك بكلمات تامات اووتمت کلمه ربك صدقا وعدلا . . . وهاديا ونصيراً .

ص ٦ـ٤١٥ : پاسخ شیخ بهائی بشاه عباس دربرخی مسئله‌های فقهی وتاریخی بفارسی‌که درآن از پیدایش‌آبله فرنگی (آتشك) یاد شد . ٥

ص ٤١٧ : پاسخ شیخ زین‌الدین عاملی بکسی‌که میپرسد چرا صوفیان کرامتها دارند ودانشمندان ندارند . وی میگوید : صوفیان مانند بندگان همدم شاهند وازراز او آگاهند و دانشمندان مانند نمایندگان شاهند درکشورداری ودورند از وی مگر اینکه از بندگان برترند .

١٠ ص ٤١٨ : پاسخ خواجه طوسی بکسی درباره جدا ساختن وحدت و توحید و اتحاد بپارسی .

ص ٤ـ٤٣٣ : گفتار از مایشگران و پزشکان درباره درجه‌های نطفه دررحم .

ص ٤٣٥ : سخن دوانی‌درباره توحید (من افادات محقق‌الدوانی فی کلمة‌التوحید اعلم ان محصل‌التوحید اثبات وجود فرد واحد للواجب) .

١٥ ص ٧ـ٤٣٦ : ازرساله اثبات واجب جدید دوانی درباره توحید بپارسی .

ص ٤٤١ : درباره معنی وجود بپارسی‌که درآن از حاشیه شرح حدید میرسید شریف‌الدین علی‌گرگانی‌که درشیرازدرگذشت‌آورده شده وترجمه گفتار او بپارسی .

ص ٤٥١ : نامه قاضی میرحسین میبدی بمولانا جامی بپارسی .

ص ٤٦٠ : ازعجائب‌المخلوقات قزوینی دراعداد وفق ومربعات بپارسی .

٢٠ ص ٤٨٨ : پندهای لقمان بپارسی ـ ص ٤٩٦ : نامه سالك محمد بملازین‌الدین طبیب بپارسی با اصطلاحات پزشکی وتاریخ نوشتن آن ٢٢ شوال ١١٠٣ میباشد .

ص٤٩٩ـ٥٠٣ : گزیده‌ای ازقرابادین شفا . ص٥٤٢ ترجمه پندهای شیخ رئیس بنظم پارسی .

نشانه نسخه در بخش‌یکم یادگردید ودرص ٢٤و٥٤و٦٤ این بخش نیز ازآن یاد شد . ٢٥

[٥٤] اثبات واجب (عربی)

خواجه رئیس ابوعلی‌سینا این رساله را درسه فصل (اثبات آفریننده ـ علتها ومعلولها ـ دانائی خدا) نوشته ودرآن ازخدا وصفتهای اووآفرینش‌او گفتگونمود.

این رساله همانست‌که قنوانی درفهرست خود بنام « الفصول‌الثلثة » بشماره

۱۸۷ یاد نمود وجزو رساله‌ایست که پیش شناسانده شد .

آغاز : قال‌الشیخ‌الرئیس - بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . . الفصل‌الاول فی اثبات الصانع و ایراد البرهان القاطع علیه کل جملة من علل و معلولات فلا بد وان ینتهی الی طرف هو علة لیس بمعلول .

۵ انجام : انت‌المرجوع الیه والمعول علیه فی‌تفسیر هذاالامر العظیم و الانزال فی هذا المنزل المبارك الکریم . . . . والمشتاقین منهم الـی مرتبه‌العشق . انك انت الرحیم والحمدلله رب‌العالمین .

[۶۰]

۸۷۶ این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای ۱۶ رساله وبخط شکسته تعلیق از از برك ۴۳ ب تا برك ۴۷ ب میباشد .

(همه دفتر ۲۰۵ برك) -کاغذ فرنگی - جلد مقوا گوشه‌ها وته‌آن میشن

اندازه : ۱۱×۱۸ و ۹×۱۵ س ۱۸

[۵۵] **اثبات‌الواجب** (عربی)

دانشمند بزرگوار ابوجعفر محمد فرزند علی طوسی که در ۷۵ سالگی

۱۵ در نجف بسال ۴۶۰ درگذشت ازرهبران نامورشیعی‌بشمارمیآید و بشیخ یاشیخ‌الطایفه یا شیخ الامامیه یا الشیخ الطوسی نامبردار میباشد . وی شاگـرد شیخ مفید و سید مرتضی وابن‌الغضائری وابن عبدون بود وبیشتراز ۳۰۰ شاگرد سنی وشیعی داشت فرمانروایان عباسی او را مانند دیگر رهبران مذهبهاکرسی تدریس داده بودند و آزادانه درس میگفت . طوسی درحدیث ورجال وادب وتفسیرو کلام واصول وفقه

۲۰ سرآمد روزگارخویش‌بوده ونزدیك به۳۷۸نگارش دارد وی در کلام «اصول‌العقاید که در آن ازتوحید وعدل گفتگونمودونیز« مایعلل ومالایعلل »که دیباچه‌ای است بی‌مانند برای کلام نوشت در پیروی دانشمندان شیعی از طوسی همین بس که شیخ سدیدالدین محمود فرزند علی فرزند حسن رازی حمصی (زنده در ۵۸۱ و۵۸۳) دانشمند متکلم اصولی فقیه و استاد فخررازی و شیخ منتخب‌الدین و امیرورام بن

۲۵ ابی‌فراس (م۶۰۵) [1] میگوید : «پس‌ازشیخ طوسی‌برای‌امامیان دیگرفتوادهنده‌ای

۱ - نگاه به : ریحانة‌الادب ج۲ص ۳۹۹ - ۴۰۱ وج ۱ ص ۷ - ۳۴۶ وهدیة‌الاحباب قمی ص ۹

نمانده وهمه از او نقل میکنند » . این سخن را زین‌الدین شهید ثانی عاملی جبلی (۹۱۱-۹۶۶) درالرعایة فی درایة الحدیث (چاپ سنگی ایران از آقامیرزا حسین کجوری بسال ۱۳۰۹ ص ۳-۳۲) وابومنصور جمال‌الدین حسن (م ۱۰۱۱) فرزند شهید ثانی درمعالم درمطلب ۵ دراجماع اصل ۱ (چاپ سنگی تهران بسال ۱۳۱۶ بی‌صفحه شماری) ازهمان « الرعایة فی درایة الحدیث » پدرخود از « البهجة لثمرة المهجه » سید رضی‌الدین ابوالقاسم علی‌بن طاوس (م ٦٦٤) ازامیرورام‌بن ابی‌فراس (م ٦٠٥) از سدیدالدین رازی حمصی آورده است . واینددومی‌نویسند که متأخران هرچه فتوا میدادند گرفته ازسخنان طوسی بوده وازروی خوشی‌گمانی ازاوپیروی میکردند پس بشهرتی در فقه میتوان نگریست که پیش‌از طوسی میان دانشمندان پیدا شده باشد نه شهرت میان دانشمندان پس از شیخ که همگان از وی پیروی میکردند نه اینکه ازخود چیزی آورده باشند[1] .

باری طوسی درروزگار ترقی علم‌کلام و رواج بازار جدل و بحث میزیست ومسئله اثبات خدا که فیلسوفان و متکلمان همه بدان مینگریستند او را هم بخود کشید واو دراین گفتار کوتاه که گویا از نگارشهای کلامی‌او گرفته شده‌است بی‌آنکه نیازی بابطال دور وتسلسل باشد خدا را ثابت نمود .

آغاز : برهان شریف علی اثبات الواجب . . . غیر متوقف علی ابطال‌الدور والتسلسل‌وهومما (ذکره) شیخ (؟!) الطوسی . . وبیانه موقوف علی‌تقدیرمقدمتین

انجام : ولیس بتمام فی‌التأثیر فیسقط النقصان .

۱— این سخنان رااندو دانشمند آورده ومیخواهند ازمتاخران نکوهش کنند، دربرابر دانشمند میرزا ابوالقاسم فرزند محمد حسن گیلانی قمی (۱۱۵۱-۱۲۳۱) در « القوانین المحکمه » درمبحث اجماع درتنبیه ٤ قانون۱ (چاپ سنگی عبدالرحیم درایران دردوجلد ۱ بسال ۱۳۰۲و۲ بسال۱۳۱۹ج۱ ص ۳۷٤و۳۷۷ از گفتار آنان خرده گرفته و گفت: اگر چنین بگوئیم متاخران راتفسیق کرده‌ایم وآنان برترند ازاینکه ازشیخ تنها پیروی کنند و خود رأیی نداشته باشند نیز دانشمند شیخ محمد حسن فرزند عبدالرحیم سپاهانی (م نزدیك ۱۲٥٤یا۱۲٦۱) در « الفصول » درالقول فی‌الاجماع (چاپ سنگی ایران از غلامحسین بن محمد خوانساری بی‌تاریخ وشماره) همین گونه ازگفته آنان خرده گیری کرده‌است

[۶۱]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ششم دفتری‌است که دارای۱۵رساله وچندین گفتاراست و بخط تعلیق میباشد ودر برک ۳۴ الف ونشانه نسخه درص ۶۷ یادگردید .

آنچه دراین دفترآمده بدینگونه است :

۵ ۱ـسخنی‌ازقاضی نجم‌الدین عمروبن‌محمدبن‌الکریدی بالشویك (؟!) درباره اینکه«س» ودرپایان کلمات یونانی مانند تنوین عربی‌است (برك۱ب). درباره حرف «س» یونانی لاهیجی درمحبوب‌القلوب (چاپ سنکی ایران بسال ۱۳۱۷ ص۱۴) نیز گفتگونمودوهمان را دری درترجمه نزهةالارواح شهرزوری‌بنام کنزالحکمه (چاپخانه دانش تهران بسال ۱۳۱۶ خورشیدی دردیباچه ص ۲۶) آورد .

۱۰ ۲ـ لغات متضاد و مثنی (۲ الف) .

۳ـ رساله نفی حیز وجهت از فخررازی .

۴ـ از کتاب آداب‌المریدین شیخ ضیاءالدین ابی‌النجیب عبدالقاهر بن عبدالله السهروردی م ۵۶۳ دراینکه بی‌نوائی بهتراز توانگری است (۳ ب) .

۵ـ ازفتوحات محی‌الدین اندلسی وازشرح خطبه طوالع دوانی (۴ الف) .

۱۵ ۶ـ ترجمه تازی فصول خواجه طوسی .

۷ـ تسلسل اسباب ومسببات ابن‌سینا .

۸ـ رساله وجیزه درنفس ناطقه .

۹ـ نهایةالبیان فی درایةالزمان از امام داودبن محمد قیصری م ۷۵۱ .

۱۰ـ اثبات واجب شیخ طوسی (رساله ششم) .

۲۰ ۱۱ـ رساله عروس ابن‌سینا .

۱۲ـ برهان توحید گیلانی .

۱۳ـ از «منتخبات انوارالشریعه» ازعارف آملی که درآن ثابت میکند که ماهیات مجعول نیستند (۳۷ ب ـ ۴۵ الف) و بروش عرفانی است وآغاز وانجام آن چنین است :

۲۵ « بسمله و به نستعین من منتخبات انوارالشریعه من افادات سید حیدر بن علی‌الآملی ساکن مشهدالغروی طاب ثراه : ما وقع‌الخلاف بین‌الانبیاء والرسل علیهم السلام فی اصول‌الدین و ارکان‌الاسلام وان وقع‌فی‌الفروع والاحکام‌الجزئیه ـ ولذلك خلقهم والله اعلم و احکم والسلام علی من اتبع‌الهدی » آملی درآن از فصوص شیخ اعظم وازمقدمات شارح فصوص یاد میکند .

۳۰ ۱۴ـ از کتاب‌الروح شمس‌الدین محمدابوعبدالله‌بن قیم جوزیه حنبلی م ۷۵۱

که بدینگونه آغاز میشود : « اعلم ان الله سبحانه و تعالی جعل الدور ثلثة دارالدنیا ودارالبرزخ ودارالقرار» وانجام آن چنین است : «فمن سوء فهم وقلة عقله - والسلام علی من اتبع الهدی » (٤٥ ب - ٤٦ الف) .

۱۵- ازروضة الجنان در ۱٤ رأی که درباره نفس آورده‌اند (٤٦ ب - ٤٧ الف) و از حاشیه شرح حکمة العین محقق شریف درباره جدائی میان علم الیقین و عین الیقین وحق الیقین (٤٧ الف) و برهان تجرد نفسها بفارسی (٤٧ ب - ٤٩ الف) که بهمان خط تعلیق ومورخ ۱۱۹۸ میباشد . واثبات اینکه شناختن خدا نه بدانگونه که ملحدان گویند نیازی بآموزنده ندارد . این عبارت از « نقدالمحصل» طوسی است (٤٩-۵۰ الف) و سخنی از فارابی درپیوستن نفسهای متوسط بجرمهای آسمانی و نیز از همو درخرده گیری ازجالینوس دراینکه دماغ و مغز جایگاه نیروی مدبر هست (۵۰ الف) و باز از همو در شرح معینهای « ذات - جوهر - طبیعت » (۵۰ ب) بهمان خط و همان تاریخ .

۱٦- رساله وجود مطلق سیدعلی همدانی که دردنبال آن سخنانی از پلاتون درباره یگانگی خدا وجهانها وجهان مثالی (بهمان تاریخ و برك ۵۲ ب تا برك ۵۳ الف) واز ارسطو (از شهرستانی) (۵۳ ب ۵٤ الف) آمده است ونیز از حواشی فصوص فارابی دراینکه از «وجه» ذات را میخواهند (۵٤ الف و ب) .

۱۷- اعتقادات شیخ بهائی که در ۱۳۲٦ بچاپ رسید (ذریعه ج ۲ ص ۲۲۸) دردنبال آن اینهاهست : گفتارفیلسوفان درباره آمیختن عنصرها (۵۹ الف) وگفته‌های دانشمندان درباره فرشتگان و دیوان که درآن از (اکلیل) همدانی یاد میشود (۵۹ الف وب) وسخن میرفندرسکی دراین که رهروان یکتاپرست نباید وابسته یکی بودن هستی یا چندتابودن آن باشند وتفسیر گفتار ارسطو ، «المحرك الاول فی المحیط دون المحاط» (۵۹ ب) و سخنانی از فیلسوفان درباره تجرد نفس (٦۰ الف) و اثبات اعتباری نبودن هستی (٦۰ ب ٦۱ الف) و درتوحید حقیقی و اینکه این جهان آشکارا یکی بیش نیست (٦۱ب -٦۲ الف) وسخن ترسایان درخداشناسی وخرده گیری ازآنها (بهمان تاریخ و ٦۲ ب - ٦۳ الف) .

۱۸- مقولات عشرطوسی .

۱۹- رساله نفس ارسطو و دردنبال آن این سخنان دیده میشود : دراینکه تندرستان هرروز ۲۵۸۰۰ بار نفس میکشند و درهربار نبض پنج بار میزنند و بگفته علامه شیرازی در تحفه شاهی درگفتن هرلفظی فلك اطلس ٦۰۰۰ فرسنك می پیماید وهرلفظی برابر است با زدن یك نبض پس درهرشبانه روزی نبض ۱۲۹۰۰۰ بارمیزند

(۷٦ ب) نیزاز « رسالةالتوضیحات » حسام‌الدین لاهیجی درآگاه شدن بمغیبات (۷۷ ب ـ۷۸ الف) واز « مرآت‌الحقایق ومجلی‌الدقایق » میرغیاث‌الدین منصور دراینکه وضو وغسل و زکوة و روزه و حج چیست (۷۸ الف و ب) که درآن حکمت فلسفی وطبیعی وخلقی اینها را میآورد .

۵ ۲۰ـ رساله در نسبت مؤلفه دردنبال آن از حاشیه نفحات درتحقیق انبساط وانقباض زمان آورده شده وبفارسی است (۸۱ الف) .

۲۱ـ علوم‌غریبه (نفس‌ووهم) ودربرك۸۸الف سخنی‌ازامام در«السرالمکتوم» درباره اینکه فرشته همان رب‌النوع است آمده .

۲۲ـ شرح دوانی بربیتی ازگلشن راز و دردنبال آن اینها است . پاره‌ای از

۱۰ « تحفةالاحباء » و « درج‌الدرد » که هردوعرفانی‌است (۹۰ الف) وسخنانی عرفانی ازسید ابراهیم قزوینی وصدرالدین شیرازی (۹۰ ـ ب ۹۱ الف) ومطالبی گوناگون درعرفان و حدیث و ادب (۹۱ ب ـ ۹۲ ب) و قصیده‌ای در۱۲ بیت که به ٤۲۰ گونه میشود آنرا خواند (۹۳ الف) وسخنانی از صدرالافاضل و عارف‌کاشی دراصطلاحات وازشرح فصول نصیریه وازعلامه حلی درعرفان وفلسفه وکلام .

۱۵ [٥٦] **اثبات واجب** (فارسی)

خواجه طوسی دراین رساله فارسی بروش مناظره خدا را ثابت میکند و اندکی مفصل است نسخه‌ای از آن دردفتر بشماره ۲۹۱۲ در مدرسه سپهسالار هست . درآستانه طوس (ج ٤ ش ۲۹٦ ص ۲) نسخه دیگری از خواجه هست که این نیست در ذریعه (ج ۱ ص ۱۰۸) می‌نویسد که خواجه این رساله را برای

۲۰ نجم‌الدین کاشی فرستاده بود .

آغاز : مسئله در اثبات واجب‌الوجود بطریق مناظره . اگر واجبی نبود هیچ موجود نبود .

انجام : و برتقدیرتسلیم حصرفساد لازم بیاید . والسلام .

[٦۲]

این نسخه شماره ۱۹ دفتری است دارای ۳۵ رساله ودرص ۱۰۳-۱۱۳ ونشانه

۱۰۷۹ آن درص٤۵ یاد شد شماره‌ٔسوم‌آن بخشی است ازآغازرسالهٔ «ردبرجالینوس دراین که وی فیلسوف نبوده است » از موسی بن میمون بن عبدالله قرطبی اسرائیلی پزشك فیلسوف‌نگارنده دلالةالحائرین (۵۲۹-٦۰۱) وی دراینجامیگوید :

جالینوس درریاضیات ورزیده شده ومنطق هم خوانده وبهمه نگارشها طبیعی و الهی
ارسطو نگریسته سخنانیکه درپزشکی دارد درست میباشد ولی در نگارشهای طبیعی
والهی ومنطق خویش بسیار کوتاه آورد . او درباره رایهای ابقراطس و افلاطون
کتابی نوشت و ردی برارسطو دارد مگراینکه شایسته چنین نگارشها نبوده است .
آغاز وانجام آن چنین است : ۵

« قال موسی بن عبدالله القرطبی المعروف بموسی بن میمون فی اول رسالة کتبها
رداعلی جالینوس فی انه لیس فلسفیا . . . من العلوم قول الفلاسفة ان للنفس صحةومرضا
کما للجسم صحة ومرض وکتابا یضمن الرد علی ارسطو » .

امام طوسی (گویا خواجه باشد) نکته‌ای در سه سطر درباره تفسیر سخن ابن
میمون دارد بدینگونه : ۱۰

« قال الامام الطوسی بعد مطالعة هذه الرساله اما بیان المرض الذی لا یکاد ان
یسلم منه احد . . . فهو کما ذکره و هوالذی یسمی بالعجب . . . اشد من ذلك العجب
المعجب » (ازص٦تا ص٨) شماره ۱۳ این دفترچنانکه درفهرست آن یاد شده بایستی
«رخش» سهروردی باشد که درص ۳۲ بوده ودرآوردند وشماره ۱۸ آن (از ص۹۰
تا ص ۹۲) نامه رشیدالدین و طواط است بحسن قطان در پاسخ وی که میگفته است ۱۵
توهنگام گشوده شدن مرو بدست اتسزخوارزمشاه کتابهایم را ربوده‌ای . یاقوت حموی
در سرگذشت حسن بن علی الکافی درمعجم الادبا (چاپ گیپ قسم ۱ جلد۳ ص ۱٦۹ـ
۱۷٦) این نامه را آورد . نیزچند خبر ازپیامبر (ص۹۲ـ۹۹) وازنثراللئالی ازعلیع
(ص ۹۹ـ۱۰۳) و شماره ۳۳ این دفتر کلمات قصار است بترتیب حروف تهجی ونیز
حدیث (ص۹ـ۲۳۸) دردنبال شماره ۳٤ سخنانی‌است ازعارفان وپارسایان وفیلسوفان ۲۰
وادیبان درتصوف وپارسائی وکیمیا وجزآنها ونیزخبر و حدیث (ص۲٤۲ـ۲۸۱) نیز
نامهٔای از ارسطو که از عیسای مسیح میپرسد آیا راهی هست که با آن مردم بآنچه
میخواهند، برسند وپاسخ عیسا که می‌نویسد : تنها خردبسنده نیست این پرسش وپاسخ
مانند نامه‌ای است که میگویند جالینوس بعیسا نوشته وپاسخ گرفت و پیداست که همه
اینها ساختگی است ایندونامه درمحبوب القلوب ص ۵و۱٦۰ آمده است نیزنامه‌ای از ۲۵
شاه مصر بشریف مکه (ص ۲۷۰) . شماره ۳۵ سفارشنامه سید داماد است .

[۵۷] اثبات الواجب (عربی)

دبیران قزوینی نجم الدین علی بن عمر کاتبی (م٦۷۵) فیلسوف منطقی ریاضی‌دان
وشاگردخواجه طوسی واستادعلامه حلی این رساله‌رانگاشته ودرآن ازبرهانی که

پیشینیان برای بودن خدا ازراه نیازمندی ممکن بواجب و ناروائی دور و تسلسل آورده‌اند، خرده گرفت. وی آنرا بدرخواست یکی از دانشمندان همکار خود نوشت.

درآستانه طوس (ج ٤ فهرست ش ۲۹۷ص۳) نسخه‌ای هست که درآن شش رساله ونامه از دبیران وطوسی درهمین مسئله آمده است. ۵

آغاز: بسمله قال الامام ... الکاتبی القزوینی رحمه‌الله: « امابعد حمدالله والثناء علیه بما هو اهله ... فهذه رسالة حررتها بالتماس من شارکته فی البحث من العلماء ... فی مباحث یتعلق بالبرهان الذی ذکره الاوائل فی اثبات موجود واجب لذاته.

۱۰ **انجام**: لم قلتم بانه لیس کذلك، لابد له من دلیل ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه الاوراق. الحمدلله لواهب العقل بلا نهایة والصلوة علی محمد بغیرعدد وغایة وصلی‌الله علیه وآله اجمعین الی یوم‌الدین.

[٦٣]

۸٦۳ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ٦ رساله میباشد و بخط شکسته تعلیق با نشانه‌های شنگرف است ازبرگ ۵۹ ب تا برگ ۷۳ ب.
(همه دفتر ۸۱ برك) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سبزضربی
اندازه: ۹ × ۱٦ و ۵ × ۱۰ س ۱۱

[۵۸] اثبات الواجب (عربی)

محقق دوانی (۸۳۰ـ۹۰۷ یا ۹۰۸) دورساله دراثبات خدا نگاشته است ویکی راکه نخستین بار نوشته و (قدیم) نامیده میشود بنام سلطان بایزید۲ (۸۸٦ ــ ۹۱۸) ساخته ودردوروزازکوتاهترین روزهای تابستان آنرابپایان رساند دردیباچه اثبات واجب جدید میگوید که ده سال پیش درجوانی بدرخواست یکی‌ازبزرگان گیلان رساله‌ای درباره اثبات واجب درده فصل نوشته‌ام (کشف‌الظنون) ولی از دیباچه اثبات واجب قدیم پیداست که این رساله دردومقصداست. دوانی دردیباچه این رساله میگوید که بجز برهان تطبیق تا پایان رساله را دردوروز ازکوتاهترین ۲۰ ۲۵

روزهای تابستان نوشته بودم و پس‌از مدتی که فراموش شده بود و گرفتاری های روزگار از نشر و اتمام آن باز میداشت از یك پایگاه پاکی دستوری رسید و مرا یارشد واین دفتر بنگارش در آمد آنگاه نام آن پادشاه (بایزید) را میبرد ورساله را بنام اومیسازد .

۵ این رساله که اثبات واجب قدیم میباشد در دو مقصد است دریکی دلیلهائی که وابسته بابطال دوروتسلسل است میاورد ودردومی دلیلهائی رابرای اثبات خدایاد میکند که نیازی بابطال آندو ندارد بلکه نخست خدا با آنها ثابت میشود سپس بطلان آندو روشن میگردد .

درمعجم المطبوعات ص۸۹۲ می نویسد که رساله اثبات واجب دوانی در آستانه چاپ سنگی شده است ولی نمیرساند که قدیم است یا جدید . ۱۰

آغاز : سبحانك ما اعظم شأنك و اظهر برهانك انت المشاهد فی العین ولا یشاهدك العین .

انجام : الحسنی والیه الرجعی و لهذه المباحث مزید تفصیل ربما یعتبرعلیه فی تعلیقاتنا . . .

۱۵ [٦٤]

۳۰۳ این نسخه شماره دوم دفتری اسب که دارای ٤ رساله میباشد و نشانه آن درص٦٦ یاد گردید این رساله نیز بخط تعلیق ادهم بن قاضی بیك هرابادی خلخالی واز برگ ۲۱ ب تا برگ ٤۹ الف میباشد ودرشامگاه پنجم رمضان سال ۱۰۲۵ نوشته شدوحاشیه‌هائی دارد ازخود دوانی که در کنار نسخه دیده میشود .

[٥٩] **اثبات واجب** (فارسی) ۲۰

دوانی رساله دیگری دراثبات واجب دارد که بنام جدیدنامبرداراست واین گفتارترجمه بخشی‌از آنست بپارسی ومترجم درپایان آن میگوید که نخواستم همه کتاب را ترجمه کنم و پس‌از ترجمه آن بخش از سه گونه آفرینش یاد میکند یکی آفریدن هستی که لازم ماهیت است و مشائیان مانند ارسطو و ابن سینا و خواجه طوسی‌وهمه متأخران بدین‌رأی هستند . دیگری آفریدن ماهیت که اشراقیان مانند ۲۵

سهروردی میگویند سوم آفریدنی که آفریده بهستی حقیقی یاخداپیوندد که ذوق متالهان مانند دوانی همین است دراین ترجمه از « بهجة السعاده » بهمنیارشاگرد شیخ یاد میشود .

آغاز : در بحث توحید از رساله اثبات واجب جدید میگوید که « این
۵ مطلب یعنی اثبات واجب ادق مطلب الهیه است و احق است بآنکه طالب در آن صرف سازد اوقات خودرا » .

انجام : وموجودات اعم است ازین وجود قائم بنفس خود و آن وجود منسوب الیه است بانتساب خاص ـ مترجم کلام میگوید که مقصود محقق دوانی . . . اثبات ذوق حکماء متالهین وصوفیه متشرعین که قایل بوحدت وجودند . . . دیگرشك
۱۰ وشبهه درتحقیق حقیقت این طریقه حقه نماند . واللّٰه‌المستعان والیه التکلان .

[٦٥]

۱۰۳۵ این نسخه در ص ۷ـ٤٣٦ این دفتر اسب که دارای ۵۱ رساله میباشد و بارها ازآن یادگردید .

[٦٠] **اثبات الواجب** (عربی)

۱۵ دانشمند فیلسوف شمس‌الدین محمد بن احمد خفری شیرازی (م ۹۳۵ یا ۹۵۷) ازشاگردان صدرالدین محمد دشتکی (۸۲۸ ـ ۹۰۳) بوده و درروزگار شاه اسماعیل یکم صفوی (۹۰۷ ـ ۹۳۰) میزیسته و درکاشان و شیراز بسرمیبرده است وی تذکره خواجه طوسی را بنام تکمله بسال ۹۳۲ شرح نمود قاضی نوراللّٰه شوشتری درمجلس هفتم مجالس‌المؤمنین اورا از فرزانگان شیعی بشمارآورد[۱] .

۲۰ ۱ ــ شوشتری می‌نویسد که درروزگارشاه اسماعیل شهربانان و سران هرشهری مردم را آئین شیعی میآموختند و ناگزیر میساختند که از جانشینان سه گانه پیامبر بیزاری جویند وبرآنهانفرین فرستند روزی داماد خفری هراسان‌نزدوی رفت و گفت که سرگذشت چنین است چه باید کرد خفری بدو گفت برووبرآنها نفرین کن که (دوسه عرب عامی‌جلف) بوده‌اند . بازمیگوید : هنگامیکه این شاه شروان وآذربایگان‌بگرفته بود دانشمندان سنی
۲۵ بقیه حاشیه درصفحه بعد

خفری چندین رساله در اثبات خدا و بحث از صفات او دارد و در آنها مشرب اشراقی و عرفانی وی پیداست یکی از آنها رساله‌ای است که برای ابوالفتح سلغرشاه بن توران شاه بن محمد شاه بن تهمتن بهادرخان نوشت و نسخه‌ای از آن در آستانه طوس هست (ج ٤ ش ۳۰۱ ص ٥) و یکی از آنها رساله است که برای مبارزالدین حسین خان نگاشته است و دارای یك مقدمه در اصول موضوعه و سه مقصد (دلیلهای بود خدا ـ دلیلهای یگانگی او ـ اثبات دانائی او) و یك خاتمه در سخنان فیلسوفان پیشین یونان درباره بود و یگانگی خدا که در آن گفته های آنان را میآورد و شرح میدهد . ٥

آغاز : بسمله الحمدلله الذی کان ولازمان ولامکان فاوجدالخلائق بقدرته .

انجام : والکواکب وحرکاتها الطولیه والعرضیه (تمت الرساله بعون الملك الوهاب والیه المرجع والمآب) . ۱۰

[٦٦]

۹۲۶ این نسخه شماره هفتم دفتری است دارای ۱۵ رساله و گفتار و بخط تعلیق درشت با عنوانهای شنگرف از برك ۱۱۳ ب تا ۱۱۸ الف .

[٦۱] **اثبات الواجب** (عربی)

این رساله نیز از خفری است وچنانکه در دیباچه نوشته است باید در ده مقصد باشد ولی از خود نسخه که کامل می‌نماید پیداست که سه مقصد بیش نیست (اثبات ۱۵

مانده حاشیه صفحه پیش

عراق از ترس میگریختند از شهری بشهری میرفته‌اند چنانکه در کاشان کسی نماند که داوری کند وفتوا دهد ناگزیر مردم نزد خفری رفته پرسشها میکردند و او از روی هوش وخرد خویش بااینکه فقه نخوانده بود بپرسشهای آنان پاسخ میداد . شیخ علی بن عبدالعالی محقق کرکی عاملی (که درنزدیك بهفتادسالگی بسال ۹۲۷ درگذشت) درآن هنگام بکاشان رفت و خفری را بدید و بنوشته های او نگریست دید که همه سخنان او باگفته‌های دانشمندان شیعی سازگارمیباشد . سپس شوشتری ازاین‌جانتیجه میگیرد که خرد زشت وزیبا ونیك وبد را ازهم بازمیشناسد چنانکه معتزلیان وامامیان نیز بهمین رأی هستند . ۲۰

در ریحانة الادب تبریزی (ج ۱ ش ۹۲ ص ٤۰٤) نوشته است که کرکی درروزگار شاه تهماسب صفوی (۹۳۰ — ۹۸٤) میزیسته واوگاهیکه میخواست بزیارت برود خفری را جانشین خویش ساخت و دراین هنگام بود که وی بکار فتوا و داوری پرداخت و کرکی همینکه برگشت و دید که سخنان خفری همه ازروی دین است بیشتر بدوبگرائید . ۲۵

خدا ـ یگانگی او ـ دانائی او) و یك خاتمه هم دارد بس درازکه درآن سخنان
فیلسوفان یونانی واسلامی را درباره دانائی خدا میآورد و درهریك از مقصدهاهم
از سخنان فیلسوفان یونانی یاد میکند و بیشتر این رساله درباره دانائی خداوند
است . خفری در آن ازنگارنده « فتوحات مکیه » و از فصوص فارابی (برك ۱۲۹
۵ الف) یادمیکند خفری دردیباچه نوید میدهدکه ۱٤دلیل برهانی و ۵ دلیل عرفانی
برای اثبات خدا بیاورد ولی در رساله جز ۱۲ دلیل بروش مشائی دیده نمیشود .

آغاز : بسمله الحمدلله الفرد الذی لم یلد ولم یولد . . . فیقول . . . محمدبن
احمدالخفری هذه رسالة فی الالهیات وقدر تنباها علی عشره مقاصد .

انجام : ولماکان مبحث العلم بحر اعمیقالا ساحل له (اقتصر ـ ظ) علی
۱۰ ماذکر . الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهرین .

[٦٧]

۹۲٦ این نسخه شماره هشتم دفتری است دارای ۱۵ رساله و گفتار و بخط تعلیق
درشت وازبرگ ۱۱۸ب تا برك ۱۳۳ الف است .

[٦٢] **اثبات الواجب** (عربی)

۱۵ این رساله نیزازخفری است ودارای یك مقدمه وسه مقصداست و یك خاتمه
که در آن سخنان فیلسوفان مانندتالیس ملیتوسی وانکسیمانس وامپدکلس وپلاتون
درباره دانائی خداوند را میآورد و پس از آوردن رأی پلاتون درباره مثل و شرح
دادن آن بمشرب خویش میگویدکه ارسطو نیز با او همرأی است و اعتراضی را
که نگارنده شفا کرده است رد میکند خفری دراین رساله ازدانائی خداوند بیشتر
۲۰ گفتگومیکند ـ نسخه ازاین رساله درآستانه طوس (ج ٤ ش ۳۰۰ ص ٤) هست

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . . فیقول احوج خلق (عباد) الله
الیه محمد الخفری هذه رسالة فی اثبات واجب الوجود بالذات و صفاته بالدلائل
القطعیه التی تقررت عندی قطعیتها .

انجام : وامامراتب هذاالعلم التفصیلیه فهوعلی اربعة علی التفصیل المذکور
۲۵ ولما (کان)مبحث العلم بحرالعلم اعمیقالاساحل له اقتصرعلی ماذکر والحمدلله علی افضاله

والصلوة علی محمد و آله علیهم الصلوة والسلام ـ تم بحمدالله سبحانه .

[٦٨]

۱۰۷٤ این نسخه شماره پنجم دفتری است دارای ۱۸ رساله و بخط تعلیق ریز و گاهی بی نقطه است واز برك ٧٦ الف تا برك ۱۲۲ الف میباشد .

(همه دفتر ۲۳۲ برك) كاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی

اندازه: ٥ر۱۰ × ۲۰ و ٥ر٥ × ۱۴ س ۱۸

[٦٩]

۱۰۳۰ این نسخه شماره هیجدهم دفتری است که دارای ۲۳ رساله و گفتار میباشد ومحمد سلیم ودرویش بن علی ومحمد حیدر ومحمد مؤمن و دیگران بسالهای ۱۰۸٤ و ۱۰۹۱ و ۱۰۹۳ و ۱۰۹٤ و ۱۱۸۷ آنرا نوشته اند و برکهای ۱ تا ٦ و ۲۰۱ تا ٦۰٦ سفید است .

این رساله بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف است وبپایان نرسیده وازانجام آنچه که هست اینست :

« فکذلك الوجودالحقیقی غیر ان الکثرة فی الوجود الحقیقی انما یکون فی الظهور» برابر با سطر ۱۵ برك ٩٦ الف شماره ۱۰۷٤ .

(همه دفتر ۲۰۸ برك) كاغذ فرنگی ـ جلد تیماج ضربی

اندازه : ١٤٫٥ × ٥ر۲۰ و ۸ × ٤ س ۱۸

[٦٣] اثبات الواجب (عربی)

این رساله کوتاه نیز از خفری است و بسیارشیوا وشیرین وروان نگاشته است و در آن با دوگونه دلیل مشائی و اشراقی که رویهم بشش دلیل میرسد بود و یگانگی وسادگی (بساطت) خدا را روشن میسازد و بسه دلیل مشائی عنوان «لمحه» وبسه دلیل اشراقی عنوان لمعه میدهد خفری در اینجابابنکه هستی محض یکی بیش نیست اشاره دارد وهمانستکه ملاصد را در نگارشهای خود یاد میکند .

آغاز بسمله قال العلامه الخفری : « رب افض علینا بفضلك یا فیاض ـ « لمحة مشائیه » فی اثبات الواجب . مجموع الممکنات بالامکان الخاص فی حکم ممکن واحد . . . »

انجام : والامکان اظهر منه وهو باطل . تم والحمدلله واهب العقل .

[٧٠]

١٠٣٨ این نسخه شماره پنجم دفتری است دارای ١٩ رساله وچندین گفتار که بخط
محمد درویش بسال ١٠٥٥ ومحمد باقرسپاهانی در١٠٥٦ میباشد . ازبرك
٣١ الف تا برك ٣٤الف سخنانی‌است بنظم ونثرازخواجه احراروبوذرجمهر
وناصرخسرو باباافضل ومؤیدالدین جندی درشرح فصوص ودیگران ودر٣٧ ب تا٤١ ٥
الف نظم ونثری است ازنظامی و قونوی درتبصرةالمبتدی و تذکرةالمنتهی بپارسی
وازشیخ عبدالعلی درنورالثقلین و از ابی‌الفتوح رازی وامام فخررازی هردو درتفسیر
خود. دربرگهای ٤١ ب‌تا ٤٨ الف بازسخنان‌گوناگون دیده میشود ورساله ششم آن
دربدیع است بپارسی (٤٨ ب ــ ٥٠ الف) و در ٥٠ الف تا ٥٤ ب همچنین سخنان
دانشمندان است دربرك ٦٥ ب شعرهائی ازمولانا لطف‌الله نیشابوری ودربرك ٦٦ب ١٠
تا برك ٧١ ب سخنان شیخ اشراقی سهروردی و عارف صوفی سهروردی و دیگران
دربرگهای ٧٢ الف تا پایان دفتر بجز رساله‌هائی‌که هریك درجای خود یاد میشود
نیز خبر ونظم ونثردانشمندانی مانند محقق‌گرگانی وازمرزبان‌نامهٔ و شرح حورائیه
امیرحسین میبدی دیده میشود چنانکه در١١٦ ب تا١٣٢ ازمبدء ومعاد وشواهد ربوبی
شیرازی وشرح فاضل‌قزوینی درمباحث فلسفی ودربرك٩٩ الف سخن فارابی دردروغ ١٥
بودن احکام نجوم وگفتار سنائی آورده شده دربرگ ١٣٦ ب تا ١٣٧ الف پایان
لوامع‌الاشراق فی مکارم‌الاخلاق دوانی برابر با ص ٣٣٢ تا ص ٣٣٧ چاپ هند بسال
١٢٨٣ نوشته شد .

این رساله خفری بخط تعلیق شکسته وموورب ودربرك٤١ ب نوشته شده وباید
بخط همان محمد باقر سپاهانی باشدکه رساله دوم این دفتر را دراکبرآباد و رساله ٢٠
سوم را درحیدرآباد بسال ١٠٥٦ نوشت .

(همه‌دفتر ١٦٣ برك) کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ١١ × ٢٦ و٥ر٩ × ٥ر١٩ س ٣١

[٦٤] اثبات الواجب (عربی)

در مجلس هفتم مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری (م ١٠١٩) در ٢٥
سرگذشت میرغیاث‌الدین منصور دشتکی می‌نویسد که وی بررساله اثبات واجب
پدرخود میرصدرالدین کبیر محمد (زاده‌دربامدادروز٢شعبان٨٢٨وکشته دربامداد
آدینه١٢رمضان٩٠٣) شرحی نوشت وخود غیاث‌الدین‌هم رساله‌ای دراثبات واجب

بنام« مشارق » دارد و در کشف الظنون (ج۱ص۵۳۹) نوشته است که میرصدرالدین محمد شیرازی اثبات واجب نگاشته و آغاز آن چنین است : « الله لااله الا هو له الاسماء الحسنی » باز در آنجا (ج ۲ ص ۴۳۸) نوشته است که « مشارق النور و مدارك السرور فی الکلام» از شیخ ابی منصور فرزند محمد حسینی است در کشف الحجب (ص٤) می نویسد که اثبات الواجب از غیاث الدین شیرازی است و آغازش چنین است : «سبحانك اللهم یا من تفرد بالوجوب و الوجود و توحد بافاضة الخیر و الجود» در الذریعه (ج ۱ ص ۹ ـ ۱۰۸) چنین آمده : که اثبات الواجب از میرصدرالدین محمد شهید بدست ترکمانها و معروف بصدر الحقیقه و صدر العلما و الحکما میباشد و او فرزند میرغیاث الدین منصور پسر صدر الدین محمد پسر ابراهیم پسر صدرالدین محمد پسر اسحق پسر علی پسر عربشاه حسینی دشتکی شیرازی است و تاریخ زاد و مرك او را از شرح پسر وی استادالبشر میرغیاث منصور (م ۹۴۸) بر همین اثبات الواجب آورده است . باز میگوید نسخه‌ای از متن اثبات الواجب در کتابخانه تقوی در تهران هست و بخط حاج محمود پسر محمد پسر محمود نیریزی و بتاریخ ربیع یکم سال ۹۰۳ میباشد و در آن اجازه‌ای است از همان میرصدرالدین و بخط او برای همین نیریزی که در ماه محرم نوشته است و آغاز اثبات الواجب در آنجا چنین است : « الله لااله الا هو له الاسماء الحسنی منه الابتدا و به البقا » نیز می نویسد که غیاث الدین منصور بجز شرح بر اثبات الواجب پدر خود کتابی بنام « مشارق » در اثبات واجب دارد .

این غیاث الدین دشتکی از دانشمندان و فیلسوفان بوده و در سال ۹۳۶ صدر اعظم شاه طهماسب یکم صفوی (۹۳۰ ـ ۹۸٤) شده و در شیراز بسال ۹۴۸ در گذشت و پسری داشت بنام صدرالدین محمد که او هم از دانشمندان بشمار میآمد و از نامهای این خاندان پیداست که بسیاری از آنها همنام بوده‌اند .

این رساله گویا همان مشارق باشد و در بیشتر جاها شکهای رازی بزرك را میآورد و در برابر آن از سخنان رازی کوچك یاد میکند و گاهی از کتابهای ابوعلی و از طوسی در آن یاد میشود گویا خطبه آغاز رساله را که در کشف الحجب آمده در این نسخه نیاوردند

آغاز : بسمله . هذه الرسالة مرتبة علی ستة مقالات امـا المقالة الاولی ففیهـا اربع مسائل . المسئلهالاولی فی اثبات واجبالوجود . اماالبرهانالذی اقامهالحکماء علیه

انجام : و حکمالکلی علی الجزئی لیس بقادح فی هذا و نحن قد قررنا فی ماسلف هذاالمعنی فلا نعیدها .

۵ این رساله شش مقاله است : (۱ اثبات واجب در ٤ مسئله ۲ صفات خدا در ٤ مسئله ۳ افعـال او در ۳ مسئله ٤ احوال اجسام در ٤ مسئله ٥ اقسام اجسام در ۲ مسئله ٦ درنفس که بسیار کوتاه است) از خودکتاب نام آن و نگارنده آن دانسته نمیشود .

[۷۱]

۱۰ ۳۱۸ این نسخه بخط تعلیق ریز و بسیار جاها بی‌نقطه وعنوانها و نشانه‌ها بشنگرف است دربرك ۲٦ الف حاشیه‌ای از قاضی میرحسین دارد دراینکه چرا نگارنده هنگام‌آوردن خبر «اولالدین‌معرفته» قال‌علیه‌السلام گفته بااینکه درودفرستادن بر جز پیامبران بتنهائی نکوهیده است آنگاه سخنان فقیهان بزرك سنی را درباره این میآورد . این رساله از برگ ۱ ب است تا برگ ۳۷ الف . دربرك ۱ الف و

۱۵ برکهای ۳۷ الف تا ۳۹ ب سخنانی‌ازعارفان وفیلسوفان مانند رینون اکبروهمیروس وسولون وبقراط و ذیمقراطیس وسقراط و دیگران و از تأویلات‌کاشی و تعلیقات شیخ و تاریخ و صاف و از احادیث شیعی آمده است و دربرك ۱ الف دنباله کتاب دیگری است بخط همین نویسنده وهمین تاریخ ودرهمینجا . نویسنده‌نسخه عبدالقادراردوبادی است که درروستای فاروق شیراز درنیمه ذی‌قعده سال ۱۰۲۰ آنرا نوشت .

(۴۰ برك) ـکاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ۱۲×۲۱ و ٦×۱۳/۵ س ۲۳

[٦٥] اثباتالواجب (عربی)

این رساله از مولانا سید آقا حسین خلخالی است که برای شاه روزگار خود حسن پاشا نگاشته است .

۲۰ **آغاز** : بسمله . . . لكالحمد یامن تفرد بوجوبالوجود والقدم .

انجام : ولیکن هذا آخرالکلام فی‌اثباتالواجب وصفاته . . . . من‌لدنك رحمة انك انتالوهاب . تمتالرساله .

[۷۲]

۳۱۲ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای ۳ رساله میباشد و در ص ۳٦ نشانه آن یادگردید این رساله از برك ۱۵٤ب است تا برك ۱۷۸ب و بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و درتاریخ ۱۰۱۳ نوشته شد.

[٦٦] **اثبات واجب** (عربی) ۵

این رساله از میرنظام‌الدین دشتکی شیرازی (احمدبن ابراهیم بن سلام‌الله حسینی م۱۰۱۵) است ودر آن بروشی‌تازه بود خداوند را روشن میسازد ودرپایان آن میگوید که بگفته استاد نخستین (ارسطو) درالهیات بیقین نتوان رسید و تنها میتوان گفت که بهتر وشایسته تر چنین است . دشتکی دراین رساله از ارسطو (۸۲ ب) وازشرح « منافع الاعضاء » جالینوس (۸۱ الف) وازخصوص (فصوص) استاد دوم ۱۰ فارابی (۷۸ب) وازشرح حکمت اشراق شیرازی (٦۵الف) وشجره‌الهیه شهرزوری (۷٦ ب) واز محقق شریف (٦۵ ب) و شارح تجرید (۷۸ ب) و از شرح زوراء یاد میکند ودرپایان ازشیخ رئیس نام می‌برد این‌رساله دارای یك مقدمه و بیست فصل و یك‌خاتمه‌در کلام‌نفسی‌است‌این‌نظام‌دشتکی نیای‌سیدعلیخان‌مدنی(پسر معصوم‌پسر ۱۵ نظام‌الدین) است و دورساله اثبات واجب میانین و کوچك دیگری هم دارد (ذریعه ج ۱ ص ۱۰۳) .

آغاز : بسمله و به نستعین . سبحانك اللهم یا من تفرد بالوجوب والوجود وتوحد بافاضة‌الخیروالجود . . . فهذانمط جدید وطرزسدید فی‌اثبات‌الواجب وسلب المثالب منه .

۲۰ **انجام** : وقد قال‌الشیخ الرئیس : جل جناب‌الحق عن ان یکون شریعة لکل وارد . . . ونقل عن‌المعلم‌الاول انه لاسبیل فی‌الالهیات الی‌الیقین وانماالغایة‌القصوی فیهاالاخذ بالالیق والاولی واعلموا انی وان لم ابلغ درجة‌الصنیف . . . لکن من‌نظر فیه . . . یجد فیه اشارات الی‌فوائد وتلویحات الی زوائد خلت عنهاالکتب‌المتعارفه والزبرالمتداولة والله ولی‌الافاضة والیه‌الرجوع فی‌البدایةوالنهایة ومنه‌التوفیق وبیده ۲۵ ازمة التحقیق .

[۷۳]

۸۹۷ این نسخه شماره چهارم دفتری است دارای ۸ رساله (۱ فوزاصغر مشکویه ۲ اوائل‌التحریر از اختیار فرزند غیاث‌الدین حسینی دربیان و انشاءکه در ۸۹۰ نگاشته است از برک۲۰ الف تا برک۵۱ ب ۳ فصوص فارابی بخط نسخ تاریخ ۱۰۹۶، ٤ اثبات واجب دشتکی ۵ عرشیه فیلسوف شیرازی ٦ اطباق از شرف‌الدین عبدالمؤمن سفر وی بخط نسخ معرب بتاریخ ۱۰۹٦ از برک ۹۷ ب تا ۱۲۹ الف ۷ ترجمه فارسی سه نمط آخراشارات ۸ دره فاخره جامی بنسخ تاریخ۱۰۹۷) این رساله مانند دیگررساله‌ها بخط نسخ وهمه‌از یك نویسنده است واز برك ۵۹ ب تا برك ۸۹ الف میباشد وبایستی درهمین‌سالهای ۱۰۹٦ و۱۰۹۷ نوشته شده باشد .

(همه دفتر ۱۵۹ برك) ـ کاغذ فرنکی ـ جلد روغنی و یك سوی فرسوده
اندازه : ۵ر۲۱ × ۵ر۳۴و۱۳×۲٦ س ۲۸

[٦۷] **اثبات واجب** (فارسی)

مولانا رجبعلی تبریزی سپاهانی (م ۱۰٦۵ یا ۱۰۸۰) که از فیلسوفان منطقی روزگارخویش و از نزدیکان و شناختگان شاه عباس دوم (۱۰۵۲ـ۱۰۷۷) و درباریان و بزرگان کشور بشمار میامده استاد حکیم کوچك قاضی محمد سعید قمی (۱۰٤۹ ـ ۱۱۰۳) و برادرش حکیم محمد محسن قمی نویسنده تفسیر بزرك فارسی ومیرزا قوام‌الدین رازی ومولی محمد تنکابنی سراب ودیگران بوده است .

این فیلسوف رساله «اثبات واجب» بفارسی‌نگاشته ودر آن بود ویگانگی خدارا آشکارساخت وروشن کردکه لفظ بود ووجودمیان واجب وممکن مشترك لفظی است واین رساله او دارای یك مقدمه و پنج مطلب و یك خاتمه است و در دیباچه آن میگوید : درباره اشتراك لفظی وجود نباید از اینکه کسی بدین رأی نیست بیم داشت چه رسد باینکه استاد نخستین در « اثولوجیا » وحکیم مسلمة‌بن احمد مجریطی (ازمادریداندلس که در ۳۹۵ یا ۳۹۸ درگذشت) و صوفیانی مانند شبستری (محمود فرزند امین‌الدین تبریزی م ۷۱۹ یا ۷۲۵) و شیخ صدرالدین قونوی (م ٦۷۳) درنصوص وتفسیرسوره حمد وبرخی از فیلسوفان ونیز فرزانکان هند همکان چنین میکویند . مولانا در مطلب پنجم با دلیلهای فلسفی ثابت میکند

که وجود میان واجب وممکن مشترك معنوی نیست بلکه لفظی ودرمطلب چهارم میرساندکه صفت جزذات میباشد ودرپایان میگویدکه خدارا صفتی نیست وگرنه یاخود اواست یا جزاووهردوناروا است وبرای این مطلب وهمچنین برای اشتراك لفظی وجودسخنان پیشوایان شیعی را دلیل میاورد ـ نسخه ازاین‌رساله درآستانه طوس (شماره ۷۲۰ ج ٤ ص ۱۵۱) هست وبرساله وجودیه نامیده شد ۵

آغاز : پس‌از نامبردن خدا و ستودن او : بدانکه این رساله مشتمل است برمقدمه و پنج مطلب و خاتمه . مقدمه در بیان معنی وجود و معنی اشتراك لفظی ومعنوی .

انجام : پس اطلاق وجود برالله تعـالی باین معنی است که معدوم نیست واطلاق واجب براوباین معنی‌است که ممکن‌نیست . . . چنانچه درممکنات است . ۱۰ سبحانك رب‌العزة . . . والحمدلله رب‌العالمین .

[۷٤]

۳۷٤ این نسخه شماره دوم دفتری است که دارای هفت رساله میباشد ونشانه آن درص ۲۷ یادگردید . این رساله بخط شکسته تعلیق است وازبرك۵۲ الف تا برك ۵۸ ب میباشد . ۱۵

[٦۸] **اثبات الواجب** (فارسی)

مسیحای شیرازی یامحمد مسیح‌بن اسمعیل فدشکوئی‌فسائی شیرازی که درنزدیك به ۹۰ سالگی بسال ۱۱۲۷ درگذشت این رساله را دریك فاتحه و دومقصد نگاشته است . وی شاگرد دانشمند خوانساری آقاحسین بوده و بتازی وپارسی شعرمیسرودوشیخ‌الاسلامی فارس را داشت . نسخه ازاین‌رساله درآستانه ۲۰ طوس بشماره ۳۰۲ (ج ٤ ص ۵) هست .

آغاز : بسمله و به ثقتی . یامن منه‌المبدء و الیه المنتهی . . . . چنین گوید . . . ابن‌اسمعیل‌الفسائی محمدالمدعوبمسیح . . . این چندکلمه‌ایست مختصر دربیان اثبات واجب وتوحید او .

انجام : چنانکه اورا شریکی درواجبیت بالذات و درایجاد ممکنات نیست ۲۵

والله اعلم بحقيقة الحال .

[۷٥]

۸٥٥ این نسخه بخط نسخ و دارای سرلوح زرین و جدول بزروشنگرف و لاجورد وعنوانها بشنگرف است .

(۷۳ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج زرد حاشیه‌دار
اندازه : ۱۱×۱۸٫٥ و ٦٫٥×۱۲ س ۱۴

[۷٦]

۸۷٤ این نسخه شماره هشتم دفتری است که دارای نه رساله وگفتار میباشد و بخط شکسته تعلیق از برك ۲۳۳ ب تا برك ۲۹۲ ب است وآنچه دراین دفتر نوشته شده بدینگونه است :

۱۰ ۱ـ حواشی میرفندرسکی برشرح لمعه بخط شکسته تعلیق (۱ ب ـ ۷۲ ب) .
۲ـ رساله در رد رساله نماز جمعه ملاخلیل قزوینی از ملا محمد طاهر شیرازی بفارسی وبهمان خط (۷۳ ب ـ ۹٤ الف) .
۳ـ خطبه شقشقیه وخطبه‌های دیگر بخط نسخ وتعلیق (۹٤ ب ـ ۱۱٦ الف) .
٤ـ شرح زوزنی بر برخی ازقصیده‌های هفتگانه بخط شکسته تعلیق (۱۱٦ب ـ
۱۵ ۱٤۰ ب) .
٥ـ ابطال وحدت وجود ملامحمد سعیدگیلانی (۱٤۱ ب ۱۷۰ الف) بهمان خط و عنوانها درهامش بشنکرف و صفحه (۱٤۷ الف) این رساله را نویسنده بار دیگر دربرك ۱٤۱ الف دوباره نوشت .
٦ـ درشرح حدیثی که برخی با آن استدلال کردندکه وجود مشترك معنوی
۲۰ نیست بهمان خط (۱۷۰ الف ـ ۱۷۱ ب) .
۷ـ رساله ملامحمدطاهرشیرازی دررد بررساله ملاحسن‌علی درناروابودن نماز آدینه بفارسی وبتاریخ ۱۰٦۸ بهمان خط (۱۷۲ب ـ ۲۳۳ ب) .
۸ـهمین رساله نسائی ۹ـ خطبه نکاح از برخی‌دانشمندان بخط نسخ(۲۹۲ب ـ ۲۹٤ الف) .

۲۵ همه این نوشته‌ها از یك نویسنده است .

(همه دفتر ۲۹۴ برك) ـکاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۱۰×۱۹٫٥ و ۷ × ۱۵ س ۱۴

[٦۹] اثبات الواجب یا قواعد التوحید (عربی)

جعفربن محسن الحسینی برای یکی از بزرگان روزگار خود که همنام
۳۰ « خلیل‌الله » میخواندش این رساله را نوشت ودر یك مقدمه ودومقاله ویك خاتمه

است او از ابن کمونه (دربرك ۲۳ ب) یاد میکند .

آغاز : الهم یامن عجزعن تصورهویته عقول العقلاء .

انجام : واما امکان احدالفردین المفروض واجبیتهما .

[۷۷]

۵ این نسخه بخط نسخ خوش از درویش علی فرزند حاجی شمسی کازرونی

۲۸۵ بتاریخ روزآدینه ۱۴ ذی‌قعده سال ۱۱۱۸ میباشد ودرپایان آن دارد : «تم الرسالة نسخا و مقابلة . . . . ابن حاجی شمسی ، درویش علی الکازرونی غفرالله ذنوبه وسترعیوبه » .

(۳۱ برك) - کاغذ ترمه سپاهانی — جلد تیماج کهنه

۱۰ اندازه . ۱۳×۱۸ و ۵ر۷×۵ر۱۲س ۲۰

[۷۰] **اثبات واجب** (عربی)

نگارنده این رساله دودلیل برای اثبات خدامیاورد که در آن نیازی بباطل ساختن دور و تسلسل نیست و در پایان آن بکتاب خود بنام (الرضیةالحسینیه) بازگشت میدهد .

۱۵ **آغاز** : هوالموفق والمعین . الموجود اما واجب او ممکن ، لانه من حیث هو ، مع قطع النظرعما یغایره ، موجود ، لایقبل العدم ام لا .

انجام : فلم یکن واجبا، وذلك خلاف المفرد (و) ض . وقدبسطنافی الدلیلین فی « الرضیةالحسینیة » . فمن یردالاطلاع علیه ، فلیرجع الیه . والله تبارك و تعالی هوالموفق والمعین .

۲۰ [۷۸]

این نسخه شماره ۳۴ دفتری است که دارای ۳۵ رساله است و بخط تعلیق

۱۰۷۹ ازص ۲۴۰تا۲۴۱ میباشد ومرادتفرشی درذی‌حجه سال۱۰۴۷ این رساله را برای مولی محمد صالح کرامی نوشت .

[۷۱] **اثبات الواجب** (عربی)

۲۵ دراین رساله از بود خدا ونامهاوصفتهای او واز اینکه چگونه چندین چیز ازخداوندیکتاآفریده شده‌است کاوش میگرددودر آن ازفتوحات مکیه محیی الدین

اندلسی (م ٦٣٨) واز خواجه طوسی (م ٦٧٢) وقونوی (م ٦٧٣) وقطب رازی (م ٧٧٦) یاد میشود و بسیارشیوا ورسا نوشته شده است .

آغاز : بسمله و به نستعین . الحمدلله الذی تجلی بذاته لذاته ، فتعین فی باطن علمه بمجالی ذاته اوصفاته . . . امابعد ، فهذه : رسالة فی تحقیق مذهب الصوفیه والمتکلمین والحکماء المتقدمین ، وتقریرقولهم فی وجوب الواجب وحقایق اسمائه ٥ وصفاته وکیفیة صدورالکثرة من وحدته .

انجام : وقال الحکماء هی واقعة علی سبیل الوجوب . . . وارتفاع الموانع .

[٧٩]

٨٤٩ این نسخه شماره نخستین دفتری است که دارای پنج رساله میباشد وبخط تعلیق و عنوانها بنسخ درشت‌تر، ازبرك ١ الف تا برك ٢٨ ب. رساله دوم این دفتر گزیده‌ای است ازمثنوی عرفانی صدرالمتالهین شیرازی بخط نسخ (٣١ الف - ٥٠ ب) و سوم مقامات میرمرشدی درعرفان و منظوم بهمان خط (٥٠ ب - ٥٥ ب) چهارم مشواق فیض کاشانی بخط تعلیق (٥٥ ب - ٦٠ ب) پنجم قضا و قدر فیلسوف شیرازی بهمان تعلیق (٦١ الف - ١٧٤ الف). همه اینها را محمدعلی نوشته و نام خودرا درپایان رساله نخستین آورد بدینگونه : «تمت الرساله الشریفه ... بیداقل الطلبه محمدعلی قلمی گردید سنه ١٣٠٠» ورساله پنجم را در ١ صفر ١٣٠٠ بپایان رساند .

(همه دفتر ١٧٤ برك) -کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه ٥ر١٠×٥ر١٧ و ٦×١٤ س ١١

[٧٢] **اثبات وحدة الواجب** (عربی)

٢٠ فیلسوف مولی شمس الدین محمد گیلانی (ملاشمسا) که درروزگار فیلسوف ملاصدرای شیرازی (م ١٠٥٠) ودانشمند آقاحسین خوانساری (م ١٠٩٨) میزیسته از شاگردان فرزانه ایرانی میرداماد استرابادی سپاهانی (م ١٠٤١) بوده است وی در ١٠٤٥ درشهرطوس بود و رساله حدوث عالم را در آنجا نگاشته (نسخه شماره ٩٢٦/٥ برك ١١٠ الف این کتابخانه) ودر ١٠٤٧ درحجازمیزیست وفوائدی فلسفی ٢٥ دررآنجا گردآورد[1] شمسارساله‌ای بسیارشیوادرعلم‌داردودردزیعه (ج ١ ص ١٠٥)

١ — این فوائد درنسخه شماره ١١ر٩٢٦ این کتابخانه هست وازسبك نگارش و روش نوشتن نسخه پیداست که از شمسا است و دربرك ١٥١ الف مینویسد که در ١٠٤٧ اینها را درحجازنگاشته‌ام ودر ١٤٧ ب ازاستاد او بنام «الاستاذ الفیلسوف الکبیر» یادگردیدچنانکه درحدوث عالم (نسخه یاد شده برك ١٢٤ ب) از استاد او سید داماد یاد میشود .

ازرساله فارسی اودراثبات خدا یاد میشود که پاره‌ای است ازکتاب « التحقیقات فی احوال‌الموجودات» او. شمسا نامه‌ای بصدرانوشته وچند پرسش فلسفی ازوی کرده است واو در پاسخ بسیار از شمسا ستوده و نوید داده که اگر ازسفر برگرد بازنامه نویسد واورادیدار کند. پرسشها وپاسخهای شمسا وصدرا درکنار «المبدء والمعاد» شیرازی درایران بسال ۱۳۱٤ ص ۳٤۰-۵۹ بچاپ رسید این رساله (اثبات وحدة الواجب) بتازی و ازهمین شمساهیباشد ودرآن بروش مشائیان خاوری یگانگی خداوند آشکار گردیدو گاهی شعر پارسی وتازی نیز در آن آمده است. ۵

آغاز : بسمله . . . . الحمدلله الواحدالاحدالصمد ... فیقول ... محمدالشهیر بشمساالجیلانی . . . هذه رسالة فی بیان لزوم‌الفساد علی‌تقدیرتعددالواجب بالذات.

انجام : تتجلی علیه انوارالتحقیق والله ولی‌التوفیق . ۱۰

[۸۰]

۹۲٦ این نسخه شماره دوم دفتری است دارای ۱۵ رساله وگفتار : ۱ حواشی براصول‌کافی بنام الدرالمنظوم من‌کلام‌المعصوم از علی‌بن محمدبن حسن‌بن زین‌الدین شهید ثانی عاملی جبلی که در۱۰۱۳یا۱۰۱٤ زاده واین رساله‌را درپایان ذی‌حجه ۱۰٦۱ نوشته وبخط تعلیق‌میباشد ۱ ب - ۹۲ ب درکنار برك ۹۲ ب اجازه‌ایست بخط همو که درتاریخ ۱۸ ربیع یکم سال ۱۰۸۵ بشیخ علی‌بن زین‌الدین (بن محمدبن حسن‌بن زین‌الدین شهید ثانی) شاعرادیب برادرزاده خود میدهد ۲ همین رساله که بخط تعلیق ریز وحاشیه (منه دام ظله) دارد و از برك ۹۳ الف تا برك ۹٦ الف میباشد و پیداست که درروزکارنگارنده رساله نوشته شده است ۳ ردبراعتراض رازی وکاتبی برشیخ رئیس درباره پاسخ اوبه بهمنیاردراینکه یکی جز یکی نیافریند از ابراهیم حسینی همدانی ٤ ــ عبارتی از لمحات شیخ شهید اشراقی (لمحه چهارم) دراثبات تجرد نفس بدلیل حضور ذاتی و بی‌نیازی ازچیزهای دیگر درنه سطردربرك ۹٦الف بهمان خط ۵ - رساله حدوث عالم‌شمسا که درروزکاراونوشته شده ٦- رساله وجود شمسا نوشته درروزگار او ۷ــ رساله از خفری بخط تعلیق دیگر و درشت‌تر وبشنگرف ۸- رسالهٔ دیگرازهمو بهمان خط ۹- مرآة‌الحقایق ومجلی‌الدقایق دشتکی بهمان خط ۱۰- اظهارالکمال شمسا بخط تعلیق ریزتر۱۱-گفتارهای گوناگون فلسفی که درپایان آنهارمز(س م س رحمه‌الله) دیده میشود وگویا ازسید داماد باشد دربرك ۱٤٤ب نیزسخنانی فلسفی دروجود خدا وآفریدگان دیده میشود که گویا ازشمسا باشد ۱۵ ۲۰ ۲۵

(برك ۱٤٥ الف تا ۱۵۱ الف) و درآن از استاد خود چنین یـاد میکند : « و جمیع ما ذکرنا تفصیلا هومختارالاستادالفیلسوفالکبیر قدس سره فی‌تصانیفه‌القدسیه و کتبه النوریه» (برك ۱٤۷ ب) ودرپایان دارد که این برگهارا بروش پیروان تاله واشراق در۱ صفرسال ۱۰٤۷درحجاز نوشته‌ام ودرآن ازشرح هیاکل دوانی (۱٤۵ الف) واز خلق اعمال همو (۱۵۱ الف) باد میشود وآغازوانجام این سخنان چنین است : «اعلم ان‌الوجود بلاعلة یجب ان یکون وجود اقائما بذاته ـ وقد وقع‌الفراغ من‌تسوید هذه الاوراق ... فی‌اول شهرصفر ... فی بلدة‌الحجاز ... فی سنة سبع واربعین بعدالالف» این‌گفتارها بهمان خط رساله شماره ۲ است و حاشیه (منه دام ظله) دارد و از برك ۱٤٥ الف است تا برك ۱۵۱ الف .

۱۲ـ رساله وجودواجب ۱۳ـ شرح دوانی بررساله عقل طوسی ۱٤ـ حاشیه براین شرح ۱۵ـ رساله علم ـ چنانکه گفته شد خط رساله ۲و۱۲ یکی است و هردو درروزگارشمسا نوشته شد .

(همه‌دفتر ۱۵۵ برك) کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد مقوا
اندازه : ۲۰ × ۲۷ و۱۳ × ۲۰ س ۲۵

[۷۳] اثبات وحدة الواجب (عربی)

علی‌بن شیخ فضل‌الله گیلانی‌زاهدی دراین‌رساله سخن‌ابن کمونه بغدادی‌را دراینکه درگفته‌های فیلسوفان‌برهانی‌ازروی اختلاف ماهیت دیده نمیشود ، آورده وازآن خرده میگیرد وخود برهانی میآورد که هیچ شبهه‌ای درآن راه ندارد .

آغاز : اعلم‌انه قدنقل‌عن‌ابن کمونه قال : لانجدالی‌الآن‌فی کلام‌المتقدمین والمتأخرین برهان‌التوحید باختلاف‌المهیته .

انجام : وبه یندفع‌هذاالشبهه عن کلام‌المحققین . . . من‌المتلفظات اضعف عبادالله الغنی علی‌بن شیخ فضل‌الله الجیلانی‌الراهدی

[۸۱]

۱۰۸۸ این نسخه شماره هشتم دفتری است که دارای ۱۵ رساله وچندین گفتار میباشد وبخط تعلیق ازبرك ۳٦ ب تا برك ۳۷ب است . نشانه‌آن درص ٦۷ یادگردید

[۷٤] الاجزاءالمحمولة (رسالة فی . . .) (عربی)

یکی ازمباحث دشوارامورعامه فلسفی الهی مسئله جزءهای محمول است که با جزء بودن برکل حمل میگردد میرزا محمد رستمداری شیعی این رساله را

برای شاه‌سلطان محمد (۹۸۴-۵) فرزند شاه‌تهماسب‌صفوی (۹۸۴-۹۳۰) در گشودن راز این مسئله دشوار نگاشته است وی همان کسی است که در هنگام جنگ طوس نامه‌ای باوزبکها نوشته و آنها پاسخ داده‌اند .

رستمداری در این رساله میگوید که اشراقیان ماهیت را ومشائیان اتصاف را آفریده دانستند (۳٤ ب) وی دلیلهائی که برای بود و نبود کلی طبیعی آورده‌اند (از ۳٦ تا پایان) و پاسخی راکه طوسی بقونوی داده است میآورد و دلیلی راکه طوسی برای حمل یك چیز عینی بر چیند چیز آورد و خرده گیری که شارح مفتاح‌الغیب کرد یاد نموده سپس خود بررسی میکند و میگوید یك چیز اگرچه کلی هم باشد روا نیست که درچندجا باشد واین را روشن وبدیهی میداند (۳۹ الف) . اودراین رساله ازاین دانشمندان وازاین نگارشها یاد میکند : تجرید طوسی و شرح جدید آن وگفتار دوانی (۳۹ الف تا پایان) نیز دوانی (۲۳ ب و ۳۰ ب) وسیدالمحققین (۱۲ ب) و«سید قدس سره» بسیاردارد نیزازفاضل لاری (۲۰ الف) ومحقق شریف وحاشیه او برشرح قدیم تجرید (۳۲ الف) حاشیه برشرح حکمه‌العین (۳٤ ب) - رستمداری درترکیب ماهیت‌ازجزئهای محمول چهارراهی‌راکه دانشمندان رفته‌اند یاد میکند وازآنها بحث می‌نماید .

آغاز : بسمله یامن دل بجوده علی‌وجوده واستقل بوجوده علی جوده . . . فیقول ... محمدالرستمداری ان مبحث‌الاجزاءالمحمولة من غوامض مباحث‌الحکمة والکلام .

انجام : ولا تنظر الی من قال وانظر الی ماقال و اعرف‌الرجل بالعلم لاالعلم بالرجال . ولنختم‌الرساله بهذاالمقال متوکلاعلی‌الکریم‌المتعال الحمدلله علی جزیل نواله والصلوة علی سید انبیاء محمد و آله .

[۸۲]

۹۰۵ این نسخه بخط نسخ ازمحقق کرکی کوچك حسین بن حیدرحسینی کرکی عاملی است که میگوید جزچهارصفحه (برگهای ۲٦الف و۲۷و٤٥ که بچهار صفحه وپنج سطرمیرسدو بخط تعلیق شکسته میباشد) همه را من‌درمشهدرضا

(طوس) درپسین روز دوشنبه ۱۳ رمضان سال ۱۰۱۰ نوشته‌ام ودرکنار صفحه باز می‌نویسد که من درطوس این نسخه را با نسخه‌هائی که از روی خط نگارنده رساله نوشته شده بود برابر کردم وتاتوانستم جز آنچه راکه از پیش چشمم رفته باشد درست نمودم (۱) ـ عنوانها بنسخ درشت‌تر و بشنگرف است و حاشیه (منه رحمه‌الله) دارد .

۵ (۴۵ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۳ × ۵ر۱۹ و ۹ × ۱۴ س ۲۰

---

۱ ــ چهار کس بنام حسین کرکی درروضات‌الجنات (ص۱۸۶ــ۱۹۱) وامل‌الامل (۴۳۴) و سلافة‌العصرسید علیخان (۶۷ ــ ۳۵۵) یاد شد :

۱ ــ امیرسید حسین بن سید بدرالدین حسن بن سید جعفر اعرجی حسینی موسوی

۱۰ کرکی عاملی که درسپاهان میزیست .

۲ ــ امیر سید حسین مجتهد پسر سید ضیاءالدین ابی‌تراب حسن فرزند سید ابی جعفرمحمد موسوی کرکی‌عاملی که درقزوین بوده وبدستورشاه عباس یکم (۹۸۵ــ۱۳۰۸) باردبیل رفته وشیخ‌الاسلام آنجا شد گویند که درسال ۱۰۰۱ درقزوین بطاعون درگذشت وی در ۹۵۹ « دفع‌المناواة من‌التفضیل‌والمساواة » نوشت ودر روزگار شاه اسمعیل دوم

۱۵ (۹۸۴ ــ ۹۸۵) میزیست این دانشمند نواده دختری محقق‌دوم شیخ علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹۴۰) بوده است .

۳ــ شیخ حسین بن شهاب‌الدین بن حسین فرزند خاندار شامی (بگفته سلافه) یا فرزند محمدبن حیدرعاملی کرکی فیلسوف پزشك شاعر ادیب نویسنده که ارجوزه درنحو و منطق دارد وی درسپاهان میزیست آنگاه بحیدرآباد رفت ودرآنجا بسال ۱۰۷۶ در ۶۸

۲۰ (امل‌الآمل) یا ۶۷ (روضات) یا ۶۴ سالگی (سلافه) درگذشت وی نگارشهائی درادب ومنطق و پزشکی دارد .

۴ ــ سید عزالدین ابوعبدالله حسین بن سید حیدر بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کرکی عاملی که بمجتهد یامفتی یامفتی سپاهان نامبردار بوده است وی درروزگار تهماسب صفوی (۹۳۰ــ ۹۸۴) درسپاهان داور ومفتی بود و از سید حسین کرکی (دومی) روایت

۲۵ میکرد وازاو اجازه داشت . وی در ۲۲ رمضان سال ۱۰۲۱ اشراق‌الحق من مطلع‌الصدق (نسخه شماره ۲۹۳ این کتابخانه) را نگاشته است ودرپشت کتاب بخط خود نام خویش را نوشت (برك ۱ الف) ونیزاجازه‌ای راکه به نصیرالدین محمد داد بخط‌اودر برك (۶۹ب)همین اشراق‌دیده‌میشود . اودراشراق‌ازشیخ علی بن‌عبدالعالی(م ۹۴۰)وازشیخ بهائی(۹۵۳ــ ۱۰۳۰) بعنوان شیخنا یاد میکند ومیرساند که‌این‌اجازه پس ازمرگز شیخ علی بن عبدالعالی ومولی

۳۰ لطف‌الله نیشابوری(شاگرد پسرشیخ‌طوسی) ودرروزگار بهائی نوشته‌شده‌است . اوبازدراین دفتر ازمعین‌الفکرمحمدبن جمهور(گویانویسنده مجلی در۸۹۵) وکفایة‌الطالبین‌احمدبن‌متوج بحرانی(استادابن فهدوشاگرد شهیدوفخرالمحققین)وتفرید(تعرید)الاعتمادفی‌شرح‌تجریدالاعتقاد شمس‌الدین محمد بهشتی (اسفرائینی بیهقی که درنزدیك بروزگارطوسی میزیست ــ ذریعه ج ۳ ص ۳۵۳وج۴ص۲۱۴) وشرح نجات‌العباد محمدبن ابی‌طالب استرابادی (زنده درنزدیك

۳۵ ۹۴۰) یاد میکند ــ اودر۱۲۰۹ زنده بود وهمواست که در۱۰۱۰ نسخه «الاجزاءالمحموله» ما را نوشته است .

[۷٥] اسباب حدوث الحروف (عربی)

قنواتی درشماره ٤۹ فهرست خویش ازالنیروزیه یارسالةالحروف یارسالة فی فواتح السورالکریمه یادمیکند که شیخ آنرابرای شیخ امیرسید ابی بکرمحمدبن عبدالرحیم درمعانی حرفهای هجاء آغاز سوره های قرآن نگاشته و در نوروز باو ارمغان داد ودرپایان میگوید رازهائی مانده که باید زبانی گفت سپس ازامیرستوده ازخدای میخواهدکه بتواند ازدهشهای اوسپاسگزاری کند ـ این رساله جزرساله مااست ودرسه فصل میباشد (ترتیب هستی‌هاواثرآنها ـ چگونگی دلالت حرفها ـ غرض) وبروش باطنیان وحروفیان‌نوشته شده ودرتسع رسائل‌بنام الرسالةالنیروزیة فی‌معانی‌الحروف الهجائیة بسال ۱۳۲٦/۱۹۰۸ بچاپ رسید بازقنواتی درشماره ٤۷ ازحدوث الحروف یا فی تحقیق‌الحروف یا اسباب‌الحروف یا فی‌اسباب‌الحروف یاد میکندکه محب‌الدین خطیب درقاهره بسال ۱۳۳۲/۱۹۱٤ بچاپ رساند وم . براومان (M.Brauman) آنرا در Mater.und Unters.zu den phonetischen Lehren der Araber (۱۱۲-۱۳۱) در برسلاو Breslau بسال ۱۹٤۳ بچاپ رساند در معجم‌المطبوعات نیزازاین دوچاپ مصریاد گردید ومی‌نویسدکه رساله دوم شش فصل‌است (پیدایش آواز ـ پیدایش حرفها ـ تشریح حنجره ـ سببهای جزئی هرحرف تازی ـ حرفهای همانندکه درزبان تازی نیست ـ اینکه این حرفها ازکدامیك ازجنبشهای غیرنطقی شنیده میشود) درکشف‌الظنون نیز ازرساله دوم وشش فصل آن وازرساله نخستین یاد شده است (ج ۱ ص ٥٤۸ ج ۱ ص ٥٦۸) این رساله نیز جز رساله ما است شیخ دراین رساله نخست از پیدایش آواز سپس ازحرفها از رهگذر دستور زبان آنگاه ازرهگذرتجویدکاوش میکند پس‌ازآن بروش فیثاغورسیان وصوفیان درباره حرفهاسخن میراند ودرپایان این مسئله راکه لغت وزبان ساخته مردم است یااینکه خدا آنرا ساخته وبمردم آگاهی داد (اصطلاحی وتوقیفی) میآورد .

این رساله ما فصل بندی نشده است .

آغاز : بسمله امابعدحمدالله‌الذی‌افاض‌علی‌الانسان سجال‌الجودوالاحسان . . . فاعلم یااخی . . . ان‌الصوت قرع فی‌الهواء تدرکه حاسةالسمع .

انجام : كما يفعل الابوان بالولد الرضيع حذو القذة بالقذه . هذا آخر ما اردنا تقريره وتحريره من مراتب الحروف . والله الموفق للصواب واليه المرجع والمآب .

[٨٣]

٣٦٧ این نسخه از روی نسخه شماره ۱۲۱۶ کتابخانه مدرسه سپهسالار نوشته شده ودردفتری‌است دارای ٤ رساله که نو نویس و بنسخ است و هریك صفحه‌شماری دارد واین رساله ۲۳ صفحه است .
(همه دفتر ٦٠ برك) كاغذ فرنگی ــ جلد مقوا
اندازه : ٥ر١٠×١٧ و ٩ × ١٢ س ٧

[٧٦] **استضائة الجو** (عربی)

١٠ این رساله از خواجه رئیس ابوعلی سینا است درباره روشنائی و در آغاز میگوید که درنگارشهای دیگر خود بتفصیل سخن رانده‌ام قنواتی درشماره ٥٦ بنام « استضائة النور » از آن نام برده ودو نسخه نشان میدهد .

آغاز : بسمله رسالة استضاءالجو للشيخ الرئيس ــ سالتني وفقك الله وايانا الصواب ان اعتذر بالاختصار عما افترق من مخالفة في امر استضائة الجو وامر الطول والعرض

١٥ والعمق المأخوذ جميع ذلك في حد الجسم فاجتبك الى ذلك تاركا التدقيق والتحقيق فيه .

انجام : فامر ما يحتاج الآن الى شرحه فقد بالعنـاية في مواضع اخرى ــ تمت الرساله .

[٨٤]

١٠٧٤ این نسخه شماره ١٤ دفتری است دارای ١٨ رساله و بخط تعلیق ریز از ٢١٤ الف تا ٢١٥ ب میباشد نشانه نسخه درص ٧٣ یاد شد .

[٧٧] **اشارا** (عربی)

ابن ابی‌اصیبعه (ج ٢ ص ١٨) گوید که اشارات بهترین و آخرین نگارش فلسفی شیخ رئیس است و آنرا بهمه کس نشان نمیداد درفهرست پایان سرگذشت (السیره) نیز چنین آمده است شیخ در دونامهٔ[1] خود که گویا ببهمنیار یا دیگری

٢٥ ١ــ دیده شود : ارسطو عندالعرب بدوی (٢٤٠ و ٢٤٥) . نامه دومی گویا پس‌از تاراج سپاهیان مسعود غزنوی بسال ٤٢٥ نوشته شده باشد .

نوشته باشد میرساند که نسخه از آن را نزد خود نگاهمیدارد وجز ابن زیله و مانند
او نباید بدان بنگرند از دیباچه و پایان اشارات نیز بدست میاید که شیخ بسیار بدان
ارج مینهاد وسفارش میکرد که بدست هر کس نیافتد .

نامی که شیخ بدان داده در دفترهای اخوان صفـا (رساله ٤ و ۹ بخش
نفسانیات ـ ج ۳ ص ۲۲۷ و ۳۳٤ چاپ مصر) دیده میشود و آنان بروش آموزش ۵
خویش نام (اشارات وتنبیهات) میدادند .

از گفتار رژر بیکن Roger Bacon (۱۲۱٤ـ۱۲۹٤) برمیآید که اشارات را
درسده ۱۳ دراروپا میشناختند .

اشارات را یعقوب فرژه Forget درلیدن بسال ۱۸۹۲ بچاپ رساند ومهرن
سه نمط آخر آنرا باگزیده‌ای ازشرح طوسی درجزء رسائل عرفانی شیخ دربریل ۱۰
با تعلیقهای فرانسوی خود بسال ۱۸۹۱ چاپ کرد وسلیمان دنیا همه سه بخش آنرا
درمصر بسال ۹ـ۱۹٤۸ (۸ـ۱۳٦۷) چاپ نمود ودرایران با شرح طوسی همه آن
بسال ۱۳۰۵ وطبیعی و الهی آن بسال ۱۲۷۱ چاپ گردید شرح طوسی درهند نیز
بسال ۱۲۸۱و۱۲۹۳و۱۲٦۷و۱۳۱۸ و در اسلامبول بسال ۱۲۹۰ چاپ شد چندین
دانشمند براشارات شرح و محاکمه و حاشیه نوشتند مانند شرحهـای شیخ شهید ۱۵
سهروردی بفارسی وانوری وفخررازی وابن کمونه وارموی ونخجوانی وسمرقندی
وآمدی وبیهقی وطوسی وحلی (سه شرح) ومانند محاکمات قطب رازی وشوشتری
و سپاهانی ومانند حاشیه های سید شریف گرگانی و قطب شیرازی و دوانی و ملا
میرزاجان شیرازی[1] وترجمه پارسی اشارات درتهران بسال ۱۳۱٦ بچاپ رسید .

۲۰ [۸۵]

۲۸۸ این نسخه بخط نسخ وعنوانها درشت‌تر و بسال ٦۹۳ نوشته شده است بسیاری
ازجاها اعراب‌دارد ونویسنده آن چنین نام برده شده : «محمود بن حسین بن
محمد افحانی الرسری» .

(۸۰ برك) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ

اندازه : ۱۳٫۵ × ۱۹٫۵ و ۱۰×۱٤ س ۱۷

---

[1] نگاه به : فهرست قنواتی که چندین نسخه ازاشارات نشان میدهد وچهارده‌تای از ۵۸۳ تا ۸٦۹ نوشته شده است وهفت نسخه ازاینها بیش‌از نسخه ماست .

[۷۸] اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور (عربی)

شیخ شهید اشراقی شهاب الدین یحیی بن حبش بن امیرك سهروردی (۵۴۹- ۵۸۷) فیلسوف بزرگوار ایرانی که بدست مشتی مردم نادان و بدستور صلاح الدین ایوبی (۵۶۴-۵۸۹) بگناه آزاداندیشی کشته گردید تنها دانشمندی بود که گذشته ازدیگرگون ساختن بنیاد فلسفه مشائی سخنان فلسفی خویش را با اندیشه مزدا- پرستان ایران بیامیخت و فلسفه خود را برروی دوپایه روشنی و تاریکی نهاد وی نگارشی بنـام هیاکل النور دارد در هفت هیکل: ۱- جسم ۲- روان ۳- جهات ۴- خدا ۵- نامتناهی بودن حوادث ٦- جاوید بودن روان ۷- پیامبری.

این کتاب را نخستین بار جلال الدین محمدبن اسعددوانی (م ۹۰۸) شرحی آمیخته بنام «شواکل الحور فی شرح هیاکل النور» در سال ۸۷۲ نگاشته است.

سپس غیاث الدین منصور (م ۹۴۸) فرزند صدرالدین محمد دشتکی شیرازی (۸۲۸-۹۰۳) نیزشرحی آمیخته بنام یاد شده در بالا نگاشت ودر آن بشرح دوانی نگریسته از آن خرده‌ها گرفت وی دردیباچه آن آشکارا میگوید که دراین شرح میخواهم لغزشهای دوانی‌را نشان‌دهم وبآنچه خرده گرفت پاسخ گویم وی دربیشتر جاهاسخنان دوانی‌رامیآورد ولغزش‌های آنها را روشن‌میسازد. دوانی‌شرح خویش را «شواکل الحور» نامیده ودشتکی‌بشرح‌خود «اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور» نام‌داده ودرآن شرح دوانی‌را نکوهیده وزشت ونگارش خویش را ستوده و زیبا چون روشنائی دربرابر تاریکی نشان داد چنانکه درآغاز آن دیده میشود. دشتکی میگوید دراین شرح من نمیخواهم سخن بدرازکشد و آنچه را که نمی‌پسندم آشکار بدارم تنها این را میخواهم که لغزشهای دوانی را بگویم.

آغاز: بسمله افتتح فاقول: یاغیاث المستغیثین! نجنا باشراق هیاکل النور عن ظلمات شواکل الغرور... یقول... منصوربن محمدالحسینی.

انجام: الذی نجانا بانوارالهدایة عن ظلمات الضلالة والغوایة و آله الکرام الابرار وصحبه العظام الاخیار، ماتعاقب اللیل والنهار.

[٨٦]

٣٥١ این نسخه بخط تعلیق پاکیزه و تصحیح شده با عنوانهای شنگرف میباشد و روی متن خط سرخ کشیده شده است در کناره چپ نخستین برك، پایان برخی ازسطرها رفته وخوانا نیست ـ نسخه در ١٣٢٠ بدستیاری مجدالادبا خریده شد . ٥

(١٣٧ برك) ــ کاغذ زرد سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ١٣×٢٣ و ٧×١٦ س ١٧

[٨٧]

٨٥٢ این نسخه دردفتری‌است دارای سه‌رساله ١ــ رساله حج میرزای قمی ٢ـ جبر ومقابله ملك محمدبن سلطانحسین سپاهانی ٣ــ همین شرح که‌از برك ٣٥ب ١٠ است تا برك ١٦١ ب وبخط تعلیق ودرپایان دارد : « وقع منا الفراغ من تسویده وتحریره یوم‌الاربعاء من شهررمضان‌المبارك سنة‌تسع‌وتسعین وتسعمائه‌الهجرة النبویة فی‌دارالسلطنة قزوین علی یدمالکه وراقمه . . .» پس نویسنده نسخه که نامش خوانا نیست درروزچهارشنبه رمضان سال ٩٩٩ درقزوین آنرا برای خود نوشته است

(همه دفتر ١٦١ برك)ــ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد مقوا ٥
اندازه : ١٠×١٨ و ٧×١٣٫٥ س ١٦

[٧٩] اصالت وجود (فارسی)

یکی ازمسئله های دشوارفلسفی مبحث وجود وماهیت و اصالت آنها است که متکلمان وعارفان وفیلسوفان خاوری همه ازآن گفتگو کردند و اصالت یکی ٢٠ ازایندودرنگارشهای خواجه رئیس وشیخ اشراقی بحث شده وملاصدرای شیرازی بخصوص آنرا یکی از پایه های فلسفه خویش ساخت .

این رساله چنانکه درآغاز آن آمده برای این نوشته شده که بتوان مسئله وجود ماهیت واصالت یکی ازآندو را بآسانی دریافت نگارنده رساله ازمتأخران است ودرآن از شیخ اشراقی و خواجه طوسی و علامه حلی و سراینده گلشن راز ٢٥ وجامی (٧ ب) ومحقق لاهیجی (٨ الف و ٩ الف) ومنظومه فرزانه سبزواری (٨ الف) یاد میکند وشعری ازمنظومه میآورد (٧ ب) .

آغاز : حمدالجاعل‌نورالوجود وظلمةالمهیة ... این چندکلمه‌ایست دربیان مراد ازوجود ومهیت .

انجام : آنچه که دارد آورده شد چومافی الخارج هویت وجودیه میباشد و بس .

[۸۸]

۸۷٦ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱٦ رساله و نشانه آن در دنبال « اثبات الواجب » ابن‌سینا یاد شد این رساله ازبرك ۱ ب است تا برك ۲۹ ب و بخط تعلیق شکسته وبگواهی خط خورده گی‌ها باید نسخه اصل باشد . پس‌از این آغاز رساله دیگری میاید بپارسی درهمان موضوع وگویا دیباچه دیگری است ازنگارنده برهمین رساله و چنین آغاز میشود : «پس‌از نام خدا و ستایش او ودرود بر پیامبر ـ چون اهم مسائل علم معقول که مبتنی میباشد براومعرفت مبدء و معاد . . .
۱۰ مسئله اصالت وجود واصالت مهیت میباشد . . . . ومهیت امری است اعتباری» (برك ۳۰ ب) ودرست با برك ۲ الف از رساله ما مربوط میشود آنگاه از برك ۳۱ الف تا ٤۰ الف سخنانی است بعربی درباره مفهوم منطقی و طبیعی و وجود ذهنی و جبر واختیار بهمان خط وباید ازهمین نگارنده باشد .

[۸۰] اصول الفوائد فی اصول المسائل الحکمیه (عربی)

۱۵ این نگارش‌ازعباس مولوی‌شاگردملا رجبعلی تبریزی میباشد که در آن از وی با احترام یاد میکند وسخنانی از وی میآورد وپیداست که پس‌ازمرك استاد آنرا نگاشت (برگهای ۹ ب و ۱۸ ب و ٤۲ ب و ۵۰ الف و ۵۲ الف) . مولوی در آن ازاثولوجیاوازابن‌سیناوابی‌البرکات وخواجه طوسی یاد میکند این نگارش درهفت مقاله است (۱ـ بود ویگانگی خدا ۲ـ آفریدن چیزها ۳ـ آفرینش وجعل
۲۰ چیست ٤ـ دراینکه گوهرهای عقلی و آسمانی بسیارند وجهان مثالی وهستی ذهنی هست ۵ ـ جسمها چیستند ٦ـ مقوله های دهگانه ۷ـ امورعامه) ودر ۱۰۹۷ پایان یافت مولوی دراین کتاب بپیروی ازاستاداشتراك لفظی وجودرا ثابت میکند ویکی بودن صفت وموصوف را محال میداند .

آغاز : بسمله الحمدلله‌الذی فاق عن‌مدح‌المادحین فخرمدحه وعدا وصف
۲۵ الواصفین مآثر حمده . . . فیقول عباس‌المولوی . . . اریدان اکتب مختصراً یشتمل علی عدة اصول‌المسائل .

انجام: انتهاء المركبة الى البسيطة. قد وقع الفراغ من تسويده فی شهر ذی الحجة الحرام سنة سبع وتسعین بعد الالف.

[٨٩]

٣٣١ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف است ومحمد باقر هزارجریبی آنرا درشب سیوم رجب ١١١٤ نوشت ونسخه‌ای است مقابله شده. ٥
(٨٦ برگ) — کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ حاشیه‌دار دولا
اندازه. ١٢×١٩٫٥ و ٧×١٤ س ١٤

[٨١] **اضحویه** (عربی)

این رساله خواجه ابوعلی سینا چنانکه در آغاز و پایان نسخه (١٠٧٤/٢) ما دیده میشود «رسالة المبدء والمعاد» ودردو نسخه موزه بریتانیا ومصر و همچنین ١٠ درآغاز نسخه ٤٢٢ این کتابخانه «اضحویه» نامیده شده است. شیخ این رساله را برای شیخ امین یا امیر سید ابی بکر بن محمد بن عبدالله بگواهی نسخه‌ها و ذریعه و بگفته ابن ابی‌اصیبعه (ج ٢ ص ١٩) برای ابی‌بکر محمد بن عبید و بگفته بیهقی (ص٣٣) برای شیخ وزیر امین ابی‌سعد همدانی نگاشته است ماناکه درروز «اضحی» بدو ارمغان دارد واین ابوبکر همانست که شیخ «رساله نیروزیه» را نیز برای او ١٥ نگاشته‌است (ذریعه ج٢ص ٢١٤ونسخه چاپی نیروزیه) وابوسعد همدانی همانکس است که شیخ گفتگوئی راکه میان او و حکیم ابوالقاسم کرمانی شده وکار بستیزه ودشنام کشیده وشیخ اورا بیگانه ازمنطق واو شیخ را فریبخوار و فریبکار خوانده بود، نوشته و برای اوفرستاد (بیهقی ص٣٣). شیخ در آغاز این رساله از «الشیخ الامین» نام میبرد و اورا میستاید و از سختیها وگرفتاریهای خویش مینالد و از او ٢٠ میخواهدکه ویرا بدست بخت نگذارد و از وی چشم نپوشد شیخ درپایان رساله (نسخه ١٠٧٤/٢) باز از شیخ امین درخواست میکندکه بچشم خوشنودی بدان بنگرد ولغزش آنرا درست سازد.

این رساله درهفت فصل است ١ـ رستاخیز چیست ٢ـ گوناگون بودن سخنان دانشمندان در آن ٣ـ ناسازگاری رأیهای باطلی که درباره آن آمده است ٤ـ آنچه ٢٥ درمردمی پایدار است اگرچه همه چیزها از میان بروند (دراینجا سخن دکارت

میاندیشم پس هستم بیاد میاید) ۵- آنچیز پایدار گوهری است جاوید وهمیشگی ۶- دراینکه بایست رستاخیزی باشد ۷- دسته‌های گوناگون مردم پس‌از مرگ وبررسی وکاوش ازجهان دیگر . این فهرست را شیخ در آغازپس‌ازدیباچه میآورد این رساله را استاد سلیمان دنیا درمصر بسال ۱۳۶۸/۱۹۴۹ از روی دو نسخه موزه بریتانیا ومصر با دیباچه‌ای بچاپ رساند (۱) .

این شیخ امین که گاهی وزیر ابی‌سعد همدانی وگاهی ابی بکر محمدبن عبید و گاهی ابی‌بکربن محمدبن عبدالله و گاهی ابی‌بکربن محمدبن عبدالرحیم (آغازرساله نیروزیه) خوانده شد ماناکسی بودکه شیخ میتوانست رازهای خودرا بدو گوید چنانکه شیخ درنیروزیه که بدو درنوروزارمغان داده‌است بروش باطنیان و حروفیان سخن راند و گفت رازهائی ماند که باید زبانی گفت و دراین رساله هم که بنام اوساخت رستاخیزجسمانی را انکارکردو آشکارابابیروان سنت ناسازگاری نمودو گفت چون‌تن نابود میشود وجان درتن دیگری هم نمیرود پس‌رستاخیز تنها از آن جان خواهد بود شیخ رستاخیز جسمانی را در آغازفصل دوم از آن دسته‌ای از تازیان اهل جدل دانست .

شیخ درآغاز فصل پنجم این رساله‌گوید دربسیاری از نگارشهای خویش بویژه درشرحی که برکتاب نفس ارسطو نوشته‌ایم گوهر جان را روشن ساختیم که چیست (۲) .

وی درپایان سخن ثابت بن قره را که میگوید جانها ازتن جدا میشوند وبجسمی‌لطیف می‌پیوندند شگفت و بی‌پایه میخواند مگراینکه رمزی گفته باشد .

شیخ در فصل سوم میگوید آنچه دردینها آمده از روی تشبیه واستعاره است نه اینکه آنچه آشکارا از لفظ درمییابند خواسته شده باشد و دراینجا است که تحریف تورات را انکارمیکند . ملاصدرا درمبدء ومعاد (ص ۲۹۵)گوید برخی ازفیلسوفان آیه های قرآن که درباره رستاخیزتن آمده تأویل نمودند وخود این را نمی‌پذیرد و پیدا است که او دراینجا بگفتارشیخ درهمین اضحویه مینگرد .

۱- برای برخی ازآنچه درباره اضحویه گفته میشود باین دیباچه بنگرید
۲- شرح نفس اودرارسطوعندالعرب بچاپ رسید .

گرچه شیخ رئیس درالهی شفا (ف ۷ م ۹ ص ۲٦٥) ودرنجات درفصل معاد (ص۲۹۱) بازگشت تن را پذیرفت ولی‌ازهمان شفاو نجات پیداست که وی دراینده کتاب نمیخواهد با ظاهریان بستیزد این است که اودررساله اثبات نبوت ودرپاسخ ابوسعید ودر «الحکومة فی حجج‌المثبتین للماضی مبدء ازمانیا» ودررساله فارسی معراج که بگواهی سید داماد درصراط مستقیم (شماره ۲۷۹/۱ برگ ٤ الف) از آن اواست روش تأویل پیش گرفت و آشکارا با پیروان‌سنت ناسازگاری نمود. از آغاز منطق مشرقی و دیباچه طبیعی و پایان اشارات پیداست که وی شفا را برای توده مردم نوشت و نخواست که با مشائیان‌ومتکلمان‌نسازد . پس‌هیچ‌دور نیست که همین شیخ رساله اضحویه بنگارد و درآن سخنانی مخالف ظاهریان بیاورد . غزالی در تهافت‌الفلاسفه درمبحث معاد ازاین کتاب بهره برده است این را هم باید دانست که غزالی دربسیاری ازنگارشهای خودمانند شیخ باظاهریان خلاف کرد و آرائی آورد که اوراهم نگاهبانان سنت بمانند شیخ بیدین خواندند .

آغاز : بسمله افاض‌الله علی روح‌الشیخ‌الامین فی‌الدارین انوارالحکم وطهر نفسه من‌ادناس‌الطبیعه .

انجام : الا ان یرمز رمزاً کسائرالرموز واذ بلغنا هذاالمبلغ فیلتئم (فلنختم) المقالة(الرسالة) ولنحمدالله تعالی علی ماوفقنا له من ذلك ولنسئل الشیخ الامین ملاحظة بعین الرضا و اصلاح ماوقف فیه‌الزلة منعما انشاءالله تعالی ـ تمت الرسالة المسماة برسالةالمبدءوالمعاد والحمدلله رب‌العالمین والسلام علی‌رسوله محمدو آله اجمعین .

[۹۰]

٤۲۲ این نسخه شماره یکم دفتری‌است دارای چهاررساله وبخط تعلیق ونونویس است ودر٦۰ صفحه نشانه نسخه درص ٤۲ و۷۱ یاد شد .

[۹۱]

۱۰۷٤ این نسخه شماره دوم دفتری است دارای۱۸ رساله وبخط تعلیق ریزوگاهی بی‌نقطه ازبرگ ۱۸ب تا برگ ٤۳ ب (دیده شود ص ۷۳) .

[۸۲] اظهار الکمال علی اصحاب الحقیقة و الحال (فارسی)

این رساله ازشمس‌الدین محمد گیلانی است در اینکه خیرهستی است وشر نیستی ودلایل برای آن میآورد .

مسئله شر و آفرینش یکی از مباحث دشوار فلسفه است اینجا است که
۵ پیروان زردشت بدو اصل گفتند ولی فیلسوفان و عارفان مانند غزالی طوسی وابن عربی‌اندلسی وشیخ اشراقی سهروردی وقطب شیرازی وصدرای شیرازی ودیگران دستگاه آفرینش را بهترین دستگاه پنداشتند و شر را عدمی دانستند[۱] شمسا دراین رساله ازحدیث (کنت کنزا مخفیا) یاد میکند .

آغاز : بسمله . . . بدان اسعدك الله فی الدارین . . . که کمال خیرمؤثراست
۱۰ ونقص شر منفراست .

انجام :که خدای تعالی گنج مخفی بود یعنی غیرخدای تعالی بر آن گنج کمالات سرمدی ابدی واقف نبود .

[۹۲]

۹۲۶ این نسخه شماره دهم‌دفتری‌است دارای۱۵رساله و گفتاروبتعلیق‌ریز با نشانه‌های شنگرف دربرك ۱۴۳ الف و ب . نشانه نسخه دردنبال «اثبات وحدةالواجب» شمسا گفته شد این رساله دراین نسخه‌ازپایان ناقص‌وبرك ۱۴۴ب سفید گذارده شده است .

[۸۳] اغراض ارسطوطالیس (عربی)

فارابی دراین‌نگارش که درص ۸۸و۹۲شناسانده شده غرض‌الهی‌ارسطورا
۲۰ آشکارمیدارد. وآنرا دوازده گفتارمیداند از سنجش گفتار فارابی با آنچه درهریك دفترهای چهارده گانه الهی آمده چنین برمیآیدکه وی دفتر آلفای بزرك وکوچك

---

۱ ــ دیده شود شرح حکمةالاشراق وحاشیه صد را بر آن که در آن‌ودلایل براین مسئله آمده است ص ۲۳ ــ ۵۱۹ صدرا درحاشیه ص ۵۲۱ گوید افلاطون درپاسخ دوگانه پرستان گفت که جهان سراسر زیباست ونیکوولی ارسطو میگوید که دراینجهان خیرمحض
۲۵ داریم وخیراکثری ــ نیزنگاه به : فصل ٦ مقاله ۹ الهی شفاوقبس دهم قبسات سیدداماد وشواهد ربوبی صدرا ص ۱۰۳ ومبدء ومعاد او ص ۱۰۰

الهی را در گفتار نخستین و بتا را دردوم و گامارا درسوم و دلتارا درچهارم و اپسیلون را
در پنجم و زتا و ئتـا را درششم و ثتا را در هشتم و یوتا را در نهم و کاپا را دردهم
و لاندا را دریازدهم گذارده است و از گفتار هفتم دفتر مو و از دوازدهم دفتر نورا
را میخواهد.

۵ در آغاز میگوید که چون برخی پنداشتند که الهی ارسطو تنها از خدا و خرد
وجان وچیزهائیکه بدانها میپیوندد سخن میراند ومابعدالطبیعه و خداشناسی یکی
میباشند بااینکه جز د. بازدهمی که نشانه لام (لاندا) دارد یادی از آنها نشده است
و همین مایه گمراهی گروهی گروید این بود که این دفتر بنگارش در آمد. سپس
میگوید پیشینیان بر الهی ارسطو شرح شایسته نوشتند جز اسکندر که شرح وی
۱۰ بردفتر لام نانمام و ثامسطیوس که شرحی کامل براین دفتردارد و بردفترهای دیگر
یا شرحی ننوشتند یابما نرسیدا گرچه متأخران مشائی میگویند که اسکندر برهمه
دفتر های الهی شرح نگاشته است.

[۹۳]

۲۴۰ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای چندین رساله فلسفی ومنطقی فارابی
۱۵ از برك ۲ ب تا برك ٤ الف و نشانه آن درص ۱۸ گفته شد.

[۹٤]

۲۵۳ این نسخه شماره ششم دفتری است دارای ۲۲ رساله و گفتار از برك ۷٤ب
تا ۷٦ الف و بخط تعلیق ریز و نویسنده این دفترحیدر بن علی بن اسماعیل بن
عبدالعالی هاشمی کرکی عاملی است که بسالهای ٦ - ۱۰۷۵ نوشته است
۲۰ شماره هفتم این دفترسه فائده دارد در نخستین گفته شده که درنگارشهای فلسفی هرگاه
بگویند شاعر اومیرس و شاعرة ساقفو (گویا سافو) که زنی بود شاعر مانند همیروس میان مردان،
و الهی بقراط، و فاضل افلاطون، و منفرد دیوجانس، و زاهد سقراط را میخواهند! و فرفوریوسها
سه اند یکی ازصور دیگری سفل سوم ازلو بیقی دردومی چنین آمده که ارسطو از افلاطون واو
ازسقراط چنین آورد: دانشجو باید جوان باشد و آسوده دل و تندرست و بگیتی ننگرد و چیزی
۲۵ رابر دانش برتری ننهد و راستگو یدو خود بخود دوستدارداد باشد ودیندار و امین و با توده
مردم درروشها وخوهای زمانه بسازد و خوشخوی ومهربان باشد. و کم خورد و پرده
ندرد وازمرك نترسد وخواسته نیاندوزد جز آنچه که بدان نیازمند باشد چه دانشجوئی

باگردگردن خواسته نمی سازد درسومی دارد که بقراط ازسقراط پرسید بااینکه از گیتی درگذشتی ومرد مرادوست میداری چراترا دشمن میدارند وی گفت چون نادانی دشمن دانش است .

(همه دفتر ۱۵۶ برك) - کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده

اندازه : ۱۲٫۵×۱۹٫۵ و ۶ × ۱۱٫۵ س ۱۸

[۸٤] **(الافق المبین)** (عربی)

یکی ازنگارشهای فلسفی میرداماد(۱) «الافق المبین» است که در آن ازوجود وزمان ودهرسخن رانده بنوشته عالم آراء پیش از ۱۰۲۵ نگاشته است ودر دو صرح که هریکی

۱ - فرزانه فیلسوف میرمحمد باقر بن شمس الدین محمد داماد فندرسکی استرابادی
۱۰ فرزند دختری دانشمند محقق ثانی نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی (م ۹٤۰) و خود را گاهی فرزند داماد و گاهی نیز داماد میخوانده است در کودکی درطوس بوده و درآنجا دانش اندوخت و اندك زمانی پیشرفت نمود ودر روزگار شاه عباس یکم (۹۸۵-۱۰۳۸) بسپاهان رفت واز مرك محمد شاه (۵ - ۹۸٤) تاسال ۱۰۲۵ بمباحثه می پرداخت وی از نزدیکان و شناختگان شاه عباس و شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲) بوده با شیخ بهائی (۹۵۳-
۱۵ ۱۰۳۰) آمیزش داشت میرابوالقاسم فندرسکی (۱۰۵۰) ومیرمحمد باقر طالبان استرابادی شاگرد بهائی نیز درروزگار او میزیستند .

داماد شاگرد دائی خود شیخ عبدالعالی (۹۲۶-۹۹۳) و شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد پدر بهائی (۹۱۲-۹۸٤) ومیرفخرالدین محمد سماکی استرابادی وسید نورالدین علی بن ابی الحسن عاملی شاگرد شهید ثانی بوده است .

۲۰ حسین بن حیدر کرکی (زنده در ۹۸٤ تا ۱۰۲۹) مفتی سپاهان وصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) وسید احمد عاملی داماد و پسرخاله او (م ۶۰-۱۰۵٤) که نزد وی برهان شفارا خوانده است و ملاخلیل بن غازی قزوینی (۱۰۰۱-۱۰۸۹) شاگرد شیخ بهائی و محمدحسن زلالی خوانساری شاعر (م ۱۰۲٤) ستایشگراو و عادل بن مراد اردستانی از شاگران داماد بشمارند .

۲۵ شاه عباس ازوی می ترسید که مبادا نافرمانی کند و بروی بشورد وچندبارخواست اورا آزار کند ولی نتوانست .

داماد گاهکه باشاه صفی ازسپاهان بنجف میرفته بسال ۱۰٤۱ درمیان نجف و کربلا درگذشت ودر نجف بخاکش سپردند .

برای سرگذشت و فهرست نگارش میر دیده شود : الکنی والالقاب قمی ج ۲
۳۰ ص ۳-۲۰۲ وهدیة الاحباب همو ص ۱۳٤ وروضات الجنات ص ۶-۱۱٤ و قصص العلماء ص ۱۷۵ و ٤۰-۲۳۸ وامل الآمل ص ٤۹۸ ولؤلؤتی البحرین چاپ سنگی وعالم ارای عباسی اسکندر بیك ترکمان چاپ تهران ۱۳۱٤ ص ۱۰۹ و ۶۵۸ وفهرست سوم مجلس ص ٤۶۰ وفهرست سپهسالار ج ۱ ص ۶۹ و ۲۶۵ و سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر از ابن معصوم سیدعلی خان مدنی (م ۸ یا ۱۱۱۷) چاپ مصر ۱۳۳٤ ص ۷-٤۸۵ وفهرست کتابخانه بوهار
۳۵ هند چاپ کلکته بسال ۱۹۲۳ ج ۲ (نسخه های تازی) وفهرست آستانه طوس ج ٤ ص ۲۰٤ شماره ۸۸۸ وفهرست مجلس ج ۲ شماره ۱۳۸ ص ۷۳ وفهرست معارف ج ۱ ص ۶۰-۶۶-۷۳-۹۸

چند مساقه وهریکی ازآنهاهم چند فصل و هرفصلی چند عنوان است میباشد وی
درچهارجای این کتاب از « الصراط المستقیم » خود یاد میکند ودرمساقه ٦ صرحه
یکم زیرعنوان « اعضال طاج و مخرج ضاج » (۳۴۸ الف) که از تناهی زمان سخن
میراند عبارتی میآورد کـه تاریخ نگارش کتاب تا اندازه‌ای روشن‌میشود : « وانی
وقدکنت و کدت الفصية عنها حتى مازال ذلك و كدى برهة من العمر فلم يستبن لى ۵
فى هذه الثلثين سنة الاما اومض احايين الاشتغال بكتاب الصراط المستقيم فضمنته اياه
والآن . . . استأنف نمطا غيبيا و اسلو با قدسيا . . . واقتصر تا صيل اصل الحكمة . . .
واماالبسط والتفصيل . . . فعسى ان يكون فى آخرين من الحكما لما يلحقوابنا من
ينوب عنى نيابة تامه روعية عقليه . . . قد اثقل ظهر قريحتى فما وحمت وحم الفروع
ولاالتفت لفت الجزئيات » ازاینجا برمیآیدکه داماد افق مبین را پس‌ازصراط مستقیم ۱۰
نوشته و بیش از سی سال داشته وی دراین کتاب از فروع و جزئیات کاوش نمیکند
و آنرا بفیلسوفان آینده واگذار می‌نماید درذریعه (ج۲ص۱۶۱) از « الافق المبين »
دیگری یاد میکند که درفقه است وشاید از میر باشد .

آغاز : بنوشته کشف الحجب ص۵۵ وذریعه همانجاو در نسخه کتابخانه بوهار
(فهرست آنجاچاپ کلکته بسال ۱۹۲۳ج ۲ ش ۳۲۷ ص ۳۵٤) : سبحانك اللهم جل ۱۵
حمدك وعزمجدك يا رب العاقلات العاليه والسافلات البالية . تلويح استنارى . . . .

آغاز نسخه ما : بسمله و منك الاستيفاق يا عليم يا حكيم . تلويح استنارى ــ
عسيت ان اثبتك (الك) على التفطن لان ليس الوجود حقيقة الانفس الموجودية ... لامعنى
ماينضم الى المهية .

[۹۵] ۲۰

۲۸۹ این نسخه بنسخ وتعلیق و عنوانها درشت‌تر و شنگرف وگاهی درهامش .
چند برك درپایان سفید است و کتاب ناتمام و بدینجا « فصل انى لست استصح
ارسال التقدم الزمانى . . . وهو التقدم بالزمان وعلى ما يتصف به البارى الاول
تعالى وهو » پایان میپابد . نسخه پاکیزه و ناتمام دیگری دیده شدکه نزدیك بهفت
برك ازنسخه ما بیشترداشت : (دنباله بندآخر نسخه ما وهفت بند دیگر و ده سطر از ۲۵
بندی) دیگر و پایان آن چنین بود : « شك و توهين تحقيقى ـ قال مثيرفتة التشكيك

فی المباحث المشرقیة فان قیل تقدم العلة علی المعلول . . . . امتنع ان یکون للمجموع تقدم فنقول انالانعنی بهذا» .

حاشیه‌هائی درهامش نسخه مادیده میشود که به (منه دام ظله العالی) یا (ادام الله افضاله) یا مانند اینها پایان مییابد پس این نسخه درروزگار داماد نوشته شده است

٥ (۳۷۸ برك) — کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه : ۱۳×۲۰ و ه‍ر۱۳×٦ س ١٤

[٨٥] **اقسام الحکمه** (عربی)

خواجه طوسی (٥٩٧-٦٧٢) دراینددفتر کوچك دانشهای گوناگون را یاد کرده هریك را شناساند و پیداست که از احصاء فارابی و اقسام العلوم بوعلی گرفته

١٠ است وی ازاخلاق وعلم المنزل وعلم السیاسه آغازسپس هشت بخش منطق را آورد ونامهای یونانی آنها را نیز باتحریف یاد نمود وگویا نسخه غلط است آنگاه علمهای دیگر را شناسانده و میگوید از فروع الهی یکی علم وحی است که معقول درآن بریخت محسوس درمیآید درهمینجا از الهام و روح الامین تعریف میکند دیگرعلم معاد روحانی است دراینجا میگوید رستاخیزجان را خرد درمییابد و بازگشت تن

١٥ از آئین اسلام گرفته شده است در پایان میگوید حکمت ٤٤ بخش است و اگر منطق را بشمارنیاوریم ۳٥ میشود ازاینجا برمیآید که جدل را بایست بشماربیاورد ودرنسخه یاد نشد .

آغاز : فصل فی بیان اقسام الحکمة علی سبیل الایجاز من فوائد . . . خواجه . . . الطوسی . . . « الحکمة قسمان نظری وعملی فالعملی ثلثة اقسام .

٢٠ **انجام** : فجمیع اقسام الحکمة اربعة و اربعون قسما مع اقسام المنطق والافخمسة وثلثون قسما .

[٩٦]

١٠٣٣ این نسخه شماره یکم دفتری است که درص ۳۹ شناسانده شده و بخط شکسته تعلیق مورب دربرك ۲ ب میباشد .

٢٥ [٨٦] **اکسیرالسعادة الرضویه** (عربی)

این دفتر درمسائلی چند از فلسفه طبیعی واصول وفقه در یك مقدمه و ٤

باب و یك خاتمه میباشد و بسیار ساده است و علی بن احمد بن قریش حسینی برغانی قزوینی بدرخواست بزرگی در روز آدینه ۱۰ رمضان ۱۲۹٦ نگارش آنرا بپایان رساند در برك ۹۳ الف ازمحقق سبزواری یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی اتقن بحکمته نظام العالم .

انجام : لکن الله . . . من علی . . للاتمام . . . وتهیأ الفراغ من نقله الی البیاض فی یوم الجمعه العاشر من شهر رمضان المبارك فی الحول السادس والتسعین بعد المائتین والالف من الهجرة . . . بمحروسة دار الخلافة الباهرة صانها الله عن الافات والبلیة .

[۹۷]

۳۵۷

این نسخه بنسخ روشن و دردوجدول بزر و لاجورد و شنگرف با سرلوحی زیبا دردوصفحه نخستین ومیان سطرها طلاکاری شده و نویسنده آن عبدالعلی بن حاجی محمد رحیم برغانی میباشد .

(۱۱۵ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی زرد ـ جلد تیماج ضربی عنابی

اندازه : ۱۳ × ۲۲ و ۸ × ۱۳۵ س ۱۱

[۸۷] الف صغری (عربی)

کتاب الهی ارسطو که بنام (تامتاتافوسیکا) خوانده میشود چهارده بخش میباشد واز آغاز هریك ازاین بخشها بیکی ازحرفهای یونانی از آلفا تا نو نامیده شده است اسطاث Eustache که در روزگار حنین پسر اسحاق میزیست و نظیف پسر ایمن (م نزدیك ۳٦۰) از ۲٤ پزشك بیمارستان فنا خسرو در بغداد و اسحاق پسر حنین (م ۲۹۸) وابوبشر متی ویحیی پسر عدی آنها را ازیونانی یاسریانی بتازی در آوردند

این رساله که بخش دوم الهی ارسطو است و بنام الف صغری (آلفاالاتن) خوانده میشود باگزارشی است از یحیی بن عدی ترسای فیلسوف ترجمان سریانی (۲٦۳ـ۳٦٤) ومتن از ترجمه اسحاق است که درتفسیر مابعدالطبیعه ابن رشد باترجمه دیگری از اسطاث در بیروت بسال ۱۹۳۸ بچاپ رسید . پیشینیان این بخش را از پاسیکلس ردسی Pasielès de Rodes دانستند ولی اسکندر افرودیسی میگوید که از ارسطو است واودموس آنرا نشرنمود. این بخش دیباچه ای است برفلسفه

و در آن از دشواری طبیعی و شایستگی دانشمندان و ارزش دانش و بود مبـادی
نخستین یاد میگردد [۱] . از پایان الف صغری عربی پیداست که باید پیش‌از الف
کبری باشد بااینکه درچاپها و ترجمه‌های‌اروپائی پس‌از آن است ابن سینا درفصل
۲ مقاله ۸ الهی شفا یادی از الف صغری نمود و از گفته ملا اولیا در حاشیه آن
۵ پیداست که شیخ در « مبدء و معاد » باینکه الهی ارسطو روی الفبای یونانی مرتب
شده اشاره نمود سیداحمد عاملی درحاشیه شفا دراینکه چرا الف‌صغری نامیده‌اند
مناسباتی عرفانی یاد کرد .

آغاز : متن « ان النظر فی الحق صعب من جهة سهل من جهة والدلیل
علی ذلك انه لم یقدر احد من‌الناس علی‌البلوغ بقدرمایستحق » .

۱۰ **آغاز شرح** : « قال یحیی‌بن عدی : لماکان غرض‌الفیلسوف فی‌هذاالکتاب
باسره‌اعنی فی کتابه ذی‌المقالات‌المرسوم بمطاطافوسیقاای فیمابعدالطبیعیات انماهو
فی‌الجزءالثالث فی اجزاءالجزءالنظری من جزئی‌الفلسفه » .

انجام متن : « ظهرلناالاشیاء التی یبحث عنهابالنظرالطبیعی » آنگاه‌دارد
« وهل ینبغی ان ینظر فی علل واوائل‌العلم واحداولعلوم اکثرواحد » .

۱۵ ابن عدی دراینجا میگوید که این عبارت را در ترجمه اسحاق یافتم ودر
ترجمه‌های سریانی وترجمه های دیگرعربی نبود و باید آغاز « الف کبری » باشد
نه انجام « الف صغری »

انجام شرح : « والاوائل کلهاالعلم واحد ولعلوم‌اکثرمن واحد . تم تفسیر
یحیی‌بن عدی لمقالة الف‌الصغری من‌کتاب ارسطو فیما بعدالطبیعة .

۲۰ [۹۸]

۲۹۲ این نسخه شماره یکم دفتری است که دوم آن ترجمه نهایه شیخ طوسی است
بپارسی کهن ازیکی ازیاران طوسی که نزدیك بروزگاراومیزیسته است وباید
۲۲ کتاب و ۲۱۵ باب و ۳۶۰۰۰ مسئله باشد (ذریعه ج ٤ ص ٤-۱٤۳) دراین
نسخه ازترجمه «وصیت» آغازمیشود . الف صغری وتفسیر آن در۲۳ برك است وبنسخ

۲۵ ۱ — دیده شود گفتارفهرست نگار درشماره ۲ سال ۱ مجله جلوه ص ۷٦ تا ۸۲
ـفهرست ابن ندیم‌ص ۳۵۲- ترجمه فرانسوی الهی ارسطو از تریکو - اندیشه ارسطو از
هاملن بفرانسه .

و روی عنوان «قال» خط کشیده شده و جناب آقای مشکوة آنرا با نسخه شماره ۸۷۵ مدرسه خان مروی تهران مقابله کردند. رستم نامی این نسخه را برای برادرش افراسیاب بیك درشام روز سه شنبه ۲۰ رمضان سال ۱۳۰٤ فرستاد ومهر رستم نیز دیده میشود (۲ الف) .

(برگها ۸۷) جلد ندارد ــ کاغذ ترمه سمرقندی ۵

اندازه : ۱۲×۱۸ و ٥ر٦×۱۳ س ۱٦

[۸۸] امتناع صدور الکثیر عن الواحد (عربی)

یکی ازمسائل مهمی که مشائیان بدان می پرداختند این است که ازیك چیز جز یك چیز بر نیاید ویك آفریننده جزیك آفریده نخواهد داشت ورشته موجودات ودستگاه جهان هستی برأی آنان بر پایه این قانون نهاده شده وشیخ رئیس در کتابهایش ۱۰ بدین قانون اشاره نمود وامام رازی از آن خرده گیری کرد از متأخران سید داماد وملاصدرای شیرازی از آن گفتگو نمودند . این رساله کوتاه نیز درهمین مسئله است که دانشمند شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری بخط خود در ۲٦ محرم سال ۱۳۱٤ خورشیدی نوشته است .

۱۵ **آغاز** : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . فیقول العبد . . . یدالله . . . ان هذه نبذة من المباحث تتعلق بالمسئله المبحوث عنها فی العلوم العقلیه والاصول الکلامیه وهی امتناع صدور الکثیر عن الواحد .

انجام : فیسد باب اثبات الصانع فضلا عن توحیده والله ولی الافضال تمت علی یدمؤلفها... یدالله فی السادس والعشرین من شهر محرم الحرام من السنة الشمسیه ۱۳۱٤

۲۰ [۹۹]

۲٤۹ این نسخه بنسخ از خود نگارنده کتاب و مورخ ۲٦ محرم سال ۱۳۱٤ خورشیدی میباشد .

(۳۹ صفحه) کاغذ فرنگی جلد تیماج زرد مقوائی

اندازه : ۱۱×٥ر۱۸ و ٥ر۸×۱۳ س ۸

[۸۹] انفساخ الصور بعد الموت (عربی) ۲۵

این رساله دراین است که آنچه درنفس صورت می بندد و نادرست میباشد

پس‌از مرك تباه میگردد وشیخ رئیس آنرا برای بزرگی که « سیدناالاستاذالرئیس الاجل » میخواند نوشته ومیگوید که چون خیال و پندار با مرك ازمیان میرود از صورتهای ذهن آنچه نادرست و بد باشد نخواهد ماند تنها آنچه درست وراست و نیکو باشد چون از روان می‌تراود پایدار میماند .

۵ **آغاز** : پس‌ازستایش ودرود ـ قداتفق‌النظرفیما امر به‌سیدالاستاذالرئیس الاجل ادام‌الله علمه وهوانفساخ‌الصورالموجودة فی‌النفس المخالفة للحق فی‌النفوس البشریة بعدالموت .

انجام : فقدصح‌ان‌الصور المعقولة‌المخالفة للحق ینفسخ عن‌النفس‌البشریة بعدمفارقة‌التخیل. درنسخه قنواتی (۸۱) پس‌از این عبارتی دارد که شیخ باز درآن ۱۰ ازآن بزرك یادکرد و پوزش خواست .

[۱۰۰]

۱۰۳۷ این نسخه شماره ۵ دفتری دارای ۷ رساله وگفتارفلسفی است و از برك ۲۰۷ الف تا برك ۲۰۵ الف و نسخه بخط نستعلیق و بیاضی میباشد شماره دوم آن (۲۱٦ الف تا ۲۱۵ب) پاره‌ای است از «حدود» ابن‌سینا برابر با ص۷۹ـ۸۲ ۱۵ چاپ مصر درتسع رسائل بسال ۱۹۰۸ که درص٤۲ این‌فهرست شناسانده شده وشماره سوم آن همان «اثبات‌النبوة» شیخ است که در ص ۱۱۲ این فهرست شناخته شده از برك ۲۱٤ الف است تا برك ۲۰۸ الف ودرپایان آن دارد «تمت فی شهرربیع‌الثانی سنه ۱۷۱» .

(همه دفتر ۲۲۹ برك) کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی ساده وفرسوده
اندازه : ۶ر۵ × ۱٦ و ۴ر۱۲×۹ر۵ س ۲۲

[۹۰] انموذج‌العلوم (عربی)

دانشمند دوانی (م ۹۰۷) این دفتررا برای سلطان محمود بپرداخت ودر ده مسئله فقه‌و کلام‌ومنطق وریاضی‌بطور نمونه میباشد. دوانی رساله اثبات‌الواجب را نیزبرای همین محمود که یکی ازپادشاهان هند است نوشت وی شرحی برعقاید ۲۵ عضدالدین ایجی دارد که درتاریخ چاشت چهارشنبه ۱۸ربیع یکم سال ۹۰۵درشهر جیرون بپایان رساند ودرلکهنوه بسال ۱۳۲۸/۱۹۱۰ بچاپ رسید و آخرین نگارش اواست

آغاز : بسمله و به نستعين الله المحمود فی كل فعاله وهوالمشكورعلی جزيل نواله . . . فيقول . . . محمدبن اسعدالدوانی . . . انی كنت مشعوفاً بان اسلك فی سلك خدام حضرت من فاق سلاطين الانام .

انجام : هذا آخرما قصدنا ايراده فی هذه الرسـالة جعلته انموذجا لتلك العلوم (فيلاحظ خدام العتبة العلية . . . وغاية المنی ... و نجوم الهدی والحمدلله رب العالمين) ۵

[۱۰۱]

۸٦۸ اين نسخه شماره يكم دفتری است كه درص٤٧ اين فهرست شناسانده شده واز ص ۲ است تا ص ۸۳ و بخط تعليق با عنوانهای شنگرف ودرسپاهان بسال ۱۰۲۱ نوشته شده است نسخه ماخطبه وسرگذشتی كه دوانی ازخوددرديباچه ميآورد ندارد وآغازش چنين است : «پس ازستايش ودرود ـ المسئلة الاولی فی اصول الفقه» ودرپايان نيزعبارت ميان دوكمانه درآن نيست . ۱۰

[۹۱] **انوارالحكمة** (عربی)

فيض كاشانی (۱۰۰۷ ـ ۱۰۹۱) اين كتاب را از علم اليقين خودگزين نموده وچيزهائی بر آن افزود و درچهار بخش هريك باعنوان «نور» كرد : ۱ـ شناختن خدا ۲ـ فرشتگان ۳ـ پيامبران و كتابها ٤ـ رستاخيزودرسال ۱۰٤۳ آنرابپرداخت ۱۵

آغاز : نحمدك اللهم وانت المحمد اهل و نستهديك وهدايتنا عليك يسيرسهل (دزيعه ج ۲ ص ٤۲۵) .

[۱۰۲]

٤۳۳ اين نسخه شامل كتاب نخستين و اندكی از كتاب سوم است و بدينجا پايان ميیابد : «ان الروح الانسانی كمرآة فاذ اصقلت . . . ولم يمنعها حجاب عن ذلك وذلك» و درآغاز از حاشيه‌هائی ازلطف‌الله ديده ميشود وبخط نسخ وگاهی معرب وبرخی ازعنوانها بشنكرف وجای برخی ديگرسفيد است . ۲۰

(۹۱ برگ) ـ كاغذ سمرقندی ـ جلد تيماج زرد
اندازه . ۱۲×۱۸٫۵ و ٦ × ۱۱٫۵ س ۱۵

[۹۲] **الانوارالقدسيه** (عربی) ۲۵

قاضی محمد سعيدقمی (۱۰٤۹ـ۱۱۰۳) شاگردفيض كاشانی وفياض لاهيجی

وفیلسوف متشرع وشارح توحید صدوق این کتاب را درسه «نور» که هریك درچند «فتوح» است نوشته وازهیولی وصورت ونفس بروش عرفان شیعی کاوش نمود وی دردیباچه ازنادانان مینالد وبپیامبروخاندان او پناه میبرد وگاهی درمطالب فلسفی خبرهای شیعی گواه میآورد وتأویلهای شگفتی میکند. (١محرم ١٠٨٥ درقم)

٥ **آغاز** : الحمدلله الذی آتاناالحکمة لکی نتوصل بهـا الی ما لدیه . . . فالفقیر ... محمدالمدعوبسعیدالقمی یقول تلك انوارقدسیه افضیت علی روعی اوقات المذاکرة .

انجام : هذا مااردناایراده فی‌ذکرالهیولی وشرفها ... وسیرهاالانواری ... واتفق مساعدة توفیق‌الله لاتمام تلك‌الرسالة علی یدی مؤلفهاغرة شهرمحرم ... خمس

١٠ وثمانین من‌الالف‌الثانی . . . فی وطنه قم . . . مصلیاً مستغفراً .

[١٠٣]

١٠٣٠ این نسخه شماره ١٦دفتری است دارای ٢٣رساله وگفتار که درص١٢٧ شناخته شد و بخط شکسته نستعلیق و در ٩ شوال ١٠٩٤ ٩ سال پس‌از نگارش قمی نوشته شد برك ١٥٩ ب ــ ١٦٦ ب .

١٥ [٩٣] **ایزد شناخت** (فارسی)

این رساله درسه‌باب (شناخت خدا ، مردمی ورستاخیز، پیامبری) میباشد ودوباردرتهران‌بچاپ‌رسیدیکی‌در١٣١٦ خ ازروی٥نسخه که‌در دونسخه‌بنام «ایزد شناخت» مانند نسخه ما ودر سه تای دیگر بنام «یزدان شناخت» و در چهارتا از عین‌القضات ودریکی آنهم مانند نسخه ما از سهروردی شهید (٥٤٩ـ٥٨٧) دانسته

٢٠ شده بود ازدیباچه این چاپ پیداست که کتاب‌برای صدرالفضلاجمال‌الدین محمدبن محمود داری بنگارش درآمد . باره دیگر در ١٣٢٧ خ بنـام «یزدان شناخت» از روی نسخه تاریخ٧٣١ بچاپ رسیده واز عین‌القضات ابوالفضائل عبدالله‌بن محمد میانجی همدانی فیلسوف عارف تند بی‌پروادانسته شد وی شاگرددانشمند روشندل احمد غزالی (م ٥٢٠) وفیلسوف آزاداندیش خیام (٤٥٥ـ٥١٥) بوده است او را

٢٥ بگناه سخنانیکه‌آزادانه بنظم ونثر گفته‌است وبدستورقوام‌الدین درگزینی وفتوای

فقیهان پس از اینکه یار او عزیزالدین مستوفی وزیر سلطان محمود بن محمدبن ملکشاه (۵۱۱ـ۵۲۵) ازسلجوقیان عراق از کار افتاد دستگیر کرده ببغدادفرستادند سپس بهمدانش آورده در ٤ شنبه ۷ ج ۲ سال ۵۲۵ بدارش آویختند آنگاه پوست کنده ودر بوریائی نفت آلود پیچیده بسوختند . شهرزوری در نزهه یکی از نگارشهای سهروردی را «یزدان شناخت» بشمار آورد ودراین رساله نیز ازشعر سنائی (م ۵۳۵) آمده و دور است که همدانی معاصر او از شعرش یاد کند مگر اینکه عزیزالدین نسفی عارف (سده ٦و۷) در کشف الحقایق ازهمدانی سخنی میاورد که در این رساله هست وروش آن هم روش فلسفه مشائی آمیخته با عرفان است و از خواندن آن سخنان فارابی و ابن سینا بیشتر بیاد میآید تا اندیشه اشراقی سهروردی دردیباچه نسخه ما وچاپ ۱۳۲۷ ازکسی نام برده نشده وتنها « مجلس عالی » دیده میشود ودر آغاز وانجام دارد که « این تحفه‌ای است روحانی » ودر پایان میگوید که این مختصر بیادگار بزرگی نوشته شده ومیخواهد که بناشایستگانش ندهند بازمیگوید گزیده و راز حکمت طبیعی و الهی راکه تاکنون نهفته میدانستند آشکار ساختم اینگونه سفارشها نیز سخنان ابن‌سینا و محمد غزالی را بیاد میآورد و همدانی هم درآغاز کار بنگارشهای غزالی مینگریست آنگاه نزد برادرش احمد رفته و از او آموخت بااینهمه شناختن نگارنده رساله نیاز ببررسی بیشتری خواهد داشت[1]

[۱۰٤]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۱۷ دفتری است دارای ٤٤ رساله که درجلد یکم شناسانده شده و بخط تعلیق رجبعلی بتاریخ ۱۰٦۱ از ۷٤ ب تا ۸۱ الف میباشد .

[۹٤] بقاء النفس بعد بوار البدن (عربی)

این رساله را خواجه طوسی (۵۹۷ـ٦۷۲) برای مؤیدالدین فیلسوف مهندس بنگارش در آورد ودر آن از پایداری روان کاوش نمود ودرمصر با شرح اباعبدالله زنجانی و تعلیق شهرستانی بسال ۱۳٤۲ بچاپ رسید و آقای زین‌الدین کیائی نژاد

۱ ــ نگاه به : تاریخ شهرزوری (ش ۸۵٦ گ ۱۷۰ ب) و ترجمه آن (ش ٤۲۷ گ ۲۱٤ ب) وترجمه دری بخش ۲ ص ۱٤۵ نیز دیباچه دوچاپ ایزد شناخت .

متن و شرح را بپارسی کرده و درسال یکم مجله جلوه چاپ شد . خواجه درآغاز وانجام آن از مؤید یاد میکند .

[١٠٥]

٨٦٣ این نسخه شماره دوم دفتری است که دارای شش رساله میباشد (ص ١٢٢ این فهرست) وبخط تعلیق شکسته با عنوانهای شنگرف ازبرك ٩ ب تا برك ١٧ الف است .

[١٠٦]

٨٧١ این نسخه شماره ٢٢ دفتری است دارای ٢٥ رساله (ص ١٠١ جلد ١) ازبرك ١٦١ الف تا ١٦٤ ب و بخط تعلبق محمدعلی میباشدکه در ١٢٩٩ و ١٣٠١ این دفتررا نوشت .

[١٠٧]

٨٧٦ این نسخه شماره دهم دفتری است دارای شانزده رساله که دردنبال « اصالت وجود » نشانه آن یاد شد از برك ٧٦ ب تا ٨١ الف و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب دوشنبه ع ١ سال ١٠٣٦ .

[٩٥] بیان الحق بضمان الصدق (عربی)

این دفتر نگارش ابوالعباس فضل بن محمد لوکری مروی ادیب شاعر فیلسوف (١) است

١ — لوکر بضم (سمعانی) یا فتح (یاقوت) لام دیهی بود درخاور رود مرومیان پنجدیه وبرکدز (در باختر آن رود) ودرروزگار سمعانی (م ٥٦٢) ویران شده بود ویاقوت در ٦١٦ بدانجا گذشته نشانه‌های آن را بدید (انساب — معجم البلدان) — لوکری در روزگار خیام (٤٥٥ — ٥١٥) وابوالفتح بن کوشك ومیمون بن نجیب واسطی خوزی هروی میزیسته واز آندو برتر بوده است وی شاگرد بهمنیار مجوسی آذربایگانی (م ٤٥٨) شاگرد شیخ بوده وازشاگردانش اینان را نام برده‌اند : ١ — افضل الدین غیلانی استاد سید صدرالدین سرخسی استاد فریدالدین داماد نیشابوری استاد خواجه طوسی دراشارات ٢- فیلسوف قطب الزمان محمد بن ابی طاهر نصیری طبسی مروزی (م ٥٣٩) ٣- قاضی فیلسوف مجدالافاضل عبدالرزاق ترکی ٤ — امام اسعد میهنی استاد نظامیه بغداد (م ٥٢٧) ٥- فیلسوف ادیب عین الزمان حسن قطان مروزی بخارائی (٤٦٥- کشته غزان درمرو در ٥٤٨) نگارنده گیهان شناخت بسال ٤٩٨ واخترشناخت . همین لوکری باهمکاری خیام وعبدالرحمان خازنی (زنده در ٥٢٥ ومیمون واسطی وابوحاتم المظفر اسفزاری (م میان ٥٠٦ و ٥١٥) بسال ٤٦٧ بدستور ملکشاه زیجی بپرداختند و در رمضان سال ٤٧١ آغاز فروردین را باغاز حمل بردند .

بقیه حاشیه درصفحه بعد

ودر آغاز آن میگوید که از نگارشهای فارابی وشیخ رئیس ودیگر فرزانگان گزین نمودم واین دفتر که گزارش آنهاهم هست بپرداختم بی آنکه سخن را بدراز کشانم یا بکوتاهی بپردازم و ایندفتر برای خودم دستورو آیندگانرا یادگاری است ازمن واگر نمیرم بخش ریاضی را نیز بر آن میافزایم . او این کتاب را بآستان صدراعظم روزگارخویش ارمغان داد . بیان‌الحق در ۵ بخش‌است : ۱ـ منطق درنه فن و۳۸ مقاله ودرست برابر شفا است مگر دربرخی جاها چنانکه تعریف را مانند اشارات پس‌ازکلیات آورد و نیز فن شعررا در یك فصل کوتاه نوشت (۱ ب ـ ۸۷ الف) ـ آغاز: « بسمله الحمدلله واهب‌الصور للمواد . . . . اجمع کتابا . . . علی سبیل‌الشرح والتلخیص معا مستخرجاً من جمیع کتب‌الحکمة المنسوبة الی‌الشیخ‌الرئیس . . . والی الشیخ الحکیم ابی نصر الفارابی . . و من سائر کتب المحدثین والمتقدمین الموجودة » .

انجام : « ونوع آخر یبین به صناعةالموسیقی لایستعمل فی غیره والله تعالی اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب ـ تم کتاب الاقاویل الشعریة وبتمامه تم‌المنطق والحمدلله . . . » .

۲ـ طبیعی که مانند منطق درازتر از بخشهای دیگر ودر ۸ فن و ۳۵ مقاله وگزیده‌ای است ازشفا و بروش آن (۸۷ ب ـ ۱۷۱ ب) ـ آغاز : « ستایش ـ هذا هوالجزءالثانی من‌الکتاب المؤلف فی قوانین‌العلوم الحکمیةالذی سمیناه کتاب بیان الحق بضمان‌الصدق » .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

لوکری بود که دانشهای‌فلسفی را درخراسان دردسترس مردم گذاشت وی درپایان زندگی نابینا شد ومیگفت چون‌ناتوان شدم ونابینا دیگر ازافزودن بردانش خویش نومید گشتم ومرك را برمیگزینم . اورا بجز بیان‌الحق رساله‌ها وتعلیقها وگزیده‌هااست وقصیده‌ای دارد با شرح آن بپارسی . نگاه به مجالس‌المؤمنین مجلس ۷ سرگذشت طوسی ـ لؤلؤتی البحرین ـ روضات‌الجنات ص ۵۸۲ ـ گاهنامه تهرانی سال ۱۳۰۸ ص ۷۶ و ۳۱۱ ش ۱۳۲ و ۱۸۴ و ۲۰۶ ـ ابن‌اثیر ج ۱۰ ص ۳۷ ـ بیهقی ص۱۲۰ و ۲۰۴ نیزفهرست نامهای‌آن‌دره ش ۷۷ ـ شهرزوری ش ۸۵۶ گ ۱۴۴ الف و ترجمه آن ش ۴۲۷ گ ۱۸۲ الف وترجمه گزیده آن ش ۲۸۳ گ ۶۱ ودربخش ۲ ص ۷۸ .

نجام : « واما حديث الاسنان و منافعها فقد علمت فی مواضع اخر والله تعالی اعلم . . . تم کتاب الحیوان و بتمامه تمت الطبیعیات والحمدلله . . . کثیرا » .

٣- الهی دریك فن و ده مقاله و ٥٤ فصل در دیباچه آن میگوید که الهی دو بخش است یکی مابعدالطبیعه و علم کلی دیگر علم الربوبية واثالوجيا . باز می‌نویسد که
٥ چون درمعاد بسزا سخن نراندند من از آن بیشتر کاوش میکنم وخردها وروان را نیز هیشناسانم (١٧٢ الف - ٢٠٢ الف) - آغاز : « نام خدا و ستایش او - هذا الجز الثالث من الکتاب المؤلف فی العلوم الحکمیة . . . (مانند آغاز طبیعی) وقصد نافیه ان نتکلم فی الاصول (من) العلم الالهی علی سبیل التلخیص والشرح معاً .

انجام : « فیما یبقی فیهم السنة والشریعه التی هی اسباب وجودهم وبما یقربهم
١٠ عندالمعاد من الله زلفی بزکائهم والله تعالی اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب » .

٤- خداشناسی که در آن ازدانائی وتوانائی وخرد وبخشایش خدا و یکی بودن آفریده او (الواحد لایصدر عنه الا واحد) وازخردها وقدمت و آفریدگان آنها وخرد ستارگان واز روانشناسی عقلی ورستاخیز گفتگو نمود وچنانکه خود در آغاز گفته است دراینجا رازها را آشکار بداشت و پیداست که دراینجا مانند شیخ بامتکلمان
١٥ و پیروان سنت خلاف نمود و بیشتر از ثئولوگیا یاگزیده انشاد پلوتینوس گرفته و این بخش را بنام « الرسالة الملحقة بعلم الربوبية » خوانده است (٢١٢ الف - ٢٠٨ الف) .

آغاز : « فی ذکر بیانات مسائل من علم مابعدالطبیعه تجری مجری الاسرار » .

انجام : « تقتنص من الرصد وبالحس والله اعلم بالصواب . تمت الرسالة الملحقة »
٢٠ ٥ - « الفصول المنتخبة من رسالة الاخلاق » که در آن گزیده‌ای ازاخلاق وتدبیر منزل وسیاست در ٥ باب آورد (٢١٨ الف - ٢٢٣ الف) - .

آغاز : « بسمله هذه جمل وفصول منتخبة من علم الاخلاق یشتمل علی اکتساب فضائل النفس الانسانیة والاجتناب عن رذائلها » .

انجام : آنچه که در نسخه ما خوانده میشود درمبحث عدل ومحبت : « فی ثلثة
٢٥ احدها فی المبدء وفی المنتهی وفیما بینهما واتفاق الرأی فی المبدأ » .

[۱۰۸]

۲۵۰

این دفتر از گرانبهاترین نسخه‌های این کتابخانه است و تا آنجا که جستجو شدهٔ نسخه دیگری نشان نداده‌اند . خط آن نسخ خوش روشن و عنوانها شنگرف و با اعراب بخط سیاهتر و نشانه‌های فواصل در برخی جاها نیز نیز بشنگرف است و عثمان بن محمد بن عثمان شهر آبادی برای خود بسال ۶۰۱ درسپاهان آنرا نوشته و دردوجا (۸۷ الف و ۱۷۱ ب) از تاریخهای (۱۵ع۲) و (روز پنجشنبه ۲۸ رمضان) همین سال یاد میکند . نزدیك بیك صفحه از پایان کتاب چون دور برك بهم چسبیده شده خوانده نمیشود و باید باوسیله علمی بازنمود . خط برخی ازدارندگان نسخه در برك ۱ الف دیده میشود : ۱- هبة‌الله یزدان‌بخش فرزند بدرالدین پسر آدم بسال ۸۳۱-۲- فضل‌الله پسر محمد حسینی در ۹۸۷-۳- عبدالله پسر شیخ محمد اردکانی یزدی در ۱۰۱۷ با مهر .

(برگها ۲۲۳) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج ضربی کهنه

اندازه : ۱۹٫۵ × ۳۱ و ۱۵×۲۶ س ۲۹

۲۸۰

آغاز (بیان‌الحق لوکری) ش ۲۵۰ گ ۱ ب

پایان طبیعی (بیان‌الحق لوکری) ش ۲۵۰ گ ۱۷۱ ب

[٩٦] **پاسخ ابن سینا بسه پرسش** (عربی)

این پرسشها دراین است که چرا و ازکجا باینجهان آمده‌ایم و پس‌از مرگ بکجاخواهیم رفت وچگونه خواهم‌بودوشیخ بروش نوپلاتونیان وعارفان و باطنیان همه را پاسخ میدهد .

٥ **آغاز** : بسمله وستایش ودرود ـ هذا نبذ من‌المسائل الرفیعه اوردها الشیخ الرئیس فی‌جواب من قال انامن ای موضع جئنا‌الی‌هذا‌العالم ، اعلم‌انامن ذالك‌العالم جئنا الی هذا‌العالم (من فوق فلك‌الزهره الی فلك البروج) من فوق فلك البروج تحت‌الفلك‌المستقیم الی هذه‌الارض .

انجام : و کالاجزاء له فی‌الکل والصورة فی‌الشخص و کالشخص فی‌الصورة ١٠ وکالعلة فی‌المعلول و کالشیء فی‌التمام ـ این گفتگو در کنار شرح هدایه شیرازی ص ٤ـ٢٧٢ (تهران ١٣١٣) بچاپ رسید وچهار پرسش و پاسخ است و پایان آن چنین میباشد : « علی ما توافق علمه عمله والله اعلم » و نزدیك است به نسخه‌ایکه قنواتی در ش ١٩٦ شناساند و آنهم چهار پرسش است مانند چاپ قاهره (مجموعه رسائل تاریخ ١٣٢٨ ص ٥ـ٢٥٠) .

١٥ [١٠٩]

١٠٣٨ این نسخه شماره یکم دفتری دارای ٧ رساله و بخط تعلیق از ٢١٨ ب تا ٢١٦ الف .

[٩٧] **پاسخ ابن‌سینا بپرسشهای بیرونی** (عربی)

دانشمند فرزانه ایران بیرونی (٣٦٢ ـ ٤٣٠) هجده پرسش از فیلسوف ٢٠ ابن‌سینا کرده در ده تای آنها از« آسمان وجهان» ارسطوخرده گرفت ودرهشت تای دیگرخودچیزهائی پرسید . بیرونی درآغازپرسشها ازشیخ بسیار بستود وازخوارزم آنهارا برایش فرستاد. شیخ نگارش پرسشهارا بفقیه معصومی (ه ٤٥٠) شاگرد خود که با بیرونی نامه نگاری داشت واگذاشت و هرگاه از کارها میآسود معصومی پاسخها را برای اومینوشت این بودکه پاسخها دیر به بیرونی رسید وشیخ درپایان ٢٥ آنها نوشت.که امیدوارم اگردوباره چیزی بپرسی دردادن پاسخ شتاب کنم وبفقیه

وانگذارم ودرخواست که اگر بازهم چیزی برتودشوار است دوباره بپرس تاروشنش
سازم . بیرونی از بیشتر پاسخهای شیخ خرده گرفت وسخنانی زننده در آن گنجاند
واورا (ای جوان) و (ای فرزانه) خواند که شیخ دیگر نمی‌پارست بدان ارجی نهد
واینها پس از مرگ او رسیده ناگزیر معصومی بپاسخ بیرونی پرداخت و بدونوشت
۵ که اگر درنوشته خود روش دیگر برمیگزیدی در پیشگاه خرد ودانش شایسته‌تر
میبود بیرونی درنامه‌ای که برای اوفرستاد ازاین لغزش پوزش خواست شیخ دراین
گفتگودرست خودرا یکتن مشائی پیرو ارسطو نشان میدهد و از سخنان ارسطو
درسمع الکیان یا طبیعی و کون وفساد و آسمان وجهان و آثارعلوی و نفس و حس
گواه میآورد و نمیگذارد رخنه‌ای در گفتاراستاد پیدا شود نیز ازتفسیرخود برمقاله
۱۰ یکم ماطافوسیقا و جمع رائین فارابی یاد میکند و به بیرونی میگوید گویا دراین
سخنان از رازی پزشک که از پیشهٔ خود گذشته بالهی پرداخت و از یحیای نحوی
ترساکه در کون و فساد خود تنها برای دین از ارسطو خرده گرفت پیروی کردی .
بیرونی یحیی‌را ستوده و گفت ماناتوردی راکه او بر پرکلس درباره همیشگی جهان
نوشته وخرده گیری که او از ارسطوکرده وتفسیری که گرد آورده نخوانده‌ای وتو
۱۵ گاهی از رازی پیروی میکنی با اینکه اورا شایسته ندانستی .

این گفتگودر « جامع البدایع » ش۱۲ بچاپ رسید وحاج میرزا ابوالفضل ساوجی
حکیم همه آنهارا باخرده گیریهای بیرونی بپارسی کردودر نامه‌دانشوران درسرگذشت
معصومی (ج ۲ ص ۵۸۵ـ۶۰۴) همه اینها ودر (ج۱ ص ۱ـ۷۰) فهرست آنها آمده
است این فهرست درفرهنگ دهخدا درسرگذشت ابن‌سینا (ص ۶۴۹) و آن پارسی
۲۰ درسرگذشت بیرونی (ص ۸۱ـ ۶۷۰) درهمین فرهنگ نیز دیده میشود سرگذشت
بیرونی بازجداگانه درمجله آموزش وپرورش (ش ۳ـ۷ سال ۱۵ تاریخ مهر ۱۳۲۴
خ) چاپ شد [۱] .

آغاز : « هذه الرسالة الی ابی الریحان البیرونی فی جواب مسائل انفذها الی من
خوارزم حاطك الله مغبوطا بنیل ماتهواه واسعفك بجمیع ماتتمناه وقسم لك سعادة الدارین

۲۵ ۱ـ نگاه به : بیهقی ص ۹۵ ـ شهرزوری گ ۱۳۹ ـ ۱۴۰ ـ دری بخش ۲ ص ۶ـ۶۳

وصرف عنك جميع ماتكره في المحلين سألت ادام الله سلامتك الابانة عن مسائل ماتراه جدير ابان يؤخذ على ارسطوطاليس اذ تكلم منها في كتابه الموسوم بالسماء والعالم ... ولم يتأخر اصدارها الى هذه المدة الا ماعسى ان يقرره الفقيه المعصومي .

انجام : ذلك لان الماء عند جموده تنحصر فيه اجزاء هوائيه تمنعه عن الرسوب الى اسفل فهذا جواب جميع ماسالتنيه من المسائل و نحب ان اشكل عليك شيء من هذه الفصول ان تمن على بمطالبة المعاودة بشرحها حتى اعجل في ايضاحها وانفاذها اليك وماعسى يتأخر اجوبة هذه المسائل فاني لا انمني عليها الفقيه المعصومي اذا خذني بالفراغ من نسخها كما فعل هذه المرة وبالله التوفيق والعون وعليه التكلان .

[١١٠]

٢٥٣ این نسخه شماره ۲۲ دفتر است و بتعلیق با عنوانهای شنگرف گ ۱٤۳ ب ۱۵۵ الف (ص ۱۵۱ این فهرست) قنواتی درش ٥٤ این گفتگو را شناساند و نسخه ما نزدیك بنسخه‌هائی است که او نشان میدهد او درش ۱ شانزده پرسش و پاسخ نشان میدهد و آنها را از آن بیرونی و شیخ میداند بااینکه ازمباحثات است (برابر بانسخه ایاصوفیا ۲۳۸۹/۲ درش ۱۹) ودرش ۲ پاسخ و پرسشی دیگر ازاین دو دانشمند نشان میدهد با اینکه گفتگوی شیخ و کرمانی است (نسخه ش ٤۲۲/٤ ما) باز درش ۹۹ نسخه‌ای را میشناساند که درآن پرسش ابن زیله و پاسخ شیخ آمده ودرعنوان آن یکی از پرسندگان را بیرونی بشمار آورد .

[۹۸] پاسخ ابن‌سینا بده پرسش کرمانی (عربی)

دانشمند ابوالقاسم کرمانی ده پرسش از ابن سیناکرده و پاسخ گرفت واین گفتگوها که درالهی وطبیعی است درمجموعه نگارشهای ملاعباسعلی کیوان قزوینی که ازآنها « ثمرة الحیوة » است درتهران بسال ۱۳۰۸ خ ص ۷۱–۱٦۲ بچاپ رسید درکتابخانه سپهسالار نسخه ازاین بشماره ۲۹۱۲ گ ٥۰–٥۱ هست ودرآغاز آن مانند نسخه ما ابوالقاسم جرجانی یاکرمانی نوشته است قنواتی درش ۲ نسخه‌ای را نشان میدهد که باید همین پرسش و پاسخ باشد واو آنرا گفتگوی ابن سینا و بیرونی دانست.

[۱۱۱]

۴۲۲ این نسخه شماره ٤ دفتری دارای ٤ رساله و نو نویس است و ۱۲ص (نشان آن درص ٤۲ و ۷۱).

[۹۹-۱۰۸] پاسخ ابن‌سینا بپرسشهای میهنه‌ای (عربی)

ابوسعید ابی‌الخیر دانشمند روشن بین میهنه (۳۵۷-٤٤۰) ازفرزانه بخارا ابن سینا یازده پرسش کرده و پاسخ گرفت ایندو بسیار بیکدیگر ارج می‌نهاده و در گفتگو همدیگر را بسی میستودند و پیداست که میهنه‌ای بنگارشهای شیخ می‌نگریست تا رازفلسفه براو آشکار گردد(۱). اینك پرسش و پاسخها :

۱- در «حالات وسخنان شیخ ابوسعید» چاپ ژوکوفسکی درپترسبورك $\frac{1899}{1318}$ ص۷ -٦٤ چنین آمده : «میهنه ای و شیخ باهم نامه نگاری داشتندو شیخ ناشناس بمیهنه رفت تا اورا ببیند وهنگامی بدانشهر رسید که میهنه ای درانجمن سخن میراند همینکه اورا بدید بشناخت و گفت اکنونکه آسمان دانی نزد آسمان بینی بیامد باید بروش فیلسوفان سخن راندو هفته ایندو باهم بودند گاهیکه جدا شدنداز شیخ رئیس پرسیده شد میهنه ای راچگونه دیدی گفت اگر روا میبود پس ازمحمد ص پیامبری بیاید بجزاو کسی سزاوار نبود و من جز سه چیز هرچه ازاو دیدم همه را فلسفه می‌پذیرد» - دراسرارالتوحید (تهران ۱۳۱۳ خ ص ٦۰ - ۱۵۹) دارد : «ابن سینا درنیشابور بنزد میهنه‌ای رسید و آندو همدیگر را نمی‌شناختند سه روز باهم بودند پس ازاین ازشیخ پرسیده شد که ابوسعید را چگونه یافتی گفت «هرچه من میدانم او می‌بیند» ازاو که پرسیدند شیخ را چگونه دیدی گفت « هرچه ما می‌بینیم او میداند » این بود که شیخ شیفته ابوسعید شد و کم روزی بود که نزدش نمیرفت ودر کتابهای فلسفی خود مانند اشارات وجزآن بخشی‌از کرامتهای عارفان یاد میکرد یا جداگانه در آن کتاب می‌نوشت» - درنامه دانشوران (ج ۱ ص ٦۱۳) از برخورد و گفتگوی آندو درباره دور شکل ۱ یاد شد و نوشته است که ابوسعید دراین هنگام کاسه‌ایرا بهوا انداخت وآن درهوا بماند پس گفت اینکار باآن میل طبیعی که درفلسفه ثابت کرده‌اید نمیسازد شیخ گفت خواست و نگاه شما آنرا درهوا نگاه بداشت . اینجابود که ابوسعید بپیروان خویش گفت این کور باعصا دربی ماکه بینائیم بیامد. شیخ رئیس درپاسخ ۲ (ش۱۵ و ۳۳۹ گ ٦۹ب) بمباحثات خویش باز گشت میدهد و میهنه‌ای درپرسش ۳ (ش ۳۳۹/۵ گ ٦۰ الف) میگوید که شما برای دریافت اینکه طبیعت بنیاد چیزها نیست بمباحثات باز گردانید ومن هنوز آنرا ندیده‌ام همینجاستکه شیخ از (فیض الهی) یاد میکند . میدانیم که شیخ شفا را در ٤۲۰ (قنواتی ش ٤ ص ۷۳) نگاشته ودراشارات آخرین کتاب خود ازآن یادنمود ودرمباحثات ازهردو یاد کرد پس این پرسش و پاسخها باید یکی دوسال پیش ازمرك شیخ چنانکه درنامه دانشوران یاد شده (ج۱ ص ٦-۷۲) بنگارش درآمده باشد .

۱ـ میپرسد شکل نخستین بااینکه دوری است چگونه نتیجه میدهد (ص ۲۱ـ۲۳ این فهرست) .

۲ـ می‌پرسد آیا جان بهمه نیروهای تن می‌پیوندد یا ببرخی از آنها ـ شیخ رئیس در پاسخ از مباحثات خود یاد میکند و میهنه ای را بدان بازگشت میدهد (۶۹ ب) . ۵

آغاز : وکتب الشیخ سلطان العارفین خاتم المشائخ ابوسعید ابی‌الخیر . . . الی الشیخ الرئیس . . . تعلق النفس بالبدن بجمیع قواها ام ببعضها فان کان بجمیع قوی البدن فلایمکن عدم قوةالاوینعدم التعلق ولیس کذلك ... فاجاب الشیخ الرئیس. . وصل خطاب الشیخ الاعظم سلطان العارفین خاتم المشائخ ابی‌سعید . . . هذاالسؤال یحتاج الی مزید تحریر فنقول ونورد مایجب فیه وان کان الامر یطول . ۱۰

انجام : فقد اندفعت شبهةالمسئلة مع وضوح اشیاء اخری . . . . فافهم وفقت للسداد والله اعلم بالصواب .

[۱۱۲]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۵ دفتری است دارای ۳۸ گفتار و بخط شکسته تعلیق گ ۶۸ الف ـ ۷۰ الف قنواتی در ش ۸۳ ازاین گفتگو یاد نمود . ۱۵

۳ـ می‌پرسد چرا طبیعت نمیتواند آغاز و بنیاد چیزها باشد و شما این را بکتابهای دیگر و مباحثات بازگشت دادید باز از فیض الهی می پرسد که چیست ومیگوید من هنوز کتاب مباحثات را ندیده‌ام . شیخ در پایان یادی ازفیض الهی خود میکند ومیگوید من آنرا نوشته‌ام واکنون باز آنرا میاورم در اینجا عبارتی از آغاز رساله « فیض الهی » یا « الفعل والانفعال واقسامهما » چاپ دکن بسال ۱۳۵۳ (ش ۱۹۰ قنواتی) میآید و پاسخ پایان مییابد ولی باید همه آن دردنبال باشد واگرنه سخن بریده خواهد ماند . پیداست که شیخ این رساله راکه پیش نوشته بود چون باپرسش میهنه‌ای میساخت دردنبال پاسخ او گذارده‌است وسخن شیخ بدین گواهی میدهد این پرسش و پاسخ با پرسش و پاسخ شماره ۲ (۳۳۹/۱۵ گ ۶۸ ـ ۷۰) وابستگی دارد و پس‌ازآن است . ۲۰ ۲۵

آغاز : فكتب الشيخ . . . ابوسعيد . . . اسبغ الله تعالى نعم الشيخ الرئيس . . .
على الخادم اشكالان اما الاول قد ذكرت فى خلال الكلام . . . فاجاب الشيخ الرئيس وقال
وبعد فقد وصلت المسئلة والمعاودة فى امر النفس والفيض .

انجام : وهذا ما اردنا ان نبين وبعدها نذكر رسالة الفيض الالهى وقد كتبناها...
٥ الفيض الالهى فى اول السئوال الثانى من امر النفس فاقول الافعال والانفعالات .

[١١٣]

٣٣٩ نسخه شماره پنجم دفتراست وبخط شكسته تعليق گ ٦٠ الف-٦١ الف. قنواتى
آنرا در ش ٢٦٩ ياد كرد .

٤- مى پرسد اينكه صوفيان ميگويند « هر كه رازسر نوشت را بشناخت از
١٠ بگشت » دين از آن چه ميخواهند . شيخ در پاسخ گفتار پيامبر ص « القدرسر الله فلا تظهروا
سرالله » و پاسخ على ع بپرسندۀ قدر « بحرعميق فلا تلجه - انه طريق وعرفلا تسلكه
انه صعود عسر فلا تتكلفه » را گواه ميآورد ودراينجا پاداش و كيفرى را كه متكلمان
ميگويند نمى پذيرد و پس ازسه مقدمه (دستگاه جهان - پاداش و كيفر- رستاخيز)
رازسرنوشت را روشن ميسازد اين گفتگو درمجموع رسائل (دكن ١٣٥٣) و(مصر
١٥ ١٣٢٨ ص ٩-٢٤٥) ودر كنارشرح هدايه شيرازى ص ٣-٣٣٠ بچاپ رسيد .

آغاز : بسمله وسأل ايضا (الشيخ سلطان العارفين . . . شيخ ابوسعيد . . .
عن الشيخ الرئيس - بعض الناس الشيخ الرئيس ابى على بن سينا) قدس سره عن معنى قول
الصوفيه من عرف سر القدر (الله) فقد الحد فقال فى جوابه ان هذه المسئله فيها ادنى غموضة .

٢٠ **انجام** : و يختل نظام امور العالم بتولية المتحلى (المنحل - بسبب الحل)
عن القيدين (والله اعلم واحكم) فهذا ما حضرنى على هذا السئوال والله اعلم بالصواب
والسداد رب اجعل خاتمة امورنا خيرا انشاالله تعالى

[١١٤]

٣٣٩ اين نسخه شماره دهم دفتراست و بشكسته تعليق گ ٦٣ الف و ب قنواتى درش
١٨١ اين گفتگو را ياد نمود ومانند نسخه‌هاى چاپى پرسنده براى اوناشناس
است نيز در كتابخانه مجلس تهران بشماره ٦٣٠/٤ (ج ٣ فهرست ص ٣٨٩)
٢٥ هست ونسخه‌ها يكسان نيستند .

[١١٥]

٨٧٦ این نسخه شماره ٥ دفتری‌است که درص ١١٦ شناسانده شد وبخط شکسته تعلیق گ ٤٨ ب ــ ٥٠ ب میباشد .

[١١٦]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٤٥ دفتری است که درص ١١٣ شناسانده شده ودرص ١ــ ٤٠٠ آن میباشد . ٥

٥ــ میهنی دراینجا ازفرمان و قضاء خداوندی می‌پرسد و این گفتگو پس‌از آنست که ازقدر پرسیده و پاسخ گرفت .

آغاز : وكتب اليه ايضا . . . فهمت ماكتبه‌المولى افضل‌المتأخرين سومه‌الله بسيماء‌السعادة والسلامة . . . . فى سر القدر وماالیق بهذاالموضع حقيقة قضاءالله ... ١٠ فكتب‌الشيخ‌الرئيس قضاءالله هوحكمه‌الاول‌الواحدالذى يشتمل‌على كل شىء ويتفرع عنه كل شىء على ممر الزمان .

انجام : وليس شأنه‌شأن‌غيره ولا حكمه‌حكم‌من سواه‌جل‌عن ذلك لايسال عما يفعل وهم يسالون وصلى‌الله على محمد وآله . . . . الى يوم‌الدين انتهى

[١١٧] ١٥

٣٣٩ این نسخه شماره ١١ دفتراست وبخط شکسته تعلیق گ ٦٤ الف

[١١٨]

٨٧٦ این نسخه شماره ششم ایندفتر است و از برك ٥١ الف تا ٥٢ الف و بخط تعلیق شکسته میباشد ودردنبال‌آن چند بند درمعنی قضاوقدر وتقدیر و امر ومشیت واراده است . ٢٠

٦ــ میهنه‌ای دراینجاازشیخ سرنوشت وفرمان وخواست خداوندرا میپرسد

آغاز : و كتب ايضاً . . . كيف امر بين القضا والقدر والمشية والارادة . .

فاجاب وقال‌المشية‌والارادة الالهية اختيار انفاذالقدرة بالجود على مقتضى‌الرحمة

انجام : لانه ليس لغاية بل هو تبع ضرورى والله تعالى اعلم بالصواب .

[١١٩] ٢٥

٣٣٩ این نسخه شماره نهم دفتراست وبخط ﻫ شکسته بی نقطه گ ٦٢ ب

۷ـ می پرسد چرا بنده اگر از خدا چیزی بخواهد او می پذیرد و زیارت چیست و اثر آن درمردم چه میباشد شیخ پس‌از مقدمه‌ای فلسفی بروش فیلسوفان پاسخ میدهد ـ سید داماد درقبسات قبس دهم ص ٥ـ٣۰٤ نیمه دوم این گفتگو را آورد و آنرا بسیار بستود . این گفتار درکنار شرح هدایه شیرازی ص ٥ـ۲۹۰ ودر جامع البدایع شماره٦ص٦ـ۳۲ بسال $\frac{۱۹۱۷}{۱۳۳٥}$ ودرمجموعه‌مهرن ج۳ ش٦ بچاپ‌رسید . ٥

[۱۲۰]

۳۳۹ این نسخه شماره ششم دفتر است و بشکسته تعلیق گ ٦۱ الف ـ٦۲الف. قنواتی درش ۲۱۳ این نسخه را شناساند وآنرا از تعلیقات دانست .

[۱۲۱]

۸٦۱ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ۱٦ رساله و همه بخط نسخ محمدبن حاجی نادعلی است که درمشهد در۲۱ محرم سال ۱۲۸٤ برای حاجی محمد شریفخان مستشار لشکر ازروی نسخه خط شیخ (درآستانه‌طوس) نوشت‌وعنوانها بشنگرف است گ ۲ ب ـ ٤ الف .

(همه دفتر ۱٥۱ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی ضربی

۱٥ اندازه : ۱٥×۲۱٫٥ و ۱۰٫٥×۱٥٫٥ س ۱۹

[۱۲۲]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱٥ دفتری استکه دردنبال (بقاء نفس طوسی) شناسانده شده وبخط محمدعلی میباشد .

۸ـ می‌پرسد ازاینکه درکتاب نفس گفته‌اند که صورت معقول اگردرجسمی

۲۰ باشد بخش پذیرخواهد بود چه میخواهند .

آغاز : وکتب ایضاً . . . اسال سیدناومولاناالشیخ الرئیس ... عن شرح قوله فی کتاب النفس ان کان محل الصورة المعقولة جسمافانها تنقسم بانقسامه . . . فاجاب وقال الصورة المعقولة انما هی معقولة علی مافی الجوهر العاقل .

انجام : وینقسم الی غیرمتشابهین ولایشابهان الکل فی المعنی لیس فی القدر

۲٥ والشکل والعدد ولیس کك وهواعلم .

[۱۲۳]

۳۳۹ این نسخه شماره هفتم دفتر است و بخط تعلیق شکسته بی نقطه گ ٦۲ الف. قنواتی درش ۸۸ این گفتگورا یاد نمودودرش ۲٦۱ از گفتاری یادمیکند که شیخ در آن بجوزجانی و ابی سعیددر باره نفس خطاب میکندوعنوان فقیه میرساند که خطاب بجوزجانی است نه میهنه‌ای

۳۰ ۹ـ می‌پرسد آیا در گیاهان وجانوران جسمی هست که پایدار باشد

آغاز : وكتب ايضاً قدس الله روحه العزيز سرمد الله تعالى فى بقائه ليرتع الخدم فى رياض فضائله ويكرع الحشم فى حياض منائحه وفواضله ماالبرهان على ان (فى) كل حيوان ونبات ثباتاو ان ذلك الثبات جسم وان فى اجزاء الجسم ماهو اولى بالثبات من الآخر فاجاب الشيخ الرئيس . . . وقال اسأل الله تعالى ان يمتعنى ببقاء الشيخ سلطان العارفين خاتم المشائخ . . . كل حيوان معناه كل حيوان بالفعل يبقى حيواناً بالفعل ۵ اما آنا واما زمانا .

انجام : ولامانع انِ يكون للشىء شخصيتان من جهتين يعرف هذا من باب التشخص فى الكتب المطولة والله تعالى اعلم بالصواب .

[۱۲٤]

۳۳۹ این نسخه شماره هشتم دفتر است وبشکسته تعلیق بی نقطه گ ٦۲ الف وب ۱۰

۱۰- میپرسد که راه را بمن بنما و شیخ میگوید درکفر حقیقی شو واز اسلام مجازی بیرون آی اینجا است که میهنه‌ای در «مفانیح» یا «مصابیح» خود نوشت این سخن مرابدان جای که مردمان باپرستش صدهزار ساله میرسند رسانده است .

این پرسش و پاسخ مرموز را سعدالملة والدین کازرونی[1] گزارش نوشت ودر آن از قرآن و گفته حلاج (کفرت بدین الله والکفر واجب لدی وعندالمسلمین ۱۵ قبیح) و بیت پارسی .

(بحور بهشتم همی وعده دادند چه جای بهشت است وصل ولقاکو)

گواه آورد (ش ۱۰۳۰) دانشمندی دیگر بر یك بند از پاسخ مرموز شیخ گزارشی نوشت (ش ۳۳۹) . لوئی ماسینیون در « متون » ص ۹۰ - ۱۸۹ از زبدة عین القضات همدانی ازروی نگارشی ازاحمد غزالی (راوی ابوسعید) همه این پرسش ۲۰ و پاسخ را آورد وقنواتی درش ۲۵٦ نیز این گفتگو را آورده و نسخه‌هائی که او نشان میدهد با نسخه ما یکسان نیست .

آغاز متن : « کتب الشیخ العارف ابوسعید المیهنی الی الشیخ ابی علی سینا دلنی علی الدلیل (ارشدنی) فقال فی الرسالة علی طریق الجواب (فکتب فی جوابه) الدخول

۱ - ماسینیون کازرونی خوانده در نسخه‌ما کلمه خوانا نیست و کالونی یا کانونی خوانده میشود. ۲۵

فی الکفر الحقیقی والخروج عن الاسلام المجازی ».

انجام آن: « فانك تعلم ان لاقیامة لك ولابعد (فقد) لك من جمیع الموجودین (الموجودات) فاورد الشیخ ابوسعید . . . فی کتابة المصابیح (المفاتیح) اوصلنی هذه الکلمات الی ما اوصل الیه عمر مأته الف سنة من العبادة ».

٥ آغاز گزارش: « کتب المولی الفاضل الکامل سعدالملة والدین الکازرونی (الکاوبی) رحمه‌الله فی حل هذه الکلمات وماتوفیقی الابالله علیه توکلت والیه انیب اعلم ایها الخائض فی لجج هذه الحجج الا یتیسر لك سلوك هذه الطریقة الابالدخول فی الکفر الحقیقی.

انجام آن: « فهذا ماسنح به الوقت وجار به الحال وساعد علیه الزمان والیه المستعان

١٠ وعلیه التکلان والصلوة علی محمد وآله.

آغاز گزارش برعبارت شیخ (وان کنت تحت هذا فانت مشرك مسلم): « ای وان کنت بعد ذلك جامعا لمرتبتی الاطلاق والتقیید فانت مشرك مسلم ».

انجام آن: « فهو العماء المطلق وفقنا الله للنجاة فی هذه المراتب العلیة بمنه وجوده ».

١٥ [١٢٥]

٣٣٩ این نسخه شماره ١٨ دفتر است و بخط شکسته تعلیق میباشد در گـ ٧٢ ب و پرسش و پاسخ درآن باگزارشی است که ازکازرونی نیست.

[١٢٦]

١٠٣٠ این نسخه شماره ٧ دفتری دارای ٢٣ گفتار و بخط تعلیق سلیمان بن جمشید بانشانه‌های شنگرف وموربگـ ٧٢ الف وب وگزارش کازرونی دراین نسخه میباشد.

١١ــ میهنه‌ای میگوید من ازهرجوینده‌ای میپرسم که حقیقت چیست شماهم آنچه میدانید بمن بگوئید. شیخ بدو میگوید که خدا را بشناس و با دانائی نیک بیاندیش.

٢٥ این گفتگو درعیون‌الانباء ابن ابی‌اصیبعه (ج ٢ ص ٩ـ١٠) وحالات وسخنان

شیخ ابوسعید (چاپ ژوکوفسکی در پترزبورگ بسال ۱۸۹۹/۱۳۱۷ ص ۷-٦٤) و کشکول بهائی (ایران ۱۲۹٦ ص ٦۲۳) ودر آغاز نجات چاپ قاهره بسال ۱۳۳۱ ص ٥-۱۲ و با ترجمه در نامه دانشوران (ج ۱ ص ٦-۷۲) و فرهنگ دهخدا درسر گذشت شیخ ص ۲-٦٥۰ بچاپ رسید و نسخه‌هایکسان نیستند وقنواتی درش ۲٦۰ آنرا شناساند ودرش ۲٦۸ گفت که ابن زیله گاهیکه میخواست گوشه گزینند نامه‌ای بشیخ نوشت و پاسخ گرفت که همین پاسخ و پرسش باشد و گویند که از ابی سعید و شیخ است بازدرش ۲٦٦ آنرانامه‌ای دانست که شیخ بابی الحسین بن محمد بن مرزیله(!) نگاشت

آغاز: بسمله وحمد وصلوة هذه رسالة کتبها الشیخ الزاهد المحقق ابوسعید ابن ابی الخیر قدس الله روحه الی الشیخ ابی علی سینا . . . وفقك الله لما ینبغی ورزقك من سعادة الابد ماتبتغی انی من الطریق المستقیم علی یقین الاان اودیة الظنون علی الطریق الواحد لمتشعبه. . . جواب الشیخ الرئیس . . . وصل کتاب الشیخ الزاهد منبأ عن جمیل صنع الله لدیه .

انجام: واسئله ان یقربنی الیه انه قریب مجیب الحمدلله رب العالمین وواهب العمل وصلوته علی . . . محمد . . مبارکا طیبا .

[۱۲۷]

۸٦۱ این نسخه شماره یکم دفتری است دارای ۱٦ رساله که دردنبال پرسش و پاسخ ۷ شناسانده شدگ ۱ ب - ۲ ب .

[۱۲۸]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ٥ دفتری است که پیش شناسانده شده و از ص ۱۳ تا ۱٦ و بخط تعلیق میباشد .

[۱۰۹] پاسخ سبزواری بپرسشهای بجنوردی (عربی)

دانشمند محمد اسمعیل بجنوردی هجده پرسش دینی و فلسفی از فیلسوف حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۸۹ - ۱۲۱۲) کرده و پاسخ گرفت اشعار پارسی هم دراین گفتگو دیده‌میشود .

آغاز: بسمله الحمدلله الودود فیاض الوجود فاتح ابواب الخیرات معطی المسئلات

انجام : واستمسك بالله الودود الرحيم وقد فرغت عن تسويد هذه الاوراق . . .
في سبزوار . . . وهي اولى ارض مس جلدى ترابها و ان آثرت برهة من الزمان
اغترابها . . . حين كان من مدة العمر غضاضة شبابها حتى عشش بفرق هامتي بومها
وغرابها وبلغت من العلوم الحقيقة باتم نصابها فعطفت عنان عزيمتي الى تلك الدار نازلا
۵ قبابها . . . وسكنت زاويه دارى مغلقا بابها . . . و اشتغلت باباتة العلوم . . . فازاحت
الاشعار و افاضت الاسرار . . . وقد تم هذا الخطاب يوم الاربعا رابع شهر ذى القعدة من
سنة اربع وسبعين وماتين بعد الالف من الهجرة على هاجرها الف سلام وتحية (تاريخ
نگارش چهارشنبه ٤ ذى قعده ١٢٧٤) .

[۱۲۹]

این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای سه گفتار وهمه بخط نسخ و نستعلیق
۳۲٤ محمد علی فیروز کوهی باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد اخبار وعنوانها
دراین گفتگو بنسخ است وفیروز کوهی آنرا درسمنان ۲۷ رمضان ۱۲۸۱ نوشته
است گ ۹۹ ب ـ ۱۱۹ ب .
(همه دفتر ۱۲۹گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا
۱۵ اندازه : ۱۵×۲۲ و ۱۰×۱۶٫۵ س ۲

[۱۱۰] **پاسخ و گفتار سبزواری** (عربی)

دراین گفتار پاسخها وسخنانی است ازفیلسوف سبزواری درباره ازل ـ جهان
مثالی ـ هستی ـ حدیث طینت وحدیثهای دیگر که نویسنده نسخه (فیروز کوهی)
آورده وچنین برمیآید که ازشاگردان او بوده ودرزندگی استاد این سخنان راگرد
۲۰ کرده است دربند آخرین شعرهای فارسی دیده میشود وبند پیش از آن بپارسی است

آغاز : قال الشارح ره فی شرح رسالة العلم للعلامة الکاشی ... وقال استادنا . .
زبدة متالهة الاسلام الهادی الی دار السلام .

انجام : وبين القلة والكثرة المدلول عليها بلفظ قديما فعل كما بين الادبار .

[۱۳۰]

۳۲٤ این نسخه شماره ۳ دفتراست و نزدیك بیك صفحه از پایان کم دارد گ ۱۲۰
الف ـ ۱۲۹ ب خط تعلیق وخبرها بنسخ .

[۱۱۱] پاسخ شیرازی بپرسش طوسی ازخسروشاهی (عربی)

خواجه طوسی (۵۹۷ ـ ٦٧٢) از شمس‌الدین خسروشاهی (۵۸۰ ـ ٦٥٢) دانشمند کلامی فیلسوف وشاگرد دفخررازی (م ٦٠٦) درباره پیوستگی جنبش وزمان وحامل امکان بود ونبود روان و چگونگی پیدایش چند چیز از یك چیز پرسیده وخسروشاهی بدانها پاسخی نداده بود فیلسوف صدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) همه اینها را پاسخ گفت و این گفتگو درکنار مبدء و معاد شیرازی (تهران ۱۳۱٤ ص ۹۱ـ۳۷۱) وشرح هدایه همو (تهران ۱۳۱۳ ص ۹۳ـ۳۸۳) بچاپ رسید . ۵

[۱۳۱]

۱۰۳۰ این نسخه شماره نهم دفتر وبخط نسخ ازگ ۷٤ ب تا ۷۰ الف میباشد

[۱۱۲] پاسخ شیرازی بپرسش کاشانی (عربی) ۱۰

دانشمند مظفر حسین کاشانی از صدرای شیرازی درباره خود آگاهی و پایداری روان پنج پرسش کرده وشیرازی بدانها بروش خویش پاسخ داده وازایات واخبار گواه آورده وتأویل نمود ودرآن ازشرح هدایه خود یاد کرد .

آغاز : یارب کل عقل ونفس وغایة کل حیوة وحرکة وحس . . . فقدسالنی بعض اجلة الاخوان . . . مسائل عویصة . . . فاجبت علی ذلك مسئوله . ۱۵

انجام : وظهر بطلان قول هؤلاء المتشبثین باذیال افکارالفلاسفة . . . وهذا . . لمعة یسیره مما آنست به من جانب الطورالایمن . . . وتمامها یطلب بالمراجعة الی الاصل . وبیده مقالیدالوصل والفصل والسلام علی من اتبع الهدی ونهی النفس عن الهوی .

[۱۳۲]

۱۰۳۰ این نسخه شماره دهم دفتر وبنسخ گ ۸۰ الف ـ ۹٤ ب ۲۰

[۱۱۳] پاسخ شیرازی بپرسش گیلانی (عربی)

صدرای شیرازی بپرسشهائیکه ملاشمسای گیلانی فیلسوف (م۱۰۹۸) ازوی کرده (که اگر جنبنده درهنگام جنبش باید پایدار بماند پس جنبش کمی چگونه

خواهد بود واگر نیروی گیاه مادی است پس پایدار نخواهد بود واینکه چیزها در
ذهن چگونه درمیآیند وادراك جزئی جانورومردمی چگونه است وآیانفس حادث
است؟) پاسخ‌داد ودراینجا اورا ازگرانمایه‌ترین برادران‌خویش میخواند ومیگوید
اکنون که او نامه نگاری آغاز کرد من اگر ازاین سفرکه درپیش دارم برگردم
۵ باز نامه می‌نویسم ومن باآشفتگی‌که دارم بدین پرسشهاپاسخ میگویم . این‌گفتار
درکنار مبدء ومعاد شیرازی (ص ۵۹ـ ۳٤۰) بچاپ رسید ودرآن ازجنبش گوهری
یاد شد وروش نگارش آن‌هم ازآن شیرازی است .

[۱۳۳]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست و بنسخ‌گ ۹۵ الف ـ ۱۰۰ الف

۱۰ [۱۱٤] **پاسخ طوسی بپرسش بحرانی** (عربی)

جمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی ستراوی نزداستادخود کمال‌الدین ابی‌جعفر
احمدبن علی‌بن سعیدبن سعاده بحرانی ستراوی میرفته و درباره علم با وی گفتگو
می‌نمود استاد ۲٤ رشته ازاین مسئله را فهرست وار یادکرد بی‌آنکه درباره آنها
بررسی نماید و خود درگذشت این بودکه بحرانی چگونگی را بخواجه طوسی
۱۵ نوشت وهمه آن مسئله‌ها را بدوبنمود ودرخواست‌که طوسی‌آنها را روشن سازد
بحرانی‌دراینجامسئله‌راطرح میکند وسخن‌کمال‌الدین رامیاوردسپس‌خرده‌گیریهای
خویش را یاد میکند خواجه درپاسخ بحرانی بیتها و عبارتها درستایش جمال‌الدین
گفت و بند ببند سخنان اورا در پیرامون همان ۲٤ مسئله‌گزارش‌کرده است (۱)

۱ـ جمال‌الدین فیلسوفی بود دانای علوم نقلی وآرامگاه او درروستای مستره بحرین
۲۰ ایران پهلوی خوابگاه کمال‌الدین‌است وی قصیده نفس ابن‌سینارا شرح‌کرد و بررسالة‌الطیر
اوشرحی بنام مفتاح‌الخیر نوشت ودر فلسفه وکلام « اشارات » نوشت وکمال‌الدین میثم‌بن
علی‌بن میثم بحرانی فیلسوف متکلم شارح نهج‌البلاغه‌که در ۶۷۹ درگذشت (آرامگاهش
درهلتادیهی درماحوزمیباشد) وشاگرد اووطوسی واستاد علامه حلی وعبدالکریم‌بن طاوس
وخواجه طوسی (درفقه) بوده است براین اشارات شرح نوشت ابن‌میثم ازاین جمال‌الدین
۲۵ اجازه دارد .

نگاه به : امل‌الآمل ص ٤۸۷ ـ لؤلؤتی‌البحرین ـ هدیة‌الاحباب والکنی‌والالقاب
قمی ج۱ ص ٤۱۹ ــ ریحانة‌الادب ج ۳ ص ۳۸٤ ــ ذریعه ج ۲ ص ۹۶و۹۸

آغاز : بسمله الحمدلله علی ما اولانا من ملامح مناهج . . . وهدانا من مطارح مدارج التحقیق . . . اعلم . . . ان المتکلمین اطلقوا القول بان العلم تابع للمعلوم ـ قال . . . نصیر الملة و الدین ... الطوسی «اتانی کتاب فی البلاغة منته ـ الی غایة لیست تقارب بالوصف » . . . وردت رساله شریفة .

۵ **انجام** : قال فینبغی ان یتکلم فی هذه المسائل . . . اقول الاصل الذی هو ممهد فی هذا الباب مستغن عن ایراد هذه المسائل و انما اوردت هذه المسائل اقتفاء لکلام اهل البحث عن هذه المسائل و لنختم الکلام ههنا والله ولی التوفیق والحمدلله وصلواته علی محمد و آله والسلام علی من اتبع الهدی .

[۱۳٤]

۱۰ این نسخه شماره ۳ دفتری است دارای پنج رساله و از گ ۱۷ ب تا ٤۲

۳۸۹ الف است و پرسش بحرانی بندبند پس از (قال) زیر خط سرخ درمیان پاسخ طوسی پس از (اقول) آمده واین دو عنوان بشنگرف است و خط آن تعلیق وعنوانها شنگرف ودرروز ٢٤ صفر سال ۱۱۰۲ نوشته شد .

(همه دفتر ۴۸ برگ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده

۱۵ اندازه : ه‍ ۹×۱۷ و ۵×۱۱ س ۱٦

[۱۳۵]

این نسخه شماره ۸ دفتری است دارای ۱٤ رساله از گ ۱۳۰ الف تا ۱٤۷

۱۰۲۲ ب و بخط نسخ سید حیدر آملی میباشد نخست پرسش بحرانی است آنگاه پاسخ طوسی که درمیان آن بازبندبند میان (قال) و (اقول) ازهمان پرسش

۲۰ با انداختن میانه هر بندی آمده است در کنار صفحه‌ها نوشته شده که با اصل برابر گردید درگ ۱٤۸ الف گفتاری است دراینکه ممتنع درذهن هست پس درخارج نخواهد بود و پاسخ آن .

*

۱۰۲۲

كتاب النور المشرق في علم المنطق — كتاب التعليم الثاني ثلاث مجلدات خرج بعضها

كتاب كشف التلبيس في بيان سهو الرئيس مجلد — كتاب كشف المشكلات من كتاب التلويحات مجلدان

واجزت له ادام الله ايامه ان يروي عني جميع ما رويته واجزت له رواية في جميع العلوم العقلية والنقلية وكذا اجزت له ان يروي عني جميع ما صنفته ورويته واجزت له رواية وثبت عنه روايتي له من جميع المصنفات والروايات وكتب العبد الفقير الى الله تعالى حسن بن يوسف بن علي بن المطهر الحلي اعانه الله تعالى على طاعته ووفقه للخير ولازمته في شهر المحرم سنة عشرين وسبعمائة بالحلة والحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

وفرغ من تحريره العبد الفقير الى رحمة ربه الغني محمد بن علي بن محمد العلوي الحسيني الآملي اصلح الله حاله في غرة ذي القعدة سنة اثنين وستين وسبعمائة

پایان اجازه علامه حلی بمهنا بن سنان که دراجازات بحار مجلسی ج ۲۵ ص ۵۲ بچاپ رسیده و بخط آملی بتاریخ ۱ ذی‌قعده ۷۶۲ در برگ ۷۰ دفتر شماره ۱۰۲۲ دیده میشود

1022

اجازه فخرالمحققین بآملی در پایان ربیع یکم ۷۶۱ برگ ۶ الف ش ۱۰۲۲

[۱۱۵] **پاسخ طوسی بپرسش دبیران قزوینی** (عربی)

دبیران قزوینی از خواجه طوسی میپرسد کـه شیخ رئیس از گفته خویش دراینکه گرما درتر مایه سیاهی و درخشك مایه سفیدی است و سرما تر را سفید و خشك را سیاه میکند چه میخواهد و طوسی از آن پاسخ داده درخواست که اگر سخنش نادرست است بر گویدو.ردیباچه میگویدمن بایستی ازشمابهره برم مگر اینکه چون فرمودید من می‌نویسم تا بدان بنگرید واستوارش سازید .

آغاز : قال مولانا . . الطوسی . . . سئل مولانا علامة العصر نجم الدین مد ظله العالی داعیه المخلص عن قول الشیخ الرئیس ان الحرارة تفعل فی الرطب سوادا وفی ضده بیاضا والبرودة تفعل فی الرطب بیاضا وفی ضده سوادا .

انجام : فهذاماعندی فی هذه المسئله والمتوقع من کرمه ان یرشد داعیه المستفید علی یری مافیه من الخلل والنقصان والله الموفق وعلیه التکلان .

[۱۳٦]

۳۸۹ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف از گ٤۲ ب تا ٤۵ الف .

[۱۱٦] **پاسخ طوسی بدبیران قزوینی درباره مزه ها** (عربی)

خواجه طوسی در پاسخ دبیران قزوینی (م ٦۷۵) درباره مزه های گوناگون این گفتار را بنگارش در آورد و درخواست که او در آن بنگرد و آنچه میاندیشد بر گوید .

آغاز : من فوائد مولانا . . . الطوسی . . : فی تحقیق الطعوم ـ اشار مولانا علامة العصر نجم الملة والدین افضل العالم ادام الله علوه ، الی داعیه المستفید بان یکتب مانسخ له علی قول بعض الحکماء « الجسم اما لطیف او کثیف اومعتدل » .

انجام : وغیرملائم عند بعضهم فهذا ماعندی فیه ومولانا ینظرفیه ویفید مایسخ بخاطره الشریفة الوقادة انشاءالله .

[۱۳۷]

۱۰۷۹ این نسخه شماره یکم دفتر است و بخط تعلیق ص ۱ـ۲ دردنبال آن پاسخی است از قاضی فخرالدین الیاس پرسش دبیران درباره نه مزاج و از روی خط او نوشته شده ص ۲ـ۳ و گفتاری از طوسی درباره حرارت غریزی ص ۳ـ۴ و در کنار ص ۳ حاشیه‌ایست ازغیبی گرگانی بر آن و بخط شکسته تعلیق که درشب دوشنبه ۲۱ ج ۱ سال ۱۲۹۹ نوشته است . ۵

[۱۱۷] **پاسخ طوسی درباره تنفس** (عربی)

شیخ رئیس درفن ۱۰ کتاب ۳ قانون از تنفس سخن راند و دانشمندی گویا دبیران از آن خرده ها گرفته و ازخواجه درخواست که پاسخ گوید وی این گفتار را نوشت و گفت اگر بازهم دشواری، هست برگوید . ۱۰

آغاز : ذکر الشیخ الرئیس فی الفن العاشر من الکتاب الثالث من القانون کلام کلی فی التنفس ـ التنفس یتم بحرکتین و وقفتین بینها . . . المسئول من انعامه . . . ان یبین هذه الاشکالات .. تاملت هذه الاشکالات فاقول اماقول الشیخ الرئیس فی التنفس

انجام : فهذاماعندی ... فان کان موافقاً للحق فهوالمطلوب والافلینعم بالانعام عما یخالفه . . . والله اعلم بالصواب . ۱۵

[۱۳۸]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق ص ۱۸ـ۲۰

[۱۱۸] **پاسخ طوسی درباره مزاج اندامها** (عربی)

شیخ رئیس در فصل ۲ تعلیم ۳ در مزاج اندامها از قانون چهار دلیل برای خشکتر بودن مواز استخوان آورد و دانشمندی (گویا دبیران) این را از خواجه میپرسد و او پاسخ میدهد و میخواهد که او بدان بنگرد و اندیشه خویش را برگوید . ۲۰

آغاز : سئوال بعض الافاضل من . . . الطوسی . استدل الشیخ الرئیس . . . فی الفصل الثانی من التعلیم الثالث فی امزجة الاعضاء . . . ان ینعم ببیان هذه الشبه . . . وقف الداعی والمخلص علی هذاالسئوال و اجاب عنه . . . اما فی الاستدلال فمعلوم ۲۵

ان الدم السوداى .

انجام : فهذا ما يحضرنى فيه وليمنعم النظر فى ذلك ويخبر بما يخطر بباله على ذلك انشاالله وهو ولى التوفيق .

[١٣٩]

١٠٧٩ این نسخه شماره ۲ دفتر و بتعلیق درص ٤-٦ ودردنبال آن گفتاری است درباره «نشف» که درسخن شیخ دراینجا آمده وآنهم پرسش وپاسخ گونه است و نیز درباره «مخ» ص ٦

[١١٩] پاسخ طوسی درباره نیکوئی هستی (عربی)

ازخواجه طوسی پرسیده شد که فیلسوفان گفته‌اند هستی نیکو و نیستی زشت

١٠ است پس چرا گاهی مردم آرزوی مرگ میکنند طوسی پاسخ میدهد و سخن آنان را استوار میدارد .

آغاز : الحکماء اعطونا«ان الوجودخیریة و کمال الوجودخیرالوجودوان الشر لاذات له . . .» الجواب عنه اقول « ما نقله عن الحکما فهو کما قاله . . . »

انجام : اذلولا ذلك لما اقتضت الحکمة الالهیة وجوده کذلك فهذا ماحضرنی

١٥ فی هذه المسئله والله تعالی ولی التوفیق .

[١٤٠]

٨٧١ این نسخه شماره ۲۵ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۲۹۹ گ ۱۷۱ الف - ۱۷٤ الف .

[١٢٠] پاسخ طوسی بپرسش رومیان (عربی)

٢٠ شرف الدین محمود رازی ۲۳ پرسش درریاضی وطبیعی والهی ازروم آورده وخواجه طوسی همه آنهارا پاسخ داد ویکی ازنکته هاکه اودراینجا آورد اینستکه آفریده را خود چیزدانست نه هستی آن و نه ماهیت چه ایندورا عقل میسازد .

آغاز : اسئولة وردت من الروم علی‌ید شرف الدین محمودالرازی علیه برداللّه مرقده (الاسئولة الواردة من الروم واجوبتها للمحقق الطوسی طاب ثراه - هامش)

٢٥ السئوال ۱ العلة (یؤثر) فی وجودالمعلول اوفی ماهیته .

انجام : اما کرات متناهیة بینها خلاء فذلك محال . تمت المسائل و اجوبتها

بحمدالله تعالی .

[۱٤۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی گ ۱۳٦ الف ـ ۱۳۹ ب .

[۱۲۱] پاسخ طوسی بپرسش شمس‌الاسلام (عربی) ۵

خواجه طوسی در سال ٦٦٦ نزد قاضی‌القضاة فخرالدین شمس‌الاسلام رفت و او ازطوسی درباره آفرینش و گفتارفیلسوفان در آگاه بودن خدا بجزئیات پرسید وی پاسخ داد و درپایان آن نوشت که اگر بازهم دشواری هست بگوید تا روشن سازد .

آغاز : بسمله الحمدلله حمدالشاکرین ... یقول ... محمدبن محمدالطوسی ۱۰ سالنی مولانا قاضی‌القضاة . . . فخرالملة والدین شمس‌الاسلام والمسلمین . حین استسعدت بخدمته فی سنة ست وستین وستمائة .

انجام : وان توقف فی‌شیء من ذلك اعادبفضله ذلك‌الموضع لاوضح ماعندی فیه انشاالله وهوولی‌التوفیق وملهم‌الصواب منه‌المبدء والمآب فرغ من کتابته مسودة فی ذی‌القعدة ستة (و) ستون وستمائه هجریة حامدا . . . ومستغفراً . ۱۵

[۱٤۲]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط تعلیق ص ۸-۱۳

[۱۲۲] پاسخ طوسی بپرسش قونوی (عربی)

ابوالمعالی صدرالدین محمدبن‌اسحق قونوی عارف شافعی (م ٦۷۳) درباره عینیت بود خدا و آفریده بودن مهیات ممکنات وهستی عام وحقیقت روان مردمی ۲۰ و چیزهای دیگر از خواجه طوسی پرسید و پاسخ گرفت دیباچه دو نامه قونوی و طوسی بپارسی شیوائی است ومطلبها بتازی .

آغاز :

مازال سمعی من طیب لذکرك ما یزری

علی الروض غب العارض الـمتن

حتی حالت حمی قلبی ولا عجب

فرب ساع الی قلب من الاذن ۵

گوش ایام ولیالی باستماع مآثر ومعالی مجلس خواجه معظم . . . نصیرالملة والدین مشنف وحالی باد خدمت و دعا ازمنبع صفا و مشرع ولا رسانیده می آید بسمله و علیه اتوکل و هو حسبی . اتانی کتاب ما اراه مشابها ؛ لغیر کتاب‌الله من سائر الکتب .

۱۰ خطاب عالی مولانا امام اعظم . . . صدرالملة والدین . . . بخادم دعا و ناشر ثنامرید صادق ومستفید عاشق محمد طوسی رسید .

انجام : کماسبقت‌الاشارة‌الیه فی‌بعض‌الاسئلة المتقدمة والسلام . تمت‌الاسئلة بحمدالله‌وحسن‌توفیقه‌والسلام‌علی‌من‌اتبع الهدی ـ فهذاماخطر ببال‌داعیه‌ومستفیده ... والحمدلله ذی‌الجودالفائض والکرم‌العام وصلی‌الله علی محمد خیرالانام .

۱۵ [۱۲۲]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۹ دفتراست و بخط نسخ آملی وچنین می‌نویسد : «تم‌الجواب فی غرة ربیع‌الاول سنة اثنین وستین وسبعماته ببغداد بمدرسةالامامیةالغرویة » گ ۱۴۸ ب - ۱۷۱ الف درگ ۱۷۲ دوگفتار است درباره تأویل آیه نور بخردهای گوناگون (هیولانی - بالملکه ـ بالفعل ـ مستفاد ـ فیاض) .

۲۰ [۱۲۳] **پاسخ طوسی بپرسش کیشی** (فارسی وعربی)

شمس‌الدین محمدبن احمدبن عبداللطیف کیشی فیلسوف عارف شاعرپارسی وتازی (م۶۹۴) [۱] گاهیکه درسپاهان بوده بخواجه طوسی نامه‌ای‌نوشت ودرآن ازجدائی میان موجب معدول وسالب بسیط و پایداری صورنوعی آمیخته و اینکه وجود خاص جوهرمفارق همان معقولیت اواست پرسید و طوسی بدانها پاسخ داد

۲۵ ودرپایان ازکتاب مجسطی وجزآن که کیشی خواسته بود پوزش خواست .

آغاز : نسخه کتاب کتبه‌الاستاد . . . شمس‌الملة والدین . . . الکیشی . . .
حین کان باصفهان‌الی . . . الطوسی . . . پرتوخورشید ضمیرمنیرمخدوم . . . که سبب
اهتداء سالکان طریقت . . . است . . . بواسطه دریچهای حواس برمحبوسان چهار
دیوار طبایع فایض باد . . . سه مسئله القا میافتد تا ابتدا مواصات از غایت آنکه
استفادت علمی است عاطل نماند . . . اجاب عنه . . . نصیرالملة والدین . . . تا ذکر ۵
مناقب ذات شریف . . . خداوند ملك‌العلما والحکما . . . شمس‌الملة والدین افضل
ومفخرایران . . . بمسامع دعاگوی مخلص‌اومحمدالطوسی، رسیداست مرید صادق
بل محب عاشق شده است .

انجام : اینست آنچه برین سئوالها درخاطر آمد انشاالله که پسندیده باشد
واگربمعاودت محتاج باشد توقع‌است که اعلام فرماید . . . فیمابعد اگرخدای . . . ۱۰
فراغتی کرامت کند آن خدمت بجای آورده شود . . . کامرانی وشادمانی . . . میسر
باد با بقاء جاودانی وصلواته علی سیدنا محمدو آله . . الطاهرین .

[۱٤٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲٦ دفتراست و بخط تعلیق ص ۲۳۹-۲٤۲ نسخه‌ای ازاین
گفتگو درجنگی در کتابخانه ملك تهران هست . ۱۵

(عربی) **پاسخ عاملی بپرسش طوسی ازخسروشاهی** [۱۲٤]

دانشمند احمدبن زین‌العابدین عاملی جبلی (م میان ۱۰٥٤ و ۱۰٦۰) شاگرد
وشوهردختر میرداماد بدستور محمدصالح کرامی بسه پرسشی که خواجه طوسی
ازخسروشاهی کرده بود پاسخ گفت ودر آن از شرح اشارات طوسی (نمط ٥ فصل
زمان) ومقاله ۲ الهی شفا (بحث عقل و نفس) و تعلیقات ابن‌سینا و تعلیقات خود ۲۰
برجواهر واعراض تجرید یاد نمود

آغاز : بسمله‌الحمدلله علی‌الائه . . . فیقول ... احمدبن زین‌العابدین (بریده

---

۱ - نگاه به : گفتار آقای نفیسی درمجله ارمغان‌سال ۱۵ ش ٦ شهریور ۱۳۱۲ خ
ص۱۳-٤۱۸ - گفتارقزوینی‌درمجله یادگارسال ۲ ش۲ تاریخ ۱۳۲٤خ‌ص٥۹-۷۰-شدالازار
شیرازی ص ۳- ۱۱۰ وگفتارهمو درهمینجا درص ۸ - ٤۹۲ ۲۵

شده) انه لما صدر عن منبع زلال الافضال . . . مولانا محمدالصالح الکرامی . . . .
مخلصه‌الداعی یتصدی للجواب عن‌الاسئلة التی‌ارسلهانصیر. . (بریده شده) الی ...
شمس‌الدین (ابو) محمدالخسروشاهی . . . الاولی لما امتنع وجود حرکة من غیر
ان یکون علی حد معین من‌السرعة والبطوء .

۵ انجام · فان‌الفاعل‌الواحد قد یفعل بسبب اختلاف امور عقلیه اوعدمیه افعالا
کثیرة .

[۱٤۵]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۹ دفتراست وبخط تعلیق درشت‌تر وموریب ص ۱۷۸–۱۸۱
از بالا وپائین صفحات کمی بریده شده است .

۱۰ [۱۲۵] پاسخ غزالی بپرسشهای پیروان سنت (فارسی)

درسال ۵۰۳ تنی چند ازپیروان ابوحنیفه ومالك وشافعی چون دیدند غزالی
(۴۵۰–۵۰۵) درالمنخول‌ازابوحنیفه بدگفت وبپیروی صوفیان وفیلسوفان سخنانی
بیاوردگردهم آمده وازمشکوة‌الانوار وکیمیای سعادت این گفتارها : « لااله‌الاالله
توحیدالعوام » و « لااله الاهو توحیدالخواص » و « الله هوالنور » و « روان مردمی
۱۵ دراینجهان بیگانه است وشیفته جهان بالا» و « افشاء سرالربوبیة کفر» را در آورده
و گفته‌اندازاینهاچه میخواهی؟ ودراینکه‌خدارابروشنی مانند ساختی مجوس شدی
ودرباره روان آنچه گفتی بترسایان وفیلسوفان نزدیك گشتی .

آنها این سخنان را بشاه (محمد سلجوقی ۴۹۸ – ۵۱۱) رساندند غزالی
که دراین هنگام پنجاه و سه سال داشت و گوشه‌گزیده بود بدستور او ناگزیر
۲۰ بلشکرگاه طوس رفته و از همه خرده‌گیریها پاسخ داد و بدانشمندان طوس گفت
که درمعقولات تنها برهان می‌پذیرم و درشرعیات پیرو کسی نیستم وقرآن را بکار
می‌بندم شاه همینکه پندهای غزالی را بشنود و سخنان اورا استوار بدید نوازشش
نمود وبدشمنانش ارجی‌ننهاد. این گفتگو در«فضائل‌الانام من رسائل حجة‌الاسلام»
که‌پس‌ازمرگ‌اوبرادرش احمدگردآوردودراکبرآبادهندبسال۱۳۱۰بچاپ‌رسید .
۲۵ دیده میشود .

[۱٤٦]

۳٤۰ این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ۸ گفتاروهمه بخط تعلیق ریز خوش با عنوانها و نشانه‌های شنگرف که درسال ۱۲٦۰ نوشته شدگ ۲۷ ب ـ ۳۷ ب ـ نام ومهردارندگان نسخه (محمد باقر پسرابراهیم حسینی لواسانی رازی تهرانی وشیخ‌العراقین) درآغاز وپایان دفتردیده میشود . ۵

(همه دفتر۳۱۳٦گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی رنگارنك - جلد تیماج ضربی زیبا
اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۲۰ و ۷×۱٤ س ۱۵

[۱۲٦] پاسخ فندرسکی بپرسش کاشی (فارسی)

این پرسش و پاسخ میان آقا مظفر حسین کاشی و میرابوالقاسم فندرسکی استرابادی (م نزدیك ۱۰۵۰) شده است وفندرسکی ازدانشمندانی است که دیری ۱۰ در هند بزیست و بدانش زردشتی و بودائی آشنا شده بود و روش اشراقی دارد . مسئله تشکیك ذاتی میان مشائیان واشراقیان مطرح بوده وفندرسکی‌دراین گفتار آنرامحال‌میداندچنانکه رفیع‌الدین محمد حسینی رساله درتشکیك نوشته وبهمین رأی بود (چاپ شده درکنارشرح هدایه شیرازی ص ۸ـ۳٦۳) .

آغاز : آنچه فرموده‌اند درذاتی وتشکیك وعدم تشکیك او برآنچه ذاتی ۱۵ است اورا معتقد این ضعیف آنستکه نشایدکه ذاتی مقول بتشکیك باشد .

انجام : و چون خواهندکه این فصل را مأخذ بدانند بکتاب مابعدالطبیعه رجوع کنند وبالجمله هرچه بجزحضرت رب‌العزة است ازموجودات غیبی اورا از ترکیب چاره نباشد .

۱٤۷ ۲۰

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلبق مورب گ ۵۵ ب ـ ٦۵ الف .

[۱٤۸]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط شکسته تعلیق محمد شریف پسرمحمد قائمی نزدیك بسال ۱۰٤۰ گ ٤۳ الف ـ ٤٤ الف . ۲۵

[۱۲۷] پاسخ کاشانی بپرسشهای هراسکانی (فارسی)

منتجب یا منتخب‌الدین هراسکانی که از شاگردان و پیروان باباافضل کاشانی بوده است چون از استاد دورشده بود یازده پرسش در عرفان و اخلاق از استاد کرده و پاسخ خواست واین بازپسین سخنانی بود که بابا بنگارش درآورد تااینکه
۵ درگذشت وازمرق برای هراسکانی فرستادند و گفتگوی ۷و۸ آن درباره گفته‌های غزالی است در کیمیای سعادت که درآنجا آمده که روان پایداراست وبرخی اینرا نپذیرفتند وبرغزالی نفرین میکردند و نیز آمده که خدادراینجهان دانستنی ودرآن جهان دیدنی ولی نه با دیدار اینجهانی و همین را مردم نپسندیدند و گوینده را بدکیش خواندند هراسکانی‌ازاستاد که کیمیای سعادت راگزین‌نموده بود میخواهد
۱۰ روشنش سازد .

درهمین جااست که هراسکانی از استاد تفسیر چند آیه وخبری را میخواهد واومیگوید سخنی راکه برزبان من نرفته تفسیر گفتن گزاف است مگر اینکه من آنچه ازاین سخنان دریافتم برگویم .

آغاز : منتخب اشکالی چند که از جناب خواجه شخصی سئوال کرد و او
۱۵ جواب آنها نوشت . . . سئوال نماید بنده داعی که چون آدمی از مادر بزاد طالع اومیگیرند .

انجام : و ازجهان نام‌گذشتگان بردن خاصه جز پندو فائده بار ندهد تلك امة قدخلت . . . عماکانوا یعملون .

[۱٤۹]

۴۲۸ این نسخه شماره۲ دفتری است دارای ده رساله و گفتار باباافضل کاشی که بخط شکسته نستعلیق خوش با عنوانهای شنگرف میباشد و در ۱۰۸۳ نوشته شده است از گ ۱۰ ب تا ١٤ ب .

(همه دفتر ۷۲ گ) - کاغذ سمرقندی . جلد تیماج زرد ساده

اندازه : ۱۲×۱۷ و ۵×۱۲٫۵ س ۱۷

[۱۵۰]

۴۳۱ این نسخه شماره ۷ دفتری است دارای ۲۳ رساله و نامه و گفتار از کاشی و فیلسوف شیرازی و همه بخط تعلیق محمدعلی است که در مدرسه سپهسالار تهران بسال۱۳۰۲ آنها را نوشت از گ ۱۲٤الف تا ۱۳۲ب . این دو نسخه باهم یکسان نیستند . ۵

(همه دفتر ۴۰۱ ۳) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۰ر×۱۸ و ۶ر×۵ر۱۳ س ۱۴

[۱۲۸] **پاسخ گرگانی بپرسش میرزا اسکندر** (فارسی)

میر سید شریف گرگانی (م ۸۱٦) فیلسوف متکلم در پاسخ میرزا اسکندر پسر عمرشیخ در باره شماره طبقات بهشت و دوزخ این گفتار را بپرداخت و بروش فیلسوفان آنرا تأویل نمود و این گفتگو از پاسخ و پرسشهای میر گرفته شده است . ۱۰

آغاز : سیدالمحققین میرسید قدس‌سره دررساله‌ای که دراجوبه‌اسؤله میرزا اسکندر بن‌عمرشیخ نوشته فرموده «تاویل عددطبقات دوزخ و بهشت چنین کرده‌اند که عناصر بسیط ٤ است ومرکبات عناصر ۳ وعدد افلاك نه .

انجام : واعراف اشاره بآن مرتبه‌است ودرتأویل معراج روحانی رسول‌الله سخنان بسیار بزرك فرموده . ۱۵

[۱۵۱]

۱۰۳۷ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق گ ۲۰۸ الف ـ ۲۰۷ الف

[۱۲۹] **پاسخ همدانی برازی قزوینی** (عربی)

شیخ‌رئیس‌درپاسخ پرسش‌بهمنیار براینکه یکی‌جزیکی‌نیافرینندبرهانی آورد امام رازی‌ودبیران قزوینی‌از آن خرده گرفتند. ابراهیم حسینی همدانی دراین گفتار برهردو رد نوشت . ۲۰

آغاز : یقول‌الفقیرالفانی ابراهیم‌الحسینی الهمدانی . . . نقل ان بهمنیار لما طلب‌البرهان من‌الشیخ .

انجام : ومساعدةالتوفیق من ذوی‌الافضال . ۲۵

[١٥٢]

٩٢٦ این نسخه شماره ٣ دفتراست و بخط تعلیق گ ٩٦ الف دردوسطر ودرهمین‌جا سخنی ازلمحات سهروردی شهید (لمحه ٤) در ٩ سطر و بهمین خط آمده که درآن‌روی‌خودآگاهی وحضورذاتی نفس و بی نیازی آن ازچیزهای دیگر تجرد
٥ آنرا ثابت میکند .

[١٣٠] **پرسش طوسی ازجیلی** (عربی)

خواجه طوسی از شیخ علامه جمال‌الدین عین‌الزمان جیلی سه پرسش کرد یکی‌اینکه‌چیزیکه‌امکانش‌را حاملی نیست‌باید قدیم باشد وهمیشگی واین‌قانون با حدوث نفس‌نمیسازد همین پرسش را طوسی ازخسروشاهی نیزکرده بود ودراینجا
١٠ کوتاه‌تر است . دیگراینکه ادراك چیست سوم از « توحید اسقاط اضافات است » چه میخواهند خواجه در اینجا بسیار از جیلی میستاید و گویا او بخواجه پاسخ نداده است .

آغاز : سلام علیکم و رحمةالله و برکاته تحیة مشاهد معاین بالبصیرة . . . فهذه‌اسئولة قد تداولتهاالنظار .. الاول لما ثبت ... ان کل مالاحامل لامکان وجوده
١٥ وعدمه .

انجام . . . ولسنا من ان یتم اجتماع‌الشمل بنیل حلاوة بآیسین وهو حسبنا ونعم‌المعین سبحان ربك رب‌العزة . . . رب‌العالمین .

[١٥٣]

١٠٢٢ این نسخه شماره ٦ دفتراست وبخط تعلیق آملی گ ١٢٤ ب ١٢٥ب وعنوانها بنسخ و درپایان (گ ١٢٥ ب) ٣گفتار است دراین که عین ثابت درعلم ازلی یا ماهیت، آفریده نیست ومعقول و محسوس یکی نخواهند شد وجدائی‌میان حکمت وغرض

[١٣١] **پرسش و پاسخ درخداشناسی** (فارسی)

نگارنده این‌گفتار دانسته نشد و چنین آغاز میشود : « بسمله و به نستعین
٢٥ سئوال واجب‌الوجود چه چیزاست ؟ - جواب واجب‌الوجود موجود آنچنانی‌است

که ازعدم او محالی لازم آید » وانجام آن چنین : « و این اقوی است هم دراینجا وهم درسایرقوای ظاهره .

[۱۵٤]

۱۰۲٦ این نسخه دردفتری است دارای «زادالزائرین» ودرص۱۲۲ ج ۱ شناسانده شده وبخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف در گ ۱٦۳ـ ب ـ۱۹۲ الف میباشد . ۵

[۱۳۲] **تحدید نفس کلی مطلق** (عربی)

شیخ رئیس دراین گفتار پس‌از کاوش از هیولی و صورت و جسم روان را میشناساند .

آغاز : اماالقول فی‌تحدیدالنفس‌الکلیةاعنی‌المطلقةالجنسیةفیتضح بماالقول . ۱۰

انجام : کمال اول‌لجسم طبیعی ذی حیوة بالقوة ... فقد قسمناالنفس‌الجنسیة وحددناها وذلك ما اردنا ان نبینه .

[۱۵۵]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۸ این دفتر و بخط تعلیق محمد علی گ ۱۵۳ الف ـ ۱۵٤ الف . ۱۵

[۱۳۳] **تحصیل** (عربی)

کیا رئیس ابوالحسن بهمنیار فرزند مرزبان فیلسوف مجوسی آذربایگانی (م ٤۵۸) شاگرد شیخ رئیس و استاد لوکری‌که بیشتر سخنان شیخ در مباحثات درپاسخ او است تحصیل را درسه بخش پس‌ازمرك استاد ازروی حکمت علائی یا دانش نامه برای خال رئیس ابی منصور بهرام فرزند خورشید فرزند یزدیار نوشته ۲۰ وازنگارشهای دیگرشیخ و گفتگوهائیکه میان آندوشده وازسخنان خویش برآن افزود وبسیارساده وشیوا و گسترده تر ازدانشنامه است میگویند تحصیل درقاهره

بسال ۱۳۲۹ بچاپ رسید (۱) .

آغاز منطق : ستایش ودرود ـ قال بهمنیار بن المرزبان و بعد فانی محصل فی هذه الرسالة للخال الرئیس الاجل ابی منصور بهرام بن خورشیدبن یزدیار . . . کتاب الحکمة التی اهداها الشیخ الرئیس ابوعلی . . . مقتدیا فی الترتیب بالحکمة العلائیه

۵ انجام آن : مبتدئین بعلم مابعدالطبیعة تم الکتاب الاول فی المنطق ـ آغاز امور عامه : ستایش ـ الکتاب الثانی فی المقدمات التی یحتاج الیها فی جمیع العلوم وهو العلم الموسوم بعلم مابعدالطبیعه ـ انجام آن : والنفس لیس کذلك تم الکتاب الالهی من کتاب التحصیل ـ آغاز الهی اخص : ستایش ـ الکتاب الثالث فی الاشاره الی اعیان الموجودات ـ انجام آن : وهذاالقدر اذااحکم سهل السبیل الی مابعده من التدقیق

۱۰ والتفصیل والبسط والتحقیق و نسال الله التوفیق .

[۱٥٦]

۲٦۲ این نسخه بخط تعلیق ریز باعنوانهای شنگرف که سلطانعلی بن حسنعلی در ۲۵ ج۱ سال ۹۷۱ تا امورعامه ودر ۳ ع ۱ همین سال الهی اخص را بپایان رساند منطق از گ ۳ ب تا ۱۱٦ الف و دوبخش دیگر از نو شماره گذاری شده و تا

۱۵ برك ۱۷٤ ب میباشد .

(همه دفتر ۲۹۱ ۳) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۲×۵ر۱۸ و ٦×۱۱ س ۱۷

[۱۳٤] تحفه (فارسی)

این دفتر درشناخت روان وسرگذشت او پس ازجداشدن ازتن دررستاخیز

۲۰ است که درنسخه مانند روضة القلوب ازخواجه طوسی دانسته شد و روشن باطنی

۱ ـ بهمنیار مراتب الموجودات (لیدن ۱٤۸۲ مورخ ۵۱٤ و۱٤۸۳) ورسالة فی موضوع العلم المعروف بمابعدالطبیعه (چاپ مطبعه کردستان ۱۳۲۹ وچاپ سلمون پوپر S. Poper درلایپتسیك در ۱۸۵۱ با مراتب الموجودات و ترجمه آندو بآلمانی) نوشته و نسخه هائی ازاینها و از تحصیل درخاور و باخترهست نیز البهجة والسعادة والزینة فی المنطق والموسیقی

۲۵ دارد همچنین نامه ها که او وشیخ بهمدیگر نوشتند و آنها هم هست نیز اثبات العقول الفعالة والدلالة علی عددها واثبات النفوس السماویة که بخشی از آن درآستانه هست .

نگاه به بیهقی ص۹۱ ـ ارسطو عندالعرب بدوی ص۳۷ دیباچه ـ فهرست دوم مجلس ش۱۱ ـ قنواتی ش ۷

وتأویل در آن پیداست .

آغاز : بسمله شکر بی‌نهایت وسپاس بی‌عنایت ذاتی‌را که بلبل روح وروان را بعشق چمن جبروت واغصان عالم ملکوت مزین ومشرف گردانیده است . . . سبب تحریر این کلمات ربانی وزکوة روحانی آن بوده‌است که این‌ضعیف خواست تا آنچه بمعرفت نفس تعلق دارد چگونگی‌احوال اوازالم ولذت بعدازمفارقت دراین‌نسخه ۵ تمام کنم .

انجام : بنده ضعیف این رساله ازهرجای جمع کرد تا اخوانی که بعداز ما باشند ازین معنی بهره‌مندگردند وما را بدعا یاد دارند ربنااغفرلنا ولاخواننا الذین سبقونابالایمان . . . . انك رؤف رحیم تمت‌الرسالةالموسمة بالتحفة حامداًومصلیا .

۱۰ [۱۵۷]

۱۰۸٤ این نسخه بخط تعلیق با نشانه وعنوانهای شنگرف واز برك ٤۷ ب تا ۷۷ ب ودفتر دوم این شماره وبا روضةالقلوب خواجه میباشد .

(۷۷ برك) کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج سرخ ساده مقوائی

اندازه : ۵ر۱۱ × ۲۰ و ٦×۱۲ س ۱۱

۱۵ (فارسی) **تحقیق معنی قابلیت** [۱۳۵]

این دفتر گویا از فیض کاشانی است و بروش عرفان شیعی از قابلیت گفتگو می‌کند .

آغاز : بعداز سپاس بیحد وقیاس پروردگاری را که بیرنك آمادگی وقابلیت هرچیزرا در کارگاه جمعیت پناه صبغةالله . . . چنانچه بایست نقش بست .

۲۰ **انجام** :

آنکس که ز شهر آشنائی است
داند که متـاع ما کجائی است

بیش‌ازاین‌حاجت نمیداندبیان . والسلام علی‌من‌تم بوجوده‌الاتم کل‌تمام‌علیه وعلی آله‌السلام .

[۱۵۸]

۳۱٤ این نسخه شماره ٥ دفتری است دارای ٥ رساله ازفیض و جزاوگ ۷۲ ـ ب
۷۷ الف و درپایان آن دارد « تم‌الکتابة فی شهررجب‌المرجب سنة ۱۰٦۱ »
و پیداست که درروزگار اونوشته شد .

٥ (همه دفتر ۷۷ گ) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج زرد
اندازه : ٥ر۸×۱۷ و ٥×٥ر۱۱ س ۱۲

[۱۳٦] تحقیق‌الهیولی (عربی)

فیلسوف محمدبن احمد خفری این دفتر را درباره هیولی در یك مقدمه و
دومقصدنوشته ورأی ارسطورادر آن اثبات وگفته افلاطون وشیخ اشراقی را ابطال
۱۰ کرده است و در آن از شیخ رئیس و سهروردی و شارح مواقف سیدالمحققین نام
میبرد .

آغاز : الحمدلخالق‌الوری .... فاقول هذه رسالة فی تحقیق‌الهیولی وتوابعها
قدالفها تذکرة لاولی‌النهی .

[۱۵۹]

۳۲۲ این نسخه بتعلیق ریز و دوبرك پایان سفید و ناقص است وبدین‌جا « فالصورة
الجسمیة التی تکثرت افرادها انمـا تکون کثرة افرادها و تشخصاتها بالمادة
ولاخفاء فی ان » انجام میپابد .

(۹۸ گ) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج دولاحاشیه‌دار
اندازه : ٥ر۱۰×٥ر۱۹ و ٥×٥ر۱۱ س ۱٦

۲۰ [۱۳۷] تحقیقات دربیان احوال موجودات (فارسی)

ملاشمسای گیلانی فیلسوف این دفتررا برای کسانیکه فلسفه میجویند وتازی
نمیدانند نوشته ودر آن ازمباحث مهم هستی و شناخت بروش اشراقی کاوش نمود
وخود بدان این نام را داد

آغاز : بسمله والتوفیق من‌الله العلیم الحکیم سپاس تقدس اساس و ستایش
۲٥ بیرون ازقرینه وقیاس مهیمنی را سزد که ایجادعالم کرد لامن شیء ولامن لاشیء ...

چنین گوید . . محمد مشهور بشمسا گیلانی .

انجام : مسلك حکما در اثبات واجب‌الوجود بالذات مسلك لم است و مسلك متکلمین مسلك ان ببین تفاوت ره از کجا است تا بکجا (تم یوم‌الاثنین ثالث عشرین من شهر شعبان‌المعظم سنة الف واثنین وخمسین) .

۵

[۱٦۰]

۲۷۸ این نسخه بخط تعلیق و حاشیه‌هائی دارد که بعبارت (منه سلمه‌الله) پایان میبابد و پیداست که درروزگار شمسا درروزدوشنبه ۲۳ شعبان ۱۰۵۲ نوشته شده یا اینکه شمسا آنرا دراین تاریخ نگاشته است .

(۳۰۲ ۳) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج متوالی

اندازه : ۹٫۵×۱۷۵ و ۵×۱۱ س ۱۵

[۱۳۸] ترجمه اشارات (فارسی)

دراین دفتر سه نمط پایان اشارات شیخ بپارسی شده و مترجم گاهی ازخود سخنانی افزوده ودرداستان سلامان وابسال از رازی و طوسی افسانه‌ها را آورده است این ترجمه درشیوائی بپایه ترجمه گمنام دیگر از اشارات که درتهران بسال ۱۳۱٦ خ بچاپ رسیده است نمیرسد .

۱۵

آغاز : بسمله و به نستعین نمط ثامن در بهجت وسعادت بدانکه بهجت درلغت بمعنی سرور ونضرت است وسعادت مقابل شقاوت . . . وهم وتنبیه دروجود لذات باطنه .

انجام : و شیخ بعد از وجود شرایط مذکور امر کرده باحتیاط تمام عقلا ورسماً چنانچه گفته‌و کتاب بآن‌ختم کرده است .

۲۰

[۱٦۱]

۸۹۷ این نسخه شماره ۷ دفتر ازگ ۱۳۰ ب تا ۱۵۳ الف میباشد .

[۱۳۹] ترجمه الهیات شفا (فارسی)

سید علی بن محمد بن اسدالله امامی عریضی سپاهانی مترجم اشارات که شاگرد آقاحسین خوانساری (م ۱۰۹۸) بوده ودرروزگارنگارنده ریاض‌العلما (م ۱۱۳۰)

۲۵

درگذشت شفای شیخ را بپارسی کرد (ذریعه ج ٤ ص ۹ـ۷۸و۱۱۰) نسخه ماکه بند ببند سخنان شیخ در آن آمده و ترجمه لفظی و سپس گزارش شده گویا از همو باشد .

آغاز : بسمله و به نستعین حمدی که عندلیبان گلستان ابداع میسرایند مبدعی را
۵ باد ... این رطب و یابس ترجمه فن ثالث عشر کتاب شفاء رئیس الحکماء شیخ ابوعلی سینااست که عبارات وی بالتمام مذکورمیگردد و ترجمه مطابقه الفاظ بیان میشود

[۱٦۲]

۲۵۱ این نسخه بخط تعلیق و متن بنسخ زیرخط سرخ از عبدالظهیر بن المعصوم کرهرودی درسپاهان بدستور امیر صدرالدنیا میباشد گ ۱ ب ـ ۳۹۰ الف و نسخه بدلها درکنار صفحه‌ها است و ترجمه در گ ۳۸۰ ب بدینجا « فانه کیف کان فحـوته متعلق بالحرکة لایمکن غیرهذا (فصل ۱ مقاله ۹ ص ٦۰۱ چاپ تهران) پس در اینصورت ازدیاد بصیرت میگوئیم ما بدرستی که تو بتحقیق که دانستهٔ آنکه هر » پایان میبابد وگ ۳۸۱ الف سفید است آنگاه درگ ۳۸۱ ب عبارت « وقوم آخرون لم یرو بهذه الصورة مفارقة بالوجود . . . . (فصل ۲ مقاله ۷ ص ۵۵۷) وقومی گمان نکرده‌اند
۱۵ از برای صورطبیعیه مفارقی را» دوباره میآید و نسخه بعبارت «وهذا هوخلاف ماعقلوه (عقدوه در نسخه ما) و بنوا علیه اصل رأیهم (فصل ۳ مقاله ۷ ص ۵٦۲) . . . ووی خلاف آن چیزی است که عقد کرده‌اند ایشان آنرا ، وعقیده بسته‌اند باو، بنا گذاشته‌اند بر واصل رأی و مذهب خود را . حاصل که این فصل در بیان ابطال گفتار قدماء سابق است در تعلیمات ودرمثل افلاطونیه پس میگوئیم ... وملتفت نمی‌شویم بجانب آنچه که گفته‌اند
۲۰ و عمل کرده‌اند ایشان از دوام استغناء اینها از اثباتشان . تمام شد بعون پروردگار عالم آنچه یافت شد از ترجمه مزبوره بتاریخ هفتم شهر رجب المرجب من شهور اربع وثمانین والف من الهجرة النبویة المحمدیة » پایان میبابد .

وآنچه در گ ۳۸۱ ب تا ۳۹۰ الف آمده همان است که درس۲۲ گ ۲۹٦ب تا س۳ ازپائین گ ۳۰۵ب نوشته شده ومکرراست نویسنده نسخه را بهمان اندازه‌ایکه
۲۵ یافته بود در ۱۰۸٤ نوشت ودر کنار گ ۳۱٦ ب نوشته است که نسخه‌ای که از روی آن مقابله میشد مقاله دوم تا آخر فصل ۷ مقاله ۸ « فی نسبة المعقولات الیه . . . . وفی تفصیل حال اللذة العقلیه ـ ص ۵۹۱ » را نداشت . ما نا نسخه نویسنده آشفتگی داشت وخودهم نمی‌توانست آنرا دریابد وازروی آن نوشت .

متن دراین ترجمه (گ ۳۱۵ ب س۱ـ٤) نسبت بنسخه ش ۲٤۳ گ ۵۷۱ الف (پایان فصل ۳ مقاله ۷) افزوده دارد .

ازدارندگان نسخه محمد کریم سپاهانی درهمان شهرمیباشد .

(۳۹۰ گ) . کاغذ ترمه سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی رنگ‌آمیزی شده اندازه : ۱۴٫۵×۲٦ و ۸٫۵×۱۷٫۵ س ۲٦ ۵

[۱٤۰] تعبیرالرؤیا (عربی)

این رساله در نسخه ما بنام تعبیرالرؤیا (گ ۱۱۰ الف) وتفسیرالرؤیا (گ ۱۱۰ ب) یادگردید و از ابن‌سینا دانسته شده وجز نسخه‌ای است که درمجلس (ج ۲ ش ۷۵٦) و آستانه طوس (ج ۱ ص ۲۵ ش ٦۰) هست و قنواتی در (ش ۱۵٦) بنام « الرؤیا والتعبیر ـ المنامیه » شناسانده این نسخه ما تنها در خوابگزاری است ۱۰ و ۱۱ باب میباشد .

۱ـ آنچه در آسمان است .

۲ـ آب وزمین و آنچه دراین‌دو است .

۳ـ کشت ودرخت

۴ـ آتش وکانها . ۱۵

۵ـ ساختمان و پوشاك و پاکیزگی .

٦ـ خوردنی و زن‌گرفتن ودیدن اندامها .

۷ـ تخت و بازرگانی .

۸ـ گریه وخنده وبازی .

۹ـ رمنده وخزنده ودونده و پرنده . ۲۰

۱۰ـ پوشش و آرایش جنك .

۱۱ـ زدن و کشتن وبیماری ومرگ وگور .

ودرآن ازخواب وچگونگی آن از رهگذرفلسفه و پیش بینی که درخواب میشود و پایه فلسفی آن که با بحثهای روانشناسی عقلی وابسته است هیچ یاد نشده با اینکه در نسخه مجلس هست و همین بخش فلسفی که بده فصل میرسد بپارسی ۲۵

ترجمه شده ودرتهران بسال ۱۳۱٦ خ بچاپ رسید .

آغاز : کتاب تفسیر الرؤیا منسوب لابن‌سینا وهوعلی احد عشر بابا الباب الاول فی العلویات من السما ومافیها والرعد والبرق . ضوء السماء خیر ورزق .

انجام : والخلاص من الحبس خلاص من شدة . والله اعلم بالصواب هذا آخر ۵ هذه الرسالة والحمدلله رب العالمین .

[۱٦۳]

۱۰٤۵ این نسخه شماره ۱۰ دفتری است دارای ده رساله و گفتار: (العویص فی الاحکام شیخ مفید ـ صد سخن از علی ع ـ حدیث ـ پرسشهای عبدالله بن سلام از علی ع ـ تفسیر عسکری ع ـ داستان تولد علی ع بخط محمدبن عبدالحسین حسینی ۱۰ نجفی در ۲۳ محرم ۱۰۵٦ درسپاهان ٦۳ب ـ رساله رجعت ـ زیارت رضا ع ـ گفتارهای گوناگون) وازگ ۱۱۰ ب تا ۱۲۲ ب بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف و در کنار گ ۱۲۲ ب گفتاری است از ابن‌سینا بتازی که پارسی آن اینست : « زنان تا ده سال بازیچه‌اند و از ده تا ۱۵ فراخ و سیاه چشم و از ۱۵ تا ۲۰ پیه و گوشت و شیر واز ۲۰ تا ۳۰ مادر پسران و دختران و از ۳۰ تا ٤۰ پیر فرتوت مردنی و از ٤۰ تا ۵۰ ۱۵ باید باکاردشان کشت و از ۵۰ تا ٦۰ نفرین خدا وفرشتگان و همه مردم بر آنها باد

(همه دفتر ۱۳۲) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد ضربی مقوائی
اندازه : ۱۲×۱٦ و ۵ر۴×۱۲ س ۱۸

[۱٤۱] **تعبیر سلطانی** (فارسی)

قاضی اسمعیل بن نظام الملك ابرقوهی این دفتررا برای جلال الدین ابوالفوارس ۲۰ شاهشجاع مظفری (۷٦۰ ـ ۷۸٦) و وزیر اوخواجه قوام الدین محمد بسال ۷٦۳ نگاشته ومیگوید که آنرا ازروی گفتار آگاهان دراینهنر ونگارشهای خوابگزاران بپرداختم و از آنها اینانرا نام میبرد : « موبدانی مانند هرمز پسر آذرشیب (؟!) و بزرگمهر وانوشیروان وکشمرو جاماسب – ازمشرکان وکاهنان تازی و جادوگران مانند عبدالله بن هلال ومرط بن زید و عباب بن سمررازی – ازآشنایان بهنرفراست ۲۵ مانند سعیدبن سنان و ایاس بن معاویه وجندل بن حکیم ومعویة بن کلثوم و نکلة بن نصاب – چند تن از فیلسوفان یونانی » باز میگوید که از سخنان پیامبران و یاران

و پیروان پیامبر اسلام و فقیهان و پارسایان و دانشمندانی مانند محمدبن سیرین و ابراهیم بن عبدالله کرمانی و عبدالله بن مسلم بن قتیبه و ابواحمد خلف بن احمد و محمدبن جمادالحبار الرازی و یعقوب کندی و ابوزید بلخی و بختیشوع واهرن و محمد زکریا وحنین اسحق مترجم و ابومحمد زرب (؟!) طبری (دواسقف) بهره بردم و از تعبیر قادری که حکیم ابوسعد نصر بن یعقوب دینوری در ۳۹۷ برای خزانه ابوالعباس احمد قادربالله (۳۸۱ - ۴۲۲) نوشته و در آن از طبقات المعبرین حسن بن حسین الحلال یاد کرده است و نیز از التحبیر فی علم التفسیر فخر رازی و کامل التعبیر شیخ ابوالفضل تفلیسی که برای عزالدین قلج ارسلان پادشاه روم (۵۵۱ - ۵۸۴) نوشته و اصول دانیال و جوامع ابن سیرین و تقسیم امام جعفر صادق ع و دستور کرمانی و ارشاد جابر مغربی و تعبیر ابن اشعث و کنز الرؤیاء ملمونی گرفته‌ام. کتاب در یک مقدمه و ده نکته و بروش التحبیر میباشد و در دیباچه از خواب از رهگذر فلسفه و کلام و نیز از استخاره و زجر و فال و از قانون خوابگزاری کاوش میکند سپس بترتیب حروف تهجی تعبیر هرچیزیرا میگوید و در پایان از این شاهزادگان (قطب الدین ابوالحارث سلطان اویس، مظفرالدین سلطان شبلی، ابواللیث معزالدین ابوالقاسم جهانگیر، شمس الدین سلطان زین العابدین) میستاید.

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خص خواص الانام بمبشرات الاحلام . . . چنین گوید . . . اسمعیل بن نظام الملك ابرقوهی . . . موجب تحریر تعبیر که مسمی است بتعبیر سلطانی .

انجام : و ثمره شاخ نبوت و سلطنت شمس الدنیاء والدین سلطان زین العابدین اسلح الله احوالهم . . . برحمتك یا ارحم الراحمین (آمرزیده باد که چون این کتاب بنظر مبارکش . . . مزین شود ... مصنف و کاتب را بدعای خیر یاد فرمایند الهم اغفر لمصنفه وصاحبه و کاتبه واعف عنهما وارحمهما) .

[۱٦٤]

۸۳٤ این نسخه بنسخ و عنوانها و آیه‌ها بشنگرف و برك ۱ آن از پائین باندازه شش سطر بریده شده و کاغذ چسبانده و دوباره نوشتند ودرپایان دارد : « تمام شد کتاب تعبیر . . . فی وقت صلوة العصر فی یوم الرابع عشرین مبارك

جمادی‌الثانی سنه اثنین و تسعمائة کتبه . . . علی بن محمدبن حاجی مقیم ولدان »
ونسخه را درتاریخ ج ۱ سال نهصد وگویا هشت (گ ٤۱۹ الف که بریدگی دارد)
عطاءالله‌بن علی بپسرخود محمد بخشید ازگ۴۲۰ ب تا ٤۲۲ ب رساله خواص قرآن
است ازگفتار امام جعفرصادق ع .

۵ (٤۲۲ گ) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج زردکهنه ضربی مقوالی
اندازه : ۵ر۱۲×۲۱ و ۸×۱٦ س ۱۷

[۱٤۲] تعریف اراده وقدرت وحیات وحکمت (عربی)

این گفتار ازشیخ رئیس دانسته شده واین چهارچیزدر آن شناخته میگردد .
آغاز : الارادة عبارة عن کون‌الفاعل عالما بفعله .
۱۰ **انجام** : مع‌القصد الی ایصا له الیه .

[۱٦۵]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲٤ دفترودر۱۷۰ ب ونه سطر بخط تعلیق محمدعلی و نزدیك
بسال ۱۲۹۹ نوشته شد .

[۱٤۳] تعلیق فی نسبة‌الصورة الی‌الماده (عربی)

۱۵ دراین گفتار روشن میگردد که میان ماده وصورت چه پیوندی هست .
آغاز : تعلیق نسبة‌الصورة الی‌المادة . . .
انجام : یتصف‌النفس بجاعلیتها مقصورة .

[۱٦٦]

۳۷٤ این نسخه شماره ۷ دفتر وگ ۹۲ ب ـ ۹۳ الف بتعلیق شکسته

۲۰ [۱٤٤] تعلیقات (عربی)

فارابی بیشتر سخنان خویش را دربرگها می‌نوشت وکمتر آنها را دردفترها
می‌نگاشت ازاینروی بیشترنگارشهای او بساخت مقاله و فصول و تعلیقات میباشد
ابن ابی‌اصیبعه (ج ۲ص ۱۳۹) درشمارنگارشهای فارابی از « تعالیق فی‌الحکمة »
یاد میکنند ودرنام چندین کتاب فارابی که فهرست داده‌اند کلمه تعلیق دیده میشود
۲۵ و پیداست که وی آنهارا یادداشت مانند می‌نگاشت و بسیاری ازنگارشهای فارابی

بساخت یك کتاب کاملی نیست وماناشاگردانش آنها را یکجاگردکرده نامی بدانها دادند این تعلیقات نیزچنین است ومانند فصوص مسئله‌های گوناگونی را دارا است (ص ۸۹ این فهرست).

[۱٦۷]

۲۵۳ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نستعلیق کرکی از گ ٤٥ ب تا ٥٤ الف میباشد ومحمد قاسم گویا اردستانی و شاگرد مجلسی و دارای نگارشهای فلسفی درهامش گ ٥۰ ب حاشیه دارد.

[۱٦۸]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط شکسته روشن گ ۱۲٦ ب - ۱۳۳ ب و پایان آن برابراست با س ٦ ص ۲۱ چاپ ۱۳٤٦ دکن وکم دارد و سه برك آن سفید گذارده شده.

[۱٤٥] تعلیقات (عربی)

در فهرست نگارشهای شیخ رئیس از « تعالیق فی المنطق » و « تعالیق علق عنه تلمیذه ابومنصور بن زیله » و « تعلیقات ابوالفرج بن ابی‌سعید یمامی ازگفتگوی شیخ با او در مجلس درس و پاسخ شیخ بدو یا رسالة الی ابی الفرج الیمامی » و « تعلیقات استفادها ابوالفرج الطبیب الهمدانی من مجلسه و جوابات ابن سینا له » و « مناظرات له فی النفس مع ابی‌علی النیسابوری » و «مباحثات» که پاسخ پرسشهای بهمنیار و کرمانی است و « مسائل ترجمها بالتذاکیر » و « مسائل جرت بینه و بین بعض الفضلاء فی فنون العلوم » و « اجوبة لسئوالات سأله عنها ابوالحسن (محمد بن یوسف) العامری وهی اربع عشرمسئلة » یادگردید[۱].

و چنین برمیآید که شیخ در بسیاری از مسائل مانند فارابی یادداشتهائی (تذاکیر) می‌نوشت یا اینکه باشاگردان خود ودانشمندان روزگارمانند نیشابوری وعامری (شاگرد ابوزید بلخی) و یمامی و همدانی گفتگو می‌نمود و پاسخهائی که

۱ – نگاه به : ابن ابی‌اصیبعه ج۲ ص۱۹ – ۲۰ – بیهقی ص۱۸۹ – نامه دانشوران ج۱ ص۸۸ فهرست طوس ج٤ ش ٤۱٥ و٤۱٦ ص٥۱ – فهرست پایان سرگذشت (السیرة) شیخ ش صبح.

میداد آنها می‌نوشتند و بنام « تعالیق و تعلیقات » یا « مناظرات » ویا « مباحثات » نامیده میشد . واین تعلیقات نیز از همین ها است وآنرا بهمنیار مرزبان ازنگارش فارابی وگفتار شیخ فراهم آورده و روایت‌کرد و لوکری بسال ۵۰۳ برای آن فهرست نوشت (نسخه ۳۲۰۴ احمد ۳ و نسخه مورخ ۵۲۱ شماره ۲۳۹۰ ایاصوفیا - قنواتی ش ۸) .

شیخ دراین کتاب بیشتر از خدا وعلت و معلول و شناخت و علم‌کاوش نمود ودرهر بندی که گاهی بسیار کوتاه وگاهی هم درازاست یك مسئله راگنجاند وبسیار شیوا وشیرین نوشته شده‌است تعلیقات ومباحثات ازبهترین کتابهائی است که در آن ازمبحث علم کاوش شد .

آغاز : تعلیق ان العالم انما یصیر مضافا الی الشیء المعلوم بهیئة تحصل فی ذاته ولیس الحال فی العالمیة کالحال فی التیا من والتیاسر .

انجام : وذلك المبدء هوالتصور البسیط العقلی وهذاهو الملکة المستفادة من واهب الصور ویخرج به عقولنا من القوة الی الفعل .

[۱٦۹]

۲٦۱ این نسخه بخط تعلیق زیبا ودارای سرلوح و درجدول زرین ودرست برابراست با نسخه ش ٦۲۱ کتابخانه مدرسه خان مروی تهران و ش ٤۱٦ طوس ونسخه ش ۳۲۰٤ احمد (ش ۸ قنواتی) و فهرست لوکری را ندارد درمروی نسخه دیگری هست بشماره ۸۷۵ که آغازآن (موضوع المنطق هوالمعقولات الثانیة المستندة الی المعقولات الاولی من حیث یتوصل بها من معلوم الی مجهول) میباشد وبرابراست با ش ٤۱۵ طوس (ج ٤ ص ۱-۵۰) واین بند درپایان نسخه ش ٦۲۱ مروی ودرگ ۱٦۰ الف نسخه ما دیده میشود .

(۱۸۷ گ) . کاغذ سمرقندی . جلد تیماج سرخ زرکوب

اندازه : ه۱۱×د۲۰ و ۵×۱۳ س ۱٦

[۱٤٦] **تعلیقات** (عربی)

این گفتار نیز بساخت تعلیقات ومباحثات است وازشیخ دانسته شده .

آغاز : بسمله للشیخ الرئیس فی الالهی - الحمدلله رب العالمین . وجود کل موجود

فهوالاول(گویاللاول)لانه فایض‌عنه. ووجوده‌هوله. فوجوده مباین‌لسایرالموجودات

انجام : الاول‌لایدرك کنهه‌وحقیقته‌العقول‌البشریة وله‌حقیقة لااسم‌لناعندنا ..
والوحدة مساویة للحقیقةالمطلقة . ومن‌اللّٰه‌التوفیق ولواهب‌العقل بلانهایة (؟)

۸۷۶ این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۵۲ ب ـ ۷۰ الف
ودرشب شنبه ع ۱ سال ۱۳۰٦ نوشنه شد . ۵

[۱۷۰]

[۱٤۷] **تعلیقات** (فارسی)

قوام‌الدین‌رازی، دراین‌جا چند مسئله ازامورعام را بعنوان تعلیق یاد میکند
وازآن کاوش می‌نماید وگاهی بکوتاهی میپردازد .

آغاز : درتفسیرقول حکیم‌الممکن فی‌حد ذاته لیس وله عن علته ایس یعنی ۱۰
ممکن را بجهتی که ممکن است چیز نیست ووجود ندارد .

انجام : دانسته شدکیفیت عام عقل‌بموجودات واحساس عقل موجودات را
بعون‌اللّٰه . . . اتبع الهدی .

[۱۷۱]

این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف (گ ٦٤ ۱۵
۳۷٤ ب ـ ۹۲ الف ۹×۱٤ س ۱٦) و درپایان دارد : « هذه تعلیقات لاستادنا
ومولاناومقتدانا قوام‌الملة والدین طاب‌اللّٰه‌ثراه وجعل‌الجنة مثواه» وپیداست
که نسخه بخط شاگرد اواست (ص ۲۷ این فهرست) .

[۱۷۲]

این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق درویش‌بن علی‌بن حاجی میرزا ۲۰
۱۰۳۰ که برای حاج شریف بسال ۱۰۹۲ نوشته و درآستان شاهزادگان گرامی
« باوره » مقابله این نسخه آغاز و درروستای « فردو » با ملا محمدعلی
دربالاخانه محمد ظهیر در۲۰ شعبان ۱۰۹۳ بپایان رسید وسزاوار دانسته شدکه این
گفتار (قوام‌الحکمه) نامیده شود ـ گ ۳۹ ب ـ ٦۳ ب ـ نسخه‌ای ازاین تعلیقات
درآستانه طوس (ج ٤ ش ٤۱۷ ص ۵۱) هست وازملارجبعلی تبریزی متخلص بواحد ۲۵
درشعروهمدم عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) ومرده در۱۰٦۵یا۱۰۸۰دانسته شد

[۱۴۸] **تعلیقات اثولوجیا** (عربی)

قاضی سعید قمی (۱۰۴۹ ـ ۱۱۰۳) براثولوجیا (ثئولوگیا) گزیده انئاد پلوتینوس شرحی نوشته وگزارش او که بروش عرفان شیعی است تا بپایان میمر چهارم میرسد. قمی در آغاز آن ارسطورا پیامبر دانست [۱] وگفت که این کتاب را ازراه رسمی نتوان دریافت چه رمزهای آن ازمنبع نبوت وولایت گرفته شده و باید ریاضت کشید و بخاندان پیامبر نزدیك شد تا آنرا دریافت میگوید اصول آن از پیامبران واصحاب رصد روحانی گرفته شده است ومیگویند که سید داماد میگفت من اثولوجیا را هفتاد بارخواندم تا دریافتم. بازمیگویدکه افلاطون میگفت :

هزارهامسئله برایم روشن شدکه برهانی بر آن نیست وازروی کشف است.

قمی پس از دیباچه پاره هائی از اثولوجیا را میآورد و از آن گفتگو میکند و گاهی نظم و نثر پارسی میآورد درگ ۱۷۲ ب س ۹ هامش از صدرای شیرازی بنام « الاستاد صدرالمتالهین » یاد نمود.

آغاز : هوملتقطات - نحمدك یامغیث النفوس و نشکرك یا مبدع العقول و خالق المحسوس... فیقول محمدالمدعو بسعیدهذه تعلیقات علی رسالة معلم الحکمة ارسطاطالیس.

---

۱ ــ علی بن طاوس (۵۸۹ ــ ٦٦٤) درفرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم (چاپ نجف ۱۳٦۸ ص ۱۵۱) از ریحان المجالس و تحفة المؤانس احمدرخجی که درروزگار سید مرتضی میزیست از ابوالحسن الهیثم میآورد که هوشمندان مانند هرمس مثلث بحکمت (ستاره شناس و پزشك وکیمیا گر) یا ادریس وابرخس وبطلمیوس و بیشترفیلسوفان دیگر پیامبربوده اند ومردم روی اینکه دانشمندانی دیگر نیز بهمین نامهای یونانی خوانده میشدند و از پیکان نبوده اند درباره اینها باشتباه رفته اند شیخ بهائی درحدیقه هلالیه ولاهیجی درمحبوب القلوب ص ١٤ همین را از ابن طاوس آورده اند درصناعیه میرفندرسکی (چاپ هند همراه اخلاق ناصری بسال ۱۲٦۷ ص ۱۰ وتهران بسال ۱۳۱۷ خ ص ۱۸) خبری که ساخته اند دیده میشود و سپهر درج ۱ ناسخ التواریخ در سرگذشت ارسطو همین خبر را آورد والی آلوسی دربلوغ الارب ج ۲ ص ۲۷۸ نوشته است که این خبردرباره خالدبن سنان آمده است بعبارت (ذاك نبی اضاعه قومه) این خبر درکتاب قمی چنین است : قال النبی فی شان ارسطو انه کان نبیاقد جهله قومه لوادرکنی لاستفادمنی» درص ١٤ و۱۰۷ محبوب القلوب نیزهمین سخنان دیده میشود. دربرابرمجلسی درج ٥ بحار ص ١٦٩ , ایران ۱۳۰۳) از گفته امام رازی ارسطورا از بدکیشان میشمارد.

انجام : المراد ان الکل فی الکل و النفس المحیط بالمعقولات مرکز محیط لیس فیها اختلاف فعل ومراتب ذوقوی . الی هنا تم المیمر الرابع . . . (خوانده نشد) (الی هنا . . . المصنف ره) پیداست که قمی بیش از این ننوشته است .

[۱۷۳]

۱۰۳۰ این نسخه بخط شکسته ریز و بی نقطه وموریب ودرهامش دفتر ودر شوال ۱۱۷۷ در کربلا نوشته شده گ ۱۵۹ ب ـ ۲۷٤ ب ۵

[۱٤۹] **تفسیر حی بن یقظان** (عربی)

دانشمند ابومنصور حسین بن طاهر بن زیلای سپاهانی مجوسی از شناختگان شاگردان شیخ رئیس وهمدم او که درجوانی بسال ٤٤٠ درگذشت ودر ریاضی وموسیقی توانا بوده گزارشی بر « حی بن یقظان » استاد نوشت (بیهقی ص ۳۰ ـ ۹۲) ۱۰ ورمزهای آنرا بگشود . وی سخنان اورا بند بند در گزارش خویش میاورد وروشن میسازد .

آغاز : مختصر فی تفسیر معانی رسالة « حی بن یقظان » من تعلیق ابن زیله صاحب شرح الشفا . قوله : « انه قد یتسرت لی حین مقامی ببلادی برزه برفقائی ـ بلاده بدنه واعضائه التی هی محال قواه . . . ورفقائه قواه التی فی البدن » . ۱۵

انجام : فی الوجود الممکن من العجز و نقصان القوة التی یستطاع ذلك التعقل . تمت الرموز وایضاحها ولله المنة هذا آخر ماعلق علیه من تفسیر الشیخ ابی منصور بن زیلة رسالة حی بن یقظان للشیخ الرئیس ابی علی سینا .

[۱۷٤]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱۷ دفتر وبخط تعلیق گ ۲۲۷ الف ـ ۲۳۲ الف. درپایان دارد « فی شهر شوال ختم بالخیر والاقبال » ۲۰

[۱۵۰] **تقویم الایمان** (عربی)

نگارش میرداماد ودرچند رصد که در آن از هستی و آفرینندگی و پاکی خدا و ازدانائی گفتگو نموده در برهان تطبیق شك میکند (ش ۲۷۹/۲ گ ۸٦ ب) و از ماطاطافوسیقا واثولوجیا (۱۱۸ الف) وایماضات وتشریقات یاصحیفه ملکوتیه (۱۳۳ ۲۵ ب) وصحف حکمیه خود (۱۲۲ب) وتقدیسات (۱۳۷ب) یاد میکند .

آغاز : بسمله والاستيفاق من العزيز العليم والثقة بالعلي العظيم تقدست يامن الانوار ظلالك وتمجدت يامن الذوات افعالك ... محمد باقر الداماد . . . يقول معاشر روادالحق انی قدالقيت اليكم كتاباً من كتب الدين .

[۱۷۵]

۲۷۹

این نسخه ازبرك ٦٥ ب تابرك ١٤٠ الف وشماره دوم این دفتراست وشماره نخستین آن الصراط المستقیم میباشد و بخط نسخ و چند صفحه بتعلیق وشکسته و بی نقطه وحاشیه دارد که به (منه دام ظله العالی) پایان میبابد و درانجام نسخه مهر (محمدباقرداماد) دیده میشود پس این شماره درروزگار او نوشته شده و ازآن او بوده است و کتاب دراین نسخه بپایان نمیرسد انجام آن چنین است :

۱۰ « انما قال فی کتبه الشفاوالنجاة والمباحثات والتعليقات وغيرها ... البسيط الذی عرفنه فی کتاب النفس . . . علی المعنی الذی مضی فی کتاب النفس فهو لذلك يعقل الاشياء دفعة واحدة من غير ان يبا كر» جای عنوانهادرانجام آن سفید گذارده شده وپیدا نیست که تا رصد چندم را دارد .

(۱٤٠ برك) كاغذ سپاهانی - جلد مقوای ته میشن

۱۵ اندازه : ۲۰×۱۳ و ۱٦×۷ س ۱۸ تا ۲۰

[۱۷٦]

۳۷۲

این نسخه ازبرك ۱ ب تا برك ۳ الف این دفتر وشماره یکم آن است وشماره دوم آن معلقات برتقويم الايمان میباشد انجام آن چنین است : «المرصدالاول وفيه تقويم ان فی الوجود من هوالقيوم . . . ومبداء سلسلة الوجود» برابر با گ

۲۰ ١٤٠ الف س۱۲ شماره ۲۷۹ واین نسخه دوصفحه بیش نیست وخطبه وتقدمه ودوسطر ازمرصد یکم را دارد ودر برك ۲ حاشيه‌ای ازخود داماد نوشته شده که به (منه قدس سره) پایان میبابد .

نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف است

(۱۰۵ برك) - كاغذ سپاهانی - جلد تیماج سبزساده مقوائی تازه

۲۵ اندازه : ۱٦ × ۲۵ و ۹×۱۵ س ۱۷

[۱۵۱] تنسوقنامه ایلخانی (فارسی)

این دفتر را خواجه طوسی برای هولاکو (٦٥٤-٦٦٣) درشناختن سنگهای بهادار وکانها وفلزها نگاشته و ٤ بخش است (جسمهای ساده - گوهرها وسنگها و پیدایش

آنها ـ پیدایش وسود وزیان هفت فلز ـ بوهای خوش ومانند آنها) .

آغاز : الحمدلله فاطر الصنایع و مبدع البدایع . . . چنین گوید . . . محمدبن محمدبن الحسن الطوسی .

انجام : وهمه با وی بیامیزند وبآن اعتبار آنرا مثلث گویند . . . والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب والحمدلله رب العالمین . ۵

[۱۷۷]

۸۱۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و بتاریخ ۲۳ رمضان ۱۰٦۷ میباشد و کم دارد و ازمقاله یکم چنین آغازمیشود : «که خیر عالم کون و فساد ند وآن خاك است وآب وهوا وآتش . . . درمنفعت طبیعت چهار عنصر بحکم فائده علت غایت انسانی که صورتِ ایشان قابل تبدل باشد» این دفتر درذریعه ۱۰ (ج ٤ ش ۳۰٤٦ ص ٤٥۸) شناسانده شده ونسخه‌ای از آن درمجلس (ج ۲ ش ۷۰٦ ص ٤٤۷) هست . مهر محمد هاشم درپایان نسخه ما دیده میشود ودوبرك اول آن وصالی شده است .

(۷۹ ۳) - کاغذ سپاهانی . جلد تازه شده

اندازه : ۱۳×۲۳ و ۷٫۵ × ۱۹ س ۱۴ ۱۵

[۱۵۲] التنقیحات فی شرح التلویحات (عربی)

تلویحات ازشیخ‌شهیداشراقی(۵٤۹ـ۵۸۷)رهبر اشراقیان است که‌نوشته‌های بسیاری از خود با اینکه بیش از ۳۸ سال دراین جهان نزیسته بیادگار گذارد و از آنهااست همین تلویحات که بخش الهی آن دراستانبول بسال۱۹٤۵ باالهیات مقاومات ومشارع ومطارحات هموبچاپ رسید . کتابی‌است بسیاردقیق وشیوا وشامل منطق ۲۰ وطبیعی والهی میباشد و پیش‌ازمشارع ومطارحات ومقاومات نوشته شده وچنانکه خود شیخ در دیباچه مشارع و مطارحات (ص ۱۹٤ چاپی) میگوید باید پیش‌از آن خوانده شود و آن یکی هم پیش‌از حکمت‌الاشراق که در پایان روز سه شنبه ۲۹ ج ۲ سال ۵۸۲ نوشته شده است . مشارع و مطارحات هم در نزدیك بسی سالگی او (نزدیك ۵۷۹) بنگارش درآمد . ۲۵

تلویحات دوگزارش دارد یکی از شمس‌الدین محمدبن محمود شهرزوری

نگارنده نزهة الارواح و رسائل الشجرة الالهیه والاسرارالربانیه در روز شنبه ۲۳ ذی حجه ۶۸۰ که تـا تاریخ ۶۸۷ نیز زنده بود . شرح شهر زوری در نسخه تاریخ ۱۱۱۸ نورعثمانیه «التنقیحات فی شرح التلویحات نام دارد وهمه متن در آن نمیآید. دیگر از عزالدوله سعدبن منصوربن کمونه اسرائیلی (زنده در ۶۶۷ ـ ۷۰۶)که ۵ درآغازسال ۶۶۷ آنرا بدرخواست گروهی بپرداخت و دردیباچه میگوید که من ندیده‌ام کسی تلویحات را شرح کرده باشد (۱) .

ابن کمونه در شرح خود نامی بدان نداده ولی نویسنده الذریعه بدان نـام التنقیحات داده است .

شرح او نه چنانکه در کشف‌الظنون نوشته شده آمیخته با متن نیست وهمه ۱۰ متن را بندببند میآوردو آنگاه شرح میدهد و باشتابزدگی آن را نوشت ونتوانست دوباره بدان برگردد و پاکیزه‌اش سازد و تنها کاری که کرد این است که سخنان سهروردی را روشن ساخت و با بهره بردن از نوشته هـای او از روش وی دور نگشت .

آغاز منطق : بسمله وبه نستعین بعدحمدالله تعالی علی الآئه المتواتره والرغبة ۱۵ الیه ان یوفق للهدایة .

انجام آن : فهذا ماحضرنی من شـرح المنطق . . . فأسألك الهم ان تهدینی السبیل .... هذا آخرشرح المنطق من الکلام علی التلویحات والحمدلله رب العالمین

آغازطبیعی : بسمله . . . قال نستعین بالله واهب العقل عزسلطانه . . . اقول انما

---

۱ - درذریعه (ج ٤ ص ٤٦٧) از نسخه‌ای ازشرح طبیعی همین کتاب بخط ابن کمونه ۲۰ که درگنجینه غروی نجف هست یادمیشود . درتذکرةالنوادر ص ١٤٤ میگوید کـه نسخه آصفیه در۷۳۶مقابله گردیده و نسخه دیگری بشماره ۸۸۰در کوپرولی هست ونوشته است که ابن کمونه در ۶۹۰در گذشت ولی عبارتی که ازدیباچه آن میآورد در نسخه ما نیست و نسخه سرای احمد مورخ روز یکشنبه ۱۶ ج ۲ سال ۶۸۷ بیست سـال پس‌از نگارش ابن کمونه و یکسده پس‌ازمرك سهروردی میباشد وازآن قطب شیرازی بود و او آنرا در۶۹۲ بیك ۲۵ شاهزاده‌ای بخشید. درطوس نسخه کاملی ازاین شرح بتاریخ ۷۰۵ هست و دردیباچه از وی بمانند زنده یاد میشود وچندین نسخه ناقص دیگر (ج ٤ ش ۷۷٤ تا ۷۷۷) نیزنگاه به : حکمه‌الاشراق چاپ تهران ص ٥٦١ ــ تلویحات چاپ کربن ص ۱۲۱ و ۵۰۵ و دیباچه فرانسوی او ص ٦٤و٦٥و٦٨ــ ۷۱ .

قدم الكلام فى هذا العلم على الكلام فى الالهى .

انجام آن : و هذا ما آخر سمح به الخاطر من شرح العلم الطبيعى من كتاب التلويحات . . . تم الجزء الثانى و لواهب العقل الحمد و المنة .

آغاز الهى : بسمله قال المنصف رحمه الله تبارکت ربنا خالق النور و مبدء الوجود اقول انما قدم على هذا العلم ذکر تقاسيم العلوم .

انجام آن : و هذا آخر شرح التلويحات . . . وقع الفراغ . . . فى اوائل سبع و ستين و ستمائه هجرية .

[۱۷۸]

۲۷۳

اين نسخه داراى بخش منطق و طبيعى شرح ابن کمونه است و يك صفحه از الهى آنرا هم دارد و بخط نسخ بسيار پاكيزه نوشته شده و بى نقطه است و در پشت برك ۱ نوشته است : ملکه الراجى ... محمد بن محمد بن برکات فى سنة ۹۶۱»

(۲۱۴ برك) منطق از برك ۱ ب تا برك ۱۱۴ الف و طبيعى از برك ۱۱۵ ب تا برك ۲۱۴ الف الهى در ۲۱۴ ب . كاغذ ترمه سمرقندى جلد تيماج زرد ساده مقوائى اندازه : ۱۶×۲۴٫۵ و ۱۲٫۵×۲۰٫۵ س ۲۳

[۱۵۳] — توحيد — (عربى)

دانشمند محمد سراب تنکابنى (زنده در ۱۰۸۸ــ۱۱۱۵) در اين دفتر از صدراى شيرازى در حاشيه بر الهيات شفا و از شمساى گيلانى در ردى که بر شبهه ابن کمونه کرده‌اند خرده ميگيرد و از گوهر مراد لاهيجى نيز آورده رد ميکند وى آنرا در ذى حجة ۱۱۰۳ بپايان رساند .

آغاز : بسمله الحمد لله رب العالمين .. اما بعد فقد قال الفاضل المحقق مولانا صدر الدين محمد الشيرازى فى حاشيته على الهيات الشفا و العالم الربانى مولانا شمس الدين محمد الجيلانى فى بعض رسائله .

انجام : فى دفع شبهة مشهورة و تقوية دلائل فى الکتب مذکورة قد فرغ من تحريره فى اواخر شهر ذى الحجة الحرام من شهور سنة ۱۱۰۳ ثلث و مأته و الف مؤلفه . . . محمد بن عبد الفتاح التنکابنى غفر الله ذنوبهما و ستر عيوبهما .

[۱۷۹]

۸۸۸

اين نسخه شماره ٤ دفترى است داراى ۹ رساله و بخط تعليق محمد بن حبيب تاريخ پنجشنبه نزديك بپايان محرم ۱۱۰٤ ميباشد گ ۹۰ ب ـ۹۳ الف و شماره ۳ رساله فصول از آن همين تنکابنى است بتاريخ شعبان ۱۰۹۸ بخط تعليق محمد

جعفر از دوستان او درآدینه ۲۲ رمضان ۱۱۰۱ وشماره ۷ رساله رؤیت هلال رمضان پیش‌اززوال‌که موجب انطار است یا نه از همو بتاریخ ۲٦ محرم ۱۱۰٦ وی در ۷ رمضان ۱۱۰۹ بران بندهائی افزود ومحمدبن حبیب گیلانی نوشتن نسخه را دربامداد آدینه صفر ۱۱۰٦ درچهارباغ قهوه‌ئی برابرشبکه آغاز ودرمدرسه مرحوم ملاعبدالله شامگاه همانروز بپایان رساند و دردوشنبه ۱۳ صفر درزمان (دهی درسپاهان) آنرا مقابله نمود ودر۹ صفر ۱۱۰۹ افزوده‌ها را بدان پیوست . شماره ۸و۹ حجیت اجماع واخبار بتاریخ رمضان ۱۱۱۵ ازهمو ورساله نمازآدینه اواست‌که بهمان خط و ناقص است (ص ٥٦ همین فهرست) .

[۱٥٤] توحید (عربی)

این گفتار ازامام جعفرصادق ع (۸۳ـ۱٤۸) دانسته شده‌که درچهار نیمه روز برای ابی‌عبدالله یاابی‌محمد مفضل‌بن عمرجعفی کوفی (۱) فرموده واو نوشت برخی

---

۱ — شیخ طوسی درفهرست (نجف ۱۳٥٦ ص ۱٦۹) از «وصیت» و «کتاب» او یاد کرد ودررجال (ش ۹۷۹ گ ٥٦) اورا ازیاران صادق ع برشمرد ودرغیبة اورا ثقة دانست و مفید درارشاد (ایران ۱۳۱۷ ص ۲٦٤ نیز ترجمه آن از محمد مسیح کاشانی بنام تحفه سلیمانیه ایران ۱۳۰۳ ص ٦ـ٤۳٥) ازشناختگان ونزدیکان صادق ع و از فقیهان نیك‌که نص برامامت کاظم ع را روایت کرده‌اند بشمارآورد ولی علامه دررجال (تهران ۱۳۱۱ ص ۱۲٦) او را در بخش ضعیفان یاد کرده و گفت « فاسدالمذهب مضطرب‌الروایة لایعبأبه متهافت مرتفع‌القول خطابی وقد زید علیه شیء کثیر و حمل‌الغلاة فی حدیثه حملا عظیما ولایجوز ان یکتب حدیثه » و کتابی از او یاد نکرد ابن شهر آشوب در معالم‌العلماء (تهران ۱۳٥۳ ص ۱۱۰) از « وصیت » و « کتاب» و«اهلیلجة» که صادق ع درتوحید برای او فرمود یاد نمود . علی بن طاوس در کشف‌المحجة لثمرةالمهجه (نجف ۱۳۷۰ ص ۹) ازکتاب او درنشانه‌های آفرینش‌که امام بدو گفته واز اهلیلجة یاد کرد ودرامان‌الاخطار (ش ۱۰۱۸ گ ٥٦ الف) گفت‌که اهلیلجه (گفتگوی صادق ع با دانشمندی هندی) وتوحید مفضل ومصباح‌الشریعه ومفتاح‌الحقیقه را باید درسفرها همراه داشت . نجاشی وکشی وابن الغضائری مفضل‌را غالی وخطابی وضعیف وفاسدالمذهب ومضطرب‌الروایه‌دانستند ونجاشی کتابهای او را فهرست داد و گفت بدانها نتوان گرائید و از چند کتابی‌که نام میبرد : (کتاب‌الفکر — بدءالخلق والحث علی‌الاعتبار - وصیت) شاید یکی از اینها همین توحید باشد ابن‌الغضایری میگوید‌که غالیان حدیثهای اورا‌روایت میکردند . مجلسی در ج ۲ بحار ص۱۷ تا٦۲ توحید واهلیلجه که امام صادق ع بدرخواست مفضل دررد‌ملحدان‌زمان نگاشته است آورد وبندبند گزارش‌کرد و گفت‌که ایندواگرچه مرسل هستند ولی شهرت آندورا ازمفضل میداند وابن طاوس ودیگران بدان گواهند . وضعف محمدبن سنان و مفضل راهم نمی‌پذیریم آنهم متن ایندو بر درستی آنها گواهی میدهد گذشته از اینها درایندو گفتار برهانهائی‌است‌که با ورداشتن‌آنها بدرستی خبر بستگی ندارد (بحار ج ۲ ص ۱۸)

نیز نگاه به : ذریعه ج ۲ ص ٤۸٤ ج۳ ص۳۱۰ ج ٤ ص۹۱ — ٤۸۲ — رجال مامقانی ج ۳ ش ۱۲۰۸٤ ص ٤۲ — ۲۳۸ .

آنرا «کنز الحقایق والمعارف» نامیدند ودر پایان بخش یکم «کتاب الادلة علی الخلق والتدبیر والرد علی القائلین بالاهمال ومنکری العمد» خوانده شده (ص ۳٤) داستان آن چنین است: مفضل بگفته محمدبن سنان شامگاهی در آرامگاه پیامبر میان قبر ومنبر نشسته بود ودرباره بزرگواریهای او میاندیشید ابن ابی العوجاء (۱) با یاران خویش دررسید اینان نیز درباره برتری و پیشرفت پیامبر گفتگو میکردند یارش گفت اوفیلسوفی بود که خودرا از گرانمایگان خواند وخردمندان وسخنوران ازاو پذیرفتید ودین او درهمه جا رواگردید ابن ابی العوجاء گفت من درریشه دین وخدای جهان سخن دارم تا چه رسد بپیامبر مفضل این را که بشنید بااو پرخاش کرده بیدینش خواند وی گفت اگر متکلمی با توسخن خواهیم گفت واگر ازشاگردان صادق ع اومردی است بردبار است ودشنام نمیگوید و بنرمی سخن میراند تا برما چیره گردد. مفضل اندیشناك ازمسجد بنزد امام رفت وسرگذشت بگفت امام این گفتار را برای او گفته واو بنوشت. در آغاز جهان را شناساند ودر بخش یکم آن که کالبد شناسی است ازمتکلمان وفیلسوفان ناتوان یاد شده وازسخنان آنها خرده گیری گشت دردومی وسومی ازجانوران و گیاهان و کانها و کائنات جو وستارگان سخن بمیان آمد واز معطلان یادگردید درچهارمی ازبخت واتفاق وازخرد و گفتار فیلسوفان ومهندسان درباره آفتاب سخن رانده شده و از اصحاب طبایع ومعطلان ومانی و مانویان یاد

---

۱ ــ عبدالکریم بن ابی العوجاء ربیب حمادبن سلمه و دائی معن بن زائده بود و از شاگردان حسن بصری (۲۲ ــ ۱۱۰) که از او برگشت. اززندیقان و مانویان بشمار میآمد وبتناسخ میگرائید گویند که رفض را دوست میداشت ومردم ساده را با اصل تعدیل وتجویر بدوگانه پرستی میخواند وازروش مانی میستود اورا قدری نیز پنداشتند با ابن مقفع وابن طالوت و ابن الاعمی و زندیقان دیگر یار بود و با صادق ع گفتگوها نمود سخنانی ازخود ساخته وبپیامبر بست وچهارهزارحدیث بساخت وشیعیان را ازدیدن ماه بازگرداند وحسابی برای هلال رمضان درست کرد و بصادق ع بست. ابوجعفر محمدبن سلیمان هاشمی م ۱۷۳ پسرعم وفرمانداری منصور (۱۳٦ ــ ۱۵۸) در بصره همینکه داستان این حساب را بشنید دستور داد که در کوفه اورا بسال ۱٦۰ کشته و بدار آویختند ــ نگاه به: امالی مرتضی مصر ۱۳۲۵ ج ۱ ص ۹۵ ــ الهند بیرونی ص ۱۳۱؛ ــ الفرق بغدادی مصر ۱۳٦۷ ص ۱٦۳ ــ التبصیر اسفرائینی ص ۸۱ ــ من تاریخ الالحاد فی الاسلام ص ۳٦ــ ۳۷ ــ ۳۹ ٦۸ــ٦۹ الکنی والالقاب وهدیة الاحباب قمی درهمین کلمه.

گردید و گفته شد که یونانیان جهان را «قوسموس - آرایش» مینامند وازچهار گونه شناخت (۱) (ص ۹۲) واز خرده گیری که ارسطو از بخت و اتفاق کرده است (۲) (ص ۹۳) یاد شد.

امام در پایان بخش چهارم نوید میدهد که سخنانی درباره آسمان و زمین و شگفتیهای آفرینش و فرشتگان برای او بگوید این راهم که مانند خود توحید دردسترس نبوده اخیر اُمیرزا ابوالقاسم ذهبی شیرازی جسته وهمه را در تباشیرالحکمه فارسی خود (ایران ۱۳۱۹) آورده و گفت گرچه همه اینها با سندهای معتبر بمن نرسید ولی می‌نماید که از امام باشد (ذریعه).

[۱۸۰]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ٤٤ دفتر است و بخط تعلیق خوش و مورب گ ۲۱٦ الف - ۲٤۲ ب. توحید درایران وبغداد بچاپ رسید و مجلسی دوم آنرا بپارسی کرد (چاپ ایران ۱۲۸۷) و محمد صالح بن محمد باقر قزوینی روغنی در ۱۰۸۰ و شیخ فخرالدین ترکستانی ورارودی قم نشین که شیعه گشت در ۱۰٦٥ آنرا ترجمه کردند وهمین ترکستانی بازآنرا برای حاج نظرعلی بپارسی شرح کرد و باقربن اسماعیل واعظ کجوری تهرانی (م طوس ۱۳۱۳) آنرا شرح نمود واسماعیل بن حسین تبریزی بنظم درآورد نیز در ۱۳٦۹/۱۹٤۹ درنجف با اهلیلجه بچاپ رسید.

[۱۵۵] اثولوجیا (عربی)

اثولوجیا (اثولوگیا) گزیده‌ایست از انئاد (تاسوعات) شیخ یونانی پلوتینوس فیلسوف عارف نوپلاتونی (۲۰۵-۲۷۰ م) که فرفوریوس صوری (۲۳۳ - ۳۲۲ م) آنرافراهم آورد این گزیده با دیباچه‌ای درسده ششم بنگارش درآمده وابن‌ناعمه حمصی نزدیك بسال ۲۲٦ (۸٤۰ م) آنرا ازیونانی یاسریانی بتازی‌درآورد و کندی (۱۸۸ - ۲۵۸) برای مستعین (۲٤۸ - ۲۵۲) پسر معتصم (۲۱۸ - ۲۲۷) اصلاح نمود فهرست دیباچه آن نزدیك بهمان فهرستی است که فرفوریوس در (زندگی پلوتینوس) برای انئاد نوشت ترجمه لاتینی ازاین گزیده هست که از ترجمه تازی

---

۱ - بنگرید: آغازمقاله ۲ برهان ارغنون ارسطو وفصل ۱ مقاله ٤ فن ٥ منطق شفا
۲ - نگاه به: فصل ٤و٥و٦ کتاب ۲ طبیعی ارسطو

دیگری فراهم آمده یاگزیده است ازهمین ترجمه . گر چه کندی در (کمیة کتب ارسطو) از ثئولوجیا یاد نکردمگر اینکه فارابی در (جمع) واخوان صفا در (دفتر ۳ بخش ریاضی چاپ مصر ج۱ ص ۹۲) وشیخ رئیس درنامهٔ بکیا (ارسطوعندالعرب ص ۱۲۱) که ازشرح خود بر آن یادمیکندوسید داماد درقبسات وصدرای شیرازی از آن بهره بردهاز آن ارسطویش دانستندجز اینکه ابن سینا در آن نامهمیگوید (علی مافی اثولوجیامن المطعن) قاضی سعید قمی بر آن تعلیق نوشته (ش۱۵/۱۰۳۰) وتقی الدین فارسی آنرا تحریر و فاضل عیلقلی شرح کرد (ذریعه ج ۱ ص ۱۲۰) . باری این دفتررا فیلسوفان خاوری از ارسطو میدانستند. دیتریسی این کتاب را بنام اثولوجیا بسال ۱۸۸۲ و ترجمه آلمانی آنرا در ۱۸۸۳ درلایبتسیك بچاپ رساند و در کنار قبسات داماد درایران بسال ۱۳۱٤ نیز چاپ شد .

برهیه درفلسفه سده های میانین (ص ۷-۸۳) اثولوجیا وتاسوعات را باهم سنجیده ودرترجمه خویش از انئاد (ج ٤ ص ۲۱۸ حاشیه ش ۱) میگویدکه من دراینجا متن یونانی انئادرا ازروی ترجمه آلمانی اثولوجیادرست کردهام. ماسینیون در (متون ص ۱۷٦) نیز بند۱ بخش ۸ انئاد ٤ (ص ۲۱٦ ج ٤ برهیه) را با میمر۱ آن (ص۱۷۱ چاپ تهران) وبند ٥ بخش ۸ انئاد ٥ را با میمر۱۰ سنجید وچنانکه خود سنجیدهام آغازسخن پس ازفهرست درمیمر۱ اثولوجیا (ص ۱٦۸ س۱٥) برابر است با بند ۱۳ بخش ۷ دفتر ٤ انئاد (ج ٤ ص ۲۰۹ ترجمه برهیه) و بهمین گونه میتوان دومتن را باهم سنجید تا پایان اثولوجیاکه برابر است با نیمه بند ۷ بخش ۸ دفتر ٥ انئاد (ج ٥ ص ۱٤۳ س ۲٦ برهیه) (۱) .

۱ــ نگاه به : فرهنك دهخدا در ثئولوجیا ــ ترجمه فرانسوی انئاد از برهیه و ازهمو ص۸٦ حاشیه ش۱ وص۷-۸۳ Philososihie du moyen age -ملل و نحل شهرستانی (ص ۷ ــ ۷۲ و۸۸ ــ ۹۳ ج۳) وترجمه آن ص٤٤۷ و٤٦۷ ــ قفطی ص ۷۰ ــ ۱٦۹ــ ابن ندیم ص ۳٥٤-شهرزوری (ش ۸٥٦ گ ۷۷ب)ــ محبوب القلوب ص۱٥۱ و۹ــ ۱۲۷ ــ خریف الفکر الیونانی بدوی ص ۱٦۸ ــ تاریخ فلسفه برهیه بفرانسه ج ۱ ص ٤۹۹ و٤۷۱ وتاریخ فلسفه آلبر ریوو بفرانسه ج۱ ص۵۲۱ و ٥٤۱-دائرة المعارف اسلامی (اثولوجیا) معجم المطبوعات. میمر واژهای است سریانی برابر با پند وسوگند و کتاب المیامر جالینوس وامپدکلس ومیمر ثیودورابی قره یادشدهاست. سید داماد درحاشیه قبسات ص۹ میکوشد که آنرا تازی بسازد!!

[۱۸۱]

۴۰۲ این نسخه‌شماره یکم دفتری‌است‌دارای۱۳ رساله و گفتار که ششم آن خبر «سئل امیرالمؤمنین عن‌العالم‌العلوی ...» در گ۵۶ب‌میباشدو گفته‌اند ازعلی‌ع‌پرسیده شدجهان برین چیست واو درپاسخ فرموده‌است : « صورعاریة عن‌المواد عالیة عن‌القوة والاستعداد تجلی لهافاشرقت وطالعهافتلالات فالقی‌فی‌هویتهامثاله فاظهرعنها امثاله» « وخلق‌الانسان ذا نفس ناطقةان زکاها بالعلم‌والعمل‌فقدشابه‌جواهر اوائل‌العلل واذاعتدل مزاجه وعدم‌الاضداد شاکل بهاالسبع‌الشداد» این پاسخ دوبند ازگفتارشیخ رئیس است که در ستایش و نیایش خداوند ساخته و دانشمند عمربن ابراهیم خیام نیشابوری (۴۵۵ ـ ۵۱۵) آنرا بدرخواست‌گروهی از یاران خویش درسپاهان بسال ۴۷۲ بپارسی درآورد .گویا این دوبند را بهم پیوسته و پاسخ علی‌ع بچنان پرسشی دانسته‌اند. ازریخت و ساخت آن هم پیدا است که چنین‌گفتاری از سده نخستین اسلام نیست واینگونه خبرهاچندتائی‌در کتابهادیده میشود که بسبك سخنان صوفیان وباطنیان وفیلسوفان نزدیکترمیباشد وازآنهااست خبر کمیل درباره چهارگونه‌نفس که مجلسی درآسمان وجهان بحار (ج۱۴ص۴۱۱) آورده وازیاوه‌های صوفیان دانست نه‌فرموده امام . پس‌از این خبر « اذاتم‌العقل نقص‌الکلام » وگفتارفارابی درباره تعقل خداوند وخبرکمیل درباره نفس (۵۶ ب ـ ۵۷ الف) . و۱۳ آن دوبند است درنجوم نخستین دراحکام و اسرار حالات ستارگان و دومی درشناختن اوج سال ۶۷۳ تازی (۶۴۴ پارسی) که‌گفته‌های بطلیموس و اصحاب‌الممتحن و ابن یونس درزیج حاکمی درباره اوقات با قیاس بدرجه درآن آمده است (۱۴۰ ب ـ ۱۴۱ الف) .

همه این رساله‌ها وگفتارها بخط تعلیق است و اثولوجیا از برك ۱ ب تا برك ۵۲ الف درتاریخ ۱۰۸۰ نوشته شده است .

(همه این دفتر ۱۴۴ برك) ـ کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۲×۱۹ و ۸×۱۴٫۵ س ۲۳

[۱۵۶] جام جهان نما (فارسی)

ازغیاث‌الدین منصوردشتکی‌دراینکه مردمی چیست ودرخوشبختی دوجهانی و پاکیزه ساختن خوی ورفتار . دشتکی دردیباچه از دوانی ببدی یاد میکند واین بخش که رساله یکم وجه سوم جام جهان نمای اواست دردومجله میباشد نخستین دارای ۴ تجلیه ودوم ۳ تجلیه .

آغاز : بسمله . . .

حمد بیحد ز ازل تا بابد

احدی را که جز او نیست احد

منشی هرحرف که ازمبدء انشابواسطه قلم اعلا برسرلوح هستی آمده رقیم اسمی است از اسماء حسنی او . . . باعث . . . غیاث مشهور بمنصور برتحریر این سطور . ۵

انجام : وارباب براعت این صنعت . . . بعبارات تعبیرنمایند ودرمعانی آنرا خارج کلام . . . خوانند ودربدایع آنرا . . . اعاده نامند .

[۱۸۲]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۲ دفتر بخط شکسته تعلیق بتاریخ ۱۰٤۳ درتبریز گ ۲ ب ـ ۲٤ الف . ۱۰

[۱۵۷] **جامع الافکار و ناقد الانظار** (عربی)

نگارش دانشمند مهدی بن ابی ذر نراقی (م ۱۲۰۹) درشناخت خدا که درکاشان درع۱سال ۱۱۹۳ آنرا بپایان رساند و بزرگترین کتابی است که دراین باره نوشته شده و در یك مقدمه وچند مقصد است. نراقی در پایان کتاب از مردن شاه ۱۵ و درگذشت فرزندان و بیماری وبا و زمین لرزه سخت مینالد . دردیباچه از خود و نام کتاب یاد میکند و میگوید که درآن از حواشی شرح جدید تجرید و آراء دیگران خرده میگیرم ازاینرو آنرا « جامع الافکار » نامیدم .

آغاز : الحمدلله الذی دل علی ذاته بذاته و تجلی لخلقه ببدایع مصنوعاته .

انجام : ونسئله ان یکون ذلك آخر الرزایاو المصائب وخاتمة البلایا والنوائب ۲۰ وان یصلح جمیع امور المسلمین بمحمد و آله سادات الخلق اجمعین .

[۱۸۳]

۲٦٦ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف در متن و هامش و روی آغاز هرگفتاری خط سرخ کشیده شده ومحمدبن الحاج طالب طاهر آبادی ازروی نسخه خط نراقی ودرزمان او درمحرم سال ۱۱۹٤ آنرا نوشت و درگ ۱ ۲۵

الف همو نوشته‌است : «کتاب جامع الافکار من مؤلفات افضل المتأخرین المحقق النراقی زید احترامه حرره بیمناه الداثره اقل تلامذته محمد الطاهر آبادی فی سنة ۱۱۹۲ !» ازاینجا برمیآید که نراقی ازاین تاریخ یا پیش از آن بنگارش کتاب پرداخت وشاگرد اوهم ازروی آن می نوشت . طاهر آبادی درپایان نسخه نیزخودرا شاگرد نراقی نشان داده وازاین کتاب بستود .

(۳۴۹ برك) — كاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ساده
اندازه : ۱۷٫۵×۲۸ و ۱۰×۱۸٫۵ س ۲۹

[۱۵۸] جاودان نامه (فارسی)

ازافضل الدین محمد بن الحسن بن الحسین بن محمد بن خوزه مرقی کاشانی فیلسوف عارف پارسای شاعر(م نزدیك ٦٦٧) (۱) که درفارسی نویسی بسیار توانا ودرنگارش مطلبهای باریك عرفان و فلسفه از بکاربردن تازی بی‌نیاز بوده است و نوشته های او بسیار شیرین وشیوا میباشد دفترها و گفتارها و نامه های چندی بپارسی و تازی از او بیادگار مانده که بیشتر آن دراین کتابخانه هست (۲) آیات الصنعه اودرجامع البدایع درمصر بسال ۱۳۳۵ بچاپ رسید . جاودان نامه او در ٤ باب ودرشناختن دانش و روان و آغاز و انجام میباشد و درتهران بسال ۱۳۱۲ خ و در بخش یکم نگارشهای کاشانی شماره ۱۳۸ دانشگاه بسال ۱۳۳۱ خ بچاپ رسید . نسخه های آن یکسان نیستند مانا چند بار بنگارش درآمده یا اینکه نویسندگان در نسخه ها

۱— برای سرگذشت باباافضل نگاه کنید به : احوال و آثار او در دیباچه رباعیات همو بخامه دانشمند سعید نفیسی چاپ تهران ۱۳۱۱ — ریحانة الادب تبریزی ج ۱ ص ۱۳۰ گفتار دکتر خضیری در رسالة الاسلام ش ٤ سال۱ ص ۱۰ — ٤۰۳ — سید قطب الدین محمد نیریزی.(م نزدیك ۱۱۷۳) درفصل الخطاب (ش ٦٤ ۳ص ۷۱) میگوید : « ومنهم (الفضلاء العارفون) خال نصیرالدین الطوسی بابا افضل الکاشی » در هامش دارد : « وهوالشیخ حسن بن محمد النامقی له رسائل کثیرة والمشهور ببابا افضل النامقی الساوجی رحمه الله الکاشی سکن کاشان مدة » - نیزذریعه ج۵ ص ۷۷

۲— یکی از نگارشهای او که دراینجا نیست منهاج المبین لاصابة الیقین درمنطق است که بسیارساده وشیوا میباشد ومانا ازروی « العلم والنطق » شیخ رئیس (ش ۲۹۱۲ گ ۳۰۳ — ۳۱۵ سپهسالار) بپارسی پرداخته شد ونسخه پاکیزه‌ای ازآن در کتابخانه مروی ش ۸۷٤ هست ونسخهٔ ش ۱۲۱۵ ص ۳۱ — ۱۷۷ سپهسالارازپایان کم دارد رأی درباره خلف که درشرح اشارات طوسی آورده شد درهمین کتاب هست .

دست برده‌اند . بابا درباره این کتاب میگوید :

« گر جان دلت بجاودان نامه رسد

گر جان بدل تو جاودان نامه رسد

خود را زدرون بوی رسان چون بیرون

چشمت بنگار و کاغذ و خامه رسد » ۵

(هامش صفحه۱ ش ۹/۴۲۸) .

[۱۸۴]

۴۰۲ این نسخه شماره ۱۲ دفتر و بخط شکسته تعلیق ریز گ ۱۲۲ ب ـ ۱۴۰ الف میباشد .

۱۰ [۱۸۵]

۴۲۸ این نسخه شماره ۹ دفتراست و بخط شکسته تعلیق خوش گ ۳۱ ب ـ ۶۴ ب وفهرست درگ۳۱ الف. کتابرا مصطفی تهرانی در۴ صفر۱۳۰۶خوانده و دوست او محمد نسخه را درهمین سال بدو بخشید درهامش ص ۱ شرحی کوتاه درباره کاشی نوشته شده وشعرخواجه درباره اویاد گردید.

۱۵ [۱۸۶]

۴۳۱ این نسخه شماره۲۲ دفتر وبخط تعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار میرزا محمد خان قاجار سال ۱۳۰۳ که در ج ۲ این سال نسخه‌های این دفتر را مقابله نمود گ ۳۴۰ ب ـ ۳۹۶ الف .

[۱۸۷]

۱۰۳۶ این نسخه شماره ۸ دفتری است دارای یازده رساله و بخط تعلیق خوش ۲۰ تاریخ ع ۲ سال ۱۱۰۴ گ ۵۶ ب ـ ۷۷ ب

(همه دفتر ۱۴۴ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۳×۱۹ و ۸×۱۵ س ۱۵

[۱۸۸]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۳۲ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی در ۱۲ ج ۱ سال ۲۵ ۱۰۶۲ گ ۱۴۳ ب ـ ۱۵۹ الف .

[١٥٩] جبر واختيار (عربی)

این گفتار ازخواجه طوسی است و در آن از آزادی خواست و اراده مردمی گفتگومیشود .

آغاز : افعال العبد ينقسم الى ما يكون تابعاً لقدرته وارادته والى مالايكون

٥ **انجام** : واذالم يكن للعلم اثر فى العقل فلا يكون الفعل بالجبر والايجاب والله اعلم.

[١٨٩]

٣٧٤ این نسخه شماره ٤ دفتر و بخط تعلیق شکسته سال ١٠٨٥ گـ ٦٠ الف ـ ٦١ الف .

١٠ [١٦٠] جبر وقدر (فارسی)

این گفتار نیز ازطوسی است ودر ده فصل میباشد و میرداماد فصل نهم آنرا در پایان ایقاظ ٥ ایقاظات (هامش قبسات ص ٤٢ ـ ١٣٨) آورده است در آستانه طوس عربی همین رساله نیزهست (ج ٤ ص ١٢١) .

آغاز : بسمله الحمدلله رب الارباب ر مسبب الاسباب . . . بحکم آنکه بعضی

١٥ برادران دینی برسبیل حسن الظن بمحرر این سواد تصور آن داشتند که درمباحثه چشم وديداری دارد اقتراح کردند که . . . درمسئله جبروقدر . . . برسیاقت تقریر وتفهیم نه برطریق جدل ونظر تحریر کند .

انجام : هرچه که معقول وموهوم ومتخیل ومحسوس خلق باشداز و تعالی مسلوب باشدواواز آن منزه وواوازین تنزه هم منزه اذابلغ الكلام الى الله فامسكو. تمت الرسالة

٢٠ والحمدلله رب العالمين (والسلام علی خیر الانام محمد وعلى آله واصحابه اجمعين) .

[١٩٠]

٣٤٠ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق ریز تاریخ ١٢٦٠ گـ ٣٩ ب ـ ٥٦ الف .

[١٩١]

٨٦٣ این نسخه شماره ٣ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ١٨ ب ـ ٤٩ ب میباشد .

[۱۶۱] **جذوات** (فارسی)

ازمیرداماد که بدستورشاه عباس(۹۹۶-۱۰۳۸) نوشته ودردیباچه‌اورا بسیار میستاید و دراین باره است که چراگوه طور هنگام آشکار شدن خداوند سوخت و تن موسی نسوخته است و میخواهد این مسئله راکه مورد گفتگوی دانشمندان هند شده وازدربارشاه عباس پرسیده بودند بگشاید و کتاب در۱۲جذوه ودوازدهم آن ۲٤میقات‌است‌ودر بمبئی بسال۱۳۰۲ بچاپ رسید دامادداین جا بروش فلسفی خودکاوش نموده وازعلم حروف هم آورده است وسبك فارسی‌آن هم بسیاردشوار میباشد و همان کلمات تازی که درکتابهای خود بکار میبرد دراینجا آورد و تنها رابطه‌ها فارسی است .

[۱۹۲]

۳۸۲ این نسخه شماره۲دفتری است دارای دورساله بخط تعلیق ریزخوش وموربو نشانه‌ها وعنوانها شنگرف گ ۱ ب ـ ۱۱٦ الف بیشترآن ازروی نسخه خط داماد نوشته شده و دوباره همه آن با خط او برابرگردید چنانکه دربرك ۱۱٦ الف این نکته یادگردید و سه صفحه آغاز نسخه فهرست است (برگ ج و د) .

(٦ + ۱۱٦ + ۲ برك) کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد
اندازه : ۹٫۵×۱۹٫۵ و ٦×۱۵ س ۱۹

[۱٦۲] **جلوات ناصریه** (فارسی)

از ملامحمد اسمعیل‌بن محمد جعفرسپاهانی که برای ناصرالدین شاه قاجار (۱۲٦٤-۱۳۱٤) دروحدت وجود نوشته است .

آغاز : بسمله سبحانك‌اللهم یامن‌تحیرت‌العقول فی‌کنه‌ذاته ... چون مسئله توحید از اشرف مسائل الهیه واهم مقاصد ایمانیه بود .

انجام : هذاکتابنا ینطق‌علیکم بالحق‌الموسومة بالجلوات الناصریة .

[۱۹۳]

۷۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۵ رساله و بخط شکسته تعلیق محمد علی کرمانشاهی بتاریخ ذی حجه ۱۲۸۷ گ ۱ ب ـ ۲٦ ب وبرگهای ۱۳ ب تا ۱٦ ب سفید ومیانه این رساله را ندارد (نشانه در ص ۱۹٤ ج ۱) .

[۱٦۳] **الجمع بين الرأيين** (عربی)

نگارش فارابی است که درص ۹۰ شناسانده شده ودر آن بپیروی ازفیلسوفان اخیر یونان کوشید که میان سخنان افلاطون وارسطو سازش دهد .

[۱۹٤]

۲٤۰ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط نسخ گ ۱۰ ب - ۲۲ ب

[۱۹٥]

۲٥۳ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق ریز حیدر بن علی کرکی گ ٥٤ب ٦۹ الف .

[۱٦٤] **جوابات لمسائل متفرقه** (عربی)

۱۰ نگارش فارابی است که در ص ٤۷ یاد شد و فیلسوف در آن از ٤۱ مبحث گوناگون فلسفی سخن راند .

[۱۹٦]

۲٤۰ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط نسخ گ ۳۱ ب – ۳۸ الف .

۱٥ [۱٦٥] **جوامع** ( )

ابن رشد اندلسی (٥۲۰ - ٥۹٥) بسیاری از کتابهای فلسفی ارسطو را گزین نموده که بنام شرح کوچك یاجامع یادمیگردد (ص ۲۸ این فهرست) واز آنهاست گزیده سماع طبیعی و آسمان وجهان و کون وفساد و آثار علوی و نفس ومابعدالطبیعه که دردکن بسال ۱۹٤۷ بچاپ رسید ومابعدالطبیعه آن را نیزخانجی در مصرچاپ
۲۰ کرد چهار کتاب نخستین را ابن رشد در روز دو شنبه ۱٦ ع ۱ سال ٥٥٤ بانجام رساند (پایان آثار علوی) مابعدالطبیعه او چهار گفتار بیش نیست و گفتار پنجم را که مبادی علوم بایستی در آن گزین شود و خود اوهم نوشتن آنرا نوید داده بود چون ناگزیر ندانست بنگارش در نیاورد (پایان چاپ هند) ابن رشد در برابر کسانیکه نادریافته بر کتابهای ارسطو رد نوشتند یا اینکه مانند غزالی در مقاصد نتوانستند
۲٥ بخوبی آراء ارسطو را آشکار سازند این کتابها را گزین نموده و سفارش میکند

که پیش‌ازآن کتابهای منطقی فارابی یا « مختصر سغیر » خود او را ببینند (آغاز طبیعی) بازدرطبیعی از « موجودات متغیره » فارابی یاد میکند ودرالهی ازابن‌سینا وتهافت غزالی خرده میگیرد ودرآثار علوی ازشکاف و لرزش زمین‌که دربادوجز قرطبه رخ داد یاد میکند .

٥ [۱۹۷]

۲۷٥ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف فریدون بن محمد بتاریخ روز یکشنبه ۲۹ ج ۲ سال ۱۰٦۱ و ۱۷ ع ۲ سال ۱۰٦۳ وبرابر است با چاپ هند ولی کتاب نفس را ندارد وازکتابخانه صنیع‌الدوله بوده ومهران دیده میشود . سماع طبیعی گ۲ ب ـ ۳٤ ب وسماء وعالم ۳٤ ب ـ ٥٤ الف وکون وفساد ٥٤ الف ـ ٦۲ ب و آثار علوی ٦۲ ب ـ ۸۹ الف و الهی ۹۰ ب ـ ۱۲٥ الف . ۱۰
نسخه را همین فریدون مقابله نمود ـ نسخه شماره ۱۲۸ مجلس (ج ۲ ص ٦٦) همه بخشها را دارد .

(۱۲٥ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده
اندازه : ۱۳×٥ر۲٥ و ۹×۱۹ س ۲۲

۱٥ [۱٦٦] **جوهرية النفس** (عربی)

شیخ رئیس این رساله را برای برخی از یاران خویش درباره گوهربودن وپایندگی وسعادت وشقاوت روان نگاشته و ده دلیل برای گوهربودن روان آورد و درمجموع رسائل دکن بنام رسالة فی‌السعاده بسال ۱۳٥۳ بچاپ رسید و قنواتی در ش ۸٤ آنرا شناساند .

۲۰ [۱۹۸]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۱ دفتروبخط تعلیق ریزوگاهی بی‌نقطه ازگ ۱ ب تا ۱۸ الف میباشد وددرجب ۱۰٦۱ نوشته شد .

[۱٦۷] **چگونگی دانائی خدا** (فارسی)

عبدالرحیم رضوی حسینی علوی دراین رساله ازدانائی خداوندگفتگونمود ودرآن ازکلمات مکنونه فیض (٦۱ الف) یادکرد و ازآیات واخبارگواه آورد . ۲٥
آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . و بعد عبد سقیم . . . و اذل سادات

داعی دولت بهیه عبدالرحیم الرضوی الحسینی العلوی بعرض عالی میرساند که مسئله کیفیت علم خداوند . . . باشیا ازجمله مسائل ضروریه درمذهب نیست .

انجام : زیاد نوشتن مورث ملال ناظرین است و کفایت نمودم بهمین . . . وقدتم بید مؤلفه السقیم عبدالرحیم الرضوی الحسینی العلوی فی مدة اربعة عشر ساعة .

۵ [۱۹۹]

۸۸۷ این نسخه شماره ۳ دفتری است دارای چهار رساله در کلام وفلسفه و بخط تعلیق گ ٥٤ ب ـ ٦٦ الف .

(همه دفتر ۸٦ گ) - کاغذ سپاهانی ـ جلد مقوائی
اندازه : ۱۷×۲۲ و ۱۲×۱۸ س ۲۴

۱۰ [۱٦۸] **چهار عنوان** (فارسی)

دانشمند باباافضل کاشانی کیمیای سعادت غزالی (نگارش نزدیك ٥٠٠) را درچهار عنوان گزین نموده ودر آنها خود وخدا و گیتی ورستاخیز را شناساند و آن در کنار جنگی دارای اشعة اللمعات جامی ومقصد اقصی ومبدء ومعاد نسفی وجواهر یامنتخب مفتاح الاسرار آذری وجز اینها درص ۳٦٥ـ۳۸۱ درایران بسال ۱۳۰۳ بچاپ سنگی ۱۵ رسید .

[۲۰۰]

۳٤۰ این نسخه شماره ۸ دفتری است بسیار پاکیزه افسوس که نویسنده آنرا با «ره انجام نامه» بیامیخت و بارنجی ازهم جدا میتوان کرد و آغاز آن چنین است : « این سخنان کیمیای سعادت است که خواجه افضل الدین کاشی از کتاب کیمیای ۲۰ که امام محمد غزالی ساخته انتخاب کرده وچنین که گوید که نامه مردمی بچهار عنوان تمام بود عنوان اول آنکه حقیقت خودرا بشناسد ... »گ ۱۱۱ ب. اندکی ازعنوان ۱ این رساله هست ومیرسد به عبارت «ومعدن اصلی ومأوای اوحضرت الهی واز آنجا است وبدان بازگردد» گ ۱۱۳ الف (برابر باس ۱٦ ص ۳٦۸ چاپی) نسخه خطی فارسی تراز چاپی است. در مجلس نسخه‌ای ازاین بشماره ٦۲۱/۱٦ هست. پایان آن درچاپی ۲۵ چنین است : « و آن کوری روح است و تخم شقاوت ابدی اجارك‌الله وایانا منه بلطفه ورحمته » .

[۱۶۹] حاتمیه (عربی)

دراین رساله سخنان ارسطو با سروده های ابوالطیب احمدبن حسین متنبی کندی جعفی کوفی (۳۰۳-۳۵٤) سنجیده میشود .

آغاز : قال ارسطو « اذاکانت‌الشهوة فوق‌القدرة کان هلاك‌الجسم قبل بلوغ المراد » المتنبی :

۵

« و اذا کانت النفوس کبـارا

تعبت فی مرادها الاجسام »

انجام : الحکیم « آخر افراط التوانی اول مواردالخوف » المتنبی :

« و غـایة المفرط فی سلمه

کغـایة المفرط فـی حربه »

۱۰

[۲۰۱]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۰دفتراست وبخط نسخ بانشانه‌های شنگرف وحاشیه‌هائی بشکسته تعلیق ودرپایان دارد تمت‌الرسالة‌الحاتمیة . . . فی ۱۸ شهر شعبان سنة ۱۰۹۷ - هو فی بعض‌النسخ بعد قوله کالحکم : الحکیم « لاغنی لمن ملکه‌الطمع واستولت علیه‌الامانی » المتنبی « امسیت اروح مثرخازناویدا - اناالغنی واموالی‌المواعید » . . . فجعل‌اللطیف من‌الهواء والکثیف من‌التراب ص ۲۵۷-۲۶۱

۱۵

[۱۷۰] حاشیه اثبات عقل (عربی)

این رساله حاشیه‌ای است بر «اثبات عقل» خواجه طوسی و گویا ازشمسای گیلانی باشد .

آغاز : ملخص استدلاله قدس سره « ان احکاماً کثیرة صادقة بیقین » .

۲۰

انجام : فلایکون‌الحادث منحصراً علی‌الحادث‌الزمانی علی ماعرفت مشروحا

[۲۰۲]

۹۲۶ این نسخه شماره ١٤ دفتر وبخط تعلیق ریزگ ۱۵۰ ب - ۱۵۲ الف ودر پایان رمز « س م س دام ظله » دیده میشود و پیداست‌که نویسنده درروزگارشمسا آنرا نوشت .

۲۵

[۱۷۱] حاشیه اثبات واجب (عربی)

ملامیرزاجان حبیب‌الله باغنوی شیرازی (م ۹۹٤) شاگرد خواجه جمال‌الدین محمودشیرازی این حاشیه را براثبات واجب قدیم دانشمند دوانی درنیمه ذی‌حجه ۹۸۳ نگاشته است .

۵ **آغاز** : بسمله . . . جل جلالك اللهم یا واجب‌الوجود وعم نوالك یا صاحب الافضال والجود . . . فهذه تعلیقات علقها حبیب الله الشهیر بمیرزا جان الباغنوی علی الرسالة القدیمة . . . للعلامة . . . استـادی . . . جلال‌الملة والدین محمدبن اسعد الدوانی .

[۲۰۳]

۳۰۳ این نسخه شماره ۳ دفتر واز پایان کم دارد وبدینجا «موجوداً فی‌الذهن بنفسه لابوجهه اجمـالا والثانی ان یکون » میانجامد و بخط تعلیق شکسته همان هرابادی خلخالی است که بسال ۱۰۲۵ شماره ۱و۲ ایندفتر را نوشت گ ٤۹ ب ـ ۹۰ ب دونسخه ازین کتاب درطوس (ش ٤۵۸ و ٤۵۹ ج ٤ ص ٦٦) هست .

[۱۷۲] حاشیه اثبات واجب (عربی)

۱۵ ملا میرزاجان باغنوی یکبار دیگر این حاشیه را براثبات واجب قدیم دوانی نگاشته است .

آغاز : بسمله‌وبه نستعین قال المنصف ره اعلم‌البراهین‌المؤدیةالی‌هذاالمطلوب آه اشار الی ان المط برهانی یجب ان (یستعمل) فی اثباته‌المقدمات الیقینیة .

انجام : لوسلم من‌القدح ولایقدح فی منع‌المصنف ولایلزم منه استدراك .

۲۰ [۲۰٤]

۳۵٤ این نسخه پاکیزه بخط شکسته تعلیق محمد حسین‌بن سلطانحیدرحسینی بتاریخ صفر ۱۱۱۰ است وحاشیه منه قدس سره دارد .

(۹۸ برك) کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی وحاشیه آن بسرخی

اندازه : ۱۲×۱۹ و ۷×۱۲٫۵ س ۱۸

۲۵ [۱۷۳] حاشیه اشارات (عربی)

دانشمندآقاحسین‌بن‌جمال‌الدین‌محمدبن‌حسین خوانساری (۱۰۱٦ـ۱۰۹۸)

که « استاد الکل فی الکل ذوالجمالین » میخواندندش این حاشیه را براشارات و
شرح طوسی وحاشیه دانشمند ملامیرزاجان باغنوی برمحاکمات رازی بسال ۱۰۷۱
نگاشته‌است وازمبحث ماده وصورت وجسم آغازو بمبحث لذت والم پایان مییابد .

آغاز : قال‌المحقق قد عرفت فیما سبق ان‌الاشارة الخ ای‌الحکم‌المصدربها .

انجام : سواءکان بالنسبة الی الجمیع او البعض المدفوع فافهم هذا آخرماتیسر ۵
لنا من‌الکلام علی‌الشرح وشرح‌الشرح وحاشیة‌المحقق‌الشیرازی‌الباغنوی . . . تمت
بعون‌الله وحسن توفیقه والاکرام .

[۲۰۵]

۲۸۰ این نسخه بخط تعلیق ریز خوش با عنوانهای شنگرف وگاهی درهامش
عنوان مطلب دیده میشود ودر ۱۷۳ الف نشانه (بلغ) دارد و برك آخری ۱۰
نونویس است نسخه ازآن درطوس هست (ج ۱ ص ۲۸ ش ۷۰) .

(۲۵۰گ) - کاغذ سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۵×۲۹ و ۹×۲۰ س ۲۹

[۱۷٤] حاشیه شرح تجرید (عربی)

دانشمندملامیرزاجان باغنوی م۹۹٤ برحاشیه قدیم دوانی برشرح جدیدتجرید ۱۵
این حاشیه را نگاشته وگاهی بمتن وشرح تجرید نیز درآن نگریسته است .

آغاز : قال‌المصنف رحمه‌الله امابعد حمد واجب‌الوجود علی نعمائه .

انجام : فان المیل الطبیعی یشتد بحسب القرب من الخیر الطبیعی فیه نظر
لان الاشتداد انما هولطول‌الحرکة . . . مرتفع جدا . . . ان یکون‌الحرکة فی‌الاول
اشد من‌الحرکة فی‌الثانی . ۲۰

[۲۰٦]

۳۷۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریزشمس‌الدین علی بن شمس‌الدین محمد حسینی
گرگانی درنزدیك بپایان ج۲ سال ۹۹۹ که دارنده نسخه‌هم بوده ودرگ۱
الف نیز نام او دیده میشود وحاشیه‌هائی ازخود باغنوی درنسخه هست .

(۲۳۱گ) کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مقوائی ۲۵

اندازه : ۱۰×۲۰ و ٦×۱۲٫۵ س ۲۴

[۱۷۵] **حاشیهٔ حاشیهٔ شرح تجرید** (عربی)

فیاض لاهیجی برحاشیهٔ خفری برالهیات شرح تجرید این حاشیه را هنگام
درس و با شتابزدگی و بخواهش دوستان نگاشته است .

آغاز الحمد لصانع السماوات العلی وخالق الارضین السفلی والاسماء الحسنی

۵ **انجام** : فاثبات اصل العلم الحضوری لایغنی عن اثبات الاحساس الذی المراد به
هو انکشاف الخصوصیات الزایدة علی اصل الوجود .

[۲۰۷]

۳۱۷ این نسخه بخط نسخ است باعنوانهای شنگرف وحاشیه هائی ازلاهیجی باعبارت
(منه دام ظله العالی) بشکسته تعلیق و پیداست که درروزگار او نوشته شد .

۱۰ (۵۸گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۱۳×۲۰ و ۷×۱۴٫۵ س ۲۰

[۱۷۶] **حاشیه حاشیه شرح تجرید** (عربی)

دانشمند جمال الدین خوانساری م۱۱۲۵ برحاشیه خفری برالهیات شرح تجرید این
حاشیه را نوشته ودر آن ازحدوث دهری میرداماد خرده گرفت(ص۷۵ این فهرست) .

۱۵ **آغاز** : نام خدا وستایش او ــ اعتبر فیه حدوث الخلق هذا اشارة الی طریقة
جماعة من المتکلمین الذین قالوا علة الحاجة الی المؤثر انما هی الحدوث .

انجام : هومرادهم فلا یرد الاشکال علیهم فافهم .

[۲۰۸]

۳۰۸ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۲ رساله و بخط روشن و در پایان
دارد « هذه من تصنیفات مولانا جمال الملة والدین آقاجمال طاب ثراه علی
الخفری تمت. . . فی شهر ذی حجة الحرام سنة ۱۱۹۷ » و حاشیه هائی از
خوانساری دیده میشود با عبارت (منه رحمه الله ــ منه طاب ثراه) گ۱ب ــ ۱۰۰ الف
(ص۷٦ همین فهرست) .

[۱۷۷] **حاشیه حاشیه شرح تجرید** (عربی)

۲۵ دانشمند شیخ ابو عبدالله محمد بن حاج محمد زمان کاشانی که در سپاهان

میزیسته ودرنجف درگذشت و«القول السدید ـ نورالهدی ـ هدایة المسترشدین» نوشته و بفقه و فلسفه آشنا بود (روضات ص ٦٥٢) برحاشیه جمال الدین محمد خوانساری (م ١١٢٥) برتجرید این حاشیه را نگاشته و در آن از حدوث جهان وزمان بسزا گفتگو نمود ودرآن از سخنان صدرای شیرازی وداماد وطوسی وابن سینا آورده است . ٥

آغاز : بسمله یقول احوج المربوبین ... ابوعبدالله یدعی الشیخ وهومحمدبن الحاج محمدزمان ... فقدقال جمال الدین محمدالخوانساری ره فیما کتبه علی التجرید .

انجام : اذلیس الاعتبار ازلیافتامل ولاتبادر بالانکار قبل النظر والاعتبارفاعتبر یا اولی الابصار .

[۲۰۹] ١٠

۸۷۳ این نسخه دردفتری است دارای چند رساله ازهمین کاشانی و بخط شکسته تعلیق ریز خوش وگاهی مورب با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف از علی بن محمد سپاهانی که درروزگارکاشانی آنرا نوشته و بدستور اودرتاریخ١١٦٢ دفتررا بپایان رساند وحاشیه‌هائی بهمان خط دارد با عبارت (منه مد ظله) وخط متن گاهی نسخ است و حواشی دیگران هم هست نسخه یك سرلوح زیبا در آغاز دارد ١٥ ودرجدولهای زر ولاجورد ـ گ ٨٣ ب ـ ١٠٤ الف .

(همه‌دفتر ١٩٨ گ) کاغذ ترمه سمرقندی رنگارنگ ـ جلد تیماج سرخ ضربی اندازه : ٥ر١٠×١٧ و ٦×١١ س ١٢

[۱۷۸] **حاشیه شرح تجرید** (عربی)

دانشمند میرسیدشریف گرگانی (٧٤٠ـ٨١٦) برشرح قدیم شیخ شمس الدین ٢٠ محمود سپاهانی (٦٩٤ـ٧٤٩) برتجرید طوسی این‌حاشیه را نگاشته که در کشور عثمانی بحاشیه تجرید نامبردار شده و بدستور برخی از شاهان از کتابهای درسی بشمارمیآمد . فیلسوف کلامی فقیه نصیرالدین علی بن محمدکاشی حلی که درنجف بسال ٧٧٥ درگذشت براین شرح حاشیه‌ای نوشته بود که پایه و مایه کارگرگانی گردید . ٢٥

آغاز : بسمله . . . اما بعد حمد واجب الوجود علی نعمائه ـ خص بالذکر

من صفاته‌العلی ماهواخص به .

انجام : الی ان یتأثر المتأثر بقبول تلك الصفة فیکون هناك متأثرية اخری وهکذا ویلزم التسلسل والحمدلله علی وصول‌الکلام الی هذاالمقام (درمبحث فعل وانفعال جواهر واعراض وبرابر با ش ۹۲ طوس) .

۵ [۲۱۰]

۳۶۰ این نسخه بخط نسخ و دارای سرلوح زرین با شنگرف و لاجورد و هرصفحه درجدول زرین ولاجوردی وحاشیه‌های گرگانی درآغاز نسخه هست که بعبارت (منه) میانجامد برك ۱ فرسوده وکاغذ دیگری بدان چسبانده‌اند واندکی ازمتن وحاشیه رفته است ـ چند نسخه ازاین درطوس هست (ج ۱ ش ۶۶-۶۷-۹۲-۱۱۵

۱۰ ص ۲۷-۳۳-۳۸ و ج ٤ ش ۵۱۱ ص ۸۲) .

(۴۸۷ ص) ـ کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرج ضربی

اندازه : ۱۰×۱۹ و ۵ر۱۲ س ۲۱

[۱۷۹] **حاشیه شرح تجرید** (عربی)

شمس‌الدین محمد خفری برشرح الهیات تجرید قوشچی این حاشیه را

۱۵ نگاشته است .

آغاز : نام خدا و ستایش او ـ اما بعد فیقول . . . محمد بن احمد الخفری هذه تعلیقات اتفقت منی علی شرح الهیات التجرید .

انجام : کان واجب‌الوجود بذاته واجب‌الوجود بغیره

[۲۱۱]

۳۳۲ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف ازمحبعلی کازرونی است که در۱٤ ذی‌حجه ۱۱۱۰ آنرا نوشت .

(۹۱ ص) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج ضربی مقوالی

اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۲۳ و ۷×۱۶ س ۲۱

[۱۸۰] **حاشیه شرح تجرید** (عربی)

۲۵ دانشمندجلال‌الدین‌دوانی (۸۲۸ ـ ۹ع۲ سال ۹۰۸) برشرح تجرید قوشچی حاشیه‌ای بسیارخوب نوشت وبنام سلطان یعقوب بایندری آق قونیلو (۸۸۳-۸۹۶)

یا برادر اوسلطان ابوالفتح خلیل بیك (۸۸۲ ـ ۸۸۳) کرد و آن‌میان دانشجویان، قدیم، نام گرفت (نسخه‌ها) وفیلسوف صدرالدین محمد دشتکی (۸۲۸ ـ ۹۰۳) هم حاشیه‌ای زیبا بر آن شرح نوشته و بسلطان ایلدرم بایزیدخان‌دوم (۸۸۶-۹۱۸)و مولی‌بن‌مؤیدارمغان‌دادودر آن‌ازدوانی‌خرده گرفت‌این‌بودکه‌اودررددشتکی‌حاشیه جدید رانوشت‌باردیگر دشتکی‌حاشیه‌دوم‌خودرا نوشته ودر آن‌فریفتگی‌های‌دوانی وگرایشی که‌دانشجویان‌بسخنان‌وی‌دارند وپیشرفتهائی راکه‌پسرخوداوغیاث‌الدین منصورکرده‌است یاد نمود و آنرابنام همان بایزیدکرد بازدوانی حاشیه اجدخودرا در رد او نوشت . این حاشیه‌هارا طبقات جلالیه وصدریه نامند پس‌ازمرك دشتکی پسر او غیاث‌الدین (م ۹٤۸) بیاری پدر برخاسته و حاشیه‌ای بنام تجریدالغواشی در رد بردوانی نوشت (۱) .

آغاز : نام خدا وستایش ودرود. قوله فی‌الحاشیه قیل لم یرد به معینا اقول مراده بالزیادة بوجه ما .

انجام : ثم استدل علیه بنمط آخر و اطال الکلام فیه علی ماهودابه (تمت الحاشیة القدیمة (۲) .

(ازامورعام وجواهر واعراض تا مبحث عناصر) .

[۲۱۲]

۳۵۵ این نسخه بخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌های شنگرف است و روی سطرها گاهی خط سرخ کشیده شده وحاشیه‌هائی ازدوانی درهامش هست باعبارت (منه) ومحسن‌بن محمد طاهر درقزوین روزسه شنبه ۱۹ شعبان ۱۱۱۹ آنرا برای خود نوشته وحاشیه‌هائی از نویسنده ودیگران درآن هست وعنوانهای مطلبهای

---

۱ ــ نگاه به : کشف‌الظنون ج ۱ ص۲۵۲ــ فهرست طوس ج۱ ص ۳۵ ش ۱۰۱ و۱۰۲ وص ۳۸ ش ۱۱۲و۱۱۳ و ج ٤ ص۱ــ ۸۰ ش ۵۰۳و۵۰٤ .

۲ ــ همین حاشیه در ج ۱ فهرست طوس (ش ۱۱۲) دوم ودر ج ٤ (ش ۵۰۳) نخستین حاشیه دوانی دانسته شد ونسخه ۵۰۳ آنجا تا مبحث مزاج درفصل۲ مبحث جواهر است و افزوده‌های کمال‌الدین حسین لاری شاگرد دوانی نیز درآن هست و تا بآغاز فلکیات میرسد .

مهم درهامش آمده و نسخه تصحیح گردید و از گ ۱ تا ۲۳۸ حاشیه دارد .

(۲۴۰ برگ) - کاغذ سمرقندی ــ جلد تیماج تازه
اندازه : ۱۲×۱۹ و۶×۱۲ س ۱۴

[۱۸۱] حاشیه شرح تجرید (عربی)

۵ ملا میرزا جان باغنوی بر بخش جواهر و اعراض شرح تجرید این حاشیه را بنگارش در آورد .

آغاز : بسمله قوله فناسب ذلك آه حاصل وجه المناسبة انه لما كان وجود الاعراض متوقفا على وجودالجوهر .

انجام : قوله قال صاحب المواقف آه لايخفى ان كلام صاحب المواقف لايضر
۱۰ المنصف لانه من الذاهبين الى بطلان الجزء الذى لايتجزى .

[۲۱۳]

۳۱۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد .

(۳۹گ) ـ کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۱/۵×۲۳ و ۷/۵×۱۶ س ۲۰

۱۵ [۱۸۲] حاشیه شرح تجرید (عربی)

قاضی علاءالدین عبدالخالق قاضی زاده کرهرودی شاگرد شیخ بهائی (۹۵۳ ۱۰۳۰) که درروزگار شاه عباس یکم (۹۸۵ ـ ۱۰۳۸) میزیسته و تحفه شاهی را در امامت بفارسی برای او نوشت بر بخش جواهر و اعراض شرح تجرید قوشچی و حاشیه قدیم دوانی این حاشیه را نگاشته است. در طوس دو نسخه ازاین هست
۲۰ (ج ۱ ص ۳۹ ش ۱۲۰ ج ٤ ص ٦٦ ش ٤٦٠) .

آغاز : لان تعريف الجوهر هوالموجود لافى موضوع ومعناه مهية اذا وجدت كانت لافى موضوع .

انجام : كالنسبة بين الاجزاء عددية كماسبق نقله من خامس عاشرة الاصول - تم .

[۲۱٤]

۳۰۱ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز و حاشیه‌هائی از کرهرودی دارد که به (منه مد ظله العالی) میانجامد و پیداست که درزمان او نوشته شد .

(۴۹ برگ) — کاغذ فرنگی — جلد مقوا
اندازه : ۵ر۹×۲۰ و ۵×۵ر۱۲ س ۱۷

[۱۸۳] **حاشیه شرح تجرید** (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی برالهیات تجرید وشرح جدید آن وحاشیه خفری بر آن این حاشیه را نگاشت . ۵

آغاز : بسمله الحمدلله ذی‌المجد والبها . . . امابعد فیقول افقرخلق‌الله الغنی محمدالمدعو بشمساالجیلانی . . . هذه معلقات علی مبحث الهیات‌التجرید و شرحه الجدید والحاشیة التی علقها العلامة الخفری علیها .

انجام : قوله و سایر الاوصاف ای بشرط سلب سایرالاوصاف . . . عین ذاته تعالی وهذا اشارة الی نفی‌الکثرة بعدالذات . ۱۰

[۲۱۵]

۳۰٤ این نسخه شماره ۱ دفتری دارای ۲ رساله و بخط شکسته تعلیق محمدقاسم حسینی است که دررمضان سال ۱۰۵۸ [دومین رساله ایندفتر (علم شمسا) را نوشت و اجازه‌ایکه شمسا درباره روایت همین رساله بدو داده بخط خود درنزدیك بپایان شوال ۱۰۵۸ درطوس در برگ ۱۹۸ الف برای او نوشت ـ گ ۱ ب ـ ۱۹۷ الف. دربرخی جاها حاشیه‌هائی از خود شمسا دیده میشود که بعبارت (منه دام ظله ـ منه سلمه‌الله) میانجامد . ۱۵

(همه‌دفتر۲۱۰ برگ) کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ساده مقوائی
اندازه : ۵ر۸×۲۰ و ۵ر۵×۱۴ س ۲۰

[۲۱۶] ۲۰

٤۰۰ این نسخه بخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف است ودرپایان دارد : «تمت بعون‌الله وحسن توفیقه فی‌سنة ۱۱۲۰» وحاشیه‌هائی ازشمساودیگران درآن دیده میشودویحیی‌فرزند شاهقلی‌قزوینی بسال۱۱۲۳ آنراتصحیح‌نمود

(۱۰۷گ) - کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد
اندازه : ۵ر۱۲×۱۸ و ۷×۱۳ ص ۱۹ ۵

[۲۱۷]

۸۲۷ این‌نسخه بخط تعلیق شکسته وعنوان (قوله) بشنگرف است ونسخه تصحیح گردید ودرپایان دارد : «تمت بیمین‌افقرالعبادالی‌الله صدرالدین» ونویسنده

اوست و یکی ازدارندگان نسخه حسنعلی بن حاجی عبدالغفار ایروانی بوده و مهر او (عبده‌الراجی حسنعلی) دیده میشود .

(۱۴۰ برگ) کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندزاه : ۱۳×۲۱ و ۸×۱۴ س ۱۷

۵ [۱۸۴] حاشیه شرح تجرید (عربی)

فیلسوف کلامی مولی عبدالرزاق فیاض لاهیجی شاگرد و داماد صدرای شیرازی و شارح تجرید و هیاکل‌النور و نگارنده گوهرمراد و سرمایه ایمان که درمدرسه قم درس میگفت ودر۱۰۵۱درگذشت حاشیه‌ای برجواهرواعراض شرح جدید تجرید دارد (ش ۴۹۸ص ۷۸ج ٤ فهرست طوس) واین حاشیه بریك عبارتی

۱۰ از طوسی در مبحث علم خدا از الهیات تجرید است و درآن سخنان انکسیمانس و ثالیس ملطی و پلاتون و ارسطو و فارابی وشیخ و سهروردی را میآورد و گفته شیخ اشراق درتلویحات درباره دیدار اودرخلسه ازارسطو و پرسش ازدانائی خدا وماندکردن اوآنرابخودآگاهی جان درنزدیك به نیمی‌ازاین حاشیه دیده میشود

آغاز : من حاشیة مولاناعبدالرزاق‌اللاهیجی علی‌الهیات‌التجرید « قوله اعلم

۱۵ ان للملطیین‌آه لاباس بان نحرر اختلاف الحکماء فی علم‌الواجب .

انجام : و لعلك تعذر لی فی نقل هذا الکلام الطویل فان فیه شفاء العلیل ورواءالغلیل . تمت

[۲۱۸]

۳۸۹ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط تعلیق وحاشیه‌های (منه) داردگ ۱۲ب ۱۵ ب

۲۰ [۱۸۵] حاشیه شرح تجرید (عربی)

مولی محمد جعفر بن محمد صادق لاهیجی که در روزگار محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ـ۱۲٦٤) میزیسته بربخش الهی شرح تجرید قوشچی و حاشیهٔ خفری این حاشیه را نگاشته است .

آغاز : اعظم حلیة‌للکلام حمدالله الملك‌العلام . . . فیقول . . . محمدجعفربن

۲۵ محمد صادق‌اللاهجی .

[۲۱۹]

۳۰۵ این نسخه بخط نسخ خوش با نشانه‌های شنگرف و بپایان نمیرسد و بدینجا « فی من کان ذاته عین‌الوجود کما نحققه اذجاء وقته » میانجامد .
(۳۱ گ) ــ کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی ضربی
اندازه : ۱۴ × ۲۱٫۵ و ۶٫۵ × ۱۴٫۵ س ۲۰

[۱۸۶] حاشیه شرح تجرید (عربی)

سلطان‌العلماء محمد قاینی برشرح جدید تجرید این‌حاشیه‌رانگاشته ودر آن نکته هائی که هنگام درس میگفت فراهم آورد و از آغاز جواهر و اعراض است تا بحث مکان . نسخهٔ اصل و بخط مؤلف است .

۱۰ **آغاز** : بسمله الحمدلله‌الذی عرفناالخلاص عن‌العلائق‌الجسمانية وعرفناالنجاة من‌العوائق‌الظلمانية .

انجام : بل قد یکون هواء وقد یکون ترابا وقد یکون ماء الی غیرذلك .

[۲۲۰]

۳۳۳ این نسخه بخط نسخ و گاهی شکسته تعلیق ازخود قاینی چنانکه در گ ۱ب
۱۵ دیده میشود وحاشیه‌هائی دارد که بعبارت (منه) میانجامد و برخی جاها روی سطرها خط کشیده شده ودرست را پس‌ازآن نوشت وجای (قوله) درهرجا که متن را میآورد سفید است .
(۲۳۹ ص) . کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج ساده
اندازه : ۱۱ × ۲۰ و ۶ × ۱۳ س ۱۵

۲۰ [۱۸۷] حاشیه شرح حکمة‌الاشراق (عربی)

دانشمندصدرای شیرازی برشرح‌قطب‌شیرازی برحکمة‌الاشراق‌شیخ‌سهروردی این حاشیه را نگاشته است .

و در هامش همین شرح در تهران بسال ۱۳۱۶ بچاپ رسید شیرازی در آن از اسفار وشواهد ربوبی خود ص ۳۰۹ و ۵۳۵ یاد میکند .

۲۵ **آغاز** : قوله دلالة اللفظ علی‌المعنی آه الدلالة مطلقاً کون‌الشیء بحیث یعلم منه شیء آخر .

انجام : والخواطر فهو ملکی لان‌الجن لایقدرعلی ذلك وامثاله (ص ۵۳۶

درباره سخن سهروردی فانها قد ترد علیهم فی اسطرمکتوبة درص ٥٣٥) .

[۲۲۱]

۲۸۱ این نسخه بخط تعلیق شکسته ملا علی نوری است که گویا همان فیلسوف (م۱۲٤٦) باشد .

٥ (۴۹۷گ) . کاغذ فرنگی . جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۵×۱۹ و ۱۰×۱٦ س ۲۷

[۱۸۸] حاشیه شرح حکمة العین (عربی)

مولانا کمال الدین مسعود شیرازی م۹۰۵بر شرح آمیختهٔ شمس الدین محمد بن مبارکشاه شهیر بمیرك بخاری برحکمت العین دبیران قزوینی م ٦٧٥ و حاشیه آن
۱۰ این حاشیه را نگاشته است .

قطب شیرازی برحکمة العین حاشیه نوشت و شمس الدین آنرا درشرح خویش آورد و میرسید شریف گرگانی م ۸۱٦ نیز براین شرح حاشیه دارد و غیاث الدین منصوردشتکی و ملامیرزاجان باغنوی هم برآن حاشیه نوشتند (ش ٥١٦ و ٥١٧ ج ٤ و ج ۱ ش ۱۲۱و۱۰٥ فهرست طوس) .

۱٥ **آغاز** : بسمله ومعتصماً بلطفه العمیم ـ الش (رمزالشرح است) اذالاحظه بما له من صفات الجلال ای مع ما له من تلك الصفات .

انجام : علی قیام مبادیها بالنوع ـ ثم قال المؤلف قد بلغ ماالتزمه من التعلیقات علی الشرح والحاشیة الی هذاالمقام ومن الله الاستعانة فی التوفیق للاتمام .

[۲۲۲]

۲۹٤ این نسخه بخط تعلیق ملك حسین بن محمودشاه اردکانی در۱۰۳۲میباشد و برخی جاهاحاشیه (منه) دارد وچنین بپایان میرسد : «فی شهر رجب المرجب سنة۱۰۳۲ عن یداقل عبادالله الغنی ملك حسین بن محمودشاه اردکانی» دراین نسخه مطلبها پس ازعبارت الش میآید و باسفیدی ازهم جدا هستند .

(۳۱۱گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
۲٥ اندازه : ٥ر۱۰×٥ر۱۸ و ٥ر٥×٥ر۱۱ س ۲۱

[۱۸۹] حاشیه شرح حکمة العین (عربی)

حاشیه ای است بر شرح آمیختهٔ شمس الدین محمد بخاری برحکمة العین

دبیران از آغاز تا مبحث وجود وماهیت ونگارندهٔ آن بدست نیامد .

آغاز : بسمله قال قدس‌سره انماقال‌فاطرذوات‌العقول‌ولم یقل فاطرالعقول ...
مرادهم بالتوهم‌المنفی امکانه و بیان امکان‌التوهم .

انجام : وعلی‌التقدیرین یحصل‌الاستغناء عن‌الفکرالذی ارتکبه انش اتم م .

۵ [۲۲۳]

۸۵۰ این نسخه بخط تعلیق وعنوانهای « قال ـ اقول » ونشانه‌ها بشنگرف است وحاشیه‌های (منه سلمه‌الله ومنه دام ظله) دارد .
(۹۸ گ) .کاغذ سپاهانی . جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۰×۱۷ و ۵×۱۰ س ۱۵

۱۰ [۱۹۰] **حاشیه شرح منظومه** (عربی)

دانشمند حاج ملاهادی بن مهدی سبزواری (۱۲۱۲ ـ ۱۲۸۹) برهمهٔ شرح منظومه فلسفی خود این حاشیه را نگاشته ودرهامش همین شرح چندبار درایران بچاپ رسید .

آغاز : الحمدلله المتجلی بنورجماله علی‌الملك والملکوت .

۱۵ **انجام** : قولناکل الامانات آه اقتباس من‌الکتاب الالهی ان‌الله یأمرکم . . . اهلها وفی‌الفقرات‌متناوشرحاًحسن‌الخاتمه‌الهم‌اجعل‌خاتمة‌امورتاخیراًبمحمدوآله... والصلوةعلی‌محمدوآله.

[۲۲٤]

۳۲٤ این نسخه شماره۱ دفتروبخط تعلیق ریزمحمدعلی فیروزکوهی بسال۱۲۸۱ میباشدگ ۱ ب ـ ۹۹ ب .

۲۰

[۱۹۱] **حاشیه شرح هدایة** (عربی)

سید امیر فخرالدین محمدبن حسین حسینی (۱) برشرح مورخ ۸۸۰ قاضی

---

۱ ـ اوجزفخرالدین محمدبن حسین‌حسینی سماکی استرابادی گفتگوکننده باامیرداماد م ۱۰٤۱ است که درسالهای ۹٤۱ و ۹۵۰ و۹٦۵ برشرح تجرید حاشیه نوشت و شاگرد غیاث‌الدین دشتکی م۹٤۸ بوده‌است ودر۹۷۰ یا ۹۸٤ درگذشت درطوس نسخه‌ای ازهمین حاشیه هست (ش ۱۰٦ و ۵۲٦ تا ۵۲۸)که از سماکی پنداشته وگفته که او آنرا برای ابوالغازی نظام شاه هندی نوشته است. بنگرید به : ذریعه ج ٦ص ۱۳۹ و فهرست طوس ج ۱ ص ۳٦و۳۷ و ج ٤ ص ۷۷ و ۷۸و۸۷ .

۲۵

کمال‌الدین میرحسین بن معین‌الدین میبدی م ۹۱۱ برهدایه اثیرالدین ابهری رومی م ٦٦٠ این‌حاشیه‌را نگاشته وتابمبحث فلکیات رساند وازخدای درخواست که آنرا بانجام برساند . او نخست این حاشیه را نوشته و پاکنویس نکرده چون دید که دانشجویان آنرا میخواهند نوشته پیشین را گسترده و روشن نموده و چیزهائی
٥ برآن افزود وبدینگونه که هست درآورد ودرتبریزدر ١٤شعبان ۹۲۸ ازپرداختن آن بیاسود .

آغاز : بسمله الحمدلله العلیم الحکیم والصلوة علی محمد المبعوث بالخلق العظیم . . . فیقول . . . محمدبن‌الحسین‌المدعو بفخرالدین‌الحسینی .

انجام : ومنه‌الاستعانه لتحقیق‌الفنون‌الباقیة انه‌الموفق ونعم‌المعین .

١٠ [٢٢٥]

٣٠٩ این نسخه بخط شکسته تعلیق ریز وخیلی جاها بی‌نقطه است وحاشیه‌هائی دارد با عبارت (منه) وعنوانهادربسیارازجاها بشنگرف است وعنوان (قوله) درآغاز بسرخی نوشته شده و در پایان جای آن سفید است و نظام‌بن درویش محمد گونابادی (جنابذی) در ١٠ ع ٢ سال ۹۸٦ درآستان طوس‌آنرا نوشت .

(١٠٣گ) کاغذ سمرقندی . جلد تیماج تازه شده

اندازه : ١٢×١۹ و ٧×١١ س ١۹

[١۹٢] حاشیه شفا (عربی)

فیلسوف صدرای شیرازی (م١٠٥٠) برالهی شفاحاشیه‌ای‌نگاشت که درتهران بسال ١٣٠٣ بچاپ رسید و درآن ازکتابها و رساله‌ها (ص ١٢٦) و اسفار او (ص
٢٠ ١٢٦و٢١١) وازحکمت مشرقی شیخ (ص٢) یاد میشود .

[٢٢٦]

٣٢٧ این نسخه بخط تعلیق ریزعبدالرشید شوشتری است که درمدرسه آصفیه شیراز درروز شنبه ١٢ ذی‌قعده سال ١٠٥٣ ازروی نسخه خط شیرازی برای دانشمند بزرگی بنام شمسامیرزامحمد هادی نوشته ومقابله وتصحیح کرد برگها باجدول
٢٥ زرین ولاجورد وعنوانهاشنگرف میباشد وسرلوحی‌بزرولاجورد در آغازنسخه هست

(٢٣٦گ) کاغذ فرنگی . جلد تیماج ضربی زرکوب

اندازه : ١٣×٢٢٫٥ و ٧×١٥٫٥ س ٢٥

[۱۹۳] حاشیهٔ شفا (عربی)

دانشمند فیلسوف مولی محمدباقر بن مولی محمد مؤمن سبزواری، سپاهانی (م۱۰۹۰) درروزگارشاه‌عباس‌دوم امام جمعه‌و جماعت و شیخ‌الاسلام بودودرمدرسه مولی عبدالله شوشتری درس میگفت وی شاگرد شیخ بهائی و استاد سید حسین‌بن حیدرعاملی و آقاحسین خوانساری شوهر خواهر خود و مولی محمد سراب بوده و بفارسی شعر میگفت این دانشمند برای شاگردان خود برالهی شفا حاشیه ای نگاشته ودرآن ازخرده گیریهای شارحان پاسخ گفت و مانند خواجه طوسی بهمان روشن کردن گفتار شیخ پرداخت و خود ازآن خرده نگرفت و این را در آغاز گفته است .

آغاز : بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین . امابعد فان کتاب‌الالهیات مماقدکثرت مراجعةالمحصلین وطال نظرالعلماء فی مباحثه .

انجام : و کل جزء من‌اجزاءالنظام له غایة والمرجع اخیراالی‌العنایة الاولی ویرجع الی نفس‌الذات الاحدیة (دربیرامون‌گفته شیخ « حتی یکون له فیما یکون عنه غرض » ازنیمه فصل ۷ مقاله ۸ الهی دردانائی خدا س۱۱ ص۵۹٤ چاپی وس ٥ گ ٥۷٦ ب ش ۲٤۳ خطی) .

[۲۲۷]

۲٦۳ این نسخه بخط تعلیق ریز وازگ ۷۹ تا ۱۳٤ب شکسته تعلیق میباشد ویك برك درآخرسفید است .

(۱٦٦گ) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج سرخ متوالی

اندازه : ۱۲×۱۹ و ۸×۱٤ س ۱۹

[۲۲۸]

۱۰۱٦ این نسخه بخط نسخ بی‌نقطه تاریخ ۱۱۹۰ وجای (قوله) سفیدگذارده شده و درگ ۱۱ ب حاشیه‌ای از محمد مهدی حسینی هست و درآن ازگفتار صدرالافاضل (صدرای شیرازی) که سبزواری ازآن خرده گرفت استوار میگردد و باز درگ ۸٥ ب حاشیه‌ای است گویا ازهمو. برك۱ موریانه خورده وچند کلمه ناخوانا است ـ دربرك ۱ الف مهر میرزاعبدالجواد دیده میشودکه کمی سوراخ شده ونسخه ازکتابخانه اوبوده است بازدرگ ۱٤۳ ب مهردارنده دیگری بنام محمد حسین هست .

(۱٤۳ برگ) کاغذ سپاهانی زرد ـ جلد تیماج سرخ ضربی گل و بوته‌دار مقوائی
اندازه : ۱۵×۲۲ و ۹×۱۵ س ۱۲

[۱۹٤] **حاشیه شفا** (عربی)

دانشمند آقاحسین خوانساری (۱۰۱٦ ـ ۱۰۹۸) بر الهیات شفا یکبار حاشیه
نوشته و هنگامیکه بحج میرفته است آن از میان رفت و باره دوم این حاشیه را ۵
نگاشته ودر ۲۰ رجب ۱۰۹٦ از پرداختن آن بیاسود وی در آن ازگفتارسبزواری
خرده گرفت وازسخنان صدرای شیرازی نیز آورد (ذریعه ج ۲ ص ۱٤۲) .

آغاز : نام خداوستایش ـ قوله فی ابتداء موضوع الفلسفه . اقحام لفظ الابتداء
بناء علی ان الفصل التالی ایضاً فی ذلك الطاب .

انجام : ویکون محصل کلامه ان الایجاد الذی یکون بعدالعدم المطلق اولی ۱۰
بان یکون ایجادا وهوایضا کماتری فتدبر قد وقع الفراغ . . . فی عشرین شهر رجب
المرجب من شهورسنة ست وتسعین بعدالالف من الهجرة النبویة ...

حاشیه خوانساری از آغاز الهی است تانزدیك بپایان فصل ۳ مقاله ۸ درمعرفت مبدءاول،
عبارت (المحدث هوالذی کان بعدمالم یکن) ازشفا (سطر آخر گ ۵۷۳ الف شماره ۲٤۳
وس ٦ ص ۵۷۸ چاپی) ازسنجیدن سخنان سبزواری وخوانساری (گ ۱۱۷ و ۱۱۸ ش ۲٦۳ ۱۵
وگ ۱۲٤ و ۱۲۵ ش ۲٦٤) درمبحث وجود کلی طبیعی درفصل ۱ مقاله ۵ چنین
برمیآید که خوانساری گفتار اورا با عنوان (بعض الاعلام) میآورد وخرده میگیرد .
خوانساری پس از پایان کتاب گفتاری شیوا دارد که در آن پس از نیایش و درود از
شیخ رئیس وشفا وحاشیه خود میستاید ونگارش خویش را بشاه سلیمان بهادرخان
(۱۰۷۷-۱۱۰۵) ارمغان میدهد و آغاز و انجام آن چنین است « بسمله الحمدلله ۲۰
الذی نزل من القرآن ماهوشفا ـ ثم رزقه البلوغ الی اقصی ماانطوی علیه بضمیره ...
والحمدلله رب العالمین » .

[۲۲۹]

۲٦٤ این نسخه بخط تعلیق خوش ومتن با (قوله) آغازوازحاشیه گاهی بانشانه سرخ
وگاهی با رمز (آه) یا (الخ) یا با فاصله سفیدی جدا میشود و جای (قوله)

نیز گاهی سفید گذارده شده . حاشیه از گ۱ ب تا ۱۵۱ الف و گفتار پیوست از ۱۵۱ ب تا ۱۵۲ ب در مجلس (ش ۱۲۱ ج ۲ ص ٦۱) و در آستانه طوس (ش ۳۰-۵۲۹ ج ٤ ص ۸۷-۸۸) نسخه از این حاشیه هست و اندکی از آن در هامش الهی شفا ص ۳ چاپ تهران دیده میشود

(۱۲۵ گ) - کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ۸٫۵×۱٦٫۵ و ۱۵٫۵×۲٤٫۵ س ۲۰

[۲۳۰]

۳۸۹

این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق مورب گ ٤۵ ب ٤٦ الف و آغاز و انجام آن چنین است :

«قال الحبر المحقق العلامه آقاحسین رحمه الله فی تعلیقاته علی الهیات الشفا فی مبحث الوجود : اما الاولی ای العینیة فامرها مشکل اذلو بنی علی طریقة ذوق المتالهین ۱۰ کما قاله علامة الدوانی ـ فلاشك انها اقوی من براهین الحکماء و بالجملة الامر واضح تعالی الله عما یقول الظالمون علواً کبیرا » .

درهامش ٤۵ ب عبارتی از حکمة عرشیه (س ۲۲) آورده شده و در ٤٦ ب ـ ٤۸ الف باز چند قاعده از حکمت عرشی صدرای شیرازی دیده میشود .

[۱۹۵] حاشیه شفا (عربی) ۱۵

دانشمند جمال الدین محمد خوانساری (م ۲٦ رمضان ۱۱۲۵ در نزدیك بهشتاد سالگی در سپاهان) شارح اشارات بر آغاز طبیعیات شفا تا فصل ۱ مقاله سوم فن سماع طبیعی حاشیه‌ای نگاشته که در هامش طبیعی شفا بچاپ رسید (ص ۲-۸۲) و در فهرست مجلس (ج ۲ ش ۱۲۰) نیز بهمین گونه یاد شد ولی در فهرست طوس (ج ۱ ش ۷۵) این حاشیه از آن پدر او آقاحسین خوانساری دانسته شد چنانکه ۲۰ در پایان نسخه ما نیز نویسنده آن چنین پنداشته است در ذریعه (ج ٦ ص ۱٤۲ نیز آنرا از پدر پنداشت با اینکه در ص ۱٤۳ باز از حاشیهٔ پسر یاد نمود در حاشیه نسخه ما (گ ۷ ب) از استاد محقق یاد میشود و پیداست که پسر از پدر یاد میکند . خوانساری در این حاشیه بیشتر بمباحث مشرقی رازی می‌نگرد و یادی از حواشی اشارات باغنوی میکند (حاشیه گ ۳۷ ب) باز از حاشیه اشارات پدر خود میآورد ۲۵ و از آن خرده میگیرد (حاشیه گ ۲ ب) پدر او بر شرح اشارات حاشیه نوشته و روز

دوشنبه ٤ شعبان ١٠٧١ آنرا بپایان رسانده بودوهمین جمال‌الدین بازبرآن حاشیه‌ای
نوشت آقاحسین حاشیه دومی‌هم برآن شرح داردکه پس‌ازدوسال نگاشته ودرآن
برحاشیه سبزواری که پس‌از او نوشته است پاسخ داد (ذریعه ج ٦ ص ١ ـ ١١٠)
پس بیکی ازاین دوحاشیه پدراست که پسر بدان می‌نگرد .

٥ [٢٣١]

٤١٦ این نسخه بخط نسخ خوش با عنوانهای شنگرف ولاجوردی در متن وهامش
بتاریخ روزآدینه ٢٥ محرم ١١١٦ وحاشیه (منه مد ظله) دارد وهمین میرساند
که حاشیه از پسراست ودرروزگاراو نوشته شد نه پدرکه در١٠٩٨ درگذشت
و نویسنده نسخه ما ازاو بمانند مرده یاد کرد نسخه ما ازآغاز ندارد وآنچه هست ازاینجا
١٠ است : «لایلزم ان یکون متحرکا . قوله : طبیعة غیرمحدودة . کان‌المرادبهاقابلة للقسمة
الی غیرالنهایة ولاینتهی قسمتها الی حد .» که درپیرامون عبارت شیخ «وقال قوم انها
طبیعة غیرمحدودة » درفصل١ مقاله٢ سماع طبیعی درباره حرکت س٢٠ ص ٣٥ چاپی
کاوش میشود واین‌آغاز در س٢٢ هامش ص٣٤ چاپی دیده میشود . این حاشیه مانند
چاپی تا عبارت « ثم لایخفی مافی حمل قوله اومعها علی ماذکره من‌التکلف بخلاف
١٥ ماذکرنا فتدبر » (ص ٨٢) در پیراهون سخن شیخ « والاحوال‌التی تعتبر للاجسام من
کمیتها» از فصل ١ مقاله ٣ سماع طبیعی درباره جهت‌کمی طبیعیات (س ١٦ ص ٨٢)
پایان میبابد وآغازحاشیه درچاپی چنین‌است : « قوله‌الفن‌الاول‌فی‌السماع‌الطبیعی الخ
قال بعض سادة‌المحققین طاب ثراه هومایذکرفیه‌المبادی‌العامة لابواب‌العلم (ص ٢) .

(٥٦ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج زرد مقوائی تازه
٢٠ اندازه : ٥ر١٣×٥ر٢٤ و ٧×٥ر١٧ س ٢٤

[١٩٦] حاشیه الشواهد الربوبیه فی‌المناهج السلوکیه (عربی)

ازمولی علی‌بن جمشیدنوری مازندرانی سپاهانی فیلسوف (م‌درسپاهان رجب
بسال١٢٤٦) که جسته جسته وپراکنده ازاشراق سوم شاهدیکم مشهدیکم تااشراق
شانزدهم شاهد دوم مشهد چهارم عباراتی را میآورد و نکته هائی از خود میگوید
٢٥ و درآن بورق و سطر نسخه‌ایکه دردست نوری یا نویسنده حاشیه بوده هم اشاره
میشود .

آغاز : بسمله‌وبه‌نستعین‌فی‌کتاب شواهدالربوبیة‌فی‌المناهج‌السلوکیه درورق

اول قوله الاشراق الثالث ان شمول الوجود ليس كشمول الكلي قوله ليس كشمول الكلي للجزئي تستهديه قوله تعالى الا انه بكل شيء محيط وتلك الوحدة يسمى عند قوم بالوحدة في الكثرة نوری نورالله رمسه .

انجام : حاشيه يك سطر بعد قوله و اشتدت نقمته وربما في ظاهر الامر ان بين ماذكرناه اولا . . . وبين انقطاعه عن كل واحد من اهلها منه . ۵

[۲۳۲]

۸۷۰ این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعلیق محمدعلی کرمانشاهی نویسنده شماره یکم میباشد . گ ۷۳ ب - ۱۰۲ ب .

[۱۹۷] حاشیه مشاعر (عربی)

میرزااحمدبن محمدابراهیم بن الحاج نعمةالله اردکانی شیرازی چنانکه خود ۱۰ در دیباچه نسخه ما میگوید باره سوم که مشاعر صدرای شیرازی را خوانده است اندیشید که آنچه ازاستاد خود مولانا مصطفی العلماء یا دیگران شنیده ویا در کتابها دیده و یا خود درهنگام خواندن و آموختن آن بدان برخورده است گرد آورد این بود که این حاشیه را دربود استاد نگاشته وگاهی هم ازاوخرده گرفت (ص۲- ۹-۲۶-۱۷۳ نسخه ما) او دراینجا ازسرودههای فندرسکی گواه آورد (ص ۱۷۰ ۱۵ خطی و ۷۵ چاپی) . باز پس از مرك استاد دیباچه آنرا گسترش داده و چیزهائی برخود متن افزوده و آنرا « نورالبصائر في حل مشكلات المشاعر » نامیده و بنام وکیل الدوله ساخته واز وی بسیار بستود (دیباچه) و همین دومی است که در کنار مشاعر درتهران بسال ۱۳۱۵ ص ۲-۱۰٤ بچاپ رسید .

۲۰ [۲۳۳]

۲۹۶ این نسخه بخط شکسته تعلیق و عنوان (قوله) شنگرف و حاشیه هائی از اردکانی باعبارت (منه) دارد وآغاز آن نزدیك بچاپی است : « بسمله احمدك اللهم یامفيض الخير والجود» وانجام آن چنین است : « قوله السادس في ان واجب الوجود مرجع كل الامور الخ يعني انه تعالى كل الاشياء وله احتمالات ... انتزع من زيد عدم الكتابة على ان يكون ذلك الفقد الواقعي علة (نزدیك بآن درص۷۵چاپی دیده ۲۵

میشود) و کم دارد و ص ۱۷۵ تا ۱۷۷ سفید باز در ۱۷۹ اندکی از همان بند اخیر دوباره آمده (۱۳ س ستون ۱ ص ۷۵ چاپی) و در ص ۱۸۳ تا ۱۸۷ سخنانی است درباره دانائی خدا که از ابن‌سینا و فارابی و بهمنیار و طوسی در آن یاد میشود.

(ص ۱۹۳ ص) - کاغذ فرنگی . جلد تیماج ساده مشکی

۵ اندازه . ۱۰×۱۵ و ۵×۱۰٫۵ س ۱۴

[۱۹۸] حدوث اجسام (عربی)

در این نامه سخنان فیلسوفان و پیروان دینها آمده و از حدوث جسمها گفتگو گردید.

آغاز : هو بسمله اختلف اهل العلم فی حدوث الاجسام و الوجوه المحتملة بحسب

۱۰ الفرض اربعة.

انجام : ثم حدث من الحرکات السماویة امتزاجات هذه العناصر و منها هذه المرکبات.

[۲۳٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ص ۱۰۸

۱۵ [۱۹۹] حدوث عالم (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی در این نامه از حدوث زمانی جهان بروش خویش گفتگو و در آن سخنان فیلسوفان یونانی را آورد و از شواهد ربوبی خود (ص ۷۹ و ۱۰۲ چاپی) و از رساله کلی طبیعی شیخ (ص ۵۰) و الامد علی الابد شیخ ابی الحسن عامری (ص ۸۳) یاد کرد. از این رساله است که در اسفار او یاد میشود این رساله

۲۰ درمجموع رسائل شیرازی در ایران بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید.

[۲۳۵]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۳ دفتر و بخط شکسته گ ۱۱۷ ب - ۱۱۹ الف و بپایان نمیرسد و بدینجا (و اثبات الحرکة الجوهریة لکل صورة طبیعیه و الاشارة الی نحو) میانجامد.

[۲۰۰] **حدوث عالم** (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی دراین نامه بروش فلسفی حدوث جهان را روشن نمود و درآن از حواشی خویش برالهیات تجرید و شرح جدید آن و از حواشی خفری (۹٦ ب) یاد نمود و از قبسات استاد خود میرداماد آورده و خرده گرفت (۱۰٤ ب) گیلانی آغاز ذی‌قعده ۱۰٤٥ درطوس آنرا بنگارش در آورد. ٥

آغاز : بسمله . . . الحمدلله الذی تفرد بالقدم والازلیه ... فیقول . . . محمد المشتهر بشمساالجیلانی . . . هذه رسالة فی اثبات حدوث‌العالم .

انجام : ای شمع بهرزه‌میگدازی‌خودرا. تمت‌فی‌المشهدالمقدس‌الرضوی ... فی‌اوائل شهر ذی‌القعدة‌المندرج فی سنة خمس واربعین والف وکتب مؤلفهابیده ... محمدالشهیربشمساالجیلانی غفرالله له ولوالدیه ولجمیع من له حق علیهماوعلیه تم ۱۰

[۲۳٦]

۹۲۹ این نسخه شماره ٥ دفتر وبخط تعلیق ریز گ ۹٦ ب ـ ۱۱۰ الف و بهمین خط درهامش حاشیه‌هائی با عبارت (منه دام ظله) دیده میشود و در هامش نوشته است که از روی خط نگارنده نوشته شده پس نسخه را در روزگار شمسا فراهم آوردند. ۱٥

[۲۰۱] **حدوث وقدم وسرمد** (فارسی)

عبدالرحیم رضوی حسینی علوی دراین گفتار واژه های (حدوث و قدم و سرمد) را میشناساند تا مطالبی که دررساله (دانائی خدا) آورده روشن گردد.

آغاز : بسمله والحمدلله رب‌العالمین . . . بخواطرم (؟!) رسید آنکه باین عبارات و بیاناتی که دراین اوراق ثبت گردید. ۲۰

انجام : عبارتش اینست که خدا وخلقش بالتمام (کم دارد).

[۲۳۷]

۸۸۷ این نسخه شماره ٤ دفتروبخط تعلیق گ ٦٦ ب ـ٦۷ ب ازاین پس تاپایان شعرها ونیایش است.

[۲۰۲] **حروف (رساله ...)** (عربی) ۲٥

فیلسوف فارابی دراین رساله که در ص ٥ ـ ۹۱ شناخته شده نخست از مقولات

سپس ازمعانی لغوی وفلسفی عرض سخن رانده آنگاه از« مابالعرض ـ مابالذات ـ جوهر ـ مابذاته ـ محمول بذاته ـ منسوب بذاته ـ موجود ـ شی با اشاره برأی پرمانیدس که لاشی ولاموجود را یکی میداند ـ لغانی که درخطابه و شعر وفلسفه و بکار میرود مانند : ما ـ ای ـ کیف ـ هل ـ الف استفهام ـ نعم ولا ـ لم » بسزا

۵ گفتگو نمود ودر پایان ازهنرهای پنجگانه منطق و پرسش هریك و پیدایش مجازات واستعارات کاوش کرد. ازدین وسیاست نیزدر آن یاد گردید واز آن پیداست که فارابی بزبانهای یونانی وسریانی وفارسی وسغدی آشنائی داشت ولی هیچ یادی از ترکی نمیکند.

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . . . امابعد فان معنی ان الثبات والدوام

۱۰ والکمال والوثاقة فی الوجود والعلم بالشیء (۱) .

انجام : فالسؤال الجدلی یکون بتصریح المتقابلین او یکون قوة ماصرح به قوة المتقابلین و کذلك فی کثیرمن الصنایع واماالسؤال الخطبی فمن ضروب سؤالاته ان یکون ماخذالمتقابلین فقط .

[۲۳۸]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط شکسته بی نقطه در نیمی و درنیمه دیگر شکسته تعلیق روشن بتاریخ سه شنبه ۷ ج ۲ سال ۱۰۷۶ و بی غلط هم نیست گ ۳ ب ـ ۵۲ ب س ۲۵ ـ عنوان رساله در نسخه ما : «رسالة الحروف لابی نصر الفارابی وهومن اکبر مصنفاته واعظمها » و درپایان دارد : « تمت رسالة الحروف للفیلسوف ابی نصر الفارابی » .

۲۰ [۲۰۳] **الحرکة** (عربی)

میرفندرسکی دراین گفتار که برای پیر واستاد خویش در ۵ بند نوشته است

---

۱ ـ پس ازاین دارد : « وموضع ان وان فی جمیع الالسنة بین وهوفی الفارسیة کاف مکسورة حینا و کاف مفتوحة حینا واظهرمن ذلك فی الیونانیة ان واون و کلاهما تاکید الا ان اون الثانیة اشد تاکیدا مانه دلیل علی الاکمل والاثبت والادوم فلذلك یسمون الله اون ممدود الواو وهم یخصون به الله فاذا حملوه لغیرالله قالوا مابان مقصورة و کذلك یسمی الفلاسفة الوجود الکامل انیه الشی وهو بعینه مهیته ویقولون ماانیة الشیء ویعنون ماوجوده الاکمل وهومهیته الاان حرف ان وان لایستعمل الافی اخبارفقط دون السؤال .

[۲۰۳] **الحركة** (عربی)

میرفندرسکی دراین گفتار که برای پیر واستاد خویش در ٥ بند نوشته است از جنبش سخن راند و روشن ساخت که همه جنبندگان بیك جنباننده یگانه‌ای بازمیگردند ودرجهان هستی بمثالهای پلاتونی نیازی نیست ومثالها بیهوده‌اند .

۵ **آغاز** : بسمله قال سیدالافاضل قدوة الفلاسفة الراسخین امیر ابوالقاسم . . . و بعدفانی اریدفی مقالتی هذه ان ابین امر الحركة ... وان المثل المنسوبة الی الافلاطون فضل لایحتاج الیها .

انجام : فاذن المثل الافلاطونية فضل لایحتاج (الیها) الموجودات . فهذا آخر مااردت ایضاحه بایجاز و اختصار مستقیم والحمد لواهب العقل تمت بالخیر .

۱۰ [۲۳۹]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ٦ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ٤۲ ب ـ ٤۳ الف گویا از محمد شریف بن محمد قائمی و باید درلاهیجان میان ۱۰٤۰ و ۱۰۵۱ نوشته شده باشد .

[۲۰٤] **حظیرة الانس من ارکان ریاض القدس** (عربی)

۱۵ دانشمند احمدبن زین العابدین جبلی عاملی (م میان ۱۰۵٤و۱۰٦۰)که در ۱۰۱۲ از بهائی ودر۱۰۱۷ ازداماد اجازه گرفت برشرح تجرید این حاشیه را نوشته ودر آغاز آن گفت که پیشها برحواشی خفری برالهی تجرید تعلیقاتی بنام ریاض القدس نوشتم . چون خوانندگان کم مایه را خسته میکرد از آن گزین نموده واز گفته‌های فیلسوفان بویژه شفا در آن آوردم و آنرا « حظیرة الانس من ارکان ریاض القدس » ۲۰ نامیدم ودر آغاز ذی حجه ۱۰۳۷ است که بنگارش آن میپردازم . او بروش کلامیان ومشائیان و اشراقیان دراین حاشیه سخن رانده و از فارابی و ابن سینا وبهمنیار و سهروردی وامام رازی وداماد وسماکی (۸۰ الف و ۵۸۵ ب) و تفسیراو (٤۰۵ب) ودیگران یادکرد وبروش داماد نگاشته است (۱) .

---

۱ — او درپایان از سه نگارش فارسی خویش « مصقل فی تجلية آینه حق نمافی رد ۲۵ مذهب النصاری — اللوامع الربانية فی ردالشبهات النصرانیه من کتب الاناجیل الاربعة — صواعق الرحمن فی رد مذهب الیهود ان نقلا من التورية » یاد میکند . وی کتابی در تفسیر بفارسی بنام لطائف غیبی دارد ش ۷٤و۲٤ که در۱۰۳۳و۱۰٤٤ آنرا نوشت .

آغاز : بسمه عونك یاواهب‌الحیات و ملهم‌الخیرات . . . فیقول . . . احمدبن زین‌العابدین‌العلوی .

انجام : نقلامن‌التوریة فقد (تم) کتاب‌الموسوم بخطیرةالانس من‌ارکان‌کتاب ریاض‌القدس ویتلوه کتابناالموسوم بروضةالمتقین فی مبحث امامةالائمةالمعصومین .

۵ [۲٤۰]

۳۱۰ این نسخه بخط نسخ و شکسته تعلیق روشن بتاریخ ۱۰۵٤ ودرگ ۲۱ ب حاشیه‌ای داردباعبارت (منه مد ظله العالی) ودرخیلی جاهاعنوانها بشنگرف است درپایان دارد : (تمت سنة ۱۰۵٤) و نسخه نوشته روزگار اوست .

(۵۸٦ گ) ــ کاغذ سپاهانی - جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ۱۳×۲۲ و ٥ر۷×٥ر۱٤ س ۱۷

[۲۰۵] **حقیقت و کیفیت سلسله موجودات و تسلسل اسباب و مسببات** (فارسی)

شیخ رئیس دراین گفتار بروش پرسش و پاسخ رشته هستی ها را چنانکه مشائیان میگویند گزارش داد .

آغاز : بسمله وله‌الحمد دائماً و کفی جوده . . . با کرم دوستی که دوستی

۱۵ وی خدای را بودنه ریارا درخواست تاحقیقت و کیفیت سلسله موجودات‌وتسلسل اسباب ومسببات بیانی رود بفارسی .

انجام : و شرح ایندو طریق عمرها باید و وقتهای مساعد تا برسبیل اجمال اینقدر گفته شد والله اعلم بحقائق‌الامور .

[۲٤۱]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بن یوسف باعنوانهای شنگرف ۱۳ ــ ب - ۲۰ ب نسخه از آن درطوس هست (ج ٤ ش ٦٤۳ ص ۱۲۵) .

[۲۰٦] **حکمت عرشیه** (عربی)

شیخ رئیس (حکمة عرشیه) راکه خزر جی (عیون الابناء ج۲ص ۱۹س ۲۹) درباره آن « وهو کلام مرتفع فی‌الالهیات » گفته و بیهقی آنرا (حکمة قدسیه) نیز

۲۵ خوانده است (ص٤٦و٥٦) بدرخواست برخی‌ازنزدیکان درباره حقایق خداشناسی

درسه اصل (بود خدا ـ یگانگی او ـ نبود علتها برای او) نگاشته و میگوید از دیگران در این نامه هیچ پیروی نکردم نسخه‌ای از آن با (حکمة مشرقیه) در کتابخانه مسعودغزنوی، درغزنین که از تاراج شهر سپاهان در ٤۲۷ فراهم آورد بوده وعلاءالدین حسین جهانسوزغوری بسال ٥٤٦ آنها را بسوزاند (بیهقی ص ٥٦) .

٥ این حکمت قدسی یا عرشی ومشرقی را گویا شیخ پس از نگریستن بسخنان پلوتینوس درتئولوگیا (گزیده انئاد) و آشنائی با گفته های صوفیان و نگارشهای باطنیان فراهم آورد. دانشمندان خاوری (مشرقیون) که او در برابر باختریان (مغربیون) یادمیکند نه چنانکه دکتر بدوی درارسطوعندالعرب (ص۲٤) پنداشته است مشائیان بغداد در برابر شارحان یونانی نیستند چه شیخ آنهارا ناتوان و ترسایان ۱۰ آنهارا بی‌خردمیخواند و تازه آنهابجز گفتّه‌های همان شارحان چیز دیگری ندارند. و میتوان از سنجش سخنان عرفانی و تأویلی شیخ که فراوان هم هست باگفته های صوفیان و باطنیان چنین پنداشت که او ازخاوریان دانشمندان ایرانی عارف یاباطنی را میخواهد نه متکلمان ومشائیان بغداد که ازآنها نکوهش میکند. این نامه دردکن بسال ۱۳٥۳ بچاپ رسید .

۱٥ [۲٤۲]

۱۰۳٥ این نسخه شماره ٤٤ دفتر است و بخط تعلیق زیبای محمد ناصرالدین بن نورالدین ص ۳۹۳ — ٤۰۰ .

[۲٤۳]

۳۸٤ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای ۷ رساله که همه آنها بخط تعلیق و ۲۰ نو نویس ازروی نسخه تاریخ ۱۲٦٦ بدستوردانشمند بزرگوار واقف فراهم آمده. پایان نامه چنین‌است : والحمد لواهب العقل وملهم الصواب (مانند ۱۰۳٥) اللهم افض من نورهدایتك علینا ... حتی نرزق جوارك فی المقام الاعلی والالتذاذ بمشاهدة جمالك فی المقصد الاقصی انك اهل التقوی واهل المغفرة برحمتك یاارحم الراحمین ص ۱ — ۲۷ .

(۴۰ گ) کاغذ فرنگی جلد مقوا ـ جلد مقوا

اندازه : ۷×۲۱ و ۱۳×۱٦ س ۹

[۲۰۷] **حکمة العین** (عربی)

نجم‌الدین ابو الحسن علی بن محمد دبیران کاتبی قزوینی م۶۷۵ فیلسوف منطقی نامور ایران این نامه را درطبیعی والهی پس از رسالة‌العین درمنطق نگاشته است .

آغاز : سبحانك یا واجب . . . . ان جماعة من اخوانی . . . . لما فرغوا من
۵ بحث الرسالة المسماة بالعین فی المنطق . . . . التمسوا منی ان اضیف الیهـا رسالة فی العلمین الالهی والطبیعی .

انجام : وهی قوة مجردة عن المادة لمامرولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه الرسالة ولواهب العقل الحمد بلانهایة والصلوة والسلام علی محمد وعترته بغیر عدد وغایة .

۱۰ [۲۴۴]

۱۴۸ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط نسخ و محمد موسی بن محمد رضا مشهدی آنرا درپنجشنبه دهه سوم ع ۱ سال ۱۱۰۴ نوشته است برك ۶۱ ب تا برك ۱۱۲ الف و نخستین آن تلخیص المفتاح وسوم آن مشاعر شیرازی میباشد .
(۱۵۲ برگ) .کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده یك لا
۱۵ اندازه : ۱۲×۱۷ و ۹×۱۴ س ۱۷

[۲۰۸] **الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة** (عربی)

فرزانه دانشمند صدرای شیرازی (م ۱۰۵۰) این کتاب را درفلسفه مخصوص خویش که آمیخته‌ایست از سخنان مشائیان و اشراقیان و عارفان نگاشته است او برخلاف استادخودمیرداماد که شاید ازترس ظاهریان بسیاردشوارو پیچیده مینوشت
۲۰ روان وشیوا وساده ولی پرمغز نگاشته فلسفه را دردسترس همه گذاشت گرچه این فیلسوف بمانند استاد در نگارشهای خود نصوص دینی راگواه میآورد وآنها را با قواعدفلسفی سازش میدادولی شاید روی همین ساده نویسی بود که از آزاروشکنج دشمنان نیاسود چنانکه در دیباچهٔ برخی از کتابهـا از سختگیریها که درباره اش روابداشتند مینالد ودر « الواردات القلبیه » ص ۲۵۸ ازفقیهان وستایشگران دربار
۲۵ نکوهش میکند . او دردیباچهٔ همین « الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیه » که آنرا چنین نامیده ودر « اتصاف الماهیة بالوحود » آنرا الاسفار الابعه خوانده‌است .

میگوید که درجوانی بفلسفه‌الهی پرداخته وبنگارشهای فیلسوفان پیشین ویونانیان
می نگریستم و میخواستم کتابی جامع بنویسم ولی روزگاریکه بدان دچار شدم
نمیگذاشت ناگزیر گوشه‌ای گزیدم و چیزی ننوشتم تا اینکه بنگارش این کتاب
پرداختم (۱) . شیرازی دراین کتاب ارجمند از کلیات طبیعی و الهی گفتگو کرده
ودر آن ازنگارشها فیلسوفان وعارفان بهره برد ولی روش استدلالی مباحث مشرقی ۵
رازی در آن بسیار پیدا است اودراینجااستدلال را باشهود بیامیخت وبرخی مسائل
(اصالت وجود ـ حرکت جوهری ـ اتحاد عاقل و معقول ـ حدوث عالم ـ تجرد
خیال ـ مثال افلاطونی ـ عالم مثال ـ رستاخیز) را با برهان روشن ساخت .
این کتاب درچهار بخش است (هستی ـ گوهروعرضها ـ خداشناسی ـ روان)
وهریك برابراست با یکی ازچهارسفر که عارفان را است . ۱۰

[۲٤۵]

۲۵۷ دراین نسخه بخش نخستین (الحکمة المتعالیه) است وبخط تعلیق زیبادرجدول
زرین با سرلوح زیبا بزر وشنگرف و لاجورد میباشد و عنوانها بشنگرف
است ودرسپاهان بسال ۱۲٤۵ نوشته شده است .

(۲۳۲ برگ) کاغذ فرنگی . جلد تیماج قهوه ضربی‌مقوالی

اندازه : ۱۴×۲۴ و ۸٫۵×۱۷ س ۲۴

---

۱ ـ ازاینجاپیداست که شیرازی نخستین بار بنگارش اسفار پرداخت ولی ازبازگشتهائیکه
درهریکی ازنگارشهای خود بدیگری میدهد پیدااست که بسیاری از کتابها را باهم نوشته
است. اودراسفار(چاپ تهران در ٤ بخش بسال ۱۲۲۲ و ۱۲۸۲)ازرساله حدوث یادنمود ودرفصل ۲۵
٦منهج ۱مرحله ۱ آن ازحشرالعوالم یاطرح الکونین ودرهمان حدوث ص ۷۹و ۱۰۲ ازشواهد
ربوبی(چاپ تهران ۱۲۸٦)ودر آن ص ۱٤۸ ازمبدء ومعاد که بسال ۱۰۱۵ بپایان رساندودردیباچه
آن ص ۳ از اسفار یادگردید چنانکه درهمان حشر ص ۳٤۳ از اسفار یاد میشود. دردیباچه
مشاعر ص ۷ از کتابها ورساله ها ودرعرشیه ص ۱۱۹ ازکتابهای بزرك وازاسفار ص ۱٤٤
وازکتابهاورساله ها وحدوث ص ۱۲۷ و ۱٦٦ وازحواشی شرح حکمة الاشراق ص ۱۳۳ ودراین ۳۰
حواشی (چاپ شده درکنارهمان شرح ص ۳۰۹و ۵۳۵) از اسفار وشواهد ربوبی یاد میشود
دررساله تصوروتصدیق اوکه همراه الجوهرالنضید درتهران بسال ۱۳۱۱ با رساله اتصاف
الماهیة بالوجود چاپ گردید درص ۸ از اسفار یاد شد و در حاشیه شفای او چاپ ۱۳۰۳
تهران ص ۱۲٦ و ۲۱۱ ازکتابها ورساله ها و ازاسفار یادگردید .

[۲٤٦]

۲۵۸ بخش دوم (الحکمة المتعالیه) است با همانگونه خط شماره ۲۵۷ و بتاریخ ۱۲٤٤ نوشته شد .

(۱۵۲ برك) - کاغذ فرنگی - جلد روغنی و هردو سویش کتیبه وگل و بوته دارد ورنگارنك وزمینه مشکی است .

اندازه : ۱٤٫۵×۲٤٫۵ و ۹×۱۷ س ۲٤

[۲٤۷]

۲۵۹ بخش سوم (الحکمةالمتعالیه) است با همانگونه خط شماره ۲۵۷ و درتاریخ ۱۲٤٤ نوشته شد .

(۱۵۳ برك) کاغذ فرنگی - جلد روغنی مانند شماره ۲۵۸

اندازه : ۱٤٫۵×۲٤٫۵ و ۹×۱۷ س ۲٤

۱۰

[۲٤۸]

۲٦۰ بخش چهارم (الحکمةالمتعالیه) و پایان آنست با همانگونه خط شماره ۲۵۷ ودر۱۲۳۹ نوشته شد ودرهامش برك (۱ب) نوشته‌است(...یوم‌الاثنین‌سابع‌شهر رجب‌المرجب من شهور ۱۲۳۷) .

(۱۲٤ برك) -کاغذ فرنگی - جلد روغنی ومانند شماره ۲۵۸

اندازه : ۱٤×۲٤ و ۹×۱۷ س ۲٤

۱۵

[۲٤۹]

۳۸۵ این نسخه نیزبخش چهارم (کتاب نفس) است وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌ها بخط شکسته میباشد ودرپشت کتاب بخط و مهرعلم‌الهدی محمد پسر فیض کاشانی درتاریخ ۱۰۸۷ نوشته شده که ازروی‌نسخه‌نوشته‌شده‌ازروی نسخه

۲۰ فیلسوف شیرازی این نسخه را نوشته‌اند .

(۲۸۸ برك) کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سبز مقوائی تازه

اندازه : ۱۷×۲٦ و۱۰٫۵×۱۸ س ۲۵

[۲۵۰]

۳۸٦ این نسخه نیزبخش نخستین است وبخط تعلیق شکسته ریزباعنوانهای شنگرف وحاشیه‌هائی‌هم دارد ونویسنده آن‌محمدرضابن‌محمد قدیم‌بن محمد کریم تبریزی است که درسپاهان درشب ۲۹ صفرسال ۱۲۳۲ ازنوشتن آن بیاسود .

(۲٤۳ برك) - کاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی

اندازه : ۱۸-۲٦٫۵ و ۹-۱۹ س ۲۵

[۲۰۹] **الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدءاً زمانیا** (عربی)

خواجه ابوعلی سینا دراین رساله که یازده فصل است پس‌از آوردن چندین مقدمه منطقی وفلسفی از حدوث و قدم زمانی جهان بروش مشائیان گفتگو میکند ودلیلهائی که دسته‌ای آوردند و برای گذشته آغاززمانی نپنداشتند میسنجد وآنهارا بساخت قیاسهای منطقی برمیگرداند وروشن میکند که زمان و گیتی را آغازی نیست ۵
چنانکه درمبدء ومعاد و نجات وفصل ۱ مقاله ۹ الهی وفصل ۱۱ مقاله ۳ سماع طبیعی شفا نیزچنین گفت سید داماد درقبس ۷ قبسات بسخنان شیخ نگریسته ودرص ۱۸۰ ازاین رساله یاد نمود .

آغاز : قال ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا البخاری هذه رسالة عملتها فیما تقرر عندی من الحکومة فی حجج المثبتین للماضی مبدءاً زمانیاً و بیان تحلیلها الی ۱۰
القیاسات بصورها و بمادة مقدماتها معها .

انجام : فاذا بلغنا هذا المبلغ فلنختم المقاله و ههنا شبه اخری لم اتعرض لها اذاکان المشغول شرحه وایضاحه هو هذاالنمط من الشبه والحمدلله رب العالمین .

[۲۵۱]

۳۸٤ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط تعلیق نونویس از روی نسخه تاریخ ۱۲٦٦ ۱۵
میباشد قنواتی درش ۷۵ بنام (النهایة واللانهایة) ازآن یاد نمود ودرآغاز نسخه او پس‌ازعبارت بالا دارد : « وقدقسمت هذه‌المقاله الی فصول عشر » ودرفهرست طوس (ج ٤ ش ٦۹٤ ص ۱٤۲) ازآن بنام (رساله درمبدء زمان ماضی) یادگردید .

[۲۱۰] **حل مشکلات الاشارات** (عربی) ۲۰

اشارات شیخ رئیس ابوعلی سینا چون دشوار بوده و باعباراتی کوتاه معانی فراوان و باریك درآن گنجانده شده بود دانشمندان روزگار بشرح آن پرداختند . یکی ازآنها خواجه طوسی (۵۹۷ــ٦۷۲) میباشد .

او چنانکه در دیباچه شرح خود مینگارد این کتاب را برای روشن ساختن اشارات شیخ و رد اعتراضات فخررازی نوشته است ودرنیمه صفر ٦٤٤ آنرا بپایان ۲۵

رساندوروایت‌نخستین‌سلامان وابسال راپس ازاین و روایت دوم آنرا پس ازبیست سال (٦٦٤) بر آن افزود .

[۲۵۲]

۲٤٧ این نسخه شمارهٔ ۱ دفتر وهمه شرح اشارات را دارد ودر انجام آن چنین آمده: «والله ولی‌السدادوالرشاد ومنه‌المبدء والیه‌المعاد وهومعین‌صالحی‌العباد و حسبناالله ونعم‌الوکیل نعم‌المولی ونعم‌النصیرفرغ‌المصنف اعلی‌الله محله من‌تصنیفه فی‌اواسط صفرسنة اربع واربعین وستمأئة» وعبارت « رقمتاکثرهافی حال‌صعب» تاپایان نسخه چاپ تهران (۱۳۰۵) را ندارد. گ ۱ الف تا ۱٦۷ الف ــ شماره۲ گزیده کمال‌الدین بحرانی‌است ازداستان سلامان وابسال ترجمه حنین بن اسحاق

۱۰ این نسخه بخط نسخ نوشته شده وتاریخ نوشتن شرح اشارات ٤ ج ۲ سال٦۷۲میباشد ونویسنده آنرا برای خود نوشته و۲۸ سال پس ازنگارش خواجه و۱٤روز وشش‌ماه پیش ازمرگ وی،که در روزغدیر۱۸ دی‌حجه ٦۷۲ رخ داده بود بپایان رساند.ازآغاز تابرك ۱۹ بنسخ ریز وازبرك ۲۰تا۲٤ بنسخ درشت‌ترمیباشد واین دوخط ماناتازه‌تر است وازبرك۲٤ تابرك‌پایان بنسخ‌درشت وبا اعراب است عنوانها بشنگرف‌ودرشت‌تر

۱۵ ازمتن‌میباشد حواشی‌دارد بتعلیق ودرشرح لغتها بفارسی‌وبخط تازه‌تری است وحواشی دیگری بتازی دارد .

از دارندگان نسخه نام‌اینها دیده میشود : فضل‌الله حسینی — نجم‌الدین بن عبدالعلی— محمدتقی بن شیخ‌احمد جوهری درتاریخ ج ۱ سال ۱۹۱ (?!)

(۱٦۸ برگ) .کاغذ ترمه سمرقندی . جلد تیماج سرخ زرکوب مقوائی

۲۰ اندازه : ۱۷×۲٦ و ۱۲× س ۳۵

(۲۱۱) حی‌بن یقظان (عربی)

شیخ‌رئیس سه داستان مرموزفلسفی وعرفانی (سلامان وابسال ــ حی‌بن یقظان‌ــطیر) دارد و دومی را درفردجان نوشته و در آن گفته که بدرخواست‌یاران آنرا نگاشته وگزارش داده‌ام .

۲۵ گویا این داستان برسر زبانها بوده یا اینکه خود او درجای دیگر از آن یادکرده وشاگردان گزارش آنرا ازوی خواستند گویند شیخ دررسالهٔقدرازحی‌بن یقظان و ابسال یاد نمود

بگفته ابن سبعین م ٦٦۹ شیخ در ایندااستان از آئین (نوامیس) پلانون

و گفتار صوفیان پیروی نموده از تمدن و شهرنشینی و فلسفه کاوش کرد این سخن تا اندازه‌ای هم درست است چه پلاتون در آنجا خود را بنام یك بیگانه ناشناس آتنی نشان داده دربارهٔ ریشهٔ قانون با یاران خویش گفتگو کرد . فیلسوف فارابی که از جمهوری و آئین گرفته است در سیاسات مدنیه (ص ۵۷) از نوابت و در آراء مدنیه فاضله ص ۱۰۹ از متوحد یاد نموده و در تحصیل السعاده ص۴۶ گفته است که رهبر شایسته کشور خود بخود رهبر است خواه کسی ازش بپذیرد یا کسی او را یار نباشد و ناشناخته بماند همه اینها کسی را بیاد میآورد که خود بیاندیشد و بجهان بنگرد و براز آن برسد و نیك و بد را از هم باز شناسد ابن باجه هم که تدبیر المتوحد نوشته است اندیشه چنین کسی را در آن نمایانده و در ص ۱۰ و ۵۴ از دو واژه « نوابت یا خودرو و متوحد » یاد نمود. شیخ رئیس در این داستان هم اندیشه و پندار یك مرد گمنام آزموده را نشان میدهد و شاید در نگارش آن از داستانهای ایرانی و بودائی که در اخوان صفا دیده میشود نیز بهره برده باشد میگویند ریشه آن همان داستان نوپلاتونی قبطی « ایمن ذریس ـ مردمدار » است که از هوملس دانسته شده (۱) .

[۲۵۳]

۱۰۷۴ این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط تعلیق گ ۲۱۶ الف ـ ۲۲۰ب میباشد .

---

۱ ــ حی بن یقظان را مهرن با ترجمه و گزارش گزیده آن بفرانسه بسال ۱۸۸۹ در لیدن بچاپ رساند و در جامع البدایع و در مصر بسالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۲۷ و ۱۳۴۰ و با حی بن یقظان ابن طفیل و سهروردی در ۱۹۵۲ بچاپ رسید و بعبری نیز ترجمه شد (طریحی ۱۰۲) ابن زیلای مجوس سپاهانی و جوزجانی (بیهقی ص ۹۴) و باباافضل کاشی بر آن گزارش نوشتند .

نگاه به : ذریعه ج ۷ ص ۱۲۹ ــ سر گذشت جوزجانی - شرح طوسی بر اشارات ــ دیباچه احمد امین بر چاپ اخیر این داستان ص۱۷ ــ متون ماسینیون ص ۱۲۹ ــ دیباچه ساز و پیرایه کاشانی چاپ ۱۳۱۱ ــ ابن طفیل اندلسی بپیروی از شیخ حی بن یقظان دیگری نوشته و در پایان آن داستان سلامان را آورد و ریشه آن گویا افسانهٔ (بت و شاه دخترش) باشد که در پیرامون اسکندر ساخته‌اند و نسخه آن با حروف لاتینی آراگون سده ۱۶ در اسکوریال هست و اورنك فلسفی بدان داد . Gracian Balthazar در Critieon (سرقسطه Saragozza ۱۶۵۱) هم از این افسانه بهره برده است (دیباچه احمدامین ص ۹ ــ ۱۳ ــ ۱۴) داستان ابن طفیل را فضل‌الله بن جهان هیجی اصفهانی بپارسی کرد (دیباچه صلیبا بر چاپ ۱۹۳۵)

[۲۱۲] حی بن یقظان منظوم (عربی)

دراین بیتهاداستان حی بن یقظان بنظم در آورده شده وسراینده آن دانسته نشد
آغاز:

حی بن یقظان ماحی بن یقظانا
۵ سبحان موجد ذاك الشیخ سبحانا
شیخ من البلد القدسی منشأه
سری الینا فحیا و احیانا

انجام: لاشیء الطف منها ان من عرف القدیم اصفی جمیع الخلق اذهانا.

[۲۵٤]

این نسخه شماره ۱۸ دفترو بخط نسخ خوش درچهارستون چلیپا ص ۱٦٨-۱۷۲
۱۰۳۵ و در پایان دارد « تمت القصیدة والحمدلله علی نعمائه الحمیدة فی شهر شعبان سنة ۱۰۹۷ ».

[۲۱۳] خزائن (عربی)

دانشمند مولی احمدبن مولی مهدی نراقی م ۱۲٤٥ این کتاب را کـه مانند
۱۵ کشکول بهائی جنگی است درهمه دانشهای آن روزگار نگاشته دنباله مشکلات العلوم
پدرخود دانشمند مهدی نراقی م ۱۲۰۹ ساخته است و چندین بار یکی در ۱۳۰۸
بچاپ رسید.

[۲۵۵]

این نسخه بخط نسخ با نشانه‌ها و شکلها و عنوانهای شنگرف و محمد مسیح
۸۳۷ موسوی خوانساری در ۱۲۵۰ آنرا نوشته است و از دیباچه کمی ندارد و چنین
آغازمیشود: « ونقلیة و فوائد عجیبة ودقائق غریبة ولکنه طاب ثراه اقتصرفیه
علی المشکلات... وسمیتها بالخزائن ».

(۱۳۳گ) - کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج زرد ضربی
اندازه: ۱۵×۲۱ و ۱۰×۱۴ س ۲۲

۲۵ [۲۱٤] خلق اعمال (عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ ـ ۹۰۸) درباره آزادی خواست واراده این رساله را

نوشته ودر آن از گفتار اشعری یاری نموده و گفت که او باندیشه خویش یا از روی سخنان
پیامبر بتوحید افعال رسید دوانی در اینجا ازشفا و تحصیل بهمنیار و رساله طوسی
و رساله دقیق عمر بن الخیام شاگرد شیخ رئیس که همه از توحید افعال گفتگو کردند یاد
میکند و میگوید که اگر عازم سفر نمی بودم برخی از سخنان خیام را گزین میکردم وی
در پایان بخبر کلیات خمس علی (ع) اشاره میکند و میگوید که توحید افعال وصفات ۵
وذوات در آن آمده است .

آغاز : بسمله اما بعد حمدالله فتاح القلوب مناح الغیوب . . . فقد سالنی . . .
مولانا سعید الملة والدین محمد السدنی الاسترابادی ... ان اکتب ماحضرنی فی الوقت
من الدقائق المتعلقة بمسئلة خلق الاعمال .

انجام: ویکفی فی تحقیق هذه المراتب الکلیات الخمس المأثورة عن امیر المؤمنین ۱۰
ویعسوب الموحدین علی بن ابی طالب . . . فی جواب کمیل بن زیاد . . . فلینظر بنظر
دقیق ویتفکر فیه بفکر عمیق ستجلی علیه انوار التحقیق والله ولی التوفیق .

[۲۵٦]

این نسخه شماره ۱۱ دفتری است دارای ۱۳ رساله و گفتار که بیشتر بنسخ
۸۸۱ با عنوانهای شنگرف و گاهی بتعلیق است و نویسنده آنها محمد بن فتح الله ۱۵
بسطامی میباشد که درمدرسه رزم ساریه قزوین ودر باغ قاید حسن در تاریخهای
۱۰۰۳ وروز آدینه ۱ وروز یکشنبه ۲ ع ۱ (؟) وروز شنبه ١٤ وروز پنجشنبه ۱۷ ع
۲ (؟) وروز شنبه ۱۹ ج ۲ سال ۱۰۰٤ وروز دوشنبه ٥ ذیحجه سال ۱۰۰٥ ودر سال
۱۰۱٤ برای دارنده نسخه صدرالدین محمد تبریزی نوشته است واین نسخه بخط نسخ
تاریخ روز یکشنبه ۲ ع ۱ سال ۱۰۰٤ ازهمان نویسنده است از گ ٤٥ ب تا ٤٨ ب ۲۰
و گ ٤۹ الف ـ ٥٦ الف گفتارهای پراکنده است . نسخه ازاین نامه دوانی درطوس
هست (ج ٤ ص ۱۲۷ ش ٦٤۷) .

(همه دفتر ۱۳۳گ) کاغذ سپاهانی ــ جلد مقوا نه میشن
اندازه : ۱۲٫٥×۱۹٫٥ و ۷٫٥×۱۲ س ۲۱

[۲۱٥] **خلق اعمال** (عربی) ۲۵

دانشمند صدرای شیرازی بمانند استاد خویش فیلسوف داماد که ایقاظات
و خلق اعمال (ش ٦٤۷ ص ۱۲۷ ج ٤ فهرست طوس) نگاشته است این گفتار را
بپرداخت وی در آغاز میگوید که چون سخن درباره سر نوشت و آزادی دشوار

و مایه سرگشتگی بود ما این نامه را نگاشتیم و گفته های دانشمندان (اختیار ـ جبر ـ امر بین‌الامرین یا علیت خدا وقابلیت مستقیم وغیرمستقیم موجودات دربرابر فیض او) را در آن میاوریم سپس روش اهل‌الله یا وحدت وجود را یاد میکنیم این نامه دررسائل شیرازی بسال ۱۳۰۲ ص ۷ـ۳۷۱ ودرکنار کشف‌الفوائد حلی بسال ۱۳۰۵ بچاپ رسید . ۵

[۲۵۷]

۴۳۱ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ محمدعلی بسال ۱۳۰۱ میباشد گ ۱ ب ـ ۱۱ الف

[۲۵۸]

۸۷۱ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی که درمدرسه سپهسالار میرزا محمدخان قاجار بسال ۱۲۹۹ آنرا نوشت گ ۹۱ ب ـ ۹۳ ب این هردو نسخه تمثیل پایان رساله (س ۱٦ ص ۳۷۵ ـ ص ۳۷۷ چاپ ۱۳۰۲) را ندارد .

[۲۱٦] **داستان سلامان وابسال** (عربی)

این داستان فلسفی را حنین‌بن اسحاق (۱۹۴ـ۲٦۴) ازیونانی‌بتازی درآورد و آن‌در تسع رسائل درمصر بسال ۱۹۰۸ودرآستانه‌با روایت ابن خلکان ازسلامان ۱۰ وابسال شیخ بسال ۱۲۹۸ بچاپ رسید . سپس کمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی فیلسوف روزگارطوسی آن ترجمه را بااندك افزایش وکاهشی درعبارت‌گزین نمود (نسخه‌ها)و آن‌در کنارشرح‌اشارات طوسی‌چاپ۱۳۰۵(نمط نهم)بچاپ‌رسیدبی‌آنکه نامی از بحرانی درآن‌برده شود. شیخ رئیس بگواهی جوزجانی درسرگذشت نیز همین داستانرا نوشته و در آغاز نمط ۹ اشارات ازآن یاد کرد رازی چون از این ۲۰ داستان آگاه‌نبودنتوانست درشرح اشارات سخن شیخ راروشن کند. طوسی‌دراینجا نخست ازافسانه‌های تازی یاد نمودآنگاه روایت نخستین (۱) راکه گزیده کوتاهی

۱ـ این روایت را جامی (۸۱۷ ـ ۸۹۸) بنام یعقوب بیك پسراورن حسن‌آق‌قوینلو (۸۸۳ ـ ۸۹٦) بنظم درآورد که رشید یاسمی‌درتهران بسال ۱۳۰٦خ بچاپ رساند و نظم جامی را اگوست بریکتو Aug. Bricteux بنثرفرانسوی ترجمه کرده وباسرگذشت جامی ۲۵ وترجمه روایت نخستین طوسی وبادیباچه‌ای درفلسفه وادب فارسی درپاریس‌بسال۱۹۱۱ چاپ کرد .

است از ترجمه حنین و پس‌از پایان دادن شرح خویش یافته بود بر آن افزوده و گفت که این را فیلسوفی نادان برای گزارش سخن شیخ ساخته است . پس‌از بیست سال (٦٦٤) روایت دومی از آن که جز داستان حنین است جسته و برشرح افزوده وگفت که این از شیخ است وگویا همان باشد که جوزجانی یاد نمود و شیخ نیز دررساله قضا وقدراز آن (وازحی‌بن یقظان(١)) نامبرده است وعبارت اشارات هم با همین روایت میسازد و من گفتار شیخ را درباره این داستان نیاورده‌ام تا سخن بدرازانکشدشیخ‌در آغازرساله(طلسمات و نیرنجات) میگوید : ازمن‌داستان ابسال وسلامان که برتوده مردم پوشیده است پرسیده‌ای و من پس‌از آن از جادو وطلسم ونیرنگها وشگفتیها که کمتر از طبیعت سرمیزند آوردم و روشن میسازم که هریك چیستند تابتوان براز پوشیده رسید (٢) .

درداستان حنین که بحرانی از آن گزین نمود اندیشه یونانی و قبطی باهم آمیخته ومردی را نشان میدهد که نه از پدر ومادر آفریده شده است . ابن طفیل م ٥٨١ حی‌بن یقظان خویش را برپایه سرگذشت چنین مردی نهاده ودرپایان آن این داستانرا بریخت دیگری آورده است .

[٢٥٩]

٢٤٧ این نسخه شماره ٢ دفتریست دارای شرح اشارات طوسی گ ١٦٧ ب تا ١٦٨ب وبهمان خط نسخ شرح اشارات وبی‌حاشیه وساده‌میباشد وپیداست که درروزگارخواجه نوشته شده است .

آغاز نسخه : « هواللطیف ـ قال‌الحکیم کمال‌الدین‌البحرانی رحمه‌الله تعالی (تااینجا درنسخه چاپ تهران نیست) هذه قصة سلامان وابسال اللذین کانا فی زمن هرمانوس الملك بن هرقل السو فسطیقی انتجنت من نقل حنین ابن اسحاق من‌الیونانی الی‌العربی والکتاب‌الذی انتخبت منه کان بخط‌الشیخ ابی‌الحسین (ابی حسین ـ درچاپ تهران) اللوکری قال کان فی‌الزمن‌القدیم قبل طوفان النارملك یقال له هرمانوس » وانجام داستان درچاپ‌تهران چنین است : « وکان آخرما کتب‌الالواح من لسان‌سلامان

---

١ ـ دیباچه حی‌بن یقظان چاپ دمشق ١٣٥٤ ص ت .

٢ ـ چاپ تهران درکنارشرح هدایه شیرازی‌ص ٣٤٥

ان اطلب العلم والملك من العلويات الكاملات فان الناقصات لاتعطى الا ناقصا . و آخر دعوانا ان الحمدلله . . . وسلم » .

انجام نسخه ما این است : « ان يهلك ابسالاحتى يستريح منهافقال له هرمانوس ايها » وبرابراست با سطر۱۳ ص ۱٦۳ ترجمه حنين وسطر ٦٦ هامش صفحه ۲ نمط ۹ شرح اشارات چاپ تهران وبيشتر ازنيمه اين داستان درنسخه ما نيست . ۵

[۲۱۷] **دره فاخره** (عربی)

فرزانه روشن بين عبدالرحمن دشتی فارسی جامی (۸۱۷–۸۹۸) این نامه را درباره آئین صوفیان ومتکلمان وفیلسوفان باستانی وسخن آنها درباره هستی خدا وچگونگی آفرینش این همه هستی‌ها ازخداوند یکتا نگاشته است .

۱۰ **آغاز** : بسمله وبه نستعين الحمدلله الذى تجلى لذاته بذاته فتعين فى باطن علمه مجالى ذاته وصفاته ... فهذه رساله فى تحقيق مذهب الصوفيه والمتكلمين والحكماء المتقدمين وتقرير قولهم فى وجود الواجب . . . وكيفية صدور الكثرة من وحدته .

انجام : و قال الحكماء افعال العباد واقعة على سبيل الوجوب . . . اذا قارنت حصول الشرايط وارتفاع الموانع والله اعلم .

[۲٦۰]

۸۹۷ این نسخه شماره ۸ دفتراست وبخط نسخ تاریخ ۱۰۹۷ گ ۱۵۳ الف ــ ۱۹۵ الف . درطوس شش نسخه بشماره‌های ۱۷ (ج۱ ص ۱۵) و ۵٦٦ تا ۵۷۰ (ج٤) ازاین نامه هست که درپایان یکسان نیستند ونسخه ما مانند شماره ۵٦۷ میباشد . میرزا محمدحسین رئیس الکتاب ازدارندگان این دفتر بوده ومهر او دیده میشود (۹۷ الف و ۱۳۰ الف) .

۲۰ [۲۱۸] **الدعاوى التنبيهية** (عربی)

این نگارش فارابی درص ۹۱ شناسانده شده است .

[۲٦۱]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ٦ دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌های شنگرف گ ٦۷ ب ــ ۷۲ الف. ده‌بند ازافلاطون وسه بند ازسقراط و۲ بند ارسطو دردنبال دیده میشود عنوان رساله‌در نسخه‌ماچنین‌است : « الدعاوى التنبيهية المنسوبة الى ارسطاطاليس الحكيم محررة عن الحجج لابى نصر الفارابى » .

[٢١٩] **ذکر** (عربی)

فیلسوف کندی بغدادی دراین گفتار از تذکر که افلاطون آنرا با تعلم یکی میداند کاوش میکند وروشن میسازد که روان از جهان عقلی چه چیز را و چگونه درجهان حسی بیادمیاورد ونیزیادآوری ازجهان حسی درجهان عقل چگونه است وبکسی که این نگارش را ازاودرخواست واوآنرادرخورهوش وی وبروش پرسش و پاسخ نوشته است میگوید که این مسئله دشوار وبرای پست تر از تو نیاز بشرح بیشتری دارد. دراینجا باتحاد عاقل ومعقول اشاره میشود. ٥

آغاز: والفصل العاشر رسالة فی شرح ما للنفس ذکره مما کان لها فی عالم العقل اذصارت فی عالم الحس ومالها ذکرمما فی عالم الحس ان صارت فی عالم العقل. سددك الله سبیل الخیرات وحصنك من شبك الخیرات وهداك الی اغراض الخفیات. ١٠

انجام: وهذاالقول فیماطلبت کاف فکن به سعیداوالحمدلله کفانعمه ومنتهی امالنا وهوحسبنا وبه نستعین.

[٢٦٢]

٣٨٤ این نسخه شماره ٦ دفتراست ص ١ــ٨

[٢٢٠] **ذکراسباب الرعد والبرق** (عربی) ١٥

شیخ رئیس دراین نامه که در دکن بسال ١٣٥٣ بچاپ رسید از رعد وبرق وصاعقه گفتگو نمود.

[٢٦٣]

١٠٨٩ این نسخه شماره٦دفتری است دارای ١١رساله ادبی وعرفانی وفلسفی بخط تعلیق محمدتقی تفرشی بسال ١٣٥٥ وحسن تقدیسی بسال ١٣٥٦ که ١ آن فرهنگ منظوم تازی بپارسی است گ٢ ب ــ ٨ الف و٥آن تفسیرعین الحیوة بهائی است گ ٣٧ ب ـ ٤٢ الف و ٩ تفسیر باطنی و عرفانی و فلسفی سوره اخلاص ابن سینا که درآن از شناساندن چیز بی سبب وبسیط بلازم قریب یاد میکند و آنرا از تعریف مرکبات بمقومات کمتر نمیداند و بمنطق شفای خویش بازگشت میدهد (ص٣٠٤ چاپی درکنارشرح هدایه شیرازی) وازهمین پیداست که این تفسیراز شیخ است. گ٧١ب ـ ٢٠ ٢٥

٧٤ ب و ١٠ تفسیرسوره فلق شیخ است گ ٧٤ ب ـ ٧٦ الف این رساله بخط تعلیق تقدیسی است گ ٥٧ ب ـ ٥٩ ب قنواتی در ش ٥٥ ازآن یاد نمود .

(همه‌دفتر ٩٦ گ) ـ کاغذ فرنگی — جلد مقوا

اندازه : ١٣×٥ر٢٠ و ١٠×٥ر١٦ س ١٩

٥ [٢٢١] **راحله توفیق** (فارسی)

این‌رساله بدستورشاه‌عباس‌دوم‌صفوی(١٠٥٢ـ١٠٧٧)ازروی‌خبرهای شیعی که ترجمه بپارسی میشود درباره اسب نوشته شده و یك مقدمه (سبب رام شدن اسبان) ودومقاله(سوداسبها – نشانه خوبی وبدی آنها) وخاتمه (آداب سوارشدن اسب) میباشد .

١٠ **آغاز** : بسمله . سمند باد پای اندیشه را که بهمعنانی ادهم قلم از قید ذلت وامکان جسته مطلق‌الیمین درساحت عزت ووجوب جولان نماید

انجام : هرگاه این کلمات را بگوید محفوظ خواهد بود نفس اووچهارپای او تا وقتی که فرودآید . والسلام علی من‌اتبع‌الهدی .

[٢٦٤]

١٠٣٨ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط شکسته‌تعلیق‌ازروی نسخه نگارنده نوشته شده گ ٣٤ ب ـ ٣٧ الف درپایان‌دارد : « بلغ‌من‌اوله الی‌آخره من‌نسخة بخط مؤلفه رحمه‌الله بقدرالوسع والطاقة » .

[٢٢٢] **ربط‌الحادث بالقدیم** (عربی)

خواجه طوسی دراین رساله از ربط آفریده حادث با آفریدگارقدیم گفتگو

٢٠ کرده از استاد خود امام سعید فریدالدین محمد نیشابوری با عنوان (رحمه‌الله) (گ ٥٩ الف) و از دوری که او درباره عدم لاحق و سابق موجود آورده است یاد میکند .

آغاز : بسمله قال‌الحکماء العلة التامه‌لاتنفك عن معلولها بتمامه

انجام : فهذا ما تقررعندی من مذهبهم فی الموضع والله ولی التوفیق للخیر وهوالملهم للصواب . تم‌الکلام .

[٢٦٥]

۳۷۳ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق شکسته تاریخ ۱۰۸۵ گ ۵۸ ب ـ ٦٠ الف میباشد.

[٢٢٣] **رساله درباره تجلی خداوند بر کوه طور** (فارسی)

۵ از خواجه سلطان محمد نواب سپاهانی بروش عرفانی و علم حروف درحل مسئله پاشیده شدن کوه طورو برجای ماندن تن موسای پیامبر درهنگام تجلی خداوند

آغاز : هو- حلی که نواب اصفهانی خواجه سلطان محمد نمودند ـ تجلی حضرت بر کلیم الله درطورسینا .

انجام : پس براین تقدیرحرف ثالث بترقی حرف رابع بوده باشد والسلام .

۱۰ [٢٦٦]

۳۸۲ این نسخه شماره یکم دفتر است وبخط تعلیق در ۳ صفحه رویه برگ ب ـ رویه برگ ج .

(٦+١١٦+٢ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد

اندازه : ۵ر۹×۵ر۱۹ و٦×۱۵ س ۱۹

۱۵ [٢٢٤] **رساله فلسفه** (عربی)

نگارش ابن کمونه اسرائیلی است که در آن ازمنطق بروش متأخران درباب ۱ ودر۷ فصل وازالهی درباب ۲ تا ۷ (اموزعام ۷ فصل ـ اعراض وجودی واعتباری ۹ فصل ـ جسمهای طبیعی ٤ فصل ـ نفسها ۷ فصل ـ عقلها ۷ فصل ـ خدا ۷ فصل) گفتگونموده ودفتریست سودمند وروان و شیواکه برای امیرعزالدین فخرالاسلام ۲۰ والمسلمین معتمدالدولة مجدالملك مفخرالعراقین دولتشاه پسر امیرسیف الدین سنجر صاحبی هنگامیکه نزدپسرش بسرمیبرده است بنگارش درآورد ودربامدادپنجشنبه ۱۹ ذی قعده سال ٧٠٦ بپایان رساند (۱) .

---

۱ ـ درالحوادث الجامعه ابن الفوطی بغدادی ص ٤٤١ می نویسد که ابن کمونه را پس از تکفیرفقیهان بسال ٦٧٣ نهانی بحله بردند ودرآنجا درگذشت وآشکار نمیسازد که ۲۵ درچه سالی بمرد . از تاریخ کتابهایش پیداست که وی درسالهای ٦٦٧و٦٧٠و٦٧٩و٦٩٠ و٧٠٦ زنده بود .

نگاه به : گفتارنگارنده درمجله جلوه سال۲ شماره ٦و۷ تاریخ ۱۳۲۵ص۹ـ۳۰۸ـ ذریعه ج ۲ ص۷ـ۲۸٦ و ج ٤ ص ٤٠٦و٤٢٥و۸ـ٤٦٧ـ دیباچه آقای کربن بر تلویحات ومقاومات ومطارحات ص ٦٥ ـ تذکرةالنوادر ش ۲۰۷ ص ۱٤٥ که ازنسخه ش۲٤٤۷ ۳۰ ایاصوفیا یاد میکند وگویا همین کتاب باشد .

ابن کمونه درفصل ۲ باب ۷ (ص ۱ـ۲۵۰) این دفتر ودرلمعه (ش ۸۶۱/۱۶ گ۱۳۹ب ـ۱۴۰الف) ازشبهه‌ای که ازاو پنداشتندیاد کرده وردنمود وپیدانیست که چرا دانشمندانی مانند داماد و صدرای شیرازی و محقق سبزواری درباره او این اندازه بدگمان شده وگاهی نکوهش کردند.

۵ **آغاز**: بسمله قال العبد . . . سعدبن منصور بن سعیدبن الحسن بن هبةالله بن کمونة . . . احمدالله تعالی . . . وبعدفقداتفق ارباب العقائدالعقلیه والدیانات النقلیه.

انجام: اوجب له التامل وثوقاتاماوطمأنیة الی سعة رحمةالله تعالی فی الاخرة فاسئلك اللهم ان تجعلنی من اهلها وتدخلنی فی زمرة عبادك الصالحین . . . والحمدلله حمدالشاکرین تم بالغدیوم الخمیس التاسع عشرمن ذی القعدة من سنة ست وسبعمأئة

۱۰ [۲۶۷]

۲۴۸ این نسخه بخط تعلیق خوش دانشمندشادروان میرزایدالله نظرپاك کجوری است که در۱۳۵۰ بخش منطق ودر۳ ع ۲ سال۱۳۵۱ الهی را بپایان رساند. عنوانها بشنگرف وحاشیه‌هائی از کجوری درهامش هست - درطوس نسخه‌ای هست (ج۴ ش ۱۰۰۷ ص ۲۴۵) که مانا همین رساله ما باشد.

۱۵ (۲۹۰ ص) ـ کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه: ۱۶×۲۰٫۵ و ۱۱×۱۷ س ۱۳

[۲۲۵] **رساله فلسفی** (فارسی)

این رساله را سیدشریف گرگانی (۷۴۰-۸۱۶) درپاسخ پرسشهای اسکندربن عمر شیخ بن تیمور گورکانی که ازسپاهان بسال ۸۱۵ برای اوفرستاده است نگاشته

۲۰ ودرده فصل میباشد (پوزش‌خواهی برای کوتاهی ادراك ـ حکمت آفرینش ـ آفریده نخستین ـ آمیزش جان و تن و جدائی آنها ـ پاداش و کیفر رستاخیز ـ فرشته ـ اهریمن ـ صراط و پرسش وترازو ـ معراج پیامبر ـ پند بزرگان).

آغاز: حمد بیحد مرحضرت باری راکه عین بصیرت انسان را جهت دریافتن حقایق ودقایق منور وروشن گردانید.

۲۵ **انجام**: واشاره بتوحید از آنجاناشی میشود والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب.

[٢٦٨]

١٠٣٥ این نسخه شماره ۳۷ دفتر است و بخط تعلیق ۲۰ ذی‌قعده ۱۰۹۷ ص ۳۱۲
این رساله در نسخه ما ۷ فصل و یك خاتمه است وچنین آغازمیشود : « هو
رساله میرسید شریف که بجهت سلطان طغرل تصنیف کرده . فصل درتمهید
معذرت جهت قصورادراك . درعبارت اکابرعلمابحث وفکرت تصریح کرده‌اند » اینکه
رساله برای سلطان (ابوسعید) طغرل نگاشته شده باشد چنانکه در ش ۱۲۹ (ج ۱
ص۱٤فهرست‌طوس) هم یادشده‌نادرست‌است. درطوس‌شش‌نسخه دیگر (ج ٤ ش۳٤٠
تا۳٤۵) هست‌واسکندریه نامیده شده. بنگرید بشماره ۱۰۳۷/٤ص۱۹۳ این‌فهرست .

[٢٢٦] **رساله وجیزه در نفس ناطقه** (فارسی)

دراین گفتار شش دلیل بربود نفس ناطقه آمده و در سه فصل پس‌از آن از
پایداری وخوشی روان گفتگومیگردد .

آغاز : بسمله . بدانکه معرفت مطلوب که حق تعالی است سهل است جدا
ازقبل خود .

انجام : و بنورقدس واصل نمیشود و درظلمات بعذاب الیم معذب میگردد
واعوذ بالله .

[٢٦٩]

١٠٨٨ این نسخه شماره ٤ دفتراست وبخط تعلیق گ ۲۱ الف ـ ۲۵ الف .

[٢٢٧] **روان شناسی** (فارسی)

این رساله بفارسی‌است ودرروانشناسی عقلی ودر آن از« حس ومحسوس »
ارسطو یادمیشود وگفتار او درباره خواب میاید (۱۰۳الف ـ ۱۰۹ب ـ ۱۱٤ب) .

[٢٧٠]

٢٥٣ این نسخه شماره ۱۸ دفتر وبخط تعلیق کر کی با عنوانها بعربی وشنگرف
بسال ۱۰۷۵ گ ۱۰۳ الف ـ ۱۱٤ ب و از آغاز ندارد و چنین است :
« دارد . دوازدهم چیزآنست که عرش قوی بود برآنچیزی که بباید
کردن و دلیر و پیشرو بود بکردن آن چیز ـ لایلحق‌الباری شبهة و کثرة وقدتمت
الرسالة . . . فی اواخرشهرذی حجة‌الحرام ۱۰۷۵ والحمدلله وحده‌العزیز» وفصلهای

رساله درانیها است : « اندامها و نیروها وجانهای آنها - جانهاو پایه‌های آن - نیروی پندار وخواب و اثرهای آن - خواب - کار نیروی پندار درخواب و بیداری - نیروی خدائی - نیروها بزبانهای گوناگون - کار نیروها درخواب - عقل فعال - جسمهای هیولانی - نیروی دریابنده جان - چگونگی دریافت - دانسته‌های گوناگون و آنچه ٥ اولی وروشن است - سعادت - نیکی و بدی وزشتی و زیبائی - صفتهای خدا و توانائی و یگانگی او » فصل پایان کتاب بتازی است .

[٢٢٨] روانشناسی وخداشناسی (فارسی)

دراین رساله روان وخدا شناخته شده است .

آغاز : یا واحد . بسمله . اما بعد بدانکه این مختصر کتابی است در بیان ١٠ معرفت نفس وعلم خداشناسی ودانستن لقای حق .

انجام : سودا سرد وخشك است ، چنانکه درزمستان سرد و تر است خاك سرد وخشك است .

[٢٧١]

١٠٣٨ این نسخه شماره ٨ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ٥٥ ب - ٦٥ الف .

١٥ [٢٢٩] روائع الکلم وبدائع الحکم (عربی)

این کتاب دارای دومقدمه دردومطلب ودوباب است (١ هستی‌های گوناگون ٢ - طبیعیات در٤ مقصد) ودر آن ازطوسی ودوانی (٢٠٨ب) یادشده واخبارشیعی دیده میشود .

آغاز : بسمله وبه نستعین الحمدلله صمدا خالدا مع خلوده حمدایوافی دوام ٢٠ جوده . . فانی کنت قبل هذا قد صنعت لابواب خزائن الحکمة مفاتیح المنی .

[٢٧٢]

٨٨٦ این نسخه شماره ٢ دفتر است و نخستین آن شمائل ترمدی (١ ب - ٦٣ الف) میباشد وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف ودر پایان باب ١ (١٦٠ ب) دارد که محسن بن علی موسوی درشام پنجشنبه ٨ ذی‌قعده ١٢٧٠ آنرانوشته‌است و نسخه ٢٥ در مشکوة ٥ مقصد ٣ باب ٢ پایان میبابد بدینگونه « مشکوة . اذاکان دورة واحدة اواجتماع عدة دورات ... ولم تعیرهالحرکات والادوارفیحدث مثل ماسبق لاعینه» ودر

شوشتر نوشته شده و از آن کتابخانه احتشام‌الدوله بوده است گ ٦٥ ب ـ ۲۲۲ ب
(همه دفتر ۲۲۵گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۵×۲۱٫۵ و ۸×۱۵ س ۱۵

[۲۳۰] روح (رساله در تحقیق ...) (عربی)

دراین رساله که از برخی از صوفیان دانسته شده از « روح اعظم » که پرتو ونمایش پروردگار است گفتگو گردید . ۵

آغاز : بسمله وحمد وصلوة . واعلم ان الروح الاعظم الذی فی الحقیقة هو الروح الانسانی مظهر الذات الالهیة من حیثیة ربوبیتها .

انجام : فمن تحقق له حال الرب مع المربوب تحقق له ماذکرناه وهو الهادی الی سواء السبیل . ۱۰

[۲۷۳]

۱۰۳۸ این شماره ۱۰ دفتر وبخط شکسته تعلیق مورب گ ۷۳ ب ۷٤ الف

[۲۳۱] روضة القلوب (فارسی)

دفتری است بپارسی واز مسئله های طبیعی و الهی که بدو جهان تن و جان بستگی دارد گفتگومیکند و در نسخه ما از خواجه طوسی دانسته شد که بمشرب تأویل و روش اسمعیلیان در آن سخن راند خواجه کتابهای دیگری هم دارد مانند آغاز وانجام وسیر و سلوك که بچاپ رسیده و روش تأویل در آن پیداست و کتاب دیگری بنام روضة التسلیم یا تصورات هم ازاو دانسته شد که در بمبئی بسال ۱۹۵۰ بچاپ رسیده وروش اسمعیلی در آن پیدا است . ۵

این کتاب را خواجه طوسی برای گروهی ازمردم سپاهان که با آنها نشست وخاست داشت وبدرخواست آنان نوشت وروضة القلوب نام‌نهاد نسخه‌ای درمجلس ش ٦۳۹/۳ هست . ۲۰

آغاز : بسمله سپاس خدایرا که بی‌واسطه بجودخود وجودمارا پیدا کرد ... جماعتی اصحاب دل ازاهل سپاهان که مرا بایشان نشست وخاست بود درخواستند تاکلمه چند برحقیقت جمع کنم و این را روضة القلوب نام نهادم . ۲۵

انجام وسخنی که ازبزرگان باشد باخود میگوید که آنرا اثری عظیم باشد و این ضعیف را اگر اتفاق افتد یاد کند انشاءالله تعالی تمت الرساله روضة القلوب بالخیر والظفر .

[۲۷٤]

۱۰۸٤ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف است وازبرك ۲ ب تا ٤٥ ب. دوم آن تحفه خواجه طوسی میباشد .

[۲۳۲] **الرؤیا** (عربی)

از نگارشهای کوچك ارسطو «کتاب الذکر والنوم» درقفطی و خزرجی یاد شده ومورخان ازطبایع صغری Parva Naturalia «النوم والیقطه ـ الاحلام ـ الکشف فی النوم» (۱) را بشمار آوردند و این رساله کوتاه باید از اولی یا دومی گرفته باشد .

آغاز : مقالة من کلام ارسطوطالیس فی الرؤیا . قال الرؤیا حرکة للبقایا التی بقیت من المحسوسات .

انجام : وربما رکبت هذه الصور ترکیبا عبثا و یسمی اضغاث احلام .

[۲۷٥]

۲٥۳ این نسخه شماره ۱۳ دفتر وبخط تعلیق کرکی گ ۹۰ ب ـ ۹۱ الف میباشد .

[۲۷٦]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۳ دفتر ودربرك ۷۹ است .

[۲۷۷]

۸۸۱ این نسخه شماره ۷ دفتر وبخط نسخ دربرك ۳۲ ب میباشد .

۱- حس ومحسوس وحافظه وتذکرهم ازطبیعیات صغری است وچنین است نام لاتینی آنها :

De seusu et sensilibus—De memoria et reminscentia—De somno et vigilia - De somniis—De divinatione per somnum

همه اینها را ابن رشد پس ازبرخورد دوم بسال ۱۱٦۹ با یوسف موحدی و ابن طفیل گزین نموده ودرآنها ازسال ۱۱٥۹ یاد کرد .

[۲۳۳] **ره انجام نامه** (فارسی)

از افضل‌الدین کاشانی است درشناخت هستی وخود و آگاهی ودانش وسود آن دو . این کتاب در ۱۳۱۵ خ (ش ٥ انتشارات دانشکده معقول) ودر۱۳۸ نشریه دانشگاه بسال ۱۳۳۱ بچاپ رسید .

۵ [۲۷۸]

۳٤۰ این نسخه شماره ۷ دفتری است بسیار پاکیزه بخط تعلیق زیبا با عنوانها ونشانه‌های شنگرف گ ۱۰۵ ب - ۱۲۳ ب ودرمیان آن (گ۱۱۱-۱۱۳ الف) چهارعنوان یاگزیده کیمیای سعادت غزالی‌است ازکاشانی بدینگونه : دیباچه - در۱و٤و٥و٦و۱۰ گفتار ۱ - گفتار ۲ - اندکی ازچهارعنوان - بازگفتار۲- در۱و۳ گفتار۳- در٦و۷و۸و۹و۱۰ گ ۱ - در۲و۳ گفتار ۳ از س ٤ گ ۱۱۸ الف ۱۰ تا س ۸ گ۱۲۱ب بازازجای دیگراست این نسخه دراینجا بسیار آشفته وآمیخته میباشد

[۲۷۹]

٤۳۱ این نسخه شماره ۲۱ دفتراست وبخط تعلیق گ۳۲۱ الف -۳٤۰ ب وجناب آقای مشکوة آنرا با دو نسخه تاریخ ۱۱۰٤و۱۳۳۰ برابر نموده است .

۱۵ [۲۸۰]

۱۰۳٦ این نسخه شماره ۷ دفتراست و بخط تعلیق خوش ملامحمد مهدی رودباری پایان ع۲ سال۱۱۰٤ گ٥۰ب-٥٦الف درپایان دارد : « تمام‌شدسه گفتار خواجه افضل کاشی مسمی بره انجام » .

[۲۳٤] **زوراء** (عربی)

۲۰ دانشمند دوانی (۸۲۸ - ۹۰۸) این رساله را در نجف بسال ۸۷۲ نوشت درچندمسئله فلسفی (علت درخود ذات معلول اثر میکند نه درظهور آن و معلول جز علت نیست و پرتوی است ازآن و استحاله نابود شدن است یا نه و صورتها درنیروهای خرد وشعورچگونه هویدا میشوند . . .)که بنام گزیده آورده وباروش نوینی ازآنهاکاوش کرده است .

۲۵ **آغاز** : بسمله . . . الحمد لذاته لولیه بذاته . . . فهذه نبذة من الحقایق بل زبدة من الدقایق .

انجام : ولایفلح الساحر حیث اتی ولا تنسی فی اوقاتك واشرکنی فی صوالح دعواتك والصلوة . . . علی آله و صحبه اجمعین والحمدلله رب العالمین حمدا کثیرا مبارکا فیه .

[۲۸۱]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۲۷ دفتر و بخط تعلیق شکسته رجبعلی بن جواد علی مازندرانی بسال ۱۰۶۲ گ ۱۳۰ ب - ۱۳۲ الف. زوراء درچاپخانه حسینیه بسال ۱۳۲۶ بچاپ رسید - فهرست طوس ش ۷۴٤ .

[۲۳۵] سخنان فلسفی (عربی)

گفتارهائی است درباره هستی خدا و آفریدگان از شمسای گیلانی و در آن

۱۰ از استاد خود چنین یاد میکند « وجمیع ماذکرنا تفصیلا هو مختار الاستاد الفیلسوف الکبیر قدس سره فی تصانیفه القدسیة و کتبه النوریة » گ ۱٤۷ ب و از خاق اعمال دوانی (۱۵۱ الف) و شرح هیاکل او (۱٤۵ الف) نام میبرد درپایان میگوید : این برگها را بروش اهل تاله واشراق در ۱ صفر سال ۱۰٤۷ درحجاز نوشته‌ام .

آغاز : اعلم ان الوجود بلاعلة یجب ان یکون وجود اقائماً بالذاته .

۱۵ **انجام** : وقد وقع الفراغ من تسوید هذه الاوراق . . . فی اول شهر صفر . . . فی بلدة الحجاز . . . فی سنة سبع واربعین بعد الالف .

[۲۸۲]

۹۲٦ این نسخه شماره ۱۱ و بخط تعلیق ریز باحاشیه (منه دام ظله) ۱٤۵ الف-۱۵۱ الف دربرك ۱٤٤ ب رمز « س م س رحمه الله » دیده میشود واشاره بشمسا میباشد .

[۲۳٦] سلسله موجودات (فارسی)

دراین رساله رشته هستی‌ها ازخدا تا طبیعت یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین . بدانکه جمله حکما میگویند که واجب الوجود لذاته موجب بالذات است از ذات واجب الوجود یك جوهر

۲۵ صادر شد .

انجام : و بکمال‌ندارند بمرور ایام از آن خلاص یابند والسلام علی من اتبع الهدی فی ۱۷ شهر رجب ۱۲۹۲ .

[۲۸۳]

۸۷۶ این نسخه شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۲ ب ـ ۸٦ الف میباشد .

[۲۳۷] **سوادالعین فی حکمة‌العین** (عربی) ۵

شمس‌الدین محمد خفری برشرح شمس‌الدین محمد بن مبارکشاه مشهور بمیرك بخاری جنگی برحکمة‌العین دبیران قزوینی وحواشی آن تعلیقهائی نگاشته سپس همه راگرد آورده وچنین نامید .

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . فیقول . . . محمدبن احمدالخفری قد انفقت منی فی سالف الزمان تعلیقاتٌ علی شرح حکمة‌العین و حواشیه و سمیتها سوادالعین فی حکمة‌العین . ۱۰

انجام : الوجودالحقیقی الذی اثبته المحققون فاعلم ذلك انه دقیق . تمت الرسالة

[۲۸٤]

۳۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف گ ۱ ب ـ ۳۷ الف ـ درطوس نسخه‌ای بشماره ۱٤۲ (ج ۱ ص ٤۵) هست . ۱۵

(همه دفتر ۹۵ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج مشکی ساده

اندازه : ۱۲×۱۸ و ۸×۱۲ س ۲۱

[۲۳۸] **سوادالعین فی حکمة‌العین** (عربی)

این حاشیه برمبحث طبیعیات است و از همان خفری و باید دنبال حاشیه پیش باشد . ۲۰

آغاز : بسمله و به نستعین فی العلم الطبیعی هو الذی موضوعه الجسم الطبیعی . . . وفیه مقالات اختار فی عددها اول الاعداد الدائره وهوخمسة اختارها فی القسم الاول .

انجام : وقد تقرر ان التحت فی غایة البعد عن الفوق وثالثها ماذکره المحشی .

[۲۸۵]

۳۸۰ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق ریز و بی‌نقطه و جای عنوانها سفید میباشد گ ٦۲ب ـ ۹۵ ب ـ درگ ٦۱ الف درباره این حاشیه نوشته‌است : ۲۵

«کتاب سوادالعین وهوحاشیة حکمة العین صنفه المولی ... محمدالخفری ...» ودوصفحه بعدی سفید است .

[۲۳۹-۲٤۰] سیب نامه (فارسی وعربی)

این گفتار بمانند فاذن پلاتون نگاشته شده و گفتگوی ارسطو را دردم مرگ باشاگردان خویش نشان میدهد و بنام رساله تفاحه یاتفاحیه Liber de pomo خوانده میشود. در آن ازهرمس پروردگارافسانه‌ای یونان بنام پیامبر یاد شده است . چنین گفتگوئی میان ارسطو و شاگردانش نشده و پیدا است که آنرا ساخته‌اند چنانکه گاهی آنرا از سقراط دانستند (نسخه ۲۹۰ اخلاق کتابخانه تیموری قاهره بنام مختصر کتاب التفاحة لسقراط) متن درمجله مقتطف در ۲۰-۱۹۱۹ بچاپ رسید(۱) باباافضل کاشانی آنرا بپارسی کرد و مارگلیوث این پارسی را در روزنامه انجمن آسیائی همایونی با ترجمه انگلیسی و بررسی درباره مترجمان آن بسال ۱۸۹۲ ص۱۸۷-۲۵۲ بچاپ رساند بی آنکه بداند از کاشانی است بازهمین پارسی در تهران بسال ۱۳۱۱ ودرنشریه ۱۳۸ دانشگاه بچاپ رسید و نسخه‌ای درمجلس (۶۰۳/ه) هست .

[۲۸۶]

۴۰۲ این نسخه بپارسی از کاشانی و شماره ۷ دفتر بخط تعلیق سال ۱۰۷۹و۱۰۸۰ گ ۵۷ ب - ٦۲ الف .

[۲۸۷]

٤۳۱ این نسخه نیز پارسی کاشانی وشماره ۳ دفتر وبخط شکسته تعلیق محمدعلی بتاریخ ۱۰۳۱ گ ۸۰ ب - ۱۱٦ ب میباشد .

۱- اخوان صفا (ج ٤ ص ۱۰۰ مصر) و بیهقی ص ۱۸۹ وابن‌سبعین درنامه خود بفردریك ۲ از آن یاد کردند وموسی بن میمون آنرا ساختگی دانست و بعبری ولاتینی وآلمانی ترجمه شد - بنگرید به : تاریخ فلسفه اسلامی دبوئر ازابوریده ص ۲۰ — متون ماسینیون ص ۱۷۸ - دکترخضیری دررسالة الاسلام ش ٤ سال۱ ص۰ ۱-۳ ۰ ٤- دیباچه ارسطو عندالعرب ص ۸ - دائرة المعارف اسلامی کلمه ارسطو

[۲۸۸]

۱۰۳٥ این نسخه بتازی وشماره ۲۲ دفتر ص ۱۸۸ـ۱۹٦ وآغاز وانجام آن چنین است : « هو بسمله . مقالة للحكيم ارسطا طاليس لتلامذته فی حال النفس فی المنقلب قالها عند ماحضرته الوفاة . لماقرب لارسطا طاليس اجله اجتمع اليه اصحابه و تلامذته . فاخذ بيد قريطون فوضعها على وجهه و قال اسلمت نفسی الی قاتل انفس الفلاسفة ثم قضی . نجزت . ولله الحمد كثيرا والصلوة . . . السلام .

[۲٤۱] سیر و سلوك (فارسی)

نگارشی است از خواجه طوسی که بدرخواست وزیر قطب الدین مظفر بن محمد گرد آورده واعتقاد خویش را در آن نوشت و بناصر الدین مظفر بن مؤید داد تا بدربار رساند و پاسخ گیرد . طوسی میگوید پدرم از دائی خویش که شاگرد داعی الدعاة تاج الدین شهرستانه بوده است بیاموخت وخودم از کمال الدین حاسب شاگرد باباافضل کاشی هنر ریاضی آموختم واو هماره ازظاهریان و متقلدان اوضاع شریعت نکوهش میکرد ومرا این سخنان دلپذیرمیآمد مگر اینکه ازاودرخواستم لب حقیقت را برایم هویدا سازد مراکودك دانسته وشایسته شنیدن آن ندید . باز از مخدوم سعید شهاب الدین و صلاح الدین حسن و فصول مقدس علی ذکره السلام (٥٥۷ـ٥٦۱) ص ٦٤ ومجلس عالی ناصر الحق والدین (همانکه اخلاق ناصری را برای او نوشت) ص ٦٥ یاد میکند و درست بروش اسماعیلیان نگاشته و بایستی میان ٥٥۷ـ٥٦۳ پرداخته باشد (۱) . این رساله درتهران بچاپ رسید .

آغاز : بسمله رب انعمت فرد ربنا آتنا من لدنك رحمة . . . بزرگترین نعمتی وجسیم ترین موهبتی که عموم بندگان خداوند زمان .

انجام : بزرگوار تا منقرض عالم پاینده باد و آفتاب جلال افق کمال تابنده والسلام .

[۲۸۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ٥ دفتر وبخط تعلیق در ص ٥۹ـ۷۹ میباشد .

---

۱ ـ طوسی تا ۱۷ ج ۱ سال ٦٥۳ درزندان ملحدان بوده است .

[۲۴۲] **شرح آداب البحث** (عربی)

گزارشی است آمیخته از میبدی بر آداب البحث سمرقندی که در ص ۵۸ شناسانده شده .

[۲۹۰]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱ دفتراست وبخط نسخ وتعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار میرزا محمدخان قاجار در ۱ ج ۱ سال ۱۳۰۱ گ ۱ ب ـ ۵۸الف. در کنار گ ۲۰ الف حاشیه منه دیده میشود .

[۲۴۳] **شرح اثبات عقل** (عربی)

خواجه طوسی گرچه در تجریدالکلام خود شاید برای خوشنودی متکلمان دردلیلهای اثبات عقل مجرد شك نموده ولی دراین رساله ازراه قطع ببودن حکمهائی یقینی وواقعی عقل مجردرا ثابت میکند. محقق دوانی همینکه بدین رساله نگریست بنکته هائی برخورد وآنها را دراین شرح آمیخته آورد در پایان میگوید که مرا درباره نفس امر سخنی ژرف است امیدوارم که آنرا بنگارش در آورم . او دراین گزارش ازطوسی خرده میگیرد (۱) .

آغاز : بسمله وبه نستعین بعدحمدالله مبدع الحقایق . . . فیقول . . . محمدبن اسعدالصدیقی لمااتفق لی مطالعة الرسالة التی اخترعها . . . الخواجه نصیرالملة والدین محمدبن الحسن الطوسی . . . فی اثبات الجوهر المفارق المسمی بالعقل الکلی سنح لی فی اثناء المطالعة دقائق . . . فاردت ان اثبتها . . . والتزمت ایراد لفظه فی تلك الرسالة ممزوجاً بماسنح لی من الزواید. قال شکرالله سعیه : انالانشك فی کون الاحکام الیقینیة التی قد حکم بها اذهاننا .

انجام : از خواجه « وتارة بالکتاب المبین المشتمل علی کل رطب و یا بس وذلك ما اردناه والحمدلله رب العالمین » از دوانی « اقول انما یثبت کونه عقلا . . . ولی فی تحقیق نفس الامر کلام بعیدالغور ارجوامن عنایةالله وحسن توفیقه تیسر تحقیقه وتنقیحه انه خیر من اعان وهوالمستعان وعلیه التکلان وله الحمد فی کل آن وزمان

---

۱ ـ دو نسخه (ش ۳ر۶۱۱ و ۸ر۶۴۴) درمجلس هست .

[۲۹۱]

۲۶۹ این نسخه شماره ۲ ایندفتر و میرزا یدالله کجوری آنرا بخط تعلیق خوش خویش درمدرسه ناصری تهران بسال ۱۳۵۸ نوشته است ودر۹صفحه میباشد نشانه‌های آن دردنبال « مصارع‌المصارع » نوشته شد .

[۲۹۲] ۵

۲۹۰ این نسخه شماره سوم دفتری است که دارای سه رساله میباشد و بخط نسخ با عنوانها شنگرف نوشته شده وروی متن خط سرخ است ودرپایان آن دارد : (تمت‌الرساله فی تحقیق نفس‌الامر فی یوم‌الخمیس من‌شهر جمادی‌الثانی سنة ۱۰۹۹)گ ۱۵۱ ب ـ ۱۵٤ الف و دورساله دیگر بخط تعلیق است و ابوصالح حسینی مشهدی در مدرسه فخریه سپاهان در ۱۰۹۸ آنها رانوشت. مانا نویسنده این رساله نیزهمو باشد . ۱۰

(همه دفتر ۱۵۴ برك) - کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج حاشیه‌دار
اندازه : ۱۰×۱۸٫۵ و ۶×۱۴ س ۱۹

[۲۹۳]

۳۳۹ این نسخه شماره یکم دفتراست وبخط شکسته بی‌نقطه و مورب نوشته شده و روی متن خط کشیده شده است گ ۱ الف ـ ۳ الف . ۱۵

[۲۹٤]

۹۲۶ این نسخه شماره سیزدهم دفتری است که دارای ۱۵ رساله وگفتار میباشد گ ۱۵۲ الف و ب وبخط تعلیق وروی متن خط سرخ کشیده شده است .

(همه دفتر ۱۵۵ برك) کاغذ ترمه سپاهانی ــ جلد مقوا ۲۰
اندازه : ۲۰×۲۷ و ۱۳×۲۰ س ۲۵

[۲٤٤] شرح حکمة‌العین (عربی)

نجم‌الدین علی‌بن عمر دبیران کاتبی قزوینی دانشمند منطقی و فیلسوف ریاضی‌دان شافعی (م۶۷۵)که شاگردخواجه‌طوسی‌واستادعلامه حلی (۶٤۸-۷۲۶) بوده و حلی او را دراجازه پسران زهره بسیار ستوده و از داناترین روزگار خود بمنطق‌دانست کتابی‌درفلسفه داردبنام حکمة‌العین که علامه حلی آنرابه (قال واقول) شرح نموده ودرتاریخ ٦۹٤ آنرا بپایان رساند . ۲۵

آغاز : بسمله الله وبه نستعين الحمدلله ذی العز الباهر والسلطان القاهر . . . فهذا کتاب ایضاح المقاصد فی شرح حکمة عين القواعد شرحت فيه ما اجمله شيخنا المعظم ... الکاتبی القزوينی تغمده الله تعالی بالغفران واسکنه منازل الرضوان .

انجام : انها ليست جسماً ولا حالة فی جسم علی ما تقدم والله اعلم بالصواب والحمدلله ۵ وحده وصلی الله علی سيدنا محمد وآله الطاهرين فرغ من تأليف هذا الکتاب مؤلفه ... فی ثامن شوال سنة اربع وتسعين وستمائة .

[۲۹۵]

۴۲۳ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ وعنوانها درشت تر که حسین بن محمد بن حسین بن سلیمان درروزشنبه ۱ رمضان سال ۷۳۱ آنرا نوشته است گ ۲ ب - ۱۳۷ الف - نصیر گلپایگانی و سید ابی القاسم موسوی وسید محمد باقر از دارندگان نسخه بوده‌اند و در محرم ۹۰۳ این نسخه خریده شده گ ۲ الف (ص ۵ همین فهرست) .

(همه دفتر ۱۳۸ گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۳×۲۱ و ۱۰×۱۶٫۵ س ۲۳

۱۵ [۲۴۵] شرح حکمة العين (عربی)

شمس الدين محمد بن مبارکشاه منطقی معروف بميرك بخاری بر حکمة العين دبيران قزوينی شرح آميخته وسودمند نگاشته وحاشيه‌ای را که قطب شيرازی (۶۳۴-۷۱۰) بر آن نوشته بود آورد .

آغاز : بسمله - امابعد حمدالله فاطر ذوات العقول النورية و مظهر خفيات اسرار ۲۰ الربوبية .

انجام : قوه مجردة عن المادة لما مر فی الالهی وليکن هذا آخر ما اردنا ايراده فی هذه الرساله والحمدلله رب العالمين والصلوة ... علی سيدنا محمد ... واله واصحابه اللذين من اقتدی بهم اهتدی .

[۲۹۶]

۲۴۵ این نسخه از آغاز کتاب است تا مبحث ۲ (نفس حیوانی) ازمقاله ۵ (نفس نباتی وحیوانی) درآنجا که ازنفس انسانی گفتگو میکندودر برك ۲۰۵ ب بدین عبارت پایان

میبابد: «اجیب عنه بعد تسلیم ان العرض لیس له رتبة التحریك وان القوة» و نیمی از این برك سفید گذارده شد و نزدیك بدوصفحه از پایان دراین نسخه نیست. خط تعلیق ریز و بسیاری ازجاها نقطه ندارد وعنوانها گاهی درهامش بشنگرف دیده میشود و روی متن خط سرخ کشیده شده وحواشی دارد بتعلیق ریزتر.

(۲۰۵ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی تعمیرشده ۵

اندازه: ۱۳×۱۸ و ۸×۱۲٫۵ س ۱۹

[۲٤٦] شرح رساله زینون کبیر (عربی)

این نگارش ازفارابی است که در ص ۹۸ این فهرست شناسانده شده.

[۲۹۷]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۲ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۹۰ الف ـ ۹۱ الف. ۱۰

[۲٤۷-۲٤۸] شرح زوراء (عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸-۹۰۸) بر «زوراء» خویش دوشرح نگاشته است.

۱ـ گزارشی است بربیشتر آن کتاب و در دیباچه میگوید: «چون دیدم «زوراء» دشوار بود بدرخواست یکی ازدانشجویان درست کار آنرا گزارشی کوتاه نوشتم ودر آینده گسترده تر ازاین خواهم نوشت. دراین گزارش مانند متن آنچه را ۱۵ که تازه دریافتم آوردم» آنگاه درباره «زوراء» میگوید: «در کرانه (زوراء) درپیرامون بغداد امیرمؤمنان علی ع را دیدم که بمن با روی گشاده می نگریست ومهر میورزید وهمین مراواداشت که بنام او نامه‌ای بنگارم و گاهیکه بآستان اوروم وخاك درش را ببوسم آنرا برخوانم نمیدانستم چه بنویسم گفتم خوب است درباره دانائی بنگارم چه پیامبر درباره او (انا مدینة العلم و علی بابها) گفته است. گاهی چیزهای دیگر ۲۰ میاندیشیدم تااینکه بآستان بوسی اورفتم و بر گشتم یاری هوشمندنیکخوی خوشنام که (حکمة الاشراق) سهروردی نزدم میخواند و آنچه خوددرمیافتم هنگام گفتگو بدو میآموختم از من درخواست که آنها را درنامه‌ای گردآوردم. این بود که این نامه را نگاشتم و آن سخنان را درآن گنجاندم درآغاز نمیدانستم چه می نویسم بپایان که رسیدم دریافتم همانست که خواسته‌ام بنام علی سازم و باورم شد که این نامه ۲۵

بکمك شهردانش و کشتی بخشش که بردریای فرزانگی نهاده شده است گرده آمده وبنام (زوراء) که همان (دجله) باشد نامیدم تا برسانم که آن نشانی است ازدیدار آستان پاکان » دوانی بندهائی از آن کتاب را آورده گزارش داد و شرح همه آن نیست .

۵ **آغاز** : بسمله . . . امابعدالحمد لولیه والصلوة علی نبیه فانی لمافرغت من تهذیب الرسالةالموسومة بالزوراء ... وکانت مجملة ... التمس من بعض الصادقین فی الطاب ... ان اکتب عنها حواشی یرفع منهاالغواشی .

انجام : اعاذنا الله و سائر المسلمین من الضلال والزلل وفقنا لما یعیننا من العقد والقول والعمل وله الحمد حمدا یوافی عتید نعمه ویکافی مزید فضله وکرمه والصلوة

۱۰ والسلام علی سیدنا محمد وآله واحبابه .

این گزارش رادوانی درپایان ربیع دوم سال ۸۸٤ دوازده سال پس از زوراء بانجام رساند (ش ۸۱٦ ج ٤ ص ۱۸۲ طوس) .

۲ـ گزارشی است برعبارتی ازخطبه زوراء : « والصلوة منه علی المرتبة الجامعة لجمیع صفاته » دربرخی از نسخه ها « مرتبته » که ملا قطب الدین محیوی انصاری

۱۵ آنرا دشوارديده وازآن خرده گرفت واز دوانی خواسته شد درباره آن کاوش کند او با روشی عرفانی این گزارش را نوشت ودرآن شعرهای فارسی آورد. شوشتری درمجالس المؤمنین آنرا « حاشیه صغیرخواند » ـ ش ۷۹۷ و۷۹۸ ج ٤ ص۷ـ۱۷٦ طوس .

آغاز : بسمله . . . سئلت ایدك تعالی بروح منه وحسن التوفیق . . . عماورد فی

۲۰ خطبة الزوراء .

انجام : وعلی اصحابه المزکین من کل شین الفائزین بسعادة النشأتین وسیادة المنزلتین

[۲۹۸-۲۹۹]

۱۰٤٦ این دو نسخه شمارههای ۲۸و۲۹ دفتر وبخط تعلیق شکسته رجبعلی بن جوادعلی مازندرانی بسال ۱۰٦۲ میباشد گـ ۱۳۲ ب ـ ۱۳٦ ب و گـ ۱۳٦ ب ـ ۱۳۸ الف .

[۲۴۹] **شرح فصوص** (عربی)

شرحی است ازشنبی شام غازانی تبریزی برفصوص فارابی . اوازدانشمندان تبریز است ودیری درهرات نزد قوشچی ومولانا حسین منطقی وسپس درشیرازنزد دوانی بیاموخت. اودرگورستان‌کجیل برسر راه روستای خسرو شه بخاك سپرده شد . دوانی شاگرد دیگری داشت بنام امیر جلال استرابادی م ۹۳۱ که او هم ۵ گزارشی برفصوص‌نوشت استاددرباره‌آندوگفت : « این سیدزاده تبریزی ازدرخت طبیعت ما میوه‌های رسیده چیده و با خود برد و آن سید زاده استرابادی رسیده ونارسیده را چید وبرد (۱) » بنگرید به ص ۱۰۰ همین فهرست .

[۳۰۰]

۲۶۸ این نسخه شماره ۲ دفتراست‌و°بنسخ باعنوانهاونشانه‌های شنگرف وتصحیح ۱۰ شده ومتن زیرخط سرخ‌نوشته پیرپاشابن‌محمدیساری بسال۹۸۶ که درروز شنبه ۲۳ شوال آنرا با نسخه فاضل اردبیلی ونسخه نگارنده (شنبی) برابر ودرست نمود ودرنسخه شنبی نوشته بود که او درنیمه روز آدینه ۲۵ ع ۲ سال ۸۹۶ آنرا بپایان رساند ـ درگ ۲۱ ب و ۳۵ الف حاشیه « منه » دارد ـ گ ۱۷ ب ـ ۱۴۱ الف . ۱۵

(همه دفتر ۱۴۱ گ) ـ کاغذ سمرقندی زرد — جلد تیماج مشکی ضربی

اندازه : ۹×۱۸ و ۵ر۴×۱۲ س ۱۷

[۲۵۰] **شرح قصیده عینیه** (عربی)

شیخ رئیس درباره پیوند جان باتن قصیده عینیه‌ای دارد که جوزجـانی و محیی‌الدین عرابی وداود انطاکی وجمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی (۲) و سید ۲۰ شریف‌گرگانی یا دوانی وسیوطی وفیلسوف سبزواری (دراسرارالحکم) ودیگران آنراگزارش نوشتند وچندین بار بچاپ رسید (قنواتی ش ۹۳) .

---

۱ — کشف‌الظنون — فهرست طوس ش ۸۳۳ ص ۱۸۷ ج ٤ — دانشمندان آذربایجان ص ۳۹ . ۲۵

۲— بنگرید به : ص ۱۸۰ همین فهرست . شرح او « النهج‌المستقیم علی‌طریقة الحکیم » نام دارد : قنواتی شرحی دیگر ازسلیمان محوزی بحرانی یاد میکند .

این گزارش پیدا نیست که از کیست ودرپایان دارد که روش خود شیخ را در آن بکار برده‌ایم .

آغاز : قال الشیخ الرئیس . . هبطت الیك من المحل الارفع ... الهبوط هو الحرکة من علو الی سفل مع الشعور و بالشعور یباین السقوط .

۵ **انجام** : انعم برد جواب ما انا فاحص عنه فنار العلم ذات تشعشع . اقول هو غنی عن الشرح وهذا آخر ماقصدناه من الشرح ... وراعینا قانون مذهبه والله اعلم بالصواب والحمدلله علی سوابغ نعمه . . وسلم تسلیماً کثیرا .

[۳۰۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱٦۵ الف ــ ۱۷۰ الف .

۱۰ [۲۵۱] **شرح مشاعر** (عربی)

گزارشی است آمیخته که حاج مولی محمد جعفر بن محمد صادق لنگرودی لاهیجانی برمشاعر صدرای شیرازی نگاشته سپس آنرا بنام حاج میرزا آقاسی عباس پسرمیرزا مسلم بیات ایروانی م ۱۲٦۵ ساخته است این ایروانی از ۱۲۵۱ تا ۱۲٦٤ نخست وزیر محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ــ۱۲٦٤) بود . مشاعر را مولی زین العابدین بن

۱۵ محمد جواد نوری نیز گزارش کرده وملاعلی نوری و آخوند ملا اسمعیل سپاهانی ومیرزا احمد اردکانی شیرازی بر آن حاشیه نوشتند وپاره‌ای از آنها در کنارمشاعر در تهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید .

آغاز : بسمله الحمدلله الذی تجلی لذاته بذاته فظهر صفاته . . . فیقول محمد بن محمد صادق اللاهیجانی فان الزمان لما تقاصرت .

۲۰ **انجام** : وان کان فوق کل ذی علم علیم وبعد مرتبه عین الیقین وحق الیقین مراتب کثیرة لاتقف الی حد وهو العزیز الحکیم .

[۳۰۲]

۳٤۸ این نسخه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف و روی متن خط سرخ کشیده شده ودرآدینه ۹ ج ۲ سال ۱۲۵۵ نوشته شده است .

۲۵ **(۷۷ برگ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی**
اندازه : ۱۴×۲۱ و ۷×۱۴ س ۲۱

[۳۰۳]

۳۸۳ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف وروی متن خط سرخ کشیده شده ودر ۱۲۷٦ میرزا حسین بن احمد گرجی برای دانشمندی بنام آقامیرزا ابوتراب آنرانوشته است ودرتاریخ ۱۳٦۹ بانسخه تاریخ ۱۲۵۰ برابر گردید دراین نسخه نامی ازمیرزا آقاسی برده نشده است . ۵

(۸۲ برگ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۵×۲۲ و ۸×۱۵٫۵ س ۲۱

[۲۵۲] شرح منظومه (عربی)

فرزانه دانشمند حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲-۱۲۸۹) دو منظومه یکی درمنطق بنام اللئالی المنتظمه ودیگری درفلسفه الهی وطبیعی بنام غررالفرائد سروده ۱۰ و هردو را چون دشوار بود خود شرح کرده است منطق او بروش متأخران است وتنهادربرهان ومغالطه بیشتر گفتگو کردودرفلسفه وی درست پیروصدرای شیرازی است وازخود چیزتازه که آشکارا اورا از روش فرزانه شیرازی جدا سازد نیاورده است وی دراین منظومه که یکدوره منطق وفلسفه را دارد دچارتنگنای قافیه شده واز روانی وشیوائی که درتعبیرات فلسفی ناگزیراست بیرون رفت . ۱۵

[۳۰٤]

۲۷۰ این نسخه همان چاپ ۱۲۹۸ تهران است ودر کنار صفحه‌ها و دربرگهای جداگانه وچسبانده بکتاب حواشی است بخط دانشمند شادروان میرزایدالله نظرپاك کجوری که ازاستادان دانشگاه‌تهران بوده‌است واودراین حاشیه‌ها بیشتر ازسخنان فیلسوفان دیگر که بامطالب فرزانه سبزواری سازگار بودآورده‌است ۲۰

(ص ۳٤٦) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج سرخ مقوائی .
اندازه : ۱۷×۲۹

[۳۰۵]

٤۱۸ این نسخه همان بخش فلسفه (غررالفرائد) است و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد و روی شعرها خط سرخ کشیده شده و محمدتقی بن حاجی میرزاحسن صفی آبادی بسال ۱۲٦٤ آنرا نوشت . ۲۵

(۱۲۷ برگ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج زرد مقوائی
اندازه : ۱۵٫۵×۲۲ و ۸×۱۵ س ۱۷

[٢٥٣] شرح هدایه (عربی)

گزارشی است آمیخته ازقاضی کمال الدین میرحسین بن معین الدین حسینی میبدی یزدی (م ۹۱۱) که در ۸۸۹ (پایان نسخه ۳۱۵) بر بخش طبیعی و الهی هدایه اثیرالدین ابهری (م نزدیك ٦٦٠) نگاشته و بارها بچاپ رسید و از کتابهای درسی بود

٥

[٣٠٦]

۳۱۵

این نسخه بخط نسخ پاکیزه با عنوانهای شنگرف ومتن زیرخط سرخ میباشد وحاشیه‌های خوبی بنسخ وشکسته در کنارصفحه‌ها هست وشاهمیر بن شاه حسین بن محمد طباطبا درروزشنبه ۳ ذی‌قعده ۹۰۵ آنرا نوشت .

(۱۳٦ ۳) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ

۱۰ اندازه : ۱۰×د۱۸ و ه۵×۱۰ س ۱۷

[٣٠٧]

۳٥٦

این نسخه بنسخ و متن و عنوانها وبشنگرف و درجدول زرین بشنگرف ولاجورد و در ع ۲ سال ۹۹۳ نوشته شده و حاشیه‌هائی از میبدی و دیگران در هامش دیده میشود .

۱۵ (۱۳۲ ۳) ـ کاغذ سمرقندی - جلد تیماج تازه

اندازه : ۱۳ × ۲۱ و ۷×۱۳ س۱۵

[٢٥٤] شرح هدایه (عربی)

هدایة اثیرالدین مفضل بن عمر ابهری درسه بخش است (منطق ـ طبیعی ـ الهی) وصدرالدین محمد فیلسوف شیرازی بخش دوم وسوم آنرا بدرخواست شاگردان

۲۰ خود که نزدش هدایه میخواندند شرح کرد ودر آن ازاسفاراربعه یادمیکند وکاوش دردلیل تجرد نفس (ص ۲۱۲ چاپی) و وجود کلی (ص ۲۲۳) را بدانجا بازگشت میدهد این کتاب درتهران بسال ۱۳۱۳ بچاپ رسید .

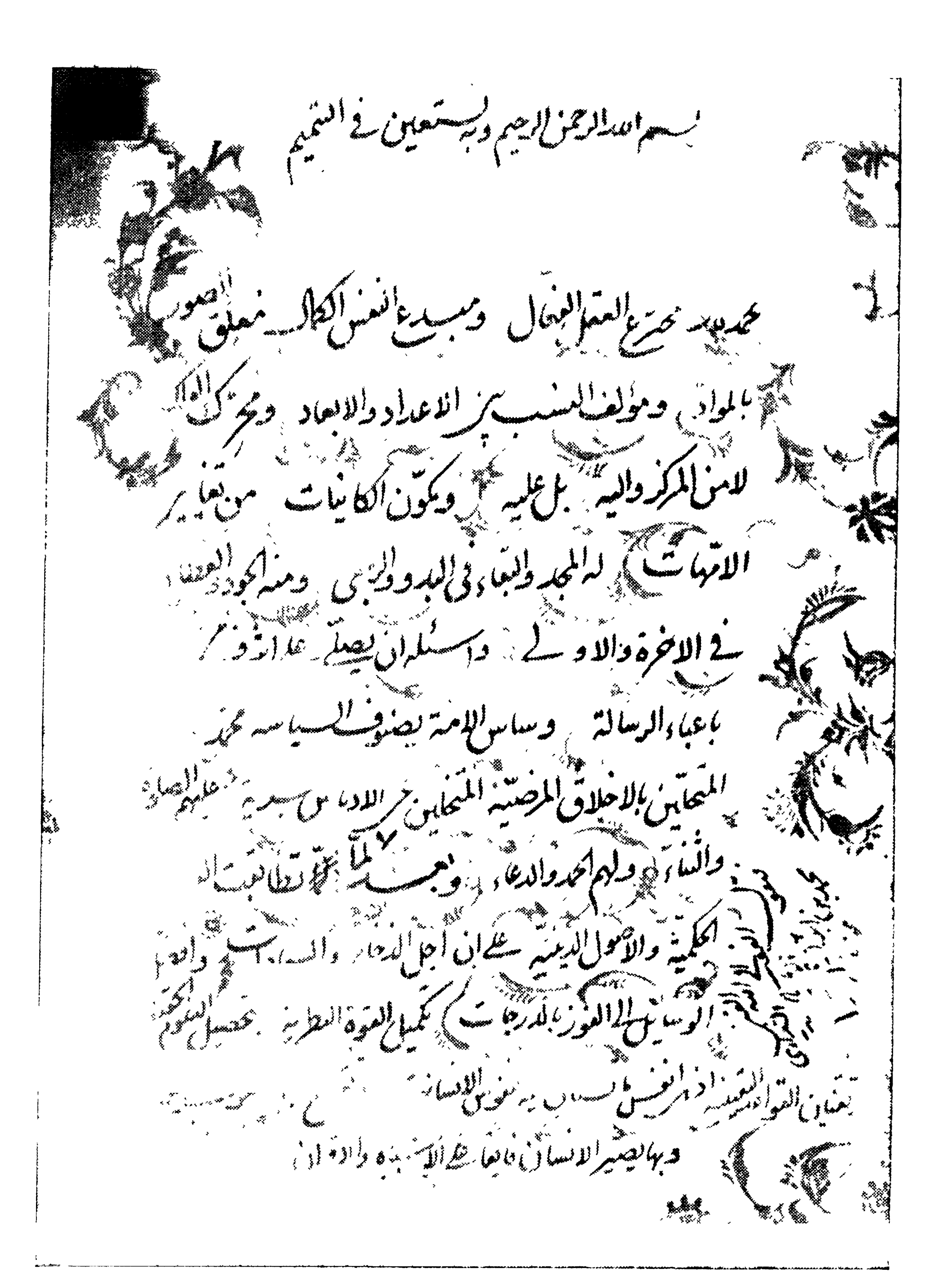
[٣٠٨]

۲٥٤

این نسخه بخط شکسته نستعلیق و نوشته خودملاصدرا است وسه صفحه نخستین ودو صفحه پایان آن زرکوب وحاشیه‌سازی شده استودرانجام نسخه‌چنین نوشته‌شده : « کتب بیده الجانیة الفانیة مؤلفه محمدالمشتهر بالصدر الشیرازی » در بسیاری از آنچه که نوشت برگشت و آنرا نادرست‌دانست وروی آن خط کشید وخیلی جاهادر کنار برکهاعبارتهائی بیافزود وهمه اینها بخوبی میرساند که نسخه ما بخط فیلسوف شیرازی



یك صفحه از نسخه شماره ۲۵٤ (شرح شیرازی برهدایه ابهری)



بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین فی التتمیم

نحمد من هو مخترع العقل الفعال ومبدع النفس الکامل معلق الصور

بالمواد ومؤلف النسب بین الاعداد والابعاد ومحرک الافلاک

لا من المرکز والیه بل علیه ومکون الکائنات من تغایر

الامهات له المجد والبقاء فی البدو والرجعی ومنه الجود

آغاز شرح شیرازی برهدایه ابهری بخط خود او ش ۲۵٤

واصل است ودر پایان دارد : و کتب بیده ... مؤلفه محمدالمشتهر بالصدرالشیرازی ...
(۲۹۳ برك) ــ کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج سرخ از بیرون و خاکستری از درون وضربی متوالی .
اندازه : ۵ر۱۴×۲۲ و ۵ر۵×۱۴ س ۱۵

۵

[۳۰۹]

۲۹۵

این نسخه بخط تعلیق وروی متن خط سرخ کشیده شده وعبدالرزاق بن محمد یوسف رضوی شاگرد سلطان العلماء بسال ١٠٤٦ درشهر قم گاهیکه حاشیه قدیم تجرید وشرح مختصرعضدی را نزد اومیخواند آنرا نوشت .
(۲٦۳ ۳) - کاغذ ترمه سپاهانی ــ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۱۹ و ۸×۱۳ س ۱۹

۱۰

[۲۵۵] **شفا** (عربی)

شیخ رئیس شالوده شفای خویش را که در بیست یا هجده مجلد است، بدرخواست جوزجانی، درهمدان، هنگام وزارت دوم، میان ٤٠٥ و ٤١٢، بنام کتابی جامع نه گزارش نگارشهای ارسطو، و بی آنکه ازمخالفــان خرده گیری کند، ریخته، نخست نزدیك به بیست برك از بخش طبیعی آنرا نگاشته است. و پس ازمرك شمس الدوله در ٤١٢ در خانه ابوغالب عطار نهان شده، بی آنکه بکتابی بنگرد و نزدیك بدو روز رؤس مسائل رادر ۲۰ جزء از بر نوشت . آنگاه روزانه آنها را در ۵۰ برك گزارش نمود. تا در ۲۰ روزطبیعی رابجز گیاه وجانورشناسی وهمچنین الهی رانوشته است . سپس بنگارش سر آغاز و دیباچه منطق شفا بپرداخت و پس از بازداشت در دژ فردجان بهمدان که آمد، درخانه علوی، درهمین سال، باز بمنطق شفا پرداخت و در آن از نگارشهای فیلسوفان پیروی نمود و بروش آنان برفت. این بود که منطق گسترده تر از بخشهای دیگر در آمده است . منطق را همینکه بسپاهان رسید درخانه عبدالله بن بیبی، در کوی گنبذ، بپایان رساندوریاضی را که پیش نوشته بود بر آن افزود. وسالیکه علاءالدوله بشاپورخاست میرفت وشیخ را همراه داشت او دو کتاب گیاه وجانوررا نیز نوشت ودرجانورشناسی، بیشتر ازارسطو گرفت و دیده ها وشنیده های خویش را نیز بر آن افزود. ودراین هنگام نزدیك بچهل سال داشت (سر گذشت شیخ ودیباچه جوزجانی برشفا وسر آغاز آن) خود شیخ درطبیعیات شفا از سالهای ۳۹۰ و ۳۹۱

۱۵ ۲۰ ۲۵

و۳۹۳و ۴۱۰ وازهرمز یارمشکوار و محمدبن دشمنزیار و شاگرد خود جوزجانی
ومحمودسبکتکین واز کودکی خویش در کناررود آمویه واز بودن خود درجاجرم
و از کوهستان طوس و ویمه طبرستان و بیابان دهستان و شاهان فراوه یاد می‌کند
و نشانه‌های تاریخی و جغرافیائی دیگر نیز در آن میتوان جست و درهمین طبیعی
درچندجا ودردیباچه الهی ببخش منطق بازگشت میدهد وهمچنین در آغاز طبیعی
از پایان یافتن منطق و در آغاز الهی از پرداختن آن و طبیعی و ریاضی یاد میکند
ازهمه این نشانه‌ها و بازگشتها که در آن فراوان است برمیآید که شفا را اگرشیخ
درآغازجسته‌وگریخته‌نگاشته‌باشدپس‌ازاین آنرابساخت یك‌نگارش باسروسامانی
درآورد. ازنگریستن همه بخشهای شفا این نکته آشکاراست. پس میتوان از روی
نسخه ش ۸۲۲ داماد (قنواتی ش ۱۴ ص ۷۳) گفت که شیخ آنرا در ۴۲۰ بپایان
رساند و شاگردان در ۴۲۲ آنرا نزدش خوانده و با نسخه خود او سنجیدند (۱)
این هم یادآوری شود که شیخ رئیس چنانکه دراشاره ۳ نهج ۳ و اشاره ۶ نهج ۴
اشارات ودرفصل ۶ مقاله ۱ عبارت منطق شفا میگوید تنهابزبان پارسی وتازی آشنا
بود وازروی نوشته خود او در (بیان‌الجوهر النفیس) (مجموعة‌الرسائل ص ۲۵۸)
کتابهای گذشتگانرا درترجمه‌های تازی میخواند وبگواهی فصل ۴ مقاله ۲ فن‌جدل
وفصل ۲ مقاله ۴ فن ۸ ازمنطق‌شفا (که درهمینجا ازترانه های خسروانی یادمیکند)
یونانی نمیدانست واز سنجش منطق شفا با ترجمه ارغنون، وفن جانورشناسی آن
با طبایع‌الحیوان ارسطو (ش ۱۱۴۳ مجلس گویا ترجمه ابن بطریق) پیداست که او
اینگونه ترجمه‌هارا دردست داشت وخودهم بارهابدان گواهی داد ومیتوان بخش
آسمان و جهان طبیعی شفا را با آسمان و جهان ارسطو در چهار مقاله نسخه ش
۱۱۴۹ طوس ترجمه مهران بن منصور بن مهران ترسا از یونانی بتازی بسال ۵۵۳

۱ـ نگاه به: طبیعی شفا ص ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۹ و۲۶۴ و ۲۷۴ و ۴۱۷و۴۲۵
و نیز ص ۲-۳-۱۹—۷۵-۴۳۱ — برای شناختن این کتاب شماره ۱۴ قنواتی را ببیند که
فهرست مطالب ونسخه‌ها وچاپها وترجمه‌ها و گزارشهای آنرا یاد نمود. نیزفهرست مجلس
ش ۱۳۵ تاریخ ۸۷۱ و ش ۱۳۶و۱۳۷ ص ۲ — ۷۰ ج ۲ ونسخه کهنه آنجا بخشیده آقای
طبائی ونسخه تنکابنی — فهرست طوس ج ۴ ص ۱۹۹ — ۲۰۰ ش ۸۷۲ تا ۸۷۸ ج ۴



آغاز طبیعی شفا (۲۶۸ ب نسخه شماره ۲۴۱) با حاشیه های میرزای جلوه - پیوست ص ۲۸۹

فی نفسه ان یکون لیس ویکون له عن علته ان یکون ایس والذی
یکون للشیء فی نفسه اقدم عند الذهن بالذات لا فی الزمان عن
الذی یکون عن غیره فیکون کل معلول ایسا بعد لیس بعدیة
بالذات فان اطلق اسم الحدث علی کل ما له ایس بعد لیس وان
لم یکن بعدیة فی الزمان کان کل معلول محدثا وان لم یکن بعدیة
فی الزمان کان کل معلول محدثا وان لم یکن یطلق بل کان شرط المحدث
ان یوجد زمان ووقت کان قبله فبطل لمجیئه بعده اذ یکون بعدیة
بعدیة لا تکون مع القبلیة موجودة بل یکون ممایزة لها فی الوجود
لانها زمانیة فلا یکون کل معلول محدثا بل المعلول الذی سبق
وجوده زمان وسبق وجوده لا محالة حرکة وتغیر کما علمت ونحن
لا نناقش فی الاسماء ثم المستحدث بالمعنی الذی لا یستوجب
الزمان لا یخلو اما ان یکون وجوده بعد لیس مطلقا او یکون
وجوده بعد لیس غیر مطلق بل بعد عدم مقابل خاص فی مادة
موجودة علی ما عرفته فان کان وجوده بعد لیس مطلق کان

الهی شفا (برگ ۱۴۱ الف نسخه شماره ۲۴۲) باحاشیه میرداماد
بخط خود او — پیوست ص ۲۸۹

(ج ۲ ص ٤٦ فهرست) و نسخه ش ۸۷۵ کتابخانه مروی تهران سنجید . خود او
درفصل ٤ مقاله ۹ قیاس میگوید که همه را از استادگرفته‌ام و در فصل ۱ مقاله ۹
قیاس از انولوطیقای قدیم ودرفصل ۲ مقاله ۸ الهی ازالف صغری یاد میکند وازاین
اشارات منبع شفابدست میآید مگراینکه درمنطق او هرچه ازارسطومیآورد بنقل
۵ بمعنی ماننده‌ترمیباشد . درفن نفس طبیعی ودرالهی نوشته‌های نوپلانی واسکندرانی
وشارحان نیز دردست داشت ودرریاضی پیداست ازنگارشهای اقلیدس وبطلیموس
ودیگران بهره برده است .

[۳۱۰]

۲٤۱ دراین نسخه دیباچه جوزجانی وفن‌منطق (پایان در۲٦۷ الف) وطبیعیات
۱۰ (۲٦۸ب–۳٦۹ الف)هست و۶۹ برك پس‌ازبرك یکم که منطق باآن‌آغاز
میشود بنسخ درشت روشن و نونویس است برك یکم (دیباچه جوزجانی)
وازبرك ۵۱ تا پایان بخط نسخ کهنه‌تر ومعرب ومحشی درتاریخهای ۱۰۷٤ و۱۰۷۵
نوشته شده و در جدول زرین بشنگرف میباشد و میرزا ابوالحسن جلوه فرزند محمد
طباطبائی زواره‌ای نائینی (۱) فیلسوف نامور ازروی‌آن درس میگفت وبرآن حاشیه
۱۵ نوشت وعبارات فیلسوفان را برای حل مطالب شفاآورد وحاشیه‌ها بخط خوش روشن
است درصفحه یکم سرلوحی هست ودرآغازطبیعی سرلوحی دیگر که زمینه آن طلا
و کتیبه بلاجوردوحاشیه گل‌وبوته‌دارمیباشدفیلسوف‌میرزاطاهرتنکابنی‌درگ ۲٦۸ الف
بخط خود در٤ آذر۱۳۱۸خ نوشت که این‌نسخه را دانشمند جلوه ازمباحث کم تاپایان
کتاب تصحیح کرده است .

(۳+۳٦۹+۵ ك) - کاغذ آغازآهارمهره فرنگی وپس‌ازآن‌ترمه سمرقندی -جلد تیماج زرد زرکوب

اندازه : ۱۹×۵ر۲۸ و ۱۳×۵ر۲۱ س ۳۳

[۳۱۱]

۲٤۲ این نسخه الهی شفا است بنسخ روشن درشت وگاهی بی‌نقطه وگاهی معرب
۲۵ که بتاریخ نیمه روزسه شنبه رجب ۹٤۹ درسپاهان نوشته شده وحاشیه‌های
میرداماد فیلسوف بخط نسخ سیاه یا شنگرف او درآن است و رمز (م‌ح‌ق)
درپایان حاشیه‌ها دیده میشود واونسخه را تصحیح ودرهامش قید نمود درپایان حاشیه

---

۱ – جلوه دراحمدآبادگجرات بسال ۱۲۳۸ زاده شده و در شب آدینه ٦ ذیقعده ۱۳۰٤ درتهران درگذشت ودرگورستان ابن‌بابویه درری آرامگاه اواست

گ ۱۴۰ الف ازخلسة الملکوت نام میبرد. خط حواشی باخط اجازه‌ای که دامادبکسی
داده و در ص ۳۴۲ صحیفه سجادیه (ش ۲۸) نوشته شده و با خط میر دربرك ۱ الف
شرح مختصر عضدی (ش ۱۰۱۰) سنجیده شده‌است. دربرخی جاها حاشیه‌های سیداحمد
عاملی هست دربرك ۲۰۰ ب حاشیه میر با رمز (م ح ق دام ظله العالی) وبخط دیگری
۵ است ودر ۲ الف حاشیه او بارمز (م ح ق سلمه‌الله) پایان میبابد واینهم ازدیگری‌است

(۲۷۲ گ) — کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ کهنه حاشیه‌دار ساده
اندازه : ۱۸×۵ر۱۲ و ۸×۱۲ س ۱۴

[۳۱۲]

۲۴۳ دراین نسخه دیباچه جوزجانی ومنطق وطبیعی وریاضی والهی شفا است وبخط
تعلیق خوش دارای دو ترنج درگ ۱ الف و پشت برك پیش‌ازآن ۲ درگ ۱ ب
و ۱۲۹ ب و ۲۵۷ ب و ٤٤٤ ب و ۵۳۵ ب سرلوح بسیار زیبا وزرین بلاجورد
وشنگرف هست و همین برگها و برگهای پیش‌از آنها با زر وشنگرف حاشیه دارد.
ازآغازمنطق تاپایان مقاله ۳ فن ۲ (مقولات) منطق را جناب آقای مشکوة با نسخه
تاریخ دهه یکم ذی‌حجه سال ۵۳٦ بخط احمدبن هبة‌الله بن احمدبن الکزایه وبرابرشده
۱۵ با اصل مقابله کردند (دیباچه جوزجانی ۱ ب ـ منطق ۲ الف، ۲۵٦ ـ طبیعی ۲۵۷ ب ،
٤٤۳ ب هندسه ٤٤٤ ب ، ٤٦۸ الف — ارثماطیقی ٤٦۹ ب ، ٤۷۸ الف — موسیقی
٤۷۸ ب ٤۹۱ الف — مجسطی ٤۹۱ ب ، ۵۳٤ ب ـ الهی ۵۳۵ ب ـ ۵۸۹ الف) .

(۵۹۱ گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی جلد تیماج مشکی زیبای زرکوب
اندازه : ۱۸×۵ر۳۱ و ۱۲×۲۴ س ۳۱

۲۰ [۲۵٦] شواکل الحور فی شرح هیاکل النور (عربی)

مولی جلال‌الدین محمدبن سعدالدین اسعدصدیقی دوانی کازرونی (۸۲۸-۹۰۸)
فیلسوف متکلم شرحی آمیخته بنام یادشده دربالا برهیاکل النورفیلسوف سهروردی
بسال ۸۷۲ نگاشته است (۱) . وی در دیباچه آنرا بغیاث‌الدین محمود خواجه‌جهان

۱ — در کتابخانهٔ آستانه طوس چندین نسخه ازشرح هیاکل دوانی هست درپایان نسخه
۲۵ شماره ۸٦٦ آنجا چنین آمده : « نجزتحریره بیمین مؤلفه بعدالعشاءالاخرة من لیلة الخمیس
الحادیعشر من شهرشوال ... لسنة اثنین وسبعین ثمانمائه . . . فی تبریز فی الزاویة المبارکة
المظفریة شکرالله سعی بانیها السلطان السعیدالغازی ابی المظفرجهانشاه ورفع درجته فی علیین
وکان نهضته الی جانب دیاربکرفی اوائل هذه السنة ووقع هجوم الاعداء علیه واغتیاله فی الثالث
عشر من ربیع الاول للسنة المذکورة » (فهرست آستانه طوس ج ۱ ص ۵۹ ش ۱۹۸ وص ٦۰
۳۰ ش ۱۹۹ وج ٤ ص ۹ — ۱۹۷ ش ۸٦٦ تا ۸٦۹ وش ۸۷۰ که دوشرح هیاکل دوانی ودشتکی
درآن شناسانده شده) .

بخشیده و اورا باشعرهائی ستود وستایش فراوانی که درخور یك فیلسوف اشراقی نیست ازاو کرد. درحاشیه نسخه (۸٦٦) آستانه طوس بجای آن شاه نام (ابوسعید گورگان(۸۵۵ ـ ۸۷۲) آمده است . درمجالس المؤمنین شوشتری (مجلس هفتم) آمده که دوانی این شرح را یکبار برای یکی ازشاهان هند بنام ملك التجارساخته سپس بنام یکی از پادشاهان ایران کرد دوانی انموذج العلوم و اثبات الواجب را نیز بنـام سلطان محمود پادشاه هند ساخته است وی شرحی برعقـاید عضدی بتاریخ چاشت چهارشنبه ۱۸ ربیع یکم سال ۹۰۵ درشهرجیرون نگاشته (۱) که درلکهنوء بسال $\frac{۱۳۲۸}{۱۹۱۰}$ بچاپ رسید و بازپسین نگارش اواست دوانی دراین شرح روش اشراق پیش گرفت و کوشید که بروش سهروردی سخنان او را شرح کند وی براین شرح حاشیه نوشته که در برخی از نسخه ها دیده شده(۲) ودرآنجاازرساله البروج سهروردی و نیزازپرتو نامهٔ او یاد میکند وی درپایان میگوید که این شرح را در گرفتاری و دوری ازشهرخویش نوشته ام .

آغاز : بسمله یامن نصب رایات آیات قدرته علی کواهل هیاکل الممکنات ... فهذا ایها الذکی المتوقد شرح لهیاکل النور یحاکی بحسن دقائقه شواکل الحور .

انجام : المنصف . . . ختم الرسالة بذکرالله ... کماافتتحها بها فجاءت وردیة المفتتح مسکیة الختام (هذا ماتیسرلی فی شرح هذه اللمعة ... وهذه تحقیق المطالب والامال والسلام علی القدیسین خصوصاً علی سیدنا سیدالکل فی الکل و آله وصحبه اجمعین والحمدلله رب العالمین) وصلی الله علی سیدنامحمدو آله وصحبه وسلم (آنچه میان دو کمانه گذارده شده درنسخه ما نیست ونزدیك بیك صفحه میباشد .

---

۱ ــ دیده شود : نسخه دانشکده حقوق که دارای رساله های شرح هیاکل و شرح عقائد عضدی و انموذج العلوم و اثبات الواجب دوانی و حاشیه همین اثبات الواجب میباشد وابوالحسن علی بن طاهر استرابادی آنها را نوشت نخستین درکاشان ۲۰ ج ۲ سال ۹۳۷ ودومی درهمانجا درآدینه ۲۰ رجب ۹۳۷ وسومی درهمانجا بسال ۹۳۸ وچهارمی درهمانجا در ۵ ع ۲ سال ۹۳٦ نوشته شد و پنجمی که در چهارشنبه ۹ شعبان ۹۲٦ تألیف شده نیز بهمین خط است

۲ ــ نسخه دانشکده حقوق

[۳۱۳]

۸۵۱ این نسخه بنسخ خوش و پاکیزه وعنوانها و نشانه‌ها طلائی وروی متن خط زرین
کشیده شده است در برك ۵۱ ب حاشیه دارد و از محمد داود حلبی مرسی .
دربرگهای ۹۸ ب و ۹۹ الف تاریخ زایجه محمد هاشم برادرزاده شمسا محمد
۵ کاظما درشب شنبه ۲۵ ع ۱ سال ۱۰۸۵ و نیز تاریخ ۲۵ ع ۱ سال ۱۱۰۶و۲۵ ع ۱
سال ۱۱۲۹ خوانده میشود که همه اینها بخط شکسته دیگراست . دربرك ۱ الف نام
دارنده نسخه (محمد حسین‌بن فضل‌الله حسینی تفرشی) نوشته شد ـ بالای برگها ۱۱
تا ۱۷ بریده شده و کاغذ دیگری چسباندند ازاینرو دربالای برك ۱۲ الف سه سطر
ازمیان رفته است ـ این نسخه حاشیه خود دوانی را ندارد .

(۹۹ برك) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۰×۱۷ و ۵ر۵×۱۲ س ۱۹

[۲۵۷] الشواهدالربوبیة فی‌المناهج‌السلوکیه (عربی)

ازصدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (م ۱۰۵۰) است و چنانکه دردیباچه
میگویدآنچه ازرازنهانی‌فلسفه خود دردفترهاجسته‌و گریخته نگاشته و برخی‌راهم
۱۵ از ترس نتوانست آشکارسازد درآن‌آورده است و پنج مشهد آن را تا اشراق نهم
شاهد دوم‌مشهد پنجم‌نوشت وازنسخه‌اصل که عکس‌صفحه‌آخرهمراه‌نسخه ماهست
پیداست که اشراق دهمی ازهمین شاهدمانده ونتوانست بنویسد .

و کتاب بدینگونه است : مشهد۱ معانی عامه در۵ شاهد ـ مشهد ۲ هستی خدا
وآفرینش او در۲ شاهد ـ مشهد ۳ شناختن رستاخیز در ۳ شاهد ـ مشهد ٤ معاد
۲۰ جسمانی و بهشت و دوزخ در ۳ شاهد ـ مشهد ۵ نبوات در ۲ شاهد و هرشاهدی
برچند اشراق است . ابوالقاسم احمد یزدی بدرخواست شاهزاده محمد ولی میرزا
پسر فتحعلیشاه آنرا دریکشنبه ۱۰ ج ۱ سال ۱۲٤۵ بپارسی درآورد (ش ٤۰٤
ص ٤۷ ج ٤ فهرست طوس) .

[۳۱٤]

۲۷٤ این نسخه همان چاپ سنگی سال ۱۲۸٦در۲٦٤ صفحه است که حاشیه فیلسوف
سبزواری را نیزدارد واین نسخه را چهاربار جناب‌آقای مشکوة با نسخه اصل
فیلسوف شیرازی برابر نموده و اختلافها و غلطهای چاپی را درمیان سطرها

و کنارصفحه‌ها یادداشت کرد وعکس وفیلم صفحه یکم وصفحه پایان اصل همراه همین نسخه هست وچهارصفحه بخط جناب آقای مشکوة در باره اختلاف دو نسخه در آغاز کتاب دیده میشود .

ازعکس برك پایان کتاب درنسخه اصل پیداشت که نسخه چاپی کامل نیست و نسخه اصل بعبارت (الاشراق العاشر فی) پایان میبابد. پس فیلسوف شیرازی اشراق ۱۰ شاهد ۵
۲ مشهد ۵ را ننوشته و شاید اشراقها یا شاهدها یا مشهدهای دیگری هم میخواست بنویسد وننوشت. عبارت(الاشراق العاشر) درپایان نسخه شماره ٤٠٦ این کتابخانه نیز دیده میشود .

(۲٦۴ صفحه) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۱۷ × ۲٦ و ۱۰ × ۱۸ س ۱۹ ــ اندازه نسخه اصل ۴ر۲۵ × ۳ر۱۲

[۳۱٥]

٤٠٦ این نسخه بخط تعلیق و عنوانها بنسخ و شماره دوم دفتری است که نخستین آن کشف المحجة لثمرة المهجة از ابن طاوس میباشد و کمال بن محمد در ۱٥ رجب سال ۱۰۳۹ بشکسته تعلیق آنرا نوشت واین نسخه از برك ۹۷ب تا برگ
۲٦۹ الف میباشد و خط ایندو شماره مانند هم است وحواشی دارد که در پایان آنها ۱٥
نام احمد دیده‌میشود ـ گ ۲۷۰ الف ـ ۲۸۰ ب گفتارهائی است از شیرازی درفلسفه

(۲۸۰ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سبزمقوائی ضربی

اندازه : ٥ر۱۰ × ٥ر۱۹ و ٥ر۷ × ٥ر۱۲ س ۱۹

[۲٥۸] صحیفه (رساله ـ) (فارسی)

نگارشی است درتجرد نفس و پایداربودن آن ودر آن ازجالینوس وازنسفی ۲۰
بنام شیخ عزیز نسفی یاد میکند ودرباره هردو (رحمهماالله) میگوید .

آغاز : بسمله وبه نستعین آفتاب عنایت ازفلك ولایت وبرج هدایت براراضی قلوب مستعدان قبول افیاض حکمت و درایت خاصه در بستان روح آباد قلب سلیم جناب حکمت پناه ملك الحکماء مقبول قلوب الاولیاء پاینده باد بعد اعلام میرود که حکمای طبیعی بسبب ممارست مقدمات طبی . ۲٥

انجام : حضرت الله تعالی توفیق تحقیق معانی ببرکت انفاس شریفه مرشدان صمدانی رفیق گرداناد بحرمة کمال اولیا من الاقطاب والافراد .

[۳۱٦]

۱۰۳۵ این نسخه‌شماره ۳۵ دفتر ص ٤۱۱-٤۱۳ بخط تعلیق تاریخ محرم ۱۱۰۱ میباشد

[۲۵۹] **الصراط المستقیم** (عربی)

ازدانشمند داماد استرابادی است که بدرخواست شاگردان خود درباره ارتباط
۵ حادث بقدیم پیش از ۱۰۲۵ (عالم آراص ۱۰۹) نوشته و بشاه عباس یکم (۹٦٦-۱۰۳۸)
ارمغان داد . داماد در دیباچه از نادانی مردم و از روزگار می‌نالد و پس از ستایش
بسیار از آن شاه میگوید :

« نقص در باشد ار بهاکنمش
هم بانصاف شه رها کنمش

۱۰ این نگارش درچند مساق است و نخستین آن درمقدمات و در آن از جنبش
وزمان گفتگومیشود (۱) .

آغاز : بسمله البقاء دون افق عزك و جلالك والحمد والثناء وراء سرادق
قدسك وكمالك . . . محمد بن محمدالمدعو بباقر دامادالحسینی . . . يلقى عليكم
اخوان التجريد ويملى عليكم خلان التفريد .

۱۵ **انجام در نسخه ما** : تشبیه وتمثیل ـ الست اذا اخذت خیطا یختلف اجزائه
لونا . . . وموقعاهما هناك واحد ومعذلك فانه يشاهد مابينهما من الامتداد .

[۳۱۷]

۲۷۹ این نسخه شماره ۱ دفترگ ۱ ب ـ ٦٤ ب و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف
میباشد وحاشیه‌هائی دارد که به (منه سلمه‌الله) پایان میباید و درروزگار داماد
نوشته شده است نسخه ما همان مساق نخستین است و آنهم بپایان نمیرسد

---

۱ ـ داماد در آن ازنگارشهای فخررازی و سهروردی و طوسی بسیار میآورد و از
تعلیقات وشفا ونجات و کلمه الهیه شیخ رئیس (۵۸ ب) یاد میکند و گفتارفارابی درفصوص
« آخرمن جهة ان كل زمانى ... اول من جهة ... اعنى الحق الواجب ... معه لافيه » (۳٤الف)
و گفتار شیخ درمعراج « اذاتقرب الناس الى خالقهم بانواع البر تقرب اليه بانواع العقل . . .
۲۵ قال امير المؤمنين قيمة كل امرء مايحسنه يعنى قدر الانسان فى العلم ـ انتهت عبارته مترجمة »
برابر با ص ۱۵ معراجنامه چاپ رشت در ۱۳۱۲ خ (٤ الف) را میآورد نیز از اثولوجیا
و اسماء حسنی غزالی (۳٤ الف) یاد میکند . درباره آنست که گفته‌اند : « صراط المستقیم
میرداماد مسلمان نشنود کافر مبیناد » .

در کتابخانه بوهارهند (ج ۲ فهرست ش ۳۲۹ ص ۳۵۶) و درمجلس تهران (ج ۲ ش ۱۳۸ ص ۷۳) نسخه‌ای هست که آغاز آنها مانند آغاز نسخه ما میباشد در کتابخانه طوس (ج ٤ ش ۸۸۸ ص ۲۰٤) نیزهست وآغاز وانجام آن جز نسخه ما است .

محمد باقربن احمد سپاهانی بسال ۱۲۰۵ از دارندگان نسخه ما بود و خط او درگ ۱ الف ومهراو بچندگونه درهمانجا ودرگ ٦٥ الف و۱٤۰ الف دیده میشود. ۵
دارنده دیگرمحمد تقی بن‌محمدکاظم است که بخط خود درگ ۱ الف‌نوشت . در۱۲۵۰ این نسخه وقف گردید .

(همه‌دفتر ۱٤۰ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد مقوا
اندازه : ۱۳ × ۲۰ و ۷×۱٦ س ۱۸-۲۱

[۲٦۰] صناعیه (فارسی) ۱۰

میرابوالقاسم‌فرزند میرزابزرك فرزندمیرصدرالدین‌فندرسکی‌استرابادی فیلسوف پزشك‌ریاضی‌دان(۱)این‌نگارش‌رادرباره‌هنرهای‌گوناگون‌وسودهای آنهاوشناساندن کسانیکه‌شایستگی‌هریکی ازآنها رادارند بپرداخت ودارای یك دیباچه و۲۳ باب است‌ودرهندبااخلاق ناصری طوسی‌بسال ۱۲٦۷ ودرتهران‌بسال ۱۳۱۷ بچاپ‌رسید.

[۳۱۸] ۱۵

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط شکسته تعلیق محمد شریف‌بن محمد قائمی بسال ۱۰۵۱ میباشدگ ٤٤ ب ـ ۵۵ الف .

[۲٦۱] ضرورةالموت (نکته فی ـ) (عربی)

این گفتار ازخواجه طوسی است دراینکه مرگ ناگزیرمیباشد .

آغاز : نکتةاخری‌له . . . فی‌ضرورةالموت . الموت ضروری‌امره . والوجه فیه ان‌السبب‌الموجب . ۲۰

انجام : فحصل‌المراد وذلك ماارد‌نابیانه .

[۳۱۹]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۱ دفتراست وبخط تعلیق ص ۲۵ـ۲٦

---

۱ فندرسکی بسال ۱۰۵۰ چنانکه در سنگ ارامگارش نوشته است یا ۱۰٤۹ چنانکه در پایان نسخه ش ۸۸۹ طوس آمده در سپاهان درگذشت و در تخته فولاد بخاك سپرده شد (ج٤ص ۲۰٤ فهرست انجا) نسخه‌ای ازاین‌درمجلس‌ش۵ر٦٤٤ (ص۱۱٤ ج ۲) هست ۲۵

[۲۶۲] **ضیاءالعین** (عربی)

حاشیه ایست از غیاث الدین منصور دشتکی م ۹٤۸ برشرح میرك بخاري برحکمةالعین دبیران ودر آغاز بدو کتاب «تعدیل المیزان وتبیین البیان» خود یاز گشت میدهد واین رساله را برای یاد کردن ایرادها و پرسشها مینگارد وعبارت شارح را ۵ پس از قال الشارح آورده سپس حاشیه خودرا مینویسد .

آغاز : اللهم ارنابعین حکمتك حکمة العین وزدنا نورا من فیض عین هو للکونین عین .

انجام : بان الخصوصیة مطلقا .

[۳۲۰]

۳۸۰ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق یعقوب بن اسماعیل ماز ندرانی درمدرسه خانیه درنیمه روزدوشنبه ۱۸ ج۲ سال ۱۰۳۱ گ ۳۸ ب - ۵۱ الف . نسخه‌ای ازاین حاشیه درطوس ش ۸۹۰ (ج ٤ ص ۲۰۵) هست .

[۲۶۳] **طرائف الحکمه** (فارسی)

ازملاباشی عبدالرحیم بن حسینعلی هروی که درنیمه دوم سده سیزدهم میزیسته ۱۵ است و بسیاری از مباحث امور عامه را بروش صدرالمتالهین شیرازی بزبان پارسی آورد و در یك مقدمه وسه باب و یك خاتمه است .

آغاز : بسمله و به نستعین - بهترین کلام مر متکلم را آنستکه زبان ذل و شرمساری درحکمت حکیمی گشاید که در اشیا بطور نفی واثبات مستتر است .

انجام : وجهالت برحقیقت وانیت اوست که مثنوی :

۲۰ با دو عالم عشق در بیگانگی
واندرو هفتاد و دو دیوانگی
کاشکی هستی زبانی داشتی
تا زهستان پرده‌ها برداشتی

هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذاالمجلدالاول من کتاب طرائف الحکمة وستیلوه ۲۵ المجلدالثانی فی باب النفس ان شاءالله تعالی تمت بید مؤلفه . . ابن حسینعلی الهروی

عبدالرحیم ... فی یوم الاربعاء خامس عشر ذی قعدة الحرام من شهور سنة ست وثمانین وماتین بعد الالف من الهجرة النبویة علی هاجرها الالف التحیة والسلام .

از پایان پیداست که این کتاب جلد دیگری هم باید داشته باشد که از نفس در آن گفتگو گردد (۱) .

آغاز طرائف الحکمه هروی ش ۳۴۴

پایان طرائف الحکمه هروی ش ۳۴۴

۱ — نسخه دیگری از این کتاب دیده شده که در پایان آن چنین آمده بود : « قد تم ... فی غرة شهر ربیع الاولی من شهور سنة ۱۲۸۶ وهذا النسخة اول نسخة انتسخت من خط مبارك (؟!) المصنف زید فضله وتأییده ... وقد کتبته لنفسی ... محمد علی بن محمد نبی الکزازی فی قصبة سنقر من اعالی الکرمانشاهان » . بیت نخستین که در پایان نسخهٔ ما غلط نوشته شده در این نسخه درست دیده میشود (بنگرید به مثنوی)

[۳۲۱]

۳٤٤ این نسخه بخط شکسته نستعلیق باعلامتهای شنگرف میباشد ودرتاریخ چهارشنبه ۱۵ ذی قعده سال ۱۲۸٦ نوشته شده است وخط خود هروی است .

چون هروی روش فیلسوف شیرازی را داشته بود برخی درپشت کتاب نوشته‌اند
۵ که این ترجمه اسفار است یکی از دارندگان نسخه بنام احمدبن محمود قراگوزلو درتاریخ ۲۰ ع ۱ سال ۱۲۸۸ در کرمانشاهان برپشت کتاب نوشته که طرایف‌الحکمه ازملاباشی است وترجمه اسفار ملاصدرا است ومهر اوهم هست بعبارت (عبده احمد) .
(۳۰۵ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد ضربی متوالی
اندازه : ۱۴×۲۲ و ۹×۱۷ س ۱۸

۱۰ [۲٦٤] **طرح‌الکونین فی حشرالعالمین** (عربی)

دانشمند صدرای شیرازی دراین نگارش روشن نمود که همه هستی‌ها را رستاخیزی است وهمگان بجهان خدائی بازمیگردند و درمجموعه رساله شیرازی بسال ۱۳۰۲ ودرکنارکشف‌الفوائد حلی بسال ۱۳۰۵ ودرکنارمبدء ومعاد شیرازی بسال ۱۳۱٤ بچاپ رسید ودرآن از اسفار یاد میشود .

۱۵ [۳۲۲]

۱۰۳۰ این نسخه دربرگ ۱۰۰ تا ۱۱۵ این دفتراست وبخط تعلیق و عنوانها زیر خط سرخ ازمحمد مؤمن که درشوال ۱۰۹٤ آنرا نوشت .

[۲٦۵] **طیر (رساله ...)** (عربی)

یکی ازسه داستان فلسفی شیخ رئیس است که سهروردی شهید آنرا بپارسی
۲۰ کرد وقاضی عمربن سهلان ساوی (۵٤۰) بفارسی وشیخ کمال‌الدین علی‌بن سلیمان بحرانی بنام « مفتاح‌الخیر فی شرح رسالةالطیر » بتازی برآن گزارش نوشتند (۱) غزالی نیزازروی آن‌داستانی بزبان مرغان ساخت .

آغاز : رسالة عرف برسالةالطیر کتبهاابوعلی‌بن‌سیناالی کافة اخوانه واصدقائه

---

۱ ـ داستان شیخ رامهرن با ترجمه فرانسه در لیدن بسال ۱۸۹۱ چاپ کرد و در
۲۵ جامع‌البدایع ومجله مشرق ج ٤ سال ۱۹۰۱ ص ۷ – ۸۸۲ وترجمه فرنگی یسوعیان ازآن دربیروت بسال ۱۹۱۱ بچاپ‌رسید. پارسی سهروردی وگزارش عمربن سهلان ساوی با صفیر
بقیه حاشیه درصفحه بعد

(فی وصف یوصله الی العلم الحق عملها قبل حصوله بالجمل . ماانت دائب فی الطلب منهمك فی نیل أمر متعب ـ قنواتی) هل لاحد من اخوانی ان یهب لی من سمعه قدر ما القی الیه طرفا من اشجانی عساه ان یتحمل عنی بالشرکة بعض اعبائها .

انجام : وبالله الاستعانة وعن الناس البرائة ومن اعتقد غیرهذا خسرفی الآخرة وسیعلم الذین ظلمو ای منقلب ینقلبون . ۵

[۳۲۳]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۱۲٤ الف ـ ۱۲۷ الف میباشد.

[۲٦٦] **ورش التقدیس** (عربی)

این نگارش از میرداماد است و در آن شبهه ابن کمونه که «شاید در جهان هستی دو آفریننده بی هیچ قدر مشترکی باشند» ردشده ومیگوید که پیش از ابن کمونه هم ۱۰ بگشودن این شبهه پرداخته بودند سپس میگوید که برخلاف رأی شیخ علت ومعلول باید تنها در وحدت و کثرت همانند باشند نه درنحوه وحدت شخصی و نوعی ومیشود یك چیز دارای دو علت باشد و این انعکاس تنها در علت آفریننده بایستنی است ـ صدرای شیرازی دیباچه‌ای بر آن نوشته و آنرا شناسانده و بسیار بستود .

دیباچه صدرا : هوالحکیم العلیم هذه رسالة شریفة الهیة ومقالة جلیله ربانیة ۱۵

مانده حاشیه ازصفحه قبل

سیمرغ و لغات موران باسر گذشت سهروردی ازشهرزوری را Otto Spies و K . Khattak درسه رساله فلسفی (Three treatises on mysticism) بچاپ رساندند. در کتابخانه طوس گزارشی فارسی ش ۸۰۷ وداستان طیر دیگری ش ٦٥٥ (ج ٤) هست درمجلس نیز ۲۰ همان گزارش فارسی طوس در ش ٦٤٠/۲ هست (ج ۲ ص ٤۰٥) وبگواهی نسخه شماره ۱۲۱٦ سپهسالار ص ۳٤-٥٤ ایندو از ساوی هستند .

نگاه به : شخصیات قلقه س ۹۸ — ۱۳٤ — ابن‌سینا از طریحی ـ معجم المطبوعات درابن‌سینا وغزالی — درذریعه ج۷ ص ۱۳۰ ازجنگی یادمیکنند که شهاب بحرانی ۱۵رساله درآن نوشت مانند حی بن یقظان شیخ و شرح طیر هموازبحرانی والغربة المغربیة (حی بن یقظان) ۲۵ والمنظرة التجریدیة که آغازش این بود : (هذه کلمات کتبتها بالتماس بعض اخوان التجرید) هردو ازسهروردی- قنواتی ش ۲۹۹ — رساله طیرغزالی در مجموعه رسائل او در مصر بسال ۱۳۲۸ بچاپ رسید .

مسماة بعرش التقديس فارق بين الحق والتدليس طلعت عن مطلع العرفان والتحقيق ولمعت عن منبع الايقان والتدقيق .

انجام آن : ولكن الكل ميسر لماخلق له وكتب هذه الاحرف خادم القوى العالية الروحانية محمد بن ابراهيم الشهير بالصدر الشيرازى احسن الله احواله حامدالله مصليا ۵ على نبيه مستغفر الذنبه .

آغاز رساله : اللهم اجعل رضاك عنى فيما تشغلنى به ولاتشغلنى عن ذكراك بما تشوقنى اليه - بسم الله الرحمن الرحيم والاستيفاق من العليم الحكيم - ياهو يامن هو يا من لاهو الاهو يافوق الفوق ويا وراء الوراء ويا عالياً عن سمك الوصف ويا رفيعا (ويا متقدسا) عن افق الثناء . . . وبعد فاحوج المربوبين الى الرب الغنى محمد بن ۱۰ محمد يلقب باقر الداماد .

انجام در نسخه ما : لكنى لست اجد مساق البرهان اليه اللهم الا فى العلة الجاعلة (تشريق) فاذن ليس يصح .

[۳۲٤]

۱۰۹۰ این نسخه بخط تعلیق صدرای شیرازی ودارای دیباچه او (گ ۱ الف) میباشد عنوانها و نشانه‌ها شنگرف یا سیاه درشت است. داماد در آغاز از خود ستوده ومیگوید که خدا مرا برهمسرانم برتری داد که فلسفه را پخته وسخته ساختم وآنرا بادین سازگار کردم آنگاه زیر عنوان « اخاذة » شبهه ابن کمونه رد میکند و درعنوان (تشریق) اثبات میکند که علت و معلول باید در حدت و کثرت همانند باشند پس از این تشریق دوم میآید ونسخه پایان مییابد وناقص است . این رساله را داماد بدرخواست ۲۰ یاران از نگارشهای خویش گزین نمود - گ ۱ ب - ۳ الف .

(۳ گ) - كاغذ سمرقندی — جلد ندارد
اندازه : ۱۳٫۵×۱۹٫۹ و ۸٫۵×۱٤ س ۱۴

[۲٦۷] عرشيه (عربی)

نگارش دانشمند صدرای شیرازی است که درتهران با نیمی ازشرح سپاهانی ۲۵ و با مشاعر بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید نیمه دیگر این شرح در سال ۱۳۱۹ دردنبال اسرار الایات او بچاپ رسید وی دردیباچه آنرا « الحكمة العرشيه نامیده و در آن از کتب مبسوط واسفار اربعه وکتب ورسائل ورساله حدوث وحواشی حکمة الاشراق

(ص ۱۲۷-۱۳۳-۱۴۴-۱۶۶) یاد نمود و اندیشه فلسفی خویش را درباره شناخت
خدا ورستاخیزدر آن آورد . شیخ احمد احسائی بر آن شرحی نوشت وشیرازی را
رد کرد و ملا محمداسمعیل بن‌محمدسمیع سپاهانی درگزارش‌خود بر آن و مولی
زین‌العابدین بن محمد جواد نوری نیز در شرح مشاعر شیرازی از احسائی خرده
گرفتند . ۵

[۳۲۵]

۸۹۷ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط نسخ گ ۸۹ ب - ۹۷ الف میباشد

[۲۶۸] عرضنامه (فارسی)

این دفتر از بابا افضل کاشانی ودرطبیعی والهی‌است ودر۱۳۸ نشریه دانشگاه
بچاپ رسید و نسخه‌ها یکسان نیستند . ۱۰

[۳۲۶]

۳۴۰ این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط تعلیق پاکیزه تاریخ ج ۲ سال ۱۲۶۰
گ ۵۸ ب - ۱۰۴ ب .

[۳۲۷]

۴۳۱ این نسخه شماره ۱۸ دفتراست و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۵
۱۸۱ الف - ۲٦۴ الف .

[۲۶۹] العروس (عربی)

این نگارش ازشیخ رئیس است که در آن ازنفس قدسی پیامبریادکرد ودرباره
آن گفت « یکاد زیتها یضیئی . .) (۱) ونیز گفت که عقل فعال برنیروی نطقی آن
افاضه میکند و پرتو او ازنیروی نطق بنیروهای حفظ و تخیل وحس مشترك سپس ۲۰
بحس ظاهر میرسد ودر آن نگاشته میشود و در آن هنگام پیامبر فرشته زیبائی را

۱— شیخ رئیس در بند ۱۱ نمط ۳ اشارات و در بیتهائیکه خزرجی (ج ۲ ص ۱۵
س ٦ — ۸) از او میآورد بتفسیر باطنی آیه نور اشـاره نمود . بنگرید بـه ص ۱۱۲
این فهرست .

درهوا می‌نگرد که درباره آئین‌گذاری با او گفتگومیکند (۱) .

[۳۲۸]

۸٦۱ این نسخه شماره ۷ دفتروبخط نسخ وتصحیح شده در کنارصفحه‌ها گ ٥٥ الف ٥٦ الف وچنین پایان میباید : « و اشرف من کانت نفسه‌النطقیه (الناطقة) عقلا بالفعل من له‌النفس القدسیة النبویة والله‌الملهم للصواب ــ تمت رسالة‌العروس » مانندش ٦٦٦ طوس .

[۳۲۹]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۰ دفتر و بخط تعلیق گ ۱٥٦ الف ــ ۱٥۸ الف و رسالة عرش نامیده شده و پایان‌آن چنین است : « ... النفس‌القدسیة‌النبویة والحمدلله والصلوة علی جمیع‌النفوس الطاهرات والذوات الزاکیات خصوصاً محمد و آله الطاهرین » درگ ۱٥۸ الف و ب‌گفتاری است ازشیخ درباره بستگی نحو و منطق نزدیك بآنچه که درپایان فصل ۳ مقاله ۱ فن ۱ منطق شفا آمده است : « المناسبة بین‌النحو والمنطق ان نسبة صناعة‌النحو الی‌الالفاظ کنسبة صناعة‌المنطق الی المعانی ... فالنحو ینظر فی‌الالفاظ بالذات وبالقصدالاول وینظرفی‌المعانی بالعرض والقصدالثانی والمنطقی بالعکس . تم »

[۳۳۰]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۷ دفتر و بخط تعلیق گ ۳٤ ب ــ ۳٦ الف بدین‌نام «رسالة العروس » و چنین است پایان آن : « النفس‌القدسیة‌النبویة ولواهب‌العقل حمداً لایتناهی والصلوة علی سیدنا محمد . . . والسلام علی من‌اتبع الهدی » نزدیك به ش ٦٦۷ طوس درفهرست‌آنجا ش ٥۹۰ باز ازالعروس یادگردید .

[۲۷۰] **العقل** (عربی)

این رساله ازفیلسوف کندی بغدادی است ودوبار بلاتینی درآمده‌است یکی

---

۱ ــ قنواتی این رساله را درش ۱۸٤ «العروش ــ العرش ــ الحکمة‌العرشیة ــ السلسلة‌الفلسفیة » خواند و درش ٥۷ « سلسلة‌الفلاسفة » را چیزدیگری پنداشت دوشماره طوس بنام « العروس » و ش ۲ر٦۱۱ مجلس بنام «العرش» است . همه اینها بجز یك‌بند پایان همانستکه در ص ۷۸ ش ۲٦ر۳۳۹ و در ص ۱۱۲ ش ٤٦ر۱۰۳٥ همین فهرست شناسانده شده است . در بیهقی ص ۹۰و۱۸۷ از « حکمت قدسی ــ مشرقی عرشی و رسالة العروش » یاد شده است در ص ۲ جنك ش ۱۲۱٦ سپهسالار نسخه‌ای بنام سلسلة‌الفلاسفه وبرابر با سه نسخه آینده ما و در ص ۹۷ ــ ۹۹ همین شماره آنجا بازنسخه دیگری بنام « فردوس » وبرابر با دوشماره گذشته ما دیده میشود .

از ژرارددو کرمونا Gerard de Cremon (۱۱۱٤ـ۱۱۸۷) بنام (گفتار کندی درباره اندیشه پیشینیان درباره خرد) دیگری بنام (نگارش کندی درباره خرد ودانسته) که گویا از یوحناء اسپانیائی است و آلبینوناژی Albino Nagy ترجمه لاتینی این رساله و دورساله دیگری کندی (خوابیدن و خواب دیدن و گوهرهای پنجگانه) در مونستر بسال ۱۸۹۷ بچاپ رساند. کندی این رساله را بطور گزارش ۵
وبدرخواست کسی نگاشته ومیگوید رأی افلاطون وارسطوودیگرفیلسوفان ستوده یونان را در آن میآورم. وی عقل را چهار بخش میکند : بقوت و بفعل وملکه وظاهر. این رساله نسبت برساله فارابی بسیار کوتاه است ودررسائل فلسفه کندی ازص ۳۵۳ تا ص ۳۵۸ بسال ۱۹۵۰ درمصر بچاپ رسید .

آغاز : رسالة التاسع من يعقوب اسحق الكندی فی العقل ـ فهمك الله ۱۰
جميع النافعات واسعدك فی دارالحيات والممات . فهمت الذی من رسم قول فی العقل . هو خبراخبرنا علی رأی المحمودين من القدماء اليونانيين ومن احدهم ارسطاطاليس ومعلمه افلاطون .

انجام : وقدر هذا القول فيه اذا كان ماطلبت القول المرسل الخبری كاف فكن به سعيدا . ۱۵

[۳۳۱]

۳۸٤ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ۷ رساله میباشد وهمه رساله‌ها بخط تعلیق تازه و ازروی نسخه مورخ ۱۲٦٦ بدستور واقف محترم نوشته شده است وهررساله جداگانه صفحه شماری دارد واین رساله ٤ صفحه است
(همه دفتر ۴۰ برك) — كاغذ فرنگی ـ جلد مقوا
اندازه : ۱۷×۲۱ و ۱۳×۱٦ س ۹

[۲۷۱] **العقل** (عربی)

این رساله از فارابی است و در ص ۹٦ شناسانده شده و در آن از عقلهای گوناگون سخن رانده و روشن ساخت که درجات آن در نفس چیست و ارسطو درنگارشهای خویش ازعقل چه میخواهد . ۲۵

[٣٣٢]

٢٤٠ این نسخه شماره ٢ دفتری است که‌دارای چندین رساله فلسفی ومنطقی ازفارابی میباشد و بخط نسخ از برك ٤ ب تا برك ٨ الف نوشته شده ونسبت بچاپ بیروت کم دارد .

٥

[٣٣٣]

٢٥٣ این نسخه شماره پنجم دفتری است که دارای ٢٢ رساله میباشد ودر برگ ٦٩ ب تا برگ٧٣ ب و بخط تعلیق حیدر بن علی کر کی عاملی میباشد که این دفتررا درسالهای ١٠٧٥و١٠٧٦ نوشته است .

(همه دفتر ١٥٦ برك) ــ کاغذ ترمه سمرقندی ــ جلد تیماج سرخ ساده

١٠ اندازه : ٥ر١٢×٥ر١٩ و ٦×٥ر١١ س ١٨

[٣٣٤]

٣٣٩ این نسخه شماره ٢٥ دفتر و بخط شکسته تعلیق مورب و بی‌نقطه واز برك ٨٠ (الف) است تا برك ٨٢ (ب) .

[٢٧٢] **العقل (تعلیق فی ...)** (عربی)

١٥ ابوالفرج‌بن‌الطیب دانشمند ترسای بغدادی م ٤٣٥ این‌رساله را مانند کندی وفارابی و بپیروی از ارسطو واسکندر افرودیسی نوشته ونیروهای روان ودرجات خرد را در آن شرح داد و پیدا است که از روش مشائیان متأثر گشت .

ابوالفرج دراین‌رساله عقلی راکه‌بذات خود وبفعل درك میکند فعال مینامد و عقلی راکه شایستگی دانش دارد هیولانی نام میدهد و برای آن چندین درجه

٢٠ از هیولانی صرف و بالفعل ومميز وظان وعامل وفکری وذاکر یاد میکند .

آغاز : تعلیق للشیخ ابی‌الفرج بن الطیب ــ قال الحکیم ابوالفرج : ان القوة علی‌الاطلاق ضربین ، قوة‌الحس وقوة‌العقل .

انجام : فهذه اسماءالعقل‌الهیولانی عندالفلاسفه مشروحة .

[٣٣٥]

٢٥٣ این نسخه شماره ١٧ دفتری است که دارای ٢٢ رساله میباشد ودر برك ١٠٢ب بخط تعلیق عاملی در ع ١ سال ١٠٧٦ نوشته شده است و درپایان آن دارد : تمت‌الرساله ... علی ید حیدر بن علی بن اسمعیل بن عبدالعالی الهاشمی الکرکی العاملی فی شهر ربیع‌الاول ١٠٧٦ .

[۲۷۳] عقل (رساله اثبات ...) (عربی)

خواجه طوسی دراین رساله از این راه که باید حکم ذهنی با واقع برابر باشد ببودن عقل کلی پی‌میبرد ومعنای نفس امررا مثبت عقل میداند. دوانی براین رساله گزارش نوشت .

۵ **آغاز** : من کلام مولانا . . . نصیرالحق والدین محمدبن‌الحسن‌الطوسی . . . اقامةالبرهان علی‌وجودالجوهرالمجردالمسمی بعقل‌الکل انالانشك فی کون‌الاحکام الیقینیه .

انجام : المشتمل‌علی‌کل رطب ویابس‌وذلك مااردناه . والله‌الموفق والمعین

[۲۳٦]

۱۰ **۱۰۷۹** این نسخه شماره دهم دفتری‌است که دارای ۳۵ رساله وگفتارمیباشد وبخط تعلیق درص ۲۳ تا ۲۵ نوشته شده است . این دفتربخط چندکس است یکی از نویسندگان میرمحمد مقیم بن میرشاهمیررضوی است که رساله ۳۱ (اسرار الاطباء از نظام‌الدین احمدگیلانی) این دفتر را در روز دوشنبه ۱۳ رمضان ۱۰۵۲ بپایان رساند .

۱۵ دیگرمراد تفرشی که درذی‌حجهٔ سال ۱۰٤۷رساله ۳٤ (اثبات واجب) را برای مولی محمد صالح کرامی نوشته است وی همان‌کس است که سید احمد عاملی (مرده میان ۱۰٥٤ و ۱۰٦۰) برای او بپرسشهای خواجه طوسی از خسروشاهی پاسخ داده که همان رساله ۲۹ این دفتر میباشد . باز نام همین محمد صالح در ص ۳۷۳ دیده میشود و نیز خط سلطان محمود که در۲۵ رمضان ۱۰۳٤ و محمد مؤمن‌بن هدایت‌الله ۲۰ تبریزی که هردو بدستورهمان مولانا محمد صالح کرامی نوشته‌اند درص ۲٦۳و۲٦۹ دیده میشود . پیداست که این دفتر برای کرامی فراهم آمده است و تاریخ آن از ۱۰۳٤ تا ۱۰٥۲ میباشد .

(همه دفتر۲۸۱صفحه) ــ کاغذ ترمه سپاهانی زرد ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه : ۱٥ ×۲٦ و ۹×۱٦ س ۲۳

[۲۷٤] العلل والمعلولات (رسالة فی ...) (عربی) . ۲۵

این نگارش از خواجه طوسی است که درآن بروش ریاضی از رشتهٔ علتها ومعلولها گفتگونمود .

آغاز : بسمله . مسئلة . قالت‌الحكماء : المبدء‌الاول‌لجميع‌الموجودات واحد تعالى ذكره .

انجام : وذلك مااردت بيانه فى هذه‌المسئلة والله اعلم بالصواب .

[٣٣٧]

١٠٧٩ اين نسخه شماره ١٢ دفتراست وبخط تعليق ص ٢٦-٣١

[٢٧٥] **العلم‌الاكتسابى (رسالة فى ...)** (عربى)

خواجه طوسى دراين گفتار بروش عرفانى دو مرتبهٔ تعليم اكتسابى و تعليم ربانى علم را روشن ساخت .

آغاز : اعلم وفقناالله تعالى و اياك انه لابد من معرفة‌العلم والعالم والمعلوم .

١٠ فالعلم‌تصورالنفس‌الناطقة‌المطمئنة‌الكلية‌حقايق‌الاشياء‌المجردة عن‌المواد كمية‌و كيفية مفردة‌كانت اومركبة .

انجام : فيعبر‌النفس عنه‌كما يشاء بلا انقطاع و نسيان. ذلك فضل‌الله‌يؤتيه من يشاء من عباده و م حسبناالله ونعم‌الوكيل .

[٣٣٨]

١٠٣٥ اين نسخه شماره ٨ دفتراست وبخط شكسته تعليق ريز ص ١٠٣

[٢٧٦] **علم جمجميه** (فارسى)

دراين رساله‌كه درمغزشناسى Phrenolcgie ياعلم قيافه‌جمجميه ميباشد از جايگاه بيست ونه حس درمغز از روى سخنان‌گال (F . G . Gall) و لاواتر G . G . Lavater وديگر دانشمندان فرنك‌گفتگوگرديد (١) .

٢٠ **آغاز** : ربى . بسمله . مقدمه . علم انسانى بردونوع است علم جسمانى وعام

---

١ — درفرنولژى صفات وكارهاى عقلى برپايهٔ ساختمان مغزنهاده شده وگال پزشك آلمانى (١٧٥٨ — ١٨٢٨) آنرا آورد اين علم كالبدشكافان را درباره ساخت وكردار مغز بخود كشيده بود وامروز فراموش گرديد .گال مغزرا جايگاه نيروهاى روانى ميدانست وبراى هريك ميخواست جائى درمغزجداسازد ـ لاواترفيلسوف شاعرالهى پرتستان سوئيسى ٢٥ (١٩٧٥—١٨٠١) آورنده علم قيافه Physiognomie يا هنر استدلال از خطوط چهره بخويها ميباشد .

غیرجسمانی .

انجام : جهت فهم و تربیت خود نه جهت شهرت و مضمون گوئی بیحاصل بتکمیل درعلم قیافه مشغول گردد. العلم عندالله ـ دریوم شنبه ۱۹ شهرجمادی‌الاولی بید اقل‌الجانی شیخ باقر فاضل‌الکاشانی فی سنة ۱۲۸۹ .

۵ [۳۳۹]

۹۵۳ این نسخه بخط نسخ شیخ باقرفاضل‌کاشانی بسال ۱۲۸۹ میباشد ص۱ـ۱۱۳

(۶۸ برگ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج تازه

اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۲۱ و ۵ر۷×۱۵ س ۱۶

[۲۷۷] **علم‌الله (رسالة فی کیفیة ...)** (عربی)

۱۰ این گفتار کوتاه از شیخ رئیس دانسته شده ودر آن روشن گشت که خداوند بهمه چیز آگاهست نه اینکه تنها کلیات را بداند چنانکه مشائیان میگویند .

آغاز : رسالة للشیخ‌الرئیس ابی‌علی بن‌سینا فی کیفیة علمه تعالی . وبه ثقتی . قال : علم‌الباری لذاته فهو یعلم‌الاشیاء جزویها و کلیها علی ما هی علیه .

انجام : ویعرف باسبابها ویعرف عدمها باسبابها‌المعدمة لها .

۱۵ [۳٤۰]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۱۷ دفتر است و بخط تعلیق مورب گـ ۸۹ ب . نویسنده درپایان‌آن چنین‌افزود «وقال‌الاشیاء‌التی نسمیها اتفاقیات وهی‌واجبة عندالله وقال‌الاول یعرف‌الشخص و احواله‌الشخصیة ... ولایعزب عن علمه مثقال ذرة فی‌السموات ولافی‌الارض انتهی وهوصریح فی علمه تعالی بالاشیاء » وگفت پس آنچه غزالی درباره شیخ گفته واوراکافرخواند بی‌پایه است. خود غزالی برگشته باشد یا نه ۲۰ درمقاله چهارم سرالعالمین درباره غدیرچنین گفت : « ولکن اسفرت‌الحجة .. بین ذوی‌النهی وذلك فضل‌الله یؤتیه من یشاء » نویسنده میخواهد بگواهی این گفتار وآن سخنان شیخ را ازتهمت کفر بیرون بیاورد .

[۲۷۸] **علم‌الله (رسالة فی ...)** (عربی)

۲۵ **دانشمند شمسای گیلانی دراین گفتار از دانائی خدا سخن رانده و آنرا هنگامیکه درمکه بسرمیبرده است بسال ۱۰٤۸ نگاشته است .**

آغاز : بسمله . اعلم ان العالم بالغیرقسمان .

انجام : الصفات الثبوتیه الکاملة الثابتة فی مرتبة ذاته بذاته مع قطع النظر عن کل ماعدا ذاته (درپایان میگوید : وقع تحریر هذه الرسالة البرهانیة علی ید مؤلفها... المجاور بمکة . . . محمد الشهیر بشمسا الجیلانی فی تاریخ سنة ثمان و اربعین بعدالالف) .   ۵

[۳٤۱]

۳۰٤ این نسخه شماره۲ دفتراست و بخط تعلیق شکسته محمدقاسم بن سید محمدحسینی شاگرد شمسا ازروی نسخه استاد ودرروزگار او بسال ۱۰۵۸ گ ۱۹۹ب-۲۱۰ الف ویك حاشیه (منه) دراین نسخه هست . شماره ۱ نیزنوشته حسینی میباشد .

۱۰ [۳٤۲]

۳۸۹ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق تاریخ ۱۲۵۲ میباشدگ ۱ ب - ۱۲ ب ودرصفحه ۱و۲ دوحاشیه داردکه یکی به (منه) ودیگری به (منه ره) پایان مییابد. دونسخه ازاین رساله درطوس ش ٦۸۰و٦۸۱ (ج ٤ ص ۱۳۷) هست .

[۲۷۹] علم الله (رسالة فی . . .) (عربی)

۱۵ این گفتار نیزازگیلانی است که اندیشه فلسفی خویش را درآن باسخنان معصومان سازگارنمود .

آغاز : و اعلم ان ما برهنا علیه باذن الله تعالی من ان علم الله تعالی بالاشیاء لایجوز ان یکون حضوریا ولاحصولیا بل لابدان ان یکون نحواً ثالثاً .

انجام : یجب حمل کلام الشارع علی المتفاهم العرفی مالم یصرفه صارف عقلی اوشرعی ولیس فلیس .   ۲۰

[۳٤۳]

۹۲٦ این نسخه شماره ۱۵ دفتر و بخط تعلیق ریز میباشد ودرپایان دارد « س م س رحمه الله» گ۱۵۳ الف-۱۵۵ الف. دردنبال آن گفتاری است ازشمسا درجدائی میان ذاتی وعرضی. درموجود خارجی با رمز (س م س رحمه الله) و عبارتی از حاشیه شفای شیرازی گ ۱۵۵ الف .   ۲۵

[۲۸۰] علم واجب (رساله . . .) (عربی)

دانشمند داماداسترابادی دراین رساله بروش خویش ازدانائی خداکاوش نمود

آغاز : بسمله . ولاثقة الا بالحكيم بعدالحمد لمفيض العلم وواهب العقل . . .
يقول محمدالمدعو بباقر الداماد الحسینی . . . وضابطة مقام التحقیق فی علم الواجب
ان یقال .

انجام : کما ارتکب من مدارك المحققین علی مافصل فی زبرهم فتامل والیه
یعلم حقیقة الحال . ۵

[۳٤٤]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ١٦ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۱۳۰ب - ۱۲۹ الف

[۲۸۱] **علم الیقین** (عربی)

نگارشی است فلسفی و عرفانی از فیض کاشانی محمدمحسن بن مرتضی فیلسوف
عارف محدث شیعی (۱۰۰۷-۱۰۹۱) که در ١٠٤٢ بپایان رساند و در تهران بسال ۱۰
۱۳۰۳ با عین الیقین همو بچاپ رسید .

[۳٤٥]

این نسخه بخط تعلیق و عنوانها در آن بشنگرف است و در برك (۱ الف) چنین
[٢٤٤] نوشته شده : «کتاب علم الیقین فی اصول الدین املاء العبد الضعیف محمد بن
مرتضی المدعو بمحسن القاسانی ثبته الله بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الاخرة» ۱۵
وسه مهر دارد که دوتا از اواست و یکی چنین خوانده میشود : «الراجی محسن الفیضی
محمد» و باز در همانجا نوشته است که اسحق بن محمد علم الهدی از پسر عموی خود
بسال ۱۱۲۵ این نسخه را خریده است .

در آغاز نسخه مهر محمد ابراهیم بن محمد صادق موسوی و در آنجا و در پایان
مهر محمد بن صادق بن زین العابدین موسوی دیده میشود . ۲۰

(۲۸٦ برك) — کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ۱۳×۲۰ و ٥ر۷×۱۴ س ۱۹



صفحهٔ عنوان علم الیقین فیض بخط ومهر خود او ش ۲۴۴

وقد قال من نفسه جل جلاله انه ارحم الراحمين فلا شك انه ارحم منا بخلقه ونحن عرفنا من
نفوسنا هذه المبالغة في الرحمة انتهى قيل قد قام الدليل العقلي على ان الباري عز وجل
لا تنفعه الطاعات ولا تضره المخالفات وان كل شي جار بقضائه وقدره وان الخلق
مجبورون في اختيارهم فكيف يسرمد العذاب عليهم وجاء في الحديث واخر من يشفع هو
ارحم الراحمين وربما قال ان كون الشي عذابا من وجه لا ينافي كونه رحمة من وجه اخر وفي
المقام كلام لطيف ليس هذا الكتاب محل ذكره وقد اوردناه في كتاب عين اليقين وعن النبي
صلى الله عليه واله ان الله خلق يوم خلق السموات والارض مائة رحمة فجعل في الارض منها
رحمة بها تعطف الوالدة على ولدها والبهائم بعضها على بعض والطير واخر تسعة وتسعين
الى يوم القيمة فاذا كان يوم القيمة اكملها بهذه الرحمة مائة فسبحان من اتسعت رحمته لاوليائه
في شدة نقمته واشتدت نقمته لاعدائه في سعة رحمته هذا اخر الكلام في العلم باليوم الاخر وبه
تم علم اليقين بمقاصده الاربعة ووقع الختم على رحمة الله تعالى لكي يجعل الله خاتمتنا
ويوم اخرنا الى رحمته وعفوه انه غفور رحيم وفرغ منه مؤلفه العبد الضعيف المسكين
محمد بن مرتضى المعروف بمحسن احسن الله حاله وجعل الى الرفيق الاعلى مآله وتاريخ اتمام
التصنيف يعرف من هذه الابيات * تم علم اليقين في غايات عشر ثلث كعقد اكرم
صار تاريخ عامه الآخر مصرع الصدر من هذه الكلم بدره كان في الشهور الحرم هكذا
الختم صار سنة اكرم بحث يا ذا الذكاء بالشهرين خصوص لصاحب الفهم نفع الله
طالبيه وبافيه شتت قدره

والحمد لله اولا واخرا وظاهرا وباطنا
وصلى الله على محمد واله وسلم
تم

٢٤٤

[۲۸۲] **عين اليقين** (عربی)

این نگارش عرفـانی از دانشمند فیض کاشانی است که عین‌الیقین فی اصول اصول‌الدین یا الانوار والاسرار نامیده شده ودرسال ۱۰۳۶ بپایان رسید و باعلم‌الیقین درتهران بسال ۱۳۰۳ چاپ شد .

۵ [۳٤٦]

۳۷۳ این نسخه بخط نسخ خوش تاریخ ۱۱۲۷ در جدول زرین ولاجورد باسرلوحی زیبا بزر و لاجورد و میان سطرها و کنار دو صفحه نخستین طلاکاری است و حاشیه دارد ازفیض با (منه قدس سره) .

(۲۸۳ ۳) – کاغذ سمرقندی -- جلد تیماج مشکی مقوائی دورو ودرون آن سرخ

۱۰ اندازه : ۱۴×۲۱ و ۹×۱۹ س ۱۸

[۲۸۳] **عيون الحكمه** (عربی)

نگارشی است بروش عرفان وعلم حروف از امام فخرالدین تبرستانی رازی که درفهرست آغازنسخه ما (رسالةالتوحید) یاد شد .

آغاز : بسمله . ورب یسر. الحمدلله المستحق للحمدذی الجلال والبهاء والسناء

۱۵ والمجد . . . هذاکتاب صنفناه فی الشرایع الالهیه و القواطع الدینیة علی آراءالعقلاء ذوی الشریعه .

انجام : تمت المنافع یتلوها الاصول الفقهیات اندر ماقیل واعز مانیل والعون والتوفیق بالله علیه اتوکل و الیه انیب والحمدلله وحده والصلوة علی نبی الـرحمة وآله الطاهرین .

۲۰ [۳۰۷]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ٥ دفتراست و بخط نسخ سید حیدر آملی که خود آنرا مقابله نمود گ ۱۰٤ ب ـ ۱۲٤ الف

[۲۸٤] **عيون المسائل** (عربی)

نگارشی است از فارابی که درص ۹۹ شناسانده شده ودرآن چندین مطلب

۲۵ منطقی وفلسفی آمده است .

[۳٤۸]

۲٤۰ این نسخه شماره ٥ دفتراست وبخط نسخ گ ۲۲ ب ـ ۲٥ ب .

[۳٤۹]

این نسخه شماره ٥ دفتر است و بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد
۱۰٤٦ قائمی دررجب ۱۰٤۰ درلاهیجان گ ۳۹ب ـ٤۱ ب وعنوان آن چنین‌است : ٥
«هذه کتاب عیون‌المسائل للشیخ‌الاجل‌الاقدم ابی نصر الفارابی وهی‌مأته وستة
وستون مسئلة » .

[۲۸٥] فصوص‌الحکمة (عربی)

نگارشی است که ازفارابی دانسته‌اند ودرص ۱۰۰ شناسانده شده ودرفلسفه
آمیخته با عرفان است . یکی از دانشمندانیکه از آن یاد نمود خفری (م ۹۳٥ یا ۱۰
۹٥۷) است که در «اثبات‌الواجب» ش ۹۲٦/۸ گ ۱۲۹ الف از آن‌نام‌برد . دانشمند
داماد نیز در ص ٦۷ قبسات بند ٥۸ آنرا آورد و درصراط مستقیم او (ش ۲۷۹/۱
گ ۳٤ الف) نیز بندی از همین فصوص دیده میشود بااینهمه گواهیها دراینکه این
گفتار ریختهٔ خامهٔ فارابی است یا نه جستجوی بیشتری باید .

[۳٥۰] ۱٥

۲٤۰ این نسخه شماره ٦ دفتر وبخط نسخ میباشد گ ۲٦ الف ـ ۳۱ ب

[۳٥۱]

این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط نسخ تاریخ ۹۸٦ از پیرشاه‌بن محمد یساری
۲٦۸ گ ۱ ب ـ ۱۷ الف .

[۳٥۲] ۲۰

این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط نسخ تاریخ ۱۰۹٦ گ٥۲ الف ـ ٥۹ ب
۸۹۷ عنوان « فص » بشنگرف است و ٦٥ فص میباشد و در پایان دارد « تمت
الرسالةالمنسوبة الی‌المعلم‌الثانی » .

[۳٥۳]

این نسخه شماره ۱ دفتراست و بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف از ۲٥
۱۰۳۰ ملامحمد سلیم که برای حاج‌محمدشریف بسال۱۰۹٤ نوشته‌است گ ۷ب‌ـ۱۷ب

[۲۸٦] **فوز اصغر** (عربی)

فیلسوف ابوعلی مشکویه رازی (م ٤۲۱) این رساله را درمسئلهٔ خداشناسی
و پیامبری و روانشناسی هریك در ده فصل نگاشته‌است. در آغازمیگوید: با اینکه
هیچ کتابی دردستم نبود و برسرسفربودم و آسایشی نداشتم چون بمن دستوردادند
۵ بنگارش آن بپرداختم . مشکویه دراین کتاب ازسخنان افلاطون وفرفوریوس و از
گفته جالینوس دراینکه چیز از چیز پیدا میگردد و ازرد اسکندر براو یاد میکند
(مسئله ۱ فصل ۲ و ۱۰) در فصل ۱ مسئله ۲ میگوید : بدشواری میتوان درباره
روان سخن راند چه‌کتاب نفس ارسطورا سخت میتوان دریافت وناقص است زیرا
او دشوار وکوتاه سخن میگفت تا پیروان ورزیده شوند . مفسران هم بیشتر مانند
۱۰ اسکندر افرودیسی و ثامسطیوس و پیروان آنها اختلاف کردند و ترجمه از یونانی
نیز کسی را میشایدکه درهردو زبان سرآمد و آگاه باشد . تنها ابوالخیر حسن‌بن
سوارکه خدا ما را ازاو بهره‌مند سازد بجستجوی گفتارارسطودرباره نفس پرداخت
وازکتابهای‌سریانی که‌بمانرسیده‌بود وازتفسیرهای‌مفسران گردآورد وخودهم‌خوب
مترجمی است وخستگی‌ناپذیر . او در دریافت بسیاری ازدشواریها با ترجمه‌هاکه
۱۵ کردبماکمك‌نمودوبسیاری راروشن‌ساخت‌وازسخنان‌خوداووازگفته‌های گذشتگان
که میآورد اگر در دست میداشتم دراینجا یاد میکردم . در پایان فصل ٤ مسئله ۲
باز از تفسیر ابی‌الخیرمیاورد ودرفصل ٦ مسئله۲ دردلیل سوم ازسه دلیل افلاطون
درپایداری‌روان ازنگارشهای‌اووابرقلس (پرکلس) وجالینوس یادمیکند ودرفصل۹
مسئله ۲ سرودی از همیروس میاورد . ایندفتر از بهترین کتابهاست‌که درباره خدا
۲۰ وروان وتجرد و پایداری وخوشی آن ووحی وکهانت و پیامبری بروش فیلسوفان
نوشته شده‌وبرای تفسیرکتاب‌نفس ارسطوبسیارسودمند میباشد . اوچون میخواست
(فوزاکبر) بنویسد دراینجا بکوتاهی پرداخت و بدان نوید داد (پایان) این‌کتاب
بسال ۱۳۲۵ در مصر و ۱۳۱۹ در بیروت بچاپ رسید ، خواجه عبدالحمید استاد
فلسفه مدرسه‌دولتی‌لاهور بدان‌نگریسته وگزین‌نموده وکتابی بانگلیسی بدین‌نام :
۲۵ Ibn Maskawiaih , A study of his Al – Fauz Al – Asghar درهمانجا

بسال ١٩٤٦ بچاپ رساند.

آغاز: بسمله و به ثقتی ورد علی امر الامیر المظفر السید المؤید من السماء ... علی المسائل الثلثة التی یشتمل علی العلوم کلها.

انجام: فهذا مبلغ مایجب ان یتکلم فیه علی هذه المسائل الثلث ... والدلالة فیما احتاج الی بسط وشرح الی اماکنه من کتاب الفوز الاکبر الذی یستانف بمشیة الله عمله و بالله التوفیق الحمدلله وحده والصلوة علی النبی محمد و آله الطاهرین. تم الفوز الاصغر عن ابی علی المسکویه.

[٣٥٤]

٨٩٧ این نسخه شماره ١ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ الف - ٢٠ الف. نسخه خطی وچاپی آن درفهرست طوس (ج١ ش٢١٢ ص٦٤ وج ٤ ش ٢-٤٦١ ص ٣٣٦) شناسانده شده و یك نسخه آن درمجلس هست (ج٢ ش ٦٣٤/٣١ ص ٣٩٩).

[٢٨٧] فیض الهی (عربی)

نگارش ابن سیناست که دردکن بسال ١٣٥٤ بنام رسالة الفعل والانفعال بچاپ رسید ودرآن از وحی والهام واعجاز وکرامت وخواب وجادو ونیرنك گفتگو میشود و شیخ آن را دردنبال پاسخ خود بپرسش سوم میهنی نیز گذارده است (ص ١٧١ این فهرست) قنواتی در ش ١٩٠ نیز آنرا شناساند.

[٣٥٥]

٣٦٧ این رساله شماره ٤ دفتراست و بخط نسخ تازه در ٤٧ ص میباشد. درطوس دو نسخه ازآن هست ش ١٠٥ (ج ٢ ص ٣١ منطق) و ٩١٩ (ج ٤ ص ٢١٥)

[٣٥٦]

١٠٨٩ این نسخه شماره ٧ دفتر است و بخط تعلیق نزدیك ١٣٥٦ گ ٦٠ الف - ٦٢ الف و بدینجا پایان میپابد «علی تصریف العین ولخیالات الناس» برابر با س ٢ ص ٧ چاپی.

---

١ - برای شناختن این فیلسوف و گفته های او بنگرید به: ابن مسکویه فلسفته الاخلاقیة ومصادرها ازدکتر عبدالعزیز عزت چاپ مصر بسال ١٩٤٦ که ازاینکتاب در ص ١٣٥ یاد کرد

[٢٨٨] **قراضه طبیعیات** (فارسی)

این دفتر را از شیخ رئیس پنداشته‌اند و در دیباچه آن چنین آمده که نزد فرمانروا سخنی از طبیعیات و نوشته‌های ارسطو بمیان آمده ناگزیر این کتاب را در مسئله‌های طبیعی بروش پرسش و پاسخ بپارسی نوشتم و از نگارشهای دیگران مگر گاهی آنهم
٥ برای آسانی دریافت آنچه خود نگاشته‌ام نیاوردم اوخود این کتاب‌را چنین نامید و کتاب در ٤ فصل است: «مسئله‌های حیوانی در ١٦ باب و نباتی در ٨ باب ومعدنی در ده باب و نوادر در ١٦ باب» نگارنده در فصل ٣ باب ٩ (ص ٢٨) ازصنوان الالوان خود یادمیکند ماناا این کتاب از روی «مسائل» یا «مابال» ارسطو نوشته شده است.

آغاز: بسمله. سپاس بیقیاس آفریدگار همه اشیاء را و بخصوص کننده نوع
١٠ انسانرا ازجمله جانوران ... آغازسخن امرا وسلاطین ووزوا وخواقین آنست که شغلهای خواهند که شهرگشادن بود.

انجام: که دیدن سراب خویش ترك وبیخ خویش بکنی.

[٣٥٧]

١٠٩١ این نسخه بخط تعلیق شادروان شیخ اسدالله فرزند هادی کرمانشاهی کتابدار مدرسه سپهسالار میباشد که در ١٥ صفر ١٣٥٠ درهمانجا از روی نسخه‌ایکه بدین عبارت «تمت الرسالة فی یوم الجمعه دهم شهر محرم الحرام ١٢٣٩» پایان میبافت نوشته است.

(٤٤ گ) — کاغذ فرنگی — جلد تیماج سرخ
اندازه: ١١×١٧٫٥ و ٧٫٥×١٣ س ١٣

٢٠ [٢٨٩] **القضاء والقدر (رسالة ...)** (عربی)

ابوسعید حسن بصری (دررق ٢٢ – در بصره رجب ١١٠) پارسای صوفی سخنور دانشمند از پدری بنام ابی‌الحسن میسانی برده زیدبن ثابت انصاری و مادری بنام خیره کنیزام سلمه زن پیامبر(ص) بوده وچهره‌ای زیباداشت ودر وادی‌القری بزرگ شد. وی در روزگار معاویه (٤١ – ٦٠) برای ربیع بن زیاد فرمانروای خراسان
٢٥ نویسندگی‌میکرد. ازشعبی (م ١٠٤) وابن سیرین (م ١١٠) وفقیهان ومفسران دیگر

بیاموخت وعمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱) اورا بزرك میداشت سلیم بن قیس میگوید
که اوسرانجام شیعی شد. دانشمندان شیعی برخی اورا بدودسته‌ای خوب میدانند.
او از خونریزیها و کشتارها که سران تازی میکردند نکوهش می‌نمود و گوشه‌ای
گزید. شاگردش ابن ابی العوجاء چون سخنانش را درجبر وقدر باهم ناساز گار بدید
ازاو برگشت و خداناپرست شد. برخی او را سازشکار و خواهان بزرگی و رهبر ۵
قدریان خوانده‌اند. گویند ابن سیرین برمرده او نماز نگذارد. از نگارشهای او
« الاخلاص » نام برده‌اند. پندها واندرزهاوسخنانی شیوا ازاودر کتابهادیده میشود.
وی نامه‌ای بعمرعبدالعزیزو بصوفیان نوشت (۱) این گفتار نامه‌ای است ازاو بحسن بن
علی (ع) (۲-۵۰) و پاسخ امام بدو درباره قدروسرنوشت سپس نامه همو بعبدالملك
مروان (۶۵-۸۶) در پاسخ نامۀ این فرمانرواکه بدو نوشت: « درباره قدر سخنی ۱۰
ازتو شنیده‌ایم که گذشتگان و یاران پیامبر نگفته‌اند وامیرمؤمنان ازمانند تو دیندار
وفقیه چنین گفتاری را دور می‌بیند. خود چنین میگوئی یا از یاران پیامبر آموختی
ویا ازقران گرفتی؟ماتاکنون چنین سخنی نشنیده‌ایم. بایدچگونگی رابرای ما بنویسی.
بصری در آغاز میخواهد که او از فرمانبران خدا باشد وسپس درباره قدر و آزادی
خواست مردمی سخن میراند واز آیتهای قرآن گواه میآورد که بدی ازبندگان است ۱۵
وخدای دادگر ومردمی درگرو کردارخویش میباشد.

آغاز: بسمله و به نستعین. قیل کتب الحسن البصری رحمة الله علیه الی الامام
ابی الحسن بن علی ... یابن رسول الله ان الله جعلکم السفن الجاریة ... وقیل کتب
عبدالملك بن مروان الی حسن بن ابی الحسن البصری رحمة الله علیه من عبدالملك
امیرالمؤمنین الی حسن بن ابی الحسن. ۲۰

انجام: ولیلبسوا علیهم دینهم وقال الهدهد الذی انطق الله بالصواب وجدتها
(کم دارد).

۱- نگاه به: تذکرة النوادر من المخطوطات العربیة ص ۱۲۰ چاپ دکن ۱۳۵۰-
روضات الجنات ص ۲۰۸ - ۲۱۱-میسان شهرکی بود پائین بصره. نسخه‌ای از نامه‌های
بصری درایاصوفیا ش ۳۹۹۸ هست. ۲۵

[۳۵۸]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط نسخ آملی گ ۱۷۳ ب ـ ۱۸۶ ب ودردنبال آن چهار گفتار فقهی گ ۱۸۷ الف و گفتاری از فخرالمحققین دراعتقاد واجب ۱۸۷ ب میباشد.

۵ [۲۹۰] **قضا وقدر** (عربی)

نگارش دانشمند صدرای شیرازی است که درمجموع رسائل اوص ۱۴۸ـ۲۳۷ درایران بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسید.

[۳۵۹]

۸۴۹ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی ۱ صفر ۱۳۰۰ گ ۶۱ الف ـ ۱۷۴ الف.

(همه دفتر ۱۷۴ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه : ۱۰٫۵×۱۷٫۵ و ۶×۱۴ س ۱۱

[۲۹۱] **قضا وقدر (رساله ...)** (عربی)

ابومحمدبن عنایت‌الله مشهور ببایزید بسطامی برای امیرسیدعالی مظفربروش
۱۵ کلام شیعی دراین رساله از قضا وقدر گفتگو نموده وآنرا درروزسه شنبه ۱۴ ج ۲ سال ۱۰۱۱ بپایان رساند.

آغاز : بسمله و به نستعین الحمدلله الذی اوضح البینات والـهدی ... یقول ابومحمد بن عنایت‌الله الشهیر ببایزید البسطامی ان مسئلة القضاء والقدر لما کان من غوامض العلوم.

۲۰ **انجام** : والتجنب عن اعتقادالمذاهب‌الزائفه وقدفرغ من تسوید هذه‌الرسالة مؤلفهاابومحمدبن عنایت‌الله البسطامی .. فی‌تاریخ یوم‌الثلثا رابع عشرجمادی‌الثانی من شهور سنة احدعشر والف بیدالعبدالضعیف احمدبن عبدالحی عفی عنهما.

[۳۶۰]

۲۹۳ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط شکسته تعلیق احمدبن عبدالحی شریف میباشد گ ۷۲ ب ـ ۱۳۰ الف ومهر « المتوکل بالملك اللطیف عبده محمد شریف» درپایان این رساله ودومی دیده میشود.

(همه دفتر ۱۳۰ گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی- جلد تیماج مشکی ضربی زرکوب مقوالی
اندازه : ۵ر۹×۱۹ و ٦×۵ر۱۴ س ۲۰

[۲۹۲] القوی الانسانیه وادراکاتها (عربی)

این رساله که از ابن‌سینا دانسته شد با پاره‌ای از فصوص فارابی یکی است
(ص ۱۰۱ این فهرست) ودرتسع رسائل ۱۹۰۸/۱۳۲٦ و کنارشرح هدایه شیرازی ص ۳۳۸- ۵
۳٤۵ بچاپ رسید . قنواتی در ش ۹۵ از آن یاد نمود. درفهرست بیهقی ص ۱۸۸ نیز
این نام دیده میشود .

[۳٦۱]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱٦ دفترو بخط تعلیق محمدعلی درمدرسه سپهسالار نزدیك
۱۲۹۹ گ ۱٤۷ ب - ۱۵۲ ب . ۱۰

[۳٦۲]

۱۰۸۹ این نسخه شماره ۸ دفتر و بخط تعلیق حسن تقدیسی نزدیك ۱۳۵٦ گ ٦٤
ب - ٦۵ ب .

[۲۹۳] القوی الجسمانیه (رسالة فی . . .) (عربی)

بیهقی در فهرست خویش ص ۱۸۹ درشمار نگارشهای شیخ از همین نام یاد ۱۵
کرد وقنواتی در ش ۱۰۹ بنام « النفوس » آنرا شناساند .

آغاز : نقول : القوی الفعالة فی الاجسام بذاتها ینتهی بها القسمة الی اربعة اقسام.

انجام : فهذا هو حد النفس والله اعلم والحمد لواهب العقل بلانهایة والصلوة
الدائم علی محمد منبع الحکمه والشریعة وآله اجمعین .

[۳٦۳] ۲۰

۳٦۷ این نسخه شماره ۲ دفتراست وبخط نسخ تازه وتصحیح شده ۲۱ صفحه

[۲۹٤] القوی الطبیعیه (مقالة فی . . .) (عربی)

نگارشی است از فرزانه پزشك ابی الفرج عبدالله بن الطیب جاثلیق همدانی
بغدادی آشنای بیونانی وررومی م٤۳۵ استادابن‌سینا که بر بسیاری از کتابهای ابقراط
وارسطو وجالینوس شرح نوشت وچهارانجیل (دیاتسارن) را بتازی گزارش نمود . ۲۵

او گفتگوهای ابن سینا و بیرونی راکه بدید گفت : کسی که بردیگران بخل ورزد آنها هم بر وی بخل ورزند. بیرونی بجای من بدو دشنام داد ـ همین گفتاراست که ابن‌سینا بر آن ردی نوشت (۱) .

آغاز: مقالة لابی الفرج عبدالله بن الطیب فی القوی الطبیعیة ـ قال اقتضی تصنیفی
۵ لهذه المقالة المحبة التی بیننا وغرضی فیها البیان علی ان القوة الجاذبة والماسکة والهاضمة والدافعة هی قوة واحدة فی الموضوع وافعالها اربع .

انجام : فالقوة التابعة له واحدة فهذا یجزی و یغنی فی مطلوبنا هذا و عنده فلیقطع الکلام فی مقالتنا هذه ولواهب العقل مستحق الحمد الحمد بلانهایة وهو حسبنا وصلی الله علی سیدنا محمد . . . والحمدلله رب العالمین .

۱۰ [۳٦٤]

۱۰۷٤ این نسخه شماره ۸ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ ۱۲۷ ب ـ ۱۳۳ ب

[۲۹۵] **قیافه** (فارسی)

دراین رساله از قیافه که یکی ازفرعهای طبیعی قدیم است گفتگومیشود .

آغاز : بسمله و به نستعین . این مختصریست دربیان علم قیافه وحلیه و ظاهر
۱۵ صورت انسان .

انجام : کدام ازخواص وعوام اشغال واعمال مناسب فرمایند . والسلام .

[۳٦۵]

این نسخه بخط نسخ درگ ۹۰ ب ـ ۹۳ ب میباشد و از گ ۹۸ ب تا ۱۰٦ ب

۸۷٦ سخنانی است پراکنده درافسون و جادو و کیمیا وافسونی از میرداماد برای توانگری .

[۲۹٦] **کلمات طریفة** (عربی)

رسالهٔایست کوچك و بسیارشیوا ازفیض کاشانی در ۱۰۱ بند که در آن ازسنیان

---

۱ ـ نگاه به : خزرجی ج ۱ ص ٤۱ ـ ۲۳۹ وج ۲ ص ۲۹ ـ ۲۰ ـ بیهقی ص ۲۷ ـ ۳۲ ـ همین فهرست ص ٤۹ ۵۰ و ۷۲ ـ قنوانی در ش ۹٤ این رساله را شناسانده ودرش ۱٤۱
۲۵ رد آنرا .

و متکلمان و صوفیان و فیلسوفان و فقیهان و پارسایان ظاهری خرده گیری میکنند ودرایران میرزا محمد هاشم قمی بسال ١٣١٦ آنرا بچاپ رساند .

[٣٦٦]

١٤٣

این نسخه شماره یکم دفتر است که دوم آن اختصار شواهد مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب ابن هشام جمال الدین عبدالله بن یوسف نحوی حنبلی مصری ٥ م ٧٦١ است که گویا از شمنی تقی الدین ابو العباس احمد بن محمد حنفی قسطنطینی م ٨٧٢ باشد واین یکی بخط نسخ است با عنوانهای شنگرف از برك ١٠ ب تا برك ١٦٧ب ونام شمنی دربرك ١١٠ الف برده شده است وسومین شماره این دفتر فرهنگی است از تازی بترکی آنهم بنسخ ازبرك ١٦٨ ب تا برك ١٩٧ الف و نوشته ناصر بن حسین در مدینه بتاریخ ٢٥ رمضان سال ١٢٠٨ میباشد و چهارم شرح خلاصة الحساب ١٠ شیخ بهائی میباشد ازبرك ١٩٨ ب تا برك ٢٥٢ الف .

کلمات طریفه فیض ازبرك ١ ب این دفتراست تا برك ٩ ب وبخط نسخ و جای عنوان سفید گذارده شده وازآغاز کتاب تا نیمی از بند ٤٢ زیرعنوان «تنزیه» رادارد وانجام آن چنین است : « ان حکماء الاوائل کانوا اولی الفضائل . . . فی کلماتهم شفاء لما فی الصدور وفی مقالاتهم نجاة من الجهل والغرور غیران عباراتهم » برابر با س ٦ ١٥ ص ٥٤ چاپی .

(همه دفتر ٢٥٢ برك) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوالی
اندازه : ١٦×٢٣ و ٥ر١١×٥ر١٨ س ٢٣ دراین شماره

[٢٩٧] **گلید بهشت** (فارسی)

نگارش قاضی محمد سعیداء قمی است که در چاپخانه مجلس تهران بسال ٢٠ ١٣١٥ خ بچاپ رسید .

[٣٦٧]

٣٧٤

این نسخه شماره ١ دفتر وبخط تعلیق شکسته تاریخ ذیحجه ١٠٨٥ میباشد ودرپایان دارد که درروزگار قاضی نوشته شده گ١ب ـ ٥١ ب (٧×١٢/٥ س١٥) نسخه در١٢٢٩ ازآن فتحعلی نواده سلطان کریمخان زند درسپاهان ٢٥ بوده است (بنگرید بفهرست طوس ص٣٤٣ ج ٤) .

[٢٩٨] **کیفیة صدور الموجودات من مبداها وعلمه بالجزئیات** (عربی)

قاضی القضات هرات هنگامی که خواجه طوسی بسال ٦٦٦ نزدش رفت دو پرسش

ازوی کرد یکی اینکه هستی‌هارا برای فیلسوفان خداوند چگونه آفرید؟ دیگر اینکه آنان درباره آگاهی خداوند بجزئیات چه میگویند؟ طوسی این پاسخرا داد بامید اینکه دوباره گسترده‌تر بنویسد وازاو درخواست که اگر بازهم دشوار است برگوید. درپاسخ دوم (گ ۵۵ ب) ازشرح اشارات یاد میکند.

۵ **آغاز**: بسمله من کلام . . . خواجه نصیرالملة‌الدین قال سألنی قاضی القضاة ملك‌العلماء قدوة‌المحققین فخر الملة‌والدین سیدافاضل‌المتأخرین ... حین استسعدت بخدمته واستفدت بنتایج فکره ... فی‌شهورسنه ست وستین وستمائه عن‌قول‌الحکماء فی کیفیة صدور الموجودات عن مبدأها الاول و عن مذهبهم فی علمه بالجزئیات . . . فاردت ان اجیب عن سئواله . . . فحررت ما اقتضاه‌الوقت . . رجیا ان اعود واکتب

۱۰ فی اوان‌الفراغ ذکرا وافیا بما طلبه وشرحاً کافیا .

انجام: لاعلی وجه جزئی‌زمانی. فی ذلك ما اردت ایراده فی‌الجواب سئوال مولانا العالم فخر الملة والدین شمس الاسلام والمسلمین . . . سید افاضل المتأخرین قاضی‌القضاة .. وان توقف فی شیء من‌ذلك اعادتفصیله لاوضح ماعندی فیه انشاءالله. وهوولی‌التوفیق‌وملهم‌الصواب. منه‌المبدء والیه‌المآب الحمدلله رب‌العالمین .

۱۵ [۳۶۸]

۸۶۳ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط تعلیق شکسته گ ۵۰ ب ـ ۵۹ الف. نسخه‌ای ازاین درطوس (ش ٦۹۱ ص ١٤١ ج ٤) هست .

[۲۹۹] **گفتار درباره رستاخیز** (عربی)

گفتاری است ازصدرای شیرازی که درباره رستاخیز نگاشته است .

۲۰ **آغاز**: من افادات صدرالافاضل فی ان عذاب‌القبرحق بقول مجمل. کل من شاهد بنورالبصیرة باطنه فی‌الدنیا .

انجام: ولولا ان صینهاالله لاحرقت السموات والارض .

[۳٦۹]

٤۲۱ این نسخه شماره دوم دفتراست. گ ۲٦۳ مکرر ب تا ۲۷۵ الف و بخط نسخ ازمحشی‌دوشماره این دفتر که در۱۱۹۵ درکوی‌نیم‌آورد سپاهان نوشته است. در پایان دارد: « تمت‌الرسالة المتعلقة بالکتاب یوم الاثنین من ربیع‌الاول سنة

۱۱۹۵» شماره یکم مبدء ومعاد شیرازی است و این گفتار با آن میپیوندد .

(۲۷۵ برگ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج قهوه ضربی

اندازه : ۱۵×۵ر۲۵ و ۵ر۱۰×۱۹ س ۲۱

[۳۰۰ـ۳۰۵] گفتارهای افلاطون (فارسی وعربی)

از ٤۱ گفتگو و۱۳ نامه وچندین گفتار که از افلاطون دانسته‌اند برخی بزبان تازی در آمده و از ترجمهٔ تازی چندگزین که جالینوس از آنها کرده و بنام جوامع خوانده میشود پاره‌ای در دست هست و گزیده تیمائوس او بچاپ رسید(۱) نگارشهای او چندان پسند دانشمندان خاوری نشده چه آنها بفلسفه منظم ارسطوخوی گرفته بودند و از سوی دیگر سخنان افلاطون بساخت گفتگو و پرسش و پاسخ هست و آثار بت پرستی یونانی هم در آن آشکار میباشد و با بود دولت تازی خواندن اینگونه کتابها چندان آسان نبوده از ینروی دستورهای کلی فلسفی و اخلاقی را از نگارشهای او بیرون میکشیدند و بساخت سخنانی کوتاه در میآوردند تا مسلمانان بتوانند آنها را بخوانند(۲)

---

۱ ــ پول کراوس وریشارد والزر گزیده جالینوس از تیمائوس پلاتون را بسال ۱۹۵۱ در ٦۷ + 118 ؛ II × ص بنام Plato Arabus (vlumen I) چاپ کردند (مجله Oriens ج ۵ ش ۱ تاریخ ۳۱ر۷ر۱۹۵۲ ص ۱۰۹) .

۲ــ نگاه به : ابن ندیم ص۳٤۳ ــ خزرجی ج۱ ص ۷٦ ــ بدوی در دیباچه ارسطو عندالعرب ص ۸ ــ اخوان صفا دربخش چهارم از نگارشهای افلاطون آورده‌اند : رساله ۳ و ۵ ج ٤ ص ۱۰۰ ــ ۱۳٤ چاپ مصر درباره مرگ سقراط از کریتن بند ۱۱ ورساله ٤ ازفاذن درباره مرگ سقراط ورساله ۱۱ از بند ۳٦۰ کتاب ۲ جمهوری و نیز درباره هند و سردسیر شمال ج ٤ ص۳۰۹و۳۲٤و٤٤۰ ــ بیرونی درهند ص ۵۱ ازمقاله ۱و۲ وص ۵۹ ازمقاله ٤ نوامیس آورد ــ از سخنان او درجاویدان خرد (الحکمة الخالدة) مشکویه نیز آمده‌است (چاپ شده دررسائل البلغاء کردعلی و چاپ اخیر بدوی و پارسی آن چاپ سنگی ۱۲٤٦ یزدگردی ۱۲۹٦ ﻫ ــ طوسی درپایان اخلاق ناصری پندهای افلاطون بارسطو را یاد کرد. درعیون الانباء خزرجی ج۱ ص٤۷ ــ ۵۱ ــ ۵۲ نیز از آنهاست ـ درکنوز الودیعه من رموز الذریعه پارسی ش۳۹٤ درنمط ۲ پایان کتاب از همین پندها دیده میشود ــ ابن رشد برجمهوری یا جوامع سیاسة افلاطون شرحی نوشته ودردیباچه آن گفت که چون نگارشهای سیاسی ارسطو بمن نرسید این کتابرا گزارش کردم وگرنه از آن بی نیاز میبودم (تاریخ فلسفه لطفی جمعه ص۹ــ۱٤۸ــ ارنست رنان ص ۵۵)ــ ابن سینا درپایان هنر مغالطه منطق شفا ازسوفسطیقای افلاطون یاد میکند ومیگوید که «او درآن هم براهی که میبایدنرفت ومنطقی وطبیعی والهی را باهم

بقیه حاشیه درصفحه بعد

ازین گلچینی‌ها شش نسخه دراین کتابخانه هست بدینگونه :

۱ـ بندهائی است که از جمهوری گزین شده است و چنین است نام آن :

« فقر التقطت وجمعت عن افلاطون فی تقویم السیاسة الملوکیه والاخلاق الاخیاریة »

آغاز : لا تصحبوا الاشرار فانهم یمنون علیکم بالسلامة . . . قال لاتقسروا

۵ اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیرزمانکم (۱) .

انجام : و قال لاتصحبن من هودونك حتی تکون دونه فی المعرفة اوفی فضیلة اخری. ولاتخرجن عماجری الرسم فی المملکة التی انت فیها الا بعداظهار عذرك واشاعته فانك تکف بذلك همس الحاسد وشعب المعاند ـ تمت الکتاب الافلاطونیه. العلم عندالله. درعیون الابناء خزرجی ج ۱ ص ٤۷ و ۵۰ ازاین سخنان دیده میشود .

۱۰ [۳۷۰]

این نسخه شماره ۱ دفتر بخط تعلیق عباس حکمت بتاریخ ۱۳۱٦/۲/۸ خ

٤۲۵ با مقابله جناب آقای مشکوة و در رویه صفحات نوشته شده گ ۱ الف ـ ۹۳ الف . نسخه‌ای ازاین درجنك ش ۲۹۱۲ سپهسالار هست .

۲ـ سخنانی است کوتاه درفلسفه واخلاق گرفتهٔ ازکتاب السیره وطیماٶس (۲)

---

۱۵ مانده حاشیه ازصفحه قبل

بیامیخت و آنهارا نتوانست ازهم بازشناسد وهم درهنرمغالطه کوتاه آورد. اگرنگارشهای اوهمین است که ما دیدیم پس اوچندان مایه‌ای نداشت» ـ درفهرستها ازسیاست بافولیطیقوس افلاطون نامبرده‌اند و نوامیس اورا مسعودی ده و خزرجی ۱۲ گفتار دانستند و آنرا حنین و یحیی بن عدی ترجمه کردند. سیاست مدنیه یا جمهوری را حنین تفسیر نمود . درکتابخانه‌

۲۰ سرکاری رامپور ترجمه حنین هست (گزارش سفرهند آقای دکترصدیقی ص ۳۲) ثابت بن قره رمزهای جمهوری را تفسیری نوشت و سنان پسر او در نامه‌ایکه برای دوستی نوشته پاره‌ای از ده مقاله سیاست مدنیه را آورد . درکشف الظنون ازنوامیس یاد شده وجوامع المقالات الثلاث لافلاطون فی النوامیس درمجلس (طباطبائی) هست (گفتار آقای خوئی درمجله دانش س ۹۳ ش ۲ سال ۱) ـ دائرة المعارف اسلامی کلمه افلاطون ـ مروج الذهب چاپ

۲۵ اروپا ج ۱ ص ۱۹) .

۱ ـ این بند اخیر درشرح نهج البلاغه مدائنی (ج ٤ ص ۵۳٦ بند ۱۰٤) ازسخنان کوتاه علی ع دانسته شد .

۲ ـ درش ۱۰۲۸ طوس (ج٤ص۲۵٤) از گزیده‌ای از گفتگوی تیماٶس بدینگونه : « اقاویل افلاطن فی کتاب طیماوس من کتبه فی امرالنفس والعقل » یاد شده که درده سطر

۳۰ است وآغاز وانجام آنراهم ننوشتند ! !

وفاذن واقراطلس (کراتولس) ومقالة الحروب ودر آن از مفسران یاد گردید. در نسخه طوس (ش۱۰۳٤ج٤) «کتاب ملتقطات ازفصول افلاطون الهی» خوانده شده است.

آغاز: من طلب الحکمة من طریق طلبها ادرکها وانمایخطی اکثرمن طالبها لانه یطلبها من غیرطریقها فاذا طلبها من طریق آخرلم ینلها.

انجام: وقال ینبغی ان یکون للانسان من المال الکفاف ولاینتقی؟ به وقال لتلامذته الاحداث اتقوا (اقتنوا) ثلثة اشیاء فانهـا تسود مقتنیها. من اخلاقکم العفة ومن السنتکم الصمت ومن اعینکم الاغضاء. ٥

[٣٧١]

١٠٣٠ این نسخه شماره ۲ و بخط تعلیق بی نقطه محمد سلیم بن حمید در مدرسه معصومه بسال ۱۰۹٤ گ ۱۷ ب ـ ۳۸ ب و آغاز هر بند زیر خط سرخ میباشد. ١٠

۳ـ بازسخنانی است کوتاه.

آغاز: بسمله رسالة للافلاطون ـ قال افلاطون ان الفلسفة معناها التشبه بالله بقدر الامکان.

انجام: فاذا نطق نطق بماینفع القائل والسامع بقدر ماینبغی. ولایقصر ولایهذر. ویناطق من ینبغی ان یناطق ـ انشاءالله تعالی. ١٥

[٣٧٢]

١٠٣٠ این نسخه شماره ٥ دفتر و بخط تعلیق گ ٦٥ الف ـ ٦٧ ب میباشد

٤ـ باز از پندها و سخنان کوتاه:

آغاز: من وصایاافلاطون. بسم الله الحق العالی عن کل صفة واقعة تحت الحس والعقل مبدع الکل بلااله ولامدة ولاحاجة الی حرکة بل الارادة الالهیة... معشر طلاب الحکمة ومحبیها واظبوا علی طلبها. ٢٠

انجام. یریدون تعظیمه وفی ذلک تقصیر وهواعلم.

[٣٧٣]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٢٤ دفتر ودرپائین ودرطول ص ۱۹۸ نوشته شده است.

۵ ـ سخنانی است از افلاطون و سقراط و ارسطو و ابوسلیمان سگزی از ذیمقراطیس و پیامبر .

آغاز : قال ارسطاطالیس محبة المال وتد الشر .

انجام . لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم . صدق رسول‌الله صم

[۳۷٤]

۲۵۳ این نسخه درشماره ۱۳ و بخط تعلیق کرکی گ ۹۱ الف میباشد .

[۳۷۵]

۵

۳۳۹ این نسخه شماره ۱٤ دفترمیباشد گ ٦۷ ب

٦ـ ازپندهائی‌است که بگفته خواجه درپایان اخلاق‌ناصری افلاطون بارسطو داده است .

۱۰

آغاز : نصایح افلاطون . معبود خویش را بشناس و حق اورا نگاه دار .

انجام : با دوست ودشمن نهان و آشکار بیك قسم معامله کن .

[۳۷٦]

۸٦۷ این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۱۸ ب ۱۲۰ الف .

(همه دفتر ۲۷۰ گ) ـ کاغذفرنگی‌کبود ـ جلد تیماج مشکی حاشیه‌دار دریکسوی.
اندازه : ۵ر۱۰ × ۱۷ و ۵ر٦ × ۱۲ س ۱۵

[۳۷۷]

۱۰۳۸ این نسخه شماره ۱٤ دفتر گ ۱۰۵ الف و ب و بخط تعلیق میباشد بدینگونه : « وصایای افلاطون که شاگرد ارسطاطالیس خود را فرمود که عموم خلق را نافع بود اینست . گفت : معبودخویش را بشناس وحق اورا بشناس ـ هواء دنیارا ازخود دور کن و از آداب ستوده امتناع مکن و درهیچ کار پیش‌از وقت آن کارمپیوند وچون» بپایان نمیرسد و نیم صفحه سفید است (بنگرید باخلاق ناصری) .

[۳۰٦ـ۳۳۵] گفتارهای کاشانی (فارسی وعربی)

از افضل الدین کاشانی ۳۰ گفتار کوتاه عرفانی و فلسفی دراین کتابخانه

هست (۱) واینك یاد میگردد :

[۳۷۸-٤۱٦]

۱- درباره شناخت روان که از وی درخواستند بنگارد .

آغاز : چنین گوید گوینده این سخنان افضل الدین کاشانی (قدس الله تعالی روحه) بعداز ستایش کردگار که هرمفلس و کم مایه که ازمفلسی و کم‌مایگی خودرنجد آنکه از رنج برهد که مایه‌دار شود و توانگر .

انجام : تااوراتمام وآراسته و بی‌خلل و نقصانی بمرجع ومعاد اصلی که سرچشمه دوام و بقاء ازل و ابد است باز رساند والله علی مانقول وکیل وکفی بالله شهیدا .

۸۸۰ این نسخه شماره ۱ دفتری است دارای چهار رساله و گفتاروبخط تعلیق تازه گ ۱ الف - ۵ الف .

(همه دفتر ۱۰۸ ك) - کاغذ فرنگی - جلد مقوائی
اندازه : ۱۳×۲۰ و ۹×۱۷ س ۱۷

۲- درپایداری روان پس‌ازمرك تن وبهره‌بردن آن ازدانشهای خود .

آغاز: موجودات یاجزوی‌اند یا کلی. و نفس یامتصرف امور کلی بودیامتصرف امورجزوی. بخش اول را دانائی بفعل خوانند ودوم را دانائی بقوت .

انجام : که نیز آسیب هیچ تغییربوی نپیوندد وفساد نپذیرد. تلك الجنة التی نورث من عبادنا من کان تقیا فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر .

٤۲۸ این نسخه درشماره ۱ ودر گ ۲ الف - ۳ الف بخط تعلیق تاریخ ۱۰۸۳ میباشد .

٤۳۱ این نسخه شماره ٦ و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۲۲ ب - ۱۲۳ ب میباشد.

۳- درپندهائی عارفانه بنام « رساله بیست هشت کلمه فی نصیحة الاخوان - ش ٦۹٤۱ مجلس » که دستور رفتار رهروان است .

آغاز : ای جویندگان حکمت وپویندگان طریق سعادت باید که بسیاردعاباشید درامور اخروی و دنیوی. چه نسبت دعا با مطالب همچون نسبت فکر بود بانتیجه. وهمچنانکه‌درعقب فکروصول نتیجه ممکن بود درعقب دعا وصول بمطلب ممکن بود. (بنگرید به بند ۳٦٤ ص ۲۰۲ مباحثات چاپ مصر) .

---

۱ - آقای سعید نفیسی دردیباچه رباعیات کاشانی ۳۲ گفتار (تقریر) برشمرد ص ۷۲-۷۸ و آغاز نسخه های گونا گونی که دردسترس داشت آورد ومی‌نویسد که شماره‌های ۱ تا ۵ و ۷ تا ۱۲ اینها دردفترشماره $\frac{۶۲۳}{۶۹۴۱}$ مجلس هست .

انجام: که هر کس را قدرت برخلع بدن و معزول گردانیدن حواس حاصل گردد صعود بعالم قدس وجهان‌ملکوت معین‌بود و بسعادت ابدی مسعود و بلذات سرمدی محظوظ وملتذ گردد. رزقناالله وایاکم بحرمة سیدالانبیاء وسندالاولیامحمدصلی‌الله‌علیه وسلم (سیدالاصفیاء والانبیاء محمد وآله‌الطاهرین) .

۴۳۱ این نسخه شماره ۵ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی در محرم سال ۱۳۰۲ میباشد گ ۱۲۱ الف ـ ۱۲۲ الف .

۸۷۱ این نسخه شماره ۲ دفتراست‌وبخط تعلیق محمدعلی در ۱۰۳۱ گ ۶۳ب ـ ۶۵ب

۴ـ درچگونگی جان پس‌ازمردن تن .

آغاز: بدانکه چون خواهی که آگه شوی از حال نفس بعداز مرك تن . . .
۱۰ نخست باید دانست .

انجام: گردش جسمانیان حالی درحقیقت و اصل وگوهر بنگرداند که هستی ذات اورا خلل آید وبالله‌التوفیق .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفترگ ۱۰ میباشد .

۵ـ درگونه‌گون‌مردم (تنومندان ـکارگران ـ روحانیان ـ روشنان) ودانشهای
۱۵ گوناگون .

آغاز: خجسته نام نخستین که‌آغازهرسخن‌است‌گویند مایه‌وپیرایهٔ وطرازگفتار مردم‌گردد .

انجام: وهمچنین رونده وداننده وصفتها پاره‌های دانسته مرکب بود تم‌الفصل

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ ازبرك ۱۴۱ الف تا برك ۱۴۵ الف میباشد.

۲۰ ۶ـ درباره چیز وهست نسخه ازاین درطوس (دنبال ش ۹۶۹) هست .

آغاز: بدانکه نخست لفظی که معنی وی برهمه معانی عام بود لفظ چیزوهست و موجود .

انجام: ونخست‌ترین چیز که نادانستهارا بوی توان یافت معنی‌لفظ شیء بود. وچون نخستین معلوم نبود بازپسین را نتوانست دانست والسلام .

۴۲۸ این نسخه درگ ۸ الف ـ ۱۰ الف ایندفترمیباشد .

۷ـ درموسیقی (نسخه ازاین دردنبال ش ۹۷۰ طوس هست) .

آغاز: لحن‌آوازهائی چند بود بهم‌آورده ازنغمهای مختلف که نفس ازشنیدن آن لذت یابد .

انجام : وایقاعهای مختلف را ازپس یکدیگرشاید یافت وباهم نباشند تمام شد سخن درآنچه (غرض بود) التماس کرده بودند وغرض دراین دوسه کلمه آنکه ماهیت لحن واجزای او پیدا شوند . . . باهم چگونه افتد و درین معنی کتب بسیار ساخته‌اند وچگونگی بیان این بشرح وشرط کرده‌اند وداده .

۴۲۸ این نسخه درگ ٤ الف ـ ٥ الف نوشته شده . ۵

۴۳۱ این نسخه شماره ۱۰ دفتر ودرگ ۱۳۷ الف ـ ۱۳۸ الف نوشته شده .

۸ـ در بی‌کرانه‌بودن جسمها (نسخه‌ای ازاین دردنبال ش ٦٨٢ ص ۱۳۸ ج ٤ فهرست طوس یاد شد) .

آغاز : بباید دانست که کنارونهایت هرچیز آنست که جدائی افکند میان‌آنچیز وآنچه جزاو بود . ۱۰

انجام : چنانکه روشن شده‌است برعلما ومردم وبگفته وبنموده. تمام‌شد سخن دربیان تفضل باری تعالی وهدایتش .

۴۳۱ این نسخه شماره ۸ دفتر ودرگ ۱۳۲ ب ـ ۱۳۵ ب میباشد .

۹ـ درباره دهروزمان .

آغاز : اولیت‌کارها بردوگونه است یکی اولیت بغیروآن غیرزمان بود . ۱۵

انجام : چون زمان ومحدثان بفاعل‌الدهر وامثال‌آن تأویل کرده‌اند .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ دفتر وگ ۱۵۱ الف ـ ۱۵۲ الف میباشد .

۱۰ـ درباره اینکه درخواب چرا رنجی نمی‌بینند که ازاوپرسیدند وپاسخ داد .

آغاز : فصلی دیگر دروقت خواب چرا هیچ المی و سختی نمیرسد . . . جواب مرك بطلان استعداد حیات است . ۲۰

انجام : ازآنست که خواب بی‌درد بود ومرك وقت باشد که با درد بود .

۴۲۸ این نسخه در شماره ۸ دفتر درنامه خواجه زین‌الدین بقاضی صفی (حنفی) دربرك ۳۰ ب آمده است .

۱۱ـ دراینکه مبدء وغایت هستی‌ها را حقیقت وذاتی هست .

آغاز : پرسندهٔ که مبدء موجودات و علت (غایت) هستی‌ها را حقیقتی و ذاتی هست یا نه . ۲۵

انجام : و ذوات بوی ذواتند و حقایق بوی حقایق و او بخود ذات و حقیقت همه والسلام .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۰ برك ۱۳۸ ب ـ ۱۳۹ الف میباشد .

۱۲ـ دردانش وآگاهی .

آغاز : داننده وآگه ازعالم چنانکه هست . . . جز ازهستی عالم وجزازهستی خودکه آگهی (آگه) است ازاو ازهستی سیمی آگه نتواند بود .

۵ **انجام** : اثرعقل شوق وخواهش نفس ، اثرنفس زندگی طبیعت ، اثرطبع زنده جنبش جسم ، والله اعلم بالصواب .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱گ ۵ الف و ب .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۰گ ۱۴۰ ب ـ ۱۴۱ الف .

۱۳ـ درجدائی جان وتن .

۱۰ **آغاز** : جمله نفس اعنی نفوس نباتی ونفوس حیوانی ونفوس مردم همه جدااند ازاجسام جدائی عقلی .

انجام : ازآنکه فعلش بذات بود نه بآلت بحمدالله والمنة .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفترگ ۱ ب ـ ۲ الف .

۱۴ـ دراینکه هستی کلی دیگرگون نمیشود وروان خود آگاه وتوانا و زنده

۱۵ با مردن حسهای جزئی وافزارهای آن نمیمیرد ودانشش پایدار است .

آغاز : برهان براینکه در چه رتبه یقین شود انسانرا که ازفنا ایمن است گوئیم آنکه ایمن شود که بداندکه هستی وجودکلی است وهیچ کلی محسوس نتواند بود ونه مخیل ونه موهوم. وجزعقلی نتواند .

انجام : بدان سبب که ادراکات حسی نماند وبدوزخ ابد پیوندد وقاناالله منها...

۲۰ بفضله وکرمه (واحشرنا مع محمدالمصطفی واهل بیته الابرار فی الجنة) .

۴۲۸ این نسخه درشماره ۱ دفترگ ۶ ب ـ ۷ الف .

۴۳۱ این نسخه شماره ۹ دفترگ ۱۳۵ ب ـ ۱۳۷ الف .

۱۵ـ درسه چیزیکه رهروان را میبابد .

آغاز : سالك را سه چیز ضرور است یکی همت عالی دوم خاطر قوی سوم

۲۵ ارادت نیکو .

انجام : بضرورت این سه گانه متعین است .

٤۳۱ این نسخه درشماره ۷ ودرگ ۱۲٤ الف میباشد .

۱٦- درکوشش برای رهیدن .

آغاز : آدمی در کوشش از برای نجات جستن‌است. اکنون ما را دانستنی‌است که آدمی نجات از چه میجوید .

انجام : وچون بدین‌مرتبه رسید اورادرجه ملکوت حاصل شد سعی کند تابیابد انشاالله وحده‌العزیز (و افعال خیر و اعمال برعاقبت توان دانست : . . اگرچه صورت عبادت وغیرآن دارد والسلام علی اهله) .

٤۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ٥ ب ـ ٦ ب

٤۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱٤٥ الف ـ ۱٤۷ ب .

۱۷- درهستی جزئی بحقیقت کلی وجزئی شدن آن با افزار . ۱۰

آغاز : شخص جزوی بحقیقت کلی وجوددارد ... وحکم کننده برصدق این گفتار چون خواهی که نامه نویسی . . . نوشتن کلی است .

انجام:واگر نه آنستی که دروقت عمل نوشتن گماشته برهر آلتی از آلات بودی الفاظ رقوم غلط شدی .

٤۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ۳ الف و٤ الف (دراین‌نسخه دوگفتاردانسته شده وبندیگری(ش۱۸)درآن گذارده‌اند) . ۱۵

٤۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ ب - ۱٤۰ الف و ب .

۱۸- پایگاه مردم دردوخرد عملی و نظری .

آغاز : مردم درپایه عقلی بردومرتبه‌اند اول‌مرتبه اهل‌حرفت وحاذقان درصنعت و پیشه‌وران واستادان ماهر دوم مرتبه زهاد واهل تعبد ومشتاقان سرای آخرت ۲۰

انجام : وآن عمل وخلق وعلم است که انبیا علیه‌السلام بوده است .

٤۲۸ این‌نسخه درشماره۱ گ ۳ .

۱۹- درتوحید کثیر .

آغاز : لفظ توحید را چون مترجم کنی بلغت دری یك کردن بود و شامل بود همان (مران) چیزها راکه بعمل وصنعت ترکیب کنی تابجمع وترکیب یك چیزشوند . ۲۵

انجام : واین معنی یقین ومشاهده شد آغازوانجام وجود برخاست وبی‌انجامی و بی‌آغازی (بی‌آغاز وانجام) ماند والیه یرجع‌الامر کله .

٤۲۸ این نسخه شماره ۱ گ ۷ الف ـ ۸ الف .

٤۳۱ : این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱٤۹ ب ـ ۱۵۰ ب .

۲۰ـ دراینکه زنده ذاتی، جسم نیست و بازگشت همه چیزها بآنست که بخود داناست.
آغاز : اجسام زنده از دو بیرون نباشد یا حیوة دریشان اصلی و ذاتی باشد
۵ یا غریب وعارضی .
انجام : و بازگشت همه موجودات باو . رباعی :
آن کیست که آگاه ز حس و خرد است
بیزار ز کفر و دین و از نیك و بد است
کارش نه چو عقل و نفس داد و ستد است
۱۰ آگاه بدو عقل و خود آگه بخود است

٤۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ٤ الف .

٤۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۸ الف و ب .

۲۱ـ دراینکه عقل چون دانائی او جزاو نیست جوهر نمیباشد چه ذات جوهر جز دانائی اوست .
۱۵ **آغاز** : بدانکه هیچ عقل جوهر نیست. هر جوهری جوهر بودن او جزدانا بودنش است
انجام : وچون هیچ جوهرعقل نبود هیچ عقل جوهر نبود .

٤۲۸ این نسخه درشماره ۱ گ ۲ الف میباشد .

۲۲ـ درآگاه و ناآگاه .
آغاز : موجود یا آگه بود یا نه آگه بود و آنچه نه آگه بود پایه جسمست
۲۰ ومرتبه طبع .
انجام : و بوجود روحانی روشن پیوندد و پیدا شود والسلام .

٤۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ ب میباشد .

۲۳ـ دراینکه کلی در ذهن یکی است و در بیرون آن بسیار .
آغاز : وجود کلی که آن وجود باشد که درنفس مدرك اگرچه یك چیز است در بیرون
۲۵ نفس تواند بود که دربسیارچیز بود .
انجام : پس روشن است که جزمعلوم ومعقول نباشد والسلام .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۳۹ الف و ب میباشد .

۲۴- در نفسها و نکوئیهای آن .

آغاز : گروهی گویند روح دو است یکی روح حیات دیگر روح تمیز .

انجام : وخورارداشتن دنیا است اصول سیاست واخلاق که گفته شد .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۴۷ الف - ۱۴۹ الف میباشد . ۵

۲۵- درپایندگی روان (بتازی) .

آغاز : النفس الدراکة تمنع ان تفسد بفسادالبدن وتموت بموته .

انجام : ولیس بعد هذه الرتبة رتبة اخری .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ ص ۱۵۲ میباشد .

۲۶- دربهشت و دوزخ جویندگان (بتازی) ۱۰

آغاز و انجام : جنة الطالبین ان تصیر نفسه عالماً عقلیا یفیض علیهامادامت هی هی انوارمبدأها . . . وانفصالها من مبدأها .

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۵۲ ب - ۱۵۳ الف میباشد .

۲۷- دراینکه جان خود آگاه آفریننده خرد است (بتازی) .

آغاز و انجام النفس من حیث هی عالمة بذاتها تکون مبدعة للعقل . . . فهی فاعلة لها وخالقة . ۱۵

۴۳۱ این نسخه درشماره ۱۱ گ ۱۵۳ الف است .

۲۸ - دراینکه هرکس بخواست خود بمیرد زنده خواهد بود

آغازوانجام: الموت موتان ارادی وطبیعی... وقدقیل مت بالاراده تحیی بالطبیعة

۴۳۱ این نسخه در شماره ۱۱ ك ۱۵۳ الف میباشد ۲۰

۲۹ - دراینکه هفت گونه قرائت هفت مقام نفس است : امر - نهی - قصص - تمثیل - حکمت - موعظه - وحدت که وصول بکل وتوحید کثرات است .

آغاز وانجام: القرا آت التی قیل هی سبعة من القرآن . . . وعدد ته واحداوهو الحق

۴۳۱ این نسخه درشماره ۷ گ ۱۲۴ الف میباشد

۳۰- درکمال وسعادت جان مردمی . ۲۵

آغاز : فائدة من افضل الدین القاشانی - ان النفس الناطقة اذا اکتسبت ملکتی العلم والعمل بواسطه خروجها الی کمالها الممکن .

انجام : ومتعوا بالنظر الی ذات الملك . . . فاذافصلت هذه . . . (بپایان نمیرسد)

۳٦۸ این نسخه در پایان ایندفتر و بخط شکسته گ ۱٦۰ ب میباشد .

این بود ۳۰ بند ازسخنانی کاشانی که درهریك ازمطلبی کاوش شد وهشت بند دیگر نیز
آقای نفیسی نشان داده‌اند (ش ۱۰و۱۱و۱۵و۱۹و۲۰و۲۱و۲۷و۳۲) وش ۲۵ ایشان
دنبال ش ۲۳ وهردو رویهم یك گفتار بشمارمیایند . در ج ٤ فهرست طوس ش ۵۷۳
۵ ص ۱۰۱ دو گفتار از کاشانی بتازی یاد شده یکی درباره پیوستگی جان وتن که براثر
اعتدال مزاج است دیگری درباره سبب ترس ازمرك . درجنك شماره ۲۹۱۲ سپهسالار
پاسخ‌وپرسشهای کاشانی و گفتار های او که آخرین آنهارا در ٦۰ سالگی نوشته است
(گ ۱۳۷–۱٤٤) هست .

[۳۳٦] اللئالی المستخرجة من الکلمات المکنونه (فارسی وعربی)

۱۰ فیض کاشانی کلمات مکنونه را درفلسفه وعرفان آمیخته با آیات واخباردرصد
کلمه بسال ۱۰۵۷ نگاشته و آن دربمبئی بسال ۱۲۹٦ودرتهران بسال ۱۳۱٦بچاپ
رسید سپس بسال ۱۰۵۹ چهل کلمه از آن برگزیده و نام بالارابدان داد او در پایان
رموزی‌را که‌در آن برای این‌سرایندگان (سنائی – حافظ – سعدی – شبستری –
فیض–باباافغانی – عرفی–عراقی – مولوی رومی – میبدی – گمنام – باباافضل کاشی –
۱۵ سعدالدین حموی – ملاضیاءالدین محمدکاشی – صدرای شیرازی) بکار برده است
آشکار بداشت ودر کلمات مکنونه چنین‌کارنکرد . این‌کتاب باخود کلمات مکنونه
دربسیاری ازجاها مانند همند و دنباله کلمه ۹۵ و همه کلمات ۹٦ تا ۱۰۰ دراینجا
گزین نشده است .

آغاز : هوبسمله الحمدلله‌الذی منه‌المبدء والیه‌المعادعرف بجمعه بین‌الاضداد
۲۰ فیقول . . . محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن . . . وطائفة من‌الکلمات‌المکنونة التی
کنت الفتهافی‌لباب معارف‌العارفین . . . لکن سمیتها باللالی من احکمت له وحقت
لدیه خلص من‌الشبه والشکوك (ازاین پس مانند کلمات مکنونه است) .

انجام وفی‌احتجاج‌الطبرسی . . . فهذا مسلم ضعیف (برابر با س ۹ ص ۲۱۱
کلمات‌مکنونه چاپ‌تهران) هذاآخرالکلام‌فی کتاب‌اللئالی المستخرجة من‌الکلمات
۲۵ المکنونة وهی اربعون کلمة اخرجهاالله علی یدی عقدامنظوما . . . بهر تاریخ نظام

این درر ـ بی الف نظم لئالی میشمر ـ سر اخفای الف رمزی بدان ـ کان احد اندر عدد باشد نهان .

[٤١٧]

این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق شکسته ریز باعنوانهای شنگرف
۱۰۳۸ ازمحمد باقر بن محمد جعفر اصفهانی باغاتی در ۸ ذی‌حجه ۱۱۲۳ گ ۱٤٤ ب ـ ۱٥٤ الف س ٤۳ . ۵

[۳۳۷] اللمعه (عربی)

نگارش ابن کمونه اسرائیلی است کـه در دیباچه میگوید چون صدر کبیر شمس‌الدین محمد مؤمن قزوینی مستوفی ببغداد آمد ازمن خواست چیزی درعقلیات بنویسم تا آنرا باخود برده در گنجینه صاحب دیوان شمس‌الدین محمد بن بهاءالدین ۱۰ محمد جوینی بگذارد و من اینرا در دو جمله هریك دو باب وهریکی از آنها در ۵ فصل نوشتم جمله ۱ درخدا و روان شناسی است وجمله ۲ دراخلاق وسیاست است .

آغاز : قال الشیخ . . . عزالدولة سعد بن منصور بن سعد بن الحسن بن هبةالله کمونة . . . احمد حمد مسترشد بنورهدایته مسترفد من جوده وعنایته .

انجام : و ان یوفقنا جمیعاً لاصلاح العلم و العمل و یعصمنا من الزیغ والزلل ۱۵ وان یجعلنا لسبله من المنتهجین و برضائه فی دارالابد من المبتهجین انه لطیف کریم والحمدلله رب‌العالمین .

[٤١٨]

این نسخه شماره ۱٦٥ دفتر گ ۱۳۷ ب ـ ۱٥١ ب و بخط نسخ تاریخ ۱۲۸٤ میباشد ـ
۸٦۱ نسخه‌ای از این لمعه درطوس (ج ٤ ش ۹٦٥ ص ۲۳۱) هست وفهرست مطلبها در آنجا آمده وگویا نسخه ش ۵۹۵/۱ (ج ۲ ص ۳۵۰) مجلس نیز همین لمعه باشد . ۲۰

[۳۳۸ـ۳۳۹] مابال (عربی)

کتابی بنام مسائل یا (پربلماتا) درشماره نگارشهای ارسطو آورده و بچاپ رساندند و بزبانها نیز ترجمه گردید و آن ۳۸ گفتار است که هریك چندین بند میباشد ودرهر بندی از یك مسئله ریاضی یاطبیعی یاخلقی پرسش شده وپاسخ داده ۲۵

میشود. درنوشته های ارسطو و دیگران بازگشتها و یادآوریهائی شده که برخی
درهمین مسائل دیده میشود و برخی دیگردر آن نیست ومیتوان گفت که این کتاب
ازروی نگارشهای ارسطومانند تاریخ طبیعی اوواز نوشته های ابقراط وثئوفرسطس
ساخته شده و بازگویه ها و ناسازگاریها که در آن هست میرساندکه چندین کس
۵ آنرا فراهم آوردند وازروی آخرین ساخت واژه‌ها که در چند عبارت بکار برده
شده چنین پنداشتند که تا اندکی پس‌از آغاز تاریخ مسیح این کتاب‌بپایان رسید.
برخی آنرا از سده ۵ یا ٦ میدانند. روش مشائی و بحثهای گوناگون این دسته
در آن‌دیده میشود.درفهرست قفطی وخزرجی کتابهائی یاد شده که نام مسائل دارد
وخزرجی از « مسائل طبیعی معروف بمابال » یاد نمود که در۱۷ مقاله است (۱).
۱۰ مانا از همین‌گونه « مسائل » است که چند مسئله‌ای گزین نموده و بنام « مابال »
و بروش پرسش و پاسخ در نسخه ها دیده میشود دراین کتابخانه دو گونه از آن
هست :

۱ در ٤۲ مسئله طبیعی و پزشکی میباشد. مانند : « رفتار و پرورش کودك ـ
۱۵ گریستن اندوهناك ـ جدائی‌میان نوکر وخواجه ـ درگذشتن تشنه‌ایکه بگرمابه
رود ازخواستن آب ... » درمجلس‌نسخه‌ازین (٦۳٤/۱۵ ص ۳۹۷ ج۲) هست.

آغاز : مسائل طبیعیة للفیلسوف الاعظم ارسطاطالیس وهی المسماة مابال.
مابال الحیوان الغیرالناطق یمشی ویدب حین ولدوالانسان لیس کذلك لان الحرارة
والبرودة فی جمیع اعضاءالحیوان یتکافیان واماالصبیان فیفوق الرطوبة التی فی ادمغتهم
۲۰ علی الحرارة بکثیر.

انجام : فلذلك‌النبت‌الذی ینبت فی‌الشتاء ینم فیه‌والذی ینبت فی‌الصیف یبتدأ

۱ـ بنگرید به : دیباچه ترجمه انگلیسی مسائل چاپ اکسفرد در ۱۹۲۷ ـ قفطی
ص ۳۳-۳۵ وخزرجی ج ۱ ص ٦۷-٦۹ : مسائل (بریلماطن) ۳ مقاله، نیزهمان در ٦۸
مقاله ومسائل هیولانی ۱مقاله ومسائل طبیعی ٤مقاله ومقدمات مسائل ۳مقاله ومسائل دوری
۲۵ برای استادان ٤ مقاله ومسائل پزشکی ۵ مقاله.

نشوه فیه . تمت المسائل الطبیعیة المسماة بمابال لارسطوطالیس الفیلسوف بعون‌الله الکافی .

[٤١٩]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۵ دفتراست و بخط تعلیق کرکی گ ۹۱ ب ــ ۹٤ ب .

[٤٢٠]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۸ الف ــ ۸۹ ب وچنین است پایان آن : « یبتدء نشوه فیه تمت‌ما بال ارسطو بعون‌الله تعالی والحمدلله رب‌العالمین...وآله اجمعین » .

۲ــ گزیده دیگریست که پرسش و پاسخی در آن نیست و از چندین مسئله پزشکی گفتگومیکند و نسخه ما ازروی خط قطب شیرازی نوشته شد .

آغاز: منتخب من ثمار ارسطوطالیس‌الطبیب المعروفة بمابال . تزیل‌القدمین من‌الجوع واکل الطین لضعف الماسکة بانعدام البدن الغذاء للسدة فی‌الطین والعوز فی‌الجوع ومیل‌الاخلاط بنقلها الی اسفل .

انجام : ضعف‌السکر لتناوب‌الحلاوات فی‌اثناءالشرب لتغلیظهاالشراب ومنعها ایاه من‌الاستحالة والصعود الی‌الدماغ . هذا ماوجدنا بخط‌المولی‌السعید قطب‌الدین الشیرازی تغمده‌الله .

[٤٢١]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۲۱ دفتراست وبخط تعلیق ص ۱۱٦ــ۱۲۳

[٣٤٠] مباحثات (عربی)

شیخ رئیس ازهنگامیکه در ری میزیست وگاهیکه بکاروزارت می‌پرداخت تا پایان زندگی باشاگردان خویش مانند بهمنیارمرزبان آذربایگانی مجوسی (۱) و ابن زیلای سپاهانی مجوسی (۲) و شیخ ابوالقاسم کرمانی (۳)گفتگوها میکرده

۱ ــ خزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹ــ۲۰ ــ نسخه ما ــ بیهقی ص ۹۱
۲ ــ نسخه‌استاد بزرگوار ودانشمند بیمانند آقای میرزافضل‌الله شیخ‌الاسلام زنجانی (ص ۳۵ دیباچه‌ارسطوعندالعرب دکتر بدوی) وخزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹
۳ ــ بند ٤٤ برك ۱۹۷ نسخه ما ــ نسخه نواب درطوس .

پرسشهای آنان پاسخها میداد. ازهمین سخنان است که گرد آوری شده و نام مباحثات گرفته است. گرچه در برخی از نسخه های آن از بهمنیار (م۴۳۰) و ابن زیلا (م۴۴۰) بمانند درگذشته یاد میشود (۱) ولی خود شیخ در پاسخ پرسش دوم میهنی او را بدین کتاب بازگشت میدهد و میهنی در پرسش سوم میگوید من هنوز مباحثات را ۵ ندیده‌ام (۲) وهمین میرساند که نسخه‌ای ازمباحثات درروزگارخود شیخ بنگارش در آمده بود.

شیخ درمباحثات از اشارات خویش که آخرین کتاب اواست یاد میکند (۳) و نیزازشفاوطریق عرشی(٤) واصول مشرقی ومشرقیان و برهان عرشی ومشرقی (٥) ومسائل مشرقی وحکمت عرشی و کتاب انصاف (٦) و یکی از مسائل عشر (گویا ۱۰ گفتگوی‌دهم ازپرسش وپاسخ شیخ و کرمانی ش ٤۲۲/٤ ما ص۱٦۹ این‌فهرست) که میگوید همراه نامه است (۷) نام می‌برد و بازمیگوید «همین‌گونه مباحثات» و «مباحثات صدیقی یا صدیق» گاهی هم از بودن در ری و از پری‌کار و گرفتاری خود (۸) یاد میکند و نیز از دربار علائی و تاراج رفتن نگارشهای او (در ٤۲٥) و ربودن انصاف و بیماری سخت و ننوشتن یکی دو سال چیزی بدست خود (۹) ۱٥ وهمه اینها میرساند که این گفتگوها میان ٤۰۳ و ٤۰٥ تانزدیك بپایان زندگی شیخ میان استادوشاگردان میشده و نسخه یانسخه‌هائی از آنهاهم بساخت کتابی در آمده بود. پیداست که شاگردان آنها را فراهم میآوردند چه دربرخی ازجاها «الجواب بخطه» دارد و دربرخی جاهاهم «الجواب من الشیخ ابی‌منصوربن زیله رحمه‌الله (۱۰) وچنین برمیآید که پاسخها گاهی بخط شیخ و گاهی بخط ابن زیلا بوده وازروی آنها

---

۲۰ ۱ــ بدوی دردیباچه ص ۳۹ ۲ــ ص۱۷۱ همین فهرست ۳ ــ ص ۲٤۰ چاپی و بند ۱۱٦ نسخه ما و نیز نسخه نواب ٤ــ بند ۲٦٤ــ۲۷٥ــ۳٥٤ــ۳۷۰ــ٤۸٤ چاپی ٥ــ بند ٤٥۸ــ۳۳۳ــ۱۰۷ چاپی و نیزنسخه نواب ٦ــ ص ۲٤٥ چاپی ونسخه نواب و مروی ۷ــ بند ٤۸۷ چاپی و بند ۱۳۳ نسخه ما ۸ــ نسخه نواب و ص ۲٤٦ چاپی و برك ۱۷۱ ب نسخه ما و بند ۲٦۹ و ۲۷٤ چاپی ۹ــ نامهٔ بکیا در ص ۱۱۹ ارسطو ۲٥ عندالعرب ۱۰ــ بند ۲٦٦ و ۲٦۸ چاپی.

نوشته میشد . میتوان گفت که مباحثات درچندین نسخه گوناگونی که هست بهتر از
نگارشهای دیگر شیخ رأیها واندیشه های خود او را میرساند وسر گذشت گفتگوهای
او با شاگردانش از آن بخوبی برمیآید (١) وبسیاری از سخنان دشوار فلسفی دراین
مباحثات آمده است چنانکه مسئله اعدادی بودن انتاج قیاس که رأیی است دربرابر
اشعری ومعتزلی در آن دیده میشود (گ ١٩٣ بند ٧٨ نسخه ما و بند ٣٦٤ ص ٢٠٢ ٥
چاپی) و همچنین درباره تجرد نفس و خود آگاهی آن موشکافی شده است (٢)

١ـ شیخ گاهی میگوید : « این را نتوان نوشت » (بند ٣٥٣ چاپی) بازمیگوید :
« یا اینکه نمیدانم باید ازتفسیر آنها بشناسیم » (٣٦٠) ونیز : « این پنداری است ازمن
و راهی برای اثبات یا نفی آن نیست . شاید ازجزمن برآید » (٣٥٥) و « این برترین
چیزی است که من میدانم » (بند ١٥ نسخه دانشگاه) وشیخ باندازه‌ای فروتنی میکند که ١٠
پرسنده میگوید : « زشت است که رهبران خودرا نادان نشان دهند » (بند ٦٠ دانشگاه)
درمباحثات(بند ٤٨٤) ازابی‌حامد اسفزاری یادنمود و از اثولوجیا (ص ١٢١ چاپی) نام‌برد

٢ ـ امام رازی درمباحث مشرقی ج ١ ص ٣٤٢ درباره شخصیت ازآن سخنی آورد
که مانندش در گ ٥٣ نسخه دانشگاه دیده میشود بازرازی در ج ٢ ص ٢٥٢ درباره خودآگاهی
نفس واثبات تجرد آن ازاین راه آنچه شیخ درپاسخ خرده گیریهای شاگردان گفت آورده ١٥
و گفته است که این گفتگوها پراکنده بود و من سروسامانی بدانها داده‌ام آنگاه آن
برهان را با شش پرسش و پاسخ که هریکی هم چند بند است بیاورد ومیگوید آنچه شیخ
درپاسخ اینها گفته است روشن وسودمند نیست ومن آنها رانیاوردم و هر که بخواهدبدانجا
بنگرد . همه اینها را بند بند صدرای شیرازی‌دراسفار (ج ٤ سفر نفس باب ٦ فصل ١ حجت ٢
برك ٣٣ ـ ٣٥ چاپ تهران) ودرمبدء ومعاد (٢٠٨-٢١٢) آورده گفت که این گفتگوها ٢٠
دردفتری دارای نامه‌های شیخ و شاگردانش پراکنده بوده و من آنها گرد کردم و چیزها
برآن افزودم ومیگوید سخنان شیخ دراینجا درست واستوار نیست و او درپاسخ بهمنیار از
بازشناختن مردمی و جانور درخودآگاهی آنها درمانده و دشوارش دانست. گرچه سخنان
رازی وشیرازی دراینجا بسیار نزدیك بهم هستند ومانا ازاو گرفته واوهم درسفر ١ اسفار
مرحله عقل و معقول طرف ١ فصل ١٢ در حل شکوك برتعقل ذات گوید انی‌ما رایت نسخة ٢٥
المباحثات. مگر اینکه شیرازی آشکارا درمبدء ومعاد میگوید که نسخه مباحثات نزدم هست
وآنرا دراینجا ازپراکندگی درآوردم . آنچه درمباحث مشرقی واسفار ومبدء ومعادآمده
درمباحثات نسخه مروی شماره ٨٧٥ بهترمیتوان یافت .
نگارنده المثل العقلیة الافلاطونیه (چاپ بدوی ص ٦٨) نیز گوهربودن نیروی وهم را از
مباحثات شیخ ومباحث مشرقی رازی آورد . غیاث‌الدین منصوردشتکی دراثبات الواجب (ش ٣٠
٣١٨ گ ٦ ب) درمسئله ٢ مقاله ١ می‌نویسد که رازی بزرك گفته که شیخ درمباحثات
آشکارا میگوید که من بکنه هستی نرسیدم . درکنار نسخه نوشته‌است که مباحثات را شیخ
بدرخواست بهمنیار نوشت واو تحصیل را برروی آن گذارده است .

دانشمندان ازاین کتاب سودها برده‌اند و بسزا است که بیهقی ص ۹۱ درباره آن میگوید « والمباحث التی لابی علی اکثرها مسائل بهمنیار وکان یبحث عن غوامض المشکلات » (۱) .

[٤٢٢]

این نسخه شماره ٦ دفتر است بخط تعلیق گ ۲۰۵ ب – ۱٦۲ ب و چنین است

۱۰۳۷ آغاز و انجام آن : « هذه نبذ من الرسالة المسماة بالمباحثات للشیخ الرئیس ابی‌علی بن سینا فی جواب مسائل سئلها عنه تلمیذه الحکیم بهمنیار بن مرزبان . قال الحکیم : بسم‌الله الرحمن الرحیم . الخادم بهمنیار بن مرزبان خادم مولانا الرئیس ... شرف الملك فخر الکفاة اطال‌الله بقاه ... خدم ینهی الحضرة بکتاب مطوی علی اوراق

۱۰ واسئولة وشکوك یرجو وصول الجمیع الیها واحاطة العلم الشریف بها .. قیل ان المزاج متغیر والشخص الواحد ثابت بالعدد ... (پرسش) ثبات الشی الواحد بالعدد ... بل بجوهره (پاسخ) – هل ههنا برهان علی ان لکل شخص ... شیئا ثابتا... لعل هذا فی غیر الحیوان صعب . . . ولعلنا اذا فکرنا وجدنا السبیل الی القول الجزم فی هذا الباب انشاءالله تعالی تمت المباحثات وهی اجوبة مسائل سئل الشیخ عن بعضها تلمیذه بهمنیار وعن بعضها الشیخ الکرمانی

۱۵ وعن بعضها غیرهما » این نسخه درشش فصل و۲۱۷ بند وآغاز آن برابر است با نسخه ش ۲۱۸۸ فیض‌الله استانبول (که پایان آن بند ۱۸۳ این نسخه و بند ۲٦٦ چاپی است) وپایان آن درنزدیك بآغاز سخه نواب وپایان نسخه ش۱/٤٥٤٥ اونیورسیته استانبول دیده میشود . دیباچه آن نامه بهمنیار است بشیخ که میگوید : « پرسشهارا دربرگهائی نوشته فرستادم ومیخواهم پاسخ هریك رادرهمان برگ بنویسید تامباداچیزی فراموش

۲۰ ۱ – نیز بنگرید به خزرجی ج ۲ ص ۱۹ س ۱۹ – بیهقی در تتمه ص ۲۷ میگوید که شیخ در مباحث ازابوالفرج جاثلیق بد گفت و نگارشهای اورا شایسته دانست که بفروشنده آنها برگرداند و ازبها درگذشت ودرص ۲۲ میگوید که شیخ درهیچیك از نگارشهای خویش یادی از ناتلی ننمود مگر در « کتاب المقتضیات السبعه » که دردره « مقتضیات الحکمة » ودر کشف الظنون « مقتضیات الکبر السبعه » یاد شد . ناشر تتمه آنرا همان کتاب المباحثات پنداشت

۲۵ (ص ۲۲ حاشیه ۹) چه بیهقی درفهرست نگارشهای شیخ بازاز « کتاب المقتضیات مجلدة » یاد نمود ص ٤٦ و بجای آن در تاریخ حکماء قفطی ص ۲۷۲ « کتاب المباحثات مجلدة » آمده است (نیز در ج ۲ ص ۵ س ۱۰ خزرجی) گرچه درفهرست پایان تتمه ص ۱۸۷ هم « کتاب المباحثات » وهم « مقتضیات الکتب السبعه » یاد گردید ودرفهرست میان سرگذشت شیخ (نسخه ش ۱۲۱٦ ص ۱٦–۲۲ سپهسالار وش ٦ر٤٦٩٤ کتابخانه ملی ملك) نیز ازاین‌دو

۳۰ یاد گردید .

شود ودستوردهید که دربانان پیك را بازندارند وبآسانی نزد شما باریابد وامیدوارم پرکاری شما را ازپاسخ این پرسشها بازمدارد » (مانا هنگام وزیر بودن شیخ است) درپایان‌نسخه چنانکه میبینیم دارد که پرسنده بهمنیار وکرمانی ودیگرانند. نامه شیخ بکیا (دیباچه چاپی ـ میانه نسخه نواب) دراین نسخه نیست و باآن دونسخه درعبارت وترتیب مسئله‌هاجدائی دارد. دربیشترجاها پرسشها و پاسخها دریك بند آمده وبندها با دائره‌ای از یکدیگرجدا میشوند و روی آغاز هربندی خط سرخ کشیده شده است وگاهی یك بند همان پاسخ تنها است وبند۱ برابر است بابند٤٥۳ چاپی. انجام‌نسخه ۸٦۹/۱۱ کوپرولی درگ ۱۸۳ ب این نسخه دیده میشود .

نسخه دیگری ازمباحثات درارسطوعندالعرب دکتر بدوی‌ص۲۱۹ـ۲۳۹ ازروی نسخه ٦ م حکمت و فلسفه دارالکتب مصر در ٥۰۰ بند بچاپ رسید و دیباچه آن نامه شیخ است بکیا (ابوجعفر محمدبن حسین‌بن مرزبان ـ دیباچه بدوی ص ۳٦ و مباحثات ص۱۱۹) که درآن ازعلاءالدوله (۳۹۸ـ٤۳۳) یادگردید ونیز ازیحیی نحوی ورد او برارسطو . شیخ دراین نامه میگوید که درکتاب انصاف میان خاوریان و باختریان داوری نمودم ودرآن ازفارابی بسیارمیستاید و آرزوی دیدار او میکند اینجااست که بیهقی ص۱۳ وشهرزوری ش۸٥٦گ ۷۷ بجای‌آن ابوالخیرخوانده‌اند تا معاصرشیخ باشد (بدوی ص ٤۱ دیباچه) این نامه را قنواتی در ش ۲٥۹ نیز جداگانه یاد نمود و مانا نسخه ش ٦۳٤/۳٦ مجلس همین است . بدوی دو نامه پس‌از مباحثات آورد که نخستین درآغازمباحثات نسخه ش ۸٦۹ کوپرولی میباشد .

نسخه دیگری از مباحثات درمدرسه نواب طوس بوده که آغاز آن برابر است با نسخه ده برگی ش ۲۳۸۹/۲ ایا صوفیا بنام « رسالة‌الاسئلة والاجوبة » و دونامه شیخ (چاپ‌بدوی پس‌ازمباحثات) درمیان‌این‌نسخه‌دیده میشودودرآن شیخ ازکارهائیکه شایسته اونیست و از دوری ازدانش سخت مینالد وازری واز گفتگوها که میان استاد و شاگرد درآنجا شده است و از همین پرسشها که اکنون میکند و پاسخ میگیرد یاد میکند و میگوید « بیشتر بپرس » چنانکه یاد شد نسخه‌ای از مباحثات بشماره ۸۷٥ درمروی هست ودکترغنی در «ابن‌سینا» ص ۷۸ ازنسخه شماره ٤۰ آنجایاد میکند. این‌هم ناگفته نماند که شیخ بجزنامه‌ها که ببرخی نوشته یاپاسخها که بنامه‌ها وپرسشهای بیرونی‌وجوزجانی‌وابوالفرج همدانی وابوالفرج یمامی ومیهنی ودیگران داده بسیاری از رساله‌هارا برای فرمانروا یاوزیری نگاشته‌است .گذشته ازاینهادرفهرست قنواتی گفتارهائی شناسانده شده که‌مانند مباحثات میباشد : پاسخ ده پرسش بیرونی نه‌آنکه بچاپ رسید ـ پاسخ شیخ عامری (مجالس سبع) ـ پاسخ ۲۲ و۲٥و۱۰و۲۰ پرسش ـ

بندها و پرسشها - دو گفتاردرمنطق - پرسش و پاسخ - پاسخ بپرسشی درباره حدوث که میگویدنخستین چیزی است که بدست خودنوشتم - دومسئله - پاسخ ابن‌زیلا مسأله پزشکی - نامه‌ای بابی‌الفرج بن ابی‌سعیدیمامی درپزشکی - چندمسأله - گفتگوی شیخ با شاگردی درباره زاویه - پاسخ چند پرسش - پاسخ بجوزجانی درباره شفا و معارضه با قرآن - فائده ها و نکته ها (ش ٢-٢٠-٢١-٢٢-٣٨-٣٩-١٧-٣٦ و ٣٧-٦٣-٦١-٧١-٩٩-١٤٣-١٤٥-١٤٦-١٦٠-١٧٦-٢٠٤-٢٣٤) و بهمهٔ اینها و نسخه‌های گوناگون مباحثات باید نگریست تا دریافت که سرگذشت گفتگوهای شیخ باشاگردان چگونه‌بوده ومباحثات چگونه‌بنگارش درآمده‌است - نیز بنگرید بشماره ١٩ قنواتی .

١ [٣٤١] مباحث فلسفیه (رسالة فی ...) (عربی)

این گفتار بروش عرفانی درباره قوه وفعل نگاشته شده و درآن (٤٦ ب) از رسالةالتسلیه ابن‌سیناکه درآن گفته است « ان‌الموت لاالم فیه ابدا » واز مجلسی یاد میشود .

آغاز : بسمله . فصل فی معنی‌القوة والفعل. اعلم ان‌القوة هی استعدادالتصورای استعداد قبول‌الصورة .

انجام : فمن رام تثبیت الاسرار بالکباریت وسایرالارواح فقد خبط وسهی .

[٤٢٣]

٨٨٧ این نسخه شماره ٢ دفتر وبخط تعلیق میباشدگ ٩ الف - ٤٦ ب .

[٣٤٢] مبادی موجودات (فارسی)

٢ این گفتارفلسفی از باباافضل‌کاشانی (١) است وازموجود ومعلوم ومدرك گفتگو میکند ودرمجله جلوه شماره ٣ سال ١ تاریخ شهریور ١٣٢٤ خ ص ١٢١ - ١٢٨ ازروی دونسخه تاریخ ١٠٨٣و١٠٩٢ بچاپ‌رسید. درجنك شماره ٢٩١١ سپهسالار

١- سید حیدرآملی عارف زنده در ٧٦١ درجامع‌الاسرار (ش ٣٤١ گ ٢٣٦ الف) میگوید : « ومنهم‌الامام‌الفاضل والحکیم‌الکامل افضل‌الدین‌الکاشی رحمة‌الله علیه . فانه بعدرسوخه فی‌الحکمة‌الفلسفیة والعلوم‌الرسمیة رجع‌الی‌طریق اهل‌الله وصارمن کبارهم وصنف فی هذاالفن کتبا ورسائل واحواله مشهورة وفضائله معلومة » .

ص ۸۸–۹۸ نسخه ازاین هست .

[۴۲۴]

۴۲۸ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق شکسته خوش با عنوانهای شنگرف تاریخ ۱۰۸۳ گ ۶۵ الف - ۷۱ ب و فهرست آن هم درگ ۶۵ الف دیده میشود .

۵

[۳۴۳] مبدء و معاد (عربی)

شیخ رئیس این کتاب را درسه گفتار (خدا شناسی در ۵۲ فصل - پیدایش و آفرینش هستیها در ۱۱ فصل - پایندگی روان و خوشی آن در رستاخیز در ۲۰ فصل) برای ابی (احمد) محمدبن ابراهیم شیرازی فارسی (۱) درگرگان نگاشته ودرآن گزیدهٔ علم مابعدالطبیعه یا اثولوجیا (الربوبیة) درباره مبدء نخستین و نسبت هستیهابا اوازروی ترتیب و گزیدهٔ علم طبیعیات در روانشناسی ورستاخیز آورد. شیخ درفصل ۷ مقاله ۱ عاقل ومعقول را یکی پنداشت و گفت که آندو بقانون فعل وقوت یکی میشوند وعلم اگر باحصول صورت می‌بود بایستی صورتهای بی‌نهایت در نفس بیاید . او در اشارات وشفا این رأی نپذیرفت و بگفته طوسی درمبدء ومعاد روش مشائیان گرفتهٔ چنانکه‌در آغازهم چنین گفته‌است. شیرازی درفصل ۸ طرف ۱ مرحله عقل ومعقول اسفارسخن‌اورا آورد وپذیرفت . شیخ در پایان از رستاخیز وپیامبری ووحی واعجازواثرچشم بروش فیلسوفان گفتگو کرد وازرأی افلاطون درسوفسطیقا یاد نمود .

۱۰ ۱۵

آغاز : بسمله قال الرئیس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا لقاالله احسانه امابعد حمدالله حق حمده والثناء علیه بماهواهله ... فانی اریدان ادل فی هذاالکتاب (هذه‌المقالة) علی حقیقة ماعندالمشائین المحصلین من حال المبدء والمعاد تقربا به

۲۰

۱— در بیهقی ۶۴ وخزرجی ج۲ ص ۱۸ ابی‌محمد شیرازی که باشیخ آمیزش داشت یاد شد و خزرجی گوید که درآغاز نسخه ابی احمدمحمد بن ابراهیم فارسی خوانده‌ام مانند نسخه ش ۹۷۵ طوس ونسخه مجلس ولی درنسخه ش ۹۷۲ طوس ابومحمدبن ابراهیم فارسی یاد گردید وقنواتی ابی احمدبن ابراهیم فارسی یاد نمود . گویا درست همان باشد که دربالا نوشته شد .

الی الشیخ الجلیل ابی (احمد) محمدبن ابراهیم الفارسی فیتضمن کتابی هذا ثمرتی علمین کبیرین احدهما الموسوم بانه فیما بعد الطبیعیة و الثانی العلم الموسوم بانه فی الطبیعیات .

انجام : وتقریب البعیدان مال (یمال) الی الاظهر فهو معذور و نسئل‌الله ان یجنبنا الزیغ و الزلل و الاستبداد بالرای الباطل و اعتقاد العجب فیمایری ویفعل (یعقل) تم کتاب المبدء و المعاد .

[٤٢٥]

٨٦١ این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و تصحیح شده با نسخه‌های دیگر در هامش. گ ١٤ب -٥٤ الف . نسخه‌ای در مجلس ش ٦٣٤/٣٠ (ج ٢ ص ٣٩٩) وشش نسخه درطوس ٩٧١ تا ٩٧٦ هست وقنواتی درش ١٩٥ چندین نسخه آنرا شناسانده وگفت که ترجمه فارسی آن در بودلیانا ش ١٤٢٢/٢ وموزه بریتانیا ٩٧٨/٢٢ هست . درجنك ش ٢٩١٢و١٢١٦ سپهسالار نسخه تازی آن دیده میشود .

[٣٤٤] المبدء والمعاد (عربی)

سه پرسشی است که ازشیخ رئیس شده و او پاسخ داد و درص ١٦٧ یادگردید .

[٤٢٦]

١٠٤٦ این نسخه شماره ٢٠ دفتر است وبخط شکسته تعلیق رجبعلی نزدیك ١٠٦١ گ ٩٥ الف و ب . آغاز وانجام آن مانند ش ١٠٣٨/١ میباشد .

[٣٤٥] مبدء و معاد (عربی)

از صدرای شیرازی م ١٠٥٠ که درست درآن از مبدء و معاد شیخ پیروی نمود و دوبخش کرد و چنانکه دردیباچه (ص ٣ چاپی) می‌نویسد آنرا پس ازاسفار نوشته است . درمبحث تجرد نفس ص٢٠٨-٢١٢ دلیلی میآورد که ازمباحثات شیخ رئیس گرفته وهمین دلیل باآندك اختلاف دراسفارهم آمده است ودرمبحث ادراك حسی ص ١٧٤-١٧٧ درباره گفتارشیخ رئیس و مسیحی و فخر رازی درمورد لذت و الم حواس عبارتی‌دارد که نزدیك‌بهمان درشرح هدایه هموص١٩٥-٩٧ دیده میشود .

[٤٢٧]

٤٢١ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف و حاشیه‌هائی دارد که درپایان آنها عبارت (ع سلمه‌اه) هست و این نسخه شماره یکم این دفتر است از برك ۱ الف تا برك ۲٦۳ ب ودوم آن گفتاری است ازصدرالافاضل (همین شیرازی) درباره روزرستاخیز. محشی حاشیه‌های این کتاب ورساله دوم‌را هنگامی که درسپاهان ٥ نزد ملامحراب آنها را میخوانده است نگاشت . این نسخه تصحیح شده ومقابله گردید وخط و مهرفیلسوف شیرازی درپایان کتاب بخط شکسته آراسته بشنگرف زیر سطر آخر دیده میشود : «کتبه‌الاقل . . . . . محمدبن ابراهیم‌المشهور بصدرالشیرازی سنه ۱۱٥ (؟!)» ازاینجاچنین برمیآید که شیرازی کتاب مبدء ومعاد را در۱۰۱٥ نوشته‌است دربرك ۱ الف نوشته شده که نسخه را در ۱۱۹٤ خریده‌اند. این کتاب درتهران بسال ۱۰ ۱۳۱٤ بچاپ رسید .

(۲۷٥برك) — کاغذفرنگی — جلدتیماج قهوه‌ای ضربی

اندازه : ۱٥×٥ر۲٥ و ٥ر۸×٥ر۱۷ س ۲۰

[۳٤٦] مجمل الحکمه (فارسی)

۱٥ تنی چند از دانشمندان ایرانی در سده چهارم انجمنی دربصره بنیادگذارده . مانندگروه فوثاغورسیان باستانی وچلیپائیان گل‌سرخ سده پانزدهم مسیحی‌نهانی .رآنجاگردمیآمده درباره فرهنك ودانش‌روزگارخویش میاندیشیدندومیخواستند که میان دین‌وفلسفه سازگاری دهند .آنهاپس‌ازمرك اشعری (۲٦۰ـ۳۳٤) تارجب سال ۳۷٤ پنجاه وسه یاچهاردفتر بنام (رسائل‌اخوان‌الصفاء وخلان‌الوفاء) و(الرسالة ۲۰ لجامعة) نگاشته بی‌آنکه نامی ازخود ببرند آنهارا دردسترس گذاشتند. این‌بود که‌مردم‌آنانراشیعی‌یاباطنی‌یامعتزلی‌پنداشتندوبرخی آن‌دفترهاراازامام‌جعفرصادق‌ع دانستند. نخستین‌بار ابوحیان توحیدی درامتاع وموانسه نام آنها را آشکاربداشت سپس ابن‌سینا ومعری ازآنها نامبردند وصاعداندلسی وشهرستانی وبیهقی و غزالی وسهروردی وقفطی و خزرجی و ابن سبعین و باباافضل کاشی و شهرزوری و دیلمی ۲٥ و ابن تیمیه وجنید شیرازی و بیرجندی وآملی و کرمانی‌وجامی ابن‌حجروصدرای شیرازی‌واشکوری وفیض‌کاشانی ومحمدامین استرابادی وعباسی ازاین‌نام یادکرده یا سرگذشت آنانرا آورده یااینکه ازآن دفترها بهره‌برده‌اند . نام اخوان‌الصفا نیز

پیش‌ازآنها درکلیله ودمنه‌ونظم ونثر باستانی تازی ونیایش فارابی آمده است .

باطنیان نیز بدیندفترها ارج نهاده‌بااینکه دردسترس همه‌بود وتاکنون چندبار بچاپ رسیده از نگارشهای نهانی آئین خویش بشمار میآورند و نگارنده آنها را دومین رهبر نهانی دینی خود بنام امام عبدالله وفی‌احمد (۱۹۷ ـ ۲۱۲) از دودمان امام صادق ع میپندارند .

دانشمندی درروزگار امیرتیمور گورگان (۷۷۱ـ۸۰۷) برای باره دوم ازاین دفترها گزین‌نموده وبپارسی دری درآورد ودردفتردهم بخش سوم درحدود ورسوم از اشارات و تنبیهات بوعلی سینا و نقاوة الحکمة خواجه حسن بن جریر سپاهانی وکتاب‌عبدالله‌بن‌جبرئیل‌بن‌بختیشوع پزشك برآن‌افزودوهمین‌است که‌مجمل‌الحکمه نامدارد و دوباردربمبئی بسالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰٤ باافزودن ترجمه انسان وحیوان که درآن‌نیامده بچاپ‌رسید. ازنسخه ش۱۱۲ مجلس‌چنانکه درفهرست آمده‌است برمیآیدکه پیش‌ازاین در٦٦۷ این‌دفترها بپارسی‌شده‌بود . ولی‌چنین‌نیست چه‌درپایان آن‌نسخه بخشی ازیك کتاب فلسفی‌که درآن تاریخ نوشته شده هست وفهرست‌نگار ایندو را یکی‌پنداشت .

دردیباچه این ترجمه دوم (نسخه ما وچاپی) ازسرود اختران ونام بارخدای ومرزبان (مهربان) نامه ودانشنامه یادگردید (۱) وسه‌تای‌نخستین‌بیهوده وچهارمی دشوار دانسته شد .

[٤۲۸]

۳۰۲ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط تعلیق با عنوانها ونشانه‌ها ورقمها وشکلها بشنگرف از محمدکاظم‌بن محمد حسین‌الحسینی‌المحلاتی در۲۲ رجب ۱۱۱۱ گ ۱ ب ـ ۷۹ ب . نسخه ازآن محمدعارف حسینی‌بوده وخطومهراو درگ۲ الف دیده میشود. دراین نسخه‌که با چاپ شده یکسان‌نیست دفترانسان وحیوان ترجمه نگردید وبخش چهارم هم ده فصل است .

آغاز : سپاس ومنت وجودیراکه واجب‌الوجود است .

۱ـ نگاه به : فهرست طوس ش ۵۸۰ ص۱۰۵ ج٤ ـ فهرست مجلس ج ۲ ش۱۰٤ ص ۵۱ که اندکی باچاپی جدائی دارد وش۱۱۲ ص۵۷ که دردنبال آن بخشی ازیك‌کتاب فلسفی‌است وآن‌در ٦٦۷ نوشته شده است نه مجمل‌الحکمه‌این‌نسخه که مانندچاپی‌است ـ گفتار فهرست‌نگار در ش ٦ سال ۸ مجله مهر .

انجام : و درشریعت لذتها را منع میکند یعنی برترك لذت و درحکمت والله اعلم بالصواب (س ۱ ص ۱۵۹ چاپی) و نیم صفحه را ندارد .

[۳٤۷] المحاکمات بین شرحی الاشارات (عربی)

از قطب‌الدین محمدبن محمدبن ابی‌جعفر بویهی رازی فیلسوف فقیه شیعی ازخاندان بویه یا بابویه قمی که در ری زاده وشاگرد علامه حلی بوده است وازاو ۵ بسال ۷۱۳ اجازه گرفت واین‌اجازه‌را حلی درپشت قواعد خودکه قطب‌بخط خویش نوشته‌بود دردیه ورامین نگاشته‌است. شهیدیکم ابوعبدالله محمدبن مکی دمشقی عاملی جزینی (۷۳٤-۷۸٦) در ۷٦۸ دردمشق نزدش رفته وازاوبهره برده واجازه گرفت . نیز درپایان شعبان سال ۷۷٦ دردمشق ویرا دیده وازاو درمعقول ومنقول اجازه‌گرفته‌است . وی بگفته شهید در ۱۲ ذیقعده ۷۷٦ درگذشت و درگورستان ۱۰ صالحیه بخاك سپرده شد (۱) .

قطب رازی دراین‌کتاب محاکمات میان فخررازی و خواجه طوسی داوری نمود و آن درآستانه بسال ۱۲۹۰ در ٤٦۳ صفحه و دوبار درهامش شرح طوسی براشارات درتهران بسال ۱۲۸۱ و ۱۳۰۵ بچاپ‌رسید .

۱۵ [٤۲۹]

۲۷۷ این نسخه نخستین شماره این دفتر است و از برگ ۱ ب تا برگ ۲۲۵ ب میباشد و بخط نسخ نوشته شده و عنوانها در هامش و نشانه ها بشنگرف وحاشیه‌هائی بشکسته تعلیق‌داردوعنوان محاکمات درروبه یکبرك پیش‌از آن چنین است : هذا شرح علی شرح‌الاشارات لنصیرالدین‌الطوسی اعتنی به والفه استادنا وشیخنا افضل‌المتأخرین قطب‌الدین ابقاه‌الله ...) ومحمدبنّ سدیدالدین‌اسنوی دمشق‌نشین ۲۰

---

۱ - قطب‌رساله‌هاو کتابها درادب‌ومنطق وفلسفه نوشت یکی‌از آنها (تحقیق‌معنی‌التصور والتصدیق » است‌که در تونس بسال ۱۲۸۱ چاپ شد و یك نسخه از آن با شرح محمد زاهد محمداسلم هروی در کتابخانه خدیوی مصرهست واین‌شرح درکانبورهند بسال۱۲۸۷ درمجموعه‌چهاررساله بچاپ رسید . درکتابخانه مدرسه سپهسالار تهران نیز یك‌نسخه ازهمین ۲۵ رساله بشماره ۳۸۷۸ هست پس آنچه میرسید شریف درحاشیه برشرح مطالع گفته است‌که این رساله دریکی ازگردشها که قطب میرفته است ازمیان برفت نادرست است . دیده شود : معجم‌المطبوعات‌ص۹۱۹ - فهرست‌کتابخانه خدیوی مصر ج ٦ ص ۸۳

شاگرد قطب و نویسنده عبارت بالا این نسخه را نزد او خوانده و با نسخه اصل برابر کرده‌است و بخط خود بهمین تصحیح گواهی داد. وی یکبار آنرا با نسخه‌معتبری مقابله کرده و در ۲۹ ع ۱ سال ۷٦٤ ازاین مقابله بیاسود و باره دوم آنرا با نسخه استاد خود قطب رازی برابر کرده و در آدینه ۱۸ شعبان ۷٦٥ درخانقاه اندلسی این مقابله را بپایان رساند ومینویسد که این باره حاشیه‌های کتاب را نیز باحاشیه‌های نسخه قطب برابر کردم و هرچه ازاین حاشیه‌ها نشانه (سم) دارد از استاد است. اینها را اسنوی بخط خود درپایان نسخه و درهامش آن نوشته‌است. باز بخط خود مینویسد که درماه ربیع دوم سال ۷۷٤ ازخواندن همه این کتاب بیاسودم ومیگوید که استاد رازی نسخه اصل را در روز چهارشنبه ۱۰ رجب سال ۷٥٥ درشهر گلستان ترکستان نوشته است وعبارت اورا میان پایان کتاب و گفتار نویسنده درباره تاریخ نوشتن نسخه‌ما میآورد. اسنوی بازدرپایان نمط سوم مینویسد که این نسخه را مقابله کردم. قطب مینویسد که منطق را درشب اضحی سال ۷٥٦ بپایان رساندم. اسنوی در همین‌جا باز مینویسد که مقابله نمودم. و نویسنده نسخه‌ماعبدالواحدبن‌عبدالحمیدبن مسعودشافعی‌سیواسی‌سلماسی است که دردمشق درنیمه روز ۲۸ محرم ۷٦٤ آنرا نوشته است.

این نسخه در ع ۱ سال ۹۹۰ دردست میرزا مخدوم حسنی حسینی مدرس مدینه بوده وخط او درپشت کتاب هست و باز خط او دررویه برك پیش از نسخه محاکمات که درتاریخ میانه ع ۱ سال ۹۹۰ در قسطنطنیه نوشته است دیده میشود. ابن‌خاتون محمدبن علی عاملی در ۱۰۲۸ درسپاهان بخط خود درپشت کتاب نوشته که این نسخه بدورسید و مهر اوهم هست. او دانشمندی ادیب وفقیه بوده و شرحی برارشاد نوشته واربعین شیخ بهائی را ترجمه بپارسی کرد ودرعصراو بوده ودرحیدرآباد هند میزیسته است وتا ۱۰٦۸ نیز زنده بود.

پس‌ازهمه آنچه تاکنون نوشته شده چنین برمیآید که:

قطب رازی در ۷٥٥ ازنوشتن نسخه اصل (ناگزیر بخش فلسفه) درشهر گلستان ترکستان بیاسود.

وهمو در ۷٥٦ چنانکه خودگواهی میدهد منطق را بپایان رساند.

عبدالواحد سیواسی‌سلماسی در۲۸محرم ۷٦٤ نسخه مارا دردمشق نوشته‌است.

محمدبن سدیدالدین اسنوی دمشقی در۲۹ ع۱ سال۷٦٤ یکباراین نسخه را با نسخه معتبری مقابله کرد.

نیز اسنوی در ۷٦٥ باره دوم آنرا با نسخه قطب برابر نمود.

باز اسنوی در ۷۷٤ ازخواندن همه کتاب بیاسود.

۲۷۷

هذا الكتاب المشتهر بالمحاكمات القطبية

برگ عنوان محاکمات قطب رازی ش ۲۷۷

... بي كتابه فهو بهذا الكتاب اوجب والنهي عن اضاعته واذاعته الى الجاهلين
والمتفلسفين اولى واحب وفقنا الله تعالى وجميع طالبي الحكمة لدرك الحق ووقفنا على مقامات
الصدق انه على كل شيء قدير وبالاجابة جدير

قد فرغ الفقير من زبر الكتاب بعون الله الكريم الوهاب ضحوة النهار الثامن والعشرين من
شهر الله المحرم المكرم سنة اربع وستين وسبعمائة بدمشق المحروسة عبد الواحد بن عبد المجيد
بن مسعود منّ الله عليه بسعد الجدود وصد النحوس [illegible] السيواسي مولدا السلماسي محتدا والحمد
للكتاب الطيب المبارك فيه لله رب العالمين والصلوة الزاكية النامية على سيد الانبياء والمرسلين
وعلى آله الطيبين الطاهرين وعلى اصحابه الغر المحجلين وحسبنا الله ونعم المعين

۲۷۷

پایان محاکمات قطب رازی ش ۲۷۷

این نسخه در ۹۹۰ درقسطنطنیه دردست میرزا مخدوم بوده است .

درتاریخ ۱۰۲۸ این خاتون آنرا داشته بود .

پس نسخه ما پیش‌ازمرك رازی که در ۷۷٦ رخ داده است نوشته شده وچندبار مقابله گردیده است .

۵ یکی ازدارندگان این نسخه ابراهیم‌بن حاجی عوص‌الدساوی بوده که در برك ۱ الف نامبرده شده .

(۲۲۸+۱ برك) كاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ساده وكهنه مقوائی

اندازه : ۱۹×۲۸ و ۱۴×۲۰ س ۲۷

[۳٤۸-۳٤۹] مدارج کمال (تازی و پارسی)

۱۰ این گفتار فلسفی وعرفانی‌را که‌درخودشناسی‌وشناخت‌شناسی‌است وگشایش نامه هم خوانده شده بابا افضل کاشانی نخستین بار بگواهی خود او در پایان متن پارسی (نسخه شماره ٤۰۲/۹ دانشگاه) بتازی نوشته سپس بدرخواست خواجه شمس‌الدین محمد درواگوش بپارسی‌کرد و تازی آنرا از آن اسعد نسائی‌دانست. کاشانی با درواگوش بسیاردلبستگی داشت ونگارشهائی مانند رساله جامعه (گویا ۱۵ همین مدارج) و زجرالنفس برای او فرستاد (نامه ش ٤۳۱/۱۷) و درنامه ایکه (ش ٤۳۱/۱٤) بدو می‌نویسد ازهمین‌مدارج‌الکمال بنام «فتوح‌هشت‌در» و «ره‌انجام نامه» یادمیکند. متن‌پارسی در۱۳۸ نشریه دانشگاه بچاپ‌رسید کاشانی درعرض‌نامه (ص ۱۵۳) ازمدارج‌الکمال یاد نمود .

[٤۳۰]

۲۰ این نسخه بپارسی وشماره ۹ دفتراست وبخط تعلیق ۱۰۷۹و۱۰۸۰ گ ۸۲

٤۰۲ ب ـ ۹۷ الف و در پایان آن سخنی است از کاشانی که در چاپی نیامده وبدینگونه است : « خجسته حال وفرخنده فال ونظم سخنان این‌نامه نخست بلغت تازی بود . . . هم محمد بامحامدان قرین شود وهم اسعد با سعادات این همنشین گردد ان‌الله لرؤف رحیم ولله‌الحمد علی ماهدانا انه ولینا ومولینا » نسخه‌ای ازمدارج ۲۵ کمال فارسی دردفترشماره ۲۹۱۲ مدرسه سپهسالار گ ۱۳۰-۱۳۷ هست وبند پایان درآن دیده نمیشود .

[٤٣١]

٤٣١ این نسخه بپارسی و شماره ۲۰ دفتر است گ ۲۸٦ ب ـ ۳۲۱ الف و با نسخه پیشین اندکی جدائی دارد و بهتر و بیشتر از آن است وجناب آقای مشکوة آنرا با دو نسخه دیگر برابر ودرست نموده است وسخن پایان کتاب در آن هست .

٥

[٤٣٢]

۱۰۳٦ این نسخه پارسی وشماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق رودباری گ ۷۷ ب ـ ۸۹ الف و ازگشایش در یکم آغاز میشود و دیباچه را ندارد و سخن پایان کتاب دراین نسخه هم هست .

[٤٣٣]

۱۰۳۳ این نسخه بتازی بسیار شیوا و روان و درهشت فتح و شماره ۱۱ دفتر و بخط تعلیق ریز سال ۱۰۸٤ گ ۳۰ ب ـ ٥٤ الف میباشد. آغاز آن چنین است :
« بسمله... بسم الله الذی لااله الاهو اول کل شیء فلا اول له و آخر کل شیء فلا آخر له وظاهر لیس فوقه شیء وباطن لیس دونه شیء . . . وبعد فقد سألنی جماعة من اخوانی... وصیة جامعة لخیر الدارین . . . فهذه ثمانیة ابواب نرجوان نفتح جمیعها ... الفتح الاول

۱٥ فی تبیین جوهر الانسان » .

انجام آن چنین است : « حامدین لله علی نعمائه شاکرین لالائه متجهبین (متحببین) الی لقائه مصطبرین علی بلائه ینصرکم و یبارك لکم . . . نعم المولی ونعم النصیر ... فانجزت مدارج الکمال ولله الحمد علی کل حال . . . الطاهرین الزاهدین » .
در کشف الظنون ازآن بنام «مدارج الکمال الی معارج الوصال» یاد کرده است

۲۰ (ج ۲ ص ٤۰۹) .

[۳٥۰] مرآة الازمان (عربی)

دانشمند محمدبن محمد زمان کاشانی دراین رساله سید داماد را رد کرده زمان را موهوم واعتباری دانست ومانند متکلمان آنرا انتزاعی ازهمیشگی خداوند پنداشت و درآن از فیلسوفان و متکلمان تا مجلسی یاد نمود و آنرا در ۲ محرم

۲٥ ۱۱٦۲ بپایان رساند اودراین رساله برخلاف خواجوئی سخنان آقاجمال خوانساری رادرخرده گیریهاکه ازداماد کرده است درست واستوار نشان داد (ش ٥۸۷ ص ۱۰۸ ج ٤ طوس ـ ص ۷۳ و ۲۳۰ این فهرست) .

آغاز : بسمله تبارك الذی كان ولم یكن معه شیء ثم شاء فانشأ الاشیاء . . . امابعد فهذه مرآة الازمان بها ینكشف ما اشتبه من امر الزمـان الموهوم علی بعض الاعیان .

انجام : ایراد مافیه من القیل والقال . واتفق الفراغ عما امر به . . . محمد بن محمد زمان . . . فی الثانی من الاول للعام الثانی من السابع للثانیة من الالف الثانی ... والحمدلله اولا و آخرا . . . من الایام والشهور . ۵

[٤٣٤]

۸۷۳ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ خوش از علی بن محمد سپاهانی بسال ۱۱٦۲ که بدستور کاشانی نوشته است ودرپایان دارد : «و کتب الخاطی ابن محمدعلی الاصفهانی فی ۱۱٦۲ » سرلوحی درآغاز (۱۰٦ ب) هست ۱۰ و عنوانها با مرکب سفید است و شنگرف و حاشیه (منه دام فضله) دارد و سخنان فیلسوفان دربرخی حواشی آمده وحاشیه‌ها بخط شکسته تعلیق است. درگ ۱٤۰ الف حاشیه‌ای فارسی از شیخ جعفر نوشته شده .کاغذ برنك سرخ میباشد . گ ۱۰٦ ب ـ ۱۹۸ الف .

[۳۵۱] **مرآة الحقائق و مجلی الدقائق** (عربی) ۱۵

دانشمند غیاث‌الدین منصوردشتکی این‌رساله را برای غیاث‌الدین ابوالمظفر بهادرخان در۷ مجلی (مبادی فلسفی ـ مسائل طبیعی ـ مسائل فلکی ـ امورعام ـ مقولات ـ خدا و آفرینش ـ رستاخیز) نگاشته است وی در آغاز از خود بنام غیاث مشهور بمنصور یادکرد و میگوید که در سی مسئله فلسفی با دیگران خلاف کردم و بهمگان‌رسید. برخی سخنانم را پسندیدند و دسته‌ای نپذیرفتند. آنگاه آنهارا ۲۰ میشماردمانند اینکه جهان مثال‌هست ویادآوری بخششی‌است ازخدای نه‌نگهداشت صورت در نیروی جرمی بگفته مشائیان و نه انتقاش آن درسطح آسمـان بگفته اشراقیان چنانکه درشرح هیاکل گفته‌ام واینکه صورتهای عقلی‌هستی‌جدائی دارند چنانکه در معارف منصوری روشن ساختم و آتش اهلیلجی است و شهابها دخانی نیستندچنانکه دررساله‌ای‌نشان‌داده‌ام و نیزعلت قوس وقزح را دررساله‌ای نوشته‌ام ۲۵

واینکه هر نفسی مجرد است وجنبشهای آسمان جبری میباشد ومقوله ها نه چنانند
که مشائیان ده واشراقیان ٥ (جوهر وکم وکیف و حرکت و نسبت) و دسته‌ای ٤
(جوهر وکم وکیف و نسبت) دانستند بلکه برخی ماهیت وانیت آنها پیداست
(کم وکیف و . .) وبرخی‌انیت روشنی دارند (اجناس اجزاء جسم) وبرخی ماهیت
٥ آشکاری دارند (دیگرمقولات) واینکه مجردومادی وهیولی وصورت ذاتی‌مشترك
ندارند وگوهرذاتی فردهای خود نیست و هرمجردی قدیم و ازلی است و جنبنده
عرضی میل‌ندارد وچیزهای دیگر . مطالب را عنوانهای (ظل غربی – نورمشرقی –
نورقمری – اشراقات شمسی) داده وپیداست که صدرای شیرازی هم درمسائل وهم
درعنوانها از اوپیروی نمود . در پایان میگوید که این اشراقات در ۸۹٥ درخواب
۱۰ شگفتی که دیدم بجهان نور رفته‌ام بمن رسید سپس این رساله را نوشتم . آنگاه
عنوانهای مرموزی را که درکتاب آورده بود روشن میسازد و میگوید این کتاب
برپایه کشف نهاده‌شده نه برهان درجای دیگر نیزازجهان‌هورقلیا یادمیکندکه‌در آن
بوده وکشفها برای اوشده است .

آغاز : بسمله یاغیاث‌المستغیثین نورنا بانوارك وکلمنابمعرفة اسرارك واجعل
۱٥ لنا جناحا نطیر به الی جوارك .

انجام : تکملة و تبصرة انظر ایهاالناظر بعین الانصاف . . . واذا ابتلی ابراهیم
ربه بکلمات فاتمهن . تمت‌الکتاب بعون‌الملك‌الوهاب .

[٤۳٥]

۹۲٦ این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد گ ۱۳۳
الف – ۱٤۲ ب .

[۳٥۲] **مسالك الیقین** (عربی)

دانشمند شمسای گیلانی (زنده ۱۰٤۸ درمکه و ۱۰٥۸ درقزوین و ۱۰٦۰
درطوس) این رساله را درباره عینیت وجودخارجی و صفتهای کمال خدا با ذات او
بروش مشائی واشراقی نگاشته و خبرهای شیعی نیز درآن آورد و آنرا درآغاز
۲٥ جمادی یکم سال ۱۰٦۰ درطوس بپایان رساند. او درحاشیه خود براینکتاب آنرا

چنین نامید .

آغاز : بسمله . . . الحمدلله خالق البریات وهادی سبل التحقیقات . . . فیقول محمد الشهیر بشمسا الجیلانی . . . هذه رسالة فی اثبات ان الوجود الخارجی عین ذات الواجب .

انجام : بناء علی عینیة الصفات الکمالیة کمامر مشروحاً فلانطول بالاعادة . تمت الرسالة . . . فی اوائل شهر جمادی الاول فی سنة ستین بعدالالف . . . فی البلدة الطیبة الرضویة . . . التحیات . ۵

[٤٣٦]

۳۰۷ این نسخه بخط نسخ پاکیزه از یکی از شاگردان گیلانی که درقزوین درروزگار استاد درروز ۷ ذیحجه سال ۱۰۶۰ هنگامی که ازطوس برگشته بودآنرا نوشت درحاشیه برگ آخر کتاب می نویسد که ازشاگردان او است . ۱۰

درچندجا حاشیه‌هائی از گیلانی دارد که به (منه دام ظله یا سلمه‌الله تعالی) پایان میبابد .

(۱۳۴ گ) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۵ر۱۰×۲۰ و ۵×۵ر۱۵ س ۲۰

[۳۵۳] **مشاعر** (عربی)

از صدرای شیرازی که دارای یك فاتحه (درمباحث وجود و جعل درهشت مشعر) ویك موقف درسه منهج یکی درهستی خدا ویگانگی او(درهشت مشعر) دیگری دراحوال وصفات خدا (چهارمشعر) سوم درآفرینش وکردارخدا (سه مشعر) ویك خاتمه' در دیباچه (ص۷ چاپی) این کتاب ازکتابها ورساله‌ها که نوشته است بی آنکه نام ببرد یادمیکند ومعرفت وجودوهستی شناسی را پایه فلسفه خود نشان میدهدوشناسائی خداورستاخیز وعالم مثال واتحادعاقل ومعقول وجامعیت بسیط الحقیقة واشتداد وجود ومانند اینها را برروی همان هستی شناسی میگذارد و پیداست که کتاب آغازجوانی فیلسوف شیرازی نیست چنانکه میگوید پیشها ماهیت را اصیل می‌پنداشتم تااینکه ازآن برگشتم و باصالت وجود گرائیدم (ص ٤٥) این کتاب با عرشیه درتهران بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسیده است . ۲۰ ۲۵

[٤۳۷]
این نسخه شماره سوم دفتری است که در آن تلخیص‌المفتاح (از برك ۱ ب تا برك ٦۰ ب بخط نسخ درشت‌تری از موسی بن رضا مشهدی در ۲۹ صفر ۱۱۰٤) ۱٤۸
وحکمة‌العین‌هم نوشته شده است و بخط نسخ است از برك ۱۱٤ ب تا برك ۱۵۱
ب وعنوانها بشنگرف است. ۵

[۳۵٤] مصارع‌المصارع (عربی)

امام ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی (٤٦۷ ـ ۵٤۸) متکلم شافعی دین شناس ونگارنده کتاب ملل و نحل بسال ۵۲۱ و نهایة‌الاقدام که درپایان ماه شعبان سال ۵٤۸ درگذشته است کتاب مصارعات را در رد برفلسفه نوشت ودردیباچه‌آن
۱۰ میگوید که : « من ملل و نحل را نوشتم و چون همه میگویند که شیخ رئیس هوشمندترین فیلسوف است و نگارشهایش را هرکه بخواند هرچه بیشتر بهره‌مند خواهد شد خواستم از بهترین گفتارهای وی که درالهی شفا و نجات وتعلیقات یافت میشود برگزینم و بیهودگی و یاوه بودن آنها را آشکارسازم » . بازمیگوید : « از هفتاد و اند مسئله منطقی و طبیعی و الهی تنها هفت مسئله دراین دفتر آورده‌ام »
۱۵ خواجه طوسی همچنانکه درشرح اشارات خود سخنان فرزند سینافرزانه ایرانی‌را از خورده‌گیریهای امام رازی نگاه داشت دراین کتاب که مصارع‌المصارع نامیدش خواست اعتراضات شهرستانی راکه برشیخ کرده‌است ردنماید . ازسخن شهرستانی چنین برمیآیدکه وی مصارعات وملل ونحل را برای بزرگی نوشته است وخواجه میگوید که آن سید مجدالدین علی بن جعفر موسوی نقیب میباشد . فهرست ۷
۲۰ مسئله که دراین دفتر آورده شده چنین است :

۱ـ حصر اقسام وجود .
۲ـ هستی واجب‌الوجود .
۳ـ یگانگی خدا .
٤ـ دانائی او .
۲۵ ۵ـ حدوث جهان .

٦ـ حصر مبادی.

۷ـ مسئله های دشوار درباره همان.

این کتاب شرحی است بقال واقول ومتن وشرح ازهم جدا است.

آغاز: بسمله الحمد الشاکرین والصلوة علی محمد وآله الطاهرین وبعد فان لشغفی بالعلوم العقلیة والمعارف الیقینیة کنت اوقات فراغی انظر فی کتب علمائها . . . ٥
فعثرت فی اثناء طلبتی علی کتاب یعرف بالمصارعات للشیخ تاج الدین ابی الفتح محمد بن عبدالکریم الشهرستانی ـ متن: بعد الحمد والصلوة والثناء علی المخدوم ابتداء اصغر خدمه محمد بن عبدالکریم الشهرستانی یعرض بضاعته المزجاة.

انجام: متن « اولا جوزتم ان یکون من العقول الانسانیة ماهو عقل بالفعل ... هو الافضل فلایتسلسل یاایها النبی انا ارسلناك شاهداً ومبشرا . . . وصلی الله علی نبیه المصطفی محمد وآله الطاهرین » شرح « هذا آخر مااورده المصارع فی مصارعاته ۱۰
والناظر المنصف بحکم باضافة الصرع والانصراع الی من یلیق به . . . انه ملهم العقل وملقن الصواب منه المبدء والیه المآب والحمدلله رب العالمین.

[٤۳۸]

۲٦۹ این نسخه شماره ۱ دفتر است بخط تعلیق خوش وعنوانها بشنگرف ازدانشمند شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری که درسال ۱۳٤۸ درمدرسه ناصری ۱٥
تهران نوشته و ۱٦٤ صفحه است و شماره دوم آن شرح رساله اثبات عقل طوسی است ازدوانی. نسخه‌ای ازاین کتاب درطوس (ش ۲٦۷ ص ۸٦ ج ۱) هست.

(۱٦۴ + ۹ صفحه) — کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه ۱۹٫٥×۲۱٫٥ و ۱۱×۱۷ س ۱۳

[۳٥٥] المضنون (عربی) ۲۰

غزالی در « الاربعین فی اصول الدین » میگوید: اگر بخواهید بآنچه درست و راست است بی هیچ آلایشی برسید باید ببرخی از نگارشهای ما که بناشایستگان نباید نشان داد (بعض کتبنا المضنون بها علی غیر اهله) بنگرید و کسی درخور دیدن آنهااست که درعلمهای ظاهری سرآمد ورهبر بوده وازدنیادرگذرد وحق رابخواهد وهوشمند و زیرك باشد (ص۲۸ چاپ مصر ۱۳۲۸) ازاین سخن پیداست که مضنون ۲٥
یکی ودوتانیستند. اودرهمین اربعین وجواهر القرآن وقسطاس مستقیم ومشکاة الانوارهم

برخی از رایهای نهانی خویش را آورد ولی دو کتاب بدین نام از او دانسته شده وچندبار بچاپ رسید یکی المضنون الکبیر که درچهار رکن است (خدا ـ فرشته ـ اعجاز ـ رستاخیز) دیگری المظنون الصغیر که ۱۹ پرسش و پاسخ است درروانشناسی عرفانی و «الاجوبة الغزالیه فی المسائل الاخروية » نیز نامیده میشود . غزالی درپایان مضنون کبیر گوید : امید است که ازاین پس « المضنون به علی اهله » نیز بنویسم که بهتر از این خواهد بود زیرا دراین چیزهائی گفته‌ایم که در دیگر کتابها هم هست و چیزهائیکه جز در آن نیست و من خواسته‌ام در آن سخنانی بیاورم که درجائی نباشد مگر همان اشاره ها که در احیاء شده است (۱) . مانا این کتاب را غزالی درپایان زندگی میان ۴۹۵ و ۵۰۵ نگاشته است (متون ماسینیون ص ۹۳) .

---

۱ ـ هردو مضنون در کنار انسان کامل جیلی در مصر بسال ۱۳۱۶ ج ۲ ص ۵۵ و ۸۹ بچاپ رسید و نسخه ای از کبیر بنام رسالة الارکان بشماره ۲۰ ٤ ر ٦٣٤ و از صغیر بشماره ۱۰ ٤ / ٣٤ ٦ درمجلس هست (ج ۲ ص ۴۰۱) ابن رشد در تهافت التهافت (چاپ بوئیژ ص ۱۱۷ و ۲۴۵) میگوید که غزالی در مشکاة الانوار و جز آن در خداشناسی از فیلسوفان پیروی نمود . ابن طفیل در حی بن یقظان ازدورای آشکار و نهان غزالی و کتابهای مضنون یاد کرد ولی محیی الدین درمسامره میگوید که مضنون و منهاج العابدین از شیخ ابی الحسن علی بن خلیل سبتی عـارف است ازاینجاستکه سبکی درسر گذشت غزالی (ج ٤ ص ۱۳۱) گفته ابن صلاح را میآورد که «المضنون به علی غیر اهله» را ساختند و بغزالی بستند چه درآن خدا قدیم وناآگاه ازجزئیات و بی‌صفت دانسته شده با اینکه غزالی چنین سخنان را کفر میداند . ابوبکر محمدبن عبدالله مالقی م ۷۵۰ ردی برمضنون نوشته است (نیز بنگرید به : شرح احیاء زبیدی ج ۱ ص ٤٤ و کشف الظنون ج ۲ ص ٤٥۱ و ٥۲۲) طرطوشی ومازری وابن سبعین غزالی را صوفی و فیثاغورسی و خواننده اخوان صفا گفته اند (متون ماسینیون ص ۱۳۰ و زبیدی ج ۱ ص ۹ ـ ۲۸) ابن تیمیه در رد منطقیان (۱۰۳ و ۱۹۵ و ٥٤٤) میگوید که غزالی در «الکتب المظنون بها علی غیر اهلها» از ابن سینا پیروی نموده سخنان فیلسوفان صابئی را برنك اسلام درآورده ودرآن گنجانده. همو در نقض المنطق ص ۵۳ ـ ۵۵ گفته که گرچه گروهی «المضنون به علی غیر اهله» را ازاو ندانستند ولی آگاهان میدانند که ازاو است و مانند سخنان دیگر او . ابن تیمیه درباره بدایة الهدایه غزالی هم میگوید که عزالدین فقیه آنرا ازوی ندانست (ص ٥٤) . یکی از خوانندگان رد منطقیان درحاشیه آن مینویسد که من «المضنون به علی غیر اهله» راخوانده و کفرها درآن دیدم که اهریمن را یارای ساختن آنها نیست و آنرا با «الانسان الکامل» جیلی سوزاندم وازآتش آن نانی پختم وخوردم وازبیماری که دچار بودم رهیدم چه بااین کار بکیش اسلام کمك کردم (ص ۱۰۳ و ۱۹۵ هامش) ازهمه آنچه گذشت پیداست که غزالی را

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[٤۳۹]

این نسخه شماره ۲ دفتراست وبخط تعلیق گ ۵۲ الف و ب و چنین است :

٤۰۲ « رای الحکماان الدار الجنة الجسمانیه بواطن الافلاك وقال الغزالی فی المضنون اللذة المحسوسة الموعدة فی الجنان من اکل و شرب یجب التصدیق بها ـ ولاتدرك بالفهم البشری وانما تدرك فی مقعد صدق عندملیك مقتدر . » ۵

از رکن چهارم مضنون کبیردراینکه باید بخوشی‌های حسی باور نمود برابر با آنچه درگوهرمراد فصل ۱۰ آمده است .

[۳۵٦] المظاهرالالهیه فی العلوم الکمالیه (عربی)

نگارشی‌است ازصدرای شیرازی در یك دیباچه ودوفن ویك خاتمه که‌در آن آغاز وانجام را بروش فلسفی آمیخته با آیات واخبارشناساند . این رساله درکنار ۱۰ مبدء ومعاد شیرازی درتهران بسال ۱۳۱٤ بچاپ رسید .

[٤٤۰]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱٤ دفتراست و بخط نسخ محمد مؤمن درتاریخ ۱۰۹٤ گ ۱۱۹ ب ـ ۱۵۸ ب .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل ۱۵

مضنونی بوده وبگواهی نگارشهای دیگر وی هیچ دور نیست که او را دو گونه رای نهانی وآشکارا باشد چنانکه صدرای شیرازی درمبدء ومعاد ص۷ـ ۲۹۵ میگوید : غزالی‌درآغاز کار برای‌نگاهداشت دین یا ازترس ظاهریان، فیلسوفان را بدکیش‌خواند وتهافت نوشت مگر اینکه درنهان چنین نمیاندیشید چه او درفیصل‌التفرقة بین‌الاسلام والزندقة (ص ٦۳ الجواهرالغوالی من رسائل‌الغزالی چاپ مصر۱۳٤۳) میگوید که برای گفته‌های پیامبراگر ۲۰ هستی پنداری‌هم بگوئیم بسنده است ودرشمار گرایندگان بدین خواهیم بود . دربیشترجاها از فیلسوفان پیروی نمود و میگوید که احمد حنبل بعقلیات آشنا نبود و گرفتار تشبیه شد واشعری ومعتزلی‌هم ازاینگونه سخنان‌نادرست دارند . دررکن ٤ فصل لذت محسوس بهشت مضنون کبیر نیزغزالی چنین گفته وشیرازی پاره‌هائی ازسخنان اورا درهمانجا ص۱۲ـ۳۱۱ آورد (برابر ص ۵ ـ ۸٤ ج ۲ انسان کامل) فیاض لاهیجی درفصل ۷و۹و۱۰ باب ٤مقاله ۲۵ سوم گوهرمراد پاره‌هائی ازمضنون کبیررا آورد (کنار ج۲ انسان‌کامل ص ۷۹و۸۱ـ۸٤ وس۸ص ۸٤ تا س ۵ ص ۸٦ برابرباآنچه که درنسخه ماهست ودرمبدء ومعاد شیرازی‌هم آمد) باز بنگرید بگفتارمنتگمری وات W. M . Watt درباره صحت استناد نگارشهای منسوب بغزالی درمجله آسیائی همایونی سال ۱۹۵۲ بخش ۱و۲ .

[۳۵۷] **المعاد (کتاب . . .)** (عربی)

نگارشی است از شیخ رئیس با دیباچه وفهرست در ١٦ فصل که به «کتاب حال‌المعاد» و «احوال‌النفس» نیزخوانده میشود وشیخ آنرا برای دوستی (ملك مجدالدوله وددری) درباره روان وماندن آن پس‌ازجدائی‌ازتن ودرباره رستاخیز نوشت. نخست‌ازشناخت روان ونیروها وکردارهای آن سپس از پایداری آن و از پیامبری وخواب راست ورستاخیز و پاداش و کیفر پس‌ازمرك گفتگو نمود درپایان میگوید: من تنها رازهای نهفته روانشناسی را دراینجا آوردم و بدانچه درگوشه دفترهای نهانی بوده‌است رهنمودم و برخوانندگان روانیست که این‌دفتررابکسانیکه شایستگی دریافت رمزها ندارند و ببدکاران نشان دهند و خدارا دراین باره داور خویش ساختم. بگفته قنواتی ش ۷۷ و ۲۰۱ بیشتراین رساله ازنجات است (۱).

آغاز: قال الشیخ الرئیس ابوعلی بن عبدالله‌بن سیناالبخاری جزاه‌الله خیرا: الحمدلله اهل کل حمد ... فهذه رساله عملتها باسم بعض‌الخلص من‌الاخوان مشتملة علی مخ مایؤدی الیه‌البرهان من امرالنفس.

انجام: ثم حرمت علی‌جمیع من‌یقرأهامن‌الاخوان (ان یبذلها) لنفس شریرة اومعاندة اوبطلعها علیها اویضعهافی‌غیرموضعهاوجعلت‌الله خصمه عنی وهو (المسئول) التوفیق ان‌ینعم‌به والحق ان یهدی‌الیه وله‌الحمدعلی کل حال‌وصلوته علی‌المصطفین من عباده و خصوصاً علی صاحب شریعتنا محمد وآله المقتدین وهو حسبنا ونعم — تم کتاب حال‌المعاد.

[٤٤١]

۸٦۱ این نسخه شماره ۹ دفتراست گ ۵۷ ب — ۷٦ الف. چهار نسخه ش۷۰۳ تا۷۰٦ درطوس هست.

[٤٤٢]

۱۰۳۷ این نسخه شماره ۷ دفتر وبخط تعلیق وبیاضی‌میباشدگ ۱٦۲ ب — ۱۳۸ الف. رساله دراین نسخه بعبارت «فان عرض فی بعض‌الاوقات ملال و کلال فذلك

۱— نیز نگاه به: بیهقی ٤٦و۱۸۸ وخزرجی ج ۲ ص ۵و۱۹ که از کتاب‌المعاد یاد کرده‌اند. قنواتی درش ۷۷ مینویسدکه دکتر اهوانی بچاپ این کتاب میپردازد.

لاستعانة العقل بالخیال المستعمل الالة التی تکل ولا تخدم العقل » برابر باس ۱۸ گ ٦٦ الف نسخه ۸٦۱/۹ درفصل ۷ پایان مییابد و برگهای میانه هم باهم نمیپیوندند وگویا افتادگی دارد .

[۳٥۸] **المعارف الالهیه** (عربی)

پیر زاده محمد رفیع شاگرد ملا رجبعلی تبریزی م ۱۰٦٥ دیری نزد استاد شبانه روز بسر برد تا اینکه او پیرشد ودیگر نمیتوانست چیزی بنویسد وبشاگرد دستور داد تادرطبیعی والهی نگارشی سازد او بدین کار پرداخت وپارهای را نوشت و باو نشان داد. استاد آنرا پسندید والمعارف الالهیه نامید . بخش یکم آن دارای دیباچهای است در منطق و مقدمات حکمت و سه مقاله (امور عام و خدا ـ کلی وجزئی ـ علتها ومعلول) بخش دوم در گوهرها وعرضها است که ننوشت. اودراینجا هستی را اعتباری نمیداند.

آغاز : بسمله و به ثقتی الحمدلله الذی لااله الاهو عالم الغیب والشهاده . . . الذی انحصرت الاوصاف عن کنه معرفته . . . فیقول . . . پیرزاده محمد رفیع انی لما وفقنی الله تعالی لخدمة . . . مولانا رجبعلی قدس الله سبحانه روحه وسره .

انجام : ولما استوفینا الکلام فی الجزء الاول من المعارف الالهیة . . . فیجب لنا ان نتکلم فی الجزء الثانی منها وهوالاعراض ثم الجوهر انشاءالله تعالی .

[٤٤۳]

۲۹۰ این نسخه شماره ۱ دفتراست و بخط تعلیق خوش باعنوانها درمتن وهامش بشنگرف ازابوصالح حسینی مشهدی درمدرسه فخریه سپاهان بسال ۱۰۹۸ گ ۱ ب ـ ۱٤۷ ب .

[۳٥۹] **معراج (رساله . . .)** (عربی)

امام فخرالدین تبرستانی رازی دراین نگارش ازمعراج گفتگو کرد ودرپنج فصل با نظمی بسیار نیکو مسئله را طرح نمود و دلیلهای دودسته را آورد و خود بمعراج جسمانی گرائید ودلیلها وگواهها وحکمتها و سودهای فراوانی برای چنین

معراجی یاد نمود وگاهی شعر پارسی برزبان راند (١) .

آغاز : باب فی المعراج وفیه فصول. الفصل الاول فی بیان امکانه. اعلم ان المعراج له مرتبتان معراج من مکة الی بیت المقدس ومعراج من بیت المقدس الی السموات .

انجام : لان المعنی ان ما هو المطلوب الاصلی یحصل فی الصلوة والمطلوب الاصلی هو القرب من الله تعالی .   ٥

[٤٤٤]

١٠٣٥ این نسخه شماره ١ دفتر است و بخط شکسته تعلیق با عنوانهای شنگرف ص ٨١–٨٨

[٣٦٠] معراج السلامه ومنهاج الکرامه (عربی)

نگارشی است از جمال الدین علی بحرانی (ص ١٨٠ این فهرست) درباره بود و هستی خداوند و بدرخواست یکی از شناختگان، گفتار یکی از دانشمندان روزگار خویش را درآن روشن میسازد . او هستی را مشترك معنوی و کلی مشکك میداند .   ١٠

آغاز : الهم یا وحدانی الذات ویا کمال الذات ویا متم الناقصات . . . وبعد فقد سألنی بعض الخواص الخلاص . . ان ابین قول بعض علماء الزمان . . . فیما یتعلق بوجود واجب الوجود .   ١٥

انجام : ولم یتسع الحال الی اظهار تلك الاسرار ولا لابراز تلك الاغوار وعلی الله قصد السبیل . . . ان آمنوا بربکم فامنا ربنا فاغفرلنا ذنوبنا وکفی .

---

١ — ابن تیمیه در نقض منطق (ص ٥٣) ورد برمنطقیان ص ٥٤٥ میگوید که امام رازی بپیروی از ابن سینا وعین القضاة همدانی حدیث معراج را در « تفسیر حدیث المعراج » چنان آورد که درهیچ یك از نگارشهای اسلامی نیامده وآنرا بسیار دراز با نامهائی شگفت انگیز و ترتیبی دیگر یاد نمود - اینگونه که او آررده است ساخته برخی از پرسندگان و کوی گردان یا دسته‌ای از اندرزگران اهریمن خوی یا گروهی از زندیقان میباشد. تازه رازی چنین حدیث را با سخنان صابیان گمراه وستاره شناس وفیلسوفان بیامیخت ورازی میدانست که نباید آنرا بهرکس گفت. دانشمندان ازاین نگارش درشگفت شدند وبرخی آنرا از رازی ندانستند تا اینکه دیگران نسخه خط یکی از بزرگان آشنای برازی را بدانها نشان داد. او این تفسیر را در « المطالب العالیه » که سخنان متکلمان وفیلسوفان را درآن آورد گنجاند .   ٢٠ ٢٥

[٤٤٥]

۱۰۲۲ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط نسخ آملی نزدیک ۷٦۱ گ ۸۵ الف – ۹۰ ب

[۳٦۱] معراجنامه (فارسی)

شیخ رئیس هنگامیکه نزد علاء الدوله میرفت درباره معراج باهم گفتگو
میکردند و این رساله را بدستور او و درخواست دوستان نوشت و در دیباچه درسه جا ۵
از وی بعبارت (خدمت عالی علائی – ذات شریف علاءالدوله – مجلس عالی) یاد
نمود. شیخ داستان معراج را بروش فلسفی حل نموده و این سخنان را بدو می‌سپرد
و میداند که با آشکار ساختن آن برای او، آزاری نخواهد دید. او نخست بروش
فیلسوفان از پیامبری سخن رانده سپس بمعراج می‌پردازد و آشکارا آنرا روحانی
وعقلی میداند (گ ۸۸ ب) نه جسمانی حسی و دلیل برای آن میآورد. آنگاه ۱۰
رمزهای آنرا تفسیر بباطن میکند و دستور میدهد که از نادانان دریغ دارند و گوهر
زیرپای خوگان نریزند پس از این خبر معراج را از گفته پیامبر بند ببند میآورد و
تأویل میکند درپایان نیز میگوید که «روا نیست این کلمات را بجاهل وعامی دادن»

آغاز: سپاس خداوند زمین و آسمان را، ستایش دهنده جانرا ... بهروقت
عزیزی از دوستان ما درمعنی معراج سؤالها میکرد و شرح آن برطریق معقول ۱۵
میخواست و من بحکم خطر محترز میبودم چون درینوقت بخدمت عالی علائی رسیدم
اینمعنی بروعرضه کردم موافق افتاد واجازت داد در آن خوض گردد.

انجام: که برخورداری ازین جز عاقلانرا نیست برمز این کلمات حقیقی.
ایزد تعالی توفیق راست گفتن وراست دانستن ارزانی دارد. تم

این رساله درچاپخانه عروةالوثقی در رشت بسال ۱۳۱۲ خ بچاپ رسید و با ۲۰
نسخه ما اندك اختلاف دارد.

سید داماد درصراط مستقیم این رساله را ازشیخ دانسته و عبارتی را آورد
(ش ۲۷۹/۱ گ ٤ الف) که‌در ص ۱۵ چاپی دیده میشود. قنواتی در ش ۲۸۵ از آن
یادنمود وشکی که ریو Rieu در بودن آن ازشیخ کرده وعلاءالدوله را مرشد دینی
پنداشته آورد. بیهقی وخزرجی یادی‌ازاین رساله نکردند. تنهاچلبی در کشف‌الظنون

ازآن یادنمود. دو نسخه‌ش۱۰۱۳ که کهنه‌است‌و ش۱۰۱٤درطوس‌هست (ج٤ص۲٤۸).

[٤٤٦]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق حیدر کرکی نزدیك ۱۰۷٦ با عنوانهای شنگرف و خبر معراج بفارسی و بشنگرف نوشته شده گ ۱۱۵ب – ۱۲۹ ب .

[٤٤۷]

۸٦۱ این نسخه شماره۱۱ دفتراست و بخط نسخ نزدیك۱۲۸۳ گ۸۳ب–۹٤ الف .

[۳٦۲] **معلقات تقویم‌الایمان** (عربی)

میرداماد برتقویم‌الایمان یاتصحیحات وتقویمات خودتعلیقهائی بدین‌نام نوشت
۱۰ واین را دردیباچه همین معلقات آشکاراگفت . درذریعه (ج ٤ ص ٣٦٤) میگوید که دامادديباچه‌ای بنام تقدمة تقویم‌الایمان وشرحی نیزبرآن تقدمه نگاشته‌است . دراین معلقات بندهائی از دیباچه تا عبارت (فی حدیث افتراق الامة) ازآغاز تقدمه کتاب تقویم‌الایمان را آورده وروشن ساخت سپس‌باثبات امامت علی (ع) پرداخت و بیشترکتاب درهمین است . درآن ازصراط مستقیم (گ ۷ ب) وخلسة‌الملکوت
۱۵ (٦۷ ب) و تعالیق فقهی او (۱۰۲ الف) و صحف حکمی او (٦۷ الف و ۸٦ ب) و کره وارسطوانه ارشمیدس ودرةالتاج شیرازی واز مؤیدالدین عرضی (۸٤) و از سلم‌السماء مهندس‌کاشانی (۸۵ الف و ۸٦ الف) درجائیکه خبری میاورد وتحقیق ریاضی میکند یاد میشود .

آغاز : بسمله والاستیفاق من العزیز العلیم والثقة بالعـلی العظیم الحمدلله
۲۰ رب‌العالمین . . . وبعدفاخلاءالحقیقة هذه معلقات علی کتاب تقویم‌الایمان وهو کتاب التصحیحات والتقویمات الذی فیه تسویة الفلسفة الایمانیة و تقویم الحکمة الیمانیة وتتمیم‌المعرفةالبرهانیه فی‌الشطرالربوبی .

[٤۸۸]

۳۷۲ این نسخه ازبرك ۳ تا برك ۱۰٤ الف این دفتر وشماره دوم‌آن است وشماره یکم آن تقویم‌الایمان میباشد و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف و حاشیه‌هائی ازمیرداماد درهامش هست‌که به (منه دام ظله‌العالی) یا (منه قدس سره) پایان

میابد ومیرساند که درروزگار او و پس‌ازاو نوشته شده است .

نسخه بانجام نمیرسد و پایان آنچه که هست این است : بثلث من غیرتوسط احد واستحسنه شیخنا الشهید از «تنبیه ماخطب اقوام من العلماء الجمهوریة یرون هذه الانوار ویروون هذه الاخبار »

۵ نسخه‌ای ازاین درطوس (ج ۱ ش ۱۱۰ ص ۳۷) هست . سیداحمد عاملی بر تقویم الایمان شرحی نوشت که دو نسخه درطوس (ج ۱ ش ۲۲۲ و ۲۲۳ ص ۹-۶۸) هست .

[۳۶۳] المفید للمستفید (فارسی)

این کتاب فلسفی که ازروی تنها نسخه کتابخانه سلطنتی درتهران بسال ۱۳۱۰ خ درچاپخانه ارمغان بچاپ رسید از باباافضل کاشانی دانسته شد .

۱۰ [۴۴۹]

۱۰۳۵ این نسخه در ص ۳۱۶ دفتراست و چنین است آغاز و انجام آن : « هومن امام محمد غزالی . باب دوم از کتاب مفیدالمستفید درشناختن جسم و جان بباید دانست . . . الا آن بود که صیاد را چون دام نماند صید نتواند کرد جز آنکه صید کرده است » برابر با ص ۲۷ تا س ۶ ص ۲۸ چاپی . سپس نویسنده

۱۵ میافزاید : «ومثالهای دیگر هست باختصار گراید» پیداست که نویسنده نسخه (نزدیك ۱۰۹۷) این کتابرا ازغزالی میدانست .

[۳۶۴-۳۷۲] مقالات اسکندر (عربی)

اسکندر افرودیسی دمشقی (زاده در افرودیسیاس که شهریست در کاری) فیلسوف سده‌دوم و آغازسده سوم‌از بهترین شارحان سخنان ارسطو میباشد وشاگرد

۲۰ هرمینوس و اریستوکاس بود . او با جالینوس (۱۳۱ ــ ۲۱۰) گفتگوها داشت ودرانجمنی که بنیاد گذارده بود بمردم فلسفه میآموخت .

بسیاری‌از نگارشهای‌او بتازی درآمد و خزرجی (ج۱ ص ۶۹) چهل و نه کتاب ازاونام میبرد . (۱) ازاو۹ گفتار دراین کتابخانه هست که اکنون یادمیگردد :

---

۱ ــ ابن‌ندیم ۱۵ گفتار وقفطی ۱۱ گفتار ازاسکندر یاد کردند ودردفتر ش ۷۹۴

۲۵ اسکوریال نزدیك به ۱۷ گفتار اوهست وبدوی درارسطو عندالعرب ده گفتار اورا بچاپ رساند وبسیاری ازنسخه‌ها که اکنون هست درفهرست خزرجی نیامده است (ص ۵۱ ــ ۶۱ دیباچه بدوی) درجنك شماره ۲۹۱۲ سپهسالار شماره‌های ۱و۳و۴و۵و۷و۸ این کتابخانه و ۵ مقاله دراینکه اضداد اوائل اشیاء است واینکه انسان گرامی‌ترین چیزی‌استکه نیروی خدائی جسم آنرا هستی می‌بخشد واینکه هیولی جز جسم‌است ودرباره جسم مکون ودرباره صوت دیده میشود .

١ـ مقالة فی اثبات الصور الروحانية التی لاهيولی لها .

اسکندر در این گفتار که ابوعثمان دمشقی آنرا بتازی در آورد روشن میسازد
که با بازگشت بخود وازروی خودآگاهی میتوان پی بتجرد روان برد وصورتهای
بی هیولی را با این دلیل ثابت میکند . عبارت « کل من راجع الی ذاته فهو
٥ روحانی » آغاز را صدرای شیرازی درمبدء ومعادخود ص ٢٠٨ پایه برهان حضوری
مباحث شیخ برای تجرد نفس دانست و آنرا گفته ارسطو در کتاب نفس پنداشت .
اسکندر در اینجا از برهان « کل عاقل مجرد و کل مجرد عاقل » گفتگو میکند و نامی
از ارسطو در آن نمیبرد ومانا از افلاطون بیشتر پیروی نموده است (دیباچه بدوی
ص ٥٤) .

١٠ **آغاز** : قال الاسکندر ان کل مارجع الی ذاته فهوروحانی غیرجرمی ولایمکن
شی من الجرمية ان يرجع الی ذاته .

انجام : وهی صور فقط ليس فيهـا شیء من الهيولی . تمت مقالة الاسکندر
الافروديسی فی اثبات الصور الروحانية التی لاهيولی لها والحمدلله علی ذلك .

[٤٥٠]

این نسخه شماره ٧ دفتراست وبخط تعلیق ازروی نسخه تاریخ ١٢٦٦ ص ١ـ٤

٣٨٤ این گفتار درارسطوعندالعرب ص٢ـ٢٩١ بچاپ رسید و نسخهٔ آن دراسکوریال
٧٩٤/٩ هست (دیباچه بدوی ص ٥٦) و خزرجی ص ٧١ ج ١ ازآن یاد نمود
ودرهمه اینهاچنین نامیده شده است : « مقالة فی اثبات الصور الروحانية التی لاهيولی لها »

٢ـ مقالة فی تثبيت العلة الاولی .

٢٠ اسکندر دراین گفتار روشن ساخت که نخستین علت یگانه و یکتا است .

آغاز : بسمله . قول استخرجه الاسکندر من کتاب اثولوجيـاء الربوبية فی
تثبيت العلة الاولی . قال ان کل کثرة الواحد موجود فيها لامحالة .

انجام : فقداستبان الان وصح ان العلة الاولی هی واحدة فقط وان سائر الاشياء
بما هی واحدة من اجل . . . (دو کلمه بریده شده) لامن ذاتها لانها فی ذاتها کثيرة .

٢٥ کمل القول . تمت بعون الله تعالی .

[٤٥١]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۹ دفتر است و بخط تعلیق گ ۸٦ الف .

خزرجی درپایان ص ۷۰ ج ۱ از «مقالة فیما استخرجه من کتاب ارسطوطالیس الذی یدعی بالرومیة ثولوجیا و معناه الکلام فی توحیدالله تعالی» یاد نمود و در نسخه ش ۷۹٤/۲۲ اسکوریال «کتاب فی التوحید» آمده و چنین گفتاریرا هم ژرارد کریمونی بلاتینی نمود که آنرا دو بخش میتوان کرد وازاسکندرو کندی هردو دانسته شده (نسخه ش ٦٤۷۳ لاتینی پاریس و ش Angelica H lo n . II دررم - ص ۵۸ دیباچه بدوی) باید دید که نسخه ما همان است یا نه .

۳- مقالة فی الزمان .

خزرجی (ج ۱ ص ۷۰) ازاین گفتار یاد نمود وژراد کریمونا آنرا بلاتینی درآورد (۱) .

آغاز : بسمله وحمد وصلوة (دو سطر سفید است) قال انه کما ان العسرة من اقاویل من خلفنا من المکان هوقول من زعم انه ذو ثلثة ابعاد فکذلك العسرة المل (؟) هوقول من زعم فی الزمان انه لیس الفلك ولاحرکته ولاعلة حرکة الفلك .

انجام : فاما فی نفسه فهو واحد دائم متصل علی حال واحدة - تمت مقالة الاسکندر فی الزمان بحمدالله وعونه وصلوته علی محمد و آله وسلم .

[٤٥۲]

٤۲۵ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط عباس حکمت با مقابله جناب آقای مشکوة بتاریخ ۱۳۱٦/۲/۸ خ درروبه برگها - گ ۱ الف - ۲۵ الف - نسخه‌ای ازاین دراسکوریال ۷۹٤/۱۹ هست .

(همه دفتر ۱۲۱ گ) - کاغذ فرنگی - جلد مقوا

اندازه : قر۱۰×۱٦ و ۹×۱۲ س ۷

٤- مقالة فی العقل علی رای ارسطوطالیس .

---

۱ - دکتر بدوی درص ۵۷ دیباچه ارسطوعندالعرب میگوید که بیرونی در «هند» (ترجمه انگلیسی ج ۱ ص ۳۲۰) ازآن یاد نمود . ولی درمتن تازی آن ص ۱٦۳ سخنی از اسکندر آمده که دراین مقاله نیست و یادی ازاین مقاله هم نمیشود .

ارسطو در فصل ٥ دفتر ۳ کتاب نفس (بند ٤۳۰ الف س ۱۰-۱۹) از عقل هیولانی ومنفعل وفاعل وفعال یادنمود (۱) و نیز درفصل ۸ دفتر لام الهی ازخردهای آسمانها گفتگو نمود. اسکندر کتابی در نفس بنام «پری پسوخس» نگاشته است وبخشی از آن بنام «De intellctu et intellcecto» ازتازی بنام «فی العقل

والمعقول» بلاتینی درآمد. این متن تازی در دسترس آلبینوناژی و ا. ژیلسون E. Gilson وابوریده چاپ کنندرسائل کندی نبوده وآنها نتوانستند در باره ریشه ٥

مبحث چهار عقل فیلسوفان خاوری درست سخن برانند. اسکندر در این رساله که ترجمه تازی آنرا می نگریم وبا ترجمه لاتینی نیز تااندازه‌ای برابراست عقل را سه بخش میکند هیولانی وبالملکه وفعال وماناميخواهد سخن ارسطورا تفسیر کند اودراینجا

۱۰ عقل فعال‌را خارج ازنفس والهی نشان‌میدهد. دراین‌متن هیچ‌یادی‌ازاریستوکلس Aristocles استاد او که Gilson ازروی ترجمه‌لاتینی یادمیکند ومیگوید که اسکندر بخشهای‌سه گانه‌عقل‌را ازاو گرفته‌است نمیشود وهمه‌سخنان او درپیرامون گفتار ارسطو است. شاید کلمه اریستوکلس در ترجمه لاتینی تحریف کلمه ۱٥ (ارسطاطالیس) باشد ومترجمان‌لاتینی ازتازی ازاینگونه تحریفها بسیارداشتند.

این‌ترجمه تازی ازاسحق‌بن حنین‌است. درابن‌ندیم ص ۳٥٤ کتاب‌الفصل (؟) علی رای ارسطالیس و کتاب‌النفس مقالة ودر خزرجی ج ۱ ص ۷۰ مقالة فی‌العقل علی رای ارسطوطالیس و نیز کتاب‌النفس مقالة یاد شد.

چندین‌نسخه ازاین‌ترجمه تازی درتهران هست دردفترشماره۲۹۱۲کتابخانه ۲۰ مدرسه سپهسالار (برگهای ۱۷۹-۱۸۱) که نسخه کاملی است و از آن پیداستکه

---

۱ — دیده شود: ترجمه فرانسوی تریکو ازاین کتاب نفس ص ۱۸۱ چاپ پاریس بسال ۱۹٤۳ و ترجمه تازی آن از اهوانی و قنواتی ص ۱۱۲ چاپ مصر بسال ۱۹٤۹ و دیباچه ابوریده بررساله (عقل کندی) دررسائل‌فلسفی کندی‌چاپ مصر بسال ۱۹٥۰ ص ۷-۳۳٤ که این بند را از یونانی بتازی درآورد و ترجمه پارسی باباافضل کاشی از ترجمه گزیده ۲٥ حنین‌بن اسحاق ازکتاب نفس ارسطوچاپ تهران بسال ۱۳۱٦ خ ص ٥٥.

دو نسخه‌ها ازمیان‌افتاده‌دارد دیگردردفترشماره ۶۳۴۸/۹۰۱۴ کتابخانه مجلس شورای ملی تهران (ج ۲ فهرست آنجا ص ۳۹۶) ۳- دردفتر شماره ۱۳۶۷ (رساله ۱۰) همان کتابخانه از کتابهای بخشیده آقای طباطبائی . در طوس هم نسخه بشماره ۱۰۲۴ (ج ٤ ص ۲۵۲) هست. چنانکه عبدالرحمن بدوی دردیباچه ارسطو عندالعرب ؟! ص ۵۷ دیباچه می‌نویسد درکتابخانه اسکوریال اندلس (فهرست کاسیری Casiri ۲٤۲:۱)دردفترشماره ۷۹٤/۱۳رساله‌ای بنام(مقالة فی العقل علی رای ارسطوطالیس میباشدکه اسحق‌بن حنین آنرا ترجمه‌کرد وتعلیقی‌ای هم خودبر آن نوشت.

صدرالدین شیرازی این‌رساله اسکندررا بهمان اندازه‌ای کەدرنسخه‌ماهست دراسفارخویش درفصل ۲٤ طرف ۱ مرحله ۱۰ (ج ۱ چاپ ۱۲۲۲ ایران ۱۱ برك مانده بپایان) آورد (۱) .

سخن دراین است که دانشمندان خاوری ازکجا ببخشهای چهارگانه عقل پی بردند بااینکه اسکندرسه بخش بیشترنیاورد . اگر بسخن ارسطودرست بنگریم خواهیم دیدکه ریشه سخنان آنها همان گفته او است و این فیلسوف درهمان بند یادشده ازکتاب نفس گرچه‌بکوتاهی‌پرداخت ولی شالوده این‌بخشهای چهارگانه را ریخته است .

۱ــ کندی بغدادی دررساله عقل خویش آنرا برخلاف اسکندرچهارگونه دانست . فارابی دررساله عقل‌نیزآنرا بچهاربخش نمود . شیخ رئیس درنفس شفا (فصل ۵و۶مقاله ۵ ص ۳۵۶-۳۶۱ چاپ تهران) ودرفصل ۲ رساله نفس عربی (برگهای ۱٤۹--۱۵۲ نسخه شماره ۱۰۳۷ دانشگاه) ودرمبدء و معاد (فصل ٤ مقاله ۳ دربرك ٤٦ نسخه شماره ۸۶۱ دانشگاه) ودراشارات نمط ۳ بند ۱۱ که درآن مانند اثبات‌النبوه ٤ عقل را بایه نورتاویل نمود ودرنجات ص ۱۶۸ — ۱۹۳ نیز ازبخشهای عقل گفتگونمود وازسخنان اوچنین برمیآید که اگرنفس چیزی را درنیابد عقل هیولانی و اگر معقولات نخستین را بداند عقل بملکه واگر معقولات دوم را دریابد و بدان ننگرد عقل بفعل واگر بدانها بنگرد مستفاد نامیده میشود وعقل فعال‌آنست‌که آنرا ازقوت بفعل رساند .

ابن‌رشد اندلسی درکتاب نفس (ص ۷۹—۸۶ چاپ هند بسال ۱۳۶۶) بعقل مستفاد اسکندر اشاره کرده ازدرجات عقل یاد نمود وهمچنین درکتاب حس ومحسوس خود . متن عربی عقل ومعقول ابن رشد دراسکوریال بشماره ۸۷۹ هست (لطفی جمعه ص ۱۵۰) .

ابوالفرج‌بن‌الطیب دررساله کوتاه خود (نسخه‌شماره۲۵۳ این کتابخانه‌برك ۱۰۲ب) هم ازبخشهای عقل یاد نموده است .

آغاز : مقالة الاسکندرالافریدوسی فی‌العقل علی رای‌الحکیم ارسطوطالیس ترجمه اسحق‌بن حنین . العقل عند ارسطوطالیس علی ثلثة اضرب .

انجام : ولایکتسب لانه کذلك کان لماصارفینا- تمت‌المقالة بعون‌الله وحسن توفیقه والحمدلله رب‌العالمین (۱) .

۵ [٤٥٣]

۲۵۳ این نسخه شماره ۹ دفتری است که دارای۲۲ رساله میباشد وبخط نستعلیق ریز از برك ۸۰ (ب) تا برك ۸۱ (ب) میباشد و بخط حیدر بن علی بن اسمعیل بن عبدالعالی هاشمی کرکی عاملی که این دفتر را بسال ۱۰۷۵ و ۱۰۷٦ نوشته است :

۱۰ [٤٥٤]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۰ دفتر است و درگ ۷۵ نوشته شده و بخط شکسته تعلیق است.

نسخه‌ای ازاین گفتار در اسکوریال (ش ۷۹٤/۱۳ - دیباچه ارسطو عندالعرب ص ۵۷) و مجلس (ش ٦۳٤/۸) هست .

۱۵ ۵- مقالة فی ان‌القوةالواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد .

دراین گفتار که‌ابی عثمان‌دمشقی آن راترجمه‌نمودرأی‌ارسطودراینکه‌یك‌نیرو چند ضد را شاید بپذیرد روشن میگردد .

آغاز بسمله . مقالة الاسکندر فی ان القوه الواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد جمیعا علی رأی ارسطو . قال الاسکندران ارسطو ذکرفی‌کتابه فی‌الکون ۲۰ والفساد ان القوه الواحدة یمکن ان یکون قابلة للاضداد جمیعا . فنرید ان نلخص قوله ونبینه ونوضحه فنقول .

انجام : وصح ان القوة القابلة للاضداد لیست متضادة لانها یمکن ان یکون

۱- چنانکه یاد شد هردونسخه این‌کتابخانه ازمیان افتاده دارد ودرنسخه سپهسالار نزدیك بدوصفحه ازقطع بزرك می‌بینیم که دراین دونسخه نیست واین افتادگی دربحث از ۲۵ عقل سوم میان دوعبارت (والمعلوم‌الذی بالفعل انماهو) و(فی‌الکل وهذاالعقل امان یکون هووحده) میباشد. شگفت اینست که این افتادگی درنسخه‌چاپ شده دراسفارهم هست .

معا . تمت المقاله .

[٤٥٥]

۳۸٤ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق نو نویس از روی نسخه تاریخ ۱۲٦٦ ص۱ــ۲ــ بدوی این گفتار را درارسطو عندالعرب ص ٥ــ۲۸٤ بچاپ رساند و نسخهٔ آن دراسکوریال ش ۷۹٤/۱٦ هست (ص ٥۷ دیباچه بدوی) ٥
وخزرجی نیز در س ۸ از پائین ص ۷۰ ج ۱ ازآن یاد نمود .

٦ــ مقالة فی المادة والعدم والممکن .

دراین گفتار از پیدایش چیزها گفتگو میشود .

آغاز : بسمله . مقالة الاسکندر فی المادة والعدم والکون وحل مسئلة اناس من القدما ابطلو بها الکون من کتاب ارسطاطالیس فی سمع الکیان . قال ان الحکیم ۱۰
ذکر فی کتابه المسمی السماع الطبیعی فی آخر المقالة الاولی ان اناسا من القدماء ابطلو الکون لشك اتوبه : وهو ان قالوا ان کل متکون اما ان یکون من شی واما ان یکون من لاشیء .

انجام : فقد استبان وظهر کیف یکون المکون وای شیء الهیولی و ای شیء (الکون) وان الکون یکون منها اضطرارا علی ماقاله الحکیم . تمت بعون الله تعالی . ۱٥

[٤٥٦]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۷ دفتر وبخط تعلیق گ ۸٤ الف و ب میباشد . خزرجی ازهمین گفتار یادنمود (ج ۱ ص ۷۰ س ازپائین) ونسخهٔ آن دراسکوریال ش ۷۹٤/۱۱ هست .

۷ــ مقالة فی القول فی المبادی الکل علی رأی ارسطوطالیس . ۲۰

این گفتار را یکبار حنین بن اسحق از یونانی بسریانی و ابراهیم بن عبدالله ترسای نویسنده نیمه نخستین سده چهارم از سریانی بتازی درآورد و آن از روی نسخه تاریخ ۸٥٥ از روی خط توما درارسطو عندالعرب بچاپ رسید . باره دیگر سعیدبن یعقوب دمشقی گزیده‌ای ازآن را بتازی کرد و بگواهی دو نسخه ما آنرا بپایان نرساند . ۲٥

اسکندر دراین گفتار ازجنبش وتعقل سخن میراند و روشن میسازدکه دانا

ودانسته یکی هستند (ص ۲٦۹) چاپی) و درپایان از نظم و خداوند جهان و علت اختلاف رایها یادمیکند درچند جا سخنان خویش راگرفته ازارسطو نشان میدهد.

[٤٥۷]

۲٥۳ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق کرکی گ ۸۲ ب ـ ۸٦ الف وچنین است:

«قال لما تاملت الفحص الذی مخرجه مخرج التوبیخ الجمیل وقعت من التوبیخ اللطیف الموقع منی علی الفحص الکائن عما کتب الیك فیما التمسته منی و انت بمعرفة ماسئلت عنه من ذلك لیس بدون احد من الناس لم انکاسل عن اظهار اعتقادی فیها لك عند مسئلتك ایای ذلك و مثلت القول فی المبادی الاول علی رای ارسطالیس ـ والافقد

۱۰ یجوز ان یکون حرکة المحرك التی یتحرکها المتحرك حرکة ازلیة فاما ای صنف من اصناف حرکة یتحرك عنه الجسم المستدیر و لم صارت اختیارات اصناف حرکة الجسم المستدیر فهل لتلك الاجسام بالجملة اختیار تام او معرفة بالاشیاء التی یتکون فی المواضع التی دون القمر بسبب حرکتها ام لا فالاقاویل التی یمکن ان یقال فی هذه الاشیاء کثیرة. هذا آخر ما وجد (من) هذه المقالة من نقل سعید بن یعقوب الدمشقی. والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی نبیه محمد و آله اجمعین تم»

۱۵ برابر باس ۱۸ ص ۲٦۰ چاپی. این نسخه ترجمه ابوعثمان سعید بن یعقوب دمشقی است که ازمترجمان خوب بغداد بودو بیمارستانهای بغداد ومکه مدینه را بسال ۳۰۲ دردست داشت وچندین کتاب پزشکی وفلسفی ومنطقی ترجمه کرد (ارسطوعندالعرب دیباچه ص۵۲ ـ خزرجی ج ۱ ص ۲۳٤) نسخه‌ای ازاین ترجمه درمجلس (ش $\frac{٦٣٤٫٩}{٩٠١٤}$ ص ۳۹٦ ج ۲) و طوس (ش ۱۰۲۸ ص ۲٥٤ ج ٤) هست و نسخه اسکوریال ش ۷۹٤/۱۲ را پیدا نیست کی

۲۰ ترجمه کرده است (بدوی دیباچه ص ۵۷).

[٤٥۸]

۳۳۹ این نسخه نیز ترجمه سعید است وشماره ۲۱ دفترو بخط تعلیق شکسته گ ۷٥ ب ۷۸ الف ومانند شماره بالاوعنوان آن چنین است: «مقالة الاسکندر الافرودیسی فی القول فی مبادی الکل بحسب رای ارسطوطالیس الفیلسوف».

۲٥ [٤٥۹]

٤۳٤ این نسخه ترجمه ابراهیم است بخط تعلیق تازه ودر رویه ۳۸ برگ نوشته شده وچنین آغازمیشود: «انی لما تاملت الفحص الذی مخرجه مخرج التوبیخ الجمیل عن الاشیاء التی کنت کتبت الیك جوابا عما سألت اذکانت معرفتك بصعوبة الامر»

برابر با آغاز چاپ بدوی ص ۲۵۳ و بدین عبارت « وهذا هوالسبب فی بقائها وثباتها و لزومها للموضع الذی یخصها وان من الاشیاء التی فیها ماهو فاعل » برابر با س ۸ ص ۲۷٤ چاپی میانجامد و نزدیك بچهار صفحه آنرا ندارد. عنوان آن مانند بالا است.

(۳۸ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد : با شماره ۴۲۲ یکجا تازه جلد شده.
اندازه : ۱۸ × ۵ر۲۲ و ۱۴×۱٦ س ۹

۸ـ مقالة فی ان النشوء والنماء یکونان فی الصورة لافی الهیولی.

اسکندر در این گفتار که ابی عثمان دمشقی بتازی در آورد خرده گیری را که از ارسطو کرده اند رد میکند و روشن میسازد که صورت میروید و می بالد نه هیولی.

آغاز : قال الاسکندر ان ارسطوطالیس ذکر فی کتاب الکون والفساد ان النشو والنما یکونان فی الصورة لافی الهیولی. ۱۰

انجام : فقد اتضح قول الفیلسوف ان النشو یکون فی الصورة لافی العنصر تمت المقالة بعون الله تعالی وحسبنا الله ونعم الوکیل.

[٤٦٠]

۳۸٤ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق نونویس ازروی نسخه تاریخ ۱۲٦٦ نوشته شده ص ۱ ــ ۲ ـ نسخه ای از آن در اسکوریال ۱۰ / ۷۹٤ وچهار نسخه از ترجمه لاتینی آن در پاریس وکامبریج هست (دیباچه بدوی ص ۵٦). ۱۵

۹ـ مقالة فی الهیولی وانها معلولة ومفعولة.

دراین نگارش روشن میشود که هیولی علت نیست ومعلول است.

آغاز : قال الاسکندر ان کل کائن بالقوة انما یکون بالفعل من آخر هو بالفعل. ۲۰

انجام : واستبان ان الهیولی الاولی معلولة مفعولة فانها قابلة للصور بلا حرکة

[٤٦١]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۳ دفتر است و بخط تعلیق گ ٦۹ ب. نسخه‌ای از این دراسکوریال ش ۱۵/ ۷۹٤ هست (بدوی دیباچه ص ۵۷) و خزرجی (ج ۱ ص ۷۰ س ۲۵) هم از آن یاد نمود وعنوان آن دراین دو چنین است : « مقالة فی الهیولی وانها معلوله مفعولة» ولی در نسخه ما عنوان چنین است : « مقالة الاسکندر الافریدوسی فی الهیولی وانها مفعولة » ۲۵

از ابوسلیمان محمدبن طاهر فرزند بهرام سگزی (١) فیلسوف منطقی سده چهارم سه گفتار دراین کتابخانه هست .

١ــ مقالة فی ان الاجرام العلویه ذوات النفس الناطقه .

٥ سگزی دراین گفتار روشن میسازد که جرمهای آسمانی جاندار و زنده‌اند .

آغاز : بسمله وبه نستعین . لماکان کل جسم طبیعی له حرکة ذاتیه نحوشیء یخصه دون غیره واعنی بقولی طبیعی ما له سبب من ذاته یحرکه نحو الشیء الخاص به .

انجام : ورجع فی معرفة ذلك الی علم الهیئة ویحکم علیها بحسب ماحکمت به الارصاد الصحیحة . قال ابوسلیمن هذا ماحضرلی من القول فی هذا المعنی بحسب

١٠ قوتی وارجوان یکون ینفعنا انشاءالله تعالی وتقدس. تمت المقالة .

[٤٦٢]

٢٧٣ این نسخه شماره ١١ دفتراست بخط تعلیق کرکی گ ٨٦ ب ــ ٨٨ الف .

٢ــ مقالة فی الکمال الخاص بنوع الانسان .

این گفتار را سگزی برای عضدالدوله دیلمی درباره کمال ویژه مردمی نگاشته

١٥ ودرپایان ازوی نام‌برد . در آن ازیعقوبیان ونسطوریان وملکائیان وغالیان وحلولیان وصوفیان وثنویان ومتکلمان وفیلسوفان یاد میشود .

آغاز : مقالة ابی سلیمن محمدبن طاهربن بهرام السجزی فی الکمال الخاص بنوع الانسان . و لما کان الغرض فی هذه الرسالة الابانة عن الکمال الخاص بنوع الانسان ووصف الشخص الذی ظهر فیه جدا منبع ذلك الکمال من هذا الزمان لیتبین مولانا الملك ادام الله دولته وعلوه و اید سلطانه واحتج فی ذلك .

٢٠ [٤٦٣]

این نسخه شماره ١٦ دفتراست و بخط تعلیق کرکی ع١ سال ١٠٧٦ گ ٩٧ب

٢٧٤ ١٠٢ الف. پایان آن در گ ١٠١ ب چنین است : « فبین الحق من المبطل آمنة من ان (ینظر) احد علی احد بلسان العصبیة فی الادیان فالحمدالله الذی احطانا

---

١ ــ برای سرگذشت سگزی بنگرید به رساله شادروان قزوینی چاپ فرانسه در ١٣٥٢

٢٥ که ده گفتار ازسگزی در ص ٢٧ و ٢٨ برشمرده نیز ش ٢٤ ١٠ ص ٢٥٢ ج ٤ فهرست طوس و ش ١٠ ر ٦٣٤ ص ٣٩٦ ج ٢ فهرست مجلس .

بما جرم به سوانامن عایر» درگ ۱۰۲ الف هفت سطردارد وچنین است : «اذااخذت فی‌الوهم مجردة ... فهذا ماعندی فیماسئلت وآثرت معرفته من حق وارجو ان یکون کافیا انشاالله تعالی وتقدس والحمدلله واهب‌العقل والصلوة ... الطاهرین . تم » رابطه صفحات میرساند که چندبرگی باید افناده باشد وگویا این عبارت اخیر پایان گفتار سگزی‌است آغاز آن در نسخه ش۱۲/۶۳۴ مجلس(ص۳۹۶ج۲) چنین است : «الحمدلله فالق صبح ظلمة‌العدم بضیاء وجودالوجود » . ۵

۳ـ مقالة فی‌المحرك الاول .

سگزی در آن از نخستین جنباننده از رهگذرطبیعی والهی سخن راند .

آغاز: بسمله‌وبه‌نستعین. ان اولی‌البحوث‌عن‌المحرك الاول ما ارتبط الکلام فی‌النظرالطبیعی فیه بالنظر فیما بعدالطبیعه

انجام: ولم یکن‌المحرك‌الاول‌الذی هوالشایق فی‌المحیط و هذاالمقدارمن الکلام کاف فیمااردنابیانه . تمت‌المقالة والحمدلله رب‌العالمین تم (تمت‌بعونه تعالی) ۱۰

سگزی در آن‌ازمقاله دوم سماع طبیعی‌ارسطوعبارتی آورد ونیز گفته‌استکه پیشینیان سخن درباره ذاتها و حالها را با مقائیس و دستورهائی که درستی آنها را روشن میسازند بیامیختند ولی ارسطومقیاس ودستوروقانون راکه معقول ومظنون ومطبوع و موضوع را فراگیرد از مواد فلسفی جداکرد و فلسفه منطقی آورد که سخنان‌برهانی‌وجدلی‌وجزایندوراکه‌درتحقیق وتصدیق‌نیازبدانهاهست فرامیگیرد. ۱۵

[٤٦٤]

۲۵۳ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق کرکی گ ۸۸ ب ـ ۹۰ الف نسخه‌ای ازاین درمجلس (ش ۱۱/٦۳٤ ص ۳۹٦ ج ۲) هست .

[٤٦٥] ۲۰

۳۳۹ این نسخه شماره۲۲ دفتراست وبخط شکسته تعلیق گ ۷۸ الف ـ ۷۹ الف

[۳۷٦] مقالة فی‌الآثار المتخیلة فی‌الجو (عربی)

ابن‌الخمار ابوالخیر حسن بن سوار بن بابابن بهنام یا بهرام فیلسوف ایرانی (۳۳۱ـ میان ٤۰۸و٤۲۱) دراین گفتارازهاله‌وقوس وقزح وقضبان وشموس ومانند اینهاکاوش نموده وروشن کردکه از بخار دخانی نیستند بلکه از بخار آبی و خیال ۲۵

بصری صرف هستندچنانکه‌ارسطووسقولاوس‌واولومقووروس(؟)یاد کرده‌اند. گرچه
اسکندر آنهارا امری موجود پنداشت . میگوید نام هاله دریونانی وسریانی ازگرد
گرفته شده است . السوس بیونانی و حوعرسه بحمها بسریانی) از ثاوفرسطس نیز
یادمیکند (درپایان کتاب نوید میدهد که درفصل دوم نص سخن ارسطورا ازسریانی
٥ بعربی ترجمه کرده بیاورد و چنین کاری را نکرد . خزرجی ازوی « مقالة فی الاثار
المخیلة فی الجو الحادثة عن البخار المائی وهی الهالة والقوس والضباب علی طریق
المسألة والجواب » یاد میکند ولی این رساله بروش پرسش و پاسخ نیست .

آغاز : بسمله وبه نستعین ـ ابوالخیرحسن سوار . لماکانت جمیع الامورالتی
لها علل مبادی انما یعرف حساوعلی مایجب بعدالعلم بمبادیها و عللها و کانت الهالة
١٠ وقوس قزح والاثارالتی یظهرمن الجو کالقضبان والشموس .

انجام : فهذا مبلغ مانقوله فی هذاالفصل من هذه‌المقالة ونحن نورد بعدذلك
فی الفصل الثانی منها نص کلام ارسطاطالیس بعد ان ننقل من اللغة السریانیة الی اللغة
العربیة نقلایتوخی به تادیة المعنی وحفظه بعون الله وحسن توفیقه‌ومشیته. والحمدلله
رب العالمین وصلوته علی‌سیدنا محمد وآله الطیبین الطاهرین. تم .

١٥ [٤٦٦]

٢٥٣ این نسخه شماره ١ دفتر وبخط تعلیق با عنوانهای شنگرف از کرکی بسالهای
١٠٧٥ و ١٠٧٦ میباشد گـ ٢ ب ـ ١٣ ب. در مجلس نسخه‌ای ازاین بشماره
٦٣٤/١٨ (ج ٢ ص ٣٩٧) هست .

[٣٧٧] ملائکه (رساله...) (عربی)

٢٠ این رساله ازشیخ رئیس میباشد ودرباره فرشتگان نگاشته ونیایش ماننداست .

آغاز : الحمدلله الذی انشانورامحجوبا الاح له جلیته قبل کل شیء

انجام : ان الله هوالجبار ذوالبأس والرحمة من الله غیره فقد سه وکبره و توکل
علیه واستسلم له استسلاما .

[٤٦٧]

این نسخه شماره ۹ دفتر است و بخط تعلیق ودرپایان دارد : « تمت الرساله
۱۰۷۹ فی منتصف محرم لسنة ... » ص۲۱–۲۳ ـ قنواتی در ش۲۰۳ این رساله را
شناساند .

[۳۷۸] ملخص (عربی) ۵

کتابی است درمنطق بروش متأخران وفلسفه آمیخته ازطبیعی والهی بروش
متکلمان ازابن الخطیب امام فخرالدین ابوعبدالله محمدبن عمربن الحسین تبرستانی
رازی حکیم متکلم اشعری شافعی (٥٤٤ ـ ٦٠٦) که از هوشمندان و زیرکان
دانشمندان خاور بشمار است وی در تشکیك و جدال سرآمد روزگار خود بود
تا اندازه که گفته‌اند اوشبهه را نقد میآورد ولی درحل آن بنسیه می‌پردازد ومانند ۱۰
اودرتشکیك کسی نیامده ودربیشتراصول مسلم فلسفی شك کرده وفیلسوفان دیگر
مانند خواجه طوسی و میرداماد وصدرای شیرازی بپاسخ شبهات اومی پرداختند .
قطب رازی در شرح مطالع ببسیاری از شکوك او که درهمین ملخص و درمحصل
آمده پاسخ داده است وازبهترین نوشته های فلسفی وی (المباحث المشرقیه) است
وصدرای شیرازی درنگارش اسفار از آن بسیار بهره برد . ۱۵

دراین ملخص بسیاری ازشکوکی که قطب رازی ازوی دانست دیده میشود
مانند : قضیهٔ که محمول آن مشتق یا فعل است ثلاثی میباشد ونیازی برابطه ندارد
(برك۱۷ الف این نسخه) ـ سالبه دائم عکس ندارد (برك۳۰) ـ قیاس منتج نیست
(٤١ـ٤٢ـ٦٢) ـ مبادی برهان مخدوش هستند (٦٢ تا ٦٤) که همه اینها درشرح
مطالع آمده وازملخص دانسته شد . ۲۰

فخررازی دراین کتاب از (نهایة) خود (٦٤ ب) و « المعتبر » ابی البرکات
بغدادی م ٥٤٧ (١٦ الف) یادمیکند و میگوید شبهات درباره مبادی برهان را در
(نهایة) با طناب آورده‌ایم و پاسخ گفته‌ایم و باز میگوید اینها شبهات سوفسطائیان
است. در پایان منطق نوید نوشتن کتاب مفصلی در آن میدهد . درمنطق از مباحث
الفاظ آغازمیکند وبکلیات میرسد سپس بخش دوم جمله ۱ که مقاصد باشد میآید ۲۵

وآن حدورسم است ودراینجا ازشك مانن Menon یادمی کند وآنرادرتصدیق حل پذیر میداند ولی در تصور راه حلی برای آن نمی‌بیند سپس شکهائی بتعریف میکند و جمله ۲ آن سه باب است (قضایا ـ قیاس ـ برهان) دراینجا هم بمنطق ارسطو بسیارمیتازد وشکهائی که درباره مبادی برهان درپایان منطق ملخص وآغاز محصل آورده تازگی دارد . بخش حکمت ملخص چند دفتر است (امور عامه ـ جواهر واعراض و نفس . . .) وشبهاتی هم میآورد . (۱)

[٤٦٨]

۲۵٦

این نسخه دارای همه ملخص نیست وآغاز وانجام را ندارد وآنچه درآن هست بدینگونه است :

آغاز : فهو محال لان الغرض من اطلاق الالفاظ افهام المعانی فاذالم یحصل ذلك لم یكن اللفظ مفیدا . الثالث مباحث المفرد والمؤلف .

انجام : ثم لایخلوا اماان یكون مطلوب الفلك من حركته افادة الكمال او استفادته والاول باطل لان المستعد به لتلك الاولویة (دلیل هفتم دراثبات عقل از فن ۳ درعقل دردنبال مباحث نفس) خط نسخه نسخ وکهنه و بی‌نقطه است و منطق آن از ۱ الف تا ٦٤ ب وفلسفه از ٦٥ الف تا ۲٤۷ ب است .

(۲۴۷ برك) کاغذ ترمه سمرقندی ـ جلد مقوا ته میشن

اندازه : ۱۴×۱۸ و ۱۱×۱۵ س ۲۵

---

۱ ـ ازملخص نسخه‌ای بشماره ۸۲۷ در کتابخانه مجلس شورای ملی تهران (از کتابهای طباطبائی) هست و بروکلمن درتاریخ وفهرست خویش (ج ۱ تاریخ $\frac{٦٦٨}{٥٠٧}$ و ج ۱ پیوست ۹۲۳) مینویسد که نسخه‌هائی ازآن درموزه بریتانیا و برلین و لیدن و بودلیان اکسفورد واسلامبول ودیگرجاها هست .

دبیران قزوینی م ٦۷۵ برملخص شرحی کلان نوشته و منصص نامید و این شرح را اندك اندك نگاشته و بازبدان نگریسته و پاکیزه‌اش ساخت ودردوشنبه ۲۸ شعبان سال ٦۷۱ بپایان رساند و بوزیر شمس‌الدین محمد جوینی ارمغان داد و نسخه‌ای ازمنصص که ۱۸ سال پس‌از مرك دبیران درآدینه یکم ج ۲ سال ٦۹۳ نوشته شده درکتابخانه آستانه طوس هست (فهرست آنجا ج ٤ ص ۲٦۰ شماره ۱۰٤۱ و فهرست مدرسه فاضلیه ص ۲۵ ش ٤۷) و بروکلمن میگوید که منصص درلیدن و دیگر جاهاهست (همانجا) و نسخه‌ای ازآن بشماره ۸۵٦ درمجلس (کتابهای طباطبائی) هست . نجم‌الدین محمدبن‌اللبودی دمشقی (م ٦۲۱) ملخص را اختصار وشرح کرد و ابهری برآن حاشیه نوشت . فخر رازی کتاب دیگری دارد بنام (المنطق الکبیر) که درملخص بدان اشاره نمودو بگفته بروکلمن نسخه ای ازآن دربرلین هست.

[۳۷۹] **المناظر الحکمیه** (عربی)

از محمد حسین بن محمد صالح بن محمد حسین اقرجنلو است و درسه باب (جسم طبیعی و تعلیمی ـ معقولات (منطق) ـ الهی) و اندکی از منطق و الهی را آورده با بحثهای کلامی بیامیخت.

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خلقنا وهدانا سواءالطریق بحکمته . ۵

انجام : فکلها عندنا ثابت الهم ثبت اقدامنا فی الدین . . . واقض حاجاتنا برحمتك یا ارحم الراحمین .

[٤٦٩]

۳۱۳ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد .

(۶۲ ر) ـ کاغذ فرنگی آبی ـ جلد تیماج مشکی

اندازه : ۱۰×۱۶ و ۱۷×۱۲ س ۱۶

[۳۸۰] **نامه ابن سینا به ابن زیلا** (عربی)

این نامه همان پاسخی است که شیخ بمیهنی داده و در ص ۱۷۶ ش ۱۱ این فهرست شناسانده شده ودراین نسخه ودر نسخه های دیگر آمده که شیخ آنرا بابن زیلای مجوسی شاگرد خود نوشت (قنواتی ش ۲۶۰ـ۲۶۶ـ۲۶۸) دراینکه شیخ ۱۵ نامه‌ای بمیهنی نگاشته است شکی نیست و گویاهمین را درپاسخ ابن زیلاهم نوشته باشد . چنانکه دربسیاری ازکتابهای خود عبارات کتابهای دیگر خویش را آورده است (۱) .

آغاز : نسخة کتاب کتبه الشیخ جواباللشیخ ابی منصور بن الحسین بن محمد بن عمر زیله . وصل کتاب الشیخ منبئا بجمیع صنع الله لدیه وسبوغ نعمه علیه . ۲۰

انجام : واساله ان تقربنی الیه انه سمیع مجیب . والسلام علی من اتبع الهدی

[٤٧٠]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۹ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی نزدیك بسال ۱۳۰۱ گ ۱۵٤ الف ـ ۵٦ الف .

۱ـــ گواشن خاورشناس میگوید که بیشتر الهی و بسیاری ازکتاب نفس نجات از شفا گرفته شده است (ش ۲۳ قنواتی) . ۲۵

[۳۸۱] نامه ابن سینا به کاشانی (عربی)

این نامه دوستانه را شیخ بابوجعفر کاشانی نوشته است . قنواتی در ش ۲٦۷ و ۲۷۰ آغاز آنرا چنین یاد نمود : « ایهاالباز الاشهب بل القرم المصعب بل الطود الاکهب اکل من‌جلس فی‌الایوان و تصدرفی‌الدیوان » شیخ نامه دیگر دوستانه‌ای‌هم بابن طاهربن حسول نوشته است (قنواتی ش ۲٦۲ و ۲۷۰) .

آغاز : رسالة للشیخ ابی علی الی بعض اصدقائه . اکل من ینشیء للسطان ویتصدر فی‌الدیوان یتکبرعلی‌الاخوان .

انجام : بل اهش من طلعة‌النیروز . قل بلی ولاتقل نعم . مل الی‌الطبع یاابن عم . کن‌من‌الناس لاالنعم . دمت فی‌العزوالنعم .

[٤۷۱]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۳۱ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲٦۲

[۳۸۲] نامه جالینوس و مسیح (عربی)

بیهقی درمشارب التجارب (بگفته خزرجی) می‌نویسد که جالینوس (۱۳۱- ۲۱۰) درسر پیری بکیش عیسا گرائید و خود چون ناتوان بود خواهرزاده خویش پولس را نزد او فرستاد و پوزش خواست و پولس نیز یکی از حواریان گشت . او درتتمه ص ۳۰ همین را از ابوالفرج بن‌الطیب آورد و نامه‌ایرا یادکرد که جالینوس در آن نوشته که ازناتوانی نتوانستم نزد توبیایم یکی ازخویشانم را فرستادم تاخوی ورفتارپیامبران بدو بیاموزی. عیسی پولس را پذیرفت وخود که خواننده و نویسنده بود درپاسخ او نوشت که تندرست نیازی بپزشك نداردجز برای‌نگاهداشت خویش و جانها با دوری تنها از یکدیگر دور نخواهند بود . این جز نامهٔ نسخه ما است. پس ابوالفرج پزشك ترسا که خودرا از خاندان پولس میدانست ودوست میداشت هم از دودمان دانشمندی مانند جالینوس و هم پیامبری مانند عیسا باشد این نامه

ساختگی را آورده ودیگران ازاو گرفته‌اند (۱) و نامه نسخه ما نیز ساختگی است

آغاز : یا طبیب النفوس المریضة بداء الجهالة ... فهل الی وصول من سبیل ...

(پاسخ عیسی) یامن شرفك الله بالاستعدادات العقلیة .

انجام : فان مجرد العقل غیر کاف فی الهدایة الی الصراط المستقیم .

[٤٧٢] ۵

۱۰۳۵ این نسخه شماره ٤۸ دفتر است و بخط تعلیق نزدیك ۱۱۰۱ ص ٤۲۲

[٤٧٣]

۱۰۷۹ این نسخه شماره ۳۵ دفتر است و بخط تعلیق ص ۲۷۰

[۳۸۳] **نامه طوسی بابهری** (فارسی)

۱۰ خواجه طوسی هنگامیکه بعراق رفته بود برای اثیرالدین ابهری نامه ای نوشت ودر آن پس‌از ستایش بسیاری از وی سه چیز پرسید : چگونه از یك چیز چندین چیزها پیدامیشود - زمان وجنبش چه بستگی باهم دارند - مراکز دائره‌ایکه حامل مرکز دائرۀ دیگر باشد چه خواصی دارد وجنبش وضعی یکنواخت دربرابر امتناع خرق والتیام وپیدایش جنبشهای گوناگون ازجرمهای آسمانی چگونه‌است ؟

۱۵ نخستین الهی ودوم طبیعی وسوم ریاضی میباشد وپرسش۱و۲را طوسی ازخسروشاهی نیز کرده و او پاسخ نداد و گویا ابهری نیز پاسخی نداده باشد و صدرای شیرازی واحمد عاملی بدانها پاسخ داده‌اند (ص ۱۷۹و۱۸۹ این فهرست) .

آغاز :

هرچند ز روزگار بیدادیها است

۲۰ یارب که مرا از تو چه بیدادیها است

۱- نگاه به : خزرجی ج ۱ ص ۷۱ - ۷۷ که درباره تاریخ زاد و مرگ جالینوس بسزا سخن رانده وجاهائیکه او ازموسی وعیسی درنگارشهای خویش یاد نموده آورده (ص ۷۷) - قفطی درسرگذشت جالینوس - اشکوری در محبوب‌القلوب ص ٥٠ گفتار خزرجی و بیهقی و در ص ۱۰٦ و ۱۰۷ دو نامه نسخه ما را آورده - ابن عبری ص ۱۲۲ از روی نگارشهای جالینوس روشن نموده که او دیری پس‌ازعیسا میزیست . ۲۵

بی زحمت امید و غم وصل و فراق
این بس که ز دیدار توام شادیها است

جناب همایون و ذات میمون مخدوم معظم ملك علماءالعالم اثیرالملة والدین قطب‌الاسلام والمسلمین . . . که مقصد آمال افاضل ومطلع انوار فضائل‌است همیشه
۵ بکرامات ذوالجلال ... موصوف باد ... دعاگوی مخلص محمد طوسی خدمت ودعا میرساند .

انجام : اگر رای همایون بافادت این نکت تفضل فرماید ازآن وفور لطف (ازالطاف او) عجب نباشد زحمت ازحددرگذشت هم مکارم اخلاق عالیه (مولوی) عذرخواه (تواند) بود والدعا (کمامضی) .

۱۰ [٤٧٤]

۸۷۱ این نسخه شماره ۲۱ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی میباشدگ ۱۵۹ الف ـ ۱٦۱ الف .

[٤٧٥]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۹ دفتراست و بخط تعلیق ص ۱۰٤ـ۱۰۵ ـ دونسخه دربرخی جاها یکنواخت نیستند .

[۳۸٤] نامه میبدی بمیرعبدالوهاب (فارسی)

قاضی میرحسین میبدی یزدی (م۹۱۱) بمیرعبدالوهاب‌نامه‌ای‌نگاشته ودرآن گفته‌که مرابببهانهٔ اینکه درباره خداهیولی گفته‌ام‌کافرم‌خواندند بااینکه من بپیروی از اشراقیان وخواجه طوسی جسم را آمیخته از هیولی و صورت ندانسته و آنرا
۲۰ بسیط میدانم پس بهیولائی نمیگویم تاخداراهیولی بدانم . اودراینجا ازمحیی‌الدین و شبستری و شریف گرگانی سخنانی می‌آورد و یادی از هستی مطلق و وحدت وجود میکند .

آغاز : (ایضا نامه‌که بحضرت میرعبدالوهاب نوشته است) . شعر

گر من از سرزنش مدعیان اندیشم
۲۵ شیوه مردی و رندی نرود از پیشم

زهدرندان‌نوآموخته راهی‌بدهی‌است

من که بد نام جهانم چه صلاح اندیشم

شنیده‌ام که عزیزی درمقام تکفیرمن‌است وازمن نقل‌کرده که اطلاق هیولی برحضرت حق . . . کرده‌ام وحقیقت حال آنکه من بترکب جسم ازهیولی وصورت قائل نیستم .

انجام : وچه‌خوب فرموده مولانا نظام‌الدین نیشابوری درتفسیر واذاسالك عبادی عنی فانی قریب . . . مع‌ان‌التعبیرعن بعض ذلك یوجب شنعة‌الجهال . ولنختم بالصلوة علی سیدالمرسلین وآله اجمعین .

[٤٧٦]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ٤۹ دفتراست و بخط تعلیق ص ٤٥١-٤٥٢

[۳۸۵-۳۹۰] **نامه های کاشانی** (فارسی)

از بابا افضل کاشانی شش نامه بجامانده است که اینك یاد میگردد (۱) :

۱- نامه ای که بشاگرد خود خواجه شمس الدین (۲) مجدالاسلام محمد درواگوش که باهم نامه نگاری داشتند می‌نویسد .

آغاز : آثار آفرینی که‌ازجانب‌مجلس‌اسموی‌صدری‌شمس‌الدین‌مجدالاسلامی لازال اسمه بداعی مخلص رسید و میرسد همان باضعاف آن سوی او بارمیگردد .

انجام : وآن(این)بوارمطلق‌بودوهلاك جاوید(جاودان)عصمك‌الله وایانا.... انه ولی‌الخیرات ومفیض‌السعادات .

[٤٧٧]

٤۲۸ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط تعلیق تاریخ ۱۰۸۳گ ١٤ ب - ١٦ ب

۱- آقای سعید نفیسی دردیباچه رباعیات از پنج نامه یاد نمود (بجزسومی) و گفت که دردفترشماره ۶۲۳/۹۴۱ کتابخانه مجلس نسخه‌آنها هست درجنك ش۲۹۱۲ سپهسالار (گ۱٤۱ و پس‌ازآن) دو نامه دیده میشود .

۲- گویا شمس‌الدین‌سپاهانی‌همدم‌خواجه باشد (فهرست طوس ج۲ شماره۸ مسلسل۳۳۵)

[٤٧٨]

٤٣١ این نسخه شماره ١٢ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بتاریخ ١٣٠٢، گ ١٥٣ب - ١٥٧ ب .

٢ـ نامهٔ فیلسوفانهٔ دیگر در پاسخ نوشته درواگوش که در آن از « فتوح هشت در یا مدارج الکمال » و « ره انجام نامه » پارسی یاد میکند وعنوانهای فتح ٤و٥و٦و٧ متن تازی مدارج را میآورد .

آغاز : کلماتیکه از اقلام مبارك آن خلاصه اخیار عصر و نوباوه بوستان خرد و نوردیدهٔ ارباب حقیقت شمس الدین . . برسید .

انجام : تابرجاده که ازازل سوی ابداست مستقیم گردد والذین جاهدوا فینا... وان الله لمع المحسنین والسلام علی من اتبع الهدی وصلی الله علی محمدو آله الطاهرین. نسخه‌ای از آن درطوس ش ٩ (ج ٢ ص ٣٣٥) هست .

[٤٧٩]

٤٢٨ این نسخه شماره ٧ دفتر گ ٢٦ الف - ٢٩ ب

[٤٨٠]

٤٣١ این نسخه شماره ١٤ دفتر و بخط محمدعلی بسال ١٠٣٢ گ ١٦٣ ب - ١٦٨ ب

٣ - نامه عارفانه دیگر بشمس الدین ضیاءالاسلام (درواگوش) که در آن از مخدوم مهذب الدین یادمیکند ورساله «جامعه» که برای همین شمس الدین فرستاده بود میخواهد برای وی پس بفرستد و میگوید: «بند این مباش که بپایانش رسانی چه آن سخن سر نیاید» ونوید میدهد که نسخه « زجر النفس » برای او بفرستد تا آنرا بخواند .

آغاز : بسمله رب العزة تعالی جده و تقدست اسمائه آگاهست از مکنون دل وضمیردرون خادم که در باره احوال واقوال مجالس اسمی شمس الدین ضیاءالاسلامی برچه صفت نیکوخواه وفضیلت جوی میباشد .

انجام : بیشتر اوقات قواعد سعادات دوجهانی ممهدباد واساس روشن دلی مؤید

نسخه‌ای ازین درش۱۲ (ج۲ص۳۳۵) وش۷۳۹ (ج ٤) فهرست‌طوس‌شناسانده‌شده.

[٤٨١]

٤٣١ این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۲ گ ۱۷۹ الف - ۱۸۰ ب میباشد .

٤- نامه‌ای فیلسوفانه‌ای که در پاسخ نوشته دوستی نگاشته . ۵

آغاز : دل عزیز و نفس شریفت مستعد و آراسته نظر الهی و انوار نامتناهی باد .

انجام : و برخواننده و نویسنده و بال و حجت بگرداناد بمحمد و آله . . .

و نعم‌النصیر - نسخه‌ای ازاین درطوس ش ۱۱ (ج ۲ ص ۳۳۵) هست .

[٤٨٢]

٤٢٨ این نسخه شماره ٦ دفتر است گ ۲۱ الف - ۲٦ الف . ۱۰

[٤٨٣]

٤٣١ این نسخه شماره ۱۵ دفتر ودرگ ۱٦۹ الف - ۱۷٦ ب میباشد .

۵- نامهٔ‌فیلسوفانه درپاسخ نوشته صاحب سعید صدرالصدوروزیرمجدالدین محمد عبدالله که درشصت سالگی نگاشته است .

آغاز : صباح و مساء مجلس عالی صاحبی صدری کبیر . . . تاج الوزرائی ۱۵ صدرالصدوری . . . مجدالدین . . . الطاف ازلی و سعادات ابدی را انجمن گاه و ارامجای باد .

انجام : جان ازخرد شاد ودل ازهربند آزاد وسیرتت مکارم اخلاق رابنیاد والسلام‌علی اهل الکلام‌والصلوة علی خاتم الانبیاء و آله الکرام- نسخه‌ای در طوس (ش ۸ ص ۳۳۵ ج ۲) هست . ۲۰

[٤٨٤]

٤٢٨ این نسخه شماره ۵ دفتر ازگ ۱۷ ب - ۲۱ الف میباشد

[٤٨٥]

٤٣١ این نسخه شماره ۱۳ دفتر بخط محمدعلی بسال ۱۳۰۲ میباشد ك ۱۵۷ب - ۱٦۳ الف . ۲۵

٦ـ نامه‌ای در پرسش و دلجوئی ازصدر سعید تاج‌الدین محمد نوش‌آبادی که در آن از « فصول زجرالنفس » یاد می‌کند .

آغاز : (مدد تأیید الهی از کار واندیشه مخدومی منفصل ومنقطع مباد و دل روشن درسرا وضرا ازخورسندی وشکیبائی مایه وروازحوادث جهان‌کون‌استحالت نپذیرند وعبرت‌گیرد. ایزدعزوعلادر کل احوال رهنما ونگهداربمنه وجوده) داعی خدمت وآفرین میرساند بدرون بامجلس اسمی‌ازرنجی وآسیبی‌که نورسیده است

انجام : اسباب (این) سعادت (میسر باد) و قاعده بیداری و روشنی مقرر (مقصودها حاصل ورنجها زائل ودلها روشن وشکیبا برحوادث ومصائب ولله تعالی تسلیما بالاجابة والانابة) والسلام علی اهل‌السلام وآله‌الکرام ـ درنسخه ٤۳۱ از بیدگل و نوشاباد یادمی‌کندکه بجای‌آندودرنسخه٤۲۸ شهروسرای‌آمده نسخه‌ای ازآن درطوس ش ۱۰ (ج ۲ ص ۳۳۵) هست .

[٤۸٦]

٤۲۸ این نسخه شماره ٤ دفتر است گ ١٦ ب ـ ١٧ ب درآغاز بجای جمله میان دوکمانه این‌عبارت (بعدازذکر القاب میگوید) را داردکه‌از نویسنده نسخه‌است

[٤۸۷]

٤۳۱ این نسخه شماره ١٦ دفتر است‌گ ١٧٦ ب ـ ١٧٩ الف .

[۳۹۱] **نامه نسوی** (فارسی)

دراین‌نامه پاسخ ٥ پرسشی است دربارهٔ جدائی میان مرك وخواب وخوشی وناخوشی تن پس‌ازمرك ونرنجیدن هنگام خواب و رنجیدن هنگام مرك و خوش وناخوش بودن جان نه تن‌که صفی‌بن علی‌الوندکلی از زین‌الدین نسوی کرده‌است و پاسخ‌گرفت (۱) .

---

۱ ــ بند ۳ این نامه درگفتار ۱۰ باباافضل‌کاشانی یاد شده و بگفته آقای نفیسی دردیباچه رباعیات (ص ٧٦ ش ١۲) نسخه‌ای ازآن در مجلس ش ٦٩٤١/٦۲۳ هست در ص ۳۸۳ ج ۲ فهرست مجلس نام نسوی ووندکلی‌آمده است (۱۰ر٦۲۳) .

آغاز : مرحوم سعید ملك القضاة والحکام رکن الدین تاج الاسلام صفی بن علی الوندکلی مکتوبی بخدمت سلطان الحکماء زین‌الدین النسوی قدس‌الله روحه نوشته است و آن سئوالها استکشاف کرده و او بخط مبارك هریك را جوابی بخیر فرموده‌اند وهذه نسختها سئوال مینماید که فرق چیست میان مرك وخواب .

انجام : و چون مرك جوانان به بیماریهای مختلف و آنرا مفاجات خوانند والله اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب وصلی‌الله علی محمد . . . یارب‌العالمین .

[٤٨٨]

۴۲۸ این نسخه درشماره ۸ دفتراست و بخط تعلیق تاریخ ۱ ذی‌حجه سال ۱۰۸۳ گ ۳۰ الف ـ ۳۱ الف .

[۳۹۲] **نامهٔ نسوی** (فارسی)

این بند نیز ازسخنانی است که خواجه زین‌الدین (قدس‌الله روحه) درپاسخ نوشته (مرحوم) قاضی صفی درباره دوستی نگاشته است (۱) .

آغاز : هرمحبوب که بوددر نفس‌محب باشدوهیچ‌مواصلت قوی‌تر از آن‌نیست

انجام : وتفرقت افتد وغایت ضلالت آنست عصمناالله وایانا وجمیع اخواننا من امثاله بمحمد و آله وهواعلم .

[٤٨۹]

۴۲۸ این نسخه درشماره ۸ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۲۹ ب

[۳۹۳] **نبوت (رساله . . . .)** (فارسی)

این رساله درسه فصل و یك دیباچه است وازشیخ رئیس دانسته شده وباید پارسی همان اثبات‌النبوه او باشد (ص ۱۱۲ این فهرست) نسخه‌هائی از آن درنور عثمانیه ش ٤٨٩٤ (۲٥٥ قنواتی) و مجلس ش ٦٣١/٦ (ص ۳۹۲ ج ۲) و ش ۳۱۷ تنکابنی‌درآنجاوطوس ش، ۷۰ (ص١٤٥ج٤)هست. شیخ‌در آن‌مانندمتن تازی‌بروش فلسفی و باطنی سخن راند و برخی از سخنان او دراینجا مانند است با آنچه در معراجنامه آمده (ش ۲٥۳/۱۹و۸٦۱/۱۱) .

۱ـ آقای سعید نفیسی دردیباچه رباعیات کاشانی این گفتار رااز کاشانی دانست (ص۷۸ ش۳۱) درآنجا بجای صفی حنفی یاد گردید .

آغاز : رسالة للشیخ الرئیس رحمه‌الله ـ سپاس میکنم خداوند آسمان وزمین وستایش دهنده جان ودین را ودرود مر پیغمبر گزین را محمد مصطفی . . . وصیت میکنم ترا که این کلمه چند که درتحقیق شرح میرود ازاغیار و نامحرم دریغ دارند که مدتها ازظهور این کلمات بحکم خطرمحترز میبودم که الاسرارصونها عن الاغیار

۵ واجب برحسب آنکه سخن آشنا با مردم بیگانه ووضع اسرار نزدیك جاهل خطا بود چنانکه رسول علیه‌السلام فرمود لاتطرح در فی اقدام‌الکلاب .

انجام : اما چون عاقلی برسد و بعقل خویش ادراك کند داند که گفتهاء نبی همه رموز است اگنده بمعقول و آنرا غذاء روح خود سازد . والحمدلله بل‌اکثرهم لایعقلون وصلی‌الله علی محمد و آله اجمعین .

۱۰ [٤۹۰]

۱۰۳۵ این نسخه‌شماره ٦ دفتراست و بخط تعلیق شکسته ص ۱۰۰ـ۱۰۰۲ـ درکتابخانه سپهسالار نسخه‌ای ازرساله نبوت فارسی بشماره۲۹۱۱ ص ۸۳ـ۸٤ هست .

[۳۹٤] **نفحات الهیه** (عربی)

قاضی سعیداء قمی (محمدسعید شریف ۱۰٤۹ـ۱۱۰۳) دراین‌رساله که بسجع

۱۵ نگاشته ومطلبها را با عنوانها نفحه آغازنمود نخست روشن ساخت که هستی اصیل نیست وماهیت درذات ودر آفرینش اصالت دارد آنگاه آشکار کرد که انسان عقلی و نفسی با همه چیزهای دیگر یکی است و کلی بی‌فرد هستی‌جدائی ندارد . او آنرا بخششی ازخدا (نفحات الهی) دانسته ودرنوروز وماه ذی‌حجه سال ۱۰۸٤ بپایان رساند واز روش فصوص فارابی وشواهد ربوبی شیرازی پیروی نمود .

۲۰ **آغاز** : بسمله ... بعد الحمدلله واهب‌العلم والعقل . . . یقول ... محمدالمدعو بسعیدالشریف القمی هذه خواطر الهامیه و نوادر ربانیه .

انجام : وهو آدم جمیع العوالم والعالمین والحمدلله رب‌العالمین ... هذا آخر ما اردنا ایراده فی‌تلك‌المقالة واتفق‌الفراغ من اتمامهافی یوم‌النیروزعلی ید مؤلفها... وذلك فی شهر ذی‌الحجة‌الحرام سنة ۱۰۸٤ .

[٤۹۱]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۷دفتراست و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که در کمتر از نیمهٔ روز درنیمهٔ روز آدینهٔ دهم شوال ۱۰۹٤ در مدرسه فیضیه فاطمیه قم نوشته شده گ ۱٦۷ ب – ۱۷۲ الف .

[۳۹۵–۳۹٦] **النفس (مختصر کتاب ...)** (عربی) ۵

دو رساله بدین نام هست که ازروی عنوان باید گزینی از کتاب نفس ارسطو باشد. مانا گزیننده ۷ یا ۸مسئله مهم روانشناسی فیلسوف را گرفته و درباره آن گفتگو نمود نه اینکه مانند گزیده حنین وترجمه پارسی کاشانی همه سخنان ارسطو را باختصار آورده باشد . اینك دورساله :

۱– در ۷ گفتار و از روی یك نسخه دیگر در ۸ گفتار است : (دریافت هردانستهای چگونه است – روان هست – گوهراست – جان است نه تن – ساده است نه آمیخته – زندهاست ونمردنی – دریابنده واندیشنده – آسمان وستارگان جانی زنده ودانا دارند) . ۱۰

درکتابخانه مدرسه خان مروی تهران بشماره ٦۲۹ نسخهای ازاین هست . نسخهها یکسان نیستند وبرخی درآغازفهرست دارند . (۱) ۱۵

آغاز : هذا مختصر من قول الحکیم ارسطوطالیس الفیلسوف فی النفس وهو سبعة اقوال (فصول) القول (الفصل) الاول فی درك کل معلوم تفسیره ان کل شیء (موجود) اما معلوم (معقول) واما محسوس .

انجام : وکیف یحس الحواس محسوساتها بحجج مضیئة مقنعة .

---

۱ – درگفتار پنجم عبارت « کل من راجع الی ذاته فهو روحانی » دیده میشود ۲۰ ودرآن ازروی خودآگاهی تجردروان ثابت میگردد وهمان دلیلیاست که شیخ درمباحثات ازآن یاد نمود ومیان او وبهمنیار دربارهآن پرسش وپاسخها شده وامام درمباحث مشرقی وشیرازی دراسفارومبدء ومعادآنها راگردآوردند شیرازی درمبدء ومعاد ص ۲۰۸ درهمین دلیل عبارت بالا را یادکرد و از کتاب نفس ارسطو دانست و این عبارت درآغاز رساله « اثباتالصورالروحانیه » اسکندر (ش ٤۸٤) و ص ۲۹۱ چاپ بدوی دیده میشود . ۲۵

[۴۹۲]

۳۳۹ این نسخه شماره ۲۸ دفتر و بخط تعلیق گ ۸۵ الف وب میباشد و آغاز وانجام آن نزدیك بشماره ۴۰۲/۴ است با آن عبارتی که افزوده شده .

[۴۹۳]

۴۰۲ این نسخه شماره ۴ دفتر است و بخط تعلیق گ ۵۳ ب ـ ۵۴ ب در انجام این نسخه پس از عبارت بالا دارد : «کل جسم قد یسکن و یتحرك لا بصورته فالحرکة اذن (ایضا) غیر ذاتیه فی الجسم فهی اذن غیر معلومة من غیره . تمت الرسالة والحمد لواهب العقل» مانا این عبارت را افزودند و از رساله نباید باشد .

[۴۹۴]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۲۱ دفتر ص ۱۸۷ـ۱۸۸ و چنین است : هو بسمله و به نستعین کلام ارسطاطالیس لبیان سبعة مطالب فکریة فی النفس الاول فی درك کل معلوم ـ (وسنخبرك) کیف تعلم النفس الاشیاء و کیف فعل و کیف یحس الحواس محسوساتها بحجج مضیئة مقنعة . تم الکلام فی بیان المطالب السبعة فی امر النفس بعون الله الملك المقدس عبارت «وسنخبرك» در دیگر نسخه‌ها نیست وجمله عطف است بر پیش و به «قد استبان

۱۵ لما ذکرنا» یا بجای آن «فقد اثبتنا بماذکرنا» می پیوند .

[۴۹۵]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۴ دفتر بخط شکسته تعلیق محمد شریف بن محمد قائمی نزدیك ۱۰۵۹ گ ۲۷ ب ـ ۳۸ الف و چنین است : «هو بسمله الحمدلله الذی عصمنا من الضلال ... اما بعد هذا الکتاب مختصر من قول الحکیم ارسطاطالیس رحمه‌الله

۲۰ فی علم النفس وهو سبعة ابواب : فی ادراك کل معلوم . فی وجود النفس ... اما قوله فی ادراك کل معلوم تفسیره ان کل شیء معلوم اما معقول واما محسوس ـ ولیس لها حس الذوق لانها لا یغتذی من شی» عبارت «وانها کیف یعلم النفس الاشیاء ... مضیئة مقنعه» را ندارد . پس از این چندسطر هست در شمارش نیروهای جان که با این رساله بستگی ندارد

[۴۹۶]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۱۲ دفتر و بخط تعلیق گ ۷۵ ب ـ ۷۶ ب و چنین است آغاز وانجام آن :

«هذه رسالة لارسطاطالیس فی النفس هذه الرسالة مشتملة علی ثمانیة فصول الاول فی درك کل معلوم ـ الفصل الثامن افضل الاجسام الحیّ والفلك و کواکبه افضل الاجسام فهی اذن حیة . . . ولاحس البصر والسمع فقط» تنها در این نسخه هشت

۳۰ گفتار دیده میشود .

۲ـ این رساله که آنهم در ۷ گفتار و درازتر و گسترده‌تر از نخستین است ومطالب و برهانهای دیگری در آن هست گرچه عنوانها باهم نزدیکند : (ناشناختنی بودن روان ـ روان هست ـ گوهر است ـ جان است نه تن ـ ساده نه آمیخته ـ پایدار ونمردنی ـ اندیشنده ودریابنده است) درفهرستهای قنواتی ش ۹٦ ومجلس ش ۱۷ و ٦۳٤/۳٤ و طوس ش ٦٦٤ از مختصر کتاب النفس ارسطاطالیس و مقاله ارسطاطالیس فی‌النفس وهوسبعة اقوال یاد شد . نسخه‌های ماهم یکسان نیستند .

آغاز : مختصر کتاب الفیلسوف ارسطاطالیس وهو سبعة ابواب الباب الاول قال‌الحکیم ان‌کل موجود اما ان یدرك بالحواس واما ان یدرك بالوهم .

انجام : فالنفس اذن مفکرة عاقلة اضطرارا کمل ماوضع الفیلسوف فی صفةالنفس .

[٤۹۷]

۲۵۳ این نسخه شماره ۸ دفتر وبخط تعلیق کرکی گ ۷۷ ب ـ ۸۰ الف وعنوان آن مانند بالا است .

[٤۹۸]

٤۰۲ این نسخه شماره ٥ دفتر وبخط تعلیق گ ٥٤ ب ـ ٥٦ ب وچنین است آغاز آن : « هذامختصر کتاب عن‌الفیلسوف ارسطوطالیس وهوسبعة ابواب ...»

[٤۹۹]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی گ ۱۳۰ ب ـ ۱۳٥ ب وچنین است آغاز وانجام آن : « الحمدلله کماهواهله ... وبعد فهذا مختصر فی‌النفس لارسطو وبناه علی سبعة ابواب‌الاول منها ذکرالوجوه‌التی یدرك منها علم‌الاشیاء ... (فهرست بابها) الباب‌الاول ذکرالوجوه . . . علم‌الاشیاء ان کل موجود اما ان یعلم بحواس واما ان یدرك بوهم ـ فالنفس‌اذن مفکرة عاقلة اضطرارا وباللهالتوفیق » .

[۳۹۷] **نفس** (فارسی)

کتاب نفس ارسطو را که در سه دفتراست حنین‌بن اسحاق (۱۹٤ ـ ۲٦٤) بسریانی و گزیده ای از آن‌را بتازی درآورد که بنـام « تلخیص کتاب النفس » دراسکوریال بشماره ٦٤۹/۳ عربی هست. اسحاق‌پسرحنین م ۲۹۸ همه‌آنرا بتازی

کرد و در ایاصوفیا نسخه‌ای بشماره ۲٤٥۰ هست. بابا افضل کاشانی ترجمه گزیده حنین را بپارسی شیوائی در آورد (۱) که در تهران بسال ۱۳۱٦ خ بچاپ رسید.

[٥۰۰]

٤۰۲ این نسخه شماره ۸ دفتراست و بخط تعلیق تاریخ ۱۰۷۹ گ ٦۲ ب - ۸۱ ب درطوس دو نسخه ازاین ترجمه هست (ج ٤ ص ٤٦ ش ٤۰۲و٤۰۳).

[۳۹۸] النفس (رسالة فی ...) (عربی)

این رساله از فیلسوف کندی بغدادی است که ابوریده آنرا درجلد ۱ رسائل او درمصر بسال ۱۹٥۰ ص ۸۰-۲۷۲ بچاپ رساند. کندی دراینجا نفس ارسطو را گزین نموده واز سخنان افلاطون و افیقورس در آن آورد و بروش پلاتون نزدیک ۱۰ گشت.

آغاز: بسمله سددك الله لدرك الحق واعانك علی نیل مستودعاته.

انجام: فتفهم ما کتبت به الیك تکن سعیدا اسعدك الله تعالی فی دنیاك وآخرتك والحمدلله رب العالمین - تم وکمل.

[٥۰۱]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۹ دفتر و بخط شکسته تعلیق گ ۷۳ الف - ۷٤ ب میباشد و چنین است عنوان آن: « رسالة ابی یوسف یعقوب بن اسحق الکندی فی القول المختصر من کتاب ارسطو وافلاطن وسائر الفلاسفة » بسیاری ازغلطها چاپی را بااین نسخه میتوان درست نمود نسخه‌ای ازین در طوس ش ۱۰۲٤ (ج ٤ ص ۲٥۲) هست وازپایان کم دارد ومیرسد تا به س ۲ ص ۲۷۹ چاپی.

۲۰ [۳۹۹] النفس (مقالة فی ...) (عربی)

شیخ رئیس این نگارش را بفرمانروای دانش‌دوست امیرنوح بن منصورسامانی

---

۱ - بنگرید به: ص ۱-٦-۱٥-۱۷-۲۷-۳۲-٥٦-٥۷ همین پارسی و ص ج - ۳-۳۲-٤۱-٤٤-٦۳-٦۹-۱۱٥-۱۱٤ ترجمه تازی کتاب نفس از اهوانی وقنواتی چاپ ۱۹٤۹ مصر که پاره‌های ازتلخیص نسخه اسکوریال را آوردند و برابر آن ۲٥ درپارسی کاشانی دیده میشود وازسنجیدن این پارسی با پاره‌هائی ازترجمه کامل اسحاق که درص ی-ك اهوانی آمده پیدا است که ایندو باهم بستگی ندارند - نیزدیباچه ارسطوعندالعرب ص ۳٤ وگفتار نگارنده در ش ۷ و ۸ سال ۸ مهر.

(۳۶۶-۳۸۷) که ازاو بسیار ستوده است ارمغان داد. چون کاوش از نیروهای جان دشوار بود آنرا برگزید ودراین گفتار از سخنان فرزانگان و کتاب خدا درباره خود شناسی آورد وازوحیی که درهیکل یا پرستشگاه اسقلبیوس پیامبر دارای معجزه و درمان کننده بیماران با افسون، نوشته بود (ای مردمی خودرا بشناس تا خدا را بشناسی) (۱) یادنمود و گفت که کاهنان هیکل او نیز چنین بوده‌اند و فیلسوفان پزشکی را از او گرفته‌اند. ۵

این نگارش کوتاه در ده فصل است و شیخ در آن از نیروهای گیاه وجانور و مردمی سخن میراند ودرفصل ۸ مراتب نفس وانواع استدلال (ضروری - اکثری جدلی - مساوی خطابی - اقلی سوفسطائی - ممتنع شعری) را میآورد ودرفصل ۹و۱۰ تجرد نفس واتحاد آن پس از مرگ باعقل مفارق راثابت میکند. درپایان میگوید که مباحث ۱۰ بود جان درتن و خوشی و رنج رستاخیز و شفاعت آورندگان دینها و فرشتگان وعرش و کرسی مانده وسخن درآنها بدرازا خواهد کشید واگر فرمانروا بخواهد جداگانه یادمیکنیم آنگاه بازازوی میستاید (۲).

آغاز : خیرالمبادی ما زین الحمد لواهب القوة علی حمده ... فلولا ان العادة سوغت للاصاغر الانبساط الی الاکابر... ولماوجدت العادة قدنهجت هذه الجادة وشرعت ۱۵ هذه السنة ظفرت بقدر نفسی فی الانبساط الی الامیر الاجل السید اطال بقاه بهدیة.

انجام : لازالت الحکمة به مشعشعة (منتعشة) بعدالخمول نضرة بعدالذبول دائمة بدوام دولته ویرجع بایامه ایامها ویرفع بمکانه مکان اهلها ویعز طالبی فضلها (ان شاءالله تعالی) بمحمد و آله تمت رسالة النفس.

۱- صدرای شیرازی گویا این رساله را دردست داشت که این عبارت را درمبدء ومعاد ص ٤ آورد. ۲۰

۲- خزرجی (ج ۲ ص ۲۰) از «مقالة فی النفس تعرف بالفصول» یادنمود وقنواتی در ش ۱۰۲ این رساله را بنامهای « مقالة فی النفس - مبحث فی القوی النفسانیه - کتاب النفس - العشرة فصول» شناسانده و گفت که آنرا س. لانداور (S. Landauer) درمجله خاورشناسان آلمانی با تعلیق و ترجمه بآلمانی بسال (۱۸۷٦) ۲۹ ص ۳۳۵ و پس از آن ۲۵ و فان دیك Van Dyck درقاهره بسال ۱۳۲۵ بنام «هدیة الرئیس للامیر» بچاپ رساندند و ترجمه لاتینی آن بسال ۱۵٤٦ وانگلیسی آن بسال ۱۹۰٦ چاپ شد. شمس الدین علاءالدوله آنرا بپارسی کرد - نیز بنگرید به ش ۳۲۷ ص ۳۱۵ ج ٤ فهرست طوس.

[٥٠٢]

٨٦١ این نسخه شماره ٥ دفتر است و بخط نسخ محمدبن خیرالحاج نادعلی سمنانی در مشهد (طوس) بسال ۱۲۸۳ گ ٥ الف ـ ١٤ الف .

[٥٠٣]

١٠٧٤ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز نزدیك ١٠٦١ گ ٤٣ ب ـ ١٦٥ الف .

[٤٠٠] نفس (رساله...) (فارسی)

نگارشی است بفارسی در شناخت روان که در چاپخانه دانش تهران بسال ۱۳۱٥ خ بچاپ رسید و آنرا شیخ رئیس از روی « کتاب‌المعاد » ش ٨٦١/٩ برای ١٠ فرمان عالی علائی (علاءالدوله کاکویه) بپارسی کرد. بیهقی ص١٨٨ ازترجمه کتاب المعاد بالفارسیه یاد نمود .

[٥٠٤]

١٠٨٩ این نسخه شماره۲ دفتراست و بخط تعلیق محمدتقی تفرشی بسال ١٣٥٥ ازروی نسخه تاریخ روزشنبه یکم رمضان سال ٧٠٠ گ ٢٠ ب ـ ٣١ ب. نسخه‌ازاین درطوس بشماره ٧٠٧ نوشته تاریخ ٧٠٠ دردیه جاورسانی‌هست وقنواتی درش ٧٧ و ١٩٩ ازآن یاد نمود .

[٤٠١] نفس (رساله...) (فارسی)

این رساله‌بروش فیلسوفان نگاشته شده وخبرهائی چند درآن دیده میشود .

آغاز : بسمله و به نستعین . فصل اول در معرفت نفس انسانی که آنرا نفس ٢٠ ناطقه خوانند .

انجام : تا سخن بحد اطناب کشد والله المیسر للخیرات للحسنات .

[٥٠٥]

١٠٣٨ این نسخه شماره۳ دفترو بخط شکسته تعلیق مورب گ ١٩ب ـ٣٠ ب ودرپایان دارد : « بتاریخ غره رجب‌المرجب سنه ١٠٥٦ دردارالسلطنه حیدرآباد باتمام رسید . . . خاك قدم فقرای باب‌الله محمدباقر اصفهانی .

[۴۰۲] **النفی و الاثبات (تلفیق فی ـ)** (فارسی)

خواجه طوسی دراین گفتار از نفی واثبات و معدوم که آیا چیز هست یا نه گفتگومیکند ودلیلهای دوطرف را میآورد .

آغاز : بسمله. تلفیق لمولانا نصیر الملةوالدین محمدالطوسی ادام اللّٰه فی السعادة والعز ظلاله فی النفی والاثبات ـ بدانکه خلاف است میان علما که آیا معدوم شی ۵ هست یا نه .

انجام : وچون عاقل درین مسئله تأمل کند بایدکه آنچه عقلش اقتضا کند قبول کند والبته تقلید نکند وهمچنین درهیچ مسائل تا خدای تعالی ببرکات راستی دردل او بازگشاید واورا بحل مشکلات وقوف دهد واللّٰه اعلم بالصواب .

۱۰ [۵۰۶]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۴۱ دفتر است وبخط تعلیق گ ۲۸ ب ـ ۲۰۹ الف

[۴۰۳] **نکت فی مایصح ومالایصح من احکام النجوم** (عربی)

فارابی دراین گفتار ازستاره شماری واحکام نجوم خرده گیری نموده وچنانکه دیباچه آن میرساند بدرخواست ابواسحق ابراهیم بن عبداللّٰه بغدادی آنرا نگاشته ۱۵ است بغدادی میگوید که دیری دراین باره میاندیشیدم و با فارابی گفتگوها کردم تااینکه روزی اودفتری بمن داد ودرآن بندها ویادداشتهائی بود که مانااومیخواست هنگام آسایش آنهارا فراهم آورده بساخت کتاب یارساله‌ای درآوردچنانکه همیشه همین کار میکرده است و من همهٔ آنها را نوشته‌ام و آنچه خواسته‌ام درآن یافتم وآنها را برای تونوشتم که اگربخواهی درآنهابنگری . درپایان میگوید اینهااست ۲۰ یادداشتهائی که بخط فارابی یافتم وبرای خودنوشتم وبرای تو که اگربخواهی درآن بنگری (ص ۱۱۰ این فهرست) .

[۵۰۷]

۲۴۰ این نسخه شماره ۸ دفتراست وبخط نسخ گ ۳۸ب ـ ۴۲ الف . دراین نسخه دیباچه بغدادی هست .

[۵۰۸]

۳۳۹ این نسخه شماره ۱۲ دفتراست و بخط تعلیق گ ٦٤ الف-٦٧الف. آغاز و انجام چنین است : قال ابواسحق ابراهیم بن عبدالله البغدادی کنت شدید الحرص علی معرفة الاحکام النجومیه ... کنبتها لك لنناملها ان تنشط لذلك ... فضیلة العلم

۵ والصناعات - ان کل مقول محذورمنه. هذا ماوجد من التذاکیر بخط ابی نصر اثبتها النفسی وکتبتها لك لتتاملها ان تنشط لذلك والله الموفق لکل خیر. نقلت من خط نقل من خط نقل من الفارابی علیه الرحمة تمت .

[٤۰٤] نور البصر بحل مسئلة الجبر والقدر (عربی)

محمد خلیل بن محمد اشرف رساله‌ای راکه شیخ مفید از تحف العقول آورده

۱۰ واز امام علی نقی هادی ع دانسته گزارش نمود ودر آن مسئله جبر و قدر را بروش فلسفی و کلامی واخباری حل کرد .

آغاز : نام خدا و ستایش - فیقول العبد المحتاج الی رب الجلیل ابن محمد اشرف محمد خلیل انه لما وفقنی الله للتأمل فی مسئلة الجبر والقدر .

انجام : لما یحب ویرضی وجنبنا وایاکم معاصیه بمنه وفضله والحمدلله کثیرا

۱۵ کماهواهله وصلی . . حسبناالله ونعم الوکیل .

[۵۰۹]

۲۸٦ این نسخه بخط نسخ ودرپایان دارد : « تمت فی سنة ۱۲۵۰ » که تاریخ نگارش یا نوشتن رساله میباشد .

(۴۳ گ) - کاغذ فرنگی - جلد تیماج مشکی

۲۰ ۱٦×۲۱ و ۹×۱۵ س ۱۹

[٤۰۵] نیروزیه (عربی)

شیخ رئیس دراین رساله که سه فصل است از ترتیب هستی‌ها و چگونگی دلالت حرفها و معانی باطنی حروف مقطع گفتگو نمود وروش تأویل و باطنی وحروفی شیخ در آن پیدا است .

۲۵ [۵۱۰]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱۳ دفتراست و بخط تعلیق محمدعلی نزدیك ۱۲۹۹ گ ۱٤۰ ب ۱٤٤ الف وچنین است : « بسمله... الرسالة النیروزیة للشیخ الرئیس. کتب الی الشیخ

ابی (بکر) محمدبن (عبدالرحیم) بسمله کل ینزع همته الی خدمة نیروز مولانا الشیخ
الامیرالسید ادام‌الله عزته بتحفة یجود بها ذات‌یده ولمارغبت فی انا کون واحدالقوم -
ثم بعد هذا اسرار تحتاج‌الی‌المشافهه . . . » درفهرست طوس (ش۳٤۱ ص ٤٤۱ ج٤)
شیخ ابوبکر محمدبن عبدالله یا عبدالرحیم یادگردید و این شیخ کسی بودکه ابن‌سینا
این رساله واضحویه را برای او نوشته واینگونه رازها را برای اوآشکاربداشت واز ۵
پایان رساله پیدااستکه رازهای دیگری مانده که شیخ رئیس بایست زبانی باوبگوید
ونوشتن‌آنها شایسته نبود (ص ۱٤۱ و ۱٤۷ این فهرست) .

[٤۰٦] الواحد لایصدرعنه الاالواحد (قاعدة ...) (عربی)

دراین‌گفتار نخست روشن‌گردید که از یکی جز یکی نیاید سپس فرعهای
این قاعده فلسفی آمده و بسیاری از بحثهای فلسفی روی آن حل‌گردید و در آن ۱۰
وجود ذهنی باطل (۷۷ الف - ۸۱ الف) و ماهیت مجعول دانسته شده نه وجود .
نگارنده دراثبات مطالب فلسفی‌تمسك بالفاظ را نیزروامیداند (۸۰ ب - ۸۳ الف)
واز اثولوجیا هم یاد نمود .

آغاز : بسمله · سبحانك لاعلم لنا الاماعلمتنا انك‌انت‌العلیم‌الحکیم و بعدفانا
اردنا فی هذه‌المقالة اولا ذکر الاصل المشهور من‌الحکما وهو ان الواحد لا یصدر ۱۵
عنه الاالواحد .

انجام : هذاآخرمااردنابیانه فی هذه‌المقالة والحمدلله واهب‌العقل والحیوة
وصلی‌الله علی محمد و آله وسائل‌النجاة . تمت هذه‌الرسالة .

[۵۱۱]

این نسخه شماره ۲ دفتر است وبخط تعلیق با عنوانهای شنگرف ودرپایان ۲۰
۸۸۰ دارد : «تمت هذه‌الرسالة فی‌العاشرمن شهرصفر... فی سنة ثمانین بعدالالف
من‌الهجرة‌النبویة علیه‌افضل‌الصلوة واکمل‌التحیات۱۰۸۰» گ٥٦ب-۱۰۸ب
(۷×۱۵س ۱۹-کاغذ سمرقندی) ودرگ٥٦ الف داردکه درروزگارنگارنده گفتار
نوشته شده پس اونزدیك به ۱۰۸۰ میزیسته است .

[٤۰۷] الواردات القلبیة فی معرفة الربوبیة (عربی) ۲۵

دانشمند صدرای شیرازی دراین رساله که در مجموعه رسائل او در ایران

بسال ۱۳۰۲ بچاپ رسیده است یکدسته ازمسائل نغزالهی را بنام رازهائی که براو گشوده شده است بی آنکه ازکسی گرفته باشد و بروش عرفان واشراق باعنوانهای (فیض) آورد . در این رساله است که از مدرسان و درباریان و محدثان و فقیهان نکوهش میکند (ص ۲۵۷ چاپی) و بیتهائی بپارسی در آن دیده میشود .

۵ [۵۱۲]

۲۵۲ این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط نسخ نورالدین محمدکاشی گ ۳٤۷ ب ـ ۳۵٦ الف س ۲۷ ـ درهامش بخط همو دارد که این چهار کتاب (تفکر ـ مبدء ومعاد ـ کلمات نوریه وواردات قلبیه) را با اصل ومسودههای آنها بخط خودم در ج۲ سال ۱۱۱۵ برابر کردم و پیداستکه این دفترهمانستکه همین کاشانی درمنتخب ۱۰ التصانیف خویش یادنمودو نسخه اصلخوداوست. سپسدارد : وقف . بامهر(نورالدین محمد) چنانکه درگ ۱ ب و پشت کتاب تفکر نوشت که برفرزندان دانشمندم وقف کردم و مهر اوهم هست .

[۵۱۳]

۸۸٤ این نسخه شماره۳ دفتریاست دارای ۵ رساله در۱٦۹ گ که دومآن حاشیهای است ازفاضل شیرازی برشرح مختصراصول بخط تعلیق ریزومورب درسه ستون نوشتهشده درشام چهارشنبه سال۱۳۰۱ـ اینرساله دراین نسخه بنام «التسبیحات القلبیة» میباشد وبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که اسمعیل بن حاجیابراهیم درتاریخ صفر ۱۲۰۰ ازروی نسخه برابرشده با نسخه شیرازی نوشته است وحاشیه (منه مدظله) دارد. گ ۹۸ ب ـ ۱۱۹ ب ـ محمدتقی بن محمدعلی مراغی در ۲٤ رجب ۱۲۵۰ (گ ۲۰ ۲ الف) وجعفرقلی بن عباسقلیخان امینالوزارهدرمحرم۱۳۰۲(گ۱٦۹) ازدارندگان ایندفتر بودهاند (نشانه در ص ٤۱ جلد ۱ یادگردید) .

[٤۰۸ـ٤۰۹] **ینبوع الحیوة** (تازی وپارسی)

چهارده فصل درعرفان یونانی که ازهرمس تریسمگیستوس یامثلث پروردگار ستاره شناسی و پزشکی وکیمیای یونان پنداشته شده بزبان تازی در آمده و بنام ۲۵ زجرالنفس یامعاتبةالنفس وینبوع الحکمة یا ینبوع الحیوة خوانده میشد. گاهی آنرا بپیروی ازیهودان از ادریس پیامبر میدانستند و هنگامی هم از سقراط یا افلاطون یاارسطومی پنداشتندواز پیشوایانشیعی نیز آنراروایت نمودند متنتازیرابارد نهاور

Bardenheuer در بون Bomae بسال ۱۸۷۳ بنام زجر النفس چاپ نمود و چندین بار خوری فیلیمون کاتب تا ۱۹۰۳ آنرا در بیروت چاپ کرد . باباافضل کاشانی سیزده فصل آنرا بپارسی کرد که در ۱۲۸ نشریه دانشگاه بچاپ رسید . (۱) او در نامه خود بدرواکوش ش ۱۷ ر ۴۳۱ از فصول زجر النفس یاد نمود .

۵

[۵۱٤]

٤۰۲ این نسخه بپارسی و شماره ۱۱ دفتر است و بخط تعلیق ریز گ ۱۰۵ ب - ۱۲۲ الف

[۵۱۵]

٤۳۱ این نسخه بپارسی و شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۱ گ ۱۳ الف - ۷۵ الف میباشد .

۱۰

[۵۱٦]

۱۰٤٦ این نسخه بپارسی و شماره ۱۸ دفتر و بخط رجبعلی در ۱۸ ذیقعده ۱۰٦۱ گ ۸۱ ب - ۹۳ الف میباشد .

[۵۱۷]

۸۸۱ این نسخه بتازی و در شماره ۵ دفتر بخط نسخ محمد بن فتح‌الله بسطامی بسال ۱۰۰۳ درمدرسه رزم ساریه قزوین گ ۱۳ ب - ۳۰ ب واز دوسطر مانده بآخر برگ ۳۰ می پیوندد بآنچه در برگهای ۳۳ و ۳٤ نوشته شده که نویسنده پس از این جسته و نوشت (بنگرید به ش ۱۱ گ ۸۱ ب جنگ ۱۰۳۳) این است چگونگی آن :

۱۵

آغاز : بسمله و به ثقتی هذا ماوجد من معاتبة النفس لهرمس الحکیم المثلث بالحکمة ویعنی به ادریس النبی وقد تؤثر عن افلاطون الالهی ورواها بعض عن الائمة الطاهرین ع وهی ثلثة عشر فصلا . . . الفصل الاول یا نفس تصوری واستعملی ما انا مورده لك من المعانی العقلیة الموجودة وجودا دائما فما تصورته فقد عقلته واقتینته وتیقنته .

۲۰

انجام : وقلیل العمل مع العلم به خیر من کثیر العمل مع الجهل به تم کتاب زجر النفس والله ولی التوفیق (گ ۳۰ ب) در گ ۳۳ و ۳٤ ب چنین است : یتهاون بتدبیرها وینصرف بجمیع قوتة الی التلذذ . . . وقلیل من العلم من العمل به انفع من کثرة العلم مع قلة العمل به تمت الفصول الثلثة العشر فی زجر النفس لهرمس من الهرامسه وهو ادریس النبی ع المثلث

۲۵

۱- نگاه به دیباچه آقای نفیسی برر باعیات - گفتار دکتر خضیری در رسالة الاسلام ش ٤ سال ۱ ص ۴۰۳-۴۱۰ - دائرة المعارف اسلامی کلمهٔ اخلاق و ارسطو .

بالحكمة والفضيلة اراد بالمثلث بالحكمة والفضيلة يعنى انه يعرف مايعرف به الاشياء ويعرف انه يعرفهاولواهب‌العقل الحمد بلانهاية .

[٥١٨]

١٠٣٣ این نسخه بتازی و شماره ١٣ دفتر بخط شکسته ریز بی‌نقطه تاریخ ج ١ سال ١٠٨٤ گ ٦٣ ب ـ ٨٤ ب میباشد .

آغاز : ستایش ونیایش ـ هذا ماوجد من زجرالنفس لهرمس‌النبی اعنی‌ادریس المثلث بالفضائل شرکنالله فی دعائه وهو ثلث عشر فصلاالفصل‌الاول یا نفس تصوری و تمثلی .

انجام : و قلیل من العلم . . . العمل به والله اعلم تمت‌الفصول فی زجرالنفس لهرمس‌الهرامسة وهو ادریس‌النبی ع وقد یسمی‌الفصول ینبوع‌الحکمة ـ نسخه ازاین متن تازی درمجاس ش ٦٣٤/٤ هست . درکناربرک ٦٥نسخه مادارد « هرمس همان ادریس مثلث بحکمت و نبوت وسلطنت بودواستاد حکماء الهی‌ومبعوث بخلق ومرفوع بآسمان » .

[٥١٩]

١٠٣٥ این نسخه بتازی وشماره ٢٧دفتر ودرص ٢٤٣ وشش بند است که به «یانفس» آغازمیشود و از افلاطون دانسته شده و آغاز و انجام آن چنین است : « هذه مواعظ مشتملة علی تزکیة‌النفس وتحذیرهامن‌الاخلاق‌الردیة مستخرجة من کلام افلاطون کلها علی طریق مخاطبنه مع‌النفس (مع نفسه) یا نفس ان مهلکات النفس ثلثة اجناس‌اولهاالشرك وسائرانواعه وثانیهاالظلم وسائرانواعه وثالثهاالتلذذ وسائر انواعه ـ یا نفس حتی متی انت فقیرةهاربة من ضد الی ضد . . . وجمیع ماانت مشاهدة له فی عالم‌الحس فبینما انت فقیرة » وبرابر است بانیمه دوم فصل دوم (س ٤ ص ١٠) قانیمهٔ نخستین فصل ٣ (س ٥ ص ١٣) ینبوع‌الحیوة پارسی چاپی .

گفتار سوم

عرفان

خواجه طوسی این رساله را که کتابفروشی جهان درشیراز بسال ۱۳۱۸ چاپ نمود وتذکره هم نامیده میشود بروش باطنیان اسماعیلی در ۲۰ فصل نوشته اصول عقائد اسلامی را در آن تأویل فلسفی وعرفانی کرد (۱).

۵ **آغاز** : بسمله ربنالاتزغ قلوبنا... سپاس آفریدگاری را که آغاز همه ازاوست وانجام همه باوست . . . دوستی ازمحرراین تذکره التماس کرد که بندی از آنچه سالکان راه آخرت مشاهده کنند از انجام کار آفرینش شبیه بر آنچه در کتاب الهی مسطور است . . . از احوال قیامت و بهشت و دوزخ . . . ثبت کند بر آن وجه که اهل بینش بعیان می‌بینند نه بر آن وجه که اهل دانش بیان میکنند .

۱۰ **انجام** : اهل فوز اکبرند فلاتعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین ... از ثواب و عقاب منزه‌اند چه آخرت برمردم دنیا حراماست. الدنیا حرام علی اهل الاخرة والاخرة حرام علی اهل الدنیا وهما حرامان علی اهل الله . اینست آنچه تحریرش درینوقت دست داد (واصلاح سهوها که قابل اصلاح باشند بجای آورند والله ولی التوفیق سبحانك رب‌العزة عمایصفون و سلام علی‌المرسلین . . . الاخیارالصالحین)

۱۵ [٥٢٠]

۸۹۰ این نسخه شماره ۹ دفتر وبخط تعلیق مورب در گ ٤۱ ب ـ ٥٤ الف میباشد

(همه دفتر ۱۲۹ گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۵ر۱۵×۲۴ و ۱۰×۱۸ س ۲۴

---

۱ ــ خواجه در آغاز اشاره میکند که اینگونه نوشتن دشوار است زیرا « نه هرچه

۲۰ هست نصیب هر کس است، و نه هرچه نصیب کسی است بتواندید ، و نه هرچه بیند بتواند دانست، و نه هرچه بداند بتواند گفت، و نه هرچه بگوید بتواند نوشت . چه‌ا گر دیدن بعین بود، دانستن با ثر تواند بود و اگر دانستن بتصور بود ، گفتن باختیار تواند بود . و اگر گفتن بتصریح بود ، نوشتن بتعریض و تلویح تواند بود . ولیس الخبر کالمعاینه . فکیف اذا کان الخبر بالایماء والاشارة . » ومیگوید اگر آنچه نوشته‌ام قاصر باشد معذورمیباشم .

[۵۲۱]

۱۰۴۶ این نسخه شماره ۱۶ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی نزدیك ۱۰۶۱ گ ۶۶ الف ـ ۷۳ الف .

[۴۱۱] آية النور (فارسی)

محمد علی نورعلی شاه رقی طبسی سپاهانی (م۱۲۱۲) این رساله را دراصول وفروع بروش عرفان شیعی نگاشته ودر آن (۶۲ب ـ ص ۶۹ چاپی) ازمشکوة النجاه فقه خود یاد میکند .

آغاز : بسمله و حمد اما بعد بدانکه برهر مکلفی واجب است که سیاح نظررا دردریای بی‌انتهای فکرت غوطه‌ور سازد .

انجام :

زیمن مقدم آن شاه عادل

جدا گردد زهم تا حق و باطل

والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب .

[۵۲۲]

۸۶۷ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق است گ ۵۸ ب ـ ۶۷ ب . و بدینجا پایان میبابد : «گاهی پروانه سوخته جان وگاهی شمع گهی با یاد» برابر با س ۳ ص ۸۰ چاپی درمجموعه عوارف المعارف درچاپخانه مظفری شیراز بسال ۱۳۱۷ ص ۶ ـ ۹۳ بنام « اصول دین وفروع دین ظاهری و باطنی نورعلیشاه با سیروسلوك » .

[۴۱۲] ابداعیه (عربی)

قطب الدین محمد حسینی مدنی نیریزی (۱) این قصیده را درعرفان سروده

---

۱ ــ گویند که نسب نیریزی با ۲۳ واسطه بامام سجاد(ع) میرسد و نیاکان اوازمدینه آمده در نیریز نشستند . خود او نیز در همانجا میزیست و پس‌از فرا گرفتن دانشها برای ریاضت بشیراز نزد شیخ علی نقی اصطهباناتی ازبزرگان دسته ذهبی کبروی معروفی رضوی رفته پیرواوشد ودر آرامگاه سیدنظام‌محمود داعی‌الی‌الله بیرون شهر شیرازمقامات سلوك‌را

دنبالهٔ حاشیه درصفحه بعد

است .

آغاز : بسمله .

لله حمدالعالمین جمیعهـا   والله جاعل نورها و بدیعها

انجام :

والحمدلله الذی اوحی الی   قلبی معارفها لدی توقیعها   ۵

[۵۲۳]

۳٦٤ این نسخه شماره ۲ دفتری است که دارای ۳ رسـاله میباشد و خط دوم و سوم درنظم بنسخ ودرنثر بشکسته تعلیق باعنوانهای شنگرف وتصحیح شده میباشد و حاشیه‌هائی ازخود نیریزی با عبارت (منه) و از دیگران دارد ـ گ ۳ ب ـ ۷ ب .   ۱۰

(همه دفتر ۱۷۰گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج زرد مقوائی حاشیه‌دار

اندازه : ۱۴ × ۲۱ و ۷ × ۱۵ س ۲۱

مانده حاشیه ازصفحه پیش

پیمود وداماد وخلیفه او شد و دوست ودشمن بدوسرفرود میآوردند . درگردشهای خویش بسیاری از بزرگان را تعلیم داد مانند ملامحراب گیلانی و شیخ احمد احساوی و سیدجعفر نجفی . مولانا شاه محمد دارابی نگارنده « معراج‌الکمال فی‌معنی‌الشیخ والارشاد والمرید والاسترشاد» ازبزرگان فارس ومولانا محمدعلی سکاکی شیرازی (کشته افغانان بشیراز) و مولانا محمد صادق اردستانی که هفت سال در سپاهان با نیریزی بوده است و آقا خلیل سپاهانی که نیز درهمین سپاهان باوی بود و میر ابراهیم قزوینی و میر محمدتقی خراسانی مشهور بشاهی وفاضل‌عارف مشهور که درطوس وسپاهان باوی بود وسید میرمحمدهاشم‌عارف بحرانی نجف‌نشین که درسال ۱۱۲۹ درمسجدکوفه او را دیده (و آنچه نادرشاه نیاز داد ودرخواست کرد نپذیرفت) وبسیاری از دانشمندان دیگر درروزگار نیریزی میزیستند ودر قزوین وسپاهان وکاشان وشیرازاورا درانجمنهادیده وگفتگوها میان آنان شد . نیریزی می‌گوید : همه اینها صوفی بودند مگراینکه ازهمدیگر پرهیز می‌کردند وگروهی نادان متفلسف هم آنانرا نمی‌پسندیدند . آقا محمدهاشم شیرازی ازجانشینان نیریزی بود . پسرش میرزاسیدعلی بادانایان یهود گفتگونمود وگروهی را مسلمان ساخت . نیریزی درروزگار سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ ــ ۱۱۳۵) میزیست ونزدیك بسال ۱۱۳۷ درگذشت . درآن هنگامی که عارفان بدنام ودند و دشنام می‌شنیدند او بکربلا و نجف رفته بود ودرهمان روزگار افغانان بایران‌آمده (۳۷ــ۱۱٤۲) وکردند وآنچه کردند . نیریزی نگارشهای خویش را درنجف فراهم آورد و اینها است : فصل‌الخطاب ، شمس‌الحکمه ، کنزالحکمه ، انوارالهدایه ، نورالهدایه ، ابداعیه ، قصیده عشقیه بتازی ، مثنوی انوارالولایه بپارسی ، مثنوی منهج‌التحریر بوزن مخزن‌الاسرار بپارسی .

(line numbers in margin: ۱۵ ، ۲۰ ، ۲۵ ، ۳۰)

بنگرید به : فصل‌الخطاب نیریزی وسرگذشت همو بخامه هدایت (ش ۱و۳ر۳٦٤) هدایت نمونه‌ای از سه‌تای اخیررا میآورد و بریاض‌العارفین بازمیگرداند .

[٤١٣] ابطال وحدت وجود (عربی)

ملامحمد سعید گیلانی دراین رساله وحدت وجود را باطل میسازد.

آغاز: بسمله الحمدلله رافع درجات العالمین . . . فانی اریدان اذکر اصل شبه القائلین بوحدة الوجود.

انجام: و باقی الالفاظ و العبارات غیر محتاج الی التفسیر. ٥

[٥٢٤]

٨٧٤ این نسخه شماره ٥ دفتر است درگ ١٤١ ب - ١٧٠ الف و بخط شکسته تعلیق وعنوانهادرهامش بشنگرف. درپایان دارد: تمت الرسالة التی فی التوحید وابطال وحدة الوجود للفاضل مولامحمد سعیدالجیلانی بعون الملك الوفی فی بلدة اصفهان سنة ١١٢٩» (ص ١٣٤ این فهرست). ١٠

[٤١٤] اثبات واجب (فارسی)

نگارش دانشمند مولانا رجبعلی تبریزی که درص١٣٢ یاد شد. اودردیباچه گفتار فارابی در « فصول مدنیه » راگواه میآورد.

[٥٢٥]

١٠٣٦ این نسخه شماره ١ دفتر و بخط تعلیق میباشدگ ٢ ب - ٨ ب. آغازوانجام آن مانند نسخه ش ٣٧٤/٢ است. ١٥

[٤١٥] اسرار الصلوه (عربی)

این رساله که در آن ازنماز درسه فصل ازروی قواعد فلسفی وبروش باطنی و تأویل گفتگو میشود از شیخ رئیس دانسته شدگرچه خزرجی و بیهقی از آن یاد ننمودند. درپایان داردکه آنرا درکمتراز نیم ساعت باگرفتاریهای فراوان وآسایش اندك نوشتم وازخوانندگان وخردمندان دادگرمیخواهم که آنرا آشکار نسازند. ٢٠ نیزمیگوید خواستم همه عبادتهارادراینجاگزارش دهم مگراینکه پرداختن بکاریکه هرکس را شایستگی آگاهی از آن نیست دشوارمیباشد وهمین که بدوگونه عبادت تن وجان دراینجااشارت کردیم برای آزادگان بسنده است واین رساله را بهوی پرستان نباید نشان داد. ٢٥

آغاز : بسمله الحمدلله الذی خص الانسان بشرف الخطاب .

انجام : ولذةالنظر لایصدق بهالاکمه وکتب هذهالرساله بحمدالله . . . فی مدة اقصر من نصف ساعة مع عوائق کثیرة و فراغة یسیرة واعذر من مطالعی هذهالرسالة ومن اسبغ علیهم فضل العقل و نورالعدل ان لایفشوا .

٥ [٥٢٦]

١٠٧٩ این نسخه شماره ١٦ دفتر و بخط تعلیق در ص ٨٠ ـ ٨٨ و دراین نسخه مانند نسخه‌های قنواتی « رساله فی ماهیةالصلوة » یادگردید آنرا « الکشف عن ماهیةالصلوة » هم خواندند. همه‌آن درکنار نمط ٩ شرح اشارات چاپ١٣٠٥ ونیمی ازفصل ١ آن (تا س ١٤ ص ٨٢ این شماره) بنام اسرارالصلوة درکنار شرح
١٠ هدایه‌شیرازی‌چاپ‌ایران بسال١٣١٣ ص٧١–٣٦٨ و نیز همهٔ‌آن‌درمجموعه مهرن وجامع البدایع بچاپ رسید (قنواتی ش ٢٢٧) نام ماهیةالصلوة از عنوان فصل ١ آن‌گرفته شده است .

[٥٢٧]

١٠٨٩ این نسخه شماره ١١ دفتر است و بخط تعلیق در گ ٧٦ الف ـ ٧٨ بنام اسرارالصلوة و بدین‌جا پایان مییابد : « الفصل الثانی فی ان الصلوة منقسمة الی ظاهر و باطن ... وقسم منها باطن وهوالحقیقی ویلزم» ودیگر برگها سفیداست .

[٤١٦] **اسرارالصلوة** (فارسی)

شاه نعمةالله ولی دراین رساله بروش عرفانی راز نماز را روشن ساخت .

آغاز : الحمدلله رب العالمین ... امابعد روزی جمعی‌ازشاه نعمةالله ولی پرسیدند
٢٠ که نمازچون میگذارید .

انجام : تا ازملازمت عبودیت محروم ننمایند . والله اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب .

[٥٢٨]

٨٩٠ این نسخه شماره ١٠ دفتر است وبخط تعلیق گ ٥٤ الف ـ ٥٥ ب

[٤١٧-٤١٨] **اسرار الصلوة** (عربی)

قاضی محمد سعید قمی (١٠٤٩-١١٠٣) دو رساله در راز نماز نگاشته است :

١- که در ١٣ شوال سال ١٠٨٤ درقم نوشته و رازهای افعال و اطوار نماز را بروش عرفانی در آن هویدا ساخت. این رساله در کنار شرح هدایه شیرازی ص ٣٥٧-٣٦٢ بچاپ رسید . ٥

٢- که در آن ارکان و افعال و اوراد و اذکار نماز را اشاره بمقامات و درجات عرفانی پنداشت و در پایان بشرح توحید خویش بازگشت داد .

آغاز : بسمله بعد الحمد و الصلوه اقول یا اخواننا الروعانیین و اصدقائنا الروحانیین جعل الله اذانکم واعیة و درجاتکم متراقیة .

انجام : وقد بسطنا القول فی بیان اسرار الصلوة فی شرحنا لتوحید الصدوق . ١٠ وهذا آخر ما اردنا ایراده فی الرسالة علی سبیل العجالة و الحمد لله فی الاولی و الآخرة .

[٥٢٩-٥٣٠]

١٠٣٠ این دو نسخه شمارههای ١٧ و ١٩ دفتر است و نخستین بخط نستعلیق و آغاز مطلبها زیر خط سرخ گ ١٧٢ ب - ١٧٦ الف میباشد . دومی بخط شکسته بسیار ریز و مورب و در هامش و عنوانها زیر خط سرخ و بتاریخ ١١٨٧ میباشد ١٥ گ ١٩٤ الف - ١٩٧ الف .

[٤١٩] **اصطلاحات صوفیان** (عربی)

عارف بزرگوار عبدالرزاق کاشی (م ٧٣٦) در این رساله از اصطلاحات صوفیان در دو بخش، نخستین بترتیب ابجدی در ٢٨ باب، دوم بترتیب منازل السائرین، گفتگو نمود و آنرا پس از شرح منازل السائرین و شرح فصوص الحکم و تأویلات القرآن نگاشته است. ٢٠

آغاز : بسمله وهو المستعان وعلیه التکلان الحمد لله الذی نجانا من مباحث العلوم الرسمیه .

انجام : تم قسم الاصطلاحات و الحمد لله رفیع الدرجات و الصلوة علی رسوله صاحب الحسنات .

[٥٣١]

٨٥٤ این نسخه شماره ۳ دفتراست و بخط تعلیق ریز باعنوانهای شنگرف از نویسندهٔ شماره ۱ (شرح قصیده بوصیری در پنجشنبه ۲۰ شوال ۸۱۳ درمدرسه سلطانیه سمرقند در ٤٢ برگ) گ ٥٠ ب - ٧٦ ب وحواشی دارد از لطائف. این رساله کاشی در کنار منازل السائرین ص ٨٦-١٨٢ بچاپ رسید ودر آن و نیز در نسخه ما بخش دوم دیده نمیشود و گویا بنگاشتن آن نرسید.

[٤٢٠] **اصطلاحات صوفیان** (فارسی)

سید نورالدین شاه نعمةالله ولی بن عبدالله حلبی کرمانی (کوهبنان کرمان ۲۲ رجب ۷۳۰ یا ۷۳۱ - ماهان کرمان ۲۲ رجب ۸۲۷ یا ۸۳٤) (۱) در این رساله اصطلاحات صوفیان را بنثر و نظم پارسی شرح میدهد و مانند ترجمه ایست از اصطلاحات کاشی.

آغاز: بسمله. سپاس بی قیاس حضرت واجب الوجودیرا که خواص امت محمدیه را نجات داد وازمباحث علوم رسمیه بمحض افضال بی وسیله کسب واعمال ایشانرا بی نیاز گردانید .. بیان اصطلاحات است در باب - که تا گویم ترا در بیست وهشت باب (قال شیخ الاسلام کمال المتعال رحمةالله علیه) باب الالف.

انجام: التوحید در نهایات احدیة فرق و جمع است . . . بشرع محمد درا درسلوك - که یابی زسید طریق هدی.

[٥٣٢]

٨٧٥ این نسخه شماره ۱ دفتراست و بخط نسخ والفاظ ونشانه‌ها بشنگرف ودرصفحه ۱و۲ درجدول زرین ودیگر صفحه‌ها درجدول شنگرف گ۲ ب - ٥٦- در پایان دارد: الحمدلله علی ماافاضه الوجود ... هواظهار النعمة ... ولایعدم. س ل ».

---

۱ — بنگرید به: فهرست طوش ج ٤ ص ۳۰۱؛ که از «تذکره دراحوال مولانا» بخامه عبدالرزاق ابن عبدالکریم بن عبدالرزاق کرمانی. یادمیکند. اوسرگذشت این عارف را بدستور امیر نظام الدین عبدالباقی (نواده هموو کشته دررجب ۹۲۰ درچالدران) درشوال ۹۱۱ ازروی سیرهٔ سدیدالدین نصرالله درشیراز مورخ ۹۰٦ گرد آورده و پیرداخت. درموزهٔ بریتانیا (Add 16, 837 XXII ج ۲ ص ۸۳۳) نسخهٔ «مناقب حضرت شاه نعمة الله ولی» از عبدالعزیز بن شیر ملك بن محمد واعظی که بعلاءالدین احمد شاه بن احمد شاه ولی بهمنی (۸۳۸-۸٦۲) ارمغان داده هست. احمدشاه ولی (۸۲٥-۸۳۸) نیز از پیروان کرمانی شده بود. نسخهٔ «نسب خرقه احمدشاه» درهمانجا هست (ص ۸۳۲ ش XV)

نسخه‌ای ازاین رساله در ۲۸ باب درمجلس (٦٤٦ ص ٤١٣ ج ۲) هست و گفته نشد ازکیست . درفهرست طوس از نسخهٔ چاپ شدهٔ بمبئی بسال ۱۳۱۲ یاد میشود (ج ٤ ص۲۸۰ نیز ص ۱۰۳) این رساله درکنارجنك دارای اشعه‌اللمعات جامی ورساله‌های نسفی وآذری ص ۲۷٤ـ۳٦٥ بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید .

(همه دفتر ۱۰۹ گ) کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۰×در۱٦ و ٦×۱۴ س ۲۱

[٤۲۱] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

این رساله چنانکه ازنسخهٔما پیداست برای روشن شدن ترانه‌های جلال‌الدین رومی (م۶۷۰) وفریدالدین عطار (۵۱۳ـ۶۲۷) نوشته شده وازسهروردی دانسته شد (۱) لفظهای پارسی و تازی بی‌ترتیب دراین رساله آمده و شرح کوتاهی داده شد مانند : « آرزو : میل باصل آگاهی . کرشمه : التفات » . ۱۰

آغاز : بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . نظم :

من معترفم که شاهد دل معنی است

لیکن چکنم کـه چشم صورت بین است

قال‌النبی . . . ان‌الله خلق آدم علی صورته . چون بلبلان سرمست وطاوسان شگرف بوی گل شنیدند درترنم آمدند . ۱۵

انجام : جست و جوی خرده‌گیری که از تقصیری در وجود آمده باشد و منازعت را نیز گویند والله اعلم .

[۵۳۳]

۸۸۱ این نسخه شماره ۹ دفتر است وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف تاریخ روز دوشنبه ۵ ذی‌حجه سال ۱۰۰۵ گ ۳۸ب ـ٤۱ الف ودرپایان دارد : «تمام شد اصطلاحات که منسوب است بشیخ شهاب‌الدین سهروردی قدس‌الله روحه العزیز ازبرای بیان ابیات واشعارمولانا جلال‌الدین رومی و خواجه فریدالدین عطار رحمه‌الله وامثال ایشان » . ۲۰

---

۱ ـ ایندرست نیست زیرا سهروردی شهیداشراقی در۵۸۷ وشهاب‌الدین عمرسهروردی در ۶۳۲ درگذشتند مگراینکه سهروردی دیگری باشد . ۲۵

[٤٢٢] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

این رساله درسه فصل باید باشد : «لفظهای مخصوص بمعشوق ـ لفظهای متداول میان عاشق ومعشوق ـ لفظهای خاص بعاشق» مگر اینکه همه اینها را آمیخته با یکدیگر گزارش نمود .

٥ **آغاز** : بسمله وبه نستعین الحمدلله رب العالمین ... امابعد بدانکه ... امام جعفر... دربیان این حدیث که خلق الله آدم علی صورته کشف استار فرموده .

انجام : علف شهوات انسانیت راگویند ... بخاطر رسند محفوظ کردند یاکریم بالحق وبالحق علمنا ... وارنا حقائق الاشیاء کماهی . والسلام .

[٥٣٤]

٨٩٠ این نسخه شماره ٨ دفتراست وبخط تعلیق مورب باعنوانها و لفظها بشنگرف وحاشیه‌هائی دارد بشکسته گ ٣٥ ب ـ ٤١ الف .

[٤٢٣] اصطلاحات صوفیان (فارسی)

دراین رساله یك مقدمه عرفانی است و دو مطلب (١ پنج جهان و شش مرتبه وهفت طور ٢ لفظهای عرفانی پارسی وتازی که گزارش میشود) وبسیارروان وشیوا

١٥ نگاشته شده و واژه های پارسی آن خیلی لطیف تفسیرگردید . کلمه هـا بترتیب حرفهای تهجی ابجدی فراهم آمده ولی نه متداول آن (١) .

١ ـ نمونه‌ای ازاین‌رساله : بنفشه ، نکته راگویندکه ادراك بشری‌بآن راه نبرد وعقده آن بنظر وفکرانحلال نپذیرد ـ بیداری ، عالم صحو راگویند جهت تکمل نواقص . لمؤلفه :

« ز حد شد ناله شبها و بیداری خوش آن روزی
که درکویت کنم خواب اجل درپای دیواری »

٢٠ بوستان ، مقام دل‌گشادگی عارف راگویند اعم ازآنکه بمرتبه و مقامی مخصوص باشد بیت :

دوستان‌دربوستان چون عزم می خوردن کنید
اول از یاران دور افتاده یاد من کنید »

ترسائی ، تجرد و تفرید باطن را گویند درحـالت توجه بحق، از صورکاینات ونسب

٢٥ واضافات . شعر :

«زترسائی غر تجرید دیدم خلاص از ربقه تقلید دیدم »

ترانه ، آئین و راه محبت راگویند بروجهی‌که موجب اشمار بغیرخود بود . بیت :

« مطرب بساز عود که کس بی‌اجل نمرد
وانکس نه این ترانه سراید خطا کند »

[٥٣٥]

۳۲٦ این نسخه یك برك ازدیباچه را ندارد وچنین است آغازوانجام آن : «دربیان الفاظ مفرده معتبره وبسایط کلمات متداوله معتوره که میان این‌طایه از آن مقوله کلمه وکلام را بلسان عربی وفارسی درسلك نظم ونثر آورده‌اند ...
امامقدمه ، ائمه علم توحید وعارفان مراتب اطلاق و تقیید ـ درمقصد اقصای دل وجان ٥
قدسی التقا توانند شد لمؤلفه :

ای دیده چو عزم دیـدار کنی ازاشك ، توغسل نقش اغیار کنی
آلوده، بطوف کعبه، ای‌دیده‌مرو پاکیزه زاشك ، عزم دیدار کنی

خط آن نسخ تعلیق ازمحمد حسن بن ابو الملوك بن خاقان درروز آدینه ۲۷ ذیقعده
۱۲۷٤ وعنوانها ولغتها وعبارتهای تازی، بشنگرف است . ۱۰

(۱۰٦ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ساده مقوائی
اندازه : ۵ر۱۰×۱۷ و ۵ر٦×۱۳ ۱۰

[٤٢٤] اقرب الطرق الی الله (رسالة فی ....) (عربی)

شیخ ولی‌تراش ابو الجناب نجم الدین احمدبن عمر طامه کبری خیوقی (خیوگی)
که‌در ٥٤٠ زاده وبستم مغولان وتاتاردرخوارزم بسال ٦١٨ کشته گردید وازعارفان ۱٥
بزرگوار ایران بوده‌است اودراینگفتارمیگوید که راه‌بسوی‌خداوند باندازهٔ انفاس
آفریدگان‌است وازسه‌راهی که یادمیکند : « راه‌اهل معاملت‌وسنت ، اهل‌ریاضت و
مجاهدت‌وباطن،اصحاب‌سلوك وطیران‌ومحبت‌وجذبت» سومی‌را برمیگزینندواز آن
گفتگومیکندو آنرا برپایهٔ مرك ارادی‌می‌نهد وده‌اصل برای آن یادمیکند : «توبه ،
زهد ، توکل، قناعت، عزلت ، ملازمت ذکر ، توجه بخدا ، صبر ، مراقبت ـ رضا »
در آن پاسخی آورده شده که ابراهیم خواص بابومنصور داده است . ۲۰

آغاز : الطرق‌الی‌الله بعددانفاس‌الخلایق وطریقناالذی‌نشرع فیه‌اقرب‌الطرق الی‌الله واوضحهاوارشد .

انجام : لیس بخارج منها الابزمرته‌المؤمنة ... الولایة والنبوة وافهم (تفهم) .

[٥٣٦]

۸٥٤ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط تعلیق ریز نزدیك ۸۱۳ گ ۷۷ الف ۷۸ب ۲٥
و چنین است :

« بسمله انه هوالمستعان الکریم الحمدلله رب العالمین ... فقال المولی الاجل قدوة الواصلین نجم الملة والدین برهان الطریقه محی السنة ابوالجناب الخیوقی سلام‌الله‌علیه: الطرق - النبوة والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب» در برگ ٧٩ الف نیایشی است بتازی و ٧٩ ب - ٨٠ ب داستان آوردن سیبی سرخ و زیبا برای بایزید و سخنان او

٥ بپارسی .

[٥٣٧]

٨٧١ این نسخه شماره ٤ دفتراست و بخط نسخ وتعلیق محمدعلی بسال ١٣٠١ درمدرسه سپهسالار میرزا محمدخان قاجار گ ٦٨ الف - ٧٤ الف وچنین است : «قال الشیخ السالك العارف نجم الدین الکبری قدس‌الله روحه: الطرق - النبوه نفهم انشاالله

١٠ تعالی وصلی الله علی خیرالانام ... والتحیة والاکرام » .

[٥٣٨]

٨٨١ این نسخه شماره ١ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف گ ١ ب - ٢ ب وچنین است : « بسمله وبه ثقتی الحمدلله رب العالمین ... فقال الامام ... نجم الملة والدین ... ابوالجناب الکبری الخیوقی... الطرق - تاسعها المراقبة وهی الخروج

١٥ عن حولها وقوتها . . . یزول ظلمة امارية النفس مالایزول بثلثین » نیمی از اصل نهم « مراقبت » را دارد وبپایان نمیرسد .

[٥٣٩]

١٠٣٨ این نسخه شماره ٩ دفتر وبخط شکسته تعلیق گ ٧١ ب - ٧٢ الف وچنین است « بسمله الطرق - النبوة فافهم انشاالله تعالی » .

٢٠ [٤٢٥] انموذج الآداب (فارسی)

یکی از عارفان شیعی دراین رساله برصوفیان رد نمود و در آن از اشراقیان وملای روم (٥٣ ب) وسیدعبدالمالی، رونق علی بنگالی، زغال علیشاه ، بنگال ولی روسیاه ، بهمنیار همدانی ، رمز یا هیچ مدانی ، عبدالله بلبانی ، شیخ بدخشانی ، علی حیدرچپلاق ، رحیم علی قنبر ، مستعلی ، سرخیلی ، نورعلی قمبرعلی ، شوربنکی ،

٢٥ شفیع زرابی ، مهدی کهلانی ، شیرربیع ازوانی ، بایزید بسطامی ، منصورحلاج یاد کرد وهمه را «کجرو ودارای چنك و بربط وعود و پیاله نوش باده وحدت وجود وموجود و پیروشیطان» دانست . در (٤٣ ب) از ملامحسن (کاشانی) نام برد .

آغاز ؛ و به ثقتی بسمله و حمد و صلوة اما بعد . پس متکف زاویه گمنامی و رونق بخش اساس بی سرانجامی .

انجام :

با بنده بگو هرچه هوای دل تو است

تا با تو چنـان زیم که رای دل تست ٥

[٥٤٠]

٥٧٥ این نسخه شماره ١ دفتریست دارای دورساله وبخط نسخ (١٣١ گ) میباشد

(همه دفتر ٢٩٨ گ) — کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج ساده مشکی

اندازه : ١٠×١٥ و٥ر٦×٥ر١١ س ١٧

[٤٢٦] **الانوار الجلیه** (فارسی) ١٠

ملاعبدالله مدرس زنوزی تبریزی این رساله را بسال ١٢٤٧ درشرح حدیث « ماالحقیقة » کمیل بن زیاد بروش تأویل صدرای شیرازی آمیخته با فلسفه و عرفان شیعی نگاشته و در آن (١٤٣ الف ـ ١٤٤) از شرح ملاعبدالرزاق کاشی براین حدیث یاد میکند وپاره هائی از آن میآورد . این بزرگترین شرحی است که نوشته شد . زنوزی میگوید که فتحعلیشاه قاجار (١٢١١ ـ ١٢٥٠) درسال ١٢٤٥ بفارس ١٥ که آمد این را ازمن خواست ومن آنرا بنام او وشاهزاده علیشاه ساختم .

آغاز : بسمله جل جلالك وتعالی شأنك . . . اما بعد چون سلطان سلاطین ایران وتوران .

انجام : برازدیاد عمر و دولت و شوکت و سطوت شاهنشاهی دعا نماید . الحمدلله الذی وفقنی علی اتمامه .. والصلوة علی خیر خلقه ... وذریته سنة ١٢٤٧ . ٢٠

[٥٤١]

١٠١٣ این نسخه بخط تعلیق و عنوانهای مطلبها درمتن و هامش بشنگرف نوشتهٔ پسر کربلائی قدیمعلی تفرشی میباشد بسال ١٢٥٠ برك ١ ب ١٥٢ ب .

(١٥٢ گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی

اندازه : ٢١×٥ر٣٠ و ١٢×١٣ س ٢٠

[٤٢٧] انوار حکمت (فارسی)

سید معصومعلی شاه دکنی این رساله را در چند گفتار و هریك در چند بند با عنوان کلمه نگاشته است .

آغاز : الحمدلله الذی نور مصابیح القلوب بانوار حکمته . . . مناجات : الهی بعزت آنهائی (آنانی) که رخش همت درساحت میدان قناعت تاخته‌اند . ٥

انجام : ایضاً کلمه تمام شد (خاتمه تمام) این رساله که موسوم است بانوار حکمت ومتضمن کلام فقرا وعرفا وحکما و ازعیب وتکلف مبرا ومعرا .

[٥٤٢]

٣٥٨ این نسخه شماره ٨ دفتریست دارای ١١ رساله وبخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف میباشد ٥٥ الف ـ ١٦٣ ب .

(همه دفتر ١٧٨ گ) ـ کاغذ ترمه سپاهانی ـ جلد تازه شده

اندازه : ١٤ · ٢٢ و ٩×١٦ س ١٥

[٥٤٣]

٨٦٧ این نسخه شماره ٧ دفتر است و بخط تعلیق عباسعلی بن نعمت‌الله کرمانی احمدآبادی در ٢٠ ج ٢ سال ١٢١٣ گ ١٢٠ ب ـ ١٣٠ ب .

[٤٢٨] بستان المعرفة وطاسین الازل (عربی)

ازسخنان پیچیده ومرموز دانشمند روشن‌بین شهید ایرانی ابوعبدالله الحسین بن منصور حلاج فارسی (٢٤٤ـ٣٠٩) است که بنام طواسین یاد میشود . شیخ ابومحمد روزبهان بن ابی‌نصر دیلمی بقلی فسائی شیرازی عارف (٥٢٢ ـ ٦٠٦) آن را بسال ٥٧٠ دردفترسوم بخش دوم شطحیات بند ببند بپارسی کرد (١) . ٢٠

١ـ بنگرید به : شدالازار ص٧ـ ٢٤٣ـ وکتاب الطواسین حلاج چاپ ماسینیون در پاریس بسال ١٩١٣ ص VI–IV–IX–XIX و ٨٠ و ١٠٥ و ١٠٧ و متن بستان المعرفة و ترجمه پارسی آن درص ٦٩ تا ٧٨ میباشد. طواسین درچاپی ١١ بخش است: السراج ، الفهم ، الصفا ، الدائره ، النقطه ، الازل والالتباس ، المشیئة ، التوحید ، الاسرار فی التوحید التنزیه ، بستان المعرفة ـ درنسخه ما بخشی ازبستان المعرفه هست . ٢٥

دنباله حاشیه درصفحه بعد

[٥٤٤]

این نسخه شماره ١٤ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ٨٥ ب - ٨٧ ب
١٠٣٣ و چنین است : « کتاب بستان المعرفة و طاسین الازل من کلام العالم الغریب
ذی الشأن العجیب قتیل الدعوی خریق المعنی ابی المغیث الحسین بن منصور الحلاج
قدس الله روحه . بسمله و به ثقتی . قال العالم الغریب وقد سئل عن المعرفة ، فقال المعرفة ٥
فی ضمن النکرة مخفیة و النکرة فی ضمن المعرفة مخفیة (برابر باص ٩٦ چاپی) - مصون عن
مصون الفکر الا، اجل مصون فکری ان اصنه . قیل لما صلب کان یقول الهی اصبحت فی دار الرغائب
انظر الی العجائب ... وما احسن فی مثلك ان ینهتك الستر » .

این بود نیمه نخستین این نسخه . در نیمه دوم گفتگوئیکه در نه روز میان حلاج
و ابوبکر شبلی شده میآید و چنین است : « قال ابوبکر الشبلی دخلت علیه یوما فوجدته ١٠
یتکلم بکلام لا افهمه ... مما حفظته انه قال الهی لکل حق حقیقة ... ثم التفت الی وهو یبکی
ویقول من اخذه الحق عن نفسه و اوصله الی بساط السیر فقد علا ...» تا میرسد بپرسشی که
روز نهم شبلی از وی کرد : « قال ثم جئت الیه فی الیوم التاسع و سألته عن التصوف
فقال : هو حال اجراه بنسیم القرب الیه ، و باعد ما سواه ، فلم یوجد الا ایاه . ثم انشد :
مددت الی الرحمن من ناقتی کفی - فخوطب من نفسی النفیسة من نفسی . . . رکبت الیه ١٥
مرکبا کان بحره - لعین عیون الشوق لجته حسی - وهبت نسیم » و بپایان نمیرسد و کم
دارد در برك ٨٥ الف بجای دیباچه بستان المعرفة سرگذشتی کوتاه از حلاج هست با گفتار
ابوسعید ابی الخیر و شبلی درباره او بپارسی و چهار بیت بتازی از حلاج(١) باز در برگهای

دنباله حاشیه صفحه پیش
ابن ندیم در فهرست (نزدیك ٣٧٧) ص ٢٧١ از طاسین الازل یاد نمود ، گروه سالمیان ٢٠
(نزدیك ٣٧٠) که از حلاج میستودند گویا از طواسین آگاه بودند و ابوطالب مکی (م ٣٨٠)
در قوت القلوب و ابن شمعون (م ٣٨٧) و ابن باکویه (م ٤٤٢) گزینندهٔ اخبار الحلاج و قشیری
(م٤٦٥) در تفسیر لطائف الاشارات و هجویری (م پس از ٤٦٦) در کشف المحجوب و سهروردی
شهید (م ٥٨٧) در کلمة التصوف و روزبهان (م ٦٠٦) در تفسیر و شطحیات و عطار (نزدیك
٦٢٠) در منطق الطیر و تذکرة الاولیا و ابن عربی (م ٦٣٨) در فتوحات و ابن نجار (م٦٤٣) ٢٥
و مقدسی (م ٦٦٠) و تلمسانی (م٦٩٠) و جلدکی (م٧٤٣) و جنید شیرازی (نزدیك ٧٩١)
و جیلی (م پس از ٨٢٦) و آلوسی (١٢٧٠) از طواسین بهره بردند یا از آن یاد کردند (ماسینون
ص XI – XXIV) .

١ – چنین است : شاهباز سبك سیر سلطان ابوسعید ابوالخیر فرموده : سجنجل الارواح
نور علی نور حسین بن منصور در غلو حال بوده در عهد او از مشرق تا مغرب عالم کسی مثل او
اینوادی را نه پیموده . شبلی گفت روزیکه او را در باب الطاق بغداد بردار کشیده بودند ٣٠
بی‌تاب شده پس بدرگاه ذوالجلال نالیدم و عرضه داشتم که الهی این بنده‌ای بود از اهل
توحید مکاشف باسرار عشق و مقبول درگاه ، حکمت در اینواقعه چه بود ؟ خطاب آمد که
بقیه حاشیه درصفحه بعد

۸٤ ب و ۸٥ الف بیتهائی چند و نیز ده رباعی از ابوسعید دیده میشود . از گ ۸۸ تاپایان برخی برگها سفید ودر برخی شعرها وسخنان گوناگون آمده است .

از همین بستان المعرفة نسخه‌ای درطوس (ش ۳۸۱ ص ۳٦ ج ٤) هست و تنها آغاز آن مانند چاپی است و چنین انجام میگیرد : « لایعرف القدمی المحدث الفانی » وحلاج درآن السیدالغریب ابوعماره یاد شد .

[٤٢۹] **بیان التنزیل** (فارسی)

شیخ عزیز بن محمد نخشبی (نسفی) فیلسوف عارف ایرانی درروزگار جلال الدین خوارزمشاه (٦۱۷ ـ ٦۲۸) میزیست گویند که در ٦۱٦ بخراسان بود و از مغولان بفارس و ابرقوه گریخت و درهمانسال درگذشت ودر ابرقوه بخاك سپرده شد (۱) او بدرخواست یاران بیان التنزیل را درعرفان نوشت وآن بزرگتر ازکتاب تنزیل وخوردتر ازکشف الحقایق و مانند تنزیل برده اصل میباشد .

آغاز : بسمله بنام خدائی که بود وهست وخواهد .

انجام : و چون بمبدء خود رسیدند باز او بمبدء عام خواهد بود . تمام شد بیان التنزیل بعون وحسن توفیقه والحمدلله رب العالمین .

[٥٤٥]

٤۰٥ این نسخه شماره ۲ ودر برگهای ٤٦ الف تا ۸۱ الف دفتری است دارای ۲۲ رساله وهمه بخط تعلیق با عنوانهای شنگرف میباشد .

(همه دفتر ۱٥۸ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مقوائی ضربی

اندازه : ۱۱ × ۱۷ و ٥ر۷ × ۱۲ س ۱۷

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

یادلف کوشف سر من اسرار نافافشاها فنزل به ماتری . عرض کردم چون کشی خونش هدر است؟ فرمود لادلف من قتلته فانادیته .

للحلاج . انت بین الشغاف والقلب تجری ـ مثل جری الدموع فی الاجفان ـ وتحل الضمیر جوف فؤادی ـ کحلول الارواح فی الابدان ـ لیس من ساکن تحرك الا ـ انت حرکته خفی المکان ـ یاهلالا بدالاربع عشر ـ لثمان و اربع واثنتان . عطار :

لیك اندر قمارخانه عشق — مثل منصور کس نباخت قمار

۱ ـ ازکشف الحقائق او پیداست که اودرسال ٦۷۱ کاهیکه لشکر کفار بماوراءالنهر آمده آنجا را ویران کردند دربخارا بود ودر ٦۸۰ آنرا بپرداخت و در ج ۱ همین سال درشهر ابرقوه فارس بوده است برخی سال مرگش را ٦۱٦ (سال یورش تاتار) و دسته‌ای ٦٦۱ یاد کردند (ش ۹۳٦ ص ۲۲٦ ج ٤ فهرست طوس) .

[٤٣٠] **پاس انفاس** (فارسی)

دانشمند عارف جامی (٨١٧ ـ ٨٩٧) دراین رساله از عرفان سخن رانده ودربارهٔ « حضور ومشاهده خدا » سه راه ذکرومراقبه و رابطهٔ با پیر را یاد کرد.

آغاز : هو. رساله پاس انفاس من منشآت مولاناعبدالرحمن جامی . بسمله و به التوسل. ٥

سررشته دولت ای برادر بکف آر

وین عمر گرامی بخسارت مگذار

....بدان افناك الله عنك وابقاك به که حاصل طریقه...خواجه بهاءالحق والدین المعروف به نقش بند ... وخلفای ایشان ... بعداز تصحیح عقیده وتطبیق آن بعقاید سلف ... واتیان باعمال صالحه واتیان سنن ماثوره واجتناب ازمحظورات ومکروهات ١٠ دوام حضور است مع الله.

انجام : همگنانرا از آنچه نشاید نگاهدارد واز آنچه نباید درپناه خود دارد.

[٥٤٦]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٤١ دفتراست وبخط تعلیق شهاب الدین الحسینی درپنجشنبه ١٧ شعبان ١١٠٤ درروستای فیض آباد خبیص ص ٣٤٩ـ٣٥١. ١٥

[٤٣١] **پند احمد غزالی** (فارسی)

دانشمند احمد غزالی این پند عرفانی شیوا را بدوستی نوشته و اورا « ای عزیزو ای جوانمرد» میخواند. درآن ازاستاد ابوعلی دقاق وابوبکر کتانی ومعروف کرخی یاد میشود.

٢٠ **آغاز** : هو . این وصیتی است که خواجه احمدبن محمدبن محمدالغزالی یکی ازدوستان خودرا خاصة فرموده است ، اگرچه فائده اوعامست ـ بسمله وحمد و صلوة . . . وما امروا الالیعبدالله مخلصین له الدین . و بعد خلق را از برای بندگی آورده اند ، نه برای دنیاپرستی . فرمان نیست که جز ببندگی مشغول باشند.

انجام : ایزد تعالی آن عزیزرا مهبط انوارومنزل اسرار گرداناد ! وازآفات روزگاروغفلات دوردارد ! تاجلیة الحق بعین الیقین بیندو بنهایت کاررسد . بمنه وجوده . ٢٥

[٥٤٧]

١٠٣٥ این نسخه شماوه ١٦ دفتر وبخط تعلیق ص ١٦١-١٦٢ .

[٤٣٢] **تحفهٔ شطاریه** (فارسی)

این رساله درعرفان است ودر سه اصل (محبت دنیا ـ طالب عقبی ـ صفت
٥ طالبان حق) و یك خاتمه . عبارتهای تازی و بیتهای پارسی درآن هست . از حافظ
شیرازی (٢٦٣ الف) درآن یاد میشود .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین ... این رساله وصیت نامه‌ای است ووصیت
آنستکه یکی بیند و یکی داند و یکی گوید و یکی جوید .

انجام : برباد شد رفتارمن . گشتم خجل چون منکسر . الکلام .

١٠ [٥٤٨]

٨٦٧ این نسخه شماره ٢٠ دفتر وبخط تعلیق گ ٢٥٩ ب ـ ٢٦٧ ب و برگهای ٢٦٩
و ٢٧٠ نیز سخنانی است عرفانی .

[٤٣٣] **تحفه العابدین** (عربی)

سیدمهدی طباطبائی حکیم این رساله را درپارسائی وتصوف نگاشته است .

١٥ [٥٤٩]

٩٩٤ این نسخه چاپ چاپخانه ادبیه بیروت بسال ١٣٠٧ است وشماره ٥ ایندفتر ودر
٤٢ ص ازگ ١٢٢ الف تا ١٤٣ ب .

(همه دفتر ١٥٩ گ ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه : ٥ر١٠×٥ر١٧ و ٦×١٥ س ٥ تا ٢٤

٢٠ [٤٣٤] **تحفة العشاق** (فارسی)

درعرفان آمیخته بااخبارشیعی است ازمحمدکریم شریف قمی (گ ٦ب) (١)

١ـ دردیباچه نام کتاب ونگارندهٔ آن یاد شد . پیداست که اوشیعی است ویاد میکند
از : خواجه طوسی و اربعین ومفتاح الفلاح شیخ و مولانا محمد باقر خراسانی که نخست از
صوفیان بد میگفت وسپس درمنبرها و مسجدها آنانرا میستود و از شیخ الطائفة الاثناعشریه
٢٥ صفی الدین و قطب زاهد شیخ ابراهیم گیلانی . درباره رشته سند اجازه وکلاه و خرقه شیخ
صفی بدینگونه از شیخ صدرالدین میآورد : شیخ صفی الدین ، شیخ ابراهیم گیلانی ، شیخ

دنبالهٔ حاشیه درصفحه بعد

ودريك مقدمه (پند و اندرز) و ١٤ باب (توحيد ـ شريعت و طريقت و حقيقت ـ ولايت ـ تصوف ـ عشق عفيف ـ ذكر خفي وجلي ـ صوت حسن ـ فقر ـ كم خوردن ـ تنهائي و اعتكاف وكمخوردن حيواني ـ شال پوشيدن ـ كرامات و خواب ـ شطح وطامات ـ رجال الغيب) قمي اين كتاب را براى پاك ساختن صوفيان از آلايش وحدت وجود وديگرچيزها نوشت وتصوف را باخبرهاى شيعي سازش داد وازسخنان شيخ صفي بسيار آورد .

آغاز : بسمله وبه ثقتي . سپاس وستايش پروردگار كريمي كه حدايق رياض ممكنات را از بيداء ظلمت آباد عدم بصحراء وجود آورد .

انجام : اگر . . . شهرت بين العوام مردد بوده اين ضعفا ارباب بحث نبوده بامباحثه ومجادله رجوعى ندارد . . . وزبان حال و مقال اهل وصول و وصال باين مناجات . . . علي بن الحسين . . . درهمه احوال ناطق وگويا است سبحانك ماضيق الطريق . . . وان تجعلنا من محبيهم ومواليهم بمنك وكرمك الحمدلله . . . وصلى الله على محمد وآله . . . آل طه ويسن .

[٥٥٠]

٣٨٨

اين نسخه بخط تعليق و عربيها بنسخ و عنوانها شنگرف و بيتها گاهى زير خط سرخ وبرخي جاهاحواشي دارد . گوشه پائين ٤ برگ نخستين پاره شده وكاغذى از نو چسباندند وبسيارى ازعبارات آنجا خوانده نميشود .

(٨١ گ) ـ كاغذ فرنگى ـ جلد تيماج سفيد فرسوده

اندازه : ١٩ · ٢٩ و ٥ر١٢ · ٢١ س ٢٣

مانده حاشيه ازصفحه پيش

جمال الدين ابهرى ، شيخ قطب الدين ابهرى ، شيخ نجيب الدين سهروردى ، قاضى وجيه الدين بكرى ، محمد بكرى ، پدراو ، احمد اسود دينورى ، ممشاد دينورى ، شيخ جنيد بغدادى ، سرى سقطى ، معروف كرخي ، داود طائى ، حبيب عجمى ، حسن بصرى ، على ابى طالب ، پيامبر . دراينجا ناگزير ميشود اخبارى را كه دركتابهاى شيعه درنكوهش حسن بصرى آمده است نادرست بداند وخبرهاى كتاب احتجاج را كه دراين باره آمده مجهول بشمارد . حديثهائى ازمجلس ٥١ امالى شيخ درستايش حسن مياورد . درگ ٥٨ب ازعوارف المعارف سهروردى وشرح ديوان ملاميرحسين ومصابيح القلوب ملامحمد حسين كاشفى نويسنده روضة الشهدا و شيخ بهائى ياد ميكند .

[٤٣٥] **ترانهٔ زرین** (فارسی)

از گروه فوثاغورسی (۱) پندها واندرزهائی درباره زندگی اجتماعی وسیاسی

۱ـ فوثاغورس یاپوثاگورس (۵۷۰ـ۵۰۰پ م) فیلسوف ساموسی رهبر گروه علمی ودینی وسیاسی نهانی در کروتن (قروطونیا) نزدیك ۵۳۰ بوده است این گروه مانند دسته‌های ارفئوسی دستور پاکیزه خوئی و نیکرفتاری وپارسائی بکسان خویش میدادند و بجهانشناسی ایونی و دانش ریاضی و طبیعی میپرداختند. اینان دشمن فرمانروایان خودکام (طرانه) بوده از ۵۱۰ با مردم کروتن جنگیده فرمانروائی گرانمایگان خردمند را درآنشهر بنیاد گذاردند و بآرخونها (اراکنه) دستور دادند که کارنامه‌هائی برای جوانان بنویسند و بدانها بیاموزند. زن ومرد بانجمن فوثاغورس میآمده و پندهای او را میشنودند. این گروه تا ٤٦۰ برآن شهر چیره بودند تااینکه میان٤۵۹و٤۵۰ پیش‌ازمسیح مردم شوریده خانه‌آنها راسوزاندند وچهل کس ازآنها بکشتند وبسیاری ازآنها گریختند. گرچه نشانه‌هائی ازجنبش‌آنان درسیراکوز وثبس پس‌ازاین دیده میشد.

اینان تا ایتالیا وسیکیلیا نیزرفته پیروانی پیداکردند. دستهٔ نخستین این گروه تامرك پلاتون بوده‌اند ودومین دسته فوثاغورسیان که نوپوثاگورسی خوانده میشوند تا نزدیك بسده یکم مسیحی میزیسته‌اند. درگروه فوثاغورسی زنان و بیگانگان (بربرها) نیزراه داشته‌اند مانا میخواسنند یك آئین جهانی نه یك کیش شهری بنیاد گذارند.

این بودکه نوکاران را بنام نیوشندگان (نغوشاك = سماعیه) وآزمودگان را بنام یاران (صدیقیه) میخواندند و دستورهای زندگی و برنامه‌کار می‌نوشتند و بآنان میآموختند. بیشترنوشته‌های این گروه ازخود فوثاغورس نیست وساخته پیروان است و از آنها است همین ترانه زرین. فوثاغورسیان میبایستی بهمدیگرکمك کنند و همه گوش بفرمان استاد ورهبر باشند وتنها سخن اورا داور بدانند. کارآموزان میبایست بآزمایش درآیند و درست آشنا شوند و آنگاه بانجمن راه یابند و پیروان بایست درخوراك وپوشاك وسرودها و نیایش از دستور پیروی کنند. کسانی هم بودندکه از بیرون با این گروه وابسته بودند بی‌آنکه بهمه رازها آگاه باشند. این گروه مانند یسوعیان بودند وباطنیان واخوان صفا نیز ازآنان دربسیاری از چیزها پیروی نمودند مانند: انجمن‌نهانی و دستور و کارنامه پیروان و انگیزه بسوی پارسائی و خوشخوئی وگرایش بتناسخ و پرداختن باعداد. چنانکه سرگذشت این‌دوگروه مانند آنها نیز افسانه‌آمیز شده بود.

(بنگرید به: عیون‌الانباء خزرجی ج ۱ ص ٤۰ که سرگذشت آنها را ازگفته فرفوریوس آورد ـ تاریخ فلسفه برهیه ج ۱ ص ۵۰ وآلبرریو و ج ۱ ص۳۲ـ تاریخ

دنباله حاشیه درصفحه بعد

در ۷۱ بیت بزبان یونانی بیادگار مانده که برنامه کار برای پیروان این گروه بوده است. گویا ریشهٔ آنها چکامه هائی بود که شاعران الهی دستهٔ ارفئوسی در سده ۵ سروده وهم درسبك وهم درمعنی بلند وجدی وتند ومانا سرایندهٔ نیکوکاروپاکیزه سرشت و شوریده‌ای آنها را ساخته است (لاروس سده ۱۹و۲۰) گویند این پندها که ترانه زرین (خروساایی (Les vers dorés) (۱) میخوانده‌اند از لوسیس (Lysis) دانشمند سده چهارم پیش‌از مسیح که در روزگار ارخوتاس فوثاغورسی میزیسته است میباشد و از سخنان امپدکلس و سوگند فوثاغورس و گفته‌های هسیودوس وخیرمون و کریسفوس و اندروکیدس و فیلولائوس گرفته شده است. اثیناوس مصری بسال ۲۰۰ مسیحی آنها را میشناخت (دیباچه جاویدان خرد بدوی

مانده حاشیه صفحه پیش

مسائل‌فلسفی‌ژانه‌ص ۹۲۰- B.Brasillach از Antlnologie de la poésie grecque چاپ پاریس ۱۹۵۰ص ۱۰۸ دراینجا پاره ای ازمتن وترجمه فرانسوی ترانه زرین دیده میشود و در لاروس سده ۱۹ هم چند بندی ازاین ترانه هست که تا اندازه‌ای نزدیك بمتن پارسی ونازی میباشد.

ابن ندیم ص۳٤۲میگوید بوثاغورس نخستین فیلسوف‌بوده و نخستین‌بارحکمت‌را فلسفه نامید واوراست نامه‌هائیکه به «ذهبیات» نامبرداراست چه جالینوس آنها را بس‌بزرك میداشته بآب زر می‌نوشت وخزرجی برآن میافزایدکه «رساله ذهبیه» را جالینوس هرروزه میخواند و بدان می‌نگریست (ج ۱ ص۴۳) در کشف‌الظنون (چاپ تازه ص۱٤۷۰و۲۰۱۲) از«وصایاء» فوثاغورس نگارش ابی‌العباس احمدبن محمدبن مروان‌بن‌الطیب سرخسی‌شاگرد کندی و کشته در۲۸٦ که‌ما ناگزارشی‌است ازسرخسی برآن ونیز از «وصایافیثاغورس‌الذهبیة» که برقلس (پرکلس) افلاطونی تفسیرنمود یاد میکند. متن تازی آن درجاویدان خرد (الحکمة‌الخالدة) مشکویه رازی آمده (چاپ بدوی در۱۹۵۲) وخزرجی (ج۱ص٤۱) اندکی‌ازآنرا ازمختارالحکم ومحاسن الکلم ابن‌فاتك آورده است. الیشمن Elichmann آنرا بالغرقابس Kebes بسال ۱٦٤۰ چاپ کرد وگزارش گسترده‌ای ازاینددراسکوریال بشماره ۸۸۸ هست. ترجمه پارسی آن درجاویدان خرد فارسی (چاپ سنگی ۱۲٤٦ یزدگردی = ۱۲۹٤) ودر کنوزالودیعه الی رموزالذریعه (ش ۳۹٤) در نمط سیم پایان دیده‌میشود. پارسی دونسخه ما دردانشنامه (شماره ۱ بنگاه پایدار ۱۵ خرداد ۱۳۲٦ خ ص ۱۸ - ۱۹) بچاپ رسید.

۱— Golden verses - Golden Spruche

ص ٤٤ ـ ٤٨) دانشمندان خاوری نیز ازاین ترانه ها آگاه بوده و آنها را وصایاء ذهبیه (دو نسخه ما) یا رسائل ذهبیه (ابن ندیم) یا رساله ووصیة ذهبیة (اخوان صفا) مینامیدند . حنین اسحق در نوادر الفلاسفه ازسفارش و پندیکه جالینوس آنرا زرین « الوصیةالذهبیة » میخوانده است یاد نمود . اخوان صفا که از جهانشناسی

۵ ریاضی فوثاغورسیان آگاه بوده و در روش کار انجمن نهانی خویش درست ازآنها پیروی میکرده‌اند دردفتر ۱ و ۲ بخش ۳ رسائل سخنان آنها را آورده دردفتر ۳ بخش ۱ ودفتر ۳ بخش ٤ (ج۱ ص ۹۲ و ج ٤ ص ۱۰۰) عبارتی ازهمین ترانه یاد کردند وازسخن آنهاچنین برمیآیدکه این‌ترانه پندی‌است ازفوثاغورس بدیوجانس . صدرای شیرازی درمبدء و معاد ص ۲۳۳ و مظاهر ۲۸۷ همان عبارت را آورد که

۱۰ درترجمه پارسی ما دیده نمیشود . باز اخوان صفا درالرسالة الجامعة (ج۱ ص۳۰ و ۱۷۳ و ۷۲۲ و ج ۲ ص ۳ و ۲۳) ازاینکه ساختمان جهان بگفته فوثاغورسیان برروی شمار گذارده شده یاد نمودند .

[۵۵۱]

۳٤۰ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق ریز خوش نزدیك ۱۲٦۰ گ ٥٦ ب ـ ٥۷ ب .

[۵۵۲]

۱۰۳۵ این نسخه شماره ۱۵ دفتر وبخط شکسته تعلیق ص ۱٦۰ـ این دو نسخه اندکی ازهم جدائی دارند .

[٤۳٦] تفسیر آیه دخان (عربی)

۲۰ این گفتارازشیخ رئیس‌دانسته شده ودرکنارشرح هدایه شیرازی ص ۸ـ۲۹٦ بچاپ رسید و بروش تأویل فلسفی نگاشته شده و از خردهای آسمانی در آن یاد گردید .

[۵۵۳]

۸۷۱ این نسخه شماره ۱٤ دفتراست و بخط تعلیق گ ۱٤٤ الف ـ ۱٤۵ ب (قنواتی ش ۲۰۷) .

[٤٣٧] تفسير «كنت كنزا مخفيا» (فارسی)

این گفتار درشرح این عبارت بالا است که ازحدیثهای قدسی بشمار آوردند وعارفان بیشتر از آن یاد میکنند .

شارح درآغازاشکالی بر آن میکند ومیگوید : خدا از که نهان بود وخواست خودرا هویدا سازد ؟ ازخود اگر نهان بود پس بخود آگاه نبود . دیگری هم نبود که او از وی نهان باشد . ٥

آغاز: بسمله . قال الله تعالی : « کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف » قبل ایجاد العالم والآدم از که مخفی بود .

انجام : سئوال روح انسانی ازنورذات حق بظهور آمد یا ازصفات ؟ جواب بقول بعضی ازنور ذات و بقول بعضی ازصفت جمال و جلال . کماقال قطب الاقطاب ١٠ شیخ نجم الدین الکبری عن سیدالعارفین ابو بکر الواسطی رحمة الله علیهما قال : « تصادم صفة الجمال وصفة الجلال فتولد منهما الروح المحمدی . وصلی الله علی سیدنا محمد وآله . تم بعون الله .

[٥٥٤]

٣٣٩ این نسخه شماره ٣٠ دفتر و بخط تعلیق گ ٨٦ الف ـ ٨٧ ب . ١٥

[٤٣٨] تفسیر « لااله الاالله » (فارسی)

این گزارش عرفانی ازجامی است .

آغاز: بسمله . من طلب البر من الباری فهو مشرك باالباری . عشق دوئی برنتابد قبله گاه وی ذات معشوق است و بس .

انجام : شایسته سرلایزالی نکنی . و الحمدلله وحده . . . یهدی من یشاء ٢٠ الی صراط مستقیم

[٥٥٥]

٨٦٧ این نسخه شماره ١٦ دفتر است وبخط تعلیق گ ٢٥١ الف ـ ٢٥٢ الف .

[٤٣٩] التمهید فی شرح قواعد التوحید (عربی)

این دفتر گزارشی است از صائن یا ضیاءالدین علی ترکه خجندی نگارنده

مفاحص برقواعدالتوحید نیای خویش صدرالدین خجندی (۱) و در آن دو توحید عرفانی و وحدت وجود با برهان منطقی روشن میگردد و همچنین آشکار میشود که روش ریاضت صوفیان و علم شهودی آنان راهی است درست . صدر خجندی مانند اسپینوزاکه فلسفه و اخلاق را بساخت ریاضی درآورده بعرفان ریخت قیاس

۵ ۱ـ خاندان ترکه ازمردم خجند ودانشمندانی شیعی وترک زبان بوده‌اند وچهار تن ازآنها دراینجا یاد میشود :

۱ـ فیلسوف عارف سده هشتم صدرالدین ابوحامدمحمد بن حبیب‌الله ترکه خجندی سپاهانی نگارنده «الاعتمادالکبیر ـ الحکمةالرشیدیة ـ الحکمةالمنیعة ـ قواعدالتوحید وجود مطلق » .

۱۰ ۲ـ نواده او صائن یا ضیاءالدین علی بن محمد بن صدرالدین محمد ، فیلسوف عارف و نگارنده « اسرارالصلوة ـ علم‌الحروف ـ شرح فصوص‌الحکم ـ شرح گلشن راز ـ شرح یائیه ابن‌فارض (م ٦٣٢) ـ شق‌القمر ـ مفاحص » و دو کتاب بنام « نفثة المصدور » در رد دشمنان خویش . او درروزگارشاهرخ میرزا (۸۰۷ ـ ۸۵۰) پسر تیمور گورگان درهرات میزیست وی بدستور او بداوری شهریزدگمارده شد و بتهمت

۱۵ تصوف آزارها بدید ودرسال ۸۳۰ درهرات درگذشت .

۳ـ افضل‌الدین محمدصدر ترکه خجندی سپاهانی ترجمان ملل‌ونحل شهرستانی بپارسی بنام « تنقیح‌الادلة والعلل فی ترجمة کتاب‌الملل والنحل » که درروز یکشنبه ۱۳رجب۸٤۳ درکوی نیماورت سپاهان آنرا بپرداخت گویا برادر یاپسرعم صائن‌الدین بوده است . اورا در ۸۵۰ بفرمان شاهرخ بدار آویختند .

۲۰ ٤ـ افضل‌الدین محمد ترکه قاضی شاه تهماسب صفوی (۹۳۰ـ۹۸٤) که قاضی عسکر صفویان بوده ودر ۹۹۱ درگذشت (عالم‌آرا ص ۱۱۵) .

بنگرید به : ذریعه ج ٤ ص ٤۳٤ ـ ریحانةالادب ج ۱ ص ٤۱۲ ـ دیباچه ترجمه ملل و نحل چاپ تهران ـ پشت برگ ۱ تمهیدالقواعد چاپی گفتار شاهزاده عمادالدوله از«جامع‌الاسرار» سیدحیدر آملی که درآنجا (ش۳٤۱گ۲۳٦) میگوید : «ابوحامد صدرالدین سپاهانی ترکه ازفلسفه بتصوف پرداخت ونگارشهادرآن دارد ازآنهااست

۲۵ «وجود مطلق» که درآن وجود مطلق و بداهت آنرا ثابت نمود وروشن ساخت که هستی چنانکه صوفیان میگویند درخارج هست ودر آغاز آن گفت : امابعد فان تقریر مسئله‌التوحید علی‌النحوالذی ذهب الیه‌العافون ... وبطلان قول‌الطاعنین‌المنکرین (تا س ۳ ص ۲۸ چاپی) ـ درهامش روضات‌الجنات ص ۲۰۲ ازگفتگوئیکه میان خواجه افضل‌الدین محمد شیر ترکه اصفهانی دانشمند امامی با میرزا مخدوم شریفی و مولی

۳۰ میرزا جان باغنوی وابی‌حامدبن نصرالبیان شیرازی درباره روش جبری صوفیان شده یاد میکند .

واستدلال داده است. شارح گاهی از شیخ رئیس وشیخ‌اشراق واز نیای خویش بنام«ابو حامد ترکه» یاد میکند.

[٥٥٦]

٤١٣ این نسخه همان چاپ تهران سال ١٣١٥ است که شادروان میرزا یدالله نظر پاك کجوری آنرا تصحیح وحاشیه کرد (١٤×٥ر٢٢ص٢٣٤جلد تیماج سبز مقوائی) در این دفتر مفتاح مفاتیح الفصوص المسمی بالنصوص از صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی م ٦٧٣ ورساله وحدت وجود حکیم آقامیرزا محمدرضا قمشه‌ای که بفصل نخستین شرح فصوص الحکم قیصری می پیوندد واثنی عشریه منسوب بمحیی الدین اعرابی (٥٦٠–٦٣٨) نیز بچاپ رسید درهامش رساله طریق التصوف محیی الدین است که بدرخواست فخررازی نوشته است وهمچنین مفتاح الغیب (احدیة الغیب) قونوی.

[٤٤٠] جامع الاسرار ومنبع الانوار (عربی)

دانشمند عارف شیعی سید حیدر بن علی بن حیدر عبدلی (عبیدی) آملی بغدادی حلی (زنده در ٧٣٥ تا ٧٨٧) که از آمل ببغداد آمده ودرروزگار فخرالمحققین محمد حلی ونصیرالدین کاشی حلی میزیست وبا آنان آمیزش داشت، ازجوانی در عرفان بروش شیعی دوازده امامی بررسی نموده میان آندو سازگاری داد. او بسیار بمحیی الدین اعرابی میگرائید و اورا رهبر یکتاپرستان مینامید. آملی بدرخواست فخرالمحققین «رافعة الخلاف فی وجه سکوت امیرالمومنین عن الاختلاف» نوشت(١)

---

١ – بنگرید به: مجالس المومنین مجلس٦ – روضات الجنات ص ٢٠٢ – الکنی والالقاب در کلمه آملی – ص١٨١-١٨٣ همین فهرست – آملی «الکشکول فی ماجری علی آل الرسول» دارد و«رسالة الامانة» وچهار تفسیر قران که چهارمین آن بروش تأویل است واینها رابتورات وانجیل وزبور وقران مانند نمود. نیز «جامع الحقایق» و«امثلة التوحید» و«العلوم العالیه» در ٧٨٧ والمحیط الاعظم» در ٧٧٧ و«شرح فصوص یا نص النصوص» که درآن سخنان محیی الدین وشارحان همه‌را بجز درباره وحدت وجود رد کرد. وی دردیباچه جامع الاسرار از«رساله منتخب التأویل» خود که درعرفان است (نیز درگ ٢٦١ب) و«رسالة الارکان» فی فروع شرایع اهل الایمان بمذاق کل من ارباب الشریعة والعرفان که درفقه وعرفان است و«الرسالة التنزیة» خود یادمیکند. میگوید که صوفیان یاپیرو کمیل هستند یاحسن بصری یاصادق ع که همه اینها شاگرد علی ع میباشند(٢ب) بازیادمیکند از: کمیل وبایزید بسطامی وجنید بغدادی (٢٩٢ الف) واز صاحب اخوان صفا وعبارتی ازآغاز دفتر١ بخش٣ (ج٣ص٣–١٨٢) درآن آمده (١١١ الف) واز شیخ رئیس که عبارتی ازاو درباره اینکه نمیتوان بکنه چیزها رسید وخدا

دنباله حاشیه درصفحه بعد

آملی درجامع الاسرار عرفـان را بروش شیعی ثابت نمود و آنـرا « جـامع اسرار» خدا بر روی قاعـده صوفیان وشیعیان نامید ودر آن از سخنان بسیاری از دانشمندان گواه آورد که ازفلسفه بتصوف پرداختند. کتاب دارای سر آغاز ودیباچه ای است دربوشیدن رازها وسه اصل هریك درسه قاعده (۱ درتوحید ۲ سخنان خدا وپیامبران وپاکان وپیران درباره آن ۳ راز دینهای خدائی و دارندگان شریعت و طریقت وحقیقت درهمان توحید) .

آغاز: الحمدلله الذی کشف عن جماله المطلق حجاب الجلال المسمی بالکثرة . . .

مانده حاشیه صفحه پیش
را نتوان درست شناخت آورد (۲۲۸) وهمچنین شعریکه شیخ دردم مرگ میخوانند و درپایان «سرگذشت» نسخه ش ٤٦٩٤/٦ کتابخانه ملی ملك ونسخه ش ۱۲۱٦ ص ۱٦- ۲۲ کتابخانه سپهسالار دیده میشود (۲۳۵ب) ونیز ازمحیی الدین درچندین جا وفتوحات او وفصوص او (گ ۱۰۸ ب و ۱۱۳ الف و ۱۸۵ ب و ۱۸٦ ب) واورا بسیار میستاید ودرباره اوشیخ اعظم میگوید (۲۳۱ الف) نیز ازمنازل السائرین هروی وشرح کاشی (گ ۱۵۵ واز قیصری (۱۸۷ ب و ۱۹۹ ب) وصدرالدین قونوی (۲۰٦ الف) وفخررازی وشعر او: «نهایة اقدام العقول عقال...» ۲۲۲ ب وازاشراقیان ومشائیان (۲۳۰ الف). آملی بسیاری ازدانشمندان را عارف میشمارد ودرباره برخی گوید که ازفلسفه وعلم رسمی برگشتندو بعرفان پرداختند مانند غرالی (۲۳۵ الف و ۱۰۸ ب) وافضل الدین خونجی وافضل الدین کاشانی وعفیف الدین تلمسانی (۲۳٦ الف) وشرح منازل السائرین او (۲۲۳ الف) و صدرالدین سپاهانی ترکه (۲۳٦) وسعدالدین حموی (۱۱۳ الف)

او بسیار باین دانشمندان ارج می نهد وازکتابهایشان نام میبرد: فصول طوسی (۲۳٤ الف ـ ۲۲۸ ب) وآغاز وانجام واوصاف الاشراف او (۲۳۵ الف) ومناهج الیقین ومنهاج الکرامه وشرح النظم علامه حلی وشرح نهج البلاغه صغیر وکبیر کمال الدین میثم بحرانی ومناهج العارفین فی شرح کلام امیرالمومنین الموسوم بالمائة کلمة همو واز استادش علی بن سلیمان بحرانی وازعبدالرزاق کاشی وتأویلات او (۲۳۷ الف و ۲٦۸ الف) وازسمرقندی وطوسی (۱۰۸ الف) درذریعه دنبال کلمه تأویلات (ج ۳ ص ۳۰۸) میگوید که این آملی جز سیدحیدر بن علی نگارنده «الکشکول فیما جری علی آل الرسول» است که در ۷۳۵ نوشته شده وپس ازاومیزیست و نیزجز سید حیدر بن علی بن حیدر مجاز از فخرالمحققین بسال ۷۵۹ میباشد ولی شوشتری درمجالس المومنین «الکشکول» را ازهمودانست. درروضات الجنات مینویسد که آملی جز سید قطب الدین حیدر تونی وفخرالدین حیدر بن علی بن ابی علی محمدبن ابراهیم بیهقی که پسر علامه رسالة النیة را برایش نوشت میباشد .

اما بعدفانی لمافرغت من رسالة منتخب‌التأويل المشتملة على بيان كتب‌الله الافاقية والانفسية .

انجام : اقول ايضا فی آخرالكتاب ماقدقلت فی‌اوله‌لان‌النهايات هی‌الرجوع الی‌البدايات واقطع الكتاب عليه وهوهذا: لقدكنت قبل‌اليوم انكرصاحبی ـ اذا لم يكن قلبی‌الی‌دينه‌دان ـ لقدصارقلبی قابلا كل‌صورة ـ فمرعی‌لغزلان وديرالرهبان ـ وبيت‌الاوثان و كعبة طائف ـ والواح تـوراة ومصحف قران ـ ادين بدين‌الحب انی توجهت ـ ركابيه ارسلت دينی وايمانی (نيز گ ٤ب) . 5

[٥٥٧]

٣٤١ این نسخه بخط نسخ باعنوانهاي شنگرف است ازمحمدكريم‌بن محمدصادق ابهری‌جی وص۱نو نویس است درگ ۱۷۹الف و۱۷۹الف‌حاشیه‌ای‌دارد از «محمد» دو نسخه ازاین کتاب درطوس (۴۳۷و۴۳۸ص۵۹و٦٠ج٤) هست . 10

(۳۲۹۳) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ

اندازه : ۵ر۱۲ × ۵ر۱۹و۸ × ۱۴س۷

[٤٤١] جامع‌الاسرار (فارسی)

نورعلی شاه (محمد علی) پسرمیرزا عبدالحسین پسرمحمد علی رقی طبسی سپاهانی (م ۱۲۱۲ درموصل) شاگرد سید معصومعلیشاه دکنی ویکی از رهبران گروه پیرو شاه نعمةالله‌کرمانی این‌گفتار را بنظم ونثرمسجع درتصوف‌ساخته‌است. 15

آغاز :

سپاس بیقیاس وحمد بیحد مر آن کنزخفا راباد سرمد 20

که‌چون‌روزازل‌زاحببت‌دم‌زد ز خلوتخانه در بیرون قدم زد

انجام :

قید منه تا ننهی پـا بقید صیدمکن‌تانشوی‌خویش‌صید

[٥٥٨]

٣٥٨ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است وبخط تعلیق گ۱۷۰ الف۱۷۱ب وبدینجا پایان میبابد : 25

«عشق‌است‌کلید هرطلسمی بی‌عشق نه‌جان‌بود نه‌جسمی» برابر باص۱۳ ص۹۷ عوارف‌المعارف چاپ چاپخانه مظفری شیراز سال۱۳۱۷خ که همین کتاب بنام بالا (مانند فهرست‌آغازاین‌چاپ) درص ۹۴ـ۱۴۸ آن هست. درفهرست انجام‌این‌چاپ

«کنزالاسرار» یادگردید . نسخه‌ای ازآن درمجلس ش٦٥٤ هست .

[٥٥٩]

٨٦٧ این نسخه شماره ۳ دفتراست و بنام کنزالاسرار بخط تعلیق عباسعلی کرمانی احمد آبادی درهمدان در ۲ ذی‌حجه سال ۱۲۱۲ گ ۶۸ الف - ۹۲ب

[٤٤٢] جامع الکلیات فی الحکمة والعرفان (فارسی)

٥ این دفتررافرزند قطب‌الدین محمدنیریزی(م نزیك۱۱۷۳)ازروی فصل‌الخطاب پدر بپارسی نوشت. وی میگوید که پس از ۱۵ سالگی ٥ سال درفارس و ۱۰سال در نجف ازسخنان پدر بهره بردم و در ۳۰ سالگی این کتاب را نوشتم . اواین دفتر را راکه دارای ۱٤ بیان است در پایان ماه‌شعبان سال ۱۱۸۳ در کربلا نوشته است.

آغاز: بسمله‌حمدوثنا وستایش بلامنتها واجب‌الوجودیراکه‌وحدت‌ذاتش بتحدید

۱۰ قوه نظری درنیاید ... این کتابی است که این کمترین ... ملقب بدعا مطالب آنـرا اقتباس نموده‌ام ازانوار شموس حکمت عرفا .

انجام : زفرزند بهتر ولی آنجهان ـ نباشد امیدی بجز حق بدان .

[٥٦٠]

٨٥٧ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد .

۱۵ **(۷۲گ) کاغذ فرنگی- جلد تیماج مشکی ساده**

اندازه : ۱۴×۲۱ و٨٫٥×١٤٫٥ س١٥

[٤٤٣] جوگ باشست (فارسی)

جوگ باشست Jog Bashishth (Yoga - Vasishtha) گزارشی است ازعرفان هندی و بساخت گفتگوئی میان ریشی واسیشته (RishiVasishtha)

۲۰ وراماچاندرا(Ramachandra) که‌پندت (Pandit) کشمیری(Kashmir) انندن(Anandan) یا «ابهندن Bahandan» گزین نموده ونظام‌الدین پانی‌پتی بدستور شاهزاده نورالدین محمدجهانگیر سلطان سلیم بهادر (۱۰۱٤-۱۰۳۷) در هنگام ولایت عهدی او وبفرمـان جلال‌الدین اکبرشاه هندی (۹٦۳- ۱۰۱٤) در ۱۰۰٦ آنرا ازهندی (سنسکریت) بپارسی درآورد .

۲٥ میرفندرسکی درباره این کتاب میگوید : همچوآ بست این سخن بجهان ـ پاك و

دانش‌فزای چون قران (نسخه ۴۰۰ طوس) وخود بر آن حاشیه نوشت (۳۹۹ طوس)
و فرهنگی برای آن ساخت(۱) . این دفتر در شش باب است . ۱ ـ درسرگذشت
رامچند وبرگشت اوازاینجهان ودلبستن بجهان دیگر ۲ ـ فناوبقاء ۳ ـ یگانگی‌خدا
واین هستی‌های گوناگون که پرتواویند ٤ ـ پیدایش وپایداری اینجهان ٥ ـ گرایش
بخدا ونشگریستن جزاو ٦ تصوف(۲) . ٥

۱ ـ نسخه‌ای ازاین جوگ‌باشست در کتابخانه مجلس (ش۶۵۱ص ٤۱٤ج۲) و
دونسخه درطوس (۳۹۹و۴۰۰ص٤٤و٤٥ج٤) هست ونیز نسخه‌ای درکتابخانه خاوری
دانشگاه اسلامی علیگره (فهرست نسخ قلمی چاپ ۱۹۲۹ بخش تصوف ش۷۰ تاریخ
۱۸۵۰) هست. درمجلس گزیده‌ای است از جوك از فندرسکی (۱۷/ ٦٤۰) و همچنین
رساله‌ای درعرفان‌هندی بنازی(٦۳٤/۲۰)نیز بنگرید به‌فهرست بهار هندج۱ ش۱۰٦ ۱۰
ص ۸۱ .

۲ ـ دردیباچه(گ۱۱) مینویسد: برهمنان بزبان‌دیگر همانسخنان که‌فرزانگان
باستانی درباره یگانگی خداوند دارند میگویند . ونگارنده نخست خدایرا ستوده از
تجلیات اویاد نمود وگفت که خدای درچهار بار جهان‌را بیافرید ودر هریك نموداری
ازاوآشکارگشت‌ونرسنك کشمیری یکی ازآن نمودارها بود ازهستی‌خدا «برهمان» ۱۵
پیدا شد که همهٔ کمالات رادارا وچهار«بید» یاچهار دفتر اززبان اوپدیدآمد ودر هر
بیدی‌خدای‌بخوبی شناسانده‌شد. نموداردیگرخداوند«مهادیو»است که همه«رکهیسر»
ها و کاملان ازاوبهره میگیرندوهستی بخشی کاراوست. پس ازاو پسرش«کهن‌راج»
است وسپس پسر او «سرستی» که مانند رودگنك هر خورد و کلان وهر نیك وبد که
بدرگاه اوروی نهندوخود باوسپارند پاکشان میسازد وبزرگواریست که جمیع‌دیوتها ۲۰
وروحانیان‌نیازدادن استانه اورا سرفرازی خویش‌میدانند. نگارنده آنگاه از«بالمیك
رکهیسر» یاد میکند وازاوکمك میجوید سپس «رامچند» واستادش«بشسته» را می
ستاید تااینکه‌میگوید«بید»هارا«رکهیسران» برزبان رانده وآنها رابمردم آموختند
بازمیگوید که از«کوسلیا» زن‌پارسای«راجه جسرته»نماینده‌ای ازخداوند پدیدارشد
که شاگرد «بشسته‌رکهیسر» شد وبجنك «رکسان» خونخوار رفت وپیروزگشت او ۲۵
آئین«بید» راکه کهنه شده بودتازه‌گردانید وسخنان «بشسته»را بیادگار گذاشت و
درگذشت. دیری‌گذشت«بهرك Bhrigu » شاگرد «بالمیكVarhmiKi رکهیسر»
ازاستادخواست که‌سخنان «بشسته‌رکهیسر»را روشن سازد اوآنرابرشاگردبرخواند.
بهرك‌آنهارا درسی‌ودوهزار «شلوكSloka» نوشت (هریك درچندسرك Saraga)
ومن «نگارنده» همه‌آنهارا درششهزار شلوك درآوردم ودر شش باب Prakarana ۳۰
گذاردم .

(بنگرید بفهرست کتابهای فارسی لندن ص٦۱)

آغاز: اده لنك برم‌حوت مران لنك، بسمله شکروسپاس بیقیاس سزاوارحضرت دادار آفریدگار بی‌مثل و مانند و بی‌همتا است .

انجام : که بالمیك ر کهیسر باشاگردخود بهر که نام‌مشروح گفت ازاحوال‌رامچند که بشسته اپدیس کیان نموده. تمت‌الکتاب بعون‌الله‌الملك‌الوهاب .

٥ [٥٦١]

٢٤٦ این نسخه بخط تعلیق روشن تازه وشماره ٢ دفترمیباشد گ١٠الف ــ ٣٣٠الف چهار بیت درستایش جوك باشست ازفندرسکی درسر آغازدیده میشود وحاشیه های اوهم در برگهای آغاز نوشته شده .

(همه دفتر ٣٣٠) ــ کاغذ فرنگی جلد تیماج سرخ

١٠ اندازه: ١٧×٢٦ و ١٠×١٨ س١٨

[٤٤٤] **الحث علی التصوف** (عربی)

نگارنده این گفتار از کلام وحکمت مشائی و اشراقی نکوهش میکند و روش صوفیان را میستاید .

آغاز: الحمدلله‌الذی خمر بیدی جماله وجلاله اربعین صبا حاطینة‌الانسان .

١٥ **انجام** : فهذه تذکرة لمن شاء ان‌یتخذ الی‌ربه سبلا .

[٥٦٢]

٨٧٠ این نسخه‌شماره٢دفترو بخط نسخ‌محمدعلی کرمانشاهی بتاریخ‌روز ١ محرم١٢٩٦ ودر پایان‌دارد «تمت‌الرسالة فی‌الیوم‌الاول من‌الشهر الاول من‌شهور سنة‌احدی وتسعین بعدالالف‌والماتین‌من‌الهجرة‌الاحمدیة‌علیه‌الاف‌ثناءوتحیة» گ٢٩ب ــ ٤٠ب.

٢٠ [٤٤٥] **الحث علی الذکر** (عربی)

ابن‌سینا دراین گفتار کــه دردکن بسال ١٣٥٣ بچاپ رسید از اینکه رهروان بایستی بیاد خدا باشند گفتگو نمود .

[٥٦٣]

٢٥ ٨٧٦ این نسخه شماره ٩ دفتر و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب پنجشنبه (ع ١ سال ١٣٠٦) گ ٧٥ب ــ ٧٦الف‌میباشد قنواتی درش٢١٦ بهمین نام ودر٢٢١ بنام الخلوة ازاین گفتار یادنمود ودرانجام ایندو یکی نیستند .

[٤٤٦] **حقایق** (فارسی)

این دفتر عرفانی ازنورالدین شاه نعمة‌الله ولی کرمانی (نزدیك ٧٣٠ ــ نزدیك

۸۲۸ بیش از ۷۵ سال) میباشد(۱) .

آغاز: بسمله اعلم ایدناالله وایاك که باعلایق وعوایق خلایق سراپرده حقایق ذاتیه ازتتق رقایق صفاتیه .

انجام: گوبیا سوی ما که اومائیم . والله یدعوالی دارالسلام و یهدی من یشاءالی صراط مستقیم وصلی الله علی محمدو آله اجمعین الطیبین الطاهرین . ۵

[٥٦٤]

۱۰۸۹ این نسخه شماره ۳ دفترو بخط تعلیق حسن نقدیسی در تاریخ ۱۶ ج ۲ سال ۱۳۵٦ (۲ شهریور ۱۳۱٦) میباشد گ ۳۲ ب ـ ۳٤ الف .

[٤٤٧] **الحکمة العلویه یا فصل الخطاب** (عربی)

۱۰ این نگارش عرفانی شیعی ازقطب الدین محمد نیریزی (م نزدیك ۱۱۷۳) وبنظم ونثر آمیخته باخبرهای شیعی و آیتهای قران ودر ۱۲ تحمید میباشد(۲) در

---

۱ ـ این دانشمند عارف گویا دراستنادسخنان بگویندگان چندان دقتی نمیکرد چنانکه دررساله النکات (رسائل اوچاپ ارمغان در ۱۳۱۱خ ص۱۲۱) میگوید : قال رسول الله «من فقدحسا فقدعلما» بااینکه فیلسوفان این سخن رااز ارسطودانستند. برای نگارشهای او بنگرید بفهرست طوس ج٤ ص٤ ـ۱۰۳ ش۵۷۷ تا ۵۷۹ . ۱۵

۲ ـ نیریزی دراینجا ازفیلسوفان بسیار خرده گرفت وشعرها دراین باره سرود (گ ۱۳ و ۸۳) وخواندن کتابهای فلسفی مانند اشارات وشفا وحاشیه قدیم شرح تجرید وشرح مطالع را بیهوده پنداشت (گ ۸٤) ونیز پس از بی پایه دانستن اندیشه فلسفی گفت: «ومنطقهم لن یعصمن عن الخطا ـ ولیس بمغن بل اساس الخطئیة ـ وهم اسسوا اذاك الاساس لمسجد ـ ضرار بنوا الا بالعقول الرزینة ـ وانی بنطق العارفین مؤسس ـ لکم منطقاً للحکمة العلویة (گ ۱۰۹ ـ ۱٤٦ ـ ٤۳ ـ ۷۲) اوپس ازیاد کردن مطلبهائی بنظم وآوردن خبرها وآیه ها بنثر می نویسد . ۲۰

در تحمید ۱۲ ازعارفان گذشته ودانشمندان روزگار خویش ونوشته های عرفانی آنها یاد میکند :

۲۵ خواجه طوسی (اوصاف الاشراف ـ انوارالحکمه ـ آغاز وانجام) ـ بابا افضل نامقی ساوجی کاشی (حسن بن محمد «احمد» هامش گ ۷۱ ـ دائی طوسی) ـ دوانی (رساله های پایان زندگی ورباعیات) و علامه حلی (منهاج الکرامه ـ شرح تجرید) ـ ابن ابی جمهوراحسائی (مجلی المرآت ـ غوالی اللئالی) ـ علی بن هلال استاد ابن ابی جمهور ـ سیدحیدر بن علی بن حیدرحسینی آملی (المحیط الاعظم والبحرالخضم ـ جامع الاسرار ومنبع الانوار) ـ شیخ زین الدین عاملی (اسرارالصلوة ـ منیة المرید) که شهید اول را ۳۰

دنباله حاشیه درصفحه بعد

آغاز فهرست تحمیدها آمده است .

آغاز: حمدت اله العالمین بوحدة ـ حقیقیة ذاتیة ازلیة... و انوار هذا النظم من لمعاتها فسمیته بالحکمة العلویة و لقبته فصل الخطاب لانه سیفصل بین الحکمة النبویة . ومن بعد حمدالله قال محمد ـ یحاسب من خدام اهل الولایة ... ویدعی بقطب الدین .

---

۵ مانده حاشیه صفحه پیش

از ابدال شمرد ـ نویسنده مصباح الشریعه که همه آن از گفتار صادق ع است ـ حافظ رجب برسی (مشارق الانوار) ـ دامـاد (جعلیه ـ خلسه ملکوتیه) در پایان زندگی و پس از برگشت از روش فلسفی ـ شیخ بهـائی استاد شاه محمد دارابی استاد نیریزی (۱۰) (نوشته‌ها ومثنویهای عرفانی) که از درویشان و عارفان شده پیرو شیخ مؤمن مشهدی شاگرد شیخ محمدعارف گشت ـ شیخ علی اصطهباناتی استاد نیریزی که از پیروان بهائی بوده است (نیریزی در اینجا از طومار گروه ذهبی کبروی رضوی یادمیکند و میگوید که آن بشیخ محمدعارف پیر پالان دوز رسید واودرطوس صومعه‌ای داشت و در آنجا در پائین خیابان درضلع شمالی بخاک سپرده شد. این طومار ازاو بشیخ حاتم زراوندی و (۱۵) ازاو بشیخ محمدعلی مؤذن امام رضا وعارف نویسنده « تحفه عباسیه » در سیر وسلوك برای شاه عباس وازاو بشیخ نجیب الدین رضای تبریزی وازاو بشیخ علی نقی اصطهباناتی استاد نیریزی رسیده است. رشته پیران اصطهباناتی تا بامام رضامیرسد. این طومار نزد نیریزی بوده ومیگویدکه از این گروه دراین کتاب یادخواهم کرد) ـ شیخ احمد بن فهدحلی (عدة الداعی ـ التحصین فی صفات العارفین) ـ ابن طاوس (کتابهای دعا) ـ (۲۰) شیخ حر (الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه) ـ مولی احمداردبیلی (در برخی از کتابها و آیات الاحکام در تفسیر الذین یتفکرون فی خلق السموات والارض ـ نیریزی میگوید: فصلی که درحدیقة الشیعه دررد صوفیان آمده ازملا معز اردستانی دشمن صوفیان است که در آن ازحدیثهای ساختگی خود آورده است وشاه محمددارابی درمعراج الکمال داستانی ازاین مرد یاد کرد) ـ سیدمحمد عارف (معارف الهیه ـ العروة الوثقی ـ حظیرة القدس ـ (۲۵) لطائف غیبیه ـ شرح قبسات ونقویم الایمان داماد ـ نیریزی اینهارا ندید) ـ محمدباقر سبزواری (روضة الانوار که برای شاه عباس نوشته شده) ـ عبدالرزاق لاهیجی (مکارم الاخلاق) ـ مولی حسن گیلانی ـ شیخ حسن سکاکی (تعلیقات) ـ صدرای شیرازی استاد استاد نیریزی (اوبسیاری از نوشته‌هایش را که برخی بخط او بود داشت ومیگویدکه درزمان اوفیلسوفان بسیار بودند واو ناگزیر بزبان آنها وبروش منطقی فیلسوفان و (۳۰) متکلمان مسئله‌های عرفانی را نوشته است) ـ مولی محسن کاشانی که صد کتاب نوشته وبازپسین آنها «حقائق» است کـه تاریخ آن «ختمنا = ۱۰۹۱» میباشد (تاریخ آن

دنباله حاشیه درصفحه بعد

انجام : وذارحمةالرحمن عنداولی‌النهی- ومستندالرحمن عندالهدایة.

[٥٦٥]

٣٦٤ این‌نسخه شماره۳ دفتر وبنسخ درنظم و بشکسته تعلیق درنثر میباشد. گ ۸ الف - ۱۷۰ ب.

[٤٤٨-٤٥٠] **حورائیه** (فارسی) ٥

ابوسعید ابوالخیر میهنی عارف (۳۵۷-٤٤٠) این رباعی‌را سروده است:

حورا بنظاره نگارم صف زد رضوان زتعجب کف خود برکف زد

یك‌خال‌سیه بر آن رخان‌مطرف‌زد ابدال زبیم چنگ درمصحف زد(۱)

وسه گزارش بر آن نوشتند که دراینجا هست :

۱ - خواجه احرار عبیدالله فرزند محمود چاچی (م ۸۹٥) بر آن گزارشی ۱۰ نوشت که دردنبال اسرارالتوحید درپترسبورگ بسال۱۳۱۷ (۱۸۹۹) وازروی آن درتهران بسال ۱۳۱۳ خ بچاپ رسید. درفهرست کتابخانه مدرسه فاضلیه طوس (ش ٦۰ ص۳۳) نیزاز نسخه‌ای یاد شد.

---

۱ - چون بوصالح مقری شیخ ابوسعید بیمار و بستری شده بود بوسعید بشیخ خواجه ابوبکر مؤدب فرزندان خویش دستورداد که نوشت‌افزارآورد واین رباعی را ۱٥ براوخوانده واونوشت تابوصالح را افسونی باشد. همینکه آنرا نزدش بردند وبروی زدند همانم بهشد وبیرون آمد (اسرارالتوحید ابن‌منور چاپ پترسبورگ ص۳٦۰)

این رباعی راگزارشی است ازشیخ آذری علی‌حمزة بن علی‌ملك بن حسن‌طوسی سربداری بیهقی (۷۸٤-۸٦٦) عارف شیعی وشاگرد شیخ محی‌الدین طوسی‌غزالی و سید نعمةالله که دوسالی درمکه وچندی درهند بزیست وسرانجام دراسفراین بمرد. در ۲۰ «جواهرالاسرار منتخب مفتاح‌الاسرار»ازهمین حمزه طوسی‌آذری المنسوب الی‌احمد بن محمدالزمجی‌الهاشمی‌المروزی که در ۸٤۰ گزین شده‌است درسرهشتم فصل‌دوم در بیان‌اسرار کلام منظوم مشایخ ازباب سوم این گزارش دیده میشود (چاپ‌شده بااشعة- اللمعات جامی ودو رساله نسفی بسال۳-۱۳۰۲ ص۳۲۹) مگر اینکه نمیگوید که این رباعی از کیست. ۲٥

مانده حاشیه ازصفحه پیش

۱۰۹۰است- ذریعه ج۷ص۲۸) اودرنوشته‌های خویش‌حدیثها راگزارش نمود ودیوان بزرگ اوبنام (گلزار قدس) نزدنیریزی بوده‌است. فیض شاگرد شیخ مؤمن مشهدی شاگرد شیخ‌محمد عارف میباشد. شیخ علی‌نقی استاد نیریزی نیز از پیروان اوبود - آقا محمد سعیدبن محمدمفید قمی (شرح توحید صدوق).

آغاز: بسمله... الحمدلله الذی جعل قلوب العارفین مرآة جماله... بدانکه این فقیررا بسی شغف می‌بود بدانستن معنی رباعی... ابوسعید.

انجام: که محب را هیچ چیز (لذتی) بهتر از ملاقات محبوب نباشد. تمت الرسالة الشریفة.

٥ [٥٦٦]

١٠١٥ این نسخه شماره ٣٤ دفتری است دارای بیش از ٤٦ رساله و بخط تعلیق میباشد گ ١٠٥ ب–١٠٨ ب. آغاز نسخه چاپی چنین است: «بسمله الحمدلله فیاض الحکم والمواهب... بدانکه این فقیررا بسی شغف میبود...» واندکی با نسخه ما جدائی دارد.

١٠ (همه دفتر ١٧٧ برگ) – کاغذ سمرقندی – جلد تیماج سرخ مقوائی ساده
اندازه: ١٢×١٧و٨×١٢،٥ س ١٧

٢ – گزارشی است آمیخته که در آن ازمعراج بروش عرفانی گفتگو شده و تأویلی صوفیانه برای آن یاد گردید و هیچ نوشته نشده که رباعی از کیست.

آغاز: بسمله حمد بی‌غایت وثنای بی‌نهایت حضرت کبریائی واجب الوجودی را

١٥ که جناب قدس هویت جلالش از ادراك افهام مقدس است... بعد باشارت الرفیق ثم الطریق برفاقت روح الامین درشب معراج سلطان تاجداران ممالك رسالت... از غربت بوطن مراجعت فرمود.

انجام: و گفت قف یا محمد فان ربك یصلی یعنی که ابدال زبیم چنگ درمصحف زد. تم بحمدالله.. والصلوة علی سید ابنیائه واکرم احبائه.

٢٠ [٥٦٧]

١٠١٥ این نسخه شماره ٣٤ دفتر است بخط تعلیق و بنام «رساله حورائیه نوریه»(٢) و در پایان دارد: «تمام شد شرح حورائیه نوریه. والسلام» گ ٥٦ ب–٥٧ الف.

٣ – میرحسین بن معین الدین میبدی یزدی (م ٩١١) نیز براین رباعی گزارشی نگاشته است.

---

٢٥ ١ – شاید این گزارش از نورالدین شاه نعمة‌الله کرمانی (٧٥٢–٨٢٨) یا سیدمحمد نوربخش بن محمد بن عبدالله قطیفی لحصاوی قاینی (٧٩٥–٨٦٩) باشد مگر اینکه نشانه‌ای یافت نشد که هیچیك ازایندو را برساند.

آغاز: منسوب است به هادی مقامات سلوك مير شيخ ابوسعيد ابو الخير قدس سره «حورا بنظاره نگارم صف زد» يعنی خوبان بهشت كه مجاوران عالم عقول و نفوس فلكيه اند بنظاره آدم كه نفس ناطقهٔ انسانيست صف زدند.

انجام: ابدال از ترس عصيان . . . متمسك شوند بقران ومتابعت خاتم الانبياء صلوات الله عليه و آله. ٥

[٥٦٨]

١٠٣٨ اين نسخه در برگ ٩٦ الف دفتر و بخط تعليق با نشانه‌های شنگرف ميباشد و در پايان دارد:

« در تذكره شيخ ابوسعيد رحمة الله ديدم كه استاد ابوصالح كه مقری شيخ بوحسنه بود و شيخ خواجه ابو بكر مؤدب را كه اديب فرزندان شيخ بود بخواند و فرمود كه از جهت ابوصالح حرزی املا ميكنم بنويس و اين دو بيت املا فرمود و خواجه ابو بكر بنوشت و نزد صالح برد و بر بازوی او بست در حال صحت يافت ــ فوايد امير حسين ميبدی» ١٠

[٤٥١] خصائص المحبة (فارسی)

عبد الصمد همدانی در اين گفتار عرفانی از دوستی گفتگو مينمايد.

آغاز: الحمد لمن هواه فی هوای . . . شكسته بسته است از بنده جانی عبد الصمد همدانی كه بخواهش برادری از برادران روحانی تسويد يافته. ١٥

انجام: لما كلفك عمل غد ، فلا تطلبنی رزق غد.

[٥٦٩]

٨٦٤ اين نسخه شماره ٥ دفتر و بخط تعليق محمد تقی بن محمد بسال ١٢٥٣ ميباشد گ ١١١ ب ــ ١٢٢ الف. ٢٠

[٤٥٢] خليليه (عربی)

اين گفتار در انسان كامل و پرستش و نفسهای گوناگون و برخی از اصطلاحات عرفانی است . سلطان المرشدين الحسين الشالی الاخلاطی آنرا برای خليل الله الشالی شاه شيروان نگاشته است.

آغاز: بسمله رب يسر و اعن و اختم لنا بالحسنی . الحمد لله الذی اختار من الموجودات الانسان . . . فهذا كتاب جمعت فيه اطوار الكمل من المجمل و المفصل. ٢٥

انجام : لاعاذل لعادل . لاراحم لظالم . لاجار لمن جار .

[٥٧٠]

۳۳۹ این نسخه شماره ۳٦ دفتر و بخط تعلیق نصیرالدین حسین الحرالحسینی ج ۱ سال ۱۰۷٦ میباشد ك ۱۱۳ ب - ۱۱۸ الف .

٥ [٤٥٣] **در تحقیق چشمه زنجبیلی و کافوری** (فارسی)

دراین گفتار از «کأس کافوری و زنجبیلی» که دردو آیه ٥ و ۱۷ سوره ۷٦ (هل اتی) (۱) آمده بروش عرفانی بررسی میشود و گویـا ازجامی باشد و بنظم و نثر مسجع است .

آغاز: بسمله . پناه میجویم بذات مستجمع جمیع صفات کمال ازگزندقیودامکانی.

۱۰ **انجام** : که تفسیر و تأویل نه حدهرجهول وظلوم است . اللهم اغفرلنا ... برحمتك ونصرتك یا ارحم الراحمین .

[٥٧۱]

۸٦۷ این نسخه شماره ۱۳ دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف گ ٥۹ الف - ۲۰۳ ب میباشد .

۲۰ [٤٥٤] **ده قاعده** (فارسی)

این گفتار درسیر وسلوك رهروان عرفان است وازسیدعلی عـارف همدانی(۲) . نسخه‌ای ازاین درمجلس (ش۲/٦۱۰) هست .

آغاز: رساله ده‌قاعده سیدعلی همدانی قدس سره . بسمله وبه نستعین . حمد و

---

۱ - ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا - ویسقون فیها کاسان مزاجها

۲٥ زنجبیلا .

۲ - عارف دانشمند پارسای شیعی سیدعلی فرزندشهاب فرزند محمدهمدانی(۷۱۳ - ۷۸٦) شاگردائی خودسید علاءالدوله در کودکی وپیروشیخ شرف‌الـدین محمودبن عبدالله مزدقانی و تقی‌الدین علی دوریستی کتاب اسرارنقطه وذخیره و شرح اسماءالله وشرح فصوص‌الحکم ورساله واردات دارد وبرقصیده خمریه میمیه ابن‌فارض گزارشی

۳۰ بنام «مشارب‌الاذواق» نگاشته‌است. اودرآنورآمویه بزیست و درختلان آرامگاه او است . وی میگوید که پدرم فرماندار همدان بود و ازدرباریان . از اینروی من‌بکار های او ارجی ننهاده بودم . در طوس از دو رساله فارسی عقلیه و منامیه او یاد شد (ش٦۷٦و٦۹۸ص۱۳٦ و۱٤٤ج٤) (مجالس‌المومنین شوشتری وریحانة‌الادب) .

[٥٧٢]

ثنای نامتناهی پروردگاری را .

انجام : واز لذت حلاوت میوه حکمت وولایت محروم مانده . جعلناالله وایاکم ممن سعد بطاعته . . . والسلام علی من اتبع الهدی تمت الرساله .

١٠١٥ این نسخه شماره ٣٢ دفتراست وبخط تعلیق گ ٩٠ ب ـ ٩٥ الف . ٥

[٤٥٥-٤٥٦] **الذکر (فی...)** (فارسی)

دو گفتار کوتاه درذکر وورد وبروش عرفان شیعی میباشد .

آغاز: لابد من اموراربعة : التوبةمن جمیع المعاصی والعهد مع الشیخ یعنی امتثاله من اوامره ونواهیه والـذکر والفکر . . . سه مرتبه توحید بر ارواح ائمه طاهرین واستادان سلسله وبعداز آن زیارتین علیهما السلام تمت علیکم السلام والتوفیق ـ ١٠ بجهت کشف علمی الاتی چند قرارداده‌اند ذکر وفکرومراقبه ورابطه .

انجام : صاحب العصروالامر والزمان صلوات الله وسلامه علیه وعلیهم اجمعین علویه اجمالیة یا علی یا ایلیا . . . کلمه جبرئیل لافتی الاعلی سرمکنون اسم حضرت ولایت است .

[٥٧٣-٥٧٤] ١٥

٣٥٨ این نسخه‌ها شماره ٦ و٧ دفتری‌است دارای ١١ رساله و بخط تعلیق گ ١٥٣ ب ـ ١٥٤ ب .

[٤٥٧] **الرحمة فی اختلاف الامة (رسالة...)** (عربی)

ازدانشمند رکن الحق والدین محمدبن علی بن محمدفارسی گرگانی استرابادی (م نزدیك ٧٧٠) که چند کتاب طوسی مانند اساس الاقتباس واخلاق ناصری واوصاف ٢٠ الاشراف وفصول وقضا وقدررا بتازی در آورد. اودر این رساله ازافلاطون وارسطو وعلم الهدی وغزالی واحیاء ومشکاة الانواراو ونجم الدین دایه رازی و مرصادالعباد اویاد میکند ودرباره حجب الهی ازمشکاة ومرصاد میآورد ودر پایان میگوید که من این رازها رابی آنکه بدفتری بنگرم نوشته‌ام . اواین نگارش‌را درپایان محرم ٧٢٠ پس ازاینکه دوبـاره در آن نگریست وبر آن افزود وازآن کاست وسامانی ٢٥

بدان داد و پاکیزه‌اش ساخت بانجام رساند .

[٥٧٥]

٣٣٩ این نسخه شماره ٢٤ دفتر است و بخط تعلیق گ ٧٩ب و بندی است از کتاب گرگانی وچنین است: « فائدة لاخفاء عنداهل الیقین انههنا مهیة مرکبة من

٥ جوهرین متضادین احدهما جوهر روحانی نورانی یسمی بالنفس العاقلة والثانی جوهر جسمانی ظلمانی یسمی بالبدن ـ فلیت شعری مااسم المرکب منهما» گرگانی دراین بند ازرای افلاطون که انسان تنهاجان است ورای ارسطو که همجان است وهم تن وسخن متکلمان که تنها تن‌است یادنمود . این بند در نسخه‌ش ١٠٢٢/١٢ دیده نمیشود .

[٥٧٦]

١٠ ١٠٢٢ این نسخه پاره‌ایست ازباب نخستین و باب‌دوم وخاتمه‌رساله وشماره ١٢ دفتر است وبخط نسخ سیدحیدر آملی که در نجف (مشهد غروی) در روز یکشنبه ٣ ذیقعده ٧٦٢ نوشته است و بانسخه خط گرگانی برابر نمود . آغاز وانجام چنین است : «و کمال السبب یستلزم المطلوب . هذافی القابل. و اما بالنسبة الی الفاعل فلما علم ان کمال الفعل بحسب کمال القابل و نقصانه بنقصانه اذلا نقصان من جهته . ـ وعرض اعمال البرایا

١٥ والنشر ولمثلی قبلی. شعر : و من یك ذافـم مرمریض ـ یجدمراً به الماء الزلالا. فرغ مصنفها الملتجی الی الحرم الغروی ... محمدبن علی بن محمدالجرجانی عن معاودة فکرة فیها بعدوضعها وزیادتها و نقصها و ترتیبها و تهذیبها فی سلخ محرم سنة عشرین وسبعمائة الهجریة حامدا ومصلیا ومستغفرا» گ ١٩٩الف ـ ٢٠٩ب ـ در گ ١٢٨ و ١٢٩ فهرست نگارشهای گرگانی دیده میشود ودرآن از« رسالة الرحمة فی اختلاف الامة و « رسالة

٢٠ الدرالثمین فی السرالدفین» اویادشد . خودگرگانی هم درپایان همین کتاب درچند جا آنرا رساله میخواند وازاختلاف امت هم درآن بحث میشود .

[٤٥٨] رساله در تجلی خداوند بر کوه طور (فارسی)

این گفتار درحل مسئله تجلی خداوند درطورسینا است بروش عرفانی وحروفی ازساطان محمد سپاهانی (بنگرید به ص ٢٦٥ همین فهرست) .

٢٥ آغاز: (هو تجلی حضرت کلیم‌الله درطورسینا کنایه برحکمت است . . . معدل باشد)حل‌عبارت مزبور که ازنتایج افکار آصف جم‌اقتدارسلطان محمد است.تجلی واجب‌الوجود برحضرت کلیم‌الله در طور سیناکنایه برحکمت است . در اینجا کنایه است برآنکه اجساد واجرام خصوص جرم‌خاك‌را استعداد رؤیت ازلی‌وتاب تجلی سرمدی نیست .

٣٠ انجام : بترقی حرف رابع . مرد باید که بوتواند کرد ورنه عالم پر از نسیم

صبـا است .

[۵۷۷]

۱۰۳۸ این نسخه‌در برگ ۶۶ب- ۱۶۷الف دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌های شنگرف است
ودر پایان باز همان عبارت دیباچه با اندك جدائی آمده‌است : (هو ایضا تجلی
حضرت کلیم‌الله درطور سینا کنایه برحکمتی است ـ زحل‌معدل باشد . اسرار برون‌می ۵
نتوان داد ــ وگرنه در کوچه هست خبرها زشررها) .

[۴۵۹] رسالهٔ عرفانی (عربی)

دراینگفتار فلسفی وعرفانی از فرشته وجهان آفرینش وخرد بروش عرفانی
بررسی میشود .

[۵۷۸] ۱۰

این نسخه شماره ۱۰دفتر و بخط شکسته تعلیق تاریخ ۱۰۴۰ میباشد وچنین است
۱۰۴۶ «المخلوطة الماخوذة من الحس وان فارق المحسوس الروح الانسانية لم يبعدان
يكون تعالى مرئياً بعدالقيامة من غيرتشبيه ولاتكيف ولا بمسامتة ولامحاذاة
تعالى عما يشركون» گ۱الف وب چهارفصل آخر این رساله دراین نسخه‌هست وپاره‌ای
ازفصل پیش‌از آنها . ۱۵

[۴۶۰] رساله عرفانی (فارسی)

این گفتار کوتاه نیز درعرفان است .

آغاز: بسمله . قال رسول‌الله من قال لااله‌الاالله خالصاً مخلصاً دخل الجنة .
چون همه اواست غیراو نیست .

انجام : وباین یقین واصل گشت . فالحمدلله رب‌العالمین . . . واله‌اجمعین . ۲۰

[۵۷۹]

۱۰۱۵ این نسخه شماره ۲۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ۵۱الف ـ ۵۲الف .

[۴۶۱] رساله عرفانی (عربی)

در این رساله عرفانی و تأویلی از احیاء العلوم و کیمیاء سعادت یادمیشود و ۲۵
نگارندهٔ آن گوید که در بامداد شب پنجشنبه دهه یکم جمادی‌دوم سال۸۱۶ محیی
الدین‌را درخواب دیدم (۱۱۳الف). رستاخیز جسمانی‌در آن تأویل میشود وعبارتی
بپارسی در آن هست (۱۱۱الف) .

آغاز: بسمله . اعلم ان امور الاخرة ليست كما زعم الجهال . فانها من عالم الامر والغيب والملكوت . ٣٠

انجام : ای له جهة حسن الارتكاب فيه هی وهبا والله اعلم به . تمت

[٥٨٠]

٣٣٩ این نسخه شماره ۳۵ دفتر و بخط تعلیق است گ ۱۰۳ الف - ۱۱۳ الف.

٥ [٤٦٢-٤٦٩] **رساله‌های کرمانی** (فارسی)

گویند که نورالدین شاه نعمة‌الله ولی حلبی کرمانی (نزدیك ۷۳۰ - ۸۳٤) ۳٤٠ نگارش داشته و از آنها ۱۱٤ رساله را برگزیده و پسندیده بود. در نسخه ش ۵۷۷ طوس ۹۱ رساله و در ش ۵۷۸ آنجا ۳۷ رساله و در ش ۵۷۹ همانجا ۱۱ رساله هست و ۱۳ رساله او در چاپخانه امغان تهران بسال ۱۳۱۱ خ بچاپ رسید در جنگ شماره ٤٣٢

١٠ این کتابخانه نیز هشت رساله هست که باید همه ازاو باشد :

۱ - رساله تحقیقات (Add 16/837XV I ج ۱ ص ۸۳۲ ب فهرست فارسی موزه بریتانیا) .

آغاز: الحمدلله الذی خلق الانسان علی صورته لخلافته وجعل عینه مرآة عینه بشهرته . . . اعلم ان للتوحید لجة وساحلا. فالساحل یعلم واللجة یذاق ... چه تحقیق

١٥ توحید از تحریر منشی دیوان عنایت و تقریر مدرس مدارس استعارت مستفاد نگردد.

انجام : وازین سبب بود که واقع شد تحویل و تبدل درصور عیون بشر. عباراتنا شتی وحسنك واحد - وكل الی ذاك الجمال يشير . تمت الكتاب

[٥٨١]

٤٣٢ این نسخه شماره ۱۰ دفتری است دارای ۹ رساله وهمه بخط نسخ یکنواخت تاریخ ۱۲۸۹ ازمحمدعلی کرمانشاهی که برخی از آنها بچاپ رسیده وروی نشانه‌های نسخه باید همه ازعارف کرمانی باشد . گ ۲ ب - ۲۹ الف . شماره ۲ درهامش

٢٠ برگهای ۲ ب - ۵۹ ب و گلشن راز شبستری است که بخط تعلیق نوشته شده .

(همه دفتر ۱۳۱ گ) - کاغذ سپاهانی - جلد تیماج زرد ضربی

اندازه : ۱۱ × ۸٫۶ و ۵٫ × ۱۲٫ س ۱۳

۲ - رساله سلوك که در ص ۱ - ۳۱ جنك سیزده رساله او بچاپ رسید .

آغاز: بسمله الحمدلله علی صفاته العلی . . . قال مظهر الدقائق و مظهر الحقائق...

الطرق الی الله بعدد نفوس الخلائق . یعنی : راه طالبان ... بعدد نفوس خلائق است .

انجام: و بغیر مؤانست گرفتن شر است از جمیع وجوه قال الله تعالی لاخیر فی کثیر من نجواهم . . . بین الناس والله اعلم بالصواب .

[٥٨٢]

٤٠٥ این نسخه شماره ۲۲ دفتر است و بخط تعلیق گ ۱۴۸ الف–۱۵٦ ب وچنین است پایان آن : «وهر گاه که دل وزبان از کلام غیر خاموش شوند چون» برابر با س ۱۳ ص ۳۰ چاپی وچند سطری کم دارد . ٥

[٥٨٣]

٤٣٢ این نسخه شماره ٦ دفتر است و بخط نسخ تاریخ ۱۲۸۹ گ ۹۱ ب–۱۰۹ الف .

۳ ـ کشف الاسرار که شاید از عارف کرمانی باشد ودره باب است : «هستی یگانه ـ احدیت جمعی الهی ـ واحدیت جمعی رحمانی ـ جهان جانها ـ شهادت مطلق». ۱۰

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمدلله الذی تجلی ذاته لذاته باحدیة جمعه ، فاظهر آدم له بجمیع اسمائه . . . فهذه رسالة فی بیان علم التوحید وسمیتها بکشف الاسرار والفتها علی خمسة ابواب . بدانکه هر بابی از برای خمسه اشارات است بحضرتی از حضرات الهیه . ۱۵

انجام : دیگر آنکه شریعت صورت عدالت توحید بود .

[٤٨٤]

٤٣٢ این نسخه شماره ۹ دفتر و بخط نسخ است گ ۱۱۷ الف–۱۳۱ الف. در پایان دارد: «تمت الکتاب... بید الحقیر الفقیر محمدعلی کرمانشاهی فی سنة ۱۲۸۹» در برگهای ۱۱۹ ب و ۱۲۱ الف و ۱۲۹ الف باید دائره‌ای کشیده باشد که سفید گذارده شده ۲۰

٤ ـ محبت نامه که در ص ۳۸–٤٦ سیزده رساله چاپی کرمانی دیده میشود . خود او گوید : «محبت نامه‌اش را یادکردم . محبانه بمحبوبی نوشتم (گ ۱۱٦ الف ش ٤۳۲/۸ و ص ٤٥ چاپی) .

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمدلله الذی عین عین حبیبه بحبه فی علمه . . . محبت مقام الهی بود ـ محبت به از پادشاهی بود . واین مقام را القاب اربعه است. ۲٥

انجام: بشادی نعمة الله نوش کن می ـ کجا یابی حریف مست چون وی .

محبت‌نامه‌اش ازدست مگذار ـ محبت خویشتن‌را یاد میدار .

[٥٨٥]

٤٣٢ این نسخه شماره ٨ دفتراست. گ ١١٢الف ـ ١١٧الف . درپایان‌دارد: «حرره فی‌یوم من‌شهر ربیع‌المولود سنة ١٢٨٩» .

٥ ٥ ـ مکاشفات که از عارف کرمانی است .

آغاز: بسمله. یاحبیبی (من) انت ومن هولست اناولست فمن انا . . . حمد آن حامدیکه محمود است بخشش اواست .

انجام: تجلی صورتی‌ازاین اعدای‌ثلثه سالم‌ماند. درتجارت‌سودیابدبیشمار ـ یادگار نعمةالله یاددار .

١٠ [٥٨٦]

٤٣٢ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط نسخ گ ٣٨ب٨١ الف است ودر پایان دارد : «تمت‌الرسالة‌الشریفة فی‌یوم ربیع‌المولود سنة ١٢٨٩» نسخه‌ای ازاین درموزه بریتانیا Add 76/837XX III ج٢ص٨٣٣) هست.

٦ ـ دفتری است عرفانی که گویا ازشاه نعمةالله است .

١٥ **آغاز:** بسمله . باسم‌الاعظم . وله الحمد والکرم . . . حبیبی که ابتدای کارخانه محبت باظهار جمال پرکمال روح بافتوح اوبود .

انجام: این‌سخن‌رازمن قبول‌کنی گرنمازگذاردی بحضورمن. ومن کلامه‌الشریف تمه . والحمدلله والمنة .

[٥٨٧]

٤٣٢ ٢٠ این نسخه شماره٣ دفترو بخط نسخ است گ٢٩الف‌ـ٣٨ب .

٧ ـ این دفتر عرفانی نیزمانا ازعارف کرمانی است .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمدلله یوجب‌الدنووالتدلی. واشکرله شکر ایدیم لقائله‌التجلی . . . گفته‌اند که مهمان خلوت خانه آب و گل است وسلطان سراپردهٔ جان و دل .

٢٥ **انجام:** ویکی ازسه بدل یکی . نه‌بیش میشوند، نه‌کم .

[٥٨٨]

٤٣٢ این نسخه شماره٥ دفتر وبخط نسخ است گ ٨١الف ٩١الف ودرپایان دارد: «تمت الرسالة الشریفة فی ربیع المولود سنة١٢٨٩» .

٨ ـ ایندفتر عرفانی هم ازعارف کرمانی باید باشد .

آغاز: بسمله وبه نستعین. قال ص . . . اما بعدالشریعة اقوالی والطریقةافعالی والحقیقة حالی والمعرفة راس مالی . . . وفرمود که الفقر سواد الوجه فی الدارین .

انجام: ودر مقام توحید صرف و وحدت محض باشند وذلك المراد من الفقر باتفاق اهل الله . والله اعلم بالصواب .

[٥٨٩]

٤٣٢ این نسخه شماره٧دفتر استوبخط نسخ تاریخ ١٢٨٩ گ ١٠٩ب ـ ١١١ب .

[٤٧٠ـ٤٨٨] **رسالههای نخشبی** (فارسی)

ازشیخ عزیز نخشبی عارف ١٩ رساله دراینکتابخانه هست که اینك شناخته می شود :

١ ـ در عشق است.

آغاز: بسمله ونستعین چنین گوید اضعف الضعفا وخادم الفقرا عزیز بن محمد نسفی که جماعتی ازدرویشان کثرهم الله تعالی ازاین بیچاره درخواست کردند باید که درباب عشق رساله نویسی .

انجام: ازدل بعد ازاین هیچ کاری نیاید نه دنیوی ونه اخروی و نه مولوی. تمت الرسالة العشق واللهاعلم بالصواب (گ٨١الف ـ ٨٣ب) .

٢ ـ در آفرینش جانها وتنها .

آغاز: بسمله وحمد. چنین گویداضعف الضعفا شیخ کامل محمد نسفی رحمة الله علیه که جمیع فقرا ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید در آفرینش ارواح و اجسام ودرمراتب نزول وعروج ایشان رساله جمع کنی .

انجام : وصفت خـوشی بهشت وناخوشی دوزخ معروف و مشهور است . والحمدلله رب العالمت تمت الرسالة (٨٣ ب ـ ٨٧ب) .

۳ ـ درپیامبری و پیشوائی .

آغاز: بسمله وحمد اما بعدچنین گوید شیخ عزیز بن محمد نسفی طاب ثراه که جماعت درویشان ازاین بیچاره التماس کردند که در نبوت وولایت ووحی والهام و خواب راست رسالهٔ جمع کن .

٥ **انجام** : اگرقدر نعمت بدانی توانی که آن نعمت را بغنیمت داری و الحمدلله رب العالمین (۸۸ الف ـ ۹۱ب) .

٤ ـ درنخستین آفریده خداوندوانیکه از عقل وقلم وروح درحدیثهای « اول ما خلق . . . » چه خواسته شده .

آغاز: بسمله وحمد امابعد درویشان ازاین بیچاره عزیز نسفی درخواست کردند

۱۰ که دراحادیث «مااوله» رساله جمع کنی وبیان کن که ازاین احادیث مرادیکجوهر است یا ازهر حدیثی جوهری جداگانه است.

انجام : ایدرویش درقرآن (و) احادیث ذکراین عقل بسیار است .

والله اعلم بالصواب . (۹۱ب ـ ۹۳الف) .

٥ـ درگفتار اهل منزل چهارم درذات وصفات وجهانهای ملکوت وجبروت.

۱٥ **آغاز:** بسمله وحمد چنین گوید شیخ وقت عزیز بن محمدالنسفی رحمةالله علیه که جماعتی درویشان ازاین بیچاره درخواست کردندکه میباید که بیان کنید اهل منزل چهارم .

انجام : میخواستم که درین بیان ذات وصفات خدای تعالی وبیان عالم جبروت وعالم ملکوت و عالم ملك تمام کنم نتوانستم . باشدکه در این رساله میآید تمام

۲۰ کنم. تمت الرساله فی یوم الجمعه شهرشوال (۹۳الف ـ ۹۹ الف) .

٦ ـ درملك وملکوت .

آغاز: بسمله وحمد. اما بعد بدان اعزك الله فی الدارین که ملك عالم شهادت است وملکوت عالم غیب است.

انجام: میخواستم که درمعرفت ذات وصفات خدای تعالی دربحث ملك وملکوت

وجبروت دراین رساله تمام کنم نتوانستم کرد ، باشد که درین که میآید تمام کنم
ایدرویش هررساله که میآید درین منزل چهارم سخن بلند میشود تـاحاضر باشی .
والحمدالله رب العالمین . یافتاح . (۹۹الف ـ۱۰۱ب) .

۷ ـ نیز درملك و ملکوت

آغاز: بسمله و حمد . بدانکه عالم ملك عالم اضداد است و عـالم ملکوت ۵
عالم ترتیب است .

انجام: آنچه ازمفردات ظاهر شوند ازمرکبات نشوند و آنچه از مرکبـات
ظاهر شوند ازمفردات شوند . والله اعلم . تمت الرساله (۱۰۱ب ـ ۱۰٦ الف) .

۸ ـ دربهشت ودوزخ وخوشی وناخوشی .

آغاز: بسمله وحمد اما بعدچنین میگوید شیخ وقت عزیزبن محمدالنسفی ۱۰
رحمةاللهعلیه که جماعت درویشان ازاین بیچاره درخواست کردند که میباید که بیان
کنی که حقیقت بهشت ودوزخ چیست .

انجام: تمام شد منزل چهارم واصل تصوف دراین منزل اند. والله اعلم بالصواب
(۱۰٦ب ـ ۱۱۱ الف) .

۹ ـ در گفتارصوفیان درباره « ذات ـ وجه ـ نفس ـ صفت ـ اسم ـ فعل» . ۱۵

آغاز: بسمله وحمد . اما بعد درویشان ازاین بیچاره درخواست کردند که
میباید که بیان کنی که اهل تصوف بیان ذات و وجه و نفس چون کرده اند .

انجام: دلیل است. بر آنکه دعوی بزرگتری میکردند انکار موسی میکرد.
والله اعلم بالصواب (۱۱۱الف ـ ۱۱۵) .

۱۰ ـ درهستی حقیقی و خیالی . ۲۰

آغاز: بسمله وحمد . اما بعد بدانکه اهل وحدت درمنزل پنجم اند .

انجام : یك طائفه اند ازاهل وحدت. والله اعلم بالصواب. (۱۱۵ب ـ۱۱۸ب) .

۱۱ ـ در کفر وتوحید واتحاد و وحدت .

آغاز: بسمله وحمد ... امـا بعد بدانکه اهل وحدت دو طائفه اند . یك

طائفه درمنزل پنجم‌اند .

انجام : ونتوانستم باشدکه دراین رساله که میآید تمام کنم . والله‌اعلم‌بالصواب.
(۱۱۸ب ـ ۱۲۲الف) .

۱۲ ـ درهستی .

آغاز: بسمله وحمد . اما بعد . این‌نور نامحدود ونامتناهی .

انجام: ازروی تناسب‌نه ازروی تناسخ این همه راست باشد . والله‌اعلم‌بالصواب.
(۱۲۲ب ـ ۱۲۳ب) .

۱۳ ـ درجهان علوی وسفلی .

آغاز: بسمله وحمد . . . امـا بعد درویشان کثرهم‌الله ازاین بیچاره درخواست
کردندکه میباید بیان‌کنی که اهل‌وحدت بیان چون میکنند .

انجام: تابکمال خود رسند باخوددارند والله‌اعلم بالصواب (۱۲۳ب-۱۲۵الف)

۱٤ ـ درآغاز وانجام .

آغاز: بسمله وحمد . . . ای درویش قاعده وقانون سخنان اول دیگر بود .

انجام: وعقل این طائفه پوشیده است ودیوانه‌را بهمین معنی مجنون‌گویند والله
اعلم بالصواب (۱۲۵ الف ـ ۱۲۸ب) .

۱۵ ـ در تناسخ .

آغاز: بسمله وحمد . . . بدانکه منزل سیم تناسخ‌است وطریق تناسخ‌قدیم‌است
وچندین هزار سال است‌که میان خلقت است وبیشتر عالم برطریق تناسخ بودند و
هستند . اهل‌چهار دانك بلکه زیاده برطریق تناسخ‌اند .

انجام:وردگرمی‌بسردی‌وسردی‌بگرمی‌وردمکربمکروردلشکرباشکرتوان‌کرد.
تمت‌الرسالة (۱۲۹الف ـ ۱۳۵ الف) .

۱٦ ـ درلوح محفوظ عالم صغیر .

آغاز:بسمله‌وحمد . . چنین‌گوید . . عزیزبن‌محمدالنسفی‌که جماعت‌درویشان
کثرهم‌الله ازاین بیچاره درخواست‌کردندکه میبایدکه درلوح محفوظ عالم صغیررساله

جمع کنید .

انجام: که آزاری از تو بکسی نرسد وبقدر آنکه توانی راحتی میرسان تمام منزل سیم (١٣٥ الف - ١٣٩ب) .

١٧ - درروان مردمی .

آغاز: بسمله . در بیان معرفت انسان . نفس انسانی . بدان که جان معنی منبسطی است صفت وی واثروی حیات است . ٥

انجام : سعادت وشقاوت هرگز مبدل نشود . والله اعلم بالصواب (١٤٠الف) .

١٨ - درسلوك مقامات .

آغاز: بسمه . اوحی الله الی داود . . . فقال یا داود فرغ لی بیتا اسکن فیه .

بدانکه جملگی کتب منزل و شرایع انبیا شرح سلوك مقامات است . ١٠

انجام : ازدیگران وظلمت خودشان بینند گویند انظرنا نقتبس من نورکم ... فلتمسوا نوراً والله اعلم بالصواب (١٤٠الف - ١٤٤) .

[٥٩٠-٦٠٧]

٤٠٥ این نسخه‌ها شماره‌های ٣تا ٢٠ دفتراست وبخط تعلیق ودرپایان دارد که احمدبن عبدالعلی بیك بیوك ابادی‌همدانی درزمستانی سردبسال١٢٨٣رساله ٢٠رانوشت وهمه رساله‌ها بیك‌خط است. شماره٢١ فهرستی استازنگارش های فلسفی وپزشکی وعلوم‌غریب وادب ازگ١٤٤الف تا١٤٧ب بهمین‌خط - نسخه‌ای ازرساله‌های نسفی درکتابخانه‌سپهسالار بشماره $\frac{١٣١٦}{١٣١٧}$ هست . ١٥

١٩ - درلوح محفوظ وجبرواختیار وقضا وقدر .

آغاز: فصل بدانکه این رساله‌ایست ازعزیزبن محمدالنسفی در بیان لوح محفوظ وجبر واختیاروحکم قضا وقدر. قال بدان . . . که مفردات‌عالم لوح‌محفوظ وکتاب خدایند . ٢٠

انجام : میخواستم . . . درجبر واختیار بحثی مستوفی‌کنم نتوانستم کرد در رساله دیگرکه میآید شود انشاءالله تعالی .

[٦٠٨] ٢٥

۸۷۶ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط تعلیق در پایان دارد «قدتم فی الخمیس من سابع عشر شهر رجب المرجب ۱۲۹۲» گ ۸٦ب – ۸۹الف – بر گهای ۸۹ ب و ۹۰ الف سفید است گویا میخواستند رساله دیگر یرا که نسفی نویدداده بود بنویسند.

[٤۸۹] رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیة (عربی)

اینددفتر نگارش شیخ شهاب الدین عمر سهروردی(۱) (سهرورد ۵۳۹–بغداد ٦۳۲) است که در روزگار الناصر لدین الله عباسی (۵۷۵ – ٦۲۲) نوشت و از شاهکارهای صوفیان پیرو سنت است که در آن همه دانشهای فلسفی نکوهیده بشمار آمده و دین ثابت گردید. سهروردی میگوید: «با اینکه در سایهٔ این فرمانروا بازار دین رواست برخی از جوانان بفلسفه که بادین نمیسازد می پردازند. این است که من ایندفتر را از روی حدیثهائی که خودم روایت میکنم نوشتم و آنچه ازمسانید بیادم آمد بر آن افزودم».

سهروردی درهمه ۱۵ بخش ایندفتر از روی خبر های معنعن و سخنان صوفیان فیلسوفان رارد میکند ودرباب ۱ میگوید که پیروی کتاب وسنت مایـه خوشبختی است ودر ۲ قواعد یونانی را با آیه وخبر باطل میسازد ودر ۹ غلطهای فیلسوفان را آشکار میدارد ودر ۱۲ راه راست را می نمایاند ودر ١٤ روشن میسازد که یاران پیامبر خردمند و روشن بیش بوده‌اند. خاتمه یکم آن درشناخت جـان ودوم در

۱ – سهروردی دفتر دیگری دارد بدین نام « ادلة العیان علی البرهان فی الرد علی الفلاسفة بالقرآن» معین الدین علی بن جلال الدین محمد معلم یزدی م ۷۸۹ رشف النصایح را برای نصرة الدین شاه یحیی ششمین فروانروای خاندان مظفر در ۷۷٤ بپارسی کرد و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ سپهسالار (دیباچه آقای نفیسی بر مواهب الهی چاپ تهران بسال ۱۳۲٦خ ص۱۳) ودر موزه بریتانیا (23/580,I ج۲ص۸۵۳ فهرست ریو) ودر اسلامبول هست و نسخی ازمتن هم در این شهر یافت میشود (بروکلمن ص ۷۸۹ ج۱ پیوست) همین متن درمدرسه جامع الباشای موصل نیزهست (فهرست مخطوطات موصل ش۷۳ تصوف ص۵۲) درفهرست فارسیهای کتابخانه خدیوی ص۵۱۷ ازشرح رشف النصایح الایمانیه و کشف الفضایح الیونانیة ازمعین الدین یزدی یاد شد و نوشته است که در ٦۲٦ بپایـان رسید و باید این تاریخ نگارش سهروردی باشد. در کشف الظنون آغاز رشف النصایح چنین یادشده: «الحمدلله رب العالمین اکمل الحمد علی کل حال» و آغاز ترجمه آن چنین: «حمد وثنائی که روح قدسی ازاملاء صحائف بلطائف اسرار» – نیز بنگرید به: گفتار نگارنده این فهرست درباره «منطق نزدخواجه رئیس ابوعلی سینا» درمجله دانش ش ۹ سال ۲ اسفند ۱۳۳۰ خ ص۳–٤۷۲.

پاداش ومزد دررستاخیز است فهرست بابها پس ازدیباچه گذارده شده. درخاتمه۱
(گ۱۱٦ب) میگوید: همانکه ابن‌سینا درقانون خویش درباره جالینوس گفته‌است
که وی «میخواست فیلسوف گردد مگراینکه شایستهٔ آن نبود» درباره خود اوهم
درست است . پیمودن این دریای ژرف نه‌درخورابن‌سینا است و نه‌ارسطو که قبله
اوست و نه فیلسوفان مقلد دیگر. ابن‌سینا اگر بشفا نمی‌پرداخت ازپیامبران پیروی ۵
میکرد . نگارشهای‌اووفارابی که ازاندیشه‌وکارش برخاسته ارزشی‌ندارد. فیلسوفان
کافری تقلیدی هستند . از خبرهای معنعنی که دربیشترجاها میآورد مشایخ‌روایت
اوبدست میآید. درباب ۷ دررستاخیز وتکفیر کسانیکه بازگشت تن‌را نمی‌پذیرند
(گ٥٥الف)خبری از «ناصرلدین‌الله امیرالمؤمنین»ازعبدالرزاق پسرشیخ عبدالقادر
گیلی‌بشتیری م ٥٦١میآورد. این‌ناصر گرچه خودحدیث روایت میکرد وبدیگران ۱۰
اجازه روایت میداد ولی بانگیزه ابن‌ثابت‌بن سابور (م ٥٩٦) بفلسفه آشنا شده و
علوم شرعی‌را خوار داشت. گویا سهروردی برای همین بود که اینکتاب را نوشت .

[٦٠٩]

۳٤٥ این نسخه بخط نسخ معرب است وعنوانها بنسخ درشت‌تر از محمد پسر ابی
المعالی ابی‌بکر پسرمحمد ابرقوهی بسال٦٢٧ـ دربرخی جاها مانندگ ۱ ۱۵
بریده ووصالی شده وخاتمه‌دوم بپایان نمیرسد وازآغازهم‌ندارد وچنین‌است
«النبوية بعوارف فضلها وعدلها فحنت الى‌جوار اعتاب‌السدة‌الشريفة ارواح‌العلماءفشدو
اليهاالرحال (آغاز) ـ قولهم ان‌لايوجد من‌الواحد الاواحد ارتقوا الى اوائل‌العلم‌بان
لايوجد من‌الواحد الاواحد ولكن (غفلوا) ان‌ذلك‌الواحد هوالروح الاعظم فسموه
(انجام) » . ۲۰
دربالای گ۱۱۱الف نوشته استکه حسنعلی واعظ ایروانی بسال۱۲٥٥ این
نسخه‌را داشت .
(۱۲۱گ)کاغذ ترمه‌سمر قندی—جلد تیماج ضربی .
اندازه : ۱۰×۲۲و۸×۱۷س ۲۱

[٤٩٠-٤٩١] **سفارشنامه سهروردی** (عربی) ۲٥

دوپند وسفارش بنام سهروردی دراین کتابخانه هست که گویا ازشهاب‌الدین
سهروردی‌صوفی‌باشدنه‌سهروردی‌اشراقی‌چه‌دریکی(۸۷۱/۳)ازمحدثات‌ونورسیده‌
ها می‌ترساندودردیگری(٤٦/۱۰۱٥) ازاندیشه‌وتفکربازمیداردواین گونه‌سخن با

نگارنده رشف‌النصایح سازگارتر است تا نویسنده حکمت اشراق و پندهـای ایندو
سفارشنامه هم برپارسائی سنت پرست بیشتر می‌زیبد تا یك فیلسوف اشراقی آزاد .
این است آن دو سفارش :
۱ ـ که در آغاز آن میخواهد آنچه را که برای خویشتن آرزو میکند و بر او
روشن است برگوید و آنرا چنانکه درعنوان نسخه ما آمده برای رهروان نوشته‌و ۵
آنانرا بپارسائی و پیروی ازسنت میخواند .
آغاز: بسمله . ایهاالطالب، السالك‌الطریق الی‌الله، المجد فی‌الطلب . اذکر لك
الحق‌الواضح‌الذی اتمناه لنفسی واتشوق‌الیه .
انجام : فاستمع یـا اخی‌وصیتی ، واقبل نصیحتی ، تکن من‌الامنین . والحمدلله
رب‌العالمین . والصلوة علی‌محمد وآله‌اجمعین : ۱۰

[۶۱۰]

۸۷۱ این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی بسال۱۳۰۱ گ ۶۶الف ـ
۶۷ب . دردنبال آن سخنانی است ازابی‌یزید بسطامی که میگوید مردهرگونه
کرامتی داشته باشدباید دید درباره دستورهای کتاب وسنت چون است .

۱۵ ۲ ـ که بیکی‌ازدوستان خویش‌مینویسد وپند بدو میدهد .
آغاز: هذه‌وصیته کتبهاالشیخ‌شهاب‌الدین‌السهروردی لبعض‌محبیه . یابنی‌اوصیك
بتقوی‌الله وخشیته و لزوم حق‌الله .
انجام : لاتدری ماسمك غدافی‌القیامة . وفقناالله لمایحب ویرضی. تمت .

[۶۱۱]

۱۰۱۵ ۲۰ این نسخه شماره ٤٦ دفتراست وبخط تعلیق گ۱۷۵ الف وب. پیش از آن
تفسیر «سبحان‌الله ... والله‌اکبر» است ازشمس‌الدین محمدمکی .

[٤۹۲-٤۹۵] **سلوك** (فارسی)

درنسخه شماره ۳۵۸ این کتابخانه چهار گفتاردرسیروسلوك وروش عبادت وسنن
صوفیانه وآداب مرید وشیخ است ومشرب‌شیعی درآنها پیدا است وساخته‌عارفان
شیعی اخیرمیباشد . نگارنده همه اینها باید همان محمدحسین بن‌محمد باشدکـه ۲۵
در۱۲۵۱ میزیست وسبك همه‌اینها نیزیکی است . گفتارها اینك شناسانده میشود.

۱ ـ درسیروسلوك آمیختهٔ با اخبار ودر آن از بایزید بسطامی و محمدبن اسمعیل‌بن ابی‌القاسم‌بن همشادنوحی وذوالنون مصری‌وشیخ ابوسعید وشیخ‌مغربی ونجم‌الدین رازی ومرصادالعباد اووقطب‌انصاری وپیران‌نقشبندی وشیخ بهائی و آقا محمد بیدآبادی یادگردید .

آغاز: لاجابةالدعاء والفرج روایت است ازحضرت پیغمبر که‌بدرستیکه من میدانم کلمهٔ که نگفته است آنرا تنك دلی مگر آنکه حقتعالی فرجی دهـد تنگ دلی او را . ۵

انجام : و آنچه گفته شد دراخبار و آیات انبیا و اولیا واحوال حکما است وبالله التوفیق .

۲ ـ درآداب خوردن برای صوفیان و درآن ازمفید وسید مرتضی وحکیم غزنوی وخواجه طوسی وابن فهدحلی وعلی‌بن طاوس وشیخ صفی‌الدین و مجلسی یاد شد . ۱۰

آغاز: آداب طعام خوردن اول آنکه رازق‌را الله داند نه‌فلان .

انجام : و نفوس محدث اند بحدوث ابدان مع‌ذالك هیچ یك یکدیگر را تکفیر نکردند. ۱۵

۳ ـ نیز گفتاری است درسیروسلوك ونام نگارنده آن‌درپایان (محمدحسین بن‌محمد ـ گ ۱۲۷الف) دیده میشود ودر آن ازلسان‌الغیب (گ۱۲۵ب) و شاه نعمةالله یادگردید ودر دوفصل ویك‌خاتمه میباشد .

آغاز: بسمله‌الحمدلله‌الحلیم‌الکریم. . . اما بعدچون مقتضای عبودیت‌حقیقی اشتغال قلب وقالب عبداست بعبادت معبود . ۲۰

انجام : اگر بخودی‌خود چندسال در دوزخ مجاهده سوخته هنگام بیرون آمدن خام خواهد بود .

نظم :

گدائی در میخانه طرفـه اکسیریست

گر این عمل بکنی خاك زر توانی کرد ۲۵

[٦١٢-٦١٤]

٣٥٨ این سه نسخه شماره‌های ۲ (۱۰۸ب-۱۱۷ب) و۳ (۱۱۷ب - ۱۲۰ الف) و٤ (۱۲۰الف - ۲۷ب) دفتر است وهمه بخط نسخ و عبارتهای تـازی زیر خط سرخ میباشد .

٥ ٤ - نیزدرروش صوفیانه بمشرب شیعی است و بنام رساله سیدبن طاوس درنسخه یادشده‌ودرست‌نیست. نگارنده‌آن‌باید همان‌محمدحسین بن‌محمد باشدکه‌نویسنده نسخه٤/٨٦٤ نیزهست بسال۱۲٥۱ .

آغاز: بسم‌الله خیرالاسماء . الحمدوالثناء لعین الوجـود ... ای همسفران ملك سعادت وصفا وای رفیقان راه خلوصیت وفنا .

۱۰ **انجام** : بمسجد ابن طاوس مشهور است وحال از بنای آن مسجد اثری نیست والله ولی‌الامر کله .

[٦١٥]

٣٥٨ این نسخه شماره ٥ دفتراست وبخط نسخ گ۱۲۷ب۱٥۲ب .

[٦١٦]

٨٦٤ ۱٥ این نسخه شماره٤دفتر میباشد وچنین است‌آغاز وانجام‌آن: «امکثوا انی‌آنست نارا ... بطریق عدیده ازسیدرسل وهادی سبل مروی‌است (س٤گ۱۲۷ب‌ش ٣٥٨/٥ ودوسطرآغازرا ندارد) - وسید خود بعد ازآن درآنجا مسجدی‌عظیم بنا نهاد والحال بمسجد ابن‌طاوس علیه‌الرحمة مشهوراست . والله‌ولی‌الامر . وقد فرغ من تسویده فی‌شهرذی‌القعدة‌الحرام فی‌سنة۱۲٥۱ تراب اقدام اولیاءالله اقل‌الثقلین ابن

۲۰ محمد ، محمدحسین، عفی‌الله عنهما فی‌الدارین. » گ۱۷۸الف - ۱۱۰الف بخط‌تعلیق . مهر عبده حسین‌بن محمد» درپایان دیده میشود .

(همه دفتر۱۲٦گ)کاغذ فرنگی - جلد تیماج حنائی

اندازه : ۱٦ × ۲۲ و۸×٥ر۳ س۱٥تا۱۸

[٤٩٦] شرح بیتی ازحافظ (فارسی)

۲٥ دوانی این بیت « پیرماگفت خطا برقلم صنع نرفت - آفرین بر نظر پاك خطـا پوشش باد » را بروش فلسفی گزارش‌میدهدودرآن اشعریان رارستکار ومعتزلیان را مجوس می‌پندارد ومیگوید که«عمربن‌الخیام» وبهمنیاربن‌المرزبان» ازشاگردان شیخ رئیس بوده اند .

آغاز: پیرما گفت.. قبل‌ازخوض‌دراداءمعنی بیت‌تمهیده‌قدمه‌چند..خواهدرفت

انجام: پس اگرخطا درواقع بودی و پیر آنرا ندیده بودی پاك بودی .

[٦١٧]

١٠٤٦ این نسخه شماره ١٩ دفتروبخط تعلیق محمد شریف پسرمحمد قائمی بسال ١٠٦١ گ ٩٣ب - ٩٥الف میباشد . ٥

[٤٩٧] **شرح بیتی از دهلوی** (فارسی)

جامی براین بیت امیرخسرودهلوی (٦٥١-٧٢٥) :« ز دریای شهادت چون نهنگ لابر آردسر ... »گزارش‌نوشت .

آغاز: بسمله . یامن‌لارب غیره ولااله سواه ... دل عشق ترا مرید باداعمر.

انجام: خاموش که مرغ رام رارم ندهی . تمت‌الکلام بعون‌الملك العلام . ١٠

[٦١٨]

٨٦٧ این نسخه شماره ١٩ دفتراست و بخط تعلیق گ ٢٥٧الف - ٢٥٩الف .

[٤٩٨] **شرح بیتی از شبستری** (فارسی)

آغاز: من افادات المحقق الدوانی - چون عزیزی التماس معنی این بیت کرد ازگلشن رازکه تصنیف ... محمود شبستر استواجب نمود .. قیام نمودن ... و املاکرد ... ١٥

« باصل خویش یکره بازبنگر - که مارا پدر شد باز مادر »

انجام: که‌هرگز شکرگوینده‌را لذت‌شکرخائیده‌نباشد واللّٰه‌اعلم‌بالصواب.

[٦١٩]

١٠٨٨ این نسخه شماره٢٢ دفتراست و بخط تعلیق گ٨٨ ب ٩٠الف - پس ازاین تاپایان دفترسخنان پراکنده ایست ازدانشمندان: ازتحفة‌الاحباء ودرج‌الدرر که هردو درعرفان است٩٠الف . ازسید ابراهیم قزوینی‌وصدرای شیرازی هردودرعرفان٩٠ب-٩١الف. بازعرفان‌است‌وادب‌وحدیث ٩١ب٩٢ب. قصیده‌ای‌در١٢ بیت که٤٢٠گونه میتوان‌آنراخواند٩٣الف. ازصدرالافاضل‌واصطلاحات عارف‌کاشی وشرح‌فصول‌نصیریه علامه‌حلی‌وسخنان‌عرفانی‌وفلسفی و کلامی٩٣ب-٩٥ب. پیش ازاین سخنیست‌ازامام‌در« السر المکتوم» :براینکه‌فرشته‌همان‌پردگار(رب‌النوع)‌است٨٨الف. ٢٠ ٢٥

[٤٩٩] **شرح بیتی ازمثنوی** (فارسی)

جامی این بیت «بشنو از نی چون حکایت میکند...» راگزارش میکند .

آغاز: بسمله . عشق جز نائی وما جز نی نه‌ایم ـ اودمی باما وما بی وی نه‌ایم...

این سطری چنداست بعضی منثور وبعضی منظوم

٥ **انجام** :

در بقای او شوی فانی تمام باقی جاوید باشی والسلام

[٦٢٠]

٨٦٧ این نسخه شماره ١٥ دفتراست وبخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف گ ٢٤٦ الف ـ ٢٥٠الف .گزارشی ازجامی به نثر ونظم برهمین بیت بالا و بیت

١٠ «کز نیستان تامرا ببریده‌اند ...» درجنك رساله‌های هموونسفی وآذری‌وکاشی وکرمانی چاپ ١٣٠٣ هست ص ٣٨٢ ـ ٣٨٦ هامش .

[٥٠٠] **شرح حدیث عماء** (فارسی)

جامی براین حدیث بروش صوفیانه گزارشی بنثرونظم نوشته است :

آغاز:

١٥ بسمله ای پاك زحیز ومبر ازگمان خالی زتونی درون وبیرون جهان

انجام :

هر حرف خطا که جسته باشد زقلم شویند بآب عفو و باران کرم

[٦٢١]

٨٦٧ این نسخه شماره ١٧ دفتراست وبخط تعلیق گ ٢٥٢ب ـ ٢٥٤الف .

٢٠ [٥٠١] **شرح حدیث الغمامة** (عربی)

دانشمند قاضی محمد سعیداء قمی (١٠٣٨ ـ ١١٠٣) درسپاهان بسال ١٠٩٩ که درشصت ویك سالگی بود(١) (دیباچه) گزارشی عرفانی برحدیث‌الغمامه که ازامیر مؤمنان آورده‌اند نوشته ودرآن میگوید که این‌حدیث را صدوق قمی درالمجموع الرائق ودیگران آورده وسند بسلمان میرسدو آن حدیثی است عارفانه‌وغلوآمیز.

---

٢٥ ١ ـ ازاین روی باید اودر ١٠٣٨ زاده شده باشد نه در ١٠٤٩ که درفهرست‌طوس (ج٤ص١٧ـ١٨) یاد شده .

آغاز: بسمله الحمدلله مدبر الادوار و معیدالاکوار طبقاعن طبق و عالما بعد عالم .

انجام: ولیکن هذا آخرما اردنا ایراده من کشف بعض اسرار هذاالخبر... ومن‌الله اسئل‌العصمة عن‌الخطا والی الله‌المشتکی .

٥ [٦٢٢]

٤٠٣ این نسخه بخط نسخ ومتن زیرخط سرخ ازمحمدحسین فرزند حاج‌محمدابراهیم سپاهانی در١٢٦٣ میباشد. اودارنده این نسخه بود وخود درگ ١ الف چنین نوشته ومهراو درهمینجا هست. حاشیه‌هائی ازپدر اودر نسخه هست که او ازآن وی میداند .

١٠ (٣١١٩) ــ کاغذ سپاهانی ــ جلد تیماج‌مقوائی
اندازه : ١١×١٧ و٦×١٣ س١٧

[٥٠٢] شرح حکمة الاشراق (عربی)

شیخ شهیداشراقی شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی‌بن حبش‌بن امیرك‌سهروردی (سهرورد٥٤٩ـحلب٥٨٧)حکمة‌الاشراق‌را درمنطق‌وفلسفه‌بروش‌خویش‌نگاشته و ١٥ درپایان‌روزسه‌شنبه ٢٩ج٢سال ٥٨٢ (ص٥٦١ چاپ‌سنگی‌وص٢٥٨چاپ تازه) آنرا بانجام رساند . اودراین کتاب بدرخواست یاران حکمت ذوقی خویش‌را گنجانده وبدان بسی ارج مینهاده ودر مشارع ومطارحات (ص١٩٤ ـ ٣٦١ و٤٠١ و٥٠٥م) ازآن بستود. شمس‌الدین محمدبن محمود شهرزوری (زنده در ٦٨٧) نگارندهٔ «رسائل‌الشجرةالالهیة » در٦٨٠ و نویسنده سر گذشت شیخ اشراقی درپایان «نزهة ٢٠ الارواح» خویش‌مانا نخستین‌بار(١) براین دفتر گزارشی نگاشته‌است. آنگاه قطب الدین محمود شیرازی (شیراز ٦٣٤ ـ تبریز ٧١٠) بر آن گزارشی آمیخته نوشت که اسدالله‌بن محمدحسن یزدی هراتی درتهران ازذی‌قعده ١٣١٣ تادهه یکم‌صفر ١٣١٦ بدستور حاج ابراهیم طباطبائی و بخط محمدبن میرزا عبدالعلی درگزینی آنرا باتعلیقات صدرای شیرازی ورساله جمع بین‌رأیین فارابی بچاپ‌سنگی‌رساند . ٢٥ متن کتاب‌را آقای هنری کربین خاورشناس بادورساله « فی‌اعتقادالحکماء » و«قصة

---

١ ـ بنگرید به : دیباچه خاورشناس دانشمند آقای هنری کربین فرانسوی بر مطارحات‌ص LXXII وبرحکمة‌الاشراق ص٦٦و٦٩ـ کنزالحکمه بخش٢ص١٦٢ .

الغربة‌الغربیة» وگزارش پارسی کهن این یکی باپاره‌ای از دو گزارش شهرزوری و شیرازی درتهران بسال ۱۳۳۱/۱۹۵۲ بسیار زیبا و پسندیده چاپ نموده دیباچه ای بزبـان فرانسه در آغاز آن گذارده‌است. شیرازی گزارش خویش‌را بنام خواجه‌غیاث‌الاسلام جمال‌الدین علی‌بن محمد دستگردانی وزیر باید وکرده در رجب سال ٦٩٤ بپایان
٥ رساند (ش۱۲۹مجلس وش٤٩٨عربی فردوسی ملی) این دستگردانی در ٦٨٣ ناظر اوقاف عراق بوده ازماه جمادی یکم تاششماه سال ٦٩٤ وزیر باید و(هفتماه٦٩٤ و کشته درهمین سال) ودردوماه سال٦٩٥ وزیر غازان (٦٩٤ ـ ٧٠٣) شده است و درپایان همین‌سال کشته شد (دیباچه چاپ‌تهران درةالتاج صر ه ـ لب‌التواریخ‌ص٥ ـ ١٤٤ ـ دستور وزراء خوندمیر ص٣١٣) .

١٠ شگفت اینجا استکه‌قطب شیرازی دردیباچه گزارش‌خویش‌ص٣،حکمت‌الاشراق را ازشهاب‌الدین (ابوحفص) عمربن محمد سهروردی (بکری شافعی صوفی‌عارف پیرو سنت ٥٣٩ـ٦٣٢) دانسته و کنیه‌ابوالفتوح بدوداده ولقبهائی برای اویادکرده که شایسته شیخ اشراقی شهید میباشد .

گویا دراین سده بنگارشهای سهروردی بسیار مینگریستند چنانکه همین‌شهر ـ
١٥ زوری درنزدیك ٦٨٠ وابن‌کمونه در٦٦٧ وعلامه حلی (٦٤٨ـ٧٢٦) پیش‌از٦٩٣ برتلویحات او گزارش نوشتند. حلی دراجازه‌ایکه بنجم‌الدین مهنابن‌سنان درمحرم سال ٧٢٠ داده است ازگزارش خویش بنام «کشف‌المشکلات من‌کتاب‌التلویحات مجلدان» یادنمود. همین‌اجازه بخط‌سیدحیدر آملی درذیقعده٧٦٢ درنسخه‌ش١٠٢٢ گ ٦٨الف ـ ٧٠ب آمده ومجلسی آنرا درجلد ٢٥ (اجازات) بحارص ٢٩ و ٣٠
٢٠ آورده است. اودو اجازه ازعلامه برای مهنا یاد کرده که نخستین بتاریخ ذی‌حجه ٧١٩ است واین یکی دومی‌آن وتاریخ آنرا اویاد ننمود. درخلاصه علامه (چاپ ایران بسال ١٣١٠ص٢٤) ونیز درهمان اجازات مجلسی ص٢١ ازهمان خلاصه از «حل‌المشکلات من‌کتاب‌التلویحات للسهروردی» یادشده وازگفته حلی پیداستکه آنرا پیش از٦٩٣ نوشته بود .

ودود تبریزی (سده ۱۰) برحکمةالاشراق و گزارش شیرازی حاشیه نوشت.
او پیش ازاین برالواح عمادیه شیخ اشراقی که در جوانی نگاشته وبنام عمادالدین
سلجوقی (قره ارسلان پسرارتق فرمانروای خربوت و سردودمان ارتقی از ۵۸۱)
کرده است ، در ۹۳۰ گزارش نوشته بود.

۵ نجم‌الدین حاجی محمود تبریزی نیز برحکمةالاشراق حاشیه دارد چنانکه
صدرای شیرازی ودوانی برآن حاشیه نوشتند. محمود شریف‌بن‌الهروی دیباچه و
بخش دوم حکمةالاشراق را در ۱۰۰۸ بپارسی کرد ودرآن بگزارش شیرازی نیز
نگریسته است. دانشمند داماد استرابادی گذشته از اینکه دربسیاری ازنگارشهای
خویش‌سخنان‌سهروردی راگواه آورده ، در۱۰۲۹ درپاسخ پرسشی که ازوی‌درباره
۱۰ یك‌بند ازحکمةالاشراق (بند۲٦۸ص۲۵۰چاپ تازه) کرده‌اند نامه‌ای نگاشته‌است.
فرزانه بهرام پسر فرشاد (زنده در۱۰٤۸) پیرو آذر کیوان اززردشتیان شیراز که‌در
هند میزیست حکمةالاشراق‌را بپارسی درآورد. تلویحات شیخ اشراق بزبان‌عبری
نیز ترجمه گردید (دیباچه فرانسوی آقای هنری کربین برمطارحات VII وبرحکمة
الاشراق ص۵۹ـ٦٤) میدانیم کـه سید حیدر آملی وغیاث‌الدین منصور دشتکی و
۱۵ سید احمدعاملی وسعیداء قمی‌وشمساء گیلانی وفیض کاشانی ولاهیجی وپیروان‌اینها
همه روش اشراقی داشتند . درروزگار اکبر شاه هندی (۹٦۳ـ۱۰۱٤) گذشته از
ترجمه نگارشهای‌هندی‌بپارسی فلسفه ایرانی هم دردسترس‌مردم هندگذارده‌میشد
پس میتوان‌گفت که روش اشراقی سهروردی را بسیاری ازدانشمندان شیعی‌ایرانی
پسندیدند وچون ریشه ایرانی داشت سرانجام بعرفان آریائی هند نیز بپیوست(۱)

۲۰ ۱ـ ازمتن حکمةالاشراق دو نسخه درسرای احمد اسلامبول یکی (III3252)
بتاریخ۱۷ شعبان ٦۷۹ دیگری (III3271) بتاریخ ع۲ سال۷۰۸ونسخه‌ای‌در کتابخانه
راغب همانجا (ش۱٤۸۰) بتاریخ۷۳٤درمدرسه نظامیه‌بغداد ، هست . ازشرح شیرازی
نسخه‌ای بشمارهٔ ٤۹۸ عربی در کتابخانه ملی فردوسی تهران هست که حسین‌بن‌عبدالله
النیار بغدادی‌نوشتن آنرا در تبریز یکم جمادی دوم سال۷۳٤بپایان رساند. دواجازهٔ
روایت از قطب شیرازی درد و برك پایان آن هست که به نجم‌الدین دهستانی و
ظهیرالدین عسکری درتبریز درپایان ربیع دوم سال۷۰۸ داده تابتوانند همه کتابهای
۲۵ اورا روایت کنند وبخط همان بغدادی میباشد (دیباچه فرانسوی شرح حکمةالاشراق

دنباله حاشیه درصفحه بعد

[٦٢٣]

۱۰٤۷ این نسخه بخط یسخ‌خوش‌ومتن وعنوانها بنسخ درشت‌تر وسیاه‌تر زیر خط‌سرخ میباشد وعنوان برخی ازمطلبها درهامش‌آمده است . نویسنده‌آن دانشمندسید رکن‌الدین محمدبن علی‌فارسی استرابادی‌گرگانی میباشدکه‌شاگرد علامه‌حلی (٦٤٨ ـ ٧٢٦) وخـواجه طوسی (٥٩٧ ـ ٦٧٢) بوده است. او اوصاف‌الاشراف و اساس‌الاقتباس واخلاق ناصری والفصول فی‌الاصول وشرح کتاب ثمره بطلیموس‌وجبر وقدرطوسی راازپارسی بتازی‌کرد (ص٢١٥ج٤فهرست طوس ـگ ١٢٨الف ـ١٢٩ الف ش ١٠٢٢ دانشگاه کـه فهرست نگارشهای گرگانی از روی خط او در آنجا آمده است) .

رکن‌الدین نوشتن این نسخه را برای خود درنجف درروز دوشنبه(٩) محرم٧١٨ ازروی نسخهٔ بدی بپایان رسانده سپس‌آنرا بانسخهٔ دیگر (گویـا نسخهٔ اصل) برابر نمود واین مقابله او درروز چهارشنبه ٩ج٢سال ٧٢٣ بانجام رسید. شرف‌الدین‌حسن بن عبدالکریم فتال غروی خادم روضه غروی استاد ابن ابی جمهوراحسائی و روایت کننده ازجمال‌الدین حسن بن حسین‌بن مطرجزائری ازابن فهدحلی (٧٥٧ ـ ٨٤١)این نسخه‌را نگریسته وازآن بهره برد ودربامداد روزسه‌شنبه دوم ربیع یکم سال٨٧٠از خواندن آن بیاسود(١) .

این نسخه دردست جلال‌الدین محمد دوانی (٨٢٨ ـ٩٠٨) بوده وبرآن بخط خود حاشیه‌هائی نوشته که‌درپایان بیشترآنها نشانه«مح»دیده‌میشود ودرسه‌جا نیزبدینگونه نوشته است: لمعلقه محمدبن اسعد ــ للفقیرالجانی محمدبن اسعدالدوانی ــ لکاتبه‌الفقیر الجانی محمدبن اسعدالدوانی» (گ ٩٨الف‌ـ١١٣الف) دوانی درحاشیه خود (گ٦ الف) ازکلمة‌التصوف» سهروردی یاد نمود .

---

١ ـگرگانی درعراق میزیسته و«الابحاث فی‌تقویم الاحداث» را دررد زیدیان و اثبات تشیع درروز آدینه ٣ج٢ سال٧٢٨ درنجف نوشته است .

(برای‌سرگذشت‌گرگانی بنگریدبه : روضات‌الجنات چاپ١ص٢٦٥ و٦٠٩ وچاپ دوم ص٢٦٤ و٥٨١ ـ فهرست طوس ج٤ص٣ و٢١٤ و٢١٥ ـ ذریعه ج١ص٦٣ وج٤ ص١٢٢ـ برای سرگذشت ابن‌ابی جمهور بنگرید بآنچه دربارهٔ « مناظره احسائی و هروی» درهمین فهرست خواهدآمد) .

دنباله حاشیه صفحه پیش

ص ٧٥ ـ ٧٨) .

درکتابخانه مجلس سه‌نسخه ش١٢٩ وش١٣٠ تاریخ١٠٦٢ وش١٣١ تاریخ١٢٩٨ ودر طوس نیزسه نسخه ش١٥٩ (ج١ص٤٩) تاریخ ١٠٢١ وش١٧٠ (ج١ص٥١) وش ٧٨٩ تاریخ ١١٠٩ (ج٤ص١٧٤) ازشرح شیرازی هست .

این نسخه‌را محمد باقر جهرمی شیرازی کربلائی در کاظمین بسال ۱۲۵۳ خریداری کرده است. مهر زیبائی بساخت یک مربع دریک دائره در ۱ الف دیده میشود که خوانده نشده . چنین است نسخه :

آغاز: «بسمله (وفق اللهم لاکماله لمحمد و کرام آله) ــ میانهٔ دو کمانه شاید از گرگانی باشد ـ الاشراق سبیلك ... » ۵

انجام : «متجنبین طریق المراء والعناد والله ولی السداد».

عنوان گزارش در نسخهٔ ما چنین است : کتاب شرح حکمة الاشراق للشیخ شهاب الدین السهروردی رحمه الله تصنیف المولی الکامل والعـارف الواصل قطب الحکماء رئیس العلماء القطب الصمدانی والمکاشف الحقانی مسعود الشیرازی قدس الله نفسه وطهر رمسه بمحمد و آله الطاهرین . ۱۰

در گ ۲۰۲ الف دارد : « فرغ ناسخه لنفسه الملتجی الی الحرم العلوی محمد بن علی الجرجانی من نسخة سقیمة یوم الاثنین (تاسع) محرم ثمان عشره وسبعمائه حامدالله تعالی علی نعماه ومصلیا علی خاتم انبیاه محمد بن عبدالله ومسغفر الذنوبه».

نیز : «وقع الفراغ من (قبال) النسخة بغیر (اصلها) بحمدالله تعالی الاما (قذ) البصر وذلك یوم (الاربعاء) . تاسع جمادی الاخره لسنة تلث و (عشرین) وسبعمائة ـ الهجریة و کتب محمد بن علی الجرجانی حامدا ومصلیا ومستغفرا » . ۱۵

در گ ۲۰۲ ب : فرغ من مطالعة هـذا الکتاب وتامله ... و استفاد منه مایتسر له الوصول . . . علیه وفقه الله وامثالـه لحل مبانیه وا ... حقایقه و معانیه صباح یوم الثلثاء ثا(نی ربیع) الاول سنة سبعین وثمانمائه ... الصحه حسن بن عبدالکریم الفتال ...

(دو سطر پاک شده و خوانده نمیشود و همچنین کلماتی که بجای آن نقطه گذارده شده) . ۲۰

در ۱ الف: « اشتریته بثمن بخس فی الکاظمین علیها السلام وانا العبد الخاسر محمد باقر ۱۲۵۳ الجهرمی الشیرازی الکربلائی » آنچه درمیان دو کمانه گذارده شده درنسخه بروشنی خوانده نمیشود .

(۲۰۲ گ)--کاغذ ترمه سمرقندی جلد مقوا برك زرد
اندازه : ۱۷٫۸×۲۶ و ۱۳٫۵×۲۰ س ۲۴

*

گویند کمیل(۱) که ازشناختگان علی ع بوده است ازرهبر واستاد خویش درباره «حقیقت» پرسید واو پاسخی عرفانی داد. این پرسش وپاسخ درفصل الخطاب حاج محمدکریمخان فرزند ابراهیمخان قاجار ظهیرالدوله(۱۲۲۵-۱۲۸۸) بسال ۱۲۸۰

---

۱ - کمیل پسرزیاد پسر نهیك پسرهیثم نخعی راعلی ع فرمانروای هیت کرد او نمی توانست چپاولگران معاویه را که بمرز عراق میگذشتند برانـد ودر برابر میخواست بسپاهیان خویش دستور دهد که بمرزهای دشمن مانندقرقیسا ودیگر روستاهای پیرامون فرات بتازند. علی بدو نوشت که اینگونه کارسستی است. کمیل درجنك صفین بود. ابوحیان میگوید که اوسخنانی دشوار ازعلی آورده وازگفته های او سخت می پرهیزند . ذهبی گـوید که او گرانمایه وراستگو ورهبر وپارسا وشیعی منش بود وکم حدیث دارد . حجـاج اورا نزدیك بسال ۸۲ بگناه دوستی علی وبودن باکشندگان عثمان بکشت . (سفینه بحارالانوار قمی ج۲ص۴۹۸- رجال مامقانی ج۲ ش۹۹۳۸ ص۴۲) میگویند کمیل ازعلی(ع) درباره شناخت روان پرسیده وپاسخی عارفانه وفیلسوفانه گرفت. مجلسی درآسمان وجهان بحار(ج۱۴ ص۴۱۱) می نویسد که صوفیان آنرا ازکمیل نقل کردند سپس میگوید که این اصطلاحات در اخبار معتبریافت نمیشود ومانند یاوه سرائیهـای صوفیان است. این خبر دراثنی عشریه فی المواعظ العددیه محمدبن قاسم عاملی(زنده در ۱۰۶۸) وفصل الخطاب کریمخان ص۲۳۳ دیده میشود .

نیز گفته اند که اعرابی ازعلی(ع) چنین پرسشی کرد و پیشوا پاسخ داد . فیض در کلمات مکنونه (چاپ ۱۳۱۶ ص۷۴-۷۳) آندورا آورده وگفت که پیران ایندو را مرسل دانستند نه اینکه نپذیرفته باشند وهردوا شرح کردند . آذری درجواهرالاسرار (چاپ ۱۳۰۳ ص۲۵۴) گزیده ازمفتاح الاسرار بسال ۸۴۰ پرسش کمیل درباره روان را یاد کرد . اودرص۲۵۳ «من عرف نفسه عرف ربه» را نیزسخن پیامبردانست . پیش ازاو شاه نعمة اله کرمانی بسیاری ازسخنان دانشمندان را بپیامبر وپیشوایان بسته است چنانکه «من فقد حسا فقد علما» راکه ازارسطو ومنطقیان دیگراست ازپیامبر پنداشت (رسالة النکات در مجموعه رسائل اوچاپ ارمغان بسال ۱۳۱۱ خ ص۱۲۱) درص۲۱۸ این فهرست یاد شد که عبات «صورعارية عن المواد ...» را ازدوبند نیایش ابن سینا گرفته بعلی(ع) بسته اند وآن درغررالحکم ودررالکلم (فصل صاد) سید ابوالفتح ناصح الدین عبدالواحد محمدبن محفوظ بن عبدالواحد آمدی (م۵۱۰) که با بن شهرآشوب دانشمند شیعی(م۵۸۸) اجازه روایت همین کتاب را داد آمده است. کریمخان درفصل الخطاب ص۲۳۵ ازهمو آنرا آورده گفت که پیران ازآن یاد کرده وکسی انکارنکرده است .فیض در کلمات مکنونه ص۷۵ نیزآنرا آورده است.(نیز بنگرید به: کنی والقاب قمی ج۲ ص۵ - ریحانة الادب ج۱ ص۲۹ - معجم المطبوعات - ابن شهرآشوب درمعالم العلما چاپ تهران ص۷۲) .

و۱۲۸۲ (چاپ ایران بسال ۱۳۰۲ ص ۲۳۳) آمده و اومیگوید: که مشایخ آنرا مرسل آورده وشرح کردند. در(ص۲۳۱) روضات الجنات خوانساری (۱۲۶۶ — ۱۳۱۳) نیز یادی از آن شده است. صائن الدین علی ترکه خجندی سپاهانی(م۸۳۵) درمفاحص (ش۴۳۰ گ۵الف) ازاین خبر یادنمود.

۵ عبدالرزاق کاشی در نامهٔایکه بعلاءالدوله سمنانی مینویسد میگوید: «ودر سخن ساقی کوثر امیرالمؤمنین رض آمده است: الحقیقة کشف سبحات الجلال من غیر اشارة» (نفحات جامی ص۴۲۳) شوشتری درمجالس المؤمنین مجلس ششم در آغاز سرگذشت کمیل ازشرح عبدالرزاق کاشی براین حدیث یادنموده وخود آنرا بند ببند آورده وبپارسی گزارش داد. درفهرست مجلس (ش۱۳-۶۳۱/۱۲) ازدورساله

۱۰ کمیلیه درگزارش همین گفتار یاد شد ونخستین بپارسی است. دراین کتابخانه ۵ گزارش هست:

۱ - ازدانشمند علامه جمال الدین حسن پسر یوسف پسر مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶) که بدرخواست یکی ازبرادران دینی وبروش تصوف وعرفان نگاشته است.

آغاز: الحمدلله الذی بطن ذاته بصفاته وحجب صفاته بافعاله و خفی افعاله

۱۵ بآثاره... فقدسال منی اخ فی الدین ان اکتب رسالة وجیزة فی شرح کلام .. علی بن ابی طالب... حین سأله کمیل... عن الحقیقة فقال... مالك و الحقیقة.

انجام: و تعمقه فی بحار مراتب الحقیقة والیقین و رزقنالله... الثبات علی الصراط المستقیم المعبر عنه بالشریعة والدین القویم وحشرنا فی زمرة المؤمنین المتقین العارفین الواصلین من الانبیاء والاولیاء والائمة والمشایخ من الاولین والاخرین والصلوة

۲۰ والسلام علی نبیه محمد واله الطیبین الطاهرین اجمعین آمین یا رب العالمین.

[۶۲۴]

۱۰۳۶ این نسخه شمارهٔ۲ دفتراست وبخط تعلیق مورب گ۱۰الف-۱۱الف.

۲ - ازعارف عزالدین محمودفرزند علی فرزندابی طاهر کاشی نتنزی(م۷۲۵) که بروش عرفانی نوشته وپس ازیادکردن همه خبر بندببند آنرا آورده وروشن نمود.

آغاز: قال الشيخ العارف عز الملة والدين علی بن ابی طاهر الكاشی «تفسير الالفاظ التی صدرت عن امير المؤمنين علی بن ابی طالب ... فی جواب كميل ... علی ماسنح لی وسمح به الوقت ان الحقيقة فعيلة من حق يحق حقيقاً اذا ثبت والتـاء فيها للخروج من الوصفية الی الاسمية واللام للعهد الذهنی ... »

٥ **انجام**: اذا طلع الصباح استغنی عن المصباح والله يهدی من يشاء الی صراط مستقيم (١٠٣٦/٣) .

[٦٢٥]

٣٧٩ اين نسخه شماره ١ دفتری است دارای ٥ رساله وبخط نسخ نزديك ١٢٧٠ گ ١ ب ٣ الف . وچنين است : «بسمله . سأل كميل ... عن امير المؤمنين كرم الله وجهه ١٠ عن الحقيقة ... قال الشيخ ... محمود بن علی ... الكاشی ... تفسير هذه الكلمات علی ماسنح لی وسمح الوقت - اذا طلع الصباح ... مستقيم . والله اعلم» .

(همه دفتر ١٢٧ ك) - كاغذ فرنگی - جلد تيماج ،
اندازه : ١٣٫٥ × ٢١٫٥ و ٧٫٥ × ١٤٫٥ س ١٨

[٦٢٦]

١٠٣٦ ١٥ اين نسخه شماره ٣ دفتر است وبخط تعليق گ ١١ الف وب . در پايـان دارد : «تمت فی سنة ١١١٦» .

٣ - از كمال الدين عبدالرزاق كاشی عارف (م ٧٣٦) كه بروش عرفانی نوشته ودر آن خبرهائی عارفانه از پيامبر وامام صادق (ع) آورد . وی نخست همه حديث را ياد نمود وسپس بندبند آنرا گزارش نمود . اين دانشمند كاشانی باهمشهری خويش ٢٠ هردو شاگرد نورالدين عبدالصمد نتنزی سپاهانی م ٦٩٩ و ظهيرالدين عبدالرحمن فرزند ... بزغش شيرازی م ٧١٦ بوده‌اند وهردو نگارشها درعرفان دارند .

آغاز: بسمله . الحمدلله رب العالمين ... وبعد فهذا مما املا الشيخ الكامل ... كمال الملة والدين عبدالرزاق الكاشی علی مـا اجاب به امير المؤمنين ... عن سؤال كميل بن زياد عن الحقيقة وهو قوله ماالحقيقة ... قال الشارح الحقيقة ههنا هو الشئی ٢٥ الثابت الواجب بذاته الذی لايمكن تغيره بوجه ما .

انجام: وعند الابتهاج لايحتاج الی السراج والله الهادی الی طريق الرشاد وهو كل مرجع ومآب وصلی الله علی محمد واله خير العباد (١٠٣٥/٣٣) .

[٦٢٧]

٢٥٢

این نسخه شماره ۲ دفتری است دارای ۵ رساله و بخط نسخ نزدیك ۱۱۱۵ از نورالدین محمدبن مرتضی گ ۱۰ب ـ ۱۱الف وچنین است آغاز آن: « بسمله وحمد وصلوة فهذا ماأملاه الشیخ العالم کاشف اسرار الحقیقة هادی ارباب الطریقة کمال الملة والدین عبدالرزاق الکاشی قدس سره ما اجاب به امیرالمؤمنین وامام المتقین علی بن ابی طالب علیه السلام عن سؤال کمیل بن زیاد رضی الله عنه عن الحقیقة وهو قوله ماالحقیقه . . . قال الشارح قدس سره الحقیقة ههنا هوالشیئی الثابت ... »

وانجام آن اینست : « فقدطلع علیك تباشیر نورالحق واوائلها التی هی بالنسبة الیه کنسبة نورالصبح الی نورالشمس وقت الاستواء وعند الابتلاج لایحتاج الـی السراج . تمت الرسالة الکمیلیة بحسن توفیقه سبحانه .

(همه دفتر ۲۶۱گ) ـ کاغذ سپاهانی- جلد تیماج مشکی

اندازه : ۱۷×۲۵ و۱۱×۱۹٫۵ س۳۰

[٦٢٨]

٨٧١

این نسخه شماره ۷ دفتر است وبخط تعلیق محمدعلی نزدیك ۱۳۰۱ گ ۸۸ب ۹۱الف . وچنین است : « بسمله ... الحمدلله رب العالمین ... اما بعد فهذا ما املاالشیخ العالم کاشف اسرار الحقیقة ... کمال الملة والدین عبدالرزاق الکاشی قدس سره علی ما اجاب به امیرالمؤمنین ... عن سؤال کمیل ... عن الحقیقة وهو قوله ما الحقیقة... قال الشارح ... الحقیقة هنا هوالشی الثابت ... لایمکن تعبیره باعتبارها ـ وعند الابتلاج لایحتلج السراج » .

[٦٢٩]

٨٨١

این نسخه شماره ۱۰ دفتر است وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف از محمد بن فتح الله بسطامی درمدرسه رزم ساریه قزوین درروز آدینه ۱ع۱ سال ۱۰۰٤ گ ٤۲ ب ـ ٤٥ الف . وچنین است: « بسمله. هذاشرح الشیخ ... عبدالرزاق الکاشی لاجوبة امیرالمؤمنین... عن سؤال کمیل بن زیاد رض لماسأل الامام ع عن الحقیقة وهوقوله ماالحقیقة... قال اطفئی السراج فقد طلع الصبح. قال الشارح الحقیقة هناهوالشئی ءالموجود (الواجب) لذاته ـ کنسبة نورالصبح الی نورالشمس وقت الاستواء وعندالانبلاج لایحتاج الی السراج » .

[٦٣٠]

١٠١٥

این نسخه شماره ۱۰ دفتر وبخط تعلیق نزدیك ۹۱۳ میباشد گ ۲۱ب ـ ۲٤الف.و چنین است « من فوائد المولی العلامة کمال الملة.قال عبدالرزاق فی معنی کلام امیر- المؤمنین علی علیه السلام سال کمیل بن زیاد ... امیرالمؤمنین علیا (ع) فقال ما الحقیقة فقال امیرالمؤمنین مالك والحقیقة ... الحقیقة هنا هوالشیئی الثابت الواجب الذی لایمکن تغیره باعتبارما ـ وعندالابتهاج لایحتاج الی السراج والله اعلم بحقائق اسراره»

[٦٣١]

١٠٣٥ این نسخه شماره ۳۳ دفتر است و بخط نسخ ص ۲۸۳ـ۲۸۵ از شهاب الدین حسینی در شعبان ۱۰۹۸ .

٤ ـ از قاضی کمال الدین امیرحسین میبدی یزدی (م ۹۱۱) .

۵ **آغاز:** سال کمیل ... فقـال ماالحقیقة ـ هی الشئی الثابت الواجب الذی لم یکن تغیر بوجه ما .

انجام فقد طلع الصبح و تبین الرشد من الغی .

[٦٣٢]

١٠٣٨ این نسخه شماره ۱۱ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ۹۷ب ـ ۹۸ الف .

۱۰ ۵ ـ ترجمه و گزارش آن بنظمی شیوا وروان در ۳۲ بیت که این خبر در پنج بند در آن آورده و گزارش شد .

آغاز: قال امیرالمؤمنین(ع) فی جواب کمیل ابن زیاد که : ماالحقیقة . قـال (ع) مالك والحقیقة . قال اومثلك یخیب سائلا . قال کشف سبحات الجلال من غیر اشارة . حقیقت کشف انوار جلال است ـ ولیکن دلچه داند کین چه حال است ـ فروغ

۱۵ روی او ازغیم امکان ـ چو ظاهر شد حقیقت گشت پنهان .

انجام : اطف السراج فقد طلع الصبح . جوابش داد گفت ای رفته ازدست ـ چرا گشتی چنین شیدا و سرمست ... علـم چون برفرازد شاه فرخار ـ چراغ آنجـا نماید چون شب تار .

[٦٣٣]

۲۰ **١٠٣٥** این نسخه شماره ۳٤ دفتر است و بخط نسخ درمتن و تعلیق شکسته ریز در گزارش ونشانه ها بشنگرف در پائین صفحه درطول آن در ۱۵ سطر ص ۲۸۵ .

[٥٠٨] **شرح رباعی های دوانی** (فارسی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ـ۹۰۸) درجوانی چند رباعی فلسفی وعرفانی سروده سپس آنها را بدرخواست دوستان گزارش نمود و آنرا بسلطان ایلدرم بایزید ۲ (۸۸٦ ـ

۲۵ ۹۱۸) ارمغان داد . او این رباعیها را روی مطلبهای فلسفی وعرفانی بخش کرده و گزارش نمود .

آغاز: بسمله . . . حمداً لاله غمر الخلق آلاه . لامعبود سواه بل ليس سواه . ذرات دو کون زاسیب عدم ـ غیر ازحرم حرمت او نیست پناه . . . درسوالف ایام که عنفوان جوانی و ریعان زندگانی .

انجام: توچه دانی زبان مرغـان را ـ که ندیدی می و سلیمان را . نسأل الله تعالی الاطلاع علی حقایق اسراره و الاستضائة بلوامع انواره . ٥

[٦٣٤]

١٠٤٦ این نسخه شماره ٢٦ دفتر است و بخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی مازندرانی دربار فروشده ودر ٢٠ صفر ١٠٦٢ عنوان رباعی را بنسخ درشت گ ١١٢ ب ـ ١٣٠ الف .

[٥٠٩] **شرح رساله تجلی ذاتی** (عربی) ١٠

گزارشی است ازخواجه صائن الدین ترکه خجندی سپاهانی ۸۳۰ ه بررساله ابن هود مغربی .

آغاز: بسمله . قـال الحکیم الکامل ابن هود المغربی قدس سره لماتجلی الله لذاته بذاته من ذاته فی ذاته عن ذاته علی ذاته تجسد بالجسد فکان الاول عرشا و الثانی کرسیا و الثالث سماء و الرابع نارا و الخامس هواء و السادس ماء و السابع ارضا . . . ١٥ شرحهـا المولی . . خواجه صائن الدین ترکه قدس سره قـال الفقیر . . . اعلم ان تحقیق الکلام .

انجام: و المحقق مثلنا لانا و ایاهم بمیزان الاحسان . تمت الرسالة و الصلواة علی خاتم الرسالة محمد و آله .

٢٠ [٦٣٥]

١٠٣٣ این نسخه شماره ٥ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گ ٨ ب ـ ١١ ب

[٥١٠] **شرح «العلم نقطة کثره الجاهلون»** (عربی)

محمدبن محمدبن محمد طوسی الهی در آغاز این گزارش پس از یاد کردن نام خویش میگوید بآستان علی (ع) رفتم وچیزها در آنجا درباره این حدیث علوی برمن آشکار گشت . سپس بروش فلسفی وعرفانی وباطنی آنرا گزارش میکند . ٢٥

آغاز: بسمله . شرق نورالالهية فتجلی لاعیان الماهية والبسها الوجود بعناية ـ الجود .

انجام : ان نقطة من وجه الاعداد ان يكون مائة واربع وستون عددا . و افرادها بالحروف ، ومافيها من الخواص ، وتعلقها بالكائنات ، و وجه المناسبة . وانما ختمته للايجاز والاختصار . والى الله المصير . والحمدلله رب العالمين .

[٦٣٦]

٣٩٨ این نسخه شماره ۲ دفتر و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد گ ١٤ب - ١٩ الف .

[٥١١] **شرح فصوص الحکم** (عربی)

مؤیدبن محمودبن صاعدبن محمد حاتمی صوفی جندی (م نزدیك ۷۰۰)شاگرد صدرالدین محمد قونوی (م ٦٧٣) این گزارش را برفصوص محیی الـدین اندلسی (م٦٣٨) نگاشته است(١) .

---

١ ـ اندلسی فصوص را پس از ٦٢٧ که درخواب دید پیامبر آنرا بدوداد وفرمود آنرا بمردم برساند بپرداخت .

عبدالرزاق کاشی در گزارش برفصوص از نسخه‌ایکه مؤیـد بر قونوی خوانده است یاد نمود .

برفصوص اندلسی دانشمندانی چندگزارش نوشتند که برخی از آنها یادمیگردد :

١ـ عفیف الدین سلیمان تلمسانی (م٦٩٠) ٢ـ سعدالدین محمدفرغانی م نزدیك ۷۰۰ ٣ـ مؤیدالدین جندی(م نزدیك ۷۰۰) ٤ـ کمال الدین محمدزمکانی(م٧٢٧) ٥ـ کمال الدین عبدالرزاق کاشی م ٧٣٦ (چـاپ سنگی بارونیه١٣٠٩ ومصر١٣٢١) ٦ ـ شیخ داود قیصری م٧٥١ (چاپ ایران ١٢٩٩ وبمبئی ١٣٠٠) بنام مطلع خصوص الکلم فی‌معانی فصوص الحکم برای‌وزیر غیاث‌الدین محمد . او گزارش دیگری هم برآن دارد٧ـ سید علی همدانی (م ٧٨٦) ٨ـ سیدحیدرآملی نزدیك٧٨٧ بنام نص النصوص ٩ـ صائن الدین علی سپاهانی(م٨٣٠) ١٠ـ عبدالرحمن جامی م ٨٩٨ یکی بپارسی بنام نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص بسال ٨٦٣ (بمبئی١٣٠٦) که ازقونوی وجندی وفرغانی گزارنده تائیه ابن‌فارض ودیگران مانندگزارندگان دیگرگرفته است. دیگر بتازی بسال٨٩٦ که درآن هم از گزارشهای دیگر گزین نموده است ١١ ـ شیخ بایزید خلیفه رومی (م ٩٠٠)١٢ـ مظفرالدین علی‌شیرازی (م ٩٢٢) ١٣ـ حکیم شریف‌ناصر گیلانی که‌در ٩٢٦ درخواب بدودستور رسید تاگزارش نویسد واوآنرا در٩٤٠ بپایان رساند١٤ـ

بقیه حاشیه درصفحه بعد

جندی در دیباچه میگوید: استادم قونوی خطبه فصوص را برایم روشن نمود و درمعنی برویم بگشود وفرمود که بر آن گزارشی بنویس شایستهٔ جویندگان . من خطبه را بروش او گزارش کردم ودیگر نتوانستم دنبال آنکار گیرم و استاد دروم در گذشت ومن ببغداد شدم. پاره‌ای را در آنجا گزارش نوشتم همینکه از بغداد بیرون شدم آنرا بپایان رساندم. نیز میگوید که شیخ فرمود فصوص را بادیگر کتابها اگرچه از محیی الدین هم باشد یکجا جلد نکنید (گ ٤ب) اودر آغاز قصیده دالیه‌ای دراصول اذواق توحید آورد (٦ب-٨ب) نام جندی هم در این گزارش دیده میشود (٣٩الف) جندی دو گزارش بزرگ (نسخهٔ ما) و کوچك برفصوص دارد .

جندی در این گزارش از اندلسی به «قال الشیخ» و از خود به «قال العبد» یاد میکند ودر دیباچه ١٦ بحث عرفانی میآورد .

آغاز: بسمله . ابتدات وعلیه توکلت فی جمیع اموری حمدا بحمد احق محامد الحق واحمدها فی مجامع الصدق واجمع مناهج المحقق المحق .

انجام : فی خصوص ختمیة الاولیا المحمدیین وخاتم الولایة العامه المطلقة روح الله و کلمته خاتم الاولیا اجمعین .

[٦٣٧]

٣٤٣ این نسخه بخط نسخ یکم شعبان ٩٨٩ میباشد. در گ ١الف یکی از دانشمندان از گزارشهای خوب فصوص گزارش مسبحی را نام می برد .

(٣٢٥٧) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ متوالی حاشیه‌دار

اندازه : ١٢×٢٠ و٨×١٥ س٢٣

[٥١٢] شرح فصوص الحکم (فارسی)

گزارشی است برفصوص عارف نامور محیی الدین ابوعبدالله محمد بن علی

مانده حاشیه صفحه پیش

شیخ بالی خلیفة الصوفیة (م ٩٦٠) ١٥ - شیخ ابراهیم حلبی خطیب جامع سلطان محمد م ٩٩٦ بنام نعمة الذریعه فی نصر الشریعه ودر نکوهش آن ١٦- مولی یحیی نوعی م ١٠٠٧ بدستور سلطان مراد ترکی ١٧- شیخ علی قاری هروی م ١٠١٦ در نکوهش آن ١٨ - عبدالله افندی بسنوی م ١٠٥٤ بتازی و ترکی ١٩- عبدالغنی نابلسی دمشقی (١٠٥٠ - ١١٤٣) بنام جواهر النصوص فی حل کلمات الفصوص که باگزارش تازی جامی درچاپخانه زمان وشرفیه دردو جلد بسالهای ١٣٠٤ و ١٣٢٣ چاپ شد. رکن الدین شیرازی گزارشی بپارسی بنام نصوص الخصوص دارد که از کاشانی وقیصری بهره برد ودرسرای آنرا بپرداخت (بنگرید بکشف الظنون) .

اندلسی مکی شامی (٥٦٠-٦٣٨) نویسنده الفتوحات المکیه از خواجه محمد بن محمد پارسای بخاری (بخارا ٧٥٦ ـ مدینه ٨٢٢) نویسنده فصل الخطاب در محاضرات.

خواجه پارسا در دیباچه این شرح میگوید: کسانی این کتاب را شرح کردند و بخوبی از آن بر آمدند مگر اینکه سخن را بدرازا کشاندند و من گرچه بکوتاهی پرداختم ولی کلید رازرا بدست دادم. پارسا مانند شارحان دیگر پس از سر آغاز دیباچه‌ای دارد که در آن رشته موجودات را شرح میدهد.

آغاز: رب یسر و تمم بالخیر، بسمله، حمد بیغایت آن فاطر حکیم را که آثار انوار صبح وجودرا ازقعر چاه ظلمت آباد عدم بر آورد.

پارسا در این شرح متن فصوص را بندبند میآورد و شرح میکند.

[٦٣٨]

١٠٨١ این نسخه از آغاز شرح فصوص پارسا است تا شرح فص ٢٧ «حکمة فردیة فی کلمة محمدیة» و بدینجا بپایان میرسد «و نزد محققان آن الله مجعول و آن مصنوع عبد بود که آن الله» خط آن تعلیق و درجدول شنگرف است سرلوحی دارد که اندکی از آن بریده شده است متن فصوص بنسخ درشت و شنگرف و اعراب دارد و برخی جاها بتعلیق سیاه و معرب و در پایان مانند شرح بتعلیق است.

(٢٩٠ برگ) کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه: ١٠×٢٥ و ٨×١٦ س ١٦

[٥١٣] شرح کلمات قصار همدانی (عربی)

دانشمند عین القضاة همدانی میانجی (٤٩٢-٥٢٥) در دیباچه بر این گزارش خویش بر سخنان کوتاه عرفانی باباطاهر عریان همدانی (نیمه سده پنجم(١)) میگوید بشهر همدان که گذشتم دیدم مردم آنجا شیفته سخنان بابا طاهر همدانی هستند و از من درخواستند گـزارشی بر آن نویسم. او سخنان بابا را بند ببند در اینجا آورد و روشن نمود.

آغاز: بسمله الحمد لله الواحد الاحد الصمد ... المقدس ذاته و صفاته عن المشابهة و المماثلة.

---

١ ـ متن کلمات قصار همدانی با ٣٨٠ دو بیتی را مجله ارمغان بسال ١٣٠٦ خ چاپ نمود ـ تمهیدات همین عین القضات بشماره ٣٨٤٤ در سپهسالار هست و نامه‌ایکه غزالی بدو نوشته بنام تازیانه سلوك بادیباچه مشکان طبسی در تهران بسال ١٣١٩ چاپ شد (نسخه ش ٦٥٥ مجلس بنام رساله عینیه).

انجام : وهذا آخر ما اردت من شرح الكلمات على ما سنح لى من فتوح الغيب وظنى انى فيما رميت غرض القائل مصيب وفيما انتميت الى محيى هذه الطاعة نصيب .

[٦٣٩]

٣٦١ این نسخه بخط نسخ ومتن بشنگرف وپس از «قال» میآید .

(۱۰۸گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تازه شده ۵
اندازه : ۱۴×۱۸ و۵ر۷×۱۳س ۱۵

[٥١٤] **شرح «کنت کنزا مخفیا»** (عربی)

حدیث «کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لاعرف» را عارفان درنوشتههای خویش آوردهاند . فیلسوف عارف سده ۷ شیخ عزیز نخشبی درمقصد اقصی (ص ۱۸۷) آنرا سخن خدا میدانست. محیی الدین اندلسی (م ۶۳۸) براین گفتار ۱۰ گزارشی نوشت و در آن روشن ساخت که چگونه خداوند با اینکه چیزی هستی نداشت نهان بود و آنگاه هویدا گشت وچگونه این گفتار با «کان الله ولم یکن معه شیئی» میسازد .

آغاز: بسمله . قال الشیخ محیی الدین قدس سره اعلم وفقك الله . . . ان بعض اهل العلم اورد على هذا الحديث القدسى وهو قوله سبحانه وتعالى كنت كنزا مخفيا... ١٥ اشكالا عظيماً .

انجام: فسبحان من جعل الظهور مانعا للادراك والشر والحجاب سببا للظهور. وهو اعلم بحقايق الامور . فتبصر ولاتكونن من الغافلين .

[٦٤٠]

١٠٣٥ این نسخه شماره ۴۲ دفتر است و بخط تعلیق در شت ص ۳۰۲. در ص ۳۵۳ گفتگوی خیام است با غزالی درباره قطب آسمانها . ٢٥

[٥١٥] **شرح لمعات** (فارسی)

عارف کرمانی شاه نعمة الله برلمعات عراقی این گزارش را نوشته و در آن سخنان عراقی بارمز (ع) میآید و گفتار خود کرمانی هر بندی بارمز (ن) آغاز میگردد. کرمانی ازاین عارفان نام میبرد: جنید، ابوبکر وراق، شیخ علی حریری (۹۶ب)، شیخ ٢٥ الاسلام عبدالله انصاری (۸۲ب)، نویسنده قوت القلوب (۸۲الف)، کلمه آدمی فص الهی شیخ (۷۲ب)، ابن فارض (۸دب ـ ۸۷ب) ـ نیز میگوید که عراقی بروش «سوانح»

غزالی این دفتررا بپرداخت (٦٠ب). این گزارش در۲۸ لمعه است(۱) و در دیباچه آن دارد: «نعمت‌الله ماست نعمت او» (۳۰ب).

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی نوروجه حبیبه بتجلیات الجمال فتلالا نورا . . . بیا چون عارفان نعمت‌الله- بگوحمداله الحمدلله. الحمدهوالوصف بالجمیل‌الاختیاری والمدح هوالوصف بالجمیل اختیاریا. ۵

انجام: گرزانك من وتو ازمیان برخیزیم -- مقصود ومراد ما بکام‌من‌وتواست. تم والحمدلله والمنة.

[٦٤١]

۸۷۵ این نسخه شماره۲دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف ازعثمان‌بن‌عثمان بن مصطفی ارز رومی درتاریخ ۱۲۵۷ گ ۵۷ب-۱۰۹ الف. نسخه‌ای ازاین گزارش کرمانی درموزه بریتانیا (ج۱ص۸۳۱ II Add16/837) هست. ۱۰

[٥١٦] **شرح منازل السائرین** (عربی)

منازل‌السائرین(۱) نگارش‌خواجه عبدالله‌انصاری‌هروی حنبلی صوفی (۳۹٦ - ٤۸۱) میباشدکه‌بدرخواست‌درویشان رهروهرات ودیگرشهرهانوشت.عبدالرزاق کاشی (م ۷۳٦) نسخه‌ای ازآنراکه نزد هروی خوانده بودند وتصحیح شده بودو خود هروی اجازه‌ای برآن بخط خویش بسال۴۷۵ نوشته بود داشته گزارشی بر

---

۱۵ ۱ - بخشهای بیست وهشتگانه آن چنین است: ۱-آشکار بودن عشق ٦۳الف ۲- تجلی عشق ٦۳الف) ۳- رؤیت عشق ٦٦ب) ٤- یکی بودن عشق‌با چیزها٦۸ب) ۵- تجلیات‌گونه‌گون عشق٦۹ب) ٦- یکی بودن عاشق ومعشوق ۷۲الف) ۷-سریان عشق درهمه چیزها ۷۲ب) ۸- تجلی اتحادی نه‌حلولی ۷٦ الف، ۹ - جلوه صوری و معنوی محبوب۷۷الف) ۱۰- دیدن عاشق همان معشوق‌را ۷۸ب) ۱۱ - ظهور دائم ۲۰ معشوق۸۰ الف) ۱۲- پیوستن عاشق ومعشوق۸۰ب) ۱۳- حجابها در برابر محبوب ۸۱الف) ۱٤- تغایر اعتباری محب ومحبوب ۸٤الف) ۱۵- تلازم‌آندو ۸۵ب) ۱٦ - تطورات محبوب۸۷ب) ۱۷- تجلیات‌معشوق۸۸ب)۱۸-وجدعاشق۹۲الف)۱۹-نزاهت عاشق ۹۳الف) ۲۰- سلطنت معشوق ۹۵الف) ۲۱- تسلیم عاشق۹۷ب) ۲۲- رضای او ۹۸ب) ۲۳- محواو۱۰۰الف) ۲٤- اتحاد صفات عاشق ومعشوق ۱۰۱الف) ۲۵- ۲۵ دیدن عاشق درخود معشوقرا ۱۰۲) ۲٦- مراقبت محب محبوب‌را ۱۰۳ب) ۲۷-فنای عاشق ۱۰۵ الف) ۲۸- ابطال عاشق ومعشوق۱۰٦ب.

۲-هروی‌درمحبت‌نامه (رسائل‌ص۱۰٦-۱٤۳)پاره‌ای ازاین منازل‌عارفان راپپارسی آورد. این رساله‌را نیز اوبدرخواست‌رهروان نوشته سپس بنام بزرگی‌ساخت.

آن نوشت و در روز دوشنبه ۲۰ رجب ۷۳۱ درخانگاه ربع رشیدی بپایانش رساند (انجام چاپی) کاشانی آنرا برای غیاث‌الدین محمد (م ۷۳۶) فرزند صاحب‌رشید-الدین فضل الله ابی‌الخیر ساخته است. این گزارش در ایران دهه یکم‌ماه دوازدهم سال ۱۳۱۵ بچاپ رسید.

5

[٦٤٢]

٨٥٤ این نسخه شماره ۵ دفتراست و بخط تعلیق نزدیك ۸۱۳ گ ۸۱ب-۲۰۳ب و میان متن و شرح یك نقطه سرخ گذارده شده وچنین است: «بسمله. قال المولی الامام ... کمال الملة والدین عبدالرزاق الکاشانی ... شارح المنازل السائرین. الحمدلله الذی خص العارفین بمعرفة مالایعرفه الا هو- باب التوحید... انما خص بعضی الایة

10 بالذکر لان هذا محض التوحید.... ان لایشهد فی التوحید دلیلا فیکون التوحید عندك اجلی من کل دلیل فان نور الحق ربما» برابر باس ۱۱س ۲۶۷ چاپی در باب دهم (توحید) از بخش دهم در نهایات و باندازهٔ هفت صفحه و نیم چاپی کم دارد.

[٥١٧] شرح منازل السائرین (عربی)

شمس‌الدین ابوعبدالله محمد پسر ابی بکر فرزند قیم جوزیه دمشقی حنبلی

15 (۶۹۱-۷۶۱) شاگرد ابن تیمیه برنگارش هروی(۱) گزارشی بنام مدارج السالکین بین ایاك نعبد و ایاك نستعین نوشته است که درسه جلد درمصر بسال ۳-۱۳۳۱ بچاپ رسید. این دانشمند پیرو سنت وظاهری سلفی که جز گفته های گذشتگان چیزی را درست نمی‌بیند بارنجی این کتاب را شرح نمود وتا توانست روش آزاد و گسترده عرفان خواجه را باروش فشرده و تنك خویش هماهنك ساخت.

20

[٦٤٣]

٣٣٥ این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف محمدبن محمدبن عمر بن یوسف بن هاشم حنفی درروز شنبه ۷ رجب ۷۷۲ میباشد وچنین است آغاز آن: «وحذروا من مفارقته و اخرجوا من فارقه من الطریق بالکلیة» دنباله گزارش بند «وهو علی ثلث درجات. الدرجة الاولی صفاء علم یهذب لسکوك الطریق» برابر باس ۳

25 ص ۲۰۱ گزارش کاشی از باب ۳ (صفاء) از بخش ۸ (ولایات) انجام نسخه چنین است: «لنا

۱- از گزارندگان دیگر منازل السائرین اینکسانند: شیخ امام سلیمان تلمسانی صوفی م ۶۹۰ - احمد بن ابراهیم واسطی م ۷۱۱ - محمود بن محمد درگزینی م ۷۴۳ بنام تنزل السائرین - شمس‌الدین محمد تبادکانی طوسی م ۸۹۱ بپارسی وبنام تسنیم المغربین (کشف الظنون).

اعمالنا ولکم اعمالکم. لاحجة بیننا و بینکم والیه‌المصیر » وگزارش بپایان میرسد .
سه برگ آخر سفیداست. حاشیه‌هائی ازصدرالدین‌واعظ پسرعلامه ملامحمدحسن‌قزوینی
بخط تعلیق وشکسته درهامش هست .

ابن قیم دراینجا یادی ازابن تیمیه میکند ومیگوید : شنیدم که میگفت ...» (گ۷۵
الف س۳). نیزازکتاب‌المفتاح خودنام میبرد (۲۲۲ب). «مفتاح السعادة ومنشورالولیة
العلم‌والارادة» اودرچاپخانه سعادت بسال۵-۱۳۲۳ ودرهند بسال۱۳۲۹ بچاپ رسید.

۵ درمبحث مشاهده‌گوید: اینگونه‌سخنها کفری است آشکارا .(۱٦۱الف). درگزارش‌این
بند«توحیده ایاه توحیده . ونعت من ینعته‌لاحد» میگوید: دراین سخن‌حق والحادهردو
هست. آنگاه ازگزارنده‌ای‌بیدی یادمیکند وبدکیشش‌میخواند (۲۳۸الف-۲۳۹الف)
گویا ازآن‌کاشانی‌را میخواهد چه‌عبارتی که‌میآورد وخرده‌میگیرد ماننداش‌درگزارش
کاشانی (ص۷۰ - ۲٦۹) دیده میشود . دراین‌گزارش همه سخنان خواجه نیامده
۱۰ بلکه بندهائی ازآن را آورده وگزارش‌کرد .

(۳۲۶گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی دریکسوی
اندازه : ۱۴ · ۱۹ و ۹×۱۴س۱۷

[۵۱۸] صنوف‌الناس فی‌دارالبقاء (رسالة فی‌احوال...) (عربی)

دراین رساله ازچگونگی مردم دررستاخیز گفتگوگردید

۱۵ **آغاز:** بسمله الحمدلله‌المتوحد فی‌ذاته‌المتفرد فی‌دیمومته . . فقدکنت‌متاملافی
بعض‌الاسحار فی‌باب احوال صنوف الناس عند رجوعهم الی دارالبقاء والقرار فلاح
علی قلبی ... انه علی‌ستة اصناف .

انجام: فیکون صنوف‌الانسان مع‌حالاتهم علی‌ستة . والله اعلم‌بحقائق‌الامور .

[٦٤٤]

۲۰ **۱۰۳۵** این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط تعلیق ریز ص۸۹-۹۰

[۵۱۹] صیحه وصدا (فارسی)

دانشمند دوانی این رساله راکه دارای یك مقدمه ویك صیحه وچندصدا است
بروش عرفان نوشته است .

آغاز: بسمله . سبحانك سبحانك. انت انت . تعالیت عن‌مداناةالاشباه . وبعد
۲۵ برادری طریقی و دوستی حقیقی فخرالقبائل وذخرالاوائل ... التماس نمود تا . . .
بعضی ازسوانح وقت دراین جزو ثبت رود .

انجام : پس ملاك اودين مبين و طريق مستبين تسليم وانقياد است . فلا و ربك لايؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ... اللهم وفقنا لاتباع حبيبك في الفعل والقول والعمل ... الهم صل وسلم عليه وعليهم اجمعين . تمت .

[٦٤٥]

۱۰۲۱ اين نسخه شماره ۱۱ دفتر است و بخط تعليق ريز علی بن مسافر قاضی در تبريز بسال ۹۳۹ گ ۱۷٦الف ـ ۱۸۸الف . ٥

[٥٢٠] **طريق واجب درمعنی حضور (رسالة ...)** (فارسی)

اين رساله كوتاه ازجامی است .

آغاز: بسمله. سررشته دولت، ای برادر بكف آر ـ وين عمر گرامی بخسارت مگذار . . . بدان . . . كه حاصل طريقهٔ خواجه بزرگوار و خلفای ايشان . . . بعد ۱۰ از تصحيح عقيده . . . حضور است .

انجام : جمله سر خواص وعوام گفته شد . والسلام والاكرام . والحمدلله رب العالمين .

[٦٤٦]

۸٦۷ اين نسخه شماره ۱۸ دفتر است و بخط تعليق باعنوانها و نشانه های شنگرف ۱٥ گ ۲٥٤ الف ـ ۲٥٦ب .

[٥٢١] **طواسين** (عربی)

اين سخنان ازطواسين(۱) حلاج دانسته شد ودرشش فصل است .

آغاز: من طواسين شيخ المشايخ ابی منصور الحلاج . فصل. انما الصوفی من تزيد نور روعه بنورمعرفته ويتشعشع نورمعرفته بنور ورعه ولايخالف باطنه ظاهره ۲۰ ويكون نفاعا ينتفع به كل موجود .

انجام : انما الدنيا قال ومقال والعقبی مال ومنال . قيل الصوم علی ثلثة انواع صوم الروح وصوم العقل وصوم النفس . . . وصوم النفس بالامساك من الطعام والشراب

---

۱ ـ طاسين رمز طهارت وسنا ونوال (پاكيزگی ـ سرفرازی ـ دهش) ميباشد (چاپ ماسينيون ص۱) . ۲٥

[٦٤٧]

این نسخه شماره ۱۲ دفتراست و بخط تعلیق در ص ۱۵٤ در ۱۹ س میباشد. در طوس نسخه‌ای ازطاسین السراج حلاج (ش ٦٦٣ ص ۱۳۲ ج ٤) هست که آغاز آن برابر است باص ۹ چاپی وچنین است انجام آن : «فبقی التوحید وماوراه کلها حوادث» نسخه مادرطواسین چاپی دیده نمیشود .

۱۰۳۵

٥

[٥۲۲] **المروة لاهل الخلوة والجلوة فی ما یجب الاعتقاد به** (عربی)

شیخ علاء الدولة ابی المکارم رکن الدین احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد بیابانکی سمنانی سندی (٦٥۹-۷۳٦) ایندفتر را هنگامیکه در مسجد صوفیاباد خداداد در دهه باز پسین رمضان سال ۷۲۰ اعتکاف کرده بود در بامداد روز یکشنبه آغاز و آنچه درباره اعتقاد های واجب در دل او گذشت نوشت وترهات وشطحات در آن نیاورد و

۱۰ آنرا در دوشنبه ۲۳ ماه حرام سال ۷۲۱ درهمان صوفیاباد خداداد گاهی که اززندگیش درست هفتاد ودوسال میگذشت (چنانکه درپایان نسخه ما دارد) بانجام رساند و باره دوم درهمانجا وهمان سال باandکی کم و بیش نیز آنرا نوشت باره سوم درخانگاه سکاکی سمنان در ۱ ج سال ۷۲۲ در ٦۳ سالگی خودبدان نگریسته و آنچه در دو بار پیش از آن انداخته بود بر آن افزود وبرای پسرخود ابوالبرکات تقی الدین علی

۱٥ دوستی سمنانی وبخواهش اوباز نوشته است (پایان کتاب) این عارف وحدت وجود را نمی پذیرفت . دانشمند عبدالرزاق کاشی ازاین گفتار او وازاین نگارش خرده گرفت ونامه‌ای بدو نوشت وسمنانی بدو پاسخ داد ایندو نامه درنفحات جامی (ص ٤۲۹-٤٤۰) آمده وشوشتری درمجالس المؤمنین (مجلس ٦ درگذشت کاشی و محیی الدین اندلسی) ازاینها یاد نمود(۱) . نسخه‌ای از آن درموزهٔ بریتانیا هست

---

۲۰ ۱ - بنگرید بگفتار فهرست نگار درمجله دانش درباره منطق نزد خواجه رئیس ابوعلی سینا ش ۱ سال ۳ تاریخ مهر ۳۱ ص ۱۹-۲۱ جامی در نفحات ص ۳۹۲ میگوید که سمنانی در ۷۷ سالگی در ۷۳٦ بمرد پس اودر ٦٥۹ زاده است مگر اینکه اوخودمیگوید که در ۷۲۱ هفتاد ودوساله بودم بس باید در ٦٤۹ زاده باشد ولی باید نسخه نادرست باشد چواو بازمیگوید که در ۱ ج ۱ سال ۷۲۲ درست اززندگیم ٦۳ سال میگذشت پس او

۲٥ در ٦٥۹ زاده است وگفته جامی درست خواهد بود .

(ج٤ص١١ش١٩) درفهرست طوس (ج١ص٦١ ش٢٠٣) همین کتاب بنام «عروة الوثقی» شناسانده شد .

آغاز: بسمله و به ثقتی . ویحمده الواجب علی کل موجود لنعمة الوجود . . . فقد سنح لخاطری بغتة یوم الاحد بعد صلوة الصبح الثانی .

انجام: ان یوفقنی غیر مفتون وان یجعل لی لسان صدق فی الغائبین والحاضرین ٥ والاولین والاخرین وبنعمته تتم الصالحات والحمدلله اولا وآخرا .

[٦٤٨]

این نسخه شماره ١٣ دفتری است دارای ١٢ رساله وبخط نسخ با عنوانهای ١٠٨٠ شنگرف (در برخی جاها سفید) از کمال الدین محمد بن علاء الدین احمد بن جمال الدین محمد خفری درشهر کلکند دکن درروز چهارشنبه ١٢ ج١ سال ١٠ ٩٧٣ گ٢٤٣ب - ٣٤٤ب. درخود کتاب (گ٣٤٣ب) العروة لاهل الخلوة والجلوة یاد شده ودرپشت نسخه (گ ٢٤٣الف) عبارت «فی ما یجب الاعتقاد به» برآن افزودند .

(همه دفتر٣٤٤گ) - کاغذ ترمه سپاهانی - جلد تیماج ضربی مشکی

اندازه : ١٦×٢٧ و٨×١٦ س١٩

[٥٢٣] العشق (رسالة فی ...) (عربی) ١٥

بیهقی (ص٩٥) میگوید که شیخ رئیس «کتاب فی العشق» را بنام شاگرد خویش ابوعبدالله معصومی (١) حکیم نگاشته است وچند واژه آغاز آنرا هم میآورد. معصومی را شیخ دربرابر خویش مانند ارسطو میدانست دربرابر افلاطون . در آغاز رساله نیز ازاو یادشد و یکی ازفیلسوفانی بود که شاه محمود ترك آنهارا بگناه پرداختن ٢٠ بدانشهای گذشتگان کشته است. متن تازی اینکتاب درلندن بسال ١٨٩٤ ودرمجموعه

---

١ - گویند معصومی تادم مرك شیخ با او بود وپس ازاو در بحث ودرس جانشین او گشت ودر ٤٥٠ درگذشت. بنگرید به: ابن سینا از طریحی ص٤٠ و١٠٠ - معجم المطبوعات ج١ص١٢٩ - قنواتی ش٢٣٠ - ش٣٩/٦٣٤ مجلس - ش٦٦٨ - ٦٧٠ طوس - نامه دانشوران درسرگذشت معصومی (ج٢ص٣-٥٧١) که ترجمه رساله عشق درآنجا ٢٥ آمده است. قطب لاهیجی این رساله راگزین نمود وصدرای شیرازی در اسفار مبحث عشق را آورد .

مهرن وجامع البدایع بچاپ رسید. ترجمه فارسی کهن آن‌هم درتهران چاپ شد و
پیداست که فارسی آن ازخود شیخ نیست (ص١٦) آقای ضیاءالدین دری نیز آنرا
بتازگی بپارسی درآورد که درتهران بسال١٣١٨خ بچاپ رسیدشیخ دراینجابروش
فیلسوفان وعارفان روشن میسازد که ازعشق همه‌هستی‌ها را بهره‌ایست ودرآن از
٥ زیبائی‌وزشتی وزیباپرستی گفتگو نمود .

[٦٤٩]

٨٦١ این نسخه شماره ١٠ دفتراست وبخط نسخ گ٧٦ب ـ ٨٣الف .

[٦٥٠]

شماره ١٧ این‌دفتر همین رساله عشق بوده و عنوان آن درگ ١٥٢ ب دیده
١٠ ٨٧١ میشود ودر ١٥٣الف‌عبارتی که نویسندگان درپایان نسخه می‌نویسند هست‌ولی
خود رساله رابرداشتند .

[٦٥١]

١٠٧٩ این نسخه شماره ٢٤ دفتراست و بخط تعلیق ص١٣٠ ـ ١٤٥ .

[٥٢٤] **عشق (رساله...)** (عربی)

١٥ دراین نگارش بروش فیلسوفان ازعشق گفتگو شده وچند خبری هم آمـده و
نگارنده آن میگوید که پیش ازمن چنین کتابی ننوشتند .

آغاز: بسمله وبه‌استعین . الحمدلله العظیم شانه‌العلی سلطانه ... فقد خطر ببالی
وسنح‌ببلبالی ان‌احقق معنی‌العشق وماهیته وکیفیته .

انجام : المطلوب الاعلی والغرض الاسنی عشق الحق الواجب الوجود و فائض
٢٠ الکرم والجود . رزقنالله من کنهه شیئاً . والافواشوقاه‌الیه وواسفاه علیه . فهذامـا
خطرلی من تعلیق هـذه الاسطر . واسئل الله عمازل به‌القدم واخطی به‌القلم ، بمنه
وسعة جوده .

[٦٥٢]

١٠٣٥ این نسخه شماره ۲۳ دفتراست وبخط نسخ ص ۱۹۷-۱۹۸ .

[٥٢٥] **عيوب النفس** (عربی)

ابی عبدالرحمن محمدبن الحسین بن محمدبن موسی نیشابوری سلمی (۱) (۳۳۰ - ٤١٢) عارف بزرگوار ایرانی ونویسنده طبقات الصوفیه وحقائق التفسیر از نخستین کسانی است که درباره سرگذشت عارفان نگارش دادند . او درباره ملامتیان رساله‌ای نوشت. این گروه که ازبدبینان زردشتی وهند آموخته بودند روشی تازه درتصوف آورده وبزرگانی ازآنها پیروی کرده‌اند .

از «عیوب النفس ومداواتها» نسخه‌ای در برلین بشماره ۳۱۳۱ وگنجینه تیموری کتابخانه مصر بشماره ٧٤ هست . وی در آن ازبزرگان عرفان یادمیکند وسخنان آنها را میاورد .

آغاز: بسمله ... کتاب عیوب النفس من تألیف ... ابی عبدالرحمن محمدبن الحسین السلمی - الحمدلله الذی عرف اهل صفوته عیوب انفسهم . واکرمهم بمطالعة غررها . وجعلهم اهل الیقظه والانتباه لموارد الاهوال علیهم ... وبعد فقد سالنی بعض المشایخ ... ان اجمع لهم فصولا فی عیوب النفس .

انجام: ویزیل عنها مواردالغفلة والشهوات لیجعلها فی کنفه وحیاطته وعصمته ورعایته فانه الغالب علی ذلك الواهب له. تم کتاب معایب النفس بحمدالله وحسن توفیقه.

[٦٥٣]

١٠٣٦ این نسخه شماره ۱۲ دفتر است و بخط شکسته ریز بی‌نقطه نزدیك ۱۰۸٤ گ ٥٥ب - ٦٢ب .

[٥٢٦] **فوثیه** (عربی)

این نیایش عارفانه که در آن دستورهائی هم هست از خداوند و بساخت

---

۱ - پدران اورا ازتیرهٔ «ازد» ومادرش راازخاندان «سلم» بنداشتند. گویا از همان نسب ولائی باشد که تازیان بیردگان ایرانی خویش میدادند- بنگرید به: الملامتیة والصوفیة واهل الفتوة ازدکتر ابوالعلاعفیفی چاپ مصر بسال ۱۹٤٥ که درآن داستان ملامتیان و سرگذشت سلمی وفهرست نوشته‌های اوبا رساله ملامتیه او هست .

گفتگوئی میان بنده وپروردگارش میباشد درنسخه ما ازدانشمند ابی‌حامد محمد غزالی دانسته شد. زبیدی دردیباچه گزارش خویش براحیاء در فهرست نگارشهای غزالی (ج۱ص۴۲ـ۴۴) از آن یاد ننمود(۱) .

آغاز: بسمله ... الحمدلله الکاشف‌الغم ... فقد قال‌الغوث‌الاعظم‌الموحش عن غیر ۵ الله‌المستأنس بالله قال‌الله‌لی یاغوث‌الاعظم قلت‌لبیك یارب‌العرش کل طور بین‌الناسوت والملکوت فهی شریعة و کل طور بین‌الملکوت والجبروت فهی طریقة و کل طور بین‌الجبروت واللاهوت فهی‌حقیقة .

انجام: یاغوث لاصلوة لمن لامعراج له عندی . یاغوث والمحروم‌عن الصلواة هو المحروم عن‌المعراج .

[٦٥٤]

۱۰ ۸۷۱ این نسخه شماره ۵ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی درمدرسه سپهسالار در ۱۳۰۱ گ ۷٤ب ـ ۸۰الف .

[٥٢٧] **الشکوك فی‌مستندات حکم‌الفصوص** (عربی)

دانشمند ابوالمعالی صدرالدین محمدبن اسحاق قونوی(۶۷۳) پرورده‌محیی ـ الدین اندلسی این دفتررا برای روشن ساختن فصوص استاددر۲۷ فك‌نگاشته‌است ۱۵ وآن درکنار شرح‌منازل‌السائرین بسال ۱۳۱۵ ص۱۸۳ـ۳۰۰ بچاپ رسید .

[٦٥٥]

۸۶۰ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ خوش با عنوانها ونشانه‌های شنگرف وشماره های «فك» درهامش وبا اصل برابر گردید . گ۱۷ب ـ ۵۹ب .

(۵.۸ دفتر۵۹ گ) کاغذ سپاهانی - جلد تیماج مشکی ضربی مقوالی گل و بوته‌دار ۲۰ زمینه سرخ

اندازه : ۱۲×۲۲ و۵ر۷ × ۵ر۱۶ س۲۷

[٥٢٨] **کشف‌اللغات کلیات‌جوك** (فارسی)

میر فندرسکی واژه های هندی جوك باشست را در این گفتار بپارسی گزارش

---

۱ ـ و. منتگمری‌وات W.Montgomery Watt درروزنامه انجمن همایونی ۲۵ اسیائی‌سال۱۹۵۲ بخش۱و۲ص۲٤ـ٤٥ دراینکه نگارشهائیکه‌ازغزالی پنداشتند کدام ازاو هست و کدام نیست گفتاری بانگلیسی دارد. اوهم از این یاد ننمود .

می دهد (۱).

آغاز: باب‌الالف اتمان هستی مطلق واصل آفرینش.

انجام: تیرته معبدتس وبار اسم یکذات ـ تم بالخیر.

[٦٥٦]

۲٤٦ این نسخه شماره ۱۰ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ۱الف ـ ۹ب. ٥

[٥٢٩] **الکلمات النوریه والایات السریه** (فارسی وعربی)

نورالدین محمدبن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی (زنده در ۱۱۱٥) نوه برادر فیض کاشانی دراین نامه مانند کلمات مکنونه در ۷۰ کلمه ویك خاتمه ازمسئله های عرفانی وفلسفی و کلامی گفتگو نمود ونظم ونثرپارسی در آن آورد.

آغاز: بسمله وبه نستعین. الحمدلله الذی ضاقت سرادقات عرشه عن قباب جلاله. وتاقت ارواح العارفین الی مشاهدة جماله. ۱۰

انجام: دربلاهم میچشم لذات او ـ مات اویم مات اویم مات او. تمت الکلمات التامات ذوات الایات البینات. الحمدلله اولا وآخرا وباطنا وظاهرا. کان الختم علی ید مؤلفه فی سنة الف ومائة وخمس من الهجرة.

[٦٥٧]

۲٥۲ این نسخه شماره ٥ دفتر است وبخط نسخ نگارنده نامه بسال ۱۱۰٥ گ ۳۱۲ ـ ۳٤٦الف س۲۷. نگارنده (نورالدین محمد) این دفتررا بردانشمندان فرزندان خویش وقف نموده ومهراو نیزدرپایان همین شماره دیده میشود. ۱٥

[٥۳۰] **کلمة التصوف** (عربی)

این نامه ازشیخ اشراقی ودر چند فصل ونیمی از آن در حکمت اشراقی و درنیمهٔ دیگر آن واژه‌های عرفانی گزارش داده‌شده‌است. سهروردی در آن از «حکمة ۲۰

---

۱ ـ درفهرست کتابخانه سپهسالار (ج۲ش۳٦٥ص۲٥٥) مینویسد که فندرسکی درگزیدهٔ خویش ازجوك واژه‌های هندی را گزارش نمود سپس دیگری ازروی سخنان نظام‌الدین پانی پتی ترجمان پارسی جوك وفندرسکی فرهنگی ازآن واژه‌ها ساخته وبدان «لغات جوك» نام داده است.

الاشراق» خود وزنده کردن اوفرهنگ پارسیان که روش پلاتونی بر آن گواهست
واز دانشمندان پارسی (ص٥٢) و«حکیم العرب علی ع» (ص٤٣)واز طواسین حلاج
عارف ایرانی (ص٤٠ و٤١) وجنید یـاد نمود. ماسینیون درمتون (ص١١٢) سخن
ابوطالب مکی درباره استادخود ابی الحسن بن سالم و گفتار حلاج را از این نامـه
٥ آورده است که دراین نسخه دیده میشود. سهروردی دراین جا ار آئین حشیشیان و
ملحدان وطبایعیان وترسایان ویهودان ومجوسان مشرك نکوهش میکند ومیگوید
درپارس مردمی بودند که بحق راه مینمودند وخردمند ودانشور بوده‌اند آنها جز
مشبهان مجوس بودند وماحکمت نوری آنهارا که روش پلاتون وخردمندان پیش ازاو
بر آن گواه است درحکمة الاشراق زنده کردیم (ص٥١) قنوانی درش٢٣٦ آنراازشیخ
١٠ رئیس پنداشته و« کلمات الصوفیة» نام نهاد ومطلبهای آنرادرهشت فصل فهرست داد.
درفهرست طوس (ش٦١٩) از آن بنام«رسالة فی التصوف» و« کلمة التصوف» یادشده
و نوشته است که در٢٤ فصل میباشد . درفهرست مجلس (ش٥ / ٦١٠) از« کلمات ذوقیة
وفلتات شوقیة»یادشده که بایدجز این باشد. در نسخهٔ مااین نامه ازشهاب الدین سهروردی
صوفی دانسته وشهید هم خوانده شد و آشکار است که ازسهروردی اشراقی میباشد
١٥ چنانکه درفهرست نگارشهای اوواز« کتاب فی التصوف» و« کلمة التصوف» یادنمودند.
درجنگ ش٢٩١٢ سپهسالار ص٣٤ نسخه‌ای از آن هست واز آغاز کم دارد .

آغاز: بسمله . المحمودالله . ومحمدرسول الله · لك العبادة والتسبیح .·. و بعـد
ایهاالاخ ... فان الصداقة التی تاکدت بیننا ، الزمتنی اتحافك فی تحریر کلمات مومیة
الی الحقایق شارحاالمقامات الصوفیة ومعانی مصطلحاتهم .

٢٠ **انجام:** و آخرما اوصیك به‌تقوی الله ...سبحانك لاعلم لنا ... انك انت العلیم الکریم

[٦٥٨]

این نسخه شماره ١٤ دفتراست و بخط تعلیق ص٣٤ـ٥٨ :درهامش آن سخن زرتشت
١٠٧٩ در زوره باستان درباره سه‌خوی اسپهبد ورمزهای زرتشت آمـده واز دسایر
یادگردید (ص٤١و٥٠و٤٨) شماره ١٣ ایندفتر چنانکه درفهرست آن آمـده
٢٥ بایستی «رخش» سهروردی باشد ودرص٣٢، که اکنون دیده نمیشود و گویا از همان

نیایش ستارگان و آفتاب بوده است کـه درشمار نگارشهای سهروردی آورده اند صدرای شیرازی درحاشیه شرح حکمة‌الاشراق ص۳۵۷ میگوید که سهروردی‌را درهر یکی ازروزهای هفته‌ستایشی بودبرای ستارگان هفتگانه وستایش آفتاب اورامیاآورد ودرآن‌از«رخش» یادگردید. خودسهروردی درمتن درهمینجا از رخش و شهریر نام برده است . ۵

[٥٣١] **گزارش‌نامه دهگان خداپرست** (فارسی)

نامه‌ای دهگان خداپرست بانوشیروان‌نوشته واو آنرابه «اژرژروه»سپاهانی داد تا از آن بکاهد و گزین و گزارش کند .

آغاز: دهقان خداپرست نزدخسرر قبادان‌ساسان نامه نوشته بود ویك‌چیز دوبار وسه بار واگفته . ۱۰

انجام: و پادشاهی از مردم شما برود پس از هزار واند سال بـاز پادشاهی بفرزندان‌کیومرث رسد. والله اعلم بحقایق‌الامور .

[٦٥٩]

٢٥٣ این نسخه شما ۲۱ دفتراست وبخط تعلیق حیدرکرکی نزدیک ١٠٧٦ گ ١٤١ب ــ ١٤٣الف . ۱۵

[٥٣٢-٥٣٣] **گفتار درباره لام‌الف** (فارسی)

دو گفتار عرفانی وبروش علم حروف واعداد درباره «لام‌الف» پرداخته شده و سخن امام صادق (ع) دراینکه آن ازحرفهای ساده‌است نه‌مرکب‌درآنها روشن گردید :

١ ــ ازسالک‌الدین محمد یزدی حموی پزشك . ۲۰

آغاز: هو . من تحقیقات حضرت سالك محمدا . نقل من بیـاضه . مشهور چنان است‌که جمعی ازمحققان ازحضرت امام بحق‌ناطق امام‌جعفرصادق ... سؤال نمودندکه لام الف آیا ازحروف مفرده است . . . فقیر سالك‌الدین محمد ازبندگان حضرت وحیدالزمان شیخ بهاءالدین محمد سلمه‌الله همین‌سؤال‌کرد .

انجام: واین نیز سری است‌ساری درتنزیه وحدت او. فهمه‌من‌فهم . لمحرره ۲۵

سالك‌الدين محمد يزدی .

۲ ـ ازمحمد قاسم‌بن تاج‌الدين حسينی خبيصی ودرديباچه دارد که سالك‌محمد درپايان جمادی يکم سال ۱۰۳۲ بکرمان آمد ومن ازاو بهره‌ها بردم وازنوشته های اوبياضی بمن دادند که نکته‌ها داشت وگفتار درباره‌لام الف راکه اونوشته بودمن
۵ برای‌خود نوشتم وخودم هم‌چيزی دراين باره انديشيدم وبنگارش درآوردم .

آغاز: هو. دراواخرشهرجمادی الاخرسنهٔ۱۰۳۲ که حضرت سالك عرفان‌وايقان محمدا دارالامان کرمان‌را بنور حضور مشرف داشتند وچون کمينه محبان محمد قاسم‌بن تاج‌الدين‌الحسينی خبيصی رارتبه محرميت . . آنچه درخصوصيت‌ومناسبت ترکيب لام‌الف بايکديگر درسلك حروف مفرده بخاطر اين ضعيف رسيده اولا از
۱۰ دلائل قرآنی .

انجام: پيام اهل‌دل است‌اين سخن که سعدی گفت: نه‌هر که گوش کند معنی‌سخن داند . هوالاول ... وهوبکل شيئی محيط . حرف آب حيات است وسياهی‌ظلماتش. نقلت من‌خط عاليحضرةالمرحوم من‌بياضه فی‌ليله‌العاشر من شهرجمادی۱۰۹۹ العبد شهاب‌الدين الحسينی .

۱۵ همين ميرسيد محمد قاسم درهامش گفتار نخستين در نسخه ما بتازی می‌نويسد که نگارنده «مفاحص» گفته که چنين پرسشی ازپيامبر کرده‌اند و او پاسخ داد .

[٦٦٠-٦٦١]

۱۰۳۵ اين دونسخه شماره های ۳۵ و ۳٦ دفتراست و بخط تعليق مورب شهاب‌الدين حسينی در ۱۰۹۹ ص۲۹۹ـ۳۰۰ .

۲۰ [٥٣٤] **گفتارهروی** (فارسی)

خواجه عبدالله انصاری‌هروی حنبلی صوفی (کهندژطوس۳۹٦ ـ ٤۷۱) گازرگاه هرات) سخنانی بنثرمسجع پارسی دارد که درآنها باخدای خويش گفتگو ميکند و اورا ميستايد وببندگان اوپند واندرز ميدهد. پاره‌ای ازآنها بچاپ رسيد يکی بنام «مناجات نامه» که کتابفروشی بوذرجمهری درتهران بسال۱۳٦٦ آنرا چاپ کرد و
۲۵ همين‌را باافزوده‌ای درپايان بنام «مناجات‌ومقالات» باپند لقمان ورباعی‌های‌ابوسعيد

ابی‌الخیر و باباطاهر همدانی واندرز های بزرگمهر کتابفروشی علمی اسلامی بسال ۱۳۷۰/۱۳۳۰ درتهران چاپ نمود . این یکی درسه مقاله است نخستین دومکالمه دوم۱۲ موعظه میباشد وعلی‌بن طیفور بسطامی آنرا ازسخنان دلپسند هروی گزین نمود و بدان نام «انوارالتحقیق» داده است . باز درجنگی دارای اوصاف‌الاشراف طوسی‌و خلدبرین وحشی بافقی ورباعیهای باباطاهر لر وابوسعید چاپ بمبئی در۱۲۸٤ـ٦ ۵ وچاپ تهران از علی اصغر کتابفروش بسال ۱۳۰۷ سخنان هروی، دیده میشود . نیز بدستور معین‌الملك امیرتومان سفیر ایران در کشور عثمانی بسال ۱٤۰۱ «نصایح ومناجات» او بابرخی ازرباعیهای ابوسعید بچاپ رسید. نسخهٔ ماهیچیك‌ازاینها نیست. رساله‌ای ازهروی درجنگی درچاپخانه نولکشور لکهنوء هندبسال ۱۹۲۵ چاپ گشت. هشت رسالهٔ پارسی او (دل وجان- کنزالسالکین ـ واردات ـ قلندرنامه ـ هفت‌حصار ـ ۱۰ محبت‌نامه ـ مقولات ـ الهی‌نامه» درچاپخانه ارمغان تهران بسال ۱۳۱۹ خ بچاپ رسید و نسخه ما هیچیك ازاینها نیست . دردیباچه این‌چاپ درسرگذشت خواجه‌از رساله‌های آفرینش آدم وبرگزیدن او و ذم‌الکلام بتازی وزادالعارفین (ایندو در موزه بریتانیا است) وانوازالتحقیق ومناجات اویادگردید . سیوطی درصون‌المنطق (ص۱۹و۳۱و۳۲) پاره‌هائی ازذم‌الکلام اورا آورد ودرص۳۳ـ۸۲از آن گزین نموده ۱۵ است. روش‌حنبلی وظاهری او از آن پیداست . نسخه ماچنین است :

آغاز: بسمله . الحمدلله‌رب‌العالمین ... چنین‌گوید مصنف‌هذه‌التحفة ، بعبارة الطرفة : المحتاج الی‌الباری، عبدالله‌الانصاری : بدانك پیری‌کردن معلمی است . از غیب خبر دادن منجمی است .

۲۰ **انجام:** خداوندی و کارخداوندان‌کنی . سبحانه وحده ، لاشریك‌له ،که یار راکه‌گوید چنین‌کنی یاچنان‌کنی ... پس‌ختم رساله‌را من‌بدعا ـ زیراکه دعا بمدعا خوش باشد .

[٦٦٢]

۸٦۷ این نسخه شماره٤ دفتراست وبخط تعلیق گ۹۳ب ـ ۱۱٦الف .

[٥٣٥] **گلشن (مناظرات خمسه)** (فارسی)

دراین نامه‌فلسفی وعرفانی که بساخت‌مناظره وجدل‌وبشیوه مقامات و بسیارشیوا نوشته‌شده میان عقل وعشق و نیروهای روان ومیان عاشق و معشوق و پایگاههای روانی عاشق گفتکو میشود. نگارنده آن درفصل فرستادن عقل قوه نظری‌رابسوی شاه عشق (۲۹ ب) درباره سنجش میان دوجهان از «تمهید» خویش یاد میکند. از پایان نسخه ما پیداست که نام این‌کتاب گلشن است ودر کشف الظنون « مناظرات خمسه» نامیده شده (ج۲ص۵۲٦).

آغاز: بسمله‌وبه . الحمدلله‌الذی رتب‌نظام بریةالعالم بخلافة آدم و کلها بحضرة الخاتم محمد ... دوش هنگام آنکه مبشر فالق‌الاصباح .

انجام: ومناظرات سیارات‌امکانی ازمناطق ظهور بمکامن اختفا (خرامدباینجا اختتام رسید . تمت‌الکتاب‌الگلشن بعون‌الملك ذوالمنن . اللهم اغفرلنا بحق‌الحسین والحسن) (میان دو کمانه درنسخه مابخط ومرکب دیگری است) .

[٦٦٣]

٨٣٥ — این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد . دربرگ ۱الف چند سطری بخط وامضای مجلسی درباره سماع دیده میشود .

(۸۱ گ)کاغذ سمرقندی—جلدتیماج ساده

اندازه : ۱۰×۱۷و۵×۱۰س۱۴

[٥٣٦] **لب‌المعرفه** (عربی)

حسن گنجوی دراین گفتار ازذکر وفکر قلبی سخن میراند .

آغاز: بسمله الحمدلله رب‌العالمین . . . هذه کلمات من بعض الواردات علی فی احقاق الحق .

آغاز: فلادلالة فی‌شیئی منها علی مطلب‌الخصم فتبصر ولاتغفل .

[٦٦٤]

٨٦٤ — این نسخه شماره۱ دفتر وبخط نسخ میباشد گ۱ الف ـ ۱۹ب. دومین‌شماره آن تفسیر دوسوره ضحی وشرح ازمحمدبن محمود دهداراست وبخط نسخ‌تاریخ

۱۲۳۳ ازمحمد باقر بن کربلائی اسدالله خوئی درخوی گ۲۳ب ـ ٤٨الف (ص۹ج۱ اینفهرست) وسومین شرح دعای اللهم نورظاهری بطاعتك از محمد جعفر بن صفرخان همدانی گ۹٤ب۷٤ب .

[٥٣٧] لمعات (فارسی)

شیخ فخرالدین ابراهیم فرزند شهریار همدانی عراقی (کمجان همدان۶۰۹ دمشق ۸ذیقعده ٦٨٨) در٦٢٨ازهمدان بادرویشان بسپاهان‌رفته واز آنجابمولتان شد و۲۵سال نزدبهاءالدین‌زکریاء مولتانی (٥٧٨ ـ ٦٦٦)شاگردی کرد وبدودختر داماد اوگشت پس ازمرگ او بعمان ومکه ومدینه رفت از آن پس نزد سهرودی (م٦٣٢) رسیده ودر۶۰سالگی(٦٦٩)ازراه دمشق‌بروم شده‌شاگرد قونوی(م٦٧٢) وهمنشین امیرمعین‌الدین پروانه روم‌دوست مولوی بلخی گشت . اواز درس فصوص قونوی بهره برده درهمان هنگام (از٦٦٩ تا ٦٧٢) لمعات نوشت که استاد آنـرا پسندید. پس ازکشته‌شدن پروانه‌بدست اباقاخان بسال٦٧٥ بمصرسپس در٦٨٨بشام رفته وششماه درآنجا بماند ودرگذشت ودرصالحیه دمشق پشت سر آرامگاه‌محیی الدین بخاك‌سپرده شد .

عراقی شیفته چهرهٔزیبا بودشاید بهمین انگیزه‌بودکه عشاق‌نامه را در۱۰۶۰ بیت ودر ده فصل سروده واز روی سوانح(۱) احمدغزالی (م٥١٧) لمعات خویش

۱ ـ السوانح فی‌العشق راریتر دراستانبول۱۹٤۲ چاپ کرد ودر تهران نیز در ۱۳۲۲خ ازروی نسخه تاریخ ٦٥٩ بچاپ‌رسید. غزالی آنرا برای دوستش صائن‌الدین هنگامیکه سخت شیفته عین‌القضات همدانی بـود بپرداخت و برخی از آن در تبریز و پاره‌ای‌را درمراغه بسال٥٠٨ برای‌خود غزالی نوشته‌اند (دیباچه چاپ تهران ـ نسخهٔ تاریخ ۸۸۲ طوس بشماره ٦٦٠ در٦٧ فصل. ایندونسخه یکسان نیستند) درچاپ ریتر دیباچه‌ایست‌بپارسی که‌درچاپ‌تهران بجای‌آن دوسطر بتازی‌آمده‌است ونام صائن‌الدین هم درچاپ ریتر برده نشده‌است دوبیت پایان چاپ تهران نیز درآن نیست . سوانح‌را عین‌القضات شهید (٤٩٢ ـ ٥٢٥) بساخت لوایح پارسی درآورد (متون ماسینیون ص ٩٥ ـ ٩٨ ـ ١٠٢) .

پیش ازغزالی اخوان صفا دردفتر٦ بخش نفسانیات رسائل والرسالة‌الجامعه از عشق سخن راندند .

دنباله حاشیه درصفحه بعد

را بپرداخت . این‌رساله در نسخه‌های کهن مانند فصوص اندلسی در۲۷ بخش است ولی در نسخه‌های تازه ودو گزارش کرمانی وجامی ۲۸ بخش (لمعه) میباشد . صائن الدین علی ترکه سپاهانی م ۸۳۰ گزارشی برلمعات بنام ضوء اللمعات نوشت و آغازش چنین‌است: «سپاس‌وستایش پروردگاریرا که‌پرتوی ازلمعات» (16/839III ج۲ص۸۳۳ فهرست موزه بریتانیا) . درهمین زمان شاه‌نعمه‌الله کرمانی (م نزدیک ۸۳۴)گزارشی بر آن نوشت (ش۸۷۵/۲ اینکتابخانه) .

لمعات عراقی را جامی بدستور امیرعلی شیرنوائی مقابله وتصحیح کرده و شیفتهٔ آن شده وبا بازگشت بسخنان محیی‌الدین وقونوی ودیگران در ۸۸٦ برای همو بنام‌اشعة اللمعات گزارش نموده درسر آغاز اورا «اجل‌اخوان‌الصفا واعزخلان الوفا» خوانده است و آن در۲۸ لمعه ویك دیباچه است. اشعه جامی بارساله‌های نسفی‌و امیرحسینی و کاشانی و دیگـران در ایران بسال۱۳۰۳ بچاپ‌رسید. درهامش آن حاشیه‌ایست بر آن بنام لمحات . گزارش جامی را بنـام لوایح ایچ ونیفیلد در ۱۹۰٦ ترجمه وچاپ نمود . درمجلس نسخه‌ایست ازشرح لمعات بنـام لمحات که گزارنده آن شناخته نشد (ش٦٦۷) .

مانده حاشیه صفحه پیش

آنگاه شیخ‌رئیس رساله‌ای درعشق بتازی وپارسی نگاشته است. سهروردی‌شهید دفتری درعشق دارد که Otto Spies آنرا بنام «مونس‌العشاق» باشرح رساله‌عشق دراشتوتگارت بسال۱۹۳٤چاپ نمود بازدر پیام‌نو (ش۷و۸سال۲خرداد ۱۳۲۵) بنام «رسالة فی‌العشق» ازروی نسخه تاریخ٦۵۹ بچاپ رسید . نجم‌الدین دایه فرزند . . . شاه‌آور رازی م٦۵٤رساله عشقی بپارسی دارد (۵۹۸/٤مجلس). رساله عشق‌دیگری نیز بپارسی درمجلس (۵۹۷/٤) هست. دراین زمینه شرف‌الـدین حسن‌بن محمد رامی تبریزی (سده هشتم) انیس‌العشاق وفیض کاشانی مشواق نوشتند وهردو بپارسی است ودرتهران بسال۱۳۲۵خ بچاپ‌رسید. درهند رساله‌هائی دزعشق‌بنام تجلیات ومشاهدات وبوارق وواردات نوشته شده است .

بنگرید به : نفحات جامی ص ۵-۵٤۲ واشعةاللمعات ص۳ ـ گفتار نوائی در یادگار ش٦و۷سال۵تاریخ‌اسفند۱۳۲٦وفروردین۱۳۲۷خ‌ص۳۵-٤٤و۵٦-٦۸-جامی‌ازحکمت تهران ۱۳۲۰خ ص۱۷۰-۱۷۱-۱۸۱- فهرست مجلس ج۲ص٤۱۱ش٦٤٤/۷

عراقی درلمعات ازاینکسان یاد میکند : **جنید** ـ ابوطالب مکی ـ ابویزید ـ حسین‌بن منصور ـ خواجه‌عبدالله‌انصاری ـ ابن فارض ـ یحیی‌بن معاذ ـ ابوالحسن خرقانی ـ ابوبکر وراق ـ ابوالحسن نوری ـ شبلی ـ شیخ‌علی حریری ـ سهل‌بن عبدالله شوشتری .

آغاز: هوالودود . رب وفقنا للتتمیم والتکمیل . بسمله . الحمدلله الذی نور وجه‌حبیبه بتجلیات‌الجمال فتلالا نورا ... کلمهٔ چند درمراتب عشق برسنن «سوانح» بزبان وقت املاکرده میشودتا آئینهٔ معشوق نمای هرعاشق گردد .

انجام : واگرصور ومعانی کلمات را بعضی فهوم مکرر نماید معذورم ...گر زآنکه من وتو از میان برخیزیم . مقصود ومراد مابکام من وتواست .

(جامی درسر گذشت احمد غزالی ص۳۳٦ اندکی ازدیباچه لمعات راکه‌در آن یادی ازسوانح شده است آورد) .

[٦٦٥]

۱۲۰ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط تعلیق خوش محمدعلی تفرشی دررمضان ۱۲۸۷ درمدرسه فصیحیه سبزوار . عنوانها وبرخی عبارتهای تازی و نشانه ها بشنگرف است گ۸۲ب ـ ۱۰۸الف. جای‌عنوانها درنسخه سفید است و دردوگزارش جامی وکرمانی لمعه دارد .

[۵۳۸] **لوامع** (فارسی)

دانشمند عبدالرحمن جـامی قصیدهٔ میمیهٔ خمریهٔ ابن فارض شرف الـدین ابوحفص عمربن علی‌سعدی مصری (۵۷٦ـ٦۳۲) را بپارسی گزارش نموده نخست ازرهگذردستور زبان ونحودرباره هربیتی گفتگوکرده سپس آنرا بنظم‌ونثرپارسی درآورد آنگاه بعنوان «لامعه» ازمسئله عرفانی‌که درهربیت گنجانده شده بررسی نمود است .

جامی آنرا در۸۷۵ بپایان رساند. اینگفتار دیباچهٔ بسیارشیوا درچند«لامعه» داردکه درآن ازدوستی وعشق بحث شده است .

آغاز: بسمله وبه نستعین . سبحان من‌جمیل لیس‌لوجهه نقاب‌الاالنور ...

رباعی : « ای گشته نهان ازغایت پیدائی ..» الهی بحرمت آنانکه بگام همت پی بسرا پرده وحدت تو برده‌اند... (شربنا علی ذکرالحبیب مدامة ـ سکرنا بهامن‌قبل یخلق‌الکرم) الشرب بالحرکات‌الثلث : آشامیدن آب ... میگوید که نوش کردیم وبا یکدیگر بدوستکامی خوردیم .

۵ **انجام** : بغایت رسید وبنهایت انجامید روش قلم تیزگام و جنبش خامهٔ بی آرام در قطع مراحل ترتیب این لوامع و طی منازل تألیف این بدایع فی‌تاریخ یفهم من هذه‌الرباعیة علی سبیل‌الایماء والتعمیة : بی دعوی فضل جامی ولاف هنر ـ درسلك بیان کشید این نظم گهر .

وان لحظه که شدتمام آورد بدر ـ تاریخ مه وسال وی ازشهر صفر (۸۷۵) .

۱۰ [٦٦٦]

٣٣٩ این نسخه شماره۳۷ دفتراست و بخط شکسته تعلیق برخی‌جاها مورب ومتن بنسخ تاریخ میانه ج۱ ١٠٨٦ درطوس(مشهد رضوی) گ۱۱۸ب ـ ۱۲۳ب ـ نسخه‌ای ازاین‌درمجلس ۶۱۰/۱ هست. این نسخه مادیباچه‌را نداردو شرح نحوی‌ولامعه‌های پس از آن را هم ندارد و چنین است آغاز آن : (شربنا علی ذکرالحبیب ... الکرم)

۱۵ میگوید نوش که کردیم ... ـ گویا کسی آنرا گزین نموده و کوتاه ساخت. درپایان با انداختن آخرین‌لامعه همان‌بندآخر «خاتمه‌فی‌المناجات»را داردومانند نسخه‌٧٦٧/١٤ میباشد . اندکی ازشرح نحوی گاهی درهامش نسخه آمده است .

[٦٦٧]

٧٦٧ این نسخه شماره۱۴ دفتراست وبخط تعلیق باعنوانها ونشانه های شنگرف گ ۲۰۵ب ـ ۲٤۵ب دراین نسخه دیباچه هست وشرح نحوی ولامعه‌ها دارد .

۲۰

[٥٣٩] **لوایح** (فارسی)

نگارش عرفانی ازعبدالرحمن جامی ودرآن میخواهد برساند که پرتو خدائی همه هستی‌ها رافرا میگیرد ودره۳ لائحه است دردنبال آن هفت رباعی‌است ازخوداو.

آغاز: بسمله . رب وفقنـا للتکمیل والتتمیم . لااحصی ثنـاءعلیك . کیف وکل

۲۵ ثناء یعودالیك ... خداوندا سپاس توبر زبان نمی‌آریم وستایش تو برتو نمیشماریم.

انجام: لب بگشائی بنطق خاک بدهن. تمت الرسالة بعون الله وحسن توفیقه.

[٦٦٨]

این نسخه شماره ١٠ دفتر است و بخط تعلیق گ ١٣٢ب - ١٥٠ الف. شماره ٨
٨٦٧ این دفتر آداب استخاره ذات الرقاع و ٩ شکیات نماز میباشد. سه نسخه از این
٥ لوایح: در مجلس ش ٦٦٨ تا ٦٧٠ و دو نسخه در طوس ش ٩٦٦ و ٩٦٧ هست. این
رساله در چاپخانه مهر تهران بسال ١٣١٢خ از روی نسخه ش ٦٦٨ مجلس و در چاپخانه
نولکشور لکهنوء هند بسال $\frac{١٣٥٥}{١٩٣٦}$ با منهاج العارفین چاپ گردید. نیز در جنگی دارای
شرح قصیده میرفندرسکی از محمد صالح خلخالی و همین لوایح و شرح دعای علی (ع)
از مجذوبعلیشاه محمد جعفر بن صفرخان همدانی کبوتر آهنگی در تهران بسال ١٣١٢
١٠ چاپ شد.

[٥٤٠] **المبدء و المعاد** (عربی)

نورالدین محمد بن مرتضی در این کتاب که در منتخب التصانیف آنرا «الحقائق
القدسیه و الرقائق الانسیه» هم نامیده است بروش عرفان شیعی و در دو فن هریك در
چند کلمه از مباحثی فلسفی و کلامی گفتگو نمود. در آغاز میگوید که من آنرا از
١٥ روی نوشته‌های عم عارف و استادم محمد بن مرتضی المدعو بمحسن فیض و صدرالمحققین
محمد بن ابراهیم شیرازی و عارفان دیگر نگاشته‌ام. آنگاه درباره این کتاب بیتهائی
از تائیه ابن فارض و قصیده عامریه میآورد و درست بروش نگارش شیرازی و فیض و
عبارت پردازی میرداماد میرود و همان عنوانها که شیرازی و داماد دارند در آن دیده
میشود و روش فلسفی و عرفانی او در اینجا تا کتاب تفکر بیشتر است.

٢٠ **آغاز**: بسمله و به نستعین. الحمدلله الذی قصرت الالسن عن بلوغ ثنائه کما یلیق
بجلاله و عجزت الاحلام عن ادراك کنه جماله.

انجام: هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذا الکتاب المستطاب. متعنا الله للسراح فی
میادین معانیه فی کل باب. و وفقنا الفهم حقایقه ورزقنا نیل رقائقه بمنه و لطفه. والحمدلله
اولا و آخرا و ظاهراً و باطنا. وکان الختم علی ید مؤلفه فی شهر ربیع المولود سنة خمس و
٢٥ مائة و الف من الهجرة المصطفویة علی صادعها الف الف صلوة و تحیة.

[٦٦٩]

٢٥٢ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط نسخ نگارنده در ع ١ سال ١١٠٥ گ ١٨٦ ب ـ ٣١١ الف س ٢٧ ـ در گ ١ ب بخط دیگری نوشته شده : « کتاب مبدء ومعاد ملقب بحقاقق قدس ورقائق انس» وبخط ومهر نگارنده دارد که این‌را چنانکه ٥ در پشت کتاب تفکرهم نوشته‌ام برفرزندان دانشمندم وقف نمودم .

[٥٤١] **مجموعه لطائف** (فارسی)

این دفتر عرفانی ازشاه‌نعمة‌الله کرمانی عارف است .

آغاز: بسمله انا فتحنا لك فتحاً مبینا . بیت : «افتتاح سخن بنام ویست . . . » یا اخی . . . معلوم فرماکه فتوح برانواع ثلثه هست .

١٠ وبدینجا بپایان میرسد : وبمشاهد شاهدواقع شودنعیم مشاهد . شعر :« مشاهدة الحق من‌علمنا یحصل شاهدهافی‌القلب» وکم دارد .

[٦٧٠]

١٠٨٩ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط تعلیق میباشد گ ٣٥ الف ـ ٣٦ الف .

[٥٤٢] **محبت (تحقیق در)** (فارسی)

١٥ نگارشی است ازجامی درباره محبت ودوستی عرفانی .

آغاز: ادنی مراتب محبت، محبت آثاریست ومتعلق آن‌جمال آثاراست .

انجام : آمد برقی زکوی میخانه پدید در پرتو آن‌حریم میخانه بدید .

[٦٧١]

٨٩٠ این نسخه شماره ١٧ دفتراست وبخط تعلیق گ ٩٧ الف ـ ٩٩ الف .

٢٥ [٥٤٣] **محمودیه** (فارسی)

علی‌بن غلامعلی قزوینی‌این دفتررا برای میرزا محمودامین دررازهای حج‌بروش عرفانی نگاشته است .

آغاز: حمد بی‌حد مرحضرت کردگاریرا است که معمار عنایتش برقیمه «قلب ـ المؤمن بیت‌الله» قلوب فقرا و درویشانرا خانه ساخت .

انجام : چون کنم دلها بسی سنك است سنك ـ چون نمایم سینه‌ها تنك است تنك . فبالله العون والحمدلله ... مظهر الکاف والنون و مظهر عین العیون .

[٦٧٢]

٣٢٩ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای لاجوردی میباشد .

(١٢٠گ) - کاغذ فرنگی — جلد مقوا
اندازه : ١٥×٢٢ و٧×١٣س١٢

[٥٤٤] **مرآت المحققین** (فارسی)

گفتاری است عرفانی بروش شیعی آمیخته با آیات وسخنان بزرگان بتازی با بیتهای پارسی نام آن در پایان گ٧٥ الف دیده میشود. اصول وفروع سیر وسلوك در چهار باب ویك خاتمه آن آمده است : (١ـ شریعت وطریقت ٢ـ معرفت وحقیقت ٣ـ توحید وفناء فی الشیخ ٤ـ فناء فی الله وبقاء بالله ـ خاتمه درمقام قلندری) . نسخه‌ای ازآن درطوس بتاریخ ١٢٦١ (ش٩٩١) هست ونگارنده در آن خودرا محیی الدین نامیده است . در آغاز دارد: «رساله تالیف کن ومرآت المحققین نام آن تصنیف کن» ودر انجام دارد : «این جام جهان نما راکـه بمرآت المحققین مسمااست» (فهرست موزه بریتانیا) نسخه‌ای ازاین دربرلین بتاریخ ١٢٤٨ هست .

آغاز: العظمة لله العلی العظیم الذی رفـع السموات بغیرعمد ووضع المشکوة فیها من النجوم بغیرعدد ـ چنین گوید فقیر مسکین المتوصل بحبل المتین و بطریقة المعصومین حمیدالدین (418III ج٤ص٢٦٦ فهرست موزه بریتانیا بتاریخ ٨ ع ١ سال ١٢٧٤) نسخهٔ ما اندکی ازدیباچه را ندارد و چنین است .

آغاز: حضرت صاحب مهدی غائب است . گفتم بخدمت آنحضرت میتوان رسید گفتند آرزوئی است بس بعید.

انجام: ازگلزار فیض انوارش چینند . آمین آمین. یااله العالمین . ارسل کل طالب الی المطلوب .

[٦٧٣]

۸٦٧ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف است گ ۳۲الف ـ ۵۷ب از ۱ تا ۳۱ در نسخه نیست ورساله ناقص است.

شیخ محمود شبستری نیز «مرآت المحققین» دارد و بپارسی بسیارشیوا کـه در
۵ مجموعه عوارف‌المعارف درشیراز بسال ۱۳۱۷ بچـاپ رسید وپنج نسخه در طوس (ش۲٦۹و ۲۷۰و۹۸۸تا۹۹۰) که یکسان نیستند ویك نسخه درمجلس (ش۱٤۳) از آن هست .

[٥٤٥] **مراتب ادراك** (عربی)

این گفتار ازمحیی‌الدین مغربی‌است درمراتب ادراك بشری که چهار گونه پنداشت
۱۰ ۱ ـ مانـند صورت در آئینه ۲ ـ احاطه ذات بمدرکات ۳ ـ مشاهده اشیاء درذات خداوند ٤ ـ نگریستن بذات وفنای آن و بقای مدرك حقیقی که خدا باشد.

آغاز: قال الشیخ العلامة محیی‌الدین المغربی. فصل المعلول صورة العلة وظاهرها والعلة حقیقة المعلول و باطنها.

انجام : فتغفل فی هذا المقام عن کونك مدر کاللاشیاء فیظهر لك ان المدرك بالحقیقة
۱۵ هوالله تعالی وتقدس . والله یقول الحق وهو یهدی السبیل .

[٦٧٤]

۱۰٤٦ این نسخه ۲۱ دفتراست وبخط تعلیق رجبعلی نزدیك ۱۰٦۱ گ ۹۵ ب ـ ۹٦ الف .

[٥٤٦] **مشاهدیه** (فارسی)

۲۰ نگارنده این نامهٔ بنظم ونثر، هندی وبیگانهٔ ازپارسی و تازی بوده بشهرهـای ایران وعراق آمده چندی درنجف بماند وریاضت کشید ودرخلسه الهامها بدوشده ونامش عبدالله گشت وبکیش شیعی گرائید. آنگاه ازنجف بخراسان رفت وبدستور امیرمؤمنان، پیشوای هشتم رازیارت نمود. درمیان راه درشهرك (کارزان ، بلدة‌ـ الخضراء، شهرسبز سلمان فارسی) (گ۱۰الف) میرعلی نقی اوحدی پسرمیرحیدر

حسینی‌را بدید واز آنچه ازوی فراگرفت این‌نامه را بسال ۱۲۶۱ بپارسی سستی فراهم آورد. نام اوعبدالله تابع الحسینی اوحدی‌فرزند میرزا مهدی‌نجفی و به«هندی کتاب خان صاحب‌الدیوان» نامبردار است. رساله‌ایست عرفانی آمیختهٔ باعلم‌حروف و اشکال.

آغاز: استعانت جویم ازرب کریم. بسم‌الله الرحمن‌الرحیم. نامهٔ موسوم‌را زان شدبدر. که بدید آمد زیر وزبر.

انجام: وعلی‌منا بعهم‌الی‌یوم‌الدین. یارب‌العالمین‌بلاتمه‌اکتاب(؟) بعون‌الملك الوهاب ... برحمتك یاارحم‌الراحمین.

[۶۷۵]

۳۵۸ این نسخه‌شماره۱دفتراست وبخط نسخ‌وتعلیق بانشانه‌ها وشکلها‌وعنوانهای شنگرف گ۱ب ـ ۱۰۶الف.

[۵۴۷] **مشکوة‌الانوار** (عربی)

این‌نامه ازغزالی‌طوسی‌است که‌بروش عرفان‌باطنی‌وتأویل‌فلسفی بدرخواست کسیکه ازاو درباره راز نهانی پرتوخدائی وتاویل آیتها وخبرهای نور پرسیده‌بود نگاشته‌و گفتاراودرباره روشنی ونور خواننده‌را بیاد حکمت‌اشراقی میاندازد. این نامه سه‌بخش‌است: ۱ـ اینکه نورحق همان‌خداست وبس. ۲ ـ روانهای نورانی گوناگون و دراینجا آیه نورتأویل میشود. ۳ـ هفتاد هزار پرده روشنی وتاریکی درمیان آفریدگان وخداوند. درآن ازعجائب‌القلب احیاءالعلوم(۵الف) والقسطاس المستقیم (۲۰ب) ومحك‌النظر ومعیارالعلم (۵ب) والمقصدالاقصی فی‌معانی‌الاسماء الحسنی(۹ب)یادمیشود. غزالی آنرا دردوره ذوقی زندگی‌خویش‌میان ۴۹۵و۵۰۵ نوشته است(۱) ابن‌رشد درتهافت (چاپ بوئیژ ص۱۱۷ و۲۴۵) مینویسد که غزالی گویا درعلوم الهی بسخنان فیلسوفان مینگریست وبهترین گواه آن مشکاةالانوار اواست. دروغتر ازاینکه«یکی جزیکی نیافریند»چنانکه فارابی وابن‌سینا وغزالی

۱ ـ بنگرید به:متون ماسینیون ص۹۳ـ گفتاروات درروزنامه‌آسیائی لندن‌سال ۵۲ش۱و۲ ص۴۴.

گفته‌اند نیست زیرا غزالی درمشکاة درباره مبدء نخستین بسخنان فیلسوفان گرائیده است ـ ابن سبعین دربدالعارف میگوید کـه غزالی گاهی صوفی و گاهی فیلسوف و باره‌ای اشعری وهنگامی فقیه و گاهی سر گشته است و در فلسفه بسیار سست میباشد. او بعرفان پرداخت و دربـاره عقل و نفس بگواهی « معارج عقلیه وعجائب القلب و مشکاة الانوار و کیمیاء سعادت» ازفوثاغورسیان واخوان صفا آموخته است . ٥
(متون ماسینیون ص ١٣٠).

و. منتگمری وات W. M. Watt درروزنامه انجمن همایونی آسیائی 1949، 5 ff گفتاری دارد دراینکه «بخش حجاب» این نامه ازغزالی نیست (همین روزنامه سال ١٩٥٢ شماره ١و٢ص٣٠و٤٢) زبیدی درشرح احیاء(ج١ص٤٢)میگوید که مشکاة الانوار فی لطائف الاخبار در٤٨ باب است و آن نزدمن هست و در آن شك نمیکنند. ١٠
دانشمندان خراسان ازاین نامه خرده گرفتند و غزالی بدانها پاسخ داد(١) .

[٦٧٦]

این نسخه شماره١ دفتراست وبخط تعلیق ریزخوش باعنوانهای شنگرف تاریخ
٣٤٠ ١٢٦٠ گ١ب ـ٢٧ الف. چنین است آغاز و انجام آن: «الحمدلله فائض الانوار وفاتح الابصار .. فقد سالتنی ایها الاخ ... ان ابث الیك اسرار الانوار الالهیة ـ و ١٥ استشفاف الانوار الالهیة من وراء الحجب البشریة عسیر غیر یسیر» این نامه چندین باریکی درالجواهر الغوالی با نامه‌های دیگر غزالی درمصر بسال ١٣٤٣ بچاپ رسید. (بنگرید به : ش٣٢٩ و ٣٣٠ طوس برای نامهای گوناگون آن ـ ش٧٧ مجلس) .

[٥٤٨] مشواق (فارسی)

٢٠ فیض کاشانی دراین نامه نخست سخنی عرفانی بمیان آورده سپس ازرخ وزلف وخال وخط وچشم وابرو ولب وشراب وساقی وخرابات و خراباتی وبت وزنار و

١ـ آغاز وانجام پرسش وپاسخ چنین است: «چه گوید خواجه امام اجل حجة الاسلام درجواب کسانیکه اعتراض کنند ـ که هر که حقیقت روح ندانست خودرا ندانسته باشد خدایرا دشوار تواند دانست . والسلام تمام شد مسائل والحمدلله وحده» (ش٢/٣٤٠ـ ٢٥ ص١٩٠ همین فهرست) .

کفر و ترسائی گفتگو نمود و روشن ساخت که عارفان از اینها چه میخواهند و از گلشن راز گواه آورد تادشنام دشمنان عارفان را رد کند. این نامه در تهران بسال ۱۳۲۵خ بچاپ رسید.

[٦٧٧]

۸۴۹ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۰گ ٥٥ر-٦۰ب. آغاز وانجام آن چنین است: بباید دانست که سخن بمنزلهٔ قالب است ومعنی بمنزلهٔ روح (آغاز فصل ۲ ص۷ س۱۷ چاپی)- زاسلام مجازی گشت بیزار کرا کفر حقیقی شد پدیدار (ص۲٦ س١٤ چاپی).

[٥٤٩] مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقة (عربی)

این کتاب که در صد باب است و هر بابی پس از عنوان بعبارت (قال الصادق) آغاز میگردد از بسیاری از مراتب و مقامات عرفانی بحث میکند. دیباچه نگار آنهم پس از یاد کردن عنوان بالا آنرا از صادق(ع) دانست. علی بن طاوس (٥٨٩-٦٦٤) در امان الاخطار (ش۱۰۱۸گ٥٦الف) میگوید مصباح الشریعة ومفتاح الحقیقة را باید درسفرها باخود داشت. ابن ابی جمهور احسائی (زنده ۸۹۵) در اللئالی العمادیة بندهائی از آنرا آورد. همچنین تقی الدین ابراهیم کفعمی (م۹۰۵) در مجموع الغرائب و شهید دوم (۹۱۱-۹٦٦) در کشف الریبه و منیة المرید و مسکن الفؤاد پارههائی از آن را آوردند. مانا این دانشمندان در اینکه مصباح الشریعه از صادق ع(۸۳-۱٤۸) است شکی ندارند مگر اینکه شیخ حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰٤) در هدایه بدان ارجی ننهاده و گفت که با متواترات نمیسازد و برخی آنرا از زین الدین دانستهاند نه سخنان صادق ع مجلسی (۱۰۳۷ - ۱۱۱۰) در بحار درپارهای از آن شك نمود و گفت که ریخت و اسلوب آن از آن صادق(ع) نمی باشد. میرزا عبدالله افندی (۱۰٦٦-۱۱۳۰) در ریاض العلماء آنرا از کتابهائی دانست که نگارنده آن نادانسته است و گفت که برخی آنرا از هشام پسر حکم پنداشتند و درست نیست و باید از صوفیان باشد. با اینهمه سیدحسین قزوینی (م۱۲۰۸) درجامع الشرایع میگوید که بگواهی ابن طاوس و شهید دوم و فیض باید آنرا از صادق(ع) دانست.

حاج‌میرزا حسین‌بن‌محمدتقی نوری (یالو ۱۲۵٤ـ نجف ۱۳۲۰) . در مستدرك الوسائل که در ۱۳۱۹ آنرا بپایان‌رساند پس از آوردن سخنان این دانشمندان میگوید که اینکتاب ازسخنان صادق(ع) فراهم گردید وروا است که با گفتار صوفیان همانند باشد چه آنان درسیر وسلوك و پارسائی آنچه گفته‌اند باراًی پیروان‌شریعت ناساز گار

۵ نیست تنها مقامات و کراماتی که برای‌خود میگویند ما نمیپذیریم . او هرچه دراین زمینه میبایست آورد (ج۳ص۳۲۸ـ۳۳۳) .

مگر اینکه اگر دلیل سبك مجلسی، وشیخ حررا بپذیریم باید گفت که در اینکتاب عبارات واصطلاحاتی آمده که ازسده نخستین نباید باشد .

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمدلله‌الذی نورقلوب‌العارفین بذکره وقدس‌ارواحهم

۱۰ بسره ... فهذا کتاب مصباح‌الشریعة ومفتاح‌الحقیقة من کلام‌الامام ... جعفربن‌محمد الصادق ... وهو مبوب علی‌مائة باب .

انجام : فالعبادة للعوام والاشارة للخواص واللطائف للاولیـاء والحقایق‌للانبیاء علیهم السلام والحمدلله رب العالمین ـ اینکتاب در ایران بسال ۱۲۸۳ بچاپ سنگی رسیده است .

۱۵ [٦٧٨]

۸۸۱ این نسخه شماره ۱۲ دفتراست واندکی باچاپی جدائی دارد وبخط نسخ خوش با عنوانهـای شنگرف محمدبن فتح‌الله بسطامی در مدرسه رزم ساریه قـزوین پنجشنبه ۱۷ع۲سال ۱۰۰٤ گ ٥٦ب‌ـ ۸٤الف ـ وچنین‌است پایان‌آن « باب‌ـ العبودیة قال‌الصادق(ع) العبودیةجوهرة کنهاالربوبیة ... و اصول معاملة الدنیا سبعة

۲۰ اشیاءالرضا بالدون ... مـع رفض‌الریاسةفاذا حصلت هذه‌الخصال بحقها فی نفس فهو من‌خاصةالله وعباده‌المقربین واولیائه‌حقا وصدقا در برگهای ۸٤ب ـ ۸٦ الف سخنان پراکنده‌عرفانی‌است

[٥٥٠] مصفاةالاشباح ومجلاةالارواح (کتاب‌التفکر) (عربی)

. نورالدین محمد بن مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی کاشانی (زنده در

۲۵ ۱۱۱۵) این‌کتاب را بسال ۱۱۱۰ درعبادات واخلاق وخـدا و روان وجهانشناسی بروش عرفان وازروی خبرهای شیعی نگاشته وآن‌چهارفن است وهریك چندباب ودرست مانند احیاء غزالی والمحجة البیضاء فیض میباشد .

آغاز: بسمله و به‌ثقتی . الحمدلله الـذی شرح صدورنا بانوار معرفته و نور قلوبنا باسرار طاعته .

انجام: و ماأسبغ نعمك فی‌الدنیا والاخرة · هـذا اخرالکلام فی‌الفن‌الاخیر والحمدلله اولا و آخرا وظاهرا و باطنا ـ وقع فراغ مؤلفه من‌الجمع والتألیف‌والنظم والترصیف فی‌سنة الف و مائة وعشر من‌الهجرة النبویة . ۵

[۶۷۹]

۲۵۲ این نسخه شماره۳دفتر است و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف گ۳۹ ب ـ ۱۸۵ب س۲۷ درآغاز و پایان این‌شماره نورالدین بخط ومهر خویش نوشت که این کتاب برفرزندان نرینه وشایسته اووقف است وپس از آنهـا بر دانشمندان شیعی ومتولی‌آن دانشمندترین‌وپارساترین آنهااست واگرروشن نباشدکه ۱۰ کدام است باقرعه‌دانسته خواهدشد ومتولی بایدآنرا بخواننده‌شایسته بدهد ونگاهش ندارد. گیرنده نیز بایستی سرسال‌آنرا پس‌بدهد . گزیدهٔ همین بنام (آئینهٔ حقایق نما) درمجلس هست (ش۵۶۵)

[۵۵۱] **معیارات‌العارفین** (فارسی)

دراین‌نامه نشانه‌های رسیدن بپایگاه ارجمند درسیروسلوك نموده شده‌ودر ۱۴معیار، نشانهٔ مقامات عرفانی وخلقی بپارسی ساده‌ای بنگارش در آمد. دربیشتر ۱۵ جاها حدیث شیعی و آیتی ازقرآن‌گواه‌آورده شده ودارای ۱۴ معیار ویك خاتمه است. ازمقامات‌العارفین شیخ وشعرهای عطار در آن آمده ونیزشعر پارسی خـود نگارنده(گ۱۹۷الف).

آغاز: بسمله وحمد ... وبعد این ملحقاتی است برکتاب جهاد اکبر که‌بعد ازاتمام‌کتاب بخاطر قاصرم رسید . ۲۰

انجام : آنچه مولوی معنوی ... بیـان‌کرده و گفته است: عقل‌است چراغ ماجراها ـ آن‌خواهش عقل ازکجابود ... محولیلی شده‌است مجنون ـ زیرا همه عشق‌بد فنا بود .

[٦٨٠]

۱۰۳۰ این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط نسخ و روی عبارتهای تازی خط سرخ کشیده شده و نویسنده آن محمدمؤمن بن محمدامین تبریزی بسال ۱۰۹۱ میباشد. درهامش خط جلال الحکما اسدالله کجوری لاشکی طبری بتاریخ رجب ۱۳۲۹ دیده میشود . گ۱۹٤ب ـ ۲۰۰الف .

[٥٥٢] مفاحص (عربی)

این دفتر ازشیخ صائن یا ضیاءالدین علی بن محمدبن صدرالدین ابوحامد محمد بن حبیب الله ترکه خجندی سپاهانی دانشمندعارف (م۸۳۰)است ودرعرفان آمیخته باعلم حروف میباشد وجدولها وشکلها درآن دیده میشود . خجندی آنـرا بسال ۸۲۳ بپایان رساند. مطلبها باعنوان «فحص» درآن آغاز میشود ودردیباچه آن از شرف الدین علی یزدی (م۸٥۸)(۱) بنام برادرخدائی یاد میشود ودرسه جای پایان (گ٩٥ب۹۸ الف وب) ازنام کتاب (مفاحص) یاد میگردد بدینگونه : « المفاحص الکتابیه ـ فی هـذاالمفاحص والابواب ـ ونختم هذه المفاحص» خجندی درآن از «خمسین» ربیب امام صادق (٥الف) ونامهٔ احمد حنبل بمردم نیشابوروگرگان (٥٣ الف) میکند .

آغاز: بسمله . الحمدلله الـذی اعد عدید عباده لفهم کمال مراده بـانزال اعداد بینات الکتاب .

انجام : فـان للحروب رجـالا . وکل میسرلما خلق له . علی انی غیر آمن عن هفوةالقلم وکبوةالقدم عصمناالله تعالی عن ذلك ، بحرمةالفاتح لابواب هذاالطریق ، الخاتم ایاها بختام التمام ، محمد، صلی الله علیه وعلی اله الصلوة والسلام .

[٦٨١]

٤۳۰ این نسخه بخط تعلیق ریزبا عنوانهای شنگرف بنسخ وبا حاشیه های «منه» و تاریخ روزیکشنبه۲ شعبان ۱۰۷۷ میباشد. ازتاریخ نگارش خجندی دراین نسخه نشانی نیست .

---

۱ ـ یزدی نگارنده ظفرنامه تیموری است درشیراز از۸۰۷تا۸۲۸ که درکلکته در ۲ جلد بسال ۱۸۸۷ بچاپ رسید .

(۳۹۸ب) ـ کاغذفرنگی ـ جلدتیماج سرخ حاشیه‌دار
اندازه : ۱۴×۲۰ و۹×۱۴/۵ر۱۴س۲۱

[٥٥٣] **مقامات میرمرشدی** (فارسی)

نگارشی است در عرفان وبنظم .

آغاز: بهاراست ومن مست ودل درخمار ـ خوشاجام می‌خاصه ازدست‌یار ۵

انجام: که بهرپرستیدن آن‌صنم ـ بملك وجود آمدم ازعدم .

[٦٨٢]

٨٤٩ این نسخه شماره۳ دفتراست وبخط نسخ محمدعلی بسال ۱۳۰۰ گ ٥٠ب ـ ٥٥ب.

[٥٥٤] **المقصدالاقصی** (فارسی)

این نگارش ازشیخ عزیز بن محمد نخشبی شاگرد شیخ سعدالـدین حموی ۱۰
(م ٦٥٠ یا٦٥٨) است که بـا زبدة‌الحقایق گزیده مبدء ومعاد همو درجنگی دارای
اشعةاللمعات جامی ومنتخب جواهرالاسرار آذری وجزاینها در۱۳۰۳ بچاپ‌سنگی
رسید(ص۱۲۹ ـ ۱۹٦) ـ نخشبی منازل السائرین وکشف‌الحقایق نیز نگاشته است(۱)

[٦٨٣]

٤٠٥ این نسخه شماره۱دفتر است گ٥ب ـ ٤٦الف واندکی باچاپی جدائی دارد ۱۵
وچنین است :

آغاز: بسمله وحمد... اما بعدچنین‌گوید ... عزیز بن‌محمدالنسفی که جماعتی
از درویشان .

---

۱ ـ اودر مقصد اقصی (ص ١٦٠) ازحموی یادمیکند ومیگوید که وی کتابهـا
درباره صاحب‌الزمان ساخته وازاو بسیار ستوده وگفت که دراین هنگام که مادرآنیم ۲۰
بیرون‌آید اما بیچاره (نسفی) برآنست که وقت بیرون‌آمدن اودانسته نیست . از سخن
حموی بسیارکس بخودگمان بردند که صاحب‌الزمان مائیم وسرگردان شدند . بازمی
گوید که‌دردور نبوت‌درمدرسه‌ها بحث‌علم ظاهرمیکنند ودردور ولایت (صاحب‌الزمان)
ازحقایق بحث‌میشود ـ روش‌باطنی وتأویل‌این عارف پیدا ودر بسیاری ازجاها سخنان
فیلسوفان‌را نیز میآورد ـ دونسخه ازمقصد اقصی (ش٦٣٩/۱ و٦٤٠/۱ ص٥ ـ ٤٠٤ج ۲۵
۲) درمجلس ونسخه‌ای (ش۱۰۳۱ص۲٥٥ج٤) درطوس هست .

انجام: واین است خلاص آدمی . سخن کوتاه شدوالله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب ... تمت الکتاب بعون الملك الوهاب .

[۵۵۵] **مقطعات** (فارسی)

این مقطعات عرفانی ازسید معصومعلیشاه است .

۵ **آغاز**: درحدیث آمده که بیت حرام ـ زاده درویعلی عمرانی .

انجام: جمله عالم فانی وباقی استاو ـ کل‌شئی‌هالك الاوجهه .

[۶۸۴]

۳۵۸ این نسخه شماره۹ دفتراست وبخط تعلیق گ۱۶۳ب ـ ۱۷۰الف .

[۵۵۶] **منتخب التصانیف** (عربی)

۱۰ نورالدین کاشانی(۱) دراین نامه کتابهائیراکه برگزیده وخوانده بودبرشمرد و در دیباچه آشکار داشت که علم دین برتری دارد وباید کتابها رانگاهداری نمودو مطلبهای علمی‌را نوشت . آنگاه گفت که من چندین سال بفراهـم آوردن کتابهـا پرداختم ورازکتاب وسنت‌را بشناختم. خواستم نغزحکمت رابیاموزم‌واز گفتگویها دور باشم پس ازهرهنری بیکی دوسه کتاب بس کردم. این‌بود که‌قرآن‌رابرگزیدم

۱۵ واز تفسیرهای ظاهری آن «صافی» استاد وعم خود محمدمحسن‌بن مرتضی که آن هم دراز بود خواستم کوتاهش کنم . تفسیرباطن قرآن واحکام آنرا درنوشته‌های

۱ـ ازخاندان‌فیض ایندانشمندانرا سرگذشت نویسان یاد کرده‌اند: ۱ـ شاه‌مرتضی که کتابخانه‌ای داشت ۲ ـ پسرش محمدمحسن فیض ۳ ـ پسردیگرش مولی عبدالغفور که شاگرد استادان برادرخویش فیض مانند سیدماجد بحرانی ومولی نورالدین کاشی

۲۰ دائی آندو بوده است ٤ـ پسرعبدالغفور بنام محمد مؤمن شاگرد عم‌خود فیض که در به شهر (اشرف) درس میگفت ۵ ـ علم‌الهدی محمد پسر فیض که دفتری بپارسی در اصول وفروع دارد ۶ـ نورالدین‌محمد پسرمرتضی پسرمحمدمؤمن پسرمرتضی‌دانشمند اخباری و نویسنده مصفاة الاشباح فی‌الاخلاق وعجائب‌الافاق که بیشتر آنرا از نوشته های استاد اجازه دهنده خویش فیض گرفته است . درروضات ص ۵٤۲ نورالـدین را

۲۵ برادر فیض پنداشت ونادرست است ۷ـ پسرنورالدین مولی محمد هادی محدث‌عارف وشارح مفاتیح فیض .

دانشمندان پراکنده دیدم . از کتابهای اعمال دینی «اهم مایعمل» عم‌واستادم‌را یافتم
وخود هم«روح‌الارواح وحیاةالاشباح» دردعاها نوشتم. اوباز ازصحیفهٔ کامله سجاد
یازبور آل‌محمد وذریعةالضراعة استاد(طاب‌ثراه) ومفاتیح‌الاحکام استادکه برگزیده
است یادمیکند ومیگوید که کتاب التفکر یامصفاةالاشباح ومجلاةالارواح درتوحید
واخلاق ونیزمبدء ومعاد یاالحقائق‌القدسیه والرقائق الانسیة درفلسفه وعرفان که‌در ٥
آن نوشته‌های پیشینیان گزین‌شده است:نوشتم سپس‌الکلمات‌النوریه والایات‌السریة
که درآن رازهائی نوگنجاندم . آنگاه به‌الواردات القلبیه فی‌معرفةالربوبیه استاد
استادم (شیرازی) که بسیارشیوا وروشن وراز خدائی درآن است برخوردم وآنرا
با دوکتاب پیش دریکجلد کردم تابآسانی بتوان نگاهداشت. ازترانه‌های عشقی و
عرفانی گزینهاکردم ودر جنگ (منتخب‌الاشعار) نوشتم اوبازاز«نخبهٔ» خود درفقه ١٠
وکلمات طریفه در منشأء اختلاف اراء امت مرحومه وبشارةالشیعه در چهل مژده
برای‌شیعه ازروی‌یك آیه قرآن‌وتنویرالقلوب دربرتری‌حکمت پیامبران‌وپیشوایان
ورسالةالانصاف درراه یافتن‌برازدین نام میبرد ومیگوید که همه‌یا بیشتر اینهابروش
خاندان پیامبر است چه هرچه جزآن باشد بیهوده خواهد بود . این‌رساله درج ١
سال١١١١ بپایان‌رسید. ١٥

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الواحد الاحدالفردالصمدالذی لم‌یلد ولم یولد . . .
فیقول محمدبن مرتضی المدعو بنورالدین .

انجام: لاتفرق بیننا وبینهم‌طرفة عین‌ابدا برحمتك یاارحم‌الراحمین وبکرمك
یا اکرم الاکرمین .

[٦٨٥] ٢٠

٢٥٢ این نسخه شماره ١دفتر وبخط نسخ خودنورالدین است که در ١١١٤ آنرا
ازروی اصل نوشته ومقابله نمود گ٢ب ـ ٤ب‌س٣٠ ـ درگ١الف‌دارد:
للسیدالداماد فی‌مدح صدرالمحققین: جاهت گرفته صدرا باج ازگردون ، داد
است بفضل توخراج افلاطون ، درمسند تحقیق نیامد چون تو، یکسر زگریبان طبیعت
بیرون . ٢٥

در گ۱ الف ـ ۲الف و۵الف ـ ۱۰الف و۱۱ب ـ ۳٦ب و۳۵۷ب ـ۳٦۱ ب
خبرهائی است ازعلی وصادق ع وعبارتی درمعنی قطب وسخنانی ازشیخ بهـائی و
افلاطون و کاشی درشرح منازل السائرین وفیض که (عمی الاستاد محمدبن مرتضی المدعو
بمحسن) خواندش وازغزالی دراحیاء وعلم لدنی وشیخ اشراق وسیدداماد وصدرا وحسن
٥ بن عبدالرزاق لاهیجی واخوان صفا وحدیثها وسخنان فلسفی وعرفانی وکلامی با بیتها
وعبارتهائی بپارسی ونیزسخنانی ازخود نورالدین . همه اینها بخط تعلیق ریز و نسخ
ودر برخی جاها مورب'(س۳۰) درپایان (گ۳٦۱ ب) ودرگ۲الف بخط همین نور
الدین نوشته که وقف اولاد است ومهر نورالدین محمد هم دارد .
شماره۲دفترشرح حدیث کمیل و۳ کتاب التفکر و٤ المبدء والمعاد و٥ الکلمات النوریه
۱۰ و٦ الواردات القلبیه است. این دفتر همانستکه درمنتخب التصانیف بدان اشاره نمود.

[٥٥٧] **منتخبات انوارالشریعه** (عربی)

گزیده ایست ازانوارالشریعه نگارش سیدحیدربن علی آملی که درنجف (مشهد
غروی) میزیسته است. درآن آشکارمیگرددکه ماهیات آفریده نیستند وازفصوص
شیخ اعظم ومقدمات شارح فصوص یاد میشود .

۱۵ **آغاز:** بسمله وبه نستعین . من منتخبات انوارالشریعة من افادات سید حیدربن
علی الاملی ساکن مشهدالغروی طاب ثراه ـ ماوقع الخلاف بین الانبیاء والرسل علیهم
السلام فی اصول الدین وارکان الاسلام وان وقع فی الفروع والاحکام الجزئیة .
انجام: ولذلك خلقهم والله اعلم واحکم والسلام علی من اتبع الهدی .

[٦٨٦]

۱۰۸۸۲۰ این نسخه شماره۱۳دفتر است وبخط تعلیق گ۳۷ب ـ ٤٥الف .

[٥٥٨] **نامه اندلسی برازی** (عربی)

دانشمند عارف محیی الدین اندلسی (٥٦٠ ـ ٦۳۸) این نامه را بفیلسوف کلامی
فخررازی (٥٤٤ ـ ٦٠٦) نوشته ودرآن برازی پندداد که ازبحث وفکر بعرفان و
شهودگراید وازعلوم رسمی مانند پزشکی وهندسه که درجهان مینوی بی هیچگونه
۲٥ بیماری و اندازه و شماره سودمند نیستند درگذرد و میگویدکه شنیدم تو روزی

می گریستی که سی سال درمسئله‌ای یقین داشتم و اکنون آشکار شد که درست نیست شاید این یکی هم مانند آن باشد- این نامه در کشکول شیخ بهائی (ص٦-٢٥٣ تهران بسال ١٣٢١) بچاپ رسید .

[٦٨٧]

٥ این نسخه شماره ٢٨ دفتر و بخط تعلیق ص٢٥١ - ٢٥٢ وآغاز و انجام آن

١٠٣٥ چنین است : «الحمدلله وسلامه علی عباده ... وعلی ولی الله تعالی فخرالدین محمد ... اما بعد فانا نحمدالیك الله الذی لااله الاهو ... ویقول الله وتواصوا بالحق- الاذعان للحق والتسلیم له ان لم یکن الایمان به. وهذا تمام الرساله . والله ولی الکفایة«(١) پس ازاین درص٢٥٣-٢٥٥ بهمان خط گفتار شهرستانی درنهایة الاقدام

١٠ برابر با ص٥٠٥-٥١٤ چاپ اکسفورد بسال١٩٣٤ دراینکه گوهر فردهست نوشته شده (ش٢٩) .

[٥٥٩] **نامه بهائی بهمدانی** (عربی)

نامه‌ای است ازشیخ بهائی بمیرزا ابراهیم همدانی که در آن مینویسد چون بدیدار آرامگاه سهل بن علی رفتم ازتب «محرقه» رهیدم واموری ذوقی برمن آشکار

١٥ گشت و آن‌را ارج مینهم وبسیار بآن آرامگاه معتقدشدم ازمیرزا ابراهیم میخواهد که‌هماره ازوی یاد کند. درفهرست مجلس (٦٢٠/٢)ازنامه شیخ بهائی بمیرزاابراهیم همدانی نام برده‌شده و آغاز وانجام آن یاد نگردید .

آغاز: سواد کتابی کـه حضرت ... شیخ الاسلام والمسلمین طاب ثراه شیخ بهاء الدین محمد العاملی که بحضرت زبدة السادات العظام میرزا ابراهیم رحمه الله

٢٠ نوشته اند : سلام اله علی سیدنا سلطان اعاظم السادات المتالهین وقدوة افاخم الحکماء الراسخین... فقد تشرف المخلص الحقیقی بزیارة المزار القدسی الانوار .

انجام: وان یطهر قلوبنا من دنس التوجه الی ماسواه ... باطناً وظاهراً . حررت هذه ... یوم السبت ثامن شهرجمیدی الاولی فی جوار الحضرة القدسیة المشار الی نبذة

---

١ ـ آغازچاپی چنین است: بسمله الحمدلله وسلام علی عباده الذین اصطفی وعلی

٢٥ ولی فی الله فخرالدین محمداعلی الله همته وافاض علیه برکاته ورحمته وبعدفان الله یقول وتواصوا بالحق- انجام همان میباشد .

من آثار بركاتها وهي الحضرة المنسوبة الى سهل بن علي سلام من الرحمن نحو جنابه فان سلامي لايليق ببابه .

[٦٨٨]

٢٩٣٠ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق شکسته مورب در پشت برك پیش از «اشراق الحق» ازروی خط شیخ بهائی نوشته شده است و محمد صادق حسینی بدان گواهی داد (۱ الف) شماره دوم این دفتر اشراق الحق من مطلع الصدق حسین بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کرکی عاملی است که در پاسخ نامه ایکه از شیراز آمده و پرسیده اند که آیا نامبردن (مهدی موعودع) رواست ؟ نوشته و آنرا روا دانست و در ۲۲ رمضان سال ۱۰۲۰ آنرا بپایان رساند. در دنبال آن اجازه ایست ازهمو بمولانا نصیرالدین محمد در روایت همین رساله و بخط کرکی .

[٥٦٠] **نامهٔ بهائی بهمدانی** (عربی)

نامه ایست عرفانی ازشیخ بهائی بنواب میرزا ابراهیم همدانی که بیتهائی بپارسی در آن آورد .

آغاز: یا غایب عن عینی لاعن بالی ، القرب الیك منتهی آمالی .

انجام : تاعزیز مصر ربانی شوی ـ وارهی ازجسم وروحانی شوی. والسلام علیکم وعلی حالتی لدیکم والمنتسبین الیکم . تم .

[٦٨٩]

١٠٣٥ این نسخه شماره ۳۹ دفتر است و بخط تعلیق ص ۳۳۸ـ۳۳۹ .

[٥٦١] **نامهٔ تبریزی بهمدانی** (فارسی)

نامه ایست عرفانی که مولی عبدالباقی تبریزی بمیرزا ابراهیم همدانی نوشته است.

آغاز: بحق بیت و بحق صاحب بیت و بحق دل شکسته و بحق آنکه دل دوستان را شکسته .

انجام : بار دیگر ملازمت آنجناب را روزی مخلص خیر خواه گرداند بالنبی و آله الامجاد .

[۶۹۰]

۱۰۳۰ این نسخه شماره۱۲ دفتراست و بخط تعلیق محمد مؤمن برای حاجی محمد شریف درشوال ۱۰۹۴ گ ۱۱۵ب ـ ۱۱۷الف .

[۵۶۲] **نامهٔ زردشت** (فارسی)

این نامه که از «ابراهیم» !! زردشت دانسته‌شده بزبان پهلوی‌بوده و«زوره» ۵
نام دارد . انوشیروان از «اژرژروه» سپاهانی شاگرد بزرگمهر درخواست که آنرا
بپارسی گزارش کند . اودردیباچه میگوید که نامم «اژرژروه» وازسپاهانم وازنژاد
کیومرث‌وازساسانیان وازاردشیرنیکوکاروشاگرد بزرگمهرمیباشم. انوشیروان‌از
من خواسته است که سخنان«ابراهیم» زردشت پیامبرایران‌بنام «زوره» راکه‌بپهلوی
بوده واوآنرا برای فروانروای هند فرستاده وشاه هندی بازآنرا برای انوشیروان ۱۰
فرستاده بود گزارش بنویسم .

این گفتار بروش اشراقی وآمیخته باآئین زردشتی‌است وبرخی ازواژه‌های
این فلسفه مانند «اسفهبد» وجزآن در آن دیده میشود.

آغاز: بنام ایزد جان‌بخش روزی‌رسان چنین‌گوید «اژرژوه» .

انجام : وبند دیوکه‌فریب ونیرنك اواست ازجان‌ودل برداشتن وآن‌مردار ۱۵
پلیدرا بجان ودل نگماشتن .

[۶۹۱]

۲۵۳ این نسخه شماره۲۰ دفتر است وبخط تعلیق حیدر کرکی نزدیك ۱۰۷۶ گ۱۳۰ب ـ ۱۴۱الف .

[۵۶۳] **نامهٔ حسینی** (فارسی) ۲۰

این نامه ازسید حسینی است که بیکی ازپیروان خویش نوشته وبدو درآن
دستور سیروسلوك‌میدهد .

آغاز: الحمدلله ... وصیت آنستکه درجمیع احوال حق جل‌ذکره رامطلع
احوال وناظر افعال داند .

انجام: دوازدهم ، درهرکجاکه باشد این ضعیف رابدعای خیریاد دارد .

[٦٩٢]

٨٧١ این نسخه شماره٦ دفتراست وبخط تعلیق محمدعلی بسال۱۳۰۱ گ۸۰ الف ـ ۸۱ب . دورباعی فارسی درهامش دیده میشود .

[٥٦٤] **نامهٔ عرفانی** (عربی)

٥ نگارندهٔ این‌نامه یادی از پراکندن صوفیان میکند ونوشته است که تو آنانرا گردآوردی ومایه آسایش آنان شدی .

آغاز: هو. سلام‌علیکم من‌محب وداده . اذا اخلق‌الایام‌وداانجددا ... سلام‌علی ـ الجناب‌المنیع والمحل‌الرفیع العالم‌الربانی والعارف‌الفردانی سیف‌الملة والدین‌حجة الاسلام والمسلمین ... قدوة‌المجتهدین سلطان علماء الشریعة مالك اربـاب‌الحقیقة

١٠ بقية مشايخ‌الشرق ... علم‌الهدى شيخ‌الورى .

انجام: وانسکبت من‌جفونه عبراته . یبکی دماویحن‌الما .

ایا ربع احبالی و دار غرامی — علیك وان‌کان البعادسلامی
فمن مبلغ عنی الاحبـة اننی — خلعت‌اصطباری‌اذلبست‌سقامی
سلام علی تلك المنازل انها — منـازل احبـاب علـی کرام

١٥ [٦٩٣]

١٠٣٥ این نسخه شماره۱۹ دفتر وبخط نسخ ص۱۷٤ میباشد .

[٥٦٥] **نامهٔ عرفانی** (فارسی)

دراین نامه عرفانی, ازنظر علیشاه وحسینعلی شاه یادمیشود .

آغاز: بسمله ره نوردان طریق فقروغنا وجرعه نوشان‌رحیق ثبات‌وبقا .

٢٠ **انجام** : وهر که درمقام مخالفت نشست ابواب فیوضات را بر چهره خود بست باقی والسلام علی من‌اتبع‌الهدی

[٦٩٤]

٨٦٤ این نسخه بخط تعلیق است ودرگ ۷۳الف ـ ۷٤ب این دفترمیباشد .

[۵٦٦] **نامه غزالی** (فارسی)

یکی ازشاگردان غزالی پس ازسالها آموختن ازوی ازاو پرسید کدام دانش سودمند است. استاد درپاسخش نامه‌ای نوشت ودانش سودمند رابدو گفت کـدام است. این شاگرد گفته که گرچه درنوشته‌های خویش مانند کیمیا واحیا وجواهرـ القرآن واربعین ومنهاج آنرا روشن کردید مگراینکه میخواهم «یکتاکاغذی» از شما داشته‌باشم وپیوسته آنرا بخوانم. غزالی دراین‌نامه ازروایتهای شیعی‌نیز آورد. ۵

آغاز: بسمله وبه نستعین. بدانکه ازجمله شاگردان و تلمیذان خواجه ... محمد غزالی ... بعد ازآنکه درخدمت وی سالها درس خوانده بود ... پس‌خواجه امام ... این فصل‌بنوشت «بسمله. ای فرزند عزیز وای دوست مخلص... که منشور نصیحتها ازحضرت محمد ... نویسند». ۱۰

انجام: واما دعائی که خواسته درصحاح بسیار آمده است ... وهمچنین در طریق اهل‌بیت... دعاهای نیکو بسیاراست ازآنجاپگه‌طلب میکن واین‌علی‌الدوام میخوان علی‌الخصوص درعقب نمازها. الدعاء: «اللهم اسئلك من‌النعمة تمامها ومن العصمة دوامها.. واعتق رقابنا ... عن‌النار‌یا عزیز یاکریم ... یاحلیم یاجبار برحمتك یا رب». ۱۵

[۶۹۵]

این نسخه‌شماره۱۳ دفتراست و بخط نسخ باعبارات تازی بشنگرف گ۸۷ب
۸۸۱ - ۷۹ الف.

پس ازاین در۹۸الف - ۱۰۰ب سخنانی است فلسفی و عرفانی چنانکه در ۹۸ر ازدفع‌الاحزان کندی نوشته شده وهمه اینها بخط شکسته تعلیق ومورب است‌از ۱۰۱ب تا۱۰۹الف رباعیهای خیام است وچکامه‌های دیگران و۱۱۰ب و۱۱۱ جـدول عرض وطول‌شهرها ازروی‌زیج‌جدید وجدول ظل ومیل اول و۱۱۴-۱۱۷ ب گفتگوی خدا است باپیامبر درمعراج (بخط نسخ بتاریخ۱۰۱٤ درباغ قایدحسن) و۱۱۸الف - ۱۲۲ب‌سخنان‌پراکنده‌ایست مانند داستان‌هرمس از تاریخ حکماو‌پند پلاتون بارسطو ازکشکول بخط شکسته تعلیق مورب. ۲۰ ۲۵

[۵٦۷] **نزهة‌الارواح** (فارسی)

نگارنده این رساله دانشمند عارف فخرالسادات امیرحسینی حسین بن عالم

بن‌الحسین سادات هروی کزیوی غوری (نزدیك ۶۸۱ـ۷۲۳ درهرات) بمولتان‌رفته ورکن‌الدین ابوالفتح پسروپیرو شیخ بهاءالدین زکریاء مولتانی اورا بپرورد . وی زادالمسافرین‌و کنزالرموز بنظم وروح‌الارواح وصراط‌مستقیم ونزهـة‌الارواح بنثر دارد ودیوان شعر. او ۱۷ پرسش از شبستری کرد و پاسخ وی بدستور بهـاء الدین
۵ یعقوب تبریزی بسال۷۱۷ در گلشن راز داده شد(۱) .

---

۱ ـ (نفحات جامی ص۵۴۵ ـ ش۶۶۶ مجلس ـش۹۵۵طوس) .

این رساله مادر۲۸ مقاله است. بدینگونه: «مبدء سلوك ـ معرفت سلوك‌ـ مقامات سالك ـ نصیحت سالك ـ بـدو خاقت ـ وحدت ـ تجرید سالك ـ قـاعده طریقت ـ کمال استغناء ـ آغاز فطرت ـ اختلاف حالات ـ بیان دل ـ تصفیه دل ـ دیباچـه
۱۰ عشق ـ حقایق عشق ـ حیرت عشق ـ بیان نفس ـ مخاطبت نفس ـ معاملات ـ اجتهاد ـ صحبت‌ومتابعت‌ـ تـرك‌خلق ـ صبر و تسلیم ـ کشف معانی ـ ارشاد وانتباه ـ اشارت اهل طریقت ـ نهایت این طریق ـ ختم کتاب » .

درباب۲۸ دارد : «چنین گوید ... فقیرحقیر حسینی بن‌ابی‌الحسن‌الحسینی ره که این عرایس ابکار یعنی‌افکار برمنصات خدارخاطر ومقصورات خیام ضمیراین ضعیف‌اند...
۱۵ درشهور سنة احدی وعشرین و سبعمائة مشاطهٔ نشاط فکر ... مفرح و موشح ساخت » (گ۸۰ب ـ ۸۱الف) پس سال نگارش نزهه ۷۲۱میباشد . دراین رساله سخنانی از عارفان وپاکان وبیتها بپارسی وتازی وآیه هاآمده وبسیار شیوا است ودرآن یادمی شود از: پیرهرات ـ شبلی ـ بایزید ـ احمد غزالی (۱۶ب) ـ شیخ لقمان سرخسی که با ابوالفضل گفتگو دارد ـ سنائی ـ کاسهٔ سری‌تهی ونگون افتاده که آنـرا دیده و
۲۰ نوشته عبری آنرا خواند (۱۲۷الف) ـ مالك دینار ـ سری ـ حسین ـ سهل‌بن‌عبدالله شوشتری ـ جنید ـ ابوتراب نخشبی ـ شیخ ابوسعید ـ درجائیکه ازاستدلالیان نکوهش میکند ازمختلف وتمهید وهدایه وجامع صغیر نام میبرد (۶۵الف) . بازمیگوید کـه به زمین‌هند رسیدم(۳۱ب) نیزمیگوید: «ای‌شب گرد بدروزعمرت بچهل رسیده»(۷۹ب) پس کزیوی درسال ۷۲۱چهل سال داشت وبایستی نزدیك بسال۶۸۱ زاده شده باشد
۲۵ وسخن جامی که مرگش‌را در۱۶ شوال۷۱۸ دانست‌یا دیگران که۷۱۷ و۷۱۹ گفته‌اند درست‌نیست. دونسخه از این درموزه بریتانیا هست . مانادر آنها سال نگارش نزهه ۷۱۱ نوشته شده .

(ج۱ص۴۰الف Or1229 — ج۲ص۸۶۱ الفAdd.26،292I)

آغاز: بتوفیقش چوروشن دیدم آواز ـ سخن راهم بنامش کردم آغاز .
سپاس بیقیاس ومنتهای بی‌منتها ملکی راکه ملکش بی‌انباز است و درگاه لطفش درگاه بیگاه بردربستگان اوباز است .

انجام: از سـؤال ایشان خبر میدهد محفوظ مانند انشاءالله تعالی والله اعلم بالصواب . ٥

درکتابخانه‌های بنگال وبهار نسخه‌هائی ازنزهةالارواح وشرح آن ازعبد ـ الواحد ابراهیم حسینی بلگرامی که در ۹۸۵ بپایان رسانده است هست (فهرست بنگال ش ٤٢١ و ١١٨٨ ص ٢٩١ و ٥٦٨ وش ١١٩١ ص ٥٦٩ ـ فهرست بهار ش ٢ ـ ١٧١ ص ٣ ـ ١٣٢ .

[٦٩٦] ١

١٢٠ این نسخه شماره ١ دفتری است دارای ٢ رساله وبخط تعلیق زیبا باعنوانهای شنگرف که دومین آنرا محمدعلی تفرشی درسبزواردرتاریخ رمضان ١٢٨٧ درمدرسه فصیحیه نوشته است گ ١ ب ـ ٨١ ب .

(همه دفتر ١١٠ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد میشن ترياکی گل وبوته‌دار ضربی متوالی
اندازه ١٤×در٢١ و٥ر٦×٥ر١٣ س ١٤ ٥

[٦٩٧]

١٠٣٨ این نسخه شماره ١ دفتروبخط شکسته تعلیق مورب باعنوانها ونشانه هـای شنگرف میباشد . گ ١٠ ب ـ ١٨ ب وچنین است: « نزهةالارواح. فصل پانزدهم درحقایق عشق من نزهةالارواح . زهی عشق که هرکه بااوچون تیر راست نشد هرگز درشست او نیامد . وهرکه‌چون توزپی خودپوشیده نداشت کمان او نکشید ـ ٢٠
تمثیل : آتشی دربیخ نی‌افتاده بود و میسوخت· نی گفت این آتش چوکرده‌ام که مرا می‌سوزی؟ گفت‌دعوی‌بی‌معنی کرده میگوئی « نیم » وهمچنان‌دربند خودمانده وشب‌وروز بابرگ‌خود میسازی . لم تقولون مالاتفعلون؟ والله اعلم» « برارباب حقیقت پوشیده نماندکه این بنده‌را چون ماده آنمقدار قابل نبودکه ادراك این گفتگو ها تواند کرد اگر سهوی‌شده باشد براین کمترین نگرفته دراصلاح کوشند ودر پرده درسر عیبهای ٢٥
این‌فقیر پوشند. درتاریخ‌سنه ١٠٥٥ حسب‌الفرموده‌خدام‌خجسته اطوارى‌مخدوم‌نیکوسیرت درویش صورت کهف‌الحاج حاجی محمد باقر صاحب سلمه‌الله تعـالی باعث وضع این

صحایف شد . اقل الخلیقه بل‌لاشیئی فی‌الحقیقة محمدالدرویش »
پس‌محمد درویش بدستورحاجی محمد باقرصاحب بسال۱۰۵۵ نسخه مارا که۵مقالهٔ
نزهةالارواح کزیوی است نوشت. این نسخه دارای مقاله ۱۵و۱۴و۱۲و۱۳و۱۶ است
و آمیختگی وافزوده دارد و کهن‌تر از ش۱۲۰/۱میباشد .

۵ [۵٦۸] النصوص فی تحقیق الطور المخصوص (عربی)

دانشمند قونوی دراین رساله که (مفتاح‌الفصوص) نیزخوانده شده مسئله‌های
باریك عرفان‌را بااستدلال بیامیخت وهربندی‌را عنوان نص داده‌استو آن درایران
دنبال شرح منازل السائرین کاشانی بسال ۱۳۱۵ ص۲۷٤ ـ ۳۹۹ وبا تمهیدالقواعد
ص۱۸۲ ـ ۲۱٦ درهمین سال بچاپ رسید .

۱۰ [٦۹۸]

این نسخه شماره۱ دفتر وبخط نسخ خوش با عنوانهای شنگرف و۲۱ نص می
۸٦۰ باشد وشماره‌های نص درهامش دیده میشود وحاشیه‌هائی بنسخ دارد . گ ۱
ب ـ ۱٦ ب .

[۵٦۹] نهایةالبیان فی درایةالزمان (عربی)

۱۵ امام داودبن محمدقیصری (م۷۵۱) این رساله‌را درباره زمان وبود وهمیشگی
آن درچهار فصل ساخته وبروش عرفانی وفلسفی در آن گفتگو نمود . اوازارسطو
وشفا وابوالبرکات بغدادی وخواجه طوسی ونگارندهٔ صحائف وفتوحات وفصوص
اندلسی یاد میکند واین بیت سنائی «باوجودت ازل پریر آید بلکه آمد اگرچه
دیر آید» راآورد . درفصل۲ آن ازگفتار شیخ درنجات درباره رستاخیز دیده‌می
۲۰ شود . درپایان فصل۱ میگوید: «درمقدمات‌شرح فصوص‌گفته‌ایم» بازدرپایان‌رساله
بشرح فصوص بازگشت میدهد .

[٦۹۹]

این نسخه شماره ۵ دفتر وبخط تعلیق تازه گ۲۵ب ـ ۳٤ الف‌میباشددرعنوان،
۱۰۸۸ آن ازصدرالحکماء والمتالهین دانسته شد وچنین نیست . اینست آغاز وانجام
۲۵ آن : « بسمله . سمیتها نهایةالبیان فی درایة الزمـان وجعلتها اربعة فصول ...

الاول فی ماهیة الزمان وحقیقته . الثانی فی وجوده وکونه ازلیا وابدیـا . . . الثالث فی انقسامه الی الان والساعة والیوم وغیرذلك . الرابع فی بیان ایام الکبار الالهیة والربانیة والصغار الکونیة ـ وههنا اسرار اخر لا یحتمل المقام بیانها ولا الافهام اعلانها . والله اعلم بحقائق الامور .»

[٥٧٠] نیایش (عربی) ٥

این نیایش ازحلاج عارف دانسته شد .

آغاز: مناجات منسوب بحسین منصور حلاج ... انت اما انا هذا العین فی العین ـ حاشای حاشای عن اثبات اثنین ... الهی انت المتجلی لی من کل جهة .

انجام : فلك الحمد فیما تفعل ولك الشکر فیما تريد .

[٧٠٠] ١٠

این نسخه شماره ٣ دفتراست وبخط شکسته تعلیق گ ٤٣ الف در ١١ سطر (٦×١٤) درپایان آن حدیث «الا ان لله فی ایام دهر کم نفحات من رحمته الا فتعرضوا الها» دارد .

٨٧٦

[٥٧١-٥٧٥] نیایش (عربی)

١٥ خزرجی درفهرست نگارشهای شیخ که از گفته جوزجـانی آورده است از «خطب» یاد نمود (ج٢ص٥) ودر فهرستی که برپایان «سرگذشت» افزود،اندو آن را هم او آورد از«الخطب التوحیدیه فی الالهیات» و«خطب وتمجیدات واسجاع» یاد گردید (ص١٩) چنین برمیآید که شیخ رئیس درنیایش خداوند سخنانی ساخته و همانها مایهٔ این شد که دشمنان بهانه کنند واورا بدین خوانند که چرا دربرابر قرآن ٢٠ سخنانی درستایش خدای گفت واوهم ناگزیرشد که «رسالة الی ابی عبید الجوزجانی فی الانتفاء عمانسب الیه من معارضة القرآن»(١) یا «جواب یتضمن الاعتذار فیما نسب الیه من الخطب»(٢) بنویسد. ازاین پاسخ که شیخ بدشمنان داده چنانکه در قنواتی (ش ٢٠٤ و٢٥٧) دیده میشود پیداست که جوزجانی شاگرد وهمدم هنگام زندگی

١ـ بنگرید به : بیهقی ص١٨٩ .

٢٥ ٢ـ نگاه به : خزرجی ج٢ص١٩ که این را بیدرنك پس از «خطب وتمجیدات و اسجاع» یاد کرد. بگواهی قنواتی آنچه دربیهقی وخزرجی آمده یکی هستند .

ومرگ(١) او درباره شفا ومعارضه‌ایکه گفته‌اند باقران کرده است نامه‌ای باستاد نوشته وشیخ بدو پاسخ داد . ازاینگونه نیایش وستایش سه‌تا بنام «الخطبة‌الغراء ـ الدعاء ـ الورد لاعظم » درقنواتی (ش٢٢٠ـ٢٢٢ـ٢٤٤) دیده میشود و پنج نیایش دیگر دراینکتابخانه است .

٥ ١ ـ درستایش خدا واینکه او از روی خرد ودانائی جهان را بیافرید .

آغاز: سبحانك الملك الجبار ، الاله‌القهار ، لاتدركه‌الابصار ، ولايمثله‌الافكار ، لاجوهر تقبله‌الاضداد ، فتغير .

انجام: نسألك‌التوفيق والعصمة ، والتنبيه عن (من)الغفلة ، وافاضة‌الهدايه ، و كشف‌الشبه . انك ولي‌ذالك (والقادرعليه . تمت‌الكلمة‌الالهية ـ قنواتی) ومبداءه، ١٠ واوله وآخره.

[٧٠١]

متن تازی این نیایش ش٢٢ گ٩٦الف و ب وترجمه پارسی خیام بدرخواست

١٠٤٦ دوستان اودر سپاهان بسال٤٧٢ ش٢٣ گ٩٦ب ـ ٩٨الف ایندفتر استونسخه ای ازابن پارسی درجنك ش٢٩١٢ سپهسالار ص١١آمده است (خیام دراینجا

١٥ این ومتی‌را بکجائی‌و کیفیت ترجمه کرد) بنگرید به‌ص١٣٤ج١ اینفهرست- قنواتی‌این نیایش رابنام «الكلمة الالهية في‌ذات‌الله وصفاته» درش ١٩٤ آورده ونسخه نزدیک ٧٠٠ برلین را شناسانده ودرش١٧٧ بنام «خطبة‌التمجيد ـ الخطبة الالهية ـ الخطبة- التوحيديه» باآندك جدائی چندین نسخه دیگرآنرا شناسانده .

٢ ـ نیایشی است فیلسوفانه ازخدای .

٢٠ **آغاز:** مناجات للشيخ‌الرئيس ابي‌علي‌بن‌سينا رحمه‌الله ـ اللهم! لما كان الوجود لذاتك واجب؛ كان‌الامكان لوجود ذات غيرك ، ضربة لازب .

انجام: والطالب ياالله‌المشارق والمغارب .

٣ ـ نیایشی‌است مانند دومی.

آغاز: ايضا مناجات للشيخ الرئيس روح‌الله روحه ـ الهي واله الموجودات و

---

٢٥ ١ ـ جوزجانی درهمدان بسال٤٣٨ درگذشت ونزد استاد بخاك سپرده شد(الكنی والالقاب قمی ج١ص٣١٢) .

المحسوسات ! یاواهب النفوس و العقول !

انجام : والیك الجود والبقاء . فسبحان الذی بیده ملکوت کلشیئی، والیه ترجعون .

[٧٠٣-٧٠٢]

٨٦١ این دو نسخه شماره ٣و٤ دفتر و بخط نسخ میباشد گ ٤ الف. دومین درطوس دوشنبه ١٨ ذیقعده ١٢٨٢ نوشته شد .

٤ ـ دراین نیایش شیخ بخدا بازمیگردد وبدو میگوید که من پیرو محمدم ومی پذیرم که میگساری نارواست مگر اینکه سرنوشت چنین است وسرشت مردمی چنین میخواهد که بدو بهانه آنرا بنوشم یکی اینکه چون در شهر های ناسازگار وباخیزهستم ناگزیرم خودرا باآن درمان کنم دیگر آنکه تودر کتاب خویش گفته‌ای « ومنافع للناس » ومن میخواهم دریابم که توراست گفته‌ای وبدان گواهی دهم .

آغاز: بسمله وبه نستعین . اللهم لاشریك لك، فارجوه . ولاوزیر، فارسوه .

انجام: وادخلنی فی زمرة المقربین، مقربامن القدس الاعظم ، مبعداعن حضیض الجهنم ، لانك انت العزیز الاکرم ـ تم الدعاء .

[٧٠٤]

٨٦١ این نسخه شماره ٨ دفتر وبخط نسخ تاریخ ٤ ذیحجه سال ١٢٨٣ گ ٥٦ ب میباشد اینگفتار درنسخه‌ها ونسخه ش٦٦٦ طوس (ج٤ص١٣٣) بنام «دعاء القدیس» یاد گردید .درش ٩٧٠ طوس از «عاء العریش» ودومناجات ازشیخ یاد شد .

٥ ـ نیایشی است که شیخ برای آسان شدن مسئله دشواری ازستاره (عطارد) کرده ودر سه بیت است : «نقل بعض الافاضل بالسند عن بعض قال انشده ابیات لابن سینا وذکرانه من انشدهاوهوینظر الی کوکب عطارد ویتقدم سبع خطوات وتکرر الانشاد سبع مرات وهویرید معرفة مسئلة اشکلت علیه فانها تتیسر : عطارد قدوالله طال ترصدی ـ مساوصبا حاکی اراك فاغنما ـ فماانا فامدد نی قوی ادرك المنی ـ بها والعلوم الغامضات تکرما ـ بهافاحجبی بالخیروالسعد کله ـ بامرملیك خالق الارض والسما » .

[٧٠٥]

۱۰۳۵ این نسخه درص۲۷۱دفترو بخط تعلیق و نسخ میباشددرص۲٦٧آن نیزدو بیت از ابن‌سینا است بنسخ : «صانوا اجمالك بالتبرقع ضلة ـ واری‌السفورلحسن‌وجهك اصوانا ـ کالشمس یمتنع اجتلاءك نورها ـ واذا اکتسی برقیق غیم‌امکنا» .

٥ [٥٧٦] نیایش (فارسی)

میرزا ابراهیم همدانی دراین نیایش عرفانی درشش بند از: «راز و نیاز ـ دانش وعشق ـ سرگذشت شاه ـ فروتنی ـ چگونگی گیتی ـ خاموشی» گفتگو نمود.

آغاز: هو. بسمله. مناجات بطریق السئوال لمیرزا ابراهیم الهمدانی رحمه‌الله. الهی ثیوبات غیبی‌را منبضع بانوار مختلفه آثار واحکام چرا ساخته‌اند .

۱۰ **انجام** : ومصنف این رساله‌را ازجمله پرگویان مشمار . لمصنفه : یارب ز سخن خموشیم ده . توفیق سپرده‌پوشم ده. سر درجیب فراموشی کش. پا دردامن خامشی کش. تمت فی‌شهور ثلث ومائة بعدالف .

[٧٠٦]

۱۰۳۵ این نسخه شماره۳۸ دفترص۳۳۷و۳۳۷م و۳۳۸ میباشد .

۱٥ [٥٧٧] وجود (رساله...) (فارسی)

دراین نامهٔ شیوای پارسی عرفانی که ریختهٔ خامهٔ میرسید شریف گرگانی است ازهستی آفریدگار و آفریدگان برای فیلسوفان وصوفیان گفتگو شده چند رباعی پارسی وچند بیتی ازمثنوی مولوی وشعری ازسجاد ع وسخنی ازامیرمؤمنان‌علی‌ع آمده است . این نامه در چاپخانه رنگین تهران بسال ۱۳۲۱ بنام رسالة الوجود

۲۰ بچاپ رسید .

آغاز: بسمله . بدان وفقك‌الله وایانا که اصحاب بحث و نظر ازبرای بیان‌مراتب موجودات درموجودیت تمثیلی کرده‌اند .

انجام : وکفر هیچیك لازم نیاید . والسلام .

[٧٠٧]

٨٩٠ این نسخه شماره ۱٦٠ دفتر است و بخط تعلیق گ ۹٤الف - ۹٦ ب بنام رسالهٔ مراتب موجودات .

[٧٠٨]

٥ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق شکسته وگاهی بی نقطه از آقا
۱۰۳۳ جعفر لاهیجانی گیلانی که در لاهیجان زاده ودرهمانجا درگذشت وشاگرد آقا احمد مازندرانی بیدآبادنشین بوده است . ایندفتر از آن خودنویسنده بوده سپس حاج محمدزمان خراسانی پسر کلبعلی آنرا داشت و بخط خود در تهران بسال ۱۲۸۲ درپایان این نامه نوشت. گ ۲۷الف - ۳۰ الف . پایان چنین است : « اگر آفتاب بر
۱۰ امور خسیسه نتافتی ... ناقص بودی» برابر باس ۱٥ص ۲۲ چاپی ودو صفحه کم دارد .

[٧٠٩]

۱۰۳٥ این نسخه شماره ٤۰ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ شعبان سال ۱۱۰٤ درروستای فیضاباد خبیص ص ۳٤٦-۳٤٨ .

[٥٧٨] **الوجود (رسالة في ...)** (عربی)

۱٥ دانشمند شمسای گیلانی در این رساله ازهستی گفتگو نمود ودر آن شبهه ابن کمونه را ردکرد (گ ۱۱۲) .

آغاز: الحمدلله الذی جعلنا بتصحیح اعتقادات تنافی اصول الدیانات وفروعها من اهل الشفاء والنجاة ... فیقول محمد الشهیر بشمسا الجیلانی ... هذه رسالة ملکوتیة فی تحقیق معنی الوجود وفروعه ولواحقه .

۲۰ **انجام** : فظهر انهما تمسکا بالمرجوح وترکا الراجح . وفیه رمز. فتدبرو من الخطاء فاحذر . تم .

[٧١٠]

این نسخه شماره ٦ دفتر است ربخط تعلیق باحاشیه های (منه دام ظله) گ ۱۱۰
۹۲٦ الف - ۱۲۲ب نسخه‌ای درطوس (ش ۷۱۹) هست که انجام آن چنین است :
۲٥ «لکن فی ترکهما التأسیس رمز» وتاریخ آن ۱۰۹٥ میباشد .

[٥٧٩] **وجود مطلق (رساله ...)** (فارسی)

این گفتار عرفانی که ازوجود مطلق در آن گفتگو میشود نگارش سید علی

همدانی عارف (۷۱۳ـ۷۸٦) میباشد .

آغاز: بسمله الحمدلله ... بدانکه نزداهل کشف وشهود وجود ه-للق یکی بیش نیست و آن وجود مطلق حق است .

انجام : صفات ذات شمرند وباقی صفات فعل واللّهاعلم باسرار صفاته .

٥ [۷۱۱]

۱۰۱٥ این نسخه شماره٤٥ دفتر است وبخط تعلیق درگ ٤۱۷ب و درآغـاز دارد : «بسمله ... حضرت امیرسید علی همدانی فرماید... ایعزیز بدانکه نزداهل کشف وشهود وجود مطلق یکی است» ودر پایان: «باقی صفات فعل والله اعلم باسرار صفاته والحمدللهوحده والسلام علیمن اتبع الهدی» ـ دراینجا خط ومهر خریدار نسخه

۱۰ «محمد ابراهیم بنزینالعابدین نصیری» دیده میشود .

[۷۱۲]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۱٦ دفتر وبخط تعلیق تـاریخ ۱۱۹۸ است گ ٥۱الف ـ ٥۲الف وپس ازاین سخنی ازافلاطون درباره توحید وعوالم وعالم مثال(٥۲ب ٥۳الف) وازارسطو (ازشهرستانی) (٥۳ب ـ ٥٤الف) وازحواشی فصوص

۱٥ فارابی دراینکه از«وجه» «ذات» رامیخواهند آمده است (٥٤) .

[٥۸۰] وجود واجب (عربی)

این گفتار ازشمسای گیلانی است که در آن ازهستی خداوند سخن راندهسستی شبهه ابن کمونه را آشکار بداشت .

آغاز: قدثبت بالبراهینالعقلیه ان الحقیقة الوجوبیـة موجودة فیالخارج وهی

۲۰ علة العلل .

انجام : ومن فاز وتشرف بفهم جمیع ما ذکـرنا... یصیرعنده شبهة ابن کمونة المشهورة بالاشکال فینهایة الاضمحلال واوهنالجدال واضعفالقیل والقال سه س دام ظله .

[۷۱۳]

۲٥ ۹۲٦ این نسخه شماره۱۲ دفتراست وبخط تعلیق روزگارشمساگ۱٥۱الف ـ ۱٥۲ الف . نشانههای نسخه میرساند که این گفتار نیزازآن دانشمند میباشد .

[۵۸۱] وجود الوجود (عربی)

دراین گفتار که ازعبدالرحمن جـامی (۸۱۷ ـ ۸۹۸) دانسته شده نخست روشن میگردد که هستی هست سپس بخرده گیریها که شده پاسخ داده میشود آنگاه رشته سخن ببود کلی طبیعی درخارج میکشد و گفته شارح مطالع (م۷۷٦) بمیان میآید . در پاسخ این دشواری که اگر کلی باشد باید درچندین جـای یافت شود و بساختهای گوناگون در آید چنین گفته شده که تنهـا طبیعت میتواند چنین باشد و دشوار وناروا هم نیست . ۵

آغاز: بسمله وبه نستعین الوجود ای‌مابانضمامه یترتب‌علیه آثارهاالمختصة بهاموجود. فانه لولم یکن موجود الم یوجد شیئی اصلا والتالی باطل فالمقدم‌مثله.

انجام : لاننقل المنع حینئذ الی‌انحصار الوجود الواحد فی‌کونه قائمابکل واحد منهما وکونه قائما بالمجموع فلایجدی نفعا . ۱۰

[۸۱٤]

۱۰۳۵ این نسخه شماره٤ دفتراست وبخط تعلیق شکسته شهاب‌الدین دیباجی نزدیک ۱۱۰۰ س۹۳-۹٤- درطوس سه نسخه ازاین هست (ش۷۱٦-۷۱۷-۷۱۸)

[۵۸۲] وحدةالوجود (مقالةفی . . .) (عربی) ۱۵

دانشمند خفری در این گفتار ازوحدت وجود واینکه هستی خدایست وبس وآفریدگان پرتو او ووابسته بدویند وازاصالت وجود واصالت عقل وعلیت هستی برای تشخص وتفرد و عینیت دانائی خداکه بنیاد سخنان صوفیان است سخن راند

[۷۱۵]

۱۰۷٤ این نسخه شماره٦ دفتراست وبخط تعلیق ریز گ۱۲۲ ب ـ ۱۲۳ ب . چنین است آغاز وانجام آن: «تتمة من کلام الفاضل الخفری رحمة‌الله‌علیه . لقول‌مدار کلام‌الصوفیة علی خمسة احرف احدها ان‌الوجود الحقیقی‌الذی هوامر واحد باعتبار منشأء لظهورجمیع الممکنات ـ فهذاحکم‌الممکنات باالنسبة الی‌الوجودالحقیقی. والله‌اعلم بالصواب والیه‌المرجع والمآب» . ۲۰

[۵۸۳] وحدةالوجود (عربی) ۲۵

شیخ‌حسین‌بن‌ابراهیم تنکابنی(زنده در۱۱۰٤) دراین رساله ازوحدت‌وجود

سخن راند وصرف هستی‌را یکی دانست نه‌اینکه مانند برخی ازعارفان همه‌هستیها
را موهوم بداند . اومیان وحدت وجود و کثرت تجلیات سازگاری داد .

آغاز: بسمله. الحمدلله‌الذی هونور سموات‌العقول‌والنفوس‌وظهور ارض‌الاجرام
واعراضها المحسوس . . فیقول ... شیخ حسین‌بن ابرهیم‌التنکابنی . . . قداختلج فی
۵ خاطری ان اکتب شیئاً فی‌باب وحدة الوجود مع کثره تجلیاته وتشعب نزولاته.

انجام : فهو هـائم فی‌تیه الحیرة . ولم یکن من الموحدین بالحقیقة . والله اعلم
بحقائق‌الامور . وهو ولی‌دارالسرور ، والمنقذعن اسر بلادالغرور .

[۷۱٦]

این نسخه شماره۳ دفتر است و بخط شکسته تعلیق شهاب‌الـدین دیباجی نزدیك
۱۰ ۱۰۳۵ ۱۱۰٤ ص۹۰-۹۳ وچنین است عنوان‌آن : «رساله وحدت وجود شیخ‌العارفین
شیخ حسینا سلمه‌الله» درطوس دونسخه ازاین هست ش۷۲٤و۷۲۵ .

[۵۸٤] هر بنش (نامهٔ ...) (فارسی)

دراین نامه که بساخت پرسش وپاسخ است وپرسندهٔ آن ممچهه(Munkshu)
وپاسخ دهنده آن بیشنباین Vaisampayana میباشد ۲۵ افسانهٔ هندی آمده و
۱۵ نامهای هندی بسیاری در آن دیده میشود ویکی ازنمونه‌های فرهنك هندو استکه
بپارسی کرده‌اند . این نامه هر بنش Harivamsa راکه ازگفتار بیاس Vyasa و
بیشنباین شاگرد اومیباشد بامهار بهاراته Mahâbârata وراماباینه Râmâyana
اکبرشاه هندی (۹٦۳ ـ ۱۰۱٤) دستور داده بودکه بپارسی درآوردند . درآغاز
آن پس از ستایش نـاراین Nârâyana و نر (Nara) و سرستی Sarasvati و
۲۰ بیاس(۱) استاد نگارنده نامه ودارای کردارهای شگفت أنگیز فراوان ، از افسانه
های دیگرهند یاد میشود ونوشته است که هر کس نامهٔ هربنش‌را بشنود یابخواند
ویا بنویسد ویانوشته بدیگری‌دهد دررستاخیز بدیدار آفریدگار برخوردارخواهد
شد . فهرست ۲۵ افسانه درپایان نامهٔ مادیده میشود .

---

۱ ـ بنگرید به: فهرست فارسیهای موزه بریتانیا ج ۱ ص۳۳۰a ش Add5559
۲۵ فهرست نامهای هندی کتاب‌الهند بیرونی.

آغاز: به‌جان خویش بگویم که‌ذره بی‌نور ـ اگر طریقت دیدار آفتاب نداری
کتاب هربنس‌الهند . بدانکه این کتابیست هربنس نام از گفتار بیاس و بی‌سنبایین نام
شاگرد اومیخواهد که پیش‌راجه ممچه بخواند ... میگوید که سجده میکنم نار این
را بعد از آن ... نررا ... بعد از آن سجده سرستی را ... بعد از آن ... بیاس را.

انجام: تمام شد داستان ترپراده (Trivrit؟) یعنی سوختن سه‌شهر دتیان . ۵

[۷۱۷]

۳۴۲

این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف‌میباشد ودرپایان دارد «تمت کتاب
هربنس ازگفته بیاس . کتبه من یداحقر العباد هاشم منجم در سنهٔ ۱۲۸۵ »
فهرست داستانها درسه‌صفحه پایان دفتر نوشته شده. این‌نسخه ازروی نسخه
آستانه طوس که ازهند برای صفویان‌آمده ونادرشاه (۱۱۴۸ - ۱۱۶۰) آنرا گرفته ۱۰
وقف کرده بود نوشته شده است جای تصویر وپیکره درگ ۱الف سفید میباشد .

(۱۷۰گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ۱۷×۲۷ و۱۰×۱۹ س۲۱

گفتار چهارم
کلام

شریعتمدار حاج ملامحمدجعفر بن ملاسیف‌الدین استرابادی که در تهران میزیست
ودرهمانجا بسال۱۲۶۳ در گذشت ودر نجف بخاك سپرده شد این کتـاب را بروش
شیعی در کلام نوشت . او« آب حیات» کوچکی هم دارد درپنج اصل دین که یکی
۵ ازشاگردانش آنرا در۱۱۶ بیت بنظم در آورد ودر ۱۲۹۶ با برخی از رساله های
عملی بچاپ رسید .

آغاز: بسمله . الحمدلله الواجب‌الوجود بالذات . اما بعد چنین میگوید خـادم
بساتین جعفری ... محمد جعفر استرابادی .

انجام : وشقی‌شقی درشکم مادربود. والله‌العالم وله‌الحمدالدائم‌والصلوة‌والسلام
۱۰ علی محمد واله‌القائم .

[۷۱۸]

۸۸۹ این نسخه شماره۱ دفتری است دارای چهارساله وبخط شکسته تعلیق وعبارت
های تازی وعنوانها بنسخ درشت ازعلی‌اکبر پسرعبدالعلی کرمـانی در۱۸ع۲
سال۱۲۶۸ در کرمان که برای خود نوشته است گ۱ب ــ ۳۲ب .

۱۵ **(همه دفتر ۲۳۰) — کاغذ فرنگی -- جلد تیماج مشکی ضربی مقوالی**
اندازه : ۱۵×۵ر۲۱ و۱۰×۱۶ س۲۱

[۵۸۶] اثبات امامت (فارسی)

دراین گفتار ازامامت بروش شیعی گفتگو میشود .

[۷۱۹]

۲۰ ۱۰۶۵ این نسخه بخط تعلیق بانشانه‌های شنگرف وعنوانها بشکسته درهامش میباشد
ونشانهٔ «بلاغ» دارد. ازآغاز وانجام آنچه که هست اینست : « مردمان‌براتباع
یزید پلید و عدم خلع او تحریص و ترغیب مینمود ــ خاتمة‌الرساله ... چنانکه
یزیدپلید نزدسنیان‌خلیفه بحق بوده» دوبرگ نخستین وصالی شده‌واندکی ازسطرها
خوانده نمی‌شود .

۲۵ **(۳۰۲گ) — کاغذ سپاهانی موریانه خورده — جلدگازه مشکی**
اندازه : ۱۵×۳۲و۹×۱۷س۱۶

[٥٨٧] **اثبات التكلم لله و تفسير الكلام النفسی** (عربی)

دانشمند دوانی دراین گفتار ازسخن خدای و کلام نفسی بحث میکند .

آغاز: بسمله . المبحث الاول فی اثبات کونـه متکلما و تفسیر الکلام النفسی الذی اثبتوه .

انجام : ولاشك ان الخبر الکاذب لو کان من افراده الممکنة بهذا المعنی لم یصح کون جمیع اخباره صادقة. والله اعلم .تمت .　٥

[٧٢٠]

١٠٢١ این نسخه شماره ١٣ دفتر است و بخط تعلیق ریز علی بن مسافر قاضی بسال ٩٣٩ میباشد .

[٥٨٨] **اثبات حدیث من کنت مولاه (رسالة...)** (عربی)　١٠

دراین رساله سندهای مسلسل این حدیث که یکی ازدلیلهای شیعیان برخلافت علی(ع) است آورده شده ، دربیشتر جاها درستی یا نادرستی آنها روشن گردید .

آغاز: الحمدلله حق الحمد و منتهی الحمد کما ینبغی لعظمته ... حدیث من کنت مولاه ... مماتواتر وافاد القطع .

انجام: فاعتموا فان العمائم سیماء الاسلام وهی حاجز بین المسلمین والمشرکین. هذا مرسل . تمت والحمدلله رب العالمین .　١٥

[٧٢١]

١٠٨٠ این نسخه شماره ١١ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ ٢١١ ب ٢٢٣ ب .

[٥٨٩] **اختیار (رساله . . .)** (فارسی)　٢٠

دانشمند محمد باقر بن محمد جعفر فاضل شیخی کوهی (قهی) سپاهانی (١٢٣٩-١٣١٩) دراین رساله ازجبر وتفویض ازروی آیتها وخبرها گفتگو نمود و در دیه لنگر در روز ١٦ ع ١ سال ١٢٨١ آنرا بپایان رساند (فهرست طوس ج ٤ ص ٤١ و ١٣١)

آغاز: بی نهایت حمدیکه برعارفان عالم امکان لازم است مخصوص ذات پاکی

است که ازچند وچون بیرون .

انجام : وهمین قدر ازبیان از برای رفع شکوك وشبهات ازبرای حلال زادگان کفایت میکردواز برای حرامزادگان همحجت‌تمام شد... تمام‌شد این‌رسالهٔمختصر در... لنگر... سنه ۱۲۸۱ هزار ودویست وهشتاد ویك. حامدا مصلیا مستغفرا.

۵ [۷۲۲]

۳۷۶ این نسخه بخط تعلیق علی اکبر پسر عبدالله آشتیانی همدانی در۲۵ محرم سال ۱۲۹۰ میباشد (درنسخه ۱۲۰۹ دارد ودرست نیست) .

(۳٦۸ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج

اندازه : ۱۱×۱۸ و۷×۵ر۱۲ س۱۵

۱۰ [۵۹۰] **ارشادالطالبین الی نهج‌المسترشدین** (عربی)

جمال‌الدین ابوعبدالله مقدادسیوری حلی (م۸۲٦) دراینکتاب نهج المسترشدین علامه حلی راگزارش نمود ودر روز پنجشنبه۱۱ شعبان۷۹۲ آنرا بپایان‌رساند.این گزارش به(قال واقول) ودر بمبئی بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید .

[۷۲۳]

۱۵ **۲۹۷** این نسخه شماره۲ دفتر و بخط تعلیق وهمه متن درهامش نوشته شده است گ ۸۱ب - ۲٦۳ب وچنین است : «ان اولی ماصرفت‌فیه قوة فحول‌الافکار، لاقحة لخرايد ابکارالاذکار، مستحدثة فی‌اظهار نتایجها فصیح الاذکار؛ حمد موجود تفرد بوجوب‌الوجود،وصفات‌الکمال، و نعوت الجلال لذاته ـ والحمدلله وحده والصلوة علی من‌لانبی بعده واله وسلم . صورة ماکتبه المصنف تغمده‌الله بغفرانه علی‌مانقل‌عنه

۲۰ وکتب مصنفه‌المقدادبن عبداله ... السیوری وکان‌الفراغ من تصنیفه آخرنهار الخمیس الحـادی والعشرین من‌شعبان‌المعظم سنة اثنین وتسعین وسبعمائة . . . سودفی‌التاسع و العشرین من‌جمادی‌الثانیة ۱۳۲۷ بقلم ... محمد حسین‌الجرباد قانی عفی‌عنه» .

(همه دفتر۲۹۷ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد مقوا

اندازه : ۱۱×۱۸و۷×۱۴ س۱۷

۲۵ [۵۹۱] **اسلام ابی‌طالب (رسالة ...)** (عربی)

یکی ازمباحثی که‌میان پیروان سنت‌وشیعیان گفتگو میشده‌مسئله اسلام آوردن ابی‌طالب بود واین رساله در این بـاره است و در آن حدیث « ان اباطالب اسلم

بحساب الجمل» وسخنانی که کلینی و صدوق درباره آن گفته‌اند آمده و در آنها بررسی میشود .

آغاز: بسمله . علی بن محمد... عن ابی عبدالله .. قال ان ابا طالب اسلم بحساب الجمل . قال بکل لسان .

انجام: وحججه بحقایق کلامهم صلوات الله علیهم اجمعین . ٥

[٧٢٤]

٩٤٤ این نسخه شماره ٤ دفتری است دارای ١٢ رساله کلامی و ریاضی و تفسیر و فقه و بخط تعلیق گ ١٧٢الف ـ ١٧٣الف . شماره ١ این دفتر حاشیه شیخ بهائی است بر کتاب من لا یحضره الفقیه بهمان خط با عنوانهای شنگرف از محمد شریف پسر ابوتراب داود در پایان محرم سال ١٠٩٤ و ٧ آن رساله تسلیم نماز ازابومحمد بن عنایت در پایان رجب ٩٧٩ بهمان خط محمد شریف در روز شنبه شوال ١٠٩٤ و ٨ رساله شیخ بهائی درحرمت ذبیحه اهل کتاب در پاسخ سفیر روم که گفت فرآن آنرا حلال ساخت و بهائی این را بدستور شاه عباس که سیدش می پندارد نوشت بهمان خط همو در ٢٠ شوال ١٠٩٤ گ ٩٩ب ١٠٥الف و ٩ تفسیر بهائی بر آیه « کلما القی فیها فوج سالهم خزنتها ...» بهمان خط گ ١٠٥الف ـ ١٠٦ب و ١٠ رضاع محمدتقی مجلسی بپارسی بهمان خط در شوال ١٠٩٤ و ١١ وقت نماز ازابومحمد بایزید بن عنایت اله بسطامی بهمان خط محمد شریف در ٣ ذیقعده ١٠٩٤ . ١٠ ١٥

(همه دفتر ١٧٦گ) - کاغذ سمرقندی جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ١٢×١٩و٨×١٣ س١٧

[٥٩٢] **اشراق الحق من مطلع الصدق** (عربی) ٢٠

درغیبت صغری چون شیعه در تقیه بودند هیچگاه نام امام زمان را برزبان نمیآوردند تا مردم آنها را نشناسند (گ٥٨ نسخهٔما) همینکه چندی گذشت برخی گام فراتر نهاده روی خبرهائی چند نامبردن او را ناروا بلکه کفر پنداشتند .تاجائی که دانشمند فیلسوف داماد استربادی رساله ای بنام «شرعة التسمیة» نوشته است . پیش از او کلینی و ابن بابویه قمی در عیون اخبار الرضا و شیخ طبرسی نیز چنین میگفته‌اند (گ٤٥) . ٢٥

من الهجرة النبوية على مشرفها

الصلوة والسلام والتحية

اجزت للمولى الفاضل المحقق والاولى الكامل
المدقق صاحب الفهم الوقاد والطبع النقاد
الاخ فی الله والمحبوب لوجه الله مولانا نصير الدين
محمد سلمه الله تعالى وادام ونبلغ الى اعلى درجات
الكمال واجازه لمن روى عنى هذه الرسالة لمن شاء
واحب والملتمس منه عدم النسيان من صالح الدعوات
سيما مظان الاجابات وكتب مؤلفها الحسين علی بن عبد العالی الكركی
عفى عنه بالنبی وآله

ش ۲۹۳ گ ٦٩ ب

اجازه کرکی به نصیر الدین محمد بخط خود کرکی

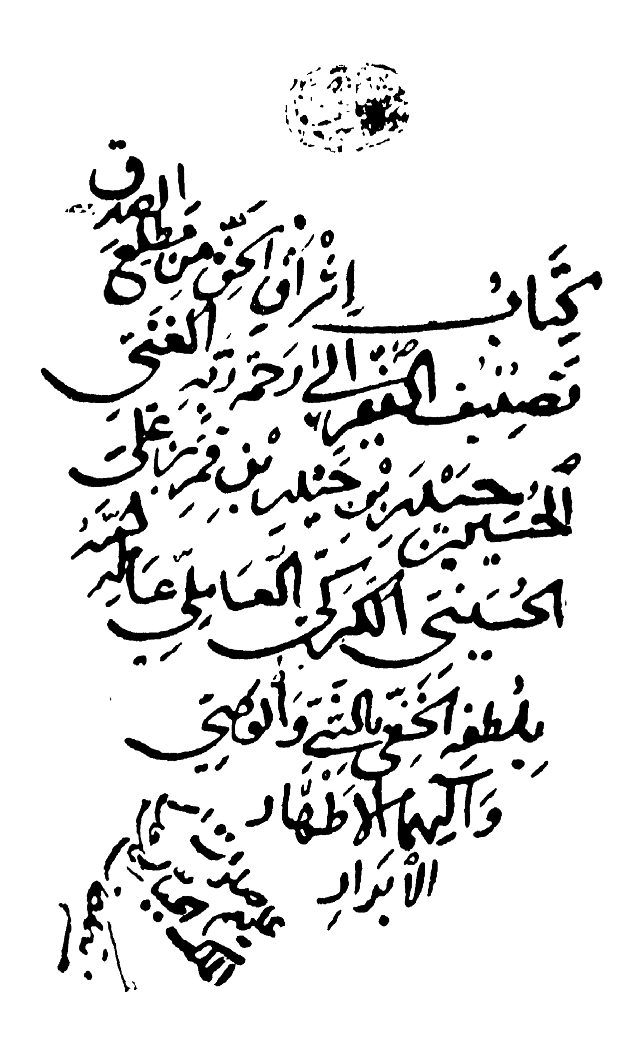
دانشمند مجتهد و مفتی سپاهان عزالدین ابوعبدالله حسین بن حیدر بن حیدر بن قمر بن علی حسینی کرکی عاملی بسال ۱۰۲۰ در پاسخ شیرازیان این رساله را نوشته از روی اصل جواز و اخبار و اجماع روشن ساخت که چنین نیست، ومیتوان نام آن امام را برزبان آورد و گناه نیست. رسالهٔ او دو مقصد است. در نخستین دلیلها بـرای روائی آن میآورد ودر دومی از شبهههای طرف پاسخ میگوید. اواز رئیس المحققین ٥ شیخ علی (بن عبدالعالی ٩٤٠ م) باعنوان «اعلی الله قدره» و از بهاءالدین محمد (٩٥٣ ـ ۱۰۳۰) درمفتاح الفلاح وحبل المتین با عنوان «مدظله» یا «ادام الله برکاته» یـاد میکند. درجائیکه باجماع تمسك میکند ازاین دانشمندان یاد کرده وازاین کتابهای آنان گواه میآورد:

مسائل شیخ طوسی، مهج الدعوات ابن طاوس، اعتقادات ابن بابویه، منهاج ـ ١٠ الصلاح علامه، کشف الغمه علی بن عیسی اربلی، ارجوزه علم کلام تقی الدین حسن بن داود حلی، ارشاد المسترشدین فخر المحققین، جـامع الاصول فی شرح الفصول محقق رازی، معین الفکر محمد بن جمهور، احتجاج ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مزار دروس شهید، کفایـة الطالبین احمد بن متوج بحرانی، مشارق انوار الیقین فی کشف حقایق امیر المؤمنین رضی الدین رجب بن محمد بن رجب حافظ ١٥ برسی، کتاب الجوابیة، تفرید الاعتماد فی شرح تجرید الاعتقاد شمس الـدین محمد بهشتی، شرح نجات العباد محمد بن ابی طالب استرابادی، غایة المطلوب فی علم الکلام مولانا لطف الله نیشابوری، رسالهٔ نجمیهٔ شیخ علی بن عبدالعالی. همه ایندانشمندان یاد کردن نام امام زمان را روا میدارند. نیز میگوید که صلوات خواجه طوسی را چهارصد سال است که درانجمنها میخوانند بااینکه آشکارا نام امـام در آن برده ٢٠ شده است.

آغاز: الحمدلله الذی یحق الحق بکلماته ویبطل الباطل ولو کره المشرکون... وبعد فقد ورد علینا من اجلاء اخواننا فی الدین من محروسة شیراز کتاب ... ذکر فیه ان بعضا من الناس زعم انه یحرم ولایجوز ذکر القائم ... باسمه وکنیته بل ذکر ان من

نطق به فقد کفر بالله و الیوم الآخر وسئل الاستکشاف فی هذه المسئلة... فاجبت مطلوبه.

انجام: فلنقطع الکلام حامدین ... وفرغ من تصنیفها ... الحسین بن حیدر الکرکی العاملی ... فی الثانی والعشرین من شهر رمضان المبارك من شهور سنة الف وعشرین.



ش ۲۹۳ گ ۱ الف

صفحه عنوان « اشراق الحق »

[٧٢٥]

٢٩٣ این نسخه شماره ٢ دفتراست بنسخ باعنوانهای شنگرف باحاشیه هائی بخط تعلیق باعبارت «منه» و بنسخ گ ١ب ٦٩الف. در گ ١الف بخط نسخ لاجوردی بااعراب شنگرف ازخود کرکی دارد: «کتاب اشراق الحق من مطلع الصدق تصنیف الفقیر الی رحمة ربه الغنی الحسین بن حیدر بن قمر بن علی الحسینی الکرکی العاملی عامله الله بلطفه الخفی بالنبی والوصی والهما الاطهار الابرار» باز بتعلیق دارد: «مصنف اینکتاب والد مرحوم مغفور نواب میرزا حبیب اله صدراست» نیز بشکسته دارد که محمد رضوی این را ازخاندان میرمحمد جعفرهروی خرید. در پایـان مهر «المتوکل بالملک اللطیف عبده محمد شریف» هست. در گ ٦٩ب اجـازهٔ همین کرکی است بمولانـا نصیرالدین محمد بخط تعلیق خود کرکی. (ص ١٤٠ همین فهرست).

(همه دفتر ١٣٠گ) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج مشکی زرکوب مقوائی
اندازه: ٥ر٩×١٩و٥ر٤×٥ر١٢ س ١١

[٥٩٣] **اعتقادات** (عربی)

ابوجعفر محمدبن ... بابویه قمی (آغازسده ٤ـ ٣٨١ درری) یکی ازرهبران دانشمند آئین شیعی نزدیك بسیصد کتاب دارد. شیعیان روایتهای او را ارج نهاده مراسیل اورا ازمراسیل ابن ابی عمرکمتر نمیدانند. ابن بابویه این رساله را دربیان اعتقادات درست شیعه چنانکه خود میاندیشید نوشته است و آنرا برای بزرگـان شیعی نیشابور که چگونگی دین امامیان را ازوی پرسیده بودند درروز آدینه ١٢ شعبان سال ٣٦٨ درانجمن سخنرانی برزبان راند. شیخ طوسی درفهرست، این رساله را «دین الامامیه» نامید. ابن بابویه درپایان آن میگوید که اگرازاین سفری کـه در پیش دارم برگشتم و بنیشابور آمدم تفسیری برای آن می نویسم. درفهرست نوشته های اونامی ازاین تفسیر نبرده‌اند مانا ننوشته‌است (ذریعه ج ٢ ص ٢٢٦). این رساله درایران بسال ١٢٩٦ باسه رساله دیگر ص ٦٦ـ ١١٥ چاپ سنگی شد ابن بابویه در پایان آن بکتاب توحیدخود بازمیگرداند و نوید میدهد کتابی در متشابهات قرآن بنویسد.

آغاز: الحمدلله رب العالمین وحده لاشریك له - باب الاعتقاد فی التوحید قـال الشیخ ابوجعفر.

انجام: وقـد اخرجت الخبر فی ذالك مسندا بشرحه فی کتاب التوحید وساجرد فی ذلك کتابا بمشیة الله وعونه والحمدلله رب العالمین .

[٧٢٦]

٦٨٩ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ودرشام روز دوشنبه ۲۰محرم۱۰۸۱ نوشته شده. درپایان دارد «فی ملك حسن» گ۱۴۷ ب ـ ۱۸۶الف . ٥

(همه دفتر۱۸٦گ) ـ کاغذ سپاهانی جلد تیماج سرخ ضربی مقوالی
اندازه : ۵ر۱۲×۵ر۱۹ و٦×۵ر۱۲س۱۴

[٧٢٧]

٨٧٩ ۱۰ این نسخه شماره۷ دفتراست وبخط نسخ با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف و بدینجا میانجامد : «باب الاعتقاد فی الحدیثین المختلفین... ثم یقول عزوجل وکلم الله موسی تکلیما» وکم دارد گ۱٦۸الف ـ ۲۱۲ب . پیش ازاین درشماره۵ و٦ «المفید فی علم التجوید» بخط نسخ جمال الدین بن ... عباس گ ۱۳۷ب ـ ۱٤٤ ب و«اللمعة الجلیة فی معرفة النیة» میباشد بهمان نسخ گ ۱٤٥ب ـ ۱٦۷ب و۲۱۳ـ ۲۲٤ الف . درکنار ۲۲٤الف دارد «کتبه عبدالکریم» و«کتبه مولانا کمال الدین» واین کمال الدین گرگانی وزنده در۸۷۸ ونویسنده شماره۱ دفترمیباشد . ۱۵

(همه دفتر ۲۲۵گ) ـ کاغذ سمرقندی -- جلدتیماج مشکی ساده
اندازه : ۱۲×۵ر۱۷ و۸×۱۱س۱۳

[٧٢٨]

٩٩٤ ۲۰ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط تعلیق ریز گ۱ب ـ ۲٤الف .

[٧٢٩]

١٠٨٠ این نسخه شماره۸ دفتراست وبخط نسخ گ۱٦۷ب ـ ۱۹۲ب.

[٧٣٠]

١٠٨٥ ۲۵ این نسخه شماره۱ این دفتراست گ۱ الف ـ ۸الف وبخط نسخ مانندشماره۲و آغاز کتاب‌را ندارد وچنین است : «ومن یتولهم فاولئك هم الظالمون وقال ص انی لاسمع الوجل فی المسجد ...» آنگاه «باب الاعتقاد فی اباء النبی ...اعتقادنا فـی اباء النبی انهم مسلمون من آدم الی ابیه عبداله» میآید .

خط نسخ وحاشیه‌هائی بپارسی وتازی دارد ودرپایان ع۱سال۹۰۱ نوشته شد.
دربرگ۳ الف نوشته است که درصفر۱۱۱۶ باچندتن ازمردم استراباد نزدمحمد کاظم
خان بسپاهان رفته‌ایم وبهمین خط نام(محمد صالح بن محمدحسین استرابادی) دیده‌می
شود که دارنده نسخه بوده است ودر۴۷الف نوشته است که ملاعبدالغفور در۱۱۲۹
بآموختن کودکان پرداخت وخط‌همان‌دارنده نسخه درسه‌جای‌همان‌برگ دیده میشودودر 5
برگ ۱۱۸ب خط ومهرهمودردوجا هست ونویسنده نسخه همان لطف‌اله مازندرانی
یادشده‌دردو شماره دوم وسوم این‌دفتر میباشد.
(همه دفتر ۱۲۴ گ) — کاغذ ترمه سپاهانی — جلد دریکطرف وتیماج مشکی ضربی
اندازه : ۱۳ × ۵ر۱۸ و۸×۱۱س۱۲

[٥٩٤] اعتقادات (عربی) 10

شیخ مفید دراین رساله ازاعتقادات بروش پرسش وپاسخ درپنج فصل گفتگو
نمود. وآن بنام «النکت الاعتقادیه» دربغداد بسال ۱۳۴۳ بارهٔ دوم بچاپ رسید وبا
دیباچه‌ای درسرگذشت مفید وترجمهٔ پارسی آن بخامهٔ فهرست نگـار درچاپخانه
اقبال درتهران بسال۱۳۲٤ خ درز+۴۱ص نیزچاپ شده ومنابع شرح‌حال مفید هم
در آنجا یادگردید. 15

آغاز: بسمله وبه ثقتی الحمدلله رب‌العالمین ... فهذه عقیده‌تی قادنی‌الدلیل
الیها وقوی اعتمادی علیها.

انجام : وحشرالابدان والنفوس والمیزان وتطایرالکتب (وشهادة‌الجوارح
... فیکون ماالخبر به‌ص‌حقا).

[۷۳۱] 20

۸۷۸ این نسخه‌شماره۱ دفتریست دارای دورساله‌وبخط تعلیق شکسته باعنوانهای
شنگرف وبنسخ میباشد گ۲الف_۱۳الف. نسخهٔ ماعبارت میان‌دوکمانه را
ندارد.

(همه دفتر ۱۸۸ گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج مشکی ضربی مقوائی
اندازه : ۱۱×۱۸و۵ر۷×۵ر۱۳س۱۲ 25

[٥٩٥] اعتقادات (عربی)

خواجه طوسی در این رساله آنچه راکه باید بدان عقیده داشت بی‌آنکه

بدلیلهای فلسفی آن نگریست بدر خواست دوستی نوشته و همین اندازه را برای توده مردم بسنده دانست. آنرا فیض کاشانی در حقایق و جز آن آورد و بچاپ رسید.

آغاز: هذه صورة عقیدة صدرت عن ... خواجه نصیرالملة والدین الطوسی . . . (۱۰۲۲/۷) اعلم ایدك الله ایها الاخ العزیز ان اقل مایجب اعتقاده علی المکلف فهوما

۵ ترجمه قوله لااله الاالله .

انجام : فهذا تنبیه علی منهج الحق . واستیفاء ذلك شرحناه فی کتاب قواعد العقائد فاطلبه (فاطلب منه) والحمدلله (وحده لاشریك لـه) رب العالمین وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین .

[۷۳۲]

۳۴۰ ۱۰ این نسخه شماره ۳ دفتر است و بخط تعلیق ریز خوش تاریخ ۱۲۶۰ گ ۳۷ ب ـ ۳۹ الف .

[۷۳۳]

این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط نسخ سیدحیدر آملی گ ۱۲۶ ب ـ ۱۲۷ ب.

۱۰۲۲ فهرست نگارشهای رکن الدین محمد بن علی فارسی گرگانی مترجم رساله‌های پارسی خواجه بتازی که آملی ازروی خط همو نوشت در گ ۱۲۸ الف ـ ۱۲۹ الف

۱۵ دیده میشود .

[۵۹۶] **اعتقادات** (عربی)

ازدانشمند شیعی فخرالمحققین ابوطالب محمد (نیمه شب دوشنبه ۲۰ ج ۱ سال ۶۸۲ ـ شب ادینه ۱۵ ج ۱ سال ۷۷۱) فرزند علامه حلی (۶۴۸ـ۷۲۶) که درحله و آذربایگان میزیست گویند اودر ده سالگی باجتهاد رسید ودانشهای عقلی و نقلی

۲۰ را ازپدر بیاموخت. وی ازپدر خواست که برایش «قواعد» بنویسد او هم اینکتابرا میان پنجاه وشصت سالگی (میان ۶۹۸و۷۰۸) در ۱۶ یا ۲۶ سالگی پسر نوشت . او بگفته حافظ ابرو باپدر بدربار خدابنده اولجایتو(۷۰۳ـ۷۱۶) میرفت. گویند که

ایندانشمند راگرك درربود و آرامگاه ندارد (۱) .

اودر این رساله اصول عقاید را در پنج اصل (خدا ـ عدل ـ وعـد و وعید پیامبری ـ امامت) بادلیل روشن ساخت ودر پایان گفت که من در اینجا تنها اصول را آوردم نه فروع را زیرا پدرم آنچه اجماعی شیعه است و بنقل درست از پیشوایان رسیده وهیچ شکی در آنها نیست آورده بدانها بنگرید واز آنها پیروی کنید .　　　٥

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمدلله رب العالمین ... فیقول محمد بن الحسن بن المطهر انی املیت هذه الرسالة لارشاد المسترشدین وهدایة الطالبین وبینت فیها مایجب علی المکلفین من الاعتقاد فی اصول الدین .

انجام: فایها المؤمنون تمکنوا واعتمدوا علیه. السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته تمت الکتاب .

[۸۳٤]　　　١٠

۸۷۹ این نسخه شماره ٤ دفتر است وبخط نسخ گ ۱۲۱ ب ـ ۱۳٦ الف .

---

۱ ـ بنگرید به: امل الامل ص ۵۰۰ ـ لؤلؤتی البحرین ـ مجالس المؤمنین مجلس ۵ ـ هدیة الاحباب ص ۲۰۸ والکنی والالقاب ج۳ س ۱۲ هردو ازقمی ـ روضات الجنات ص ۹ ـ ۵۸٦ ـ رجال مامقانی ج۳ ص ۱۰٦ ـ پایان قواعد علامه دروصیتی که برای پسر نوشته است. یکی ازشاگردان مجلسی گوید که حلی قواعدرا دردهه شصت نگاشته وبسال ۷۲۰ به پایان رساند ودربغداد بدرس آن پرداخت. اگر بسخن اودرپایان قواعد بنگریم باید در ۵۱ سالگی بدان پرداخته باشد که سال ٦۹۹ خواهد بود (اعیان الشیعه ج۲٤ ص ۳۱٤) عبارت قواعد اینست : « بعد ان بلغت من العمر الخمسین ودخلت عشر الستین » از سخن فخرالمحققین درایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد در میان باب وصیت برمیآید که بسال ۷۱۲ اوبا پدردر کرانه دریای قلزم نزد سلطان غیاث الدین خدابنده بودند و قواعددر آن سال بپایان رسیده بود. فخر ایضاح رابخواهش گروهی وبدستور پدر نوشت وجزء ۱ (ازآغاز تاباب وصیت) را در ۱ شوال ۷۲٤ وجزء دوم (نکاح تاپایان) را در ذی حجه ۷٦۰ بپایان رساند (نیز بنگرید به: فهرست طوس ج۲ ص ۷ ش ۱۹ وج۵ ص ۳۷۲ ـ ٤۷۷) .　　　١٥　٢٠

[۷۳٥]

این نسخه بخط نسخ کهنه میباشد وچنین است پایان آن : «قال البخاری ان ابا
۳۷۷ طالب اول من وضع القسامة وقال ابوطالب للنبی علیه السلام ما اشد» از اصل امامت.
در گ ۱ الف بخط تازه تری، اینکتاب ارشاد المسترشدین فی اصول الدین نامیده
٥ شده و بهمان خط باز عقیدة الشیخ فخر الدین یاد گردید گو یا نام نخستین را آغاز دیباچه
گرفته اند .

(۳۲۹گ) ـ کاغذ سمرقندی — جلد تازه شده
اندازه : ۱۳×۵ر۱۸ و ۵ر۹×۱۴ س ۲۰

[٥۹۷] **اعتقادات** (عربی)

۱۰ شیخ الاسلام بهاءالدین محمد جبعی عاملی (۹٥۳ـ۱۰۳۱) دانشمند متکلم عارف
وفقیه ریاضی شیعی در این رساله اعتقادات شیعه را گزارش میدهد. دو ترجمه پارسی
آن از ملا ادهم خلخالی و کس دیگر در طوس هست (ش ۳٥٥ و ۳٥٦) این رساله در
۱۳۲٦ بچاپ رسید (ذریعه ج ۲ ص ۲۲۸) .

آغاز: الحمدلله علی آلائه ... فالغرض من تحریر هذه الرساله ... انه لما کان لبعض
۱٥ الفرق الباطلة الذین سموا انفسهم باسم الشیعه کالزیدیة والواقفیة والکیسانیة وغیرهم
اعتقادات فاسدة .

انجام: هذه عقائدنا التی نصب مخالفونا علینا . والله ولی التوفیق . والسلام علی
من اتبع الهدی .

[۷۳٦]

۲۰ این نسخه شماره ۱۰ دفتر و بخط تعلیق سال ۱۱۹۸ ـ گ ٥٤ب ـ ٥۸ب. پس از
۱۰۸۸ این گفتاریست از فیلسوفان در آمیزش عنصرها گ ٥۹ الف وسخنان دانشمندان
در باره فرشتگان و پریان و از اکلیل همدانی یاد میشود گ ٥۹ و گفتار میر فندرسکی
در اینکه رهروان نبایستی بوحدت یا کثرت هستی بنگرند و گزارش گفته ارسطو :
«المحرك الاول فی المحیط دون المحاط» گ ٥۹ب وسخنانی در باره تجرید نفس گ ٦۰
۲٥ الف واثبات اعتباری نبودن هستی گ ٦۰ب ـ ٦۱ الف و توحید حقیقی و یکی بودن جهان
دیدنی گ ٦۱ب ـ ٦۲ الف وسخن ترسایان در خداشناسی وخرده گیری از آنها گ ٦۲
ب ٦۳ الف بهمان خط تاریخ ۱۱۹۸ .

دانشمند بزرگوار محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰) بدرخواست کسی برای نمودن راه درست این رساله‌را در دو باب نوشته، نخست اعتقادات سپس اعمال‌را نشان داد. او در پایان میگوید مبادا پدرم (دانشمند محمد تقی مجلسی ۱۰۰۳-۱۰۷۰) را صوفی ٥ پندارید چه او بسخنان امامان آشنا بود وچنین کسی صوفی نمیباشد. مگر اینکه او مردی پارسا بود ودر آغاز کار چنین پارسائی‌را تصوف مینامید تـا صوفیان‌را بخود نزدیك کند وازاو نگریزند وآنانرا ازسخنان بیهوده ورفتارهای نکوهیده بازدارد. این بود که بسیاری از آنها را راه بنمود. اودر پایان زندگی خویش چون دید که دیگر امیدی نمانده وآنها دشمن خدایند وبردیگران پیروز آمدند از آنـان بیزار ۱۰ شد. من بروش پدر آشناترم ونوشته های اودرهمین‌باره‌نزد من‌هست. این‌رساله‌در کنار اعتقادات صدوق (ص٦٦-۹۸جنك دارای‌چهار‌رساله) بسال١٢٩٦ بچاپ‌رسید.

آغاز: بسمله‌الحمدلله‌الذی‌سهل لنا‌سلوك شرایع‌الدین.

انجام: ولیکن هذا آخر ما اردنا ایراده . . والتمس منك‌ان‌لا‌تنسانی . .وفقنا الله وایاك... و یجعلنا وایاك ممن یذکرفتنفعه‌الذکری .

۱٥ [۷۳۷]

٥٩١ این نسخه شماره‌۲ دفتری است دارای: «۱غررالاخبار دیلمی۳رساله‌رضاع بمامون ٤ تهلیل آخر الاقامه» وبخط تعلیق که محمد رضاالحردرطوس‌بسال ۱۱۰۱ آنرا نوشت گ۹۲ب- ١٠٤ب. محمد بن‌الحسن‌الحر (مشغری‌م١١٠٤ نگارنده وسائل) وضیاءالدین نوری ازدارندگان نسخه بودند.

۲۰ [۷۳۸]

٩٩٤ این نسخه شماره‌٤دفتر است وبخط تعلیق تاریخ١٢٥٤ گ۳۸الف - ٤٤ب چنین است آغاز آن: «الیهم علیهم‌السلام وقداوردت‌الاخبارالواردة فیها فی کتاب بحارالانوار» شماره‌٥ ایندفتر اب‌اللباب محمد جعفر استرابادی است دررجال بخط نسخ قاسم‌بن مسیح گیلانی‌حائری در١٢٦٣ گ٥١ب - ١٢١الف و۷آن ۲٥ نورالمستبصرین سیدمحمد مرتضی حسینی جون‌فری است درحدیث چاپ‌چاپخانه‌جعفری درجونپور بسال١٣١٣ در٣٥ص گ١٤٤ب - ١٥٩الف.

[۵۹۹-۶۰۱] **اعتقادات** (فارسی)

ضیاءالدین علی بن سدید الدین داود گرکانی سه رساله دراعتقادات نوشت:
۱ ـ خزائن‌الایمان که‌در آن بروش‌پرسش وپاسخ‌ایمان واسلام‌را بمشرب‌امامیان روشن نمود (۹ب ـ ۱۱ب).
۵ **آغاز:** بسمله و به نستعین‌الحمدلله رب‌العالمین ... چنین گوید ضیاء الدین علی‌بن سدیدالدین داود که این‌رساله‌ایست مختصر درمعرفت واسلام بنابرمذهب‌امامیه... وخزائن‌الایمانش نامیدم ... اگربرسند که ایمان اجمالی کدام است؟ بگو: که‌ایمان اجمالی ایمانی راگویند.
انجام: جواب گوئیم که مراد پیغمبر... دراینجا ازاسلام ثمرات وعلامات اسلام
۱۰ بود نه‌حقیقت اسلام. تمت‌الرسالة الشریفة بعون‌الله وحسن توفیقه والصلوه ...واله الطاهرین.
۲ ـ دراصول وفروعی که باید اعتقاد داشت (۱۲الف ـ ۱۳الف).
آغاز: بسمله قال‌الفقیر الی‌المجید ضیاءالدین بن سدید اگر پرسند کـه خدایرا شناسی بگو بلی شناسم.
۱۵ **انجام**: ور کوع وسجود وتشهد وسلام نبود والله سبحانه‌اعلم. تمت‌الرسالة.
۳ـ دراثبات عقائد شیعی بروش پرسش وپاسخ (۱۵الف ـ ۱۸ب).
نسخه‌ای ازاین درطوس (ش۸۹۴) هست ومیان ۱۰۵۱و۱۰۷۱ نوشته‌شده.
آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین... چنین گوید... ضیاءالدین‌بن‌سدیدالجرجانی که این رساله‌ایست مختصر دربیان واجبات عقلیه.
۲۰ **انجام**:وقوع آن واجب بود پس وقوع این همه واجب بود. والله اعلم.

[۷۳۹-۷۴۱]

۱۰۱۵ این نسخه‌ها شماره‌های ۵و۶و۸ دفتراست وبخط تعلیق میباشد.

[۶۰۲] **اعتقادات** (عربی)

دراین رساله کوتاه عقاید کلامی اثبات میشود.

آغاز: بسمله و به نستعين. اذاسالك سائل وقال ماالايمان قل‌هوالتصديق‌بالله

انجام: ويجب ان‌يعتقدانه تعالى يعيدالاجسام ... فثبت‌اعادةالاجسام .

[٧٤٢]

٨٧٩ اين نسخه شماره۳ دفتراست وبخط نسخ گ‌۱۱۷ب ـ ۱۲۰ب .

[٦٠٣] **افضلية‌الائمة على الانبياء (رسالة في ...)** (عربی) ٥

حسن‌بن سليمان‌بن محمدبن خالد حلی‌شاگرد شهيد اول(٧٢٤ ـ ٧٨٦) و نگارنده منتخب بصائرالدرجات سعدبن عبدالله اشعری‌قمی (م۲۹۹یا۳۰۱) واثبات الرجعه‌دراين رساله ميخواهد ازروی آيات واخبار روشن سازدكه پيشوايان‌شيعی ازپيامبران بجزمحمد ص‌برترند. اوميگويدكه مفيددرمقالات (اوائل‌المقالات‌چاپ دوم ص٤٢) ازاين مسئله ياد نمود وگفت‌كه برخی ازدانشمندان پيشين وپسين در ١٠ آن ترديدكردنديانفی نمودند وخودهم‌چيزی نگفت شيخ طوسی درمسائل‌حائريه كه ازاوپرسيدندگفت‌كه دانشمندان ما دراين‌باره دوگروهند ونزدخرد هم‌روشن نيست .من‌چون ديدم‌كه نبايد ازاين درگذشت وهرمسلمانی بايد بدرست آن‌آگاه گردد اين بودكه دراينجا روشن ساختم‌كه امامان ازديگر پيامبران پيشين برترند تاكسی ناآگاه نماند(۱) . ١٥

آغاز: بسمله . يقول عبدالله وفقيره ... حسن‌بن سليمان انی‌وقفت على كتاب المقالات للشيخ‌المفيد .

انجام : ودعاالله عزوجل بهم و تاب عليه وغفرله. تمت الاخبار . والحمدلله رب العالمين .

[٧٤٣] ٢٠

١٠٨٠ اين نسخه شماره۹ دفتراست وبخط نسخ‌گ‌۱۹۳ب ـ ۲۰۰ب .

---

۱ ـ نيز بنگريد به: بحارج۷ص ۳۲۸ـ۳٤۰ چاپ۱۳۰۳ ومتشابه القرآن ابن شهرآشوب چاپ تهران ص٤٤ج۲ .

[٦٠٤] الزام الناصب فی امامة علی بن ابی طالب (عربی)

شیخ مفلح بن حسن صیمری زنده در نیمهٔ دوم سدهٔ ۹ نگارنده غایة المرام فی شرح
شرایع الاسلام در اینکتاب از امامت بروش شیعی گفتگو نمود. نام کتاب در دیباچه
(گ ٦ الف) دیده میشود و آن در تهران بسال ۱۳۰۳ با قواعد العقاید طوسی بچاپ
٥ رسید (فهرست طوس ج ٤ ش ٣٦٠ ص ٢٨ - ذریعه ج ٢ ص ٢٨٩ و ٢٩٠ - کشف الحجب
ص ٥٨).

[٧٤٤]

٥٧٥ این نسخه شمارهٔ ۲ دفتر و بخط نسخ شیخ عابد ومنصور حویزی جزائری در مخای
یمن ۱۷ ج ۲ سال ۱۱٦۰ میباشد گ ۲ الف - ۳۰ ب و بدینجا آغاز میگردد:
١٠ «واحدة تدل علی نقص فی انسابهم» ودر گ ٥ ب بدینجا پایان مییابد: «طویل
نجاد السیف اجید یعسوب» در باره ننگین بودن خاندان ابوبکر وعمر وعثمان ومعاویه
ویزید وعمر سعد وطلحه وزبیر وامیة بن عبد شمس واین چهار برگ هم گویا از همین
رساله میباشد. آنگاه از دیباچهٔ رساله آغاز میشود: «من ردجواب الاخصام ووجدت
اخبارهم تتضمن تکذیب ائمتهم وتفسیقهم» گ ٦ الف وپایان آن چنین است: «فیه عبرة
١٥ لاولی الابصار علمت ان الحق مع علی یدور حیث مادار کما اخبر به النبی المختار فویل
للذین کفروا من النار وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین وذریته الاکرمین والحمدلله
رب العالمین تمت النسخة المبارکة فی سابع عشر جمادی الاول من سنة ۱۱٦۰ بمخا الیمن
علی ید الشیخ عابد ومنصور الحویزی الجزائری» در دفتر شمارهٔ ٤٩٩ کتابخانه ملی تهران
دو کتاب نوشته شده یکی الکشکول سید حیدر دیگری همین رسالهٔ ما بنام «الزام النواصب
٢٠ بامامة علی بن ابی طالب» که دریک مقدمه وچند باب وچند فصل است ونگارندهٔ آن خود
را مردی کتابی نومسلمان میخواند وچنین است: «بسمله الحمدلله رب العالمین وصلی الله...
الطاهرین. والحمدلله الواصل الحمد بالنعم والنعم بالشکر - ولکن لم اعتمد الاعلی ما
روته السنة لعدم الزامهم بها وانما یلزمهم ما اعترفوا به والذی رواه السنة من کلام الشیخین
وعایشة وحفصة عند الاختصار فیه عبرة لاولی الابصار والسلام» ص ۳۱۹ - ۳۸۸ - پیداست
٢٥ که این همان نسخهٔ شمارهٔ ٣٦٠ طوس است ونگارنده آن نه ابن طاوس میتواند باشد
نه شیخ مفلح صیمری ونه شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی (زنده در ٩٤٤) مگر اینکه از
عبارت «کتابی نومسلمان» ظاهر آن خواسته نشده باشد. نسخهٔ طوس را سیف بن احمد
لیثی حلی در قزوین در ١٦ ج ١ سال ٩٧٧ نوشته است. نسخهٔ مادر آغاز ومیان برگهای

۱۹ و ۲۰ـ۲۷و۲۸ کم دارد .

[٦٠٥] **الامامیه** (فارسی)

دراین رساله پارسی ازقضا وقدر گفتگو میشود نخست پرسشی که عربی از امیرمؤمنان درباره جنك صفین وقضا وقدر کرده از کافی آمده وروشن گردید. سپس رستاخیز جسمانی درآن ثابت‌شد . ۵

آغاز: رساله قضا وقدر. فی‌الکافی عن‌علی‌بن‌محمد عن‌سهل‌بن‌زیاد واسحاق بن محمدالنخعی .

انجام: هرگوهری از آنها جزئی قرار داده بعد از آن طلب کن تـابشتاب آیند فلیتامل . تمت‌الرسالةالامامیة .

[٧٤٥] ۱۰

۱۰۱۸ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط تعلیق چلیپا گـ۱۲٦ب ـ ۱۳۱ الف . (نشانه دفتر درص۱۳ بخش۱ فهرست یادشد) .

[٦٠٦] **الانوار الجلالیه فی‌شرح‌الفصول‌النصیریه** (عربی)

خواجه طوسی فصول خویش‌را بپارسی پرداخت ورکن‌الدین محمدبن علی فارسی استرابادی گرگانی (نیمه‌دوم سده۷) آنرا بتازی درآورد (دیباچه) و شیخ ۱۵ ابی عبدالله مقداد سیوری‌حلی (م۲٦ج۲سال۸۲٦) این‌را برای ملك‌جلال‌الدین‌ابی المعالی علی‌بن تاج‌الدین المرتضی علوی حسینی آوی بنام بالا گزارش نموده متن را بندبند بروش (قال‌واقول) آورده وروشن نمود ودر۸رمضان ۸۰۸ آنـرا بپایان رساند (ش۳٦۸ طوس ـ روضات ص٦۳۸) .

آغاز: بسمله سبحانك اللهم واجب‌الوجود و غـایة وجود کل موجود انت ۲۰ اخرجتنا من مرتتق (مرتبق) ظلام‌العدم الی‌فضاء ضیاء الوجود .

انجام: اقول ختم‌المصنف ... رسالته هذه بهذه‌النصیحته‌ومضمونهاالحث‌علی عبادةالله ... اذا نظر بعین عقله‌ای بفکره وبصیرته فی‌خلقته وما اودع فیها من‌الحکم‌و الایقان ... ولنقطع‌الکلام حامدین ولآلائه شاکرین وبالتقصیر معترفین و من‌الخطاء مستغفرین و علی محمد وآلـه مصلین والحمدلله رب العالمین وصلی‌الله علی محمد ۲۵

و آله الطاهرين .

[٧٤٦]

٢٨٢ این نسخه شماره٤ دفتری است دارای٤ رساله و بخط نسخ درشت با عنوانهای شنگرف ازعلی اکبرقزنچاهی بسال١٠٣٦ (درنسخه ١٣٦دارد) گ١٤١ب ـ
٥ ٢٠٨ الف .

(همه دفتر٢١٢گ)) ـ کاغذ فرنگی آبی — جلدتیماج سرخ ساده
اندازه : ٥ر١٢×٥ر٢٠و٥ر٧×٥ر١٤س٩١

[٧٤٧]

١٠٤٦ این نسخه شماره٣٨ دفتراست و بخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی نزدیك ١٠٧١
١٠ گ١٧٧ب ـ ٢٠٧ب و بدینجا میانجامد : «ای بفکره و بصیرته فی» و باندازه
١٨س نسخه پیش کم دارد .

[٦٠٧] انوار الملكوت فی شرح الياقوت (عربی)

ابواسحق ابراهیم نوبختی (نیمه نخستین سده چهارم) از متکلمان نامور ایرانی یاقوترا در کلام نگاشته وعلامه حلی (٦٤٨-٧٢٦) آنرا بنام بالا گزارش نمود و
١٥ بسیار روان وشیوا ودارای مسئله‌های مهم کلام در١٥ مقصد هریك چند مسئله می باشد ومتن بندبند پس ازقال وشرح پس ازاقول میآید ودر ٦٨٤ بپایان رسید (شر ٣١و٣٢طوس و٨١مجلس) پیش ازاو عزالدين عبدالحميد بن ابی الحديد (٥٨٦ - ٦٥٦) نیزیاقوت راگزارش نمود. رکن‌الدين محمدبن علی گرگانی شاگرد علامه نیز اشراق اللاهوت فی شرح الياقوت دارد(١).

٢٠ **آغاز**: بسمله وبه ثقتی . الحمدلله ذی القدرة القاهرة والعزة الباهرة ... اما بعدفان الله تعالی کمل الانسان بقدرالامکان ... وقدصنف شيخنا . . . ابواسحق ابراهيم بن نوبخت . . مختصراسماه الياقوت...فاحببت ان نضع هذاالکتاب الموسوم بانوارالملکوت فی شرح الياقوت .

---

١ ـ سید عمیدالدين عبدالمطلب حلی (٦٨١-٧٥٤) میان نوبختی و حلی محاکمه نمود وشیخ شهاب‌الدين اسماعیل عودی عاملی (پیش از١٠٩٧) یاقوترا بنظم درآورد (خاندان نوبختی اقبال تهران ١٣١١ص١٦٦-١٨٧ ـفهرست نگارشهای گرگانی در ش١٠٢٢ گ١٢٨الف ـ ١٢٩الف)

انجام : واماالمخالفون فی‌الفروع کالمسائل الشرعیه فانهـم خاطئون غیرفسقة بالاجماع فهذا آخر ماکتبنا و الحمدلله رب‌العالمین وصلی‌الله علی سیدنا محمدو آله الطاهرین‌الاخیار وفرغ المصنف ادام‌الله ایامه من تصنیفه فی‌جمادی‌الاخری من سنة اربع وثمانین وستمائة والصلوة‌علی محمدو آله وسلم تسلیماً کثیرا .

٥

[٧٤٨]

٢٨٢ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف ازعلی اکبر قزنچاهی بسال۱۰۳۶؟ گ۲۹ب – ۱۲۷ب .

[٦٠٨] **ایضاح احقاق‌الحق** (فارسی)

علامـه حلـی (٦٤٨–٧٢٦) « نهـج‌الحق و کشف الصـدق » را در هشت مسئله نوشته ودر آن آئین‌شیعی راثابت و برسنیان رد نمود . پاشا قاضی فضل بن روزبهان‌بن‌فضل‌الله خنجی‌شیرازی سپاهانی‌دانشمند اشعری‌حنفی (روزگاراسماعیل یکم صفوی) پس ازبیرون شدن ازمیهن خویش سپاهان بکاشان که رسید در رد آن‌کتابی بنام «ابطال نهج‌الباطل» نگاشته‌است و آن‌را دردوماه‌بسال۹۰۹ (۱ع۱– ۳ج۲) بپایان‌رساند وهمه کتاب‌علامه بجزدیباچه رادر آن گنجاند . قاضی‌ضیاءالدین نورالله شوشتری مرعشی (۹۵٦ ـ ۱۰۱۹) دراحقاق‌الحق وازهاق‌الباطل خـود از روزبهان خرده گرفت و روی نوشتن این‌کتاب ومجالس‌المؤمنین بود کـه بدستور نورالدین محمدجهانگیر پادشاه مغولی‌هند (۱۰۱٤–۱۰۳۷) اورا باتازیانه خاردار بکشتند ودر آگره هند بخاك سپرده شد. همین قاضی مجالس المؤمنین‌را از۱رجب ۹۹۸ درلاهور تاپنجشنبه ۲۳ذی‌قعده ۱۰۱۰ نوشته واحقاق‌الحق‌رادر هفت‌ماه(بجز شبها) نگاشته و آخر ربیع یکم سال ۱۰۱٤ در آگره بانجام رساند (۱) .

نصیرالدین حسین بن عبدالوهـاب بهبهانی بدستور میرزا سعدالدین محمد

۱ ـ احقاق‌الحق‌درایران‌بسال۱۲۷۳ ودرمصرپاره‌ای‌از آن‌ودر نجف نیمه نخستین آن بچاپ رسید. شوشتری دررد برصواعق محرقه ابن‌حجرهیتمی (۹۰۹–۹۷٤) نیـز صوارم مهرقه نوشت وآنـرا پس ازمجالس‌المؤمنین ومصائب النواصب واحقاق‌الحق بپرداخت .

وزیر درروزگار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) احقاق‌الحق‌را بپارسی کرد .
ودر دیباچه نام بالارا بدان داد . اودر آغاز متن را هم آورده سپس ترجمه نمود .
و ترجمه اولفظی است(۱) .

آغاز: بسمله . سعداکبر دولت، از برج اقبال سعادتمندی ، طالع است که ولای
٥ والای اهل بیت نبوت‌را اعظم نعمای الهی دانسته، شکرگزاری این موهبت عظمی
را ، سرمایهٔ ایمان و گوهر مراد ایقان داند .

انجام: پس ازما هم پیش ازاین رد نموده‌ایم پس بیاد بیاور. تمام‌شد ... مجلد
اول ازترجمه احقاق‌الحق پس اینك شروع... درجلد ثانی می‌نمائیم. والحمدلله‌رب
العالمین ... والصلوة والسلام علی سیدنا محمد و آله اجمعین .

۱۰ [۷٤۹]

این نسخه بخط تعلیق باعنوانها ونشانه‌های شنگرف میباشد ودر جدول زرین
۳۲۸ و لاجـوردی و ٥ برگ نخستین اندکی موریـانه خورد و کمی از عبارت ها
رفتـه است .

(۳۱۷۷) —کاغذترمه سمرقندی— جلدتیماج سرخ ضربی فرسوده
۱٥ اندازه : ۱۳/٥×۲٤و۱۱×۲۲س۲۰

[۶۰۹] باب حادی‌عشر (عربی)

علامه حلی مصباح‌المتهجد شیخ طوسی‌راکه درعبادات و ادعیه است بخواهش

۱ ـ قاضی دردیباچه (گ۱۷ب) میگوید که دبیران قزوینی وقطب شیرازی واحمد
بن‌محمد کیشی‌ورکن‌الدین موصلی متسیدومولی نظام‌الدین عبدالملك مراغی باعلامه گفتگو
۲۰ میکرده‌اند. نیز مینویسد که اولجایتومحمدخدابنده پس‌از گفتگوی پسر صدرجهان بخاری
حنفی بامولی نظام‌الدین‌عبدالملك مراغی شافعی‌روش شافعیان‌پذیرفت وپس‌از گفتگوئی
که میان‌علامه بادانشمندان‌سنی‌شده و نهج‌الحق و کشف‌الصدق که‌او نوشت او بابسیاری
ازفرماندهان وسپاهیان‌و بزرگان ودانایان بکیش شیعی گرائیدند. احقاق‌الحق‌رامیرزا
محمد نائینی (۱۳۰٥م) هم بپارسی کرده وچیزهائی افزود یاکاست . نیز بنگرید به:
۲٥ ذریعه ج۱ص۱-۲۹۰ وج٤ص۷٥ ـ فیض‌الاله فی‌ترجمه قاضی نورالله آقـای محدث ـ
فهرست کتابخانه فاضلیه‌طوس ش۱ص٥ ـ روضات‌الجنات درسرگذشت پاشا روزبهان
ص٥۰۰ چنانکه ازمقامات سید نعمة‌الله جزائری میآورد روز بهان نیای پـدری میرزا
مخدوم شریفی بوده است .

وزیر خواجه عزالدین محمد بن محمد کوهدهی درده باب گزین نمود و منهاج الصلاح فی مختصر المصباح نامید و یکباب در اعتقادات با استدلال بنام «الباب الحادی عشر فیما یجب علی عامة المکلفین من معرفة اصول الدین» بر آن افزود و همین است که دانشمندان بدان مینگریستند و گزارشها بر آن نوشتند و بچاپ رسید .

[٧٥٠] ٥

٨٩٣ این نسخه شماره ٢ دفتریست دارای ٤ رساله و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف گ ٨٦ ب ـ ١٠٠ ب از نعمت بن مسلم بن سالم مسلمی حویزاوی در نیمه روز سه شنبه نه شب مانده از ماه شعبان سال ٩٩٢ و گ ٩٧ سفید است و دنباله مبحث یکم فصل ششم (امامت) و مبحث دوم و آغاز مبحث سوم همین فصل را ندارد . محمد بن یعقوب جزائری دارنده نسخه بوده در آدینه ٢٧ ع ٢ سال ١٠٠٦ گ ٨٦ الف. شماره ١ جعفریه کرکی است بهمان خط باحواشی بتعلیق ریز گ ١ الف ـ ٨٤ الف تاریخ روز یکشنبه ٢١ شوال ٩٩٢ از همان نعمت و ٣ الفیه شهید یکم است بهمان خط نعمت در شام شنبه پنج روز مانده ١٠ از شعبان ٩٩٢ گ ١٠٢ ب - ١٣٨ ب و برگهای ١١٦ ـ ١١٩ سفید و کتاب ناقص است و ٤ فقه شیخ حسن بن زین الدین عاملی نگارنده معالم بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف محمد بن یعقوب جزایری قطرانی گ ١٣٩ الف ـ ١٤٣ ب میباشد . در کنار گ ١٤٣ ب ١٥ اجازهٔ روایتی است که علی بن احمد بن شیخ صالح عاملی در آغاز محرم ١٠١٠ بشاگرد خود میدهد. مهر محمد حسین بن عبدالرحیم در گ ١ الف دیده میشود .

(همهٔ دفتر ١٤٤ گ) - کاغذ فرنگی جلد تیماج زرد مقوائی ساده

اندازه : ١٥×٢١ و ٧×٩ س ٩

[٦١٠] بدا (رساله در . . .) (فارسی) ٢٠

این نگارش از مولی محمد شفیع پسر فرج گیلانی و برادر محمد رفیع گیلانی میباشد . برادرش در طوس مدرس بوده و در ١٠٨٥ از محقق سبزواری (م ١٠٩٠) و در ١٠٨٧ از امیر ماجد دشتکی (ماجد بن محمد بحرانی قاضی شیراز و سپاهان) اجازه گرفته است. خود او شیخ الاسلام رشت و شیراز بوده و بگواهی پایان کتاب پس از مجلسی (١٠٣٧ ـ ١١١٠) آنرا نوشته است. او در این گفتار که ٧ فصل و یك خاتمه ٢٥ میباشد بروش متکلمان شیعی اخباری رفته و گاهی نیز از فیلسوفان خرده گرفت .

رسالــه بپارسی شیرین و شیوا وروان میباشد و نخست شالودهٔ بدارا(۱) ریخته و اشکالها را آورده ورد نمود . درفصل٤ نیزازمجلسی یادنمود (گ ـ ك ١٥٢ الف ش ٥ر٨٨٤) .

آغاز: حمد وسپاس بیقیاس خداوندی را سزد که وصف کمال ذات بیمثالش از

٥ حیطه نعمت و بیان بیرون است .

---

۱ ـ بدا وتقیه ازنشانه‌های آئین شیعی است وهمین دورا دشمنانی مانند سلیمان بن جریررقی رهبر سلیمانیان بهانه گرده از آن خرده میگرفتند ، چنانکه در فرق‌الشیعه نوبختی یاسعدبن عبدالله می بینیم (چاپ نجف ص٦٤) وازآن پیداستکه ریشهٔ بدا داستان امامت اسماعیل فرزند امام جعفرصادق ع ومردن او است.

۱۰ فرق‌الشیعه را یکبار ریترخاورشناس آلمانی دراسلامبول بسال ۱۹۳۱ وباره‌دیگر محمد صادق آل بحرالعلوم درنجف بسال ۱۹۳٦ بچاپ رساندند وآن ازابومحمدحسن بن موسی نوبختی (م میان ۳۰۰ و۳۰۱) خواهرزاده ابوسهل اسماعیل نوبختی وفیلسوف ادیب دین‌شناس نگارنده «آراء ودیـانات» دانسته شد وبرخی گفتند شاید از سعدبن عبدالله بن ابی‌خلف نمیری اشعری قمی محدث شیعی (م۲۹۹ یا ۳۰۰) نگارنده « بصائر

۱۵ الدرجات» باشد (خاندان نوبختی) .

ابوالحسن علی بن اسماعیل (۲٦۰ ـ ۳۳۰) رهبراشعریـان درمقالات‌الاسلامیین و اختلاف‌المصلین (چاپ مصر $\frac{۱۳٦۹}{۱۹۵۰}$ ج۱ ص۱۰۹) میگوید که رافضیان در بدا سه گروهند ویکی آنرا نمی‌پذیرند. شیخ مفید (۳٦۸ـ٤۱۳) درتصحیح‌الاعتقاد (چاپ دوم ص۲٤)

۲۰ بدارا تاویل پسندیده‌ای کرد وگفت که آن سمعی است. دراوائل‌المقالات نیز گفته که چون ازپیشوایان آنرا شنیده‌ایم پذیرفتیم واگرنه چنین چیزی نمی‌گفتیم وبرای آنهم معنائی یاد میکنیم که خرد بپسندد ومیان من ودیگرمسلمانان دراین بـاره جز درلفظ خلافی نیست .

این مسئله‌را فیلسوفانی مانندداماد در « نبراس‌الضیا فی شرح باب‌البداء واثبات‌جدوی

۲۵ الدعاء» وصدرای‌شیرازی‌در «موقف ٤ فن۱ ج۳ در بحث ازاراده خدا از اسفار » وفیض کـاشانی در«وافی ج۱ ص۱۱۲ وعلم‌الیقین ص٤۲ و٤۳» بروش فلسفی‌خویش بررسی نمودند . مجلسی دررساله بدا و بحار ج۲ ص۱۳۱ـ۱٤۳ ازآن گفتگو کرد و دیگران هم بروش اخباریان شیعی ازآن گفتگو داشتند وسخنان آن فیلسوفان رانپذیرفتند. از

بقیه حاشیه درصفحه بعد

انجام : وبعد از آن تغییریابد و فرماید که بداشد تا اینکه ضعیف‌الایمان و قوی‌الایمان ممتاز شوند (انتهت کلماته‌الشریفة و انتهت بانتهائها تبرکافی‌الاختتام بهاهذه الرسالـة والحمدلله اولا و آخرا وظاهرا وباطنا تمت (بالخیر) بعون‌الله و حسن توفیقه) .

٥

[٧٥١]

٣١٦ این نسخه بخط تعلیق خوش با عنوانهای شنگرف و آیتها وخبرها بنسخ وزیر خط سرخ‌میباشد.عنوان مطلبهادرهامش بخط تعلیق‌باحاشیه‌هائی ازخودگیلانی که به«منه ظله‌العالی» پایان می‌یابد و بهمان خط متن‌است وریزتر .

(۴۷۲گ) - کاغذ ترمه سپاهانی—جلد تیماج ضربی

١٠

اندازه : ۱۴×۲۰و۶ ، ۱۱س۱۴

[٧٥٢]

٨٨٤ این نسخه شماره‌٥ دفتر وبخط تعلیق شکسته (گویا ازهمان اسماعیل‌حاجی ابراهیم نویسندهٔ ش‌٣/٨٨٤ درصفر ١٢٠٠) باعنوانهای شنگرف بـاحاشیه هائیکه به«منه مدظله‌العالی» پایان میبابد گ‌١٥٢الف ـ ١٦٩ب .

١٥ این نسخه ازمیانه فصل‌٤ آغاز میشود وچنین است: «که اثبات میکنی دروجود چیزیراکه خدا اراده نکرده ...» برابربا س‌٣گ‌٢٦ الف‌ش‌٣١٦ .

[٦١١] **البراهین‌القاطعة فی‌شرح تجرید‌العقائد‌الساطعة** (عربی)

شریعتمدار حاج مولی محمد جعفر (م ١٢٦٢) تجرید خواجه طوسی‌را در شش جلد (اموزعام وپنج اصل شیعی)گزارش نمود .

٢٠

[٧٥٣]

٢٩٨ این نسخه‌بخط نسخ باعنوانهای‌شنگرف موسی‌بن‌محمدرضا تفرشی‌در١٢٦٤ میباشد وجلد دوم‌وسوم وچنین است:«بسمله‌الحمدلله‌الذی هوالواجب‌الوجود بالذات ... فهـذا هوالمجلدالثانی من‌البراهین القاطعة ـ من‌المعجزات التی

بقیه حاشیه صفحه پیش

٢٥ سخنان داماد درقبسات (ص‌٨٥) پیداستکه امام رازی بدارا ازرافضیان دانست وازآن خرده گرفت. اومیگوید که چنین‌نیست ودردو صحیح‌بخاری‌ومسلم ودیگراصول‌سنی‌نیز یادی ازبداشده وآنهم دربرابر یهوداست که گفته‌اند خداازآفرینشر بیاسود و شیعیان ازبدا تغیرزمانی میخواهند نه‌دهری. ازگفتاراشعری درمقالات (ج‌١ص ٢٥٦) برمیآید که همه‌معتزلیان میگویند که بدابرخدا ونسخ دراخباراو ناروا است .

اشر نا الی بعضها فی باب النبوة » و نو یسده مینو یسند : « قدتم جلدالثالث من کتاب البراهین تصنیف قدوة المجتهدین الحاج محمد جعفر الاسترابادی » .

(۷۵۴گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ۲۰×۵ر۳۰ و۱۲×۱۲ س۲۰

[٦١٢] پاسخ مقابی (عربی)

کسی از محمدبن علی بن عبدالنبی مقابی بحرانی ازدانشمندان سده ۱۲ پرسیده که عذاب قبرچون است . او این پاسخرا داد .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین... فیقول شیخنا الشیخ محمدبن علی البحرانی انه قد وردت علی من بعض منکری عذاب القبر مسئلة اراد الجواب عنها فلما وردت علیه هذه الرسالة استحسنها فاذعن بالحق بعد الانکار .

انجام : کالکفار یخدلهم خدا الی النار التی خلقها الله فی المشرق وفیها کمل کفایة والله ولی الهدایة . والحمدلله رب العالمین .

[۷٥٤]

۶۹۵ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف از بازیاری نزدیک ۱۱٦۹ گ ٣٦٤ ب ـ ۳۷۲ب . دنبال آن در گ ۳۷۲ب ـ ۳۷۷ الف رساله ایست در سر گذشت چهارده معصوم در ۱٤ باب .

(همه دفتر ۳۷۷گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشکی کهنه ضربی مقوالی

اندازه : ۱۹ × ۲۱ و ۱۱ × ۱۷ س ۱۷

[٦١٣-٦١٧] پاسخ و پرسش (فارسی)

در نسخه ۸۶۹ اینکتابخانه ٥ پاسخ و پرسش هست که اکنون یادمیکرد :

۱ ـ دراینکه نمیشود بهشت ودوزخ همیشگی و نامتناهی باشند و آنرا محمدبن شیخ امام‌الدین کردستانی پرسیده و پاسخ گرفت .

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین . قد ارسل الی جناب العالم ... الشیخ محمدبن المرحوم الشیخ امام‌الدین الکردستانی ... بمسائل معضلة وقد امرنی . . ان اجیب عنها بلسان الفرس .

انجام: ودراینجا بهمین قدر اکتفا میشود .

(گ ۱ب ـ ۳٤ الف . نوشته در ۱۵ ع۲ سال ۱۲۷۲) .

۲ ـ در اینکه «ام‌الکتاب» چیست و پرسش شیخ یوسف بن شیخ‌محمد حسن کردی . در کرمان این‌پاسخ بنگارش‌در آمد و نگارنده‌در دومی وسومی وچهارمی این پاسخها میگوید که بدرخواست پرسندگان بپارسی‌نوشتم و گرنه مطلبهای‌علمی را بپارسی دشوار توان نوشت . ۵

آغاز: بسمله . الحمدلله رب‌العالمین ... انه قدارسل الی ... جنـاب‌الشیخ یوسف بن‌الشیخ محمد حسن‌الکردی ... بمسائل مشکله .

انجام: وبدا در آن راهبر نیست وممتنع است وقوع بدا در آن .

(گ ۳۵ب ـ ٤۸ ب ویکبرك بریده شده).

۳ ـ درباره چند مسئله از کلام وفقه و پرسش امان‌الله خان دوم فرمانروای کردستان که در ۱۲۷۰ پاسخ داده شد . ۱۰

آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین ... چنین ... (سفید است) که درساعتی میمون وزمانی برکت مشحون که درگوشهٔ انزوا غنوده بودم .

انجام : تعلیقه سامی درششم ماه ذی‌حجه بحقیررسید . . . واینك‌صبح هشتم است که باوجود اشتغال‌بمشاغل عدیده‌انجام یافت‌بقام مصنفش درسنهٔ هزارودویست و هفتاد هجری حامد اولاقوة الا بالله العلی العظیم (٤۹ ب ـ ۷۳ ب و شش برگ بریده شده) . ۱۵

٤ ـ پاسخ بپرسش همودر کلام .

آغاز: بسمله‌الحمدلله رب‌العالمین... چنین گوید بنده ... (سفید است) که‌در بهترین ازمنه وخوشترین آونه‌وارد شد . ۲۰

انجام: فارغ شدم‌ازتحریر این‌اجوبه درشب‌ششم شهرربیع‌الثانی سنه۱۲۷۲ هزار ودویست وهفتاد و دوهجری حامدا مصلیا مستغفرا .

(گ۷٤ب ـ ۹۹الف . دوبرگ بریده است) .

۵ـدر پاسخ پرسش سپاهانیان‌درباره قرآن که‌حاج محمد صادق آورده‌بود.

آغاز: بسمله الحمدلله‌رب‌العالمين ... انه قداتانى جناب‌الحاج المعظم ... الحاج محمد صادق بمسائل من‌اصبهان.

انجام: فارغ شد ازتسويد اين اوراق مصنفش ... (سفيداست) ابراهيم در عصر يوم‌الثلثا هشتم شهرشوال سنهٔ هزار ودويست وهفتاد هجرى حامدا مصليا مستغفرا

٥ (گ ١٠٠ب-١٢٨ب)درهيچيك‌ازاينها درست‌شناخته‌نشده كه‌پاسخ‌دهنده كيست.

[٧٥٩-٧٥٥]

٨٦٩ اين نسخه‌ها شماره‌هاى١ تا ٥دفتر است وهمه بخط نسخ پاسخ‌دهنده كه‌شناخته نشد .

(همه دفتر١٢٨گ) — كاغذ فرنگى آبى جلد مقوا
اندازه : ١١ · ١٧/٥ و٦ · ١١ س١٤

١٠ [٦١٨] **تحرير شرح لمع** (عربى)

گويند كه رهبر اشعريان امام ابوالحسن على بن اسمعيل اشعرى متكلم جدلى (٢٦٠-٣٣٤) ازدويست تاسيصد نگارش دارد وخود اودر «العمد فى‌الرؤية»نوشته هاى خويش‌راكه تاسال ٣٢٠ بپرداخت برشمرد واز آنجا چنانكه‌ابن‌عساكردمشقى (٤٩٩-٥٧١) در«تبيين كذب‌المفترى فيمانسب الى‌الامام ابى‌الحسن‌الاشعرى » چاپ

١٥ دمشق بسال١٣٤٧ص٣٠-١٢٩ آورده است برميآيدكه او «الموجز» رادر١٢دفتر نوشته ودر آن از آئينها وامامت گفتگو نموده ونص و عصمت را رد كـرده است سپس «ايضاح‌البرهان فى‌الرد على اهل‌الزيغ والطغيان» نگاشته وهرچه راكـه در موجز بررسى نمود دراين‌هم يادكرد و آنرا ديباچهٔ ومدخل موجز ساخت آنگاه «اللمع الكبير» را بپرداخت و آنرا ديباچهٔ «ايضاح البرهان» نمود پس ازاين «اللمع

٢٠ الصغير » نوشته و آنراديباچهٔ «اللمع الكبير» ساخته‌است. بازميگويدكه من«اللمع فى‌الرد على‌اهل‌الزيغ والبدع» نوشته‌ام ودرباره آن «كتاب‌لطيف»گفته وشايد اين جزآندو « لمع » نباشد چه سبكى در طبقات (ج٢ص٣ - ٢٥٢) جزاز دو«لمع» اشعرى(١) ياد نكرده است . قاضى ابوبكر محمدبن‌الطيب باقلانى متكلم اشعرى

١ - براى تاريخ زاد ومرك اشعرى بنگريد بهمان «تبيين»ص١٤٦ كه ميگويد او

٢٥ بقيه حاشيه درصفحه بعد.

(٤٠٣م) بر «لمع» گزارشی نگاشته است واین گزارش راکسانی در شیراز تختگاه فنا خسرو نزد باقلانی میخواندهاند. هنگامیکه او بشیراز آمده بود ابن‌خفیف (ابو عبدالله محمدبن خفیف بن اسکفشاذ دیلمی نیشابوری‌شیرازی صوفی شافعی شاگرد جنید نهاوندی بغدادی وحلاج که در نزدیك بصدسالگی در ۳۷۱ درگذشت) «لمع» را درس میگفت (التمهید باقلانی چاپ مصردر۱۹۴۷ص۵۰-۲۴۸-شدالازار ش۱) ٥
قاضی عبدالجبار معتزلی چنانکه خواهیم دید نقضی براین لمع دارد(۱).

نگارندهٔ ایندفتر (نسخهٔما) چنانکه دردیباچه آن میگوید گزارشی را که باقلانی برلمع اشعری نگاشته است گسترده و واژه‌های دشوار آنرا روشن ساخت

بقیه حاشیه صفحه بعد

در ۲٦۰ زاده ودر ۳۲۰یا۳۲٤یامیان۳۲۰و۳۳۰ درگذشت. از نوشته‌های او «النوادر ١٠ فی دقائق‌الکلام» و «الادراك فی فنون من لطائف‌الکلام» و «نقض لطیف‌الاسکافی» و «کتاب علی اهل‌المنطق» میباشد (ص۱۳۲-۱۳۵) - یکی ازدو «لمع» اشعری که پاسخ‌وپرسش‌است و بدرخواست کسی نگاشته درموزه بریتانیا (ش۱۷۲ص۱۰٤) هست (بروکلمن تاریخ ج۱ص۱۹۵ ش۳).

---

١٥ ۱ - دانشمندانی چند بنام لمع نگارش دارند:

آ - اللمع فی‌التصوف ازابی نصرعبدالله بن علی‌سراج طوسی م۳۷۸.

۲ - اللمع فی‌النحو ازابی‌الفتح عثمان بن جنی موصلی م۳۹۲.

۳ - اللمع فی‌الاعتقاد از امــام عبدالکریم‌بن هوازن قشیری نیشابوری اشعری شافعی صوفی م٤٦٥.

٢٠ ٤ - اللمع فی‌اصول‌الفقه‌ازشیخ ابی‌اسحق ابراهیم‌بن محمدشیرازی فیروزآبادی م٤٧٦ که خود برآن گزارش نوشته وضیاءالدین ابوعمرعثمان مارانی کردی م٦٢٢ وابومحمد عبدالله بن احمد بغدادی نیزآنرا گزارش کردند.

٥ - اللمع فی‌الکلام یالمع‌الادله ازامام‌الحرمین ابوالمعالی‌عبدالملك بن‌عبدالله جوینی شافعی (٤١٩-٤٧٨) که امام فخرالدین رازی (٤یا ٥٤٣-٦٠٦) معالم خویش ٢٥ رابراین لمع‌املا نمودوشرف‌الدین بن تلمسانی‌املاء کوتاهی برآن کرده است(بنگرید به: کشف‌الظنون-فهرس‌الخزانة‌التیموریة‌چاپ دارالکتب‌المصریة ۱۳٦۹/۱۹۵۰ ج٤ص۱۱٥ش ۳٥٨/۱٥ مجامیع)- ازشریف ابی‌المعمر یحیی‌بن محمدبن طباطباعلوی‌حسینی م٤٧٨ نیز شرح‌اللمع یاد شد.

ومسئله‌هائی بر آن بیافزود وخرده گیریها که از آن کرده‌اند ردنمود و گویا بسخنان قاضی عبدالجبار همدانی مینگرد .

او از نگارنده لمع بنام «شیخنارض» یا «شیخنا ابوالحسن رض» یادمیکند(۱٦ب ۵۸ب ـ ٦۸ الف ۸۷الف ـ ۱٦۳الف) باز میگوید : «وغرضنا الان التعرض لشرح کلام شیخنا فی اللمع ـ ٦۷ب» نیز میگوید: بدعت گذاران در باره لمع شیخ ماجستجو ها کردند وخرده ها گرفتند و اوهم پاسخها بدانها داده است . اینـان بنگارشهای گسترده و کلان او ننگریستند چون میدانستند که در آنها هرچیزی آمده و خرده از آنها نتوان گرفت . (۵۸الف)ما بخرده‌ها که بدعت گذاران بر «شیخنارضی الله عنه» درلمع گرفته‌اند پاسخ میگوئیم (۵۸الف ـ ٦۸ب) ـ اوگزارنده لمع را «القاضی الجلیل ابی بکر رضی الله عنه» میخواند (آغاز) و میگوید : « علیه عول القاضی فی الشرح ـ ۸۳ب» ازسخنانش پیداست که قاضی جزشیخنا میباشد (۱٦ب ـ ٦۸الف ـ ۲۱۵ب ۲۱٦ الف وب» چه میگوید که قاضی رض بپیروی ازشیخ ما در آغاز « شرح کتاب اللمع» خویش نخست خدارا ثابت نموده آنگاه حدوث جهان را روشن بساخت. گرچه اینکار پسندیده است مگر اینکه مانخست آشکار میداریم که جهان نبود و پیدائی گرفت سپس بود آفریننده‌را هویدامیسازیم(۱٦ب) ـ ازهمه این سخنان برمیآید که ایندفتر گزیده و گلچینی است از گـزارش ابوبکر باقلانی متکلم نامور اشعری (۴۰۳م) بر لمع رهبر اشعریان باافزوده‌ها ودیگر گونگی هائی و گزیننده پس از باقلانی میزیسته است .

دراین گزیده دارد که استاد ابوبکر رضی الله عنه ازقاضی پیروی نمود وپیداست که دوتن را میخواهد (۹۱الف ـ ۸۱ب ۱۹۸الف) نیزدارد که اودفتری درتأویل خبرهای دشوار نوشته است (۱۵۹الف) وبرقـاضی مقدم میباشد (۲۰۸ الف) پس گزیننده پس از استاد ابوبکر میزیسته است . و از آن ابن فورك (پورك) محمدبن حسن بن فـورك انصاری سپاهانی متکلم اصولی جـدلی زاهد واعظ شافعی دشمن کرامیان (کشتهٔ بزهر در۴۰٦) ونگارندهٔ «مشکل الحدیث» یا« مشکل الاثار » را

میخواهد. در گ ۲۳٤ الف یادی ازعبدالجبار همدانی م ٤١٤ یا ٤١٥ میکند ودر گ ۲۲۵ الف میگوید : «هذا مایذکره شیخی ابوالقاسم الاسفراینی رض ... وفیماذکره وجه من المناقشة» پس او شاگرد اسفرائینی بوده است و او همان استاد ابوالقاسم عبدالجبار بن علی بن محمد بن حسکان اسکاف اسفرائینی (شهرکی درنیشابور) اشعری (م ٤٥٢) میباشد که دراصول استاد امام الحرمین واز فقیهان ومتکلمان بزرگ بشمار آمده یگانهٔ روزگار خویش وپیشوای دویره بیهق بوده درفتوی وتدریس بر دیگران برتری داشت .

نیز میگوید: «وذکر بعض المختصین به وهو القاضی ابوجعفر السمنانی رحمه الله ۲۳۹ الف» وازاو ابوجعفر محمد بن احمد قاضی متکلم فقیه اشعری سمنانی (۳٦١-٤٤٤) ازشاگردان وشناختگان باقلانی رامیخواهد وپیداستکه پس ازاوهم میزیسته است وی نگارشی دارد بنام «البیان عن اصول الایمان والکشف عن تمویهات اهل الطغیان» که فهرست مطلبهای آن در Introduction á la théologie musulmane از L. Gardet و M.M. Anwati چاپ پاریس بسال ۱۹٤۸ آمده (ص ۵-۱۸٤) ودرص ۷-۳٦۵ و۹-۳۷۸ نیز درباره آن بررسی گردید ونسخهٔ آن درمکتبه عثمانیه حلب بشماره ۵۷۷ هست .

نیز گزیننده میگوید استاد ابواسحق رض (۱۹ الف - ٦٦ الف - ۹۲ ب - ۱۵۰ ب - ۱۵۳ الف - ۱۵۸ ب - ۲۲۵ الف - ۲۳٦ ب) وازآن ابواسحق ابراهیم بن محمد بن .. مهران اسفرائینی محدث حافظ (م عاشورای ٤١٨)را میخواهد. اودر اسفرائین بخاك سپرده شد ونگارنده «الجامع الحاوی (جامع الحلی والخفی) فی اصول الدین والرد علی الملحدین» میباشد که کتابی است بزرگ ودر پنج مجلداست وجوینی در« الارشاد الی قواطع الادلة فی اصول الاعتقاد» چاپ مصر بسال ۱۹۵۰ ص ۳۳۳ ازآن میآورد (نیزهامش همان ص۳۳) وشاهپور اسفرائینی درالتبصیر (چاپ ۱۹٤۰ مصر ص۱۱۹) ازآن و«المختصر فی الرد علی اهل الاعتزال والقدر» همویاد کرده وهردورا بسیارمیستاید. پیداست که استادابواسحق شیرازی (م٤٧٦) دراینجا

خواسته نشده .

دربارهٔ شیخ امام رکن‌الاسلام ابوالمعالی عبدالملك بن عبدالله بن یوسف جوینی (۴۱۹_۴۷۸) گاهی میگوید : « ادام‌الله سعادته» (۴۹ب) و گاهی : «رضی‌الله‌عنه» (۸۱الف)

۵ این دانشمند هنگام گیرو دار معتزلیان و اشعریان بحجاز رفته در مکه ومدینه چهارسال بماندو درس گفت وفتوی داد از اینرو وی را امام‌الحرمین نامیدند سپس در روزگار الب ارسلان (۴۵۵_۴۶۵) و نظام‌الملك (۴۰۸ ۴۵۵_۴۸۵) که خراسان آرام گشت بنیشابور رفت و سی سال در آنجا بزیست ودرمدرسه ایکه نظام‌الملك برای او ساخت درس میگفت و از پیشوایان و گرانمایگان سیصدشاگرد داشت. اورا بجز ارشادو برهان

۱۰ نگارشی است بنام «شامل» که بخشی از آن در کوپرولو Köprulü وقاهره هست وفهرست مطلبهای آن درهمانکتاب Introduction ص ۴_۱۸۱ آمده است(۱).

نگارنده ایندفتر که نامش نادانسته است پس ازقفال شاشی م۳۶۵ و باقلانی م ۴۰۲ وابن فورك م۴۰۶ وعبدالجبار م۴۱۴ یا ۴۱۵ وابواسحق اسفرائینی م۴۱۸ میزیسته وشاگرد ابوالقاسم اسفرائینی م۴۵۲ بوده وشاید سمنانی (۳۶۱_۴۴۴) وابواسحق

۱۵ شیرازی م۴۷۶ را دیده باشد. وی درروزگار جوینی (۴۱۹_۴۷۸) وپس ازاو زنده بود . پس او پیش از ۴۵۲ و پس از ۴۷۸ میزیست وایندفتررا درسال ۴۷۸ واندکی پیش و پس از آن بپرداخت چه اودر مبحث اصل چهارم (۴۸ب تا ۶۴الف) در اثبات حدوث جهان بدلیل ناروائی نامتناهی بودن حادثها در گ ۴۹ب از جوینی بمانند زنده و در مبحث اثبات آفریننده (۶۴_۷۲) درگ ۷۱ الف بمانند درگذشته یاد

۲۰ میکند و پیداستکه آغاز دفترتا اصل چهارم پیش ازاینسال وبخشهای دیگر پس از آن بنگارش در آمد .

---

۱ _ درباره سرگذشت ایندانشمندان بنگریدبه : ابن‌خلکان ج۱ ص۴۸۲ _ انساب سمعانی _ سبکی درطبقات ج۳ ص۲۲۰_ و دیگر کتابهای رجال _ ذیل کشف‌الظنون ج۲ص۴۸۹ _ حاشیهٔ ردمنطقیان ابن تیمیه ص۱۴۲

او در گ ۹ الف میگوید: «وقد بسطنا القول فی ذلك فی کتاب التلخیص فی الاصول» وسخن درباره قطع وظن وتصویب مجتهد است پس باید تلخیص در اصول فقه باشد. در التبصیر ص ۱۲۰ از استاد امام ابی منصور محمد بن الحسن بن ابی ایوب ایوبی نیشابوری م ۴۲۱ شاگرد ابن فورك و کتاب التلخیص او یاد شده ومیگوید بهترین نگارشی است دررد بدعت گذاران وملحدان. پس آن در کلام باید باشد و تلخیص ۵ گزینندهٔ ما باید در اصول فقه باشد. آنهم او پس از ایوبی میزیسته است. در کشف الظنون دو تلخیص یاد شده: «تلخیص الادلة لقواعد التوحید» از ابی اسحاق ابراهیم بن اسمعیل صغار پارسای حنفی بخاری (م ۵۳۴ در بخارا) (سمعانی گ ۳۵۳) و «تلخیص الاقسام لمذاهب الانام فی الکلام» از شهرستانی (م ۵۴۸).

۱۰ در اینکتاب یاد میشود از: فیلسوفان (گ ۵۲ب - ۷۲ب - ۸۱ب - ۸۳ب). و ترسایان (و مما ساله القاضی رضی الله عنه النصاری و طالب به) گ ۱۸۰ ب. و ملکانیان (ذهب الروم و هم الملکیه گ ۱۷۷ الف - ۱۷۸ الف) و نسطوریان (۱۷۶ب ۱۷۸الف - ۱۷۹الف) ویعقوبیان (۱۷۶ب - ۱۷۸الف - ۱۷۹الف) و مرقیونیها (۲ ع ب) واصحاب حلول (۱۷۴ب) و دیصانیان که روشنائی را زنده وتاریکی ۱۵ را مرده می پندارند (۵۲ب) ومجوس که روشنائی را قدیم و تاریکی را حادث میدانند (۵۲ب) وثنویان کـه روشنائی وتاریکی میگویند (۵۷ب) وملحدان (۵۱الف) و زندیقان (۱۸۱ب) ودهریان (۱۱۹الف - ۵۳الف - ۶۳الف - ۷۲ب) وطبایعیان (۵۱ب) وستاره شناسان (۵۳الف) ومعطلان (۷۳ب) و باطنیان (۸۱ب - ۸۳ب - ۱۸۱ب) وغالیان (۷۳ب) واهل تأویل (۹۰الف) ومعتزلیان بصره وبغداد که خرده گیریها از ۲۰ اشعری (شیخنا) کرده واز نادرستان (اهل زیغ) میباشند (۱۶ب - ۱۷الف ۶۸ب - ۱۵۴ب) وحشویان (۱۵۹ب) ومجسمان (۷۳الف) ومشبهان که مانند حنبلیان میباشند وکرامیان (۱۵۳الف - ۱۵۶الف ۱۵۷الف).

نیز دارد: الاصولیون المنتمین الینا (۲۳۶ب) واهل حق در برابر معتزلیان (۱۷ الف - ۱۹ الف - ۲۸ب - ۱۵۴ ب - ۱۵۹الف - ۱۷۰ الف) واز اینها اشعریان

خواسته شده .

ازایندانشمندان دراینجا یادکردید :

ابریقلس(١) دهری (٢٥ب ـ ٦٣الف)ودارد : «قال (شیخنا) الحادث‌هوالمتاخر وربما ینبسط‌القول‌فیقول هوالمتاخر وجوده عن‌الازلی ورام باختیار هذه‌العبارةقطع شغبات لابن‌الراوندی ولا برقلیس اوردها یحیی‌الکندی فی‌بعض‌کلام‌الدهریة» (٦٣ الف) وهشام بن‌الحکم (م١٩٩) شاگرد امام جعفر صادق وابی شاکرزندیق(رجال مامقانی)که میگوید خدا پرتوی است که مانند شبه‌سفید میدرخشد وباندازهٔ‌هفت بدست است وکوه ابوقبیس‌را نشان‌دادو گفت که خدا از آن اندکی‌بزرگترمیباشد. باز میگوید‌که او از عرش بزرگتر وباربر آن است . نیز گفته‌که شیئی جسم است (١٧الف ـ ٧٣الف ـ١١٣الف) وداودجواربی مشبه شاگرد هشام‌بن سالم‌جوالیقی جوزجانی شاگرد صادق ع (٧٣ الف) و ابن زکریای پزشك (المتطبب) که پنج قدیم (زمان و مکان و نفس و عقل مبدع) گفته است وکیش او و مجوسان دیگر و اینگونه سخنان آنها الحادی است (٥٣ الف) و جهم بن صفوان خارجی شاگرد جعد بن درهم که در پـایان فرمانروائی امویان بسال ١٢٨ کشته شد (١٧ الف) و مقاتل بن سلیمان بلخی محدث مفسر مجسم م ١٥٠ (٧٣الف) (الاعلام زرکلی) وصالحی معتزلی (٩١ب در دوجـا) وثمامة بن اشرس قدری (م٢١٣)که مأمون رامعتزلی ساخت ونظام بلخی‌بصری (١٦٠ـ٢٢١)وشبهه هاق او (٢٣الف ـ ٢٤ب ـ ٢٨ب) وابو یعقوب شحام بصری (١٥٣ـ٢٣٣) شاگرد

---

١ ـ همان‌برکلس Proclus (٤١٢ـ٤٨٥)که‌اورا لو کوئیس (ازمردم‌لوکیا = Lycie) ودیادوخوس پلاتونیکوس (جانشین پلاتون) میخوانده‌اندوفیلسوفی‌است نو پلاتونی‌که دراسکندریه فلسفه آموخته‌ودرچهل سالگی درآتن‌آنرا درس‌گفت‌وبجای سوریانوس رهبرآموزشگاه آنجاشد وسی‌سال درآنجا بمانـد وپس ازپلوتینوس از رهبران نامـور گروه نوپلاتونی بشمار است . او گزارشی برتیمائوس وپارمنیدس و نگارشهای هندسه‌دانان کهن نوشته و«پایه‌های خداشناسی» و«خداشناسی پلاتـون» دارد (لاروس سده ١٩و٢٠) .

ابی‌الهذیل واستاد جبائی(۱۶ب دوجا) وعبادبن سلیمان صیمری معتزلی (م نزدیك ۲۵۰) (۸۸ب ـ ۹۱ب) وحسین‌بن محمدنجاربمی رازی متکلم‌جبری شاگرد بشر مریسی (م ۲۱۸) ورهبر معتزلیان ری که بانظام‌گفتگو نموده وازعهده او برنیامدو ازاندوه بمرد (۲٤ب ـ ۷٤ الف ـ ۸٤الف) وابوالهذیل علاف بصری ز۱۳٤ م۲۳۵ شاگرد شاگردان واصل (۸۸الف) وجبائی ازجبای خوزستان‌ز۲۳۵ م۳۰۳(۱۷۹ الف ـ ۱۹۲الف) وابوهاشم پسراوم ۳۲۱ (۱۵ب ـ ۱٤۵ب ـ ۱٤٦ب) وابن‌اخشید معتزلی بصری م۳۲٦ (۷٤ الف) وابن عیاش احمدبن محمد جوهری شیعی م ٤۰۱ (قال‌ابن عیاش‌ان‌الاعتماد یولدالحرکة ویتجرد فیولد ـ ۱٤٦ب) وابن‌مجاهد م۳۷۰ (ان‌ابن مجاهد رضی‌الله عنه من‌اشدالناس فی‌نفی‌الاحوال ـ ۸٤ب)وابوالعباس‌ناشیٔ معتزلی ازدستهٔ هشتم مانند کعبی و خیاط م ۲۹۰ (۱۷الف ـ ۸۸ب) وکعبی بلخی م۳۱۹ که درنخشب مدرسه‌ای بنیادگذارد (۱۷الف) و عبدالجبار(۱) درباره سبرو تقسیم‌حاصر واینکه‌نبود دلیل نابودن‌چیزی‌را نمیرساند ودارد: «وقدرددعبدالجبار ذلك فی«المغنی» اکثر من مائة مرة وهذا تناقض» (۲۳٤ الف) .

---

۱ ـ قاضی ابوالحسن عبدالجبار بن‌احمد، اسدابادی همدانی بغدادی معتزلی‌اصولی شافعی(م پایان ٤۱٤ یا٤۱۵ درری) مناظر باشیخ مفید که درروزگار اسناد ابواسحق اسفرائینی وصاحب عباد وسید مرتضی ورضی میزیست‌ومرتضی دررد مغنی اوشافی را نوشته ورضی شاگردش بوده والعمد فی‌اصول‌الفقه‌رانزدش خواند ودرمجازات‌الحدیث النبوی خود دوجا ازش یادنمود وگفتار اورا آورد . قاضی بدرخواست صاحب پس‌از ۳٦۰ ازبغداد بری‌آمد ودرس میگفت وقاضی‌القضات همٔری گشت ونزداو بود که با اسفرائینی برخورد نمود . گویند چهارصد نگارش دارد واین است برخی از آنها : تنزیه‌القرآن من‌المطاعن (چاپ قاهره در۱۳۲۹) وطبقات‌المعتزله (چاپ‌هند) ونقض اللمع وامالی وعلم‌الکیمیا وتثبیت دلائل‌النبوة درخرده گیری از باطنیان (بنگرید به : دیباچهٔ ناشر تنزیه ـ اعلام زرکلی ج۲ص٤۷٦ ـ ریحانة‌الادب ج۳ص۲۷۰ ـ روضات الجنات ص۲ـ٤۲۱ ـ تاریخ بغداد ج۱۱ص٤ـ۱۱۳ ـ دیباچهٔ کوثری بر کشف اسرار الباطنیه یمانی ص۹ .

و نیز از قفال چاچی(۱) (واطلق القفال الشاشی . . . فانه رضی الله عنه لایسلك مسلک المعتزله ... وانتصر الاستاد ابواسحق رضی الله عنه له ـ ۲۳۶ ب) .

از قاضی باقلانی این نگارشها(۲) در اینجا یاد گردید : التقریب والتقریر هر دو اصول (۲۲۵) والتمهید در کلام ومیگوید که قاضی در آن ترسایان را ردنمود و گفت

٥ که در النقض الکبیر والهدایة علی التمهید آنچه می باید از آنان خرده گرفتم (۲۳۹ ب ـ ۱٦۸ ب ـ باقلانی تمهید را در یکم شعبان ۳۷۲ نوشته و در ص ۷۸ ـ ۹٦ آن از ترسایان خرده گیری شده است) و از النقض (٥٤ الف ـ ۲۱۹ الف) .

والنقض الکبیر (۱٦۸الف) که با هدایة هـر دو در کلام ورد بر ترسایان است و الهدایه در کلام والهدایة علی التمهید (هدایة المسترشدین چنانکه در کشف الظنون

۱۰ آمده است) (۷٤ب ـ ۹۲الف ـ ۹٥الف ـ ۱٦۸الف ـ ۲۱۹الف ـ ۲۳۹ب)ومایعلل ومالایعلل در کلام (۲۱۹الف) و کتاب العلل که همه مباحث آن درباره علتها در این

---

۱ ـ چند دانشمند نام قفال دارند :

۱ ـ امام ابوبکر محمد بن علی بن اسماعیل قفال چاچی (شاشی) محدث فقیه اصول شافعی (۲۹۲ ـ ۳٦٤) وهمین ما ناخواسته شده .

۱٥ ۲ ـ شیخ امام قاسم بن محمد قفال شاشی نگارندهٔ التقریب فی الفروع که امام الحرمین آنرا تلخیص نمود .

۳ ـ ابوبکر عبداله بن احمد قفال مروزی فقیه شافعی (م ٤۱۷ یا ٤۲۷) کـه محمود سبکتکین را باخواندن نماز بروش شافعیان وحنفیان شافعی کرد .

٤ ـ ابوبکر محمد بن احمد قفـال شاشی فقیه شافعی (م٥۰۷) نگارندهٔ « العمدفی

۲۰ فروع الفقه الشافعیه» برای عمدة الدین مسترشد پسر مستظهر .

۲ ـ شاهپور اسفراینی م ٤۷۱ در تبصیر ص ۱۱۹ میگوید که باقلانی نزدیك به پنجاه هزار برگ نگارش دارد واینفترها را برشمرد : هدایـه و نقض النقض والتقریب فی الاصول والکتاب الکبیر فی الاصول درده هزار برك والکسب والتمهیـد او «الانتصار فی دفع مطاعن القرآن» نیز نوشته که بیمانند است و نسخه ای از آن در کتابخانه قرامصطفی

۲٥ پاشا در آستانه هست که اندکی از پایانـ را ندارد (زیر همان صفحه) ـ در پایان تمهید درص۹ـ۲٥۷ فهرست نگارشهای او دیده میشود و نام تقریب وهدایه که دفتر بیست کلان والاحکام والعلل و نقض النقض و نقض الفنون جاحظ و شرح اللمع برده شده است .

تحریر ما آمده است ونگارندهٔ در گ۱۰۶ب میگوید : « علی ما نوضحه فی کتاب العلل» وهمان بخشی رامیخواهد که بنام «القول فیما یعلل ومالا یعلل» میباشد ودر آنجا همه «کتاب العلل» باقلانی رابا افزوده‌هائی ازخود آورد (۲۰۶الف تا ۲۱۶ب) در گ۱۸۹ب میگوید : «ارتضاه الاستاد ابو بکر رض فی کتاب له تصفح فیه احکام العلل للقاضی» وچنین برمیآید که ابن فورك دفتری دارد که در آن به «احکام العلل» باقلانی نگریسته است .

نیز میگوید : «حکی الاستاذ فی دقیق(۱) الجامع» و «ذکر الاستاذ ابو اسحق رض فی الجامع طریقه» (گ۱۲۰الف . ۲۳۳الف) واز آن «جامع الجلی والخفی فی اصول الدین والرد علی الملحدین» رامیخواهد که نگارش شیخ ابی اسحاق ابراهیم بن محمدبن ابراهیم بن مهران اسفرائینی شافعی اشعری فقیه اصولی نامبردار باستاذ (م نیشابور ۴۱۸) میباشد (کشف الظنون ج۱ص۳۶۱–۳۸۴) و شاهپور اسفرائینی م۴۷۱ درتبصیر ص۱۱۹ میگوید که مانند آن نوشته نشده است .

باری این دفتر گاهی بنگارش در آمد که بازار جنك و ستیز و گفتگو های پیروان سنت ومعتزلیان بایکدیگر ازیکسوی و با فیلسوفان ازسوی دیگر گرم بود وبخوبی روش واندیشهٔ اشعریان رامیرساند .

آغاز: بسمله. لااله الاالله ، عدة للقاءالله . الحمدلله رب العالمین والصلاة علی محمدواله. هذا . وقداستدعی طائفة یتعین اسعافهم، تحریر کتاب یتعلاعن المختصرات وینحط عن المبسوطات ، من جلة التصنیفات ، فی علوم الدیانات . فصادف الاختیار و

۱ ــ لطیف ودقیق مسئله‌هائی است فلسفی که دردفترهای کلامی برای پیوستگی آنها با اعتقادات آمده است . اشعری جلددوم مقالات الاسلامیین را به «اختلاف الناس فی الدقیق» آغاز کرد وخود چنانکه گذشت سه کتاب درلطیف ودقیق دارد. خیاط در انتصار درآنجا که ازابی الهذیل علاف (۱۳۱ـ۲۲۷) نام میبرد ازغامض ولطیف کلام یاد میکند(ص۷) شیخ مفید در «اوائل المقالات ازلطیف گفتگو نمود (ص۱و۲و۷۲تا۱۱۱ چاپ دوم) ابن حزم اندلسی م۴۵۶ درفصل ازلطائف سخن راند (ج۵ص۲تا۱۳۶) واحمد بن یحیی بن مرتضی زیدی یمنی م۸۴۰ بخشی ازبحر زخار را بنام ریاض الافهام فی اللطیف من الکلام بدینگونه مسائل اختصاص داد .

الایثار «شرح اللمع» للقاضی الجلیل ابی بکر رضی الله عنه . ونحن ، ان شاءالله ، نوضح مشکلات الفاظه : ونقرب مااوجزه (من الابواب) بطریق البسط ، مع اجتناب التطویل وان اضطرت الحاجة الی الحاق ابواب ومسائل؛ الحقناها. واول مایصدور الکتاب به، فصول فی النظر : یرشد به الشادی ، ویستعین بها المنتهی . وبالله التوفیق . القول فی ۵ حقیقة النظر . . .

انجام : لان من شأن کل مقلد، ان یتمکن المقتدر من الاضراب عنه ولاوجه للعاقل فی الاضراب من عقله . و هذالم اقله نقلا . وانما ذکرته قیاسا و اعتبارا . وفیه نظر . والله اعلم .

بخشهای این نگارش: «در بارهٔ نظر ۱ الف. درستی نظر و خرده گیری از منکران (معرفت ۱۰ بروش اشعریان) ۲ الف. حدوث جهان (شئی-وجود) ۱۶ ب- هستی ها ۲۱ ب- اثبات عرضها (اصل ۱) ۳۰ ب- حدوث عرضها (اصل ۲) ۳۸ ب- ناروائی بی عرض بودن گوهرها (اصل ۳) ۴۴ ب — حادثها ناگزیر آغاز و انجام دارند (اصل ۴) ۴۸ ب — بود آفریننده ۶۴ الف — بیمانند بودن ۷۲ ب — دومثل ۷۴ الف — دوغیر ۸۷ الف — کتاب توحید، واحدویگانه ۹۰ ب- فصل ۱، یگانگی خداو دلیل تمانع ۹۲ ب — فصل ۲، روشهای معتزلیان در نپذیرفتن ۱۵ آن دلیل ۱۰۳ ب — فصل ۳، توانا بودن قدیم ۱۰۸ ب — جسم ۱۱۰ ب — اکوان ۱۱۱ الف- کمترین جسمها ۱۱۳ الف — ناتوانی معتزلیان در اثبات جسم نبودن خداوند قدیم ۱۱۵ ب — خرده گیری از شبهه های مجسمان ۱۱۷ — خرده گیری از آنها در اینکه میگویند خدا جسم است ومؤلف نیست ۱۱۹ الف — اکوان ۱۲۰ الف — جنبشها ۱۲۷ الف — اجتماع وافتراق ۱۲۸ ب — ناسازگاری سخنان جبائی و پسرش درباره تألیف ۲۰ ۱۳۴ الف — سخنان ناسازگار معتزلیان درباره اکوان ۱۳۷ الف — اعتماد ۱۴۰ ب — قدیم راجهت ومحاذی نیست ۱۴۸ الف — شبهه‌های مخالفان ۱۵۳ الف - تاویل برخی از کتاب وسنت ۱۵۹ الف — خرده گیری از ترسایان ۱۶۸ الف — اقنومها ۱۶۹ ب — یکی شدن لاهوت وناسوت ۱۷۱ ب — شبهه‌های ترسایان درباره اتحاد ۱۷۵ ب — سخنان ترسایان درباره گوهر، واقنوم نبودن آن ۱۷۶ ب — خرده گیری از ترسایان در اینکه

بچندخدا میگویند. ۱۸۰الف — پرسشهائی از آنها (ازباقلانی) ۱۸۰ب — سخنانی از انجیل ۱۸۱الف — کتاب صفات ۱۸۱ب — بود خدای‌قدیم ۱۸۱ب — بی‌آغاز بودن او ۱۸۴ب — پرسشهای دهریان و پاسخ آنها ۱۸۵الف — توانائی ودانائی وزندگی خدا ۱۸۶الف — کتاب علل (حال وعلت ومعلول) ۱۸۷ب — چیستی علت ۱۹۳الف — چگونگی اختلاف علتها ۱۹۴ب — بحثهای کلی درعلت (مایعلل ومالایعلل) ۱۹۶ب پذیرفتن علت و نپذفتن آن ۲۰۶ الف — وصفهای برخاستهٔ ازحدوث ۲۱۶ب — حد ۲۲۴ب. دلیلهای‌عقلی و نقلی ۲۳۱الف. مائیت وحددانائی ۲۳۶ب. دانائیهای گوناگون ۲۳۹ب — ۲۴۴الف» .

[۷۶۰]

این نسخهٔ گرانبهای بسیار کهن و بیمانند بخط نسخ و عنوانهای آن درشت‌تر میباشد. در کنار برگ ۱۳۰الف ازآمدی وشریف گرگانی وشرح مواقف‌او یادگردید درگ ۱۳۷ب نیزحاشیه دیگری دارد بهمان نسخ‌ریز. نسخه ۲۵ کراسهٔ ده برگی‌است وشماره آنها تا کراسه ۲۴درگوشه‌های بالائی وچپ رویهٔ هر یکی از برگهای دهم از ۱۰تا ۲۳۰ نوشته شده است و از اینجا برمیآید که یك برگ ازآغاز نسخه که شاید نام کتاب و نگارنده آن‌را میرساند افتاده است .

۳۵۰

(۳۴۴۶ ب) ـ کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج زرد تازه
اندازه : ۱۹×۲۷و۱۳×۲۱س۲۴

[۶۱۹] تحریر القواعد الکلامیه فی شرح الرسالة الاعتقادیه (عربی)

دانشمند عبدالرزاق پسر ملامیر گیلانی رانکوئی که درشیراز زاده ودرآنجا میزیسته است بدرخواست شاگردان خود برقواعدالعقاید خواجه طوسی گزارشی بدین نام‌برای‌محمدزمان‌خان (نسخهٔما) نگاشته‌است. نگارنده‌ذریعه (ج۳ص۳۸۸) میگوید که آنرا برای محمودخان فرمانروای‌کوه‌گیلویه نوشته ونسخه‌ای از آنرا درکتابخانه‌مولی محمدعلی‌خوانساری درنجف دیده‌ام‌که شایدبخط خود رانکوئی بوده و آنرا درشب چهارشنبه غدیر ذی‌حجه سال۱۰۷۷ بپایان رساند ـ دردیباچه نام‌نگارنده و گزارش، یادشده و نام متن «قواعدالعقاید»، وازطوسی دانسته شد.

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الذی تقدس بقدیم صفاته وتنزه عن‌صفات المخلوقین

بذاته وانطق بتوحیده طوامیر آیـاته ... فان . . . عبدالرزاق بن ملا میرالجیلانی الرانکوئی الشیرازی مولداومسکنایقول ان احدی المقالات... هو المعارف الدینیة·

انجام : ویکون لهاالذات ضعیفة بحسب ادراکها لذاتها ولماالابدمنها (متن) من البدیهیات والوجدانیات. قد کمل شرح هذه الرسالة بحمده... علی ید مؤلفه عبدالرزاق الجیلانی الرانکوئی الشیرازی مولد اومسکنا... فی عشیة لیلة الاربعاء ولیلة یوم الغدیر من شهر ... ذی الحجة الحرام من سنة سبع وسبعین بعدالالف من الهجرة النبویة . . . علیه من الصلوات ازکارها ومن التحیات انماها واله الطیبین الطاهرین المعصومین الابرار صح ٥ .

[٧٦١]

٣٧٨ این نسخه بخط تعلیق وروی متن خط سرخ کشیده شده وحاشیه‌هائی دارد با (منه وفقه‌اله تعالی) وبرخی جاها خط خورده ودرست آن نوشته شده وپیداست که نسخه‌اصل میباشد وباید همان باشد که بنوشته ذریعه نگارنده ریاض آنـرا نزد استاد علامه مجلسی دیده است . مگر اینکه غلطهائی در این نسخه دیـده میشود مانند : الرسالة الموسومة بالقواعدالعقاید (گ۱الف) ـ سمینه تحریر قواعد الکلامیة فی شرح الرسالةالاعتقادیة (گ۲ب) ـ درگ۱الف دارد : «نسخهٔ اصل بخط مصنف» وپس ازعنوان : «بخطه الشریف» وباز : «للحقیر محمدباقر بن محمدتقی» (خطشریف مجلسی) . نیز: «مالکه المجازی القاضی ... (خوانده نشد) شهرربیع المولود من شهور ١٢٦٥» بامهر «عبداله بن ابراهیم موسوی؟» .

(١٢٥گ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ ضربی

اندازه : ٥ر٩×٥ر١٦و×٥ر١١ س١٨

[٦٢٠] تحفة الاخوان در طریق اهل ایمان (فارسی)

این نگارش دراثبات روش امامیان و تناقضهای چهار مذهب است (ذریعه ج ٣ ص ٤١٤) .

آغاز: حمد وثناء نامحدود وشکر وسپاس نامعدود مرحضرت صانع حکیم .

انجام : ودلایل برامامت اهل‌البیت بیشتر از آن است که بقلم درتوان آورد و بدین قدراختصار کرده شد والحمدلله رب العالمین .

[٧٦٢]

١٠١٥ این نسخه ۳۵ دفتر است و بخط تعلیق گ١١٠ب - ١٢٨ب . از گ۳الف تا ۱۷۱الف بیك خط است و در گ١٤٥ب پایان تاریخ منظوم چهارده معصوم نوشته شده و دارد : «وقدتم فی ١٥ شهر ذی القعدة الحرام سنة ٩١٣ ثلث عشر وتسعمائة الهجریة .

٥

[٦٢١] **تحفهٔ شاهی و عطیهٔ الهی** (فارسی)

مولی زین الدین علی بدخشی تجرید طوسی را برای سلطان محمد قطب شاه (٩٨٩ — ١٠٢٠) بپارسی گزارش نمود و در ج٢ سال ١٠٢٣ آنرا بپایان رساند (ذریعه ج٣ ص٤٤٣) .

١٠

[٧٦٣]

٣٣٨ این نسخه بخط تعلیق و متن بنسخ و شنگرف میباشد و تنها بخش الهی را دارد تا پایان کتاب و چنین است: «باشد و حال آنکه ثابت کردیم حدوث را (در مبحث توانائی خدا و پیش از ترجمه عبارت والواسطة غیر معقوله) — تمام شد ترجمه شرح تجرید و تمام بحقیقت وقتی شود که پسندیده آید در نظر... المؤید من عندالله همایون اعظم ... امید که ... از دریای فیض مآثر خاطر مقربان درگاه الهی بر وجود خاکی این بنده کثیر التقصیر مترشح گردد. در ماه فلان بتاریخ فلان مرقوم گردید. والله اعلم بالصواب والحمدلله رب العالمین .

١٥

(١٧٩گ) - کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج کهنه ضربی
اندازه : ١٧×٥ر٢٦ و ١٠×٥ر١٨ س١٥

٢٠

[٦٢٢] **التحفة الوجیزه (تحفة الاصول)** (عربی)

علامه میرزا عمادالدین (سدهٔ ١١) این رساله کوتاه را در اصول دین نگاشته است تا بتوان بآسانی بیاد سپرد .

[٧٦٤]

٢٥

٤١١ این نسخه شماره ١ دفتر بخط نسخ درشت معرب و ترجمه پارسی آن درمیان سطرها بخط تعلیق و شنگرف میباشد و حاشیه‌های «منه» دارد بخط شکسته و نویسندهٔ آن نگارنده رساله را شناسانده و چنین است : « وارکان الاسلام اوجزت لتذکر عقول اهل الیقین (دیباچه) ـ و یترقرق الایمان فی الایمان . تمت تحفة الاصول من علم الکلام فی اصول الدین و ارکان الاسلام بتوفیق الله، الملك العلام، فی سنة ١٠٩١ »

نسخه آغاز ندارد ومیان دیباچه وخود رساله و نیزمیان بحث نبوت ومعاد افتادگی
دارد : گ١الف_٤الف .
(همه دفتر٥٥گ) — کاغذ سمرقندی – جلد تیماج مشکی فرسوده
اندازه : ٥ر٨×١٥ و٥ر٥×١٠ س١٥

٥ [٦٢٣] تحفة الوشائح فی بدائع الصنائع (عربی)

حاشیه‌ای است بر تحفهٔ وجیزه (ش٤١١/١) و گاهی شعرهای پارسی هم در آن دیده میشود . نگارنده آن همان میرزا عمادالدین میباشد که تحفه را از لوامع اللوائح خود گزین نموده است .

آغاز: بسمله وحمدوصلوة . اما بعد فهذه تحفة الوشائح من حواشی الوجیزة فی
١٠ علم الکلام التی اجملت متنامن لوامع اللوائح .

انجام : آنچه درذات بنده پنهان است ـ نطقش آنرا بیان و برهان است ـ بهمین است ختم حق کلام ـ یابد ازعلم هرعمل اتمام . تمت حواشی التحفة الوجیزة فی علم الکلام ، لشرح مسائله علی اقوم الاقوام ، وشرح دلائله علی انظم النظام .

[٧٦٥]

١٥ این نسخه شماره٢ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف وبرخی جاها اعراب
٤١١ دارد. وحاشیه‌هائی درآن هست بخط تعلیق و شنگرف بهمان خط مترجم ش ١
ایندفتر (تحفهٔ وجیزه) گ٤ب ـ ١٥٥الف .

[٦٢٤] التخلف من جیش اسامة (رسالة فی...) (عربی)

ازملا میرزامحمدبن حسن شیروانی(م١٠٩٨) فیلسوف کلامی فقیه جدلی شاگرد
٢٠ دانشمند خوانساری (آقا حسین م١٠٩٩) که درروزگار شاه‌سلیمان صفوی(١٠٧٧ ـ ١١٠٥) وبدستور او از نجف بسپاهان آمده بود و آرامگاهش درطوس میباشد.
او دراین گفتار در این مسئله تاریخی که متکلمان شیعی وسنی درباره امامت بدان می‌نگریستند سخن بمیان آورد : کـه ابوبکر وعمر می‌بایست بدستور پیامبر بـا سپاهیان اسامه باشندچرا از آن سرباز زدند وهمین نافرمانی خود مایهٔ کفرمیباشد
٢٥ وچنین کسانی شایستگی جانشینی پیامبر وفرمانروائی برمسلمانان نخواهندداشت.
شیروانی دراینجا بسخنان قاضی القضاة (عبدالجبار همدانی) و سید مرتضی مینگرد

ودر میان آندو داوری میکند .

آغاز: قالت‌الامامية ان ابابكر كان في جيش اسامة فتاخره مخالفة‌الرسول... اقول وممايدل على انه كان فيها مخاطبته اياه بالاميرحتى مات .

انجام : والانكارلامارة اسامة والجحودللنبوة متعللابالمذكورات من‌معدن واحدويفرع‌على‌اصل‌واحد وتشابهت‌الاحوال واستقربت‌بلافرق. الى‌هنا انتهى كلامه ٥
ادام‌الله ظلال افاداته وميامن بركاته .

[٧٦٦]

این نسخه شمارهٔ ۲دفتر و بخط تعلیق با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف‌میباشد.
۱۳۶ گ۵۳ب ــ ۱۰۱ب . دو نسخه ازاین درطوس هست (ج٤ش٦١٤ ــ ٦١٥)و
آغاز درآنجا چنین میباشد : «الحمدلله اولا باديا وثانيا تاليا ... وآله‌سادات ۱۰
الانام» ــ نام‌رساله ونگارنده آن درپشت نسخهٔ ما (۵۳الف) دوبار یادگردید ؛

[٦٢٥] **ترجمة‌الفصول‌في‌الاصول** (عربی)

رکن‌الدین محمدبن علی‌فارسی گرگانی حلی نجفی (نیمه دوم‌سده۷) فصول پارسی خواجه طوسی راکه بروش‌کلامیان (۱) نگاشته برای اینکه چندان میـان عراقیان تازی زبان شناخته نبودبتازی درآورد تاتازیان بآسانی دریابند وایرانیان ۱۵
بدان ارج نهند . اوشاگرد علامه حلی بوده ومبادی اورا بسال ٦۹۷ گزارش نمود

۱ ــ طوسی دراین نگارش‌درمسئله‌هائی مانندموجب بودن‌خدا ویکی بودن‌آفریدهٔ آفریننده یکساوآگاه نبودن خداازجزئی زمانی وحسن وقبح‌عقلی وامتناع حشراجساد برفیلسوفان رد میکند ــ این‌رکن‌الدین جزابوالفضائل سیدرکن‌الـدین حسن‌بن محمد
بن شرفشاه علوی حسینی استرابادی موصلی شاگرد خواجه طوسی و سرور یاران او ۲۰
میباشد . این‌موصلی‌شاگردآمدی وفیلسوف ومتکلم‌واصولی نحوی بوده قواعدالعقايد طوسی‌را بدستور پسرش‌گزارش نمود وشافیه ابن حاجب‌را شرح کرد وبر کافیه اوسه گزارش بزرك بنام بسیط ومیانین بنام وافیه که متداول بوده و کوچك نوشت ودر١٤ صفر ۷۱۵درگذشت.سال مرگش‌را ۷۱۷و۷۱۸ نیز نوشته‌اند اوهفتاد واندسال بزیست
پس رکن‌الدین گرگانی سیدنبوده وگویا طوسی راهم ندیده باشد بنگرید به: بغية ــ ۲۵
الوعاة سیوطی مصر۱۳۲٦ ص۲۲۸ ــ روضات‌الجنات ص۲۲۳ـ کشف‌الظنون(کافیه ــ شافیه) ــ ص٤۵۸همین فهرست که ازدیباچهٔ آقای هنری کربین بهره برده‌شد .

(ذریعه ج۲ص۴۲۳).

این کتاب درچهار فصل وهریك چند اصل است .

آغاز: بسمله . امابعد حمدالله الواجب وجوده، الفائض علی سائر القوابل جوده...
فان علم الکلام وان کثرت اسراره ... الان زبدته ... قدضمنها . . . نصیر الملة والحق
۵ والدین .·. الطوسی ... فی وریقات قلیلة ... وسماها بالفصول فی الاصول الا انها لکونها
فارسیة لم یعرفها العربی وعاقها مع فصاحتها العجمی؛ فلذلك غاب شمسها فی اکثر الافاق
ولم یطلع بدرها فی العراق؛ فرایت عندذلك ان اجردها عن ثیاب الفاظها واحلیها
بکسوة الکلمات العربیة لیعم طلبة العلم نفعها ویعظم عندالعجم وقعها . . . وهی موضوعة
علی اربعة فصول .

۱۰ **انجام** : ان من نظر بعین عقله و شاهد هـذاالحکم فی تنبهه یجب علیه ان یعرف
غرض الخالق من خلقه بفضله ولایضیعه بتفریطه وجهله والاشقی وخسرخسرانامبینا،
وفقناالله وایاکم (بسعادة الدار) لدار الاخرة بمحمد و آله (وعترته) الطاهرین والحمد
لله رب العالمین (آمین رب العالمین برحمتك یاارحم الراحمین) .

[۷۶۷]

۲۸۲ ۱۵ این نسخه شماره ۳ دفتر وبخط نسخ علی اکبر قزنچاهی ۱ شوال بسال ۱۰۳۶ (۱۳۶ در نسخه) گ۱۳۱ب ــ ۱۴۰ب .

[۷۶۸]

۱۰۸۸ این نسخه شماره ۲ دفتر وبخط تعلیق وعنوانها بنسخ تـاریخ ۱۱۹۸ میباشد . گ ۸ب ــ ۱۳ الف . درگ ۱۳الف نیز بندی از کشکول نوشته شده .

۲۰ [۶۲۶] **ترجمه فصول مختاره** (فارسی)

شیخ مفید دانشمند شیعی(۳۳۸ـ۴۱۳) دونگارش داردکه درآنها گفتگوهاکه
با دانشمندان کرده وخرده گیریهاکه ازکیشهای دیگرنموده آورد یکی بنام«المجالس
المحفوظة فی فنون الکلام» دیگری بنام « العیون والمحاسن» سیدمرتضی (۳۵۵ ــ
۴۳۶) شاگرد اودر روزگار استاد ازاین دوکتاب گزین نموده « الفصول المختارة »
۲۵ **خودرا نوشت وآن دوبار یکی درعراق نزدیك۱۳۶۱ دیگری درچاپخانه حیدری**

نجف بی‌تاریخ بچاپ رسید(۱) .

آنرا دانشمند آقا جمال‌الدین محمد خوانساری (م۱۱۲۵) بدستور حاجی احمد بیك معتمدالسلطنه بپارسی کرده ودر روز چهارشنبه ۲شوال ۱۰۷۸ بپایـان رساند . این ترجمه دوجلد است نخستین ۷۰فصل ودومی ۵۱فصل میباشد و نسخه ما تا بپایان فصل۳۵ جلد۲ میرسد وفصل۳۵ درمتن تازی دیده نمیشود و پیداستکه ازفصل ۳۵ تا۵۱ جلد۲ بندهائی است که بر کتاب افزوده شد چنانکه در گ۸ الف فهرست‌یاد گردید. نگارنده ذریعه (ج٤ص۱۲۲) نسخه‌ای‌را دید که در۱۰۹۹ نوشته شده بود .

آغاز: بسمله و به نستعین. بخورمجالس هوشمندان مشکین مغز از آتش بی دود گل حمد چمن پیرائی است که ترجمه نواهای عندلیبان شوقش دستان غرائب قدرت اوست و نکهت مشام بزم افروزان عقل وخرد از نسیم انفاس تقدیس محفل آرائی است که تأویل کلام قصه پردازان عالم صنعتش تفسیر آیهٔ حکمت اواست .

انجام: «که موافق عموم قرآن‌وظاهر آن باشد اولی‌است ازحمل برخلاف آن. والله نسئل‌التوفیق . وهوحسبنا ونعم‌الوکیل . تمم کتاب‌الفصول ... علی‌ید ... جمال‌الدین محمد شیرازی فی‌تاریخ یوم‌الاربعاء۲شهرشوال۱۰۷۸» نام جمال‌الدین محمدبن‌الحسین خوانساری دردیباچه (گ۱۰الف) هم دیده میشود . درپایان جلد یکم گ۱۲۹ب‌نیز دارد: «تم‌الجلدالاول من کتاب‌الفصول بیدمترجمه ... جمال‌الدین محمدبن الحسین‌الخوانساری عفی‌عنهما ربهما» پس واژه شیرازی گویا سهوقلم‌باشد.

۱ـ نیز بنگرید به:حاشیه چرندابی براوائل‌المقالات‌مفید چاپ دوم تبریز۱۳۳۰ خ ص مب. این‌فصول ازرهگذر تاریخ رایهای کلامیان و گفتگوهای آنان با یکدیگر بسیار سودمند است واز کسانی‌مانند ابوبکراحمدبن سیار وابوعمر شرطی وقاضی‌ابو محمد عمانی وابوبکر دقاق وباقلانی یادشدکه با مفیدگفتگوداشتند. از گفتگو هـای دانشمندان پیشین مانند علی‌بن‌میثم باابوالهذیل علاف‌وضرار نیزهشام‌بن حکم باضرار درآن یادگردید . سخنانی ازخیاط وکعبی وشیخ اسماعیلی وشیخ زهـدی و جاحظ و نظام ودیگران درآن آمده ومفید ازآنها خرده گرفت .

٦٩٦ این نسخه بتعلیق در جدول زرین و لاجوردی دارای سرلوح زیبا میباشد و دو صفحه نخستین (فهرست) باحاشیه آب طلا و گل و بوته‌داراست. در گ۱ الف بنسخ نوشته شده که نسخه در۱۰۹٤ وقف شده وتولیت آن پس از واقف بامیر
٥ محمد خاتون آبادی‌میباشد. فهرست گ۱ب — ۹ب و کتاب۹ب ــ ۲۷۱الف . این‌فهرست را مظفرعلی نامی نوشته که درآغاز نسخه‌ها دیده میشود واین نسخه تاپایان فصل۳۵ جلد دوم است وفصل ۳٤ آن‌برابر است‌با پایان کتاب فصول درچاپ دوم عراق وآغاز جلد دوم ترجمه درص۱۲٤ج۱ چاپ دوم‌دیده میشود .

(۲۷۱گ) — کاغذ ترمه سپاهانی -- جلد تیماج زرد ضربی مقوائی بابرگردان
۱۰ اندازه : ۱۴×۲۵ و۸×۱۷ س۱۹

[٦٢٧] تسدید القواعد فی‌شرح تجرید العقاید (عربی)

شمس یاشهاب‌الدین محمودبن ابی‌القاسم عبدالرحمن‌بن احمد سپاهانی(٦٧٤ـ ٧٤٩) تجرید الکلام طوسی راپس از عـلامه حلی واسفرائینی گزارش نمود وآن همانست که بشرح قدیم نامبردار میباشد . اودر دیباچه پس ازستودن از طوسی و
١٥ آمرزش‌خواستن ازخدای برای وی‌میگوید که تجرید گزیده‌ومرموز بودوبدستور کسیکه نمی‌توانستم ازفرمانش سرباززنم بگزارش آن پرداخته خرده گیریهاکه بر بخش امامت آن میشود کرد نشان میدهم . سپاهانی ازدوگزارش پیش ازخـود از علامه حلی وشمس‌الدین محمد اسفرائینی بیهقی (که درروزگار طوسی میزیست) آگاه نبوده ویادی از آنها نکرده است . درذریعه (ج۳ص۳۵۳) گوید که در دیباچه
٢٠ او ازآندو یاد نمود .

متن پس از«الاصل» وگزارش پس از«الشرح» میآید وهمهٔ متن درآن‌هست .

آغاز: بسمله الحمدلله‌المتوحد بوجوب الوجود ... قـال ... محمودبن ابی‌القاسم بن احمدالاصفهانی ... یقول لماکان اعلی مایسمواليه .

آغاز: هـذا آخر ماتیسرلنا . . . والمسئول من‌الله . . . ان یجعله ... ذخرالنافی
٢٥ یوم‌الدین .

[٧٧٠]

۲۸٤ این نسخه گ۱الف ـ ۲٦٤ب دفتر و بنسخ باعنوانهای شنگرف و کهنه است وخط سه صفحه نخستین پیش از کتاب (درباره کتابهای کلامی) و برك٤ کتاب ودو صفحه آخر دفتر شکسته تعلیق میباشد وسه‌صفحه نخستین ودوصفحه آخر کتاب نو نویس بخط تعلیق روشن است ودرسه‌صفحهٔ آغازودوصفحهٔ پایان دفترسخنانی است فلسفی و کلامی واز آسمان وجهان بحار مجلسی درآن‌آمده است. حاشیه هائی بهمان خط شکسته دیده میشود . ٥

درپایان نسخه دارد: «تم‌الکتاب بتمامه ...قد وقع‌الفراغ من‌الکتاب فی‌غرة‌شهر رجب سنة۷۷۱» واین باید تاریخ‌نسخه‌ای باشد که ازروی‌آن این‌نسخه راکامل کردند چه این‌عبارت بخط‌تازه نو نویس میباشد . ۱۰

(۲+۲٦٦گ) — کاغذ ترمه سمرقندی — جلد تیماج مشکی‌کهنه مقوالی
اندازه : ۱۳×۱۸ و۸×۱۲٫٥ س۱۹

[۷۷۱]

۳۲٥ این نسخه بنسخ‌کهنه با عنوانهای شنگرف میباشد و چنین است : « لصورة (ذاك) العضو لكان تلك‌الصورة مقارنة لمحل‌النفس‌الناطقة (مبحث دلیلهای تجرد نفس — برابر باس۸ گ۱۳۷ب ش۲۸٤)ـ فذلك‌هوالمنتهی ومااليه و المبدء (مبحث حرکت دربحث‌اعراض— برابرباس۱٥ گ۱۸۷الف همان شماره) ـ» . ۱۵

(۳۹گ) ـ کاغذ ترمه سمرقندی— جلد تازه شده
اندازه : ۱۳٫٥×۲۳ و۷٫٥×۱٤ س۲۳

[٦۲۸] تصحیح الاعتقاد (عربی) ۲۰

رهبر دانشمند شیعی شیخ ابوجعفر محمدبن بابویه قمی (م۳۸۱ در ری) در نیشابور برای پیروان سخن میراند ودرانجمنی که پیران ومشائخ درروز آدینهٔ ۱۲ شعبان ۳٦۸ گرد آمده بودند ازاو درخواستند تاآئین امامیان را بآنان بشناساند. او درآن انجمن «کتاب اعتقادات» خویش را برای آنها خواند . شیخ مفید(۳۳٦ـ ٤۱۳)بدین دفتر نگریسته نکته‌هائی درباره آن ازآغاز تاانجام آورده ودربسیاری ازجاها ازآن خرده گرفت‌و بسا ازگفته‌های‌اورا نپذیرفت همین است‌که‌نام «تصحیح الاعتقاد » دارد و در تبریز دوبار بسالهای ۱۳٦٤ و ۱۳۷۱ با اوائل المقالات همو بچاپ رسید. ۲۵

مفید در آن باقمی در آفریده شدن جانها پیش از تنها مخالفت کرده میگوید که
خبر «ان‌الارواح مخلوقة قبل‌الاجساد بالفی عام فماتعارف منها ایتلف وماتناکر منها
اختلف» واحداست و تناسخیان و حشویان شیعی چنین گویند وجهان‌ذری میپندارند
وگرنه میبایستی از آن جهان چیزی بیاد آید (اینجا سخن پلاتون درباره تذکر بیاد
٥ میآید) باز میگوید بقاء نفس باآیهٔ « کل‌من علیها فان » نمیسازد و رای فیلسوفان
ملحد است که میگویند جان‌را پیدایش و تباهی نیست و رای تناسخیان که بتکرار
نفوس درصور وهیاکل میگویند. این‌را ناصبیان بشیعه بستند واز آنـان نکوهش
کردند وزندیق‌شان خواندند . اخباریان ماساده و کودنند و بهر خبری میگروند و
درست‌ونادرست آن‌را نمی‌شناسندومعنی آن‌را نمی‌یابند. روان گویا همان گوهر یست
١٠ که باا‌و سخن میگویند وفیلسوفان آنـرا ساده مینامند (ص۳۲ ـ ۳۸ چاپ دوم)
اینکه شیخ میگوید که همه امامان کشته شدند درست نیست و خبری که آوردند
گزافه است همین اندازه میتوانیم بگوئیم که سه‌پیشوای نخستین وامام کاظم(ع) و
گویا امام‌رضا(ع)را کشته باشندنه‌پیشوایان دیگر(ص۶۳) درباره حلاجیان‌میگوید
که آنهاصوفی واباحی وحلولی وملحد وزندیق هستندو برای حلاج مانندمجوسان
١٥ برای زردشت وترسایان برای راهبـان خودآیت واعجاز می‌پندارند وازدین بسی
دورترند تااینندو گروه (ص۶۵) باز میگوید اینکه‌قمی مینویسد هر کس‌دانشمندان
قم راکوتاهورز بداند خود غلو ورزید درست نیست چه‌ابن‌الولید قمی‌میگوید که
«پیامبر را فراموش کننده‌ندانستن غلواست» پس اودراین‌باره تقصیر نمود و بسیاری
از قمیان رادیدیم که امامان‌را ازپایگاه ارجمندشان پائین‌میآوردند و میگفتند کـه
٢٠ آنان بسیاری ازاحکام دین‌را نمی‌دانستند تادر دلهایشان بگذرد و گروهی از آنها
هم درباره امامان پنـدار و گمان روا میداشتند . پس نشانه غلو نـه آنستکه قمی
پنداشت بلکه قدیم والهی و آفریننده دانستن آنها (ص۶۵) .

مفید دراین گزارش از «تمهید ـ مصابیح‌النور ـ پاسخ پرسشها که ازشهرها بدو
رسید ودرآنها درست و نادرست حدیثها را روشن نمود» یـاد کرد (ص۷۰) او در

«اجوبه مسائل سرویه» نیز از اشباح واظله وعالم ذر گفتگو نمود (رسائل چاپ نجف ص٤٤ وپس از آن) چنانکه درارشاد ومقنعه خودهم برای بسیاری ازامامان مرگ طبیعی گفته است (حاشیه ۲ص٦٤چاپی) .

[۷۷۲]

۲۸۲ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط نسخ درشت باعنوانهای شنگرف ازعلی اکبر قزنچاهی بسال۱۰۳٦(درنسخه ۱۳٦)گ۱ب – ۲٦ب .　　۵

[٦۲۹]　　**تقدیس الانبیاء و تمجید الاوصیاء**　　(فارسی)

محمدبن سیداحمد علوی‌عاملی که بعبدالحسیب حسینی‌فاطمی نامبرداراست دراینکتاب ازخرده گیریها که درباره عصمت پیامبران کرده‌اند پاسخ گفته امامت پیشوایان شیعی را روشن ساخت وآشکار داشت که امامان معصوم میباشند ودلیل　　۱۰ های عقلی ونقلی برای آن آورد . کتاب دریك فاتحه وچند تقدیس هر یك دارای چند تمجید ویك خاتمه میباشد . نام‌کتاب ونگارنده آن درمتن دیده میشود .

آغاز: بسمله . وهوالعزیزالعلیم‌الحکیم . سرهرنامه است نام خدا . بهتر از هرسخن کلام خدا ... شکربیقیاس وسپاس بااساس ذاتی‌را سزد.

انجام: واین‌مباحث‌را درکتاب مناهج‌الشارعین .. بیان نموده‌ایم... حق‌تعالی　　۱۵ جمیع مؤمنان‌را توفیق علم و(عمل) میسرگرداناد بالنبی والوصی وآلهما وصلی‌الله علی محمد وآله اجمعین ابدالابدین.

[۷۷۳]

۳۵۲ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف وعبارتهای نازی بنسخ میباشد ازحیدرعلی بن کلبعلی وانوسفادرانی درشنبه۱۹ ذی‌قعده ۱۰٦۹.　　۲۰

(۳۹۲گ)　کاغذ فرنگی – جلد تیماج مشکی‌کهنه فرسوده مقوائی

اندازه : ۱۴ ۰ ص۱۹ وص۸ ۰ ص۱۳س۱۷

[٦۳۰]　　**تلخیص الشافی**　　(عربی)

شیخ ابوجعفر محمدطوسی(۳۸۵–٤٦۰) چون‌دیدکه‌مغنی عبدالجبارو شافی سید مرتضی بی‌ترتیب است بدانها سامانی داده و پاکیزه ساخت وبدان تلخیص نام　　۲۵

داد که‌در دوجزء میباشد و باخود شافی بچاپ رسید و این جز «الاستیفاء فی الامامة» (۱) طوسی است ودر رجب ۴۳۲ بپایان رسید. بهاءالدین محمدسبزواری نائینی سپاهانی (زاده در ۱۰۸۰ وزنده ۱۱۳۰) نیزشافی را یکبار بنـام « ارتشاف الصافی من سلاف الشافی » وباره دیگر بنام « صفوة الصافی من رغوة الشافی » گزین نموده است. (ذریعه ج۲ص۳٤٤ وج٤ص٤٢٣) .

[٧٧٤]

۵۱۹ این نسخه بنسخ باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازعلی بن شمس در چهارشنبه ۷ محرم ۱۱۱۰ وازروی نسخه‌ای نوشته شده که ابو نصر محمدبن ابی‌رشید رازی نجف نشین در ۵۳۲ آنرا نوشته بود .

مهرجوادبن مرتضی حسنی حسینی طباطبائی در گ ۱ الف و سه جای پایان دیده می شود .

(۲۵۷ گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سرخ ضربی متوالی بابرگردان
اندازه : ۱۵×۲۱ و۹٫۵×۱۵٫۵ س ۲۱

[٦٣١] **تنزیه الانبیاء والائمه** (عربی)

سید مرتضی دراینکتاب روشن میسازد که پیامبران وپیشوایان شیعی ازهرگونه گناه پاکند. وهیچ کار نکوهیده‌ای از آنان سر نمیزند . اودر پایان ازکتاب امامت خود یادمیکند. اینکتاب درتبریز بسال ۱۲۹۰ بچاپ سنگی رسید. عبدالوهـاب بن علی گرگانی (سده۹) نیز کتابی بنام «تنزیه الانبیاء» دارد که در آن بسخنان مرتضی نگریسته است . شهاب‌الدین شافعی رازی‌دررد آن «زلة الانبیاء» نوشته است (فهرست طوس ش ٤٢٨ ـ ذریعه ج٤ص٤٥٦) .

آغاز: بسمله . الحمدلله کما هواهله ومستحقه ... سالت احسن الله توفیقك املاء الکلام فی تنزیه الانبیاء والائمة .

انجام : ولعلنا ان نستقصی الکلام فیه ونانی علی مالعله لم نورده فی کتاب الامامة فی موضع نفرده له ان اخرالله تعالی فی المدة وتفضل بالتایید والمعونة وهوالمسئول

---

۱ ـ ابی‌سهل اسماعیل نوبختی دانشمند کلامی ایرانی ونگارنده «ابطال القیاس» نیز «الاستیفاء فی الامامة» دارد .

ذالك والمامول لكل فضل وخير قربا من ثوابه وبعد امن عقابه والحمدلله رب العالمين وصلی الله علی سیدنا محمد النبی و آله الطاهرین .

[۷۷۵]

۶۸۹ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ با نشانه‌ها و عنوانهای شنگرف بتاریخ رمضان ۱۰۰۸ گ ۱ ب ـ ۱۴۷ الف ـ دانشمند محمد بن عبدالنبی نیشابوری مینویسد که در دهه دوم ج ۲ سال ۱۲۰۵ آنرا خوانده‌ام (گ ۱۴۷ الف) وی چند جا حاشیه نوشت با زخط او در گ ۱۴۷ م الف با مهر «صل علی محمد» دیده میشود که نسخه را خریده است . صالح بن عبدالکریم کرز کانی بحرانی شیرازی محدث فقیه در ۱۰۸۰ مینویسد که محمد کریم شوشتری آنرا نزد من خوانده و بپایان رسانده و بدو اجازه میدهد (۱۴۷ الف) و چندجا نشانه بلاغ او هست . در گ ۱ الف خط حاجی میرزا حسین بن محمد تقی نوری دیده میشود که نسخه از آن او شد و در همانجا نوشته است که در ۲ صفر ۱۱۳۰ این نسخه در لاهور بکتابخانه شاهی آمده و مهر شاهانه دیده میشود . و دارد که این نسخه در تاریخهای ۲۰ صفر ۱۰۹۵ و ۱۵ ج ۱ سال ۱۰۹۸ و ۱۹ ج ۲ سال ۱۰۹۹ و ۱۹ ع ۲ سال ۱۱۰۱ و ۱۲ صفر ۱۱۰۲ و ۲۱ شعبان و ۲۶ شوال (۳۶ دلو) و ۲۴ ذی‌حجه ۱۱۰۸ و ۱۳ ج ۱ سال ۱۱۱۱ و ۲۲ شعبان ۱۱۱۵ و ۲۱ و ۲۲ ع ۲ و ۵ ذی‌حجه ۱۱۲۰ ملاحظه شده یا بعرض رسید .

از عرض کنندگان مهرهائی در آن هست : دو مهر شاهی ـ ابوالحسن ـ محمد رضا ـ بهرام ـ ابراهیم خان ـ شرف الدین ـ محمد اشرف ـ وجز اینها که خوانده نشده است. محمد بن عبدالنبی نیشابوری (گ ۱۳۴ الف) مینویسد که گاهیکه بفارس میرفته‌ام درحله در نیمه یکم جمادی یکم سال ۱۲۰۴ نزد شریف سید سلیمان پزشك ادیب محدث حلی «کتاب المنثور والمنظوم» را که در گنجینه متوکل دوم عباسی بوده دیده‌ام . همین محمد بخط ومهر خود می نویسد که نسخه را خریدم (گ ۱۴۷ الف) .

[۶۳۲] حاشیه بر شرح عقائد عضدی (عربی)

دانشمند دوانی (۸۲۸ـ۹۰۸) بر «عقاید» دانشمند قاضی عضدالدین عبدالرحمن ایجی فارسی (مرده درزندان ۷۵۶) گزارشی نوشته ومولانا سید آقا حسین حسینی خلخالی (م ۱۰۱۴) بدرخواست دوستان خویش براین گزارش حاشیه کرده و گفتار دوانی را استوار بداشت . او در آغاز میگوید که موشکافی وباریکبینی دوانی در

این گزارش مایه این شد که گروهی بیراه گردند ودسته‌ای هم میخواستند که کسی
دشوارشهای آن راآسان کند . این بود که من بخواهش یاران بدین نگارش پرداختم
وبهوشمندان درست اندیش ارمغان دادم وازتنك چشمان بخدای پناه میبرم .خلخالی
این را دررد حواشی خانقاهی نگارش مولی یوسف بن محمد خان قره باغی محمد
٥ شاهی کوسج (م١٠٥٤) که درخانگاه حسینی سمرقند برای ابوحامد خلیل‌الله در
٩٩٩نوشته است بپرداخت . کوسج‌قره‌باغی دوباره درردِاین در١٠٣٣«تتمة‌الحواشی
فی‌ازالة‌الغواشی» نگاشته است دردانشمندان آذربایجان آمده که خلخالی دوباره
اورا رد نمود (ذریعه‌ج٦ص١٢٥ـش٩٢مجالس) .

آغاز: بسمله .. الحمدلله‌الذی هدانا‌المنهج‌الرشید والمسلك‌السدید.

١٠ **انجام:** قوله‌لان احادالصحابة والتابعین کانو یامرون بالمعروف . . . بل‌الامرفیه
موکول الی اهل‌الاجتهاد . تم .

[٧٧٦]

٣١٢ این نسخه شماره٢ دفتروبخط تعلیق باعنوانهای شنگرف نزدیك١٠١٣ گ٨١
ب ــ ١٥١الف‌میباشد. نسخه‌ای‌ازاین‌درطوس ش٥١٨هست‌وسال‌مرگ‌خلخالی
١٥ دراین فهرست سال١٠١٤ دانسته‌شده‌وآن‌با رد کردن بررد کوسج‌پس‌از١٠٣٣
نمی سازد .

[٦٣٣] حسنیه (فارسی)

این نگارش درکلام شیعی ودریك دیباچه ودو باب است وازعزالدین بن‌جعفر
بن شمس‌الدین آملی که بامحقق‌کرکی وقطیفی نزد علی‌بن هلال جزائری درس
٢٠ خوانده ونهج‌البلاغه‌را برای آقاحسن وزیر مازندران در٩٤٤ بپارسی کرد . دراین
رساله ازاو بنام «وکیل‌السلطنة بمازندران تاج‌الدین حسن» ستایش نمود (ذریعه‌ج
٧ص٢٠) درنسخهٔ ماچنین چیزی دیده نمیشود ونامی از آملی هم برده نشده‌است.

آغاز: بسمله . حمد بی‌حد وسپاس بی‌عدمرواجب‌الوجودیرا که نظام اصول از
فیض جود اوست ... این رساله‌ایست مسمی برسالهٔ حسنیه دربیان اعتقاد(ات)قلبیه
٢٥ وذکر عبادات شرعیه .

انجام: و نیز باید که درهر صبح وشام بآنچه مقدور او باشد دعاء عدیله . بخواند والحمد رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله . الطاهرین .

[۷۷۷]

۸۹۹ این نسخه شماره۲ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف میباشد گ ۱۶ب ۳۳الف . شماره۳ آن کتابی است درهمه بابهای فقه بفارسی بهمان خط بتاریخ ۱۰۲۵ گ ۳۳ب–۲۳۷ب وشاید این هم از آملی باشد . ۵

(همه دفتر ۲۳۸ گ) ـ کاغذ سمرقندی جلد تیماج زرد ضربی مقوائی

اندازه : ۱۳×۵ر۲۲ و۷×۱۵ س۲۳

[۶۳۴] حقائق المعارف (عربی)

دراین رساله ازاصول عقایدازروی آیتها وخبرها بروش امامیان گفتگو میشود ۱۰ وعلی اصغر بن علی اکبر بروجردی آنرابدرخواست برادران دینی نوشته و یك مقدمه و پنج مشکوة و یك خاتمه میباشد .

آغاز: بسمله الحمدلله الذی شرح صدورنا بمعارف حقائق اسرارمحبته .

انجام: نعم یکفی لولم یکن من الاداء الندم ممافعل . هذا آخر مااردناایراده وفقناالله تعالی لایراد مانقض ممااردناه فی مجلد آخر. کتب بیمناه الداثرة .. مصنفه... ۱۵ علی اصغر بن علی اکبر البروجردی فی شهر رجب المرجب من شهور سنة ۱۲۶۵ .

[۷۷۸]

۳۶۲ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف وحاشیه‌هائی ازخود او در آن هست و خود آنرا در رجب ۱۲۶۵ نوشته است . درپایان دفتر دوصفحه ازالفین علامه دیده می شود . ۲۰

(۸۵ گ) کاغذ فرنگی جلد تیماج زرد

اندازه : ۱۵×۵ر۲۱ و۱۰×۵ر۱۶ س۲۲

[۶۳۵] حیات النفوس (فارسی)

لطف‌الله بن محمد رفیع فارسی برای دوستان خویش دراین رساله ازاصلهای پنجگانه دین (توحید—عدل- نبوت- امامت--معاد) گفتگو نمود و آن دریک ۲۵ مقدمه و پنج باب است ودیباچهٔ آن بتازی میباشد . درپایان میگوید که درروزگار

محمد شاه‌قاجار(۱۱۹۳ـ۱۲۱۱)درشیراززاده وفارسی‌را درآنجانزد پدرخوانده‌ام
او که بسفررفت رفت من برای فراگرفتن علمهای ادب همراه او بودم . هنگامیکه
منوچهرخان معتمدالدوله درسپاهان فرمانروائی میکرد من بدانجا شدم وپدرم از
نزدیکان اوبود . من دست از آموختن دانش نکشیدم و این نگارش را بپرداختم
۵ وبمنوچهرخان ارمغان دادم .

آغاز: بسمله . الحمدلله‌رب العالمین... فیقول .. ابن محمد رفیع‌الفارسی‌المدعو
بلطف الله .

انجام : وظل عاطفتش برمفارق بندگان پاینـده بـاد الی یوم التناد اللهم طول
عمرنا ... بحق محمد والهالطاهرین .

۱۰ [۷۷۹]

۴۱۲ این نسخه بخط نعلیق‌زیبا ودارای‌سرلوح وحاشیه‌زرین ودرجدول بزروعنوانها
وعبارتهای تازی بشنگرف وشعرها برنك سبزمیباشد .
(۳۵۱گ) کاغذ ترفی- جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۳ × ۲۰٫۵ و۷٫۵ × ۱۵س۱۲

۱۵ [۶۳۶] خلاصه (عربی)

قطب‌الدین سبزواری این رسالهٔ کلامی را در۸ باب (توحید ـ عدل ـ نبوت ـ
امامت ـ وعدو وعید ـ آلام واعراض ـ اجال وارزاق واسعار ـ احـوال مکلفان
پس ازمرك) نگاشته است .

آغاز: بسمله رب زدنی علما والحمدلله‌رب‌العالمین... اعلم ان هذالکتاب‌یشتمل
۲۰ علی مسائل یتعلق بعلم‌الاصول .

انجام : فلو کانوا مکلفین لمیکن خالصا من المشقة وذلك محال فثبت انهم غیر
المکلفین بل‌منعمین مکرمین (تمت هذه‌الاجزاء الموسومة بالخلاصة فی معرفةالله و
صفاته الثبوتیة والسلبیة ـ ش۵۶۲ طوس) .

[۷۸۰]

این نسخه شماره۲ دفتر است و بنسخ خوش معرب باحاشیه‌های تازی و برخی
۸۷۹ عنوانها شنگرف ودروز آدینه یکم شوال۸۷۸ برای کمال‌الدین بن عبدالله
بن سعید گرگانی نویسنده شماره یکم نوشته شده‌ونام نویسنده‌خوانا نیست.
نسخه بدینجا «لا ینتفع المؤمن بایمانه‌وسایر طاعاته‌ولا یندفع عنه بذلك الایمان» میانجامد ٥
وبپایان نمیرسد وبرگهای ۱۱٥و۱۱٦ نیز باهم نمی‌پیوندند. گ ۱۰٥ب-۱۱٦الف.

[٦۳۷] دلالة النوراة على نبوة النبي (عربی)

نگارنده گفتار میگوید که میخواهم گستاخان وستیزندگان‌را پاسخ دهم.

[۷۸۱]

این نسخه شماره ۱۸ دفتر و بخط تعلیق ودریك صفحه (گ۲۳۲ب) میباشد ۱۰
۱۰۷٤ وکم دارد وچنین است: «بسمله. اما بعدحمدالله على اللهم(؟) له‌من‌الهداية
وعصم عنه من‌الغواية ... فان سبيل من‌شيخ(؟) من‌العباد بالفطانة والرشادان
نحمد(؟) في‌البحث عن‌احوال المعاد والتامل لمااخذه من‌الآباء والاجداد - وقد جعل‌الله
الى افحامهم طريقا ممايتداولونه في‌ايديهم من‌نص تنزيلهم واعماهم‌الله عنه».
درفهرست آغاز دفتر (گ۱ب) پس ازیاد کردن «تفسیر ابن‌زیله» شماره۱۷این ۱٥
دفتر از۸رساله یاد میشود: «دلالت نورات برنبوت پیغمبر ماصلعم - رساله ازبعضی
زنادقه - رساله جواب‌آن - رساله قدر - رساله کیفیت حدوث صوت - فوائد لمسیح
الزمان‌المصری فی‌تدبیرالادویة المسهلة- فی‌ادویةالمسهله وکیفیتها- فی نسخةفلونیا»
ونخستین آن باید همین نسخه‌ما باشد وهفت رساله دیگر دردفتر نیست وبجای‌آنها هفت
برگ کاغذ سفید نوی گذارده‌شده است. ۲۰

[٦۳۸] رجعت (رساله ...) (عربی)

بگفته شیخ مفید وسید مرتضی بیشتر دانشمندان امامی برجعت وبرگشتن
گروهی ازمردم درروزگارامام زمان گفته‌اندواندکی ازآنها آنرا ببازگشت‌دولت
شیعی تأویل کردند نه زنده شدن مردگان. خود مفیدهم ازکسانیست که برجعت
مردگان میگوید (اوائل‌المقالات چاپ دوم ص۱۳و٥۰) اودراجوبه مسائل سرویه ۲٥
(رسائل ص٤۲)میگوید رجعت آئین خاندان پیامبراست وعامه مخالف آن‌میباشند.
دراین رساله نیز ازروی کتاب وسنت روشن گردیدکه رجعت هست. درآن

ازقطب راوندی وابوالفضل طبرسی، درکتاب کبیر وابوالقاسم بلخی یادگردید.

آغاز: بسمله . الحمد لولی الحمد ومستحقه ... وبعد فقد سالت ... عمل رسالة اذکر فیها ادلة الرجعة بعدالموت عندظهور قائم آل محمد .

انجام: بل لااحد من المسلمین الاویجوز ان لایرجع وذلك یکفی فی باب الرجعة.

٥ [٧٨٢]

این نسخه شماره٧ دفتر است وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف گ٦٦ب-٧٤ب

١٠٤٥ ازمحمدبن عبدالحسین آل حسینی نجفی که ش٦(خبرمولد علی)را درروزسه‌شنبه ٢٣محرم ١٠٥٦ درسپاهان نوشته است. درپایان دارد : « الی هناوجدت من هذه الرسالة الشریفة یسرالله سبحانه وتعالی شانه علی بقیتها بایسرحال وانا الفقیر الی الله

١٠ الغنی ابن عبدالحسین محمد آل الحسینی النجفی عفی عنهما بالنبی والوصی» چنین میرساند که نسخه ما بانجام نرسید واوهمه‌را نیافته است. حاشیه‌هائی دراین نسخه هست بشکسته تعلیق که به «مح» و «مح عل» پایان مییابد .

[٦٢٤-٦٣٩] **رساله‌های کلامی** (پارسی و تازی)

دراین کتابخانه شش رساله کلامی هست که اینك شناسانده میشود :

١٥ ١ - گفتاریکه در کلام و بپارسی است ودر کنار رویه برگ نخستین و پشت برگ های ١٣١و١٣٢ نسخهٔ ما از آن فیلسوف داماد استرابادی دانسته شده و آغازوانجام هم در آن نیست واز نیمهٔ مطلب دوم میقات دوم آغاز و ازدانائی خداوند در آن گفتگو میشود. مطلبهای سوم تاهشتم درصفتهای دیگرخدا است و میقات سوم در صفتهای سلبی سپس «لطیفه افعالیه» میآید ودر آن کردارهای خدا یادمیگردد. رکن

٢٠ سوم درباره پیامبری میباشد ونبوت عام وخاص درآن روشن میگردد و شبهه‌هائی که دربارهٔ عصمت پیامبران کرده‌اند پاسخ داده میشود ودراثبات پیامبری محمدص آیتهای تورات وانجیل (دوعهد) گواه آورده شده است . درپایان باعنوان « لطیفة برهانیه فی اصول اعتقادیة» که آنهم خرددارای چند لطیفهٔ دیگر است ازمبحثهای کلی درباره اصول عقاید گفتگو میگردد . تنها لطیفه یکم آن (پنج اصل دین) در

٢٥ نسخه ما هست . این گفتار تا اندازه ای روان نوشته شده ومانند نوشته های داماد دشوار نیست . دربسیاری ازجاها آیتها وخبرها آمده وخیلی از آیتهای قرآن در

درآن تفسیر شده ویادمیشود ازفارابی وابن‌سینا واشراقیان وامام رازی وزمخشری
وشیخ طبرسی وبیضاوی وخواجه طوسی وشارحان قدیم وجدید تجرید و از انشاء
الدوائر محیی‌الدین . نگارنده ازخود درچندجا بنام «این کمینه» یـاد میکند . در
جائیکه ازشبهه ازابن کمونه خرده میگیرد از حواشی وتعالیق خود برشرح تجرید
نام میبرد . بازیاد میکند از«معلم قوانین حکمت یمانی ومقنن فلسفه ایمانی ادام‌الله ۵
تعالی وقرن بالمیامن ایامه ولیالیه» گرچه اینگفتار ریخت نگارشهای فارسی دیگر
داهادرا ندارد ولی عنوانهای بابها مانند عنوانهای نوشته‌های دیگراوست .

[۷۸۳]

این نسخه بخط شکسته تعلیق درجدول‌زرین لاجوردی باعنوانهای شنگرف
۳۰۰ وچنین است آغاز وانجام‌آن : «اول وحدوث علم ثانی لازم‌آید وهر دو ۱۰
درحق تعالی محال است ـ چه کمال ذات فاعل بذاته چیزی است وکمال‌ذات
فاعل بحسب فعل» درگ۱۰۱الف‌مبحث معادآمده‌ومیان دو برك۲۰۰و۱۰۱افتاده‌دارد.

(۳۱۴۲ك) کاغذ فرنگی جلد مقوائی پارچه‌ای ته‌میشن
اندازه : ۱۲ . ۲۴ و۷ . ۱۶س۲۱

۲ ـ درکلام بپارسی ودرآن ازمباحث طبیعی‌والهی ونبوت وامامت ومعـاد ۱۵
گفتگو گردید .

[۷۸٤]

این نسخه بخط‌تعلیق باعنوانهای شنگرف ازمحمد قاسم‌بن شیخ‌عبداللطیف
۲۸۷ الشریف که‌درروزچهارشنبه‌ششم رجب۱۱۲۹آنرا نوشته است. عنوان‌مطلب
ها درهامش بشنگرف دیده میشود . از آغازآن نزدیك بیك برگ نیست که ۲۰
همان مقدمه باشد وچنین است آغاز وانجام‌آن : «غیرآن اول‌حکمت الهی دوم‌حکمت
طبیعی سیم‌حکمت ریاضی ـ امید که حق تعالی همهٔ مؤمنین‌را توفیق ... روزی کند بمنه
وجوده » .

(۴۳۲ك) - کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوا
اندازه : ۱۸×۲۴ودر۱۳×۱۸س۱۷ ۲۵

۳ ـ درکلام بروش شیعی وبیشتر درامامت است ودر٤ باب (توحید ـ نبوت
امامت ـ معاد) درآن ازکشاف‌زمخشری وتفسیر بزرگ (ابو) علی طبرسی‌وکتابهای
اخبار واصول چهـارگانه شیعی وازابن ابی‌الحدید وسعد تفتازانی وقوشچی وشاه

اسمعیل که میگویند اومذهب شیعی راآورده است (۱۲۳الف) یادمیگرددو نوشته است که چنین نیست ومورخان آئین شیعی‌را بششصد هفتصد سال‌پیش رسانده‌اند. این رساله مانند حدیقةالشیعه نوشته شده ومانند جلد یکم آنست.

[۷۸۵]

٥ ۸۷۸ این نسخه شماره۸ دفتراست وبخط تعلیق درجدول لاجوردی وچنین است: «و مانندآن بلکه صفات حقیقیه اوهمه قدیم میباشند بلکه‌عین او... پنجم آنکه‌خدای تعالی دیدنی نیست ــ چه جای آنکه اجماعی باشد که ضروری نشده باشد مثل حرمت جماع درحیض. تمت‌الرسالة بعون‌الملك‌الوهاب» گ۹۸الف ــ۱٤۰الف.

٤ ــ درکلام شیعی وازتوحیدو پیامبری وامامت وامربمعروف درآن گفتگو می
۱۰ شود واز ابوعلی وحکمای اشراق وامام فخرياد میگردد.

[۷۸٦]

۳۳٤ این نسخه بخط تعلیق خوش درجدول زرین ولاجوردی میباشد وازآغاز ندارد وچنین است: «الفی‌الف سنة. این‌حدیث مفسراست بدان معنی که اول‌ارواح چنان آفریدآنکه اجساد واجسام ــ وتجویز وتاثیر وانتفاء مفسد کند. هذاآخر
۱۵ مااوردناه ایراده فی‌هذه الرسالة واحمدالله اولا وآخرا والسلام» برخی برگها پاره شده وصالی گردید.

(۱۷۰گ) — کاغذ سپاهانی جلد متوا
اندازه: ۱۱ × ۱۹٫۵ و۷×د۱۴ر۱۴س

٥ ــ نگارشی است بتازی درکلام ودرآغاز آن دارد که این اصلها از امامان
۲۰ گرفته شده ولی بروش فلسفی درآن گفتگو میشود.

آغاز: بسمله. الحمدلله‌رب‌العالمین ... وبعد فان هذه اصول ملقاة من‌الائمة.

انجام: فاذن‌مااختلف فی‌العزائم کان‌للتقیة فافهم‌فانه اصل‌اصیل نافع‌جداوالسلام.

[۷۸۷]

۸۸۷ این نسخه شماره۱ دفتر وبخط تعلیق میباشد. گ۱ب ــ ۸ب.

۲٥ ٦ ــ نگارشی است از کلام بتازی ازمحمدبن عبدالفتاح تنکابنی که درنیمه‌روز پنجشنبه ١٤ج۲ سال۱۱۰۲ آنرا بپایان رساند.

[۷۸۸]

۴۰۹ این نسخه بخط تعلیق وحاشیه‌هائی دارد که به(منه) پایان میبابد وحاشیه‌های دیگر بخط شکسته. این نسخه شش فصل امامت ومقصد چهارم درمعاد جسمانی را دارد وآغاز آن نیست وچنین است: «لاتمنع ان یولی امورهـا من کانت النبوة فیهم ... الفصل الاول فیما یتعلق بامامة امیرالمومنین. الامامة فی الاصطلاح ریاسة عامة فی امرالدین والدنیا نیابة عن النبی ـ وهومن اکثرالناس عشرة واقلهم حسنة قلیل التهیؤ للسفر ظاهرالاغماض عن الرحیل والخبر الراجی رحمة ربه الغنی محمد بن عبدالفتاح التنکابنی... فی ضحوة یوم الخمیس یوم الرابع عشر من شهر جمادی الثانیة من شهور ۱۱۰۲ ...وجعلنا من حزبهم وزمرتهم بجوده وکرمه وبحقهم آمین رب العالمین» .

(۱۳۲ گ) -- کاغذ سمرقندی - جلد متوا

اندازه : ۱۲×۱۸ و۶×۵ر۱۲ س۲۳

[۶۴۵] روضة فی فضائل علی (عربی)

علامه حلی دراین کتاب خبرهائیرا که دربـاره برتری امیرمومنان علی (ع) آمده است آورده در آغاز آن خبریرا گفته که درجامع واسط درروز آدینه ۱۷ ذی قعده ۶۵۱ ازتاج الدین نقیب هاشمیان برمنبر شنیده بود .

آغاز: بسمله وبه نستعین . کتاب الروضة. القربی هم صلی الله علیهم مع الکتاب والکتاب معهم لایفارقونه حتی یردالحوض علیهم صلی الله ... اجمعین جعلناالله وایاکم ممن توالاهم وحفظ عهدهم... فانی قدجمعت فی کتابی هذاالذی سمیته الروضة تشتمل علی فضائل امیرالمومنین علی .. مانقلته الثقات راتفقت علیه الرواة .

انجام :ولولا ذلك من الادلة لکنت قتلتك ثم اجازها واعطاها وسرحها نسریحا حسنا. رحمة الله علیها.

[۷۸۹]

۵۰۳ این نسخه شماره ۴ دفتر و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف بنسخ ازاحمد بن عباداله ساوی نجفی درکربلا درنیمه روز پنجشنبه ۱۱ شوال ۱۰۱۸ که میگوید همین اندازه را یافتم ومقابله نمودگ ۱۵۱ ب ـ ۱۸۴ الف. یکی ازدارندگان نسخه احمد بن زین العابدین حسینی کربلائی بوده است .

(همه دفتر ۳ گ) — کاغذ سمرقندی — جلد متوا ته میشن

اندازه : ۱۸ × ۲۴ و ۵ر۱۱×۱۷ س۲۲

[٦٤٦] زواهر الحکم (عربی)

ازمیرزا حسن قمی (م۱۱۲۱) فرزند وبهترین شاگرد مولانـا عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی . او نگارنده شمع الیقین فی معرفة الحق والیقین است که در تهران بسال ۱۳۰۳ بچاپ رسید وجمال الصالحین که در ۱۱۲۱ آنرا بپایان رساندو مصابیح الهدی و مفاتیح المنی درحکمت . این کتاب دارای یك مقدمه (درسه مقصد) وسه باب میباشد ودر آن ازطبیعی ونفس والهی ونبوت وامامت ومعاد بروش شیعی گفتگو میشود و ساده وروشن وکوتاه میباشد در آن از«مصابیح الهدی» (گ۷ب) یاد میشود . (ش ۷٤۳طوس- ذریعه ج۱ص۵۲) .

آغاز: بسمله . الحمدلله الذی انزل من سماء وجوبه وجوده ماء فیض فضل وجوده فسلکه ینابیع مسالك الاحسان فی ارض مهیات عالم الامکان .

انجام: ولعلها جمیعاً تؤل الی هذا. هذا آخر ما اردنا ایراده فی هذه الرسالة والحمد لله اولا وآخرا واتفق الفراغ منها یوم (در نسخه ما پیش ازاین نیست) .

[۷۹۰]

۳۷۹ این نسخه شماره۲ دفتر است وبخط نسخ با عنوانهای شنگرف وگاهی بی نقطه ازمحمدبن حسن راویجی درمدرسهٔ سلطانیهٔ کاشان هنگامیکه دانشجو بوده بسال ۱۲۷۰- درهامش گاهی از کتاب «روایع» دیـده میشود . گ ٤ب-۷۱ الف.
شماره۳ ایندفتر این لامیه است: «لم یشجنی رسم داردارس الطلل - ولاجری مدمعی فی اثر مرتحل» بنسخ معرب باشرح کلمه‌های دشوار درمیان سطرها گ ۹۲ب - ۹۸ب .
شماره٤ الفیه سیدعلیخان است. بنسخ گ۹۹الف وب . پنجم آن پاره‌ای ازقصیده میمیه «برده» ازشرف الدین ابی عبدالله محمدبن سعید دولاصی بوصیری (م٦۹٤) بنسخ گ ۱۰۱الف - ۱۰٤الف میباشد .

[٦٤٧] سراج الهدی فی بداء حقیقة البداء (عربی)

ابوجعفر محمد قاسم بن محمدرضا (گویا طبرسی وشیخ روایت دانشمند مهدی بن ابی ذر نراقی م۱۲۰۹ - روضات ص٦٤۸) دراین رساله بروش کلامیان شیعی از روی اخبار درباره بدا گفتگو نمود. او کتابرا در۲۷صفر۱۱۱۱ نگاشته سپس نسخه

اصل را درراه مکه گم کرد و نسخهٔ دیگری یافت که پیش و پس شده وغلط داشت. آنرا بسال ١١١٥ درست نمود وچیزهائی بر آن افزود .

آغاز: بسمله. الحمدلله المقدم المؤخر الذی نزل الفصل الخطاب ویمحومایشاء ویثبت وعنده ام الکتاب .

٥ **انجام**: وانا ... ابن محمدرضا محمدقاسم الشریف ... والحمدلله والصلوة علی محمد وآله .

[٧٩١]

٨٨٤ این نسخه شماره ٤ دفتر وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف تاریخ ١٧ محرم ١٢٠٠ میباشد گ١٢٢ب ـ ١٤٨ الف . درپایان مهر «عبده ملك محمد»

١٠ دارد .

[٦٤٨] **سرمایه ایمان** (فارسی)

ازفیاض گیلانی لاهیجی ملاعبدالرزاق م١٠٧٢ که آنـرا پس ازگوهر مراد نگاشته است ودارای یك مقدمه کوتاهی است درمنطق وپنج اصل. این را دره باب با دلیلهای روشن و ساده بشکل اول یا قیاس استثنائی برای نوکاران (١) نگاشت .

١٥ این کتاب دربمبئی بسال ١٣٠٤ در١٣٦ص چاپ سنگی شده است.

[٧٩٢]

٤١٥ این نسخه بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف که در١١٠٥ نوشته شده است .

(١٤٢برگ) ـ کاغذ سپاهانی ـ جلدتیماج سرخ فرسوده

اندازه : ٧×در١٢ و١٣×٥ر١٨س١٢

٢٠ [٦٤٩] **سعدیة** (عربی)

علامه حلی(٦٤٨ـ٧٢٦)این کتاب را برای خواجه سعدالدین (ساوجی دستور ووزیر اولجایتو و کشته دردهم شوال ٧١١) نوشته ودر آن آنچه راکه یك شیعی در اصول وفروع باید باور بدارد آشکار ساخت ودلیلهای آنهارا آورد .

این دفتر در جنگی دارای بیست رساله درکلام وفلسفه و عرفـان وفقه در

٢٥ ١ـ (نوکار) را بابا افضل کاشی بجای (مبتدی) بکار برده است .

تهران بسال ۱۳۱۵ از ص۲ تا ص ٤٣ بچاپ رسید.

آغاز: بسمله الحمدلله المتفضل بجعل الانبیاء واسطه بینه و بین عباده .

انجام: فان الاخبار فی ذلك اکثر من ان تحصی والحمدلله رب العالمین .

[٧٩٣]

٥ این نسخه شماره دوم دفتر و بخط نسخ با نشانه‌های شنگرف میباشد ولطف‌الله بن

١٠٨٥ شمس‌الدین مازندرانی در ١ ج ١ سال ٩٠١ آنرا نوشت وحاشیه‌هائی بپارسی و تازی درهامش ومیان سطرها دارد گ ٩ ب ـ ٥٢ الف .

[٦٥٠] **سفارشنامه** (عربی)

امام فخرالدین تبرستانی رازی (٥٤٤-٦٠٦) در پایان زندگی در خوارزم بسر

١٠ میبرد ودر آنجا بیمار شد ودرشهر هرات درگذشت . اودرسختی بیماری در روز یکشنبه ٢١ محرم سال ٦٠٦ سفارش نامه ودستوری بشاگرد خویش ابراهیم بن ابی بکر بن علی علی سپاهانی داده است که اینك شناسانده میشود . رازی دیری بیمار بود تااینکه در یکم شوال همین سال در گذشت . اودراین سفارشنامه میگوید: مردم اگرچه همینکه بمیرند ازدیگران دور میشوند مگر اینکه دوچیز مردمی رابا این

١٥ جهان می‌پیوندد یکی کار نیکی که دیگران بستایند و ازخدای رستگاری کننده آنرا بخواهند دیگری کارهائیکه زن وفرزند کنند ومظلمه وجنایتی که اداگردد. بدانید که من دانش دوست بودم ودرهر چیزی راست یادروغ کتاب نوشتم. از خواندن دفترها دریافتم که خدائی پاك وتواناودانا ومهربان هست. من روش کلامی وفلسفی گرفتم ولی اینها همان سودی رامیدهند که قرآن میدهد این است که قرآنرا برگزیدم

٢٠ وهرچه آن وخبر درست میگوید می‌پذیرم . آنگاه رازی از آنچه نوشته است پوزش میخواهد ومیگوید که در نگارشهای خویش جز آوردن بحثهای گوناگون وتند ساختن هوش اندیشندگان نخواسته بودم اگرچه بدهم نوشته باشم. شمااگر سخنان خوبی در آنها یافتید مرا آفرین گوئید .

آغاز: نسخة ما کتب الاستاد الفاضل فخرالدین الرازی فی بیان اعتقاده عندموته.

٢٥ بسمله عونك یالطیف . قال یقول العبد الراجی رحمة ربه ... محمد بن عمر بن الحسین

الرازی وهو فی آخر عهده بالدنیا واول عهده بالآخره ... انی احمدالله بالمحامدالتی ذکرها اعظم ملائکته .

انجام : والمهم الثانی وهواصلاح امرالاطفال والعورات . فالاعتماد فیه علی الله تعالی والحمدلله رب العالمین .

۵ « درنسخهٔ چاپ شده درعیون الابناء خزرجی (ج۲ص۲۷-۲۸) پس ازعبارت «الله تعـالی» دارد : «ثم علی نائب الله محمدالمهم اجعله قرین محمدالاکبر فی الدین والعلو... وهذامنتهی وصیتی. . وبالاحسان جدیر» نزدیك بده سطر وازین بند پیداست که همه سخنان رازی آورده نشد. دراین بندرازی کارفرزندان رانخست بخداسپس بشاه محمد (علاءالدین خوارزمشاه۵۹۶-۶۱۷) آنگاه بکسی که نام برده نشده میسپارد و ۱۰ میگویدفرزندم ابی بکررا که نشانه هوش وزیرکی او پیداست خوب بپروریدو بشاگردان ودوستان میسپارد که مرك اورا نهـان بدارند و او را در کوهی که نزدیك روستای مزداخان است بخاك سپارند. پاره ای ازاین سفارشنامه در دیباچهٔ «اعتقادات فرق المسلمین والمشرکین» امام رازی (ص۲۴) نیزدیده میشود .

[۷۹۴]

۱۵ **۱۰۳۵** این نسخه شماره ۱۴ دفتراست وبخط شکسته تعلیق ص۱۵۸.

[۶۵۱] سیف الامة (فارسی)

هنری مارتن Henry Martin انگلیسی کشیش که پاتر(Pater = پدر) یا پادری خوانده میشد بر کتابیکه فیلیپ Philippe پادری درفرنگ در رد بـر اسلام نوشته بود افزوده رساله ای ساخت ودردسترس مسلمانان گذارد. دانشمندان ۲۰ نیز بخرده گیری آن پرداختند .

نخستین باردانشمنداحمدبن محمد مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی(۶یا ۱۱۸۵ - ۵یا ۱۲۴۴) بدستور عباس میرزای قاجار بر آن ردی بنام سیف الامه نوشته و در آن نصوص عبری تورات را گواه آورد . اودر دیباچه ازفتحعلیشاه قاجار بی اندازه ستایش نمود وکتابرا درنیمه روزشنبه ۱۷صفر ۱۲۳۳ بپایان رساند . این کتاب در

تهران بسال ۱۲٦۷ بچاپ سنگی رسید .

پس از او آخوند ملا محمد تقی کاشانی فقیه آشنای بعبری و سریانی درردبر ترسایان وهمین هنری مارتن «هدایةالمسترشدین» راپارسی نوشته و آنـرا در ۲٤ محرم ۱۳۰۳ بپایان رساند. آنرا میرزا محمودخان مدیرالدوله متولی آستانه طوس ٥ درتهران بسال ۱۳۱۲ بچاپ سنگی رساند (۱) .

[۷۹٥]

۹۳۰ این نسخه بخط نسخ درجدول شنگرف ولاجوردی ازغلامعلی بن‌محمد کاشانی در روز ۱٦ صفر ۱۲٦٦ـ ازگ ۱ الف تا ۲۲ الف فهرست و فرهنگی است از واژه های عبری که در کتاب آمده و اعراب و املاء و ترجمه آنها. این‌را پسر نراقی ۱۰ نوشته تا آنها راغلط نخوانند . خود کتاب ازگ ۲۳ب است تـا ۲۲۷ب وچنین است : «بسمله الحمدلله الذی من‌علی عباده بارسال‌السفراء المقربین ... چنین گوید ... احمد بن محمد مهدی بن ابی ذر نراقی ... که دراین عهدمیمون ـ تمام شداینکتاب ... بخامهٔ ...

---

۱ ـ درهمین روزگار کتابی دیگر نیزدررد اسلام نوشته شده وآن ینابیع الاسلام سن کلر تیزدال (Saint Clair Tisdall) است بپارسی که‌درلاهور بسال ۱۸۹۹ بچاپ ۱٥ سنگی‌رسید وانگلیسی آن بنام «The original sources of theQuran» درلندن بسال ۱۹۰٥ چاپ شد. اودر این کتاب‌ریشهٔ قصص قرآن رادر کتابهای آسمانی زردشتی و کلیمی و عیسوی یـافته ودر همان زبانها آورده است چنانکه سیدرسکی Sidersky در کتاب Les origines des Legendes musulmanes dans le Coran etlesVies des prophètes ریشه‌های آنهارا در کتابها ۲۰ دینی یهود وترسا یافته است. این کتاب درپاریس بسال ۱۹۳۳ بچاپ‌رسید. شیخ حسین بن عبدالعلی تبریزی توتونچی در رد برینابیع‌الاسلام ومیزان الحق پفاندر R.C.G. Pfander «ازالةالوسواس‌والاوهام عن‌قدس‌ساحةالاسلام» نوشته ودر ۲٦ صفر ۱۳٤٦ آنرا بپایان رساند وآن درتبریز بسال ۱۳٥۱ چاپ سربی شد . شیخ احمد شاهرودی نیز «ازالةالاوهام فی‌جواب ینابیع‌الاسلام» نوشته که درایران بسال ۲۳٤٤ چاپ گشت. ۲٥ این میزان‌الحق‌هم دررد براسلام‌است ویکبار در کلکته باطریق‌الحیات ومفتاح‌الاسرار هردو دراثبات کیش مسیحی بخط تعلیق از ۱۸۳۳ تا ۱۸٥۰ بچاپ رسید وباره دیگردر لندن بخط‌نسخ بسال ۱۸٦۲ چاپ گشت. (نیز بنگریدبه: فهرست‌طوس ج ۱ ش ۷۹ حکمت وج ٤ ش ۱۲۳ و ٦٦۸ ص ۲۷۷ و ۳٦٥ وش ۳٥۰ ص ۲۲۰ نیزص ۳٦٤) .

احمد بن محمد مهدی بن ابی ذر نراقی تجاوز الله عنهم بمحمد و آله الاطهار .

(۳۲۲۷م) — کاغذ سمرقندی — جلد روغنی گل و بوته‌دار زمینه سرخ ودورو
اندازه : ۵ر۱۳ × ۵ر۲۱ و ۸×۱۶ س ۱۹

[٦٥٢] **سیف المؤمنین فی قتال المشرکین** (فارسی)

علیقلی جدیدالاسلام در روزگار شاه سلطانحسین بدستور «مولانا فاضل بهاء الدین محمد» دراین کتاب بر یهود و نصارا رد نمود و روشن ساخت که متون عبری و یونانی ولاتینی سفر پیدایش باهم ناسازگار و تحریف در آنها هست. در دنبال این چهل سوره از تورات را که میگوید علی(ع) بتازی در آورده بود بپارسی کرد و ۱۲ فصل ازحکمت سلیمان را که گواه برامامت امیرمؤمنان ودرستی آیین شیعی میداند نیز پارسی نمود . جلدهای دوم تا پنجم آن ترجمه و تفسیر چهار کتاب دیگر از پنج سفر تورات است ومیخواهد از آنها خرده گیرد . در دیباچه آن تاریخ تورات را آورد . او میگوید که من ترسا بودم و پادری (کشیش و پدر) واسلام آوردم چون دیدم که ترجمه عربی تورات درست نیست آنرا با اصل لاتینی برابر کردم تابتوان بر ترسایان رد نمود . نسخه‌ای ازاین درطوس (ش ۷۵۹) هست .

آغاز: بسمله . بهترین نغمه که عندلیب زبان در بوستان زندگانی بآن ترنم تواند نمود .

انجام: ودر آن مذهب باطل مانده بمیرند بجهنم زیرا که ضرری بمانخواهد داشت الاصحاح ۲ (نسخه ماکم دارد) .

[٧٩٦]

٦٥٣ این نسخه بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف میباشد .

(۳۲۷٦م) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه : ۲۳ × ۵ر۳۵ و ۱۳ × ۲۵ س ۲۲

[٦٥٣] **شافی** (عربی)

سید مرتضی (۳۵۵–٤۳٦) دراینکتاب از «المغنی فی الامامة» قاضی عبدالجبار معتزلی همدانی رازی (م ٤۱٤ یا ٤۱٥) خرده گرفت. ابن ابی الحدید مدائنی درشرح

نهج‌البلاغه درجزء ۱و۲و۱۲و۱۳و۱۶و۱۷ سخنان ایندورا آورده و درباره آنها داوری نمود.

دانشمند مجلسی دوم‌شافی وتلخیص شیخ طوسی‌را تصحیح نمود ودرپایان‌رجب ۱۰۹۷ از آن بیاسود (ش۴۲۲طوس) ایندو کتاب دررجب ۱۳۰۱ در تهران بچاپ سنگی رسید (شافی ص۲ـ۲۹۵ وتلخیص ص۲۹۶ ـ۴۷۹) . ٥

[۷۹۷]

۵۱۸ این نسخه بخط نسخ و نسخه بدلها درکنار صفحه ها و روی عبارتهای مغنی خط سرخ کشیده شده و عنوانها بشنگرف است . حاشیه هائی از مولانامحمد شفیع دربرگهای جداگانه نوشته‌شده ومیان برگها هست وحاشیه‌هائی هم‌دارد ۱۰ که بنشانه‌های «ع‌ص م‌یاح‌س» پایان می‌یابد . دربرگ ۸الف حاشیه‌ای ازمحمدنادیا مازندانی هست . محمد جواد واعظ بن‌جلال‌الدین محمدبن شیخ اسدالله بن عبدالمجید بسال ۱۳۳۹ دارنده نسخه بود. درگ ۱ الف ورویه برگ پیش ازآن دارد که نسخه ازآن میرمحمد معصوم خاتون آبادی بوده است .

(۳۳۷گ) -- کاغذ ترمه سپاهانی ــ جلد تیماج ساده مقوائی دارای برگردان
۱۵ اندازه : ۱۵ ۲۵ و۸ ۱۵ س۲۳

[٦٥٤] شرح باب حادیعشر (عربی)

شیخ فاضل ابی عبدالله مقداد سیوری (م ۸۲٦) باب حادیعشر علامهٔ حلی‌رابنام «النافع یوم‌الحشر فی‌شرح باب حادیعشر» گزارش نمود کـه درتبریز بسال ۱۳۰۸ چاپ شد.

۲۰ [۷۹۸]

۳۲۳ این نسخه شماره۱ دفتراست وبخط نسخ خوش باحاشیه‌هائی ریزتر وعنوان‌قال واقول وعنوانهای دیگر بشنگرف گ۱الف‌ـ ۱۹ب وچنین‌است :«اقول‌للعلماء فی‌اثبات‌الصانع طریقـان (ص۸ چاپی) ــ ومن‌ذلك‌الثواب والعقاب وتفاصیلها المنقول من‌جهةالشرع ـ درفصل۷ درمعاد هفت صفحه مانده بآخر همین چاپ».

۲۵ (همه دفتر۷۰گ)--کاغذ ترمه سمرقندی-جلد تیماج سرخ ضربی
اندازه : ه۱۴×ه۱۹ و۸×۱۳ س۱۸

[٦٥٥] شرح باب حادیعشر (معین‌الفکر) (عربی)

دانشمند متکلم‌عارف شیعی‌محمدبن علی‌بن ابی‌جمهوراحسائی بدرخواست دوستان درهنگام درس‌این گزارش را املانمود ودرشام‌سه‌شنبه۲۵ذی قعده۹۰٤ در مدینه مجالس املای آن بپایان رسید ونام آن «معین‌الفکر» وبقال واقول میباشد.

آغاز: بسمله. اعلم انما ابتداء المصنفون فی اوایل کتبهم بالبسمله لوجوه. ٥

انجام: وهذا جهدالمقل فلعله لایکون علی‌اسماءهم مللا وکان ذلك منافی اوقات متعددة ومجالس متباعدة وآخرها عشية یوم‌الثلث الخامس عشرین من شهر ذی‌القعدة الحرام سنة اربع وتسعمائة بالمدنية ... اذکنت مجاورا بها فی‌تلك السنة فکتبنا مااتفق‌علی‌هذه‌الرسالة بالتماس‌جماعةالاصحاب واللّٰه‌الموفق‌للصواب والحمدللّٰه وحده ... باملاء مؤلفه‌الفقیر الی‌اللّٰه الغفورعبده محمدبن‌علی‌بن ابی‌جمهورالاحسائی ١٠ عفی‌اللّٰه عنه وعن‌والدیه وجمیع‌المؤمنین والمؤمنات.

[٧٩٩]

٣٥٣ این نسخه بخط نسخ درشت باعنوانهای شنگرف وممن زبرخط سرخ تاریخ بامداد یکشنبه ٢٦ج٢سال١٠٨٧ میباشد. درپایان دارد: تم وکمل هذا الشرح صبح یوم‌الاحد سادس وعشرین شهرجمادی الاخرفی‌سنة سبع‌وثمانین ١٥ بعد الف من‌الهجرةالنبویةعلیه الف الف‌السلام والتحیة».

(۲۲۲گ) کاغذ فرنگی–جلد تیماج زرد

اندازه: ٥ر١٣× ٢٠ و٧×٥ر١٤ س١٨

[٦٥٦] شرح باب‌حادیعشر (عربی)

ابوالفتح‌بن مخدوم خادم حسینی عربشاهی درنیمه محرم٩٥٥ این‌گزارش‌را ٢٠ بپایان رساند.

آغاز: بسمله وبه نستعین. فاتحة‌کل کتاب عظیم ودیباجة‌کل کتاب کریم. نحمدك یامن دل‌علی ذاته‌بذاته.

انجام: الهم افتح بالخیر واختم بالخیر ... واتفق الفراغ عن نقله من المسودة الی‌البیاض علی یدمؤلفه ... ابی‌الفتح بن مخدوم‌الحسینی ... فی‌اوسط‌شهر ٢٥

محرم الحرام سنة ٩٥٥ .

[٨٠٠]

٣٤٦ این نسخه بخط نسخ خوش دردوستون چلیپا هریك دردو بخش وعنوانها ومتن بشنگرف ازمحمد اشرف پسر محمد هادی درشنبه ٢٤ صفر ١٠٨١

٥ (٣٥٨–١) — کاغذ سمرقندی — جلد تیماج مشکی بیاضی
اندازه : ٥ر١٧ ١٩ و ٩٠ ٥ر١٤ س ٢٤

[٦٥٧–٦٥٩] **شرح توحید صدوق** (عربی)

فیلسوف قاضی سعیداء قمی برتوحید ابن بابویه بروش عرفانی و فلسفی و کلامی گزارشی نگاشته که دراینکتابخانه سه جلد آن هست .

١٠ [٨٠١]

٥٩٧ این نسخه جلدیکم و بخط تعلیق وحدیثها زیر خط سرخ و بنسخ و با عنوانهای شنگرف که محمد حسین بن علیشاه زنوزی تبریزی درطوس شب دوشنبه ١٠ ذی حجه سال ١٢٠٤ آنرا نوشت .

آغاز: بسمله . سبحانك وحنانیك یاسبوح یاقدوس . . . وبعد فهذا علق مضنون
١٥ الاعن عبادالله... هذا اصول اصول الدین ... اسداه ... محمد بن محمد مفید المدعو بسعید الشریف القمی اوفات مطالعة کتاب التوحید لشیخنا صدوق .

انجام: هذا آخر ما اردنا ایراه فی المجلد الاول من شرح توحید شیخنا الفقیه القمی... و یتلوه . . . فی المجلد الثانی باب تفسیر سورة التوحید والحمدلله وحده والصلوة علی محمد وآله .

٢٠ (١٩٢س) کاغذ فرنگی جلد تیماج مشکی سادة مقوائی
اندازه : ١٨ ٢٩ و ١٠ ٥ر١٩ س ٢٤

[٨٠٢]

٥٩٨ این نسخه ش ١ وجلددوم و بخط نسخ با عنوانهای شنگرف میباشد وابوالقاسم شریف درتهران درشام آدینهٔ ٢٧ شعبان نوشتن آنرا بپایان رساند وخودآنرا
٢٥ مقابله کرد . قمی این جلدرا درپسین روزچهارشنبه ٥ روز گذشته ازمحرم ١٠٩٩ بانجام رساند. چنین است آغاز وانجام آن : « بسمله الحمدلله وسلام علی عباده ... فهذا هوالمجلد الثانی من شرح کتاب التوحید ... تصنیف... محمد بن مفید الملقب بسعید الشریف القاضی القمی — یساعدنا علی الوصول الی اقصی مبالغ تلك الاخبار انه الرؤف البار ... وملهم الاسرار وافق الفراغ فی عصر یوم الاربعاء لخمس مضین من محرم الحرام مبتدأ

الف وتسع وتسعین . . . والحمدلله واتفق الفراغ من الانتساخ عصر الجمعه و هو السبعة والعشرین من شعبان المعظم علی ید ابوالقاسم الشریف فی دار الخلاوة طهران. اللهم اغفر. قد بلغ قبالا بنفسی وجهدی ...» گ۱ب۲۰۲الف. شماره ۲ همان اسرار الصلوة همین قمی است که در ص۴۰۷ اینفهرست شناسانده شده(ش۲) ودر آغاز قمی ازخود نامبرده واندکی با نسخه پیش جدائی دارد و نویسندهٔ آن (ابوالقاسم شریف) ازخود نامبردو بخط نسخ میباشد گ۲۰۳ب۲۰۷الف پیداستکه قمی آنرا پس از ۱۰۹۹ نگاشته است. ۵

(همه دفتر ۲۰۷ گ) کاغذ سپاهانی جلد تیماج حنائی ضربی مقوائی

اندازه: ۱۷ . ۲۷ و ۵ر۱۰×۱۹ س۲۵

[۸۰۳]

این نسخه جلد سوم و بخط نسخ میباشد وچنین است: «بسمله الحمدلله ولی الحمد... امابعدفهذا.. هو المجلد الثالث من شرح کتاب التوحید لشیخنا الصدوق القمی رضی الله عنه تصنیف... محمد المدعو بسعید الشریف القمی ـ وعلی اهل بیت الحکمه والولایة. وقد اتفق الفراغ بعون الله و توفیقه من هذا المجلد الثالث من کتاب شرح التوحید بالخیر والعافیة». ۱۰ ۵۹۹

(۱۹۹گ) کاغذ سپاهانی جلد تیماج حنائی ضربی مقوائی ۱۵

اندازه: ۱۱ × ۵ر۱۷ و ۷ . ۱۲س۲۰

[۶۶۰] شرح صحائف الهیه (عربی)

صحائف در کلام و بسیار شیوا و رسا و استوار و دارای دو مقصد است (۱ـ مبادی دریك مقدمه وسه قسم و ۲ در مسائل در ۱۹ صحیفه) ودر آن یکدوره کلام بروش متاخران و آمیختهٔ با فلسفه دیده میشود و چنین است آغاز آن: «الحمدلله الذی استحق الوجود والوحدة بالذات و ابدع بحکمته انواع الماهیات ... و بعد فان العلوم وان تنوع اقسامها... لکن اشرفها مرتبة... هو العلم الالهی... وسمیته بالصحائف الالهیة» نگارنده در آغاز میگوید که مدتی در اندیشه‌های تاریك فیلسوف منشان سرگردان بوده‌ام تااینکه راه راست بمن نموده شد و بنگارش این دفتر بپرداختم و گزیدهٔ مبحثهای عقلی را در آن یاد کرده از بیشتر سخنان فیلسوفان خرده گرفتم و گفتارهای تازه‌ای هم در آن آوردم و درباره پیامبری بهترین آفریدگان و پاسخ یهودان و ترسایان نصوص تورات وانجیل را گواه ساختم(۱) درچندجا ازامام و در ۲۰ ۲۵

۱ـ نسخهٔ پاکیزه و کهنه‌ای از صحائف الهیه از آن دانشمند گرامی آقای حکمت آل آقا

بقیه حاشیه درصفحه بعد

فصل۱ صحیفه۳ قسم۲ مقصد۱ از نگارنده «الواح» (که در هامش نسخه آقای حکمت آل آقا نوشته شده که از آن سهرودی شهید خواسته شده) یادشده و گفته است که نگارنده الواح برهان ترسی را ساخته است. درفصل۱ صحیفه۱ قسم سوم مقصد ۱ از محمد شهرستانی یاد گردید.

۵ چلبی در کشف الظنون (ج۱ ص۷۷) میگوید که صحائف در کلام و دارای یک مقدمه و ۶ صحیفه و یك خاتمه است و آغاز آنرا چنانکه در نسخه دیده شده یاد می کند. گویا اوچون دیده که مقصد۱ دارای مقدمه وقسم۱ دارای ۶ صحیفه است و خاتمه‌ای هم در دنبال برخی ازفصلها هست بخشهای آنرا چنین یادنمود. اودرهمان جا (ج۱ص۶۸) شمس الدین محمدبن اشرف سمرقندی (م ۶۰۰) نگارندهٔ آداب

۱۰ البحث والمناظره و قسطاس المیزان (چاپ شده کلکته در ۱۸۵۴) رانگارنده صحائف میخواند. بازمیگوید که صحائف در تفسیر از شمس الدین محمد سمرقندی است که احمدبن محمود قرمانی اصم ۹۷۱م آنرا بانجام رساند. نیزمیگوید که «معارف» شرح «صحائف» گزارشی است به «قال واقول» ازسمرقندی و آغاز آنرا مانند نسخه طوس میآورد. بروکلمن دردنبال سرگذشت امام الهدی ابو اللیث نصربن محمد بن

۱۵ احمدبن ابراهیم فقیه سمرقندی (م ۵ یا ۳۷۳ یا ۳۸۳ یا ۳۹۳) ازالمعارف فی شرح الصحائف یاد نمود (ج۱ پیوست ص۲۷۴و۹۵۴ـ نیز معجم المطبوعات) ـ درصحائف بارها ودر شرح آن (نسخهٔ ماگ ۶۹ب) ازامام وملخص اویاد شده پس ایندو دیری پس از ابو اللیث سمرقندی بنگارش در آمده است.

بگفته چلبی فاضل علاء یا شمس الدین ابو العلاء یا ابوبکر محمدبن احمد بهشتی

۲۰ اسفرائینی فخرخراسان گزارنده «آداب البحث» سمرقندی نیز گزارشی بر «صحائف»

بقیه حاشیه صفحه قبل

دیده‌ام که یکی ازپیروان علاءالدوله سمنانی درپشت آن بخطخود یادی ازسمنانی نموده است وعبدالرحمن بن علی بن مؤید درادرنه درع۱ سال۹۰۳ وعلی بن امرالله بن محمد در شعبان ۹۷۰ آنرا داشته‌اندودر۱۲۹۹ وقف شده وازپایان کم دارد (تافصل۲ صحیفه۱۵

۲۵ مقصد۲ برابر باگ ۱۴۱ب نسخهٔ ما) ـ نیز بنگرید به: کشف الظنون درصحائف ـ معجم المطبوعات درسمرقندی.

نوشته است . اوماناهمان باشد که عزالدین حسین کرکی دراشراق الحق (ش ۲۹۳/۲)
ویرا درشمار دانشمندان شیعی بنام «شمس الدین محمد بهشتی » نگارندهٔ « تفرید
الاعتماد فی شرح تجریدالاعتقاد» آورد . درذریعه (ج۳ص۳۵۳ وج٤ص۲۱٤) از
تعریدالاعتماد» شمس الدین محمد بیهقی اسفرائینی دانشمند روزگار خواجه طوسی
یاد گردید . ٥

در آستانهٔ طوس (ج۱ش۲٤٥ص۷۷) نسخه‌ای از «معارف» درشرح صحائف
سمرقندی هست و گفته نشد از کیست وچنین است : «رب یسر وتمم بالخیر. الحمد
لله الذی لیس لوجوده بدایة ولالوجوده نهایة. فهذه هی خلاصة سبیل السلوك وزبدة
اصول الوصول لیهتدی بها الی معارج السالکین ویستدرج منها الی مدارج العارفین»
(نیز کشف الظنون) نسخهٔ ماهم گزارشی است ازهمان صحائف الهیه ولی گزارنده ۱۰
آن سنی است نه شیعی . چون آغـاز آن نیست نمیتوان گفت از کیست . چنانکه
دیده‌ایم چلپی گاهی صحائف را ازسمرقندی و گاهی معارف را ازاو میداندو نسخهٔ ما
هم پیدا نیست که همان معارف باشد .

[۸۰٤]

٤۲٦

این نسخه بخط نسخ کهنه باعنوانها ونشانه های شنگرف و حاشیه هم دارد ۱٥
متن هر بندی باانداختن میانهٔ آن پس از «قال» وشرح پس از «اقول» آمده و
چنین است: «وفیه نظر عرفنه فی المنطق وهوانا لا نسلم امتناع التعریف بالرسم
(درامتناع تعریف وجود ازفصل۱ قسم۱ مقصد۱ ومقدمه را ندارد) ـ ویؤید ذلك مـا
قاله الشیعة ان اکثر الناس یبغضون علیا رض لانه قتل اقاربهم فلهذا انکر النص الذی یدل
علی امامته ومنعوا حقه وحینئذ یکون خلافة کل من الخلفاء الاربع حقا » مبحث امامت به ۲۰
پایان نمیرسد ومبحث معادرا هم ندارد ونسخه تامبحث اخباریکه درباره خلیفه‌ها آمده
وحکومت درباره آنها انجام میگیرد (فصل۳صحیفه۱۹ مقصد۲) ـ دراین نسخه(٦۹ب)
ازملخص وسخن ابی البرکات دراینکه زمان اندازهٔ هستی است یادشد (٦۹ب ـ۷٦الف)
مانند خود متن .

(۱٦۱گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلدتیماج مشکی مقوائی ۲٥

اندازه : ۱۱×۲۰و۸×۱٦س۲٥

[۶۶۱] شرح طوالع الانوار (عربی)

قاضی عبدالله بن عمر بیضاوی شیرازی (م تبریز ۵۸۵) مفسر متکلم اصولی طوالع (۱) را در کلام نوشته است . قاضی برهان عبیدالله بن محمد بیدلی شریف فرغانی عبری که در تبریز بکار داوری میپرداخت و در ۷۴۳ درگذشت برای شاگردان خود گزارشی بر آن نگاشته و بشهاب الدین مبارکشاه ارمغان داد . دراین گزارش همه ۵
متن نیامده و بندهائی از آن یادشده روشن گردید .

آغاز: بسمله و به نستعین وعلیه نتوکل رب تممه بالخیر احمدالله حمدا یتقاصر عن ادراك غایته عقول العلماء و یعجز عن بلوغ نهایته السنة الفصحاء .

انجام : ومحاملها وتاویلاتها مذکور فی کتاب نهایة العقول من اراد الاطلاع علیها
۱۰ فلیطالعها (ش۸۱۷ طوس)

[۸۰۵]

این نسخه بخط تعلیق و نا پاره از مبحث امامت میباشد وچنین است انجام آن :

۲۷۲ والجواب عن الوجه السادس انما ذکرتم من الفضائل فی حق علی معارض بمثله فی فضائل ابی بکر ... فان المراد بالاتقی ههنا اما ابوبکر اوعلی باتفاق المفسرین
۱۵ والثانی وهو کون علی .

۱ ـ دانشمندانی چند برطوالع گزارش نوشتند: عبدالصمد بن محمود فارابی که در ۷۰۷ بپایان رساند ـ قاضی برهان فرغانی عبری ـ شمس الدین محمود سپاهانی (۶۹۴ ـ ۷۴۹) بنام «مطالع الانظار» و برای ملك ناصر محمد بن قلاون که در آستانه در ۱۳۰۵ بچاپ رسید (ش۱۰۲ مجلس و۲۳۴ و۱۰۰۸ و۱۰۰۹ طوس) ـ زین الدین عبدالرحمن
۱۵ بن محمد قزوینی بغدادی جلالی م۸۳۶ ـ شمس الدین محمد بن احمد بسطامی م۸۴۳ ـ مولی خواجه زاده م۸۹۳ ـ جلال الدین دوانی (بردیباچه طوالع) ـ محیی الدین محمد طبل باز م۹۰۶ ـ قاضی زکریا بن محمد انصاری م۹۲۶ ـ عصام الدین اسفرائینی م۹۴۳ غیاث الدین منصور دشتکی م۹۲۸ ـ احمد بن مصطفی طاشکبری زاده م۹۶۹ ـ شمس الدین آملی م ۷۵۰ بنام تنقیح الافکار ـ زین الدین ابوالحسن علی معروف با بن شیخ
۲۰ العربیه موصلی حدیثی ـ حاجی پاشا ایدنی بنام مسالك الکلام فی مسائل الکلام ـ یوسف حلاج که پس از سعد میزیست (کشف الظنون) درمجلس تهران گزارشی است که گفته نشد از کیست (ش۹۳) .

(۱۱۵ برگ) – کاغذ ترمه سمرقندی - جلد تیماج زرد ساده و تازه است
اندازه : ۱۵×۲۵ و ۹×۱۸ س ۲۴

[٦٦٢] **شرح طوالع الانوار** (عربی)

قاضی میرحسین منطقی میبدی یزدی (م نزدیك ۹۰۹) نیز برطوالع الانوار بیضاوی گزارشی نوشته است . ۵

[۸۰٦]

۱۰٤٦ این نسخه شماره ۳۱ دفتر و بخط تعلیق رجبعلی بن جوادعلی نزدیك ۱۰٦۲ گ ۱٤۳ الف وب و باره‌ایست ازشرح میبدی برطوالع الانوار دررستاخیز تن و چنین است : «البحث الثانی فی حشر الاجساد . اجمع الملیون علی انه تعالی یحیی الابدان – ولاشبهة فی ان هذه الحالة هی الغایة القصوی من مراتب السماوات» درهامش ۱٤۳ الف گفتاری است از شریف گرگانی درتقسیم حکمت وسخنی ازغزالی دراینکه دررستاخیز روان بتن دیگرمیرود وبتن اینجهانی بر نمیگردد واینکه چنین تناسخی هم درشرع رواست . ۱۰

[٦٦۳] **شرح عقائد نسفی** (عربی)

نجم الدین ابوحفص عمر نخشبی (نسفی م ۵۳۷) رساله‌ای درعقائد نگاشته است سعدالدین تفتازانی شافعی (۷۱۲–۷۹۲) شاگرد قطب رازی وعضدالدین ایجی گزارشی آمیخته بر آن نوشته ودرشعبان ۷٦۸ بپایانش رساند وآن در اسلامبول بسال ۱۳۱۵ بچاپ رسید . ۱۵

[۸۰۷]

۳۳٦ این نسخه بخط تعلیق شکسته خوش درجدول زرین ولاجوردی و متن بنسخ روشن زیرخط سرخ میباشد و سرلوحی زیبا دارد . ۲۰
(۵۸ گ) -- کاغذ سپاهانی -- جلد تیماج مشکی
اندازه : ۱۱×۱۷ و ٦،۵×۱۲ س ۱۷

[٦٦٤] **شرح فصول** (عربی)

ترجمه تازی رکن الدین گرگانی ازفصول طوسی را عبدالوهاب بن علی حسینی استرابادی بدرخواست دوستان ازروزشنبه ۲۱ محرم تا ۲۰ صفر ۸۷۵ گزارش نوشته است . ۲۵

آغاز: وعليك الاعتماد يـا كريم نحمدك الله على ماوفقنا لادراك فصول الكلام ... الفصل الاول في التوحيد اى في بيان ان الله تعالى موجود واحد ... اصل ... كل من ادرك شيئاً. الادراك قديطلق على كون حقيقة الشيء حاضرة عندالمدرك سواء كان بنفسها او بمثالها فيتناول العلم الحضورى والانطباعى.

٥ **انجام**: وخسرخسرانا بينا. وصارمن الذين ينادون من مكان بعيد ... هذا مانيسر لنافى شرح هذه الرسالة ...مع تراكم الغموم وتلاطم امواج الهموم .. ولنختم الكلام ... وكان الافتتاح بتأليفه يوم السبت الحادى والعشرين من شهرمحرم والاختتام بعشرين صفرفى سنة خمس وسبعين وثمان مائة والحمدلله رب العالمين.

[٨٠٨]

١٠ اين نسخه شماره١دفتر وبنسخ ومتن زيرخط سياه ياسرخ باعنوانهاى شنگرف

٣٢٠ ميباشد گ١الف–٥٣ب. وچنين است انجام آن: «هداية ... اعادة المعدوم ... محال والا ... لزم تخلل العـدم في وجود واحد ... فيكون ... الواحد اثنين وهو محال ... والجواب انه لامعنى لتخلل العدم ههنا سواء انه كان موجود ازمانا ثم زال عنه ذلك الوجودو» ازمبحث ازمبحث اعاده معدوم فصل٤ درمعاد برابر با س٨ گ ٦٢الف

١٥ ش٢/٣٢٣ ونزديك به٩برك ندارد.

(همه دفتر٦٠گ) كاغذ فرنگى جلد تيماج مشكى ضربى

اندازه: ١٥×٢١و٨×١٤س ٢٠

[٨٠٩]

اين نسخه شماره٢ دفترو بخط تعليق ومتن زيرخط سرخ وحاشيه هاى «منه» دارد

٢٠ **٣٢٣** و نيز حاشيه هائى ازقاضى و ديگران كه نـام برده نشده گ ٢٠ب – ٧٠ ب (٩×١٤س١٩).

[٦٦٥] شرح المواقف السلطانيه (عربى)

قاضى متكلم عضدالدين عبدالرحمن ايجى (٧٠٠يا ٧٠١–٧٥٦) مواقف خويش را براى غياث الدين محمد وزير ابوسعيد بهادرخان از٧١٦تا٧٣٦ نگاشته است.

٢٥ شمس الدين محمدبن بهاءالدين يوسف كرمانى م ٧٨٦ در٧٦٧(ش١٥١ ص٤٧ج١ وش٨٥٣ص١٩٤ج٤طوس)وسيف الدين ابهرى بر آن گزارش نوشتند. گزارنده ديگر دانشمندميرسيد شريف على گرگانى (گرگان٧٤٩–شيرازع٦ ع٢سال٨١٦)ميباشد. او شاگرد قطب رازى بوده و بگفتهٔ سيدمحمد نوربخش (٧٩٥ – ٨٨٩) ومحمدبن ابى

جمهور بسال ۸۷۸ درمجلس سوم رسالهٔ مناظرهٔ بافاضل‌سنی هروی (ش۸۷۸/۸ گ ۹٤ ب وش ۹٤٤/۲ گ ۵۷ ب) در نهانی آئین شیعی داشت ولی برای دلجوئی از درباریان امیرتیمور گورکان (۷۷۱ـ۸۰۷) ودربرابر سعدالدین تفتازانی (م ۷۹۲) وشاید برای رفع تهمت رفض واعتزال که سادات بدان دچار بودند اوروش حنفیان را برشافعیان برتری دادواینهم روی‌این بودکه تیموراورا ناگزیر کرده بودکه‌یکی ازاین دوروش‌را برگزیند ازاینجا بودکه او بگزارش‌مواقف پرداخت وهمان شرح سیف‌الدین‌ابهری راآمیخته ساخت واندکی ازمواقف راروشن‌نمود وآنرا نزدیک بشامگاه شنبه آغاز شوال۸۰۷ درسمرقند بپایان‌رساند (مجالس‌المؤمنین ونسخه‌ها) بخشی ازشرح‌میررا سوارنزن(Soerensen) باملاحظاتی‌بلاتینی‌درلایپتسیک‌بسال ۱۸٤۸ بچاپ رساند وهمه آن بارها در آستانه ولکناو ودهلی ومصر از ۱۲۳۹ تا ۱۳۲۷ چاپ گردید (کشف‌الظنون ـ معجم‌المطبوعات).

[۸۱۰]

۳۸۷

این نسخه‌ازگزارش‌میر بنسخ‌وعنوانها درشت‌تر درمتن وهامش‌ومتن زیرخط سرخ‌میباشد. صفحه یکم بتعلیق ونونویس‌است. حاشیه‌هائی داردکه برخی به «منه» پایان‌مییابد. برگ ۳۰ سفید ونسخه دراینجا کم دارد. نسخه خطبه میررانداردوازشرح آغازمیشود. نویسنده آن احمدبن‌محمداست که درسه‌شنبه ۱ شوال ۸۸۵ آنرانوشت. فهرست کتاب وصفحه یکم بخط دیگر است.

(۴۲۴گ) ـ کاغذسمرقندی جلد تیماج مشکی‌ساده فرسوده

اندازه: ۱۸، ۲۶و۱۱ ۱۶س۲۴

[۶۶۶] الصراط‌المستقیم الی‌مستحقی‌التقدیم (عربی)

زین‌الدین‌ابی‌محمدعلی‌بن‌محمد ..بن‌یونس‌عاملی‌نباطی‌بیاضی‌عنفجوری‌ادیب شاعرکلامی (م۸۷۷) که ازشیخ ناصربن ابراهیم احسائی عاملی‌دانشمند شیعی واز خاندان بویه (م۸۵۳) اجازه داشته بود این کتاب‌را درکلام بروش شیعی وآمیخته باآیتها وخبرها وتاریخ نوشته‌ودر۲۵ع۲سال ۸۵٤ آنرا بپایان رساند. اودردیباچه از۵۲ کتاب یادمیکندکه ازروی آنها این‌را نگاشت و ۲۲٤ کتاب دیگرکه ازآنها

بهره برده بود. در اینکتاب ۱۷ باب است: « خدا وصفتهای او وفعل او که بی‌غرض
نخواهد بود واختیار وازادی مردمی- باطل بود جبر- پیامبر-جانشین‌او- کرامتهای
جانشین- شرائط آن - برتریهای آن- شناساندن آن‌از روی قرآن- نص‌پیامبر
دراین‌باره- نص‌اودرباره فرزندان وصی - نشانه‌های آنها -کسانیکه بر آنها ستم
۵ روا داشتند- نصرت دین وصی - رد شبهه‌های دشمنان - چهاررهبر خطاکارند -
نکوهش‌ازراویان حدیثها - پاسخ ازخرده گیریهاکه درباره پیروی‌ازامام کرده‌اند».

آغاز: بسمله . الله‌احمد حمدالایضاهی علی وجوب وجوده ... و بعـد فلماکان
کمال‌الایمان بمعرفة ائمةالزمان بمنطوق شریف‌القران .

انجام لنصف وثلث من‌ربیع آخراتی - لاعوام ذق‌ندتمام جماله .

۱۰ [۸۱۱]

۹۷۷ این نسخه بخط نسخ‌خوش باعنوانها ونشانه‌های شنگرف ازمحمد یحیی درروز
شنبه صفرسال ۱۰۸۷ میباشد . درهامش پایان شعرهائی درستایش از کتاب و
نگارنده‌آن بتعلیق خوش هست . محمدمهدی بن‌رضی‌الدین محمد هروی‌دارنده
نسخه بوده ومهراوهم هست. نیزمحمد صفی‌بن محمدتقی در بروجرد ج۱سال ۱۲۶۸ -
۱۵ مجدالدین بن صدرالافاضل در۱۷ خرداد ۱۳۲۲خ نسخه‌را بواقف یادگار داده‌است .
حسنعلی بن‌محمدصادق‌مجلسی الماسی‌مینو بسد که اینکتاب نگارش بیاضی است ومجلسی در
فهرست‌از آن‌یادنمود. (همه‌اینهادر گ۱الف). (ش۱۳۰ص۲۷۵ج۱فهرست‌سپهسالار)

(۴۰۱گ) -- کاغذ سمرقندی - جلدتیماج مشکی زرکوب
اندازه : ۱۷ × ۲۵ و۵ر۹ × ۱۷س۱۸

۲۰ [۶۶۷] **والاقة‌التجرید** (فارسی)

سید امیر محمد اشرف بن عبدالحسیب بن احمدبن زین العابدین علوی حسینی
عاملی (م ۱۱۴۵) نگارنده فضائل‌السادات گزارشی برتجرید خواجه طوسی بنـام
بالا نوشته‌است. دردیباچه نام‌او ونام‌گزارش‌دیده‌میشود . اودرپایان شرح«والامکان
یعطی جوازالعدم» ازشرح علامه وحاج محمود یاد میکند (گ۱۱۹ الف) همچنین
۲۵ درجاهای دیگر (گ ۳۵ب - ۳۶ب - ۲۷الف - ۱۰۳ب) .

آغاز: بسمله . حمد مرخدایرا که‌تجرید علائق جسمانیه وتهذیب اخلاق‌ایمانیه

را صراط‌المستقیم ابواب جنان .

انجام: پس قول آن حضرت است من ابتلی بشیء من هذه القاذورات فلیستر ها بستر الله و ایضا سیرت آنحضرت ص چنین بوده . تم الکلام بخیر المرام انشاالله . تم .

[٨١٢]

این نسخه بخط نسخ ومتن زبرخط سرخ و عنوان قال بشنگرف میباشد . ٥

٢٥٥ دربرخی ازجاها که تصحیح شده روی عبارتهای نادرست خط کشیده شده و این میرساند که نوشته خودعاملی است ولی دربرخی از جاها نسخه بدلها درهامش دیده میشود که گویا بخط دیگری است .

(١٣٢س) کاغذ سمرقندی جلد تیماج سبز مقوالی تازه

اندازه : ١٨×٢٤ و٨×١٨س٢١ ١٠

[٦٦٨] **فوائد المزید** (عربی)

دانشمند محمد جعفراسترابادی دراین رساله که دارای ١٥ فائده است از برخی ازمسئله‌های کلامی گفتگو نمود .

آغاز: بسمله . الحمدلله علی نواله ... فیقول ... محمدجعفرالاسترابادی هذه رسالة مساة بفوائدالمزید . ١٥

انجام : و عدم کونه علی‌سبیل المبالغة کماهوالتعارف فی‌الالسنة تم بالخیر والسعادة فی‌سنة ١٢٤٥ .

[٨١٣]

این نسخه شماره٣ دفتر بخط‌نسخ باعنوانها ونشانه هـای شنگرف ازهمان

٣١٩ بسطامی نویسنده شماره یکم میباشد. گ١١٦ب ـ١٢١الف . درکنار گ ١٠٧الف بخط تعلیق دارد: «روز زلزله‌نوشته شد. روزشنبه دوم ماه‌شوال المکرم ١٢٤٥» . ٢٠

[٦٦٩] **الفرائدالبهیه فی‌شرح‌العقائد البهائیه** (عربی)

فاضل‌حاجی مولی عبدالله بن نجم‌الدین‌قندهاری که در کابل‌وطوس میزیست درجوانی بررساله اعتقادیه شیخ بهائی گزارشی نگاشته ودلیل و برهان برای آن ٢٥

آورد ودرشب یکشنبه ۷شوال ۱۲۴٤ آنرا بپایان رساند. اعتقادیه بهائی دو ترجمه پارسی دارد که در فهرست طوس (ش ۳۵۵ و ۳۵٦ ص ۲٦ و۲۷ج ٤) شناسانده شده است .

آغاز: بسمله... الحمدلله الذی وفقنا لتبیین العقائد الدینیة وتدوین المقاصد الیقینیة

۵ **انجام** : ای عن الصغائر والکبائر والارجاس والنقائص البشریة بنص رب العالمین . وبعد ماختم الشیخ ... والحمدلله اولا وآخراً وظاهراً وباطنا .

[۸۱٤]

٤۰۱ این نسخه بخط تعلیق خوش باعنوانها ونشانهٔ های شنگرف ومتن در بالای هر صفحه ومیان شرح زیرخط نوشته شده وحاشیه هائی ازخود قندهاری درهامش

۱۰ هست . سرگذشت اوازمطلع الشمس (ج۲ص۴۰۱) درپشت برگ نخستین دیده میشود . نویسنده نسخه همان قندهاری است وپسراو عمادالوعظین (عمادخطیب) بخط خود درپشت همان برگ بسال ۱۳۲۷ نوشته و گواهی داد که این گزارش از پدر او است .

(۳۸۸گ) -کاغذ فرنگی -جلد تیماج سرخ

۱۵ اندازه : ۱۱ ، ۱۸ و۷ ، ۱۳س۱۵

[٦۷۰] فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم (عربی)

دانشمند ابن طاوس ابوالقاسم علی بن موسی (۵۸۹-٦٦٤) اینکتاب راکه در ده باب است نگاشته ودر آن روشن نمود که نجوم وستاره شناسی درست است و بسیاری از دانشمندان شیعی بدان آشنا بوده وبسی ازفرزانگان اسلامی پیش بینی های درستی

۲۰ کرده اند و پیامبران و پیشوایان از این دانش بیگانگی نداشتند . نام بسیاری از کتابهای ستاره شناسان که بدست او رسید دراینکتاب دیده میشود وفهرست خوبی است برای نام آنان ونگارش آنها . اوبرای درستی ستاره شماری واحکام نجوم از حدیثها نیز گواه میآررد ومیگوید که منکران پنداشتند که ستارگان در علم نجوم آفریننده دانسته شده واین بادین نمیسازد . چنین نیست بلکه ما آنها راآیتها و

۲۵ نشانه هائی میدانیم . او ازشبههٔ منکران نیز پاسخ میگوید. کتاب درروز سه شنبه ۲۰ محرم ٦۵۰ گویا در کربلا بپایان رسید ودرنجف بسال ۱۳٦۸ بچاپ رسید .

[۸۱۵]

۸٤۸ این نسخه بنسخ باعنوانهای شنگرف میباشد . پس از سر آغاز یك برگ سفید گذارده شده و ننوشته‌اند و نسخهٔ دراینجا افتاده دارد .

(۱۱۱گ) — کاغذسپاهانی ــ جلدتیماج سرخ ساده‌مقوالی

اندازه : ۱۵ × ۲۱ و ۵ر۸ × ۱٦ س ۱۹ ۵

[٦٧١] فناء الموجودات قبل القیامه (رسالة فی...) (عربی)

محمداسمعیل مازندرانی خواجوئی (م ۱۱۷۳) دانشمند متکلم پارسانگارندهٔ «ابطال الزمان الموهوم» و «الردعلی الصوفیه» بپارسی (روضات ص ۳ ـ ۳۱) در اینگفتار روشن ساخت که همه‌چیزها بجزخداوند پیش ازرستاخیز نابود میشوند.

آغاز: بسمله. بعد حمدالله المتوحد بالعزوالبقاء ... اقول وانا العبد ... محمد بن الحسین بن محمد رضا الشهیر باسمعیل المازندرانی . ۱۰

انجام : وارشدنا وایاك الی مافیه صلاحنا فی البدایة والنهایة . هذا جملة ما خطر بخاطری الفاتر وذهنی القاصر .. والصلوة علی نبیه و آله مابقی الغدو والاصال .

[۸۱٦]

۸۹۱ این نسخه شماره ۲ دوتراست وبخط نسخ باحاشیه «منه رحمه» بتعلیق شکسته گ ۳۹ ب ـ ۷٤ الف . شماره ۱ آن «رضاعیه» است بنسخ که ابوالحسن بن محمدرضا دامغانی در ۱۰۷۸ آنرا نوشته است . گ ۱ الف ـ ۳۸ الف . ۱۵

(همه دوتر ۷۴گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد مشکی فرسوده

اندازه : ۱۷ × ۲۲ و ۱۰ر ۱۷ س ۲۱

[٦٧٢] قواعد (عربی) ۲۰

کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی (م ٦٧٩) در اینکتاب از بسیاری از مباحث کلام بروش شیعی گفتگو نمود ودر ٦٧٦ آنرا بپایان رساند. در آغاز میگوید علم اصول دین را که برترین دانشها است بیاموختم و اکنون بدستور ابوالمظفر عبدالعزیز بن جعفر این رساله کوتاه رانوشتم .

آغاز: الحمدلله الولی الحمیدذی العرش المجید... فلماکان شرف العلم بشرف المعلوم . ۲۵

انجام : اعنی طبقة الاولیاء و باللّٰه التوفیق و العصمة و به الحول و القوه و الحمد للّٰه رب العالمین اتفق فراغ مصنفه و مؤلفه ... سنة ست و سبعین و ستمائة

[٨١٧]

این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط تعلیق محمد حسین گلپایگانی بسال ۱۳۲۷ گ ۱ب ـ ۷۶ب. در پایان دارد : «ووقع الفراغ من تحریر. فی الخامس والعشرین من شهر جمادی الاولی ۱۳۲۷» .

۲۹۷ ۵

|۶۷۳| کاشف الحق (فارسی)

درسر گذشت امامان و اثبات امامت آنها دفتری بنام «حدیقة الشیعه»(۱) بپارسی هست که شیخ محمد بن حسن حر عاملی م ۱۱۰۴ در امل الآمل (ص ٤٦٠) و شیخ سلیمان ۱۰ بن عبداللّٰه ماحوزی بحرانی (نزدیك ۱۰۷۱ـ۱۱۲۱) و شیخ عبداللّٰه بن صالح سماهیجی اخباری م ۱۱۳۵ و شیخ یوسف بن احمد درازی بحرانی م ۱۱۸٦ نگارنده حدائق در لؤلؤتی البحرین (چاپ سنگی بی شماره) و میرزا عبداللّٰه افندی تبریزی سپاهانی در ریاض العلماء و نوری (۱۲٥٤ـ۱۳۲۰) در مستدرك الوسائل (ج ۳ ص ٥ ـ ۳۹۳) آنرا از دانشمند پارسا احمد بن محمد اردبیلی دانسته‌اند . او در نجف میزیسته و شاه عباس ۱۵ یکم (۹۸۵ ـ ۱۰۳۸) گرامیش میداشته و درهمانجا درصفر ۹۹۳ درگذشت(۲) .

۱ ـ حدیقه در دو جلد و نخستین آن در سر گذشت پیامبر باید باشد مگر اینکه از جلد یکم آن سراغ ندادند . در آستانه طوس (ج ۱ ص ۳۲ ش ۱۰۳ اخبار) نسخه‌ای از جلد دوم آن هست و همین جلد یکبار در تهران بسال ۱۲٦٥ بخط تعلیق و باره دیگر بسال ۱۲۷۰ در ایران و سوم بار در تهران کارخانهٔ اللّٰه قلیخان بخط ابوالقاسم الشریف بن میرزا محمد ۲۰ رضای خوزانی سپاهانی و پدراو در ۱۵ شعبان ۱۳۰۳ در ۲۸۷ ص بچاپ سنگی رسید . کتابی بنام عقاید الاسلام بعربی چاپ عبدالصمد بن احمد تبریزی بسال ۱۳۲۱ در ۱٤٤ ص دیده شده که ترجمان آن محمد بن نقی میگوید که آن بترکی عثمانی از مولی محقق اردبیلی بوده است و در اثبات خدا و پیامبر و امام میباشد و بروش کلامیان با استدلال نوشته شده و نباید اینرا بجای جلد نخستین حدیقه پنداشت .

۲۵ ۲ ـ اردبیلی زبدة البیان فی براهین احکام القران (ایات الاحکام) را چنانکه در فهرست سپهسالار ج ۱ ص ۸۳ آمده در ۹۸۹ نگاشته است ولی در طوس دو نسخه هست که

بقیه حاشیه درصفحه بعد

دراین‌دفتر ازخود اردبیلی و نگارشهایش هم یادگردید و بدانها بازگشت داده شد و
نوری‌درمستدرك همه آنجاها رابرشمردودرهامش ص۱۰۰طرائق‌الحقائق میرمعصوم
علیشاه م۱۲۰۴٤٤ نیز برخی ازآنها آمده ودر روضات ص٢٤هم یادگردید(١).

نگارندۀ روضات‌الجنات(١٢٢٦-١٣١٣) و نویسندۀ طرائق‌الحقایق (ص۹۹)
ومحشی ذریعه ج٦ص٣٩٤ آنرا ازاردبیلی ندانستند زیرامحقق سبزواری م١٠٩٠ ٥
گفته‌که حدیقه ازمعزالدین اردستانی است ودرفهرست نگارشهای او ازاین‌کتاب
یاد نگردیدومولی‌محمود خراسانی گوید که‌حدیقه درهندنوشته‌شده وردبرصوفیان
را پس ازآن نگاشتندودرمیان آن‌گذاردند وهمه‌را ازاردبیلی وانمودکردندوملا
شاه محمد شیرازی همان اردستانی را دیده وازو پرسید واو آنرا ازخود دانست.
بگفتۀ حاج محمد جعفربن حاج‌صفرخان همدانی درآغاز مرآت‌الحق اردبیلی‌در ١٠
حاشیه تجرید بوحدت‌وجودگرائیده ودوراست‌که ازصوفیان نکوهش کرده باشد.

بقیه حاشیه صفحه قبل

یکی در٩٦٢ ویکی در٩٨٩ نوشته شده‌است (ج١ش٦و٧ص٢-٣ تفسیر وج٤ص٤٠٢)
اومجمع‌الفائدة والبرهان فی‌شرح ارشادالاذهان‌را در کربلا رمضان ٩٧٧ آغاز وجلد
یکم‌آن را درنجف١٠ع١سال٩٧٨بپایان رساندو کتاب درنیمه‌روز یکشنبه٢صفر٩٨٥ ١٥
انجام‌گرفت (فهرست‌سپهسالار ج١ص٤٤٢-همین‌شرح‌ارشاد چاپ‌سنگی‌ایران ازمحمد
نقی خوانساری بسال١٢٧٢).

١ - دراصل یکم حدیقه ص٣ دارد: «دررسالۀ اثبات واجب‌یادکرده‌ایم» که در
گ١٢س١٣ کاشف‌الحق چنین آمده: «مولانا احمد اردبیلی دررسالۀ اثبات واجب
فرموده» درص٤دارد: «مادراثبات واجب درباب اجماع چندکلمه سودمند یادکردیم» ٢٠
که درگ١٤ الف کاشف نیامده‌است. درشرح نزول سوره هل‌اتی به‌شرح ارشاد فقه
بازگشت‌شده (ص٢٣) وآن‌هم در کاشف‌الحق نیامده‌است (گ٣١ب‌س١٠) نوری در
مستدرك میگوید که درشرح ارشاد چنین چیزی دیده نشده مگراینکه درباب صدقه که
اکنون دردست نیست باشد. درباره ابوهاشم کوفی درص٢٠٨بازیادی اززبدةالبیان
میکند.درص٢٢٣ میگوید: «ومؤلف اینکتاب... احمد اردبیلی گوید مراگذار باصفهان ٢٥
افتاد». درص٢٨٧ دارد «این فقیر دررسالۀ که هم‌بفارسی نوشته است»واین درپایان
کاشف‌الحق دیده نمیشود.

آنهم نسخه‌ای ازحدیقه که پیش از۱۰۷۸ نوشته شده باشد دیده‌نشده کـه در آن
نگارنده‌را اردبیلی پنداشته‌باشند. مجلسی نیز حدیقه را از اردبیلی ندانست و خبر
های ضعیفی هم در آن آمده که‌ازاردبیلی گراینده بخبرهای عالی‌السندبسیار دوراست
(نوری گوید که درهنگام رد تمسك بچنین خبرها رواست) عبارات اینکتاب هم در
۵ کاشف‌الحق دیده‌میشود و بزبان پارسی‌است و ازاردبیلی پارسی‌نوشتن دورمیباشد.
سید ابراهیم‌بن امیرمعصوم قزوینی درحواشی امل‌الامل بنام متمم‌الامل نیز آنرا از
اردبیلی‌ندانست گویا دشمنان صوفیان که برای کمك بمیرلوحی دشمن مجلسی‌یکم
۱۲رساله در نکوهش ازابی مسلم خراسانی نوشته ودرنکوهش ازصوفیان توضیح
المشربین واصول فصول‌التوضیح نگاشته‌اند این‌بخش ازحدیقه‌راکه درردبرصوفیان
۱۰ است ساخته ودرکتاب اردستانی گذارده وهمه‌را ازاردبیلی نشان دادند . این‌بخش
بساخت نامهٔ جداگانه‌ای در نزد محدث نوری درنسخه‌ای نوشتهٔ ۲۸ شوال۱۱۶۹
بوده وبگفته همو آنرا درروزگار اردبیلی نوشته وازحدیقه‌گزین کرده‌اند.

گویااین‌بخش ازمحمد طاهربن محمدحسین شیرازی نجفی قمی اخباری م۱۰۹۸
شیخ‌الاسلام وامام جمعه باشد. او کسی بود که نماز آدینه را درنبود امام ناروا می
۱۵ دانست ودشمن دومجلسی وفیض بود وشاه‌سلیمان (۱۰۷۷ـ۱۱۰۵) میخواست او
را بکشد. اوحکمة‌العارفین والفوائدالدینیة فی‌الردعلی‌الحکماء والصوفیه نوشته که
مجلسی یکم‌اورا ردنمود گرچه فرزندش‌اینرا نپذیرفت. قمی‌قصیده‌رائیه‌ای‌درستایش
علی(ع) ونکوهش صوفیان دارد که خودآنرا گزارش نمود وهر دو بپـارسی است
(ذریعه ج۳ ص۴۱۷) .

۲۰ قطب‌الدین نیریزی م نزدیك ۱۱۷۳ درالحکمة‌العلویه (ش ۳۶۴/۳) میگوید که
اردبیلی دربرخی کتابها ودرتفسیر « الذین یتفکرون فی‌خلق‌السموات‌والارض » در
آیات الاحکام بروش صوفیانه رفت وبخش نکوهش از صوفیان حدیقه از ملا معز
اردستانی دشمن صوفیان است که درآن حدیثهای ساختگی خودرا آورده است-
این راهم بایددانست که دراین‌بخش ص۲۸۶ ازمرك میرمخدوم م۸یا۹۹۵ ونواقض

او (نوشتهٔ در ۹۸۸) یادمیشودوهمین میرساندکه آن ازاردبیلی م۹۳۰ نخواهد بود.

درطرایق الحقائق ص۹۹ از بستان السیاحه حاج زین العابدین شیروانی آمده که ازمولا محمد باقرخراسانی نگارنده ذخیره درباره حدیقه پرسیده‌اند او گفت درفهرست نگارشهای اودیده نشد و آن ازمعز اردستانی است و نکوهش صوفیان را هم بر آن افزودند. درهمان بستان چاپ ایران ۱۳۴۲ ص ۲۹ دارد « مصنف کتاب حدیقه وصاحب تبصره ودیگران مانند مولانا محمدطاهر قمی ...» ودرص۵ـ۲۴ از گفتهٔفخر العلماء مولانا احمد کابلی در پاسخ پرسنده‌ای چنین آمده که« برخی ازامامیان دشمن صوفیان چنین گفته‌اند» آنگاه سخنان اردبیلی درحدیقه(ص۹ـ۲۰۸) رانوشته است اودرص۳۳۵ بستان آنچه راکه درص۲۰۸ حدیقه درباره دسته های صوفیان آمده ردنمود ونامی ازاردبیلی نبرد و آن سخن رااز «علمای ظاهر» دانست. همو درریاض السیاحه چاپ ۱۳۳۹ ص ۱۲۰ خبرهائی از پیامبر وعلی(ع) در ستایش از تصوف آورد ودرص۱۲۶ میگوید که هفده دسته‌ای که برای صوفیان شمرده و آنرا ازرساله‌ای ازسید مرتضی میدانند درست نیست (بسخن نگارندهٔ حدیقه مینگرد) چه این رساله (تبصرة العوام) ازسید نمیباشد چنانکه اردستانی حدیقه را نوشته و بنام اردبیلی شهرت داد(۱) ـ باری حدیقه بساخت کاشف الحق در آمده ومیرمیران معزالدین محمدبن ظهیرالدین محمدحسینی اردستانی شاگرد ابن خاتون محمدعاملی دکنی این کتاب را در یکسال و نیم درحیدرآباد بسال ۱۰۵۸ نوشته وخود بدان نامی نداده وازخودنیز نامی نبرده است (درپشت نسخه ۹۲۷۸ طوس وپایان نسخه‌ما کسی آنراچنین نامیده‌است) این دانشمند درحیدرآباد میزیست . کاشف الحق اوهمان حدیقه‌است تنهاسه سطر ازخطبه وچندسطر پایان آنرا برداشت ودر آغاز آن دیباچه‌ای بنام قطب شاه سلطان عبدالله شیعی (غلکنده ۱۰۲۰ـ۱۰۸۳) افزود ودرپایان ازشاه اسماعیل

۱ ـ نیز بنگرید به: طرائق ص۹۴و۹۹ـ ذریعه ج۴ص۱۵۰و۴۲۲ و۴۹۵ وج۶ ص۶ـ۳۸۵ ـ فهرست طوس ج۱ ش۱۰۳ اخبار ص۳۲وج۴ش۹۲۷ص۲۱۸ـقصص العلماء تنکابنی ص۲۴۷ـ جلال الدین امیرسید بن محمدبن غیاث الدین محمدحدیقه‌را گزین نمودواو گویاهمان جلال الدین محمدبن محمد کاشانی باشد که مناظرهٔ احسائی وهروی را بسال ۱۰۰۱ بپارسی کرد .

یکم(۹۰۷-۹۳۰) بستود (گ۳۶۵ب) و بیتهائی در ستایش از کتاب و شاه عبدالله در پایان گذارد. بخش نکوهش از صوفیان هم در آن نیست. هر جائی که اردبیلی در آن گفته که در چنین و چنان کتابم گفته‌ام بجای آن «گفته است» آمده یا آنرا انداخته‌است و دارای یك مقدمه و یك باب در ۱۲ فصل و یك خاتمه در دو اصل میباشد در س۱۳ گ۱ الف کاشف الحق از عبارت «امید که از فاتحه تا خاتمه بنحویکه قابل خواندن و شنیدن اهل فضل و کمال باشد ...» برابر است با س۸ ص۱ حدیقة الشیعهٔ چاپ ۱۳۰۳ و در س۱ گ۳۶۵ب عبارت «شهرهای مشهور که از روزیکه بناشده هرگز بوی تسنن بمشامشان نرسیده و چون قم و کاشان و سبزوار و مشهد» از حدیقه است با دیگر گونگی (س۱ ص۲۸۷) و از اینجا باندازهٔ بیست سطر آن آورده نشد و دو صفحه خود اردستانی افزوده و کتاب را ۱۰ بپایان رساند و بیتی چند در بارهٔ انجام گرفتن کتاب و تاریخ آن و ستایش از شاه عبدالله آورد، است .

در گ۲۷۸ب س ۱۱ و ۱۲ جائی است که داستان پیدائی دولت عباسی و کار های ابوسلمه و ابومسلم و نکوهش از صوفیان که نزدیك به بیست صفحه حدیقه را گرفته است (ص۲۰۳-۲۲۳) باید باشد و اردستانی آنرا انداخت و عبارت را دیگر گونه ۱۵ ساخت و بجای عبارت «وایضا مذکوراست که حماد بن عیسی از آن حضرت استدعا نمود که خانهٔ خوب و زن نیکو و اولاد صالح از جهت او از خدا درخواست کند . . . و در حج آخرین در جحفه بجهت غسل احرام غرق شده برحمت خدا رفت (اینجا داستان صوفیان آمده) اگرچه مقالات وعقاید زشت و افعال ناشایستهٔ صوفیه بیشمار است و اخبار و احادیث درمذمت ایشان بسیار لکن چون این مختصر را بیش از این ۲۰ گنجایش نبود بهمین چند کلمه اقتصار نمود و ازجملهٔ مواعظ و نصایح ...» بدینگونه آورده است : « و در حج آخرین درجحفه برحمت خدا رفت وچون کرامات و معجزات را حدی نیست بهمین قدر اکتفا نمود و ازجملهٔ نصایح و مواعظ ...» گ۲۷۸ب س ۱۱ - ۱۲ .

در گ۲ الف وب نزدیك بسه سطر «چنانچه مقبول فرق انام ... موجود دروجود

الابیمری» آمده که درحدیقه نیست ودرگ ۳الف س ۵_۸ دوبیت ازمولوی باتفسیر
آن آمده که درحدیقه دیده نمیشود. نیز درگ ۲۹الف بیتی از مولوی آورده شد و
درگ ۳۱ب برعبارت حدیقه ص ۲۳ افزود واز آن کاست. درگ ۳۲الف نیز ازعبارت
حدیقه (ص ۲٤) کاسته است . اردستانی بارها بیتهائی ازمولوی وحافظ ودرگ ۱۲
س ۷ مصرعی ازشیخ عطار آورده است درهمینجا عبارتی ازاحقاق الحق شوشتری دیده ۵
میشود که درحدیقه نیست (ص ۹) وپیداستکه او اینکتاب رادرست از روی حدیقه
ساخته وگاهی عبارتهای آن را فشرده وکوتاه کرد ودربرخی جاها چیزهائی بر آن
افزود ودرسرگذشت امام زمان وکسانیکه ازشهرها بیاری او میآیند نام کسانی را
انداخت ودر بسیاری ازجاها عبارت را برگرداند آنچنانکه درمعنی اثری نکند یا
معنی درست دیگری را برساند مانند گ ۲۱الف س ۱۳ که عبارت را دیگرگون ساخت ۱۰
وگ ٤الف پایان فصل ۱ که یك سطر حدیقه را نیاورد چه در آن برساله اثبات واجب
اردبیلی بازگشت داده شده (ص ٤ چاپی) باید گفت که ایندفتر نمونهٔ آشکاری است
ازکتابهای ساختگی ومجعول. حاجی نوری درمستدرك ج ۳ ص ۳۹٤ میگوید که
نگارنده کاشف الحق مردی بود که برای دنیا بهند رفته بدربار قطب شاه راه یافت
واز حدیقه دزدیده اینکتاب را ساخت . ۱۵

آغاز: حمدیکه حامدان ملاء اعلی وذاکران کرهٔ غبرا ازادای آن عاجز آیند
(نسخهٔ ش ۹۲۷ تاریخ ۱۰۹۸ وش ۹۲۸ طوس) .

انجام: وازجمله معاونان... آنحضرت باشند بحق محمد وآله الطاهرین آمین
یارب العالمین .

بیت گفته : ۲۰

شکرحق راکه این خجسته کتاب — که درو نیست غیرصدق وصواب
بود پنجاه هشت بعد هزار — که بپایان رسید این گفتار
شکر که این نامه بپایان رسید — پیشتر از عمر بپایان رسید

[٨١٨]

٥٢٤ این نسخه بخط تعلیق از محمدسلیم بن حاجی محمد امین متولی درروز آدینه‌دوم ذی‌حجه بسال ۱۲۲۰ میباشد کـه مینویسد : «تمت کتاب کاشف‌الحق ... » واز دیباچه جز یك سطرو نیمی پیش ندارد وچنین است : «صحرای محشروتوشه آن

٥ راه پرخطر گردد ... واین رساله... مرتب شود برمقدمه وبابی وخاتمه . مقدمه‌دربیان مقصود ازلفظ امام وبیان احتیاج بوجود آن» سپس فهرست باب وخاتمه آنگاه مقدمه میآید . درپایان (گ‌٣٦٥ب) ازشاه اسماعیل صفوی وشاه «غفران پناه» هند (حیدر آباد) یاد میشودودرهمانجا ودر گ‌٣٦٦الف ازشاه دوست نوازدشمن گدازشاه‌عبدالله نام برده شده است .

۱۰ (٣٦٦گ) کاغذ فرنگی- جلد تیماج ضربی مقوائی
اندازه : ۱۸ . ۲۷ و۱۲×۵ر۲۱س۱۹

[٦٧٤] کشف‌الانوار (فارسی)

دراین گفتار امامت علی(ع) بروش شیعی ازروی آیتها وخبرها روشن میگردد.

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الذی جعلنا من‌المؤمنین‌الذینهم عن‌اللغومعرضون ... از

۱٥ این کلمات استنباط میشود که مابین اسلام وایمان عموم وخصوص مطلق‌است .

انجام : ذات‌نایافته ازهستی‌بخش ـ کی تواند که‌شود هستی‌بخش. وصلی‌الله‌علی محمد وآله .

[٨١٩]

این نسخه شماره۱دفتراست‌وبخط تعلیق خوش وعبارتهای‌تازی بنسخ‌وشنگرف

۲۰ ۱۲۸ ص۱ـ۱۲۰ درطوس‌نسخه‌ای بشماره۲٣٤ ازاین هست‌و« کشف‌الاسرار » نامیده شده‌گویا نگارنده این و« کشف‌المعاد» یکی باشد .

(همه دفتر ۹۲گ) ـ کاغذ فرنگی -جلد تیماج مشکی مقوائی حاشیه پارچه سرخ
اندازه : ۱۱۵×۱۷ و۵ر۶×۱۱س۱۱

[٦٧٥] کشف‌الفوائد فی‌شرح قواعدالعقائد (عربی)

۲٥ علامه حلی بخواهش فرزندخود فخرالمحققین برقواعدالعقاید،خواجه‌طوسی‌این گزارش را نگاشته است و آن در تهران بسال ۱٣۰٥ با چند رساله دیگر بچاپ سنگی رسید .

[۸۲۰]

۲۹۹ این نسخه بنسخ با عنوانهای شنگرف از زکریابن عبدالله در ۲۵ رجب ۱۰٦۳ میباشد .

(۳۲۹۹م)- کاغذ سپاهانی – جلد تیماج سرخ

اندازه : ٦ × ۵ر۱۴و۵ × ۵ر۱۰س۱۴ ۵

[٦۷٦] **کشف المعاد** (فارسی)

دراین گفتار ازرستاخیز ازروی آیتها وخبرها گفتگو گردید وبمنکران پاسخ داده شد .

آغاز: بسمله . ربنا انك جامع الناس ليوم لاريب فيه ... مخفی نماناد مستقبل ومآل امور خلق درمعاد بواسطهٔ اختلاف اقوال موجب تحیر گردیده . ۱۰

انجام : آرامگاه ایشان خواهد بود . ربنا اتمم لنا نورنا واغفرلنا انك على كل شيء قدير .

[۸۲۱]

۱۲۸ این نسخه شماره۲ دفتروبخط تعلیق خوش وعباتهای تازی بنسخ وشنگرف میباشد ص۱–٥٦ – نسخه‌ای ازاین درطوس (ش٤٤۹) هست ونگارنده این و«کشف الانوار» بایدیکی باشد . ۱۵

[٦۷۷] **كشف اليقين في فضائل امير المؤمنين** (عربی)

علامه‌حلی بدستور شاهنشاه‌محمد خدابنده اولجایتو(۷۰۳–۷۱٦)این کتاب را درباره برتری امیرمؤمنان علی(ع) نگاشته ودر آن چندفصل است وباالفين‌همو درتبریز بسال ۱۲۹۸ بچاپ سنگی‌رسید . ۲۰

آغاز: بسمله . الحمدلله القديم القاهر العظيم القادر الحليم ... فان مـرسوم السلطان الاعظم .

انجام : ولنقتصر على هذا القدر في هذا المختصر.. لان فضائله كثيرة لاتحصى والحمدلله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد ... وسلم كثيرا .

[٨٢٢]

٥۰٣ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف یا بسیاه درشت و از برگ ۲۲ تعلیق میباشد . برگهای ۱ تا ۱۵ افزوده شده و اندازه آن چنین است «۱۵/۵×۲۲ و ۹/۵×۱۵ ص ۲۱ » نویسندهٔ نسخهٔ مانند دیگر شمارهها احمد

٥ بن عبادالله ساوی نجفی در کربلا در نیمهٔ روزشنبه ۱۲ رجب ۱۰۱٦ میباشد . گ ۱ ب – ٥٤ الف . نسخه مقابله گردید . احمد بن زین العابدین حسینی کربلائی دارنده نسخه بوده است .

[٦٧٨] كفاية الاثر في النصوص على الائمة الاثناعشر (عربی)

علی بن محمد بن علی خزاز قمی شاگرد صدوق و ابی المفضل شیبانی نصوصی را

۱۰ که ازیاران پیامبر و امامان درباره دوازده امام آمده است آورد در دیباچه میگوید چون دیدم دشمنان دراین باره سخت خرده گرفتند تا اجائیکه برخی از شیعیان در شك افتاده و نص بر امامان را نپذیرفتند و گفتند که دراین باره از پیشینیان چیزی بما نرسید این بود که من اینکتاب را نوشتم .

آغاز: بسمله الحمدلله المتوحد بالقدم المنفرد بالازل المتعزز بالبقاء المذل عباده

۱٥ بالفناء لم یصحبه فی اولیته وقت ولا زمان ولا یضمنه قطر ولا مکان

انجام: وعرف الحق من الباطل والصدق من الكذب والله الموفق للصواب والله المرجع والمآب والحمدلله الكريم الرحيم الوهاب والصلواة والسلام على نبينا محمد وآله الى يوم الحشر والحساب .

[٨٢٣]

۲۰ ٥۰٣ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نسخ و عنوانها درشت بشنگرف یالاجورد و نشانه ها شنگرف از احمد بن عبادالله ساوی نجفی در شب چهارشنبه ۱۳ ذی قعده ۱۰۱۷ گ ۱۲۱ ب – ۱٥۱ الف و مقابله گردید .

[٦٧٩] کلام (رساله در..) (فارسی)

این رساله در کلام شیعی است و در ۲۸ فصل میباشد و فصل ۲۸ آن در امامت و

۲٥ خاتمه آن دو مقاله است نخستین درامر بمعروف ونهی از منکر و دوم در پند و اندرز

ونسخه ما چنين است :

آغاز: دال است برنفي و تأكيد . پس رؤيت از آن مسلوب باشد ... فصل بانجدهم در بيان انتفاء الم و لذت از ذات مقدس .

انجام : وباين دعا مداومت نمائي ... اللهم يا ارحم الراحمين . هذا يقيني و اعتقادي مع دلائله التي وفقتني لادراكها ... فانه رؤف بالعباد وهوارحم الراحمين . ٥

[٨٢٤]

٨٩٩ اين نسخه شماره ١٥ دفتر وبخط نسخ بـا عنوانهاى شنگرف نزديك ١٠٢٥ ميباشد گ ١ الف ـ ١٦ الف . اين نسخه ١٣ فصل نخستين و بخشى از فصل ١٤ را ندارد .

١٠ [٦٨٠] **الكلام والرؤية (رسالة في ...)** (عربي)

نگارنده اين رساله از كلام نفسى وديدنى بودن خدا گفتگو ميكند ونخست كلام نفسى خدا را اثبات سپس نشان ميدهد كه كلام نفسى چيست آنگاه سخنان مخالفان را ميآورد پس ازاين به بحث ديدنى بودن خدا ميرسد و پيداستكه نويسنده كتاب اشعرى است. ازشرح مواقف ايجى وميرسيد شريف گرگانى ومحقق تفتازانى ياد ميكند ودر (برگ ١٢ الف) مينويسد: «قلت لبعض مشاهير ديارنا» درهامش دارد: ١٥ «المراد منه خضربك» پس نويسنده درروزگار خضربك ميزيسته است . درآستانه طوس (ش ٦٩٠) رساله ديگرى درهمين دومسئله از ابن خطيب رومى محيي الدين محمد بن تاج الدين (م ٩٠١) هست كه براى سلطان بايزيد خان (٨٨٦ ـ ٩١٨) نوشته است .

٢٠ **آغاز:** بسمله و به ثقتى، في علم الكلام وفيه ثلثة مباحث. في اثبات كونه متكلماً وتعيين الكلام النفسي الذى اثبتوه(؟!) اهل الحق ومغايرته العبارات والعلم والارادة .

انجام : يجوز ان يقع الرؤية حال التكلم وحيا اذا الوحى كلام بسرعة وهولا ينافي الرؤية فلادليل فيه على ماذكر وا اصلا. تمت الكتاب .

[٨٢٥]

۱۰۸٦ این نسخه بتعلیق نوشنه شده و نشانه‌ها در آن بشنگرف است .

(٦١س) - کاغذ ترمه سمرقندی جلد ندارد .
اندازه :۱۳×۵ر۱۷ و۵ر٦×۵ر۱۲س۲۱

۵ [٦٨١-٦٨٧] **گفتار های سیدمرتضی** (عربی)

ازدانشمند ادیب کلامی فقیه شیعی علم‌الهدی سیدمرتضی ابوالقاسم علی بن الحسین موسوی (۳۵۵-٤۳٦) پاسخها و گفتارهائی بیادگار ماندکه در آنها از پیامبری و پیشوائی و آفریدن هستی ازنیستی و جهان ذروستایش و نکوهش ازپرندگان و دامها وخوردنیها وزمینها (که آنرا نمیپذیرد) و گرد آوردن قرآن و حجیت خبر واحد
۱۰ ودیگر مسئله‌های کلامی وفقهی گفتگو نمود. اودر این رساله‌ها سخنانی دارد که دانشمندان پس ازوی آنها رانپسندیدند .

دراینکتابخانه هفت گفتار اوهست .

۱ - پاسخهائی است که او بکسی داده ودرآن ازپیامبری وپیشوائی و آفرینش چیز ازناچیز وجهان ذروبدی وخوبی جانوران وجمادات وجمع قران وخبرواحد
۱۵ یاد گردید . در دیباچه از پرسنده میستاید که این مسئله‌ها را هوشمندانه وخوب برگزید ومیگویدکه پرسش بهمان اندازه دانش پرسنده‌را میرساندکه پاسخ زیرکی پاسخ‌دهنده‌را. پس ازپاسخ پرسش ۱۵ ازمردمی گفتگو میکندودرآن سخنان ابوسهل نوبختی در(کتاب فی‌الانسان) وابن راوندی و نظام را ردمیکند و روش کلامی او بخوبی دراینجا پیداست . درآن ازشافی خود یادنمود(گ٦الف) درمسئلهٔ۷ آشکارا
۲۰ میگویدکه اعجاز قران ازروی صرفه‌است(۱) .

---

۱ - بیرونی در«الهند» میگوید که بید (Veda =ودا) راگروهی از هندوان گویند معجزاست و کسی نمیتواند مانندآن بسراید. دانشمندانآنها میگویند که مردم میتوانند مگراینکه چون آن‌ راازبس بزرگ میشمارند یارای چنین کاری را ندارند (ص٦۱) پس گویا این‌صرفه را متکلمان ازبرهمنان گرفته باشند . از آنها نخستین بار

۲۵ بقیه حاشیه درصنحه بعد

آغاز: بسمله و به نستعين الحمدلله علی البصيرة فی دينه والارشاد الی يقينه... فانی وقفت علی المسائل التی تضمن الکتاب الوارد ذکرها .

انجام : چنانکه در نسخهٔ ما هست : وليس العلم بالحی القادر متعلقا بالاجزاء التی يدخلها الزيادة . والنقصان وانما يتعلق بالجملة (گ١ب ـ ٥١الف) .

٢ ـ پاسخ بپرسش درباره خبرواحد در٩ فصل . در پرسش از سيد نام برده شد (گ٥٢ب ـ ٨١الف ـ برخی جاهای نسخه سفيد است) .

آغاز: بسمله و به نستعين. بحمدالله نستفتح کل قول و نستعين علی کل عمل... وقفت علی المسائل التی سالت احسن الله توفيقك .

انجام : ويغنی عن ذلك کلة مابيناه ورتبناه. وقداجبنا عن هذه المسائل بمااتسع له وقت ضيق . تمت المسائل واجوبتها بحمدالله ورحمته .

٣ ـ پاسخ بهشت پرسش درباره اينکه چرا آفريننده گوهر راگوهر نسازد وگرنه رواست آنرا بساخت عرضی مانندسياهی درآورد ودرباره توانائی وزندگی وعرض و پيش بينی ستاره شناسان وکردارستارگان وخواب ودرباره اينکه انديشنده ونگرنده تادرشك نباشد بدانائی نخواهد رسيد ودرباره خبر واراده . او در اينجا بفيلسوفان ميتازد وجهان جان را ياوه ميداند وميگويد آنچه آنـان درباره جان گفته اند روشن نيست (١٠٠الف) وسخن صالح قبه را از«مقالات» ميآورد که: «هر چه درخواب ميبينند راست ودرست است» سپس ميگويد که اين گفتار مانند سخنان سوفسطائيان نادان است (٩٨ب) (گ٨٢ب ـ ١٠٤الف) .

بقيه حاشيه صفحه قبل

نظام بصری معتزلی (١٦٠ـ٢٢١) سپس هشام بن عمرو فوطی بصری (م نزديك٢١٨) وعباد بن سليمان صيمری (م نزديك٢٥٠) وابوالحسن اشعری وابواسحق نصيبی اشعری وشيخ مفيد (٣٣٨ـ٤١٣) وسيد مرتضی وشيخ طوسی (٣٨٥ـ٤٦٠) وجوينی (٤١٩ـ ٤٧٨) درالعقيدة النظاميه ص٥٦ چنين گفته اند (بنگريد به: شرح تجريد قوشچی ص٣٩٦ چاپ سنگی چاپخانه ملاعباسعلی کتابفروش بسال١٣٠١ واوائل المقالات مفيد چاپ دوم تبريز بسال١٣٣٠خ ص٣١ـو١٢١و١٢٢ ومسئله٣٤ ازمسائل عکبری مفيد) .

آغاز: بسمله و به نستعين . قال سيدنا الشريف السيد الاجل الاوحد المرتضى ذوالمجدين علم‌الهدى تغمده‌الله برضوانه : وقفت علي ماانفذه‌الاسناد ادام‌الله عزه من المسائل ... ابتداء بان قال : امانعم‌الله تعالى علي الخلق بدوام بقاء سيدناالشريف ... المرتضى علم‌الهدى .. فالالسن تقصر عن اداء شكرها .

٥ **انجام** .حتى يؤثر ماقلناه من المقارنةلاول‌جزء من‌اجزائه. تمت‌المسائل‌والجواب بعون‌الملك‌الوهاب . والحمدلله‌رب‌العالمين . آمين

٤ ـ پاسخ باين پرسش که آيا بايد ماه را ديد يا‌بشمارش بس نمود . او ميگويد كه همهٔدانشمندان‌ما بجزدسته‌ای ازپيروان حديث بديدن‌ماه ميگويند وازگفتارش پيداست كه يهودان نيـز در اين‌باره دو گروه بوده‌اند . باز ميگويد كه اخباريان

١٠ خواستند آيت « كتب عليكم‌الصيام كماكتب علي‌الذين‌من‌قبلكم ... ايا مامعدودات» راگواه گيرندوروزه مسلمانان‌رابا روزه يهوديكی‌سازند چه‌يهود بشمارش‌ميگرايند نه ديدن ماه پس در اسلام هم ديدن آن بايستنی نيست ـ اين مسئله را نخستين‌بار ابن ابی‌العوجاء آورد (ص٢١٥اينفهرست) واسماعيليان هم‌بدان آشنابودند .(١٠٤ ب ـ ١٢٥ الف) .

١٥ **آغاز:** بسمله وبه‌نستعين . الحمدلله علي‌وافرالحباء وباهر العطاء ... وقفت‌احسن الله توفيقك على ماانفدته من‌الكلام المجموع فی نصرةالعدد فی‌الشهور والطعن على من‌ذهب الى‌الرؤية .

انجام : وتعذر استدراك فرضه عليه وهـذاكله واضح لمن‌تامله بعين الانصاف · تمت‌الكتاب بحمدالله تعالى .

٢٠ ٥ ـ متفردات اماميان‌كه ١١٠ مسئله‌را يادميكند وبرای همه آنها دليل‌ميآورد واجماعی ميداند . ميگويدكه دانشمندان‌ما ميگفته‌اندكه بكار بستن قياس و خبر واحدرا خرد ناروا ميداند وچنين نيست زيراشايد خرد آن‌را روا بدارد و تنها در دين ناپسنديده باشد . سيد اينگفتار را نزديك‌بربيع يكم سال ٤٢٠ بپايان رساند (١٢٥ ب ـ ١٤٧ الف) .

آغاز: قـد اجبت عن‌المسائل الواردة فی‌شهر ربیع‌الاول من‌سنة عشرین و اربعمائة بما اختصرت‌الفاظه .

انجام : والکلام فی هذه‌المسئلة طویل . وهـذه جملة کافیة وسنبسطه فی مسائل‌الخلاف انشاءالله تعالی . تمت‌المسائل بحمدالله وعونه .

٦ ـ گفتاری است ازهمو و٩ مسئله فقهی است . (١٤٧ ب ـ ١٥٦ ب) .   ٥

آغاز: بسمله وبه نستعین . قد اجبت ادام‌الله لکم‌السلامة واسبق(؟)علیکم ـ الکرامة .

انجام ویطلق فیه انه مکاتب وهذا بین لمن تأمله . تمت المسائل بحمدالله تعالی وعونه .

٧ ـ پاسخهائی است ازهمو در٦٦ مسئله فقهی . (١٥٧ب ـ ١٦٦الف) .   ١٠

آغاز: بسمله. نحن ـ اطال‌الله بقاء سیدناالشریف‌الاجل‌المرتضی علم‌الهدی... وکبت اعداه وحسدته ـ فی‌دیار متاخمة لدارالکفر .

انجام: حلت لهم‌الصدقة مع‌المنع من‌هذاالخمس . والله‌الموفق‌للصواب. تمت المسائل والرسائل بحمدالله وعونه وحسن توفیقه .

[٨٣٢ـ٨٢٦]   ١٥

این نسخه‌ها شماره‌های ١ تا٧ دفتراست وبخط نسخ بـا عنوانهای شنگرف

١٠٨٠ سلیمان‌بن مولانا مبارك‌بن ابراهیم بن عبداله بن معین‌الدین قریشی میباشد وبرخی جاها سفید وعبارات ناقص است .

[٦٨٨]   **گفتگوی حسن بصری باشمعون**   (فارسی)

حسن بصری(٢٢ـ١١٠)باشمعون آتش‌پرست گفتگوئی‌نموده ودرآن‌درستی آئین اسلام‌را روشن نمود اینك پارسی آن دراینجا شناسانده میشود .   ٢٠

آغاز: نقل است که حسن‌بصری همسایهٔ داشت آتش پرست نام او شمعون دربیماری مرگ افتاده .

انجام : گفت خداوندا معلوم است که کارتو بغلط نیست .گبرهفتادساله‌را ...(بریده شده) مؤمن هفتادساله راکی محروم کنی .   ٢٥

دوستان را کجا کنی محروم　　　　تو که با دشمنان نظرداری

[٨٣٣]

این نسخه شماره ۲ دفتر بخط تعلیق شکسته و بخشی از آن مورب نوشته شده است
۱۰۳۸ گ ۱۹ الف . در پایان دارد : «تاریخ سسم شعبان المعظم در اکبر آباد قلمی اقل
٥ خلق الله خاك قدم فقرای باب الله محمد باقر اصفهانی» .

[٦٨٩]　　　　گوهر مراد　　　　(فارسی)

ازفیاض ملاعبدالرزاق بن علی بن حسین گیلانی لاهیجی (م ۱۰۷۲) فیلسوف متکلم شیعی شاگرد صدرای شیرازی که با فیض کاشانی هردو شوهر دختر ملاصدرای شیرازی بوده‌اند و شیرازی اورا فیاض و کاشانی را فیض خوانده است .

۱۰ اوروش استادرا درفلسفه ندارد وخودش مشرب دیگری گرفته است (ریحانة الادب ج ۳ ص ۳۷۰) این کتاب برای شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷) پیش از «سرمایهٔ ایمان» نوشته در ۱۰۵۸ نگاشته شده ودر یك مقدمه وسه مقاله و یك خاتمه است و یك دوره کلام را بفارسی دارد ودرسال ۱۲۷۷ در ایران بچاپ سنگی رسید .

(دیباچه سرمایهٔ ایمان - فهرست طوس ج ۱ ص ۱٤٤)

[٨٣٤]

۱۵ این نسخه بخط نسخ روشن باعنوانهای شنگرف وشکلهای زیبا وسرلوح زیبا
۲۷٦ دارد بطلا ولاجورد وشنگرف ودرجدولی است زرین و در ۱۰۹٤ ابراهیم بن
حاجی محمد حسین خراس خانه‌ای استرابادی آنرا نوشت .

(۲۵۸ برگ - کاغذ سپاهانی - جلد فرنگی
اندازه : ۱۷×۲۸ و ۱۱×۲۰ س ۱۹

۲۰ [٦٩٠]　　　　اللوامع الالهیة فی المباحث الکلامیه　　　　(عربی)

دانشمند شیخ ابی عبدالله مقداد سیوری حلی (م ۸۲٦) دراین نگارش بسیارشیوا ورسا در ۱۲ لامع از کلام بروش دانشمندان شیعی گفتگو نمود ودر روز چهارشنبه ۲۹ ج ۱ سال ۸۰٤ آنرا بانجام رساند وخود آنرا چنین نامید .

آغاز: بسمله الحمد لله المستحق لاجلال مبدع انطق بآیات وجوب وجوده هویات الاشیاء و

۲۵ اغرق فی تیار بحار الوهیته عقول العقلاء واحرق فی انوار جمال کبریائه اجنحة افکار العلماء .

انجام : والعفو عند كرام الناس مأمول . والحمدلله وحده والصلوة على من لانبي بعده و آله الطاهرين الاكرمين و وقع الفراغ من تصنيفه يوم الاربعاء تاسع عشرين شهر جمادي الاول من سنة اربع وثمانمائة هجرية و كتب مصنفه العبد مقداد بن عبدالله الاسدي غفرالله له ولوالديه ولمن صنفه له ولمن ينتفع به ولوالديهم ولكافة المؤمنين اجمعين بمحمد واله المعصومين . رب اختم بالخير ـ هذا آخر صورة خط المصنف رحمه الله . والسلام والدعاء .

[٨٣٥]

٣٦٨ این نسخه شماره ١ دفتر و بخط تعليق خوش با عنوانهای شنگرف و با حواشی میباشد. صورت خط سیوری در پایان بتعلیق شکسته دیگر میباشد گ١ب ـ ١٥٨ الف . بالای دو برگ نخستین بر بده و وصالی شد و در برك دوم چند كلمهٔ متن رفته است .

در پایان نسخه سخنانی است از شیخ بهائی و از تفسیر عروة الوثقی نگارش همو (١٥٩ب ـ ١٦٠ الف) و گفتاری از بابا افضل کاشانی در باره کمال علمی و عملی نفس ناطقه (١٦٠ب) همه اینها بخط شکسته است. در روی برگ پیش از یکمی محمدرحیم نامی بخط خود نوشته و کتابرا از سیوری دانست و در گ ١ الف رباعی هست که در تاریخ ١٢٧٥ نوشته شده .

همهٔ دفتر ١٦٢گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد ساده تو آن سرخ .
اندازه : ١٢ در ٢١ و ٦×١٣ س ١٧

[٦٩١] مالا يسع المؤمن جهله (عربی)

مأمون (٩٨ـ٢١٨) فضل پسر سهل ذی الریاستین را نزد امام رضا(ع) (١٤٨ ـ ٢٠٣) فرستاد وازاو درخواست که اصول وفروع دین را برای او بنگارد امام دوات و کاغذ خواست و این گفتار را بنوشت و امامان پیشین را تا پدر خویش در اینجا برشمرد.

آغاز: نام خدا وستایش او و درود بر پیامبر ، حدثنا ابوعبدالله الحسين على بن الفضل ... ان المأمون بعث الى الامام ... و كتب بسم الله الرحمن الرحيم . اول الفرائض شهادة ان لااله الاالله .

انجام : والاصرار على الصغائر من الذنوب والسلام على من اتبع الهدى .

[۸۳٦]

۱۰۱۵ این نسخه شماره ۳۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ ۱۰۰ الف ـ ۱۰۵ الف .

[٦۹۲] مشرق الانوار الملکوتیه فی بیان عقائد الذریة المصطفویة (عربی)

۵ دانشمند محمد بن علی بن عبدالنبی بن محمد بن سلیمان مقـابی بحرانی در این کتاب که در ٦ باب است از کلام بروش شیعی گفتگو نمود و بهمان حدیثها بس کرد ودلیلهای فیلسوفان را بیهوده دانست. اومیگوید که خواندن نگارشهای گمراه کننده دردین و آئین نارواست ودر استدلال باندیشه‌های خرد نباید گرائید . این نگارش را اودر بامداد ۱٤ ج ۱ سال ۱۱٦۹ بپایان رساند .

۱۰ **آغاز**: بسمله . الحمدلله المحتجب عن ابصار خلقه بانوار عزته، فلم یدرك لاحد من خلقه الا بآثار قدرته .

انجام : لایلتفت الیها فی مقابلة النص الصحیح الصریح مع انها مزیفة بادنی تأمل فتامل . وقد تم التصنیف ... وقد فرغ مؤلفه ... سنة ۱۱٦۹ حرره محمد بن علی . . . المقابی البحرانی . غفرالله له ... وصلی الله علی محمد و اله الطیبین الطاهرین .

[۸۳۷] ۱۵

٦۹۵ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط نسخ بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف از راشد بن عبدالله بن حسن البازیاری در ۱٦ ج ۲ سال ۱۱٦۹ نزدیک یکماه پس از نگارش مقابی . گ ۱ ب ـ ۳٦۳ ب .

[٦۹۳] مصائب النواصب (عربی)

۲۰ معین الدین میرزا مخدوم محمدعلی حسینی شریفی (۹٤۷ ـ مکه ۹۹۵ یا ۹۹۸) دانشمند حنفی فرزند میر شریف عبدالباقی نواده داعی صغیر حسن بن قاسم فرمانروای آمل (۳۰٤ـ۳۱٦) میباشد .

پدر اوفرزند دختر شریف دوم بوده واین شریف کسی است که دستور کشتن شیخ الاسلام هروی را داد وعلی بن عبدالعالی محقق کرکی (م ۹٤۰) گفته بود چرا پیش

پیش ازمناظره کشته‌اید . همین شریف صدراعظم شاه اسماعیل یکم صفوی (۹۰۷-۹۳۰) دشمن عثمانیان و پسرشمس‌الدین محمدشیعی (م ۸۳۸) پسرمیر سید شریف علی حنفی گرگانی استرابادی شیرازی(۸۴۰-۸۱۶) بوده‌است(۱). نیای پدری میرزا مخدوم پاشاروزبهان نگارنده ابطال نهج‌الباطل است(روضات ص۵۰۰) مادرمیرزا مخدوم دختر میرزا شرف‌حسن قاضی جهان سیفی وزیرشیرازی قزوینی است. پدر اوشریف سوم میرعبدالباقی گاهی امیر و گاهی وزیر شاه تهماسب یکم صفوی(۹۳۰-۹۸۴) ونیای او وزیراسماعیل یکم‌شده بود

این میرزامخدوم ازشاگردان عبدالرحمن‌بن‌زیاد زبیدی مالکی وابن حجر مکی‌مصری (۹۰۹-۹۷٤) بشمارمیاآمده سنی ودشمن شیعی گشت. اواستادو وزیر شاه اسماعیل دوم صفوی (۹۸٤-۹۸۵) بوده وباگروهی قلندران نقشبندی اورا از آئین شیعی بدربردند وهمین اسماعیل‌است که دوانی (۸۲۸-۹۰۸) برای اورساله‌ای درناروائی متعه‌نوشت. این‌شاه ازاین پس دستورداد که برسکه ها نام امامان نگار نکنند. میرزامخدوم نخست خطیب بوده بسنیان دشنام میداد ودرروزگار اسماعیل دوم سنی گشت وپس از برکنار شدن ازکار و مرگ اسماعیل بدربار عثمانی رفت وگفت که من‌شافعی بودم وحنفی گشتم . آنان‌اورا مفتی وقاضی‌مکه وعراق کردند ومدرس مدرسه مرجانیه بغدادشد ودر۹۸۷ درآنجا بقضا وفتوی میپرداخت(۲) .

۱ــ درلب‌التواریخ یحیی قزوینی ص۲۵٦ آمده که‌درجنك چالدران میان‌اسماعیل یکم صفوی وسلطان‌سلیم عثمانی (۹۱۸-۹۲٦) رجب‌سال ۹۲۰ میرعبدالباقی ومیرسید شریف ازسرداران سپاه اسماعیل بوده و کشته شدند . شوشتری درمجلس۷مجالس المؤمنین می‌نویسد که بگواهی سید محمد نوربخش لحساوی خراسانی (۷۹۵-۸۸۹) وشیخ محمدبن ابی‌جمهور (زنده در۸۹۵و۹۰۱) میرسید شریف گرگانی شاگردقطب رازی شیعی وابن میثم بحرانی و بگواهی مولانا خضر رازی حبلرودی نجفی شاگرد شمس‌الدین محمد، اوو پسرش هردو شیعی بوده‌اند .

۲ ــ گویند میرزامخدوم پدرسید محمدناصبی پدرمیر ابوالفتح‌شرقی شریفی شیعی (م۹۷٦ دراردبیل) نگارندهٔ آیات‌الاحکام یاتفسیرشاهی بنام تهماسب‌یکم (۹۳۰-۹۸٤) میباشد (روضات ص۵۰ــ ریحانة الادب ج۲ص۲۲٦) !!

او کتابی کلان درخرده گیری از آئین شیعی نوشت سپس از آن گزین کرده نواقض الروافض بساخت ودر ۹۸۸ بسلطان مرادسوم عثمانی (۹۸۲_۱۰۰۳) ارمغان داد . نواقض را محمدبن عبدالرسول برزنجی کردی (م ۱۱۳۰) گزین و کوتـاه نمود (کشف الظنون) .

۵ قاضی نورالله شوشتری (۹۵٦_۱۰۱۹) مصائب النواصب را به(قال اقول)درخرده گیری از نواقض بنام شاه‌عباس یکم صفوی (۹۸۵_۱۰۳۸)در۱۷ شبانه‌روز بپرداخت ودررجب ۹۹۵ آنرا بپایـان رساند واین شاه‌هم این ارمغان را بر کتابخانه آستانه طوس وقف نمود(۱) . درزایت پنجم میرمخدوم گوید که شیعیان آرامگاه بسیاری ازدانشمندان شایسته‌را ویران ساختند وخواستند بدن آنها رابسوزانند مانندقاضی ۱۰ بیضاوی وقطب الاقطاب ابواسحاق کازرونی وعین القضاةهمدانی ونیز آرامگاه‌مجتهد اعظم وامام اقدم‌را خوار بداشتند . شوشتری گوید که این بدستور نیای تو شریف پیشین بوده است (گ۲۳۹ب) .

۱ ـ ابوعلی محمد کبلائی (۱۱۵۹_۱۲۱۵) نواده‌شیخ‌رئیس ونگارندهٔ منتهی المقال ردی بر نواقض بنام عذاب النواصب علی الجاهد الناصب نوشت (ش۸۹۱ طوس) مصائب ۱۵ النواصب رامحمد اشرف بن عبدالحسیب بن سیداحمد عاملی سپاهانی نواده سیدداماد و شاگرد مجلسی ونگارندهٔ فضائل السادات بخواهش احمدبیك یوزبـاشی بسال ۱۰۷۰ بپارسی کرد (ش۲٦۰ج۱ص۸۳فهرست طوس) .

علاءالملك محمد علی پسرقـاضی نورالله هم آنرا بدستور سلطان محمد قطب شاه (۹۸۹_۱۰۲۰ م ۱۰۳۵) بپارسی کرد همچنین میرزامحمدعلی مدرس رشتی‌چهاردهی ۲۰ (۱۲۵۲_۱۳۳٤) نواقض ومصائب هردورا بسال۱۳۰۸ بپارسی نمود .

یکی ازدانشمندان روزگار شاه عباس یکم بنام محمدتقی حسینی هم آنرا بپارسی درآورده بود .

بنگرید به : فیض الاله فی ترجمة القاضی نورالله از جلال الدین حسینی کـه باصوارم مهرفه درتهران بسال۱۳۲۷خ بچاپ رسید ـ روضات الجنات ص۵۰۰و٤۷٦ ـ عالم آرا ۲۵ ص۱۱۵ ـ فهرست آستانه طوس ش۱۰۰۳ (تاریخ۱۰۵۱ درلاهور) و۱۰۰٤ (سال ۱۲۸۵) و۱۰۰۵ و۱۰۰٦ که دراینها ٤ نسخه ازمصائب شناسانده شده نیـز ش۱۰۵۹

بقیه حاشیه در صفحه بعد

درروایت چهارم میرمخدوم گوید که شیعیان نوروز را گرامی میدارند بااینکه
دانشمندان این را کفر میدانند گ ۲۳۷ ب و آنها بصوفیان بد میگویند و شهید در مکاسب
دروس تصفیه باطن را ناروا دانست گ ۲۰۶ ب دراینجا یادی ازامیرفضل‌الله استرابادی
شیعی پارسا میشود . نیز میگوید که آنها متعه و تحلیل امه را روا میدارند و من چون از
۵ متعه سخت بازمیداشتم قزلباش ریختند تامرا بکشند و من با عبدالعالی بن علی درباره
متعه گفتگو کردم گ ۲۱۲ الف و ابن عبدالعالی قبله شهرها را برگرداند ۲۲۵ الف
(۱۹۹ ب) دراینکتاب یاد میشود از: میرعلی شیرنوائی که ملانباتی شاعرشیعی براو
چیره بود ودوانی درباره نباتی گفته: «اوملاء شاعران وشاعر ملایان است» گ ۲۱۵
الف ومصباح الشریعه صادق (ع) ۲۰۹ الف وحیل شرعی محمدبن شجاع شاگردمحمد
۱۰ بن حسن ۲۱۳ الف وحلیه ابوالمحاسن رویانی که اهل قبله را کافر نمیدانست ۵٤ ب
ومغیث الخلق فی تعیین المذهب الاحق ابوالمعالی جوینی ۳۹ ب و مستظهریه وسر العالمین
غزالی ۵۱ الف ۹۷ ب ومقالات اشعری ۵٤ الف والنقض عبدالجلیل رازی ۲۱۹ الف
در حاشیه و نامه های قطب‌الدین محیی شیرازی ۵۱ ب و نکت الادله انصاری
۵٤ ب وتفسیر سیدمعین‌الدین اشعری شافعی ایجی ۲٤ الف وروضة‌الاحباب بفارسی
۱۵ ۳۰ ب وگزارش فارسی شقشقیه پدر شوشتری ۴۰ ب وشرح منازل‌السائرین ابن قیم
حاشیه ۱۶۶ ب وتنفیذالقواعد سیوری حاشیه ۱۵٤ الف وگزارش کشف‌الحق ونهج

بقیه حاشیه صفحه قبل

آنجا درباره نواقض وش ۱۰۶۰ درباره رسالهٔ حرمت متعه دوانی ــ مجله دانش ش ۳ سال
دوم دی ۱۳۲۹ خ ص ۲۱۰ ــ ترجمه دانشمند چهاردهی را نواده او دانشمند گرامی آقای مرتضی
۲۰ مدرسی چهاردهی درتهران بسال ۱۳۶۹ بچاپ رساند وسرگذشت میرمخدوم از روضة
الصفویة گنابادی وعالم آرا وگفتار شهاب الدین تبریزی و دیگران در آنجاهست ــ
شوشتری دردیباچهٔ همین نواصب اندکی ازسرگذشت میرمخدوم را آورد ومی نویسد
که اسماعیل دوم بر اثر افیون و زندانی بودن و ازترس دشمنان نیرنگی باخته بآئین
سنیان گرائید و بمیرمخدوم وزین‌العابدین کاشی دستور داد تااین کیش را میان مردم
۲۵ رائج سازند وفرجام کاراین شد که برخی خواستند اورا ازشاهی بیاندازند، یا بکشند.
او دریافت ودشمنان را بازبداشت ومیرمخدوم نیزازآنها بوده وتامرگ شاه درزندان
بسر میبرد .

الصدق ازخواجه ملاصاعد سنی سپاهانی ۶۶ب و ۹۰ب و ۲۱۵الف و تعلیقات شوشتری برشرح قاضی ایجی ۱۹الف .

اینکتاب دارای ۸مقدمهٔ و ۶جند(۱ آیات ۲ احادیث ۳دلیلها در۱۵ صف ۴نکوهش ها در۲۳طایفه ۵بدیها در۷رایت ۶ گفتگوی دوفقیه حجازی وعراقی درباره مذهب)
۵ شوشتری در بسیاری ازجاها نثروشعر فارسی از خود ودیگران آورده است . میر مخدوم دررایت۷ جند۵ گ۱۴۳ب ازبیش از۱۵سال پیش ازاین که جوان بوده است یاد میکند که چله می نشست و نوشته‌های صوفیان میخواند ومیرساند که دراینهنگام پیش ازسی سال دارد ومیگوید که در تاریخ ۷۲در۲۵ سالگی ازحج نخستین خود برگشته بشام رسیدم . ازاینجا برمیآید که او در۹۴۷ زاده است . باری نواقص و
۱۰ مصائب ازشاهکارهای جدال دینی است ونکته های تاریخی دربردارد مانند جشن «بابا شجاع‌الدین» در۲۶ ذی‌حجه در کاشان گ۲۴۰ ب و تعزیه‌خوانی در عاشورا که شوشتری میگوید کار نادانها است .

آغاز: بسمله وبه ثقتی. نحمدك یامن جعلنا من الفرقة الناجیة الامامیة الاثناعشریه ووفقنا لرفض سنن سنها بغاة الامویة و بغاث العدویة .

۱۵ **انجام** : والبراءة عن اعدائهم البغاة اللئام . فبـذالك فلیعمل العاملون ... فمن ابتغی وراء ذلك فهوالغاون .. وفی طغیانهم یعمهون .

[۸۳۸]

۶۵۱ این نسخه‌را محمد امین حسینی بنسخ بانشانه‌های شنگرف از روی نسخهٔ نوشته شدهٔ ازروی خط شوشتری نوشته وبـا آن برابر کرد (گ۱ الف) واین محمد
۲۰ امین ازپدر بمیربزرگ مرعشی وازمادر بدست غیب میرسد ونیاکانش درمازندران بوده وخود او در فارس زاده ودر سپاهان میزیست. گ۲۴۵ الف سفید است . درگ ۲۵۶ب دوحدیث بخط شکسته دارد که درشب شنبه دوم شوال و۲۱حمل سال۱۲۷۷در نماز خانهٔ ارك مرحوم وکیل نوشته شد. حاشیه‌هائی ازخود شوشتری دراین نسخه هست با «منه رحمه‌الله» درکنارگ ۶ب سخنی ازشوشتری دیده میشود که درآن کارهای
۲۵ نکوهیده پیروان سنت‌را یادمیکند .

در کنارگ ۱۹۲ الف تا ۲۳۶ الف حاشیه هائی دارد که به « شاه م ح » و

«ملا» یا «مولانا شاه محمد دارابی» و گاهی با «دام افاداته» یا «دام‌ظله» یا «دام ظله السامی» پایان‌میپابد ودر گ ۲۳۵ب دارد «من افادات استادنا ومولانا شاه‌محمددارابی دام‌ظله‌السامی» . ابن دارابی شاگردشیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۰) واستاد قطب نیریزی (م۱۱۷۳) بوده است (ص۴۳۲ همین فهرست) .

۵ درگ ۱الف نام کتاب وشوشتری بنسخ نوشته شده و نام و مهردو دار بده نسخه آمده که پاك کردند و درست خوانده نمیشود . بسیاق دارد که بتهای نسخه نزدیك ۷۵۰۰ است و نیز: «تخمین کتابت این نسخه چنانچه بنده با کاتب حساب نموده و باحتیاط وملاحظه طرف اوهفت هزاروپانصد بیت - عدد اوراق مکتوبه دویست وپنجاه ودو و نیم ورق» نیز «عده اوراق ۲۵۲» ونام «مهر محمد امین» و بهای کتاب بسیاق . در

۱۰ ۲۵۶الف صورت خط شوشتری دارد: «فدانفق اتمام اصل المسودة بیدمؤلفه... نورالله بن شریف الحسینی الشوشتری ... فی سبعة عشر ایام بلیالیها من شهر رجب ... سنة خمس و تسعین و تسعمائة هجریه والحمدلله علی توفیق الاتمام والصلوة ... اکمل السلام» .

(۲۵۶گ) کاغذ سپاهانی- جلد تیماج مقوائی با حاشیهٔ زرین
اندازه : ۱۱ ۱۹ وه‌د۵٫۶×۵٫۵×۱۲٫۵ س۱۷

[۶۹٤] مصابیح الهدی (عربی) ۱۵

ازدانشمند شریعتمدار حاج ملامحمد جعفر استرابادی (م ۱۲۶۳) در کلام بروش شیعی که‌برای فتعلیشاه قاجار (۱۲۱۱-۱۲۵۰) دریك مقدمه وپنج‌باب نگاشته وبسال ۱۲۳۷ آنرا بپایان رساند .

آغاز: بسمله . الحمدلله‌الذی ینتهی‌الیه سلسلة‌الممکنات واوجدالعالم الذی لایخلو من‌الحرکات . ۲۰

انجام: قدخرجت‌عن‌المیعادفی‌بعض‌الابواب لکونه‌مقام‌الاطناب ومزلل اقدام اولی‌الالباب ... وقد فرغت من‌تألیف هذه‌الرسالة ... فی‌السبع الثانی من‌العشر الثالث من‌الثلث‌الثانی من‌السدس الرابع من‌النصف‌الثانی من‌العشر العاشر من‌الثلث الثالث من‌العشر الثالث من‌الالف‌الثانی... فی‌سنة ۱۲۳۷ (شمارهٔ ۷پاك شده ودرست‌خوانده نمی شود) ۲۵

[٨٣٩]

این نسخه شمارهٔ۱ دفتر و بخط نسخ با عنوانها و نشانه‌های شنگرف از محمدحسن
۳۱۹ بسطامی مزجی خراسانی دزدهه نخستین ماه دهم سال ۱۲٤٥ میباشد. گ ۱ ب
۱۱۲ الف . در پایان دارد : «وقد وقع لی الفراغ من تحریر هذه النسخة الشریفة
۵ فی العشر الاول من الشهر العاشر من السنة الخامسة من العشر الخامس من المائة الثالثة من
الالف الثانی ... وانا ... محمدحسن البسطامی المزجی الخراسانی الهم اغفر لی ... یوم
یقوم الحساب فی سنة ۱۲٤٥ .

(همهٔ دفتر ۱۲۱ گ) کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج مقوائی سوخت ضربی
اندازه : ۱۵٫۵×۲۱ و ۹×۱۵٫۵ س ۲۰

۱۰ [٦٩٥] ملل و نحل (عربی)

امام ابوالفتح محمدبن ابوالقاسم عبدالکریم بن ابوبکر احمد شارستانی (شهرستان ٤٧٩-٥٤٨) بسال ٥٢١ برای سید مجدالدین ابوالقاسم علی بن جعفر موسوی نقیب ترمد ملل و نحل خویش را نوشته و در آن از دین ایرانی و هندی و یهودی و ترسائی و تازی یاد کرده و سخنان فیلسوفان و متکلمان را آورده است. بگفته امام رازی نزدیك بسال ٥٨٢ ۱۵ درمناظرات (چاپ هند بسال ۱۳٥٥ ص ۲٥) او سرگذشت فیلسوفان را از صوان الحکمه ابوسلیمان سگزی منطقی و سخنان کلامیان را از الفرق بین الفرق استاد ابی منصور بغدادی (م ٤۲۹) که سخت متعصب بوده است و آئین تازیان را از ادیان العرب جاحظ گرفته است و کاریکه خود کرده است همان ترجمهٔ چهار فصل حسن صباح خراسانی (٤٨٣-٥١٨) میباشد که غزالی از آن بپارسی خرده گیری نمود - غزالی در فضایح ۲۰ الباطنیه (بند ۱۲) نیز بسخنان حسن نگریسته است. پاره‌ای از این فصول در تبصرة العوام (ص ۱۸۳) هم دیده میشود. آنچه شهرستانی درباره آئین هند گفته است با گفتار ابن ندیم درفن ۱ و ۲ مقاله ۹ فهرست و شرف الزمان طاهر مروزی پزشك در طبایع الحیوان نزدیك بسال ٥١٤ مانند میباشد (چاپ گزیده آن در لندن بسال ۱۹٤۲) اینکتاب در تهران بی کم و کاست بسال ۱۲۸۸ بخط نسخ کلبعلی ۲۵ قزوینی و در هند در چاپخانه عثمانیه در دو جلد بسال ۱۲٦۳ بچاپ سنگی رسید و امین مدنی حنفی نیز آنرا بسال ۱۲۸۸ چاپ سنگی نمود و دوبار درمصر در کنار فصل ابن حزم یکی درمطبعه ادبیه بسال ۲۱-۱۳۱۷ در ٥ جلد دیگری درمطبعه محمدعلی

صبیح نیز در ٥ جلد بسال ٨-١٣٤٧ و همچنین جداگانه در ٣ جلد در مطبعه حجازی قاهره $\frac{١٣٦٨}{١٩٤٨-٩}$ بچاپ رسید .

ویلیام کورتن Curéton در لندن بسال ١٨٤٦ آنرا چاپ نمود و از روی همین دوباره در لایپتسیك بسال ١٩٢٣ چاپ شد. نسخه‌ای از آن گویا نوشته خود شهرستانی در اسکوریال بشماره ١٥٢٥ هست (دیباچه پارسی خجندی ص ٢٣) .

خواجه خجندی سپاهانی (م ٨٥٠) در ٨٤٣ آنرا برای شاهرخ در سپاهان بنام تنقیح الادلة والعلل بپارسی کرد. خجندی گذشته از اینکه بر ترجمه خود افزوده و از مخالفان خرده گرفت چون گفتار ابن‌سینا در نسخه او نبود و نسخهٔ دیگری هم در دسترس نداشت آنرا بپارسی نکرد . این پارسی در تهران بسال ١٣٢١ خ بچاپ رسید .

بنوشتهٔ ریو (add ٢٣/٥٣٦ ص ١٣٩) مصطفی بن شیخ خالق دادهاشمی عباسی ملل و نحل را بپارسی در آورد و آنرا در آگره در پنجمین سال شاهی جهانگیر بسال ١٠٢٠ آغاز و در رجب ١٠٢١ بپایان رساند و توضیح الملل نامید. او میگوید که گفتار ابن‌سینا در ترجمه خجندی نیامده و آن ترجمه هم دشوار است و هم سخن شهرستانی در آن دیگرگونه شده و از مخالفان نیز خرده گیری گشت این بود که جهانگیر آنرا نپسندید ودستور دارد که من دوباره بپارسی آسانی در آورم . او نسخهٔ بدی در لاهور داشت و گفتار ابن‌سینا را هم بپارسی نکرد و خرده گیریهای خجندی را هم آورد .

ملل و نحل را نوح افندی پسر مصطفی م ١٠٧٠ بترکی و هاربروکر Haarbrucker در ١-١٨٥٠ بآلمانی در آوردند(١) .

در ملل و نحل از گفتار جیهانی در باره آئین زردشتی آمده که در نسخهٔ ماگ ٩٤ الف-٩٦ الف و در چاپ ایران ص ٢٠-١١٧ هست و خجندی هم آنرا ترجمه نمود ص ٩-٢٥٤ ولی در دو چاپ کنار فصل ابن حزم (ج ٢ ص ٨٠) و (ج ٢ ص ٦٥) و در چاپ ١٣٦٨ مصر

١ - نیز بنگرید به: معجم المطبوعات (شهرستانی)- کشف الظنون ج ٢ ص ٥١٧ دیباچه ترجمه خجندی ص ٢٣-٥٥-٥٨ و خود آن ص ٣-٤٧٢ که از گفته‌های ریو پاره‌ای در اینجاها دیده میشود - پارسی گزیده‌ای از شهرستانی دیده‌ام که در دکن بسال ١٠١٣ نوشته شده بود .

(ج۲ص۷۱) ندیده‌ام و بنوشتهٔ دیباچه نگار تنقیح ص۴-۲۳و۲۵۴ در چاپ لندن و آلمان هم نیست .

[۸۴۰]

این نسخه بنسخ مجدول بلاجورد وشنگرف ازحبیب‌الله بن محمدشیرازی در ذی حجهٔ سال ۹۶۲ میباشد آغاز آن پس از فهرست بخش یکم (بخط تعلیق درگ ۱ب) درگ ۲ الف چنین است : و غلط و انفرد عن اصحابه بخمس مسائل ـ الخیاطیة والکعبیه .

۵ ۴۰۷

انجام: هذا ماوجدته من‌مقالات اهل‌العلم و نقلته علی‌ماوجدته ومن صادف فیه خللا فی‌النقل فاصلحه اصلح‌الله تعالی حاله وسدد اقواله وافعاله والله‌حسبنا وهوالمعین .

۱۰ (۳۲۲۵ف) - کاغذ سپاهانی آبی ـ جلد تیماج مقوائی

اندازه : ۱۶×۲۷ و۵ر۹ ۱۹س۱۹

[۶۹۶] ملل و نحل (عربی)

در کتابهای دین‌شناسی وملل و نحل دوخبر از پیامبرص یاد کردند . یکی آنکه پیروان من۷۳ گروه خواهند شد وهمه آنها گمراهند وبآتش دوزخ دچار خواهند گشت مگریکدسته که رستگار میباشند دیگراینکه همهٔ آنها رستگارند مگر یکدسته که بدوزخ میروند . در برخی از روایتها آمده که آن یکدستهٔ رستگار پیروان سنت وجماعت هستند . نیز آمده که آن یکدستهٔ گمراه زندیقان‌میباشند . مقدسی دراحسن‌التقاسیم (چاپ بریل بسال۱۹۰۶ ص۳۹) هردو خبررا یاد نمود . امام رازی درمفاتیح‌الغیب (ج۶ص۱۹۳) نیزهردو راآورد ومانا میخواهد در آنها شك کند ابن‌حزم اندلسی درفصل (ج۳ص۲۴۸)دومی وخبر «ان‌القدریةوالمرجئة مجوس هذه‌الامة» را آورده ونادرست دانست باآنکه اودرابطال قیاس بچنین خبری تمسك نمود . متن این‌خبرها در شماره دسته‌ها واینکه رستگار یاگمراه کدامند اختلاف دارند . گذشته ازاینکه دانشمندان درسند اینها شك کرده‌اند متن آنها میرساند که اشعریان وپیروان سنت دربرابر اهل‌رأی وقیاس و معتزلیان و زندیقان

از این گونه خبرها ساختند(۱) .

در این رسالهٔ مامذهبهای فلسفی و فرقه‌های دینی با جمال شمرده شده و صحت روایت نخستین روشن گردید. گویا از دانشمند محمدجعفر استرابادی باشد. در آغاز دارد که پیش از ارسطو همهٔ فیلسوفان روش اشراقیان داشتند و میزانی برای سنجش فکر در دست نبود تا اینکه او منطق را آورد . ۵

آغاز: بسمله. روی عن النبی ص انه قال ستفرق امتی علی ثلث و سبعین فرقة ، فرقة ناجیة والباقون فی النار . بیان ذلك ان اولاد آدم .

انجام: وامة عیسی علی اثنین وسبعین فرقة . هدانا الله الی سواء السبیل .. و آله الطاهرین (کتبه فی ۱۲٤٥) .

۱۰ [۸٤۱]

۳۱۹ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بهمان خط و نویسندهٔ شماره یکم بسال ۱۲٤٥ میباشد . گ ۱۱۲ الف ــ ۱۱٦ ب .

[٦۹۷] **مناظرهٔ احسائی و هروی** (عربی)

دانشمند ابن ابی جمهور شمس الدین محمد بن زین الدین ابوالحسن علی احسائی هجری (زنده در ۸۳۸ تا ۹۰٤) صوفی و فیلسوف و کلامی و شیعی بوده است. ۱۵ او درر اللئالی العمادیه فی الاحادیث الفقهیه را در استراباد در روستای گلپان وسرو کلات بسال ۸۹۹ نگاشته و در ۹۰۱ آنرا پاکنویس نمود . زاد المسافرین خود را درمیان راه طوس پرداخته و برای نقیب میر محسن بن محمد رضوی قمی در طوس بسال ۸۷۸ بر آن گزارشی بنام «کشف البراهین» نوشته است. اورا بجز شرح باب حادی عشر وغوالی اللئالی و نثر اللئالی، المجلی فی مرآت المنجی در کلام و عرفان و فلسفه ۲۰ است که در نجف درج ۲ سال ۸۹۵ بدرخواست شاگردان آنرا پرداخته و در طوس بسال ۸۹٦ پاکنویس کرد و آن در ۱۳۲۹ بچاپ رسید . ایندانشمند در کرك نوح نزدیك

۱ــ بنگرید به: دیباچهٔ کوثری بر الفرق بین الفرق بغدادی و التبصیر فی الدین اسفرائینی ــ مختصر الفرق رسعنی ص ۱۵ حاشیهٔ ۱ــ تاریخ بغداد خطیب ج ۱۳ ص ۳۰۷ ــ اعتقادات فرق المسلمین رازی ص ۷٤ ــ تبصرة العوام ص ۲۸ ــ بیان الادیان ص ۲۳ .

بسال ۸۷۷ شاگرد علی بن هلال جزائری عراقی (زنده ۹۰۹) شاگرد ابن فهد حلی
عارف فقیه شیعی (۷۵۷ـ۸۴۱) شده بود . ازشرف‌الدین حسن بن عبدالکریم فتال
غروی درعراق هم بهره برد(۱). اوروش اشراقی دارد. ابن ابی جمهور بادانشمندی سنی
درخانهٔ همان سید میرمحسن بن محمد رضوی قمی که میزبان هردو بود و بدرخواست
۵ او درشهر طوس بسال ۸۷۸ درسه مجلس مناظره نمود و درباره امامت علی (ع) و
ابوبکر با او گفتگو کرد . دومین درمدرسه سلطان شاهرخ در بود ملاغانم مدرس بوده
است. ایندانشمند هروی ازمردم کیژ (کیش) ومکران بوده و نزدیك بشصت سال درهری
میزیست وبادائی همان قمی ازهرات آمده بود تادرطوس احسائی را ببیند چون
آوازه دانشش بدانجا رسیده بود . دراین گفتگو دانشمند هروی سرانجام خاموشی
۱۰ گزید و پاسخی نتوانست بگوید. احسائی در آن ازدانشمندان شیعی مانند مفید، و
رضی ومرتضی وشیخ طوسی وطبرسی وعلامه حلی وسیدشریف ورکن‌الدین گرگانی
ونصیرالدین کاشی یاد میکند و نکته‌های تاریخی فراوانی در آن هست .

احسائی میگوید که من اکنون نزدیك بچهل سال دارم (ش۹۴۴/۲گ۲ه‌ب وش
۸۷۸/۷ گ ۹۰الف) پس او نزدیك بسال ۸۳۸ زاده‌شد ومیدانیم که تا۹۰۴زنده بود.
۱۵ درباره نادرست بودن خلافت عمر سخن او وهروی تا بجائی کشید که شنونده‌ای
حیدری که در آن انجمن بود گفت : « والله راست میگوید شیخ عرب . اگر مرد
صحبت پیغمبر کرده بود بیست سال ، واو بی ادب؛ خر میشود» سپس خود احسائی
آنرا چنین ترجمه کرد : «والله صدق الشیخ العربی . اذا کان رجل یصحب رسول‌الله
ص، عشرین سنة ، وهو بلاادب ؛ یکون حمارا » (ش۹۴۴/۲گ۵۱ب وش۸۷۸/۷ گ
۲۰ ۸۹ الف که تنها همان عبارت تازی را دارد)خود احسائی این سه گفتگو را بدرخواست

۱ـ بنگرید به : روضات‌الجنات ص۲۰و۲۱و۳۸۹و۵۹۷ ـ مستدرك‌الوسائل ج۳ص
۳۶۱ ـ ذریعه ج۸ص۱۳۳ ـ مجالس‌المؤمنین مجلس۵ ـ فهرست طوس ج۱ش۲۲۴ و
۲۴۶ خطی و۵۲چاپی ص۱۶ وج۴ش ۱۰۴۰و۹۸۲ و۱۰۳۷ـ فهرست مجلس ش ۴۴ ـ
در فردوس‌التواریخ نوروزعلی بسطامی چاپ تبریز بسال ۱۳۱۵ ص۳۰۷ وپس از آن
۲۵ پارسی همین مناظره آمده است .

کسی گرد آورده بساخت این رساله در آورد .

شوشتری در مجالس المومنین در سر گذشت همین احسائی پاره‌ای از این گفتگو را بپارسی آورد. حلال الدین محمد بن محمد کاشانی آنرا بپارسی کرد و در ۱۹ شعبان ۱۰۰۱ درهند آنرا بپایان رساند (فهرست کتابخانه بهار هندج۱ ش۱۱۴ ص۸۸) .

آغاز: الحمدلله حق حمده ... سالتنی اطال الله بقاك عما كان بينی و بين الهروی فی بلاد خراسان من المجادلات فی المذهب . ٥

انجام : و نستغفر الله من الزيادة و النقصان و السهو و الغلط و النسيان و الحمدلله رب العالمين . . وحشرنا فی زمرتهم اجمعين .

[٨٤٢]

۸۷۸ این نسخه شماره ۷ دفتر است و بخط تعلیق درجدول لاجوردی گ۷۸ب-۹۷ ب(۷×۱۳س۱۹) درآغاز آن چنین دارد : « بسمله. الحمدلله الذی اذهب عنا الحزن...هذه مناظرة الشيخ السعيد المغفور محمد بن جمهور اللحساوی و الملاء الهروی فی بلدة خراسان فی المشهد الشريف الرضوی ... الحمدلله حق حمده» و پایانش اینست : «باتفاق الكل فعلم انهم المعنيين بالاية دون غيرهم» برابر با س۶ گ۶۱ب ش ۹۴۴/۲ و پاره‌ای ازمجلس سوم را ندارد (باندازهٔ ده صفحه) . ١٠ ١٥

[٨٤٣]

۹۴۴ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف از محمد شریف بن ابو تراب داود در پایان ج۲ سال ۱۰۹۳ که از روی نسخه نادرستی نوشته است. گ۴۰ب - ۶۶الف . آغـازش چنین است : « هذه مناظرة الشيخ ... محمد بن جمهور الاحساوی و الملاء الهروی ... الحمدلله حق حمده» . ٢٠

[٦٩٨] **مناظره جبعی با دانشمند سنی** (عربی)

دانشمند عزالدین حسین بن عبدالصمد جبعی عاملی (۹۱۸-۹۸۴) شاگرد شهید دوم و سید حسن بن جعفر کرکی و از شناختگان دربار تهماسب یکم صفوی (۹۳۰-۹۸۴) و شیخ الاسلام قزوین و هرات با دانشمندی سنی درحلب بسال ۹۵۱ دربـاره پیروی از ابوحنیفه یا امام صادق(ع) و امامت گفتگو نموده و میگوید که درباره برخی مسئله‌های کلامی و فرعی مانند رؤیت و قضا و قدر و متعه و مسح نیز با او سخن گفتم ٢٥

واو شیعی گشت. (فهرست طوس ج٤ ص٢٥٨ ش١٠٣٨) .

آغاز: بسمله و به نستعین . الحمدالله علی ماانعم فکفی ... فهذه صورة بحث وقع لهذاالفقیر .

انجام : و صارمن خـواص الشیعه . ولله الحمد اولا و آخرا . . . ولعنةالله علی

٥ اعدائهم اجمعین .

[٨٤٤]

٩٩٤ این نسخه شماره٣ دفتراست و بخط تعلیق بـا نشانه های شنگرف گ٣١ ب ـ ٣٧ ب .

[٦٩٩] مناظره رکن‌الدوله با صدوق (عربی)

١٠ رکن‌الدوله حسن‌بن بویه دیلمی (٣٢٢ـ٣٦٦) باابن بابویه صدوق (م٣٨١) در امامت گفتگوئی نموده وخودرا طرفدار سنیان نشان‌داد. اوابن بابویه راکه درری رهبری شیعیان داشت وخراسانیان نیزبدو بازمیگشتند نزد خود خواست وبـا او دربارهٔ کسانیکه شیعیان بر آنها دشنام میفرستند ودر بـارهٔ امامت گفتگو کرد(١) . شیخ جعفر دوریستی (درشتی رازی)شاگرد مفید ومرتضی وطوسی آن‌را دردفتری

١٥ جداگانه گرد آورده وشوشتری درمجالس المؤمنین درسرگذشت ابن بابویه آنرا بپارسی کرد .

آغاز: مناظرةالملك رکن‌الدولة للصدوق‌بن بابویه. قال‌الملك ایهاالشیخ‌اختلف الحاضرون فی‌القوم‌الذین یطعن علیهم‌الشیعة .

انجام : وهذا یدل علی ان‌عثمان افضل من‌ابی‌بکر . فقدانتقضت روایتکم .

---

٢٠ ١ ـ ابن بابویـه درعیون اخبارالرضا ص٣٨١ میگوید که در ٣٥٢ ازرکن‌الدوله خواستم که بطوس روم وامام رضارا زیارت کنم . اوازمن درخواست تادرآنجا او را دعا نمایم. من‌رفتم وبرگشتم وبدو گفتم که درآنجا بیاد تو بوده‌ام . ابن‌بابویه‌درشعبان همین سال درنیشابور میزیست (ص١١ و١١٦) ودر٣٥٤ درکوفه ودر رجب ٣٣٩ در قم بسرمیبرد (ص١٤٤و٣٩٣) ودر٣٥٥ ببغداد رفت .

[۸٤٥]

۹٤٤ این نسخه شماره ۳دفتر است و بخط تعلیق باعنوانهای شنگرف از محمدشریف بن ابوتراب داود در آغاز شعبان ۱۰۹۳ گ۱٦٦الف – ۷۱ب .

[۷۰۰] مناظرة مأمون (عربی)

مأمون عباسی (۱۹۸– ۲۱۸) امام رضا(ع) (۱٤۸–۲۰۳) را از مدینه بمرو برده درروز پنجشنبه ٥رمضان۲۰۱ ولایتعهد بدوسپرد وبرای دلجوئی ازاوانجمن مناظره برپا میکرد ودر آن گاهی امام درمسئله های کلامی و گاهی خود او درباره خلافت علی(ع) بامخالفان گفتگو میکردند وآنان راملزم میساختند . ابن بابویه در عیون اخبار الرضا(۱) ص۳۱۲ و۱۰٦ میگوید که مأمون میخواست تاامام در برابر دانشمندان درماند وخود هم اگر گاهی درباره امامت سخن میگفت برای این بود که او را بفریبد ولی امام بیاران میفرمود که فریب مخورید همو است که مرا خواهد کشت .

دریکی ازاین انجمنها بودکه دانشمند یحیی بن اکثم قاضی مروزی (م۲٤۲) بدستور مأمون نزدیك بچهل تن ازدانشمندان محدث ومتکلم راگردآورد ومأمون خود با آنان درباره امامت علی(ع) سخن گفت وروشن ساخت که نخستین خلیفه اوست. آنها خاموش ماندند وپاسخی نتوانستند بگویند . اودر پایان بفضل پسر سهل سرخسی مجوسی نومسلمان (کشتهٔ در۲شعبان۲۰۲ درشصت سالگی) زیر

---

۱ – ابن بابویه قمی (م۳۸۱) این کتابرا برای گنجینه صاحب عبادطالقانی(۳۲٦ ۳۸۲) پس از۳٥٤ نوشته است (ص۱٤٤چاپ سنگی ایران۱۳۱۷) درآن چندمناظره دیده میشود : گفتگوی امام رضا درانجمنی بابود مامون با جاثلیق وراس الجالوت و سران صابئی وهیربدبزرگ وپیروان زردشت ونسطاس رومی ومتکلمانی مانندعمران صابی که فضل پسرسهل آنهارا درآنجا گرد کرد- گفتگوی همو با پیروان دینهای یهود ونصارا ومجوس وبا علی بن محمد بن الجهم درباره عصمت باب‍ود مامون- گفتگوی او با فقیهان ومتکلمان درباره امامت - گفتگوی او با سلیمان مروزی متکلم خراسان درباره توحید بابود مأمون - گفتگوی او با مامون بابود همان ابن جهم در باره عصمت (ص۸۷–۱۰۰ و۱۰۷–۱۰۸ و۳۲٤–۳۲٥و۱۰۰–۱۰٦و۱۰۸–۱۱٤) .

وفرمانده خویش گفته که ایشان همین‌اندازه میدانستند و بس. کسی‌مپندارد که‌شکوه من آنانرا ازپاسخ دادن بمن‌بازداشت. این گفتگو درص۳۱۲-۳۲۳ عیون آمـده است وتاریخ آن باید ۲۰۱یا۲۰۲ باشد شوشتری درمجالس‌المؤمنین درسرگذشت مأمون نوشته که چنین‌مناظره درطرائف‌ابن طاوس نیز آمده است.

۵ **آغاز**: باب ذکرمایتقرب به‌المامون الی‌الرضاع من‌مجادلة المخالفین فی‌الامامة والتفضیل. حدثنا ابن عبدالله‌بن تمیم‌القرشی.

انجام: قال فخرجنا متحیرین خجاین. ثم‌نظر المأمون الی‌الفضل بن‌سهل فقال‌هذا اقصی‌ما عندالقوم فلایظن ظان‌ان جلالتی منعتهم من‌النقض علی. والله‌اعلم.

[۸٤٦]

۱۰ **۱۰۸۰** این نسخه شماره ۱۰دفتر است و بخط نسخ گ۲۰۱ب - ۲۱۰ب.

[۷۰۱] منتخب نورالعیون (فارسی)

دانشمند محمدباقر شریف قمی «نورالعیون» را در کلام شیعی نوشته‌ودانشمند علی‌اکبربن عبدالعلی کرمانی آنرا گزین نموده دردو باب‌هریکی یك‌کتاب‌گذارد. نخستین آن۱۲ تنویر ودرنبوت وامامت ورجعت میباشد. اودرطریق دوم تنویر۱۲

۱۵ باب یکم که ازفضائل سادات گفتگو میکند ازصواعق‌محرقه ابن‌حجرعسقلانی‌چنین میآورد که مأمون هنگامیکه میخواست خلافت بدودمان علی(ع) واگذار نماید دستور دادکه‌فاطمیان پوشاك سبز بپوشند وعباسیان‌سیاه ودیگران‌سفید دربر کنند. مأمون ازاین واگذاری خلافت برگشت ولی‌این نشانه درخاندان علی بماندوآنها بهمین بس کردند که پارچهٔ سبزی در دستار بگذارند. سپس میگوید که در ۷۷۳

۲۰ پادشاه شیعیان فرمودتـا علویان دستارسبز برسربندند او درهمینجا ازنقابت سید مرتضی وابن طاوس ودادگاه خصوصی هاشمیان یادمیکند ومیگوید سزاوار است که دیگران‌زن‌علوی نگیرند یاآنکه گرامیشان‌بدارند وشایسته است باداشتن‌زنی علوی زن‌دیگری نه ازاینخاندان نگیرند. اگرهم گرفتند آنرا رهاکنند. اگرعلوی را رها ساختند آندیگریرا دوباره عقد کنند. گرفتن زن‌دوم‌علوی نیزشایسته‌نیست

وبهتراست آنرا هم رهاکنند (گ۱۰۱) درنسخهٔ ما ازباب دوم نشانی نیست مانا
آنرا ننگاشته است .

آغاز: منتخب کتاب نورالعیون من مؤلفات محمد باقر الحسینی الاصفهانی بسمله
بعد ازحمد خـدا ودرود برپیغمبر راهنما وائمهٔ هدی . این منتخبی است از کتاب
نورالعیون من مؤلفات مولینا محمد باقر الشریف الحسینی الاصفهانی ابن محمد تقی ٥
الشریف الرضوی القمی مشتمل بردو بـاب و هرباب یك کتاب ... تنویراول دربیان
احتیاج کافهٔ انام درجمیع ایام بپیغمبر یاامام منصوب ازجانب حکیم علام .

انجام : وسنوح این مقدمه درمیان اهل آن امصار درغایت اشتهاراست میرزا
قوام الدین محمد قزوینی گوید سلام علی خیرالانام وسیدی ـ شفیع ذنوب الخلق فی
العرصات... سلام علیهم ماتکلم ناطق ـ وما رفع الاصوات فی العرفات. بحمدالله . . . ١٠
که منتخب نورالعیون باتمام رسید و ذخیرهٔ یوم لاینفع مال ولابنون گردید علی ید
مالکه وهو علی اکبر بن عبدالعالی الکرمانی فی رابع والعشرین شهر جمادی الاخر من
شهود سنة ۱۲٦۸ فی دارالدوله کرمانشاهان .

[۸٤۷]

۸۸۹ این نسخه شماره ۲ دفتر است و بخط شکسته تعلیق گزیننده ودارنده نسخه ١٥
همان کرمانی در۲٤ج۲ سال۱۲٦۸ درکرمانشاهان گ۳۳ ب۱۱۳ ب. او
سه شمارهٔ دیگر ایندفتررانیز نوشته است: یکی آب حیات کبیر دیگری منتخب
التماثیل که ریخته خامهٔ اواست ودرآغاز آن میگوید که درسال۱۲٦۹ درکرمانشاهان
باسختی وبیچارگی وبیکاری زندگی میکنم ناگزیر پس ازنگارش وگزین نورالعیون
بنگارش این کتاب پرداختم . اودر این کتاب داستانهائی آورد ودرپایان آن نامه‌ای ٢٠
راکه بیکخان امیرمعصوم بیك فرمانروای ورارود (ماوراءالنهر) بخانهای خراسان در
شعبان ۱۲۰۲ نوشته ودرآن ازشیعیان نکوهش کرد ودشنام گفت آورد وپاره‌ای از
پاسخی راکه آقا محمد رفیع بن عبدالواحد بدستور امیرمحمدخان بدوداده است و نسخه
بپایان نمیرسد . جواهر الاخبار(شماره٤دفتر)هم بخامهٔ اواست که در۱۲٤۸ نگاشته است

[۷۰۲] **منهاج الكرامة في معرفة الامامة** (عربی) ٢٥

علامهٔ حلی (٦٤۸ـ۷۲٦) ایندفتررا درامامت وبرای سلطان محمد خدابنده

اولجایتو پادشاه مغولی ایران (٦٨٠ ٧٠٣ _٧١٦) نگاشته و آن در شش فصل و بایستی میان سالهای ٧٠٣و٧١٦ نوشته شده باشد . عبدالرحیم بن محمدتقی تبریزی ومیرزا محمدعلی مدرس درصفر١٢٩٦ آنرا بچاپ سنگی رساندند (خشتی ٩١ص وبنام منهاج الکرامه فی اثبات الامامه) ودرمنهاج ابن تیمیه نیز آمده و بچاپ رسید .این کتاب برپیروان سنت بسیار گران آمده و بخرده گیری از آن پرداختند . نخستین بار دانشمند حنبلی ابن تیمیه حرانی (٦٦١ _ ٧٢٨) درخواست گروهی که کتابرا بدو بنمودند و گفتند که حلی آنرا برای خدابنده نوشت وازسنیان بد گفته است وشایسته است پاسخ داده شود پذیرفته دربرابر آن «منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة والقدریة» را در٤جلد نوشته است که دربولاق مصر سال٢ _ ١٣٢١ بچاپ رسیده ودر کنار آن «بیان موافقة صریح المعقول لصحیح المنقول» او میباشد. ابن تیمیه دردیباچه آن میگوید که یکی ازرهبران رافضی روزگار ما این کتاب را برای خواندن فرمانروایان بکیش خویش نوشته و باطنیان ملحد هم که در نهان روش فیلسوفان صابئی بیدین دارند بدو کمك نمودند . نیز میگوید که او آنرا « منهاج الکرامة فی معرفة الامامة » نامید خوب است که آنرا «منهاج الندامه» خوانند (ص٣منهاج الکرامه وص٥ ج ١ منهاج السنه) . این دانشمند سلفی حنبلی که میگوید همه مردم جهان تاپایان روزگار بایستی ازرهبران گذشته اوپیروی کنند درآغاز بسیاری ازرفتارها واندیشه های شیعی را یاد ونکوهش میکند و پس ازیاد کردن مفید و کراجکی وموسوی و طوسی می گوید که شیعیان درمعقول سخت ناآگاه ودرمنقول بسیار دروغگو و پیرو معتزلیان و قدریان ومجسمان وجبریان میباشندو آنان ترکان دشمن اسلام وترسایان ویهودان را بکشور های مسلمانان راه دادند و آئین آنها باکیش یهود و ترسا مانند است و روش رفض وجهمی درالحاد میباشد این نگارش او گذشته ازسخنان نادرست تاریخی و کلامی دشنامهای فراوان دارد (١) .

١ _ حلی درفصل٢وجه٤ص٢٢ چاپی گفتار ابن جوزی را گواه میآورد. ابن تیمیه در اینجا (ج٢ص١٣٣) میگوید اگر از آن ابوالفرج عبدالرحمن(م٥٩٧) را میخواهد او

بقیه حاشیه درصفحه بعد

چلبی در کشف‌الظنون از نگارش حلی یکبار بپیروی از ابن کثیر بنام «منهاج الاستقامه فی‌اثبات‌الامامة» یاد نمود و گفت که ابن کثیر (اسمعیل قرشی م ۷۷٤) گوید اودر معقول ومنقول گمراه است وابن تیمیه آنرا پاسخ داد . بازمیگوید که «منهاج‌السلامه الی معراج‌الکرامه» ازحلی‌است وزین‌الدین سریحابن محمدملی در «سدالفتیق‌المظهررصدالفسیق» بدو پاسخ گفت وازواژه «فسیق» ابن‌المطهررا می خواهد . درباره «منهاج‌السنة النبویة» میگوید که آنرا ابن‌تیمیه بروش «منهاج ـ الاستقامه» نوشته‌وتقی‌الدین سبکی(م۷۵٦)درباره‌اش گوید که آنرا دیده‌ام وخوب از آن خرده گرفت . مگراینکه‌ابن تیمیه‌خوددر آن آشکارا گفته که‌حادثهارا آغازی نیست‌و آنها درذات‌خداوند هستند.(ج۲ص۹ـ۵٤۸ـ معجم‌المطبوعات درابن‌تیمیه)

منهاج‌ابن‌تیمیه‌رادانشمندی شیعی‌بنام «الانصاف‌والانتصاف‌لاهل‌الحق‌من‌الاسراف» بخوبی خرده گیری نمود و آن بروش «قوله ـ قولنا» دریك مقدمه (وصیت) و یاك بحث (اعتقاد امامیان وسنیان) و۱۷ مقام (خرده گیری و پاسخ) ویاك خاتمه (حکم وقواعد)میباشد(ش۳٦۷ج٤طوس)نویسندهٔ نسخهٔدانشکده‌حقوق‌ازهمین «الانصاف» پنداشت که آن‌نگارش شیخ خلیل‌بن ظفربن خلیل‌کوفی اسدی میباشد . از ذریعه (ج۲ص۳۹۹)پیداست که‌اوچنین نگارشی دارد وپاسخهائی‌هم بزیدیان‌واسماعیلیان وقرمطیان داده است ولی پیش ازمنتجب‌الدین قمی (۵۰٤ ـ اندکی پس‌از ۵۸۵) میزیسته و گویا در روزگار شیخ طوسی بوده است . پس نمیتواند نگارندهٔ این «الانصاف» باشد .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

چنین نگفت واگر نوه او ابوالمظفر یوسف‌بن قزاوغلی (م٦٥٤) نگارندهٔ مرآت الزمان واعلام‌الخواص درباره دوازده امام رامیخواهد اوگاهی بسود شیعیان وگاهی بسود حنفیان وبرای‌یکی ازفرمانروایان چیز نوشته‌وبسخنان اوتنوان گرائید. اوباندرز گران وواعظان میماند که بهرشهری روند بکیش آنجا درمیآیند وخود دینی ندارند نیزمیگوید که عبیدالله‌بن میمون قداح یهودی‌زاده وپرورده مجوس بوده است (نیزج٤ ص۲۱۲) بازدر ج۱ص۱۳۱ میگوید که‌مفید درمناسك مشاهد رواداشت بحج‌قبورمانند کعبه روند (برای سرگذشت حلی و ابن‌تیمیه بنگرید به البدایة و النهایة ابن کثیر ج ۱٤ص۱۲۵و۱۳۲) .

سید مهدی کاظمی فاضل قزوینی نگارشی بنـام « منهاج الشریعه فی الردعلی ابن تیمیه» دارد دردوجلد که نخستین را در ۱۳۳۲/۲/۲ بپایان رساند وهردودرچاپخانه علوی نجف بسال ۷ـ ۱۳٤٦ بچاپ رسید .

[۸٤۸]

این نسخه شماره ۱ دفتر است وبنسخ خوش با اعراب وبا حاشیه های پارسی و
۸۷۹ ۵ تازی در میان سطرها از کمال الدین بن عبدالله بن سعید گرگانی در نیمه رجب ۸۷۸ گ ۲ب ـ ۱۰٤ب .

[۸٤۹]

این نسخه شماره ۳ دفتر وبنسخ لطف الله بن شمس الدین مازندرانی نویسندهٔ شماره
۱۰۸۵ ۲ وبا اعراب وهمانگونه حاشیه‌های پارسی وتازی ودر روز یکشنبه پایان ج۱
۱۰ سال ۹۰۱ بانجام رسید. چنین است آغاز وانجام نگارش حلی : «الحمدلله [illegible]یم الواحدالکریم الماجد المقدس بکماله عن الشریك ـ فهذا آخر مااردنا اثباته فی هذه ـ المقدمه» گ ۵۳ب ـ ۱۲٤الف .

[۷۰۳] نامهٔ طوسی ببحرانی (عربی)

طوسی دراینگفتار ببحرانی پاسخ میدهد و همانست که درص ۱۸۰ این فهرست
۱۵ شناسانده شده .

[۸۵۰]

این نسخه شماره ۳ دفتر است وبخط شکسته تعلیق وعبارتهای قال واقول بنسخ
۱۰٤٦ درشت ازمحمد شریف پسرمحمد قائمی روزشنبه ۲ع۲ بسال ۱۰۵۹ گ ۲۵ب ـ ۳٦ب . وآغاز وانجام دراین نسخه چنین است : « بسمله حمدالك یامفیض الخیر
۲۰ والجود والصلوة علی صاحب مقام المحمود وآله خیرالمخلوقین فی دائرة الوجود . الاول فی قسمة العلم الی الاقسام التی ینبغی ان یکون ... (۲٤ مسئله رافهرست میدهد) فینبغی ان نتکلم فی هذه المسائل لیکون ذخرالی فی المعاد وحجة لی علی العباد قال صاحب الرسالة اعلم ادام الله هدایتك ان المتکلمین اطلقوا القول بان العلم تابع للمعلوم. قال صاحب الرسالة فینبغی ان نتکلم فی هذ المسائل . اقول الذی هوممهد فی هذاالباب مستغن عن ایراد هذه
۲۵ المسائل. وانما اوردت هذه المسائل اقتفاء لکلام اهل البحث عند هذه المسائل . ولنختم الکلام هناوالله ولی التحقیق وبیده ازمة التحقیق» نامه ودیباچه ش ۳۸۹/۳ و ۱۰۲۲/۸ راندارد ونسخه ایست جداگانه .

[٧٠٤] **نفی الحیز و الجهة (رسالة فی...)** (فارسی)

امام فخرالدین رازی دراین گفتار از خداوند نفی حیز وجهت نموده است .

آغاز: رسالة فی نفی الحیز والجهة لفخرالدین الرازی ـ قوله تعالی لااله الاهو الحی القیوم . ویقرر ذلك ان الله تعالی هو القیوم .

انجام : واین منافی آنست که فقرو احتیاج مخصوص بممکنات است . والله اعلم بحقائق ذاته وصفاته والصلوة علی خاتم الانبیاء و آله العظام الاصفیاء .تمت الرسالة. ٥

[٨٥١]

١٠٨٨ این نسخه شماره١ دفترو بخط تعلیق میباشد .گ٢ب ـ ٣ب. پس از این در گ٣ب پاره‌ایست ازاداب المریدین شیخ ضیاءالدین ابی النجیب عبدالقاهر بن عبدالله سهروردی م٥٦٣ دراین که تهی‌دستی بهترازتوانگری است ودر گ ١٠ ٤الف پاره‌ای ازفتوحات محیی‌الدین اندلسی وازشرح خطبه طوالع ازدوانی .

[٧٠٥] **نهج الحق و کشف الصدق** (عربی)

علامهٔ حلی این کتاب رادر رد برسنیان درهشت مسئله (ادراك ـ نظر ـ صفات خدا ـ نبوت ـ امامت ـ معاد ـ مسئله‌های اصول فقه شیعی ـ مسئله‌های فقهی شیعی) نگاشته است. پاشاروزبهان وخواجه صاعد بدین دفتر نگریستند (ص٥٤١و٦٢٠ اینفهرست) ١٥

آغاز: الحمدلله الذی غرقت فی معرفته افکار العلماء وتحیر فی ادراك ذاته انظار العقلاء... اما بعد فان الله تعالی حیث حرم فی کتابه .

انجام : وفیما اوردناه فی هذا الکتاب کفایة لمن له ادنی تحصیل و کیف من یستغنی عن کثیر التنبیه بالقلیل والله الموفق للصواب والله المرجع والمآب .

٢٠ [٨٥٢]

٥٠٣ این نسخه شماره٢ دفتر است وبخط تعلیق وعنوانهای آن بنسخ درشت سیاه یاشنگرف ازاحمدبن عبادالله ساوی نجفی در کربلا درشام پنجشنبه ٣٠ ع ١ سال١٠١٧ گ٥٥ب ـ ١٢٠الف .

[٧٠٦] **نهج المسترشدین فی اصول الدین** (عربی)

علامه حلی بدرخواست پسرخویش فخرالمحققین در این کتاب گزیده‌ای از ٢٥

همه مبحثهای کلام (امور عام ـ خدا ـ پیامبر ـ امام ـ رستاخیز) را آورده و آن
در۱۳فصل وهریك چندمبحث است . درمبحث۱فصل٤(۳الف) بکتاب‌الاسرارخود
بازگشت میدهد .

اینکتاب را او پیش از۷۰۲ بپایان رساند (ش۱۰٦٥طوس) .

٥ نجم‌الدین خضربن شمس‌الدین محمدبن علی‌رازی حبلرودی پس ازاینکه از استاد
خود (شمس‌الدین محمدبن سیدشریف گرگانی م۸۲۸) دور شده وازشیراز بنجف
رسیده بود درهمانجاگاهیکه هنوز استاد زنده بود پرداخت باینکه گزارشی‌برای
اینکتاب بنویسد و آنرا بنـام تحقیق‌المبین در مدرسه رتبیه درحله سیفیه نزدیك
ببامداد یکشنبه سیم ذیقعده ۸۲۸ بپایان رساند (ش۳۹۷ج٤طوس ـ روضات‌الجنات
۱۰ ص ۲٦٤) .

آغاز: بسمله . الحمدلله المنقذ من‌الحیرة والضلال و المرشد الی‌سبیل الصواب
فی‌المعاش والمال ... فهذا کتاب نهج‌المسترشد فی اصول‌الدین لخصت فیه مبادی ـ
الفواعدالکلامیة ورؤس المسائل‌الاصولیة ... اجابة لسؤال‌الولدالعزیزمحمد .

انجام : ومن ارادالتطویل فعلیه‌بکتابنا الکبیرالمسمی‌بنهایة‌المرام فی‌علم‌الکلام
۱٥ ومن ارادالتوسط فعلیه‌بکتاب منتهی‌الوصول والمناهج‌وغیرهما من کتبنا (المشهورة
کنظم‌البراهین والمعارج ـ بخطریزتر ومیـان دو سطر) والسلام ، والحمدلله علی
بلوغ ماقصدناه وحصول ماأردناه . والصلوة والسلام علی‌اشرف‌الانبیاء وعترته‌الطیبین

[۸٥۳]

این نسخه شماره۱ دفتر وبخط شکسته تعلیق ریزوعنوانهـا بنسخ وشنگرف و
۲۰ **۱۰۲۰** برخی جاها سفیدگذارده شده وحاشیه‌هائی دارد شکسته تعلیق ازشرح‌سیوری
(ارشادالطالبین) گ۲ب ـ ۱٤ب . ۱٤ شماره دیگراینددفتر درحدیث وفقه‌است
وبخط تعلیق ونسخ ونویسنده شماره۱٦ آن اسدالله حسینی رضوی درتاریخ ۱۲۲٦می
باشد ودرگ۲الف خط خطیب صدیق بسال۱۲۳۰ دیده میشود .

همه دفتر(۱۷٦گ) ــ کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج‌سرخ ضربی

۲٥ **اندازه : ۱٥٫٥×۲۱٫٥ و۹٫٥×۱٦ س۲۴(بیاضی)**

[٧٠٧] **وجیزه** (عربی)

دانشمند شبرعبدالله بن محمد رضای نجفی کاظمی (١١٨٨-١٢٤٢) نگارندهٔ تفسیر که در تهران بسال ١٣٥٢/١٣١٤ بچاپ رسید دراین رساله اندکی ازاصول وفروع دینی راآورده و آنرا درروز شنبه ٢٢ ذی‌قعده ١٢٢٠ بپایان رساند.

آغاز: بسمله و به نستعین. الحمدلله الذی لامن شیء کان و لامن شیء کون ماقدکان... فیقول... عبدالله بن محمدرضاالحسینی ... هذه رسالة و جیزه و نخبة عزیزه قد تضمنت معرفة الحکمتین اللتین یحل بهماالفوز بالسعادتین.

انجام: وجعل مستقبل حالنا خیرامن ماضیه. تمت الرسالة فی یوم السبت بعد الزوال ثانی و عشرین من ذی القعدة سنة ١٢٢٠ و الحمدلله اولا ... وصلی الله علی محمد و آله.

[٨٥٤]

٤١٠ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف ازدرویش بن کاظم درشب ١٤ ذی حجه ١٢٣١.

(١٢٠گ) — کاغذ فرنگی جلد تیماج سرخ ساده

اندازه: ٥ر١٥×٥ر٢١ و ٩×٥ر١٥ س ١٥

[٧٠٨] **هادیة العوام** (عربی)

این گفتار دراصول وفروع دین است بروش شیعی.

آغاز: بسمله. الحمدلله اللطیف بعباده، العامر بنواله، الامر بسؤاله ... و بعد فهذه رسالة وجیزة موسومة بهادیة العوام مرتبة علی کلام ومقام وختام.

انجام: وقدامر تنابرد الودایع فردعلی عندحضور موتی، برحمتك یا ارحم الراحمین.

[٨٥٥]

١٠١٥ این نسخه شماره ٤٢ دفتر وبخط تعلیق میباشد. گ ١٧٠ب - ١٧١الف. دربرگ ١٧١ب تفسیر «سبحان الله والحمدلله ولااله الاالله والله اکبر» است از شمس الدین محمدبن مکی شهید یکم.

[۷۰۹] **هداية الطالبين في معرفة الانبياء والائمة الهادين** (فارسی)

دانشمند حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲ـ۱۲۸۹) در این دفتر از پیامبری و امامت در دو باب گفتگو نموده و آنرا در ۸ رجب ۱۲۷٤ بپایان رساند. نسخه‌ای از آن در مجلس (ش ۷۸۸) هست.

۵ **آغاز:** بسمله. سپاس ایزدیرا کـه آنجا که او موجود است هیچ موجودیـرا وجودی نیست.

انجام: هر یك از این ممکنات علاوه برقیام قائم بذانه بقول مطلق. فهو القیوم تعالی شأنه والقائم قـائم به ... وقد فرغت من تأليف الرسالة في اليوم الثامن من شهر رجب المرجب سنة اربعة وسبعين بعد المائتين والالف من الهجرة النبوية ۱۲۷٤.

۱۰ [۸۵٦]

۲٦۵ این نسخه بخط تعلیق حسن تقدیسی تفرشی در محرم سال ۱۳٦۱ میباشد.

(۹۱ گ) ــ كاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ تازه

اندازه: ۱۱×۱۸ و ۸×۱۲ س ۱۳

گفتار پنجم

فلسفه عملی

آرایش خوی یا فرهنگ - کدخدائی یا خانه‌داری - کشورداری (تهذیب اخلاق یا حکمت خلقی - تدبیر منزل یا حکمت منزلی - سیاست مدن یا حکمت مدنی[1])

۱- برای این نامها بنگرید به: نگارشهای بابا افضل کاشانی ج۱ چاپ دانشگاه ص۹۵-۹۶- ۲۶۱ - اخلاق ناصری چاپ هند ص۹ - اخلاق جلالی ص۱۸ - دیباچه آقای همائی بر اخلاق ناصری.

فیض کاشانی «ضیاءالقلب» خویش راکه در شناختن جان وپرودن آن است ازروی خرد وطبع وشرع وعرف وعادت بنـام «آئینه شاهی» برای شاه عباس دوم بسال۱۰۷٦ بپارسی کرد وآنرا دردوازده‌باب گذارد: «شناختن خرد، شرع، طبع، عادت، عرف، شناختن خودکه فرمانبراین پنج‌است، مرتبه‌های همان‌پنج، چرا آنها برمردمی‌چیره‌اند، اگر آنها باهم‌نسازند کدام برتر است، اگر آنهابایکدیگر بیامیزند چگونه میتوان ازهم جداساخت، برخی از داده‌های خداکه دراینجاکمك خواهد بود، چگونه ازخدا یاری توان‌خواست» کاشانی خردرا برتر از شرع میداند آنهم خرد پیامبران وپیشوایان. این رساله بـا ترجمةالصلوة والفت نامهٔ اودر چاپخانه موسوی شیراز بسال ۱۳۲۰خ بچاپ رسید.

آغاز: سپاس شایسته وستایش بایسته‌سزاوار نثار پروردگاری که رسوم‌شرع را مطابق مقتضای عقل‌کامل گردانید.

انجام: چون در دلم محبت ایشان‌گرفته جا. تمت‌الرساله والحمد اولا و آخرا درتاریخ تصنیف برسم تعمیه‌گفته شد. آئینه‌جان برگیر ازممکن غیب دل— کائینهٔ شاهی‌را تاریخ شودحاصل (۱۰۷٦).

[۸۵۷]

۳۱٤ این نسخه‌شمارهٔ دودفتر وبخط تعلیق میباشد گ۱٦ب - ۳٦الف.

[۷۱۱] **اداب ارسطو** (عربی)

برای نگارشهای‌ارسطوسه‌فهرست‌دردست‌هست‌یکی ازدیوگنوس‌لائرسیوس دوم‌ازکمنام‌گویا«هسوخیوس‌ملیتوسی»سوم ازقفطی وخزرجی‌که ازبطلیموس‌رومی گرفته‌اند. دربارهٔ این‌سه فهرست‌در Le systéme d'Aristote از Hamelin

ص۱۳ـ ۱۷ بررسی شده است . داستان نشر کتابهای ارسطو در جغرافیای ستر ابن (ج۳ص۵ـ۵۳) دیده میشود. در «زندگی مردمان نامور» پلوتارخوس داستان نگارش های ارسطو و نامه نگاری او با اسکندر درباره نشر کتابهای سماعی در میان تـودهٔ مردم آمده (ترجمه فرانسوی Alexis Pierron چاپ پاریس در ٤جلد بسال ٤ـ
٥ ۱۸٤۳ج۲ص ٦ـ٦۳٥ وج۳ص٤٤٦) ازین کتابها و همچنین فهرست ابن ندیم پیداست که پندهائی بارسطو نسبت داده اند و برخی از آنها بتازی در آمده است. در جاویدان خرد مشکویهٔ رازی ازاینگونه پندها و سخنان آمده است و نمیتوان باور کرد که ازارسطو باشد (دیباچه بدوی برجاویدان خرد ص٤۲) .

این گفتار دردو بند درجاویدان خرد ص۷۰ـ۲٦٦ بچاپ رسید و بسیار بآغاز ادب
۱۰ صغیر ابن مقفع که دررسائل البلغا ص٤ـ۳۷ بچاپ رسیده مانند میباشد (ش٦۳٤/۱٦ مجلس) .

آغاز: بسمله هذا آداب ارسطوطالیس . کتبها فی صحیفة کان یعلمها اسکندر . لکل انسان حاجة والی کل حاجة سبیل ومن اصابه انجح ومن اخطاءه خاب وحاجة الانسان خیر الدنیا والاخرة والسبیل الی ادراکها العقل والعقل نوعان غریزی ومستفاد.

۱٥ **انجام**: غیرحاسد للاصحاب ولامخادع للاخیار ولامتحرس بالاشرار ولامشاغب للمدارس ولاملاح للسطان ولامرج للولایة . تمت آداب ارسطوطالیس . والحمدلله واهب العقل .

[۸٥۸]

۲٥۳ این نسخه شماره ۱٥ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ۹٥ب ـ ۹٦ب .

[۸٥۹]
۲۰

٤۰۲ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ٥۲ب ـ ٥۳ب .

[۷۱۲] **اداب متعلم حکمت** (فارسی)

در تتمهٔ صوان الحکمه بیهقی ص ۲۰ گفتاری از فارابی درباره روشی که جویندهٔ

حکمت باید داشته باشد آمده و این نسخهٔ ما نیز مانند همان است و بپارسی و آغاز
آن ترجمهٔ گزیده‌ای است از آغاز همان متن تازی .
آغاز: حکما فرموده‌اند که هر که درعلم حکمت شروع نماید باید که شاب
وصحیح المزاج باشد .
انجام: وهیچ سفری بهتر از سفر عقل در ملکوت نیست وفقنا الله وایاکم بحرمة ٥
من لانبی بعده .

[٨٦٠]

٤٣١ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی درمحرم ١٣٠٢ گ ١١٧ ب
١٢٠ ب .

[٧١٣-٨١٤] **ابواب الجنان** (فارسی) ١٠

دانشمند ادیب شاعر رفیع الدین محمد بن فتح الله واعظ قزوینی (م ١٠٨٩) شاگرد
ملاخلیل قزوینی میخواست ابواب الجنان خودرا در پند واندرز وسخنزانی دینی و
درهشت باب هر یکی دریك جلد بنویسد . نخستین را در روزگار شاه عباس دوم
(١٠٥٢-١٠٧٧) ودومی را پس ازمرگش ودرروزگار شاه سلیمان یکم (١٠٧٧-
١١٠٥) بسال ١٠٧٩ نگاشته است ودیگر ننوشت . پسرش محمد شفیع آنرا بپایان ١٥
رساند. این کتاب نمونه‌ایست از نثر شیوا ودشوار آن زمان . جلد یکم در تبریز بسال
١٢٦١ ودر تهران بسال ١٢٨١ (هردوجلد) ودرهند بچاپ رسید (ذریعه ج١ ص٧٦
فهرست طوس ج٢ ش١ اخلاق چاپی) درمجلس نسخه‌ای ازاین هست (ش٧-٥٦٦) .

[٨٦١]

٥٢١ این نسخه جلد یکم و بخط تعلیق خوش تاریخ ١٢٦٥ ودارای سرلوح بسیار ٢٠
زیبا بشنگرف وزرولاجورد ورنك سبز میباشد. صفحه١ حاشیه‌دارد باگل و
بوته ودیگر صفحه‌ها دردوجدول بزرولاجورد وشنگرف وعبارتهای تازی
بشنگرف است .

آغاز: بهترین زلال مقالی که سرخیل کاروان فنون محاورات تواند بود .
انجام: برامزجه قلوب دردمندان سازگار وگوارا گردانیده توفیق را بروجه ٢٥
صواب کرامت فرماید. بمنه وکرمه آمین یارب العالمین برحمتك یاارحم الراحمین.

امیر فیروزکوهی در۱۳۱٦ این نسخه راداشته وبهای آنرا سی تومان دانست .
(۱۷۱گ) ـ کاغذ ترمهٔ سپاهانی ـ جلد روغنی گل و بوته‌دار دورو وضربی باپوشهٔ تیماجی.
اندازه : ۲۱×۳۵ و۱۲×۲۵س۲۰

[۸٦۲]

۵ این نسخه جلددوم وبخط نسخ بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ازعلیقلی فرزند
۵۲۰ کربلائی‌علی پسرکربلائی حسین در۳۰ رجب وروز خمسهٔ سال۱۱۲۸ میباشد
آغاز: زلال مقالی که از چشمه ساردل بجدول زبان جاری و بوستان جانفزای
دین وایمان بآن آبیاری توانندشد .
انجام: درفقیهٔ مرویست که درسجده آخرین این نمازگوید «یامن لبس العزو الوقار
۱۰ اسئلك بمقاعدالعزة» .
(۱۳۲گ) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج مشگی ضربی
اندازه : ۲۱ × ۳۰٫۵ و۱۴×۲۲س۲۰

[۷۱٦-۷۱۵] احیاء علوم الدین (عربی)

دانشمند محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵) درسال٤٨٤ درمدرسهٔ نظامیهٔ بغداد
۱۵ بتدریس پرداخت ودر ذی‌قعده٤٨٨ برادرش احمد را جانشین خویش ساخته خود
بسوی مکه رهسپارگشت ودر٤٨٩ بدمشق رفته سپس باورشلیم آمدوباز بدمشق
برگشت وده سال درشام مانده است. وی باسکندریه نیز رفته ومیخواست بدیدار
یوسف بن تاشفین پادشاه مرابطی مراکش (٤٨٠-۵۰۰) برسد که اومرد . غزالی دیری
بپارسائی وجهانگردی بپرداخت . در همین روزگار بود که احیاء العلوم می‌نوشت.
۲۰ ببغداد که برگشت آنرا درپند واندرزها که میداد میخواند (شرح زبیدی براحیاء
ج۱ص۷-۸) پس غزالی احیا را درروزگار پارسائی وگوشه‌گیری (٤٨٩ - ٤٩٩)
نگاشته است. چنانکه خود او درمنقذ میگوید ازرجب ٤٨٦ اندیشهٔ پارسائی و
کناره‌جوئی درسرش افتاد باندازه‌ایکه درخود توانائی ماندن بغداد ندید وبیمار
گشت وحج رابهانه ساخت واز آنجا بیرون رفت وبتصوف گرائید (تعریف‌الاحیاء
۲۵ بفضائل‌الاحیاء شیخ عبدالقادر درکنار شرح زبیدی ج۱ص ۳۷ وپس‌از آن) (۱) .

۱ـ غزالی مانند اورلیوس اوگوستینوس(Aurelius Augustinus) پاك
بقیه حاشیه درصفحه بعد

غزالی باحیاء بسیار ارج مینهادودر پاسخ خرده گیریهاکه مغربیان کرده‌اند «الاملاء فی‌اشکالات‌الاحیاء» نوشته‌است (زبیدی‌ج۱ص۳۸)واز آن پیداست که بهمان‌سخنان وپرسشهای خراسانیان‌که پیش شاه بداوری رفته بودند نیزمینگرد (ص۱۹۰ همین فهرست) وگویا آنرا نزدیك ۵۰۳نوشته باشد.

۵ غزالی خود درمقاصدالفلاسفه (آغازالهی) درباره سیاست میگوید: «وهذا علم‌اصله‌العلوم‌الشرعیه» ودرتهافت‌الفلاسفهٔ او که‌پس‌از آن‌نوشته‌ودر‌تاریخ۱۱محرم ۴۸۸ بپایانش‌رساندص۳-۳۵۲دارد: «وعلم‌الاخلاق‌طویل‌والشریعة بالغت‌فی‌تفصیلها ولاسبیل فی‌تهذیب الاخلاق‌الابمراعات قـانون‌الشرع فی‌العمل حتی لایتبع‌الانسان هواه» پس اوچنین میخواهد که گذشته ازویران ساختن بنیاد فلسفه‌یونانی علم‌عملی

۱۰ را نیز ازروی شرع بنویسد اینست که دراحیا شالوده‌دیگری برای اخلاق‌وسیاست وتدبیر منزل ریخته‌ورنك دین بدوداده است‌مگراینکه اودراین‌کتاب روش عرفان پیش‌گرفت وازقوت‌القلوب ابوطالب مکی ورسالهٔ قشیری (زبیدی ج۱ص ۳۰) و ذریعه‌راغب‌بهره بردودرآوردن‌اخبار و آثارهم چندان پابندشرایط‌محدثان‌نبوداین بودکه فقیهان ازاو خرده‌هاگرفتند و دانشمندان درباره اودوگروه شدند. سخنان

۱۵ دوست ودشمن‌رادردیباچه زبیدی می‌بینیم. ازنگریستن نگارشهای غزالی برمیآید

(Eusebius Sophronius Hieronymus) وهیرونیموس (۴۳۰-۳۵۴)یا جیروم Jérome پاك (۴۲۰-۳۴۰)که نخستین ازاندیشهٔ مانوی ونوپلاتونی ودومی از فلسفه سیسرون واندیشه‌هـای بت‌پرستان برگشته پارسا وترسا شدند او هم دراثر کشمکش ونبردهای فیلسوفان وباطنیان و عارفـان باپیروان سنت خسته شده خواست

۲۰ زندگی بی‌آلایشی دورازمردم زمان پیش‌گیرد ومسائل دین‌را روی‌ذوق‌عرفانی‌دریابد غزالی مانند دکارت شك‌را پایهٔ یقین‌دانست (پایان میزان‌العمل که میگوید: اذالسلوك هی‌الموصلة الی‌الحق فمن‌لم‌یشك‌لم ینظرومن لم‌ینظرلم یبصرومن لم‌یبصر بقی‌فی‌العمی والضلال) سیدمرتضی‌نیز‌پیش‌ازاوچنین گفت(ص۱۶۱۱اینفهرست) اورا درگرایش‌بحس وبداهت مانند هیوم انگلیسی ودر ناتوان یافتن خردمانندکانت‌آلمانی پنداشتند.

۲۵ (بنگرید به: ترجمه تازی تاریخ فلسفه اسلامی دبوئر ازابوریده ص ۲۱۸ — تاریخ فلسفه اسلام لطفی جمعه ص٦-۷۵).

که اودرزندگی علمی چهاردوره راگذراند: ۱از۴۷۸تا۴۸۴که وجیز را نوشت و فقیه بود۲از۴۸۴تا۴۸۸که مقاصد وتهافت‌واقتصاد ومستظهری نوشته نگاهبان‌سنت ودوستدار درباز عباسی بوده ونظام‌الملك راخوشنود میساخت وبـاپندار واندیشهٔ باطنیان فاطمی مصروصباحیان میجنگید۳از۴۹۲تا۴۹۵که باحیاء ومستصفی‌وکیمیا ۵ میپرداخت واندیشهٔ عرفانی دینی داشت۴از ۴۹۵تا ۵۰۵که سرانجام بطوس آمد و دراین زمان بودکه بنگارش مانند جواهرالقرآن و مشکات‌الانوار پرداخته است (متون ماسینیون ص۹۳) وبگفته وات درروزنامهٔ آسیائی لندن ش۱و۲سال۱۹۵۲ ص۳۰و۴۴ دورهٔ پس ازاحیا هم دوبخش میشود دریکی همان عقل بکار میآمد و مانند الجام وفیصل وقسطاس نوشته شده ودر دومی‌که پایان زندگی او است ذوق ۱۰ هم درکاراست واباحیه ومنقذ ومشکات بنگارش درآمد. متن احیادرتهران بسال ۱۲۹۳ وبارها درمصر ودرلکناؤ بسال۱۲۸۱ بچاپ رسید.

[۸٦۳]

۳۹۰ این نسخه دارای نیمه نخستین احیاء است وبخط نسخ درجدول زرین‌ولاجوردی باعنوانهای شنگرف ودارای‌دوسرلوح زیبای‌زمینه‌گل وبوته لاجوردی واحمد ۱۵ بن احمدبن شرف‌الدین کازرونی درروز سه‌شنبه ۲۴ رمضان سال ۸۹۳ نوشتن آنرا بپایان رساند.

درگ۱الف بخط تعلیق فیض کاشانی از« الریاض‌الموبقة فی‌مرتبة اصحاب‌السنة » امام‌رازی‌آمده که اگرمعتزلیان بنوشته‌های‌فراوان جاحظ که‌بیشترش‌یاوه‌است‌می نازند شایسته استما هم بنوشته‌های فراوان وبسیار پسندیدهٔ غزالی بنازیم.

۲۰ نیز ازآغاز جلد ۵ کشکول که شیخ بهائی ازپدر خود ازیکی ازبزرگـان آورده است که خطابیات غزالی از برهانیات ابوعلی دلنشین‌تر و جان بهتر آنرا می‌پذیرد. بازبخط همان مولی محسن فیض نوشته شده: کـه حکیم صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (اطال‌الله بقائه) بدوگفته بود که میرزا ابراهیم همدانی از شیخ احمد اردبیلی آورده است که«اگر همه کتابهای جهان ازمیان برود واحیاءالعلوم بماندچندان‌زیانی ۲۵ باسلام نخواهد رسید ولی اگراحیا ازمیان رود زیان بسیاری‌بدان خواهد رسید»فیض میگوید که این ازاردبیلی شگفت‌انگیزاست چه مبحث امامت که ازایمان است در احیا نیامده ولی درباره «المحجة‌البیضاء» ماکه بـاآن احیا را کامل نمودیم چنین سخنی

درست خواهد بود- دربارهٔ میرزا ابراهیم‌همدانی ازاجازات بحاراز سیدعلیخان(سلافه ص٤٨٨) درهمین برگ چنین‌آمده : «شاه عباس روزی خواست شیخ بهائی را ببیند نزدش رفته هزارها کتاب درآنجا بدید . ازاو پرسید کسی در جهان هست که این همهٔ کتابهارا ببادسپرده باشد ؟ بهائی پاسخ‌داد نه. اگر باشد همان میرزا ابراهیم خواهد بود. این دانشمند در١٠٢٦درگذشت » همه اینها بخط‌کاشانی است . خط و مهر ۵
دارندگان نسخه(محمدابراهیم‌قزوینی ومحمد زکی در١١٤٢وحاج‌علی‌نجار وسعدان) دیده میشود (١الف ـ ٣٣٧الف) .

(٣٣٧گ) - کاغذ سمرقندی—جلد تیماج سرخ مقوائی

اندازه : ١٧×٢٥ و١٢ ، ٥ر١٧س٢٥

١٠ [٨٦٤]

٣٩١ این نسخه نیمه دوم احیاء است وبخط نسخ در جدول زرین و شنگرف و با عنوانهای شنگرف ویك سرلوح زرین که همان‌کازرونی درنیمهٔ روز آدینه ٢٣رمضان٨٩٤ نوشتن‌آنرا بانجام‌رساند همان‌گفتار بهائی در کشکول نیز درگ١ الف بخط‌تعلیق آمده ومهروخط محمد ابراهیم قزوینی درگ١الف وب‌ودر ١٥
٤٢٩ الف وب دیده میشود .

(٤٢٩گ) — کاغذ سمرقندی— جلد مانند بالا

اندازه : ٥ر١٧ ، ٢٥ و١٢×٥ر١٧س٢٥

[٧١٧] اخلاق (رسالة ...) (عربی)

شیخ رئیس دراین رساله کوتاه میخواهد بگوید که چگونه مردمی خوش خوی ونیکرفتار میگردد وچندین‌فضیلت خلقی‌رامیشناساند ودرآغاز آن از «کتب ٢٠
احصاءالعلوم» یادمیکند . این‌رساله مانند « تهذیب‌الاخلاق » یحیی‌بن عدی یعقوبی م٣٦٤ (چاپ شده دررسائل‌البلغاء) است وکوتاه‌تر ازآن ودرآن بروشی علمی از اخلاق‌بررسی‌نشده‌است. ایندانشمندان در اینگونه نگارشها از DeVirtutibus etVitiis یانکوئیها وبدیهای‌ارسطو بهره برده‌اند .

قنواتی درش٢٤٦چندین نسخه ازاین رساله راشناساندکه درآغاز وانجام با ٢٥
هم یکی‌نیستند اين‌رساله درتسع رسائل‌مصر١٣٢٦ بچاپ رسیده وآمیختگی در آن هست چه درص١٥٢ تا١٥٤س٩کلمه١٨ اینچاپ بخشی ازاین رساله است واز آن‌پس‌تاص١٥٦ازرسالهٔ عهدشیخ‌رئیس که درکنارشرح هدایه شیرازی‌ص ٨-٣٣٦

دیده میشود آمده ودنبالهٔ این رسالهٔ اخلاق درص۱۴۳س۲کلمهٔ۹ تاص۱۵۱ اینچاپ هست که جزء رساله عهددانسته شد. بگفته ناشرشرح هدایه ص۳۳۵ درچاپ مطبعة الجوائب نیزچنین آمیختگی دیده میشود. این رساله درمجموعة الرسائل بسال۱۳۲۸ ودرکنار شرح هدایه شیرازی ص۵-۳۳٤ و۷-۳۵۱ نیز بچاپ رسید.

۵ **آغاز:** بسمله المعتنی بامره المحب لمعرفة الفضائل و کیفیة اقتنائها لتزکو بها نفسه

انجام نسخهٔ ما: ولهذا الکلام ذکر فی موضعه- یعنی کتاب المبدء والمعاد. تم الکتاب فی الاخلاق والحمدلله حق حمده. آنگاه دارد: «هیئة یصدر بها عن النفس افعال بسهول عن غیر تقدم روية. جالینوس: الخلق حـال للنفس داعية الى ان یفعل الانسان افعال بغیر روية ولا اختيار. وصلوته علی محمد و آله اجمعین» که نویسنده افزود.

۱۰ [۸٦۵]

۱۰۷٤ این نسخه شماره۱٦ دفتر و بخط تعلیق ریز میباشد گ۲۲۱الف- ۲۲٦ب.

[۸٦٦]

۱۰۷۹ این نسخه شمارهٔ۲۲ دفتر و بخط تعلیق میباشد ص۱۲۳-۱۲۹.

[۷۱۸] **اخلاق (رسالهٔ.)** (فارسی)

۱۵ این رساله دراخلاق و با اخبار و آیات آمیخته است.

[۸٦۷]

۱۰۳٦ این نسخه شمارهٔ۱۱ دفتر و بخط تعلیق میباشد گ۱۰۰الف - ۱۳۸ب. نسخه در آغاز وانجام ومیانه کم دارد و برگها هم پس و پیش شده وچنین است: «درویش است که بدانچه دارد قناعت کند - و یکی از دلائل سوء خاتمت نفاق است».

۲۰ [۷۱۹] **اخلاق (رسالهٔ...)** (عربی)

رساله ای است کوتاه وشیوا درچهار مقاله: اخلاق نظری- حفظ واکتساب اخلاق- سیاست منزل - تدبیر مدن.

آغاز: بسمله وبه نستعین الحمدلله علی نواله. وبعد فهذه مختصرة فی علم الاخلاق ورتبته علی اربع مقالات المقالة الاولی فی النظری منه. الخلق ملکة تصدر عنه الافعال

الانسانية بسهولة من غير روية ويمكن تغيرها للتجربة ولورود الشرع به واتفاق العقلاء
انجام : وقضاء حوائج الناس ولزوم العادات من التعازي والتهاني والعيادات و اظهار الفرح لفرحهم والغم لغمهم بحيث لايخرج الى حد النفاق .

[٨٦٨]

١٠٣٥ این نسخه شماره ٥ دفتر است و بخط تعلیق شکستهٔ ریز با نشانه‌ها وعنوانهای شنگرف گویا از دیباجی نزدیك ١١٠٠ ص٩٥-٩٧ . ٥

[٧٢٠] **اخلاق ناصری** (فارسی)

خواجهٔ طوسی فیلسوف (٥٩٧- ٦٧٢) این کتاب را درسه مقاله نوشت در نخستین آن که در اخلاق است تهذیب الاخلاق وطهارة الاعراق مشکویهٔ رازی را بپارسی کرد ودر دومی که از تدبیر منزل بررسی میکند رساله تدبیر منزل شیخ رئیس را بپارسی برگرداند(١) ودرسومی ازاراء مدینه فاضله فارابی بهره برد ودرپایان آن پندیکه افلاطون بارسطو داده ودر جاویدان خرد مشکویه (ص٩-٢١٧) متن تازی آنرامی بینیم بپارسی آورده است. خواجه تدبیرمنزل بروسن(چاپ شده درمجموعه اربع رسائل نشر یسوعی در بیروت بسال١٩٢٣) رانیز دیده بود . طوسی آنرا بنام فروانروای کهستان ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم بن ابی منصور بسال٦٣٣ نگاشته ١٠ ١٥

١- مشکویه درطهارة الاعراق از قرآن وسخنان پیامبر وعلی و کلیه ودمنه و طب روحانی رازی پزشك ودفع الاحزان کندی ودیگر نوشته‌های اوواخلاق نیقوماخوس وفضائل النفس ارسطو وجمهوری افلاطون واخلاق جالینوس (چاپ شده درمجلد٥جزء ١ مه١٩٣٧ ازمجله کلیة الاداب جیزه) و« تعرف المرء عیوب نفسه» همو و کتاب بروسن (Bryson) بهره برده است (بنگرید به: ابن مسکویه، فلسفته الاخلاقیة ومصادرها از دکتر عبدالعزیز عزت مصر١٩٤٦) تدبیرالمنزل یاالسیاسة شیخ رایسوعی درمجله مشرق بیروت بسال١٩٠٦(٩) ودر«مقالات فلسفیة قدیمة» درهمانجا بسال ١٩١١ بچاپ رسانند (قنواتی ش٢٥٣)ومجله مرشد هم آنرا درمطبعة الفلاح بغداد بسال ١٣٤٧/١٩٢٩ در٤٧ص بغلی بنام «تدابیر المنازل او السیاسات الاهلیه» چاپ نمود ودانشمند گرامی آقای محمد نجمی زنجانی همین را با بخش زناشوئی پایان شفا بپارسی کرد که در چاپخانه ایران تهران ١٣١٩خ بچاپ رسید . ٢٠ ٢٥

و پس ازرهائی اززندان الموتیان (درروزیکشنبه یکم ذی‌قعده ٦٥٤) اوخطبهٔ دیگری
در آغاز آن گذارده وسفارش کرد که خوانندگان خطبه نخستین‌را بردارند واین یکی
را بجای آن بگذارند. نگارنده ذریعه (ج ١ ص ٣٨٠) نسخه‌ای‌را دیدکه در ٦٧٦
نوشته شده وخطبه نخستین‌را درپایان آن گذارده بودند. طوسی درسال ٦٦٣ سی
٥ سال پس ازنگارش آن (ص ١٤٧ چاپ ساغر دربمبئی بسال ١٢٦٧) روی یادآوری
امیر عبدالعزیز نیشابوری بخشی دربارهٔ نگاهداشت حقوق پدر ومادر دردنبال فصل
٤ مقاله ٢ افزود. پیداست که خواجه آنرا درروزگار علاءالدین محمدبن حسن (٦١٨
ـ٦٥٣) هفتمین جانشین حسن صباح وهنگامیکه درالموت بازداشته بودنگاشته است
این استکه درفصل ١ مقاله ٣ (ص ١٥٧) ازاساس و ناطق یـادکرد ۰ سلطان العلما خلیفه
١٠ سلطان سید امیرعلاءالدین حسین حسینی آملی سپاهانی (م ١٠٦٤) داماد شاه‌عباس
یکم ووزیر اووعباس دوم تاهنگامیکه درگذشت بدستور شاه‌صفی در ١٠٥١ اخلاق
ناصری‌را بعبارت مأنوس‌تری درآورد وفاضل عبدالرحمن بن عبدالکریم برهانپوری
برای عالمگیر شاه (اورنك زیب ١٠٦٩ـ١١١٨) گزارشی بر آن نوشت (ذریعه ج ٤
ص ٤٩١) این کتاب دربمبئی بسال ١٢٦٧ و درکلکته بسال ١٢٦٩ ودرلکنائو بسال
١٥ ١٢٨٦ ودرلاهور بسال ١٨٦٥ وگزیده آن با دیباچه آقـای همائی درتهران بسال
١٣٢٠ خ بچاپ رسید. درموزه بریتانیا نسخهٔ تاریخ ٦٨٠ آن هست (فهرست ریو ج ٢
ص ٤٤٢ وص ٨٥٦ دربارهٔ نسخه‌ایکه هردو خطبه‌را دارد وج ٤ ص ١٤٧).

[٨٦٩]

٨٩٤ ٢٠ این نسخه شماره ٢ دفتراست وبهمان گونه خط شماره یکم آن ازهمان کاررازی
در ١ ج ١ سال ١٠٧٣ گ ٩٩ب - ٢٢٦ الف . دراین نسخه همـان خطبه دوم
آمده است .

[٨٢١] اغراض السیاسة فی اعراض الریاسة (فارسی)

دانشمندان خاوری درنگارشهای اجتماعی خویش چندروش پیش گرفته‌اند گروهی
مانند ابن مقفع وجاحظ دستورهاوپندها ورفتارهای خردمندان وفرمانروایان پیشین

را درنوشته‌های خودمیآوردند یااینکه بساخت افسانه وداستان خوهای نیك‌یا بدو دادگری یاستمکاری رانشان‌میدادند مانندکلیله ودمنه وسندبادنامه که بیشتر اینها ریشه ایرانی و هندی دارد . دسته‌ای از اندیشهٔ خردمندان یونانی پیروی نموده از روی نوشته‌های سیاسی واجتماعی افلاطون وارسطو بروش منطقی وعلمی کتاب‌می
نوشتند.درمیان آنان نیز کسانی بودندکه درزندگی سیاسی آزمایشهائی‌اندوخته‌و ۵
بروشهای بزرگان آشنا بوده‌اند ایندسته مانند غزالی درنصیحةالملوك و نظام‌الملك طوسی درسیرالملوك یاسیاست‌نامه (بسال ٤٨٥) وعنصرالمعالی درقابوسنامه (بسال ٤٧٥)مسئلهٔاجتماعی راپیش کشیده‌برای‌اثبات‌آن گواهیائی ازسخنان بزرگان دینی و سیاسی میاوردند این کتاب «اغراض‌السیاسة» نیزچنین‌است و بهاءالدین محمد بن‌علی‌بن محمدبن‌الحسن ظهیری‌نویسندهٔسمرقندی صاحب دیوان رکن‌الدین الپ
قتلغ تنکابلکا ابوالمظفر قلج طمغاج‌خاقان پسرجلال‌الدین قلج قراخان فرمانروای ١٠
خانی ترکستان نزدیك٥٥٨ آنرا پس‌ازمرك سنجر (٥١١-٥٥٢) و بنام همان قلج طمغاج نوشته‌است‌این‌فرمانروا همانست که‌رضی‌الدین نیشابوری٥٩٨‌اورامیستود .

سمرقندی سندباد نامه‌راکه ابوالفوارس قناوزی در سال٣٣٩ بدستور نوح
منصورسامانی‌ازپهلوی‌بپارسی‌ساده شیرین‌ترجمه کرده‌بود‌بنام‌همو‌وقلج‌طمغاج‌خاقان ١٥
پسرمسعود بن‌الحسین‌نزدیك ٦٠٠ بپارسی‌ساختگی زمان‌خوددرآورد (چاپ‌احمد آتش دراستانبول‌بسال١٩٤٨ باترجمهٔتازی) او کتاب‌دیگری داردبنام «سمع‌الظهیر فی‌جمع الظهیر» .

سمرقندی دراغراض ازچندین فرمانروا ودانشمند مانند جمشید و فریدون
ومنوچهر وپیشدادیان دیگرواسکندر و بطلیموس وافلاطون وارسطو و فورهندی ٢٠
وفغفور چین‌وخاقان خزروچند پادشاه‌ساسانی وچند امیرتازی ونصر احمدسامانی وسیف‌الدوله وعضدالدوله وعلاءالدوله ومحمود غزنوی والب‌ارسلان وسنجر پسر ملکشاه یادکرده وبستود ودستورها وروشهای آنانرا آورد. سبك نگارش او بس دشوار وشعرهای پارسی وتازی درآن دیده میشود. خودسمرقندی گزارشی برآن

نوشت(۱) .

آغاز: حمدوثنا مبدعی‌راکه عدم خزانهٔ ابداع اواست وشکروسپاس موجدی‌را که نیستی وسیلت اختراع اواست .

[۸۷۰]

۵ این نسخه بخط تعلیق درجدول زرین‌ولاجوردی باعنوانها بزرولاجورد وبرخی
۱۰۷۲ عبارتهای تازی آن‌هم بهمان دو رنك وروی شعرهـا خط زرین کشیده شده و سرلوحی دارد بشنگرف ولاجورد وزر . نسخه بـا«عنوان سلطان سنجربن ملکشاه پادشاهیکه مراکب او مناکب کواکب گردون بود ... » که آخرین عنوان فهرست است پس ازچهار برگ بدینجا پایـان مییابد : « وطشت زر برگرفتند وآن
۱۰ مردمان ازجملهٔ منعمان» وچندان کم ندارد . سه برگ سفید وبرگ ٤ نیست. علی‌محمد بن هادی حسینی سپاهانی دولت‌آبادی درشعبان ۱۳۱۷ نسخه را توسط یمین‌السلطان خرید .

(۱۸۵گ) کاغذ فرنگی ــ جلد تیماج سرخ زرکوب دورو
اندازه : ۱۵×۵ر۲۵ و۹×۲۰س۱۷

۱۵ [۷۲۲] پندداذبه (فارسی)

داذبه یا ابن مقفع(۲) دراین نامه بپسرخویش پندوأندرز میدهد .

آغاز: از رسالهٔ ابن‌مقفع که درنصیحت پسر خود نوشته وآنرا رئیس المحققین

---

۱ ــ نیز بنگریدبه : کشف‌الظنون ــ حاشیهٔ قزوینی برچهارمقاله ص۱۷٦-فهرست موزهٔ بریتانیا ج۲ص۷٤۸ .

۲۰ ۲ ــ فرزانه ایرانی داذبه چون‌چندان بسفیان معاویه ارجی نمینهاد او هم کینهٔ‌ویرا دردل گرفت‌وسرانجام‌ویرا در۳٦سالگی بسال۱٤۲ نامردانه بکشت. ایندانشمندراسخنان شیوا ودلربا بسیاراست . ادب‌کبیرا و درجواهرالحکما بـابهجة المجالس ابن‌عبدالبر اندلسی درمصر بچاپ رسید ودررسائل‌البلغا ص٤۰ـ۱۰٦ نیزدیده میشود. درجاویدان خردمشکویه ص۲۹۳ـ۳۲۷ بجزدوصفحهٔ دیباچهٔ آن آمـده وپارسی همین را نگارندهٔ
۲۵ کنوزالودیعه (ش۳۹٤گ۲۳۹الف‌ـ۲۵۱الف) آورده‌است وهمهٔ‌آنرا محمدهادی‌بن محمدحسین‌قاینی بیرجندی‌باترجمه پارسی‌دردیماه۱۳۱۵خ درچاپخانه آفتاب‌تهران‌بچاپ رساند. ادب‌صغیر اودرمکتبه ومطبعة‌الطلبة قاهره چاپ شده ودررسائل‌البلغاص٤ـ۳۷ (چاپ سوم) هم‌دیده میشود . سخنان واندرزهای دیگراوهم دراین رسائل هست .

نصیرالملة والدین الطوسی بفرمودهٔ ناصرالدین عبدالرحیم ترجمه نموده کلمهٔ چند انتخاب نموده از کتاب آداب پادشاهان بقلم آمد. ای پسر بدانکه اول حقی که حقتعالی برما واجب است(؟) آنستکه درادای شکراو شرط تعظیم رعایت کنیم .

انجام: هرکه شروع نمائی ازسرانصاف وبصیرت کن که اگرخلاف آن ظاهر شود مستحق نباشی که دلهای مردم . مم ٥

[٨٧١]

٢٨٣ این نسخه شماره۲ دفتراست وبخط نسخ باعنوانهای شنگرف تاریخ ۱۲۸٦ گ۷٦ب ـ ۸٥ب .

[۷۲۳] **پند فرزانه بفرزند** (فارسی)

دراین گفتار فرزانه‌ای بفرزندخود اندرز میدهد وباید ازمتاخران باشد . ١٠

آغاز: این وصیت‌نامهٔ حکیمی است که پسرخودرا گفت: بدان ای فرزند که خالقی است که ترا وهمهٔ خلق‌را مرجع بااواست .

انجام : مرگ‌را بیادآر ودرهرچه باشی خدایرا فرومگذار. تمت الوصیة. والحمدلله اولا وآخرا .

[٨٧٢] ١٥

١٠٣٥ این نسخه شماره۱۷ دفترو بخط تعلیق میباشد ص۱٦٣ .

دردنبال٥بیت است ازفارابی :

نظرت بنورالعقل(الله)اول نظرة — فغبت عن الاکوان وارتفع اللبس

و ما زال قلبی لائذا بجمالکم — وحضرتکم حتی فنت فیکم النفس

وزیتونة الفکرالصحیح اصولها — مبارکة اوراقها الصدق والقدس ٢٠

فروحی زیتی والخیال زجاجتی — وعقلی مصباحی ومشکاته الحس

فصاربکم لیلی نهارا وظلمتی — ضیاء ولاحت من جنابکم(خیامکم)الشمس

(بنگرید به: ص ۱۱۲ همین فهرست درباره سخن ابن‌سینا وص۱۰ج۲ خزرجی درباره شعراودرتفسیرآیه نور. آملی درجامع الاسرار (ش۳٤۱گ۱۲۸ب و۲۷۸الف) همهٔ این بیتها راآورد ونگفت ازکیست) . ٢٥

وشش بیت ازحسین منصور حلاج‌ره :

قل‌لاخوانی روانی میتا — فرثونی وبکوالی‌حزنا
اتخالونی بانی میت — لست‌ذاك‌المیت والله‌انا
انافی‌الصورة هذابدنی — کان‌لبسی وقمیصی‌زمنا
اناکنز وحجابی طلسم — من تراب فتنحی للفنا
٥ انا عصفور وهذا قفصی — کان‌سجنا فالفت‌السجنا
اشکرالله الذی سرحنی — وبنی لی فی‌المعاد ولنا

وسه بیت ازشیخ رئیس ره :

لو کنت تعلم کلما علم‌الوری — حقا لکنت صدیق کل العالم
لکن‌جهلت فصارعندك کل‌من — یهوی‌خلاف هواك‌لیس‌بعالم
١٠ والعقل‌اضحی ضاحکامتعجبا — مما تقول وانت شبه النائم

ودو بیت ازابی‌العباس لوکری که دستورداده برسنگ‌آرامگاهش بنویسند :

الجسم یبلی اذاطال الزمان به — والنفس تبقی وهذا غایة الناس
لاتیأسن عن النفس التی بقیت — ان کنت‌عن‌جسمك‌البالی‌علی‌باس

ودو بیت ازعضدالدوله :

١٥ وقالواافق عن‌لذةاللهووالصبی — وقد لاح شیب فی دجاك‌عجیب
فقلت اخلائی ذرونی ولذتی — فان الکری عند الصباح یطیب

و دوبیت ازگمنام : «لغیره فی‌هذاالمعنی» .

و قائلة خل التصابی لاهله — فان الصبا بعد المشیب جنون
فقلت‌لها کفی‌عن‌اللوم‌واقصری — لذیذ الکری عندالصباح یکون

٢٠ [٧٢٤] پندنامه (فارسی)

در نسخهٔ ٨٨١/٢ اینکتابخانه پاره‌ایست ازآخر یك کتاب که درپند و اندرز بپارسی وبندبند میباشد .

ازآغازآنچه هست: آنست‌که چون برعیب تواطلاع یابد دراظهارآن نکوشد.

انجام : بعیب بدگو مردپاك‌دامن معیوب نگردد .

٢٥ [٨٧٣]

٨٨١ این نسخه شمارهٔ٢ دفتر وبنسخ میباشد ودرپایان دارد : «والله‌اعلم ... کتب فی مدرسة رزم‌سارية بدارالسلطنه قزوین یوم‌السبت تاسع عشرشهر جمیدالثانی‌سنة ١٠٠٤اربع والف» گ٣الف - ٥ب .

[٧٢٥] **پند نامه** (فارسی)

این نامه در پند و اندرز است بفرمانروایان و گواه تاریخی در آن آمده و بدرخواست دوستی نگاشته شد .

آغاز: الحمدلله الکافی . حسب الخلاق وحده ... بعد ازحمد وثنای خداوند عالم ... درنصیحت ارباب ملك ومملکت شروع کنیم .　　٥

انجام : بعافیت و دنیا و آخرت برمراد . والله رؤف بالعباد .

[٨٧٤]

١٩٢ این نسخه بخط تعلیق خوش در جدول زرین ولاجورد تاریخ شب ١٨ شعبان ١٢٨٤ میباشد وجای عنوانها سفید وسرلوحی دارد بزرولاجوردبسیارزیبا.
(٣٢ گ) ــ کاغذ فرنگی آبی ــ جلد تیماج سبز وءقوالی　　١٠
اندازه : ١٠×٥ر١٦ و٥ر٦×٥ر١١ س١٠

[٧٢٦] **تحصیل السعادة** (عربی)

این کتاب که در ص٨٩ اینفهرست شناسانده شده از فارابی است و در آن از فضیلت وسعادت بررسی نموده مدینه فاضله‌را نشان داد ودر اینجا است که امام و شاه وفیلسوف و آئین گذار رایکی میداند (ص٤٢و٤٦ چاپ هند) این کتاب درنسخهٔ ما «فضائل الانسانیه» نام دارد .　　١٥

[٨٧٥]

٢٤٠ این نسخه مانند چاپ هند وشماره ١٠ دفتر وبنسخ میباشد گ ٦١ الف ــ ٧٣ الف .

[٧٢٧] **التحصین فی صفات العارفین** (عربی)　　٢٠

دانشمند فقیه عارف ابن‌فهد ابی‌العباس احمدبن محمدحلی (٧٥٧ ــ ٨٤١) اینکتاب‌را درسه قطب نوشته ازروی خبرهای شیعی روشن نمود که گوشه گزینی و مردم گریزی رواست . این کتاب در کنار طهارة الاعراق مشکویهٔ رازی با ترتیب ــ السعادات همو (ص٣٩٢ــ٤٢١) ودر کنار مکارم‌الاخلاق طبرسی باهمان دو کتاب هردو درایران بسال ١٣١٤ بچاپ رسید .　　٢٥

[٨٧٦]

این نسخه شماره دفتر و بخط تعلیق رجبعلی بن جواد علی نزدیك ۱۰۶۲ میباشد
۱۰٤٦ گ۱۳۸ب ـ ۱٤۲الف . چنین است: «الحمدلله الذی تجلی لعباده فشغلهم عن
الشهوات ـ ولیکن هذاما نعلقه فی هذه الاوراق ... وان الله بکم لرؤف رحیم و
۵ صلی الله علی اکرم المرسلین ... وسلم تسلیماً کثیراً کثیرا .

[۷۲۸] **تحفة الملوك فی السیر و السلوك** (فارسی)

ازسید جعفر بن سید ابی اسحاق موسوی علوی دارابی بروجردی کشفی م۱۲٦۷
(نگارندهٔ «سنا» که در ۱۲٦۱ آنرا نوشته است) دارای سه طبق هریك درچند تحفه
ویك خـاتمه (حقیقت خرد ـ پیوستگی آن باهستیها ـ نشانهٔ خرد ـ حکم خرد
۱۰ درباره سیاست و تدبیر) که بنام فتحعلیشاه قاجار و بدرخواست پسرش شاه زاده محمد
تقی میرزا شهنشاه نوشته و در۲۳۵. آنرا بپایان رساندو درتهران بسال۱۲۷۳ بچاپ
رسید (ذریعه ج۳ص٤۷۱ ـ فهرست طوس ج۲ ش۷ اخلاق چاپی) .

[۸۷۷]

این نسخه بخط نسخ باعنوانهای شنگرف وشکلها ودائره‌ها برنك زردوسیاه
۱۵ ٤۲۰ ولاجورد و زرین وجدولها برنك سیاه و شنگرف تاریخ ۱۲۳۵ که در ۱۲٤۸
وقف گردید (گ۱ الف) .

(۵۷۰گ) — کاغذ فرنگی ـ جلدتیماج مشکی
اندازه : ۱۷×۲٤ و۵ر۱۰×۱۵س۱۸

[۷۲۹] **تحفة الوزراء** (فارسی)

۲۰ رساله‌ای بنام «تحفة الوزراء» یا «تحفة السلاطین» یا «تحفة الملوك در نصیحت و بندو
بست» ازخواجه عبدالله هروی عارف م٤۸۱ وهمچنین ازچندربهان برهمن پتیالی یا
لاهوری هست (فهرست دیوان هندج۲ص۱۳٦) درکشف الظنون (ج۱ص۲٤۷) از
«تحفة الوزرا» نگارش ابی القاسم احمدبن عبیدالله باخی م۳۱۹ و ازکتابی بدین نام
درچهل باب هریك دارای چهاربند یادنموده ومیگوید که بپارسی است و کوتاه. در
۲۵ ذریعه (ج۳ص٤۸۰) از «تحفة الوزراء والسلاطین» یا «چهل باب» یاد میشود که آغاز
آن چنین میباشد: «چهار چیزنگاهدار پادشاهی است. رعایت دین، وزیر با تمکین،

اعمال حزم، ابقاء عزم» و آن درایران بسال ۱۲۸۲ بچاپ رسیده و نگارش جلال ـ
الدین محمد اصفهانی است. در ص ۴۷۰ آن باز از «تحفة الملوك والوزراء» دیگری یاد شده
و نوشته استکه آن هم بپارسی و جز این است . این نسخهٔ ما نیز در چهل باب باید باشد
و هر یك دارای چهار بند است که از نوشته‌های دانشمندان پیشین گزیده شده، و چنین
است آغاز آن پس از نام خدا و ستایش او: «اما بعد بدانکه حکما از کتب قدما اختیار ٥
کرده‌اند ... باب اول چهار چیز پادشاهی و سلطنت را از آفت نگاهدارد » مانا از
نسخه‌ایکه ذریعه نشان میدهد گسترده‌تر است. چاپ عکسی زیبائی از آن در چاپخانه
مجلس تهران از روی خط عماد حسنی بسال ۱۱۴۲ در تاریخ ۱۳۱۴ خ شده که با
نسخهٔ ما در پایان یکی است و چهل باب میباشد.

[۸۷۸] ۱۰

۲۸۳ این نسخه شماره ٤ دفتر است و بنسخ تاریخ ۱۲۸۸ وتنها ۳۹ باب را دارد
و بدینجا پایان مییابد: « چهارم رحم و شفقت برخلق خدای تعالی. تمت پند
والنصایح من الکاتب بتاریخ چهارشنبه ماه صفر المظفر ۱۲۸۸ » ۸۹۰۳ الف ـ ۱۹۴ الف.

(۸۹۰۳) کاغذ سپاهانی ـ جلد تیماج سرخ متوالی
اندازه: ۱۴×۵/۲۱ و ۵/۷×۱۵ س ۱۸ ۱۵

(۷۳۰) **ترجمهٔ مکارم الاخلاق** (فارسی)

رضی الدین ابو نصر حسن بن فضل طبرسی (تفرشی) از دانشمندان شیعی سده
ششم و فرزند امین الاسلام ابوعلی مفسر نگارندهٔ مجمع البیان (م ۵٤۸) این کتاب را در
درزمان پدر در اخلاق در ۱۲ باب بروش محدثان شیعی نوشته[۱] و نسخهٔ ما ترجمهٔ
پارسی آنست که ترجمان آن دانسته نشد (ش ٤۳۵ ج ۵ فهرست طوس ـ ذریعه ج ٤ ۲۰
ص ۱۳۸) سبك زبان تازی در این ترجمه آشکار میباشد.

---

۱ ـ ابوعلی طبرسی کتابی دارد بنام «الاداب الدینیة للخزانة المعینیة» در خوی و رفتار
پیامبر و دودمان او که برای سلطان معین الدین ابو نصر احمد بن فضل بن محمد نوشته است.
پسرش رضی الدین مکارم الاخلاق را در دنبالهٔ همان نگاشته و پسر او ابوالفضل علی «مشکوة
الانوار فی غرر الاخبار» را در دنبالهٔ این یکی ساخته است. مکارم الاخلاق دوبار با کم
وکاست در مصر و یکبار همهٔ آن درایران بسال ۱۳۱٤ بچاپ رسید (طوس ج ۲ ص ۳٤٤
و ج ۵ ص ۳۲۰ و ۷۲٤)

آغاز: بسمله‌حمد وثنای بیحدقیومی‌راکه‌عقول ذریات آدم ازادراك کنه ذات‌او قاصر است وشکر وسپاس بیعد آنقدیمی را که آثار قدرت‌او درتکوین مکونات ظاهر است.

انجام: دیگر مثل این سخنان مگوی بدرستی که دمیدهٔ شیطانست برزبان تو.

٥ والله‌اعلم بالصواب.. وقد وفینابماشرطنا .. ومانوفیقی الابالله علیه توکلت والیه‌انیب وصلی‌الله علی‌محمد .. وسلم تسلیماً کثیراکثیرا.

[٨٧٩]

٨٩٤ این نسخه شماره۳ دفتراست بهمانگونه خط کارزاری درشماره‌های ۱و۲ آن در دوشنبه ۱۷ ذی‌حجهٔ۱۰۷۳ گ۲۲۷ب-۳۷٦ الف.

١٠ [٧٣١] **التنبیه علی سبیل السعادة** (عربی)

این کتاب که در ص ۹۰ اینفهرست شناسانده شده از فارابی است که در آن از سعادت و شقاوت و کردار نیك وبد و هنر فلسفی گفتگو نمود نام‌آن درنسخه ما «التنبیه علی‌اسباب‌السعادة» میباشد.

[٨٨٠]

٢٤٠ این‌نسخه مانند چاپ هندو شماره۱۱ دفتر و بخط نسخ نوشته شده‌است گ۷۳ب ۸۰ب

[٧٣٢] **جواهرالاسرار** (فارسی)

دانشمندمولی‌حسین‌بن‌علی‌واعظ کاشفی‌بیهقی(م۹۱۰)این کتابراکه‌خود جواهر-الاسرارواخلاق‌محسنی‌نامیده‌ودرچهل‌باب‌است برای‌شاه‌سلطانحسین‌میرزاپسرمیرزا

٢٠ منصور پسرمیرزابایقرای خراسانی‌بادشاه‌هرات(۸۷۳-۹۱۱) وپسراو محسن‌میرزا نگاشته وتاریخ انجام‌آن برابربا «اخلاق‌محسنی» وسال۹۰۰ میباشد. دراین کتاب مسئله های اخـلاق وسیاست و تدبیر منزل بهم‌آمیخته و گواههای دینی وتاریخی درآن آمده است.

این کتاب چندین‌بار بچاپ‌رسید (ذریعه ج۱ ص۳۷۸ - فهرست‌ریو ج۲ص۴۴۳)

٢٥ ازآنهااست چاپهای سال۱۲۸۲ و۱۲۹۸ و۱۳۱۳ (هند) و۳۱-۱۳۲۹ تهران

[٨٨١]

٤١٩ این نسخه بخط تعلیق زیبا درجدول زرین وشنگرف ولاجورد دارای سرلوح ازعلیقلی پسر احمدتبریزی بسال۱۰۰۸ (درنسخه۱۰۸) میباشد.
(۳۱۱۱ف) - کاغذفرنگی - جلد تازه‌شده
اندازه: ۱۸/۵×۲۸/۵ و۱۱×۱۹ س۱۹ ۵

[٨٨٢]

٨٦٢ این نسخه شماره ۳ دفتر است که یکم آن رساله ایست درنامه‌نگاری ودوم مونس الاحباب یا دیوان شهاب‌الدین عبدالله م۹۲۲ و بخط نعلیق در جدول زرین ولاجوردی باعنوانهای شنگرف میباشد. این‌نسخه تا قسم۲ باب٤۰ (شرط ۱۹ وزارت)رادارددوبرابراست باس۵ ص۳۲٤ چاپ‌تهران و نزدیك بشش‌صفحه در آن کم ۱۰ است. ازبرگ پایان‌آن اندکی پاره شده وکاغذ چسبانده‌اند- گ۱۳۱ب-۲۲۲ب
(همهٔ دفتر۳۲۲۲ف)-کاغذفرنگی-جلدتیماج‌قهوه‌ای‌ضربی‌زرکوب
اندازه: ۹/۵×۱۵ و۵/۵ . ۵ . ۹ س۱۴

[٧٣٣] الحق المبین و حدیقة المتقین (عربی)

۱۵ این نگارش درست مانند احیاء غزالی والمحجةالبیضاء فیض‌و آمیخته‌ایست ازعرفان‌واخلاق‌وفلسفه وخبرهای‌شیعی وسیدخلف‌بن عبداللطیف‌بن حبیب‌موسوی مشعشعی آنرا بپرداخت.

[٨٨٣]

٥٧٤ این‌نسخه جلدآخرین وسوم وازکتاب ششم آغاز وبخط نسخ میباشد وروی ۲۰ عنوانها خط کشیده‌شده وچنین‌است: «الکتاب‌السادس فی‌ذکر بیان صفتین ینبغی للسالك المحافظة علیها و هی‌التقوی والورع - وثبتنا مع اهل الخیر فی کتابك وقطره‌من‌تیارعبابك‌وجدا مع‌متولهیك وطلابك. انتهی کلامه ادام‌الله بالسعادة والخیر ایامه و رفع‌الله فی‌علیین درجته و مقامه ... بلغ مقابلة بنسخته الاصلیة ... من‌الارجاس قدطهرا»

۲۵ درگ۱ الف (پشت کتاب) ظهیرالدین علی‌تفرشی در۱۰۷۲ چنین‌نوشته:
وجدنا والحمدلله تعالی بمعونة‌من لطیف‌التدبیرمکنوباعلی‌ظهرالصفحة‌الاولی‌من‌ذلك الکتاب‌المستطاب‌التی‌اطبق علیها بهذا الورق‌الذی کتبناعلیه‌ذینك‌السطرین‌ماهذه‌صورته:
هذا الکتاب تصنیف‌السیدالسندخلاصةالسادات والعلماءالمتبحرین ونقاوةالفضلاء المحققین‌السیدخلف‌ولدالسیدالکبیرالعریف‌السیدعبداللطیف‌بن‌حبیب‌الموسوی‌المشعشعی ۳۰ ایده‌الله تعالی ورزقه سعادةالدارین وقد ارسله الی علی‌سبیل‌الهبة‌الشرعیة و کتب‌الفقیر

الی الله الغنی الحسین بن حبیب الحسینی الکرکی العاملی عامله الله بلطفه الخفی.

ایضاً : هذا هو المجلد الثالث من کتاب حق المبین و حدیقة المتقین وهو آخر الکتاب من تصانیف سیدنا المشار الیه بعثه الی الفقیر علی سبیل الهبة والتملیک وانا الفقیر الی الله
٥ الغنی الحسین بن حبیب الحسینی الکرکی

وکتب ذلك العبد المفتقر الی رحمة ربه الغنی ابن.... (رویش کاغذ چسبیده) النفرشی رحمه الله ظهیر الدین علی فی شهور سنة ۱۰۷۲

زیر اینها بخط دیگری دارد : « وکتب المفتقر محمد بن حاجی صفر » پس چنین برمیآید که نسخه را نگارندهٔ آن سید خلف بحسین بن حبیب کرکی بخشید. و برای او فرستاده
۱۰ بود و کرکی بخط خود نام کتاب و نام او را در آنجا نوشته سپس کاغذی روی آن خط چسپانیده شده وظهیر الدین علی تفرشی نوشتهٔ کرکی را دوباره در آنجا نوشت.

در گ۱ الف خط ومهر ابوجعفر محمد بن علی بسال ۱۰۹۳ وخط ومهر دارندهٔ نسخهٔ ابواسمعیل محمد بن علی نفرشی بسال ۱۰۷۲ دیده میشود. مهر ابوجعفر در پایان هم هست ودرست خوانده نمیشود.

۱۵ (۳۸۴گ) - کاغذ فرنگی — جلد تیماج مشکی ساده مقوائی
اندازه: ۲۰×۳۰ و ۱۳×۲۳ س۲۳

[۷۳٤] حقایق (عربی)

فیض کاشانی (۱۰۰۷—۱۰۹۱) یکسال پیش ازمرگ خویش در ۱۰۹۰ از محجة البیضاء خود گزین نموده و این کتاب حقایق را بنگارش در آورد که در ۱۲۹۹
۲۰ بچاپ رسید در دیباچه آن میگوید: در اینجا رازهای نهفته دین را چنانکه از قرآن وگفتار پیامبر و پیشوایان دریافتم نوشتم وازنگارشهای دانشمندان دینی بویژه احیاء غزالی برای روشن کردن آن رازها آوردم .

[۸۸٤]

۳۹۲ این نسخه بنسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف بتاریخ ۲۲ رجب ۱۰۹۱ میباشد و نورالدین محمد بن مرتضی درع۲ سال ۱۰۹۳ آنرا با نسخهٔ خط مصنف برابر نمود. فهرست در آغاز نسخه دیده میشود و سید محمد بن عبدالغفار رضوی درع۱ سال ۱۱٦۰ ومحمدرضا کاشانی ازدارندگان نسخه بوده‌اند ومهر آنها هست.

(۱٦۹گ) - کاغذ فرنگی — جلد تازه شده
اندازه: ۱۳×۲۱ و ۷×۱۴ س۲۰

[٧٣٥] **دفع الغم من الموت** (عربی)

رازی پزشك در طب روحانی (فصل ۲) از ترس از مرگ گفتگو نمود و مشکویهٔ
رازی در طهارة الاعراق (ص ۷۰-٤٦٦ چاپ ایران) نیز از آن سخن راند. در خطابه
منطق شفا (فصل ۲ مقاله ۳) از ترس بررسی گردید و ریشهٔ سخنان آنها گفتار ارسطو
است درباره دلیری و ترس در فصل ۵ دفتر ۲ خطابه و باب ۷ و ۸ دفتر ۳ اخلاق نیقوما- ٥
خوس و باب ۱۹ دفتر ۱ اخلاق بزرك و باب ۱ دفتر ۳ اخلاق اودموس

این رسالهٔ ما که مهرن آنرا بچاپ رسانده (جزء ۳ رساله ج) بگفتهٔ قنواتی و
گواهی نسخه‌ها از شیخ الرئیس میباشد مگر اینکه یسوعی آنرا در «مقالات لبعض
مشاهیر فلاسفة العرب» در بیروت بسال ۱۹۱۱ چاپ کرده و از مشکویه دانست و همهٔ
آنهم بجز چهار سطر پایان «والرجل الذی یتصدق عن اخیه المیت...شبیه شیئی واحد» ۱۰
درهمان طهارة الاعراق آمده است. قنواتی باز از «دفع الغم والهم» یاد میکند و از شیخ
رئیس میداند که جز این رسالهٔ ما میباشد (ش ۲۲۳ و ۲۲٤) در فهرست طوس (ج ٤
ش ۵۹۰) از «رسالة فی ان لامخافة فی الموت» در ٤ص نامبرده شده و آغاز و انجـام
و نگارندهٔ آن یاد نگردید.

آغاز: بسمله الحمدلله رب العالمین .... لما کان اعظم مایلحق الانسان من - ١٥
الخوف هو الخوف من الموت

انجام: فلا یفضل المتصدق ذلك الفصل الا بمشاکلة تلك النفس وعلی هذا ایضا
شبه بشئی واحد (والحمدلله رب العالمین)

[٨٨٥]

٨٦٢ این نسخه شماره ۱ دفتر و بخط شکسته تعلیق با نشانه‌های شنگرف میباشد.
گ ۱ب-۸ب.

[٨٨٦]

٨٧٦ این نسخه شماره ۸ دفتراست و بخط شکسته تعلیق تاریخ شب یکشنبه ع ۱
سال ۱۳۰٦ گ ۷۰ب-۷۵الف.

[٨٨٧] ٢٥

١٣٠٨ این نسخه شماره ۱۷ دفتر و بخط نسخ میباشد. گ ۱٤۲ب-۱٤۳ب. در پایان دارد:
«تمت الرسالة والحمدلله وحده بلغ مقابلة بعون الله وحسن توفیقه»

[۷۳٦] **دیوان مظالم** (فارسی)

ازدانشمند جلال‌الدین محمد دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸)که درلار گاهیکه از مرز و بوم خویش دور شده بود برای نظام الدین ملك علاءالملك فرمانروای آن سامان نگـاشته‌است (نیز مجالس المؤمنین) دراین نامه برای روشن کردن گفتار خویش نمونه‌هائی ازکردارخلفا آورده‌است.

آغاز: بسمله‌وبه‌نستعین.وله‌الحمد علی‌افضاله‌العمیم.. وبعداین‌بعض‌مسائل‌است متعلق بدیوان‌مظالم که ازکتب معتبره مثل احکام سلطان که اقضی‌القضاةابوالحسن ماوردی که امام عصربود تصنیف کرده ... ودیگرکتب‌وقواعد استنباطمی رود.

انجام: وبعض ائمۀ‌کشف وتحقیق گفته‌اند که مهدی موعود مدار احکام بر آن خواهدنهاد. اللهم وفقه وسائر ولاةالاسلام لاجراءالاحکام ونظم مصالح‌الانام. تمت.

[۸۸۸]

۱۰۲۱ این نسخه شماره ٦ دفتر است وبخط تعلیق علی‌بن مسافر در تبریز بسال **۹۳۹** گـ۳۸الف-۴۳ب.

[۷۳۷] **الذخیرة لاهل البصیرة** (عربی)

ازگفتارزبیدی دراتحاف (ج۱ص۴۱) وچلبی درکشف‌الظنون برمیآیدکه احیاء غزالی‌را برادرش ابوالفتوح احمد (م۵۲۰ درقزوین) بنام لباب‌الاحیاءگزین وکوتاه نمود وچلبی بازاز«الذخیرة فی علم البصیرة» گزیده همان ونگارش همو یادمیکند. پس‌ازاو ابی‌العباس‌احمدبن‌موسی‌موصلی(م٦۲۲)آنراگزین کرده وگزیدۀ‌کوچکتر دیگری‌هم دارد سپس محمد بن سعید یمنی و ابی ذکریا یحیی‌بن ابی‌الخیر یمنی و محمدبن عمربن عثمان بلخی بنام «عین‌العلم» وعبدالوهاب‌بن علی خطیب‌مراغی بنام «لباب‌الاحیاء» ودربیت‌المقدس گزیده وکوتاهی ازآن‌ساختندکه این‌یکی‌را زبیدی داشته بود. شمس محمدبن علی‌بن جعفر عجلونی بلالی(م۸۲۰) پیرخانگاه سعید- السعداء مصر وجلال‌سیوطی ودیگران‌هم احیاءرا گزیده وکوتاه ساختند (بغزالی نامه نیز بنگرید ص ۲۲۳)

[٨٨٩]

٣٩٦ این نسخه که «الذخیرة لاهل البصیرة» نامیده شده بخط نسخ باعنوانهای شنگرف حسین بن علی بن احمد عابد ینبوعی است که نیمه روز آدینه ششم ماه جمادی یکم سال ٨٧٢ آنرا بپایان رساند. از آغاز کمی افتاده دارد وچنین است: « ان ووجدت من علماء الوقت من یتصدی لتصنیف کتاب یحذو فیه حذوه ویتلو فی استنباط غرائب المعانی تلوه » ازدیباچه واندکی ازآن افتاده است.

در کنار رگ ٣ب از تفسیر قشیری دیده میشود. نسخه بدلها و تصحیحات درهامش آمده است. پایان آن چنین است: « ویستعملنا فیما یقربنا الیه ویزلفنا لدیه. وهو حسبنا ونعم الوکیل وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وسلم. وجدت ما هذا مثاله: تم المختصر ـ المرسوم بالذخیرة لاهل البصیرة فی شهر شعبان المبارك سنة تسع وتسعین وخمسمائة ـ وکان الفراغ من رقمه ظهر الجمعة سادس شهر جمادی الاولی احدی شهور سنة اثنین وسبعین وثمانمائه بخط... حسین بن علی بن احمد العابد الینبوعی ... والحمدلله رب العالمین وسلم تسلیما». ازاینجا پیداستکه کتاب درماه شعبان سال ٥٩٩ بنگارش درآمد پس باید از همان ابی العباس احمد موصلی (م ٦٢٢) باشد. دردیباچه دارد که « کتابها بپرداختم واکنون سالم ازچهل گذشت. دراین نگارش علمهائی که امام ابوحامد در دفترهای خویش بهرا کند گردآوردم ودر ٤ اصل گذاردم: ١ خودشناسی ٢ خداشناسی ٣ گیتی شناسی ٤ رستاخیز » درپایان دیباچه کتاب را بنام بزرگی که نامش را نمی برد اختصاص میدهد ـ هرچهار اصل در نسخهٔ ماهست. برخی جاها حاشیه دارد یکی از ابوالحسن بن محمد رضوی در رگ ٥ ب. درکنار رگ ٣٧ الف باز ازتاریخ شعبان ٨٧٢ یاد میشود.

(٣٧ برگ) - کاغذ سمرقندی ـ جلد مقوای رنگ آمیزی شده فرسوده
اندازه: ١٧/٥ × ٢٥/٥ و ١٢ × ٢١ س ٢٩

[٧٣٨] الذریعة الی مکارم الشریعة (عربی)

از دانشمند ادیب ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل بن محمد سپاهانی که (م ٥٠٢) که براغب نامبردار است. فخررازی درتاسیس التقدیس اورا همانند غزالی و ازپیشوایان سنت بشمار آورده وشیخ حسن بن علی طبرسی دراسرار الامامه اورا از فرزانگان شیعی امامی پنداشت. اورا بجزمفردات تفسیر بزرگی است که بپایانش نرساند وبیضاوی درانوار التنزیل خویش ازآن بهره برد. گویندکه غزالی ذریعهٔ او را بسی ارج مینهاده وهمیشه باخود میداشت (روضات ص ٢٤٨ ـ الکنی والالقاب

ج۲ ص۲٤۰ - اعلام زرکلی ج۱ ص۲٥۸) او در ذریعه بروش‌علمی آمیختهٔ با دین ازاخلاق وسیاست گفتگو نمود و پیداستکه غزالی دراحیاء ازاو گرفته‌است. این کتاب بارهٔ‌دوم بسال ۱۳۰۸ درمصر بچاپ رسید.

[۸۹۰]

۳۹۵ این نسخه بخط نسخ با عنوانهای شنگرف از طهماسبقلی نیمه ع۲ سال ۱۰۵۰ میباشد که برای‌خود نوشته‌است و جلال‌الدین بن مؤیدالدوله در ۲٤رجب بسال ۱۲۸۷ دارندهٔ آن‌بود وخطاو درگ۱الف‌ومهرش درپایان دیده‌میشود نیز خط او در رویه برگ پیش‌از کتاب بتاریخ بامداد سه‌شنبه ۱ ع۲ سال ۱۲۸۸ هست.

(۳۱۴۱ف) - کاغذ سمرقندی - جلد تیماج قهوه‌ای کناز وته آن تیماج زرد وکهنه

۱۰ اندازه: ۱۳٫۵×۲۴ و ۸٫۵×۱۵ س۱۹

[۷۳۹] الرسالة النصیریه (عربی)

خواجه طوسی درایندگفتار روشن میسازد که فیلسوف چندان بخوشی های تن نمی‌پردازد واینکه چه‌اندازه ازآنها درزندگی میباید.

آغاز: بسمله. ان‌کان‌الرجل‌الحکیم غیرحریص علی‌اللذات‌البدنیة . وانمایلتمس

۱۵ منها بالمقدار الذی یضطر الیه فبالحری ان‌یبعد عن الاهتمام للریاسة اوللمال

انجام: و یکون لها لذات ضعیفة بحسب ادراکها لذاتها ولما لابد منه لها والله تعالی اعلم.

[۸۹۱]

۱۰٤٦ این‌نسخه شماره۱۳ دفتر وبخط تعلیق بانشانه‌های‌شنگرف وبرخی ازکلمات‌زیر خط‌سرخ میباشد. درپایان دارد: «تمت‌الرسالة‌النصیریة حشره‌الله‌تعالی مع خیر-البریة» گ ٦۱الف-٦۲الف

[۷٤۰] ساز و پیرایهٔ شاهان پرمایه (فارسی)

این‌گفتار درسیاست و کشورداری است واز باباافضل کاشانی‌که مبصرالسلطنه حسین‌بن محمود سپاهانی درکاشان بسال ۱۳۱۱ آنرا باسیب نامه وشرح حی‌بن

۲٥ یقظان جسته ودوتای نخستین را درچاپخانه خورشید تهران بچاپ‌رساند ودر۱۳۸ نشریه دانشگاه نیز چاپ‌شد ونسخه‌ای ازآن بهمین‌نام بشماره ٦۲۳/۲ وبنام‌پادشاه نامه بشماره۱٤ر٦۲۱ درمجلس‌هست ونسخه‌های‌ما یکسان نیستند.

[٨٩٢]

۴۰۲ این نسخه شماره ۱۰ دفتر است و بخط تعلیق تاریخ ۱۰۷۹ گ ۹۷ب-۱۰۵ب و در کنار گ ۹۷ب فرهادمیرزا بخط خود در تاریخ ۲۲ رجب ۱۲۸۱ چنین نوشت: افضل چو زدیده‌ها نهان‌خواهد شد- در دیده اهل دل‌عیان خواهدشد - گویند که کدخدای این‌خانه چه‌شد - چون کدبرود چه‌ماندآن خواهدشد . ۵

[٨٩٣]

۴۳۱ این نسخه شماره ۱۹ دفتر است و بخط تعلیق محمدعلی بسال ۱۳۰۲ گ ۲٦٤ ب - ۲۸٦ب. واژه‌های تازی دراین‌نسخه کمتراست .

[٨٩٤]

۱۰۳٦ این‌نسخه شماره ۱۰ دفتراست و بخط تعلیق ملامحمد علی رودباری سال ۱۱۰٤ گ ۸۹ الف - ۹۷ب . ۱۰

[٧٤١] السراج المنیر (فارسی)

این نگارش ازمحمد شریف‌بن شمس‌الدین محمد است که در ۱۲۰۲ (ج۲ص ۳۵۱ فهرست طوس) یا ۱۰۳۲ (ج۲ص ۳۳۸ فهرست مجلس) آنرا بپایان رساند و در بمبئی بسال ۱۲٦۵ بچاپ سنگی رسید(۱). ۱۵

آغاز: ستایش کریمی راکه حلهٔ خلعتش زیوریست زیبنده و رشحهٔ محبتش گوهریست ارزنده .

انجام : پس سلیمان گفت پسر از آن‌تست . متصرف شو که این زن دیگر کاذب است بیت :

شکر که این‌نامه بپایان‌رسید - پیشتر از عمر بپایان رسید (فیسنة ۱۲۳۳) . ۲۰

۱ - ایندفتر در ۲۰ لمعه است : ۱- شرایط ادب ۲-حیا ۳-فوائد حلم ٤- مناقب عدل ۵- محامد احسان ٦-حلاوت صبر ۷- عذوبت عشق ۸- چاشنی محبت ۹- مکارم سخاوت ۱۰-محاسن شجاعت ۱۱-مراعات صحبت ۱۲-مرارت ادبار ۱۳- نتایج‌خاموشی ۱٤- قناعت ۱۵- ذل‌طمع ۱٦- ثمره فتوت ۱۷- حسن تدبیر ۱۸- شآمت ظلم ۱۹ - مذمت خدعه ۲۰ - ملامت حسد - چنانکه خود میگوید (گ ٦ ب) درپایان هریک داستانی درخور آن آورده است . ۲۵

[٨٩٥]

١٢٦ این نسخه بخط تعلیق خوش‌تاریخ ۱۲۳۳ و آیتها بنسخ و درجدول زرین و لاجورد باعنوانهای شنگرف وسرلوح زیبا درآغاز.
(۱۱۰گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج متوالی ضربی زرکوب
۵ اندازه: ۵ر۹×۱۸ و ۵ر۵×۵ر۱۲س۹

[٧٤٢] **السیاسات المدنیه** (عربی)

این کتاب که درص۹۷ اینفهرست یادشده از فارابی است ودرآن پس از آوردن بخشی ازجهانشناسی و بحث درباره جسم وعقل و نفس رشتهٔ سخن‌را بانسان‌وسعادت او ومدینه‌های فاضل وجاهل وفاسق وضال ونوابت میکشاند وپیروی از ارسطو و
١٠ افلاطون دولتهای گوناگون راشرح میدهد.

[٨٩٦]

٢٤٠ این نسخه شماره۹ دفتر و بنسخ میباشد گ۴۲الف ـ ٦١ب. وچنین‌نامیده شده «مبادی‌الاجسام والاعراض».

[٨٩٧]

١٥ ٢٥٣ این نسخه شماره۲ دفتر وبخط تعلیق ریزحیدربن علی‌هاشمی عاملی بسالهای ٦ ـ۱۹۷۵میباشد. گ۱٤ب ـ ٤٤الف. درآغاز دارد: «قال‌الحکیم‌الفیلسوف‌ابو نصرمحمدبن محمدالفارابی» ودرپایان‌آن: «تمت‌الرسالة‌السیاسة‌المدینة الملقب بمبادی‌الموجودات تصنیف‌المعلم‌الثانی ابونصرمحمدبن محمدالفارابی» ـ این دو نسخه مانند چاپ هنداست.

٢٠ [٧٤٣] **شرایط‌الایمان (منتخب راه صواب)** (فارسی)

فیض‌کاشانی دراین‌گفتار آئین درست واستواررا شناساند و آنرا بسال ۱۰٦۲ بپایان رساند

آغاز: بسمله. منت خدایرا جل‌شأنه که مستعدان کمال‌ایمان‌را ازظلمات جهالت بیرون آورده... چنین‌گوید محمدبن مرتضی‌المدعو بمحسن ... این منتخبی‌است‌از
٢٥ کتابی که قبل از این نوشته بودیم مسمی براه صواب مشتمل بردوازده سؤال و جواب ازآن دوازده برپنج اقتصار شد وبشرایط‌الایمان موسوم گردید.

انجام : واکتساب اخلاق پسندیده ودر تضاعیف آن . واللّه المستعان وعلیه التکلان. والحمدللّه رب العالمین والصلوة علی محمد واله الطاهرین کتب شرائط الایمان وصار هذا الکلام تاریخه بحذف المکرر والحمدللّه اولاو آخرا .

[۸۹۸]

۳۱٤ این نسخه ٤دفتر وبخط تعلیق میباشد گ۵۷ب ـ ۷۰ب. ۵

[۷٤٤] **شرح صدر** (فارسی)

این گفتار درسرگذشت فیض کاشانی وداستان دانش ودانشمندان است در دومقاله و ریختهٔ خامهٔ خوداوست که درتاریخ ۱۰٦۵ آنرا بانجام رساند و آن در ش۸سال۱مجلهٔ جلوه ص۳۹۳ـ٤۰۹ دربهمن۱۳۲٤خ ازروی نسخهٔ مابچاپ رسید.

۱۰ [۸۹۹]

۳۱٤ این نسخه شماره۳دفترو بخط تعلیق میباشد گ ۳۷ب ـ۵٦ الف .

[۷٤۵] **طریق تربیة الاولاد** (عربی)

این نامه ازدانشمند دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸) است که بدستور میرمیران در ۲۱ محرم سال۹۰٤ آنرا بپرداخت ونشان دادکه فرزند راچگونه بایدپرورد وچه کتابی آنها بخوانند و کدام دانش را فراگیرند اودر اینجا ازکتابهای سنیان نام میبرد. در ۱۵ آغاز از«لوامع الاشراق فی مکارم الاخلاق» یادمیکند ومیگوید که درآن ازپروردن فرزند بسزاگفتگو کردم . درپایان بفرزندان هم و (ابوعلی حسین وابی عبداللّه محمد وابی المعالی عطاءاللّه) اجازه روایت کتابها میدهد .

آغاز: بسمله وبه نستعین . الحمد لولی الحمد . والصلوة والسلام علی من له السبق فی مضمار الکمال .. فقداشار الی حضرة السید .. الملقب بمیرمیران... قال محمد... ۲۰ انی اکتب فی هذه الوریقات طریق تربیة الاولاد واستدراجهم فی مدارج التعلیم والارشاد.

انجام : قال ذلك و کتبه ... ابوعبداللّه محمدبن اسعدبن محمدالدوانی فی ـ الحادی والعشرین من الشهر الاول من السنة الرابعة من المائة العاشرة من مائی سنی الهجریة

النبوية ... وآخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمين .

[۹۰۰]

۱۰۱۵ این نسخه شماره ۲۳ دفتر و بخط تعلیق میباشد. گ ۵٤ الف-٥٦ الف .

[۷٤٦] ظفرنامه (فارسی)

۵ گویند که ظفرنامه بزبان پهلوی بوده ودرروزگار نوح پسر منصور سامانی (۳٦٦ -۳۸۷) بپارسی کرده‌اند . در نسخه‌ها ابن‌سینارا ترجمان این پارسی پنداشتند و آن در پاورقی‌های تقویم سال ۱۳۰۷ میرزا محمد علیخان تربیت (ص٤-۲۷) و گزیده‌های پارسی Chrestomathie persane شارل شفر Charles Scheffer ج۱ سال ۱۸۸۳ ص۲-۷ بچاپ رسید اودر دیباچه میگوید که ظفرنامه را دوترجمه ترکی

۱۰ است یکی ازسده ۱۵و۱٦ که در کتابخانه ملی پاریس هست دیگری از سنان بیك دفتردار که برای بایزید پسر سلطان سلیمان ساخته است .

قنواتی درش ۲۸٦ نسخه‌های آنرا شناسانده . در کشف الظنون (ج۲ص۱۰٤) آمده که آن پرسش وپاسخ انوشیروان است وبزرگمهر، که شاه آنرا گرد آورد وابن‌سینا وزیر نوح سامانی بدستور او آنرا ازپهلوی بپارسی برگرداند .

۱۵ اینگونه پندها جسته‌جسته در کتابهای پارسی وتازی بسیاردیده میشود . گویا ایرانیان شعوبی برای اینکه دربرابر تازیان نمایشی ازفرهنك نژادی خویش دهندو خوی و رفتار نکوهیده فرمانروایان روزگار خویش راهم بنمایانند این پندهارا بتازی درآوردند وسپس بپارسی شده است(۱)

چنانکه دردیباچهٔ نسخهٔ ما آمده ظفرنامه پرسشهائی است از بزرگمهر و پاسخ

۲۰ های استادش وانوشیروان ازبزرگمهر خواسته بود که سخنانی کوتاه وپرمغز وسودمند برای اوفراهم آورداوپس ازیکسال آنها راگرد کردو«ظفرنامه» نامید و بنوشیروان داد. اوهم بفرمود که بآب زر آنها رابنویسند وهمیشه باخود میداشت ومیخواند.

۱- بنگرید به: دیباچهٔ بدوی برجاویدان خرد- قابوسنامه چاپ آقای نفیسی ص۲۳۵

آغاز: ظفرنامهٔ خواجه ابوذرجمهر بسمله وحمد . اما بعدروایت میکندکه درعهد انوشیروان هیچ چیز ازحکمت عزیزتر نبود وحکمای آن‌عصر همه متقی و پرهیزکار بودند یکروز انوشیروان ابوذرجمهرحکیم راطلب فرمود .

انجام: گفت ظلم بر مظلومان . تمت کلمات حکمت امیر بعون الله الملك العزیز . م ٥

[۹۰۱]

۲۸۳ این نسخه شماره۳ وبخط نسخ ۱۲۸٦ میباشد. گ٨٦الف ـ ٨٨ب.

[٧٤٧] **عدالت (رساله در...)** (فارسی)

فرزانه دانشمندجلال‌الدین‌دوانی (۸۳۰ـ۹۰۸) این‌نامه‌را دردادگری‌بروش علم اخلاق وعرفان دریك مقدمه وشش مقاله ویك خاتمه نگاشته است . شوشتری ۱۰ درمجالس‌المؤمنین‌میگوید که‌دوانی انموذج‌العلوم رابنام‌سلطان‌محمود (یکم‌بایقرا) پادشاه‌گجرات (۸٦۳ـ۹۱۷) نوشته وبامیرشمس‌الدین محمدبن سید جعفر بن سید امیرشمس‌الدین محمدبن سیدالمحققین شاگرد خود برای اوفرستاد . شاه در برابر هزار درهم برای دوانی فرستاده بودکه بدریا ریخت وچیزی شایسته ازآن‌بدوانی نرسید . این بود که اودوباره «رساله درتحقیق عدالت»رابنام همو نگاشته وبرایش ۱۵ فرستاد. دوانی‌دردیباچه آن بچگونگی آن درهمها اشارتی لطیف نمود . پادشاه نیزاین باره هزار درهم دیگر باارمغانهائی برای دوانی فرستاده بود. شوشتری باز میگویدکه دوانی «رسالهٔ درعدالت» را بنـام یکی ازفروانروایان عراق نگاشته و همراه همان میرشمس‌الدین محمد بنزد اوفرستاد .

دردیباچهٔ نسخهٔ ما (گ٣٤ب) داردکه‌کتاب بنام سلطان ابوالمظفر ...بهادر ۲۰ خان میباشد . کتاب درپایان سالنامه پارس بسال ۱۳۲٤ خ بچاپ رسید .

آغاز: بسمله. سپاس بیقیاس مالك‌الملکی راکه پادشاه نفس ناطقه درسواد خط سویدای قلب صنوبری برعرش روح حیوانی استوا داده .

انجام : اگر بگوش‌هوش استماع‌رود. بیت: دهقان‌سالخورده چه‌خوش گفت

باپسر ... اللهم اهدنا الصراط المستقيم ... غیرضالین ولامضلین آمین بحق النبی وائمة ـ المعصومین . تمت الرسالة بحمدالله والمنة .

[۹۰۲]

۱۰۲۱ این نسخه شماره ۱ دفتر وبخط تعلیق با عنوانهـای شنگرف علی بن مسافر در تبریز نزدیك بسال ۹۳۹ میباشد . گ ۳۳ب-۳۷ب.

٥

[۷٤۸] **كنوز الوديعه من رموز الذريعه** (فارسی)

فرزند شمس الدین حسن ظافر ذریعهٔ راغب سپاهانی را در روزگار ابوالفوارس شاه شجاع مظفری (۷٦۰ـ۷۸٦) بپارسی شیوا ودشواری گردانده ودرپایان آن سه نمط افزود .

۱۰ ۱ـ حکم تازیان (پندهای پیامبر وعلی وقس بن ساعده) .

۲ـ اندرز های فرزانگان یونانی مانند پند افلاطون بارسطو (ص ۲۱۷–۲۱۹ جاویدان خرد وپایان اخلاق ناصری) وسفارش ارسطو باسکندر (ص۲۱۹ ـ ۲۲۵ جاویدان خرد) وترانهٔ زرین فوثاغورس .

۳ـ پندهای آذرپاد فرزانه بهپسرخویش (برابر باص۲٦ـ۲۸ جاویدان خرد) و

۱۵ سخن دیگراو(ص٦۷جاویدان خرد)واندرز اوو گفتار ابن مقفع در«ادب کبیر» بجز دیباچهٔ آن ـ او دردیباچه ازپادشاهان ایران وهفت آتشکده پارسیان یاد نمود ودر انجام ازپدرخویش نامبرده واورا علامه عصرخواند .

آغاز: احسن کلامی که بذریعهٔ انوار معانی آن قلوب ارباب تحقیق منور شود ، وابین نظامی که بوسیلت فوائح فحاوی آن مشام عقول اصحاب توفیق معطر

۲۰ گردد .

انجام : درجوار بارگاه عرش مجید که مطاف نفوس مطهرانبیا و اولیـا ومقصد اقصی ارواح منور صدیقان وشهدا است سلوت وطمأنینت یابدانشاءالله العزیز . ربنا آتنا من لدنك رحمة وهیئی لنامن امرنارشدا وصل اللهم علی من انزلت علیه ولایشرك بعبادة ربه احداوعلی آله الطیبین ... المنتجبین . تم الکتاب .

[۹۰۳]

۳۹٤ این نسخه بخط شکسته تعلیق باعنوانهای شنگرف میباشد ـ نسخه‌ای ازاین درموزه بریتانیا هست (فهرست ریوج٤ش١٤٦ص٧ـ١٠٥) .

(۳۲۵۲ف)ـــ کاغذ ترمه سپاهانی ـــ جلد تیماج زرد تازه .

اندازه : ١٦×٢٥ و٩ر١٨×س٢١

[٧٤٩] کیمیای سعادت (فارسی) ٥

دانشمند غزالی طوسی «احیاء علوم‌الدین» خویش‌را دراین نگارش پارسی گزین نمود ومیان ٤٩٠و٥٠٠ وپیش ازمستصفی ومنقذ آنرا بپایان رساند ودرچهار عنوان آن خود وخدا وگیتی ورستاخیزرا شناساند ودرچهار رکن آن از عبادات و معاملات ومهلکات ومنجیات سخن‌راند. غزالی‌راگزیده‌ایست ازهمین پارسی بهمین نام بزبان تازی که بچاپ‌رسید . این‌پارسی درلکناو بسال١٢٨٢(١٨٦٥م) ودربمبئی ١٠ بسال١٨٨٢م ودرایران بسال١٣١٩خ بچاپ رسید(١) .

[۹۰٤]

۳۹۳ این نسخه بنسخ بـا عنوانهای شنگرف و لاجورد و دارای سرلوح زرین و لاجوردی میباشد وبدینجا : «پیداکردن کفران هرنعمتی که باشد ویرا از راه حکمت بگرداند» ازاصل٢رکن٤ پایان میبابد . ١٥

(۳۳٤٥ف) ـ کاغذ سمرقندی ـــ جلد تیماج مشکی مقوائی

اندازه : ٥ر١٧×٥ر٢٤ و٥ر١١×٥ر١٨ س١٩

[٧٥٠] لوامع‌الاشراق فی‌مکارم‌الاخلاق (فارسی)

فیلسوف دانشمند دوانی (٨٣٠ـ٩٠٨) این کتاب راکه درسه‌لامع‌وهریك‌در چند لمعه است برای بهادرخان سلطان اوزون حسن‌بیك آق قوینلو(٨٧١ ـ ٨٨٢) ٢٠ وسلطان خلیل پسراو (٨٨٢ـ٨٨٣) نوشته وسه بخش فلسفه عملی‌را درآن آورد وچنانکه خود میگویدآنرا ازروی اخلاق ناصری طوسی بپرداخت (ص٤١ـ٣٢١ چاپ١٢٨٣)ودربرخی‌جاها ازآن‌کاست مانند آئین میگساری وگاهی‌هم‌چیزهائی برآن افزوده است مانند پاره‌ای از سرالاسرار ارسطوکه در پایان آورد چنانکه

١ـ نیز بنگرید به: غزالی نامهٔ آقای همائی ص٢٢٨ ـ شرح‌احیاء زبیدی‌ج١ص٤٢.

سخنانی ازفارابی وابن‌سینا وسهروردی وغزالی نیزدر آن دیده میشود (ص۲۲۹ - ۴۱-۲۹-٦٧-٦٧-۲۲۲) این کتاب را و.ف. تامپسن(W.F.Thomson) بانگلیسی درآورده و در لندن بنام Ptactical philcsophy of muhammedan people بسال۱۸۳۹ بچاپ رساند وخودآن در کلکته بسال ۱۸۱۰ و در چاپخانه منشی نولکیشور Navalkishor بسال۱۲۸۳ چاپ شد (فهرست ریو ج ۲ ص ۴۴۲) . ۵

[۹۰۵]

۸۹۴ این نسخه شماره۱دفتر است و بخط تعلیق خوش درجدول زرین وشنگرف و لاجورد ازمحمد مظفر بن محمد، باقرالشریف کارزاری‌درذی‌حجه ۱۰۷۷ گ۱ب

۱۰ - ۹۸ الف .

(همهٔ دفتر۳۷٦گ) - کاغذ ترمهٔ سپاهانی - جلد تیماج‌سرخ‌ساده متوالی
اندازه :۱٦×۳۰ و۹×۲۱س۱۹

[۷۵۱] ماهیة‌الحزن (عربی)

شیخ‌رئیس دراین‌نامه ازاندوه‌وپیدائی ودرمان‌آن گفتگو نمود. قنواتی(ش۲۱۷) ۱۵ ازگفتهٔ ارگین Ergine فهرست نگار ترك میآورد که آن بچاپ رسیده ومیگوید که‌من آنراندیده‌ام . مشکویه رازی‌درپایان طهاره‌الاعراق ازدرمان‌اندوه سخن‌راند وبندی از «دفع‌الاحزان» کندی بغدادی‌راآورده است. محمدزکریاء رازی درفصل ۱۲ طب‌روحانی اززدودن اندوه گفتگو کرد .

آغاز: بسمله وحمد وصلوه - نبین ماالحزن واسبابه لیکون اشفیته معلومـة . ۲۰ فنقول‌الحزن الم نفسانی یعرض لفقدالمحبوبات وفوت المطلوبات لایکادیعری احد من هذه‌الاسباب .

انجام : بل یرضی بکل‌حال یکون فیه‌لیسلم من‌الم‌الحزن انشاءالله تعالی .

[۹۰٦]

۱۳۰۸ ۲۵ این نسخه شماره۱۸دفترو بخط نسخ بانشانه‌های شنگرف میباشد. گ۱۴۴ الف
درپایان دارد: «تم.بلغ من‌اوله الی آخره بعون‌الله»

فارابی ایندفتررا در بغداد آغاز ودر پایان ۳۳۰ بشام برده ودر ۳۳۱ دردمشق بانجام رساند و پاکیزه ساخت سپس بازبدان نگریسته بخش بندی نمود پس ازاین کسی ازاو خواست که فصلهائی در آن گذارد تابدانند که ازچه در آن یادمیشود او درمصر بسال ۳۳۷ فصلهایشرا درست نمود و آن‌شش بخش‌میباشد (خزرجی ج۲ص۹ ۵
ـ۱۳۸) فهرست آن در۱۸باب در آغاز نسخهٔما ودر۱۹باب در آغازچاپ مصر دیده میشود .

اودر پایان آن‌از کشورهای گوناگون: «مدینه‌فاضله، جاهله، فاسقه، ضروریه متبدله، ساقطه، مکارمه، جماعیه» مانند «السیاسات‌المدینه» خودیاد کرد ودر اینجا ازجمهوری پلانون (بند ٤٤٥ پایان دفتر٤ وبند ٥ـ٥٤٣ آغازدفتر۸) واخلاق‌نیقو- ۱۰
ماخوس (فصل ۱۰ دفتر۸)واخلاق اودموس (ف۹و۱۰د۷) واخلاق کبیر (ف۳۱د۱) وسیاست(ف٤و٥د۳)وخطابه(ف٤و۸د۱) ارسطو بهره برد. درخطابه‌شفا(ف۱و۳م۲) و تلخیص خطابـه ابن رشد (ص۱۲۳و ۱۵۹ج۲ علم‌الادب ، مقالات لمشاهیرالعرب یسوعی) نیز نامی از اینها برده شد .

هرودتس درتاریخ (دفتر۳ بنام تالیا بند۸۰ وپس از آن) مینویسد که هفت ۱۵
تن ازبزرگان ایرانی پس ازکشته شدن‌مغ گرد آمده ازمیان آنها اوتانس‌خواستار دموکراسی (فرمانروائی مـردم) ومگابوزوس خواستار اولیگارشی (فرمانروائی خاندانها) وداریوش دوستارپادشاهی شده هریك‌برای درستی اندیشهٔ خویش سخن راندند وچهارتن دیگرنیز دراین درباره سخنی بمیان‌آوردند(۱) پس ایرانیان نیز ازاین بحث بیگانه نبودند . ۲۰

افلاطون دربند۵۲۱الف جمهوری میگوید که نیکو ترین کشور آنست که نیازمندان در آن فرمانرانند نه توانگران دارندهٔ زربلکه کسانیکه درنیکخوئی و

۱ـ بنگرید بترجمه‌های فرانسوی وانگلیسی این‌تاریخ و ترجمهٔ گزیده پارسی وحید مازندرانی چاپ تهران ۱۳۲٤خ‌ص۳-۱٦۰ .

خردمندی توانگر باشند و نه بی‌نوایان تهی‌دستی که برای جستن کام خویش آتش جنك خانگی را روشن سازند .

ارسطو درك ۲ ب ۳ ف ۱۰ سیاست میگوید : برخی ازنگارندگان برترین‌دستور را آن میدانند که ریشه‌های دستورهای دیگر در آن باشد و ازدستورلاکدمونیا کـه آمیخته‌ای‌است‌ازالیگارشی‌و پادشاهی ودموکراسی میستایند(گویا از آن‌ارخوتاس را میخواهد که درروزگار او بوده‌و پاره ازسخنان اورا دیگران آورده‌اند ودرهمین زمینه است۔ترجمهٔ‌احمدلطفی سید ص ۱٤٥) .

همو در کتاب ٤ سیاست ازبهترین کشوریا جمهوری فاضل گفتگو نمود و آنـرا حکومتی دانست که بهترین زندگی را برای افراد بیاورد و‌مردم در آن خوشبخت باشند .

فارابی در«مبادی اراء اهل‌المدینة‌الفاضلة» و «السیاسات المدینة» بسخنان هردو فیلسوف مینگریست وجنبه‌شیوعی و برابری زن‌ومرد «جمهوری»را نیاورد و بیشتر ازفرمانروائی شایستگان‌نه ازروی ارث که دربند۲۳ ٤جمهوری‌دیده میشود گفتگو نمود گرچه اینگونه فرمانروانی باحکومت استبدادی تازیـان سازگاری نداشت . فارابی‌درست‌بروش پلاتونیها که‌نخست ازهستی وشناخت‌سخن‌رانده سپس‌بشناسائی طبیعت پرداخته آنگاه بخلق وسیاست رسیده سرانجام ازدین وهنر یاد میکردند ، رفته نخست بود خدا را روشن ساخته سپس بجهان شناسی پرداخت آنگاه بروان شناسی رسیده ورشتهٔ سخن‌را بمرد برتر یاپیامبر وچگونگی وحی کشاند. درپایان ازشهرنشینی واجتماعی بودن مردم گفتگو کرده آشکارساخت که رهبر کشور باید چگونه باشد وسرانجام ازنیك وبد کشورهای گوناگونی که میتواند در روی زمین بنیادگردد سخن‌راند . او ۱۲ خصلت‌برای فرمانروا یادمیکند چنانکه دردفتر ٦ بخش علوم ناموسی اخوان صفا (ج ٤ ص ۱۸۲) آمده‌است. پس‌اودراین‌مورد بمشرب‌شیعی نزدیك است چنانکه شیخ‌رئیس درپایان شفا نیزبهمین روش رفته است .

فارابی رهبر کشوررا چنان وصف میکنندکه با پیشوای معصوم شیعی سازگارتر

میباشد ازاین‌رو است که ابن‌رشد اندلسی درتلخیص خطابه میگوید: «... رئاسة‌ الاخیار... وهذه تعرف بالامامیه ویقال انها کانت موجودة فی‌الفرس‌الاول فیماحکاه ابونصر» ازاین‌جا چنین برمیآید که فارابی گذشته ازنگارشهای افلاطون وارسطواز دستورهای سیاسی ایرانی نیزبهره برده و گفتار فرزانگان یونان ودانشمندان ایران را باروش شیعی سازگارساخت واین‌هم دورنیست‌زیرا افلاطون دربند a ۵۷۶ کتاب ۹جمهوری ازکشور جمهوری بنام‌پادشاهی یادنموده وبهترین کشور نزد او آنست که اریستوکراسی باشدودر آن سررشته کارهارا نیکان‌دردست گیرند وهمان‌است که فارابی ازآن بمدینه فاضله وشیخ رئیس بسیاسةالاخیار یاریاست شریف وابن رشد بریاسةالملك یاریاسةالاخیار (دوبخش سیاست جودت تسلط) تعبیر نموده‌اند. افلاطون درکتاب «سیاسی» بند۳۹و۴۰و۴۱ (۳۰۰-۳۰۴) میان اریستوکراسی و پادشاهی جدائی نهاده ودرنامه هفتم بند d۳۲۶ باز ازسه دولت تیرانی والیگارشی ودموکراسی ودولتی که برپایه دادگری وبرابری نهاده شده باشدیاد نمود باز در کتاب نوامیس بند۷۱۰ ازدولتهای تیرانی ومنارشی و دموکراسی والیگارشی یاد کرده و گفت که حکومت کامل آنست که آئین گذاردرستی در آن‌باشد ونیرومندان کشوربا آن همکاری کنند.

[۹۰۷]

۲۴۰ این نسخه شماره۱۳دفتروفهرست آن‌شماره۱۲آن وبنسخ روشن نوشته‌شده است. گ۸۱الف - ۱۰۶الف.

آغازچنین‌است: احصاءالابواب‌التی فی‌مختصر کتاب‌المدنی. الباب۱ فی‌الشئی الذی ینبغی ان‌یعتقدفیه انه‌هوالله-الاراءالتی فیهااراءالملل(منهاینبث‌الملل)الضالة(فهرست ۱۸باب کتاب)هذا کتاب‌الفه ابونصرالفارابی‌وهومحمدبن محمدفی‌مبادی‌اراء اهل‌المدینة الفاضلة. بسمله الموجودالاول هوالسبب‌الاول لوجود سایرالموجودات - وانجام چنین: ولایجعل شیئامحالااصلا. تم‌الکتاب بعون‌رب‌الارباب ومسبب‌الاسباب-دربارهٔ چاپهای اینکتاب بنگرید به‌ص۸۲همین فهرست.

[۷۵۳] **محاسبهٔ نفس (رسالهٔ ...)** (فارسی)

دراین‌رساله ازمحاسبه نفس بروش عرفانی گفتگوشده ودر آن ازشیخ‌عبدالله

خفیف (ابوعبدالله محمد بن خفیف بن اسفکشاذ دیلمی نیشابوری شیرازی عارف م ۳۷۱)
یاد گردید .

آغاز: بسمله ... احمد واصلی واسلم . اعلم یا اخی وحبیبی ... اینکه از کلمات
یکی ازاکابر است که فرمود سرمایهٔ تودل است ووقت تو .

٥ **انجام** : که خوش گفت آنکه گفت : هر نکته مشکل که ترا در پیش است؛ از حق
طلب، از کس نه ، گرت تمکین است. کوشش مدارتا زجائی گوید ؛ کانرا ره و رسم
آشنائی اینست . وهو حسبنا ونعم الوکیل .. و وصلنا وایاکم الی ذروة الکمال انه
لماشاء فعال .

[۹۰۸]

۱۰ این نسخه شماره ۲۳ دفتر وبخط تعلیق محمد علی بسال ۱۳۰۲ میباشد . گ
۴۳۱ ۳۹٦ ب – ٤۰۱ الف . این رساله در دنبال رساله های بابا افضل در ایندفتر
نوشته شده است .

[۷٥٤] محاسبة النفس (عربی)

دانشمند علی بن طاوس حلی (٥۸۹–٦٦٤) این نامه را درچهار باب هریك درچند
۱٥ فصل در باره محاسبه نفس پارسایان از روی خبرهای شیعی نگاشته و در دیباچه
می گوید گرچه درنگارشهایم این مطلب را گنجانده‌ام ولی شاید بدست نیازمندان نرسد
این بود که جداگانه بدین نامه پرداختم . بجز کتابهای شیعی از تاریخ نیشابور حاکم
نیز میآورد . این نامه بچاپ هم رسیده (طوس ج۲ ص۳٤٦) .

آغاز: بسمله . یقول علی بن موسی بن جعفر بن محمد الطاوس العلوی الفاطمی ...
۲۰ احمدالله جل جلاله الذی ابتدانی بالجود والوعود و ربانی بظهور الاباء والجدود ...
فانی رایت الایات والروایات شاهدة بماتقضی محاسبة الانسان لنفسه .

انجام: وهذا آخر ماأردنا ذکره فی هذه الابواب فیما یقتضی الاستظهار والسلامة
من الغفلات والعتاب یوم الحساب فبشر عبادی الذین یستمعون القول ... هم اولوا الالباب
والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین .

[۹۰۹]

۸۸۱ این نسخه شماره ۳ دفتر و بخط نسخ باعنوانهای شنگرف نزدیك بسال ۱۰۰٤ گ ۳ب ـ ۱۱ الف. شماره چهارم دفتر تفسیری‌است ازشهید یکم بر «سبحان‌الله والحمدلله ... والله اکبر» بهمان خط گ ۱۱ب ـ ۱۲الف .

[۷۵۵-۷۵۷] المحجة البيضاء في احياء الاحياء (عربی) ۵

دانشمند فرزانه‌شیعی فیض کاشانی (۱۰۰۷ـ۱۰۹۱) ازروی احیاء علوم‌الدین غزالی طوسی این کتاب‌را نوشته وبا انداختن داستانهای صوفیانه واخبار نادرست‌و آوردن خبرهای شیعی بجای روایتهای سنیان آنرا زنده نمود ودرست هم توانست ازعهده آن‌برآید. این‌نگارش مانندا حیاء دارای چهار بخش‌است : «عبادات ـ عادات مهلکات ـ منجیات» هریك درده کتاب. اودرآغاز بخش نخستین میگوید:«که‌غزالی ۱۰ احیاء راهنگامی نوشت که هنوزشیعی نشده‌بود ومن‌آنرا دراین کتاب پاکیزه‌ساخته خبرهای شیعی درآن میآورم وچیزهائی هم برآن میافزایم . غزالی چنانکه ازسرـ العالمین او برمیآید درپایان زندگی‌بآئین شیعی گرائید وابن‌جوزی هم بدان‌گواهی داد » .

۱۵ [۹۱۰]

۱۰۵۳ این نسخه ربع عبادات وبخش یکم کتاب است وبخط نسخ پاکیزه بانشانه‌ها وعنوانهای شنگرف ازمحمد شفیع فیروزآبادی قاینی درپایان محرم۱۱۱٤ وچنین است : «بسمله وبه‌نستعین‌الحمدلله تعالی‌اولا حمدا کثیراً دائماً متوالیاً ـهذا آخر الکلام‌فی کتاب‌ترتیب‌الاوراد ... وبتمامه تم‌ربع‌العبادات من‌المحجه‌البیضاء‌فی تهذیب‌الاحیاء ویتلوه ... فی‌ربع‌العادات کتاب اداب‌الاکل‌والحمدلله اولاوآخراًوظاهراً ۲۰ وباطناً» نسخه‌ای ازاین ربع‌بخط نسخ‌خوش پیش از۱۱۱۷ وازربع عـادات بخط نسخ تاریخ ۱۱۰۰ نزد دانشمند گرامی آقای‌حکمت آل‌آقا هست.

(۲۰۲س) ـــ کاغذ سپاهانی ـــ جلد تیماج ضربی سرخ مقوائی فرسوده

اندازه : ۱۸×۱۴ و۳ ×۱۱ س۱۷

۲۵ [۹۱۱]

۱۰۵٤ این نسخه ربع مهلکات وبخش سوم‌آن وبخط نسخ در جدول شنگرف و با عنوانهای شنگرف تاریخ ۱۲۸٦ میباشد وچنین است: «بسمله الحمدلله‌الذی

تتحیردون ادراك جلاله القلوب والخواطر ـ هذا آخر الکلام فی کتاب ذم الغرور بتمامه تم ربع المهلکات من المحجة البیضاء فی احیاء الاحیاء ویتلوه... فی ربع المنجیات کتاب التوبة والحمدلله... بمحمد واله ... الطاهرین» بخط تعلیق دارد «فی یوم الجمعه رابع وعشرین شهر ذی قعدة الحرام سنة ١٢٨٦... قلمی شد ... »

٥ (۲۳۰گ)– کاغذ فرنگی–جلد تیماج زردضربی متوالی
اندازه:۵/۲۱×۵/۳۱و۱۴×۲۲س۲۲

[٩١٢]

٣٩٧ این نسخه ربع منجیات وبخش چهارم آن وبخط نسخ درجدول و با عنوانهای شنگرف که درشوشتر بامداد روز یکشنبه ٢٩رمضان سال ١٢٨٦ نوشته شده و

١٠ چنین است : « بسمله الحمدلله الذی بتحمیده یستفتح کل کتاب وبذکره یصدر کل خطاب وان یتفضل علینا کما هواهله بمنه وسعة جوده ورحمته . اللهم عاملنا بعفوك ولا تعاملنا بعدلك وتم کتاب ذکر الموت ومابعده من المحجة البیضاء فی احیاء احیاء علوم الدین وهو الکتاب العاشر من الربع الرابع الـذی فی المنجیات وبتمامه تم کتاب المحجة بکتبه الاربعین جمیعا والحمدلله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین» در پایان همان

١٥ خط تعلیق ش١٠٥٤ که تاریخ را میرساند دیده میشود وایندو نسخه بیك خطاست .

این بخش بازپسین را مهدی بن محمدابراهیم خوانساری درتهران چاپخانه آقامیرزا علی اصغر بسال ١٣٤١ ازروی خط سلمان بن ملا احمدطالقانی مرجانی تاریخ١٣٢٦ بچاپ سنگی رساند .

(۳۴۷گ)– کاغذفرنگی- جلدتیماج ضربی متوالی
٢٠ اندازه: ۵/۲۱×۵/۳۱ و۱۴×۲۲س۲۲

[٧٥٨] مرصاد العباد من المبدء الی المعاد (فارسی)

این نگارش درپنج باب ودرسلوك عرفانی واخلاق است که نجم الدین دایه ابوبکر عبدالله بن محمدبن شاهاور رازی برای سلطان علاءالدین کیقباد یکم (٦١٦ـ٦٣٤) فرزنـد کیخسرو پسر قلج ارسلان سوم از فرمانروایان سلجوقی آسیای کوچك

٢٥ نگاشته وآنرا دررمضان ٦١٨ درقیصریه آغاز ودرروز دوشنبه یکم رجب سال ٦٢٠ درسیواس بپایان رساند. این عارف درتهران زاده وشاگرد شیخ ابوسعید مجدالدین شرف بغدادی و پیرو شیخ نجم الدین کبری بوده وبسال ٦٥٤ در شونیزیه بغـداد درگذشت .

گزیده‌ای ازهمین کتاب بپارسی بنام « تلخیص مرصاد العباد فی کشف سر الایجاد »
درتهران بسال ۱۳۰۱ باندازه بغلی چاپ‌سنگی شده از آن نجم الدین کبری پنداشتند.
دیباچه‌ای درسر گذشت همو نیز با آن هست . گزیده‌ای از آن بتـازی نیز دربرلین
هست (ش ۳۰۰٦ فهرست اهلورث)(۱) .

۵ [۹۱۳]

۴۰۴ این نسخه بنسخ وچاپ سنگی سال ۱۳۱۲ تهران است باآغاز وانجام یاتذکره
خواجه طوسی بسال ۱۳۱٤ وشمس العرفا حسین عارف پیروشاه نعمة الله بخط
خود بر آن حاشیه نوشته و نسخه را تصحیح نمود .
(۲۷۲+۱۴ص) ـ کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج متوالی
۱۰ اندازه : ۱۷×۲۳

[۷۵۹] مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة والاولاد (عربی)

دانشمند پارسای شیعی زین الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی (۹۱۱-۹٦٦)
این نامه را دردلجوئی از آسیب زدگان و داغ دیدگان دریك مقدمه و چهارباب و
یك خاتمه نوشته ودلیلهای عقلی وحدیثها در آن آورده ودر نیمه روز آدینهٔ یکم
۱۵ رجب ۹۵٤ آنرا بپایان رساند . این نامه درتهران بسال ۱۳۱۰ با « اوزان المقادیر »
مجلسی بچاپ رسید و میرزا اسماعیل خان مجدالادباء خراسانی آنرا بپارسی کرد
که درطوس بسال ۱۳۲۱ بچاپ سنگی رسید (فهرست طوس ج ۲ ص ۳٤٦ و ۳۵۰)

[۹۱٤]

۱۰۱۷ این نسخه شماره ۲ دفتر بخط نسخ حسین بن مسلم بن حسین بن محمد شهیر با بن
۲۰ شمیر عاملی نزدیك ۹۵٤ است . اوهمانست که ش ۱ دفتر (منیة المرید) را هم
نوشته وشاگرد شهید میباشد . دراین نسخه ازمقدمه هست واندکی از باب دوم
وسوم وچهارم . باب ۱ در آن نیست و بدینجا میانجامد: «عن السائب بن یزید ان النبی ص

۱ـ بنگرید به : مرصاد العباد چاپ سربی شمس العرفا درتهران بسال ۱۳۱۲/۱۳۵۲
فهرست طوس ج ۲ و ٤ ـ فهرست مجلس ج ۲ ـ فهرست ریوج ۱ ص ۳۸ وج ٤ ش ۱۷ ـ
۲۵ نفحات الانس جامی .

لمامات ابنه الطاهر ذرفت عينه ... فقال ص العين تذرف وان الدمع يغلب» در گ ۷۳ ب
بخط دیگری دارد «تمت ۹۵٤»ـ گ ۵۹ب ـ ۷۵ب . در گ ٦۹ الف دارد : « تم بلغ
قراءة وفقه الله تعالی» و بخط همان شهید است . علی بن محمد حسین موسوی شوشتری
در ۱۵ ج ۲ سال ۱۲٦۸ (گ ۱ الف) وعلی بن حسین بن محمدعلی بن زین الدین موسوی و
۵ علی محمد موسوی (رویهٔ برگ پیش از آن) ازدارندگان نسخه بوده‌اند .

(همهٔ دفتر ۷۵) — کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج زرد تازه
اندازه: ۱۴×۵ر۱۸ و ۵ر۸×۱۴ س ۱۷

[۷٦۰] من لا یحضره الانیس (فارسی)

ازشیخ محمدبن حاج ملامؤمن هروی مدرس آستان طوس که در آن بفرزند
۱۰ خویش هدایةالله اندرزهائی می‌دهد خودمانی وخانگی و بسیار ساده و پندها جدااز
هم وپیوستگی ندارد ودیباچه‌ای در آن هست. زندگی آن روزگار بخوبی از آن
پیدا است .

آغاز: نورچشم از باب اینکه به بچه ها بگوئی کتاب من پشت کتابش هم حاشیه
دارد و کتابهای شماندارد اسم این حاشیه‌را حاشیه پشت کتابی بگذار... بسمله. نور
۱۵ چشم هدایةالله بموافقت بعضی ازطلاب محض اینکه نگوئی چرا کتاب من پشت کتابی
ندارد گوش نما (گ ۲ب) .. بسمله الحمدلله الذی عرفنی نفسه ... نورچشم هدایةالله
اولا خداوند عالم تورا عالم ربانی نموده بکمال عمرطبیعی رساند بمحمد ... و ثانیاً
آگاه باش ... (گ ٤ب) .

انجام : اطفأالسراج فقدطلع الصبح وتمت کلمة ربك صدقا وعدلا (۲۰ الف) .

۲۰ [۹۱۵]

۱۳٤ این نسخه بنسخ وعنوانهای «نورچشم» بشنگرف وحاشیه‌ها بتعلیق است نویسندهٔ آن
ابوتراب موسوی گلپایگانی بسال ۱۳۲۱ میباشد . حاشیه‌هائی در آن هست بخط
هموکه پندهائی است بنام «نورچشم» ـ درپایان خط تعلیق نگارنده (هروی)
دیده میشود : « هذابعض مقالاتی فی اللیل الالیل وانا العبد الاقل خادم کشیك الاول فی
۲۵ آستان المقدس الرضوی الشیخ محمدبن جناب الحاج ملامؤمن الهروی اوتیا کتابهما یمینیا
وحو سباحسابا یسیرا» .

(۳۵۳گ)— کاغذ فرنگی ـ جلد تیماج سبزیك لاو ضربی
اندازه: ۱۵×۲۲و۵ر۷×۵ر۱۳س۱۳

[۷۶۱] **منهاج النجاة** (عربی)

نگارش فیض کاشانی (۱۰۰۷ـ۱۰۹۱) که بدرخواست یاران و بروش غزالی نوشته و آنچه را که همگان می‌باید بدانند ومایهٔ رستگاری در رستاخیز است در آن گزارش داده ودر ۱۰۴۲ بپایانش رسانده (کشف الحجب ص۵۶٦) . ۵

ایندفتر کوچك دارای یك‌مقدمه‌ودومقصد (اعتقادات کلامی ـ اعمال‌وعبادات فقهی وخلقی) هردو درپنج باب وهریك چند هدایه میباشد .

درهدایهٔ دوم باب طاعات قلب مقصددوم ازاعتقادات خواجه طوسی(ص۵۳۱ اینفهرست) وشرح ارشاد اردبیلی یادکرده ودرپایان همین باب‌به‌المحجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء خویش بازگشت داد . ۱۰

اینکتاب باخلاصة‌الاذکار وبشارة‌الشیعة ومرآة‌الاخره وضیاءالقلب درتهران در۱۳۱۱ بنسخ چاپ سنگی شد (ج٤ص۳۵۷طوس) نیز با علم‌الیقین وعین‌الیقین او (۳۰۳/۲) وسرگذشت فیض از مسیح‌بن علی‌اکبر حسینی سمنانی (۱۳۱۲) ومرآة الاخرة او (۱۳۰۳) بکوشش آقا مشهدی عباس کتابفروش در تهران بسال ۱۳۱٤ بنسخ چاپ سنگی شد . ۱۵

آغاز: الحمدلله‌الذی‌هدانا للدین‌القویم‌والنهج‌المستقیم ... فیقول... محمدبن المرتضی‌المدعو بمحسن ... هذاکتاب منهاج‌النجاة .

انجام : وایاك‌ثم‌ایاك ان‌تکون من‌الفریق‌الثالث فتهلك هلاکالایرجی‌فلاحك ولاینتظر صلاحك (انتهی کلامه اعلی‌الله مقامه . هذاانتهاء منهاج‌النجاة) . ۲۰

[۹۱٦]

۱۰۹۲ این نسخه بنستعلیق باعنوانها ونشانه های شنگرف از محمد سنجربن محمد کاظم‌در۱۷ جمادی‌دوم سال۱۰۷۱ میبا شدوچهارجاحاشیه‌دارد که به «منه‌مدظله العالی ـ منه ـ منه‌دام‌ظله‌ـ‌منه‌مدظله» پایان میبابد گ۱ الف‌ـ۱۲الف ـ۲۵ ب ـ ۲٦الف» وشعر هائی بپارسی درکنار برگها دیده میشود . نزدیك بیك‌صفحه از ۲۵

دیباچه‌را ندارد وچنین است آغاز آن : «والکف عن المعاصی الواضحة الفاضحة ...فههنا مقصدان... المقصد الاول» .

(۳۶۴ف) کاغذ سمرقندی --جلد تیماج سرخ ضربی دریکسوی

اندازه : ۱۱٫۵×۱۸٫۵ و۶٫۵×۱۲٫۵س۱۸

۵ [۷۶۲] **منیة المرید فی ادب المفید والمستفید** (عربی)

این دفتر که روش آموزش وپرورش دانشمندان دینی را بخوبی نشان میدهد از دانشمند شیعی شهید دوم زین الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی (۹۱۱-۹۶۶) می باشد که در نیمهٔ روز پنجشنبه ۲۰ ع۱ سال ۹۵۴ آنرا بپایان رساند ودریك مقدمه و ٤ باب ویك خاتمه میباشد . شهید در آن هرگونه دستوریکه دانشجویان از آغاز کار ۱۰ تاگاهیکه بپایگاه روایت ونگارش وتدریس یاقضاوت یا افتاء برسند باید بکار بندند آورد . این کتاب چنانکه شهید دردیباچه میگوید پاره‌ایست از «منار القاصدین فی اسرار معالم الدین» او که بنوشتن آن میپرداخت وبپایان نرسیده بود. شهید چنانکه دردیباچه میگوید دراین نگارش از سخن خدا وپیامبر وپیشوایان وفرزانگان و دانشمندان بهره برده است.

۱۵ منیة المرید رادردنبال روض الجنان همین شهید در شرح برارشاد الاذهان علامهٔ حلی، حاج شیخ محمدرضا تهرانی بسال ۱۳۰۷ بخط نسخ بچاپ سنگی رساند وپیش ازآن دربمبئی درمطبع حسینی بسال ۱۳۰۱ بچاپ رسیده بود بازدرتهران کتابخانه بوذرجمهری آنرا بسال ۱۳۶۸ بچاپ رساند که بانسخهٔ ماهم برابرشده وکلیشهٔ خط شهید وخط نویسندهٔ نسخهٔ ما درپایان آن دیده میشود. منیة المرید درمجله آموزش ۲۰ وپرورش درش۵ سال ۱ تاریخ مرداد ۱۳۰٤ ص۲۰-۳۲ شناسانده شده و گزیده‌ای از آن بپارسی در آن دیده میشود(۱) .

۱- درباره آموزش وپرورش اخوان صفا ومشکویه درطهارة الاعراق وترتیب السعادات وابن سینا درسیاست وغزالی دراحیاء وجز آن وابن خلدون درمقدمه ودانشمندان دیگر سخن رانده‌اند . نویسندگان درایة الحدیث نیز بخشی از آنرا آورده‌اند. مانند مقدمه ۲۵ یاکتاب علوم الحدیث ابن صلاح ابی عمر عثمان شهرزوری شافعی م ٦٤٣ دربارهٔ اداب

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[٩١٧]

١٠١٧ این نسخه شماره ۱ دفتر است و بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف از حسین
بن مسلم بن حسین بن محمد شهیر با بن شعیر عاملی که ماناشاگرد شهید است و
در نیمهٔ روز پنجشنبه ۲۳ ج۱ سال ۹۵٤ درست دوماه و سه‌روز پس از نگارش
شهید آنرا بپایان رساند. در رویهٔ برگ نخستین شهید نام خود «زین الدین بن علی بن احمد
شامی عاملی» و نام کتاب «منیة المرید فی ادب المفید والمستفید» را بخط خود نوشته و
زیر آن تاریخ ۹۵۹ دیده میشود. در کنار صفحه‌ها چندجا بخط شهید دارد «بلغ سماعا
وفقه الله تعالی» گ۷ب ۱۲ب ۲۵الف ۲۹الف ۳۲الف ۳۷الف ٤۳الف ودر کنار گ۵۸
الف درپایان کتاب باز بخط هم دارد که این کتاب را او (همین نویسندهٔ نسخهٔ ما) درچند
هنگام از من شنیده و نزدمن آنرا درست نموده که بازپسین آنها تاریخ روز پنجشنبه ۲ ذی
قعده سال ۹۵٤ میباشد. شهید در اینجا ازخود بمانند بالا یاد میکند. کلیشهٔ همین خط در
پایان چاپ ۱۳٦۸ آمده است. در گ ۱٤ب و ۱۵ الف حاشیه‌هائی بخط تعلیق دارد که
بنام «صالح ره» میانجامد:

نسخه از آغاز داردتا امر ۸ قسم ۲ نوع ۳ باب ۱ (برابر باس ۷ ص ٤۳ چاپ ایران)
آنگاه میرسد بامر ۱۸ قسم ۳ نوع ۳ باب ۱ (س ۱٤ ص ۵۱) تااندکی از آغاز باب ۲ (س ۹ ص
۵۳) سپس اندکی از باب ٤ (میانه مسئله ۱ تا میانه مسئله ٦ برابر باس ۲۵ ص ٦۸ تاس ۲۱
ص ٦۹) میآید آنگاه میرسد بمیانهٔ مطلب ۱ خاتمه (س ۹ ص ۷۸) تاپایان کتاب پس افتادگی
نسخه بسیار است. گ۱ب–۵۸الف.

بقیه حاشیه صفحه قبل

محدث وطالب حدیث (چاپ مطبعه السعادة مصر ۱۳۲٦) والتقریب والتیسیر لمعرفة سنن
البشیر النذیر ازمحیی الدین یحیی نووی دمشقی شافعی (٦۳۱–٦۷٦) (چاپ‌شده درآغاز
شرح کرمانی برصحیح بخاری).

صوفیان هم از پرورش مرید واداب آن یـاد کرده‌اند. در کتابهای فقهی جسته
گریخته برخی از آن دیده میشود. گفتاری نیزدرجاویدان خرد مشکویه (ص ۸–۲۷۰)
بنام «وصیة افلاطون فی تادیب الاحداث» ترجمه اسحاق بن حنین آمده است.

پیش ازشهید درمیان شیعیان خواجه طوسی «اداب المتعلمین» نوشته و در میان
سنیان بـویژه قاضی القضاة شیخ الاسلام بدرالدین محمدبن ابی اسحاق ابراهیم بن ابی
الفضل سعدالله بن جماعه حموی شافعی پارسای محدث مفسر خطیب شاعر (حماة ع۲ سال

بقیه‌حاشیه درصفحه بعد

نگارشی است در کشورداری آمیختهٔ با آیات واخبار ودرده باب: «دادگری ـ خلافت ـ پادشاهی وفرمانروائی ـ رفتار شاهان بامردم ـ رفتاروزیران ونوابان و نویسندگان ودیوانیان ـ رفتاردانشمندان ومفتیان واندرزگران و داوران ـ رفتار توانگران ـ رفتار دهگانان وسران وکشاورزان وروستائیان ـ رفتارسوداگران‌و بازرگانان . رفتارپیشه‌وران و هنرمندان .

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

٦٣٩ ـ مصرج١سال٧٣٣) را میتوان نامبرد که «تذکرةالسامع والمتکلم فی آداب العالم والمتعلم» را در٥باب نگاشته ودر١٤ ذی‌حجه سال٦٧٢ بپایانش رساند.شهید گویا این کتاب‌را دردست داشت وبسیاری ازجاها ازآن بهره برد (بنگریدبه : ص٢٥ و٣٢ و٣٣و٦٩و٧٤ منیهٔ چاپ ایران وص١٧و٣١و٣٤و١٦٤و١٩١ تذکره چاپ‌دائرة المعارف عثمانی دکن در١٣٥٣) .

تذکره ومنیه ازرهگذر ترتیب منطقی وبخش‌بندی مطلبها بسیار پسندیده وسخنان خشك‌وظاهری قابسی وزرنوجی‌درآنها دیده نمیشودچنانکه زرنوجی میگوید:«وینبغی ان لایکون فی‌الکتاب شئی من‌الحمرة فانها صنیع‌الفلاسفة لاصنیع‌السلف» (اهوانی ص٢٢٠ وحاشیه تذکره ص١٩١) ولی درآندو دارد که شایسته است نشانه‌ها وعنوان های‌کتاب‌را بسرخی نوشت ومتن‌را باسرخی ازشرح جدانمود (ص١٩١ تذکره وص ٧٤ منیه) .

ایندانشمندان نیزدربارهٔ آموزش وپرورش نگارش دارند که ازرهگذر تاریخ آن بسیار ارزنده است :

١ـ محمدبن سحنون مالکی مغربی قیروانی م٢٦٥ در«اداب‌المعلمین ممادون محمد بن‌سحنون عن‌ابیه» درنه بخش وبسیارکوچك که‌استادحسن‌حسنی عبدالوهاب درتونس بسال١٣٤٨ در٦٤ص با٣٨ص دیباچه خودبچاپ رساند . قابسی ازآن بهره برد.

٢ـ فقیه ابوالحسن علی‌بن محمدبن خلف قابسی قیروانی مالکی (٣٢٤- ٤٠٣) در «الرسالة‌المفصلة لاحوال‌المعلمین والمتعلمین» که احمد فؤاد اهوانی‌آنرا با دیباچه‌ای بنام «التعلیم فی‌رای القابسی» در قاهره مطبعة لجنة‌التالیف والترجمه والنشر بسال

بقیه حاشیه درصفحه بعد

جعفربن اسحاق آنرا بنـام « میزان‌الملوك والطوائف وصراط المستقیم فی سلوك الخلائف» و بدرخواست حسام‌السلطنه محمد تقی‌میرزا نگاشته است.

آغاز: بسمله . الحمدلله رب‌العالمین بالربوبیة‌الظاهرة ... و بعد ... جعفربن ابیه اسحق بعرض اهل‌مودت‌ووفاق میرساندکه این‌مختصری است ... دربیان‌میزان درمملکت‌داری‌ملوك واهل‌خلافت... که بطلب... شاهزاده...حسام‌الدین‌والسلطنة... محمدتقی میرزا ... بقلم دوزبان تحریر ... مییابد .

انجام: بی‌جمال یوسف و بی‌عشق‌یعقوب‌از گزاف- تو نیائی‌نایدازهر پیرهن- الحمدلله‌رب‌العابدین .. واختم‌لنا ... خاتمة خلفائك ... آمین یارب‌العالمین .

بقیه حاشیه از صفحه قبل

در۲ — ۲٤۰و۲٤۲ـ۳۱۸ص بچاپ رسانده این کتاب چنانکه از نامش پیدا است (۱۳٦٤ / ۱۹٤٥) درباره آموزش کودکان و کوچك است .

۳ ـ ابن عبدالبر جمال‌الدین یوسف‌بن عمر قرطبی نحوی محدث (۳٦۸ـ٤٦۳) در« جامع بیان‌العلم وفضله وماینبغی فی‌روایته وحمله» ازاین مسئله یاد نمود (چاپ‌مصر بسال۱۹۲۸) .

٤ ـ برهان‌الدین زرنوجی م۵۹۱ کتاب کوچکی دارد بنام « تعلیم‌المتعلم طریق التعلیم» که چندان دقیق نیست‌وسخنان عامیانه وظاهری درآن‌هست ودرمطبعه‌رحمانیه بسال۱۹۳۱ در ۷۹ص‌بچاپ رسید و بلاتینی‌هم ترجمه گردید .

۵ـ ابن‌عدیم ابوحفص کمال‌الدین‌عمرفقیه محدث‌حلبی(۵۸٦ـ٦٦۰) در« الدراری فی‌ذکرالذراری» چاپ مطبعة‌الجوائب قسطنطنیه در۱۲۹۸.

٦ ـ ابی‌الفرج‌زین‌الدین عبدالرحمن بن احمدبن‌رجب‌بغدادی دمشقی حنبلی(۷۰٦ ـ ۷۹۵) در«فضل‌السلف علی‌الخلف» چاپ مطبعه منیریه ازهر .

۷ ـ شیخ‌الاسلام ابی‌زکریا انصاری (م۹۲٦) در«اللؤلؤالنظیم فی‌روم‌التعلیم» که درآن ازغزالی بهره برد .

۸ ـ احمدبن حجرهیتمی (م۹۷۳) در« تحریرالمقال فی‌اداب واحکام‌مایحتاج‌الیه مؤدبوالاطفال» .

بقیه حاشیه درصفحه بعد

[٩١٨]

۳۵۹ این نسخه بخط نسخ باعنوانها و نشانه‌های شنگرف درپنجشبه۹ع۱ ودرروزگار نگارنده نوشته شده است ودرپایان دارد : «من تألیفات مولانا ... آقائی آقـا سید جعفر مدظله العالی» .

۵ (۱۰۴گ) - کاغذ فرنگی- جلد تیماج سرخ پاکیزهٔ ضربی
اندازه : ۱۳×۲۱ و۷×۱۷س۱۷

[٧٦٤] نزهة الاحباب فی معاشرة الاصحاب (عربی)

این نامهٔ درزیبا شناسی ودستور زناشوئی وهمنشینی وخنیاگری و میگساری و خرید برده‌ودرمان بیماریهای جنسی‌مردانه و زنانه میباشد و در آن میان دوگونه
۱۰ عشق سنجش شده در گزارش هر مسئله‌ای از عقل و شعر و حدیث وگفتار دانشمندان گواه آورده شده ودرباره زیبائی برهان ریاضی نیزدیده میشود (جملهٔ ۷جزء۱گ۱۸) شعرابی‌العلاء معری نیزدرآن آمده است. نامه دردوبخش است : ۱-علم‌در۱۲جمله(گ۱-۷۰)۲-عمل‌در۱۲جمله (۷۱-۱۰۴)که‌دراین‌بخش بهداشت جنسی ودرمان بیماریهای آن دیده میشود. جمله‌ها رویهم شصت‌باب‌دارند.نگارندهٔ
۱۵ آن ابونصر سموئل‌بن ابی‌البقا یحیی‌بن عباس مغربی اسرائیلی حاسب میباشد. اواز مردم مغرب ازپدری آشنای بفلسفه وروزگاری دربغداد بوده سپس بفارس آنگاه دردیار بکرو آذربایگان زیسته دردستگاه پهلوانیان کارکرده است. کیش یهودی

بقیه حاشیه ازصفحه قبل

۹ - برهان‌الدین اقصرائی در«رسالة فی‌التربیة والتسلیك» .

۲۰ ۱۰- شمس‌الدین انبابی در «ریاضة الصبیان» که«رسالة نادیب‌الصبیان» راازمشکویه درآن آورد .

(بنگرید به : دیباچه اهوانی برقابسی ــ حواشی تذکرة‌السامع) .

دانشمند عارف ابن‌الحاج ابوعبدالله محمدبن‌محمدبن‌محمدعبدری‌فاسی‌مالکی که‌پس ازهشتاد واندسال درقاهره در۷۳۷ درگذشت در«مدخل‌الشرع‌الشریف علی‌المذهب»
۲۵ کـه در۷۳۲ بپایانش رساند از آموزش وپرورش وآموزگار ودبستان گفتگو نمود (چاپ دوم درمطبعه وطنیه اسکندریه۱۲۹۳ درسه‌جلد ص۵۲-۱۷۹و۳۱۶-۳۵۸ج۱و ص۲-۳۳ و۱۵۵-۱۷۹ ج۲) .

داشت ودرذی‌حجه ۵۵۸ بآیین اسلام گرائید وازیهودیان خرده گرفت وتحریف تورات را روشن نمود. بسیارزیرك بود ودرریاضی ازدانشمندان زمان خویش برتری یافت وهندسه میدانست ودرجبر ومقابله سرآمد شد ودراین هنرنامه‌ها بپرداخت و در آنها از همزمان خویش ابن‌خشاب عبدالله بن احمد بغدادی نحوی آشنای بریاضی (م۵٦۷) خرده گرفت. او پزشکی هم میدانست و بفلسفه دانا بود . سال مرگش را ۵٦۷ و ۵۷۰ و ۵۷٦ و ۵۹۸ نوشته‌اند (۱). ولی ازسرگذشت او و تاریخ نگارشهایش پیدا است که از ۵۵۸ تا ۵۷۰ بنوشتن کتابهای علمی میپرداخت فرزندانش هم درمراغه پزشك بوده‌اند .

باری این دانشمند اسرائیلی درپایان این نامه که درپشت نسخهٔ ما بخط کهنی «نزهة‌الاحباب فی معاشرة‌الاصحاب» نامیده شده میگوید که درعلمهای عقلی نامه‌ها

---

۱ ـ بروکلمن نام این نگارش را «نزهة‌الاصحاب فی معاشرة‌الاحباب» یادمیکند ومیگوید که نسخه‌ای ازآن درلایبتسیك ش۷۷٤ و برلین ٦۳۸۱ و گوتا ۲۰٤۵ و پاریس ۳۰۵٤ واسکوریال ۱/۸۳۰ وایاصوفیا ۲۱۲۱ هست. اینست نگارشهای دیگر او: التبصیر فی علم‌الحساب ـ الاجوبة‌الفاخرة ردا عن الملة‌الکافرة ـ غایة‌المقصود فی الرد علی النصارا و الیهود ـ افحام‌الیهود که درروز آدینهٔ سال ۵۵۸ بپایانش رساند (فهرست مجلس ج۲ ش۵۹۳/٤ ـ قاهره ج٦ ص ۱۱۳) ـ بذل المشهود فی اقناع‌الیهود ـ الباهر فی علم‌الحساب ـ المجیز المرضوی فی الحساب ـ فی کشف عوار المنجمین وغلطهم فی اکثر الاعمال والاغلاط که دراروپا واسلامبول وقاهره نسخه‌ای ازاینها هست (تاریخ بروکلمن ج۱ ص٦٤۳ و پیوست ج۱ ص۸۹۲)

خزرجی (ج۲ص۳۰) این نامه‌ها رااز او میداند : المفیدالاوسط در پزشکی که در۵٦٤ برای وزیر مؤیدالدین ابی اسماعیل حسین بن محمد نوشت ـ رسالة الی ابن خدود درمسئله‌های حساب وجبر ـ اعجاز المهندسین که درصفر ۵۷۰ برای نجم‌الدین ابی‌الفتح شاه غازی ملك‌شاه بن طغرلبك (گویا نجم‌الدین البی ارتقی فرمانروای ماردین ۵٤۷ ـ ۵۷۲) بپرداخت ـ الرد علی‌الیهود ـ القوامی درحساب هندی که در۵٦۲ نوشت ـ المثلث القائم‌الزاویة که بسیارخوب و برای شریف حلبی نگاشته‌است ـ المنبر درمساحت جسمهای گوهر های آمیخته برای دریافت نادانستهٔ آن ـ کتاب فی‌الباه (نیزاعلام زرکلی ج ۱ ص۳۹٤) درتاریخ قفطی ص۱٤۲ اورا سموئل بن یهوذا میخواند ومیگوید که مانا از اندلس میباشد ونامه‌هائی درپزشکی دارد .

نوشتم مگر اینکه دیدم کسی خریدار آنها نیست ناگزیر مانند مردم شدم و بدین نامه پرداختم . درجمله۲ جزء۱ میگوید که پیری هشتادساله ازدربانان اتابك نصرةالدوله بنام حاجب ماهرو دردژ روینذز (روئیندژ) درشعبان ۵۶۲ بنزد من آمد (گ ۵ الف) نیزمیگوید که زیستن درشهرهای مکه ومدینه وبغداد برنیروی باه میافزاید وسفارش
۵ میکنند که «اخبارالنساء» ابن حاجب نعمان و«جوامع اللذة» ابی نصر کاتب را بخوانید درهمینجا شعری ازسعدالدین ابوعبدالله بن شبیب مشرف مخزن در بغداد میآورد که برای اوخوانده است (پایان جمله۱ جز۲ گ ۷۲ الف) .

بگفته چلبی سموئل این نامه را برای ابوالفتح نورالدین محمدبن فخرالدین قره ارسلان ازفرمانروایان ارتقی حصن کیفا (۵۷۰ ـ ۵۸۱) نوشته است (در نسخهٔ ما
۱۰ نامش دیده نمیشود) .

آغاز : بسمله . الحمدلله الذی جعل رحمته للمذنبین ملاذا . وخلق لعباده آلاما و ملاذا وفطرغرائزالبشر علی الصبوة الی اتباع الشهوة تسخیرالضعیفهم وقویهم .

انجام : علی ان فصول هذا الکتاب الهزلیة ، غیرخالیة من فوائد جدیة ، ومواعظ خلابة ، للقلوب الصدیة ؛ ولامنفکة عن نصیحة نافعة ، وغیرة رادعة ، وتثقیف وادب .
۱۵ واستغفرالله ممایحبط العمل لدیه. واستوفقه لمایقرب الیه. تم الکتاب .

[۹۱۹]

۴۷۶ این نسخه بنسخ کهنه بااعراب وباعنوانهای شنگرف یابخط درشت ترمیباشد. در میان نسخه برخی جاها بخط نستعلیق تازه تر وپایان هم بدین خط است که دارای تاریخ پایان شوال سال ۱۰۲۲ میباشد . ونام نویسنده دراینجا خوانده نمیشود. خط
۲۰ صفحه۱ کهنه وفرسوده شده وبخوبی خوانده نمیشود.

پایان باب۳ جمله۹ جزء۱ (ادب المشاربة) ونیمهٔ نخستین باب۴ همین جمله (ادب السماع) ازنسخه افتاده است (میان گ ۳۵ و ۳۶) همچنین دنبالهٔ باب۵ همین جمله (ادب المنادمة) وآغاز باب ۶ آن (ادب المضاجعه) نیست (میان گ ۳۷ و ۳۸) نیزدنبال باب۷ این جمله (ادب المجامعة) وهمهٔ ۵ باب جمله دهم (خریداری برده) وباب۱ جملهٔ ۱۱ جزء۱ (خویهای
۲۵ پسندیدهٔ زن) وباب ۲ (خویهای زشت او) وآغاز باب سوم (پندها بمردیکه میخواهد زن بگیرد) ازهمین جمله در میان برگهای ۳۸ و ۳۹ افتاده است .

(۱۰۵گ) ـ کاغذ سمرقندی ـ جلد تیماج ضربی مقوائی
اندازه : ۵ر۷×۵ر۱۲ و۵ر۵×۵ر۱۱س۱۸

[۷٦۵] وسیلة النجاة الموصلة الی سبیل الهداة (فارسی)

ازمحمدبن عبدالنبی بن نعمةالله بحرانی کرمانی که برای فرمانروای کرمان مرتضی قلیخان پسر محمد اسمعیلخان نوری نگاشته ودراصول وفروع دین واخلاق میباشد ومانند احیاء غزالی ونوشته‌های فیض کاشانی آمیختهٔ باآیتها وخبرهااست. ۵

آغاز: بسمله سپاس مبرا ازقیاس پروردگاریرا بایدکه انوار حقیقت را ازصبح ازل پرتوافکن ساخت .

انجام: برتوفیق این کتاب مستطاب درهر باب الحمدلله رب العالمین ...حاصل شد فراغ ازاین کتاب . . درروز پنجشنبه بیست ونهم شهرشعبان المعظم ازسنهٔ هزار ودویست ونود و پنج هجری بردست ... محمدبن عبدالنبی کرمانی از آل نعمةالله بحرانی ... حامدا مصلیا مستغفرا . تمت . ۱۰

[۹۲۰]

٦۲۲ این نسخه شماره ۱ و بنسخ دردوجدول که کوچکتر آن دو برنك سرخ ولاجورد وبزرگتر لاجوردی تنهاوحاشیه‌ها میان آندواست ومتن درجدول کوچکتر . نویسندهٔ آن ملاحسین معلم ماهانی میباشد که درروزگار کرمانی بسال۱۲۹٦ آنرا نوشنه ونامش درشماره۲ دیده میشود. گ۱ب — ۲۳۰الف وفهرست آن پیش از آن آمده است . شماره دوم دو مطلب است (ذکر — دعا) درچند فصل وخود کرمانی میگوید که آنراپس از «وسیلة النجاة» نوشته‌ام وپیوست آنست وچنین میباشد :« بسمله الحمدلله رب العالمین ... اما بعدچنین گوید بنده خاطی جانی محمدبن عبدالنبی بن نعمةالله البحرانی ـ ومسلمین همگی بگذشتند برطوائفی که غیرایشانند . الحمدلله الذی جعل ختام هذاالکتاب ... ولاحول ... العظیم» گ۲۳۱ب ـ ۲۳۹ب . ۱۵ ۲۰

(۲۴۹گ) —کاغذفرنگی—جلدتیماج سرخ ضربی مقوائی
اندازه: ۲۱×۳۴ و۵ر۱۲×۲۴س۳۷

پایان بخش یکم ازجلد سوم

تااینجا گفتار پنجم از فهرست کتابهای فلسفی
کتابخانه دانشگاه تهران که استاد دانشمند ارجمند
جناب آقای سید محمد مشکوة بیرجندی بخشیده اند
بپایان رسید و گفتار های دیگر نیز از این پس
خواهد آمد .

گردآورنده و نگارندهٔ این فهرست: محمد تقی
دانش پژوه ـ از آمل تبرستان ـ تهران، یوسف آباد ،
کوی کارمندان .

فروردین ماه ۱۳۳۲ خورشیدی .

انتشارات دانشگاه تهران

شماره	عنوان	مؤلف
۱ -	وراثت (۱)	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲ -	A Strain Theory of Matter	» » محمود حسابی
۳	آراء فلاسفه در بارهٔ عادت	ترجمهٔ » برزو سپهری
٤ -	کالبدشناسی هنری	تألیف » نعمت‌الله کیهانی
٥ -	تاریخ بیهقی جلد دوم	بتصحیح سعید نفیسی
٦ -	بیماریهای دندان	تألیف دکتر محمود سیاسی
۷ -	بهداشت و بازرسی خوراکیها	» » سرهنگ شمس
۸ -	حماسه سرائی در ایران	» » ذبیح‌الله صفا
۹ -	مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات پارسی	» » محمد معین
۱۰-	نقشه برداری جلد دوم	» مهندس حسن شمسی
۱۱-	گیاه شناسی	» حسین گل گلاب
۱۲-	اساس‌الاقتباس خواجه نصیرطوسی	بتصحیح مدرس رضوی
۱۳-	تاریخ دیپلوماسی عمومی جلد اول	تألیف دکتر حسن ستودهٔ تهرانی
١٤-	روش تجزیه	» » علی اکبر پریمن
١٥-	تاریخ افضل ـ بدایع الازمان فی وقایع کرمان	فراهم آوردهٔ دکتر مهدی بیانی
١٦-	حقوق اساسی	تألیف دکتر قاسم زاده
۱۷-	فقه و تجارت	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۱۸-	راهنمای دانشگاه	—
۱۹-	مقررات دانشگاه	—
۲۰-	درختان جنگلی ایران	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۲۱-	راهنمای دانشگاه بانگلیسی	—
۲۲-	راهنمای دانشگاه بفرانسه	—
۲۳-	Les Espacs Normaux	تألیف دکتر هشترودی
٢٤-	موسیقی دورهٔ ساسانی	» مهدی برکشلی
٢٥-	حماسه ملی ایران	ترجمهٔ بزرگ علوی
٢٦-	زیست شناسی (۲) بحث در نظریهٔ لامارک	تألیف دکتر عزت‌الله خبیری
۲۷-	هندسه تحلیلی	» دکتر علینقی وحدتی

عنوان	مؤلف
۲۸- **اصول گداز و استخراج فلزات** جلد اول	تألیف دکتر یگانه حایری
۲۹- **اصول گداز و استخراج فلزات** » دوم	» » »
۳۰- **اصول گداز و استخراج فلزات** » سو	» » »
۳۱- **ریاضیات در شیمی**	» دکتر هورفر
۳۲- **جنگل شناسی** جلد اول	» مهندس کریم ساعی
۳۳- **اصول آموزش و پرورش**	» دکتر محمد باقر هوشیار
۳۴- **فیزیولژی گیاهی** جلداول	» دکتر اسمعیل زاهدی
۳۵- **جبر و آنالیز**	» » محمدعلی مجتهدی
۳۶- **گزارش سفر هند**	» » غلامحسین صدیقی
۳۷- **تحقیق انتقادی در عروض فارسی**	» » پرویز ناتل خانلری
۳۸- **تاریخ صنایع ایران** - ظروف سفالین	» » مهدی بهرامی
۳۹- **واژه نامه طبری**	» » صادق کیا
۴۰- **تاریخ صنایع اروپا درقرون وسطی**	» عیسی بهنام
۴۱- **تاریخ اسلام**	» دکتر فیاض
۴۲- **جانورشناسی عمومی**	» » فاطمی
۴۳- Les Connexions Normales	» » هشترودی
۴۴- **کالبد شناسی توصیفی (۱)** - استخوان شناسی	» دکتر امیراعلم - دکتر حکیم- دکتر کیهانی- دکتر نجم آبادی- دکتر نیك نفس- دکتر نائینی
۴۵- **روان‌شناسی کودك**	» دکتر مهدی جلالی
۴۶- **اصول شیمی پزشکی**	» » آ . وارتانی
۴۷- **ترجمه و شرح تبصرهٔ علامه** جلداول	» زین‌العابدین ذوالمجدین
۴۸- **اکوستیك «صوت» (۱)** ارتعاشات - سرعت	» دکتر ضیاء الدین اسمعیل بیگی
۴۹- **انگل شناسی**	» » ناصر انصاری
۵۰- **نظریه توابع متغیر مختلط**	» » افضلی‌پور
۵۱- **هندسه ترسیمی و هندسه رقومی**	» احمد بیرشك
۵۲- **درس اللغة والادب (۱)**	» دکتر محمدی
۵۳- **جانور شناسی سیستماتیك**	» » آزرم
۵۴- **پزشکی عملی**	» » نجم آبادی
۵۵- **روش تهیه مواد آلی**	» » صفوی گلپایگانی
۵۶- **مامائی**	» » آهی
۵۷- **فیزیولژی گیاهی** جلددوم	» » زاهدی

۵۸- **فلسفه آموزش و پرورش**	تألیف دکتر فتح‌الله امیرهوشمند
۵۹- **شیمی تجزیه**	» » علی‌اکبر پریمن
۶۰- **شیمی‌عمومی**	» مهندس سعیدی
۶۱- **امیل**	ترجمهٔ غلامحسین زیرک‌زاده
۶۲- **اصول علم‌اقتصاد**	تألیف دکتر محمود کیهان
۶۳- **مقاومت مصالح**	» مهندس گوهریان
۶۴- **کشت‌گیاه حشره کش پیرتر**	» مهندس میردامادی
۶۵- **آسیب شناسی**	» دکتر آرمین
۶۶- **مکانیك فیزیك**	» « کمال جناب
۶۷- **کالبدشناسی توصیفی(۲)** - مفصل شناسی	تألیف دکتر امیراعلم- دکتر حکیم- دکتر کیهانی - دکتر نجم‌آبادی- دکتر نیك‌نفس
۶۸- **درمانشناسی** جلد اول	تألیف دکتر عطائی
۶۹- **درمانشناسی** »دوم	» » »
۷۰- **گیاه شناسی** - تشریح عمومی نباتات	» مهندس حبیب‌الله ثابتی
۷۱- **شیمی آنالیتیك**	» دکتر گاگیك
۷۲- **اقتصادجلداول**	» » علی‌اصغر پورهمایون
۷۳- **دیوان سیدحسن غزنوی**	بتصحیح مدرس رضوی
۷۴- **راهنمای دانشگاه**	—
۷۵- **اقتصاد اجتماعی**	تألیف دکتر شیدفر
۷۶- **تاریخ دیپلوماسی عمومی** جلد دوم	» » حسن ستوده تهرانی
۷۷- **زیبا شناسی**	» علینقی وزیری
۷۸- **تئوری سینتیك گازها**	» دکتر روشن
۷۹- **کارآموزی داروسازی**	» » جنیدی
۸۰- **قوانین دامپزشکی**	» » میمندی‌نژاد
۸۱- **جنگل‌شناسی** جلد دوم	» مهندس ساعی
۸۲- **استقلال آمریکا**	» دکتر مجیر شیبانی
۸۳- **کنجکاویهای علمی و ادبی**	—
۸۴- **ادوار فقه**	» محمود شهابی
۸۵- **دینامیك‌گازها**	» دکتر غفاری
۸۶- **آئین دادرسی دراسلام**	» محمد سنگلجی
۸۷- **ادبیات فرانسه**	» دکتر سپهبدی
۸۸- **از سربن تا یونسکو**- دو ماه در پاریس	» » علی‌اکبر سیاسی
۸۹- **حقوق تطبیقی**	» » حسن افشار

٩٠- میکروب‌شناسی جلد اول	تألیف دکتر سهراب-دکتر میردامادی
٩١- میزراه جلد اول	» دکتر حسین گلاژی
٩٢- » » دوم	» » » »
٩٣- کالبد شکافی	» » نعمت‌الله کیهانی
٩٤- ترجمه وشرح تبصره علامه جلد دوم	» زین‌العابدین ذوالمجدین
٩٥- کالبد شناسی توصیفی (٣) - عضله شناسی	» دکتر امیراعلم-دکتر حکیم دکتر کیهانی-دکتر نجم‌آبادی- دکتر نیك نفس
٩٦- » » (٤) - رگ شناسی	» » » »
٩٧- بیماریهای گوش وحلق و بینی جلداول	تألیف دکتر جمشید اعلم
٩٨- هندسهٔ تحلیلی	» دکتر کامکار پارسی
٩٩- جبر و آنالیز	» » » »
١٠٠- تفوق و برتری اسپانیا	» » بیانی
١٠١- کالبدشناسی توصیفی - استخوان‌شناسی اسب	تألیف دکتر میر بابائی
١٠٢- تاریخ عقاید سیاسی	» » محسن عزیزی
١٠٣- آزمایش وتصفیه آبها	» » محمد جواد جنیدی
١٠٤- هشت مقاله تاریخی وادبی	» نصرالله فلسفی
١٠٥- فیه مافیه	» بدیع‌الزمان فروزانفر
١٠٦- جغرافیای اقتصادی جلد اول	» دکتر محسن عزیزی
١٠٧- الکتریسیته وموارد استعمال آن	» مهندس عبدالله ریاضی
١٠٨- مبادلات انرژی درگیاه	» دکتر اسمعیل زاهدی
١٠٩- تلخیص البیان عن مجازات القران	» سید محمد باقر سبزواری
١١٠- دو رساله - وضع الفاظ وقاعده لاضرر	» محمود شهابی
١١١- شیمی آلی جلداول تئوری واصول کلی	» دکتر عابدی
١١٢- شیمی آلی «ارگانیك» جلداول	» دکتر شیخ
١١٣- حکمت الهی عام و خاص	» مهدی قمشهٔ
١١٤- امراض حلق و بینی وحنجره	» دکتر علیم مروستی
١١٥- آنالیز ریاضی	» دکتر منوچهر وصال
١١٦- هندسه تحلیلی	» دکتر احمد عقیلی
١١٧- شکسته بندی جلد دوم	» دکتر امیر کیا
١١٨- باغبانی (١) باغبانی عمومی	» مهندس شیبانی
١١٩- اساس التوحید	» مهدی آشتیانی
١٢٠- فیزیك پزشکی	» دکتر فرهاد
١٢١- اکوستیك «صوت» (٢) مشخصات صوت - لوله - تار	» » اسمعیل بیگی
١٢٢- جراحی فوری اطفال	» » مرعشی

عنوان	مؤلف
۱۲۳- **فهرست کتب اهدائی** آقای مشکوة(۱)	تألیف علینقی منزوی تهرانی
۱۲۴- **چشم پزشکی** جلداول	» دکتر ضرابی
۱۲۵- **شیمی فیزیك**	» » بازرگان
۱۲۶- **بیماریهای گیاه**	» » خبیری
۱۲۷- **بحث در مسائل پرورش اخلاقی**	» » سپهری
۱۲۸- **اصول عقاید و کرائم اخلاق**	» زین العابدین ذوالمجدین
۱۲۹- **تاریخ کشاورزی**	» دکتر تقی بهرامی
۱۳۰- **کالبدشناسی انسانی(۱)** سر و گردن	» » حکیم و دکتر گنج بخش
۱۳۱- **امراض واگیر دام**	» » رستگار
۱۳۲- **درس اللغة والادب(۲)**	» » محمدی
۱۳۳- **واژه نامه گرگانی**	» » صادق کیا
۱۳۴- **ژنتیك یاخته شناسی**	» » عزیز رفیعی
۱۳۵- **حقوق اساسی** چاپ پنجم (اصلاح شده)	» » قاسم زاده
۱۳۶- **عضله و زیبائی پلاستیك**	» » کیهانی
۱۳۷- **طیف جذبی و اشعه ایکس**	» » فاضل زندی
۱۳۸- **مصنفات افضل الدین کاشانی**	» » مینوی و یحیی مهدوی
۱۳۹- **روانشناسی**	» دکتر علی اکبر سیاسی
۱۴۰- **ترمودینامیك (۱)**	» مهندس بازرگان
۱۴۱- **بهداشت روستائی**	» دکتر زوین
۱۴۲- **زمین شناسی**	» دکتر یدالله سحابی
۱۴۳- **مکانیك عمومی**	» » مجتبی ریاضی
۱۴۴- **فیزیولوژی** جلداول	» » دکتر کاتوزیان
۱۴۵- **کالبدشناسی و فیزیولوژی**	» دکتر نصرالله نیك نفس
۱۴۶- **تاریخ تمدن ساسانی** جلداول	» » سعید نفیسی
۱۴۷- **کالبدشناسی توصیفی(۵)** قسمت اول سلسله اعصاب محیطی	» دکتر امیر اعلم ـ دکتر حکیم دکتر کیهانی ـ دکتر نجم آبادی ـ دکتر نیك نفس
۱۴۸- **کالبدشناسی توصیفی(۵)** قسمت دوم اعصاب مرکزی	» » » »
۱۴۹- **کالبدشناسی توصیفی (۶)** اعضای حواس پنجگانه	» » » »
۱۵۰- **هندسه عالی** (گروه و هندسه)	تألیف دکتر اسدالله آل بویه
۱۵۱- **اندام شناسی گیاهان**	دکتر پارسا
۱۵۲- **چشم پزشکی (۲)**	» » ضرابی
۱۵۳- **بهداشت شهری**	» » اعتمادیان
۱۵۴- **انشاء انگلیسی**	» بازارگادی
۱۵۵- **شیمی آلی** (ارگانیك) **(۲)**	» دکتر شیخ
۱۵۶- **آسیب شناسی** (گانگلیون استلر)	» » آرمین
۱۵۷ **تاریخ علوم عقلی در تمدن ساسانی**	تألیف دکتر ذبیح الله صفا
۱۵۸ **تفسیر خواجه عبدالله انصاری**	بتصحیح علی اصغر حکمت

١٥٩	حشره شناسی	تألیف دکتر جلال افشار
١٦٠	نشانه شناسی (علم‌العلامات)	» » محمدحسین میمندی‌نژاد
١٦١	نشانه‌شناسی بیماریهای اعصاب	» » صادق صبا
١٦٢	آسیب‌شناسی عملی	» » حسین رحمتیان
١٦٣	احتمالات و آمار	» » مهدوی اردبیلی
١٦٤	الکتریسته صنعتی	» » محمد مظفری زنگنه
١٥٦	آئین دادرسی کیفری	» » محمدعلی هدایتی
١٦٦	اقتصاد سال اول (چاپ دوم اصلاح شده)	» » علی‌اصغر پورهمایون
١٦٧	فیزیک (تابش)	» » روشن
١٦٨	فهرست کتب اهدائی آقای مشکوة (جلد دوم)	» » علینقی منزوی